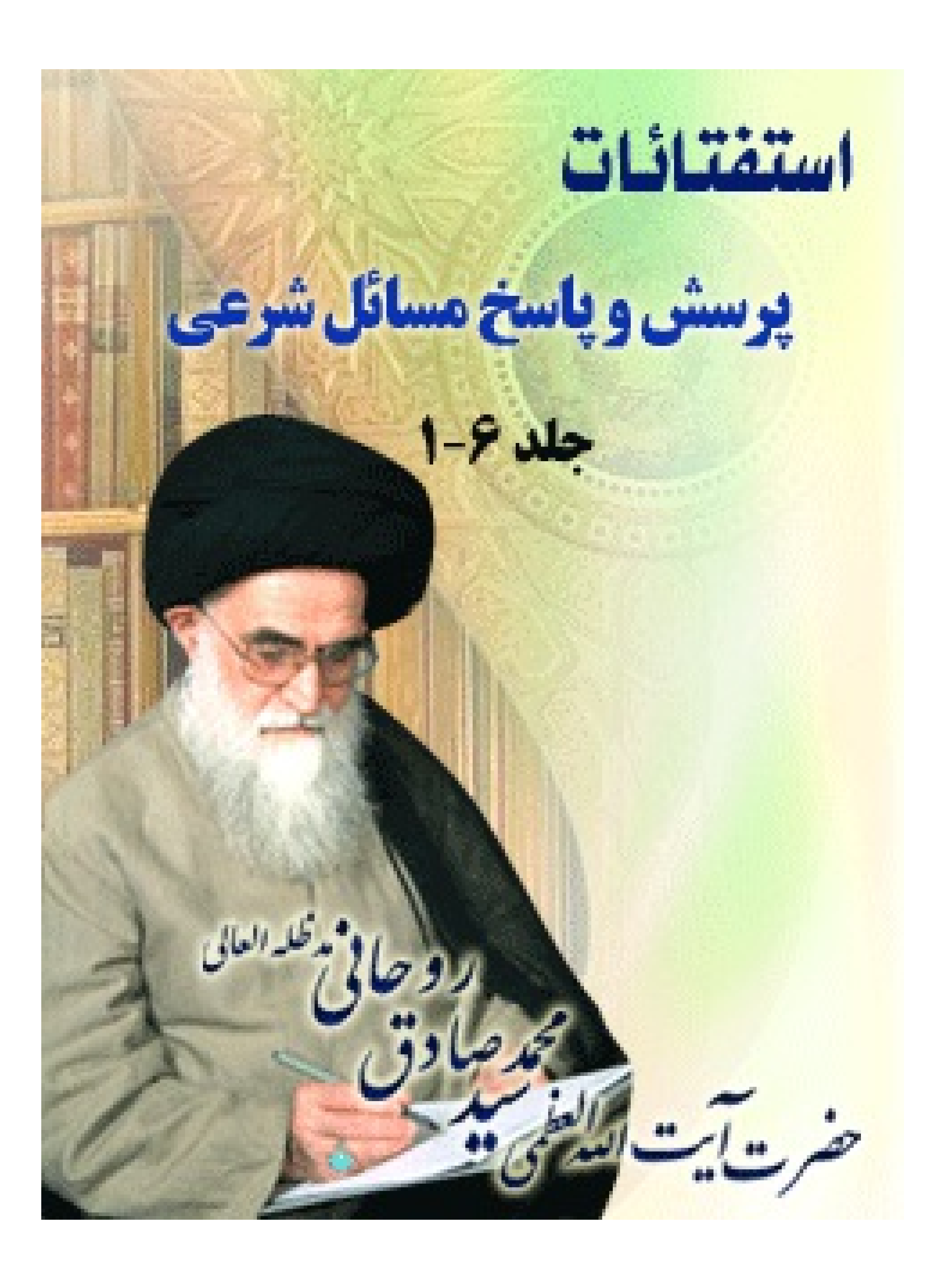

استفتائات
پرسش و پاسخ مسائل شرعی
جلد ۶-۱
حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی مدظله العالی


بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات آیت الله سید محمدصادق روحانی

نویسنده:

آیت الله سید محمد صادق روحانی

ناشر چاپی:

حدیث دل

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی ازجلد ۱ تا ۶ حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (مدظله العالی)

جلد ۱

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی/محمد صادق روحانی

مشخصات نشر : قم: مهر امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری : ج ۱

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۶۴۸۰

احکام تقلید

س۱ مراد از تقلید چیست؟

ج باسمه تعالی; مراد پیروی کردن از مجتهد در احکام است.

س۲ با توجه به این که در رساله های عملیه مراجع معظم تقلید اصل تعیین سرنوشت و انتخاب مرجعیت به رسمیت شناخته شده است پس چرا در حکومت اسلامی و در عمل افراد این اختیار را ندارند؟

ج باسمه تعالی; اطاعت از حاکم اسلامی بعد از تعیین از روی موازین شرعیه بر همه لازم است و الا هرج و مرج پیش می آید.

س۳ با توجه به این که در ابتدای رساله های عملیه آمده است که اعلم بودن شرط تقلید است. چه کسانی باید مردم را از این سردرگمی نجات دهند؟

ج باسمه تعالی; اهل خبره عادل.

س۴ آیا برای حل مشکلات در باب معرفی مرجع اعلم راهی می تواند مورد استفاده قرار بگیرد، اگر می تواند چرا در حوزه های علمیه نسبت به معرفی مرجع تقلید اعلم اقدام نمی کنند؟

ج باسمه تعالی; اتفاقاً تعیین مرجع همیشه رسم بوده و فعلا نیز هست.

س۵ مراد از مجتهد جامع الشرایط و کسی که می توان از او تقلید کرد چه کسی است؟

ج باسمه تعالی; در خصوص تقلید، باید از مجتهد اعلم عادل زنده تقلید نمود ولی در غیر تقلید، مجتهد مطلق بودن کافی است; لازم نیست اعلم باشد، ولی عدالت و حیات شرط است.

س۶

آیا تقلید از مجتهد اعلم واجب است یا نه؟ اگر دسترسی به اعلم پیدا نکرد تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی؛ تقلید از اعلم واجب است و اگر دسترسی ندارد در صورت امکان احتیاط نماید و در صورت عدم امکان، باید از مجتهد غیر اعلم، با رعایت اعلم بودن او از دیگران تقلید نمود.

س۷ آیا لازم است که مُقلّد، مذهب مجتهد خود را بشناسد و اگر نشناسد و عمل کند آیا اعمالش باطل است؟

ج باسمه تعالی؛ اگر مراد از مذهب، رأی است، لازم نیست رأی او را بشناسد.

س۸ تقلید کردن از مجتهد بَلَد در حالی که رساله ندارد جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ رساله شرط جواز تقلید نیست. چنانچه مجتهد اعلم باشد؛ تقلید صحیح است.

س۹ بقای بر تقلید میت اعلم، جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ جایز نیست.

س۱۰ شخص عامی که قادر به فهمیدن احکام شرعیه از ادله آنها نیست تکلیفش چیست؟

ج باسمه تعالی؛ بر عامی لازم نیست از ادله، حکم شرعی را بفهمد. بلکه باید به رساله اعلم رجوع کند؛ یا از شخصی موثق فتوای مجتهد را یاد بگیرد.

س۱۱ هرگاه شخص عامی به احتیاط عمل نکند و تقلید هم نکند عمل چنین کسی صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که مطابق با فتوای مجتهد اعلم وقت باشد؛ صحیح است.

س۱۲ عدول از مجتهد حَیّ به مجتهد حَیّ دیگر جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ در صورت اعلم بودن واجب است و در غیر آن صورت، جایز نیست.

س۱۳ اجتهاد واجب عینی است یا کفایی؟

ج باسمه تعالی؛ واجب کفایی است.

س۱۴ شناخت

مجتهد توسط یک نفر عادل کافی است یا باید به وسیله دو نفر عادل او را شناخت؟

ج باسمه تعالی؛ با یک نفر کفایت می کند.

س۱۵ در مسایل ضروری تقلید لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ لازم نیست.

س۱۶ آیا تقلید از کسی که در یکی از ابواب فقه مثل نماز و روزه به درجه اجتهاد رسیده جایز است؟

ج باسمه تعالی؛ خیر جایز نیست.

س۱۷ آیا وجوب تقلید، یک امر تقلیدی است یا اجتهادی؟

ج باسمه تعالی؛ تقلیدی نیست؛ بلکه مرتکز عقلایی است.

س۱۸ به نظر مبارک حضرتعالی عمل به احتیاط بهتر است یا به تقلید؟

ج باسمه تعالی؛ الاحتیاط حسن فی کل حال.

س۱۹ فرق بین حکم و فتوی چیست؟

ج باسمه تعالی؛ حکم در مورد قضیه شخصیه است و اما فتوی در احکام کلیه است.

س۲۰ حکم حاکم تا چه حدّ نافذ است؟

ج باسمه تعالی؛ حکم حاکم به قول مطلق، نافذ است.

س۲۱ اگر مقُلّد به خطاء مجتهد یا دلیل او عالم شود، آیا تقلید کردن از او جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ جایز نیست.

س۲۲ هر گاه وکیل یا موکّل، وصی با موصی مختلف باشند؛ در اجتهاد یا تقلید، عمل به کدام یک لازم است؟

ج باسمه تعالی؛ اگر وکالت و وصیت مقید نباشد وصی و وکیل باید به تکلیف خود عمل کنند و اگر به آنچه موکل و موصی وظیفه می داند مقید است باید آنگونه باشد.

س۲۳ اگر مجتهد اجتهاد کرده و مُقلّد هم از او تقلید بکند و بعد معلوم شود که مجتهد در اجتهاد خطا نموده نه در رأی دادن، عمل مقلد در این حال چه صورت دارد؟

باسمه تعالی; در خصوص نماز اعاده لازم نیست.

(گنگ) س۲۴ عدالت حسن ظاهری است یا ملکه؟

ج باسمه تعالی; عدالت ملکه نیست، بلکه استقامت عملی در جاده شرع است.

(ت) س۲۵ اگر مجتهدی در مورد احکام فتوی دهد یا یک نفر عادل از رأی مجتهد خبر دهد و یا خود مکلف به حسب فهم خود از کتاب و غیره یقین کند که رأی مجتهد این است و بعد از عمل، خطا ظاهر شود اعاده لازم است؟

ج باسمه تعالی; در خصوص نماز لازم نیست.

س۲۶ با توجه به این که در رساله های عملیه قید شده که اصول دین تحقیقی است نه تقلیدی، کسی که اصول دین را هنوز تحقیقی نیاموخته است آیا می تواند در فروع دین تقلید کند؟ چرا؟

ج باسمه تعالی; مراد از تحقیق، غور در مسائل کلامی نیست; بلکه مراد اطمینان است حال از هر راهی پیدا شود و بعد از آن باید در فروع تقلید نماید.

(ت) س۲۷ با توجه به این که سن دختر برای بلوغ ۹ سال و سن پسر را ۱۵ سال مشخص کردند آیا در این فرصت فردی که به تکلیف می رسد توانایی تحقیق در اصول دین را دارد یا نه؟ چگونه؟

ج باسمه تعالی; توانایی تحقیق به آن معنی که در مسأله فوق ذکر شد دارد.

س۲۸ با توجه به این که نظرات فقها در ارائه احکام شرعی بعضاً متفاوت می باشد استنباط می شود که برداشتهای مختلف از متون دینی وجود دارد. لذا یک مقلد از کجا بداند کدام یک از نظرات فقها با نص صریح دین اسلام مطابقت دارد؟

ج باسمه تعالی; وظیفه مقلد، علم به

فتوای کسی است که تقلید از او جایز است بنابراین علم به موافقت با صریح دین برای او لازم نیست; چون این امر ممکن نیست.

س۲۹ با توجه به برداشتهای متفاوت از دین توسط فقهای محترم کدام یک از نظرات را می توان مبنای حکومت اسلامی قرار داد؟

ج باسمه تعالی; در اساس مسائلی که مبنای حکومت اسلامی است; اختلافی نیست.

س۳۰ با توجه به این که اجماع در مسائل فقهی کم رنگ است در سنین پائین یا برای طبقه کم سواد که امکان تحقیق وجود ندارد شما چه راهکارهایی را برای رسیدن به حقیقت شریعت اسلام پیشنهاد می کنید؟

ج باسمه تعالی; هیچ راهی را جز متابعت نظر مرجع تقلید وجود ندارد.

(ت) س۳۱ با توجه به این که مبنای اسلام دارای موضوعات متعددی می باشد، برای حصول علم مقلدین به حقیقت موضوعات فوق، شما چه راهکاری را پیشنهاد می کنید؟

ج باسمه تعالی; تقلید از عارف.

س۳۲ آیا از زن می توان تقلید کرد؟

ج باسمه تعالی; خیر تقلید از زن جایز نیست.

س۱۳۳ اگر کسی چند سال پیش برای شناختن مجتهد اعلم، از اهل خبره تحقیق کند ولی اعلم بودن یا محتمل اعلم بودن کسی برایش ثابت نشد یا نتوانست بشناسد و از یکی از مجتهدین جامع الشرائط که مساوی با دیگران در علم بود; تقلید کند ولی اکنون احتمال می دهد یا اطمینان دارد که اهل خبره اعلم را شناخته اند; آیا بر چنین کسی تحقیق دوباره از اهل خبره برای شناختن اعلم لازم است؟

ج باسمه تعالی; بلی لازم است چنین کند و یا به وسیله جمع بین فتاوای کسانی که احتمال اعلم بودن آنان

را می دهد، احتیاط کند.

(ت) س۳۴ عـدول از مجتهدی که اعلم بودنش ثابت شده نیست به مجتهد دیگر که او هم اعلم بودنش ثابت نشده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۳۵ از نظر شما بقای بر تقلید میت جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۳۶ با توجه به این که جایز ندانسته اید در فتاوی جواز بقاء بر تقلید مجتهدی که وفات کرده، دلیل آن چیست؟

ج باسـمه تعالی; پاسخ به این سؤال احتیاج به بحث مفصل دارد. تا این اواخر در بین فقهاء اسـلام کسی قائل به جواز بقاء نبوده است. حتی شیخ انصاری نقـل می کننـد که عموماً می گفته انـد: قول المیت کـالمیت و عـدم بقاء رأی و همان گونه که اگر مجتهـدی مرض نسـیان بگیرد بقـاء بر تقلیـد او اجماعـاً جایز نیست; اگر هم بمیرد و رأیش از بین برود بقاء بر تقلیـد از او جایز نیست.

س۳۷ عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر که هر دو مساویند علماً چگونه است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۳۸ عـده ای به بعضـی از مراجع حتی مرحوم شـده به دلایلی بیهوده اهانت می نمایند حال سؤال این است که شـرعاً این کار جایز است؟ و ضـمناً اگر کسی مقلد ایشان بوده و هنوز هم برایشان باقی مانده آیا این تقلید صحیح است یا باید از مجتهد زنده تقلید نماید؟

ج باسـمه تعـالی; جسـارت و اهانت به مراجع مرحومماننـد جسارت و اهانت به بقیه مراجع عظام از محرمات شدیـده است. در روایت شریفه آمده است: «الراد علیهم کالراد علینا و هو علی حد الشرک بالله»، ولی من بقاء بر تقلید میت

را جایز نمی دانم، فوراً عدول کنید.

س۱۳۹اگر کسی مقلد مجتهدی هست که فتوایش این است که احتیاطاً تسبیحات اربعه را سه بار باید گفت و شخص مذکور از روی ندانستن مسئله تسبیحات اربعه را تا رحلت مرجع مذکور یک بار گفته و بعد از مرجعی تقلید کرده که یک مرتبه را واجب می داند حال نمازهایی که شخص مزبور خوانده چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; صحیح است.

س۱۴۰اگر کسی بنا به عللی که خود حضرت عالی بهتر می دانید نتواند در اوّل تکلیف، مرجع تقلید برای خودش تعیین کند یا وجوب تقلید را ندانسته و مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد; آیا شما صحت اعمال شخص مذکور را تأیید می فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که اعمال او با فتوای مجتهدی مطابق باشد که وظیفه اش تقلید از او بوده صحیح است.

س۴۱ جمعی از مجتهدین حی بقاء بر تقلید میت را تجویز می فرمایند باز هم در این مسأله تقلید شخص معینی واجب است یا باید از همه آنان تقلید کند؟

ج باسمه تعالی; فتوی اعلم میزان است و بقیه تأثیر ندارد.

س۴۲ شخصی که تکلیف شده و ابتداء می خواهد بدون در نظر گرفتن اعلم بودن و اورعیت و... از مرجعی تقلید کند، آیا مبنا به گفته دیگران می تواند تعصباً از مرجعی تقلید نماید. آیا این تقلید صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در مرجع اعلم بودن و عدالت شرط است. چنانچه از گفته دیگران، به این دو امر اطمینان پیدا کند جایز است و الا جایز نیست.

س۴۳ بعد از بلوغ مقلد آیه الله گلپایگانی شدم; ولی رساله

ایشان را بدست نیاوردم. در شهر بم تحصیل می کردم و با قصد ده روز روزه را کامل انجام می دادم. در سال ۷۷ رساله ایشان را پیدا کردم و عمل کردم در سال ۷۸ مقلد شما شدم تکلیف من در این سال ها که از شما تقلید نمی کردم چیست؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه اعمالتان مخالف فتوای حقیر نباشد صحیح است و اشکالی ندارد.

س۴۴ مراد از احکام شرعی که در مورد مجهول المالک و رد مظالم و غیره به او مراجعه شود؛ چه کسی است؟ آیا اعلم بودن در او شرط است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ اعلم بودن شرط نیست اگر مجتهد باشد کافی است.

س۴۵ شخصی به اسلام یا مراجع تقلید اهانت می کند وظیفه در مقابل اینها چیست؟

ج باسمه تعالی؛ حتی المقدور دفاع کنید. در صورت عدم تمکن، با او ترک مراوده بنمائید.

س۴۶ آیا در مرجعیت اعلم بودن شرط است؟ دلیل آن چیست؟

ج باسمه تعالی؛ بلی شرط است و برای دلیل آن باید به کتب استدلالی رجوع شود.

س۴۷ وظیفه مقلد در مورد مرجع تقلیدش در صورتی که احراز اعلم بودن مرجع دیگری نماید چیست؟

ج باسمه تعالی؛ باید به اعلم رجوع کند.

س۴۸ آیا تقلید از علمای کشورهای دیگر که امکان دسترسی به آنها وجود ندارد جایز است؟

ج باسمه تعالی؛ بلی؛ اگر بتواند فتوای او را بدست آورد، جایز است.

س۴۹ اگر مرجع تقلید در حالت بی هوشی باشد آیا مقلدین او می توانند باقی بر تقلید باشند؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه مدت بی هوشی کوتاه باشد، بقا بر تقلید او جایز است.

س۵۰ حاکم شرع چه کسی است؟ آیا هر مجتهدی

می تواند حاکم شرع باشد؟

ج باسمه تعالی; حاکم شرع، مجتهد مطلق جامع الشرایط یعنی عادل را گویند.

س۵۱ لطفاً بفرمائید که در احتیاط واجب حضرت عالی به کدامیک از مراجع باید رجوع کرد؟

ج باسمه تعالی; اعلم را از اهل خبره سؤال کنید. چنانچه آن ها اعلم بودن و عادل بودن شخصی را معین کردند; به او مراجعه کنید.

س۵۲ آیا اعلم بودن و اورعیت مرجع نسبت به سایر مراجع عظام به گفته خود ایشان ثابت می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اعلم بودن سایر مراجع، به گفته ایشان ثابت می شود. اما اعلم بودن خودش، اگر از گفته او اطمینان پیدا شود; بلی و گرنه ثابت نمی شود.

س۵۳ آیا تقلید از میت را ابتدا جایز می دانید یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر تقلید از میت مطلقاً جایز نیست.

س۵۴ آیا تقلید از مرجعی که فتوایش با فتوای اعلم باشد صحیح است؟

ج باسمه تعالی; بلی، ولی آن تقلید اعلم هم هست.

س۵۵ آیا می شود از مرجعی به مرجع تقلید دیگر عدول کرد و شرایط آن چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه ثابت شود مرجع دیگر اعلم است و یا خدای نکرده مرجع فعلی، عادل نباشد عدول واجب است.

س۵۶ نظر مبارکتان در مورد شرط بودن اعلمیت مرجع چیست و دلیل آن کدام است؟

ج باسمه تعالی; شرط جواز تقلید اعلم بودن است و دلیل آن را هم در کتاب اجتهاد و تقلید نوشته ام.

س۵۷ فرد نوجوانی در آغاز تکلیف است در تکلیف آیا رجوع به حی اعلم در بقاء بر میت لازم است؟

ج باسمه تعالی; باید به حّی اعلم رجوع نماید.

اگر آن اعلم اجازه بقاء را داد و آن جوان هم قبل از تکلیف در حال تمیز، تقلید از آن میت نموده؛ می تواند باقی باشد و اگر تقلید نکرده بقاء معنی ندارد.

س۵۸ آیا می شود در بعضی از مسایل از مجتهدی تقلید کرد و در بعضی دیگر از مجتهد دیگری تقلید نمود؟

ج باسمه تعالی؛ همه ی مسایل را باید از یک مجتهد تقلید نمود؛ مگر در جاهائی که مجتهد احتیاط می نماید.

وضو

س۵۹ آیا مسح کردن سر با یک انگشت اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی؛ خیر اشکال ندارد.

س۱۶۰اگر آب مسح سر با آب صورت وصل باشد آیا وضو باطل می شود؟

ج باسمه تعالی؛ باطل نمی شود.

س۱۶۱اگر در وضو موهای سر انسان مثل موهای فرد مذکور در مسأله ۲۶۰ رساله عملیه شما نباشد و مثل او سر را مسح کند آیا چنین مسحی و وضو صحیح است؟

ج باسمه تعالی؛ تفصیل را در همان مسأله نوشته ام؛ دقت شود.

س۱۶۲اگر در وضو در موقع مسح، رطوبت دست ها به علت گرما و غیر آن خشک شود، برای مسح سر و پاها چه تکلیفی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه ممکن است، از سایر اعضاء وضوء رطوبت را بگیرد و مسح کند. اگر آن هم ممکن نیست وظیفه به تیمم منتقل می شود و احتیاط مستحبی آن است که اول با دست خشک و بعد با آب خارج مسح کند، سپس تیمم نماید.

س۶۳ موقع وضو بعضی ها احساس می کنند که ناخنهایشان چرب است و آب به ناخن نمی رسد تکلیف چنین شخصی چیست؟

ج باسمه تعالی؛ باید یقین کند که آب به

بدن، اعم از ناخن و غیره می رسد.

س۶۴ در هنگام کشیدن مسح سر، آیا برخورد دست با موهای خیس جلوی سر که معمولا در اثر شستن صورت خیس می شود اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۶۵ اگر موقع شستن صورت در وضو اندکی از جلو سر خیس شود و موقع مسح سر اشتباهاً مسح به جای خیس شده برسد آیا وضو باطل هست یا نه; عمداً چطور؟

ج باسمه تعالی; در هردو صورت مضر نیست; ولی با انگشتی که رطوبت صورت به آن خورده; مسح پا نکند.

س۶۶ آیا وضوء با حنا و سرمه ای که برای زن زینت حساب می شود صحیح است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه جسمیت داشته باشد و مانع رسیدن آب به بشره باشد; اشکال دارد وگرنه اشکال ندارد و صحیح است.

س۶۷ مراد از شستن صورت و دست ها در وضو کدام یک از موارد است (الف) رساندن آب به صورت و دست ها همراه با دست کشیدن (ب) رساندن آب به صورت و دست ها بدون کشیدن دست؟

ج باسمه تعالی; هردو مجزی است.

س۱۶۸ اگر طبیب به مریض بگوید تا چند روز دیگر آب به دست نرسد تا نتیجه آزمایش معلوم شود آیا وضو گرفتن جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه آزمایش برای طبابت لازم باشد وضو واجب نیست.

س۱۶۹ اگر کسی بیش از یک استکان آب ندارد و می خواهد وضو بگیرد، وقتی با آن، صورت خود را بشوید و از قطرات جمع شده از صورت، بقیه اعضاء را بشوید وضو صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی صحیح است.

س۷۰ آیا در وسعت وقت وضو گرفتن به صورت ترتیبی

یا ارتماسی جایز است و کدام صورت از دیگری افضل است؟

ج باسمه تعالی; هردو جایز است شاید ترتیبی افضل باشد چون بهتر می توان قیود را رعایت کرد.

س۷۱ وضو با دمپایی مغصوب صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۷۲ یک شخصی برای نیت نماز ظهر و عصر وضو می گیرد و با آن نماز را می خواند و بعداً آن وضو باطل نمی شود تا اذان مغرب و عشاء آیا می تواند با آن وضو که به نیت ظهر و عصر گرفته است و باطل نشده است نماز مغرب و عشاء را بخواند یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند با آن وضو مادامی که باطل نشده، نماز مغرب و عشاء و بقیه نمازها را بخواند.

س۷۳ تکرار مسح چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر به حد وسواس نرسد اشکال ندارد.

س۷۴ نهی شریف (لا تبطلوا أعمالكم) شامل ابطال وضو در اثناء می شود؟

ج باسمه تعالی; خیر در روایات مراد از ابطال بیان شده است حاصل روایات این است که انسان بعد از عمل کاری بکند که اثر آن عمل از بین برود، مانند معاصی که موجب نابودی اعمال حسنه می شود.

س۷۵ در محلی که ما ساکن هستیم حدود ۱۷ سال پیش مسجدی با کمک مردم محل بنا کردند در مورد آب لوله کشی مسجد آن موقع در تحت نظر شهرداری بود. شهرداری به عنوان کمک هزینه برای کنتر آب با پول اشتراک را رایگان کرده است حالا- این امور آب زیر نظر سازمان آب قرار گرفته است و آن را به بخش خصوصی دادند الان برای موضوع وضو و مصرف

این چه شرایط است؟

ج باسمه تعالی; به هر مؤسسه که داده باشند; چنانچه متصدی آن موسسه خصوصی یا غیرخصوصی اجازه دهد اشکال ندارد.

غسل

س۱۷۶اگر کافر مسلمان شد و غسل جنابت نمی کرد بعد از اسلام آوردن باید غسل کند؟

ج باسمه تعالی; بلی باید غسل کند (حدیث جبّ) شامل اینجا نمی شود.

س۱۷۷اگر طالب علمی که طلب علم برایش واجب عینی شده از خواب بیدار شد; دید جنب شده و درس او هم در مسجد می باشد اگر غسل کند به درس نمی رسد و در حال حدث از رفتن به مسجد ممنوع است. دوران امر بین محذورین است چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه همان یک درس واجب عینی باشد و قابل تدارک نباشد (که فرض بعید است) می تواند تیمم کند و به مسجد رود.

س۱۷۸اگر در اثر مریضی یا عنوان دیگر مثل قطع نخاع، بدون اراده منی خارج شود آیا موجب غسل است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خروج منی ولو بدون شهوت در صورتی که یقین داشته باشد به این که منی است موجب جنابت است.

س۷۹ تکرار وضو و غسل و تطهیر اشیاء به عنوان احتیاط چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر تا به حد وسواس نرسد; مانعی ندارد. تجدید وضو; بلکه تجدید غسل نیز، مستحب است.

س۸۰ با توجه به آیه شریفه (فاغسلوا وجوهکم و أیدیکم الی المرافق) الی، هم معنای غایت می دهد و هم به معنای مع می آید. گویا ترجیح با معنای معیت است آیه در مقام بیان مقدار لازم غسل است نه بیان کیفیت چگونه استفاده می شود؟

ج باسمه تعالی; اجمالا الی

المرافق قيد مغسول است نه غسل در مازاد، به فقه الصادق مراجعه كنيد.

س١٨١اگر كسى مخرج بول و غائط را در خزينه حمام عمومى بشويد آيا غسل او باطل است يا خير؟

ج باسمه تعالى; لابد صاحل حمام راضى نيست و با عدم رضايت او، غسل باطل است.

س٨٢ آيا با غسل هاى مستحبى مى شود اعمال واجب را انجام داد مثل نماز و طواف يا خير؟

ج باسمه تعالى; بلى مى تواند.

س١٨٣اگر در وسط غسل بول كنند آيا غسل صحيح است اگر صحيح است با همان غسل مى شود نماز خواند يا بايد وضو گرفت؟

ج باسمه تعالى; غسل صحيح است ولى بايد بعد از غسل براى نماز وضو بگيرد.

س٨۴ خانمى بعد از عروسى كه با شوهر نزديك شده در اثر خجالت بدون غسل نماز و روزه انجام داده حالا اين زن هفتاد سال دارد فعلا نه توان قضاى نماز و روزه را دارد و نه قدرت دادن كفاره، در اين صورت چه كارى بايد انجام دهد؟

ج باسمه تعالى; اگر غسل كردن براى او مشكل بوده و مستلزم عسر و حرج بوده است و با تيمم نماز خوانده و روزه گرفته; نماز و روزه اش صحيح است و قضاى آن ها واجب نيست.

س٨۵ به دلائلى آب منزل مسكونى شبهه ناك مى باشد به همين علت ايشان علاوه بر منزل در حمام عمومى نيز غسل مى كند.
الف: آيا غسل دوم رافع شبه غسل اولى مى شود؟

ج باسمه تعالى; بلى.

س٨۶ آيا با غسل دوم بدون وضو مى توان نماز خواند؟

ج باسمه تعالى; چنانچه بعد از غسل در منزل، محدث به حدث اصغر

نشود؛ بلا اشکال می توان نماز خواند و همچنین اگر محدث شده، ولی شبهه ناک بودن آب منزل به معنای غصبی بودن آن باشد؛ می تواند نماز بخواند ولی اگر احتیاطی است نمی تواند نماز بخواند.

س۱۸۷ اگر کسی بر بدنش (پوست بدنش) چربی هست آیا این مانع برای وضو یا غسل می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ مانع نیست.

س۱۸۸ اگر قبل از غسل، بدن را وارسی کند و یقین کند که مانعی در بدن وجود ندارد ولی پس از غسل بفهمد که مانع بوده است مانع را بردارد و جای آنرا بشوید غسل صحیح است؟

ج باسمه تعالی؛ بلی صحیح است.

س۸۹ در اعضای وضو، تیمم و غسل رنگی وجود دارد ولی شک دارد که جرم دارد یا نه، آیا لازم است رنگ را پاک کند؟

ج باسمه تعالی؛ بله لازم است.

س۱۹۰ اگر در اعضای وضو، تیمم و غسل رنگی که جرم دارد باشد و انسان پس از سعی زیاد نتوانست آن را از بین ببرد برای وضو، تیمم، غسل و نماز چه وظیفه ای دارد؟

ج باسمه تعالی؛ باید به وسیله داروی طبی برطرف کند.

س۱۹۱ اگر کسی قبل از بلوغ نشانه های بلوغ را در رساله بخواند و به گمان این که همه نشانه ها در بلوغ شرط است موقع محتلم شدن غسل نکند بعداً مسئله را بفهمد عبادات وی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ باطل است و باید اعاده کند.

س۱۹۲ اگر در محلی که انسان غسل می کند کسی دیگری عمل حرامی از قبیل ریش تراشی انجام دهد آیا مضرّ غسل غاسل هست یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ مضر نیست.

س۹۳ شخصی

جنب در تنگی وقت که وظیفه اش تیمم است غسل کند با آن غسل می شود نماز خواند؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند و غسلش صحیح است هرچند با ترک نماز معصیت نموده است.

س۹۴ شرائط منی در خانم ها و غسل آنان در چه شرائطی است؟

ج باسمه تعالی; علامت منی بودن رطوبتی که از زن خارج می شود فقط شهوت است و آن دو امر دیگر معتبر نیست.

س۹۵ هرگاه از زمینی غصبی آب مباح را بردارد و در جای مباح وضو یا غسل انجام دهد چه صورت است؟

ج باسمه تعالی; اگر خود آب مباح باشد وضو و غسل صحیح است.

س۱۹۶ اگر کسی نمی دانسته جنب است و میت را غسل داده یا آب به روی میت موقع غسل دادن ریخته است و بعد از چند روز متوجّه شده است; آیا اشکال بر غسل وارد می کند و حالا مدتی هم گذشته و اگر کسی عمداً با جنابت میت را غسل دهد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; هیچ کدام از دو مورد فوق اشکال ندارد.

س۱۹۷ اگر کسی جاهل به این که در غسل جنابت وضو واجب نیست و وضو گرفت آیا مرتکب گناه شده یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیر گناه نکرده است.

س۱۹۸ اگر کسی بعد از جنابت بول نداشت که استبراء کند و بعد از غسل کردن رطوبت دید آیا حکم جنابت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه رطوبت مشتبه باشد; حکم جنابت دارد.

تیمم

س۹۹ کسی برای غسل (جنابت، حیض، نفاس) آب پیدا نکند یا محذور دیگری دارد آیا با تیمم می تواند به مسجد برود و از قرآن استفاده نماید یا

خیر؟

ج باسمه تعالی; در خصوص تیمم به واسطه ضیق وقت، نمی تواند کارهای مشروط به طهارت را انجام دهد; ولی با تیمم به واسطه نبودن آب یا مضر بودن استعمال آن، انجام همه آن کارها بلامانع و جایز می باشد.

س۱۰۰ در مسئله ۸۲۳ آمده است تیمم در فضای غصبی صحیح است پس اگر دستها را در جای غیر غصبی به زمین بزنیم و در زمین غصبی به صورت بکشد تیمم او باطل است؟ آیا این مسئله صحیح است؟

ج باسمه تعالی; عبارت غلط است و تیمم باطل نیست بلکه صحیح است. همان گونه که در مسأله بعد بیان می شود.

س۱۰۱ آیا تیمم در فضای غصبی صحیح است چنانچه دست ها را در فضای مباح بزمین بزند در فضای غصبی بصورت بکشد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; تیمم صحیح است.

س۱۰۲ تیمم کردن روی شن و سیمان و سرامیک و آجر جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; تیمم بر هر چیزی که اسم ارض بر آن صدق کند جایز است ولو مانند آجر، کلوخ باشد.

احکام نجاسات

س۱۰۳ دهان اگر به خون آلوده شود نجس است، و باید تطهیر نمود یا نه؟

ج باسمه تعالی; دهان باطن محسوب می شود نجس نمی شود و احتیاج به تطهیر ندارد.

س۱۰۴ پزشکی که مسلمان نباشد مراجعه به او چه حکمی دارد، آیا اگر با رطوبت با مریض ملاقات کند مریض نجس می شود؟

ج باسمه تعالی; پزشک مسلمان و غیر مسلمان (یهودی، مسیحی، مجوسی) فرق ندارد. چن اهل کتاب به نظر ما مانند مسلمانان پاکند.

س۱۰۵ خونی که در زیر پوست جمع شده آیا نجس است؟

ج باسمه تعالی; اگر

انسان نداند که خون زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت درآمده، پاک است و چنانچه بداند خون بوده، ولی طوری شود که دیگر در عرف به آن خون نمی گویند پاک است و اگر به آن خون بگویند نجس است.

س۱۰۶ نوک آمپول که در تزریق، با خون تماس پیدا می کند آیا نجس است؟

ج باسمه تعالی; سر سوزن با تماس با خون در درون رگ نجس نمی شود ولی چنانچه بعد از بیرون آوردن، آغشته بخون باشد; نجس است. به هر حال دوباره استفاده کردن از آن مانعی ندارد.

س۱۰۷ اگر بعد از بول و استبراء رطوبتی بی اختیار خارج شود شباهت به بول دارد آیا این رطوبت نجس است یا پاک، حکم نماز خواندن چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; محکوم به طهارت است و نمازها هم صحیح است.

س۱۰۸ رطوبت غلیظی که شبیه منی است بعد از بول مشاهده می شود آیا بدون شهوت حکم منی دارد؟

ج باسمه تعالی; حکم منی ندارد.

س۱۰۹ اکثر ماشینهای لباس شویی هنگام تکمیل شدن آب آن که به وسیله شلنگی به شیر آب وصل می باشند، بطور اتوماتیک آب را قطع می کنند آیا بدین ترتیب لباس نجسی که در آن شسته می شود پاک می گردد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه بعد از زوال عین نجاست، آب متصل به مبدأ، تمام لباس و خود ماشین را فرا گیرد; بعد از فشاری که خود ماشین می دهد، پاک می شود. ولی چنانچه قطراتی از آب نجس به لباس بریزد یا با آن محلی که نجس شده و آب کشیده نشده است

تماس پیدا کند نجس می شود.

س۱۱۰ معمولا روی زخم، زرد آبه ای می بندد که سفت شده و بعضاً اگر کنده شود خون می آید؟ لطفاً حکم آن را در مورد نجاست و وضو و غسل بیان فرمائید؟

ج باسمه تعالی; رنگ اگر به نحوی است که یقین دارید خون مخلوط با چرک شده است; نجس است وگرنه ولو احتمال بدهید که خون دارد; محکوم به طهارت است و وضو و غسل هم اشکال ندارد.

س۱۱۱ اگر در غذا یا خوراکی الکل استفاده شود آیا آن غذا نجس است؟ در آمد حاصله از فروش آن خوراکی یا غذا چه حکمی دارد؟ در صورت نجس بودن و حرام بودن کسب چه راهی برای جلوگیری از اسراف وجود دارد؟

ج باسمه تعالی; الکل اگر در غذای مایع ریخته شود و مسکر شود; نجس و حرام است و دور ریختن آن غذا اسراف نیست.

س۱۱۲ دلیل این که الکل صنعتی پاک است چیست و چرا الکل صنعتی مست کننده نیست؟

ج باسمه تعالی; الکل، بدون مزج با آب، مست کننده نیست; بلکه کشنده است; بنابراین پاک است.

س۱۱۳ در انقلاب خمر به خل زمانی که خمر بوده اگر میوه ای مانند خیار یا سیر در آن بریزند; آیا بالتبع بعد از انقلاب به خل پاک می شود؟ یا نجاست باقی است و آن خل هم به خاطر ملاقات نجس می شود؟

ج باسمه تعالی; بالتبع پاک می شود و خل هم پاک است.

س۱۱۴ نظر برخی از فقهاء این است که اهل کتاب نجسند و حکم نجاسات بر آن ها جاری است و نظر برخی دیگر همچون مرحوم آیه الله العظمی سبزواری(ره)

بر طهارت آنهاست نظر حضرت عالی چیست؟

ج باسمه تعالی; تا این اواخر نظرم نجاست اهل کتاب بود ولی فعلا بنا بر طهارت آن ها گذاشتم.

س۱۱۵ اگر کسی در دریای شور بدنش زخم شود با آب مذکور پاک می شود یا در ملاقات با آب دریا، آب نجس می شود؟

ج باسمه تعالی; با آب دریا پاک می شود ولی با زخم شدن و خون آمدن بدن نجس می شود و آب دریا نجس نمی شود.

س۱۱۶ اگر پشم لحاف یا تشک نجس شود و هرچه هم در آب جاری بشویند آبش صاف نشود آیا پاک می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست صاف شود. همین قدر که مضاف نباشد; کافی است.

س۱۱۷ اگر به برنج خیس شده فضله موش بیفتد در حالی که برنج دو یا سه روز است خیس شده یا فضله دو یا سه روز داخل برنج خیس شده بماند به چه صورت برنج مذکور پاک می شود؟

ج باسمه تعالی; باید برنج را در آب کر یا جاری خیس کنند; تا حدی که یقین کنند به هرجا که آب نجس رسیده آب کر هم رسیده است.

س۱۱۸ ترشحی که از توالت به لباس سرایت می کند چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه با شلنگ باشد و عین نجاست در لباس پیدا نشود پاک است.

س۱۱۹ در پاک کردن نجاسات آیا حکم آب جاری و کر یکی است؟

ج باسمه تعالی; بلی یکی است.

س۱۲۰ اگر کسی یادش برود که دستش نجس است و دست نجس را در گوجه فرنگی خرده شده برای تهیه رب فرو کند; آیا امکان پاک شدن گوجه فرنگی مذکور

وجود دارد؟ اگر دارد به چه صورت می باشد؟

ج باسمه تعالی; راهش منحصر است به این که گوجه فرنگی خرد شده را در ظرف پاک متصل به کر، مانند اتصال به لوله بریزند و بیرون بیاورند در این صورت پاک است.

س۱۲۱ آیا بول بچه شیرخوار پسر نجس است یا نه و فرقی با بول دختر دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; نجس است ولی چند مرتبه آب کشیدن لازم نیست و یک مرتبه کفایت می کند و این حکم مختص به پسر است; مشروط به این که چیزی غیر از شیر مادر نخورد و بول دختر حکم بول بزرگسالان را دارد.

س۱۲۲ چیزهایی که قابل فشار نیست مثل چوب، برنج، گندم و... اگر نجس شد تطهیرش چگونه است؟

ج باسمه تعالی; ظاهر آن ها چه با آب کثیر و چه با آب قلیل پاک می شود ولی برای تطهیر باطن باید آن قدر در آب کر یا جاری نگاه داشته شود که به نفوذ آب به آنچه نجاست در آن نفوذ کرده است; یقین پیدا کند.

س۱۲۳ تخم مرغ در آب نجس جوشانده شود حکم به طهارت می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; داخل تخم مرغ نجس نمی شود، و اگر ظاهر را آب بکشند; کافی است.

س۱۲۴ ورود اهل کتاب به مساجد برای شرکت در مجالس ترحیم چگونه است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه دخول آن ها موجب هتک حرمت نباشد و سبب نجاست مسجد هم نشود; حرام نیست و جلوگیری واجب نمی باشد ولی احوط غیر لزومی، جلوگیری است.

س۱۲۵ آیا فضله پرندگان حرام گوشت پاک است یا نجس؟

ج باسمه تعالی; نجس نیست.

س۱۲۶ در مورد

پاکی و نجسی افراد بفرمائید. زرتشت، مسیحی، اهل کتاب، سنی؟

ج باسمه تعالی; همه ذاتاً پاکند ولی غالباً نجاست عرضی دارند; چون از نجاسات اجتناب نمی کنند.

س۱۲۷ اگر ما شک داریم این خون از خون متخلف در ذبیحه است یا خون دیگری، در اینجا می شود تمسک به عام در شبهه مصداقیه به (حرمت علیکم المیته و الدم الخ) کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; خوردن خون مطلقاً حرام است و خون متخلف نجس نیست ولی حرام است. بنابراین آیه مربوط به مسأله نیست و در نجاست در مورد سؤال به قاعده طهارت رجوع می شود.

س۱۲۸ اگر مگسی بر نجاست بنشیند و بعد از آن بر بدن یا لباس مرطوب یا خشک نشست آیا نجس می شود یا نه و آیا حکم به طهارت لباس یا بدن جاری است، چون استصحاب نجاست اصل مثبت است؟

ج باسمه تعالی; موضوع نجاست، سرایت است و با استصحاب اثبات نمی شود بنابراین اگر نداند که مگس حامل عین نجاست مسری است; حکم به نجاست نمی شود.

س۱۲۹ شخصی که اهل کتاب نیست و ده کیلو شیر هدیه کرده; چون دستش با شیر تماس داشته قطعاً نجس است آیا می شود پنیر درست کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه پنیر را در آب کر بگذارد و آب به تمام اعماق آن نفود کند; پاک می شود.

س۱۳۰ کسی یقین به حدث کرد بعد شک کرد و غفلت نمود و نماز خواند آیا عمل او باطل است؟ اگر یقین به حدث کرد بعد غفلت نمود و نماز خواند بعد از آن ملتفت شد و شک کرد آیا نماز او صحیح است؟

ج

باسمه تعالی; در هردو صورت نماز باطل است.

نماز میت

س۱۳۱ تکلم در اثنا نماز میت حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; بنابر احتیاط واجب در وسط نماز تکلم نکند.

س۱۳۲ کسانی که خودکشی می کنند و یا به طریقی خودشان را از بین می برند آیا نماز میت دارند و از اموالشان ثلث می برند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی باید نماز خوانده شود و چنانچه وصیت نکرده است; حقی به ثلث مال ندارد و اگر وصیت کرده; باید طبق وصیت عمل شود.

س۱۳۳ عوام الناس که شرایط صلوه میت و ادعیه آنرا حفظ نیستند و می دانند که باید هرکس خودش اعمال صلوه را متحمل بشود ولی چون نمی دانند از امام تبعیت کنند. سؤال این است در فرض سئوال الزاماً کدام یک از دو نیت ذیل را بکنند؟ (۱) به میت حاضر نماز می خوانیم (۲) به میت حاضر نماز می خوانیم اقتداء به پیش نماز حاضر. کدام یک از این دو صحیح نیست؟

ج باسمه تعالی; هردو صحیح است.

س۱۳۴ آیا ترتیب در نماز قضاء برای میت واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی; واجب نیست.

س۱۳۵ اگر پدر فوت کند و چند پسر داشته باشد برای اقامه نماز میت بر او آیا از همه پسرانش باید اجازه گرفت یا از پسر بزرگ کافی است؟

ج باسمه تعالی; گرفتن اجازه از یکی از آن ها به شرط بلوغ و عقل کافی است.

غسل میت

س۱۳۶ غسالی را شهرداری در غسالخانه اسکان داده و در مقابل غسل وجهی می گیرد و اگر پولی داده نشود; غسل نمی دهد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; غسل صحیح است.

س۱۳۷ در صورت

نبودن آب تکلیف نسبت به غسل میت چیست؟

ج باسمه تعالی; در صورت عدم امکان غسل، با تیمم دفن شود.

س۱۳۸ در صورت عدم امکان غسل با سدر و کافور چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی; یک غسل با آب قراح، کافی است.

س۱۳۹ اگر محرم و مماثل برای غسل دادن نباشد تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی; غسل ساقط است.

س۱۴۰ اجزاء میت طوری است که معلوم نیست واجب الغسل است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورت مشکوک بودن، با عدم علم به حال سابق، غسل واجب نیست.

س۱۴۱ اگر عضوی معلوم نباشد مربوط به زن و یا مرد است چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه عضوی باشد که غسل آن واجب است باید دو غسل داده شود یک متصدی مرد و دیگری زن باشد.

س۱۴۲ آیا شخصی با امر نائب عام به جبهه دفاع از ارزش های اسلامی و حفظ مملکت خویش عازم می شود و در آنجا کشته می شود، شهید به آن فرد اطلاق می شود و غسل آن واجب نیست یا غسل واجب است؟

ج باسمه تعالی; بلی، چنانچه مجتهد جامع الشرائط به جبهه رفتن امر کند حکم شهید دارد.

س۱۴۳ میتی معلوم نیست مرد و یا زن است چه کسی باید غسل دهد؟

ج باسمه تعالی; اگر از محارمش کسی هست; او از روی لباس غسل دهد وگرنه یک مرتبه مرد و یک مرتبه زن، میت را از روی لباس غسل دهند که دو غسل می شود.

س۱۴۴ میتی را غسل داده و نماز خواندند، بعداً معلوم شد در جنازه خون است بعد از تطهیر جنازه تکرار نماز لازم است؟

ج باسمه تعالی; واجب نیست.

س۱۴۵

آیا کسی که غسل میت می دهد شرط است شیعه و دوازده امامی باشد؟

ج باسمه تعالی; آری باید مسلمان دوازده امامی باشد.

س۱۴۶ شخصی که برای میت غسل می دهد دستکش پوشیده بعد از اغسال دستکش بالتبع پاک می شود، یا تطهیر لازم است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه آب کشیده نشود; پاک نمی شود ولی آبی که روی میت ریخته شود قهراً به آن دستکش هم ریخته می شود و در طهارت همان قدر کافی است.

س۱۴۷ اگر کسی در اثر تصادف از دنیا برود و موقع غسل دادن خون قطع نشود چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه ممکن است در آب کر غسل بدهند غسل دادن لازم است و اگر ممکن نیست، و می شود مقداری صبر کنند تا خون قطع شود ولو به واسطه لازم است این کار را انجام دهند. اگر آن هم ممکن نیست; غسل جبیره و الا تیمم بدهند.

س۱۴۸ اگر کسی عضو مقطوع انسان با گوشت و استخوان را مس کند آیا غسل مس میت دارد و اگر فقط استخوان خالی باشد چطور و آیا غسل مس میت، وضو برای نماز لازم است؟ اگر وضو داشت و مس میت کرد وضوی او باطل می شود؟

ج باسمه تعالی; مس عضو مشتمل بر استخوان، غسل دارد; ولی مس استخوان خالی، غسل ندارد و در مورد غسل مس میت، وضو واجب نیست.

س۱۴۹ آیا اگر اسیر کافر در دست مسلمانان بمیرد غسل میت دارد (بنابر آن که تابع مسلمان می باشد)؟

ج باسمه تعالی; برای کافر بالغ اسیر، غسل دادن واجب نیست ولی طفل اسیر، اگر پدر و مادر و جده و جد

با او نباشند; تابع اوست و حکم مسلمان را دارد.

دفن و کفن

س۱۵۰ در قبور کهنه که سال ها بر آنها می گذرد حق تقدم با بازماندگان اهل قبور است و یا دیگران می توانند میت دفن کنند؟

ج باسمه تعالی; تا آثاری از میت در آنجا هست; حق با کسان میت است. ولی اگر اثری نیست حق ندارند.

(ت) س۱۵۱ بچه در شکم مادر فوت کرده آیا بیرون آوردن و جدا دفن کردن او، لازم است و یا با مادرش دفن شود؟

ج باسمه تعالی; بیرون آوردن و جدا دفن کردن لازم نیست.

س۱۵۲ کفن واجب را از اصل مال بر می دارند یا از ثلث مال؟

ج باسمه تعالی; از اصل مال.

س۱۵۳ دفن میت در منزل شخصی جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; دفن شخص در منزل شخصی اشکال ندارد و جایز است.

س۱۵۴ یک نفر وصیت کرده است بعد از فوت خودم مرا در قبرستان کفر دفن و کفن کنید و چون مسلمان است شرعاً وصیت ایشان نافذ می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; وصیت غیرمشروع است و نافذ نیست.

س۱۵۵ اگر قبری سنگ نداشته باشد یا سنگش از بین رفته باشد آیا می توانند برای این که نشانی قبر از بین نرود سنگ تازه برای قبر حک کنند؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۱۵۶ زنی در حال زایمان، خود و بچه در شکمش هردو می میرند آیا زن را با بچه دفن کنند یا بچه را از شکم زن بیرون بیاورند. اگر با هم دفن شوند; بچه پشت به قبله می شود مسئله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; بچه را نباید از شکم مادر بیرون

بیاورنـد. بلکه مـادر را غسل می دعنـد و دفن می کننـد. چنانچه مادر کافر باشـد پشت به قبله دفن می کننـد تا روی بچه به قبله باشد در صورتی که پدر مسلمان باشد و مادر هم مسلمان باشد; مادر را به همان حال معمولی دفن می کنند و قهراً بچه پشت به قبله می شود; اشکالی ندارد.

نبش قبر

س۱۵۷ اگر میتی که در قبر هنوز کاملاـ خاک نشـده بلکه مقـداری از اسـتخوانهایش مانـده آیا نبش آن جایز است و می شود میت دیگر را دفن کرد؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س۱۵۸ اگر قبرسـتانهایی را نبش کننـد یا بـدون نبش روی آن ها شن ریزی کننـد در حالی که همه اجساد موجود در آن ها از بین نرفته و مؤسسات عالم المنفعه از قبیل: مدرسه، مخابرات، هلال احمر و غیره ساکنند یا شهرداری بفروشد و کسانی بخرند و خانه حتی حسینیه درست کنند نظر مبارک حضرت عالی درباره آن مؤسسات چه بوده و رفت آمد در آن ها چه صورت داشته ولو برای عزاداری امام حسین(علیه السلام) و نماز خواندن در آنها چگونه می باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه قبرستان وقف باشد و از حیّز انتفاع خارج نشده باشد آن کارهائی که اشاره نموده اید جایز نیست و در صورتی که وقف نباشد و از حیّز انتفاع خارج شده است همه آن کارها با اجازه مجتهد صحیح است.

س۱۵۹ اگر میتی در طبقه پائین باشـد که او را حنوط یا کفن و یا غسل یا نماز نخوانـده انـد آیا می تواننـد او را بیرون آورده و وظیفه فراموش شده را انجام بدهند نبش قبر اولی قهری است

در این صورت چه حکمی مترتب است؟

ج باسمه تعالی; برای غیر نماز در صورتی که بوی بد نگرفته و اهانت نباشد جایز است. اما برای نماز جایز نیست. به همان قبر می شود نماز گذارد.

س ۱۶۰ نبش قبر تا چه مدت بعد از دفن حرام است؟

ج باسمه تعالی; تا موقعی که اسکلت میت از بین نرفته است.

احکام نماز

س ۱۶۱ اگر در حال نماز در خانه را بزنند یا تلفن زنگ بزند و در خانه کسی نباشد که جواب بدهد آیا می شود; برای جواب دادن نماز را قطع کرد؟

ج باسمه تعالی; خیر نمی شود مگر آنکه باز نکردن موجب فوت منفعتی یا توجه ضرری شود در این دو صورت می تواند نماز را قطع کند.

س ۱۶۲ اگر کسی بی نماز باشد ولی روزه بگیرد آیا اگر بعد از مرگ وی نمازهایش را استیجار کنند سودی به حالش دارد؟ و چون روزه را گرفته استیجار روزه لازم هست یا نه؟ و تکلیف کسی که نه نماز خوانده و نه روزه گرفته چیست؟

ج باسمه تعالی; باید اجیر گرفته شود و در هردو مورد هم بحالش سود دارد.

س ۱۶۳ اگر شهادت ثالثه (اشهد انَّ علیّاً ولی الله) را در تشهد به عنوان استحباب بگویند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; خیر جایز نیست.

س ۱۶۴ آیا بیدار کردن کسی برای نماز جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز بلکه واجب است.

(جواب گنگ) س ۱۶۵ بیدار کردن اشخاص برای نماز و غیرنماز چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; برای نماز، در صورتی که اگر بیدار نکند فوت می شود; به نظر من لازم است و من رساله کوچکی درباه این

مسأله نوشته ام که در آخر این کتاب قرار گرفته است.

س۱۶۶ آیا میهمان را بدون رضایت او جایز است برای نماز صبح بیدار کرد در صورتی که ممکن است ناراحت شود اگر با صاحب منزل شرط کرده باشد آیا می تواند بیدار کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه تالی فاسد مهمی از بیدار کردن پیدا نشود بیدار نمودن او مطلقاً واجب است اگرچه شرط نکرده باشد.

س۱۶۷ آیا ولایت معصومین(علیه السلام) شرط صحت نماز و سایر اعمال است یا شرط قبولی و یا هردو؟

ج باسمه تعالی; شرط صحت است.

س۱۶۸ رکوع به قصد تعظیم برای ائمه(علیه السلام) جایز است؟

ج باسمه تعالی; تعظیم جایز است، ولی رکوع به قصد رکوع جایز نیست.

س۱۶۹ بستن چشم ها در نماز جهت کسب حضور قلب کراهت دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیر.

س۱۷۰ بودن اشیایی مانند تسبیح، دستمال، با توجه به کم ارزش بودن در نماز بدون اجازه صاحبش غصب محسوب می شود یا اصلا ارزش آن مطرح نیست؟

ج باسمه تعالی; کم ارزش بودن موجب جواز نمی شود. بلکه ممکن است; سبب شود که انسان به رضایت صاحبش اطمینان پیدا کند که در این صورت غصب نیست.

س۱۷۱ پوشاندن دست و صورت برای زن چه حکمی دارد در نماز و غیره؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که زینت نکند و موجب تحریک جوانان نباشد پوشاندن آن ها لازم نیست و فرقی بین نماز و غیر نماز نیست.

س۱۷۲ اگر کسی جاهل به مسئله بوده و نمازش را بدون سلام دادن تمام می کرد آیا نمازش صحیح و قاعده لاتعاد او را می گیرد اگرچه جاهل مقصر بوده است؟

ج باسمه

تعالی; قاعده لاتعاد جاهل مقصر را نمی گیرد.

س۱۷۳ این جانب اکنون ۵۰ سال دارم و نمی دانم چه مقداری نماز آیات از من قضاء شده است تکلیف من چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; مقداری که یقین دارید; قضاء کنید و زاید بر آن لازم نیست. ولی بهتر است قضاء زائد بر متیقن هم بنمایید.

س۱۷۴ آیا ترک نماز موجب کفر می شود و باید با تارک آن معامله نکرد؟

ج باسمه تعالی; نماز عمود دین است، اگر قبول شود سایر عبادات نیز قبول می شود و اگر رد شود و یا ترک شود هیچ عمل الهی قبول نمی شود، امام صادق(علیه السلام) می فرماید بعد از شناختن خدا هیچ عملی افضل از نماز نیست در روایت دیگر است که بین مسلمان و کافر شدن او چیزی غیر از ترک نماز نیست و آن آخر وصایای پیغمبران است. در روز قیامت چنانچه شخصی را برای سؤال حاضر کنند برای سؤال همین که معلوم شود نماز نخوانده بدون معطلی در جهنم می اندازند خلاصه در قیامت با تارک نماز معامله کافر می شود و در دنیا باید نهی از منکر نمود و تارک نماز اگر به نهی گوش نداد باید با او ترک مراوده کرد; ولی نجس نیست و ترک نماز هم موجب کفر نمی شود.

س۱۷۵ در ظهر عاشورا عزاداری امام حسین(علیه السلام) مقدم است یا نماز ظهر؟

ج باسمه تعالی; وجود حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه با آنکه ارزشش از تمام دنیا زیادتر است; خود را فدای دین کرد و برای اقامه نماز و احیاء دین از جان خود و یاران با وفایش گذشت.

بنـابراین نبایـد در نمـاز کوتاهی کرد و لـذا خود حضـرت در حال جنگ که اگر من و تمام نویسـندگان بخواهیم آن حال را با ارزشش بنویسیم; قادر نیستیم جنگ را رها نمود و اقامه نماز نمود لذا نماز مقدم است.

س۱۷۶ اگر مکلف در رکعت نماز احتیاط محدث شده باشد آیا اعاده یک رکعت واجب است یا باید نماز را اعاده کند؟

ج باسمه تعالی; اعاده همان یک رکعت کافی است.

س۱۷۷ تکبیر گفتن قبل و بعد از رکوع و سجده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; احتیاط واجب آن است که قبل از سجده ترک نشود ولی بعد از سجده مستحب است.

س۱۷۸ به دلیل ناراحتی اعصاب، بعضی اوقات حوصله ندارم نمازم را بخوانم در چنین صورتی تکلیف بنده چیست؟

ج باسمه تعالی; در هیچ حالی حق ندارید نماز را نخوانید. حوصله داشتن یا نداشتن فرقی ندارد.

س۱۷۹ کسی عمداً نماز عشا را نخواند فردای آن آیا روزه گرفتن بر او واجب است؟

ج باسمه تعالی; خیر، در صورتی که نخواندن نماز منتسب به خواب بودن باشد، مستحب است فردایش را روزه بگیرد.

س۱۸۰ وظیفه کسی که نه آب برای غسل و وضو و نه خاک برای تیمم دارد در داخل وقت نسبت به نماز چیست؟

ج باسـمه تعالی; نماز ساقط است. ولی بهتر است که در وقت بـدون طهارت نماز را بخواند و بعد از وقت نیز نماز را با طهارت قضاء کند.

س۱۸۱ در تکبیره الاحرام اعاده لفظ اکبر وجوباً یا احتیاطاً لازم باشد با فاصله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; بدون فاصله اشکال ندارد.

س۱۸۲ آیا تکرار نماز در صورت عدم حضور قلب از باب

امتثال امر الهی جایز می باشد یا خیر و توجه چگونه حاصل می شود؟

ج باسمه تعالی; تکرار نماز، در صورت عدم حضور قلب، با فرض اطمینان به صحت آنچه انجام داده است; دلیلی بر مشروعیت آن نیست. توجه با مقداری تفکر در عظمت الهی و ضعف حقارت خود و فقر بنده و امثال ذلک، حاصل می شود.

س۱۸۳ مصافحه کردن بعد از نماز آیا شرعی و مستحسن است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مصافحه مطلقاً شرعی است. خصوصاً که بعد از نماز مطلوب هم هست.

س۱۸۴ آیا در حال نماز واجب می شود عدول به نماز مستحبی نمود تا این که دوباره با توجه کامل نماز را خواند؟

ج باسمه تعالی; عدول به نماز مستحب در موارد خاصی جایز است مانند درک جماعت ولی مطلقاً جایز نیست.

س۱۸۵ در نماز زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد نمازشان چگونه است و اگر شخصی مدتی این طور نماز خواند آیا باطل است؟

ج باسمه تعالی; نماز هر دو صحیح است و اگر فاصله بین آن ها نباشد مکروه است و نماز باطل نیست.

س۱۸۶ شخصی عاجز از ایستادن در حال نماز باشد باید چه کند؟

ج باسمه تعالی; نشسته نماز بخواند.

س۱۸۷ اگر کسی رکوع را فراموش کرد و به سجده رفت قبل از رسیدن به مهر یا بعد از آن چکار کند؟

ج باسمه تعالی; در هر دو صورت باید برگردد و رکوع را بجا آورد و دو مرتبه به سجده برود.

س۱۸۸ تکلیف زن در دعای بعد از نماز در ماه رجب که وارد شده جمله (حرم شیبتی علی النار) زن که ریش ندارد باید چه بگوید؟

ج باسمه

تعـالی; باب اسـتعاره در کلمات عرب، واسع است و این هم یکی از موارد آن باب است و مراد از شـبیه، شـخص است والاّ هم درخواست حرمت خصوص شبیه را نمی کنند و در آن معنای کنائی، فرقی بین زن و مرد نیست.

قبله

س۱۸۹ اختلاف از قبله تا چه حدی جایز می باشد؟

ج باسمه تعالی; تا حدی که از قبله منحرف نشود.

س۱۹۰ منزل یکی از اقوام در کرج می باشـد حـدوداً شایـد یـک سـال هر هفته یـا هر ماه یک بار به آنجا به عنوان میهمان می رفتم و بعدها متوجه شدم جهت قبله اشتباه بوده حالا حکم نمازهای من چیست در حالی که صاحب خانه مطمئن از صحت قبله بوده است؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه در وقت خوانـدن نماز به قبله اطمینان پیـدا کرده بودید و نمازها را پشت به قبله نخوانده اید; بلکه بین مشرق و مغرب خوانده اید یعنی بین دست راست و چپ بوده، نمازها صحیح است و اعاده لازم نیست.

س۱۹۱ بچه ای متولد شده پس از ۸ ماه فوت نموده این بچه تمام اعضایش سالم بوده جز این که صورتش به طرف پشت بوده که اگر رو به قبله می ایستاد یا اگر سرپا نگه می داشتند مقادیم بدن این میت رو به قبله و سرش به طرف پشت می شد اگر این بچه زنـده می مانـد و بالغ می شد نماز را چگونه بایستی می خواند؟ دیگر آنکه اگر صورت کاملا به طرف مشـرق و یا مغرب بود چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در موقع قیام باید مقادیم بدن رو به قبله باشد و اما در موقع

سجده، چون توانایی انجام از سجده ندارد؛ تکلیف مبدل به ایماء می شود؛ اگر صورت به طرف مشرق یا مغرب باشد واجب است چه در دفن و چه در صلوات چنان که ممکن است با حرکت رو به قبله شود و الا حکم صورت اول را دارد.

س۱۹۲ اگر کسی سر او به طرف عقب آفریده شده باشد یا بر اثر سکته یا غیره سر او به عقب برگشته این شخص نماز را به طرف قبله چطور بخواند؟

ج باسمه تعالی؛ باید مقادیم بدن رو به قبله باشد و رو به قبله بودن صورت لازم نیست.

اذان و اقامه

س۱۹۳ اضافه نمودن شهادت بر ولایت امیرالمؤمنین علیه آلاف التحیه و الثناء و فرزندان گرامیش در تشهد نماز چیست آیا جایز است یا نه؟ در اذان و اقامه چطور؟

ج باسمه تعالی؛ شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علیه صلوات الله بعد از شهادت به رسالت در اذان و اقامه از مستحبات اکیده و از شعائر مذهبی است و شیعیان نباید آن را ترک نمایند.

س۱۹۴ اگر اذان و اقامه در نماز جماعت و یا فرادای هر یک به وسیله دو نفر گفته شود چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ اشکال ندارد.

س۱۹۵ اذان گفتن و قرآن خواندن از بلندگوی مسجد چنانچه موجب مرض یا شدت مرض کسی شود حرام است یا نه؟ دلیل را بفرمائید.

ج باسمه تعالی؛ واقعاً اگر در موردی سبب مرض یا شدت آن بشود جایز نیست چون عمل مستحب نمی تواند با عنوان محرّم منطبق بر آن، مزاحمت نماید.

س۱۹۶ اگر صبی ممیز برای نماز جماعت دیگران اذان و اقامه بگوید بنابر صحت عبادت صبی کافی است یا

خیر؟

ج باسمه تعالی; به نظر حقیر اشکال دارد.

س۱۹۷ اذان و اقامه در نماز جماعت قسمتی از یک نفر و بقیه از شخصی دیگر چه صورت دارد و کسی که در آن نماز شرکت می کند آیا این اذان و اقامه برای او کافیست یا نه؟

ج باسمه تعالی; اذان از یک نفر و اقامه از شخصی دیگر مانعی ندارد ولی بعضی از آن را کسی و بعضی را دیگری بگوید; محل اشکال است و کسی که در آن نماز با اذان از یک شخص و اقامه از دیگری شرکت کند اگر وارد مسجد شود و صفوف به هم نخورده است اذان و اقامه از او ساقط است.

س۱۹۸ آیا می توان به جای اشهد أنَّ محمداً رسول الله در اذان و اقامه به قصد ورود یا رجاء عبارت اشهد ان خاتم الانبیاء محمداً رسول الله یا عبارت أن سیدالانبیاء محمداً رسول الله گفت؟

ج باسمه تعالی; شهادت به رسالت در هرجا وارد شده است باید به همان الفاظ متعارف باشد. بعضی از اذکار دیگر در قبل یا بعد از آن مستحب است چنانچه در رساله نقل شده است.

س۱۹۹ شهادت ثالثه یعنی به ولایت امیرالمؤمنین در اذان و اقامه و تشهد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در اذان و اقامه شهادت به ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام)مستحب است و از شعائر مذهبی است و در این عصر نباید ترک شود.

لباس نمازگزار

س۲۰۰ نماز خواندن در لباسی که هدیه داده اند و اهل وجوه نیستند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۰۱ پوشیدن لباس سیاه در ماه محرم و صفر چه صورت دارد و نماز صحیح است؟

ج

باسمه تعالی; در مصیبت ائمه(علیه السلام) پوشیدن لباس سیاه از مستحبات است و بسیار کار خوبی است. خود من در تمام محرم و صفر سرتا پا سیاه می پوشم و در غیر آن مورد هم، اشکال ندارد و نماز هم صحیح است.

س۲۰۲ اگر کسی فراموش کرد یا نمی دانست و با لباس غصبی نماز خواند آیا در هر دو صورت نمازش صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی صحیح است.

س۲۰۳ در مسوله ۷۰۴ از رساله عملیه آمده است; اگر در بین نماز بفهمد که لباس او غصبی است باید در صورتی که چیز دیگری عورت او را پوشانده است آن لباس غصبی را خارج کند. در حالی که در ابتدای شرط عدم غصب فرموده اید منظور لباس هایی است که عورت را پوشانده و غیر آن اشکالی ندارد. چگونه این دو مسئله با هم جمع می شود؟

ج باسمه تعالی; حرمت تکلیفی پوشیدن لباس غصبی نیز ساتر عورت، قابل انکار نیست.

س۲۰۴ خون بواسیری که به بدن و لباس می رسد برای نماز چه حکم دارد؟

ج باسمه تعالی; با خون بواسیری که دانه هایش بیرون است می شود نماز خواند; ولی احتیاط واجب آن است که در صورتی که دانه هایش بیرون نباشد و خون زاید بر درهم است نماز خوانده نشود.

مکان نمازگزار

س۲۰۵ در مکان های عمومی که انسان می داند غصبی است می شود آنجا نماز خواند؟

ج باسمه تعالی; خیر، در صورتی که احتمال برگشتن به مالک باشد; نمی شود والا مانعی ندارد.

س۲۰۶ زمین مرد مخالف و سنی را عده ای از شیعه های دوازده امامی خالص تصرف کرده منزل و مسجد

ساخته اند صاحب زمین رضایت ندارد نماز و سکونت در چنین منزل و مسجد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; نماز خواندن در آن جایز نیست.

س۲۰۷ اگر شخصی نمازگزار غصب بودن محل نماز را نمی داند و یا جاهل به مسئله است و به این صورت نماز بخواند نمازش باطل است؟

ج باسمه تعالی; در جاهل بودن به غصب، نماز صحیح است. ولی در صورت جهل به حکم، چنانچه مقصر باشد; نماز باطل است.

س۲۰۸ نماز خواندن در منازل اشخاصی که خمس و زکات نمی دهند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۰۹ در مسافرت های بین شهری که ماشین ها برای صرف ناهار یا شام نگه می دارند، نماز خواندن در چنین غذاخوری ها برای کسانی که آنجا غذا نمی خورند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۱۰ بودن عروسک های پلاستیکی اعمّ از حیوان و انسان و مجسمه در مکان نمازگزار چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مقابل نمازگزار مکروه است و در اطراف دیگر مانعی ندارد.

س۲۱۱ خواندن نماز در خانه کسی که تارک الصلاه است یا خمس نمی دهد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد. ولی در صورت ممکن باید ارشاد نمود و نهی از منکر کرد ولو به نماز نخواندن.

س۲۱۲ نماز خواندن در اطاقی که تلویزیون هست چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; خود نماز صحیح است.

س۲۱۳ اگر کسی از طرف حاکم شرع اموال یتیم را به سرپرست آن ها اجاره بدهد در این صورت رفت و آمد در خانه و ملک یتیم یا خانه ملکی که یتیم در آن سهم دارد و غذا خوردن و نماز خواندن

در آنجا چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; همه جایز است.

س۲۱۴ اگر زمین کسی را که مالکیت دارد و ملك خودش می باشد غصب کرده و آنجا مدرسه درست کنند و مدرسه دو شیفته باشد و در فصل زمستان کسانی که شیفتشان بعد از ظهر می باشد قبل از ظهر به مدرسه رفته و غروب یا بعد از غروب از مدرسه خارج می شوند و مجبورند نماز ظهر و عصر را همان مدرسه بخوانند نماز آن ها چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; نماز در ملك غصبی باطل است; مگر آنکه علم به رضایت تقدیری مالك داشته باشد که در این صورت صحیح است.

وقت نماز

س۲۱۵ اگر انسان خیال می کرده یا احتمال می داده که فقط برای نماز عصر وقت دارد ولی بعد از خواندن نماز عصر بفهمد که برای نماز ظهر نیز وقت داشته نماز عصرش صحیح است؟

ج باسمه تعالی; بله صحیح است.

س۲۱۶ کسی که در کشورهای عربی زندگی می کند، آیا وقت اذان شیعه و سنی فرق دارد؟

ج باسمه تعالی; سنی ها اول نماز صبح را طلوع فجر کاذب می دانند که یک سفیدی عمودی در افق پیدا می شود و آن تقریباً یك ربع ساعت به اول وقت در نزد شیعه است که یک سفیدی در عرض افق پیدا می شود و وقت نماز مغرب را غروب شمس می دانند که جماعتی از علماء شیعه هم همان را فتوی می دهند ولی بیش تر علماء اول وقت مغرب را زوال حمره می دانند.

س۲۱۷ اگر کسی در نماز صبح یك رکعت وقت برای او باقی بود ولی یك سوره طولانی در

نماز بخواند و به یک رکعت نرسید آیا نماز او باطل است یا معصیت کرده یا درست است؟

ج باسمه تعالی; معصیت کرده; ولی نماز او صحیح است.

قرائت

س۲۱۸ کشش در کلمه ولا الضالین چقدر است؟

ج باسمه تعالی; مختصر کشیدن کافی است.

س۲۱۹ اگر کسی در خواندن سوره حمد و نماز خود در موقع گفتن ایاک نعبد و ایاک نستعین قصد کسی کند و خطاب را با او اعم از ائمه و غیر ائمه نماید و صورت قطب را در نظر گرفته یا شکل او را در نظر حاضر کند و بگوید خطاب باید به خدا شود و چون خدا را نمی بینم تا مخاطب قرار دهیم باید طلعت احمد و حیدر را در نظر بگیریم و چون نمی توانیم صورت آن ها را تصور کنیم باید صورت مرشد را که ولی می باشد تصور نمائیم آیا نماز چنان شخصی درست است یا نه و اصلا این روش با اسلام و تشیع سازش دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; نماز چنین شخصی باطل است و خود عمل شرک است و با اسلام و تشیع منافات دارد.

س۲۲۰ شخصی از روی جهالت حدوداً پنج سال همیشه در نماز تسبیحات اربعه را با بسم الله الرحمن الرحیم خوانده به نظر این که بسم الله جزء تسبیحات است و چون بی سواد است قصد ورود و سایر مسائل را هم نمی داند تکلیف او چیست؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۲۱ یکی از مقلدین حضرت عالی مدتی است بعد از قرائت سوره حمد سوره عصر را در نماز خوانده ولی کلمه الا الذین را، ان الذین خوانده بعداً فهمیده، آیا

نمازهای خوانده شده اش صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ صحیح است.

س۲۲۲ آیا در قرائت حمد و یا سایر کلمات نماز و قرآن در بین حرف های مشابه (ض. ظ. ز. ذ. أ. ع. ص. ث. ه.) از نظر مخارج فرق گذاشتن لازم است یا نه؟ و اگر کسی عالماً و عامداً فرق نگذارد و یا این که یاد گرفتن محل و بیان مخارج ممکن نباشد و یاد نگیرد آیا نمازش و قرآنش اشکال دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ واجب است در نماز حروف را رعایت بنماید چنانچه (ض) به (ز و یا به ذ) تبدیل کند، نماز باطل است و در صورتی که نمی داند؛ باید یاد بگیرد و در صورت توانایی بر یاد گرفتن اگر یاد نگرفت نماز او باطل است.

س۲۲۳ آیا جایز است در سوره حمد در نماز (مالك یوم الدین) و (ملك یوم الدین) هر دو را قرائت نمود؟

ج باسمه تعالی؛ هر کدام را که بخواند جایز است، ولی اولی، اوفق به احتیاط است و جمع هم مانعی ندارد.

س۲۲۴ اگر در جایی که وقت برای نماز زن کم است شروع به نماز کرد و جلو بود آیا مرد می تواند پشت سر او شروع به نماز کند؟

ج باسمه تعالی؛ بله می تواند. در غیر این صورت مکروه است ولی در فرض سؤال، واجب است.

س۲۲۵ آیا ادغام در قرائت نماز واجب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ اگر حرف مُماثل ساکن دو کلمه واحده جمع شود و یا دو حرف مُماثل متحرك مانند مدّ در آخر کلمه باشد واجب است والا ادغام واجب نیست.

س۲۲۶ بلند خواندن قرائت حمد

و سوره در نماز ظهر روز جمعه برای زن و مرد چه حکمی دارد آیا این حکم در سفر و حضر فرق می کند؟

ج باسمه تعالی; مقتضای احتیاط این است که بلند خوانده شود ولو اگر آهسته خوانده شود در همه موارد صحیح است.

س۲۲۷ شخصی در نماز تسبیحات اربعه را چهار بار تکرار کند نمازش اشکال دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; دفعه چهارم را به قصد ذکر مطلق نه جزئیت نماز بگوید اشکال ندارد.

س۲۲۸ آیا اگر نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند نخوانیم نماز باطل است؟ آیا اگر حمد و سوره را بلند بخوانیم کافی است؟

ج باسمه تعالی; نماز باطل نیست و فقط باید حمد و سوره بلند خوانده شود.

س۲۲۹ اگر حمد و سوره را در نماز فراموش کنیم نماز باطل است یا خیر اگر در داخل رکوع بفهمیم چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی; نماز باطل نمی شود و باید بعد از دخول در رکوع نماز را ادامه داد.

قنوت

س۲۳۰ دیده شده عده ای در نماز (قنوت) نگین انگشتر را به طرف صورت می کنند آیا این عمل در اسلام است یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیر مکروه است.

س۲۳۱ آیا جایز است قنوت نماز را به فارسی یا به زبان عربی خواند؟

ج باسمه تعالی; احتیاط واجب آن است که به غیر عربی خوانده نشود.

س۲۳۲ اگر کسی در قنوت نماز شک کند که حمد یا سوره را نخوانده یا این که هردو را نخوانده آیا دوباره بخواند و اگر علم اجمالی پیدا کرد که یکی را خوانده ولی نمی داند حمد یا سوره بوده است چه باید انجام دهد؟

ج

باسمه تعالی; در صورت شک نباید بخواند و در صورت علم اجمالی باید هر دو را بنابر وجوب سوره در نماز بخواند.

س۲۳۳ دعا کردن به زبان فارسی در قنوت نمازهای یومیه و مستحبی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; احوط ترک آن است.

سجده

س۲۳۴ سجده کردن بر قسمتی از مهر که نقش یا نوشته دارد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۲۳۵ کسی که از سجده کردن در نماز معذور است و روی صندلی نماز و سجده را بجا می آورد اگر کفش در پایش باشد و نماز بخواند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; نماز خواندن با کفش اشکال ندارد اگر شرایط رعایت شود.

س۲۳۶ آیا اگر نمازگزار در سجده بعد از ذکر واجب در حالی که می خواهد ذکر مستحّبی را بگوید پا یا دست را بلند کند و دوباره بر زمین بگذارد اشکال دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۳۷ گذاشتن مهر زیر بینی در سجده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; احتیاط این است که ترک نشود.

س۲۳۸ سجده برطرف نوشته شده مهر چگونه است؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۲۳۹ سجده بر سیمان، موزائیک و سنگ مرمر چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۲۴۰ کسی بعد از ذکر واجل سجده و رکوع ذکر دیگری احتیاطاً یا استحباباً شروع کرده و قبل از اتمام آن ذکر عمداً و یا سهواً بلند شده حکمش را بیان فرمائید؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۴۱ استفاده از مهر امین چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۴۲ سجده سهوی که در نماز اتفاق می افتد بعد از انجام سجدتین سهو تشهد و سلام هم

دارد اگر دارد هر سه سلام باید باشد؟

ج باسمه تعالی؛ واجب است تشهد متعارف را بخواند و سلام دهد و در سلام فقط بگوید (السلام علیکم).

س۲۴۳ سجده بر شیشه جایز است؟

ج باسمه تعالی؛ جایز نیست.

س۲۴۴ اگر سجدتین رکعت آخر را فراموش کنیم و بعد از دادن سلام به خاطر بیاوریم چه کنیم؟

ج باسمه تعالی؛ اگر منافی عمدی و سهوی به جا نیاورده؛ باید دو سجده را به جا آورد و بعد تشهد و سلام دهد. اگر منافی بجا آورده نماز باطل است.

س۲۴۵ سجده به مهری که شکل گنبد و بارگاه و غیره داشته باشد جایز است؟

ج باسمه تعالی؛ اشکال ندارد. مرحوم آیه الله بروجردی، در بعضی موارد که عنوان پرستش غیر خدا پیدا می کرد از آن نهی می فرمودند.

نماز قضا

س۲۴۶ کسی که نماز و قضای روزه خود را نگرفته و بعد از فوت پدرش بخواهد قضای نمازهای پدرش را بجا بیاورد در این صورت آیا ترتیب لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ ترتیب لازم نیست و هر کدام را مایل باشد؛ می تواند مقدم بدارد.

س۲۴۷ اگر پسر بزرگ قبل از پدر فوت نماید و چند پسر دیگر غیر از او دارد آیا بعد از فوت پدر، بر پسر بزرگ فعلی قضای نماز و روزه های پدر واجب است یا نه؟ و اگر پسر بزرگ نماز قضای پدر را نخواند و به کسی هم اجازه ندهد آیا بعد از فوت پسر بزرگ واجب است که اجازه دهند از مال او برای قضای نماز اجیر بگیرند یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بلی بر پسر بزرگ فعلی واجب و اگر نخواند، باید

از ترکه خود میت اجیر بگیرند نه از ترکه پسر.

س۲۴۸ اگر کسی مقداری از نمازهایش در حال عذر و مقداری بدون عذر از او فوت شده آیا می تواند همه آن ها را در حال عذر قضا نماید یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه عذر دائمی باشد؛ می تواند در حال عذر قضاء نماید.

س۲۴۹ پسر بزرگ اگر لال باشد و پول هم نداشته باشد تا برای قضای نمازهای پدر اجیر بگیرد آیا وظیفه او ساقط می شود یا با اشاره نماز قضای پدرش را بخواند و آیا قضای نمازهای پدر هرچند سنّی هم باشد بر پسر شیعه او واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ ظاهراً وظیفه از پسر لال ساقط است و فرقی نیز بین شیعه و سنّی بودن پدر نیست.

س۲۵۰ شخصی از سن ۱۵ سالگی شروع به خواندن نماز و گرفتن روزه می کند حال قبل از ۱۵ سالگی بالغ بوده است ولی دو شرط دیگر بلوغ را نمی دانسته است و فکر می کرده است شرط بلوغ ۱۵ سال قمری است و دو شرط دیگر را در سن ۱۹ سالگی ملتفت و متوجه شده است آیا روزه هایش را که نگرفته است باید کفاره بدهد؟ (قبل از ۱۵ سالگی منظور است) قضای روزه و نماز لازم است؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه معتقد بوده است که بالغ نیست؛ یعنی احتمال نمی داده است که ممکن است بالغ باشد؛ کفاره لازم نیست؛ ولی به هر حال قضای نماز و روزه لازم است.

س۲۵۱ اگر کسی ندانسته گیاهی مست و بیهوش کنند را خورده و بعد از تمام شدن وقت بهوش آمده آیا نماز را قضا

کند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که تمام وقت مست و بیهوش بوده; قضا واجب نیست.

س۲۵۲ پدر و مادر نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند، آقایان می فرمایند اگر عمداً هم انجام ندهند بر پسر بزرگ لازم است قضا کند آیا این حکم موجب سوء استفاده آن ها نمی شود و اگر پسر بزرگ انجام داد آیا آن ها بری الذمه می شوند یا نه؟

ج باسمه تعالی; نماز و روزه قضاء، موجب برائت ذمه می شود ولی عقاب و تبعات ترک نماز از بین نمی رود.

احکام مسافر

س۲۵۳ کسی در تمام سال در هر هفته ای ۱ یا ۲ بار به بیش از مسافت شرعی سفر می کند آیا دائم السفر است؟ حکم نماز و روزه او چیست؟

ج باسمه تعالی; در آن محل باید نماز را شکسته بخواند و روزه نیز نگیرد.

س۲۵۴ منزل ما از سر کمربندی تهران هیچده کیلومتر فاصله است، نمازم در تهران چگونه است؟

ج باسمه تعالی; در صورتی باید نمازتان را شکسته بخوانید که از محل زندگی، تا اوّل شهر تهران، یعنی جایی که محل زندگی افراد و خانواده ها است ۲۲ کیلومتر باشد که چهار فرسخ شرعی است چنانچه کمتر باشد نماز را باید تمام بخوانید.

س۲۵۵ شخصی کثیر السفر در پانزده روز تعطیلات نوروزی برای این که کثرت سفر او قطع نشود یک سفر به صورت تفریح به محل کار خود می رود آیا کثرت سفر او باقی است یا قطع می شود؟

ج باسمه تعالی; از نظر ما کثیر السفر موضوعیّت ندارد.

س۲۵۶ اگر پدر و مادر از وطن خود به جایی مسافرت کنند و مدتی

در آنجا اقامت کنند و بچه های آنان بعد از بزرگ شدن به وطن پدر و مادر بروند آیا حکم وطن برای آن ها دارد یا نه؟ (در صورتی که بچه ها در وطن پدر و مادر متولد نشده اند)؟

ج باسمه تعالی؛ خیر وطن آنان نیست.

س۲۵۷ اگر کسی در سفر به حکم جاهل باشد یا حکم را فراموش کند و نماز را تمام بخواند، نمازش صحیح است؟

ج باسمه تعالی؛ جاهل به حکم اگر اصل حکم را نمی داند؛ نمازش صحیح است و اگر حکم را می داند ولی خصوصیات را نمی داند؛ مثلا نمی داند که سفر چهار فرسخ همراه با قصد رجوع موجب قصر می شود، نمازش صحیح نیست اما اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است؛ چنانچه در وقت متذکر شود اعاده نماز واجب است و اگر بعد از وقت متذکر شود قضا واجب نیست.

س۲۵۸ شخصی است که منزل او در قم می باشد و برای تحصیل به تهران می رود تقریباً یک سال یا بیشتر در همین قم خواهد ماند و همه روزه رفت و آمد دارد نماز و روزه اش در اینجا و تهران چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ در قم و تهران چنانچه قصد اقامت ده روز نشود نماز شکسته است و روزه هم نباید گرفت.

س۲۵۹ سربازی در تهران خدمت می کند و هر هفته پنج شنبه به قم می آید و جمعه بر می گردد حکم نماز و روزه او تا پایان خدمت سربازی چیست؟

ج باسمه تعالی؛ اگر در تهران ده روز قصد اقامت نکند؛ مسافر است و نمی تواند روزه بگیرد، همچنین نماز

را باید شکسته بخواند.

س۲۶۰ اینجانب پیمانکار ساختمانی هستم که کارم در قم و شهرستان ها است و محل زندگیم در قم است. در حال حاضر دو ماه قبل از ماه رمضان در شهرستان ورامین و کاشان و شهریار کار می کنم که در هفته دو یا چند روز به کارها سر می زنم ولی مدت کارم در شهرستان چند ماه یا چند سال طول می کشد از محضر مبارک جنابعالی در مورد نماز و روزه ام سئوالی داشتم آیا می توانم نماز و روزه را تمام بگیرم؟

ج باسمه تعالی; در قم، نماز تمام است و روزه را باید بگیرید و در محل کار نماز شکسته است اما روزه، چنانچه بعد از ظهر از قم حرکت کردید روزه آن روز را بگیرید و از آن محل هم اگر صبح حرکت کردید می توانید بدون قصد روزه امساک کنید و به قم که رسیدید، قبل از ظهر قصد روزه کنید و اگر بعد از ظهر به قم رسیدید یا قبل از ظهر از قم حرکت کردید نمی توانید روزه بگیرید.

س۲۶۱ زن در مسافرت همراه شوهرش، درباره قصر و اتمام نمازهایش آیا تابع شوهر است یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیر تابع نیست. مگر آنکه بداند که شوهرش قصد اقامه کرده و او هم چون از او جدا نمی شود در این صورت قهراً قصد اقامه می کند و نمازش را تمام می خواند.

س۲۶۲ در صورت متابعت اگر در مسافرت به خانه پدر زن برسند آنجا هم متابعت لازم است یا زن نمازش را تمام بخواند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه اعراض نکرده و آنجا متولد شده; باید

نماز را تمام بخواند.

س۲۶۳ در صورت متابعت که زن جاهل به مسئله، نمازهایش را تمام خوانده; آیا اعاده لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه عالم به اصل حکم باشد; باید نمازها را اعاده کند.

س۲۶۴ آیا مسافر می تواند نماز قضای فوت شده خود را در سفر بخواند یا نه؟

ج باسمه تعالی; می تواند، ولی باید قضای نماز فوت شده در حضر را، اگر در سفر هم می خواند; تمام بخواند.

س۲۶۵ آیا برای طلاب مهاجری که از ممالک دیگر برای تحصیل به قم آمده اند، این شهر حکم وطن را دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مدت اشتغال به تحصیل طولانی باشد مثلا ده سال، حکم وطن را پیدا می کند و اگر مدت کوتاه است مثلا دو سال در این صورت حکم وطن را ندارد.

س۲۶۶ حائر حسینی در کربلا از کجاست؟

ج باسمه تعالی; مراد از حائر حسینی که مسافر مختار است نمازش را شکسته یا تمام بخواند عبارت است از تمام حرم که ابتدای آن رواق های اطراف حرم می باشد.

س۲۶۷ نماز دانش آموز یا دانشجویی که برای تحصیل از شهر خود به شهر دیگری سفر کرده است و در رفت و آمد می باشد (هر ده روز یک بار) کامل است یا شکسته؟

ج باسمه تعالی; شکسته است. مگر آنکه در محل تحصیل ده روز قصد اقامت نماید.

س۲۶۸ من در تهران زندگی می کنم و کارم در قزوین است و کرج در بین راه این دو شهر است اگر موقتاً یک روز به کرج بروم احکام مسافر برقرار است اگر در بین راه به قزوین، یک کاری در کرج

انجام دهم یعنی توقف کنم و بعد به قزوین بروم حکم چیست؟

ج باسمه تعالی; در کرج مانند شهرهای دیگر شما مسافر هستید و نمازتان شکسته است. روزه هم نمی توانید بگیرید; مگر این که قصد ده روز را داشته باشید.

س۲۶۹ اگر کسی در عالم مکاشفه خود را در سفر دید مثلا در حرم امام رضا(علیه السلام) یا صورت حرم را در نزد خود می بیند یا این که خودش آنجا می رود روزه و نماز او شکسته می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; آنچه مسلم است نماز شکسته نمی شود و روزه را هم باید بگیرد بلی چنانچه با طی الارض برود مسافر است.

س۲۷۰ اگر کسی بیشتر سال یا همه سال هفته ای یک یا دو بار مسافرت نماید آیا شخص مذکور کثیر السفر هست یا نه نماز و روزه اش چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; کثیر السفر، میزان نماز تمام نیست; بلکه میزان آن است که شغل سفر باشد، مانند راننده ماشین، هواپیما و امثال این ها. پس در مورد سؤال نماز قصر است و روزه نمی تواند بگیرد.

س۲۷۱ آیا سفر برای شکار لهوی سفر معصیت می باشد و غیر از غنا و استعمال آلات لهو آیا مطلق کارهای لهوی حرام است؟

ج باسمه تعالی; سفر برای شکار به قصد لهو حرام نیست ولو نماز باید به واسطه دلیل مخصوص تمام خوانده شود هم چنین، کارهای دیگر لهوی هم حرام نیست; مگر غنا، که دلیل مخصوص بر حرمت دارد.

س۲۷۲ روحانی مسجد آماده نماز جماعت است اگر کسی به گفته دیگران در عدالت و سواد و غیره امام شک داشته باشد آیا

می تواند در همان وقت نمازش را فرادی بخواند؟

ج باسمه تعالی; فرادی خواندن به طوری که اهانت نباشد اشکال ندارد.

س۲۷۳ زمانی که در مسجد روحانی نیست آیا می شود به فردی که ظاهر الصلاح و باتقوی است اقتداء کرد؟

ج باسمه تعالی; بلی، بسیار کار خوب و پسندیده ای است.

نماز جماعت

س۲۷۴ اگر در نماز جماعت مأموم جهلا به حکم و یا اشتباهاً از صف جماعت فاصله داشته و یا بعداً ارتباط قطع شده چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۷۵ آیا امام جماعت می تواند نماز خود را برای مأمومین به شکل بهتر و جذاب تر بخواند تا مردم نسبت به اسلام خوشبین باشند و آیا ریا کردن به نفع پیشبرد اسلام جایز است؟

ج باسمه تعالی; اگر نیت خوب شرعی دارد; ریا نیست و اشکال ندارد.

س۲۷۶ اگر امام جماعت در حال خم شدن به طرف رکوع است آیا می توان در آن حال اقتداء کرد؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند اقتداء کند.

س۲۷۷ در نماز جماعت بعد از نیت و تکبیره الاحرام می شود قصد فرادی کرد؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۲۷۸ اقامه نماز جماعت ترسو و غیر روحانی که دارای شرائط دیگر باشد چگونه است؟

ج باسمه تعالی; در نماز جماعت شرط نیست که امام روحانی باشد و یا ترسو نباشد.

س۲۷۹ اگر امام جماعت فاسق و از بدعت گران تجلیل می کند نماز خواندن به صورت فرادی یا رفتن به این مسجد چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; با او نمی توان نماز خواند و فرادی خواندن بی اشکال است.

س۲۸۰ آیا در نماز جماعت شناختن امام جماعت لازم است یا خیر؟

باسمه تعالی; در صورت اطمینان به عدالت لازم نیست.

س۲۸۱ اقتداء کردن شیعه به سنی در حالت خارج از تقیه چگونه است؟

ج باسمه تعالی; اقتداء صحیح نیست، ولی صورت اقتداء خوب است.

س۲۸۲ امام جماعتی که مقلد مرجعی است که غسل جمعه را مکفی از جنابت می داند آیا دیگران که مجزی نمی دانند اجتهاداً یا تقلیداً می توانند به او اقتداء کنند؟

ج باسمه تعالی; در خصوص نمازی که با غسل جمعه می خواند خیر.

س۲۸۳ در مساجدی که امام جماعت از طرف دولت تعیین می شود نماز خواندن چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه عدالت او را احراز کنید; اشکال ندارد. میزان عدالت امام است.

س۲۸۴ در نماز جماعتی که در مسجد اقامه می شود بعد از نماز شعار می دهند آیا نماز خواندن در اینگونه مساجد جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شعار خلاف دستورات اسلام باشد شرکت نکنید.

س۲۸۵ اقامه نماز فرادی در هنگام تشکیل نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر تفسیق امام نباشد; اشکال ندارد.

س۲۸۶ امامت غیر روحانی در نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۸۷ اگر امام جماعتی گناه کبیره انجام داد آیا از امامت ساقط است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی ساقط است.

س۲۸۸ آیا عدم رضایت شخص واجد شرائط امامت جماعت در اقتداء کردن به او می تواند باعث عدم جواز در اقتداء به او شود؟

ج باسمه تعالی; خیر.

س۲۸۹ اگر کسی نماز خودش را با سختی می خواند و برای قیام و رکوع و سجود با مشکل روبه رو است با اقامه نماز به

صورت جماعت آیا می تواند انجام وظیفه کند

و نمازهای خودش را با اشاره انجام دهد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه قیام، رکوع و سجود را انجام بدهد هرچند با سختی باشد اشکال ندارد. اگر مشکلات به نحوی است که مثلا برای رکوع یا سجود، ایماء می کند و یا عوض قیام، قاعداً نماز می خواند; جماعت اشکال دارد و جایز نیست.

س۲۹۰ شخصی در منزل خود نمازهای یومیه را با جماعت انجام می دهد یعنی پدر که نماز می خواند همسر و فرزندانش به او اقتدا می کنند آیا این شخص و فرزندان او اگر اجیر شوند و نمازهای فوت شده را با اجرت انجام دهند می توانند با جماعت انجام دهند یا خیر با توجه به این که شرط نشده که حتماً فرادی نمازها را به جا آورند؟ و همچنین اگر هر کدام برای شخصی معین اجیر باشند مثلا پدر اجیر زید و فرزندش اجیر عمرو گردیده آیا می توانند با جماعت انجام وظیفه نمایند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه نمازی که پدر می خواند نماز یومیه خودش باشد یا از طرف کسی که نماز قضاء می خواند; مسلماً به عهده او بوده است و نماز احتیاطی نباشد; اشکالی ندارد و الا جماعت صحیح نیست.

س۲۹۱ اگر در بین یکی از صف های نماز جماعت، بچه ممیزی که معلوم نیست نماز او صحیح است وجود داشته باشد نماز جماعت افراد صف مزبور چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۲۹۲ در صلاه جماعت امام در رکعت آخر صلاه ظهر یک سجده به جا نمی آورد در حالی که یقین دارد که به جا آورده است و مأمومین هم بنا بر جهل به حکم

چیزی نگفته اند و به عمل امام عمل کرده اند در حالی که می دانستند یک سجده انجام نشده و بعداً به اطلاع امام رسانده اند، لطفاً حکم مورد نظر را عنایت فرمایید؟

ج باسمه تعالی؛ نماز امام صحیح است اگر بعد بفهمد باید قضای سجده را بعد از نماز به جا آورد. مأمومین نیز اگر به وظیفه خود عمل کنند و سجده به جا آورند؛ نماز آن ها نیز صحیح است.

س۲۹۳ اگر در بین یکی از صف های نماز جماعت، فرد نجسی یا فردی که نیّت فرادی کرده است نماز می خواند، نماز سایر افراد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ بی اشکال است.

س۲۹۴ اگر در بین صف های نماز جماعت، یک متر یا بیش تر از یک متر فاصله افتاده باشد نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ نباید بیش تر از یک متر فاصله باشد.

س۲۹۵ آیا در امام جماعت نماز میت شرایط مسأله ۱۴۵۴ رساله عملیه شما معتبر است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ غیر از عدالت، بقیه شرایط معتبر است.

س۲۹۶ شخصی دو رکعت اول نماز خویش را به جماعت می خواند و بعد از اتمام نماز امام جماعت، دو رکعت باقی مانده را فرادی می خواند آیا دیگران می توانند به این شخص اقتدا کنند در حالی که خودش مباشر به خواندن حمد و سوره نبود؟

ج باسمه تعالی؛ بلی می توانند.

س۲۹۷ اگر امام و مأموم در قصر و اتمام اختلاف داشته باشند هر کدام به حسب فتوای مجتهد خود، آیا می توانند به یکدیگر اقتدا کنند؟

ج باسمه تعالی؛ بلی می توانند.

س۲۹۸ اگر کسی یک یا چند انگشت دست

او قطع شده جایز است امام جماعت شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; جایز است ولی خلاف احتیاط است.

س۲۹۹ اگر امـام جماعت مقـداری از سوره را فراموش کرد و به رکوع رفت اگر مأموم بقیه سوره را بخوانـد فرادی می شود یا اگر مأموم هم فراموش کرده ولی سوره دیگری به عوض آن بخواند فرادی می شود یا نماز جماعت درست است؟

ج باسمه تعالی; جماعت درست است و خواندن بقیه سوره لازم نیست.

س۳۰۰ آیا آیه (فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله) از سنن صلاه است و یا از قرائت قرآن مجید است و اگر مأموم در نماز جماعت به امام اقتداء کند این مسئله از او ساقط می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; ظاهراً از سنن هردو است به هر تقدیر از مأموم ساقط است.

س۳۰۱ زمانی که روحانی مسجد نماز جماعت را اقامه می کند آیا اگر انسان به گفته دیگران در عدالت یا کم سوادی یا سایر مسائل امام جماعت شک کند می تواند در آن هنگام نمازش را فرادی بخواند؟

ج باسـمه تعالی; شرط صحت جماعت، عدالت امام است و سواد در آن دخیل نیست; ولی باید عدالت در اقتداء احراز بشود و در فرادی خواندن اگر اهانت نباشد اشکال ندارد.

س۳۰۲ آیا اقتدا کردن به امام حاضر بدون شناخت اسم و رؤیت چهره او جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اگر می داند عادل است اشکال ندارد.

س۳۰۳ در موقع برگزاری نماز جماعت در مسـجد شـخص یا اشخاصی نمازشان را برای تضعیف یا تفسیق امام جماعت فرادی می خوانند این عمل چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر امام متجاهر به فسق

نیست حتی اگر بدانند که فاسق است، جایز نیست.

س۳۰۴ آیا گرفتن اجرت برای امام جماعت به عنوان ایاب و ذهاب یا حق الزحمه یا به عنوان نفس حضور در موقع معین در مکان نماز، جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز و حلال است ولی نباید برای امامت پول بگیرد.

س۳۰۵ در نماز جماعت کسی اقتدایش باطل بوده و ندانسته و قرائت حمد و سوره را ترک کرده حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; نماز صحیح است.

س۳۰۶ در جائی که چندین مسجد وجود دارد خواندن نماز جماعت در حسینیه چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۳۰۷ مأموم جلوتر از امام به رکوع و یا سجود برود نماز جماعت او باطل می شود؟

ج باسمه تعالی; باطل نمی شود.

س۳۰۸ اگر زودتر از امام از سجده بلند شود و نتواند دوباره برگردد و با امام بلند شود می تواند تشهد بخواند؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند.

س۳۰۹ اگر امام جماعت یک وجب در حال نماز جای نمازش بلندتر از مأموم باشد نماز مأموم باطل است؟

ج باسمه تعالی; اگر بلندی انحداری نباشد; باطل است. بلندی باید کمتر از یک وجب باشد.

س۳۱۰ در جماعت افرادی با اتصال صفوف آن ها در صورتی که اذکار آن ها صحیح نیست و غلط دارند وجود دارند، آیا اقتدا با این صورت جایز است؟

ج باسمه تعالی; مادامی که به بطلان نماز آن ها یقین ندارید; اشکال ندارد و اقتداء جایز است.

س۳۱۱ مسجدی متولی شرعی دارد که تمام اختیارات مسجد حتی تعیین امام جماعت، به عهده اوست حال کسی بدون اجازه متولی نماز جماعت بخواند حکم نماز امام و مأموم چگونه

است؟

ج باسمه تعالی; به نهی متولی، احوط عدم تصدی است ولی با عدم نهی، اشکال ندارد.

نماز جمعه

س۳۱۲ خواندن خطبه های نماز جمعه قبل از زوال چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۳۱۳ آیا می توان به امام جمعه ای که نماز جمعه را مکفی از نماز ظهر می داند اقتدا کرد؟

ج باسمه تعالی; در غیر نماز عصر آن روز بلی.

س۳۱۴ در مسجدی نماز جمعه اقامه می شود و در فاصله کمتر از فرسخ مسجدی دیگر احداث کنند کدام نماز جمعه درست است. مسجد دوم راهی ۵/۴ فاصله و راهی ۱۵ کیلومتر فاصله با مسجد اولی دارد کدام راه ملاک است؟

ج باسمه تعالی; احداث مسجدی بعد از احداث مسجد دیگر، در این حکم فرقی ندارد.

س۳۱۵ آیا اگر خطبه های نماز جمعه را قبل از اذان شروع کنند اشکال دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خطبه های نماز جمعه را می توان قبل از زوال شمس و دخول وقت نماز به جا آورد; ولی چنانچه مقلد من هستید; در کفایت کردن نماز جمعه از نماز ظهر به مجتهد دیگری عدول نمایید; چون من احتیاط وجوبی را در اکتفا نکردن می دانم.

س۳۱۶ کسی که در نماز جمعه شرکت نمی کند آیا می تواند به محض دخول وقت نماز ظهر آن را اداء کند یا باید بعد از نماز جمعه نمازش را اقامه نماید؟

ج باسمه تعالی; بلی، چون واجب عینی نیست می تواند به مجرد دخول وقت، نماز ظهر را بخواند.

س۳۱۷ خواندن نماز جمعه در زمان غیبت امام(علیه السلام) در چه صورتی جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه کسی بخواند; احتیاطاً; نماز ظهر را

هم بخواند.

س۳۱۸ آیا امام جمعه علاوه بر شرط های امام جماعت شرط دیگری دارد؟

ج باسمه تعالی؛ به نظر حقیر شروطی دارد.

س۳۱۹ آیا می شود بر امام جمعه ای که نماز جمعه را مکفی از ظهر می داند اقتداء کنیم؟

ج باسمه تعالی؛ در غیر نماز عصر آن روز می شود.

س۳۲۰ آیا نماز جمعه مکفی از نماز ظهر است یا خیر و آیا قبل از ظهر می توان خطبه ها را شروع کرد؟

ج باسمه تعالی؛ نماز جمعه؛ بنابر احتیاط لزومی مکفی نیست.

س۳۲۱ ملاک عدالت در امام جمعه چیست؟ اگر یک گناه از او صادر شود می توان به او اقتداء کرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ اگر یک گناه عمدی باشد؛ موجب سقوط عدالت می شود و نمی توان اقتداء کرد.

نماز مستحبی

س۳۲۲ در نماز مستحبی که به وسیله نذر واجب شده زیان شدن رکن موجب بطلان است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ خیر موجب بطلان نیست.

س۳۲۳ در نمازهای مستحبی مثل نماز غفیله که بعد از حمد به جای سوره آیه خوانده می شود آیا در اوّل آیه بسم الله گفتن جایز است یا نه؟ و اگر جایز نیست کسی که تا به حال از روی ندانستن مسئله بسم الله گفته نمازهایی که خوانده چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ بسم الله ندارد ولی چون خود بسم الله آیه قرآن است و به قصد قرآن بودن عیبی ندارد.

س۳۲۴ نافله صبح را چقدر قبل از طلوع فجر می توان خواند؟

ج باسمه تعالی؛ اگر نماز شب می خواند؛ بعد از تمام شدن نماز شب می تواند بخواند و اگر نمی خواند از اول سدس آخر شب

می تواند بخواند.

شک در نماز

س۳۲۵ اگر در شک در وضوء در وسط نماز عارض شود ادامه دهد بعد یقین حاصل شود که وضوء گرفته مسئله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شک در اثناء نماز باشد مبنی بر این که وضو گرفته یا نه، نماز باطل است ولی اگر در وضوئی که گرفته شک کند که صحیح بوده یا نه، یا شک کند مبطل پیدا شده است یا نه، نماز صحیح است و نباید آن را باطل کند.

س۳۲۶ کسی که در نماز زیاد شک بکند آیا عمل را برای خدا به جا می آورد یا نه، چگونه وسوسه را علاج نماید؟

ج باسمه تعالی; باید به آن چه در روایت وارد شده که اعتناء نکردن به شک است عمل نماید.

س۳۲۷ در نماز بین دو و چهار در حال قیام شک کند بنابر چهار بگذارد یا نماز باطل است؟

ج باسمه تعالی; باطل است.

س۳۲۸ اگر در نماز چهار رکعتی در سجده دوم شک در سه رکعت و چهار رکعت باشد حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; باید بنا را بر چهار بگذارد و پس از سلام نماز احتیاطاً به دستوری که در توضیح المسائل آمده است عمل کند.

س۳۲۹ اگر کسی محدث بوده و غافل شد و بعد از نماز شک کرد که قبل از نماز وضو گرفته بود یا نه آیا قاعده فراغ جاری است. و اگر در حال نماز شک کرد آیا باز هم قاعده فراغ جاری است و حاکم بر استصحاب حدث می باشد؟

ج باسمه تعالی; در اثناء نماز، قاعده فراغ برای اجزاء باقی مانده و از اجزاء نماز به درد نمی

خورد. بنابراین جاری نیست و نماز باطل است. ولی در صورت شک بعد از فراغ جاری است و نماز صحیح است.

س ۳۳۰ کسی در میان نماز شک در داشتن وضو کند وظیفه اش چیست؟

ج باسمه تعالی; اگر در اصل وضو گرفتن شک کند; نمازش باطل است و اگر در صحت آن شک کند; هم وضوی او صحیح است و هم نمازش صحیح است.

س ۳۳۱ اگر انسان در نماز شک کند ستر عورت کرده یا نه یا ستر عورت با چیزهایی که جایز است انجام داده یا نه چه وظیفه ای دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه بعد از نماز یا در حال نماز ولو نسبت به اجزاء گذشته شک کند نماز صحیح است. ولی چنانچه در وسط نماز شک کند و حال فعلی او هم معلوم نباشد; نماز باطل است.

مبطلات نماز

س ۳۳۲ گریه کردن برای ائمه علیهم السلام یا به عشق آن بزرگواران، در نماز واجب و مستحب چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; گریه برای غیر امور دنیوی مبطل نماز نیست.

س ۳۳۳ اگر در بیرون از محل نماز گزار غنا استعمال شود و بشنود آیا مبطل نماز هست یا نه؟

ج باسمه تعالی; نماز باطل نمی شود ولی اگر راهی برای عدم استماع ندارد; جایز است نماز را باطل کند و از آن محل دور شود.

اعتکاف

س ۳۳۴ در مسجد متروک که اقامه ی نماز جماعت نمی شود آیا اعتکاف برقرار می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س ۳۳۵ از شرایط اعتکاف روزه داشتن است آیا با روزه واجب اعتکاف صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; از شرایط اعتکاف روزه است; ولی می توان با روزه واجب

یا غیر واجب اعتکاف نمود.

س۳۳۶ اعتکاف برای زنان چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

احکام مسجد

س۳۳۷ آیا جایز است حسینیه کوچک را به عنوان عدم استفاده و تبدیل به احسن بفروشند و در زمین و ساختمان حسینیه بزرگ خرج نمایند؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که از حالت انتفاع افتاده و به آن هدفی که تأسیس شده قابل استفاده نباشد می توانند بفروشند و پولش را خرج حسینیه بزرگ بنمایند.

س۳۳۸ مدتی قبل مقداری پول به نیت جشن و سرور و چراغانی در تولد آقا امام زمان عج الله فرجه جمع آوری شده است و وسائلی به همین جهت خریداری شده و استفاده شده با توجه به این که مسجد احتیاج مبرم به بازسازی دارد آیا می شود این وسائل را بفروش رساند و برای مسجد خرج کرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مردم پول را برای چراغانی داده اند نمی توان در کار دیگر صرف نمود و اگر برای مطلق کار خیر داده باشند; مانعی ندارد در مورد سؤال شده صرف شود.

س۳۳۹ آیا از سهم مبارک امام(علیه السلام) می توان به تعمیر مسجد کمک نمود؟

ج باسمه تعالی; بلی، چنانچه مورد احتیاج باشد و متبرعی و زکات دهنده نباشد می توانند با اجازه مجتهد یا فرد مأذون از طرف او، کمک کنند.

س۳۴۰ مسجدی است که سالانه مردم به عنوان نذری وسایل و پول به این مسجد می دهند که گاهی وسایل اضافه از مصرف می ماند مثلا صدها دست استکان و نعلبکی هر ساله بلامصرف می مانند و یا فرشهایش که از پول ها خریداری می شود کهنه شده و مورد استفاده قرار

نمی گیرد آیا هیئت امنای مسجد می تواند وسایل و فرش های بلا استفاده و اضافی را فروخته، تبدیل به احسن کنند و یا وسایل دیگری که لازم هست برای مسجد بخرند؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۳۴۱ آیا زینت مساجد و حسینیه ها جایز است؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست.

س۳۴۲ مسجدی متروکه و قدیمی هست می خواهیم تعمیر و بزرگش کنیم اجازه می فرمایید از سهم امام(علیه السلام) خرج شود؟

ج باسمه تعالی; اهالی محترم منطقه و سایر آقایان حفظهم الله که ارتباط با آن منطقه دارند چنانچه از بابت سهم مبارک امام ارواحنافداه، برای مسجد فوق الذکر بپردازند مجازند و مأجور خواهند بود.

س۳۴۳ در منطقه ما یک مسجد قدیمی هست برای تعمیر این مسجد نیاز به کمک مردم است لذا تقاضا می کنیم مال امام(علیه السلام) را اجازه بفرمایید غیر اهالی آن منطقه هم بپردازند؟

ج باسمه تعالی; اجازه می دهم هر مقدار مال لازم باشد از مال امام ارواحنافداه مصرف شود.

س۳۴۴ شخصی از یک نفر دو شاخه تیرآهنی خریده برای ساختمان مصرف کرده بعد از یک سال کشف شد از یک غسالخانه خرابه دزدیده و دزد هم متواری است و خانه را هم نمی تواند خراب کند و زندگی کردن در آن خانه مشکل است و ضمناً یک مسجدی در آن روستا احتیاج به تعمیر دارد آیا می تواند قیمت آن را برای تعمیر مسجد بدهد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه نمی شود از تیرها در آن غسالخانه استفاده نمود مجازید قیمت آن ها را در مسجد خرج کنید و زندگی کردن در آن خانه جایز است. در صورتی که آن غسالخانه لازم است

تجدید بناشود؛ خود پول را در تعمیر غسالخانه و نه مسجد صرف کنید باز هم تصرف در خانه جایز است.

س۳۴۵ اموالی که در حسینیه و مسجدها وجود دارد و این اموال به دست یک آدم عادی و غیر روحانی می باشد آیا این شخص حق تصرف و حق فروش این اموال را برای خود این حسینیه و مسجد دارد آیا این شخص متولی این اموال هست؟

ج باسمه تعالی؛ حق ندارد مگر با اجازه مجتهد جامع الشرایط.

س۳۴۶ اهل کتاب یهودی و یا مسیحی مسجدی ساخته نماز خواندن مسلمان در آن چطور است و آیا احکام مسجد در آن جاری می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ جایز است و احکام مسجد هم، مترتب می شود.

س۳۴۷ کتابی را به مسجد و یا شخصی جهت استفاده عموم و شخص اهدا می نماید (از هر کتابی چند عدد) آیا می توان این کتب را در صورت نیاز نبودن به نفع مخارج مسجد فروخت یا با کتب دیگری که نیاز می باشد عوض نمود؟

ج باسمه تعالی؛ بلی. در صورتی می توان فروخت که از حیّز انتفاع خارج شده باشد. والا خیر.

س۳۴۸ بعضی از مساجد پس از اقامه نماز جماعت درش بسته می شود آیا اشĠ…Øشرعی ندارد؟

ج باسمه تعالی؛ موقوفه تابع کیفیت وقف است. چنانچه وقف به این نحو است که در آن مسجد هم نماز جماعت و هم نماز فرادی در تمام وقت خوانده شود جایز نیست.

س۳۴۹ زمینی را که وقف مسجد کردند زمین مورد وقف واقع شده مسجد احتیاج به آشپزخانه دارد آیا از آن زمین آشپزخانه وتوالت می شود درست کرد؟

ج باسمه تعالی؛

چنانچه زمین به عنوان مسجد بودن وقف نشده باشد و برای مصالح مسجد وقف شده باشد می شود آن توالت درست نمود والله العالم.

س ۳۵۰ شخصی رباخوار مسجدی ساخته است نماز و عبادت در آن چطور است؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س ۳۵۱ آیا شرعاً فاضلاب و دستشویی های مسجد که از جاهای دیگر امکان تخلیه و انتقال ندارد برای آن که اصلا خاک مسجد به عنوان هتک حرمت متنجس نشود و به وسیله لوله های پولیکا و آهن از ته زیر خاک مسجد به جای دیگر انتقال داده شود جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; جایز است و اشکال ندارد.

س ۳۵۲ در یک محله مسجدی می باشد و برای این مسجد مردم محله پول جمع می کنند و بعد برای مسجد بلندگو یا ظرف های لازم را می خرند و وقف آن مسجد می کنند و بعد مردم اختلاف می کنند آیا حق رجوع به آن اموال خریداری شده دارند یا نه؟ آیا می توانند این اموال را به فروش برسانند یا نه؟

ج باسمه تعالی; حق رجوع ندارند; مگر آن که اختلاف شدید باشد و موجب ضرر جامعه شود; در این صورت با اجازه حاکم شرع فروخته می شود.

س۳۵۳ در جنب مسجد قطعه زمینی بود صاحب آن زمین را به مسجد وقف نموده و بعد از آن فوت کرده و از طرفی مسجد به آشپزخانه و وضوخانه احتیاج دارد آیا می شود از آن زمین که فعلا بلا مصرف مانده در این مورد استفاده نمود یا خیر لطفاً در این مورد ما را راهنمایی فرمایید.

ج باسمه تعالی; می توانید برای آشپزخانه و وضوخانه همان

مسجد از آن زمین استفاده نمایید و الله العالم.

س۳۵۴ شخصی زمینی را برای حسینیه وقف نموده است و زیر زمین آن را تا کف کوچه ساخته و سقف نزده است و چون ساختن حسینیه چند دستگی بین مردم ایجاد کرده و موجب آشوب و بلوا می شود و مردم گفته اند با وجود چهار مسجد ما احتیاجی به حسینیه نداریم که در مساجد بسته شود لذا واقف اجازه ساخت کتابخانه داد ولی باز مردم اقدام نکردند چون نظرشان این بوده که آنجا را بفروشند و خرج مسجد جامع کنند.

س۳۵۵ ۱: الان این زمین بدون تکلیف مانده است و در معرض فساد و خرابی می باشد آیا واقعاً می تواند آن را از وقف در بیاورد و مال شخصی مجدداً قرار دهد؟

س۳۵۶ ۲: آیا واقف می تواند آن را بفروشد یا اجازه فروش دهد تا در تعمیر مسجد جامع خرج شود؟

ج باسمه تعالی; با اجازه حاکم شرع می توانند آنجا را بفروشند و خرج تعمیر بنمایند. ولی نمی توانند آن را بفروشند و جزء اموال شخصی واقف قرار دهند.

س۳۵۷ در سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ مسجد جامع روستای وادقان از نظر استحکام و وسعت دچار مشکل شده بود که پس از جلسات و بحث های زیاد بر آن شدیم که چند منزل اطرف مسجد قدیم را خریداری و پس از تخریب مسجد به آن اضافه نماییم در این میان بهایی بودن یکی از صاحب خانه ها و اضافه شدن یک کوچه به عرض یک و نیم متر که مابین مسجد قدیم و ساختمان های خریداری شده قرار داشت محل بحث گردیده است و ما با

اطلاع اهالی و رضایت آن ها، آن کوچه، را نیز به مسجد ملحق کردیم. حال پس از گذشت ۱۵ سال که مسجدی بزرگ و مناسب در شأن مسجد جامع ساخته ایم، عدّه ای که تعدادشان به تعداد انگشتان دست نمی رسد ایجاد شبهه کرده اند که این مسجد خانه بهایی دارد و کوچه عمومی و چون در زمان ساخت مسجد شخصی از بام آن افتاده و مرحوم شده می گویند نماز در این مسجد درست نیست، اضافه می کنیم که به دلیل استفاده از کوچه میانی مسجد که کروکی آن را به پیوست محضرتان ارائه می دهیم کوچه های اطراف مسجد را گسترش داده ایم و هیچ مشکلی برای رفت و آمد مردم ایجاد نشده است. در ضمن همان افراد یک مکان به نام مهدیه بنا کرده اند که شدیداً در روستا ایجاد اختلاف نموده، به طوری که برادر با برادر، خواهر با خواهر، زن با شوهر، پسر با پدر با هم اختلاف دارند. خواهشمندیم لطف فرموده حکم اسلامی را نسبت به این مسجد و نماز و مجالس در آن بذل عنایت نمایید.

ج باسمه تعالی; با این خصوصیات که نوشته شده است و مسجد، با این گونه که ساخته شده است; هیچ اشکالی ندارد. نماز در آن صحیح و تشکیل مجالس مذهبی بی اشکال است و متصدیان ساختن مسجد مأجور خواهند بود.

س۳۵۸ اگر دو مسجد چسبیده به هم بنا کنند یکی تابستانی و دیگری زمستانی و مسجد زمستانی به علت کوچک بودن در مواقع ضروری از جمله ماه محرم جوابگوی مردم نباشد آیا می توانند از مسجد تابستانی داخل مسجد زمستانی کنند و دیوار

را عقب بکشند؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۱۳۵۹اگر مسجدی در مسیر خیابان واقع شود چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; قرار دادن مسجد در مسیر خیابان جایز نیست. ولی اگر کسی این کار را کرد; رفتن از آنجا اشکال ندارد و تنجیس آن نیز حرام نیست.

س۱۳۶۰اگر مسجد دری داشته باشد که مردم از آن رفت و آمد می کنند و در مواقعی مثل ماه محرم که خانم ها نیز مسجد می روند نیاز به درب دیگری هم باشد آیا می توانند درب دیگری از یک طرف مسجد باز کنند تا در مواقع ضروری از آن استفاده کنند و بعد از رفع نیاز از همان درب اول رفت و آمد کنند؟ تغییر جای درب اول مسجد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۳۶۱اگر مسجد نیاز به آبدارخانه داشته باشد و آشپزخانه مسجد کوچك باشد آیا می توانند از خود مسجد آبدارخانه را جدا کرده و آشپزخانه را بزرگ کنند به شرطی که هیچ راهی از بیرون برای درست کردن آبدارخانه و آشپزخانه وجود نداشته باشد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که شرایط مسجد مانند ازاله نجاست، عدم دخول حائض و جنب و... را رعایت بنمایند و مزاحم نمازگزاران نباشد اشکال ندارد.

س۱۳۶۲اگر مسجدی چند متر بالاتر از زمین واقع شده باشد و زیرزمین هم نداشته باشد آیا می توانند زیر مسجد را مغازه درست کنند و بفروشند یا اجاره دهند و خرج مسجد کنند؟

ج باسمه تعالی; با مراعات شرایط مسجد اشکال ندارد.

س۱۳۶۳اگر مسجد فرش یا لوازم دیگری زیاد داشته باشد آیا در صورت نیاز داشتن مساجد دیگر می توانند به

مستحق بدهند؟

ج باسمه تعالی; آن اجناس را بفروشند و در درجه اول خرج خود آن مسجد کنند حتی به امام مسجد و خادم و غیره از آن پول بدهند و بعد از آن در مسجد دیگر مصرف کنند.

س۳۶۴ ایجاد شبستان در مسجدی که شبستان ندارد چه صورت دارد (مخصوصاً طرف قبله)؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

احکام روزه

س۳۶۵ روزه احتیاطی را بعد از ظهر خوردن جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه احتیاط واجبی است نه نیابتی و قضای روزه خودش می باشد، احتیاط واجب است که نخورد.

س۳۶۶ اگر کسی روزه گرفته باشد ولی بدون تصور وجوب آیا مجزی است؟

ج باسمه تعالی; مجزی است.

س۳۶۷ زن می تواند در ماه مبارک رمضان جهت جلوگیری از عادت ماهانه از قرص استفاده کند تا روزه بگیرد؟

ج باسمه تعالی; بلی، می تواند و مانعی ندارد.

س۳۶۸ تعیین شب لیله القدر جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه حجت شرعیه باشد جایز است. ولی من نتوانسته ام چنین حجتی بیابم.

س۳۶۹ طلوع فجر صادق را در ماه مبارک رمضان که لازم الامساک است و برای روزه و خواندن نماز صبح به چه طریق بشناسیم؟

ج باسمه تعالی; باید اطمینان پیدا شود و کافی است با اخبار اهل خبره باشد.

س۳۷۰ با توجه به این که بعضی از مراجع می گویند لازم است دختران قبل از ۱۳ سالگی روزه بگیرند نظر جنابعالی چیست؟

ج باسمه تعالی; دختر با تمام شدن ۹ سال مانند سایر مکلفین مکلف می شود و چنانچه بقیه شرایط موجود باشد باید روزه بگیرد.

س۳۷۱ اگر کسی نیت قضای روزه رمضان کرد و بعد از طلوع فجر بیدار شد و

خود را جنب یافت و معلوم شد که قبل از فجر محتلم شده آیا می تواند روزه بگیرد؟

ج باسمه تعالی; روزه آن روز باطل است.

س۳۷۲ آیا فاقد الطهورین (جنب و حائض و نفاس) در ماه رمضان روزه اش صحیح است؟

ج باسمه تعالی; صحیح است.

س۳۷۳ اگر مکلف به جای نیّت اداء واجب، نیّت قضا نماید این مطلب در ماه رمضان چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; قضا واقع نمی شود; بلکه اداء حساب می شود.

س۳۷۴ اگر کسی پانزده شعبان سفر کند و ۱۸ روز سفر او طول بکشد به قصد اقامت آیا سه روز اوّل ماه رمضان را که جزو هیجده روز است باید روزه بگیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی باید روزه بگیرد.

س۳۷۵ افطار روزه استیجاری قبل یا بعد از ظهر چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; افطار قبل از ظهر در صورت عدم تضییق وقت جایز است ولی بعد از ظهر جایز نیست.

س۳۷۶ اگر رویت ماه شوال مشکوک باشد روزه گرفتن چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; واجب است روزه بگیرد زیرا امام(علیه السلام) می فرماید صم للرؤیه و افطر للرؤیه.

س۳۷۷ آیا اجیری که روزه می گیرد یک ماه را پی در پی بگیرد یا پی در پی نباشد اشکال ندارد؟

ج باسمه تعالی; پی در پی بودن شرط نیست.

س۳۷۸ شخصی در شهری سربازی می کرد بعد از ترخیص، موعدی را که برای تحویل کارت پایان خدمت به مشارالیه داده بودند ماه رمضان بود و ایشان برای دریافت کارت به همان شهری که خدمت سربازی انجام می داد در ماه رمضان مجبوراً سفر کرد روزه وی چه حکمی دارد؟

ج باسمه

تعالی: باید افطار کند.

س۳۷۹ من ساکن تهرانم شرایط کاری طوری است که مجبورم اول هر هفته به قزوین بروم و هفته ای یک یا دو بار وسط یا آخر هفته به تهران می آیم حکم روزه من چیست آیا شرائط روزه مسافر بر من واجب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی: چنانچه بنا دارید سال های متمادی، در طول هفته چند روز قزوین را محل زندگی قرار دهید: قزوین وطن دوم شماست. هم در آنجا و هم در تهران، مادامی که از تهران اعراض ننموده اید نماز را تمام بخوانید و روزه هم بگیرید.

مبطلات روزه

س۳۸۰ آیا اسپری برای تنگی نفس روزه را باطل می کند؟

ج باسمه تعالی: اسپری ظاهراً از راه تنفس داخل می شود و نه از راه معده، بنابراین مبطل روزه نیست.

س۳۸۱ اگر روزه داری در ماه رمضان به وسیله ظالمی به قهر و زور افطار کند، آیا روزه اش باطل می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی: باطل نیست.

س۳۸۲ آیا تنقیه در قُبل زن در ماه رمضان برای مداوا مبطل روزه است یا خیر؟

ج باسمه تعالی: موجب بطلان نیست و باطل نمی شود.

س۳۸۳ حکم ساعت شرعی برای افطار و سحری چیست؟

ج باسمه تعالی: آنچه تقویم ها نوشته اند و در روزنامه ها هر شب نوشته می شود و رادیو هم اعلام می کند به واقع نزدیک است. من خودم چند دقیقه قبل از اذان امساک می کنم و نماز صبح را یک ربع بعد از اذان می خوانم.

س۳۸۴ تزریق آمپول و غرغره کردن در ماه رمضان چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی: تزریق آمپول غیر قوی و یا هر

آمپولی که به جای غذا به کار نمی رود; اشکال ندارد.

س۳۸۵ کسی که به سبب ضعف و یا مریضی منی یا بول از او خارج شود در ماه رمضان چه حکمی دارد و آیا روزه اش باطل است؟

ج باسمه تعالی; چون اختیاری نیست; روزه باطل نمی شود.

س۳۸۶ کسی که جاهل به مسئله در رمضان غسل انجام نداده آیا روزه اش باطل و کفاره هم دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اگر جاهل مقصر نباشد; کفاره بر او نیست.

س۳۸۷ اگر جاهل مقصر یا قاصر غسل را ارتماسی انجام داد آیا در ماه رمضان روزه اش باطل است یا نه؟

ج باسمه تعالی; باطل نیست.

س۳۸۸ کسانی که مرض سینه تنگی دارند و دارویی به نام گاز سالبوتامول مصرف می کنند آیا گاز مذکور مبطل روزه هست یا نه؟

ج باسمه تعالی; اگر از راه معده وارد شود روزه را باطل می کند.

س۳۸۹ بعضی مریض ها هستند که باید سر ساعت معیّن قرص مصرف نمایند آیا چنین مریض هایی می توانند بدون غذا و آب خوردن روزه ماه رمضان تنها قرص را سر ساعت میل نمایند یا برای روزه اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; روزه با خوردن قرص باطل می شود.

س۳۹۰ خانم هایی که در ماه رمضان برای بعضی کارهای زنانه به دکتر مراجعه می کنند و دکتر وسیله ای برای معاینه داخل فرج خانم ها می کند آیا این عمل مبطل وضو و روزه هست یا نه؟ اگر دکتر مرد باشد چطور؟

ج باسمه تعالی; مبطل روزه نیست.

کفارات

س۳۹۱ بنده به مدت پنج ماه روزه قضا دارم و مدت ۶ ماه است به علت بیماری دارو

مصرف می کنم لذا نمی توانم قضای روزه هایم را بگیرم تکلیف بنده چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مرضی که روزه را خورده اید تا سال بعد دوام داشته باشد; قضاء لازم نیست. فقط برای کفاره هر روز، یک چارک گندم یا نان به فقیر بدهید والا آن هم لازم نیست.

س۳۹۲ کسی که موی زهار او درآمده متوجه بلوغ خود نشود و روزه نگیرد آیا کفاره هم لازم است در صورتی که چند سال تأخیر انداخته؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که مقصر نباشد کفاره واجب نیست.

س۳۹۳ زنی که در ماه مبارک رمضان حیض شد بعد از آن قضای روزه را می گیرد کفاره هم دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; کفاره ندارد.

س۳۹۴ در کفاره روزه اطعام مسکین یکجا اگر مشکل باشد به سید یا به فقیر دو مرتبه اطعام جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی، جایز است.

س۳۹۵ دختری که بالغ شده و جاهل به مسئله هست روزه بر او واجب شده بعد از علم به مسئله آیا کفاره هم دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مقصر نباشد; کفاره بر او نیست.

س۳۹۶ نانی که برای کفاره به فقیر می دهند باید خشک باشد یا نان خشک را اگر آب بپاشند و نرم کنند و تا کرده به فقیر بدهند اشکال ندارد؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست خشک باشد. نهایت این که اگر نان تازه و تر است یک مقدار زیادتر از یک مد بدهند.

س۳۹۷ کفاره روزه ای که عمداً خورده شده اگر در بین آن ۳۱ روز اول سفر ضروری پیش آید مثلا برای ملاقات پدر یا مادر مریضش به بیمارستان برود

و مسافر شده و روزه اش را بخورد آیا باید از اول بگیرد یا لازم نیست؟

ج باسمه تعالی; اگر مریض یا حیض باشد; مانع نیست و لازم نیست از اول گرفته شود ولی سفر مانع است و باید از اول بگیرد.

س۳۹۸ اگر زنی به خاطر مریض بودن نتواند روزه بگیرد و تا رمضان سال آینده مرضش خوب نشود آیا کفاره بر خود زن واجب است یا باید شوهرش کفاره را بپردازد؟

ج باسمه تعالی; کفاره غیر عمدی با شوهر است.

س۳۹۹ اگر کسی به خاطر مریض بودن نتواند ماه مبارك رمضان را روزه بگیرد و چند ماه بعد از ماه رمضان با همان مرض از دنیا برود آیا دادن کفاره بر ورّاث میت واجب است؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست.

س۴۰۰ اگر کسی با این که جوان یا نوجوان است به خاطر مرضی که دارد مثلا مرض صرع نمی تواند روزه بگیرد چند سال است که مرض مذکور ادامه دارد و معلوم نیست خوب بشود یا نه؟ آیا باز چنین شخصی باید کفاره بدهد؟

ج باسمه تعالی; باید روزی یک مدّ طعام کفاره بدهد نه کفاره شصت مسکین.

س۴۰۱ بنا به اختلافی که در دیدن ماه (آخر رمضان) شد; مسئله یوم الشك را نمی دانستم. وظیفه من چیست؟ اگر کفاره دادن برای روزه های نگرفته باشد با توجه به این که ۳۰ روز متوالی نمی توانم روزه بگیرم و درآمدی هم ندارم به ۶۰ فقیر طعام بدهم چه کنم؟

ج باسمه تعالی; کفاره لازم نیست.

خمس و زکات

س۴۰۲ شخصی مبلغی سهم امام(علیه السلام) و سهم سادات بدهکار می باشد و می خواهد برای پسرش حیاط بخرد اگر

حیاط بخرد توان پرداخت خمس را ندارد در صورت تزاحم کدام مقدم است؟

ج باسمه تعالی; پرداخت خمس واجب است قهراً مقدم است ولی می تواند خمس را دستگردان کند و تدریجاً پرداخت نماید و خانه را بخرد.

س۴۰۳ اگر کسی مدتی از عمر خود را برای مردم سید معرّفی کرده و بعد از گذشتن سال ها که معروف به سید شده پشیمان می شود و از طرفی اگر سهم سادات گرفته باشد آیا ضامن است یا نه؟

ج باسمه تعالی; سهم سادات را گرفته است; در ذمه او می باشد و ضامن است.

س۴۰۴ چند نفر شرکتی تأسیس نموده واردات و صادرات دارند جهت تراکم اجناس یک ملکی به منظور انباری خریده اند آیا مبلغی که برای این ملک داده اند خمس واجب است یا مؤنه تحصیل ربح است در نتیجه خمس ندارد؟

ج باسمه تعالی; به هر تقدیر خمس آن واجب است چون تحصیل ربح هم خمس دارد.

س۴۰۵ کسی که به خانه احتیاج دارد در بین سال از منافع، وسایل ساختمانی خریده ولی اقدام به ساخت خانه ننموده و یا اقدام نموده و در اثنای ساخت حول (سال خمسی) او رسیده آیا به بقیه اجناس خمس لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی لازم است.

س۴۰۶ در صورت وجوب خمس استهلاک ابزار و وسایل شرکت را می توان از همین مبلغ کسر و حساب نمود یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی می توان کسر نمود.

س۴۰۷ شرکتی هر شش ماه یکبار یا هر سال یکبار سود می دهد آیا خمس این سود را بعد از کسر مؤونه سال بدهند کفایت می کند یا واجب است

هر سال تمامی اساس و اجناس و موجودی شرکت را حساب و تخمیس نمود؟

ج باسمه تعالی; چنانچه خمس اساس و اجناس موجودی شرکت را در سال اول داده باشند; خمس ندارد. مگر این که اجناس، زیاد شده و نسبت به آن ها خمس سود، کافی نیست.

س۴۰۸ در مسئله ۱۷۹۷ توضیح المسائل فرموده اید کسی که از اول تکلیف خمس نداده اگر از منافع، مالی بخرد و قیمت آن بالا رود خمس قیمت فعلی آن را بدهد آیا در این مسئله مابین آن هایی که عین آن ها باقی است با دیگر اشیاء می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; فرقی نیست.

س۴۰۹ شخصی در سالل ۵۴ ملکی خریده تا سال ۶۹ مقدار نامعینی خرج گذاشته و مقداری هم قیمتش افزایش یافته و به بهای روز آن را فروخته و از بهای آن، خانه لازم خریده که محتاج آن بود. حکمش را بیان فرمایید.

ج باسمه تعالی; اگر در اثناء سال خانه را خریده، بر آن مقدار از پول یعنی مالیت که سال، گذشته; خمس تعلق می گیرد و به زاید خمس تعلق نمی گیرد و الا باید خمس همه مالی را که خمس نداده، بدهد.

س۴۱۰ زنان سیده و غیر سیده که از نظر مخارج زندگی تحت تکفل ازواجشان هستند، آیا می شود در مخارج شخصی شان به دسته اول سهم سادات و به دومی زکات داد؟

ج باسمه تعالی; نمی شود; چون فقیر بر آنان صدق نمی کند.

س۴۱۱ آیا مراد از سید در مسائل خمس سیدی است که منسوب به رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)باشد یا منسوب به هاشم بن عبدمناف باشد؟

ج

باسمه تعالی; میزان، نسبت به هاشم است. ولی در این زمان، اولاد هاشم فقط از طریق عبدالمطلب است.

س۴۱۲ افرادی که از نسل عباس بن عبدالمطلب می باشند جایز است خمس بگیرند؟

ج باسمه تعالی; اگر نسبت ثابت شود بلی جایز است.

س۴۱۳ اگر سادات اهل محل نیازمند باشند آیا می شود سهم سادات را به مراجع و یا جای دیگر داد؟ و ثانیاً با فرض مزبور می شود مقداری به سادات موصوف و مقداری جای دیگر داد؟

ج باسمه تعالی; بله، هیچ کدام اشکالی ندارد.

س۴۱۴ سیدی که سیادتش اشتهار دارد ولو ما از نحوه شجره اش اطلاع دقیق نداریم اگر احیاناً از شخصی در حق او جرمی شنیده شود تأدیه سهم سادات به ایشان جایز است؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است همان اشتهار کافی است.

س۴۱۵ اگر کسی از پول خمس نداده خانه مسکونی برای خود بخرد خمس دارد یا نه؟ در وسط سال بخرد چطور؟

ج باسمه تعالی; اگر در وسط سال باشد; خمس ندارد و اگر بعد از سال باشد; خمس آن پول را باید بدهد نه خانه را.

س۴۱۶ کسی که برای رفتن به محل کارش نیاز به ماشین شخصی دارد و با نبودن ماشین شخصی به زحمت می افتد آیا ماشین مذکور خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; چون برای آن کار است خمس دارد.

س۴۱۷ اگر کسی بدهکار باشد و طلبکارها به او مهلت بدهند آیا می تواند تدریجاً پول آنها را پرداخت نموده تا پول آنها را تمام نکرده خمس ندهد؟

ج باسمه تعالی; با اجازه حاکم بلی.

س۴۱۸ اگر کسی خمس یک جنس را از خود آن جنس پرداخت کند و باقیمانده

جنس قیمتش در وسط سال بالا برود آیا دوباره خمس به آن چیز (مثلا سکه طلا) تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی تعلق می گیرد.

س۴۱۹ اگر کسی سال خمس دادنش باشد آیا می توان مقداری به او تخفیف داد؟

ج باسمه تعالی; تشخیص دادن مورد تخفیف با مجتهد است.

س۴۲۰ خمس را که دستگردانی می کنند اگر تا سر سال همه خمس را بدهکار نتواند بپردازد آیا به عنوان بدهی باقیمانده خمس را باید از کل سرمایه کم کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی باید کم نمود.

س۴۲۱ اگر پدری به فرزندش حیاط مسکونی بذل کند و آن حیاط مسکونی زیاده از شأن نباشد آیا خمس به حیاط تعلق می گیرد یا نه؟ و اگر تعلق می گیرد کدام یک از پسر و یا پدر خمس را باید بپردازد؟ ضمناً اثاث منزل اگر زیاده از شأن نباشد اگر با پولی که خمس آن را نداده خریده باشد چطور؟

ج باسمه تعالی; حیاط و اثاث البیت خمس به آن تعلق نمی گیرد.

س۴۲۲ اگر کسی بدون اجازه مجتهد جامع الشرایط مبلغی از خمس را به بیمارستان یا جای دیگری کمک کند آیا ذمه وی در آن باره بری می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه به مجتهد بگوید و او امضاء کند; بری می شود.

س۴۲۳ اگر کسی در تنگی معیشت باشد آیا اجازه می فرمایید که سهم مبارک امام به ایشان کمک شود اگر اجازه می فرمایید چه مقدار می شود کمک کرد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شخصی است خدمتگذار به دین و یا آن که قادر برکسب نیست; اجازه می دهم به

مقدار زندگی عادی، متناسب شأن او به او داده شود.

س۴۲۴ اگر کسی ملکی را با قرض بخرد و به علت داشتن قرض مذکور و قرضهای دیگر موقع سال خمس قیمت زمین مذکور را مطالبه نکند تا ادای قرض حکم وی چگونه است؟

ج باسمه تعالی; ملك قرضی خمس ندارد. اگر قرض ها ادا شود و ملك زاید بر مؤونه باشد به آن خمس تعلق می گیرد.

س۴۲۵ خرید زینت آلات زنانه در وسط سال یا با پول خمس نداده اگر وقت زینت کردن زن به آن ها نگذشته باشد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد، چون جزء مؤونه است خمس آن لازم نیست.

س۴۲۶ موقع دادن خمس آیا قیمت ابزار کار یا ملك (اعم از زمین، مغازه، ابزار کار) و آذوقه با قیمت آن روز که می خواهد خمس بدهد حساب می شود یا با قیمتی که خریده است؟

ج باسمه تعالی; با قیمت همان روز.

س۴۲۷ بچه ای موقع بلوغ از موقع صغیر بودنش سرمایه ای جمع کرده مثلا عیدی یا جایزه گرفته اگر با سرمایه مذکور موقع صغیری کاسبی نکند سرمایه اضافه نشود آیا خمس تعلق می گیرد و اگر موقع صغیری کسب کند و سرمایه هم اضافه شود چطور؟

ج باسمه تعالی; در هر دو صورت خمس تعلق می گیرد.

س۴۲۸ لوازم خانه از قبیل تلوزیون یخچال و سکه را با سند ازدواج می دهند اگر لایق به شأن باشد خمس تعلق می گیرد؟ لایق شأن نباشد چطور؟ (علت خرید اجناس مذکور به علت ارزان بودن قیمت آن است)؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که لایق به شأن یا کمتر باشد خمس ندارد.

س۴۲۹ کسی

که موقع دادن خمس (سر سال خمس) طلبکار است و نمی داند بدهکارها طلبش را می پردازند یانه در این صورت خمس طلبش نسبت به آن کسی که اطمینان دادن طلب را ندارد چیست و نسبت به کسی که اطمینان دارد طلبش را می دهد چطور؟ آیا می تواند طلب را در هر سالی که دریافت می کند از درآمد همان سال حساب کند؟

ج باسمه تعالی; در هر دو صورت حساب و دستگردان می کند. و دستگردانی را چنانچه دریافت شد; می دهد و الا چیزی بر عهده او نیست.

س۴۳۰ اگر کسی یک سال ضرر بکند و سرمایه کم شود آیا می تواند از سود سال بعد جبران سال قبل را کند؟

ج باسمه تعالی; خیر نمی تواند.

س۴۳۱ اگر کسی از اول کارش خمس ندهد و حالا بخواهد خمس بدهد چطور می شود مال او را مخمس کرد و اگر کسی مدتی خمس بدهد و بعد از مدتی قطع کند دوباره بخواهد خمس بدهد تکلیفش در موقعی که خمس نداده چیست و چطور باید پول او را مخمس کرد؟

ج باسمه تعالی; آن چه موجود دارد; خمس آن گرفته می شود و زیادی را به هر مقدار احتمال می دهد دستگردان بنماید و به حداقل محتمل مصالحه بنماید.

س۴۳۲ نذری را که به امام(علیه السلام) یا امامزاده شده یا بعضی ها مبلغی را در نظر گرفته و خود را بیمه امام زمان(علیه السلام) می کنند آیا چنین پول هایی را می توان به سید مستحق داد؟ رد مظالم را چطور؟

ج باسمه تعالی; مال نذری را که در سؤال ذکر شده است نمی توان به

سید مستحق داد، ولی رد مظالم را می توان به سید داد.

س۴۳۳ اگر در وسط سال قناتی که متعلق به عده ای از کشاورزان می باشد نیاز به تعمیر داشته باشد و یکی از شرکاء مخارج تعمیر را داده و لذا سر سال از نظر سرمایه پیشرفت نکرده وضعیت خمسی او چطور می باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مخارج تعمیر را مجاناً داده; خمس واجب نیست و اگر به عنوان قرض به بقیه شرکا باشد آنچه از سال قبل زیادی است باید خمسش را بدهد.

س۴۳۴ اگر کسی بدهکار باشد و در طول سال مبلغی را برای پرداخت بدهی کنار بگذارد تا جمع کرده به طلبکار بدهد آیا به مبلغ مذکور خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; خیر، تعلق نمی گیرد.

س۴۳۵ اگر کسی زمین را برای ساختن خانه مسکونی ضروری بخرد و چون قادر به درست کردن خانه نمی باشد یک سال از خرید آن زمین بگذرد آیا خمس به زمین مذکور تعلق می گیرد هم چنین مبلغی از پول زمین را گرو نگه می دارند تا موقع تنظیم سند به فروشنده بپردازند آیا به مبلغ مذکور خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; بلی تعلق می گیرد.

س۴۳۶ بعضی از اجناس مانند نخود که قیمتشان به طور سرسام آور بالا و پایین می شود و اشخاصی که در چنین کاری هستند مثلا یک سال با پولی که دارند می توانند ۵ تن نخود بخرند و سال دیگر با همان پول ۲ تن نخود می توانند بخرند آیا موقع حساب سالیانه برای دادن خمس می توانند به نسبت جنس حساب کنند که سرمایه پایین آمده یا

نه؟

ج باسمه تعالی; بلی، می توانند چون میزان، مالیت است.

س۴۳۷ اگر کسی سر سال خمسی آذوقه زیادی در خانه داشته باشد و خمس آن را پرداخت کند باقیمانده آذوقه که خمس آن را داده تا سر سال آینده خمسی تمام نشده باشد آیا به آذوقه مذکور دوباره خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; خیر، تعلق نمی گیرد.

(ت) س۴۳۸ اگر کسی مغازه ای بخرد به این قصد که در آن جا کسب کند و قصدش بالا رفتن قیمت مغازه نباشد آیا موقع دادن خمس قیمتی را که داده برای مغازه حساب می کنند یا قیمت روز را؟

ج باسمه تعالی; میزان قیمت روز است.

س۴۳۹ اگر کسی نمی داند ملکی را که از پدرش به ارث رسیده خمس آن داده شده یا نه و حالا که می خواهد خمس بدهد ملك مذکور در دستش بوده و نفروخته است. آیا خمس به ملك مذکور تعلق می گیرد و اگر تعلق می گیرد آیا به قیمت روز می باشد؟ اگر خمس ملك مزبور داده نشده باشد چطور؟

ج باسمه تعالی; در صورت ندانستن، خمس واجب نیست.

س۴۴۰ آیا برای کلیه مجالس وعظ و بیان احکام و تفسیر قرآن می شود سهم امام داد؟

ج باسمه تعالی; با نظر مجتهد اشکال ندارد.

س۴۴۱ اگر کسی از دنیا برود و بچه هایش صغیر باشند ارثی که به بچه ها رسیده آیا مادر بچه ها که سرپرست بچه ها می باشد باید خمس ارث را بدهد یا واجب نیست و درآمدی که از ارث به دستشان می آید خرج زندگیشان می شود در مسئله اگر میت اصلا خمس نمی داده و یا

معلوم نیست خمس می داده یا نه تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی; میت اگر نمی دانند خمس می داده یا نه باصاله الصحه بنا را بر آن بگذارند که خمس داده و اگر می دانند خمس نداده، باید خمس بدهند، وارث خمس ندارد.

(ت) س۴۴۲ اگر کسی موتور آب را چند سال قبل به قیمت روز خریده است و از آن برای آبیاری زراعتش استفاده می کند حالا که می خواهد خمس بدهد قیمت روزی که خریده باید حساب کند یا به قیمت روز؟

ج باسمه تعالی; به قیمت روز.

س۴۴۳ التزام به دروس و تحصیل مراتب عالیه برای کسی که استعداد دارد و تأمین هم می شود وجوب عینی دارد یا نه و گرفتن سهم و شهریه به اذن حاکم شرع چه صورت دارد به عنوان این که محصل است؟

ج باسمه تعالی; واجب کفایی است و گرفتن شهریه و سهم اشکالی ندارد، چون سهم امام ارواحنافداه اختصاص به فقیر ندارد.

س۴۴۴ به شخص فقیر برای مخارج خود یا برای خرید جهاز دخترش یا برای ادای قرض یا مداوای مریضی جایز است سهم امام داده شود؟

ج باسمه تعالی; بلی، می توان پرداخت.

س۴۴۵ برای کارهای عمومی: اصلاح جاده ها، آسفالت خیابان، مخارج روشنایی معابر عمومی و خرید آبسردکن و امثال ذلک که نفع عمومی دارد آیا سهم امام داده می شود؟

ج باسمه تعالی; برای مصارف فوق، از وجوه بریه دیگر استفاده شود.

س۴۴۶ برای چیزهایی که در معاش زندگی: مغازه، اثاث، ماشین آلات که در طول چند سال تهیه می شود خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; خمس بر مؤونه کسب، لازم است. و

بر مؤونه زندگی لازم نیست.

س۴۴۷ اگر کسی ماشینی داشته باشد که برای رفتن به کار از آن استفاده نمی کند آیا به ماشین مذکور خمس تعلق می گیرد واگر برای استفاده کند چطور؟

ج باسمه تعالی; اگر برای کار نباشد خمس ندارد و اگر برای کار باشد خمس تعلق می گیرد.

س۴۴۸ برای اهل علمی که مشغول تدریس و یا تحصیل علوم دینی هستند گفته می شود فقر شرط نیست برای گرفتن سهم امام(علیه السلام) همین که برای اسلام نفعی داشته جایز است سهم مبارك امام(علیه السلام) داد آیا این مطلب درست است؟

ج باسمه تعالی; صحیح است.

س۴۴۹ می توان مقداری از سهم امام یا سهم سادات را به فقیری جهت سرمایه کسب داد یا باید به مصرف خود برساند؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد به جهت کسب داده شود.

س۴۵۰ آیا سهم امام(علیه السلام) را می شود به تعمیر مساجد و خرید اثاث مسجد: کولر، فرش، سماور، و غیره خرج کرد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که لازم باشد و متبرعی نباشد و از زکات هم نتوان صرف نمود; مانعی ندارد، از سهم امام(علیه السلام) خرج کنند.

س۴۵۱ آیا برای تعمیر حسینیه و مقابر امامزادگان و علما که در شهر و روستا می باشند یا برای خرید زمینی یا بنای حسینیه سهم امام جایز است داده شود؟

ج باسمه تعالی; خیر، جایز نیست.

س۴۵۲ آیا به شاخه های درخت به عنوان مصرف روزمره برای گرم کردن بخاری و حمام و غیره و تیرهای چوبی که در ساختمان مصرف می شود خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، چنانچه سال بگذرد و مصرف نکند.

س۴۵۳ برای

طعام دادن که در هیئت های مذهبی مرسوم است سهم امام می شود داد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر، مگر با اجازه مجتهد.

س۴۵۴ آیا جایز است برای تشویق کسانی که در مجالس مذهبی و احکام شرکت می کنند به عنوان جایزه نوار مذهبی یا کتب مذهبی و یا قرآن و تفسیر از سهم امام(علیه السلام) خریداری شود و به آنها داده شود؟

ج باسمه تعالی; در صورت تشخیص مجتهد جامع الشرایط در خصوص هر مورد، اشکال ندارد.

س۴۵۵ آیا اجازه می فرمایید از سهمین که در ذمه قرار می گیرد در رأس سال از طرف حضرت عالی قبض دریافت نموده در موارد ذیل مصرف شود سادات فقیر سید یتیم باشد یا سیدی که در سفر مانده باشد یا اهل علمی که مشغول تحصیل و تدریس علوم دینی است؟

ج باسمه تعالی; صحیح است و هر سه مورد از موارد سهم سادات است.

س۴۵۶ آیا به سیدی فقیر که مخارج زن و بچه اش را نمی تواند برساند خمس داده می شود و یا نه و اجازه می خواهد؟

ج باسمه تعالی; سهم سادات اجازه نمی خواهد. و به مورد مذکور می شود داد.

س۴۵۷ کشاورزی که برای زندگی خود چند رأس گاو و گوسفند و الاغ برای لوازم زندگی نگهداری می کند بر این ها خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; تعلق نمی گیرد.

س۴۵۸ درختی که در زمین مرطوب خود به خود می روید و بعد از چند سال قطع می شود آیا خمس دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، خمس با شرایط آن تعلق می گیرد.

س۴۵۹ اگر زنی جهیزیه را خودش از

راه کار کردن فراهم کند و ازدواج نکند تا سال بگذرد خمس دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اگر راه دیگری در تهیه جهیزیه نباشد; خمس ندارد.

س۴۶۰ کسی برابر شأن خود چیزی بخرد و تا یک سال استفاده نکند ولی عاریه به دیگری داد استفاده نموده خمس دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; خمس ندارد.

س۴۶۱ دادن سهم سادات به سید صغیری که ولی ندارد جایز است؟ احتیاج به اذن حاکم شرع دارد؟

ج باسمه تعالی; با اجازه حاکم جایز است.

س۴۶۲ اشخاصی که سر سال (سال خمسی) دارند و چند روز قبل از سر سال منفعتی به دست آورند لازم است همه اموال را حساب نمایند یا می توانند برای منفعت فعلی سال قرار دهند؟

ج باسمه تعالی; باید همه را حساب نمایند.

س۴۶۳ فردی چند قطعه زمین را برای تجارت خریده بعد از مدتی قیمت آن چند برابر شده صاحب زمین نفروخته و بعداً قیمت زمین پایین آمده وقت تخمیس قیمت ترقی را هم حساب کند یا قیمت فعلی را حساب نماید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه در وسط سال تنزل قیمت شده است; لازم نیست ترقی قیمت حساب شود و اگر بعد از سال است; باید حساب نماید.

س۴۶۴ آیا سهم سادات برای سادات فقیر یا سادات یتیمی که فقیر باشد یا سیدی که در سفر درمانده باشد تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; هر سه مورد، مورد سهم ساداتند.

س۴۶۵ آیا به وسایل مستعمل خانه: لباس، کتب، ماشین، وسایل آشپزخانه و خوردنی، صندلی، میز که مطابق شأن او باشد برای ساختن خانه در طول چند سال مقدمات بنایی از قبیل: آجر، آهن، و غیره خمس تعلق می

گیرد؟

ج باسمه تعالی; مؤونه فعلی خمس ندارد ولی به پول و مواردی که در ضمن چند سال فراهم شده، خمس تعلق می گیرد.

س۴۶۶ اگر کسی سر سال او رسید و قرض گرفت آیا این قرض خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; پول قرضی خمس ندارد.

س۴۶۷ اگر سیدی صغیر یا یتیم یا ابن السبیل از زنا به عمل آمده باشد آیا می توان از سهم سادات به او داد و ملحق به پدر و مادر است؟

ج باسمه تعالی; برحسب احتیاط لزومی نمی شود به او خمس داد.

س۴۶۸ اگر کسی بعد از سر سال خمس خود و حساب سال فهمید که مقداری پول به حساب او در بانک هبه یا واریز شده بود و خبر نداشته، آیا خمس آنها را باید حساب کرد یا این که در حساب سال آینده می شود؟

ج باسمه تعالی; بلی باید حساب کرد.

س۴۶۹ در مورد وجوهات شرعی سؤال می کنند که اگر امکان دادن به خود مجتهد نباشد به چه کسی داده می شود؟

ج باسمه تعالی; به وکیل مجتهد بدهند. خود جناب عالی می تونید آن را بگیرید و برسانید و سپس قبض گرفته و به صاحبان اموال بدهید.

س۴۷۰ آیا دیه ای که انسان می گیرد خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; بله خمس دارد.

س۴۷۱ در مورد مالیاتی که دولت به زور از مردم می گیرد خمس و زکات را ساقط می کند؟

ج بسمه تعالی; خیر، مالیات مسقط وجوه شرعیه نیست.

س۴۷۲ آیا به شهریه طلاب خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; بله، در صورتی که شرایط دیگر موجود باشد تعلق می گیرد.

س۴۷۳ آیا هدیه خمس دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بله خمس دارد.

س۴۷۴ جهیزیه ی دختری که پدرش به او بخشیده خمس دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که زیادی بر مؤونه نباشد ندارد.

س۴۷۵ وسایل زندگی و تحصیل دختر که به واسطه پدر تأمین می شود خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; خیر ندارد.

س۴۷۶ از سهم مبارك امام(علیه السلام) برای فقراء آبرومند محل، بعضی شان برای خرید جهازیه دخترانشان احتیاج مبرم دارند با اجازه حضرات آیا می شود به مصرف رسانید؟

ج باسمه تعالی; به مقدار حاجت متعارف و مناسب می توان مصرف نمود.

س۴۷۷ آیا جایز است برای فرار از خمس دادن قبل از سال خمسی اموال خود را ببخشید و یا قرض بدهد یا جایز نیست؟

ج باسمه تعالی; قرض دادن، موجب خمس ندادن نیست ولی اگر ببخشید، خمس ندارد.

س۴۷۸ آیا مؤمن می تواند مال ناصبی را پس از دادن خمس آن برای خود بردارد؟

ج باسمه تعالی; ناصبی نجس است; اما نمی توان مال او را برداشت.

س۴۷۹ خمس به چند چیز تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; همه را با مسایل متعلق به آن در کتاب خمس توضیح المسایل نوشته ام.

س۴۸۰ جوانی هستم در سال چهارصد هزار تومان پس انداز دارم و پدری فقیر و خواهری دم بخت دارم آیا ممکن است وجوه متعلقه را برای خرید جهیزیه خواهر مصرف نمایم و خودم هم مجردم هنوز توان تأهل ندارم و ضمناً سودی را که بانك می دهد حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; هر سال خمس آن را حساب کنید و از طرف من وکیلید با دست راست قبول کنید و برای جهیزیه خواهرتان و پدر

و مادر خرج کنید. سود بانک نیز حلال است.

س۴۸۱ دختر مجردی که پدرش مخارج او را می دهد یا از دوستان هدیه به او می رسد خمس دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، چنانچه در وسط سال مصرف نکنند و هدیه پول باشد نه لباس و اسباب زینت، خمس دارد.

س۴۸۲ آیا وجوهات شرعیه را به مرجع تقلید باید پرداخت کرد یا به حاکم اسلامی بعضی ها بر این عقیده هستند که برای تشکیل حکومت اسلامی بهتر است وجوهات را به حاکم اسلامی داد؟

ج باسمه تعالی; می توان به مجتهد جامع الشرایط پرداخت کرد و مرجع خصوصیتی ندارد.

س۴۸۳ اگر کسی زنش سیده است و زن کفارات روزه بدهکار است یا می خواهد چیزی مخصوص به خودش را بخرد شوهر می تواند از بابت سهم سادات کمک کند؟

ج باسمه تعالی; بلی، می تواند کمک کند.

س۴۸۴ برای پیش نماز مسجدی، از سهم مبارک می شود داد؟ در صورت توقع و احتیاج اجازه می فرمایید؟

ج باسمه تعالی; مجازید به او بپردازید.

س۴۸۵ آیا عشریه ای که نزد صوفیه مرسوم است دلیل روایی و ریشه اسلامی دارد و مکفی از خمس است؟

ج باسمه تعالی; دلیل روایی و ریشه اسلامی ندارد و مکفی از خمس هم نیست.

س۴۸۶ آیا به سید مخالف و زیدی مذهب و سنی می شود خمس داد یا نه؟

ج باسمه تعالی; احوط این است که به غیر اثنی عشری داده نشود.

س۴۸۷ اگر کسی مقداری از اموال خود را تخمیس نماید و به حج مشرف شود و بعد از مراجعت همه اموالش را تخمیس نماید چون تعلق خمس علی الاشاعه است آیا تصرف او

در همان مقدار خمس صحیح است یا نه ؟

ج باسمه تعالی؛ صحیح است و اشکال ندارد.

س۴۸۸ کسی که آبرومند و عیالوار و عاجز از کسب و کار است اموالی که به فقراء اختصاص دارد اگر به وی کفایت ندهد آیا مخارج یا دیون آن را از سهم امام(علیه السلام)پرداخت کردن جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بلی جایز است.

س۴۸۹ جوانی هستم ۱۸ ساله در یک مغازه مشغول به کار هستم این مغازه مال ورثه است که پدرم یکی از وراث است و سهم هیچ یک از وراث معلوم نیست و کلیه کارهای مغازه از قبیل نظافت و فروشندگی به عهده من است ولی به اسم برادرم و در اختیار اوست و خرید از بازار، دادن چک، و کارهای اداری از قبیل دارائی و شهرداری... به عهده برادرم است و با این حال که کار معامله و فروش مغازه با من است آیا حقوقی به من تعلق می گیرد و سهمی دارم، اگر حقی تعلق گرفت هنوز که در منزل پدرم هستم خمس آن را باید بدهم، آیا زمانی که سهم هر کدام از وراث معلوم شد برای بنده هم حقی و سهمی شامل می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ اگر مجانی، کار کرده ای حق ندارید؛ اگر مجانی نبوده، اجره المثل، مال شماست. به هر حال هر چه از آن جا بگیرید در صورت زیادی از مؤونه سال به آن خمس تعلق می گیرد و در صورتی که شما هم جزء ورثه هستید حق شما محفوظ است و باید سهم ببرید و به آن سهم الارث خمس تعلق نمی گیرد.

س۴۹۰ شخصی که

به روش احتیاط عمل می کند آیا می تواند سهم امام(علیه السلام) را صرف شهریه طلاب کند بدون این که زیر نظر مرجع تقلید خاصی باشد؟

ج باسمه تعالی; نمی تواند; مگر آن که از یک مجتهد جامع الشرایط اجازه بگیرد.

س۴۹۱ در کتب فقهی مثل وسایل الشیعه و یا عروه الوثقی آمده است که سهم مبارک امام(علیه السلام) در زمان غیبت ولیعصر(عج) بر شیعیان مباح و حلال گردیده است و بعضی نیز احتیاط نموده اند و فرموده اند که سهم امام(علیه السلام) گرفته شده و معمولاً به سادات نیز داده می شود؟ حکم مسئله چیست؟

ج باسمه تعالی; سهم امام ارواحنافداه در زمان غیبت حلال نشده و باید صرف ترویج دین اسلام گردد و چون اگر به نظر همه منوط باشد باعث هرج و مرج می شود باید مانند بقیه امور حسبیه با نظر مجتهد جامع الشرایط باشد و در عروه الوثقی خلاف این فتوی نیست.

س۴۹۲ شخصی سیزده سال پیش برای حج تمتع، ثبت نام کرده و پول داده است و همه آن ها، از درآمد همان سال می باشد آیا به این پول ها خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; آری تعلق می گیرد.

س۴۹۳ کسی از در آمد یک سالش زمین و از عایدات سال دومش مصالح و از درآمد سال سومش مخارج ساختمانش را تأمین می کند، آیا درآمدهای او، مشمول خمس می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; در دو سال اول باید خمس بدهد و همچنین در سال سوم اگر وسط سال، سکونت اختیار نکند.

س۴۹۴ اگر پارچه ای مثلا امسال خریداری شد مقداری از آن

استفاده نشد مثلا از پارچه ۲ متری، ۱ مترش امسال بریده شد و باقی تا یک سال یا چند سال بعد مورد استفاده قرار نگرفت آیا به باقی این پارچه خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; تعلق می گیرد.

س۴۹۵ در صورتی که خود شخص روحانی باشد و خمس را بگیرد و در مواردی به نفع مکتب اهل البیت علیهم السلام مصرف نماید و به مرجع ندهد آیا جایز است؟ ضمناً آیا سهمین مبارکین بایستی حتماً به مرجع داده شود یا خود شخص می تواند در مواردی خرج کند که بابت تبلیغ مذهب تشیع است؟

ج باسمه تعالی; می تواند با نظر مجتهد جامع الشرایط و اذن او مصرف نماید و اذن مرجع لازم نیست.

س۴۹۶ سیدی اظهار می کند من بیکار مریض تهیدست فقیر و نیازمندم برای حصول یقین و اطمینان کردن به گفته و استحقاق او شرعاً چه معیار و ملاکی لازم و کافی است؟

ج باسمه تعالی; معیار، حصول و اطمینان و یا شهادت شخص موثق است.

س۴۹۷ آیا مصرف کردن سهم امام(علیه السلام) برای ساخت مدارس و یا جاهایی که مورد نیاز می باشد جایز است؟

ج باسمه تعالی; در صورت نبودن تبرع و زکات و... جایز است.

س۴۹۸ سیدی که ۳ بار عمل جراحی شده از لحاظ جسمانی ناتوان و مریض است کسب و سرمایه ای هم ندارد تا از درآمد آن مخارج روزانه خود و عائله اش را تأمین کند اکنون این سید جهت بقاء و امرار معاش و ادامه زندگی خود و افراد تحت تکلفش دست نیاز خود را به سوی چه کسانی دراز کند؟

ج باسمه تعالی; اشخاصی

که قدرت مالی دارند، می توانند احتیاجات او را برطرف کنند و رجوع به غیر متمکن جایز نیست.

س۴۹۹ سیدی که برای سکونت خود و عائله اش فقط یک باب خانه ناقص و ناتمام دارد آیا داشتن این خانه شرعاً می تواند بر غنی و بی نیاز بودن این سید محسوب شود؟

ج باسمه تعالی؛ شخصی که خانه او بزرگ باشد و به مقدار زاید بر ضروریات باشد و یا تزئینات زیادی بنماید؛ فقیر نیست. ولی شخصی مورد سؤال فقیر است.

س۵۰۰ خداوند متعال خمس و سهم مبارک سادات را به چه کسانی اختصاص داده است؟

ج باسمه تعالی؛ سهم سادات برای رفع حاجت سید فقیری می باشد که هیچ راهی برای کسب و کار ندارد اما سیدی که می تواند کاسبی کند؛ ولی نمی کند؛ فقیر نیست و نمی شود به او خمس داد؛ مگر آن که درس بخواند و یا درس بگوید و یا تبلیغ بنماید که در این موارد می توان به او خمس داد.

س۵۰۱ کسی که پولی در بانک دارد و سال برای این پول تعیین کرده بعد از گذشت سال خمس این پول را می دهد و این پول به همان مقدار باز تا سال بعد می ماند آیا باز هم به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی؛ خمس بیش از یک مرتبه واجب نیست.

س۵۰۲ حقوق بازنشستگی و پول بیمه ای که پس از چند سال پرداخت می شود (بابت تصادف و یا کارافتادگی، موت و...) مشمول خمس می گردد یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ مشمول خمس است.

س۵۰۳ ۱ آیا اجازه می فرمایید از سهمین و رد

مظالم و زکات فطره و اموال مجهول المالک و هر آن چه تصرف در آن منوط به اجازه حاکم شرع می باشد برای رفع احتیاجات زندانیان سیاسی و خانواده های آنان و کسانی که به نحوی از انحاء در راه دشوار اصلاحات، گرفتار مصائب گوناگون می شوند استفاده شود؟

۲ آیا اجازه می فرمایید از وجوهات فوق الذکر برای کارهای فرهنگی در جهت افزایش دانش دینی، سیاسی و فرهنگی و حقوقی فردی و اجتماعی مردم به ویژه جوانان با تشخیص صاحب وجه و یا وکیل او استفاده شود؟

ج باسمه تعالی; مجازید نصف سهم امام ارواحنا فداه و تمام رد مظالم و زکاه فطره و اموال مجهول المالک را به هر دو مورد ذکر شده بپردازید.

س۵۰۴ اگر بخواهیم به روش احتیاط عمل کنیم و سهم امام(علیه السلام) را بین چند مرجع تقلید که شبهه اعلم بودن برای آن ها است تقسیم کنیم آیا جایز می باشد؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد، ولی این احتیاط نیست.

س۵۰۵ آیا مصرف کردن سهم امام(علیه السلام) برای ساخت منازل مسکونی وقفی برای طلابی که مسکن ندارند جایز می باشد؟

ج باسمه تعالی; موارد و ازمنه مختلف است و به طور کلی نمی شود فتوی به جواز داد. بنابراین در هر مورد از این موارد از مجتهد مسلم کسب تکلیف شود.

س۵۰۶ آیا می توان سهمین سال خود را در یک امر اقتصادی که بسیار سودآور و همچنین اشتغال زا می باشد سرمایه گذاری کرد تا به صورت دائم بر امام(علیه السلام) و سادات درآمد زا باشد؟

ج باسمه تعالی; نمی شود مگر با اذن مجتهد در هر مورد.

س۵۰۷

شخصی کارمزد دولت بوده و در شهری غیر از وطن خود مشغول به کار می باشد و در وطن خود منزلش را اجاره داده و در شهر کار منزل اجاره گرفته آیا منزل او که در وطن است خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی، اگر خانه ارث نباشد خمس دارد.

س۵۰۸ اگر کسی خمس گوسفندان سرمایه ای را به عدد محاسبه و پرداخت نمود در سال بعد که گوسفندان به لحاظ وزن و قیمت سوقیه، افزایش پیدا کرده اند، در این صورت خمس آن ها چگونه است؟

ج باسمه تعالی; محاسبه قیمت سوقیه (بازار) معلوم است و زیادی وزن را از اهلش سؤال نموده و حساب می کنند.

س۵۰۹ لباسی که از خیاط گرفته ولی نپوشیده، هکذا سایر لوازم زندگی که در حال حاضر فرصت یا موقع استفاده اش نرسیده چگونگی خمسش را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه به مقدار متعارف باشد که عرفاً بگویند به آن احتیاج دارد; خمس ندارد.

س۵۱۰ کسی که از ابتدا سال مالی ندارد هر سال به حسابش نرسیده بعد از پانزده سال فوت کرده ششصدهزار تومان ثلث تعیین کرده آیا به آن ثلث خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه یقین دارند که خمس به اموالش تعلق گرفته است باید آن را قبل از تقسیم اموال از اصل مال بدهند و اگر یقین ندارند و یا آن که احتمال می دهند خود پرداخته است; چیزی واجب نیست.

س۵۱۱ شخصی تعدادی کاموا خریده به خاطر تهیه لباس ولی قبل از آن که لباس را کاملا ببافد یک سال بر آن ها گذشته آیا به این کامواها خمس تعلق

می گیرد یا بر لباس بعد از تمام شده آن ها خمس لازم می شود و آیا در صورت تعلق خمس الآن باید بپردازد یا بعداً هم می تواند پرداخت کند حال آن که کاموا یک قیمت دارد و لباس قیمت دیگری؟

ج باسمه تعالی; اگر سال دارید تنها کاموا را نباید حساب کنید. بلکه چنانچه زیادی بر مؤونه هست و از ناحیه ی دیگری ضرر کرده اید و در صورتی که زیادتر نباشد; خمس واجب نیست. اگر سال ندارید در صورتی که روی هم رفته زیادی، دارید خمس بدهید و الاّـ خمس، واجب نیست. به هر حال در صورتی که خمس تعلق بگیرد باید خمسش را الآن بدهید و آن هم خمس کاموا است و به لباس تعلق نمی گیرد خلاصه آن چه زیادی است، خمس قیمت آن، واجب است.

س۵۱۲ اگر کسی بعد از حساب سر سال خود فهمید که مقداری پول در بانک به حساب او وارد شده بود و خبر نداشت که خمس آنها را باید بدهد یا باید به خمس حساب سال آینده بگذارد؟

ج باسمه تعالی; باید حساب کند.

س۵۱۳ آیا به سیدی یتیم یا صغیر یا ابن سبیل که از زنا به عمل آمده باشد می توان سهم سادات و خمس داد؟

ج باسمه تعالی; برحسب احتیاط لزومی نمی شود به او خمس داد.

س۵۱۴ اگر کسی سر سال او رسیده و در همان روز قرض گرفت آیا این قرض خمس دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; پول قرض خمس ندارد.

س۵۱۵ اگر کشاورزی زکات گندم را که واجب شده بود نداده و آن را تحویل سیلو بدهد و مبلغی که از

این راه می رسد آیا خمس تعلق می گیرد؟ بر فرض تعلق گرفتن خمس آیا هزینه هایی که مثل، بذر و تراکتور، و کود و... نمود چگونه حساب کند؟

ج باسمه تعالی; خمس تعلق می گیرد و این هزینه ها را از مجموع مال کم می شود.

س۵۱۶ کسی که تا به حال سال خمسی برای خود نداشته، ولی در هر سال یک رأس گوسفد یا بزغاله به سادات می داده آیا او می تواند آن ها را به عنوان خمس حساب کند و یا باید از مرجع تقلید اجازه بگیرد و بعد از این وظیفه اش چیست؟

ج باسمه تعالی; با اجازه مرجع تقلید می تواند حساب کند و من اجازه می دهم.

س۵۱۷ کسی زمینی داشته دولت ۳۲ آن را از او گرفته و ۲۱ آن را از صاحب ملک خریداری نموده آیا زمین مذکور مشمول خمس می شود؟

ج باسمه تعالی; اگر زمین از ارث نرسیده و قبلا خمس آن داده نشده; باید الان خمس آن را پرداخت کند.

س۵۱۸ وامی را که شخصی دریافت کرده و قبل از صرف آن در مؤونه سال خمس اش فرا می رسد آیا مشمول خمس می گردد یا خیر؟ و اگر آن را صرف تهیه کالا (غیر مونه) کرده باشد حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; مشمول خمس نیست. چون به ازاء آن مدیون است و به آن فایده نمی گویند.

س۵۱۹ اگر شخصی برای ساختن خانه مسکونی تدریجاً اقدام نماید سال اول زمین تهیه کند و در سال های بعد با خرید مصالح هر ساله بخشی از ساختمان را تکمیل نماید و در سال پنجم مثلا در آن مستقر

گردد آیا پرداخت آنها لازم است؟

ج باسمه تعالی; لازم است. چون تا سال پنجم، جزء مؤونه نبوده است.

س۵۲۰ به کدامیک از وسایل زیر خمس تعلق می گیرد؟

مقداری اسکناس و سکه از زمان حکومت قبلی (شاه) و چند سکه خارجی به من سال های پیش داده شده؟

ج باسمه تعالی; خمس همه آنها را باید بدهید.

س۵۲۱ صندوقچه ای که مورد استفاده او قرار می گیرد و چند نوار خالی که استفاده نشده است؟

ج باسمه تعالی; خمس ندارد.

س۵۲۲ یک سری کتاب ها اعم از درسی و غیر درسی؟

ج باسمه تعالی; خمس ندارد.

س۵۲۳ لوازم التحریر؟

ج باسمه تعالی; خمس واجب نیست.

س۵۲۴ اگر پارچه ای را به شخصی هدیه دهند و بداند که خمس این پارچه داده نشده آیا شخصی که هدیه را گرفته باید خمسش را بدهد؟

ج باسمه تعالی; موظف نیست و به عهده خود هدیه دهنده است.

س۵۲۵ با توجه به این که در رساله های عملیه خمس و زکات، مالیات اسلامی به حساب آمده است و از طرفی در حکومت اسلامی وضع قوانین با شرع مطابقت داده می شود و در قوانین جاری مالیات به عنوان حکومت وضع گردیده است اگر قوانین ما با شرع مطابقت داده شده چرا یک فرد هم باید مالیات بپردازد و هم خمس و زکات بدهد؟

ج باسمه تعالی; تشریع خمس و زکات توام با بیان مصرف است که آن مصرف غیر از مصرف مالیات است.

س۵۲۶ سر سال خمس مکلف رسیده است و مقداری کوپن مواد اغذیه دارد ولی خریداری نکرده اما کوپن اعتبار سوقی دارد یعنی ما به ازای کوپن های موجود حدود ۵۰

کیلو برنج و ۳۰ کیلو قند و شکر و ۲۰ کیلو روغن اعتبارش است آیا کوپن های موجود و اعتبار آن ها متعلق به خمس می شود؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه در فروش کوپن ها از طرف دولت مجاز باشد دادن خمس به مقدار قیمت آن موقع لازم است.

س۵۲۷ زید خانه مسکونی خود را می فروشد و با همان پول خانه دیگری می خرد آیا خمس در این میان تعلق می گیرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که خرید خانه در وسط سال باشد؛ خیر تعلق نمی گیرد و اگر سال بگذرد و خانه نخریده باشد باید خمس آن مال را بدهد.

س۵۲۸ شخصی مقداری کتاب برای مطالعه خریده یک سال می گذرد می بیند که بعضی از کتاب هایش را اصلا دست نزده است و استفاده ننموده است آیا در چنین موارد هم خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه کتاب ها زیاده از شئون نباشد تعلق نمی گیرد.

س۵۲۹ اموال مجهول المالک خمس بر آن ها تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ خیر تعلق نمی گیرد.

س۵۳۰ اگر کسی در وسط سال بمیرد آیا اموالی که موجود است خمس یا زکات را باید حساب کنند قبل از سر رسید سال خمسی یا زکات؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه زیادی آن سال زاید بر مؤونه حال حیاه باشد خمس دارد.

س۵۳۱ کسی که ساختمان و مغازه ندارد و ازدواج هم نکرده به درآمد آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، چنانچه زائد بر مؤونه داشته باشد.

س۵۳۲ اگر شخصی بدون تخمیس اموال حج انجام داده، بعد از مراجعت از

حج تخمیس اموال انجام شده حج این شخص چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه تصمیم به ندادن خمس نداشته باشد اشکال ندارد.

س۵۳۳ آیا مازاد بر مؤونه از شهریه با گذشت سال خمس دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی، خمس تعلق می گیرد.

س۵۳۴ مقدار طلا و جهیزیه همسرم تقریباً دوازه میلیون تومان می شود و اگر بفروشیم به نصف قیمت می خرند و در زندگی ما دخیل است آیا خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با خصوصیاتی که نوشته اید بعید است خمس تعلق بگیرد. ولی شما را از طرف خود وکیل می کنم که دستگردان نموده و به خودتان ببخشید.

س۵۳۵ آیا به جهیزیه زن در خانه شوهر یک سال استفاده نشده خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; مطلقاً خمس ندارد. مگر این که زیادی بر شأن او باشد.

س۵۳۶ آیا پدری که اهل خمس نبوده زمینی از او به ورثه رسیده خمس دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه زمین را خریده خمس دارد ولی اگر به ارث به او منتقل شده خمس ندارد.

س۵۳۷ گاهی بعضی از دوستان و آشنایان هدایایی به ما می دهند و تخمیس اموال نکرده اند تصرف در این هدایا برای ما چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; برای شما و آنهایی که نفقه شان به عهده شما است حلال است و چون احتیاط می کنید به شما اجازه می دهم.

س۵۳۸ زمینی بایری که مرتع احشام و حیوانات بود دایر و احیاء کرده اند آیا خمس تعلق می گیرد یا خیر در صورت تعلق خمس قیمت بایر و یا قیمت فعلی که دایر و احیاء شده

بپردازند؟

ج باسمه تعالی; در صورت احیاء و تملک، خمس به آن تعلق می گیرد و میزان، قیمت فعلی است.

س۵۳۹ اگر زیدی در وسط سال به رحمت خدا رفت و فصل دروکردن غلات است آیا این فصل هم از مؤونه محسوب است و آیا خمس تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی; خیر، جزء مؤونه نیست و خمس تعلق می گیرد.

س۵۴۰ بعد از وفات آیت الله خویی(رحمهم الله) سهم مبارک را از مقلدین آن مرحوم گرفته به آقایان محترم حاضر در قم فرستاده ام اگر اجازه لازم بود گذشته ها را قبول و برای بعد از این هم اجازه بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; گذشته ها قبول است و بعداً نیز مجازید.

س۵۴۱ توضیح این که حضرت عالی اجازه صرف نصف سهم مبارک را به این جانب داده اید دعاگو یک ثلث کسر نموده و تفاوت آن را به بیمارستان آقای خوئی ره تحویل می دهم و باز منتظر دستور هستم چون وضع مالی در این شهر خوب نیست اگر صلاح دیده باشید مبلغی حواله فرمایید مخصوصاً در ماه رجب الخیر یا شعبان المعظم که موجب فضیلیت است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه لازم می دانید به بیمارستان بدهید; مانعی ندارد و الا با وجوه شرعیه دیگر، حتی سهم سادات و مقداری از سهم مبارک امام ارواحنا له الفداه برای حقیر می فرستید همه را صورت بدهید; قبض رسید می دهم که پول را نگه دارید و به طلّاب بدهید.

س۵۴۲ کسی پنجاه سال قبل وصیت کرده مبلغی معینی از بابت زکوه و خمس بدهند ورثه عمل نکرده است چه مبلغی باید بدهند؟

ج باسمه تعالی;

همان مبلغی که وصیت کرده است.

س۵۴۳ مبلغی است ناچیز و مورد مصرف او معلوم نشده حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; مجازید این مبلغ را به سید فقیر بدهید یا از طرف حقیر قبول کنید و به هر مصرف که می توانید; برسانید.

س۵۴۴ قبلا مقداری از سهم مبارک امام(علیه السلام) اجازه فرموده بودید و در مصرفش مجاز بودم اجازه می فرمایید برای فقرای غیر اهل علم و یا دختران بی بضاعت که ازدواج کرده اند و یا در حال ازدواج برای خرید جهاز مصرف شود؟

ج باسمه تعالی; شما در همه این تصرفات، مطلقاً مجاز هستید.

س۵۴۵ کسانی که کشاورز هستند برای فرار از زکات، خرما یا کشمش را که هنوز خشک نشده زود می فروشند و اگر در آن حال، تخمین بزنند خشک باشند با حد نصاب می رسد آیا کار آنان جایز است یا نه و زکات ساقط می شود؟

ج باسمه تعالی; فروش اجناس، قبل از تعلق زکات; موجب عدم تعلق زکات می شود.

س۵۴۶ آیا صدقه را اعم از واجب و مستحب به قصد خود و یا عوض میتی می دهد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

س۵۴۷ آیا مخارج کشاورزی جزء مؤونه است و یا بعد از خارج کردن مصارف باید زکات را بدهیم؟

ج باسمه تعالی; مخارج کشاورزی به نسبت زکات آن کم می شود. مثلا ـ اگر یکی از غلات اربعه به حد نصاب برسد و مخارج آن به مقداری باشد که اگر از آن خارج شود; بقیه از نصاب کمتر می شود لازم است از مابقی داده شود. نهایتاً نسبت زکات کمتر از بیست یک و یا ده یک

داده می شود.

س۵۴۸ پرداخت مظالم به خود مستحق چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

س۵۴۹ شخصی می تواند زکات و یا زکات فطره خود را به اولاد خود که در مدارس دولتی درس می خواند بدهند؟

ج باسمه تعالی; در زاید نفقه واجبه بلی.

س۵۵۰ کاه گندم موقع دادن زکات چطور حساب می شود؟

ج باسمه تعالی; قیمت کاه را از مخارج کم می کنند.

س۵۵۱ رفتن به منازل اشخاصی که خمس و زکات نمی دهند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

احکام حج

س۵۵۲ شخصی که به حج عمره مفرده رفته و در مسجد شجره محرم شد و در مکه طواف عمره فرموده را با چرخ طواف داده اند سپس نماز طواف خوانده و دیگری او را سعی داده بعد تقصیر کرده از لباس احرام بیرون آمده طواف نسا را هم دیگری بدون لباس احرام با لباس دوخته مجدداً با زحمت طواف و سعی را بدون چرخ انجام داده آیا این عمل از او صحیح می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; عمره و طواف و سعی اوّلی صحیح می باشد. اگر هم شبهه ای داشته; طواف و سعی دوم صحیح بوده و چون عمداً لباس احرام را ترک ننموده; چیزی از کفارات بر او نیست. به هرحال عمره اش صحیح است.

س۵۵۳ تراشیدن سر لازم است یا تقصیر کافی است اگر کسی نخواهد سرش را بتراشد آیا اشکالی دارد؟

ج باسمه تعالی; نتراشیدن اشکال ندارد و تقصیر مجزی است.

س۵۵۴ آیا زائر می تواند در کنار عمره و حج طواف مستحبی برای پدر و مادر خود بجا آورد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند.

س۵۵۵

آیا زائر در مکه و مدینه نماز را کامل بخواند یا شکسته؟

ج باسمه تعالی; مختار است به هر نحو بخواند مجزی و صحیح است.

س۵۵۶ اگر زائر در مکه و مدینه با آن ها نماز جماعت بخواند آیا اعاده لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی اعاده لازم است.

س۵۵۷ آیا زائر می تواند از ناحیه خودش در کنار عمره و حج عمره مستحبی هم به جا آورد؟

ج باسمه تعالی; به جا نیاوردن بهتر است.

س۵۵۸ افراد برای تشرف به مکه معظمه قبلا باید پول به حساب سازمان حج و زیارت واریز نمایند و برحسب قرعه کشی در سال های بعد مشرف می شوند، پرداخت خمس وجوه واریز شده به حساب مذکور در کدام یک از حالات زیر واجب است؟

الف: حج واجب و در همان سال اول مشرف می شود.

ب: حج واجب و در سال های بعد مشرف می شود.

ج: حج و یا عمره مستحبی است و در همان سال اول مشرف می شود.

د: حج یا عمره مستحبی است و در سال های بعد مشرف می گردد.

ج باسمه تعالی; در صورتی که در وسط سال خمس به حج واجب یا مستحب و یا عمره مشرف شود; خمس وجوه واریز شده واجب نیست و اگر بعد از سال اول باشد در جمیع فروض، خمس واجب است و چنانچه نوبت حج یا عمره خود را در سال های بعد بفروشد خمس قیمت دریافتی واجب است و این در صورتی است که شرایط دیگر خمس که یکی از آن ها زیادی بر مونه سال است موجود باشد. خلاصه حکم ارباح مکاسب را دارد.

س۵۵۹ راجع به

قربانی کردن چون چندین سال است که زائر خودش نمی تواند در ذبح قربانی شرکت بنماید و مدیران گروه اعلام می دارند از طرف زائران باید به قصابان نیابت بدهند تا قربانی بکند آیا اشکال دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه نائب شیعه و مورد اطیمنان است اشکال ندارد.

س ۵۶۰ فیشی که مردم برای رفتن حج می گیرند سازمان حج در حین صدرو فیش شرط می کند که هرکس فیش را بفروشد باید به خود سازمان حج بفروشد فروش به دیگری مجاز نیست. آیا چنین شرط سائق در صورتی که علقه و ربطی در بین صاحب فیش و سازمان نمانده؟

ج باسمه تعالی; چنین شرطی واجب الوفاء نیست. چون شرط ضمن عقد، لازم الوفاء است.

س ۵۶۱ حجاج در دهم ذی حجه در مکه قربانی می کنند آیا می توانند این قربانی را در وطن خود انجام دهند؟

ج باسمه تعالی; خیر نمی توانند.

س ۵۶۲ کسی که به حج رفته و نماز طواف را از یاد برده و به وطن خود برگشت چه تکلیفی دارد؟

ج باسمه تعالی; مخیر است بین آنکه نائب بگیرد تا در مکه به جای آورده شود و یا این که در همان محلی که یادش آمده به جا آورد و یا خودش برگردد و در مقام به جا آورد.

س ۵۶۳ آیا نماز طواف بر زن هم واجب است و اگر واجب است و به جا نیاورد شوهرش بر او حرام می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی، واجب است و در خصوص طواف نساء، شوهر حلال نمی شود مگر بعد از نماز.

س ۵۶۴ آیا حجاج باید حتماً در احرام لباس سفید بپوشند؟

ج باسمه

تعالی; خیر، لازم نیست; ولی بهتر است در لباس سیاه نباشد.

س۵۶۵ شخصی غسل جنابت را فراموش کرده پس از انجام حج تمتع و مراجعت به وطن به یادش می آید. نظر مبارک نسبت به اعمال این شخص چیست مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه برای احرام یا دخول حرم غسل نموده، صحیح است و اگر هیچ غسلی انجام نداده، طواف و نماز آن باطل است و باید در صورت امکان برگردد و خودش انجام دهد و الا نائب بگیرد و انجام دهد.

س۵۶۶ زنی نود ساله ام، هفتاد و پنج سال قبل ازدواج نموده و صداق من در آن زمان مبلغ سیصد و پنجاه تومان نقره که پول رایج آن وقت بوده بر ذمه شوهرم می باشد، ۱۵ سال بعد از ازدواج پدرم فوت نموده و مقدار ۱۰ هکتار زمین به من ارث رسیده و قریب ۱۰ سال است شوهرم فوت نموده و بعد از وفات ایشان پسرم از دنیا رفته و حدود چهار میلیون تومان پول نقد و ارزش زمین از پسرم به ارث برده ام و مدتی است به علت کهولت سن ناتوان گشته و راه رفتن برایم مشکل است آیا با این کیفیت، من مستطیع هستیم یا خیر؟ در صورت استطاعت مالی آیا استطاعت بدنی هم شرط است و من می توانم جهت اعمال حج نائب بگیرم یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با خصوصیاتی که نوشته اید در صورتی که قدرت انجام حج نداشته باشید نائب گرفتن بر شما واجب است و اگر تمکن دارید جایز نیست.

س۵۶۷ شخصی با همسر و فرزند شیرخوارش برای اعمال حج و عمره عازم مکه مکرمه شده لذا

در طواف خانه کعبه اجباراً شوهر و همسر فرزند را با خود به طواف می برند بعد از اتمام طواف متوجه می گردند کودک جایش را خیس کرده البته رطوبت نجاست با بدن و لباس طواف کننده تماس پیدا نکرده این طواف چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; طواف صحیح است و اشکال ندارد.

س۵۶۸ کسی جهت رفتن به حج به بانک پول واریز می نماید و قبل از درآمدن نام او، فوت می نماید آیا حج نیابی بر آن میت لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; حج نیابی بر آن میت لازم نیست.

س۵۶۹ اگر کسی در حال احرام به علت شدت تابش آفتاب یا باد و باران شدید مضطر شده و سوار ماشین سقف دار بشود آیا کفاره تظلیل دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی کفاره تظلیل دارد.

س۵۷۰ آیا نماز طواف را می شود به جماعت خواند؟

ج باسمه تعالی; نمی شود.

س۵۷۱ اگر کسی مدیون است و طلبکار، دین را طلب می کند و متمکن از اداء دین هست ولی دین را اداء نمی کند برای حج به مکه تمتع می رود آیا حجش صحیح است؟

ج باسمه تعالی; ادا نکردن دین خلاف شرع است و واجب است آن را اداء کند; ولی حج او صحیح است.

س۵۷۲ اگر کسی عمداً در حج قربانی نکشد حج وی چه صورت دارد؟ اشتباهاً نکشد چطور؟

ج باسمه تعالی; تا آخر ذی الحجه وقت باقی است و اگر عمداً از روز سیزدهم تأخیر بیندازد; معصیت کرده و اگر تا آن وقت هم ذبح نکرد; سال دیگر باید ذبح کند.

س۵۷۳ اگر کسی مستطیع باشد لکن فقرائی هم در

محل سکونتش زندگی می کنند آیا شخص مستطیع می تواند پول حج واجب را به فقراء بدهد و به حج نرود و اگر کسی برای تهیه جهیزیه فقیر پول حج را بدهد مسئله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ نمی تواند؛ باید حج برود.

س۵۷۴ ثلث قربانی که در منی باید به فقرا برسد و در منی ممکن نیست و قبل از رفتن به مکه نسبت به سهم فقیر از فقیر اجازه گرفته می شود آیا بعد از برگشتن از مکه باید پول ثلث را به فقیر داد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ لازم نیست از فقرا اجازه بگیرد ولی اگر این کار را کرد و در آنجا وکالتاً از فقیر قبض کرد و به ثلث قیمت معامله کرد باید پس از برگشتن یا قبل از آن پول را به همان فقیر بدهد.

(ت) س۵۷۵ اگر کسی را برای حج اجیر گرفته اند برای سال معین بعد از آن خود او استطاعت مالی پیدا کرده آیا حج آن سال را باید از ناحیه اجیر کننده برود یا از خود نایب و باید از طرف خود حج را انجام دهد؟

ج باسمه تعالی؛ در فرض سئوال باید از طرف خودش به مکه رود.

س۵۷۶ اگر زن استطاعت مالی پیدا کرده لکن محرم همراه ندارد که با او برود آیا حج از او ساقط می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ ساقط نمی شود.

س۵۷۷ اگر کسی نائب از حج برای میتی بود و خودش در همان سال مستطیع شد اما اجاره مطلق بود و این نائب می تواند فقط یك سال برود آیا حج خود یا حج نیابتی را انجام

بدهد؟

ج باسمه تعالی; در فرض سئوال، اجاره باطل می شود و باید از طرف خودش حج را انجام دهد.

س۵۷۸ آیا شخص مستطیع می تواند مال خود را به اولاد خود هبه کند به حدی که از استطاعت بیفتد در صورت جهل حکم مسئله چه می شود و اگر بعداً متوجه شد آیا می تواند مال هبه را پس بگیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در قبل از تمکن رفتن به حج و خروج به سوی آن و قبل از ماه حج هبه جایز است و در بقیه صور جایز نیست در مورد عدم جواز می تواند مال هبه شده را پس بگیرد.

س۵۷۹ آیا کسی که استطاعت مالی پیدا کرده لکن قبل از موسم حج در موارد مستحبی مال را مصرف نموده است چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر قبل از مال شوال مصرف کند و بعد از آن تمکن مالی برای سفر حج نداشته باشد; حج برایش واجب نیست والا واجب است.

س۵۸۰ شخصی به وسیله فیش بانکی پدرش برای نیابت از ایشان به حج می رود و در میقات خودش مستطیع می شود در صورتی که بدون این فیش نمی دانست برود حج نیابتی مقدم است یا خودش؟

ج باسمه تعالی; باید حج نیابتی را انجام دهد.

س۵۸۱ کسی برای حج واجب نام نویسی کرده و بعد مرده است، وراث برای رفتن به مکه اختلاف دارند آیا پسر بزرگ اولویت دارد یا نه اگر پسر بزرگ ادعا کند پدرم به من واگذار کرده و مدرک نداشته باشد چطور است؟

ج باسمه تعالی; خیر اولویت ندارد.

س۵۸۲ شخصی برای رفتن زیارت عتبات قرض می کند بعد

از اداء قرض حج واجب می شود یا نه و حال آنکه مخارج زیارت برابر مخارج حج یا زیاده شده باشد؟

ج باسمه تعالی; مخارج زیارت کم باشد یا زیاد، فرق نمی کند. چنانچه بعد از اداء دین استطاعت دارد; حج واجب می شود و نمی تواند به زیارت برود و اگر قبل از استطاعت رفته است; مجزی از حج نیست.

س۵۸۳ آیا می شود طواف را چه واجب چه مستحب برای ادای حاجت مؤمن قطع کرد؟

ج باسمه تعالی; در طواف مستحب مطلقاً جایز است و باقیمانده را بعد از قضای حاجت مؤمن تمام می کند و قطع طواف واجب، قبل از شوط چهار جایز نیست و اگر قطع کند باید از اول اعاده کند; ولی بعد از چهار شوط جایز است.

س۵۸۴ شخصی چند سال قبل برای حج ثبت نام کرده و امسال نوبتش شده فعلا پول رفت و آمد و واریزی به سازمان حج و سایر مخارج را ندارد و قبلا مستطیع بوده آیا واجب است به حج برود؟ یا می تواند فیش را بفروشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه قبلا از هر جهت استطاعت داشته، به هر نحو که ممکن است باید به حج برود و اگر استطاعت نداشته، واجب نیست و می تواند فیش را بفروشد و اگر قبلا فقط استطاعت مالی داشته است، چون فعلا استطاعت ندارد; حج واجب نیست و می تواند فیش را بفروشد.

س۵۸۵ کسی مستطیع است ولی به حج نرود و وصیت هم برای حج نکند این شخص کافر می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; کسی در دنیا با ترک واجب کافر نمی شود و باید برای حج،

ولو وصیت نکرده باشد؛ نائب بگیرند و با عدم وصیت حج میقاتی کافی است و حج بلدی لازم نیست.

س۵۸۶ آیا نماز طواف را می شود به جماعت خواند؟

ج باسمه تعالی؛ نمی شود.

(ت) س۵۸۷ اگر کسی مستطیع باشد ولی پول حجش را به یک نفر مستحق بدهد که نیاز مبرم دارد آیا ذمه بری هست یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بری نیست بلکه باید به حج برود.

س۵۸۸ حاجی برای اعمال حج عمره در خصوص سعی صفا و مروه را که باید هفت بار بپیماید اشتباهاً چهارده مرتبه پیموده به تصور این که رفت و برگشت را یک مرتبه حساب می کرده حکم چیست؟

ج باسمه تعالی؛ حج و عمره صحیح است.

س۵۸۹ آیا خنثی مشکل برای مناسک حج و همچنین بالنسبه به حجاب اعمال مرد و یا زن را انجام بدهد؟

ج باسمه تعالی؛ اگر علامات ظاهره مثل ریش، جماع، حیض، پستان و حمل و... مشاکل باشد؛ تکلیف روشن است والا سه علامت برای تشخیص مرد بودن یا زن بودن در اخبار ذکر شده که باید به آن ها رجوع کرد.

س۵۹۰ یک زن مشرف به حجه الاسلام شده است ده روز اول را حیض و ده روز دوم را محتلم و ده روز سوم را استحاضه دیده است از نظر احکام شرعی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ چون ده روز اول حیض بوده است حج مبدل به افراد می شود و بعد از پاک شدن عمره مفرده به جا می آورد و محتلم، اگر آب ندارد؛ غسل واجب نیست بلکه تیمم می کند.

س۵۹۱ اگر کسی که به حج می رود در منا قربانی کند قربانی

معونه الظالمین بالظلم نمی شود؟

ج باسمه تعالی; باید قربانی کند; معونه الظالم نیست.

وکالت

س۵۹۲ اگر وکیلی، طبق متن وکالتنامه که از جانب موکل مشخص شده است پیش نرفته و ترتیب و مراحل و سلسله مراتب انجام وکالت را رعایت ننماید و صرفاً به دلخواه خود قسمتی از انجام آن را مدعی باشد در صورتی که آن قسمت مؤخر بر دیگر مقدمات باشد و موکل نیز به هیچ وجه راضی به این گونه عمل وکیل نبوده و نباشد انجام این گونه وکالت که متن آن مبنی بر طی سلسله مراتب فوق الذکر کاملا صریح و بدون ابهام باشد از جانب وکیل مورد شرعی را به دنبال داشته باشد نهایتاً آیا نتایج این امر شرعی که ادعا شده است وکیل انجام داده صحیح و شرعی می باشد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که وکالت مشروط به رعایت مراتب باشد; عمل، بدون مراعات شرط، ممضی نیست.

س۵۹۳ در وکالتنامه مذکور اینجانب به همسرم وکالت در مورد طلاق (که البته به صورت مستقل انشاء شده و عقد خارج لازمی نبوده است داده بودم، بر اساس مندرجات آن که کاملا واضح است (رونوشت به ضمیمه تقدیم می گردد) از ابتدا بایستی ترتیبات و مراحل آن را رعایت می نمود، یعنی با مراجعه به دادگاه خانواده و تقدیم دادخواست طلاق از طرف موکل، دریافت حکم طلاق اعم از رجعی یا خلعی، حضور در دفترخانه رسمی طلاق اقدام به ثبت آن و بذل مهریه یا اقرار به وصولش، با حضور شهود و معرفی نیابت و وکالت در اجرای صیغه طلاق را انجام بدهند. ایشان متأسفانه بدون رعایت ترتیب منطقی

تمامی موارد فوق (که عرف حاکم بر جامعه نیز موید آن است) علی رغم نص صریح وکالت و میل موکل، مدعی است آخرین قسمت آن را انجام داده است بدین ترتیب که فقط صیغه شرعی طلاق را (بدون انجام مراحل قبلی) انجام داده است و اقدام به جاری نمودن آن کرده است یعنی عدول از چارچوب تعیین شده در وکالت با عنایت به توضیحات فوق آیا شرعاً وی همسر این جناب می باشد یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ با خصوصیاتی که نوشته اید طلاق جاری شده بدون رعایت مراتب ذکر شده می باشد و صحیح نیست؛ چون مورد وکالت نبوده است و او همسر شما است.

س۵۹۴ اگر در عقد وکالت شرط کند بلاعزل باشد با این که ماهیت وکالت از عقود جایزه است، این شرط نافذ می شود یا نه و آیا موکل حق تخلف شرط را دارد و آیا عزل نافذ خواهد بود یا نه و آیا عبارت «وکالت بلاعزل دارم» و عبارت «وکالت دادم شرط عدم عزل» فرق می کند؟

ج باسمه تعالی؛ عقد وکالت به مقتضای اخبار خاصه از طرف موکل خاصه جایز است والا مقتضای عمومات لزوم عقود، عدم جواز است، چون اگر عدم عزل را شرط کند اخبار خاصه آنجا را نمی گیرد؛ بنابراین وکالت لازم می شود. ولی چنانچه شرط نتیجه نماید و بگوید به شرط عدم الانعزال، شرطی است خلاف کتاب و سنت و باطل است و هم چنین است اگر بگوید وکالت بلاعزل دادم در صورتی که بلاعزل به عنوان شرط نباشد.

س۵۹۵ اگر عقد وکالت مطلق بود؛ به چه مقدار از زمان انصراف دارد آیا مدام العمر

خواهد بود به خصوص اگر قید بلاعزل را ذکر کرده باشد؟

ج باسمه تعالی; بلی، مادام عمر الموکل او الوکیل.

س۵۹۶ آیا زن می توانـد در عقـد نکاح شـرط کنـد هر وقت شوهر بداخلاقی کرد و قابل تحمل نبود وکالت داشـته باشد برای طلاق خود آیا این شرط و وکالت صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; صحیح است.

احکام قضا

س۵۹۷ آیا زن می تواند در قضاوت و حکم بین متخاصمین، قاضی شود؟

ج باسـمه تعـالی; قضـاوت، به معنی حکم لاحـد المتخاصـمین علی أنه حکم الله تعـالی و به عنوان الولا ـیه الثـابته من قبـل حجه الله(علیه السـلام) مختص به رجال است و زن نمی توانـد قاضـی شود ولی در حکم به غیر این عنوان، مانند حکم قضاه منصوب از قبل سـلاطین، جور مانعی نـدارد زن قاضـی شود. ولی بایـد رعایت کند که اگر حکم می کند بر او به علم یا بشـهاده عدلین ثابت بشود.

س۵۹۸ چنانچه نزاعی بین دو نفر یکی شیعه و دیگری سنی باشد چگونه باید حکم نمود؟

ج باسمه تعالی; باید بر طبق حکم شرعی که همان حکم شیعه است حکم نمود.

س۵۹۹ آیا قضاوت غیر مجتهد مأذون از مجتهد در زمان غیبت جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; حکم کردن جایز نیست; ولی بازجویی مانعی ندارد.

س۶۰۰ در صورتی که قبل از اثبات زنا توسط ادله شـرعیه قاضـی اظهار علم به وقوع زنا بنمایـد و در جراید آن را رسـماً اعلام نماید آیا مورد از موارد جرح قاضـی به دلیل زوال صفات لازمه در قاضی از جمله عدالت می شود یا نه؟ در صورتی که چنین قاضی حکم صادر کند شرعاً حکم وی لازم

الاتباع است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه عدالت قاضی ثابت باشد و قاضی بتواند با علم خود اجراء حد نماید؛ چنین اظهاری موجب سقوط از عدالت نیست. بلی، چنانچه علم نداشته باشد یا علم او مجوز اجرای حد نباشد؛ اظهار در جراید موجب سقوط عدالت می شود و حکم او لازم الاتباع نیست.

س۶۰۱ در صورت خیانت و عدم صلاحیت ولی قهری به خاطر عدم پرداخت نفقه و خیانت در اموال صغار و... آیا ولی قهری قابل عزل می باشد یا نه؟ و در صورت قابل بودن آیا می توان مادر صغار را جانشین او کرد؟ یا به عنوان قیم انتخاب گردد و این در صورتی است که قانون مدنی در این گونه موارد ضم امین را در نظر گرفته و این در حالی است که در بحث حضانت در صورت انحطاط اخلاقی و عدم صلاحیت ولی قهری قانون اجازه گرفتن حضانت را از وی داد؟

ج باسمه تعالی؛ ولایت ولی قهری قابل عزل نیست ولی چون جواز تصرفاتش، مقید است به عدم المفسده، لذا تصرفات خائنانه او ممضی نیست. بنابراین بر حاکم شرع است که ضم امین نموده و تصرفات با نظر او باشد. اگر آن هم نشد حاکم او را از تصرفات منع می نماید و اجازه می دهد کس دیگر متصدی شود. در این دو مورد، مادر با تعیین حاکم متصدی می شود و نقض به حق حضانت نمی شود چون آن حق است و قابل سقوط و لذا با عدم صلاحیت می توان حق حضانت را از او گرفت.

س۶۰۲ فردی که دارای سه فرزند صغیر و کبیر و ۵۱ سال سن

می باشد و سه بار نزد قاضی صادر کننده حکم اقرار به زنای محصنه کرده باشد:

۱ آیا قاضی صادر کننده حکم می تواند به اعتبار اقرار چهارم متهم نزد حاکم دیگر که دخالتی در صدور حکم ندارد وی را به حد شرعی زنای محصنه محکوم نماید یا خیر؟

۲ چنانچه اقرار متهم ناشی از رعب و وحشت انجام شده باشد آیا معتبر و نافذ خواهد بود؟

ج باسمه تعالی; اولا: سه بار اقرار کافی نیست باید چهار بار باشد. ثانیاً: باید اقرار متهم ناشی از رعب و وحشت نباشد. ثالثاً: اقرار متهم باید نزد حاکم باشد و چون نزد حاکم سه اقرار بیشتر نکرده است حاکم نمی تواند حد زنای محصنه اجرا کند.

س۶۰۳ چاه عمیق کشاورزی مربوط به روستای ۲۰۰ خانواری که در سال ۷۱ وسائل و تجهیزات برقی آن به سرقت رفته در نتیجه صدها هکتار باغات و زراعات چندین ساله اهالی این روستا به آتش بی آبی سوخته و خسارات جبران ناپذیری به مسلمین وارد گردیده و موجب کوچ جمعی به شهرها شده، نماینده اهالی علیه سارقین و حامیان او شکایت و پیگیری کرده ولی تاکنون رسیدگی نشده و سارقین و قاضی آزاد کننده، مجازات نشده حال طبق مدارک پیوست که ملاحظه می فرمایید مجموعاً حدود ۲ میلیون تومان مالیات برای چاه به سرقت رفته راکد غیر فعال آمده، اهالی و صاحبان چاه و باغات و زراعات سوخته می گویند ما قدرت به پرداخت این مالیات ناحق را نداریم در اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز آمده، در این صورت مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران

می شود و در قانون مجازات اسلامی ماده ۵۹۷ آمـده به تأدیه خسارات وارده محکوم خواهد شد، به هرحال آیا دادن این مبلغ مـذکور برای اهالی خسارات دیـده لازم است یا خیر؟ و گرفتن این مبلغ برای مطالبه کنندگان نیز جایز و مشـروع است یا خیر؟ خلاصه آیا قاضی متخلف هم ضامن خسارات است یا خیر؟ حکم چیست؟

ج باسـمه تعالی; به طوری که راجع به آن قریه نوشته شده و با توجه به اصل ۱۷۱ اهالی ضامن نیستند و دولت باید جبران کند قاضی نیز کار خلافی انجام داده است و مقصر است. ولی وجهی بر ضمان او نمی دانم و ظاهراً مطالبه از اهالی بلا وجه است.

س۶۰۴ در مواردی که متداعیین غیر شـیعه یا غیر مسلمان بوده و در باب یکی از احوال شخصیه (ارث، وصیت، نکاح و طلاق) با یکدیگر اختلاف داشـته و به دادگاه اسـلامی مراجعه کنند، آیا دادگاه مزبور صـلاحیت و یا الزام به رسیدگی دارد یا خیر؟ و در صورت رسـیدگی، مبنای حکم قاضـی، احکام اسـلامی خواهد بود یا مذهب یکی از اصـحاب دعوی؟ در صورت اخیر اگر اصحاب دعوی دارای ادیان یا مذاهب مختلف باشند ملاک حکم قاضی، مذهب کدام یک از آنان خواهد بود؟

ج باسـمه تعالی; ظاهر آیه کریمه (فان جائوک فاحکم بینهم او اعرض عنهم و ان تعرض عنهم فلن یضروک شیئا و ان حکمت فـاحکم بینهم بالقسـط) و صـریح خـبر ابی بصـیر عن الامـام البـاقر(علیه السـلام)ان الحـاکم اذا اتـاه اهـل التواره و اهـل الانـجیل یتحاکمون الیه کان ذلک الیه ان شاء حکم فیهم و ان شاء ترکهم (وسائل باب ۲۷ من ابواب کیفیه الحکم)

و روایات دیگر قاضی مخیر است بین آنکه بر طبق احکام اسلامی حکم نماید یا به قضات خودشان ارجاع دهد که بر طبق مذاهب خودشان حکم کنند.

س۶۰۵ آیا حدیث (و اختلاف امتی رحمه) صحیح است یا خیر، تفسیر این حدیث چیست؟

ج باسمه تعالی; روایتی معتبر در (وسائل کتاب قضاء باب ۱۱ من ابواب صفات القاضی ج ۱۰) هست که امام صادق(علیه السلام) آن را به این نحو معنی می فرماید: (انما اراد اختلافهم من البلدان لا ـ الاختلاف فی دین الله) یعنی مراد پیغمبر از این عبارت این است که از شهرها کوچ کنند و به مرکز علم رفته، احکام الهی را یاد بگیرند.

س۶۰۶ شرایط قضاوت در اسلام چیست؟ آیا دانشجویانی که پس از اتمام دوران تحصیل دانشگاهی با مدرک کارشناسی حقوق در آزمون قضات شرکت نموده و بر مسند قضاوت می نشینند و بعضاً می توان گفت عده کثیری از آن ها شرایط قضاوت را دارا نیستند حال معظم له آیا قضاوت این گونه افراد را جایز می دانید؟ در صورت اشکال راه حل شرعی چیست؟

ج باسمه تعالی; قاضی باید مجتهد و عادل باشد. کسی که واجد شرایط نیست نمی تواند قضاوت کند و راه حل شرعی آن این است که وقتی مقدمات انجام گرفت هنگام حکم به یک مجتهد رجوع کند و او حکم کند.

س۶۰۷ آیا قضات محاکم با توجه به پیشرفت های علمی پزشکی قانونی می توانند به استناد نظرات آنان از باب یکی از طرق اثبات صدور حکم نماید یا خیر.

ج باسمه تعالی; بلی، چنانچه علم پیدا کنند، می توانند.

س۶۰۸ آیا در منصب قضا غیر مجتهد می تواند

قرار بگیرد.

ج باسمه تعالی; خیر، نمی تواند.

حقوق

س۶۰۹ پدرم چند سال پیش فوت نموده، مادر و دو خواهرم در شهرستان زندگی می کنند. شوهرم ماهانه مبالغی را جهت خرجی به بنده می دهد و دیگر نمی پرسد که با آن پول چه چیزی خریده ام. آیا بدون این که به همسرم اطلاع دهم می توانم از آن پول هدیه ای برای مادر یا خواهرانم بخرم یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که بدانید شوهرتان راضی است; اشکال ندارد و گفتن هم لازم نیست.

س۶۱۰ بر روی نوارهای کاست و CDها نوشته شده است هرگونه کپی و تکثیر شرعاً حرام است حال اگر فرض کنیم کپی و تکثیر حرام باشد. در این مسئله ۲ صورت قابل تصور می باشد: ۱ کسی که به صورت غیر شرعی کپی و تکثیر می کند ۲ مشتری CDها را به صورت غیر شرعی تکثیر می کند آیا مشتری هم چیزی را ضامن می باشد (گناهکار به حساب می آید یا نه)؟

ج باسمه تعالی; آنچه جمع شده است مال فروشنده می باشد و می تواند از تکثیر آن نهی نماید و چنانچه نهی کرد; جایز نیست و مشتری مالک نمی شود. ولی وجهی بر عدم جواز گوش دادن دیگران به آن نمی دانم.

س۶۱۱ در شهرستان بابل فشار آب لوله کشی شده کم می باشد و به همین جهت بیش از نیمی از مردم از پمپ آب استفاده می کنند به طوری که اگر در منازل از پمپ آب استفاده نشود در طول روز ساعت های مدیدی(۹ ۱۰) ساعت آب یافت نمی شود حال در پشت قبض های آبی

که برای صورت حساب آب به منازل توسط اداره آب فرستاده می شود نوشته (استفاده از پمپ ممنوع است). با توجه به این که در صورت استفاده از پمپ آب پول را تمام و کمال پرداخت می نماییم; لطفاً بفرمایید آیا غسل و وضوی ما درست و صحیح است و به تبع آن نماز و روزه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه قانون به مضمون ذکر شده در سئوال از طرف کسانی که آب در اختیار آن ها است جعل شده است تخلف جایز نیست.

س۶۱۲ آیا همسایه حق دارد در مرز مشترك زمین زراعی یا مسکونی در روستا بدون فاصله درخت کاری کند; در صورتی که درخت با شاخه هایش مزاحم کشت و زرع یا رشد درخت همسایه شود؟

ج باسمه تعالی; حق ندارد.

س۶۱۳ آیا خوردن میوه های درختان سر راه عمومی جایز است؟

ج باسمه تعالی; اگر درخت میوه در معرض عمومی باشد و کسانی که از آنجا عبور می کنند برای خوردن همان جا از درخت بچینند; اشکال ندارد و جایز است.

س۶۱۴ در صورت عدم تمکین همسر عقدی نسبت به رفتن به منزل شوهر، اگر شوهر او را به اجبار به همراه خود ببرد آیا این عمل آدم ربایی محسوب می شود؟ در صورت صدق عنوان، آیا آدم ربایی مشمول احکام سرقت است یا حکم دیگری دارد؟

ج باسمه تعالی; حق شوهر است و آدم ربایی نیست و آدم ربایی حکم سرقت ندارد.

س۶۱۵ شخصی در کنار ساختمان شخصی دیگر، باغ درست کرده درخت های آن باغ شاخه انداخته به عمارت مزبور و خسارت وارد کرده است آیا جلو درخت ها را می شود گرفت و

خساراتی که وارد کرده می شود گرفت یا خیر؟

ج باسمه تعالی; جلوی شاخه ها را می توان گرفت و خسارات وارده را هم می شود گرفت.

س۶۱۶ لطفاً فتوای خود را در مورد درخت میوه ای که شاخه های آن از دیوار باغ بیرون آمده و رضایت صاحب درخت محرز نیست که آیا می توان از میوه ها چید یا از میوه های ریخته شده روی زمین برداشت مرقوم بفرمایید. ضمناً حکم درخت های میوه ای که شاخه های آن ها بر سر شارع عموم و یا خصوص قرار دارد و عام و خاص عبور می کنند; نسبت به چیدن میوه ها از درخت و یا برداشتن میوه ها از روی زمین که توسط باد و امثال آن ریخته شده، چیست؟ آیا شخص عابر می تواند میوه ریخته شده را بردارد یا از درخت بچیند با این که رضایت صاحب درخت معلوم نیست؟

ج باسمه تعالی; کسی چه از شارع عام چه از شارع خاص عبود کند جایز است از میوه های شاخه های باغی که از دیوار آن بیرون آمده بچیند و بخورد ولو با کراهت مالک. البته با لحاظ شرایطی:

۱ عبور به آن محل برای چیدن میوه و خوردن آن نباشد بلکه برای مقصد دیگری باشد و راه منحصر باشد یا راه دیگر هم باشد مهم نیست ولی آن راه را اختیار کند برای خوردن میوه و الا اگر فقط برای خوردن میوه برود خوردن جایز نیست مگر با احراز رضایت صاحب ملک.

۲ چیزی از میوه ها را برندارد. مثلا ببرد در خانه بخورد.

۳ از میوه شاخه داخل باغ نباشد والله العالم.

س۶۱۷ حق

التألیف چه حکمی دارد و آیا می توان بدون اجازه مؤلّف کتاب را چاپ کرد؟

ج باسمه تعالی؛ حق التألیف ثابت است و چاپ کردن کتاب بدون نظر مؤلف آن جایز نیست.

س۶۱۸ اگر کسی بمیرد و دختر صغیره ای داشته باشد؛ با این که نمی توان قبل از تمام شدن هفت سال دختر، او را از مادرش جدا کرد؛ اگر زن بعد از عده وفات بخواهد شوهر بکند آیا می تواند دختر صغیره را تحویل جد پدری دختر بدهد و اگر جد پدری نداشته باشد تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، می تواند از حق نگهداری بچه صرف نظر کند به دیگری واگذار کند.

س۶۱۹ رد مظالم با مجهول المالک چه فرقی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ مظالم آن است که مالی از باب تعدی به دیگران بر ذمه شخص می آید و اما مجهول المالک آن چیزی است که مالکش معلوم نیست.

س۶۲۰ صحبت کردن در جایی که کسی خواب است مزاحمت می شود در صورت حرمت، از باب ایذاء می باشد یا تصرف در حق و غصب حق خواب و تصرف در حق در این مورد موضوع پیدا می کند یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ تصرف محرّم و یا غصب نیست و مزاحمت با خواب کسی، فی نفسه حرام نیست. مگر آن که عنوان ایذاء و اضرار بر آن منطبق شود که در آن صورت جایز نیست.

س۶۲۱ آیا حبس کردن شخص آزاد و حرّ حرمتش از باب ایذاء است یا تصرف در حدود؟ آیا ضامن مدت حبس می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ ضامن نیست. ولی سلب کردن آزادی کسی حتی بدون ایذاء او، حرام

است.

س۶۲۲ چشـمه آبی است در روسـتایی که مردم آن روسـتا برای زندگی خود و باغات و مسـجد و حمام و مدرسه اسـتفاده می کننـد بعضـی ها از روسـتا کوچ کرده و سـهم آب خود را فروخته انـد و چون چنـد سالی است که خشک سالی است آب کم است برای حمـام بعضـی ها آب نمی دهنـد آیا رضایت آن ها شـرط است یا خیر و بـدون رضایت آن ها از آب می شود برای حمام استفاده کرد یا خیر؟

ج باسـمه تعالی; نظر به این که سال های متمادی، آب این آبادی منحصر به این آب بوده و همه از حمام استفاده می کرده اند اگر چه صاحب بعضی از باغات صغیر یا مجنون بوده یا راضی نبوده، معلوم می شود; معاملات واقع بر آب به این شرط ضمنی بوده است که به حمام داده شود. بنابراین اشـکال ندارد و آن ها هم باید آب بدهند و چه خوب است کسانی که مالک هستند توجه نماینـد که این گونه آب دادن به حمام در پیش خدا ارزش بسـیاری دارد و خیر دنیا و آخرت در آن است. فکر می کنم اگر برادران مسـلمان به ارزش این عمل توجه کننـد بدون تردید در آب دادن از دیگران پیشـی می گیرند خداوند به همه آنان توفیق خدمت به مردم و رفع مشکلات آنان را بدهد.

س۶۲۳ اگر چنـانچه شـهیدی ضـمانت کسـی را کرده باشـد بایـد رفع ضـمان از او شود تا در قیامت گرفتار نشود یا آنکه برای شهید دیگر رفع ضمان شده است؟

ج باسمه تعالی; شهادت، رافع ضمان نیست. چنانچه پول دارد; باید رفع

ضمان بشود والا در آن دنیا خداوند تبارک و تعالی به نحوی تلافی می نماید. روایتی است که امام(علیه السلام)می فرماید: شهیدی برای سه درهم که به یک یهودی بدهکار بوده است را می شود در کنار درب بهشت نگاه داشت به هرحال برای سعادت ابدی شهادت، به تنهایی با فرض تمام گناهان انجام داده، کافی نیست.

س۶۲۴ اگر پول بلیط قطار و امثال آن را ندهد آیا فعل حرام انجام داده و ضامن است؟ در صورت ضمان رفع ضمان چگونه است؟

ج باسمه تعالی؛ مسلماً ضامن است. چون متعلق به دولت است و رفع ضمان آن، دادن پول به متصدیان امر است.

س۶۲۵ همسایه ای در مرز مشترک مزروعی همسایه اش درختکاری می کند که ساقه و شاخه های درخت او در فضای زمین همسایه سایه افکنده و مانع از رشد زراعت می شود آیا همسایه دیگر می تواند مانع و جلوگیری نماید؟ مثلا شاخه های درخت را بِبُرد یا خیر. فاصله درخت با مرز چه مقدار لازم است؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه شاخه های درخت در فضای ملک این شخص باشد می تواند ممانعت کند و چنانچه او شاخه را برنگرداند خودش می تواند آن را برگرداند و چنانچه نتوانست برگرداند؛ می تواند شاخه را قطع کند البته احتیاطاً از حاکم شرع اجازه بگیرد و فاصله بین درخت و مرز، لازم نیست فقط باید ریشه و شاخه درخت در ملک غیر نرود.

س۶۲۶ اگر کسی پدر و مادرش بمیرند و جده پدری و جده مادری داشته باشند و عمو و دایی نیز داشته باشند کفالت طفل با چه کسی است؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه پدر و

مادر بمیرند; حضانت با خاله است. اگر نبود یا قبول نکرد; با جد است. اگر نبود با وصی والا با حاکم شرع و اگر آن هم نبود به حسب مراتب ارث با ارحام است.

س۶۲۷ اگر کسی خودش را بیمه کند بعد تصادف کند و بمیرد و با مردن شخص مذکور آیا پولی که بیمه به وارث شخص مذکور می پردازد حلال است یا نه؟ (میت در حال حیات هر سال مبلغی بلاعوض به عنوان حق بیمه به اداره بیمه پرداخت کرده است).

ج باسمه تعالی; حلال است.

س۶۲۸ کارخانه ای که سهمیه از دولت جهت مصرف در موارد تولیدی دارد و این سهمیه جهت مصرف در مواد ترکیبی تولیدات کارخانه است. آیا می تواند این سهمیه و یا مقداری از این سهمیه، یا اضافی سهمیه را به صورت آزاد به فروش برساند؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۶۲۹ لطفاً یک پندی در مورد دوستی و دوستداری بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; امام سجاد(علیه السلام)در رساله حقوق چنین می فرماید و اما حق الصاحب فان تصحبه بالتفضیل و الانصاف و تکرمه کما یکرمک و لا تدعه سبق الی مکرمه فان سبق کافأته و توده کما یودک و تزجره عما یهم به من معصیه الله و کن علیه رحمه. ترجمه: حقوق رفیق این است که اگر با او رفاقت می کنی; با احترام و انصاف با او رفتار کن; او را محترم بشمار همان طوی که دوست داری او تو را محترم بشمارد; از صمیم قلب به هم علاقه مند باشید و او را از کارهای معصیت باز دار و برای وی رحمت باش.

امام(علیه السلام)می فرماید: و اطلب مواخاه

الاتقیاء ولو فی ظلمات الارض و ان افنیت عمرک فی طلبهم... با پرهیزکاران دوست باش اگرچه در تاریکی زمین برای پیدا کردنشان تلاش کنی و یا همه عمر خود را در این راه از دست بدهی. دوستی با آنان بزرگ ترین نعمت خداوند بر توست.

حدود و تعزیرات

س۶۳۰ آیا در معنی تعزیرات قائل به موارد خاصی هستید یا هر چیز و هر مؤسسه ای که حالت اصلاحی و بازدارندگی داشته باشد و در منع افراد از بزه اثر بخش باشد آن ها را مجری حکم تعزیر می دانید؟

ج باسمه تعالی؛ تعیین تعزیر با مجتهد جامع الشرایط است؛ ولی مؤسسات می توانند با اجازه او مجری تعزیر باشند.

س۶۳۱ به غیر از حدود و تعزیرات که از طرف شارع بیان شده تعیین حکم دیگر مسائل توسط قاضی چگونه است؟

ج باسمه تعالی؛ برای هر محرّمی از محرّمات الهیه اگر حد تعیین نشده باشد تعزیر تعیین می شود و مقدار آن موکول به نظر حاکم شرع است.

س۶۳۲ با توجه به این که در سنین کمتر از ۱۸ سال کودکان و نوجوانان به آنچنان رشد عقلی و فکری نرسیده باشند و به یک معنی مستحق توجه و کمک ویژه ای هستند تا بتوانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند و با توجه به وضعیت زندان های فعلی که افراد در این سنین مسلماً در معرض آسیب و تأثیرات منفی زندانیان قرار می گیرند. و امروزه دنیا به این فکر افتاده با تهیه کنوانسیون حقوق کودک که مورد پذیرش بیش از ۱۸۶ کشور جهان نیز قرار گرفته و ایران نیز در سنوات اخیر با حق شرط به این قانون پیوسته

که نظام دادرسی ویژه ای را برای افراد کمتر از ۱۸ سال اعمال نماید و در آن سیستم عمدتاً از نظام جایگزینی استفاده می شود به نظر شما با توجه به وسعت اختیارات قضات در تعزیرات آیا می توان نظام دادرسی ویژه ای برای آنان ترتیب داد تا در مواردی تعزیری از یک نظام جایگزینی که در ترمیم شخصیت آسیب دیده آن ها مؤثر است استفاده نمود مثلاً: به توبیخ شفاهی اکتفا نمود یا متهم را به یک مؤسسه تخصصی با مربیان اجتماعی که برای این منظور هستند فرستاد یا به یک مؤسسه پزشکی تربیتی بر اساس توصیه یک پزشک واجد شرائط برای انجام تربیت صحیح فرستاد یا صرفاً به جریمه نقدی اکتفا کرد یا به کار اجباری بدون حقوق به نفع مؤسسات و انجمن های حقوقی عمومی زیر نظر قاضی محکوم کرد و یا به هر شیوه جدیدی که در ساختار شخصیتی آنان نقش مؤثری داشته باشد و حالت بازدارندگی خود را نیز حفظ کند حکم کرد؟

ج باسمه تعالی; در جرائمی که شارع مقدس جریمه خاصی تعیین نموده; نمی شود تصرف کرد; در موارد دیگر که فقهاء فتوا به تعزیرات داده اند و در روایات گاهی به تعزیرات و گاهی به تأدیب تعبیر شده است منوط به نظر مجتهد است.

س۶۳۳ اگر شخصی به عینه ببیند که کسی شراب می خورد آیا می تواند حد شرعی جاری کند اگر این کار را انجام ندهد آیا معصیت نموده است؟

ج باسمه تعالی; اجرای حد باید با نظر مجتهد جامع الشرایط باشد و کسی نمی تواند اجرای حد نماید زیرا حاکم باید شرایط را

رعایت بکند.

رشوه

س۶۳۴ رشوه در اصطلاح یعنی چه و اگر کسی برای رسیدن به حق رشوه و هدایا بدهد این کار جایز است؟

ج باسمه تعالی; رشوه عبارت است از پولی که به قاضی شرع داده شود تا برخلاف واقع، حکم کند.

س۶۳۵ نظر اسلام را در زمینه رشوه خواری بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; رشوه مختص به باب قضاوت است.

س۶۳۶ در بعضی از اداره ها کارمندانی هستند که تا رشوه نگیرند کاری انجام نمی دهند حالا اگر کسی مجبور باشد برای راه افتادن کارش پولی بپردازد شخص مزبور که رشوه را اکراهاً داده است تکلیفش چیست؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

بیع

س۶۳۷ اگر جنسی را دو ماهه نسیه بفروشند و چک از آن بگیرند آیا جایز است؟

ج باسمه تعالی; درست است.

س۶۳۸ اگر کسی بگوید این جنس را نقداً به ۱۰۰ تومان و نسیه به ۱۲۰ تومان می دهم چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; دو معامله باشد اشکال ندارد ولی اگر یک معامله مردد باشد باطل است.

س۶۳۹ در صورتی که مال یا زمینی در حدود ۴۰ سال یا کمتر به فروش رسانده شده و بعد از گذشت مدت زمانی ابطال و فساد معامله به خاطر مستحق للغیر در آمدن مبیع محرز شود آیا خریدار می تواند ثمن مورد معامله را به روز از فروشنده بگیرد؟ و این در حالی است که قانون مدنی اجازه داده که خریدار ثمن و خسارات وارده را از فروشنده بگیرد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه زمین به واسطه کارهایی که خریدار انجام داده است ترقی قیمت پیدا کرده است و یا خساراتی را متحمل شده و خریدار نمی دانسته زمین مال فروشنده

نیست؛ فروشـنده ضامن است و بایـد تمام آن ها را بپردازد و چنانچه قیمت زمین بـدون عملی، ترقی نموده و یا این که خریدار عالم بوده که زمین مال فروشنده نیست نمی تواند قیمت روز را بگیرد. فقط همان مبلغی که چهل سال قبل داده؛ باید بگیرد.

س ۶۴۰ خریـد و فروش برخی از روزنـامه هـا و مجلاـتی که با اسـتفاده از آزادی موجود در جمهوری اسـلامی برخی از احکام اسـلام را زیر سؤال برده و یـا به مقـدسات انقلاـب اسـلامی جسارت کرده و یا بی بنـد و باری و فساد را ترویـج می نماینـد چه صورت دارد؟

ج باسـمه تعـالی؛ روزنـامه ای که برخی از احکـام اسـلام را زیر سؤال ببرد و یـا فسـاد و بی بنـد بـاری را ترویـج نمایـد و یـا به حضرات معصومین(علیهم السلام)جسارت نماید؛ نشریه مضله است و ترویج و خرید آن جایز نیست.

س ۶۴۱ اگر فروشـنده جنس را به صورت نقد به خریدار بفروشد و خریدار هم در اثر سـهل انگاری پول فروشـنده را ندهد و تا مدت ده پانزده سال پول فروشـنده را نگه دارد و در این مدت قیمت جنس چند برابر شود آیا فروشنده می تواند خود جنس را از خریدار مطالبه کند؟

ج باسمه تعالی؛ در فرض سؤال، خیار فسخ دارد. می تواند فسخ کند و خود جنس را تحویل بگیرد.

س ۶۴۲ زیـد زمینی به عمرو با متر معینی فروخته است و پول آن را گرفته بعد از متراژ کردن معلوم شد که زمین کمتر از مقدار فروخته شده است و زید به عده ای بدهکار است خودش از نظر دین خیلی متدین نیست ولی خانواده اش اهل نماز

روزه می باشند آیا زیادی را که زید گرفته می تواند از سهم امام حساب کند؟

ج باسمه تعالی; نمی تواند.

س۶۴۳ خرید و فروش با افرادی که کسبشان حلال مخلوط به حرام است; چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۴۴ اگر شرکتی وسایل نقلیه یا جنس دیگری را به این شرط بفروشد که مقداری از پول آن را اول بگیرد و باقی را موقع تحویل دادن جنس، آیا معامله به این صورت صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی صحیح است.

س۶۴۵ تعویض زینت آلات زنانه طلا ـ که در قبال آن فروشنده بابت مرغوبیت پول می گیرد و هکذا در انگشترهایی که رکابشان نقره ای است موقع تعویض زیادی که می گیرند چه صورت دارد؟ و نیز استفاده از طلاجات و انگشترهای نقره ای آیا در این صورت جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۴۶ فروش گوسفند و گاو و مرغ به صورت زنده چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۴۷ قولنامه بدون التزام در ضمن عقد لازم، آیا لازم الوفاء است؟

ج باسمه تعالی; لازم الوفاء نیست.

س۶۴۸ اگر مسلمان پیش کافری جهت خرید خوک سرمایه گذاری کند که به کفار بفروشد یا مو بکارد و انگور آن را جهت تهیه شراب بفروشد آیا این معامله حرام است؟

ج باسمه تعالی; معامله جایز است.

س۶۴۹ فروشندگان طلا، بدهی خود را مدتی بعد از خرید طلا (مثلا یک ماه) پس می دهند و با توجه به نوسانات زیاد در قیمت طلا، امکان معاملات مدت دار نیز وجود ندارد. بنابراین ناچارند طلب یا بدهی خود را برحسب طلا محاسبه کنند. علاوه بر این عیارهای

مختلف طلا قیمت های مختلف دارند; مثلا یک کیلو طلای خالص، تقریباً برابر قیمت یک و نیم کیلو طلای ۱۶ عیار است و با توجه به مطلبی که به عرض رسید مبنی بر این که به ناچار، طلب و بدهی را برحسب طلاـ محاسبه می کنند; آیا می توان مقداری طلا با عیار بالاتر را با مقداری بیش تر از طلا با عیار کمتر معاوضه کرد؟ چاره کار چیست؟

ج باسمه تعالی; برای فرار از ابتلاء به ربا بهترین راه این است که دو معامله کنند یکی این که، طلا را با پول بخرند و طلای خود را با پول مقایسه بکنند که زیاد و کم آن، هیچ اشکالی پیدا نمی کند.

س۶۵۰ کسی که ساکن شهر قم می باشد و در آذربایجان درختان زیادی دارد و فردی در آنجا ساکن است; چند اصله درخت از او خریده و پول آن ها را داده درخت ها را بریده و برده، ولی فروشنده از قیمت معمولی آگاهی نداشته; اما خریدار سابقه خرید و فروش را داشته و حالا همین شغل را داراست. پس از تحقیق متوجه شده که قیمت درختان بالاتر از دو برابر آن می باشد. آیا فروشنده می تواند از خریدار مطالبه قیمت عادلانه کند؟

ج باسمه تعالی; آن گونه که نوشته اید فروشنده، خیار غبن دارد و در صورتی که در حین معامله، خیار غبن را ساقط نکرده باشد می تواند معامله را بهم بزند و از خریدار بخواهد چنانچه مایل است معامله جدیدی با قیمت عادلانه بنماید.

س۶۵۱ خریدن برگه های ارمغان بهزیستی و همای رحمت که اکثر افراد به قصد خالص و قربت

خریداری نمی نمایند آیا جایز است و آیا فرقی با بلیط های سابق بخت آزمایی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست و فرقی با بلیط بخت آزمایی ندارد.

س۶۵۲ شخصی سکته شدید مغزی می نماید و در مشاعر و حواس اختلال پیش می آید به طوری که عملا سفیه شرعی و محجور می گردد و این شخص ۵۰۰ هزار تومان پول داشته. همسر و یکی از فرزندان او تصمیم می گیرند خانه ای با همان پول خریداری کنند و سند رسمی آن را به نام یکی از فرزندان دیگر ثبت کنند تا این فرزندی که در سن ازدواج بوده در آن سکونت نماید. با توجه به این که این شخص محجور، ولیّ خاص ندارد و همسر و فرزندان او نیز از طرف حاکم شرع یا به حکم قانون قیم او نیستند. و از طرف دیگر، از همسر و فرزندی که تصمیم بر خرید خانه گرفتند، و فرزندی که سند رسمی به نام او شده، هیچ کدام قصد تملک و خرید خانه برای خود نداشته و قصد قرض گرفتن پول را نیز داشته اند و مبهم گذاشته اند; و چه بسا این اندیشه بر این معامله حاکم بوده که این منزل مثل منزلی که قبلا شخص محجور قبل از حجر و سکته مغزی خانه ای را برای خود خریده و سند آن را به نام یکی از فرزندان به طور صوری، کرده بود. یعنی شرعاً و واقعاً پدر مالک بود و چه بسا این تصور و انصراف، بر این معامله حاکم بود و عقد مبنی بر آن بود که این خانه هم مثل خانه قبلی

است یعنی عملا و واقعاً مال پـدر است و صورتاً به نام فرزنـد; با این تفاوت که خانه قبلی را پدر در زمان رشد، خودش خریده و به نام یکی از فرزندانش کرده بود و خانه فعلی را همسر و یکی از فرزندان با پول پدر اقدام به این کار نموده اند. اکنون که پـدر محجور فوت کرده و حجرش متصـل به فوت بوده و فرزنـدان صـغیر و کبیر دارد خـانه مال کیست؟ مال پـدر و نتیجتاً مال همه ورثه یا مال همسر و فرزندی که تصمیم به خرید منزل گرفته اند؟ یا مال فرزندی که سند به نام اوست یا مال...؟

ج باسـمه تعـالی; معـامله باطـل است و بعـد از فوت آن شـخص ورثه که مالـك پول می شونـد; می تواننـد آن معامله را تنفیذ نماینـد اجـازه نماینـد و می تواننـد آن را رد کننـد. به هرحـال مال، یعنی آن وجه، متعلق به همه ورثه است و چنانچه معامله رد شود، باید اجاره آن خانه در مدت استفاده از آن را به مالك بدهند.

س۶۵۳ فرزنـدی که در آن منزل سـکونت کرده و سـند به نـام اوست مخارجی در آن منزل نموده است، اکنون اگر قرار باشـد مخارج به او داده شود، باید همان مبلغی که آن زمان خرج نموده به او داده شود؟ یا با قدرت خرید و نرخ امروز محاسبه شود؟ یا نسبت سنجی شود و به نسبت مقدار خرج و ارزش خانه، محاسبه و به همان نسبت پرداخت شود؟ یا آنکه راه دیگری دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه ما بازاء مبلغ چیزی به همان نسبت نیست مبلغی که خرج نموده، باید به

او داده شود و الا به مقدار نرخ روز محاسبه شود.

س۶۵۴ شخصی به موجب دو فقره مبایعه نامه عادی، دو قطعه زمین با حدود و مشخصات معینی از شخصی دیگری به بیع شرعی ابتیاع نموده و ثمن المعامله را نیز به بایع تسلیم داشته است؛ در فرض که مبیع مشخص و عقد البیع واجد جامع شرائط عامه تکلیف و حائز جمیع ارکان و عناصر اساسی صحت بوده و مبایعه نامه همچنان در ید خریدار موجود باشد و متبایعین قیمت آن را، قبل از انعقاد عقد بیع در خارج بر مبنای وجه نقد و چند تخته فرش و غیره تعیین نموده باشند و دیدگاه شرع انور لازم الاتباع اولا عقد و معامله منعقد، محکوم به صحت است یا باطل است ثانیاً ثمن المعامله با وصفی که فوقاً معروض افتاد معلوم است یا مبهم و مجهول و نامعلوم ثالثاً بایع در مفروض مسئله به امضاء بیع و اقباض و تسلیم مبیع است یا مجاز در فتح و انفتاح معامله می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه چند تخته فرش از جهت عدد و از حیث جنس و زرع معلوم باشد و غیره هم، چنین باشد؛ معامله صحیح و لازم است و هیچ کدام خیار فسخ هم ندارند و اگر معلوم نباشد معامله غرری و باطل است و احتیاج به فسخ هم نیست.

س۶۵۵ پدری عمارت خود را فروخته به پسرانش و در عقدنامه آن شرط کرده که مادام العمر خیار فسخ معامله با خودم باشد بعد از دو سال فسخ نکرده فوت نموده، آیا معامله صحیح است یا باطل است؟ در صورتی که عده ای از مراجع اسلامی کلمه

مـادام العمر را مـدت معین می داننـد نه مـدت مجهوله تـا باطـل گردد مثل آیت الله خوئی و... ولی فعلا نظر و فتوای شـما لازم است؟

ج باسـمه تعـالی; همان گونه که مرحوم آیت الله العظمی خوئی مرقوم داشـته انـد و حقیر هم در منهاج و غیره نوشـته ام شـرط مادام العمر صحیح است و آن شرط مجهول و باطل نیست.

س۶۵۶ حـدود دو سال به خرید و فروش فرش ماشـینی از یک کارخانه در کاشان مشـغول بوده و بعد از مدتی متوجه شدم; از طرف خریـدارانم که تقلب در کسب و تجارت از طرف فروشـنده فرش های خریـداری شـد می باشـد و خیلی مغبون شـده ام، رضایت خریدارانم را جلب نمودم و در مقام شـکایت از کارخانه برآمدم و با دسـتور مقام ریاست بازرسـی و نظارت کاشان از نمونه فرش ها توسط آزمایشـگاه که مؤسـسه ای است دولتی، آزمایش به عمل آمد و در نظریه کتبی چنین آمده: ۱ فرش ها به جای درجه ۱، درجه ۲ می باشد که در فاکتور درجه ۱ فروخته شده است.

۲ به جای صددرصد خالص، مخلوط از چند نوع دیگر است.

۳ به جای ۵۰۰ شانه مشخص شده ۴۷۰ شانه است.

و شـکایت دیگر عـدم صـدور فاکتور و گران فروشـی بوده و دادگاه بر اساس شـکایت این جانب که خواسـتار تفاوت قیمت و ضرر کـه وارد شـده، بر این اسـاس طرف مقابـل به ۶ ماه زنـدان (قابل خریـد) و حـدود ۳ میلیون تومـان در حق جریمه دولـتی محکوم شـده انـد ولی درباره زیان و تفاوت قیمت (خیار عیب) را اعلام نموده انـد در حالی که شـکایت اصل و جریمه دولتی فرع

می باشد حکم را بیان کنید؟

ج باسمه تعالی; شما حق درخواست مابه التفاوت، مابین آنچه مورد معامله است و آنچه به شما تحویل داده شده است را دارید و عدم تمکن از رد معیب، موجب سقوط ارش نمی شود. همچنین مرور زمان هم تأثیر ندارد.

س۶۵۷ اگر کسی جنسی را بخرد به شرط آن که در زمان معینی پول جنس را داده و آن را تحویل بگیرد اگر آن شخص، (خریدار) هنگام معامله به اندازه خرید جنس پول نداشته باشد اما بداند که قبل از موعد تحویل گرفتن جنس، می تواند جنسی را که هنوز تحویل نگرفته و پولش را نداده، بفروشد; آیا این معامله صحیح است؟

ج باسمه تعالی; بله در صورتی صحیح است، که جنسی را که خریده، در خارج معین باشد یعنی کلی در ذمه نباشد.

س۶۵۸ اگر کسی جنسی را که هنوز نخریده، است اما تهیه کردن آن ساده است; بفروشد جایز است به عبارت دیگر آیا می توان جنسی را به شرط آنکه در موعدی معین تحویل دهد، بفروشد و بعد از فروش جنس تا قبل از فرا رسیدن موعد آن را خریده و به خریدار بدهد؟

ج باسمه تعالی; چنین جنسی را با پول در ذمه خریدن جایز نیست از این معامله به بیع کالی بکالی تعبیر می کنند. بلی اگر با پول نقد بخرد اشکال ندارد.

س۶۵۹ در یک معامله، شخص فروشنده ای، ۳ فروند کشتی را طبق شروط معین که همانا تحویل ثمن به واسطه خریدار در ضمن مراحلی در عرض چند ماه عقد قراردادی را می بندد; ولی مشتری پس از تحویل گرفتن کشتی ها به هیچ یک

از شروط فیمابین ملتزم نمی گردد و همه چک های او به علت نبودن وجه در حساب برگشت می شود ولی پس از گذشت این مدت مشتری بار دیگر از بایع خواستار تمدید مدت طبق شروط گذشته می گردد که باز در این مدت ثانیه کلیه چک های مشتری برگشت می خورد و هیچ وجهی را بایع از مشتری قبض نمی نماید. از آن مرجع عالی قدر استدعا داریم فتوای خود را نسبت به این عقد مرقوم فرمایید و ثانیاً در صورت بطلان این عقد، اگر مالك توانست به اثبات برساند که مشتری در ضمن این مدت کشتی ها را مورد بهره برداری و انتفاع قرار داده باشد آیا باید مشتری به بایع اجره الامثال این کشتی ها را بدهد؟ یا این که باید اجرتی را که در ضمن این ایام از این کشتی ها به دست آورده که اجره المسمی است به مالك مسترد نماید؟ و ثالثاً در صورت فروختن مشتری یکی از این کشتی ها را به شخص ثالثی آیا این عقد از جمله عقود فضولیه خواهد بود که احتیاج به اجازه مالك خواهد داشت; تا ثمن در صورت اجازه مالك از طرف مشتری به مالك باز پس داده شود و یا این که عقدی را که مشتری با شخص ثالث بسته است رأساً باطل خواهد بود؟

ج باسمه تعالی; بایع کشتی ها در مورد سؤال خیار فسخ دارد و می تواند معامله را فسخ کند و در صورت فسخ، می تواند اجره المثل کشتی ها را بگیرد نه اجره المسمی را، و چون مشتری در صورت خیار بایع می توانسته کشتی ها

را به ثالثی بفروشد بنابراین عقد صحیح است ولی ثمن را باید به مالک اول بدهد.

س ۶۶۰ شخصی به نام مسلم گوسفند مشرف به موت را به نصف قیمت از آقای جلال خرید و پولش را پرداخت و یک چاقو گرفته به راننده مورد اطمینان خود داد و گفت وقتی از روستای بالا برگشتی گوسفند را با ماشین خود بیاور و اگر مرد سرش را بریده؛ بیاور. گوسفند پیش فروشنده ماند تا راننده بعد از مدت ۲ الی ۳ ساعت برگشت. دید حیوان مرده است سرش را برید؛ ولی حرکت نکرد و میت شد. حالا مشتری می گوید تلف، به جهت خیار حیوان از مال بایع است و بایع می گوید اگر تو نخریده بودی، من خودم حیوان را سر می بریدم تلف از جیب مشتری است تلف از کدام است؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه می دانسته، حیوان در حال مردن است و خریده است اقدام به خرید، با شرط ضمنی سقوط خیار حیوان است؛ بنابراین قهراً از مال مشتری است.

س ۶۶۱ در شرع مقدس اسلام استعمال طلاـ برای مرد حرام است پس حکم ساخت و فروش آن مثل انگشتر و غیره که مورد استفاده مردان است چیست؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه مختص به مرد باشد و منفعت دیگری نداشته باشد جایز نیست.

س ۶۶۲ قیمت بسیاری از اجناس مانند طلاـ نقره، پلاستیک و غیره در بازار ایران تابع قیمت بورس های بین المللی (ممالک کفر) می باشد، یعنی با کاهش یا افزایش قیمت بورس، پس از مدت کوتاهی قیمت این گونه اجناس نیز در ایران تغییر می نماید. حال اگر شخصی زودتر از بقیه متوجه تغییر قیمت بورس

جهانی گردد و یقین نسبی پیـدا کند که تا مدتی کوتاه قیمت ایران نیز تغییر پیدا می کند و مبادرت به خرید یا فروش این گونه اجناس کند آیا اقسام این معاملات مغبون کردن محسوب می گردد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; این گونه معاملات صحیح است و غبن هم صدق نمی کند.

س۶۶۳ اگر صـاحب مـالی اعلاـن کنـد هرکس این مـال را ببرد و تجارت کنـد نصف ربـح و سود آن برای او می شود آیا این نحوه گفتن، جعاله می شود و بعد از عمل، مضاربه می باشد؟ اگر عامل، خسارت یا ضرر ببیند بر ذمّه او چیزی می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; جعاله است و بعد از عمل، مضاربه نمی شود اگر ضرر یا خسارت ببیند بر او چیزی نیست.

س۶۶۴ فردی مبلغی را به شخصـی می دهد و او را وکیل مطلق می کند که با آن پول، تجارت کند و از منفعت آن مقداری به عنوان حق الزّحمه بردارد و مقداری هم به صاحب پول بدهد آیا این کار صحیح است یا خیر؟

ج باسـمه تعـالی; عمـل فوق توکیل است. در تجارت و جعاله و هردو صـحیح است در صورتی که حـدود آنچه معین می کند معلوم باشد و اشـکال ندارد والاّ جعاله باطل است; ولی عامل، استحقاق اجره المثل دارد و آن را می تواند با آنچه او تعیین می کنند مصالحه کند.

س۶۶۵ معامله مربوط به ساختمانی به علت خیار برای احدی از متبایعان فسخ و یا بر اساس تراضی آنان اقاله می شود. بایع طی چک وعده دار ثمن مأخوذه را به مشتری رد می نماید و مشتری

در وعـده مقرره جهت وصول وجه چـک به بانـک محال علیه مراجعه نموده که طبق گواهی نامه بانکی، چک به علت انسـداد حسـاب و یـا فقـدان موجودی غیر قابل وصول اعلام می شود حال در فرض مسـئله، مورد اسـتفتاء از محضـر حضـرت عالی آن است که:

اولا با وصف فوق بایع می تواند ادعا نماید که ثمن را به مشتری رد نموده است یا خیر به عبارت اخری قبض ثمن آن گونه که در شرع انور مقرر است تحقق یافته است یا نه؟

ثانیاً چنانچه جواب مسـئله منفی باشـد مشتری شـرعاً حق دارد مبیع (ساختمان مورد فسـخ یا اقاله) را مجـدداً تملک و تصـرف و تصاحب نماید یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ قبض تحقق نیافته است چون مانند حواله است و تا وصول نشود چیزی نیست و چنین حقی هم ندارد.

س۶۶۶ خانه ای بوده شش دانگ، به مساحت ۲۹۳۰ متر مربع، در سال ۱۳۶۸ مورد معامله واقع شده به قیمت هر متر مربع شش هزار ریـال و حـال بوده مشـتری مقـداری از ثمن را، که مبلغ یـک میلیون تومـان بوده؛ پرداخت کرده و مقـداری را که حـدود هفتصد هزار تومان بوده به عنوان گروی نگاه داشته تا سند تنظیم شود فروشنده هم موضوع را قبول نموده ملک مورد معامله را بـایع به تصـرف مشتری درآورده است. خریـدار هم در آن ملک تصـرفات مالکانه کرده و خانه را خراب کرده است و مجـدداً ساختمان نموده است. چون این خانه از نظر قانونی مشـکل داشته تنظیم انتقال سند به تأخیر افتاده و خریدار پس از رفت و آمد و دوندگی زیاد پس از ده سال توانسته مشکل قانونی آن

را برطرف نماید الحال فروشندگان ادعای فسخ معامله را می کنند مدعی هستند به قیمت فعلی باید بخری آیا حق دارند یا خیر؟ تکلیف شرعی در این مورد چه می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه تأخیر ثمن در ضمن معامله شرط شده باشد یا بعد از معامله، اجازه تأخیر در اداء را داده باشند؛ حق فسخ ندارند و معامله اوّلی باقی است و کافی است همان قیمت آن موقع را بدهد و اگر نه در ضمن معامله و نه بعد از آن صحبت نشده باشد؛ قهراً خیار فسخ دارند آن هم به مقداری که در مقابل هفتصد هزار تومان است و در مقابل یک میلیون تومان باز هم حق فسخ ندارند.

س۶۶۷ فروشنده و خریدار، شغلی ضایعاتی دارند خریدار از همان شخص، قدری جنسی به مبلغ هر کیلویی هزار تومان می خرد. و فروشنده به خیال این که این جنسی که می فروشد داخل این پنج درصد (۵٪) جنس مرغوب دارد. ولی مشتری بعد از معامله جنسی که خریده، آزمایش می کند؛ می بیند داخل این جنس چهل درصد (۴۰٪) جنس مرغوب وجود دارد فلذا در بازار می برد هر کیلویی به قیمت چهار هزار تومان می فروشد. آیا این معامله صحیح است و منفعتی که خریدار برده است بر او حلال است یا خیر لطفاً جواب مسئله را روشن فرمایید؟

ج باسمه تعالی؛ معلوم نیست این معامله صحیح باشد و اگر هم صحیح باشد؛ خیار غبن بر بایع ثابت است می تواند آن را فسخ کند.

س۶۶۸ در خصوص زمین هایی که در اختیار محلی ها می باشد و مورد ابتلاء است و از طرف مالکین

اظهار عدم رضایت دارند و در عین حال، خانه مسکونی شده وظیفه افراد در خصوص عبادات چگونه است؟

ج باسمه تعالی; آن گونه که معلوم است; زمین، مال شخص معینی است و در اجاره محلی ها نیست و عدواناً تصرف نموده اند بنابراین عبادات دیگران با عدم رضایت مالکین، جایز نیست.

س۶۶۹ در سال ۶۸ ساختمانی به موجب مبایعه نامه عادی به شخصی فروخته شده و ثمن معامله نیز وصول گردیده است. فروشنده متعهد می شود پس از رفع موانع قانونی ساختمان مورد معامله را رسماً به خریدار انتقال دهد. در سال ۱۳۷۲ که موانع مرتفع شده است فروشنده به جای انجام تعهد خود دایر بر انتقال رسمی مجدداً همان ساختمان را به وسیله بیع نامه شخص دیگری می فروشد. چون فروشنده با اعتراض خریدار اول، مواجه می شود پس از چندی بدون اطلاع و موافقت و رضایت خریدار اول دو قطعه چک به شخص ثالثی تسلیم می نماید که با وصول وجوه چک ها یکی از دو خریداران را به فسخ معامله راضی نماید. پس از مراجعه شخص ثالث به بانک به علت مسدود بودن حساب، به دریافت وجوه چک ها موفق نمی شود و چک ها را عیناً به خود فروشنده مسترد می نماید. حال مورد سؤال آن است که:

۱ از نظر شرع مقدس اسلام معامله ای که فروشنده با شخص دوم انجام داده است صحیح است؟

۲ ساختمان مورد معامله که به تصرف خریدار اول نیز داده شده شرعاً ملک کدام یک از خریداران است خریدار اول یا خریدار دوم؟

۳ با توجه به مراتب معروضه معامله خریدار اول شرعاً فسخ است یا کماکان بقوت

و اعتبار شرعی خود باقیست؟

ج باسمه تعالی؛ معامله فسخ نیست؛ ولی خریدار اول به واسطه خیار شرط می تواند معامله را فسخ کند و می تواند معامله را باقی بگذارد و مورد معامله را در اختیار بگیرد و بایع را مجبور کند که به تعهد خود عمل نماید و مورد معامله را رسماً به خریدار انتقال دهد.

س۶۷۰ الف) شرکت از یکسو با خریداران کالا مواجه است و از سوی دیگر با فروشندگان، به خریداران کالا کارتی ارائه می کند که به آنان امکان خرید توأم با تخفیف از فروشگاه های خاصی را می دهد و در قبال این کارت که برای مدت شش ماه اعتبار دارد مبلغ نود هزار تومان دریافت می کند؛ در قبال فروشندگان نیز متعهد می شود که تخفیف داده شده به خریداران صاحب کارت را پرداخت نماید.

ب) شرکت با ارسال سه برگه بازاریابی برای خریداران کارت تخفیف این امکان را فراهم می کند که خود اقدام به بازاریابی و فروش این کارت ها بکنند. از این رو هر متقاضی می تواند مبلغ لازم برای خرید یک کارت را پرداخت کند.۳۱ از مبلغ مزبور به حساب شرکت واریز شده و ۳۱ دیگر به خود فروشنده تعلق گرفته و ۳۱ آخر به فردی تعلق می گیرد که فروشنده اولیه کارت به فروشنده فعلی بوده است که اصطلاحاً سرگروه نام دارد. اگر فروشنده فعلی در فروش سه برگه بازاریابی که به او تحویل شده تا دو ماه موفق نشود این برگه ها از اعتبار ساقط می شوند. نکته: کارت های تخفیف ارائه شده محدودیت در میزان خرید ندارند.

ج باسمه تعالی؛ هیچ کدام

از دو قرارداد مخالف با موازین شرعیه نیست و معامله ای است عقلائی و به مقتضای آیه کریمه صحیح و لازم الوفاء است.

س۶۷۱ زنبور عسل فراری صاحبش مجهول باشد حکمش را بفرمایید.

ج باسمه تعالی; در صورت یأس از پیدا شدن صاحبش، قیمت آن را با اجازه حاکم شرع صدقه بدهند.

س۶۷۲ تفاوت فوق العاده قیمت ها راجع به بدهی های سابق نقدی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورت ترقی قیمت اجناس، همان نقد سابق میزان است، ولی اگر پول تنزل کرده، احتیاط به مصالحه بهترین راه است و ترقی و تنزل پول در مقایسه با طلا ظاهر می شود.

س۶۷۳ ۱. آیا جایز است کالا-یی که مالک آن کافر یا مشرک است و اکنون در ید مسلمان است تملک کرد؟ (کالا برای حمل از جایی به جایی دیگر در اختیار شخص مسلمان قرار گرفته است)

۲. آیا جایز است کالای فوق را فروخت و در صورت مراجعه آن شخص کافر یا مشرک، نسبت به ادای دین به صورت وجه نقد معادل همان مبلغ فروخته شده اقدام کرد؟

۳. چنانچه در صورت تحقق بند فوق، و یا پس از فروش کالا و تا قبل از مراجعه شخص کافر یا مشرک، با آن تجارتی صورت گیرد، که منتج به سود باشد، آیا تملک سود حاصله مباح است؟

۴. اساساً تکلیف کالایی به شرح فوق، در صورت عدم مراجعه و اقدام توسط مالک موصوف چیست؟

ج باسمه تعالی; تملک، بدون اجازه مسلمانی که مال تحت ید اوست در صورتی که آن مسلمان از طرف مالک وکالت دارد جایز نیست. چون مال کافر که ذمی است مانند مال مسلمان محترم است.

البته در صورتی که آن کافر شناخته شده باشد و الا حکم مال مجهول المالک دارد. و چنانچه به وجه شرعی تملک نمود؛ می تواند بفروشد و پول مالک را برحسب قرارداد، باید بپردازد و چنانچه تملک صحیح باشد؛ قهراً سود، هم مال او است و مالک اصلی، اگر مجهول است؛ مادامی که مراجعه نکرده است؛ مال با اجازه حاکم شرع باید به مصرف شرعی برسد و اگر مراجعه کرد باید به خود او برگردد.

س۶۷۴ چنانچه عقد بیع منعقد فیما بین متبایعین، بر اثر جعل خیار فسخ و یا بر اساس تراضی اقاله شود و بایع، ثمن مأخوذ را که نقداً قبض نموده، طی چک به مشتری مسترد نماید و با مراجعه مشتری به بانک محال علیه به علت مسدود بودن حساب بایع، موفق به دریافت ثمن نشود آیا در چنین فرضی، مشتری شرعاً می تواند به علت عدم توفیق در وصول ثمن، ملک مورد فسخ و یا اقاله را همچنان در تصرف خود باقی نگه بدارد یا آنکه علی رغم عدم دریافت ثمن موظف به رفع ید از ملک و تحویل آن به بایع خواهد بود؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه بایع جاحد و به عبارت دیگر منکر دین است یا اهمال می کند یا قصد اذیت دارد؛ قانون تقاص در مقام، جاری است. یعنی ملک را می تواند نگاه دارد و اگر نتوانست وجه را بگیرد به هر نحو که می تواند همان ملک را به قیمت روز بردارد البته تمام این امور مشروط است به مراجعه وی به طرقی که بتواند از آن طرق استیفاء حق کند و ممکن نشود.

س۶۷۵ بنده از طرف

اعضای خانواده، خواهران و برادران و برادر زادگان که در یک مغازه، به صورت کتابفروشی در خیابان ارم قم مالک هستیم؛ اخیراً طرح حرم مطهر ملک را از ما خریداری کرده و حق کسب، که در حدود پنجاه سال قبل بدون فسخ وجهی و پیش پرداختی اجاره کرده و اجاره اولیه حدود سی تومان و در سال های قبل چهل بود و در این اواخر چهار هزار تومان شده بود و در عرض این پنجاه سال یک میلیون تومان اجاره پرداخته، حال طرح توسعه حرم مطهر مبلغ پنجاه و سه میلیون تومان پرداخت کرده، که در عرف هنگام نقل و انتقال مغازه برای جلب رضایت مالک حدود ده تا سی درصد از این مبلغ به مالک تعلق می گیرد. حال مستأجر از این امر تخطی کرده و حاضر نیست مبلغ فوق را به مالک پرداخت کند آیا به نظر حضرت عالی این مقدار از این پول به مالک تعلق می گیرد؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه مستأجر سرقفلی نداشته باشد و حق اجاره دادن به او نداده باشید، و معاملات به این نحو مرسوم است که مشتری قطع نظر از ثمن، مبلغی را برای تخلیه ملک می دهد و در قرارداد کلی چنین است که مبلغ ۱۵ درصد یا بیشتر به مالک باید داده شود؛ مستأجر حق تخطی ندارد و شما باید آن مبلغ را از او بگیرید. البته در مقدار آن مبلغ، باید مصالحه و تراضی طرفین باشد.

س۶۷۶ خریداری ارز و پول خارجی و... به قیمت بالاتر از قیمت مصوب دولت جایز است؟ و آیا مشمول قانون ربا می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛

ربا نیست و اشکال ندارد.

س۶۷۷ شخصی مبلغی پول به مغازه داری می دهد تا با آن پول معامله کند و به سودش مشترک باشد ولی صاحب مغازه می گوید چون محاسبه دخل و خرج این پول برایم مشکل است لذا من با رضایت خودم، ماهیانه فلان مقدار به تو می دهم آیا این عمل شرعی است؟ و الا چه راه شرعی پیشنهاد می فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مضاربه شرعی باشد و مصالحه کنند که هر ماه به مقدار معینی به صاحب پول بدهد اشکال ندارد.

س۶۷۸ چنانچه کسی وجهی به ربا بدهد به عنوان معامله، و زیادی را در قلب ببخشد اما اظهار نکند معامله صحیح است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه معامله ربوی باشد; باطل است. ولی اگر قلباً می بخشد به اعتبار رضای به تصرف جایز است.

س۶۷۹ خرید و فروش چک به مبلغ کمتر از مبلغ مندرج در چک چه صورت دارد؟ (چک برای دو ماه دیگر باشد)

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

قرض

س۶۸۰ طلبکار طلب خود را با زحمات و مخارجی وصول می کند در صورتی که بدهکار متمکن از پرداخت قرض خود می باشد آیا این مخارج ضروری را به عهده آن بدهکار می توان گذاشت یا نه؟

ج باسمه تعالی; در مؤسسات رسمی چون شرط ضمنی، در ضمن قرض است که چنانچه بدهکار بدهی خود را ندهد و یا اگر مخارجی انجام شود; بدهکار باید آن مخارج را بپردازد وی می تواند مخارج را به عهده او بگذارد.

س۶۸۱ اگر کسی بدهکار است و بعد از مدتی طولانی بدهی خود را پرداخت می کند با توجه به تنزل ارزش پول

آیا همان مبلغ را ادا نماید یا بیش تر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه پول بی ارزش شده ظاهراً باید قیمت و مالیت آن زمان را بدهد. مع ذلک میزان، مقدار طلا است; بنابراین احتیاط لزومی مصالحه شود.

س۶۸۲ طلبه ای جهت خرید منزل مسکونی مبلغی را قرض می گیرد قرض دهنده پس از مدتی به طلبه می گوید ذمّه تو بری است چون قرض شما را نزد مرجع تقلیدم به عنوان سهم امام حساب کردم الآن بعد از وفات آن مرجع تقلید در نجف اشرف، وی برای مطالبه قرض خویش به طلبه مراجعه و اظهار می دارد که آن پول به عنوان قرض بوده و در آن زمان ادعای دروغ کرده ام که آن را از سهم امام حساب کردم چون مرجع تقلید بنده قبول نکرده است این در حالی است که مقروض، فقیر است حکم آن را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که به آنچه نوشته اید اقرار کرده است شما بدهکار نیستید.

س۶۸۳ شخصی بدهکار است و فردی ضامن بدهکار شده و یک فقره چک یا سفته به طلبکار داده است. حالا زمان آن چک یا سفته رسیده و شخص بدهکار حضور ندارد. آیا طلبکار می تواند طلب خود را از ضامن یعنی صاحب چک مطالبه کند یا باید تا آمدن بدهکار صبر کند؟

ج باسمه تعالی; بله می تواند مطالبه نماید.

س۶۸۴ شخصی اجناسی خریده به ثمن در ذمه به عبارت دیگر قیمت اجناس قرض است و فروشنده مدرک اجرایی می خواهد مثل چک. خریدار چک ندارد و از کس دیگر گرفته و صاحب چک ضامن نشده است بلکه خریدار گفته خودم به

موقع می پردازم. وقتی زمان چک رسیده بدهکار مالی ندارد بدهد و یا غایب است طلبکار از چه کسی مطالبه کند؟

ج باسمه تعالی; در فرض سؤال نمی شود دین را از کسی که چک داده مطالبه نمود. چنانچه بدهکار می تواند; باید بپردازد و اگر نمی تواند در صورتی که طلبکار، مدعی ضمان صاحب چک نباشد باید مهلت داده شود والّا باید رعایت موازین باب قضاء بشود.

س۶۸۵ در تاریخ ۲۷/۱۲/۱۳۷۵ فردی بابت تضمین دریافت مطالبات خود از شریکش در مؤسسه ای خصوصی اقدام به اخذ یک وثیقه عینی (سند منزل مسکونی شریک مدیون) همراه با وکالت نامه ثبتی از مالکین منزل (شریک و زوجه اش) می نماید. مقرر بوده که این تضمین جهت ادای دیون توسط شریک عند المطالبه باشد. قریب چند ماه بعد دائن اقدام به تنظیم مبایعه صوری بر ملک مشارالیه فی الصدر می نماید که مالکین (شریک و زوجه اش) بایعین ملک و خود دائن مشتری در این مبایعه بوده اند. توجیه دائن از این عمل خوف از فوت مدیون و عدم نفوذ و بی اعتباری وکالتنامه مذکور بوده است که مدیون و زوجه او ابداً رضایت و قصد فروش و اعطای وکالت واقعی نداشته اند. بلکه صرفاً جهت تضمین دیون دائن و با خواست او به امضای ظاهری این عقد اقدام کرده است. اکنون دائن بدون اطلاع قبلی اقدام به ثبت ملک مذکور به نام دختر خویش نموده و منزل (وثیقه) را تملک واقعی نموده است. بعلاوه از حذف و قلم گرفتن دیونی که این ملک وثیقه آن بوده خودداری می نماید.

اولا: با نظر به خالی بودن عقود مذکوره (بیع

و وکالت) از عناصر قصد و رضا و یا علم به صوری بودن آن ها آیا عقود مذکوره صحیح و نافذ هستند یا خیر؟

ثانیاً: با نظر به عدم مطالبه قبلی دائن از مدیون حق تملک وثیقه توسط دائن وجود دارد یا خیر؟ با علم به این که دین مذکور نقدی نبوده و بین طرفین پرداخت عند المطالبه مقرر بوده است؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه دائن معترف است به این که وکالتنامه صوری بوده وکالت صحیح نیست و بیع نیز نافذ نیست و اگر معترف نیست و مدعی است وکالت صحیح بوده و شرط شده است مورد وکالت قبل از مطالبه دین معامله نشود معامله باطل است و نافذ نیست. ولی اگر ادعای وکالت واقعی مطلق داشته باشد؛ باید محاکمه شود و قاضی شرع با رعایت موازین قضاء حکم کند. به هر حال در فرض سؤال معامله مذکور باطل است.

س۶۸۶ کسی مبلغی را از چهل، پنجاه سال قبل بدهکار بوده و طلبکار و ورثه او را نمی شناسد چه مقدار وجه باید پرداخت نماید آیا می شود به فقرای مسلمین بدهد. (مبلغ مختصر بوده است)؟

ج باسمه تعالی؛ قدر متیقن را باید به فقیر بدهد و نسبت به مازاد با اجازه مجتهد مصالحه نموده و به فقیر بدهد.

س۶۸۷ اگر واحد پول دولت از ارزش بیفتد بدهکار عین پول را که قبلاً به اعتبار او معامله انجام گرفته بدهکار آن است یا قیمت و معادل روز آن را بپردازد؟

ج باسمه تعالی؛ باید قیمت آن را بدهد.

س۶۸۸ اگر واحد پول دولت ارزشش کم شود بدهکار همان مبلغ را بدهد یا نسبت به ارزش پول امروزی باید بدهد؟

ج

باسمه تعالی; روایتی دلالت دارد بر این که همان عین داده شود کافی است و قیمت به ذمه نمی آید و جمعی از فقهاء هم به آن فتوی داده اند و فتوی همان است.

س۶۸۹ بنده قدری پول به فرزند خودم می دهم و سود می گیرم این حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; حلال است.

س۶۹۰ صد هزار تومان به یک نفر دادیم بعد از دو ماه صد و بیست هزار تومان می گیرم چطور است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شرط بکنید حرام است و اگر خودش بدهد حلال است.

س۶۹۱ در قرض شرط می کند در صورت تأخیر در ادای قرض در أجل معین فلان مبلغ دیرکرد ماهیانه بدهد آیا گرفتن این مبلغ به عنوان دیرکرد و غرامت صحیح است و یا ربا محسوب می شود و آیا از باب (قاعده نفی ضرر) تأمین ضرر صدق می کند؟

ج باسمه تعالی; اخذ زیاده به ازاء تاجیل دین مسأله ای طویل الذیل است و روایتی نیز دارد و به نظر حقیر تمام اقسام آن حرام است و قاعده نفی الضرر نافی حکم است نه مثبت آن فضلا از اثبات صحت عقد به آن.

بانک

س۶۹۲ الان سازمان های دولتی برای کارگران و کارمندان خود مسکن تهیه می کنند; به صورت اقساط و پول را به صورت اقساط از کارگران می گیرند و مقداری هم سود می گیرند آیا این سود که از طریق بانک مسکن گرفته می شود جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۹۳ گرفتن وام از بانک های خارجی که مستلزم پرداخت ربا است چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مقتضای اطلاق

خبر لا ربا بین مسلم و الذمی جواز پرداخت ربا به کفار است ولکن چون اصحاب رضوان الله تعالی علیهم ادعای اجماع بر عدم جواز ربا دادن به کفار نموده اند; لذا من احتیاط می نمایم.

س۶۹۴ جوائز بانکی به حساب قرض الحسنه آیا جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که شرط نشود جایز است و اشکالی ندارد.

س۶۹۵ سپردن پول به بانک تحت عنوان مضاربه و گرفتن سود برای آن چگونه است؟

ج باسمه تعالی; با رعایت موازین باب مضاربه اشکال ندارد.

س۶۹۶ آیا وام گرفتن از بانک های دولتی با توجه به این که مبلغی اضافه از اصل وام تحت عنوان کارمزد دریافت می نمایند جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۹۷ بعضی بانک ها اگر اشخاص پولی در آن بانک بگذارند بعد از مدتی به اندازه پول شخص وام می دهد یعنی هم پول خود شخص پرداخت کننده را داده و هم به اندازه پولش وام می دهد و به صورت قسطی می گیرد لکن بانک زیادتر از پولی که داده می گیرد اگر کسی نیاز به مسکن یا سرمایه داشته باشد آیا می تواند چنین وامی بگیرد؟

ج باسمه تعالی; گرفتن وام با بهره از بانک چنانچه تحت عنوان مضاربه با رعایت شرایط باشد اشکال ندارد و اگر قرض باشد چنانچه به بانک بگوید زیادتر را به عنوان ربح نمی دهم بلکه مزد کارگر می بخشم اشکال ندارد و به هر تقدیر تصرف در وامی که گرفته است جایز است.

س۶۹۸ اگر کسی پولی به عنوان وام از بانک بردارد و بانک هم زیادی از او می گیرد

آیا با پول مذکور معامله صحیح است اگر جنس بخرد یا ملک بخرد و بفروشد اشکال ندارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۶۹۹ در رابطه بـا رهن مرسوم است مبلغی را از پیش می گیرنـد و اجـاره کمـتر دریـافت می کننـد صـحیح است یـا خیر در صورت اشکال راه شرعی اش چگونه است؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه پول را قرض بدهـد و در مقابل خانه را رهن بگیرد و شـرط کنـد اجاره کمتری گرفته شود ربا است و جایز نیست. ولی چنانچه کمتر اجاره بگیرد و در ضمن اجاره رهن را در مقابل پول شرط کند اشکالی ندارد.

س۷۰۰ خرید سهام بانک ها و مؤسسات اعتباری پولی که در بعضی موارد مرتکب ربا می شوند چگونه است؟

ج باسـمه تعـالی; ربـای محرم در بیع مشـروط به مکیـل و موزون بودن است و چون سـهام بانک ها و مؤسـسات اعتباری پولی مکیـل و موزون نیست از این جهت اشـکال نـدارد و چون دولت و سایر عناوین اعتباریه دیگر را مالک می دانم از جهت عـدم مـالکیت بـایع، در مـورد سؤال محـذوری متوجه نمی شود و وجه دیگری هم برای فسـاد معـامله ذکر شـده در ذهن خطور نمی کند. بنابر این تمام آن معاملات شرعی است.

س۷۰۱ بانک برای تهیه ماشین آلات و مواد اولیه وامی به صورت زیر در اختیار صاحب کارگاه قرار می دهد. جنس مورد نیاز را باید صاحب کارگاه انتخاب نماید و فروشنده را به بانک معرفی کند، بانک با خرید نقدی جنس مذکور از فروشنده، آن را به صورت اقساط به صاحب کارگاه به زیاده می فروشد. سؤال این است که اگر شخص نیاز به

جنس مذکور ندارد و فقط برای گرفتن پول از بانک فاکتوری صوری از فروشنده به بانک ارائه می دهد و پولی را که بانک به فروشنده بابت فاکتور می پردازد از او می گیرد. ۱ در صورتی که مسؤولین بانک علم به صوری بودن فاکتور داشته باشند پرداخت وجه چه صورتی دارد؟ ۲ در صورتی که مسؤولین بانک علم به صوری بودن فاکتور نداشته باشند چه صورتی دارد؟ ۳ دادن فاکتور صوری توسط فروشنده و دریافت وجهی در مقابل آن جهت دریافت وام چگونه است؟ ۴ دریافت این گونه وام صوری و پرداخت زیاده در مقابل آن ربا محسوب می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; سؤال غیر منظم است. چون در مورد سؤال، اگر معامله حقیقی باشد; وامی در کار نیست. یا هر دو بیع است و یا یکی بیع است و دیگری جعاله یا بیع است و مصالحه، بنابر این وام به معنای قرض در کار نیست. به هر حال با صوری بودن فاکتور رئیس بانک اختیار واگذاری پول را ندارد و همه معاملات باطل است ولی ربا نیست.

س۷۰۲ در وام های جعاله که قانوناً بانک موظف است مورد قرارداد را انجام دهد، بانک فقط پول در اختیار جاعل قرار می دهد و از او می خواهد که به وکالت از طرف بانک کار خود را انجام دهد و بعداً علاوه بر پول دریافتی مبلغی به عنوان حق الجعاله به بانک بپردازد که در حقیقت جاعل شخصاً مورد جعاله را با پول بانک به انجام رسانده و حق الجعاله را بانک دریافت می دارد. بفرمایید این گونه قرارداد صورت شرعی دارد یا خیر؟

ج

باسمه تعالی; اشکال ندارد. چون کار جاعل به عنوان وکالت از طرف بانک است و تعدد اعتباری در معاملات، که امور اعتباری است; بی اشکال است.

س۷۰۳ امناء مسجد و هیئت ها پولی را جمع می کنند برای مصارف هیئت و مسجد و اضافه اش را در بانک به حسابی که به همین منظور باز شده می سپارند بانک طبق روال بانکی سود یا بهره می دهد آیا این سودی که بانک داده است جزء پول هیئت و مسجد محسوب است و یا مجهول المالک است و باید به فقراء داده شود؟

ج باسمه تعالی; بهره ای که بانک داده است مجهول المالک نیست بلکه ملک همان کسی است که اصل مال، ملک او است و باید به همان مصرف برسد.

س۷۰۴ استخدام در بانک هایی که بعضاً کار ربوی دارند، برای کار ربوی و غیر ربوی، چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه استخدام به نحو اطلاق باشد اشکال ندارد، ولی چنانچه مقید کند به استخدام برای کار حرام، اجاره باطل است و اگر استخدام برای کار حرام و کار جایز باشد به مقدار مقابل حرام، باطل است.

س۷۰۵ خریداری ارز و پول خارجی و... از بانک به قیمت بالاتر از قیمت مصوب دولت آیا جایز است؟ و آیا مشمول قانون ربا می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; ربا نیست و اشکال ندارد.

س۷۰۶ سودی که از بانک های جمهوری اسلامی به دست می آید حلال است یا حرام؟

ج باسمه تعالی; حلال است.

س۷۰۷ اگر شخصی به عنوان مضاربه به بانک دولتی پول واریز می کند یا به عنوان اوراق مشارکت حساب باز می کند و

سود می گیرد آیا جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه موازین مضاربه رعایت بشود اشکال ندارد. دو راه دیگر هم به نظر حقیر جایز است:

۱: صاحب پول، پولش را به بانک اباحه کند ولو این که بانک آن را تملک کند و به دیگری بدهد و در عوض مبلغی اضافی به صاحب پول بپردازد. این نوع معامله را اباحه بعوض می نامند.

۲: صاحب پول، پول را به شکل امانت و ودیعه در بانک بگذارد و اجازه دهد در آن تصرف کند; نهایت این که اذن در تصرف ناقل، مجانی نیست بلکه در مقابل عوض است در این صورت مبلغ اضافی از باب شرط ضمنی یا صریح، حلال می باشد.

س۷۰۸ اخیراً متعارف شده مبلغی را به عنوان سپرده کوتاه مدت یا دراز مدت به بانک می سپارند در عوض، بانک سودی برای هر کدام معین می نماید و برای صاحب حساب پرداخت می نماید آیا گرفتن این سود جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۷۰۹ بانک ها برای فرار از ربا مسائلی از قبیل حق الزحمه حقوق و غیره را مطرح می کنند آیا وام مزبور حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی حلال است.

س۷۱۰ سپرده های بانکی برای کسانی که نمی توانند کسب کنند و یا کاسب مورد اطمینانی پیدا نمی کنند پول به وی بدهند کسب کند و درآمد پول را به صاحبش بدهند آیا جایز است پول را به بانک بگذارند و هر ماه سود آن را بگیرند و خرج کنند؟

ج باسمه تعالی; بلی، می توانند و اشکال ندارد.

س۷۱۱ گرفتن جوائز بانک ها در دو صورت (افتتاح

حساب مشروط به شرکت در قرعه کشی، و بدون شرط) چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورت عدم شرط گرفتن جایزه بلا اشکال و حلال است اما در صورت شرط، چنانچه افتتاح حساب به عنوان قرض باشد گرفتن آن جایز نیست ولی چنانچه به عنوان اباحه به عوض یا به عنوان ودیعه ای باشد که در مسئله قبل به آن اشاره شد; حلال است و اشکال ندارد.

س۷۱۲ گذاشتن پول در بانک های خارجی و دریافت سود آن ها چه صورتی دارد؟ با فرض جواز دریافت سود از بانک های خارجی، از آنجا که پس انداز در بانک های خارجی موجب تقویت کفار و سلطه اقتصادی آنان و تضعیف اقتصاد کشورهای اسلامی می گردد حکم مسأله چگونه است؟

ج باسمه تعالی; از نظر ما گذاشتن پول در بانک های داخلی و دریافت سود، اشکال ندارد; چه رسد به بانک های خارجی که اخذ ربا از کفار جایز است، اما تقویت کفار و سلطه اقتصادی آن ها. اولا: با وضع فعلی آن ها در این زمان عرفاً تقویت نیست و یا در حکم عدم است ثانیاً: نفس پول گذاشتن در بانک و دریافت سود باعث تقویت نیست بلکه اگر چیزی باشد، کمک و اعانت به تقویت است و این گونه اعانه به اثم، حرام نیست.

س۷۱۳ تشکیل حساب های سپرده کوتاه مدت و بلند مدت، در بانک های ایران چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه صاحب پول به بانک قرض بدهد و سودی بگیرد حرام و ربا است و نیز اگر پول خود را در عوض به مبلغ زیادتر به بانک بفروشد. اشکال دارد ولی از

دو راه می توان این کار را تصحیح نمود.

۱ صاحب پول، پولش را به بانک اباحه کند ولو این که بانک آن را تملک کند و به دیگری بدهد و در عوض، مبلغ اضافی به صاحب پول بپردازد که این نوع معامله را اباحه به عوض می گویند و ظاهراً هم اشکالی ندارد.

۲ صاحب پول، پول را به شکل امانت و ودیعه در بانک بگذارد و اجازه دهد در آن تصرف نماید; نهایت اذن در تصرف ناقل، مجانی نیست بلکه در مقابل عوض است در این صورت مبلغ اضافی از باب شرط ضمنی یا صریح، حلال می شود.

س۷۱۴ افتتاح حساب قرض الحسنه در بانک ها مشروط به شرکت در قرعه کشی، و بدون شرط چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; بدون شرط اشکال ندارد و با شرط جایز نیست.

س۷۱۵ در وام مسکن، بانک نیمی از خانه مشتری را به مبلغی می خرد و بعد از پایان کار سهم خود را به صورت اقساط و به مبلغی زیادتر به او می فروشد. و بعضاً انتقال به صورت رسمی در دفاتر هم انجام می گیرد. لکن در مواردی دیده شده که مشتری متوجه این خرید و فروش نشده یا قصد جدی در معامله نداشته، بفرمایید در این صورت پرداخت زیادی به بانک جایز است یا خیر؟ و تصرف مشتری در پول دریافتی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شرایط صحت خرید و فروش رعایت شود هیچ اشکالی ندارد و قصد جدی بودن به معنای داعی بر انشاء خرید و فروش جدی که انتقال خانه باشد از شرایط صحت معامله نیست.

س۷۱۶ با توجه به این

که بانـک هـای جمهوری اسـلامی قانونـاً موظف هسـتند که تحت یکی از عناوین عقود اسـلامی پول در اختیار متقاضـیان قرار دهنـد، چنـانچه قرارداد به جهتی باطل باشـد تکلیف گیرنـده و کارمنـد بانک را تعیین فرماییـد که آیا کارمنـد و رؤسای بانک مجاز به پرداخت وام غیر مشروع هستند یا خیر؟ و گیرنده حق تصرف در پول دارد یا خیر؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه قرارداد باطل باشد کارمند و رئیس بانک مجاز به پرداخت وام نیسـتند مگر آن که رضای مافوق را به پول دادن احراز بنمایند و اما گیرنده چنانچه می داند پول دهنده، هر مقامی که باشد; راضـی به تصرف او هست; جایز است و به نظر من، همیشه احراز رضایت می شود والاّ جایز نیست همچنین زیادی که می دهید اشکال ندارد.

س۷۱۷ بانک ها وامی تحت عنوان مضاربه در اختیار مشتریان می گذارنـد بـدین ترتیب که مثلا یک میلیون تومان برای خرید یکصـد تخته فرش در اختیار مشتری قرار می دهنـد و در همان مجلس محاسـبه می کنند که سود مشتری از فروش این فرش ها چه قـدر است. سـپس برای دریافت اصل و سود مورد نظر بانک قسط بندی می کنند و بانک هیچ گونه مسؤولیتی را نسـبت به ضررهای احتمالی این معامله به عهـده نمی گیرد و فقط خود را موظف به دریافت اصل سود تضـمین شـده می دانـد. بفرمایید: اولا ـ این نوع مضـاربه صورت شـرعی دارد یـا خیر؟ ثانیـاً اگر مشتری پول را در مورد دیگری مصـرف نمایـد و فقـط متعهـد به پرداخت وام و زیاده گردد چگونه است؟ ثالثاً تکلیف مسؤولین بانک در صورت علم به صوری بودن قرارداد

و عدم علم را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; این گونه معامله در بین تجار بازار هم شایع است و راه مشروعیت آن به این نحو ممکن است که رئیس بانک، معامله مضاربه را با رعایت تمام شرایط از جمله مشاع بودن حصه پول دهنده و توجه ضرر به او انجام دهد و بعد آن ربح مشاع را به مقداری که تعیین می کنند، مصالحه کند و در ضمن آن شرط کنند که اگر ضرری متوجه شود; گیرنده پول آن را به نحو شرط فعل جبران کند، نه به نحو شرط حکم که شرط، فاسد می شود و پول دهنده اجازه دهد که استفاده دیگری هم بتواند از آن پول بکند.

س۷۱۸ دریافت دیرکرد توسط صندوق قرض الحسنه چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۷۱۹ آیا انواع وام گرفتن از بانک ها حرام است؟

ج باسمه تعالی; قرض با ربح و ربا حرام است.

س۷۲۰ باز کردن حساب پس انداز به عنوان گرفتن جایزه چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است و ربحی که می دهد حلال است.

س۷۲۱ من از بانک مبلغ یک میلیون تومان می خواهم وام مضاربه ای بگیرم بانک این پول را به مدت شش ماه در اختیار من می گذارد یعنی در طی این شش ماه که پول را من تحویل گرفته ام چیزی از من در هر ماه نمی گیرد بعد از شش ماه پول را با صدوچهل هزار تومان سود از من می خواهد این بهره پول و گرفتن این پول از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; قرضی که از بانک می گیرید و پس می

دهید حرام است; معامله مضاربه ای در صورتی که شرایط رعایت شود حلال و جایز است.

س۷۲۲ با توجه به این که دولت ترکیه لائیک می باشد می توانیم سرمایه خود را در بانک های آن کشور گذاشته و سود دریافت نماییم؟

ج باسمه تعالی; سود بانک حلال است چه دولت مسلمان باشد یا لائیک ولی چنانچه دولت لائیک باشد; هیچ شبهه ای در حلیت سود نیست.

چک

س۷۲۳ کسی در مقابل چک بانکی به ۱۵ روز قرض گرفته و نصفش را داده بقیه در ۱۰ ماه است با تمکن از پرداخت نمی دهد. این چک را بی قید طلب به شخص دیگر فروختن چه صورت دارد و خریدار چک برای وجه چک اقدام رسمی خواهد کرد؟

ج باسمه تعالی; فروختن تمام چک، با فرض آن که بیش از نصف آن را مالک نیست; جایز نیست. امّا فروختن نصف آن مانعی ندارد و اقدام خریدار موجب جواز یا عدم جواز نمی شود.

س۷۲۴ فروختن چک های معمول و مرسوم در میان مردم، به کمتر از قیمت چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه چک محل دارد یعنی صاحب چک مقابل آن در بانک پول دارد; اشکال ندارد.

س۷۲۵ در یک معامله ای از شخصی چک گرفته و بعد از مدتی همان چک را به خود او، به قیمت کمتر می فروشد آیا این معامله صحیح است؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست.

س۷۲۶ خرید و فروش چک به مبلغ کمتر از مبلغ مندرج در چک چه صورت دارد؟ (مثلا چک برای دو ماه دیگر باشد)

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

ربا

س۷۲۷ گرفتن وام از بانک های خارجی که مستلزم پرداخت ربا است چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مقتضای اطلاق خبر لا ربا بین مسلم و الذمی جواز پرداخت ربا به کفار است ولکن چون اصحاب رضوان الله تعالی علیهم ادعای اجماع بر عدم جواز ربا دادن به کفار نموده اند; لذا من احتیاط می نمایم.

س۷۲۸ اگر شخصی مقداری پول به شخص دیگری بدهد تا با آن پول کار کند به شرط این که ماهیانه

مبلغی به عنوان سود کارکرد به او بدهد چه صورت دارد آیا ربا محسوب می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با رعایت شرایط مضاربه حلال است ولی بدون آن ربا و حرام است.

س۷۲۹ شخصی (رباخوار) با پول ربوی که از دیگران می گیرد خانه ای تهیه می کند (خریدن یا ساختن). نماز خواندن در آن خانه چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; بی اشکال است.

س۷۳۰ رباخواری یک حرکت شومی است که توسط برخی از ثروتمندان بدان دامن زده می شود مستدعی است ما را در این خصوص راهنمایی فرمایید؟

ج باسمه تعالی; رباخواری از محرمات الهیه است. تکلیف، در برابر آن مانند تکلیف شما در برابر سایر محرمات الهیه است.

س۷۳۱ اگر کسی از بانک دول غیر اسلامی مثل ژاپن ربا بگیرد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

س۷۳۲ ربا بین فرزند و مادر چه حکمی دارد؟ (بین جد و جده و نوه چطور؟)

ج باسمه تعالی; ربا بین فرزند و مادر و همینطور جده حرام است ولی بین نوه و جد، مثل پدر و پسر حلال است.

س۷۳۳ شخصی با پول ربا فروشگاه لبنیاتی باز کرده است، آیا خرید از این فروشگاه حرام است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۷۳۴ زنی هستم که هیچ کس را ندارم همسرم وفات نموده است از کمیته امداد امام خمینی(ره) خرجی خود را می گیرم آن خرجی کفایت زندگانی من را نمی کند. چون زندگانیم را به دشواری می گذرانم ۱۰۰۰۰۰۰ تومان به کسی داده ام بابت آن پول سودی می گیرم آیا آن سود حرام است یا نه، و اگر کسی را به

مهمانی دعوت کنم خوردن آن غذا برای او حرام است یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه پول را به عنوان قرض داده اید و در موقع قرض دادن شرط کرده اید که به شما سود بدهد این ربا است و حرام است و اگر شرط نکنید و خودش سود بدهد یا به عنوان قرض نباشد; اشکال ندارد. به هر حال بر مهمان حرام نیست در منزل شما چیزی بخورد.

س۷۳۵ کسی به قصد بهره و سود پولی به بانک بگذارد ولی شرط نمی کند آیا حرام و ربا است؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست ولو شرط کند.

س۷۳۶ کسی از بانک ربا می گیرد با پول های حلال دیگر مخلوط شده و خانه خریداری می کند نماز در آن خانه چگونه است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه خانه را با آن پول مشخص شده نخرد; یعنی ثمن کلی باشد و از پول شخص آن را اداء بنماید تصرفات جایز است.

س۷۳۷ شرکت بیمه ایران با نظارت دولت اداره می شود اظهار می کند اگر مبلغ صدهزار تومان سرمایه گذاری شرکت نمایند ماهی مبلغ سه هزار تومان سود می دهد آیا گرفتن آن جایز است اگر غیر از مضاربه راه دیگری هست بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; مسائل بیمه در آخر کتاب مفصلا نوشته ام به آن رجوع شود.

س۷۳۸ کسی مبلغی پول به حساب شرکتی ریخته بعداز دو سال ماشین تحویل بگیرد و در طول سال دوباره پول می ریزد شرکت موقع تحویل ماشین از قیمت روز کمتر حساب می کند آیا این ربا حساب می شود؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد، زیرا ربای محرم نیست.

رهن و اجاره

س۷۳۹ ساختمانی را به

یکصدهزار تومان به مدت یکسال بدون اجاره رهن می کنند جایز است یا خیر چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه پولی که برای آن رهن می کند به عنوان قرض است و در ضمن قرض شرط استفاده مجانی از آن خانه نکند; اشکالی ندارد بلکه اگر شرط هم بکند اشکال ندارد ولی خلاف احتیاط است.

س ۷۴۰ برای فرار از ارتکاب به ربا و طرز صحیح از رهن خانه و منازل که امروزه متداول شده است در بنگاه های معاملاتی طریق استفاده صحیح چیست؟

ج باسمه تعالی; اول پول را به عنوان قرض داده و خانه را رهن بگیرند. بعداً همان خانه را اجاره کنند و یا این که اول خانه را به مبلغی اجاره کنند و شرط کنند که فلان مبلغ قرض داده شود و در مقابل خانه رهن باشد.

س ۷۴۱ اجاره ای که با اموال یتیم تعلق می گیرد (مال یتیم را تا بلوغ اجاره می دهند) چطور می باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه صلاح یتیم باشد حاکم شرع یا ولی او اشکال ندارد اجاره بدهد.

س ۷۴۲ آیا پول پیشی که بابت منزل از مستأجر گرفته می شود اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر مال الاجاره باشد که جلو گرفته می شود با رضای طرفین بی اشکال است همچنین اگر منزل را اجاره دهد به مبلغی در ضمن آن شرط شود که مبلغی را به عنوان قرض بدهد; بی اشکال است. بلکه اگر قرض بدهد و در ضمن آن شرط کند خانه را ارزانتر از اجره المثل بدهد نیز اشکال ندارد.

س ۷۴۳ چندین سال پیش مغازه ای را به شخصی اجاره داده ام که آن زمان سرقفلی

معمول نبوده و نداده است. هم اکنون با انقضاء مدت اجاره نیاز مبرمی به مغازه ام دارم موضوع را با مستأجر در میان گذاشته ایشان از تحویل دادن مغازه خودداری می نماید و اظهار می دارد مبلغ هنگفتی باید بدهید تا مغازه را تخلیه کنم. لذا خواهشمندم نظر مبارک را در مورد سؤال ذیل مرقوم فرمایید.

۱ آیا مستأجر پس از انتقضاء مدت اجاره باید مغازه را تخلیه کند یا خیر؟

۲ در صورتی که مستأجر باقرار خودش «در اجاره نامه» هیچ گونه سرقفلی نداده، شرعاً حقی دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که مستأجر به مالک سرقفلی نداده; حق ندارد برای تحویل دادن مغازه وجهی مطالبه نماید و باید پس از انقضاء مدت اجاره، با درخواست مالک، آن را بدون گرفتن وجهی تخلیه نماید.

س۷۴۴ این جانب مستأجر ملکی بوده ام که در طول مدت اجاره به علت وقوع آفات ارضی و سماوی و این که به علت این آفات امکان انتفاع بنده از عین مستأجر متصور نبوده به دادگاه مراجعه و پس از اخذ نظریه کارشناسی دادگاه حکم بر فسخ اجاره صادر و این حکم قطعی شده است از آن جایی که این جانب در طول این مدت متحمل مخارج زیادی از جمله غرس درختان، آبیاری باغات و سمپاشی و جابه جایی چاه و تلمبه و غیره بر روی ملک انجام داده ام خواهشمند است فتوی مبارک را صادر فرمایند. که مطابه این مخارج از طرف بنده از موجر شرعی می باشد یا خیر؟ و دادگاه شرعاً می تواند این تقاضای من را مورد پذیرش و صدور حکم پس از تعیین کارشناس نماید یا

خیر؟

ج باسمه تعالی; در مورد سؤال آن چه بر له شما ثابت است انفساخ اجاره است. ولی وجهی بر مطالبه شما از مؤجر که مخارج را بدهد نمی دانم.

س۷۴۵ واگذاری ملک تجاری به واقف (وقف کننده) موقوفه حق سرقفلی را برای خود محفوظ نگه داشته و واقف با لحاظ همین شرط آن را وقف نموده و مستأجر با اطلاع و پذیرش این که حق سرقفلی نخواهد داشت و در ازای آن وجهی هم نپرداخته است آیا شرعاً حق ادعای سرقفلی دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که حق سرقفلی به مستأجر مطلقاً نداده باشد مستأجر حق ندارد.

س۷۴۶ متمنی است نظر مبارک خود را در خصوص حق سرقفلی مشاغلی مثل پزشکی و... که کسب و کار صرفاً متوقف و قائم بر شخص می باشد مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; مشاغل سرقفلی ندارند.

س۷۴۷ حق سرقفلی (کسب و پیشه) کاسبی که نوعاً متوقف بر محل کسب است و مستلزم تبلیغات اگر چنانچه موجر ملکی پس از اجاره و واداشتن مستأجر بر صرف هزینه های معمول پشیمان شده و در صدد فسخ برآید آیا ضمان شرعی بر تأدیه هزینه های انجام شده دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که صرف هزینه به امر موجر باشد در امر به عوض ظهور داشته باشد بلی ضامن است والا ضامن نیست; مگر آن که شرط کرده باشد که مصارفی که می کند به ازاء ماندن در آن محل تا مدت مدیدی باشد در این صورت تا هزینه را نپردازد نمی تواند آن را فسخ کند همچنین فسخ هم باید با رعایت رضایت طرف باشد.

س۷۴۸ ملاک

بر تعین اجرت المثل محل هایی که نوعاً محل شبهه از لحاظ حدود اختیارات تفویضی متولیان امر وقف در صورت علقه صغار سادات و امثالهم بوده باشد چیست و آیا می تواند مبری ذمه بوده باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در ضمن رعایت عرف و مصالحه، با نظر حاکم شرع عمل شود.

س۷۴۹ یک قطعه زمین زراعی به مدت ۹۹ سال اجاره داده شده است در صورتی که ملک فوق الذکر وقف اولاد ذکور می باشد و موجر و مستأجر هر دو در قید حیات نیستند و زمین مورد نظر در اختیار برادر مستأجر می باشد آیا اجاره مذکور باطل می باشد یا خیر در صورت باطل نبودن اجاره درآمد حاصله چگونه تقسیم می شود در ضمن مؤجر دارای پنج فرزند پسر نیز می باشد که در قید حیات هستند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه طبقه اولی اجاره بدهند; به موت موجر اجاره باطل می شود، ولی اگر متولی با رعایت مصلحت طبقات بعد اجاره بدهد، یا حاکم شرع اذن دهد، در این دو مورد اجاره باطل نیست و درآمد حاصله به همان گونه که تقسیم شده است باید تقسیم شود.

س۷۵۰ ملک خودم را از اول بهار به یک نفر اجاره داده ام، موقع اجاره فقط جای خالی بود. چمن و یونجه آن موقع رشد نکرده بود. فعلا آن مستأجر از داده اجاره عدول کرده و می گوید به خاطر نباریدن باران چیزی نیست آیا شرعاً می تواند بعد از سه ماه اجاره نامه را فسخ کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه اجاره زمین برای استفاده از چمن و یونجه آن باشد و مستأجر

هم در انجام وظیفه کوتاهی ننموده است در فرض سؤال می توانـد فسخ کند، و اگر خود زمین را اجاره نموده و نظر به چمن و یونجه نداشته است; حق فسخ ندارد.

س۱۷۵۱ اگر در وسـط سـال اجـاره منزل، منزل خراب شـد و قابل اسـتفاده نبود بعـد از فسـخ اجاره اگر نصف سال اجاره هر ماه معین بود همان را می دهد، و اگر سالی مقداری می داد بالنسبه حساب کند یا به نحو دیگر؟

ج باسمه تعالی; باید بالنسبه حساب شود.

س۱۷۵۲ اگر کسی بگوید خانه ای برای من بساز این مقدار به تو می دهم آیا این جعاله است یا اجاره می باشد؟

ج باسمه تعالی; جعاله یا امر به عمل است که عقد مستقلی است.

س۱۷۵۳ در عصـر فعلی معمول است اشـخاص ساختمان خود را به کمتر از قیمت حقیقی اجاره می دهنـد و ضـمن عقد اجاره با مسـتأجر شـرط می کننـد که مثلاـ یـک میلیون تومان به موجر به عنوان قرض بدهنـد آیا وجه الاجاره که به جهت شـرط قرض کمتر از قیمت حقیقی پرداخت می شود، نفع و ربا محسوب می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; ربا نیست و اشکال ندارد.

س۱۷۵۴ در رابطه با رهن منزل مرسوم است وجه پولی را پیش می گیرد و بابت اجاره مبلغ کمتری را می گیرد آیا صحیح است در صورت اشکال راه حل شرعی را بیان کنید؟

ج باسمه تعالی; صحیح است و اشکال ندارد.

س۱۷۵۵ اگر مسـتأجر مـال الاجـاره را نـداد و یا کمتر از مقرر بدهـد موجر حق فسـخ دارد و همین طور در شـرایطی تخلف کند چطور؟

ج باسمه تعالی; بلی، می تواند

اجاره را فسخ کند.

س۷۵۶ آیا اخذ به شفعه در مورد سرقفلی صحیح است؟

ج باسمه تعالی; صحیح نیست.

ضمان

س۷۵۷ اگر آموزگاری در تصحیح اوراق امتحانی سهل انگاری نماید و یا مسؤلین مدرسه در انتقال نمرات سهل انگاری نمایند و بر اثر این سهل انگاری دانش آموزان مردود گردند آیا آموزگار یا مسئول مربوطه نسبت به خسارات مادی و معنوی دانش آموز در طول یک سال عقب ماندگی، ضمان دارد یا نه؟ در این موارد دیه ثابت می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; اضرار به غیر، و اهانت به او (و ایذاء) بر طبق آیات قرآن و احادیث زیاد و اجماع فقها حرام است و این عناوین بر موارد مورد سؤال صدق می کند، ولکن فعلا وجهی بر ضمان در نظرم نیست. چون دلیل ضمان، قاعده ید و قاعده اتلاف و قاعده استیفاء است و هیچ کدام از قواعد باب ضمان، شامل موارد فوق نیست و دلیل خاصی هم نداریم. بنابراین حکم به ضمان نمی کنیم و دلیلی بر ثبوت دیه نیست.

س۷۵۸ شخصی ضمان دین شخصی شناخته شده گشته و تاکسی او که خودرو عمومی و وسیله امرار معاش خانواده ضامن می باشد در ازای جریمه ضمانت در توقیف است و از قاضی درخواست ماشین در ازای توقیف نقل و انتقال سند خودرو را کرده است تا اجرای رأی صادره تمام شود و تصفیه گردد و سند مسترد شود قاضی مربوط دستور داده که چنانچه خودروی ذکر شده از مستثنیات دین است قبول کنید ولی واضح نگفته به همین جهت اجرای احکام سرگردان در این امر است و جهت ترخیص خودرو و دستوری

صادر نکرده است. شخص ضامن مالی به جز این خودرو ندارد و مستأجر هم می باشد و تاکسی هم وسیله عمومی و تأمین معاش ضامن خانواده وی است. بذل محبت شود نظر مبارک را اعلام فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه امرار معاش خود و خانواده اش منحصر به آن خودرو است و یا این که بدون آن نمی تواند امرار معاش کند; خودرو مذکور از مستثنیات دین است و باید آزاد شود.

س۷۵۹ طلبه ای بنا به مشکلاتی نمی تواند درس دینی را ادامه دهد آیا شهریه ای که تاکنون گرفته است لازم است پس بدهد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; پس دادن شهریه لازم نیست.

س۱۷۶۰ اگر از چاه عمیقی اضافه بر میزان مقرر بهره برداری آب نمایم که به دیگران ضرر داشته باشد مسئله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که مردم روستا از ادامه بهره برداری متضرر بشوند و در مضیقه قرار گیرند و شما هم از ادامه ندادن ضرر نمی کنید جایز نیست و الا چنانچه شما احتیاج دارید و یا آن ها هم احتیاج مبرم ندارند جایز است.

س۱۷۶۱ اگر کسی ربوده شده و جانش در خطر مرگ باشد و برای گریز از آن راهی جز مقاتله نداشته باشد (مثل این که با ممانعت مسلحانه رباینده مواجه شده باشد) تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی; مقاتله بلاکلام جایز است و چنانچه جنایتی واقع شود ضامن نیست.

س۱۷۶۲ اگر کسی جهت زمینه سازی بر ارتکاب جرمی، با خوراندن مسکرات و یا آنچه موجب زوال عقل می شود سبب بروز جنایتی بر غیر شود آیا ضامن است یا خیر؟ اگر در این

خصوص خودش قربانی شود آیا خونش هدر است یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه با خوراندن مسکرات اختیار از شارب سلب شود و بدون اختیار یا التفات جنایت از او صادر شود ضامن است و خونش هدر.

س۷۶۳ آیا مکر بر امر حرامی مثل لواط و زنا خونش هدر است یا نه؟ خصوصاً اگر راهی جز کشتن نداشته باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شخصی که مکرَه به لواط یا زنا می شود برای دفاع از خود مکرِه را بکشد و بدون کشتن راهی نداشته باشد، خونش هدر است.

س۷۶۴ اینجانب در اثر مشاجره لفظی کسی را هل دادم و او به زمین خورد، دستش شکست بدون این که کوچکترین عمدی برای شکستن دست وی داشته باشم. آیا از مصادیق شبه عمد است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه این عمل به حسب عادت موجب شکستن دست می شود مانند آن که از ارتفاعی او را هل دهید شبه عمد است والا اگر قصد شکستن دست را نداشته اید و عمل فی نفسه موجب آن نمی شود و تصادفاً چنین شده است; خطاء است. به هر تقدیر ضامن دیه هستید.

س۷۶۵ با توجه به این که فروش اموال مسروقه در قانون جرم تلقی شده است و از طرفی صدور فاکتور فروشی، به ویژه در مورد اجناس معمولی متعارف نیست آیا در این گونه موارد خریدار اموال مسروقه را می توان محکوم نمود؟

ج باسمه تعالی; اگر دزدی بودن اموال را می دانسته و می توان او را محکوم نمود.

س۷۶۶ آیا شروع به سرقت جرم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; تجرّی و جرم است.

س۷۶۷ خواهر زاده بنده در خصوص

یکی از مشتریان ما اطلاعاتی خواسته و بنده چون که قبلا و در حال مراجعه خواهرزاده ام با مشتری مورد نظر معامله داشتم و هیچ گونه موردی از وی ندیده بودم به ایشان گفتم ما به مشتری مورد نظر جنس داده ایم شما هم بدهید چیزی نمی شود پس از مدت چهار یا پنج ماه مشتری مورد نظر وضع مالی خوبی نداشته و چک هایش مسترد می گردد و خواهر زاده بنده با مستند قرار دادن گفته های من چک های مشتری مورد نظر را به من داده و در واقع طلب خود را از من مطالبه می نماید لذا خواهشمند است در این خصوص رأی شرعی را اعلام فرمایید که آیا با گفته بنده من بدهکار می شوم؟

ج باسمه تعالی; توثیق مزبور، موجب ضمان نمی شود و خواهرزاده شما نمی تواند وجهی از شما مطالبه بنماید.

س۷۶۸ شخصی مبلغی را که حدوداً یک هزار تومان می باشد از فردی به صورت قرض الحسنه گرفته است که در مدت یک ماه به وی پرداخت نماید ولی متأسفانه بدقولی کرده و بعد از مدت ده سال همان مبلغ را به شخص طلبکار می دهد ولی این شخص از دریافت پول ممانعت میورزد و می گوید مبلغ هزار تومانی را که به تو داده ام در زمان خود مبلغی هنگفت بوده و ارزش آن بیش از این ها بوده و باید به ارزش نسبی آن روز مبلغ را پرداخت نمایی. لطفاً بفرمایید آیا شخص بدهکار همان مبلغ را بدهد یا باید به مقدار ارزش پول که در آن زمان بوده پرداخت نماید در این خصوص چه حکمی

دارد؟

ج باسمه تعالی; بعید نیست که مقدار مالیت را ضامن باشد. مثلا یک هزار تومان در آن زمان هر چند مثقال طلا می دادند حالا قیمت آن مقدار طلا را باید بدهد. چون فتوی جزمی نیست; مصالحه بشود.

س۷۶۹ شخصی که دیون بسیار به اشخاص متفرقه داشته به محکمه تحویل می شود رئیس محکمه شخص مدیون را در اختیار سرباز مأمور مراقب قرار می دهد که مدیون با مراجعه به طلبکاران خود رضایت آنان را جلب نماید و مقرر داشته باشد برای انجام این امر مدیون به مدت ۸ ساعت تحت الحفظ سرباز مأمور مراقب قرار گیرد مدیون از ارفاق قانون سوء استفاده می نماید و متواری می شود حال سؤال آن است چنانچه رئیس محکمه به حکم وظیفه مقرر در قانون مصوب موظف بوده که مدیون را در مرجع انتظامی تحت الحفظ نگه بدارد نه آن که تحویل سرباز وظیفه نماید که در خیابان تحت الحفظ قرار گیرد و مدیون نیز متواری شود رئیس محکمه در قبال غفلت و تسامح و تساهل خود ضامن دین دائنین خواهد بود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه ضمان رئیس محکمه بر طبق قانون باشد; قهراً در موقع استخدام چنین تعهدی نموده است و به مقتضای قاعده ضامن است.

س۷۷۰ من به یک نفر خیرات و نیکی می کنیم بعداً دیدم این بنده خدا هر چه کردم دروغ می گوید آیا برای اعمال خیر من پاداشی هست؟ و آیا او ضامن است؟

ج باسمه تعالی; شما اجر می برید; ولی او ضامن نیست.

مضاربه

س۱۷۷۱ اگر عاملی در مضاربه، به سفر تجارتی رود و مقداری از سرمایه بدون تفریط

تلف شود آیا می تواند از ربح حاصله، سرمایه تلف شده را جبران کند؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند.

س۷۷۲ هر گاه مالك و عامل در مقدار رأس المال و یا مقدار ربح حاصله اختلاف داشته باشند قول کدام یک مقدم است؟

ج باسمه تعالی; در نزاع درباره ی مقدار رأس المال، قول عامل مقدم است چون قهراً منکر زیادی است. مالك باید آن را اثبات کند و همچنین در مقدار ربح، قول عامل مقدم است; چون امین است.

س۷۷۳ آیا جایز است عامل مخارج خود را در سفرر و حضر از مال المضاربه صرف نماید؟

ج باسمه تعالی; نفقه سفر از رأس المال است و نفقه حضر به عهده خودش است.

س۷۷۴ آیا مضاربه از عقود لازمه است یا از عقود جایزه که بتوان بعداً فسح کرد؟

ج باسمه تعالی; از عقود جایزه است.

س۷۷۵ کسی که به قصد مضاربه به یک نفر یا به بنگاه پول می دهد و طرف مقابل هم با همان عنوان قبول می کند اما کیفیت عملش مشکوك یا غیر معلوم است حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; به حکم اصاله الصحه، محکوم به صحت است.

س۷۷۶ شخصی مبلغی پول به مغازه داری می دهد تا با آن پول معامله کند و به سودش مشترك باشد ولی صاحب مغازه می گوید چون محاسبه دخل و خرج این پول برایم مشکل است لذا من با رضایت خودم ماهیانه فلان مقدار به تو می دهم آیا این عمل شرعی است؟ و الا چه پیشنهاد می فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مضاربه شرعی باشد و مصالحه کنند که سهم صاحب پول را به مقدار معینی هر

ماه بدهد اشکال ندارد.

احکام خیار و شرط

س۷۷۷ آیا خیاراتی که در بیع ثابت است و اجاره هم جریان دارد و در این جهت فرقی بین اجاره عقدیه و اجاره معاملاتی هست یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ بعضی خیارات، مانند خیار مجلس مختص به بیع است و بعضی مانند خیار تخلف، شرط عام است به هر حال فرقی بین عقدی و معاملاتی نیست.

س۷۷۸ آیا خیار مجلسی برای متبایعین متلاصقین هست یا نه اگر بعد از بیع قصد تفرق کنند کفایت بر سقوط خیار می کند یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ خیار مجلس بر آن ثابت است و قصد تفرق موجب سقوط خیار نمی شود.

س۷۷۹ اگر فروشنده و خریدار در ضمن عقد بیع، شرط کنند که جنس را فروشنده در روز معین تحویل مشتری بدهد اگر تحویل نداد مبلغ معینی را مثلا (۱۰۰۰۰) تومان به مشتری غرامت بپردازد در صورت بروز خلف وعده آیا این شرط صحیح است و یا نه و گرفتن این وجه اکل مال به باطل نیست؟

ج باسمه تعالی؛ شرط صحیح است و به مقتضای المسلون عند شروطهم لازم الوفاء می باشد و به واسطه همان دلیل، اکل مال به باطل نیست.

س۷۸۰ بیعانه ای که فروشنده می گیرد و در ضمن بیع شرط کرده چنانچه مشتری منصرف از خرید شد حق استرداد بیعانه را ندارد. برای فروشنده تصرف و اکل این پول چه حکمی دارد تجارت عن تراض برای آن صادق است یا خیر و یا از باب المؤمنون عند شروطهم لازم الوفاء است؟

ج باسمه تعالی؛ شرط مذکور به مقتضای دلیل لزوم وفای به شرط صحیح است و به

همان دلیل، تجارت عن تراض نیز می باشد.

س۷۸۱ طرفین در ضمن عقد بیع شرط می کنند هر گاه مبیع و یا ثمن مال کس دیگری باشد؛ آن مبلغ قید شده را به طرف دیگر به عنوان غرامت بدهند، آیا این شرط واجب الوفاء است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ معلوم نیست شرط مذکور لازم الوفاء باشد، زیرا در صورت تبیین این که، احدالعوضین مال غیر متبایعین است؛ قهراً معامله باطل می شود. بنابر این شرط در ضمن معامله نیست و شرط ابتدائی لازم الوفاء نمی باشد.

س۷۸۲ اگر در مواردی که شرط لازم الوفاء باشد و مشروط علیه، استنکاف از پرداخت دارد آیا مشروط له حق فسخ معامله را دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ در صورت عدم امکان اجبار مشروط علیه به عمل به شرط، خیار فسخ معامله بلا کلام ثابت است، و با امکان اجبار، محل کلام است. نظر حقیر این است که خیار ثابت است و مشروط له بین اجبار به عمل به شرط و فسخ معامله مخیر است.

س۷۸۳ در تأخیر خریدار، ثمن را از وقت مقرر، آیا فروشنده حق فسخ دارد یا خیر در صورت تصرف خریدار در مثمن، مصرف آب و برق و شوفاژ به عهده کدام است؟

ج باسمه تعالی؛ در مورد سؤال، بایع، خیار تأخیر ثمن دارد، می تواند معامله را فسخ کند و آبونمان آب و برق و گازوئیل مشترک شوفاژ را، در صورت استفاده ضامن است.

س۷۸۴ اگر کسی یک کیلو قند را به صد هزار تومان بخرد و یا مصالحه نمایند به شرط این که فروشنده پانصدهزار تومان قرض شش ماهه بدهد آیا این فروش به

شرط صحیح است؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

س۷۸۵ اگر شخصی جنسی را نقداً بخرد بعد از مدتی به خود صاحب جنس به مبلغ زیادتر بفروشد و اگر همین موضوع در ضمن عقد بیع، شرط شود آیا لازم الوفاء است و در صورت عدم فروش خریدار آیا صاحب اول جنس، خیار فسخ دارد و در این گونه معاملات ثمن و مثمن باید موجود باشد و قبض و اقباض لازم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; فروش چیزی که نقداً خریده است به مبلغی زیادتر، اگر در بیع اول شرط نکنند صحیح است و با شرط باطل است و در فرض صحت، چنانچه قبض نشده باشد معامله صحیح است ولی مکروه است.

س۷۸۶ اگر سرمایه داری جنسی را در بازار به قصد ورشکستگی دیگری، ارزان بفروشد و در نتیجه جمع مال نموده و احتکار نماید این طور معامله چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; کار خوبی نیست ولی احتکار نیست.

س۷۸۷ در قانون مدنی شرکت ها و تجارتخانه ها آمده است: اگر کارگری را اخراج کنند باید مبلغی نقداً به او بدهند اگر در اول استخدام به کار، با گارگر این شرط نشده باشد گرفتن این وجه چه صورت دارد اگر کارفرما طیب نفس ندارد تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی; چون قرارداد کلی مملکت است; پس در حین استخدام، این شرط ضمنی مبنی علیه العقد است و این حکم ذکر است. بنابراین اگر با طیب نفس هم ندهد گرفتن جایز است.

س۷۸۸ مقاطعه کاری، متعهد شده است که ساختمانی را طی شش ماه در برابر اجرت معینی بسازد بعد از گذشت چند روز از انعقاد قرارداد، قیمت مصالح ساختمانی

و اجرت کارگر به میزان فاحشی ترقی می کند آیا در این صورت مقاطعه کار مزبور موظف به وفای به قرارداد با قیمت تعیین شده می باشد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چون به حسب ظاهر حال متعاملین، قرارداد به شرط ضمنی عدم ترقی مصالح ساختمانی در مدت معینی مشروط است بنابر این مقاطعه کار حق فسخ را دارد.

س۷۸۹ بعضی از تجار به دلیل سود زیاد کشمش را به واسطه به کارخانه شرابسازی می فروشند. فروش ما باغداران به این تجار کشمش چه حکمی دارد؟ و حرام است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد و گناه درست کردن شراب به گردن آنهاست.

س۷۹۰ ریسمان فروشی تمامی امکانات لازم را در اختیار بافنده می گذارد. به صورت نسیه هم مدت و زمان پرداخت را نیز معین می کند و شرط کنند اگر قالی به فروش نرفت و در زمان تأخیر شد; با هم مصالحه نمایند، پولی که بافنده فرش می گیرد به عنوان مضاربه قرار دهند ولی ریسمان فروش سهم خود را با او مصالحه به مبلغ معینی نماید که هر ماه آن مبلغ را بگیرد و در ضمن بین خودشان چند شرط کنند ۱ بافنده قالی مورد نظر را به دیگری نفروشد ۲ کمتر از قیمت بازار به ریسمان فروش بفروشد. ۳ تحت عنوان حق کمیسیون درصد معینی را در کل مبلغ فروخته شده ریسمان فروش ببرد آیا این معامله صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مطالب ذکر شده در فوق، مطابق فتوای این جانب نوشته شده است و عمل بر طبق آنها مجزی است.

س۷۹۱ ما بین زید و بکر بیعی

به این صورت واقع شده که زید، عبارت بیع را به بکر نوشته; داد ولی زباناً چیزی نگفت و تمام آن چه که در بیع لازم است به بکر نوشته ولی زید حالا منکر بیع است می گوید نفروخته ام به خاطر مصلحتی این بیع را نوشته ام آیا این بیع درست است یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه با آن نوشته، قصد بیع کرده باشد و طرف هم با گرفتن، قبول نموده; بیع صحیح است و الاّ مجرد نوشته، کافی نیست.

س۷۹۲ متعاملین در ضمن قرارداد بیع شرط نموده اند اگر یکی از طرفین معامله پشیمان شود مبلغی به طرف دیگر بلاعوض بپردازند آیا این شرط مفسد قرار داد بین متعاملین است و اثر دارد یا نه و اگر خریدار مبیع را به دیگری بفروشد صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; قرارداد مذکور چون شرط در ضمن عقد است و خلاف کتاب و سنت نیست صحیح و لازم است و عقد صحیح است.

س۷۹۳ زید فرشی را به صورت امانت نزد عمرو گذاشته که بفروشد. قیمت فرش را گران گفته، عمرو قبول نمی کرده; ولی قول داده فرش را ببرد حالا در بردن فرش تسامح می کند. در این بین اثاث داخل مغازه عمرو با همان فرش زید به سرقت می رود و در صورت عدم تفریط آیا عمرو و ضامن فرش زید است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در صورت عدم تفریط در حفظ امانت، عمرو که صاحب مغازه است ضامن نیست.

حیض و نفاس

س۷۹۴ اگر زن خواب بوده و بعد از آفتاب بیدار شده و خود را حایض دید اما نمی داند که این

حیض قبل از آفتاب بوده تا نماز نخواند و اگر بعد از آفتاب بوده نماز را قضاء کند؟

ج باسمه تعالی; باید قضاء کند.

س۷۹۵ آیا زن حائض برای تمرین و تعلیم دیگران می تواند نماز بخواند؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۷۹۶ اگر زن به مقدار خواندن چهار رکعت نماز ظهر عادت شود یا از عادت به مقدار خواندن نماز چهاررکعتی در آخر وقت پاک شود و می توانست نماز بخواند آیا واجب است نماز ظهر را در صورت اول و نماز عصر را در صورت دوم قضا نماید؟

ج باسمه تعالی; بلی، در صورت اول فقط نماز ظهر و در صورت دوم نماز عصر را باید قضا نماید.

س۷۹۷ مطلقه ای که تخمدان او را بیرون آورده اند اگر در ایام عادت خون ببیند حیض است؟ آیا عدّه لازم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اگر با علائم حیض خون ببیند حیض است و عده هم دارد; چون در حکم به حیض شرعاً قید نشده است که دم از رحم خارج شود.

س۷۹۸ زنی که حملش را از بغل با عمل جراحی بیرون می آورند اگر از محل متعارف خون ببیند خون نفاس است یا نه؟

ج باسمه تعالی; ظاهراً صدق نفاس نمی کند چون شرط است که خون بعد از ولادت باشد. چنانچه خون قبل از ولادت خارج شود حکم به نفاس نمی شود.

س۷۹۹ اگر زنی صاحب عددیه و وقتیه بود ولی بعد از عادت خود، خونی را ببیند به صفات حیض و بیش از سه روز باشد آیا حکم حیض را دارد یا استحاضه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه بعد از ده روز باشد;

استحاضه است و اگر قبل از ده روز قطع شود; حیض است.

س۸۰۰ شخصی به مدت یک ماه یا دو ماه در مسافرت می باشد و موقعی که از مسافرت مراجعه می کند همسرش حایض می باشد آیا استمتاع جایز است یا خیر؟ این شخص از چه راه غریزه جنسی خود را ارضاء کند؟

ج باسمه تعالی; استمتاعات به غیر جماع جایز است و از آن طریق غریزه را ارضاء کند.

س۸۰۱ زنانی که موقع عادت ماهیانه ایشان می باشد شرط ورودشان به حرم های مطهر امامان علیهم السلام و امام زاده ها چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; رفتن به حرم امام زاده ها اشکال ندارد و اما حرم امامان مقتضای احتیاط لزومی آن است که در حرم توقف نکنند ولی مرور مانعی ندارد.

س۸۰۲ خانمی که در ایام حیض آمپول هایی جهت تأخیر افتادن حیض تزریق می کنند تا روزه ماه رمضان را بگیرند لکن بعد از تزریق آمپول باز لکّه های مزبور این لکه ها را می بیند. حکم چه خونی را دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه علامت حیض دارد حیض است و الا استحاضه.

س۸۰۳ کسانی که برای گرفتن روزه یا اعمال حج قرص می خورند تا عادت ماهیانه ایشان به تأخیر بیفتد ولی باز هم بعد از خوردن قرص خون مرتّب خارج می شود خون مذکور چه بوده و وظیفه زن چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه در ایام عادت خون ببیند یا شرایط خون حیض داشته باشد; آن زن به حائض بودن محکوم است و قرص خوردن تأثیر ندارد.

س۸۰۴ اگر زن دارو بخورد و در غیر ایام عادت خون ببیند حکم استحاضه دارد

یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی.

نکاح

س۸۰۵ ایجاد مانع برای حاملکی و بچه دار شدن، در زن یا مرد، چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جلوگیری از بچه دار شدن به هر نحوی جایز است مگر آن که رحم زن را در صورت سالم بودن بیرون بیاورند یا مرد را به کلی اخته نمایند بدون آن که باردار شدن زن و بچه به دنیا آوردن ضرر یا مشقت داشته باشد که در این صورت جایز نیست و تعزیز دارد.

س۸۰۶ مردی ۴ زن دائمی داشته و شوهر زنان فوت کرده و یک زن بعد از فوت شوهر آمده با اثبات ادله و بینه و می گوید با مدارک قانونی من زن دائمی این مرحوم هستم در این حال ایشان ۵ زن دارد و حرام است که همه آنها دائمی باشند. مال به چه نحوی تقسیم شود و شارع مقدس چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر ثابت شود که این زن اوست و معلوم نباشد پنجمی کدام است. با قرعه یکی را حکم به بطلان نموده; بقیه مهر و ارث می برند.

س۸۰۷ اگر پدر باعث مهریّه زیاد برای پسر شود آیا پسر که نمی تواند روی حرف پدر حرف بزند مقصّر است یا نه؟

ج باسمه تعالی; مقصر نیست.

س۸۰۸ با عنایت به این که موی زنان که از عوامل زیبایی آنان محسوب می شود بفرمایید (تدلیس در امر ازدواج) این که پنهان نمودن نقص مثل (کچلی کلی) (یا موضعی) (کم پشتی) (و خالی بودن قسمتی از موی سر) آیا موجب ایجاد حق فسخ بر مرد می شود؟

ج باسمه تعالی; تدلیس به طور مطلق

موجب خیار فسخ نمی شود; هفت عیب است که موجب فسخ می شود جنون، جرس، قرن، افضاء و عمی و در غیر این ها تدلیس موجب خیار نمی شود.

س۸۰۹ اگر کسی زنی را عقد کند بعد از آن معلوم شود، عیب و نقصی داشته مانند کچل بودن، فلج بودن دست، مصنوعی بودن یکی از چشم هایش و... در این صورت آیا مهر او مهر المثل است، یا مهر المسمی تعیین می شود؟

ج باسمه تعالی; با مهر المسمی حساب می شود.

س۸۱۰ زنی با مردی ازدواج کرد و سپس طلاق گرفت و بعد از تمام شدن عده، با مرد دیگری ازدواج نمود و از شوهر دوم دختری به دنیا آورد آیا شوهر اول این زن می تواند با دختر شوهر دومش ازدواج کند، یا این که دختر نسبت به او حکم ربیبه را دارد؟

ج باسمه تعالی; حکم ربیبه را دارد و نمی تواند ازدواج کند.

س۸۱۱ شخصی قبل از فوت یک دانگ منزل را، برای همسر خود، اقرار به خرید و فروش کرده و همچنین یک میلیون و نیم به خانواده این شخص حق دید دادند و حق مهر همسر او نیز به همان مقدار است آیا پرداخت مهر متوفی لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; حق مهر لازم است، مهر مانند دیون دیگر است که بر ارث مقدم است اول باید مهر را بدهند اگر چیزی باقی ماند به ورثه بدهند.

س۸۱۲ زن و شوهر اختلاف دارند که غیرقابل حل است و زوجه در اذیت کامل است و مدت ۱۴ سال است که هر روز در جنگ و جدال هستند زوجه تقاضای طلاق خلع می

کند و می گوید به هیچ وجه قدرت تحمل اخلاق بد این مرد را ندارد و به هیچ صراطی مستقیم نیست ولی زوج حاضر به طلاق نیست و هیچ شرطی را قبول نمی کند و زیر بار وظیفه شرعی و عرفی نمی رود و می گوید باید با همین وضع موجود و اخلاق کثیف با من زندگی کنی زوجه می گوید دیگر قادر نیستم و در خود توان زندگی با اخلاق او را ندارم و برای من عسر و حرج کامل وجود دارد و برای درخواست طلاق به دادگاه مراجعه کرده است و زوج از روی لجاجت و اذیت می گوید من طلاق نمی دهم لطفاً نظر مبارك و حكم شرعی را به طور واضح مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که نفقه نمی دهد و اگر حاکم شرع نتواند او را مجبور به نفقه دادن بنماید حاکم شرع می تواند بدون رضایت زوج او را طلاق دهد. در غیر این مورد، با فرض ایذاء و ظلم و تعدی می تواند او را تعزیر کند و بر زوجه هم زندگی با او چون توأم با عسر و حرج است واجب نیست و حاکم شرع در این فرض هم می تواند او را طلاق دهد.

س۸۱۳ خانمی بالغه، عاقله، رشیده که ۱۹ سال سن دارد می خواهد با آقایی ازدواج نماید با توجه با این که زوجین از مقلدین آن بزرگوار می باشند آیا اذن پدر زوجه را شرط می دانید یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که دختر بالغه و رشیده باشد یعنی صلاح و فساد را تشخیص بدهد و زوج هم مناسب او

باشد اذن پدر زوجه را، شرط نمی دانم خصوصاً اگر پدر غایب باشد.

س۸۱۴ چنانچه دختری باشد رشیده، بالغه و باکره و نیاز به شوهر و ازدواج داشته باشد ولی به علل اقتصادی و فرهنگی نتواند ازدواج کند و در معرض گناه های کبیره باشد و از طرفی پسر هم با همین شرایط نتواند ازدواج کند و در معرض گناه نیز قرار دارد و پدر دختر زنده و حاضر باشد ولی حرج وجود داشته باشد تا بتوانند از پدر دختر اجازه بگیرند با این تفاسیر آیا چنین پسر و دختری می توانند با هم ازدواج موقت انجام دهند مشروط بر این که باکرده بودن دختر چه از جهت جسمی و چه از جهت عرفی حفظ شود و آبروی طرفین محفوظ بماند؟

ج باسمه تعالی; با رعایت شرط مذکور مجازند. بلکه بدون آن هم مجازند.

س۸۱۵ دختری در حدود شش سال است در خانه شوهر زندگی می کند و شوهر قبلا از هر جهت مریض بوده ولی پدر و مادر دختر نمی دانسته اند حالا دختر آمده خانه پدر و مادر، و می گوید شوهرش مریض است اگر دختر بخواهد برای این که شوهر قبل از عقد مریض بوده است و او نمی دانسته است طلاق بگیرد مهریه به دختر تعلق می گیرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مرد مریض به معنی عنین باشد و نتوانسته است از اول عقد با دختر نزدیکی کند و دختر هم نمی دانسته که مریض است; دختر حق فسخ دارد و می تواند عقد را به هم بزند و احتیاج به طلاق نیست و مرد هم باید نصف مهر را بدهد.

س۸۱۶

دخترها به سن ۲۵ سال و ۳۰ سال رسیده اند و تن به اوامر پدر هم نمی دهند و پنج سال است که از هم جدا هستند و با عیال ناشزه من زندگی می کنند و یکی از دخترها هم مشغول کار است آیا واجب النفقه من هستند یا نه آیا از حیث مسکن مسئولیّت آن ها به عهده من است یا نه؟

ج باسمه تعالی; آنکه مشغول کار است; نفقه او واجب نیست و آن دیگری در صورتی که می تواند کار کند و یا به شوهر مناسب برود تا خرج او را بدهد و کار نمی کند و شوهر نمی رود; نفقه او هم واجب نیست و نیز اگر پدر فقیر است; نفقه فرزند بر او واجب نیست و در این موارد، مسکن هم به عهده ی پدر نیست، البته چنانچه پدر غنی باشد و پسر یا دختر فقیر باشند و توانایی کار کردن ندارند و برای دختر شوهر مناسبی پیدا نشود; نفقه آن ها واجب است.

س۸۱۷ چه نوع زن هایی ذاتاً بر مرد حرام می باشد؟

ج باسمه تعالی; آن ها را در توضیح المسایل ص ۴۱۱ به بعد مفصلا نوشته ام; مراجعه شود.

س۸۱۸ با فرض این که اگر دوشیزه ای به سن قانونی رشد نرسیده باشد آیا شکایت و ادعای اظهار این دوشیزه می تواند مستند رأی قاضی قرار گیرد و آیا والدین این دوشیزه می توانند به وکالت از او و حسب اظهار آن ها طرح دعوی نمایند؟

ج باسمه تعالی; ادعای او در خصوص دعاوی که منتهی به تصرف مال شود; مسموع نیست و در غیر آن ها مسموع

است که باید برای اثبات آن بینه اقامه کند. به هر تقدیر، مجرد دعوی نمی تواند مستند قاضی قرار گیرد.

س۸۱۹ اگر چنانچه منافی عفت به صورت مشهود انجام نشود تحقیق پیرامون آن چگونه است؟ آیا می شود در این گونه موارد تحقیق نمود؟

ج باسمه تعالی؛ خیر، نمی شود. حتی خود او هم نمی تواند اظهار بنماید.

س۸۲۰ دختری که ازدواج می کند آیا بعد از عقد، اختیارش دست پدر است یا با شوهرش؟ در دوران نامزدی که دختر در خانه پدرش می باشد مسئله چگونه می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ دختر، بعد از اجرای عقد چه در خانه پدر باشد یا خانه شوهر، باید از شوهر اطاعت کند. البته شوهر هم نباید زاید بر موازین شرعی به زن تحمیل کند.

س۸۲۱ دختر جوانی که تازه ازدواج کرده آیا لازم است که بدنش را بپوشاند یا نه؟ این مسئله در رابطه با بیرون از خانه و در کوچه چگونه می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ دختر بعد از بلوغ چه شوهر کرده باشد یا نکرده باشد؛ باید بدن را از نامحرم در خانه یا کوچه و بازار بپوشاند.

س۸۲۲ آیا دختر جوانی که ازدواج کرده می تواند آرایش ساده ای کرده و به اصطلاح عامیانه دخترانه آرایش کند و بیرون از خانه و به کوچه برود؟

ج باسمه تعالی؛ زن باید تزیینی که موجب تهییج جوانان می شود؛ انجام ندهد. ولی برعکس، باید برای شوهر خود تزیین بنماید و نسبت به زنان دیگر مختار است تزیین بنماید یا نه.

س۸۲۳ زنی دختر شیرخواره دارد هم زمان، پسر بیگانه شیر داده آیا برادر این پسر می تواند با این دختر یا

با خواهر این دختر ازدواج نماید؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند.

س۸۲۴ اخیراً مرسوم شـده مهریه چند سال قبل (مثلا پنجاه سال قبل) را که یک مبلغ کمتر می باشد به نرخ روز حساب کرده و یک تومان را چند هزار تومان محاسبه می نمایند آیا شرعاً صحیح است یا خیر؟

ج باسـمه تعالی; به این گونه که مرسوم شـده است من قبول نـدارم. ولی بایـد به یک مقـداری مصالحه کنند مثلا طلا را میزان بگیرنـد و اگر بر فرض پنجاه تومـان بوده است; حسـاب کننـد چنـد مثقـال طلاـ می شود، به همان حساب طلا یا معادل آن را بدهند.

س۸۲۵ دختر باکره ای به دلیل علاقه پسـری بالغ و وعده ازدواج آن پسر، از راه نامشروع ازاله بکارت و سپس حامله گردیده و در زمـانی که دارای حمـل سه مـاهه بوده بـا حضور والـد آن دو صـیغه عقـد ازدواج دائم جـاری گردیـده و مهریه زن به دلیل اضـطرابش ف[مهر السنه تعیین گردیده و مرد بلافاصله با تولد نوزاد برای او شناسنامه اخذ نموده و اکنون که نوزاد پسر به سن چهـار سالگی رسـیده پـدرش به واسـطه اعتیاد به مواد مخـدر ترک انفاق کرده و، زوجه اش در عسـر و حرج است و متقاضـی طلاق می باشد.

۱ آیا عقد ازدواج بین آن دو، در زمانی که دارای حمل سه ماهه بوده است صحیح بوده یا خیر؟

۲ بـا توجه به این که زن دارای تحصـیلات دانشـگاهی است، اضـطراراً بـا مهر السـنه به عقـد ازدواج دائم رضـایت داده است و اکنون که عسر و حرج وی ثابت گردیده آیا مستحق مهر المثل می باشد یا خیر؟

۳ نفقه طفل

نوزاد بر عهده چه کسی بوده و می باشد؟

ج باسمه تعالی; عقد ازدواج با مهر السنه صحیح است و اعتیاد و عسر و حرج بعدی در آن تأثیر ندارد، نفقه بچه با پدر است و اگر زن متقاضی طلاق است; چنانچه مرد طلاق دهد; باید همان مهر السنه را بدهد و اگر طلاق ندهد چنانچه نفقه زن را بدهد یا مالی داشته باشد که حاکم شرع از آن مال نفقه زن را بدهد; مشکل حل می شود و الا حاکم شرع ولایه او را طلاق می دهد ولی مهر، همان مهر السنه است و چنانچه مرد نتواند نفقه بچه را بدهد و پدر او هم نتواند، نفقه به عهده مادر است.

س۸۲۶ متعلقه اینجانب که مدتی متعه بوده است بعد از شکایت ایشان به عقد دائم بنده درآمده اما هم اکنون که مدت چهار روز است که از عقد دائم می گذرد هر وقت به خانه او می روم او را پیدا می کنم و او هم مرا تمکین نمی کند. خواهشمند است حکم مسئله را از بابت نفقه و سایر احکام بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که با تقاضای شما تمکین نکند و با نهی شما از منزل بیرون برود; ناشزه است و نفقه ناشزه مادامی که در حال نشوز است و به تمکین برنگردد واجب نیست.

س۸۲۷ اگر مردی در عقد نکاح به زن وکالت بدهد در طلاق دادن خود و مدت وکالت را تعیین نکند و یا تصریح کند مادام الحیاه آیا این وکالت صحیح است؟ و عدم ذکر مدت وکالت ضرر به صحت وکالت می زند یا نه؟

ج باسمه

تعالی; توکیل زن در طلاق خودش، بین فقهاء محل خلاف است ولی به نظر حقیر جایز است و توکیل در مدت معین یا مادام الحیاه فرق ندارد و در جمیع موارد صحیح است.

س۸۲۸ معظم له چه سنی را برای ازدواج جوانان پیشنهاد می نمایید، برای طلاب علوم دینی چطور؟

ج باسمه تعالی; سن مخصوص ندارد. غیربالغ را باید ولی عقد کند یا اجازه دهد; اما بالغ رشید، می تواند خود را عقد کند و اجازه شخص خاصی لازم نیست، بین طلاب و غیره هم فرقی نیست.

س۸۲۹ اگر زن قبول زوجیت کند به شرط آنکه وکیل باشد در تطلیق خود و شرط کند مرد حق عزل او را از وکالت نداشته باشد و چنین شرطی هم نافذ باشد آیا مرد پس از چند سال می تواند بگوید من وکالت به زن داده ام و لذا به شرط عمل کردم و اگر عزل کند تخلف شرط نشده است؟ یعنی ادعا کند همین چند سال مشمول وکالت بلاعزل بوده آیا حق چنین ادعایی را دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه ظاهر عقد شرط، وکالت بلاعزل مادام العمر باشد مرد هیچ ادعایی نمی تواند بکند و وکالت به شرط عدم عزل لازم است و قابل تخلف نیست.

س۸۳۰ ازدواج با فرقه ضاله بهائیت چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۸۳۱ اخیراً شایع شده که دختر و پسر می توانند صیغه خواهر و برادری با هم بخوانند و در نتیجه مثل خواهر و برادر به یکدیگر محرم گردند آیا چنین صیغه ای در شرع داریم؟

ج باسمه تعالی; صیغه خواهر و برادری بی اساس است و در شرع مقدس

اسلام چنین صیغه ای مشروع نشده است. خداوند اسلام را از شر بدعت گذاران در دین حفظ بنماید.

س۸۳۲ ازدواج دائم یا موقت با اهل کتاب، حکمش چیست آیا در این دو مورد نیز اذن ولی شرط است؟

ج باسمه تعالی; ازدواج با اهل کتاب به گرفتن دختر از آن ها جایز است و اذن ولی هم شرط نیست.

س۸۳۳ ما را در زندگی زناشوئی مان نصیحت بفرمایید تا این که تا آخر عمر آویزه گوش قرار دهیم؟

ج باسمه تعالی; هر دو موازین شرعی را رعایت بنمایید زن را شوهر اطاعت کند و مرد هم زاید بر موازین شرعی بر زن تحمیل نکند; زن برای شوهر تزیین کند و با نامحرمان شوخی بی جا نکند، خصوصاً اگر شوهر ناراحت شود; در این صورت لذت زناشویی را خواهید چشید.

س۸۳۴ زن و شوهری بعد از ۲۰ سال زندگی مشترک و مرد بعد از جلب اعتماد همسرش کلیه وسایل زندگی و خانه مسکونی را که ۲ سال پیش به نام زن کرده و هیچ گونه وجهی از همسرش دریافت ننموده و زن با تحریک خانواده اش ۲ فرزند را مدت یک و نیم سال پیش رها کرده و به خانه پدرش رفته است و شوهرش هم عدم رضایتش را از این عمل زشت زنش، اعلام نموده است نظرتان را در مورد وسایل زندگی و منزل مسکونی و همچنین نماز و روزه زن که مرد هیچ گونه رضایتی ندارد بیان نموده و آیا زن می تواند به زور طلاق بگیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در مورد سؤال، زن عمل خلاف شرع انجام داده و در تمام ساعات این مدت

مرتکب خلاف شرع شده است و چنانچه سفر کند; باید نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد و نفقه او هم ساقط است و خانواده اش نیز عمل خلاف شرع انجام می دهند. ولی این ها تأثیری در خانه و وسایل زندگی که مرد به او بخشیده است ندارد; چون بخشش (هبه) به زوجه لازم است و زن نمی تواند به زور طلاق بگیرد.

س۸۳۵ آیا اذن پدر یا جد پدری در ازدواج و عقد دختر واجب و الزام است یا نه، و حتی اگر دختر رشیده باشد و مصلحت خود را بهتر از پدر بداند و در صورت عدم رضایت پدر و جد پدری عقد باطل است یا نه نظر حضرت عالی مورد نیاز است؟

ج باسمه تعالی; اذن پدر، شرط صحت نکاح نیست. در مورد سؤال، دختر می تواند بدون اجازه پدر ازدواج نماید.

س۸۳۶ ازدواج شیعه با اهل حق چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; زن گرفتن از آن ها جایز است.

س۸۳۷ آیا برای حلال شدن زن و شوهرهای آن منطقه در صورتی که شرعی نباشد راهی وجود دارد؟

ج باسمه تعالی; راه شرعی بدون خواسته آنان نیست و با خواسته خودشان صیغه خوانده شود.

س۸۳۸ بنده بچه ای شیرخواره دارم که توسط مادرزن بنده به او شیر داده شده است لطفاً حکم همسر من با حقیر را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; همسرتان، به شما حرام می شود.

س۸۳۹ حکم اولاد آن ها از جهت طهارت مولد چیست؟

ج باسمه تعالی; حلال زاده اند.

س۸۴۰ جوانی با دختری ازدواج نموده ولی قبل از دخول همین دختر فوت کرده نهایت آن جوان به هر وسیله ممکن پس

از فوت دختر با آن مقاربت نموده لذا در بین وراث راجع به مهریه اختلاف به وجود آمده خواهشمند است نظر مبارک را بیان کنید به مهریه آن که آیا نصف است یا تمامی آن؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست بیش تر از نصف مهریه بدهد.

س۸۴۱ اگر مردی برای هم صحبتی خودش با دختری نامحرم که هر دوی آن ها مجرد هم هستند رابطه دوستانه برقرار سازد و هدفش فقط صحبت کردن و درد دل باشد و قصد لذت هم با آن دختر نداشته باشد حکم آن چگونه است؟

ج باسمه تعالی; با اطمینان به این که مبتلا به معصیت نشود; اشکال ندارد.

س۸۴۲ دختری به مدت سه سال عقد شده است و در این مدت نامزد این دختر ارتباطش را قطع کرده و هیچ کمک خرجی و کمک مالی نداشته است آیا در موقع طلاق که از طرف مرد صورت بگیرد نفقه تعلق می گیرد برای این مدت سه سال، در ضمن قطع رابطه صددرصد نبوده است؟

ج باسمه تعالی; بلی، چنانچه دختر، حاضر به زندگی بوده و شوهر او امتناع کرده و دختر تمکین هم می نموده است نفقه او را مرد باید بدهد. یعنی نفقه تمام مدت را باید بپردازد.

س۸۴۳ آیا نفقه زوجه حاملی که زوجش فوت کرده و یا در عده وفات است از مال زوج پرداخت می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; از مال زوج نیست; بلکه از مال ولد است.

س۸۴۴ در صورتی که زوج از پرداخت نفقه امتناع کند و یا برای مدت طولانی غائب شود و یا این که به درجه ای از سفاهت برسد که تصرف او

در اموال و دارایی خود غیر عقلایی باشد، یا این که مجنون شود، تکلیف نفقه زوجه چه می شود و مسئول پرداخت آن کیست؟

ج باسمه تعالی; اگر مرد از پرداخت نفقه امتناع کند; چنانچه مالی دارد حاکم شرع باید از مال او پرداخت نماید و اگر ندارد و راهی هم نیست بر مجبور کردن او بانفاق، حاکم شرع می تواند زن را طلاق دهد.

س۸۴۵ آیا نفقه به محض ایجاد علقه زوجیت واجب می شود یا شرایط دیگری را قائلید و آیا وسائل تنظیف و آرایش و مخارج مداوا ولو در بیماری صعب العلاج، هزینه زایمان، هزینه تجهیز و غیره را نیز جزه نفقه می دانید یا خیر؟ به طور کلی نفقه چیست؟

ج باسمه تعالی; نفقه به مجرد عقد، واجب مشروط به تمکین است و تمام ما یحتاج الیه المرئه در معاش و زندگی مناسب با مقام او، حتی مهمانی دادن و سفرهای تابستانی رفتن و امثال این ها و هزینه زایمان جزء نفقه واجب است.

س۸۴۶ به نظر جناب عالی ضابطه اصلی در اجزاء نفقه چیست؟ آیا نفقه ملاک خاصی دارد یا یک مسئله عرفی است؟

ج باسمه تعالی; با آنچه در مسأله قبل اشاره شد; معلوم شد که ملاک نفقه یک مسأله عرفی است و ملاک خاصی ندارد.

س۸۴۷ میزان نفقه باتوجه به وضعیت زن تعیین می شود یا رعایت حال شوهر معیار و ملاک است و آیا زن مالک نفقه می شود یا فقط حق انتفاع دارد؟

ج باسمه تعالی; با وضعیت زن تعیین می شود و زن مالک نفقه می شود. در غیر مسکن و خادم، حتی در لباس هم زن مالک

می شود و لذا لباس زن، جزء ما ترک محسوب نمی شود.

س۸۴۸ شما در رساله فرموده اید که دختر اگر به حد بلوغ رسیده باشد و رشیده باشد و مصلحت خود را تشخیص دهد باکره باشد یا نباشد عقد موقت باشد یا دائم احتیاج به اجازه پدر و جد پدری ندارد لذا تقاضا دارم مرقوم نمایید منظور از بلوغ و رشیده سن تکلیف است یا چیز دیگر؟

ج باسمه تعالی; مراد از بلوغ سن تکلیف است که ۹ سال تمام است و مراد از رشیده، این است که صلاح و فساد را تشخیص دهد که بعید است دختر در اوائل سن بلوغ بتواند آن را تشخیص دهد; ولی در سنین بالا امکان دارد.

س۸۴۹ بیان فرمایید آیا جایز است زوجه بدون اجازه زوج در موارد زیر از خانه خارج شود (خواه عقد دائم باشد یا موقت)

ج باسمه تعالی; در عقد موقت، خروج از منزل در صورتی که مزاحم با آنچه حق زوج است نباشد هیچ اشکال ندارد و اما در عقد دائم که چند سئوال نمودید به این شرح:

س۸۵۰ ۱ خروج از منزل برای کسب معارف اعتقادی به مقدار لازم و ضروری و همچنین برای فراگیری وظایف شرعی.

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۸۵۱ ۲ خروج از منزل برای معالجه بیماری چنانچه امکان درمان در منزل نباشد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۸۵۲ ۳ خروج از منزل برای فرار از ضررهای جانی و مالی؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۸۵۳ خروج برای انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل است مانند سفر به حج و نجات نفس محترمه؟

ج باسمه تعالی; این

گونه خروج ها، متوقف بر اجازه شوهر نیست.

س۸۵۴ ۵ چنانچه ماندن در منزل توأم با عسر و حرج غیرقابل تحمل باشد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۸۵۵ ۶ چنانچه در ضمن عقد نکاح انتخاب مسکن و اشتغال به مشاغل اداری به زوجه محول شده باشد و به عنوان شرط در ضمن عقد برای خود سلب محدودیت کرده باشد؟

ج باسمه تعالی; زوج حق جلوگیری ندارد.

س۸۵۶ ۷ خروج برای تأمین معاش چنانچه شوهر او قادر به آن نباشد یا از انفاق سرپیچی کند؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۸۵۷ ۸ خروج از منزل برای تظلم و دادخواهی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; بی اشکال است.

س۸۵۸ آیا پسر شیرخوار با مادر همسر محرم است یا خیر؟(یه جوریه سوال انگار ناقصه)

ج باسمه تعالی; محرم نمی شود.

س۸۵۹ آیا پسر با دختر زوجه اش که در واقع دختر خوانده او می شود محرم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، محرم است.

س۸۶۰ آیا در صورت فوت زوجه برای پسر شیرخوار محرمیت ها باقی است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، باقی است.

س۸۶۱ ازدواجی واقعی شده، بعد از مدتی مشخص شده که خانم ناراحتی هورمونی دارد و از ناحیه بدن به پایین پوست بدنش به مانند مردان است و موهای او بیش از حد مردان می باشد عروسی هم انجام نشده است و مرد از خانه زده شده و معترض است که چرا به من نگفته ای آیا عقد منعقد است یا نه؟ آیا مهریه به این زن تعلق می گیرد یا نه؟ آیا نفقه به این خانم تعلق می گیرد یا نه؟ بذل محبت شود تکلیف شرعی

را روشن نمایید.

ج باسمه تعالی; چون عیبی که نوشته اید از عیوبی نیست که موجب فسخ می شود بنابراین نمی توانید فسخ کنید و عقد صحیح است ولی می توانید طلاق دهید و چون قبل از دخول طلاق می دهید نصف مهریه را باید پرداخت کنید. اما اگر زن در اختیار شما بوده است نفقه او واجب است.

س۸۶۲ آیا زنی که در عده وفات است می تواند از خانه خارج شود؟

ج باسمه تعالی; بله، می تواند; ولی مکروه است و زینت کردن جایز نیست.

س۸۶۳ رقص زوج برای زوجه و بالعکس چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است بلکه در بعضی موارد مستحسن است.

س۸۶۴ اگر کسی زنی را گرفت و بعد از عقد معلوم شد که زن کچل است یا یک چشم مصنوعی دارد یا عقیم است آیا مهر المثل دارد یا مهر المسمی؟

ج باسمه تعالی; مهر المسمی.

س۸۶۵ اگر مرد یا زن هر دو را جادو کنند تا راضی بشوند و رضایت برای ازدواج حاصل می شود؟ آیا عقدی که واقع می شود عقد مکروه حساب می شود چون اگر جادو نبود رضایت هم نبود؟

ج باسمه تعالی; خیر عقد مکروه نیست و عقد صحیح است.

س۸۶۶ با توجه به این که هر زن بعد از طلاق می باید عده نگاه دارد ولی سؤال به این صورت شده است که زنی بعد از طلاق از همسرش، بعد از ۴۷ روز با شوهر دوم ازدواج می کند در حالی که مسئله را نمی دانسته است و الآن چهار فرزند دارد و مطلب را، الآن به شوهرش گفته و شوهرش هم مسئله را نمی دانسته

است، تکلیف آن ها چه خواهد بود؟

ج باسمه تعالی; چنانچه در ۴۷ روز بعد از پاکی که در آن طلاق داده شده; دو مرتبه حیض ببیند و پاک شود; حیض سوم که دید; عده تمام می شود و عقد دوم صحیح است و هیچ اشکالی ندارد; اگر در آن مدت ۳ بار حیض نشده; قهراً در عده بوده و ازدواج دوم باطل است و آن زن بر شوهر دوم حرام ابدی است و چون جاهل بوده اند بچه ها حلال زاده اند و ملحق به پدر و مادرشان می باشند.

س۸۶۷ شرائطی که در سند ازدواج نوشته شده منجمله اگر شوهر بدون جهت زن را طلاق داد باید نصف دارایی خود را که بعد از ازدواج به دست آورده به زن بدهد و امثال این شرایط وجود دارد و زوجین از روی حیاء و یا اکراه امضاء نمایند که قصد جدی نداشته باشند آیا صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شرط را در ضمن عقد بنماید و اکراهی، هم نباشد; باید عمل کنند و الا صحیح نیست.

س۸۶۸ اگر کسی با دختری ازدواج کند به شرط باکره بودن به مهر المسمی و اگر باکره نبود به مهر کمتری که خود شوهر معین می کند به دلیل (المؤمنون عند شروطهم) این شرط صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مهر باید معین باشد و مهر با تردید باطل است و عقد صحیح است ولی مهر المثل به عهده مرد است.

س۸۶۹ آیا به نظر جناب عالی فرد شیعه می تواند با سنی و یا کافر ازدواج کند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; ازدواج با سنی اشکال

ندارد. زن کافر گرفتن هم جایز است; ولی دادن زن مسلمان به مرد کافر جایز نیست.

س ۸۷۰ حق هم خوابگی زن دائمی در چه شبی ثابت و در چه شبی ساقط است؟

ج باسمه تعالی; هم خوابی هیچ وقت لازم نیست و به معنای بیتوته در نزد او، واجب است و آن حد ندارد و قابل اسقاط است.

س ۸۷۱ اگر زوج به شرط باکره بودن زوجه به مهر المسمی عقد را خواند و اگر باکره نباشد به مهر کمتر از مهر المسمی باشد این شرط چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; صحیح نیست; ولی شرط بکارت اشکال ندارد و اگر خلاف آن ثابت شود; عقد صحیح است ولی مهر ثیب ثابت می شود.

س ۸۷۲ کسی در سال ۱۳۶۸ فوت نموده آیا می شود بعد از چند سال به او وکالت بدهند پیش روحانی دیگری صیغه عقد دختر باکره را بدون اجازه پدر و جد پدری به وکالت انجام دهند و پایین ورقه را امضاء نماید و این دختر را به ۲ مرتبه صیغه بخوانند صیغه عقدی در تهران بدون شرط و شروط و صیغه عقدی در قم با شرائط مندرج در عقد نامه های جدید عاقد دومی هم فوت کرده؟

ج باسمه تعالی; نمی توان به مرده وکالت داد یک دختر هم برای دو نفر عقد نمی شود.

س ۸۷۳ آیا ربیبه مرد برای ازدواج او اذن مرد لازم است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در ربیبه اذن لازم نیست.

س ۸۷۴ اگر بچه ای قبل از بلوغ با زنی جماع کند و مهر المثل بدهد آیا غسل کند صحیح است یا باید بعد از بلوغ غسل کند؟

ج باسمه تعالی; باید

بعد از بلوغ غسل نماید.

س۸۷۵ دختر باکره بودن بدون اجازه پدر از راه متعه با کسی محرم شده به شرط حفظ بکارت و احتیاج به این محرمیت داشته آن جوان در غیاب پدر دختر، مخفیانه به منزل دختر آمده و از خوردنی و آشامیدنی استفاده کرده آمدن جوان جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; عقد صحیح است و چنانچه خانه مال پدر است در ورود به خانه و خوردن چیزی باید رضایت پدر احراز شود.

س۸۷۶ اجراء عقد دائم یا منقطع مثلا از فردا الخ چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; صحیح است و اتصال مدت، به عقد لازم نیست.

س۸۷۷ اگر زن و شوهر در ضمن عقد شرط کنند که مرد همسر دیگری اختیار نکند و یا این زن را طلاق ندهد اگر تخلف شرط نمود فلان مبلغ به طرف مقابل بپردازد این چه حکمی دارد؟ خلاف سنت و کتاب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مسأله را در فقه الصادق مفصلا نوشته ام و روایتی که توهم شده دال بر بطلان شرط می باشد مربوط به این مسئله نیست و ماحصل تحقیق حقیر این است که اگر شرط فعل یا ترک، کند; شرط صحیح و لازم است و اگر شرط کند که حق طلاق یا ازدواج دیگر نداشته باشد شرطی است باطل و خلاف کتاب و سنت می باشد.

س۸۷۸ مراسم ازدواج و عقد و عروسی در اسلام چگونه باید برقرار باشد که ممدوح و مطابق با شرع مقدس باشد؟

ج باسمه تعالی; بدون ساز و آواز و اختلاط زن و مرد باشد و مجلس را ساده برقرار کنند.

س۸۷۹ با توجه به این که سنگین

بودن مهریه باعث ناموفق بودن ازدواج و به فساد کشیدن دختران و پسران شده آیا شرع مقدس اسلام در این باره دستور تعیین مهریه را صادر نکرده است تا جلوگیری از فساد بشود؟

ج باسمه تعالی؛ شارع مقدس، مهر السنه را تعیین فرموده و هرچه کمتر باشد، بهتر است.

س ۸۸۰ آیا خواندن عقد دختر باکره بدون اذن پدر و جد پدری برای دو نفر در یک روز صحیح است و کدام یکی اثر دارد و یا هر دو باطل است؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه دختر اذن داده باشد عقد اول صحیح است.

س ۸۸۱ اگر دختری با جوانی ازدواج نماید که معتاد به تریاک و سیگار و مشروبات الکلی باشد چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ ازدواج نمودن با چنین شخصی که می دانسته چنین است کاشف از عدم رشد است.

س ۸۸۲ خانم بنده حرف مرا قبول نمی کند و بدون اجازه من به بیرون می رود آیا نماز واجب و مستحب ایشان مقبول می شود در حالی که حرف شوهر خود را قبول نمی کند؟

ج باسمه تعالی؛ قبول نکردن حرف شوهر و بیرون رفتن بدون اجازه او حرام و معصیت است، ولی نمازش صحیح است.

س ۸۸۳ دختر باکره را می شود با اذن خودش بدون اطلاع پدر متعه کرد یا نه؟ و به عبارت دیگر آیا در متعه هم مثل عقد دائم اذن پدر شرط نیست؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه رشیده باشد؛ اذن پدر در ازدواج دائم و متعه شرط نیست و رضایت خودش کافی است.

س ۸۸۴ اگر کسی به هیچ نحو قادر به ازدواج نباشد یعنی همیشه در امور زندگیش با شکست مواجه بوده و حتی قادر به

سبک ترین نوع ازدواج نباشد و ازدواج نکردن اختلالاتی در بدنش به وجود آورد که چه بسا منجر به افتادن در حرام باشد آیا می تواند به وسیله خوردن دارو یا عمل جراحی رجولیت خود را از بین ببرد؟

ج باسمه تعالی؛ به کلی از بین بردن آن اشکال دارد ولی به صورت موقت می تواند از قندهائی که کافور در آنهاست بخورد تا مدتی راحت شود که در آن صورت اشکال ندارد.

س۸۸۵ جهیزیه ای که پدر به فرزند می دهد آیا مالك او می شود یا فقط جواز تصرف در آن ها را دارد؟

ج باسمه تعالی؛ شاید بلاد، مختلف باشد در این اقطار، ظاهراً که تملیک است.

س۸۸۶ در پرونده اختلاف زن و شوهر قاضی تحقیق از زوج پرسیده اقدام به ازدواج کرده اید؟ زوج گفته بلی اقدام کرده ام زوج منکر ازدواج مجدد هست و می گوید کلمه اقدام به ازدواج را هم جهت ترغیب و تشویق همسرم گفته ام که به خانه برگردد. آیا از نظر شرعی جمله اقدام به ازدواج، اقرار به ازدواج می باشد یا نه؟ و حکم ازدواج مجدد به کلمه اقدام به ازدواج جاری می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه جمله اقدام به ازدواج کرده ام؛ مجرد از قرائن باشد؛ اقرار به ازدواج نیست و نمی شود آثار شرعی و قانونی ازدواج را به آن مترتب نمود.

س۸۸۷ در چه مواردی نفقه ساقط می شود منظور از تمکین، تمکین خاص است یا انجام وظائف زوجیت از قبیل حسن معاشرت، معاضدت با یکدیگر در تشیید مبانی خانواده، احترام نظر شوهر و... را نیز شامل می شود و آیا

مواردی که با وجود رابطه زوجیت نزدیکی با زوجه حرام است نیز نفقه واجب می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در موردی که زن از استمتاع با عدم مانع عقلی و یا شرعی تمکین ننماید نفقه ساقط می شود و این به شرطی است که تمکین واجب باشد. پس اگر زن از وطی دبر ولو جایز باشد تمکین نکند; نفقه ساقط نمی شود و نیز انجام ندادن وظایف غیر زناشویی موجب سقوط نفقه نمی شود و به طریق اولی، اگر در موردی که نزدیکی با زوجه حرام است; زن تمکین ننمود; نفقه ساقط نمی شود.

س۸۸۸ شخصی دو یا سه سال پیش قبل از فوت خانه مسکونی خود را طی نامه ای به نسبت یکدانگ برای همسر، دو دانگ برای یک دختر و سه دانگ برای پسر خود، اقرار به فروش و دریافت وجه کرده است. نامبرده پس از مرگ نزدیک یک میلیون تومان وجه نقد داشته که از این مبلغ حدود ششصد هزار تومان آن را بدهکار بوده است. همچنین مبلغ یک و نیم میلیون تومان دیه فوت به این خانواده داده شده است و مهر همسر متوفی نیز یک میلیون و نیم تومان بوده است آیا پرداخت مهر همسر متوفی لازم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، لازم است. مهر مانند دیون دیگر بر ارث مقدم است اول باید مهر را بدهند اگر چیزی باقی ماند به ورثه بدهند.

س۸۸۹ شخصی ۴ زن دارد اولی یائسه است و اولاد ندارد، دومی دو اولاد دارد، سومی حامله است و چهارمی نامعلوم است اموال این شخص چطور باید تقسیم گردد؟ مهریه عیال های او چگونه

است؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که هر چهار زن عقد دائم باشند یک هشتم اموال مخصوص آن ها است و بقیه اموال برای حمل سهم دو پسر را کنار بگذارند تا اگر زنده متولد شد به او بدهند و اگر نه، آن مقدار هم بین وراث تقسیم می شود. بقیه اموال مال اولاد است للذکر مثل حظ الاثنین.

س ۸۹۰ آیا دختر رضاعی که با شرائط مربوطه از سینه زنی شیر می خورد به شوهر زن محرم می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، به همان شوهری محرم است؛ که از همسر او شیر به رضیع داده شده است.

س ۸۹۱ اخیراً مرسوم است که با اعمال جراحی کوچک لوله های جنسی مرد یا زن را می بندند و به صورت موقت عقیم می شوند و بعداً در صورت خواستن، لوله ها را باز می کنند آیا جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ با رضایت زن و شوهر مانعی ندارد.

س ۸۹۲ زن و شوهری که دارای قرابت فامیلی بوده اند پس از مدت چندین سال زندگانی دارای فرزند نشده اند لذا پسر شیرخواری را به فرزندی قبول کرده اند و مادرشوهر را بر او عقد کردند چند سؤال پیش می آید؟

س ۱ آیا اگر این پسر را که به عقد و نکاح مادرشوهر درآورند این فرزند به همسر این شوهر که در واقع عروس خوانده این پسر خواهد شد محرم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ ظاهراً محرم نمی شود.

س ۲ آیا این پسر شیرخوار با مادر همسر محرم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ محرم نمی شود.

س ۳ آیا این پسر با دختر زوجه اش که

در واقع دختر خوانده او می شود محرم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، محرم است.

س ۴ آیا در صورت فوت زوجه پسر شیرخوار محرمیت ها باقی است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، باقی است.

س۸۹۳ آیا جایز است داستان عقد و ازدواج حضرت قاسم بن حسن در واقعه کربلا را نقل کنیم و آیا این جریان صحت دارد؟

ج باسمه تعالی; بسیار بعید است و بنده سند معتبری برای آن ندیدم.

س۸۹۴ اگر کسی زنش بمیرد و با زن دیگری ازدواج کند آیا داماد و نوه های زن اول به زن دوم محرم هستند یا نه؟ همچنین زن انسان به ناپدری هم محرم است یا نه؟ اولادش چطور؟

ج باسمه تعالی; داماد به او محرم نیست; ولی نوه ها محرم اند و زن به ناپدری محرم نیست; ولی اولاد محرم اند.

س۸۹۵ اولاد خواهر و برادر هرچه پایین روند آیا به انسان محرم هستند یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی محرم اند.

س۸۹۶ اگر کسی زنش بمیرد و مادر زنش هم با مرد دیگری ازدواج کند و شخص مذکور نیز زن دیگری اختیار کند آیا باز هم مادرزن محرم است یا نه در صورت طلاق دادن زن چطور و همچنین اگر پسر کسی بمیرد و عروس آن شخص با شخص دیگری ازدواج کند یا پسرش زنش را که عروس شخص مزبور می باشد طلاق بدهد و عروس با شخص دیگری ازدواج بکند یا نکند آیا باز هم عروس به پدرشوهر قبلی محرم هست یا نه؟

ج باسمه تعالی; در هر دو مورد در جمیع صور محرم اند.

س۸۹۷ وطی دبر چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; بدون

رضایت زن جایز نیست و با رضایت او، مکروه است همچنین در حال حیض، کراهت شدید دارد. امام معصوم(علیه السلام) در این باره می فرماید: کار خوبی نیست و ما چنین عملی را انجام نخواهیم داد.

س۸۹۸ اگر بین جملات عقد ازدواج عاقد حرف بزند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; به مقداری که به اتصال ضرر نرساند اشکال ندارد.

س۸۹۹ اگر پدر و پسر با دو خواهر ازدواج کنند یا پدر قبلا و پسر بعداً ازدواج بکنند آیا چنین ازدواجی بلامانع است یا نه؟

ج باسمه تعالی; به هر نحو که ازدواج انجام شود، بلامانع است.

س۹۰۰ بنابر عقیده بعضی دختر قبل از ۱۳ سالگی بالغ نمی شود آیا دلیلی بر این مطلب وجود دارد؟

ج باسمه تعالی; حرفی است غیرصحیح، یک روایت بر آن دلالت دارد; ولی چند روایت معتبر برخلاف آن وجود دارد.

س۹۰۱ آیا زن در عده وفات حق نفقه دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که حامله نباشد، نفقه ندارد و اگر حامله باشد از مال بچه اش به او نفقه می دهند.

س۹۰۲ چنانچه مهریه زنی را سفر حج قرار بدهند و قبل از رفتن به حج زن فوت نماید آیا ورثه حق مطالبه را دارند یا نه؟ بر فرض ثبوت حق چند سؤال می شود.

ج باسمه تعالی; لابد قیمت سفر حج که مهر قرار داده شده است معلوم است و اگر خانم فوت شده باشد در استیفاء حق کوتاهی نکرده است و قهراً ضامن قیمت مهریه که مالکیت دارد مرد می باشد و آن دین مثل سایر اموال به ورثه می رسد و اگر قیمت آن معلوم نباشد; مشهور بین

فقهاء آن است که مهریه به مهرالمثل مبدل می شود و باز همین حکم جاری است.

س۱ در صورت مطالبه ورثه، نحوه تقسیم سفر حج بین ورثه چطور خواهد شد اگر شوهر راضی به پرداخت به قیمت نشد؟

ج باسمه تعالی; شوهر باید قیمت آن را بدهد و رضایت او شرط نیست.

س۲ در صورت اختلاف نظر فقهاء در مسئله فوق چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی; باید نظر مرجع تقلید شوهر رعایت بشود و احتیاطاً مصالحه هم بشود و چنانچه مصالحه نشد و تزاحم حقوق پیش آمد به قاعده عدل و انصاف مراجعه شود.

س۳ در صورت لزوم پرداخت، قیمت روز و یا قیمت زمان قرار مهریه محاسبه می شود؟

ج باسمه تعالی; در صورت اختلاف قیمت، فقهاء فرموده اند مهرالمثل میزان است. بنابر این مهرالمثل همان زمان عقد میزان است.

س۴ در فرض مذکور اگر شوهر مهریه خانم را در بودن خودش به سفر حج قرار بدهد اکنون موضوع منتفی شده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شوهر کوتاهی نموده، ضامن قیمت آن در هنگام موت است.

س۵ در مسئله فوق اگر مرد فوت کند چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; حکم سایر دیون را دارد.

س۹۰۳ آقایی بچه دار نمی شده است و حالا یک دختر بچه ۴۰ روزه گرفته اند این دختر از طریق شیردادن به فامیل شوهر این خانم محرم شده ولی به فامیل دختر (یعنی مادرخوانده) محرم نیست اگر این دختر بچه را صیغه پدر این مادر خوانده شود آیا به دایی هایش محرم می شود (یعنی به برادرهای این مادر خوانده) یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی، محرم می شود.

س۹۰۴ آیا پسری که

قصد ازدواج دارد اما شرایط ازدواج از نظر مالی یا خانوادگی، هنوز مهیا برایش نیست; می تواند به دختری که مورد نظرش است نظرش را جهت ازدواج با او اعلام بدارد و نیز در این مدت که شرایط ازدواج برایش مقدور نیست جهت آشنایی بیشتر با او رابطه پنهانی برقرار نماید؟

ج باسمه تعالی; اعلام نظر ازدواج به او، هیچ اشکالی ندارد ولی روابط پنهانی به معنی استمتاع و... جایز نیست; مگر آن که دختر بالغه و رشیده باشد که در آن صورت با عقد موقت، بی اشکال است.

س۹۰۵ پسری که به قصد ازدواج به خواستگاری دختری رفته است آیا می تواند از نظر شرع مقدس اسلام به بدن دختر بدون واسطه نگاه بکند تا اگر عیب و ایرادی نداشت یا پسندید با او ازدواج نماید؟ در صورت جایز بودن با ذکر حدود نگاه را بیان نمایید؟

ج باسمه تعالی; در فرضی که بنای ازدواج دارد می تواند به تمام بدن او عاریا (بدون هیچ پوششی) نگاه کند و مدرک آن روایات است.

س۹۰۶ اگر با زنی عقد کند که در داخل بدن، مریضی داشته و ایشان نمی دانست و بعد از ازدواج فهمید آیا مداوای زن به عهده مرد است؟

ج باسمه تعالی; خیر، به عهده مرد نیست.

س۹۰۷ جهازیه ای که دختر به خانه شوهر می برد از شوهر قبض رسید گرفتن لزومی دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; لزومی ندارد.

س۹۰۸ بدهی زن مانند کفاره روزه و کفاره حج و عمره بر شوهر واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی; واجب نیست.

س۹۰۹ در غیر موارد نشوز موارد لزوم اطاعت از شوهر را بیان

فرمایید؟

ج باسمه تعالی; زن نباید بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود یا مسافرت کند برای زناشویی باید فرمان شوهر را اطاعت کند همچنین بدون اذن او نذر ننماید و هکذا...

س۹۱۰ اگر مهریه ۱۰۰۰ عدد سکه بهار آزادی باشد طرف قدرت پرداخت نخواهد داشت می گویند که مهریه چه کسی گرفته و چه کسی داده آیا عقد صحیح است؟ و آیا دختر مستطیع می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; عقد صحیح است و دختر خانم در صورتی که بتواند مهر را به مقدار سفر حج از شوهر بگیرد مستطیع می شود و اگر شوهر قدرت ندارد; زن در تأخیر حج معذور است.

س۹۱۱ زنی در حال حیض به عقد مردی در می آید و با آن حال با شوهر همبستر می شود و زن به شوهر نگفته آیا در عقد اشکالی پیش می آید و کفاره برای زن هست یا خیر؟

ج باسمه تعالی; عقد صحیح است و حکم کفاره در رساله توضیح المسائل توضیح داده شده است. به هر حال بر زن کفاره نیست.

عقد موقت

س۹۱۲ زنی به عقد موقت پسر شخصی در می آید بعد از اتمام مدت به پدر پسر صیغه می شود و بعد از اتمام مدت می خواهد به عقد دائم پسر در بیاید می تواند یا خیر؟ و عقد آن با پدر پسر صحیح بوده است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; عقد آن دختر بر پدر باطل است ولی عقد اولی و دومی برای پسر صحیح است.

س۹۱۳ اگر کسی با زنی به عقد موقت ازدواج کند و قبل از اتمام مدت عقد بخواهد دائمی کند آیا بذل مدت

باقی مانده لازم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست. ولی چنانچه مدت را ببخشد; بهتر است.

س۹۱۴ با توجه به این که روز به روز فاصله بین بلوغ جنسی و سن ازدواج رو به افزایش است و به دلایل و مشکلات متعدد، جوانان از ازدواج خودداری می نمایند این مسئله باعث شده روابط نامشروع دختران و پسران از مشکلات اصلی جامعه و جوانان به حساب آید و این عمل علاوه بر حرمت شرعی گاهاً آثار و تبعات اجتماعی و روانی نیز به دنبال دارد آیا دعوت دختران و پسرانی که دارای روابط نامشروع هستند و بر ادامه آن اصرار می ورزند با حفظ میزان رابطه، به ازدواج غیر دائم با اذن و یا بدون اذن ولی صحیح است؟ آیا این عمل خروج از حرام به حلال است که در برخی روایات به آن اشاره شده است؟

ج باسمه تعالی; در مورد سؤال عقد موقت حتی بدون اذن ولی، صحیح است. ولی باید شرایط رعایت شود مثلا اگر دو نفر ازدواج نمودند و دخول انجام شده، پس از جدایی باید دختر عده نگه دارد و پس از انقضای عده با جوان دیگری ازدواج کند و نیز بر دختر لازم است آبروی خود و فامیلش را ملاحظه کند. با تمام این ملاحظات عملی بسیار خوب و مستحسن است.

س۹۱۵ متعه فی نفسها مباح است یا مستحب؟

ج باسمه تعالی; مستحب است.

س۹۱۶ آیا اجازه ولی را در عقد موقت دختران بالغ شرط می دانید؟

ج باسمه تعالی; اجازه ولی در عقد موقت و دائم دختران بالغ و رشید شرط نیست و عقد بدون اذن ولی صحیح است.

س۹۱۷ در

مورد صیغه لطفاً بفرمایید با چه کسانی می توان صیغه موقت را جاری کرد؟

ج باسمه تعالی; صیغه نمودن دختری که می توان با او عقد دائم اجراء نمود جایز است و شرط مخصوصی ندارد. ولی بعد از یک مرتبه صیغه شدن با مقاربت، باید برای مرتبه بعد عده نگه دارد. بنابراین در یک شب یک دختر در صورتی که دخول شود نمی تواند با دو پسر صیغه شود و چنانچه دخول در کار نباشد و فقط استمتاعات دیگر باشد; عده ندارد والله العالم.

س۹۱۸ در خصوص ازدواج مجدد با زنی که عقد موقت بوده و هنوز عده او تمام نشده آیا با شوهر قبلی می تواند ازدواج کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند ازدواج نماید.

س۹۱۹ خواهشمندم بیان فرمایید در چه موارد شرط جزایی، صحیح و موجب صحت فعل مشروط می شود و در چه مواردی باطل است؟

ج باسمه تعالی; هر شرطی که خلاف کتاب و سنت نباشد و در ضمن عقد باشد; صحیح است و در شرط جزایی و غیره فرقی ندارد.

س۹۲۰ آیا می توان دختر بالغ یا نابالغ را به عقد موقت پسر نابالغ در آورد؟

ج باسمه تعالی; پدر در صورتی که مصلحتی در صیغه باشد می تواند ولی غیر او نمی تواند; مگر در صورتی که ضرورت شدیدی باشد همچنین در صورت آشنا نبودن پدر حاکم شرع می تواند.

س۹۲۱ بعضی از مراجع ازدواج موقت با اهل کتاب را جایز می دانند به نظر شما آیا جایز است یا نه؟ اگر زن مشرک باشد چطور؟

ج باسمه تعالی; ازدواج موقت و دائمِ مرد با زنِ اهل کتاب مانعی ندارد

ولی با مشرک جایز نیست.

زنا

س۹۲۲ اگر دوشیزه (باکره) به خانه مردی که فاقد شرایط احصان باشد برود و چندین ساعت در آن جا بماند و به قرار طرفین وطی به دبر صورت گرفته باشد آیا صرف ادعای دختر که همچنان دوشیزه است به این که وطی به عنف بوده (احتمالاً به دلیل وجود مسایل خانوادگی و اجتماعی) بدون این که وطی به عنف توسط پزشک تأیید شده باشد یا شاهدی بر این مدعا وجود داشته باشد و یا مرد اقرار شرعی وطی به عنف نموده باشد آیا ادعای چنین دوشیزه زنای به عنف را اثبات می نماید یا خیر، و آیا علم قاضی در این مورد بدون ادله شرعیه می تواند زنای به عنف را که موجب قتل زانی است اثبات کند؟

ج باسمه تعالی; ادعای عنف و اکراه، با احتمال درست گفتن موجب سقوط حد از آن دوشیزه می شود ولی اثبات آن درحق مرد احتیاج به دلیل دارد، اگر مرد اقرار نکند حد زنای با عنف بر او اجرا نمی شود; ولی با علم قاضی زنای به عنف ثابت می شود.

س۹۲۳ اگر در مسئله فوق تعداد دوشیزگان که به آن ها وطی صورت گرفته بیش از یک نفر یا بیست نفر باشد و وطی به طور جداگانه و در زمان های متفاوت صورت گرفته باشد آیا تعدد دوشیزگان در حکم زنای به عنف به شرح مسئله اول تأثیری دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; تأثیر ندارد مگر آن که بعد از وطی اجرای حد شود و در مرتبه چهارم او را می کشند. البته این حکم مربوط به عنف نیست. در عنف

بین یک دوشیزه و بیست نفر فرقی نیست.

س۹۲۴ چنانچه مرد از دوشیزگان فوق، قبل از یا بعد از زنا در فرض تحقق، عکس بدون حجاب ولی با لباس نسبتاً پوشیده و یا مواردی ندرتاً نیمه عریان تهیه کند که (حسب الاظهار) استفاده از عکس ها رضایت دوشیزگان را می رساند آیا صرف احتمال استفاده از این عکس ها، به ضرر حیثیت اجتماعی آن ها می تواند دلیلی بر اکراهی بودن وطی های احتمالی قبل و یا بعد از گرفتن عکس ها باشد؟

ج باسمه تعالی; اکراهی بودن با این امور اثبات نمی شود; ولی برای سقوط حد نسبت به دوشیزگان ادعای آنها با احتمال اکراه کافی است. بنابر این حد قتل بر زانی نیست و بر دوشیزه ها نیز مطلقاً حد اجراء نمی شود.

س۹۲۵ اگر اعمال فوق را دو نقر با این تعداد از دوشیزگان منفرداً یا مجتمعاً در حضور هم یا عدم حضور و در زمان های متفاوت انجام داده باشند. آیا مورد فساد روی زمین تلقی می شود؟

ج باسمه تعالی; در شرع مراد از فساد فی الأرض غیر از این امور است، در این مورد فساد در روی زمین تلقی نمی شود.

س۹۲۶ تحقق زنای به عنف چیست؟

ج باسمه تعالی; عنف به معنای اکراه است، و در تحقق آن امور زیر معتبر است:

۱ شخصی او را مجبور به زنا بنماید، یعنی چنانچه برای رضایت خاطر او که عاشق او است تن به زنا دهد، اکراه صدق نمی کند.

۲ آن که باید شخصی که اکراه می کند; او را از نظر مالی یا جانی یا حیثیتی بترساند و در صورت

عدم تسلیم به او خسارت بزند و اگر وعده پولی یا مقامی بدهد بر این عمل، اکراه صدق نمی کند.

۳ ضروری که با آن او را می ترساند مورد حق او نباشد مثلا از آن دوشیزه پول طلب دارد و بگوید اگر حاضر به زنا نشوی آن پول را مطالبه می نمایم.

۴ آن که عنف، به خود عمل باشد.

س۹۲۷ آیا در زنای به محارم فقط حد کشتن است؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که زنای به محارم نسبی مانند مادر، خواهر، عمه و خاله و مانند آن ها باشد حد آن کشتن است و اگر محرمات رضاعی باشند حد آن کشتن نیست و اگر محرمات سببی باشد در خصوص مادرزن حد آن کشتن است و در غیر این مورد مانند دختر زن حد او کشتن نیست.

س۹۲۸ انکار بعد از اقرار چگونه است و در چه مواردی در مورد زنا مسموع است؟

ج باسمه تعالی; اگر اقرار به زنای موجب کشتن بنماید و بعد انکار کند; حد ساقط می شود ولی اگر اقرار به چیزی کند که حد آن تازیانه زدن است; حد ساقط نمی شود.

س۹۲۹ در زنای به عنف بیش تر جنبه حق الله بودن مطرح است یا حق الناس بودن آن، چنانچه در فرض زنای به عنف شاکیان گذشت نمایند آیا باز اشد مجازات را باید اعمال نمود و یا این گذشت می تواند موجب تخفیف مجازات در جرایم باشد؟

ج باسمه تعالی; حق الله است و با گذشت آنان تخفیف محقق نمی شود.

س۹۳۰ کسی با زنی زنا کرده است بعداً با دختر مزنی بها ازدواج کرده و دارای اولاد

می باشد احکام اولاد در صورت جهل به حکم و موضوع و در صورت علم به موضوع و حکم چیست؟

ج باسمه تعالی; عقد در جمیع صور صحیح است و اولاد حلال زاده اند.

س۹۳۱ بنده شوهری داشتم که به علت اعتیاد در زندان به سر می برد خودم را به عقد و صیغه مرد دیگری درآوردم و با او نزدیکی کردم با این حال که می دانستم این کار حرام است، بعد از این که از شوهرم طلاق گرفتم با آن شخص که نزدیکی کردم رسماً عقد نمودم آیا این عقد صحیح است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مردی در وقت شوهر داشت زنی او را صیغه کند و می دانسته که این زن شوهر دارد این زن بر او حرام ابدی است و راهی برای ادامه زندگی زناشویی نیست. بلی، چنانچه نمی دانسته; عقد دومی که رسمی است و بعد از عده بوده است; صحیح است.

س۹۳۲ فقهاء می فرمایند زنا با زن شوهردار موجب حرمت ابدی است آیا اگر فرزند به دنیا بیاید حلال زاده است و ارث و محرمیت می آورد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; حرام ابدی می شود و چنانچه بداند که زنا با زن شوهردار موجب حرمت می شود در این صورت بچه حرام زاده است و ارث نمی برد و اگر بداند و به خیال خودشان عقد بعد از جدا شدن از شوهر اول، موجب حلیت می شود بچه حلال زاده است و ارث می برد. در غیر این دو صورت ارث نمی برد و حرام زاده است.

س۹۳۳ آیا زنا حق الله است و یا حق الناس محسوب می باشد

لطفاً بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; مراد از حق الله تکالیف شرعی محض است اما حق الناس تکلیفی است که برای رعایت حال دیگران، چه مالی یا عرضی جعل می شود. بنابر این زنا حق الله است و اگر اکراه باشد که زنی را مجبور کند و بدون رضایت او باشد; حق الناس نیز می باشد.

س۹۳۴ اگر کسی دسترسی به زنش نداشت (دوری محل و...) و زنا کرد آیا محصن است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر محصن نیست.

س۹۳۵ اشخاص به علت قطع نخاع و یا علل دیگر قادر به نزدیکی با همسر نیستند زوجه مرتکب زنا شود محصنه است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; محصنه نیست.

طلاق

س۹۳۶ اگر زوج صغیر باشد و زوجه در عسر و حرج ناشی از ازدواج، حاکم حق اجبار ولی به طلاق را دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی.

س۹۳۷ طلاق ناشی از اکراه یا فضولی غیر، نافذ است یا باطل؟

ج باسمه تعالی; غیر نافذ.

س۹۳۸ زنی هستم که شوهرم در افغانستان به لشکر طالبان پیوسته و برای من مکرر نامه نوشته است که تو به افغانستان بیا تا تو را پیش طالبان برده و طلاقت را بدهم و چون رفتن من به آنجا خطرات جانی دارد و ثانیاً بودن من در اینجا بدون سرپرست مشکل می باشد آیا می توانم اینجا طلاق بگیرم؟

ج باسمه تعالی; چنانچه نفقه نمی دهد و کسی نیست که از طرف او نفقه بدهد; حاکم شرع می تواند طلاق بدهد.

س۹۳۹ در صورت مثبت بودن جواب سؤال بالا نوع طلاق را بنویسید؟

ج باسمه تعالی; مانند سایر موارد است و نوع خاصی ندارد.

س۹۴۰ چون این جدایی مدت

چند سال است که اتفاق افتاده آیا باید عده بگیرم یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه یائسه نشده اید; باید عده نگه دارید.

لواط

س۹۴۱ آیا در اجراء حد لاطی که قتل است احصان شرط است یا نه؟

ج باسمه تعالی; احصان شرط نیست; محصن و غیر محصن فرق ندارند.

س۹۴۲ آیا می توان شخصی که به اتهام لواط محکوم به قتل شده با چوبه دار یا اسلحه گرم اعدام نمود؟

ج باسمه تعالی; در صورت ایجاب مصلحت، مانعی ندارد.

س۹۴۳ مادر و خواهر پسری که لواط داده آیا در صورتی که بالغ باشد حرام می شوند یا نه؟

ج باسمه تعالی; حرام نمی شود زیرا در حکم به حرمت مادر و خواهر لواط دهنده; شرط است که لواط کننده بالغ باشد و لواط دهنده غیر بالغ باشد.

حجاب

س۹۴۴ پوشیدن کلاه لبه دار اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال دارد.

س۹۴۵ پوشیدن جوراب نازک و بدن نما برای خانم ها، در بیرون از منزل و انظار نامحرمان چه صورت دارد و بیرون گذاشتن موی سر از چادر و مقنعه توسط خانم ها در دید نامحرمان چگونه است؟

ج باسمه تعالی; حرام است و باید جلوگیری نمود.

س۹۴۶ آرایش زنان در خیابان ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن نما و لباس های محرک چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام است و باید نهی کرد. خداوند متعال جوانان ما را از شر این زن ها نگاه دارد.

س۹۴۷ حد حجاب خانم ها در نماز و غیر آن را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در نماز بر خانم ها لازم است که موها و تمام بدن، مگر دست ها تا مچ و پاها تا ساق را بپوشانند و همچنین پوشاندن ظاهر تمام صورت و باطن آن مانند دندان ها لازم نیست

و فرقی نیست بین آن که نامحرم باشد یا نباشد. اما در غیر نماز باید خانم ها از نامحرم بالغ بدن و موی خود را بپوشانند ولی پوشاندن صورت و دست ها تا مچ لازم نیست.

س۹۴۸ حد گفت و گوی مجاز نامحرمان را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; حد گفت و گوی نامحرمان عبارت است از آنچه منجر به فساد و خلاف شرع نشود و قبل از آن مطلقاً جایز است.

س۹۴۹ آیا دیده شدن کف پا در حالت سجده اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; دیده شدن کف پا در حالت سجده اشکال ندارد.

س۹۵۰ گفت و گوی دانشجویان دختر و پسر در مورد مسائل درسی و رفع اشکال آن چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است و اشکال ندارد.

س۹۵۱ گفت و گوی تلفنی با نامحرم در چه مواردی جایز است؟

ج باسمه تعالی; در همه موارد.

س۹۵۲ یکی از مشکلات تحصیل برای دختران در کشورهای غیر اسلامی حضور با حجاب اسلامی در کلاس درس می باشد به خصوص در بعضی از دروس عملی همچون تربیت بدنی که گذراندن دوره آن برای تمامی محصلین لازم می باشد باید با لباس ورزشی و بدون رعایت حجاب و در جمع هم کلاسی های مرد صورت گیرد باتوجه به ضروری بودن تحصیل برای دختر مذکور به خصوص در جهت امرار معاش و با علم به این که هیچ گونه فساد از این بی حجابی حاصل نمی شود ممکن است که بدون حجاب اسلامی در کلاس های درس حاضر شود؟

ج باسمه تعالی; در فرض سؤال، عدم رعایت حجاب اسلامی، جایز نیست.

س۹۵۳ نظر حضرت عالی درباره نگاه کردن طلبه ها به

تلویزیون چیست؟

ج باسمه تعالی; نگاه کردن به زنان مسلمان بی حجاب یا بد حجاب در تلویزیون حرام است، هم چنین گوش دادن به موسیقی و آلات لهوی که نواخته می شود حرام است، اما بقیه اش اشکال ندارد و فرقی بین طلبه و غیر طلبه نیست.

س۹۵۴ نظر حضرت عالی درباره سینه زدن به صورت لخت (برهنه) چیست و برای طلبه ها چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; سینه زدن به هر نحو خوب است و اشکال ندارد. ولی خانم ها نمی توانند به بدن لخت طلبه و غیر طلبه نگاه کنند.

س۹۵۵ پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چگونه است؟ و آیا نسبت به افراد جوان و مسن تفاوتی هست؟

ج باسمه تعالی; پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان جوان و مسن جایز است و نگاه کردن زن ها به دستان لخت مردان تا ذراع، اگر به قصد ریبه نباشد; اشکال ندارد.

س۹۵۶ پوشیدن لباس زنانه توسط مردان و بالعکس، در مجامع عمومی و نیز در موارد خاصی مثل تعزیه و نمایش چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; پوشیدن لباس زنانه توسط مرد و بالعکس، در مجامع عمومی و غیر آن ها مطلقاً جایز است خصوصاً، در مورد تعزیه و شبیه.

س۹۵۷ نظر شما درباره پوشیدن لباس هایی که عکس های مبتذل و یا علامات غربی دارند چیست آیا پوشیدن این گونه لباس ها اشکالی ندارد؟

ج باسمه تعالی; پوشیدن لباس فی نفسه، حرام نیست ولی در صورتی جایز نیست که عنوانی ثانوی بر آن مترتب شود که حرام باشد مانند اشاعه فحشاء، تقویت کفر و بی دینی.

س۹۵۸ امروز یک حرکت خزنده ای علیه چادر که یک

حجاب ملی و سنتی است آغاز گردیده است، خواهشمند است نظر مبارک را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; کسانی که این حرکت را ایجاد کرده اند یا تأیید می کنند یقیناً نظر اصلاحی ندارند و این گونه حرکات مقدمه مخالفت با حجاب شرعی است که نظیرش را در زمان رضاخان دیده ایم. خداوند شر این افراد را از سر مسلمانان رفع نماید.

س۹۵۹ اخیراً در میان برخی از جوانان مدل مو و لباس هایی از آن ها مد شده است که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه ارائه می گردد نظر به این که پوشیدن این لباس ها و خود این گونه آرایش کردن، عرفاً از مصادیق تشبه به کفار است، آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

ج باسمه تعالی; با وضع زمان ما که کفار و مسلمانان، در لباس مانند یکدیگرند این گونه تشبه اشکال ندارد; ولی فی نفسه کار خوبی نیست.

س۹۶۰ آیا پوشیدن مانتو که امروز مد شده حجاب اسلامی حساب می شود یا چادر لازم است که تمام بدن پوشیده شود؟

ج باسمه تعالی; مانتو چنانچه گشاد باشد و تمام بدن را بپوشاند تا پستی و بلندی بدن پیدا نشود; کافی است.

س۹۶۱ زنی موی سرش بیرون و معلوم باشد آیا می توان به این مقدار موی زن نگاه کرد؟ مخصوصاً هنگامی که فامیل باشد؟

ج باسمه تعالی; خیر نمی شود، فامیل و غیر فامیل فرق ندارد.

س۹۶۲ آیا پوشیدن صورت و دست های زنان واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی; نپوشاندن صورت و دست تا مچ در صورتی که مهیج نباشد جایز است.

س۹۶۳ سوار شدن زن بر موتور یا دوچرخه که مهیج شهوت

دیگران بشود چه صورت دارد آیا این افعال از علائم ظهور است؟

ج باسمه تعالی; زن مسلمان چنین کاری با فرض این که مهیج شهوت باشد; نمی کند و نباید بکند و انشاءالله تعالی ظهور آن بزرگوار نزدیک باشد.

(ت) س۹۶۴ آیا پوشیدن مانتو اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; خیر.

س۹۶۵ در مورد حجاب خانم ها وجه و کفین را توضیح دهید؟

ج باسمه تعالی; خانمی که خیلی زیبا نباشد و زینت هم نکند و لباس مناسب بپوشد اگر گردی صورت را نپوشاند و از مچ دست تا انگشتان را نپوشاند; اشکال ندارد.

س۹۶۶ اگر خانمی به خاطر شوهرش مجبور شد در خارج از ایران زندگی کند حجاب او به غیر از چادر چگونه باید باشد؟

ج باسمه تعالی; کافی است لباسی باشد که تمام بدن را بپوشاند و گشاد باشد تا پستی و بلندی بدن معلوم نباشد و رنگ آن هم جلب توجه نکند ولی زن مسلمان چنانچه هویت اسلامی خود را حفظ کند و با چادر به مجامع برود; خیلی بهتر است و هیچ محذوری ندارد.

س۹۶۷ در عوض چادر مشکی که می گویند برای خانم ها مکروه است لباس های متنوع جایگزین چادر مشکی باشد، آیا چنین حرفی صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چادر مشکی برای خانم ها مکروه نیست; بلکه مستحسن است. ولی پوشش جدید در صورتی که مهیج جوان ها نباشد اشکال ندارد. هدف اصلی مستور بودن زن است به هر کیفیت که باشد.

س۹۶۸ مردان و زنان نامحرم در یک ماشین از روستا به شهر رفت و آمد دارند در اثر کثرت جمعیت بدن آن ها به همدیگر می خورد غیر از

آن هم راه دیگری برای رفت و آمد ندارند و بعضی ها کار ضروری در شهر دارند آیا رفت و آمد با این حال جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه قصد لذت نباشد و بدن ها هم عریان نباشد; اشکالی ندارد.

س۹۶۹ اگر زوج با زوجه در ضمن نکاح شرط کند که پوشیه داشته باشد; لکن زوجه مقلد کسی است که ستر وجه را واجب نمی داند آیا شرط مقدم و لازم الوفاء است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی در صورتی که ذکر شده باشد باید پوشیه بزنند.

س۹۷۰ آیا مخالطت زن ها با مردان و حرف زدن با آن ها حرام است؟ پس چرا امام حسین(علیه السلام) زن ها را همراه خود بردند؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست بلکه مقدس ترین و عالی مقام ترین زن عالم، حضرت زهرا(س) آن خطبه دشمن شکن را در مسجد خواند و خطبه حضرت زینب(س) در کوفه و شام بنی امیه را نابود کرد.

س۹۷۱ حجاب چه تعریفی دارد؟

ج باسمه تعالی; حجاب عبارت است از پوشاندن سر و بدن با لباس و چادر از نامحرم به گونه ای که پستی و بلندی بدن نمایان نباشد و البته بدون زینت و کارهای مهیج باشد.

س۹۷۲ برخی از مادران دختران خود را که به حد بلوغ نرسیده اند با سر و پای برهنه در خیابان ها و مجالس در حضور نامحرمان می آورند وظیفه والدین چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه موجب هیجان و تحریک جوانان و یا ترویج بی بند و باری و فساد شود حرام است.

س۹۷۳ حدود حجاب اسلامی برای بانوان چه مقدار است و چه مقدار باید خود

را مستور و بدن را بپوشاند؟

ج باسمه تعالی; حد حجاب اسلامی، مستور بودن بدن و موی زن است و بقیه خصوصیات در رساله عملیه آمده است.

س۹۷۴ آیا حجاب از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی اعتنائی کنند چیست؟

ج باسمه تعالی; بلی، از ضروریات دین است و بی اعتنائی یعنی حجاب شرعی را رعایت ننمودن، موجب فسق است.

سخنرانی زن

س۹۷۵ سخنرانی برخی خانم ها برای تبلیغات در زمان انتخابات یا غیره چه صورت دارد اگر مردان صدای آن زن را بفهمند و بعضاً باعث تحریک جوانان شود چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; سخنرانی فی نفسه جایز است و شنیدن مرد نامحرم اشکال ندارد. ولی چنانچه خود سخنرانی و یا چیزی که تؤام با آن است; موجب تحریک قوه شهوانی شود جایز نیست.

تشبه به کفار

س۹۷۶ تشبه به کفار یعنی چه آیا در این زمان که مسلمانان قدرت پیدا کرده اند می شود از این قاعده استفاده کرد؟

ج باسمه تعالی; تشبه به کفار مصداقش پوشیدن لباسی است که مختص به کافر بما هو کافر است و تصور می کنیم در این زمان مصداق ندارد یا کاری که از مختصات کافر است انجام دهد که شاید تراشیدن ریش، در زمان سابق از این امور بوده است و فعلا نیست. به هر حال قوه مسلمین و ضعف آنان در این حکم، مدخلیت ندارد. نظیر این مسئله که البته مربوط به آن نیست این است که در روایات از پوشیدن لباس سیاه مگر در مواردی نهی شده و سرّ آن این است که بنی العباس که دولت های فاسد و باطل بوده اند لباس سیاه شعار خود قرار داده بودند را و هر کسی می پوشید معلوم بود که از محبین آنان است و چون حالا موضوع از بین رفته است، پوشیدن لباس سیاه به نظر من کراهت ندارد.

س۹۷۷ اخیراً در میان برخی از جوانان مدل مو و لباس هایی از آن ها مد شده است که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه ارائه می گردد

نظر به این که پوشیدن این لباس ها خود این گونه آرایش کردن، عرفاً از مصادیق تشبه به کفار است، آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

ج باسمه تعالی; با وضع زمان که کفار و مسلمانان در لباس مانند یکدیگرند; این گونه تشبه اشکال ندارد ولی فی نفسه کار خوبی نیست.

س۹۷۸ استفاده از کراوات در محافل و مجالس داخل کشور و خارج از کشور چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; استفاده از کراوات فی نفسه جایز است ولی چنانچه مجتهد عادلی به مصالح و عناوین ثانویه نهی کند باید متابعت نمایند.

س۹۷۹ پوشیدن لباس و آرایش به نحوی که شبیه یکی از گروه های منحرف غیر مسلمان باشد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; تشبه در لباس به گروه منحرف بی اشکال است مگر در صورتی که پوشیدن لباس سبب تقویت آنان و تضعیف مسلمانان گردد که فرضی است بسیار بعید به هر حال حکم الله جواز است.

س۹۸۰ تشبث به کفار یعنی چه؟ آیا باری معروف فوتبال از موارد آن می باشد که در سنن مؤمنین سابق نبوده است؟

ج باسمه تعالی; مراد از تشبث را نفهمیدم; شاید اشتباه لفظی باشد و مراد تشبه باشد به هر حال شامل لعب به فوتبال نمی شود.

ریش تراشی

س۹۸۱ ریش تراشیدن چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; ریش تراشیدن حرام است.

س۹۸۲ نظرتان را در مورد تراشیدن صورت به استثناء چانه که در عرف جامعه به ریش پرفسوری معروف است بیان نمایید؟

ج باسمه تعالی; حرام است.

س۹۸۳ اگر شغل کسی آرایشگری باشد، تیغ انداختن به صورت مشتریان توسط آرایشگر چه حکمی دارد؟ درآمد حاصل از آن حلال است یا حرام؟

ج

باسمه تعالی; ریش تراشیدن حرام است و اجرت آن نیز حرام است.

س۹۸۴ نظر مبارک را در مورد کوتاه کردن ریش با ماشین یا وسیله دیگری به نحوی که مثل تراشیدن باشد مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; ماشین کردن صورت و کوتاه کردن مثل تراشیدن حرام است; ولی کوتاه کردن تا حدی که صدق ریش بکند جایز است.

س۹۸۵ اگر در بعضی موارد که انسان به خاطر اذیت و آزار دشمنان دین و مذهب، از باب تقیه ریش را بتراشد جایز می باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه واقعاً در مضیقه قرار گرفته باشد و خطراتی متوجه او شود; مانعی ندارد. ولی مجرد استهزاء و امثال آن، مجوز تراشیدن ریش نمی شود.

س۹۸۶ کسانی هستند که ریش را تمام نمی گذارند و قسمتی از آن را با ماشین یا تیغ می تراشند آیا مقدار تراشیده شده فعل حرام است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، حرام است.

س۹۸۷ تراشیدن موی سر و صورت دیگری با تیغ دیه دارد یا خیر؟ و فرقی بین زن و مرد می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; در تراشیدن لحیه مرد با زور و به عنوان جنایت، در صورتی که ریش بعد از آن نروید; دیه ثابت است و اگر بروید ثلث دیه است و مقدار دیه تراشیدن سر مرد منوط به نظر حاکم شرع است و اما تراشیدن سر زن، چنانچه نروید دیه کامل ثابت است و اگر بروید مهر المثل دیه آن است و تراشیدن لحیه زن چیز منصوصی ندارد.

س۹۸۸ اگر عده ای از پزشکان حاذق و متخصصین با توجه به تحقیقات همه جانبه اعلام کنند که زدن ریش با تیغ یا

ماشین از نظر بهداشتی مضر نیست بلکه مفید است آیا در این صورت وجهی برای جواز پیدا می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر، به مقتضای اطلاق و عموم ادله جایز نیست.

س۹۸۹ می گویند سبیل به اندازه ای بلند باشد که داخل دهن شود حرام است این مطلب صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه شعار انتماء به فرقه باطله نباشد; اشکال ندارد و حرام نیست، ولی بلا اشکال، مطلقاً مرجوح است.

س۹۹۰ اگر برای تراشیدن ریش ناچار باشد و در ضرر و عسر و حرج واقع شود جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; این ها بهانه است; ریش تراشیدن حرام است. ولی چنانچه واقعاً دکتر تشخیص دهد که ریش برای فردی ضرر معتنابه دارد; به مقدار ضرورت می توان تراشید.

غصب

س۹۹۱ شخصی خانه ای داشته، با شناختی که از او دارم غصبی بوده; آن را فروخته و هم زمان با دو نفر به صورت مشاع خانه ای قدیمی خریداری کرده و خراب نموده و یک آپارتمان چهار طبقه ای ساخته اند. سپس سه واحد آن را به مشتری فروخته اند و یک واحد باقیمانده آن، هم اکنون در تصرف شخصی فرد مذکور می باشد. حالا یک واحد از آن آپارتمان را از آن سه نفر که قبلاـ خریده اند قولنامه نموده ام که بخرم. آیا این آپارتمان از نظر مالکیت برای من اشکال شرعی دارد یا نه و نماز خواندن در آن چطور؟

ج باسمه تعالی; چون نمی دانید که چهار طبقه آن خانه را با عین آن پول خریده است; اشکال ندارد و نمازتان در آن محل صحیح است.

س۹۹۲ اگر زراعت و

باغات با آب غصبی مشروب شود محصول او چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; کار حرام است و غاصب ضامن قیمت است ولی محصولات و میوه اشکال ندارد.

س۹۹۳ در کتاب غصب مسأله ۲۵۴۵ توضیح المسائل آمده کسی که خانه را غصب کرده اگر چه استفاده هم نکند باید اجاره بپردازد; در این صورت اگر لباس و غیره غصب شود برگرداندن آن کافی است یا باید اجاره بدهد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که آن لباس برای اجاره مثل لباس عروس معین شده باشد، ظاهراً باید اجاره بدهد.

س۹۹۴ چنانچه رد عین غصب مستلزم تخریب و ضرر باشد مثلا لابلای سقف عین موجود است رد آن هم واجب است؟

ج باسمه تعالی; الغاصب یؤخذ باشدّ الأحوال، بلی، واجب است.

احکام حیوانات

س۹۹۵ خوردن گوشت خرگوش چگونه است؟

ج باسمه تعالی; حرام است.

س۹۹۶ آیا اذیت حیوانات جایز است و یا برعکس مراعات حال آن ها را باید نمود و نفقه آن ها واجب است مستدعی است احکام آن ها را مفصلا بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; چند حکم در روایات و کتب فقهی راجع به حیوانات هست که ذیلا به آن ها اشاره می شود:

۱ نفقه آن ها، حتی زنبورعسل و کرم در صورتی که آن ها را رها ننموده اید; واجب است و مراد از نفقه، آن چیزهایی است که برای ادامه زندگی به آن ها احتیاج دارد یا این که مقداری از عسل در کندو بماند و برگ بعضی درخت هایی که لازم دارند تهیه کنید.

۲ شیر دوشیدن اگر به واسطه کمی علف، به حال حیوان مضر باشد; جایز نیست و نسبت به حیوان شیرده، چنانچه دوشیدن، زیادتر

از مقدار متعارف و به حال آن حیوان مضر باشد; جایز نیست.

۳ چنانچه مالک از نفقه دادن امتناع بنماید حاکم شرع او را به بیع یا نفقه یا ذبح مجبور می نماید، البته اگر قابل تذکیه باشد و اگر قبول نکرد خود حاکم متصدی آن خواهد شد.

۴ اذیت حیوان و کتک زدن زیاد و حمل باری که قادر به حمل آن نیست و به صورت سواری کتک زدن جایز نیست.

۵ کشتن حیوانی که ماکول اللحم نیست و قابل تذکیه نیست; چنانچه اذیت می کند و نمی شود اذیت آن حیوان را رفع نمود جایز است و الا جایز نیست.

س۹۹۷ خوردن ماهی اوزون برون چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; خوردن ماهی فلس دار جایز است و خوردن ماهی بدون فلس جایز نیست.

س۹۹۸ کبوتر بازی چه حکمی دارد و اگر بر اثر کبوتر بازی خانه کسی را دید بزنند آیا می توان با کبوترباز برخورد کرد؟

ج باسمه تعالی; کبوتر بازی حرام نیست. ولی دید زدن به منزل دیگران جایز نیست و باید برخورد شود.

س۹۹۹ آیا حشر برای حیوانات می باشد اگر کسی به حیوانی ظلم کرد و یا حیوانی ظالم بود کیفر داده می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; حشر حیوانات از واضحات و بدیهیات است و آیات متعدد مانند «اذا الوحوش حشرت» یا «مامن دابه فی الأرض و لا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم ثم الی ربهم یحشرون» و روایات مستفیضه دلالت بر آن دارد کیفر هم می بینند ولی عاقبت چه می شوند آیا معدوم می شوند یا آنکه مانند انسان متنعم یا معذب دائمی هستند; روشن نیست.

س۱۰۰۰ آیا خوردن

خرچنگ شرعاً حلال است یا حرام؟

ج باسمه تعالی; نخورند. چون هر حیوانی که چنگال دارد خوردن آن حرام است.

س۱۰۰۱ گوشت کلاغ از نوع زاغ که اکثراً داخل شهرها می باشند حرام است؟ گوشت پرنده کلاغ سیاه که در مزارع می باشد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در نظر من گوشت تمام کلاغ ها حلال است و مکروه.

قسم و عهد و نذر

س۱۰۰۲ شخصی نذر می کند اگر یک ماه محتلم نشد مبلغ صد تومان صدقه بدهد نذرش صحیح است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه خروج منی به حال او مضر است، نذر صحیح است. اما اگر خروج و عدم خروج از جهت دینی و دنیوی فرقی به حال او ندارد نذر منعقد نیست.

(جواب گنگ) س۱۰۰۳ آیا در قسم و عهد و نذر چند مرتبه مخالفت کند کفاره تعدد پیدا می کند و یا با ادای کفاره مرتبه اول عهد و نذر و قسم منحل می شود؟

ج باسمه تعالی; با کیفیت نذر و عهد و قسم فرق می کند.

س۱۰۰۴ مریضه ای بدون نام خدا جلت عظمته طلا آلات خود را برای فرستادن به کربلای معلی نذر کرده; آیا فرستادن به آنجا واجب است یا می توان در راه آن بزرگواران به فقرای محل بدهد و اگر فرستادن لازم باشد عین آن ها را یا قیمت آن ها را بفرستد؟

ج باسمه تعالی; اگر در نیت او بوده است که برای خدا نذر کرده; کافی است در تحقق نذر و باید به همان نحو که نذر کرده است; عمل کند و بفرستد کربلا و حتی الامکان عین آن را بفرستد.

س۱۰۰۵ نذر کرده بودم که اگر خداوند متعال خانه بزرگی

به من عنایت فرمایید، در ماه محرم الحرام به هیئت عزاداری به عنوان احسان، شام بدهم یک سال بعد طبقه دوم خانه ام را ساختم ولی آن طوری که باید بزرگ نیست آیا باید به هیئت عزاداری شام بدهم یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ لازم نیست. چون بر آنچه نذر کرده اید؛ تحقق نیافته است.

(ت) س۱۰۰۶ نذر کردن برای توپ بازی شرعی است یا خلاف شرع و در توپ بازی رجحان شرعی یا عرفی دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ توپ بازی چنانچه هیچ عنوان ثانوی راجح شرعی بر آن منطبق نباشد خلاف شرع نیست و خود توپ بازی راجح شرعی نیست پس نذر آن نیز لازم الوفاء نیست.

س۱۰۰۷ شخصی در حال حیات، نذر شرعی نموده است که اگر حاجت او برآورده شود در حق یکی از چهارده معصوم(علیه السلام) عمل خیری انجام دهد نذرش مستجاب شده ولی قبل از ادای نذر از دنیا رفته. وارث از نذر او و اجابت آن مطلع بوده اند آیا از مال عمومی او ادای نذر لازم می باشد یا بایستی مال معینی را تعیین می کرد؟

ج باسمه تعالی؛ باید از مال او قبل از تقسیم بین ورثه، نذر را عمل نمایند.

س۱۰۰۸ روی عقیده عامیانه در عاشورای حسینی برای قضای حاجتی نذر می کنند اگر فلان حاجتم برآورده شد شمع روشن می کنم آیا به حساب شعار حسینی محسوب می شود و رجحان دارد یا خیر، لازم العمل است یا نه، در مسجد و حسینیه شمع روشن نماییم یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ شمع روشن کردن فی نفسه راجح است؛ ولی برق ارجح است. بنابر این نذر منعقد

است و باید به نذر عمل شود ولو در گوشه مسجد روشن نمایند.

س۱۰۰۹ کسی درختی را نذر حضرت ابوالفضل(علیه السلام) کرده و در صورت امکان مقید کرده به کربلا بفرستد، حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; به کربلا بفرستید تا در خیرات برای آن حضرت، مصرف شود.

س۱۰۱۰ کسی نذر می کند که هفت ماشین بار بزنم پنجاه تومان می دهم و چهارده ماشین بار می زند، می گوید اگر پول به دستم رسید، می دهم، پول می رسد ولی سهل انگاری می کند، یکسال است که عمل نمی کند آیا کفاره دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه به آن گونه که نذر کرده، عمل نکند; کفاره لازم می شود و کفاره آن مانند کفاره افطار شهر رمضان عتق رقبه یا روزه دو ماه پیاپی یا اطعام شصت مسکین است.

س۱۰۱۱ شخصی با شریک خود مشغول کسب می شوند در بین معامله مبلغ زیادی از سرمایه را که غیر قابل وصول (در توقیف) بوده است یکی از شرکا می گوید به احتمال ۹۰٪ این وجه وصول نمی شود و بنابر این نصف کل مبلغ نذر آقا امام حسین(علیه السلام) و آقا ابوالفضل العباس(علیه السلام) نمودم که اگر وصول شود عده ای را به زیارت کربلا ببرم و شریک هم این پیشنهاد و نذر را می پذیرد که در صورت وصول نذر کننده به نذرش عمل کند. پس از مدت کمی نذر مستجاب می شود آیا شریک می تواند از انجام این نذر توسط شریک جلوگیری کند؟

ج باسمه تعالی; نمی تواند جلوگیری کند; چون پذیرش پیشنهاد، اجازه نذری است که شریک کرده است.

س۱۰۱۲ اگر انسان

عهد کند که کار واجبی را یا مستحبی را به جا آورد یا کار حرام یا مکروهی را ترک کند عهد یا قسم او صحیح است؟

ج باسمه تعالی; بلی صحیح است.

س۱۰۱۳ اگر کسی پدر یا مادرش نذر او را حل کنند آیا ذمه نذر کننده بری می شود، بعد از مرگ فرزند چطور؟

ج باسمه تعالی; بلی، مطلقاً بری می شود.

س۱۰۱۴ اگر کسی نذر کرده هر سال ماه محرم قربانی بکشد و به مسجد معینی بدهد لکن حالا احساس می کند متولیان مسجد گوشت های خوب را به مردم نمی دهند حالا نذر کننده می تواند گوشت قربانی را به فقرا تقسیم کند؟

ج باسمه تعالی; تا حد امکان باید به مسجد بدهد; اگر ممکن نشد به فقرا بدهند.

س۱۰۱۵ کسی گوسفند و یا گوسفندان را بدون ذکر نام خدا نذر کرده در کربلای معلی بکشد فعلا که رفتن ممکن نیست و نگهداری حیوانات به سبب کهولت سن آن ها در خطر است فلذا فروخته است محل مصرف آن ها را بیان کنید که به غیر سادات نیز می توان داد یا نه و در شهر خود مصرف کردنش چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; مصرف آن مطلق وجوه بِرّ می باشد و در مصرف سیادت شرط نیست.

وقف

س۱۰۱۶ اگر کسی ملکی را بر خانواده وقف نماید که همه نسل های بعدی را هم شامل شود و بعد از مدتی آن را، از اختیار آن ها خارج کنند و مدت زمانی، این ملک موقوفه در میان دیگران مورد استفاده واقع شود با وصف این که واقف به طور کامل به استفاده موقوف علیهم و نسل

های بعدی، تصریح نموده و به دیگران تحریم کرده باشد در این صورت کسانی که در این ملک تصرف کرده و به نام خود اسناد درست کرده و مورد معامله قرار می دهند آیا جواز شرعی بر آن می توانند پیدا کنند و آیا با تقسیم اراضی که در رژیم گذشته، صورت گرفته، این موقوفه در حال وقف باقیست یا نه؟

ج باسمه تعالی; با این خصوصیات وقف مذکور صحیح است و قابل ابطال و تبدیل نمی باشد و اگر ظالمی در برهه ای از زمان، مانع از عمل به وقف شده است; این دلیل باطل شدن وقف نمی شود و بعد از رفع ظلم باز باید به آن عمل نمود.

س۱۰۱۷ مجتمع تجاری است که به صورت مشاع در میان دو نفر می باشد ولی یکی دو دانگ، و دیگری چهار دانگ آن را مالک هستند صاحب چهار دانگ تصمیم به وقف دارد ولی نمی دانند با وجود شریک، وقف صورت می گیرد، آیا بدون رضایت شریک، چنین وقفی صورت شرعی پیدا می کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; وقف مشاع صحیح است و متوقف بر اجازه شریک نیست.

س۱۰۱۸ امام جماعت یکی از مساجد محل که فرد باتقوا و باسواد و مورد احترام مردم بود و مدت بیست سال در آن جا اقامه نماز جماعت می کرد، ایشان وصیت نموده که در حیاط همان مسجد دفنش کنند و بر طبق وصیت عمل شده است آیا مسئله صورت شرعی دارد و چنین عمل برخلاف حکم وقف نمی باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه صحن مسجد به عنوان مسجد بودن وقف نباشد و برای مصالح اهل مسجد وقف

گردیده باشد; این وصیت هیچ اشکالی ندارد و باید به آن عمل شود ولی اگر حیاط داخل عنوان مسجد، وقف شود; دفن در آنجا جایز نمی باشد و وصیت ایشان غیر نافذ است ولی چون او، مردی با تقوی و اهل علم بوده است بدون تردید از موضوع آگاهی داشته و لذا چنین وصیت کرده است. در این صورت وصیتش لازم الوفاء است و بودن قبر ایشان در صحن مسجد بلا اشکال است.

س۱۰۱۹ شخصی با امکانات خود مسجدی ساخته و در وقف آن گفته، که باید امام جماعت فقط از سادات باشد و در غیر این صورت من راضی نیستم آیا امام جماعت غیر سادات می تواند در این مسجد اقامه نماز کند؟

ج باسمه تعالی; نمی تواند، چون عمل به وقف باید بر طبق شرایط وقف انجام شود.

س۱۰۲۰ کسی تمام مایملک خود را به فردی مصالحه صحیحه صریحه شرعیه نمود خیار و قرارداد برای عده ای از معتمدین مدت دو عام کامل، مع تعین الاستقلال که از هریک از معظم الیهم استدعای فسخ نموده اعیان به ملکیت مصالح مسترد شود شارطا علی زمه المصطلح آن که هرگاه برای مصالح فوت در رسد باذن فرد معینی که احد من ذوی الخیاراست اقدام به امور مفصله الذیل نماید... منطقه یا دهی با دو رشته قنات جاریه سیل باکل متعلقات آن و یک قطعه باغ بزرگ که چهار جریب است، به حدوهامش، و کل یکدرب دکان واقع در قرب دروازه عراق معروف به دروازه خرابه، محدود به حدوهامش، وقف نماید بر محال مفصله بتولیت امام راتب مسجد که متولی اعیان مرقومه همه ساله منافع آن را بعد

از وضع مخارج لازمه، جهت تعزیه صدیقه طاهره و... و صرف نمایند حال چند مسأله باید بیان شود.

س۱۰۲۱ مسئله اول: نمی دانیم و شک داریم اصحاب خیار مصالحه را فسخ کرده اند یا نه حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; باید بنا گذارده شود بر این که فسخ نکرده اند.

س۱۰۲۲ مسئله دوم: شک داریم مصطلح اموال مزبور طبق الشرط وقف نموده است یا نه؟ حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; اگر شرط به نحو شرط، نتیجه باشد; به خودی خود وقف می شود والاـ مقتضی اصل تحقق وقف است به علاوه حاکم او را مجبور به وقف می کند و اگر اجبار ممکن نباشد; خود حاکم شرع وقف می کند.

س۱۰۲۳ مسئله سوم: نمی دانیم مصطلح قبل از مصالح فوت کرده یا بعد از او؟ حکم مسئله مع هذا الشک چیست؟

ج باسمه تعالی; فوت مصطلح مانع از وقف نیست.

س۱۰۲۴ مسئله چهارم: لو سلم که مصطلح قبل از مصالح فوت کرده باشد عمل به این شرط بر عهده ورثه خواهد بود یا حکم دیگر دارد؟

ج باسمه تعالی; شرط از حقوق است و چنانچه کسانی که خیار داشته اند مصالحه را فسخ ننموده باشند به ورثه منتقل می شود.

س۱۰۲۵ مسئله پنجم: مع فرض وقف، نمی دانم مصطلح، تولیت موقوفه را با همان متولی منصوص در شرط قرار داده است یا برای دیگری قرار داده؟

ج باسمه تعالی; تولیت با همان متولی منصوص می باشد.

س۱۰۲۶ مسئله ششم: آیا مصطلح حق دارد تولیت را با دیگری قرار دهد و یا خود به خود همان فرد منصوص متولی خواهد شد ولو مصطلح آن را قرار ندهد و تعین نکند؟

ج باسمه

تعالی; حق ندارد.

س۱۰۲۷ مسئله هفتم: حکم تخلف از شرط در مسئله مزبور چیست آیا منجر به بطلان مصالحه می شود و اموال ارث وارث مالک اول می شود یا مصطلح مرتکب عمل حرام شده و صلح به صحت و قوّت خود باقی خواهد بود؟

ج باسمه تعالی; عمل به شرط، واجب است و چنانچه عمل نشود اولا حاکم اجبار می کند و در صورت عدم عمل، خود حاکم به شرط عمل می کند.

س۱۰۲۸ مسئله هشتم: در فرض سؤال و مورد ابتلاء، وارثین منکر وقف هستند و سند مالکیت برای رقبات مزبور دارند حکم مسئله با فرض انکار وارثین و باتوجه به وجود متن مصحح و تأیید شده صلحنامه یاد شده چیست؟

ج باسمه تعالی; با وجود سند قطعی، انکار ورثه بی اثر است. بلی، اگر سند قطعی نباشد; داخل در مورد دعوای بر میت می شود.

س۱۰۲۹ مسئله نهم: در فرض مزبور و مشکوک موجود آیا امام راتب (متولی منصوص) شرعاً وظیفه دارد تصدی و مباشرت اداره موقوفه مفروضه، و تحقیق درباره کشف حقیقت را بکند یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورت علم بلی والا خیر.

س۱۰۳۰ مسئله دهم: در فرض مزبور اداره اوقاف و دادگاه جمهوری اسلامی حکم به وقفیت ملك مزبور داده است، آیا همین اندازه موجب تکلیف شرعی برای تصدی موقوفه مفروضه می شود یا باید علم و یقین به وقفیت حاصل شود تا تصدی بر متولی واجب شود؟

ج باسمه تعالی; میزان، علم وجدانی یا حکم حاکم شرع است.

س۱۰۳۱ ما سه برادر هستیم که اموالی در هندوستان از جمله کتابخانه به عنوان وقف بر ذریه به ما به ارث رسیده است و

چون این اموال در معرض تلف شدن قرار گرفته و موجب نزاع گردیده است تصمیم گرفته ایم آن اموال را تقسیم نماییم. آیا فردی از ورثه به جهت این که از نظر سنی بزرگ تر است و یا دارای قدرتی می باشد که بقیه عاجز از مقابله با او هستند، می تواند بدون اجازه دیگر وارثان در اموال تصرف نماید، و یا بیش از سهمیه خود تصاحب کند؟ سؤال دیگر این که این اموال چگونه بایستی تقسیم شود؟

ج باسمه تعالی; ذریه باید منفعت موقوفه را به آن گونه که وقف شده است تقسیم نمایند که آن هم متوقف بر تقسیم عین موقوفه است که در مورد سؤال کتابخانه است و به هر کدام هرچه برسد باید عین را حفظ کنند و از آن انتفاع ببرند و فرقی بین کوچک و بزرگ نیست، مگر آن که واقف در وقف، سهم بیش تری برای بزرگ تر قرار دهد یا اختیار بیش تری به او بدهد والا باید تقسیم به طور مساوی باشد والله العالم.

س۱۰۳۲ در سال ۹۱۴ هجری قمری قریه سوهان طالقان وقف شده بر سید علاءالدین این قاضی امیر نجم الدین محمود الطالقانی و نسل از اولاد ذکور سادات نسلا بعد نسل الی أن یتناسلو و أن یتعاقفوا اصل وقفنامه وجود دارد اجاره نامه ها وجود دارد در خصوص عمل به وقف اکنون بعضی ها تشکیک می کنند در صحت وقف که ممکن است در آن زمان واقف مشروعیت مالی نداشته باشد و از راه زور و سرنیزه غصب کرده باشد سپس وقف کرده و امثال این گونه ایرادات نظر معظم له در مورد

صحت شرعی این گونه موقوفات چیست؟

ج باسمه تعالی; وقف موقوفه مذکور با خصوصیاتی که نوشته اید صحیح است و هیچ اشکال ندارد و احتمالات ذکر شده، قابل اعتنا نیست.

س۱۰۳۳ مدرسه ای که مقداری از زمین آن از قبرستان ساخته شده آیا نماز خواندن و زندگی کردن در همچو مدرسه چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد، من اجازه می دهم; تصرف نمایید.

س۱۰۳۴ بخش صوفیان از توابع شبستر با وسعت تقریبی هشتصد کیلومتر مربع با پنجاه هزار نفر جمعیت مورد ادعای وقفیت بوده و از زمان طرح وقفیت مورد اعتراض اهل محل قرار گرفته و تنها مستمسک مدعیان وقف کپی وقف نامه است که اصل آن هم ارائه نشده و سند مالکیت قبل از وقف هم ندارد (بر اساس قاعده لاوقف الافی ملك) و از طرف دیگر علاوه بر این که اهالی ذو الید هستند و سند مالکیت بر بیوتات و باغات مزارع خود، بیش از پنجاه سال قبل از تاریخ وقف ادعائی هم در دست دارند و حتی با همان منوال خرید و فروش می نمایند بدون مراجعه به کسی و بدون ذکر عرصه و اعیان آیا با وجود مدارک مردم و اماره ید و نبودن سند مالکیت قبل از وقف واقف یا واقفین آیا با ادعای آن ها وقفیت ثابت می گردد یا خیر.

ج باسمه تعالی; با خصوصیاتی که مرقوم شده است; ادعای وقف بودن مسموع نیست و برحسب قواعد شرعی، معامله ملکیت، باید در موردی که یدی بر آن هست انجام شود.

س۱۰۳۵ شخص خیّری زمینی را برای ساختن حسینیه داده و ساختمان را به نام حسینیه ساختند بعد دو دستگی

و اختلاف بین آن ها به وجود آمده دسته ای حسینیه دیگر احداث کردند و حسینیه اولی را می خواهند تعمیر نمایند. افراد حسینیه جدید مانع این کار هستند و آنان زمین حسینیه که وقف بر حسینیه کرده است اصرار دارند که حسینیه تعمیر شود و مورد استفاده قرار بگیرد آیا ورثه می توانند تبدیل به مدرسه بنمایند یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها. ورثه هیچ گونه حقی ندارند و تصرف آن ها برخلاف وقف است و جایز نیست.

س۱۰۳۶ زمینی که برای مسجد وقف شده در زیر مسجد و یا پشت بام مسجد انباری و دستشویی و تفریحگاهی برای نوجوانان درست می کنند این نوع تصرفات چه صورت دارد و شرعاً صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ این گونه تصرفات در صورتی که منافی انتفاع به منافع آن چیزهایی که در وقف است نباشد مانعی ندارد؛ ولی مکروه است. چون چنین کارهایی در روایات کثیره محموله علی الکراهه نهی شده است، امّا خصوص انباری، برای مصالح مسجد کراهت ندارد.

س۱۰۳۷ اگر انسانی مالی را قرض کند و با آن مال بنائی کند بعد معلوم شود آن مال وقف بوده آیا به همان مقدار که او داده، ضمان و اثر وضعی تصرف در مال وقف از بین می رود؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، چون جاهل غیر مقصر بوده و ضمان آن بر قرض دهنده است.

س۱۰۳۸ برای تعمیر مسجد کمک مالی از طرف مردم جمع آوری شده تا مسجد محل را تعمیر نمایند و یک نفر مانع این کار شده، بعضی می گویند بدون اجازه او تعمیر ممکن نیست حکم مسئله را

بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; بعد از آن که پول را فی سبیل الله داده اند; اذن او لازم نیست.

س۱۰۳۹ چنانچه در وقف آمده باشد: موقوفه مذکور بین محصلین و مدرسین تقسیم شود چگونه توزیع شود؟

ج باسمه تعالی; به نحوی که معمول است که لابد به مدرسین سهم بیش تری داده می شود و در تعیین مقدار آن نظر متولی و اگر متولی نیست; نظر حاکم شرع، متبع است.

س۱۰۴۰ در مدرسه وقفی برای زیاد نبودن مصرف برق متولی از آن جلوگیری می کند برنامه ای مقرر می کند که باعث محدودیت روشن کردن برق می شود آیا اطاعت از عمل او واجب است؟

ج باسمه تعالی; بلی، اگر چنین نباشد در نظم مدرسه اختلال پیش می آید.

س۱۰۴۱ شخصی قطعه زمینی برای حسینیه داده و کمک مالی هم به همین منظور جمع آوری شده است حالا می خواهند این حسینیه را تبدیل به مسجد کنند آیا صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه وقف محقق شده است، نمی شود چون الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها والا مانعی ندارد.

س۱۰۴۲ عده ای از مؤمنین پولی به نام حسینیه جمع نموده اند و زمینی را خریده اند و بعداً به نام مسجد ساختمان کرده اند آیا حکم مسجد به آن باراست و دخول جنب و حائض جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; به هر حال اقامه نماز و مجالس در آنجا جایز است و چنانچه زمین را برای حسینیه خریده اند به همان معامله وقف محقق می شود و اگر بعد بدون تعقل و ملاحظه آن را به نام مسجد نموده اند این مکان حکم

مسجد که جنب و حائض داخل نشوند ندارد.

س۱۰۴۳ شخصی زمینی را برای قبرستان اهل همان روستا وقف کرده و اهالی ده به شهر کوچ کرده اند آیا زمین موقوفه به واقف بر می گردد یا نه؟

ج باسمه تعالی; باید در مطلق وجوه خیر مصرف شود و به صاحبش بر نمی گردد.

س۱۰۴۴ در موقوفات اختصاصی مثل مسجد و مدارس و حسینیه تصرفات آب و غیره چه صورت دارد و اگر مأذون از متولی باشد صحیح است یا نه؟

ج باسمه تعالی; هر تصرفی با اذن متولی جایز می شود; چون اذن او محمول بر صحت است.

س۱۰۴۵ به طوری که مستحضر هستید ملک خانقاه ها مانند سایر اماکن مذهبی از مردمان خیر و مولی دوست وقف شده و به وسیله افراد خیّر ساخته شده و تولیت آن را به شیخ وقت سپرده اند و مشایخ دیگر می تواند او را عزل نماید و در صورت عزل تولیت او وجه شرعی دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; چنانچه موقوفه به عنوانی وقف شده باشد که آن وقف واجد شرایط صحت باشد و آن عنوان زمانی منطبق بر شخصی بوده است و موقوفه دست او بوده و آن شخص فوت کند یا عنوان به صورت غیر اختیاری از او سلب شود; مانند این که نسیان عارض او شود و لیاقت آن مقام را نداشته باشد یا کسانی که چنین لیاقتی داشته باشند آن عنوان را از او سلب کنند که بقاء یا ارتفاع آن عنوان به دست آن ها باشد; باید از آن شخص گرفته شود و به کسی که بعد از او، آن عنوان را پیدا می

کند بدهند. چنانچه آن عنوان بر کسی منطبق نشود; اختیار آن وقف با مجتهد جامع الشرایط است.

س۱۰۴۶ این جانب با یکی از دوستان حدوداً سی سال قبل بیست دقیقه آب برای آب انبار روستایی وقف کرده ایم اخیراً لوله کشی بهداشتی شده و قهراً آب انبار خراب شده و این آب بلا استفاده مانده است چون آب انبار و مسجد مورد استفاده عموم بوده است آیا می شود این آب را باری درختان گردو و غیره که مال همه است استفاده کرد؟

ج باسمه تعالی; چون آب وقف مسجد شده است و قید شده است که زیادی آن به حمام و آب انبار دیگر داده شود بنابر این اول برای مسجد لوله کشی بشود و در صورت زیاد آمدن برای حمام و آب انبارهای دیگر صرف شود.

س۱۰۴۷ اگر در وقف یادآور شود بر مسلمین و متصوفه وقف صحیح باشد ساختن مسجد در این زمین چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; متصوفه فرق مختلف دارند. بعضی از این ها بیّن الفسادند و وقف بر آن ها صحیح نیست بنابر این آن مال بر ملک واقف باقی است و با اجازه او یا ورثه او همه نوع تصرف می توان کرد. در صورت معلوم نبودن، حکم مجهول المالک دارد.

س۱۰۴۸ در ضرر زدن به اشیاء موقوفه اگر با متولی مصالحه شود چگونه است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۰۴۹ ضرر بر اجزاء وقف هم ضمان دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی.

س۱۰۵۰ میهمان گرفتن بر طلبه در موقوفه چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مقدار متعارف مانعی ندارد.

س۱۰۵۱ دادن وجه موقوفه به خادم به عنوان این که از لوازم وقف است

چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که مصرف معینی نشده باشد که بر او تطبیق ننماید، اشکال ندارد.

س۱۰۵۲ باغ انگوری است که وقف سیدالشهداء(علیه السلام) است و درآمدی ندارد و مخارج آبیاری و آباد کردن آن بیش تر از عایدات آن است آیا می شود فروخت و تبدیل به احسن کرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در فرض مسئله، تبدیل نمودن به ملکی که آن هم به همین مصرف برسد مانعی ندارد و اگر امکان نداشته باشد در مطلق وجود خیر صرف شود.

س۱۰۵۳ اگر احیاناً واقف شرایطی را برای موضوع موقوفه عنوان نماید مراعات شرایط در جهت اعمال انتفاعات مشروعه الزامی است یا نه؟ و آیا مطابقت شرایط مطروحه با ملاکات عرفی متداول لازم است یا نه؟ یعنی آیا ملاکات معمول عرفی می تواند موجباتی را برای ضیق و سعه در جهت انتفاع مشروطه من باب ورود و حکومت داشته باشد؟ یا نه؟

ج باسمه تعالی; آنچه واقف شرط می کند در صورتی که مخالف شرع نباشد لازم است و ملاکات عرفی موجب ضیق آن نخواهد شد.

س۱۰۵۴ احتراماً با ابلاغ سلام و تحیات فراوان خاطر عالی را مستحضر می دارند این جانبان حسین ربانی به شماره شناسنامه ۴۱۶ متولد ۱۳۲۱ معروف به محمدحسین ربانی و محمدصادق ربانی به شماره شناسنامه ۴۳۲۰۰ متولد ۱۳۳۱ دو برادر متولیان نیم دانگ موقوفه از شش دانگ علی آباد آقا مجیب انار رفسنجان به موجب رأی بدوی شعبه چهار دادگاه رفسنجان و ابرام دیوان عالی کشور طبق رأی دادنامه ۱۶/۲۲/۱۵۹۹ مبنی بر این که هر ساله درآمد موقوفه نیم دانگ مذکور را از قدیم الایام صرف آشپزی و

اطعام حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) در ایام عاشورا و دیگر ایام دو ماهه محرم و صفر می شده است سینه به سینه از پدران نیز نقل شده و جریان داشته و با آمدن طاغوت اول رضاخان قلدر و سوزاندن وقف نامه ها در اداره اوقاف رفسنجان و خارج شدن موقوفه از مسیر اصلی خود با تصرف دولت غاصب وقت بودجه آن به مصرف غیر از آش و برنج می رسیده به همان علت که وقف نامه مدون در دست نبوده است هم اکنون که مجدداً به سیره طبخ آش و پلو درآمده و در محلات یزد به مصرف می رسد به موجب رأی دادگاه و استشهادیه محلی متولی برای آن معیین گردیده است متمنی است اگر اجازه فرمایید:

اولاـ وقف نامه ای بر اساس استشهادیه محلی و قول پدران و پیشینیانمان صادر شود تا تکلیف شرعی و عرفی هر یک از متولیان غیر از مقررات اداری و ناظر یا ناظرین روشن گردد.

ثانیاً: نظر به این که اطعام یک وعده یا یک روز کفاف و کارایی زیادی در کمک به محرومین ندارد با توجه به این که بودجه آن استفاده بیش تر و شایسته تر از قبیل قرض الحسنه و دستگیری آبرومندان یا ازدواج جوانان کم درآمد و امور عام المنفعه دیگر را می توان نمود.

خواهشمند است حضرت عالی نظر مبارک شرعی و اجتماعی خود را حاکم بر مقدرات قانونی مرقوم فرمایید تا از سرگردانی خارج و امور موقوفه حضرت اباعبدالله الحسین(علیه السلام) به نحو احسن انجام پذیرد که مزید تشکر است.

ج باسمه تعالی; چنانچه استشهادیه محلی و قول ریش سفیدان معارضی نداشته باشد مجازید وقف نامه

ای تهیه نمایید که بر طبق آن عمل شود و تغییر دادن مصرف، با فرض این که همه می گویند: در وقف سابق مصرف تعیین شده بوده است مورد ندارد. ولی چنانچه در سابق در وقفنامه اصلی، وجوه بر امور عام المنفعه بوده است و آن مصارف به لحاظ انطباق آن عنوان، عام بوده است می توانید در مواردی که ذکر شده است؛ مصرف نمایید.

وصیت

س۱۰۵۵ در جواز رفت و آمد وصی در خانه یتیم آیا نفس عدم مفسده کافی است یا مصلحت لازم است و آیا اذن قیم لازم است؟

ج باسمه تعالی؛ رفت و آمد؛ باید با اذن ولی یتیم باشد. رعایت مصلحت و یا عدم مفسده به متصرف مربوط نیست بلکه ولی باید مراعات کند.

س۱۰۵۶ آیا در قبرستان عمومی تصرفات شخصی جایز است مثلاً گوشه از قبرستان را برای خود و فامیل و بستگان خود حفاظت نماید و وصیت کند مانع از دفن کردن اموات دیگران بشوند؟

ج باسمه تعالی؛ تصرفات به این وسعت که نوشته اید جایز نیست اما اگر شخصی قبری درست کند و به ازاء آن، از کسانی که میت را در آنجا دفن می کنند پولی بگیرد؛ مانعی ندارد. به هر حال در صورتی که جای دیگر نباشد نمی تواند مانع از دفن در آنجا شود و وصیت نافذ نیست.

س۱۰۵۷ شخصی وصیت کرده در صورت امکان ولو در آینده جنازه مرابه قم انتقال دهید حال بعد از چهل سال جهت انتقال به قم نبش قبر جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ بلی جایز است.

س۱۰۵۸ حدود هفت سال است که حقوقم را در زندگی پدر و مادر صرف کرده

با این که مجرد بودم و خانه مسکونی پدر را در روستا به کمک مالی و همکاری بنده ساختیم و پس از هفت سال چون معلم بودم به شهر منتقل شدم پدرم در وصیت نامه خود خانه و زمین محدود به آن را به من وصیت کرده است ورثه همه مایملک پدر را اعم از منقول و غیر منقول غصب کرده اند و پدرم هیچ وقت از وصیت خود اعراض نکرده و به من چیزی نگفته آیا این وصیت پدر نافذ است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ آن خانه و زمین به ضمیمه سایر مواردی که وصیت کرده است؛ اگر غیر از واجبات زاید بر ثلث نباشد و ندانید پدر از وصیت برگشته است مال شما است و مانند سایر اموالتان می باشد و در صورت قدرت، به هر طریق ممکن می توانید بگیرد.

س۱۰۵۹ شخصی وصیت کرده که بعد از فوت مرا در قبر پدر و مادر دفن کنید در صورتی که پدر و مادر چهل سال قبل فوت شده اند آیا این وصیت لازم الاجراء است و نبش قبر و دفن مرد در قبر زن و برعکس جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ جایز است.

س۱۰۶۰ بنده وصی پدرم هستم برای انجام وصیتنامه از وراث پدرم امضاء گرفته و رضایت داده اند به جز یک دختر اکنون دو نفر از فرزندان که برادر همان دختر هستند اعتراض بر توافق نامه و امضای خودشان نموده و مانع از عمل به وصیت شده اند وظیفه بنده در این باره چیست؟

ج باسمه تعالی؛ حق اعتراض ندارند در صورت قدرت ولو با زور به وصیت عمل کنید.

س۱۰۶۱

شخصی وصیت کرده یک سال نماز و روزه و مبلغ سی هزار تومان کفاره و پنجاه هزار تومان خمس و برای مخارج بعد از فوت چیزی تعیین نکرده است این وصیت نافذ است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; وصیت مزبور صحیح و نافذ است و وصیت به مخارج و مصارف لازم نیست، چه رسد به آنکه مانع از نفوذ وصیت شود و وصیت ذکر شده نافذ است ولو زیادتر از ثلث باشد.

س۱۰۶۲ شخصی وصیت کرده یک ثلث از اموال او را به مصرف معینی برسانند ولی سفارش او عملی نشده و فقط یکی از وراث نسبت به سهم خود ثلث را افراز و خرج کرده آیا می تواند در کل مال تصرفاتی انجام دهد یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند تصرف کند.

س۱۰۶۳ اگر شخصی وصیت کند و یکی از فرزندان خود را از ارث محروم نماید بعد از فوت او این وصیت قابل عمل است و آیا آن فرزند هم مثل دیگر ورثه ها ارث می برد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; وصیت مذکور نافذ نیست و پسر ارث می برد.

س۱۰۶۴ شخصی فرزند ارشد خود را با در نظر گرفتن فرزندان صغارش قیم و هم وصی قرار داده حالا زنش مخالفت می کند می گوید باید خودم قیم باشم و تمام امورات فرزندان صغار در دست من باشد آیا مخالفت زن می تواند مانع قیم بودن فرزند ارشد موصی شود؟ ضمناً وقت صیانت هم گذشته یعنی فرزند کوچکش که دختر است نه ساله است.

ج باسمه تعالی; با تعیین وصی و قیم از طرف پدر، مادر نمی تواند مانع قیم بودن او شود.

س۱۰۶۵

کسی وصیت کند تمام اموالش را به فلانی، فلانی مثلا بدهند آیا این وصیت کلا باطل است یا به مقدار ثلث نافذ است؟

ج باسمه تعالی؛ به مقدار ثلث نافذ است و در مازاد متوقف بر اجازه ورثه است. اگر اجازه دهند نافذ است والّا نافذ نیست.

س۱۰۶۶ کسی مقدار معینی از مال خود را وصیت کرده به موصی له بدهند ولی بعد از فوتش ارتقاء قیمت پیدا کرده و زیادتر شده آیا اضافه را باید به موصی له بدهند یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه مال معینی مثل خانه را وصیت کرده است و آن مال ترقی کرده است و زاید بر ثلث نیست همان را باید بدهند و اگر زاید بر ثلث است؛ زیادی متوقف بر اجازه ورثه است.

س۱۰۶۷ کسی برای ثلث ماترک وصیت کرده و قبل از مردن ثلث را معین کرد بعد از مردن فقط همین ثلث را داشته باشد آیا وصیت در ثلث این ثلث نافذ و یا همه این ثلث مال موصی است؟

ج باسمه تعالی؛ میزان، ثلث ماترک است. بنابر این وصیت فوق الذکر در ثلث ثلث نافذ است.

س۱۰۶۸ طبق وصیت پدرم که در وصیت نامه آمده است مرا در قم دفن کنید قبری خریداری کردم ولیکن دوستان و فامیل به دلیل حوادث و دوری راه و هزینه بیش تر مانع از انتقال جنازه پدرم شدند در بهشت زهرای تهران مدفون شد و حالا بعد از ۱۴ روز متوجه اشتباهات خود شده ام تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که جنازه متعفن و متلاشی نشده باشد به وصیت عمل کنید و جنازه را بیرون آورده؛ به قم منتقل

نمایید.

س۱۰۶۹ کسی که ملك یا مال خود را به شرط عمر به کسی می دهد آیا زیاده از ثلث هم باشد می تواند چنین اقدام بکند؟

ج باسمه تعالی; زیاده از ثلث بر کاری که در زمان حیات خود می کند اشکال ندارد ولی (به شرط عمر) نفهمیدم یعنی چه.

س۱۰۷۰ اگر کسی وصیت بکند که بعد از عمل به وصایای موصی بقیه ثلث را در مخارج مسجد معین خرج بکنند و موقع وصیت موصی متولی مسجد مذکور افراد لایق بودند و حالا که می خواهند به وصیت عمل کنند متولیان مسجد افرادی نالایق می باشند که تقویت آن ها به هیچ نحو جایز نیست و زوجه متوفی راهی برای امرار معاش ندارد آیا می توانند به جای مسجد مذکور پول را به زوجه متوفی بدهند یا باید به مساجد دیگر پرداخت کنند؟

ج باسمه تعالی; در صورت امکان، خرج همان مسجد بکنند ولو به تشکیل مجلس و روضه خوانی باشد با عدم امکان (البته منظور از عدم امکان صرف نالایق بودن متولی نیست تا نشود خرج مسجد کرد) می توانند در مطلق وجود بِرّ که از جمله آن ها خرج زوجه متوفی است مصرف کنند.

س۱۰۷۱ اگر کسی وصیت کرده باشد بعد از مصارفی که از ثلث مالش معین کرده بقیه ثلث را نماز استیجار کنند و وراث پول نقد نداشته باشند و اگر سرمایه را هم صرف نماز استیجار بکنند درمانده می شوند (سرمایه مال خود وراث می باشد) آیا می توانند به تدریج نماز استیجار کنند؟

ج باسمه تعالی; بله می توانند.

س۱۰۷۲ اگر کسی مخارج عروسی بعضی از اولادش را در حال حیات خودش

بپردازد می توانـد وصـیت کنـد مخارج عروسـی اولادی را که ازدواج نکردنـد بعـد از فوتش از اصل بدهند یا باید از ثلث مال وصیت کند؟

ج باسمه تعالی; باید از ثلث وصیت کند.

س۱۰۷۳ اگر کسـی وصیت کند که بعد از فوتش اعمالی از طرف او انجام دهند مثلا نماز و رزه استیجار کنند چنانچه وصی به وصیت عمل نکند آیا ضرری به حال موصی در برزخ و قیامت دارد؟ یا وصی مسؤول است؟

ج باسمه تعالی; بلی، ضرر دارد ولی خدا بزرگ است و امید رحمت می رود ولی وصی هم مسؤول است.

س۱۰۷۴ اگر شخصـی وصیت کند که هرکس در خانه من سکونت کرد اعم از اولاد یا همسر و یا دیگران همه، سالیانه ۵ شب برای من روضه خوانی سیدالشـهداء(علیه السـلام)کند آیا این وصـیت نافذ است و انصـراف دارد به وقف یا حبس کردن خانه، چون اگر هیچ کدام نباشد قهراً خانه ملک ورثه می شود و می توانند خانه را بفروشند و مالک چنین استحقاقی بر ساکن ندارد و یا این که از ثلث ترکه باید عمل به وصـیت شود؟ ولی بعد از فروش خانه و سـکونت غیر وارث تکلیف چیست؟ زیرا وصیت بر غیر ورثه نفوذ ندارد. و اگر خانه فروخته شده ولکن ساکن ندارد، حکم وصیت چیست؟

ج باسـمه تعالی; وصـیت مذکور وقف یا حبس نیست و مانع از فروش خانه هم نمی شود و بعد از مردن چنانچه آن وصـیت به مقدار ثلث یا کمتر از تمام اموال او باشد; حقی به آن پیدا می کند و چنانچه ورثه بخواهند آن را بفروشـند باید به قید این حق باشد و

در این صورت تا ابد باید به این وصیت عمل شود مگر آن که وصیت مدت داشته باشد که در مدت مخصوص یا مادامی که در دست ورثه است باید انجام شود که در این صورت اگر بفروشد و یا آن مدت بگذرد; حقی نیست که در آن جا مد نظر واقع شود.

س۱۰۷۵ شخصی وصیت کرده که پنج سال اجاره منزلی را برای او کار خیر انجام دهند، الان ورثه قصد فروش خانه را دارند; آیا جایز است منزل را بفروشند و منافع (اجاره) پنج سال را حساب کرده کار خیر انجام دهند یا این که باید بعد از گذشت پنج سال خانه را به فروش برسانند؟

ج باسمه تعالی; می توانند الان خانه را به کسی که می خواهند بفروشند; پنج سال اجاره دهند و بعد به همان شخص به این شرط بفروشند که تا پنج سال مسلوب المنفعه باشد و سپس مقدار مال الاجاره را از قیمت خانه کم کنند. در نتیجه خریدار همان قیمت منزل را داده و مالک عین مال و منافع می شود و به وصیت هم عمل شده است. البته چنانچه وصیت کرده تا پنج سال خانه را نفروشند; خانه را به خریدار اجاره می دهند و شرط می کنند بعد از پنج سال خانه را به قیمت امروز به او بفروشند.

س۱۰۷۶ شخصی در وصیت نامه اش چنین آورده: «آقای حاجی سید ابوالقاسم... فرزندش سید محمد را وصی شرعی و قائم مقام قانونی بعد الفوت خود قرار داد که با نظارت دو فرزند دیگرش آقایان سید اسماعیل و سید علی به خواسته های مشارالیه به شرح زیر جامعه عمل

پوشیده و به وظایف وصایت قیام و اقدام نمایند...»

۱ آیا عبارت مذکور در خصوص ناظر، ظهور در نظارت استطلاعی دارد یا استصوابی؟

۲ آیا قبول ناظر، در زمان حیات موصی یا بعد از مرگ او، شرط صحت نظارت است یا خیر؟

۳ با فرض عدم اشتراط قبول و یا در صورت قبول ناظر، آیا نظارت فقط حق است تا قابل بازگشت باشد یا آنکه تکلیف نیز هست تا قابل بازگشت نباشد؟

۴ یکی از دو ناظر از اعمال نظارت خوف فتنه خانوادگی دارد و در صورت مداخله احتمال اختلاف و نزاع می رود. در این صورت آیا تکلیف به نظارت همچنان باقی است؟

ج باسمه تعالی; نظر به این که، به حسب غالب، تعیین ناظر برای حصول اطمینان به وقوع ما اوصی به است; نظارت استطلاعی است و از جهت عدم اطمینان به کیفیت عمل وصی و تعیین ناظر، برای آنکه عمل بر طبق نظر او باشد; نیست تا در نتیجه نظارت استصوابی باشد. پس ظاهر آن است که نظارت استطلاعی است و قبول ناظر شرط صحت نظارت نیست بلی اگر موصی در زمان حیات او را رد کند نظارت ندارد و علی تقدیر صحت، نظارت بعد از موت موصی قابل بازگشت نیست.

چنانچه در صورت فوت، فتنه به پا شود تکلیف به نظارت ساقط می شود.

ارث

س۱۰۷۷ مالی است به جا مانده از فردی که مرده و همسرش در قید حیات است و عمده مال مربوط به او است، چون در هنگام تقسیم ترکه مرحوم، کلیه دارایی زن نیز بین اولاد ایشان مصالحه شده است و سهم هریک از دارایی مشخص گردیده است اخیراً یکی از وراث ادعا

نموده است که از این بـابت ضـرر نموده است آیا با توجه به این که نزدیک به یک سال است از این مصالحه می گـذرد و هر کدام از ورثه سهم خود را دریافت نموده اند آیا می شود مصالحه مربوط را فسخ نموده یا شرعاً اشکال دارد؟

ج باسـمه تعالی؛ چون مصالحه عقـد لازم است و آنچه مصالحه شـده است ابهامی نـدارد؛ لـذا هیـچ گونه حقی بر مادر و ورثه فوق الذکر، برای فسخ مصالحه نیست.

س۱۰۷۸ آیا ناظر و ورثه می تواننـد بدون نظر و اطلاع وصـی ثلث مال میت را به مصـرف برسانند و در صورت مصـرف بدون اجازه وصی ضامن خواهند بود یا نه؟

ج باسـمه تعالی؛ به مصـرف رساندن ثلث مال موصی بدون نظر و اطلاع وصی جایز نیست. وصی حکم مالك را دارد و او می تواند اعمال ناظر و ورثه را اجازه نماید و در صورت عدم اجازه او، آن ها ضامن خواهند بود.

س۱۰۷۹ این جناب ۲۲ سال پیش تشـکیل خانواده داده ام و حدود چند ماهی می باشد که همسرم مرحوم گردیده ضمناً از آن مرحومه فرزند ندارم بعد از فوت ایشان ازدواج کرده ام و خانواده مرحومه تمامی وسایل باقی مانده ایشان را از من پس گرفتند و می گوینـد الباقی وسایلی که ۲۲ سال پیش صورت شـده را باید به نرخ امروز بپردازی ضـمناً با اجازه پدر آن مرحومه جهت کفن کردن مبلغ پانصد هزار تومان از اموال آن مرحومه فروخته و خرج کردیم حالا نصف این مبلغ که سهم خانواده ایشان می باشد را از من طلب می کنند. از آن بزرگوار خواهشمندم که تکلیف

من را مشخص بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; نصف ماترک آن مرحومه مال شما است و نصف دیگر مال ورثه دیگر است، خرج کفن و دفن البته به مقدار لازم با شما است لکن هرکس زیادتر از آن مقدار خرج کند با خود او است.

س۱۰۸۰ اگر پدرم در وصیت کتبی خانه مسکونی را با زمین مورد نظر به این جانب سفارش کرده باشد غصب کردن ورثه این خانه مسکونی را یا اموال منقول و غیر منقول آن چه حکمی دارد در صورتی که پدرم در پشیمان شدن از وصیت به من چیزی نگفته است حکم این مسئله را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; آن خانه و زمین به ضمیمه سایر مواردی که وصیت کرده است اگر غیر از واجبات زاید بر ثلث نباشد و ندانید پدر از وصیت برگشته است مال شماست و مانند سایر اموالتان می باشد در صورت قدرت، به هر طریق ممکن می توانید بگیرید.

س۱۰۸۱ شخصی از دنیا رفته و از او فقط یک خواهر مادری باقی مانده و یک جده ابی و یک جده و جد امی، لطفاً مرحمت فرموده نحوه تقسیم ارث این میت را میان وارثین بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; ثلث مال به خواهر مادری و جد و جده مادری داده می شود و در میانشان به طور مساوی تقسیم می شود و دو سوم دیگر به جد پدری داده می شود.

س۱۰۸۲ من وصی پدرم با سفارش شفاهی هستم هیچ یک از ورثه ها حاضر به عمل به وصیت نیستند این جانب اضافه بر وصی بودن مقداری از ملک پدرم به من وصیت شده است. حال با توجه به

این که مدرک قانونی ندارم و قدرت دفاعی برای دریافت حق و حقوق خود و بدهی های پدرم ندارم در صورتی که یک نفر معلم بازنشسته و عائله مند هستم و ورثه تعدادشان زیاد و پشتیبان یکدیگر، جهت ضایع کردن حق پدر و من هستند تقاضا دارم راهنمایی فرمایید؟

ج باسمه تعالی; باید تا به حد عسر و حرج نرسیده به وصیت عمل نمایید پس از آن شما معذورید; ولی وصیت را توزیع نموده و به مقداری که به شما می رسد به وصیت عمل بنمایید.

س۱۰۸۳ خانمی از دنیا رفته و وارث ایشان عبارتند از: ۱ همسر ۲ مادر ۳ سه پسر ۴ دختر مستدعی است نحوه تقسیم ترکه را مشروحاً بیان فرمایید.

ج باسمه تعالی; همسر یک چهارم و مادر یک ششم مجموع اموال را می برند از بقیه اموال پسرها دو برابر دخترها می برند. یعنی بقیه ده قسمت می شود; هر پسر دو قسمت و هر دختر یکی می برد.

س۱۰۸۴ آیا وصی میت می تواند مطالبه دیه نماید در صورتی که اولیا میت صغیر باشند یا این که حق مطالبه ندارد و اگر حق مطالبه دارد آیا تمام دیه را حق مطالبه دارد یا این که سهم میت را حق مطالبه دارد مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; وصی حق مطالبه دیه ندارد مگر در صورتی که میت در زمان حیات خود به ولایت وصی بر اطفال وصیت نموده باشد که آن هم در بعضی موارد وصیت، صحیح است و وصی در صورتی می تواند دیه مطالبه نماید که صلاح صغیر باشد.

س۱۰۸۵ شخصی دارای دو فرزند پسر است که یکی از آن ها

ازدواج کرده است و از دنیا رفته است. حالا وی از این زن شوهر مرده ارثیه می خواهد ارثیه او چقدر است آیا می توان مهریه و جهیزیه را از ارث شوهر حساب کرد و ضمناً این شوهر مرده یک پسر غیر بالغ دارد آیا ارثیه او را می تواند الان بگیرد و به پدربزرگش بدهد یا نه؟

ج باسمه تعالی; زن شوهر مرده، مهریه خود را از ماترک شوهر می گیرد و غیر از مهریه ارث او یک هشتم تمام اموال شوهر می باشد البته غیر از زمین که نمی تواند آن را بگیرد و اما پسر، چون جد بر او ولایت دارد مادامی که مکلف نشده است بدون اذن جد نمی تواند اموال او را بگیرد.

س۱۰۸۶ در ارث سواری و انگشتر پدر به پسر بزرگ تر می رسد در عصر جدید آیا خودروی سواری پدر مانند مرکب به پسر بزرگ تر می رسد؟

ج باسمه تعالی; آن اشیایی که به پسر بزرگ تر می رسد چهار چیز است و مرکب جزء آن ها نیست. آن چهار چیز عبارت است از: ۱ قرآن ۲ شمشیر ۳ لباس پوشیده ۴ انگشتر.

س۱۰۸۷ شخصی در زمان حیات خود ۴ دانگ مشاع از ۶ دانگ، یکی از منازل مسکونی خود را به ۲ عروس خود، و به هر کدام ۲دانگ صداق تعیین نموده و تحویل آنها داده است از آن جا که آن شخص مرحوم شده است و این صدق به صورت مطلق در سند ازدواج مکتوب و مهمور شده است و به جز نشانی آن منزل و مقدار دانگ هیچ کدام از مشخصات و امتیاز انشعاب آب

و برق و گاز و تلفن در سند ازدواج قید نشده است در بین وراث اختلاف پیش آمده است که آیا این دو عروس به مقدار دانگ خود از همه امتیازات سهم می برند یا خیر؟ با توجه به این که ۴ دانگ به صورت مشاع، صداق تعیین گشته است و ۲ دانگ باقی مانده از مال میت می باشد؟

ج باسمه تعالی; آن چه به حسب ظاهر از این صداق مستفاد می شود آن است که فقط از منزل مهریه می برند و در خصوص آب و برق خوب است احتیاط نموده و مصالحه انجام شود و اما از گاز و تلفن، ظاهراً عروس ها چیزی نمی برند.

س۱۰۸۸ شخص که دارای ده اولاد و یک زوجه می باشد جهت رفع تنش و اختلاف با پسر ارشد خود مقداری از اموال خود را به او بذل نموده و یادداشتی با این مضمون بین آن دو با اقرار و امضا منعقد می گردد که پسر ارشد علاوه بر ختم تنش و اختلاف موجود متعهد می شود با دریافت این اموال، دیگر پس از وفات پدر سهم ارثی مطالبه نخواهد نمود و متعاقب این قضایا والد مکرم با نظارت همین پسر ارشد خود، و دیگر ناظران و شهود وصیت نامه ای تنظیم می کند که در آن بقیه مایملک خود را در سه ثلث به زوجه دائمی خود، و دو پسر کوچکترش بذل می کند و به تأیید و امضا تمام افراد مذکور می رسد اما پس از وفات پدر، پسر ارشد مذکور، متعرض به وصیت نامه پدر می شود. از محضر حضرت عالی استدعا داریم چند

حکم شرعی را در این مورد بیان نمایید؟

س۱ آیا وصیت نامه والد مکرم با مفاد مذکور شرعاً نافذ است؟

ج باسمه تعالی; نافذ است.

س۲ با توجه به تعهد قبلی پسر ارشد و اقرار و امضاء او از یک طرف و تمایل کامل بقیه وارث در احترام و اجرای وصیت پدر از سوی دیگر، آیا پسر ارشد علیرغم تعهد خویش می تواند در مقام مطالبه سهم ارثی برآید؟

ج باسمه تعالی; خیر نمی تواند.

س۳ اگر قوانین مدنی راه مفرّی برای او واگذارد و مجدداً برخلاف قول اخلاقی که به پدر داده بود; سهم ارثی دریافت کند; حکم شرعی آن اموال چگونه است؟

ج باسمه تعالی; نمی تواند چون تعهد قبلی، امضاء وصیت است و چون بقیه ورثه هم امضا کرده اند هیچ حقی در مال ندارد.

س۱۰۸۹ پدر حدود ۴۰ سال پیش فوت نموده و زمین با پولی از خود به جا گذاشته که این جانب آن را به باغ تبدیل کرده و آباد نموده ام و هزینه زیادی هم متحمل گشته ام حال پس از گذشت سال ها خواهرم مدعی ملك و حتی درختان را نیز هست. نظر خویش را در این مورد بیان نمایید؟

ج باسمه تعالی; خواهرتان حق مطالبه زمین به مقداری که به او می رسد و اجرت آن و پولی که از ما ترک پدر خرج آن جا شده دارد ولی از درخت ها چیزی به خواهرتان نمی رسد.

س۱۰۹۰ از اموال مردی که فوت نموده چه چیزهایی به عنوان حق الارث به زن تعلق می گیرد آیا از قنات و زمین سهمی به عنوان ارث می برد یا

نه؟

ج باسمه تعالی; زن او از زمین ارث نمی برد و از قیمت بناء و درخت ارث می برد همچنین از خود قنات ارث نمی برد ولی از آلات و آبی که قبل از موت جاری بوده، ارث می برد.

س۱۰۹۱ پدری در حال حیات خود مقداری از دارائیش را به پسرش منتقل نموده و وصیت نموده که سهم الارث پسرش را داده است. آیا بعد از فوت پدر آن پسر می تواند مدعی ارث پدری باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه در حال حیات به طور قطعی به پسر خود بخشیده و به عنوان امانت نبوده است; پسر بعد از فوت پدر ارث می برد.

س۱۰۹۲ میراث مرگ های دست جمعی (تصادف، زلزه و غیره) به چه نحوی بایستی تقسیم شود؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که تقدم و تأخر مرگ هیچ کدام معلوم نباشد; مانند مهدوم علیه هر کدام از دیگری ارث می برند در رساله ها تفصیل آن بیان شده است.

س۱۰۹۳ اگر کسی بمیرد و ورثه هایش پدر و مادر و دختر صغیره و زنش باشد و میت بدهکار باشد آیا می توان خانه مسکونی وی را فروخته و بابت بدهی پرداخت نمود و وجهی هم برای پرداخت همه بدهکاری هایش ندارد؟

ج باسمه تعالی; بلی، چون خانه مسکونی را می توان در حال حیات برای دین نفروخت البته فروش آن جایز است اما بعد از مردن حرفی نیست که باید فروخت و اداء دین نمود.

س۱۰۹۴ زمینی است با مساحت ۴۵۰۰ متر مربع پدرم سهم عمه ها را هم متصرف بود بنده در حیات پدرم از عمه ها رضایت گرفتم و بعد

از فوت پدر عمه هایم خواهان سهم خود هستند حکم مسئله را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی؛ اگر عمه ها فقط اجازه ی تصرف داده اند؛ می توانند پس از فوت پدر شما، ارث مطالبه نمایند ولی اگر واگذار و هبه نموده اند؛ نمی توانند مطالبه نمایند.

س۱۰۹۵ آیا زن از آب قنات و چشمه شوهر که در زمان حیات و بعد از ممات شوهرش جاری است ارث می برد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ زن از آبی که بعد از موت شوهر جاری شده است ارث نمی برد.

س۱۰۹۶ اگر کسی در اثر تصادف از دنیا برود و ماترک میت کافی بر مهریه زوجه اش نباشد آیا از دیه ای که وراث میت می گیرند می شود مهریه زوجه اش را پرداخت نمود و همچنین وراث میت یک بچه شیرخوار و مادر و زوجه بوده و میت دو تا برادر نیز دارد کفالت بچه با چه کسی است و اگر مادرش بخواهد بچه را نگهدارد مخارج بچه به عهده چه کسی می باشد و آیا از دیه یک هشتم به زوجه میت می رسد یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ مهریه را باید از دیه بپردازند و زن هم زاید بر ارث از دیه سهم می برد و کفالت بچه نیز با مادر است و مخارج بچه با پولی است که از پدر به او می رسد.

س۱۰۹۷ بعد از فوت مادر یکی از فرزندانش فوت کرد و از او فرزندانی وجود دارد که نوه های مادر می شوند آیا از اموال جده خودشان با عموها و عمه ها ارث می برند یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ فرزندان

متوفی با وجود برادران متوفی از پدر و مادر او ارث نمی برند; ولی از اموال خود او، که ارث مادر هم جز آن است ارث می برند. یعنی سهم فرزند فوت شده که از مادرش ارث رسیده، مال فرزندان او است.

س۱۰۹۸ اموال متوفی بر اساس وصیت میت بین ورّاث تقسیم شده و پس از مدتی شخصی می گوید من به این میت بدهکارم بدهی خود را به یکی از ورثه می دهد آیا این وارث می تواند بدهکار را برئی ذمه کند؟

ج باسمه تعالی; مبلغ فوق الذکر متعلق به همه وراث است البته هر کدام به مقدار سهم شان، و هر کدام از سهم خود می توانند بدهکار را بری نمایند.

س۱۰۹۹ کسی در سانحه ماشین کشته می شود آیا همسر و پدر و مادر از دیه ارث می برند و آیا برای دیه خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; دیه خمس ندارد چون در حکم بقیه اموال میت است، پدر و پسر ارث می برند مادر نمی برد.

دیات

س۱۱۰۰ مجنّی علیه از زنده ماندن خود مأیوس می باشد آیا می تواند در مورد تبدیل قصاص نفس به دیه یا مصالحه و عفو، وصیت نماید؟

ج باسمه تعالی; تبدیل قصاص به دیه یا عفو، از حقوق اولیاء میت است.

س۱۱۰۱ اگر زن حامله برای سقط جنین به پزشک یا قابله مراجعه کند و طبیب هم عاملا عامداً مباشرت به اسقاط جنین بنماید دیه به عهده کیست؟

ج باسمه تعالی; چون سقط جنین، مستند به هر دو است و یکی با عمل و دیگر با تسلیم آن را انجام داده اند لذا

دیه دو نصف می شود و هر کدام باید نصف دیه را بدهند.

س۱۱۰۲ در مسأله فوق الذکر اگر طبیب به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند باز هم طبیب ضامن دیه است؟

ج باسمه تعالی; ظاهراً هیچ وجهی بر ضمان طبیب نیست.

س۱۱۰۳ در باره ماهیت دیات بفرمایید:

الف) آیا جعل دیه از طرف شارع مقدس به عنوان مجازات بوده یا نوعی جبران خسارت تلقی شده است؟

ب) آیا عمد، شبه عمد یا خطای محض بودن جنایت در پاسخ به سؤال فوق تأثیری دارد؟

ج باسمه تعالی; اثر مترتب بر این سؤال را نفهمیدم. به هر حال فرقی در احکام آن نیست; ولی ظاهراً مجازات نیست چون در قتل خطا، که موجب عقوبت و مجازات باشد; سر نزده است. به علاوه در بعضی موارد دیه بر امام(علیه السلام) یا بیت المال است; بلکه دیه، از قبیل ضمان است و همان گونه که اتلاف مال غیر اگر چه از روی خطا باشد، ضمان ثابت است، در اتلاف نفس، یا عضوی از اعضاء اگر خطائی باشد باز هم دیه ثابت است و اما مسئله خسارات، به حسب ظاهر ادله به مقداری که لازم اتلاف آن عضو است; چیزی بر جانی نیست و در زاید بر آن به مقتضای قاعده; ضمان بر جانی ثابت می شود چون او سبب این خسارت شده است.

س۱۱۰۴ برای شمول حکم قصاص آیا احراز قصد ارتکاب به عمل قتل (مبتنی بر قتل) شرط است؟ اگر احراز نشود دیه واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی; یکی از دو امر شرط است، احراز قصد کشتن یا احراز قصد عملی که به حسب طبیعی و غالب می کشد

ولو آن شخص قصد کشتن نداشته باشد.

س۱۱۰۵ عده ای از جوان ها که دوره نظامی دیده اند عازم منطقه ای می شوند در بین راه گلوله ای از اسلحه یکی خارج می شود و به یکی از همراهان اصابت می کند و به قتل می رسد و ضارت اقرار دارد که سهواً انجام شده این چه نوع قتلی است و اولیاء دم چه حقی دارند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مدعی است قصد شلیک نداشته، قتل خطایی است و دیه باید داده شود ولی اگر مدعی است قصد شلیک به چیز دیگری داشته; قتل، غیر عمد است که باز دیه واجب است.

س۱۱۰۶ در یک حادثه رانندگی در اثر تصادف یک دستگاه اتوبوس با موتور سیکلت دو نفر فوت شده و اکنون علم اجمالی بر ارتکاب قتل غیر عمد یک نفر از دو نفر توسط راننده اتوبوس داریم (زیرا مسلم شده که یکی از آن دو قبل از برخورد با اتوبوس، به زمین می افتد و می میرد) لکن معلوم نیست دیه ای که راننده اتوبوس باید در قبال یک نفر پرداخت نماید به کدام طائفه و کدام ورثه باید بدهد؟

ج باسمه تعالی; دیه بین دو طائفه مردد است و در چنین مواردی به قائده عدل و انصاف رجوع می شود که یک مسئله اجتماعی و مستفاد از روایات خاصه می باشد و حکم به تنصیف دیه شده و به هر طائفه نصف داده می شود.

س۱۱۰۷ آیا سرقت از جرایم قابل گذشت است؟ آیا از این جهت بین سرقت حدّی و تعزیری تفاوتی وجود دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورت عدم مطالبه صاحب حق و

عـدم مراجعه به حاکم شـرع، ولو سـرقت با علم و بیّنه ثابت شود قطع یـد نمی شود و همچنین است اگر مال دزدیـده شده را به دزد ببخشد یا سارق را قبل از مرافعه عفو کند. ولی چنانچه بعد از مرافعه نزد حاکم باشد; قابل بخشش و گذشت نیست.

س۱۱۰۸ راننـده ماشـین اولی شخصـی را زده و دومی هم زده و او را کشـته است آیـا اولی مقصـر و جـانی است یا دومی قاتل است؟

ج باسـمه تعالی; بعـد از زدن ماشـین اول چنانچه حیات مسـتقره ندارد اولی قاتل است و دومی حکم جرح به میت را دارد امام چنانچه حیات مستقره دارد; دومی قاتل است و اولی حکم جرح کسی را دارد.

س۱۱۰۹ دیه اقساط جنین در حالت نطفه، علقه، مضـغه و اسـتخوان به ترتیب در روایتی ۲۰ دینار ۴۰ دینار ۶۰ دینار در استخوان ۸۰ دنیار و هنگامی که استخوان از گوشت پوشیده شود دیه آن ۱۰۰ دنیار است تا این که جنین متولد شود در این صورت دیه کامل خواهد بود به نظر جانب عالی امروزه چگونه باید محاسبه شود؟

ج باسمه تعالی; دینار یک مثقال شرعی طلا است و هر مثقال ۱۸ نخود است.

س۱۱۱۰ اگر مسلمانی، کافر ذمی را به قتل برساند چه مقدار دیه بر عهده مسلمان است؟

ج باسمه تعالی; هشتصد درهم، که هر درهمی ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار است.

س۱۱۱۱ درمورد تغلیظ دیه در ماه های حرام; آیا تغلیظ برای کفار ذمی نیز در نظر گرفته می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; تغلیظ دیه، یعنی اضافه ثلث، اختصاص به مسلم ندارد و در دیه کفار ذمی نیز جاری است.

س۱۱۱۲ بفرمایید

دیه به عنوان خسارت است یا مجازات مالی؟

ج باسمه تعالی; در احکام شرعی فرقی نمی کند.

س۱۱۱۳ پسر بچه پانزده ساله که شب هنگام پس از بیدار شدن از خواب فرد اجنبی را به صورت برهنه با مادرش در اتاق خواب می بیند به اعتقاد این که او فرد خائن و متجاوز به ناموس است و باید کشته شود فرد مزبور را که در حال فرار بوده به قتل می رسانند قتل ارتکابی توسط نامبرده مشمول کدامیک از عناوین قتل محسوب است قتل عمد یا شبه عمد است؟

ج باسمه تعالی; شبه عمد است; چون قتل از حدود است و حدود تدرأ بالشبهات.

س۱۱۱۴ با توجه به ادعای زن مبنی بر این که از روی تهدید، مجبور به برقراری رابطه با اجنبی شده است آیا عمل ارتکابی از سوی فرزند تازه بالغ وی، می تواند مشمول عنوان دفاع از ناموس و در نتیجه عدم مشمول ادله قتل عمد در مورد وی باشد؟

ج باسمه تعالی; خیر مشمول آن عنوان نیست و مع ذلک، قتل عمد نیست.

س۱۱۱۵ با توجه به این اطلاعات فقهی نوجوان، در احکام شرعی کم بوده آیا جهل وی به مسأله می تواند رافع مسئولیت باشد؟

ج باسمه تعالی; رافع مسئولیت نسبت به قصاص است; ولی نسبت به دیه خیر.

س۱۱۱۶ آیا در واجب شدن دیه بر عاقله، در صورت صدور جنایت از غیر بالغ، برای ممیز و غیر ممیز بودن کودکان سن خاصی قائل هستید یا تشخیص آن معیار دیگری دارد و آیا برای بچه های ممیز احکام جزایی مثل بالغ اجرا می شود یا فرق می کند؟

ج باسمه تعالی; ممیز

بودن کودکان سن خاصی ندارد و تا به حد بلوغ نرسند احکام جزایی افراد بالغ بر آن ها مترتب نمی شود. در خصوص قصاص روایات مختلفی وارد شده و در بعضی روایات ده سال و در بعضی دیگر ۸ سال و در روایات دیگر ضوابط دیگری ذکر شده است ولی به نظر من تا به سن بلوغ نرسند; قصاص ثابت نیست; بلکه دیه ثابت است آن هم بر عاقله. در مورد حدود تا بالغ نشوند; حد آن عمل جاری نمی شود و غیر بالغ در هر موردی حکم خاصی دارد.

س۱۱۱۷ کسی که طبق تشخیص دکتر مرگش حتمی است آیا قبل از مردن جایز است بعضی از اعضاء را قطع کرده و به افراد سالم نیازمند بدهند؟ این عمل دیه دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; با اجازه خودش جایز است و دیه ندارد.

س۱۱۱۸ آیا تغلیظ دیه شامل حرم مکه می شود یا فقط شامل ماه های حرام (رجب، ذیعقده، ذیحجه و محرم) می گردد؟

ج باسمه تعالی; فقط مختص به ماه های حرام است.

س۱۱۱۹ هنگام مشاجره، درگیری و نزاع ممکن است یکی از طرفین با علت استرس ناشی از مشاجره سکته قلبی نموده و فوت نماید. این موارد، نسبتاً شایع و همواره تعدادی پرونده در محاکم قضایی مطرح بوده و اولیاء دم تقاضای پیگرد قانونی دارند. چنانچه جسد، مورد معاینه دقیق قرار گرفته و کالبد شکافی شود; ممکن است علائمی به نفع بیماری قلبی عروقی و سکته های جدید یا قدیم قلبی مشاهده شود، قاضی معمولا پرونده را به کمیسیون کارشناسی پزشکی ارجاع و نظر آنان را در مورد میزان تأثیر استرس و هیجان ناشی

از منازعه و تشدید بیماری زمینه ای و تسریع مرگ جویا می شود. مثلا ممکن است تأثیر هیجانات ناشی از منازعه طبق نظر پزشکی قانونی به عنوان نظر خبره، ده درصد ذکر شود و ممکن است متوفی خود شروع کننده مشاجره بوده و موجب عصبانیت خود بوده و یا این که عامل مشاجره موجب عصبانیت و سکته ذکر شود. پاسخ فرمایید:

اولا: آیا کسی را که به سبب استرس ناشی از مشاجره فوت نموده؛ در صورت تشیخص خبره (پزشکی قانونی) می توان طرف مقابلش را به دیه محکوم نمود یا خیر؟

ثانیاً: آیا عامل مشاجره که موجب عصبانیت و سکته گردیده مباشر در قتل است یا این که میزان تأثیر عمل (به استناد نظر پزشکی قانونی) شرط است؟

ج باسمه تعالی؛ در ثبوت دیه، استناد مرگ به جانی معتبر است بلکه آن چه از روایات وارده در حفر چاه و غیره مستفاد می گردد آن است که دوران ضمان دیه، مدار اضرار و تفریط می باشد. بنابر این اگر متوفی، خود شروع کننده مشاجره بوده است بر طرف مقابل هیچ وجهی بر ثبوت دیه، نیست و اگر طرف شروع کننده بوده است؛ چنانچه ذی حق بوده است؛ باز وجهی بر ضمان نیست و اگر ذی حق نبوده است؛ چون حادثه با عمل هر دو پیش آمده است اگر چیزی ثابت شود؛ نصف آن برعهده طرف است و چون فرض این است که مشاجره تنها سبب فوت نبوده است و در چنین مواردی چون روایت خاصی وجود ندارد؛ تعبیر به حکومت و ارش می کنند و مقدار آن مربوط به حاکم شرع است.

س۱۱۲۰ با این که نظرات فقهی

فقهاء عظیم الشأن (رض) دیه مجموع چهار پلک دو چشم، دیه کامل ذکر شده و بین پلک های بالا و پلک های پایین فرق قائل اند; به این صورت که ثلث دیه کامل را برای پلک های بالا و برای پلک های پایین نصف دیه کامل را قرار دادند; پاسخ فرمایید:

اولا: با توجه به امکانات جراحی امروزی در چشم پزشکی و جراحی ترمیمی، می توان گفت که تقریباً همیشه امکان ترمیم پلک ها وجود دارد آیا با این وجود نیز دیه کامل دارد یا درصد تعیینی خبره در ترمیم و عدم ترمیم در تعیین دیه مؤثر است تکلیف چیست؟

ثانیاً: از نظر ارزش عضوی و نحوه درمان، بین پلکهای بالا و پایین اختلاف محسوسی با توجه به پیشرفت علم پزشکی مشاهده نمی شود; آیا اختلاف دیه منصوص است، باید اطاعت کنیم یا امکان تغییر بر مبنای نظریه پزشکی و خبرگان وجود دارد؟

ثالثاً: در صورتی که پلک های بالا ثلث دیه داشته باشند و پلک های پایین نصف دیه کامل، تکلیف ثلث باقی مانده چه می شود؟

ج باسمه تعالی; اول: درباره حراجی ترمیمی در فقه در بخش دیات اعضاء مفصلا بحث شده است که عضو اگر به کلی از بین برود چه مقدار دیه دارد و اگر ترمیم شود چه مقدار و چنانچه در مورد عضو مخصوصی این تفصیل حکم نشده باشد; حکمش از موارد دیگر با تعیین متخصصین معلوم می شود.

ج دوم: چنانچه قائل به اختلاف دیه بشویم که هستیم ولو نظر فقها یکی نیست بلکه سه قول به واسطه روایات وجود دارد باز هم نص میزان است که بدون تعلل

مورد قبول است.

ج سوم: تکلیف ثلث دیه ی باقیمانده نیز تعیین شده است و آن سقوط است. یعنی جانی نباید تمام دیه را بدهد; بلکه دو ثلث بدهد.

س۱۱۲۱ شخصی با مراجعه به دادگاه مدعی است که بر اثر تصادف استخوان های صورتم شکسته و دادگاه دیه لازم را صادر نموده و لیکن زیبایی صورتم به کلی آسیب دیده، به طوری ک در مجامع عمومی با خجالت حضور پیدا می کنم و به خاطر نقص زیبایی حاصله تقاضای خسارات نموده است. آیا زیبایی مستقلا یک عنوان خاص است و دارای ارزش و یا دیه ی خاصی است. آیا نظریه ی کارشناسان فن از جمله پزشکی قانونی در زمینه خسارت وارده وجاهت شرعی دارد یا خیر لطفاً راهنمایی فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در معیوب شدن دماغ و لب، در روایات دلیل خاص وارد شده که اگر دماغ شکسته شود یا لب شکافته شود و بعد از معالجه باز هم دماغ یا لب معیوب باشد دیه زیادتر از موردی است که معالجه شود. از این روایات و روایات دیگر، معلوم می شود که معیوب شدن، عنوان مستقلی است. بنابر این اگر استخوان صورت، شکسته شود و دیه ی آن داده شود; ولی بعد از معالجه معیوب شده باشد; برای صورت، یک ضمانی هست و چون دیه ی آن معین نشده است به عنوان ارش و حکومت چیزی باید داده شود.

س۱۱۲۲ در نظر فقهاء بزرگوار شیعه در بخش دیات که به استناد آن ماده ۳۸۲ قانون مجازات تدوین گردیده آمده است که اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی کسی فاسد شود موجب دیه کامل است.

س

اولا: منظور از فساد چست؟

ج باسمه تعالی؛ منظور از فساد، از کار افتادن بینی است که تمام منافع آن برای انسان از بین برود.

س ثانیاً: با توجه به پیشرفت علم پزشکی امروز شکستگی بینی به سادگی و با هزینه کم قابل درمان است و معمولا با شکستن، بینی فاسد نمی شود آیا باز هم دیه کامل باید پرداخت و اگر بدون عیب ترمیم شد یکصد دنیار را باید داد یا این که با نظر خبرگان پزشکی دست قاضی در کم و یا زیاد دیه باز است؟

ج باسمه تعالی؛ اجماع علما بر یک صد دینار است و از روایتی که در شکستن پشت وارد شده است یک کبرای کلی استفاده کرده اند و آن این است که در شکستن آن چه، دیه کامل باشد؛ اگر بدون عیب ترمیم شود، یک صد دینار ثابت است و حقیر هم در فقه الصادق همین گونه فتوا داده ام.

س۱۱۲۳ در کتب دیات برای از بین بردن هر یک از سوراخ های بینی ثلث دیه کامل و سوراخ کردن بینی به طوری که هردو سوراخ و پرده ی فاصل میان آن دو پاره شود یا این که آن را سوراخ نماید در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس دیه می باشد.

پاسخ فرمایید

س اولا: منظور از سوراخ کردن بینی چیست آیا منظور بسته شدن بینی است یا قطع شدن و یا تغییر شکل آن است؟

ج باسمه تعالی؛ مراد از بین رفتن منخرین است که مورد استفاده واقع می شود.

س ثانیاً: سوراخ کردن دیواره بین

مجاری بینی از عوارض عمل های جراحی داخل بینی نیز منظور هست یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ بلی.

س ثالثاً: با توجه به معالجات ترمیمی امروز تکلیف چیست همان دیه منظور است یا می توان کم یا زیاد نمود؟

ج باسمه تعالی؛ قطعاً مراد سوراخی نیست که لازمه عملی باشد که بینی به حالت اولیه برگردد و در صورت ترمیم قطعاً دیه، کمتر می شود.

س۱۱۲۴ در مورد طفل متولد از زنا بفرمایید:

الف) طفل ناشی از زنا که والدین طبیعی او مسلمان می باشند، به تبعیّت از پدر یا مادر تکوینی، حکم مسلمان را دارد؟

ب) مجازات قتل چنین کودکی چیست؟ (قصاص، دیه، تعزیر یا هیچ کدام).

ج) چنانچه حسب مورد، قصاص یا دیه به او تعلق می گیرد، ولی دم وی چه کسی است؟

د) میزان دیه و مورد مصرف آن چگونه است؟

ج باسمه تعالی؛ الف) مقتضای اطلاق دلیل مانند خبر حفص تبعیت ولد لوالده در اسلام است و محکومیت به مسلمانی است و دلیل نفی ولدیت ولدالزنا، فقط به ارث مختص است و شامل بقیه احکام نیست.

ب) اگر بالغ طفل را بکشد؛ قصاص نمی شود. بلکه باید دیه بدهد و دیه ی ولدالزنا (۸۰۰) درهم است که کمتر از یک دهم دیه ی مسلمان می باشد و تعزیر هم اضافه بر دیه مجازات او است.

ج) ولی دم او مانند ولی دم حلال زاده است زیرا نفی فرزندی مختص به ارث است.

د) میزان دیه ۸۰۰ درهم است و مصرف آن اگر دینی دارد؛ ادای دین شود والا متعلق به امام است.

عیدالزهرا

س۱۱۲۵ نظر مبارکتان را راجع به جلسات عیدالزهرا(س) بیان فرمایید و بگویید آیا این جلسات، جلسات

لهو و لعب حساب می شود یا نه؟ و دست زدن در آن چطور است؟

ج باسمه تعالی; تشکیل جلسات عیدالزهرا(س)، در صورت خالی بودن از محرمات، از بهترین قربات است و اما دست زدن در صورتی که توام با کارهای خلاف شئون اسلامی و خلاف تقوی نباشد; اشکال ندارد.

کف زدن

س۱۱۲۶ کف زدن در جشن مولودی های ائمه(علیه السلام) توسط هیئت های مذهبی چگونه است؟

ج باسمه تعالی; اگر فقط کف زدن باشد و کارهای خلاف در آن نباشد; اشکالی ندارد.

(ت) س۱۱۲۷ کف زدن در عروسی ها و عیدالزهرا چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

س۱۱۲۸ بعضی می گویند مجرد کف زدن همراه با مدیحه سرایی مداحان اهل بیت(علیه السلام) در اعیاد مذهبی ولو بدون استعمال آلات لهو و لعب حرام است این حکم چطور است؟

ج باسمه تعالی; حکم به حرمت چیزی، بدون دلیل از محرمات اکیده است. کف زدن به عنوان اولی حرام نیست. در منزلتان برای بچه ی کوچک کف بزنید هیچ اشکالی ندارد ولی در حال نماز خواندن، زیاد کف بزنید; چون نماز باطل می شود حرام است و در اعیاد مذهبی چنانچه برحسب موازین عرفی و عادی به مقامات معنوی ائمه اطهار اهانت بشود حرام است والا جایز است.

عزاداری

عزاداری

احتراماً، با عرض اعتذار به جهت تصدیع اوقات شریف، به استحضار می رساند تعداد استفتاء در مورد برپایی تعظیم شعائر مراسم عزاداری خامس آل عبار حضرت اباعبدالله الحسین(علیه السلام) می باشد که مستلزم نظر مبارک حضرت عالی است لذا خواهشمنداست نظر مبارک را بفرمایید.

۱ سینه زنی و زنجیر زنی

س۱۱۲۹ دلیل سینه زنی برای ائمه(علیهم السلام) چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; تعظیم شعائر مذهبی.

س۱۱۳۰ آیا سینه زنی و زنجیر زدن در عزاداری که منجر به کبود و حتی جاری شدن خون می شود جایز است؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س۱۱۳۱ برهنه شدن مردان در حال سینه زدن و زنجیر زدن در منظر زنان چگونه است؟

ج باسمه تعالی; بر مرد جایز است ولی زن ها نگاه نکنند.

س۱۱۳۲ آیا سینه زدن و زنجیر زدن ریایی جایز است؟

ج باسمه تعالی; همانند نماز ریایی است.

۲ تعزیه و شبیه خوانی

س۱۱۳۳ در عزاداری حضرت سید الشهداء هر گونه عزاداری از قبیل زدن قمه و طبل و سنج چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۱۳۴ آیا بهتر است به جای شبیه خوانی، روضه خوانی برپاکنند; روضه خوانی مگر همان تغزیه و شبیه خوانی روی منبر نمی باشد؟

ج باسمه تعالی; تمامش خوب است.

س۱۱۳۵ آیا تعزیه خوانی در مراسم عزاداری جایز است؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س۱۱۳۶ آیا تشبیه به اهل بیت(علیهم السلام) درنمایش و تعزیه و غیر آن جایز است؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است.

س۱۱۳۷ آیا تعزیه خوانی که مشتمل بر تشکل مرد و زن و کوچک کردن حضرت زینب(س) و معرفی امام سجاد(علیه السلام) به یک فرد بیمار و پاشیدن نقل و نبات و زدن ساز و نقاره و امثال آن هاست جایز است؟ و شرکت در آن چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; تشکل مرد به زن اشکالی ندارد; ولی باید مراعات مقام رفیع صدیقه ی صغری زینب کبری(س) و امام سجاد(علیه السلام) بشود که هیچ گونه اهانت به آن ها نشود.

۳ استفاده از لباس سیاه

س۱۱۳۸ آیا پوشیدن لباس سیاه در عزاداری امام حسین(علیه السلام) و دیگر ائمه(علیه السلام) چنانکه مرحوم صاحب حدایق فرموده رجحان شرعی دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است و مستحب، من مقید به این کار هستم.

۴ استفاده از علم و علامت

س۱۱۳۹ حکم علم هایی که در مراسم عزاداری امام حسین(علیه السلام) از آن ها استفاده می شود و بعضی دارای نقش و نگارهایی نیز هستند چیست؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

۵ استفاده از طبل و دهل و آلات موسیقی

س۱۱۴۰ آیا در عزاداری سیدالشهدا استفاده از طبل و دهل جایز است؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۱۴۱ چند سالی است که استفاده از ابزار موسیقی به شیوه رقابت در برخی از هیأتهای عزاداری مرسوم شده حکمش چیست؟

ج باسمه تعالی; موسیقی مطلقاً حرام است.

۶ مسائل متفرقه ی عزاداری

س۱۱۴۲ در ایام سوگواری اباعبدالله الحسین(علیه السلام) نماز مقدم است یا عزاداری ؟

ج باسمه تعالی; نماز مقدم است.

س۱۱۴۳ آیا پول دادن به مرثیه سرایانی که در لابه لای اشعار خود بعضی از مطالب بی مدرک یا ضعیف السند را مطرح می کنند یا با غنا می خوانند صحیح است؟ و آیا اصل عزاداری در اثر این کار خلاف، حرام می شود؟

ج باسمه تعالی; غنا خواندن حرام است; ولی اصل کارها خوب است.

س۱۱۴۴ آیا جایز است پارچه و دستمالهایی را که ایام محرم بر سر علم می بندند بفروش برسانند و در عزاداری و تعمیر حسینیه و یا مسجد مصرف نمایند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه وقف آن کار به خصوص نشده باشد; اشکالی ندارد.

س۱۱۴۵ آیا برپا کردن جشن میلاد ائمه(علیه السلام) یامجلس عزاداری و یا میهمانی کردن بدون اذن شوهر و بی رضایت او جایز است؟

ج باسمه تعالی; نباید عدم رضایت و یا نهی او عمل شود.

س۱۱۴۶ در مجالس زنانه ی عزاداری; زنان مداحی و سخنرانی می کنند و صدای آن ها با بلندگو به گوش مردان رهگذر می رسد آیا این عمل جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه صدای آن ها موجب تهییج شهوت نشود اشکالی ندارد.

س۱۱۴۷ اگر قمه زدن باعث وهن مذهب شیعه شود آیا در این صورت قمه زدن جایز است؟

ج باسمه تعالی; اصلا

موجب وهن نمی شود; بلکه عکس آن مشهود است.

س۱۱۴۸ نظر مبارک در مورد سینه زنی های ضربتی و زنجیر زنی های ضربتی و قمه زنی ضربتی و قمه زنی حتی در غیر محرم و صفر چیست؟

ج باسمه تعالی; همه آنها از شعائر مذهبی است و کار بسیار خوبی است ولی باید رعایت نمود که ضرر جانی منجر به تلف نفس نشود.

س۱۱۴۹ پوشیدن لباس سیاه در غیر ایام محرم و صفر چگونه است؟

ج باسمه تعالی; پوشیدن لباس سیاه در ایام مصیبت های وارده بر اهل بیت(علیه السلام) خوب است و در غیر آن موارد هم اشکال ندارد.

س۱۱۵۰ خواندن قرآن و نوحه و عزاداری به صورت موسیقی و به سبک و آهنگ موسیقی باشد چگونه است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۱۵۱ این که در اخبار وارد است اقامه ی مجلسی برای سیدالشهداء(علیه السلام) و گریه برای آن حضرت ثواب دارد؟ هدف از آن چیست؟

ج باسمه تعالی; هدف احیای نام و روش آن حضرت است تا برای مسلمانان سرمشق باشد و در راه ترویج دین و سعادت بشر، همه گونه فداکاری بنمایند.

س۱۱۵۲ استعمال طبل و شیپور مخصوصاً در عزاداری سیدالشهداء(علیه السلام) چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; طبل ساده که از آلات لهو نباشد; مانعی ندارد.

س۱۱۵۳ روز عاشورا برای اظهار همدردی با معصومین(علیه السلام) صورت خیمه گاه درست کردن و آتش زدن جایز است و اسراف محسوب نمی شود؟

ج باسمه تعالی; نه تنها اسراف نیست; بلکه عملی مستحسن است. البته رعایت شود تا موجب اهانت به خاندان رسالت نباشد.

س۱۱۵۴ با توجه به این که امام حسین(علیه السلام) به شهادت رسید و

غلبه ی ظاهری نداشت و یزید هم مدتی ظلم و حکومت خود را ادامه داد در این صورت حکمت قیام و هتک حرمت اسراء چیست؟

ج باسمه تعالی؛ حکمت آن، توقف داشتن بقای دین بر شهادت و آن اعمال است و معصوم فرموده است: الاسلام حسینی البقاء.

س۱۱۵۵ آیا حدیثی که دلالت بر جواز استفاده از طبل و سنج و شیپور در عزای حضرت سیدالشهداء(علیه السلام)دارید؟ راهنمایی بفرمایید؟

ج باسمه تعالی؛ روایات زیادی درباره ی عزاداری آن حضرت وارد شده است و از این امور نهی نشده است و مقتضای اطلاق روایات، جواز آن ها است.

س۱۱۵۶ آیا حدیث معتبری درباره چرخاندن صدا در گلو که بی اشکال باشد سراغ دارید یا نه بغیر از حدیث امام رضا(علیه السلام) در اصول کافی؟ خبر واحد که مطابق با کلام خدا نباشد دلیل صحت نیست؟

ج باسمه تعالی؛ اگر مراد غنا است روایات متعددی در حرمت آن است. خبر واحد اگر مخالف صریح یا ظاهر قرآن نباشد؛ حجت است و لازم نیست موافق باشد. به علاوه آیاتی وارد شده که دلالت بر حرمت غنا می کند و من در کتاب فقه الصادق نوشته ام.

س۱۱۵۷ در هیئت های حسینی(علیه السلام) در اثر شور عزاداری گاهی به سر و صورت خود می زنند و بدن را مجروح می کنند آیا این مورد اشکالی دارد یا نه؟ ج باسمه تعالی؛ بی اشکال است.

س۱۱۵۸ در دستجات عزاداری حسینی(علیه السلام) که به خیابان و بازار می روند و باعث بسته شدن راه عبور می شوند آیا سدّ معبر حساب می شود؟ البته کسانی که از آن مسیر عبور می کنند اکثراً

برای تماشای عزاداری می آیند.

ج باسمه تعالی; این گونه سدّ معبر جایز و بی اشکال است.

س۱۱۵۹ مرثیه خواندن خانم ها با بلندگو و سینه زنی در مجلس زنانه چه صورت دارد؟ پختن جو پوست کنده به صورت سوپ اشکال دارد؟

ج باسمه تعالی; مرثیه خوانی از عبادات بسیار با اهمیت است و باید حتی المقدور از امور غیر شرعیه دور باشد البته، خواندن خانم ها بدون شنیدن اجانب هیچ اشکالی ندارد. سینه زدن خانم ها نیز در مجلس خانم ها هیچ اشکالی ندارد، پختن جو نیز اشکالی ندارد.

س۱۱۶۰ عده ای برای اظهار محبت به حضرت رضا(علیه السلام) نزدیک حرم مطهر سینه خیز و با کشیدن صورت به زمین به حرم می روند; حتی صورت زخم و خونی می شود جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که باعث نقص عضو نشود جایز است.

س۱۱۶۱ ذاکران و مداحان که بعضی روضه ها را با آهنگ های موسیقی یا قریب به آن می خوانند، وجه شرعی آن چیست؟

ج باسمه تعالی; موسیقی مطلقاً حرام است ولو در روضه خوانی باشد.

س۱۱۶۲ مزد گرفتن بابت مداحی اهلبیت و سخنرانی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۱۶۳ بعضی از مداحان اهل بیت از عبارت های (من مستم، از همه خوشگلتری) استفاده می کنند آیا این الفاظ اهانت به ساحت مقدس ائمه حساب می شود؟

ج باسمه تعالی; مداحی شغل بسیار شریفی است و اجر جزیل دارد و حیف است که این عمل با اهانت به مقام اهل بیت(علیه السلام) مبدل به خلاف شرع شود.

س۱۱۶۴ در عزاداری امام حسین(علیه السلام) به صورت لطمه زدن و خود را مجروح

کردن و قمه زدن، احیاناً هلاک می شوند و استفاده از طبل چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ تمام آن چه ذکر کرده اید جایز و متسحسن است؛ مگر کاری که موجب هلاکت شود.

آرزوی دیدن امام زمان(علیه السلام)

س۱۱۶۵ اگر روزی قرار باشد خداوند آرزوی شما را برآورده کند؛ مهمترین خواسته و آرزوی شما از خداوند چیست؟

ج باسمه تعالی؛ در مرتبه ی اول، ظهور حضرت بقیه الله ارواحنافداه و بودن من در خدمت آن حضرت و در مرتبه ثانیه تشرف به خدمت آن حضرت در حال غیبت.

انبیاء و ائمه

س۱۱۶۶ آیا عصمت مراتب دارد و در انبیاء سلف مراتب نازله بوده است؟

ج باسمه تعالی؛ یقیناً مراتب دارد؛ چون خود علم مراتب دارد.

س۱۱۶۷ بردن نام امام زمان چه صورت دارد با وجود این که در زیارت جامعه اسم آن حضرت برده شده است؟

ج باسمه تعالی؛ در این زمان جایز است. ولی نبردن اسم مبارک بهتر است.

س۱۱۶۸ چرا حضرت یونس(علیه السلام) فرمود (سبحانک انی کنت من الظالمین) این چه ظلمی بود؟

ج باسمه تعالی؛ معنی ظالم بودن او ظاهراً این است که عمل او شبیه به ظلم بوده است و آن خروج یونس از محل سکونتش بود که یونس از این عمل هم تبری می کند تفصیل در محل دیگر ملاحظه کنید.

س۱۱۶۹ راجع به شعیب صالح بفرمایید آیا شباهت هایی به حضرت امام زمان(علیه السلام)دارد؟ و از کجا می شود تشخیص داد که منظور از شعیب صالحی که قبل از امام زمان(علیه السلام) ظهور خواهد کرد کیست؟

ج باسمه تعالی؛ شعیب بن صالح رسول یا شعیب نبی، سومین رسول عرب است که در قرآن اسم او برده شده است و به سوی قومش برای ارشاد فرستاده شد ولی قوم او، او را کشتند و جنازه اش را به جوی انداختند و شعیب بن صالح که قبل از ظهور امام

زمان(علیه السلام) قیام می کند اهل سمرقند است و از آن جا قیام می کند و بعد فرماندهی یک مقدار از قشون امام زمان(علیه السلام) به او واگذار می شود تفصیل آن را در محل دیگر ملاحظه کنید.

س۱۱۷۰ آیا قتل قبطی به دست حضرت موسی(علیه السلام) منافات با عصمت ندارد؟

ج باسمه تعالی; آن چه از روایات استفاده می شود آن که حضرت موسی مأمور به قتل او بود. آن چه هست شاید مختصر عجله ی در آن کرده است. به هر حال شیخ طوسی می فرماید:

چنانکه کسی بگوید که حرام بوده خلاف ضروری گفته است.

س۱۱۷۱ آیا ترک اولی برای ائمه معصومین امکان داشته است؟ آیا عدم معصیت با توجه به عصمت کمال می باشد؟

ج باسمه تعالی; امکان داشته ولی نکرده اند، مسلماً کمال است زیرا عصمت موجب سلب اختیار نمی شود تا آن که اختیاری، نباشد و قائل به جبر شویم.

س۱۱۷۲ معاشرت با افرادی که شش امامی یا چهار امامی هستند شرعاً چگونه است؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۱۷۳ آیا صحیح است که ام کلثوم را امیرالمؤمنین(علیه السلام) به عقد عمربن خطاب در آوردند ولی از او بچه دار نشد و می گویند اگر حضرت به او نمی داد عمر تهمت دزدی به حضرت می زد؟

ج باسمه تعالی; دروغ است.

س۱۱۷۴ چرا امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حیات حضرت زهرا(س) تزویج دیگری نکرد و عدم تزویج آن حضرت برای چه بود آیا حق تزویج نداشت؟

ج باسمه تعالی; حق نداشتن اکراماً و تعظیماً للزهراء(س) بود.

س۱۱۷۵ خداوند در قرآن می فرماید: یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً معنی آیه چیست؟

ج باسمه

تعالی; معنی «صلوا علیه» گفتن «اللهم صلی علی محمد و آل محمد» است.

س۱۱۷۶ چرا در چهار سوره ی قرآن قل، که خطاب به پیغمبر است تکرار شده است؟

ج باسمه تعالی; تکرار نیست. چند مورد است که در هر مورد کفّار سؤال هایی می کردند و خداوند به پیغمبر خطاب می کند به آن ها بگو.

س۱۱۷۷ آیا عدم تقبل توبه از قتله ی ائمه(علیه السلام) از عمومات و اطلاقات تقبل توبه خارج می باشد؟

ج باسمه تعالی; قاتلین ائمه طاهرین(علیهم السلام) هیچ کدام موفق به توبه نشدند بنابراین این بحث اثری ندارد و به عقیده من توبه ی آن ها قبول نیست.

س۱۱۷۸ قیام سیدالشهداء با توجه به علم به شهادت، چگونه موضوع برای القاء نفس بر تهلکه ی منهیه نمی باشد و عزم رفتن حضرت علی(علیه السلام) به مسجد با علم به شهادت چگونه باید عنوان شود؟

ج باسمه تعالی; قیام حضرت سیدالشهداء (صلوات الله علیه) با علم به شهادت چون سبب بقای دین شد در حالی که دین در شرف اضمحلال بود امری لازم بود. به عبارت دیگر حسین بن علی(علیه السلام) خود را فدای دین کرد. کاری که نظیرش را البته با مرتبه ی نازله، انبیاء و ائمه موظف به انجام آن بودند; اگر این شرایط برای خود حضرت امیر(علیه السلام) هم بود; چنین می کرد، و امّا مسجد رفتن حضرت امیر(صلوات الله علیه) به واسطه ی آن بود که آن ها موظف بودند در عمل، به طریق متعارف عمل کنند نه از راه علم غیب. مسئله محتاج تفصیل است.

س۱۱۷۹ تاریخ شهادت سبط اکبر حضرت امام حسن مجتبی(علیه السلام) هفتم صفرالمظفر

سنه ۴۹ق و ۲۸ صفرالمظفر ۴۹ ق نوشته اند کدام صحیح است؟

ج باسمه تعالی; آن چه من در ذهنم است ۴ روایت است سومی ۲۵ ربیع الاول و چهارمی ۵ ربیع الاول. ولی عمده همان دو روایت است که ذکر کرده اند و چه خوب است شیعیان هر دو روز را ارج نهند اگر روز هفتم را بیشتر اهمیت نهند بهتر است چون روایتش اقوی است.

س ۱۱۸۰ آیا این روایت صحیح است (کذب الوقاتون) تعیین وقت ظهور برای حضرت جایز نیست؟

ج باسمه تعالی; چون وقت ظهور، بیان نشده است هرکس تعیین کند دروغ گفته است و حدیث قطع نظر از سند، مطابق قواعد هم می باشد.

س ۱۱۸۱ آیا امام زمان(علیه السلام) فقط معاندین را به قتل می رساند؟ در صورتی که یاران امام(علیه السلام) منحصر به ۳۱۳ نفر باشد چگونه بر مستکبرین جهان با این قدرتشان غلبه خواهد کرد؟

ج باسمه تعالی; در این که حضرت(علیه السلام) با ظهور خود دنیا را پر از عدل می کند تردیدی نیست. همچنین تعداد اصحاب (۳۱۳) بیش از این است و مدتی هم جنگ می کند که در آن تردیدی نیست. ظاهراً رجال دولت و اولین گروه همراه آن حضرت به این تعداد است.

س ۱۱۸۲ منظور از انتظار فرج چیست؟

ج باسمه تعالی; کسی که منتظر مهمان بزرگی باشد لابد تمام وسایل پذیرایی را فراهم نموده و کاری که موجب ناراحتی مهمان شود انجام نمی دهد. بنابر این کسی که انتظار فرج و ظهور امام(علیه السلام) را دارد قهراً باید به وظایف شرعیه، خوب عمل کند; چون انتظار فرج افضل اعمال است.

س ۱۱۸۳ آیا اعتقاد به غیبت

حضرت(علیه السلام) از ضروریات دین است؟ یا از ضروریات مذهب یا هیچ کدام؟

ج باسمه تعالی; از ضروریات مذهب نیست و ظاهراً از ضروریات دین، بلکه ادیان آسمانی می باشد.

س۱۱۸۴ آیا رجعت از ضروریات مذهب است و حکمت آن چیست و آیا همه ی ائمه تشریف می آورند بعد قیامت می شود؟

ج باسمه تعالی; اصل رجعت به نظر من ضروری است شاید بیش از ۲۰۰ روایت بر آن دلالت دارد و رجعت حضرت امیر(علیه السلام) و حسین بن علی(علیه السلام)از مسلمات است. رجعت بقیه به این واضحی نیست و اما حکمت رجعت چه هست مقام گنجایش بیان آن را ندارد.

س۱۱۸۵ آیا شفاعت از ضروریات دین است و حکمت آن چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; شفاعت از ضروریات است و آیات و روایات دال بر آن است.

س۱۱۸۶ مراد از عصمت وارده درباره ی حضرت زینب(علیه السلام) و حضرت ابوالفضل چه مرتبه ای است؟

ج باسمه تعالی; عصمت به معنای علم است. معصومین(علیه السلام) به کنه معاصی علم پیدا می کنند و آن مانع صدور معصیت است. کما این که خود ما اگر علم به خباثت چیزی داشته باشیم; مانند خوردن کثافات، ممکن نیست آن عمل را انجام بدهیم. ائمه اطهار(علیه السلام) به همه ی معاصی چنین علمی دارند. مرحوم مامقانی راجع به حضرت زینب(س) معتقد است معصوم بوده است و من معصومین را چهارده تن می دانم ولی نمی توانم راجع به آن مخدّره قضاوت کنم و فقط آن را می گویم که آیت الله خوئی فرموده است: هی لا تخشی غیر الله سبحانه، تقول حقاً و صدقا، لا تحرکها العواصف و لا تزیلها

القواصف، فحقاً هی اخت الحسین(علیه السلام) و شریکه.

س۱۱۸۷ ایام شهادت ائمه(علیه السلام) مثل عاشورا و شهادت های دیگر عروسی کنند جایز است یا خیر؟ اگر قصد بی اعتنایی کنند چطور؟

ج باسمه تعالی; شخص شیعه ی محب اهل بیت، ممکن نیست چنین کاری بکند. اگر کسی مرتکب شود لابد شیعه ی خالص نیست.

س۱۱۸۸ آیا عصمت درجاتی دارد که چهارده معصوم(علیه السلام) در درجات عالیه واقع شده باشند؟

ج باسمه تعالی; مسلماً درجاتی دارد و ائمه(علیه السلام) درجات عالیه را دارا بودند.

س۱۱۸۹ آیا جایز است اسم مبارک پیامبر(صلی الله علیه وآله) با کنیه ی حضرت با هم به بچه نامگذاری شود؟

ج باسمه تعالی; حرمت ندارد ولی مستحسن نیست.

س۱۱۹۰ چه اعمالی موجب رضایت و یا دیدن امام زمان(عج) فراهم می شود؟

ج باسمه تعالی; انجام واجبات، ترک محرمات، کمک به بیچارگان و دستگیری از مستمندان و اعمال مستحبه و...

س۱۱۹۱ پولی که توسط هیئت عزاداری ائمه اطهار(علیه السلام) جمع آوری شده آیا می شود بدون اجازه ی بزرگان هیئت در جای دیگر خرج کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اختیار آن پول های جمع شده، با کسی است ک هیئت او را متصدی قرار داده است و بدون اجازه ی او نمی توان خرج کرد.

س۱۱۹۲ آیا در احادیث و روایات از معصومین درباره صلوات، بیان شده است که آل محمد، شامل فقط حضرت زهرا، امامان معصوم است و یا شامل سادات نیز می شود؟

ج باسمه تعالی; آل محمد(صلی الله علیه وآله) حضرت زهرا(س) و ائمه معصومین(علیه السلام)می باشند و شامل سادات نیست.

س۱۱۹۳ آیا لعنت و فحش نسبت به بنی امیه و آل سفیان جایز

است یا به خاطر این که بنی امیه و بنی هاشم از یک پدرند لعنت نسبت به آن ها بازگشت به پیامبر می کند؟

ج باسمه تعالی; جایز است بلکه از بهترین عبادات است.

س۱۱۹۴ چرا به حضرت مهدی(عج) کنیه اباصالح داده اند؟

ج باسمه تعالی; ابو بصیر می گوید: حضرت به او فرمودند چنانچه در بیابان گرفتار شدی; بگو «یا صالح» و یا بگو «یا اباصالح» غیر از این ظاهراً مدرک دیگری نیست.

س۱۱۹۵ وقتی می گوییم امام حسین(علیه السلام) برای حفظ اسلام کشته شده به دین خدا اهانت کرده ایم و یا در حقیقت پذیرفته ایم نابودی و بقاء اسلام منوط به بود و نبود یک انسان است؟

ج باسمه تعالی; دنیا دار تکلیف و اختیار است; یعنی امام برای حفظ اسلام کشته شد. چون بر حسب موازین دنیوی وضع اسلام به جایی رسیده بود که به جز اسم، چیزی از آن نبود و وسیله ای جز قیام و کشته شدن امام برای رساندن حقایق به مردم نبود، امام دست به این کار زد که پس از کشته شدن امام قیام ها شروع و مردم به اسلام هدایت شدند.

س۱۱۹۶ به چه علت امیرالمؤمنین با ابوبکر بیعت کردند؟ با توجه به این که بیعت با وی تأیید خلافت و دلیل به حق بودن او شمرده می شود؟

ج باسمه تعالی; به خطبه های نهج البلاغه و به خصوص خطبه شقشقیه رجوع کنید.

س۱۱۹۷ در صورت امکان، اسامی علمایی را که اجازه می فرمایید از کتب ایشان نقل روایت شود مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; در این زمان اجازه ی نقل روایت از کتب لازم نیست

و همه می توانند از هر کتاب چاپی نقل کنند.

س۱۱۹۸ اگر سیدی به معصومین(علیه السلام) فحش دهد، آیا از اهل جهنم است و ضمناً کشتن او واجب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; در هر دو سؤال بلی.

س۱۱۹۹ اگر کسی اهانت به انبیاء سلف کند آیا واجب القتل است؟ و عصمت در حق آن ها ضروری است؟

ج باسمه تعالی; سبّ موضوع حکم است نه اهانت و در آن دو قول است; اقوی و جوب قتل است; للنبوی الخاصی: من سبّ نبیاً قتل و من سبّ صاحب نبیّ جلد (وسائل باب ۲۵ من ابواب حد القذف) و عصمت انبیاء ضروری است.

س۱۲۰۰ در روایتی هست که در مسجد کوفه هزار وصی پیغمبر نماز خوانده است و در روایت دیگر گوید که کوفه را عمر بنا کرده است لطفاً توضیح را به طور اجمالی بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; مسجد کوفه از اوائل خلقت بشر موجود بوده، جای قبول توبه ی آدم و استقرار کشتی نوح در آن جا است. بعضی از حضرات معصومین علیهم السلام از مدینه مسافرت نموده در آن جا نماز خوانده اند. بنابر این هیچ مانعی تصور نیست از صحه روایت ذکر شده اولا و روایت دوم مجعول است قطعاً.

س۱۲۰۱ سؤال می کنند که چرا خداوند حضرت آدم(علیه السلام) را از درخت منهیه نهی فرمود و چرا حضرت آدم(علیه السلام) از درخت مذکور خورد؟

ج باسمه تعالی; «عصی آدم ربه ففوی» به معنی نسی امرر به لغوایه الشیطان وارد شده است. حضرت رضا(علیه السلام) در روایتی می فرماید: ان الله عزّوجلّ آدم حجه فی ارضه و خلیفه فی

بلاده لم یخلقه للجنه و کانت المعصیه من آدم فی الجنه لا فی الارض.

س۱۲۰۲ با این که هجرت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در اول ماه ربیع الاول اتفاق افتاده چرا اول سال قمری، اول ماه محرم است؟

ج باسمه تعالی; چون اول محرم در نزد عامه مردم اول سال بوده است; نخواستند این عادت را به هم بزنند. ولی مبدأ تاریخ چون مختلف فیه بوده است هجرت پیغمبر(صلی الله علیه وآله)گرفته اند که عموم مسلمین با این امر موافق می باشند.

س۱۲۰۳ با این که خارج کردن تیر از پای مبارک امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حال نماز و متوجه نشدن حضرت به آن، در عروه الوثقی و رساله های آیات عظام و جامع السادات علامه نراقی(ره) ج ۳ ص ۳۲۸ چ قم، مذکور است یکی از علمای متأخر نوشته خبر مذکور را به علت اشتهارش نقل کرده اند و تا به حال کسی سندی معتبر ارائه نکرده است؟ نظر حضرت عالی چیست؟

ج باسمه تعالی; بزرگانی که اسم برده اید اجل از آن هستند که خبر نادیده نقل کنند.

س۱۲۰۴ چنانچه کسی به حضرت عباس(علیه السلام) و حضرت زینب(علیه السلام) سبّ و اهانت کند آیا واجب القتل است و آن بزرگواران در چه درجه قرار داشته اند؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که سبّ آن ها، بالالتزام سبّ امام باشد; بلی و بعض فقهاء در سبّ مادر و دختر پیغمبر(صلی الله علیه وآله)البته غیر از حضرت زهرا(علیه السلام)، ملتزم شده اند و در خصوص حضرت زینب(علیه السلام) من فتوای صریح نمی دهم.

س۱۲۰۵ روایتی که می گوید زینب(علیه السلام) بالای سر نعش برادرش امام حسین(علیه السلام)رسید; عرض کرد

آیا تو برادر منی آیا تو فرزند مادر من هستی; می شود نسبت به حضرت زینب(س) داد؟

ج باسمه تعالی; بلی، اشکال ندارد. وعاظ آن را به حضرت زینب سلام الله علیها نسبت بدهند.

س۱۲۰۶ روایتی که می گوید حضرت زینب(علیه السلام) در قتلگاه این جمله را به خدا عرض کرد (الهی تقبل منا هذا القربان)؟

ج باسمه تعالی; از جواب مسأله قبل جواب این مسأله و سه مسأله بعد معلوم می شود.

س۱۲۰۷ روایتی که می گوید وقتی حضرت زینب(علیه السلام) بر سر نعش مطهر امام حسین(علیه السلام) رسید عرض کرد: السلام علیك یا ذبیحاً من القفا اختك لك الفدا یابن محمد المصطفی و یا قره عین فاطمه الزهراء)؟ در کجا نقل شده است؟

ج باسمه تعالی; اللهوف فی قتلی الطفوف ص ۱۳۰، المناقب ج ۴ ص ۱۱۳، بحارالانوار ج ۴۵ ص ۵۹.

س۱۲۰۸ روایتی که می گوید حضرت زینب(علیه السلام) در قتلگاه خطاب به بدن امام حسین(علیه السلام) کرده و عرض کرده: اگر تمام مصیبت های تو را فراموش کنم این مصیبت تو از یاد نمی رود، تو را میان دو نهر آب با لب تشنه شهید کرده و هرچه آب خواستی ندادند. و روضه ای که نقل شده امام زمان ارواحنا فداه موقع ظهور می خواند: «الا یا اهل العالم جدی الحسین(علیه السلام) قتلوه عطشاناً» در کجاست؟

ج باسمه تعالی; شجره طوبی ج ۲ الحائری ص ۳۹۷.

س۱۲۰۹ روایتی که می گوید «و مثل من خرج منا اهل البیت قبل قیام القائم(علیه السلام) مثل فرخ طار و وقع من و کره فتلاعبت به الصبیان» در کجاست؟

ج باسمه تعالی; این روایت از

امـام باقر(علیه السـلام) است در غیبه نعمانی ص ۱۹۹، مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۳۷ و قریب به این مضـمون روایتی از امام سجاد(علیه السلام) نقل شده است در کافی ج ۸ ص ۲۶۴ و وسائل ج ۱۵ ص ۵۱.

س۱۲۱۰ با این که محـدث نوری در لؤلؤ مرجان از شـیخ مفید و شـیخ طوسـی و شـیخ کفعمی و علامه حلی رضوان الله علیهم اجمعین روایت فرموده که اهـل بیت پیامبر روز اربعین از شام به طرف مـدینه حرکت کردنـد و ورود اهل بیت(علیه السـلام) به کربلا را در روز اربعین علمائی مانند علامه مجلسی(ره) در زاد المعاد؛ فاضل بیرجندی(ره) در وقایع الشهور؛ محدث قمی(ره) در منتهی الامال؛ دکتر آیتی(ره) در بررسی تاریخ عاشورا آن را رد فرموده اند نظر حضرت عالی چیست؟

ج باسمه تعالی؛ این امر مورد اختلاف است. ولی به نظر من ورود به کربلا همان اربعین اول بوده است.

س۱۲۱۱ این که مشهور است شریح قاضی فتوا به قتل امام حسین(علیه السلام) داد؛ آیا سند مشهور دارد؟

ج باسمه تعالی؛ ظاهر این است که چنین نیست و لذا مختار تعرض شدید به او نکرد. فرد دیگری به نام شریح بوده است که او فتوا داده است.

س۱۲۱۲ حـدیثی از امـام کـاظم(علیـه السـلام) مروی اسـت کـه می فرمایـد: «مـن اخـذ دینـه من افـواه الرجـال رده الرجـال» در کجاست؟

ج باسـمه تعالی؛ در الفصول المهمه شیخ حر عاملی ص ۱۲۵ و شـیخ صدوق روایت را از امیرالمؤمنین(علیه السلام) نقل نموده است.

س۱۲۱۳ آیا عکس در حال جوانی پیامبر که در دست مردم است صحت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ نمی دانم. ولی خود من به احتمال

درست بودن نگه داشته و به آن تبرک می جویم.

س۱۲۱۴ آیا ملاقات با حضرت ولی عصر(عج) را در زمان غیبت کبری قبول دارید؟

ج باسمه تعالی; کسانی که مشرّف به لقاء آن حضرت شده انـد خیلی زیاد هستند. مرحوم مجلسی در بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۱ تا ۷۷ جماعت زیادی را نقل می فرماید که مشرف شده اند، حاجی نوری در النجم الثاقب صد قصه را نقل می کند و کتب زیادی در این موضوع یعنی کسانی که به لقاء آن حضرت مشرف شده اند تألیف شده است. مانند «تبصره الولی فی من رای القائم المهدی» لسید هاشم البحرانی و «البهجه فی من فاز بلقاء الحجه» لسلماسی الاصفهانی و «العبقری الحسان فی تاریخ صاحب الزمان» للنهاوندی و «تذکره الطالب فی من رأی الامام الغائب» و «دارالسلام فی من فاز بلقاء الامام» و تشرف سید بحرالعلوم و شیخ انصاری و غیرهما من الاساطین از مسلمات است. بنابر این مراد از روایتی که اشاره فرمودید ظاهراً این است که کسی به عنوان نائب خاص ادعا کند مانند سیدعلی محمد باب باید او را تکذیب کرد.

س۱۲۱۵ حکمت عدم جواز تصریح اسم مبارک امام زمان چیست؟

ج باسمه تعالی; در روایات متعدد منع ذکر نام آن حضرت است و فقهای بزرگ آن ها را حمل بر تقیه در زمان های سابق نموده اند که آن حضرت متولد شده بود و چون شیعه و سنی روایت کرده اند که آن حضرت خواهد آمد و اسم او موافق اسم پیامبر است و چون آن حضرت را مخفی کردند; جبابره آن عصر در تفحص حال حضرت بر می آمدند لهذا منع شده

که اسم آن حضرت برده شود.

س۱۲۱۶ می گویند که روز عاشورا امام حسین(علیه السلام) به حضرت عباس(علیه السلام) پناه برد; آیا صحیح است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; عیالات بلی، ولی خود امام حسین(علیه السلام) خیر.

س۱۲۱۷ با توجه به این که پایبند بودن به دین در فطرت بشر است; پیامبر قبل از نبوتش به چه دینی عمل می کردند؟

ج باسمه تعالی; اقوال مختلفی است. به نظر من، به دین خودشان عمل می کردند که بعد از سال ها مأمور به ابلاغ، مردم شدند.

س۱۲۱۸ نظر جناب عالی درباره کسی که غصب فدک را منکر شده چیست؟

ج باسمه تعالی; این شخص یا بی سواد و بی اطلاع است یا معاند و مخالف.

س۱۲۱۹ حکمت در رجعت ائمه(علیه السلام) چیست؟

ج باسمه تعالی; مسئله محتاج به تفصیل است. آنچه بر ما لازم است اعتقاد به رجعت است چون از طریق حضرات معصومین علیهم السلام بیان شده است.

س۱۲۲۰ اگر شب لیله القدر تمام مقدرات خداوند متعال بر امام زمان(علیه السلام) نازل می شود ولی در روایت می فرماید در هر شب جمعه به علم ما افزوده می شود آن چه علمی است؟

ج باسمه تعالی; علم ائمه(علیه السلام) مخصوص به مقدرات نیست تا زیاد نشود.

س۱۲۲۱ نوشتن اسماء جلاله و یا اسامی معصومین و القابشان جهت تبرک روی لباس ورزشی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; فی نفسه اشکال ندارد.

دعا و زیارت

س۱۲۲۲ آیا خواندن دعاها و زیارات کتاب مفاتیح الجنان به قصد ورود یا رجاء، مستحب است؟

ج باسمه تعالی; بلی، مستحب است.

س۱۲۲۳ آیا خواندن زیارت عاشورا در ایام غیر از روز عاشورا، مثلا در ماه مبارک رمضان یا روز

جمعه به قصد ورود یا رجاء مستحب است؟

ج باسمه تعالی; بلی، مستحب است.

س۱۲۲۴ درجه وثوق دعای معروف به علوی مصری و صنمی قریش در چه حد است؟

ج باسمه تعالی; به هر تقدیر مستحب است.

س۱۲۲۵ آیا در زیارت عاشورا گفتن یک بار سلام به جای صد بار سلام و گفتن یک بار لعن به جای صد بار لعنت به قصد ورود یا رجاء جایز و مستحب است؟

ج باسمه تعالی; خیر، جایز نیست زیارت عاشورا که بسیار فضیلت دارد به این نحو خوانده شود بلی فی نفسه اگر به قصد ورود نباشد خوب است.

س۱۲۲۶ بعضی می گویند در زیارت عاشورا تمام لعن و سلام صد مرتبه گفتن لازم نیست بلکه همان جمله اخیر در لعن (اللهم العنهم جمیعا و در سلام (السلام علی الحسین تا آخر) صد مرتبه گفته شود کافی است؟

ج باسمه تعالی; این کیفیت هم کافی نیست; بلکه باید تمام لعن و سلام را صد مرتبه گفت.

س۱۲۲۷ آیا زیارت عاشورا را به نحوی که اخیراً متداول شده است که لعن و سلام را هر کدام یک مرتبه می گویند و بعد از هر کدام می گویند مأه مره، قبول دارید یا نه؟

ج باسمه تعالی; زیارت عاشورا که آن ثواب های محیر العقول برای آن ذکر شده است به این نحو نیست. بلکه باید هر کدام از لعن و سلام صد مرتبه تکرا شود.

قرآن

س۱۲۲۸ چرا بعضی آیات قرآن نسخ شده و به پیغمبر(صلی الله علیه وآله) امر نمی شده است که حکم واقعی گفته شود؟

ج باسمه تعالی; آیه الله خوئی منکر نسخ می باشند. ولی اگر قائل شویم; می

توان گفت چون در اول امر، یا در بیان آن حکم مصلحت نبوده است یا مفسده بر آن مترتب می شده است.

س۱۲۲۹ اولین نویسنده وحی که بوده است؟

ج باسمه تعالی; حضرت امیر(علیه السلام).

س۱۲۳۰ آیا قرآن به خصوص در دست حضرت امیر(علیه السلام) بوده غیر از قرآن هایی که خلیفه غاصب وقت جمع آوری کرده است و این قرآن موجود از آن ها است؟

ج باسمه تعالی; امتیاز قرآن حضرت، به اشتمال آن در تفسیر و تأویل و شأن نزول می باشد که همه را خود پیغمبر بیان کرده بوده اند والا خود آن قرآن، همین قرآن ما است بدون زیاده و کم.

س۱۲۳۱ تفسیر قرآن برای غیر مجتهد چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; تفسیر قرآن برای مجتهد و غیر مجتهد حرام است. ولی بیان معنی ظاهری قرآن، تفسیر نیست و اشکال ندارد.

س۱۲۳۲ پا دراز کردن در مقابل قرآن حرام است یا نه؟

ج باسمه تعالی; دراز کردن پا مقابل قرآن چون اهانت تلقی می شود; نباید انجام گیرد. چنانچه اهانت نباشد; اشکال ندارد.

س۱۲۳۳ در قرآن کدام یک (سلام علی ال یاسین یا آل یاسین) درست است؟

ج باسمه تعالی; ظاهراً اولی درست است.

استخاره

س۱۲۳۴ آیا در قرآن استخاره ثابت است؟

ج باسمه تعالی; چند کتاب در این موضوع نوشته شده است یکی از آن ها که اخیراً چاپ شده است; به نام فتح الابواب تألیف سید بن طاووس کتاب خوبی است به آن مراجعه کنید. من معتقد به استخاره هستم و زیاد هم استخاره می کنم و اثرات محیر العقولی هم دیده ام.

س۱۲۳۵ آیا در استخاره، تعیین مصلحت واقعی می شود؟

ج باسمه تعالی;

حتماً.

س۱۲۳۶ کسی نسبت به استخاره آگاهی نداشته باشد و در اثر استخاره ایشان به کسی ضرر وارد شود آیا ضامن است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; خیر، ضامن نیست ولی کار شرعی انجام نداده است.

لعن

س۱۲۳۷ در اثر ناراحتی و عصبانیت لعن مؤمن جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; لعن مؤمن جایز نیست ولی اگر عصبانیت سلب قدرت نماید حرام نیست. آنچه حرام است لعن مؤمن به ماهو مؤمن است والا لعن او به واسطه کار خلافی که انجام می دهد نمی دانم جایز نباشد در قرآن به کاذب لعن شده و در روایات به تعداد زیادی از مرتکبین معاصی لعن شده است.

س۱۲۳۸ لعن و ناسزا گفتن بر فرزندان ائمه مانند جعفر کذاب و امثال او چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۲۳۹ در بعضی از اخبار وارد شده که آتش بر فرزندان حضرت زهرا سلام الله علیها حرام شده است، حتی اگر آن ها از مخالفین باشند. البته بعضی که ادعای امامت کاذب کنند از این حکم مستثنی شده اند; آیا مسئله همین طور است؟ چرا؟ لعن آنان چطور است؟

ج باسمه تعالی; خیر روایت صحیح نیست و روایات کثیره و ادعیه وارده از ائمه(علیهم السلام) دلالت دارد بر این که سادات عاصی و یا کافر مانند غیر ساداتند و فرقی بین آن ها نیست. لعن آنان نیز جائز است.

س۱۲۴۰ آیا لعن و نفرین و اظهار عداوت با غاصبین حق حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) و فاطمه زهرا سلام الله علیها علناً جایز است؟

ج باسمه تعالی; در مجتمع شیعه، بلی جایز و راجح است و در جایی که خوف

فتنه و تشتت و اذیت شیعه بشود; باید مراعات نمود.

توبه

س۱۲۴۱ مراد از فوریت توبه چیست و اگر کسی هنگام انجام معصیت قصد توبه داشته باشد آیا به توبه ضرر می رساند یا خیر، آیا وجوب توبه تعبدی است یا ارشادی؟

ج باسمه تعالی; فوریت معنایش آن است که در اول وقت ممکن، باید توبه را انجام دهد و چون واجب است; باید فرمان بردار باشد و عاصی نباشد و فوراً توبه کند و قصد توبه حقیقی، با انجام معصیت سازگار نیست.

س۱۲۴۲ آیا انجام فعل متجری به، مثل سفر برای کشتن فردی که ظاهر شود کشته، شده حرام است؟ برای رفع اثر آن احتیاج به توبه است؟

ج باسمه تعالی; تجری حرام است ولی به حکم عقل قبیح است و از مواردی است که قاعده ملازمه، در آن جاری نیست.

س۱۲۴۳ در توبه انشاء صیغه و عزم بر ترک شرط است؟

ج باسمه تعالی; انشاء لازم نیست. عزم بر ترک و پشیمانی از گذشته شرط است.

س۱۲۴۴ کسی که به ظلم، عده زیادی را به قتل رسانده باشد و تمکن از ادای دیه ندارد; چگونه توبه در حق او محقق می شود؟

ج باسمه تعالی; از رحمت الهی نباید مأیوس شد.

س۱۲۴۵ اگر یک شیعه مذهب که معتقد به ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام) است و از اصول دین خود می داند از این عقیده برگردد کافر می شود یا محکوم به اسلام است؟

ج باسمه تعالی; خیر، کافر نمی شود. منکر توحید و رسالت و یا ضروری دین کافر است.

س۱۲۴۶ در مثل قضیه حمید بن قحطبه که ۶۰ سید را کشت بعداً هم نماز و روزه انجام نمی داد

و هر ظالمی عده ای را با ظلم بکشد و سپس اگر نادم شد راه تحقق توبه چگونه است؟

ج باسمه تعالی; توبه ظالم به رد حقوق مردم و تصمیم قطعی بر ترک گناه و پشیمانی از آن گناه و گذشته خویش می باشد و هیچ کسی نباید از رحمت حق مأیوس باشد.

س۱۲۴۷ کافر بودن شخص به چه وسیله است؟ آیا با خبث باطنی یا بی عقیده بودن اوست؟

ج باسمه تعالی; کافر بودن یک مرحله ظاهری و یک مرحله واقعی دارد. مرحله ظاهر با هر دو سازش دارد. چون با گفتن شهادتین حکم به اسلام او می شود هرچند او خبث باطنی داشته باشد یا بی عقیده باشد.

محرمات

س۱۲۴۸ در مورد استفاده از گوشت و مرغ و خرید آن ها از مغازه در ایران و کشورهای غربی چگونه است؟

ج باسمه تعالی; آنچه در ممالک اسلامی است و در بازار مسلمانان است و یا در دست مسلمان است و فروشنده می گوید ذبح شرعی شده است و شما هم احتمال بدهید درست می گوید حلال است و اگر از کافر در بلاد کفر گرفته حرام است.

س۱۲۴۹ نفس جدل کردن آیا حرمت شرعیه دارد.

ج باسمه تعالی; خیر ندارد.

س۱۲۵۰ نفس ملامت و سرزنش حرمت دارد؟

ج باسمه تعالی; ندارد.

س۱۲۵۱ غضب کردن و کینه توزی حرمت دارد؟

ج باسمه تعالی; غضب حرام نیست عمل بر طبق آن گاهی حرام است.

س۱۲۵۲ قهر کردن از برادران دینی حرمت دارد و مراد از روایتی که در ارشاد القلوب و کتب دیگر است که می فهماند کسی که سه روز با برادر دینی هجرت کند از دایره اسلام خارج است

چیست؟

ج باسمه تعالی; روایت سند معتبری ندارد و فقهاء هم فتوا نداده اند.

س۱۲۵۳ آیـا لعن مؤمن به اطلاق کریمه (یوم ینادی المنادی الا لعنه الله علی القوم الظالمین و یا المحتکر ملعون و شارب الخمر ملعون) و غیره جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اشکالی ندارد.

فیلم، عکس، رادیو و تلویزیون

س۱۲۵۴ بدن زن کافر با تصاویر مونتاژ شود چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۲۵۵ به تصویر کشیدن تخیلات و داستان هایی که دستمایه آن ها تخیل و اوهام می باشد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۲۵۶ نمایش محرمات بدون این که در واقع حرامی انجام شود (مثل نمایش شـرب خمر به وسـیله آب یا نمایش قمار بدون شرط بندی و قصد بازی) چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که موجب موهون شدن محرم شود و یا مانند اشاعه فحشاء شود; جایز نیست.

س۱۲۵۷ نمـایش رقص بر فرض این که اصـل را حرام بـدانیم در فیلم چه حکمی دارد و آیـا بین رقص های آیینی و غیر آیینی تفاوتی هست؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد و فرقی بین آن دو نیست. هر دو جایز است.

س۱۲۵۸ ساخت فیلم های ترسناک برای سرگرمی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; فی نفسه اشکال ندارد.

س۱۲۵۹ نمایش صـحنه های ترسـناک یا صحنه های فجیع کشتار و شکنجه، در فیلم، به عنوان بخشی از داستان و ماجرای یک فیلم چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; فی نفسه بی مانع است.

س ۱۲۶۰ نمایش مجامعت حیوانات در فیلم های مستند چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر موجب فوران شهوت نشود جایز است.

س ۱۲۶۱ گوش دادن به صدای زن خواننده

برای مردان چه حکمی دارد؟ (در صورتی که آواز از باب غنای حرام نباشد) مونتاژ این گونه تصنیفات بر روی فیلم یا تصویر خود خواننده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۲۶۲ آیا دیدن برخی فیلم ها که در آن شئونات اسلامی رعایت نشده و مدتی است با اجازه از وزارت ارشاد در سینماها پخش می شود جایز است در صورت اشکال راه حل شرعی را بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; اجازه وزارت ارشاد، حرام را حلال نمی کند. باید موازین شرعی در دیدن و شنیدن رعایت شود.

س۱۲۶۳ نگاه کردن به فیلم های خارجی و ایرانی بدون قصد لذت چگونه است، لطفاً بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; نگاه کردن به فیلم های ایرانی که زن بی حجاب را نشان می دهد و فیلم های خارجی که بدن عریان زن را نشان دهد; حرام است و نیز گوش دادن به آواز موسیقی در ضمن آن جایز نیست.

س۱۲۶۴ در صورتی که سوژه یا قالب اقتضاء نماید که کارگردان یا بازیگران مؤنث (مسلمان یا غیر مسلمان) حجاب کامل یا اصلا حجاب را رعایت نکنند ساخت و نمایش و تماشای چنین فیلم ها چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; از بازیگر غیر مسلمان اشکال ندارد.

س۱۲۶۵ برای آن که مقام معنوی و شئون ائمه و پیامبران محفوظ بماند، در ساختن فیلم زندگی آنان چه نکات و ضوابطی لازم است رعایت شود؟

ج باسمه تعالی; مقامات معنوی آنان قابل درک نیست و با ساختن فیلم نمی توان آن را ارائه کرد ولی اگر بنا باشد فیلمی ساخته شود; باید فیلمی باشد که مظهر مقام عبودیت و تسلیم آن ها در

برابر حق و صبر در برابر مشکلات و استقامت و مبارزه با ظالمین و جنایت کاران و حکام جور و دستگیری از مستمندان و طرفداری از حق و مستضعفین و یا مشابه آن باشد، همچنین در مورد زندگی خصوصی آن ها نباشد (و در این صورت چند سؤال پیش می آید).

س۱۲۶۶ اول: در صورتی که نمایش زندگی و چهره معصومین(علیه السلام) در فیلم مستلزم هیچ گونه اهانتی به ساحت مقدس آن حضرات نباشد و مردم را به تأسی و الگو پذیری از روش ها، منش ها و اخلاقیات آن بزرگواران ترغیب نماید؟ اولا: بازی هنرپیشگان در نقش معصومین(علیه السلام) چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چون معصومین(علیه السلام) مجسمه روحانیت و معنویت می باشند; بازی هنرپیشگان نمی تواند کاشف از مقام آنان باشد.

س۱۲۶۷ ثانی: نشان دادن چهره هنرپیشه به جای چهره معصوم(علیه السلام) و نمایش حرکات و سکنات معصوم(علیه السلام) مثل راه رفتن، نشستن و برخاستن و غذا خوردن و خوابیدن چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست. چون نشان داده نمی شود.

س۱۲۶۸ ثالث: آیا می توان به منظور آب و تاب دادن و جذابیت بخشیدن به داستان سخنانی را که از معصومین(علیه السلام) صادر شده از زبان معصوم(علیه السلام) دیگری بیان کرد؟

ج باسمه تعالی; چون دروغ است جایز نیست.

س۱۲۶۹ رابع: آیا می توان برای به تصویر کشیدن مواضع فکری معصوم(علیه السلام)، واقعه ای را به تصویر کشید که اتفاق نیفتاده; مثلا می دانیم که همه معصومین(علیه السلام) در مقابل ستمگران محکم و استوار بوده اند، حال اگر فرض کنیم در زندگی یکی از معصومین(علیه السلام) اتفاقی نیفتاده که حضرت معصوم(علیه السلام) در

مقابل ستمگری ایستادگی کند یا تاریخ آن را برای ما نقل نکرده باشد آیا می توان داستانی را ساخت و تصویر کرد تا روحیه ظلم ستیزی معصوم(علیه السلام) نمایش داده شود؟

ج باسمه تعالی; نمی شود و شرعاً حرام است.

س ۱۲۷۰ به منظور تنبیه و توجه تماشاچی به نتیجه اعمال، آیا می توان صحنه های روز قیامت را به تصویر کشید و از آنجا که نمایش این صحنه مستلزم نمایش چهره فرشتگان عذاب و رحمت است; بازی هنرپیشگان در نقش فرشتگان چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه به آن نحوی باشد که با سند صحیح باشد جایز است.

س ۱۲۷۱ نگاه کردن به فیلم زنان بی حجاب چه حکمی دارد، و آیا در این مسأله بین مسلمان و کافر و بین فیلم مستقیم و غیر مستقیم تفاوتی هست؟

ج باسمه تعالی; نگاه کردن به فیلم زن بی حجاب مسلمان جایز نیست و به فیلم زن غیر مسلمان جایز است البته به مقداری که به خود زن کافر می شود نگاه کرد.

س ۱۲۷۲ در صورتی که زنان غیر مسلمان بدون مراعات حجاب اسلامی به ایفای نقش بپردازند؟

اولا: نگاه کردن عوامل تولید به این زنان چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; به مقداری که در رساله ها نوشته شده است; جایز است.

س ۱۲۷۳ ثانیاً: نگاه کردن تماشاچیان به فیلم آن ها چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; فرقی بین تماشاچیان و عوامل تولید نیست.

س ۱۲۷۴ ثالثاً: در صورت جواز تا چه حدی از بدن ایشان را می توان نمایش داد، آیا جواز منحصر به موی سر است یا شامل سایر اعضای بدن مثل پا و دست و بازو نیز می شود و

در صورت دوم آیا عورتین را نیز شامل می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; کشف آن به مقداری که متعارف است جایز می باشد ولی کشف عورتین آن ها جایز نیست.

س۱۲۷۵ آیا زن و مرد محرم مثل زن و شوهر می توانند در فیلم همدیگر را لمس کنند، ببوسند یا در آغوش بگیرند؟ آیا حکم این مسأله در صورتی که زن و مرد محرم، نقش دو محرم یا دو نامحرم را بازی کنند متفاوت است؟ دیدن این گونه روابط برای بیننده فیلم چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی جایز است که موجب تهییج شهوت نشود.

س۱۲۷۶ رعایت حجاب بر دختران نابالغ در فیلم و غیر فیلم تا چه حدی لازم است؟

ج باسمه تعالی; حد ندارد نمی توان به عورت آن ها نگاه کرد. س۱۲۷۷ لمس کردن دختران نابالغی که در نقش زنان بالغ بازی می کنند برای مردان نامحرم و لمس پسران نابالغی که در نقش مردان بالغ بازی می کنند برای زنان نامحرم چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; لمس دختر غیربالغ توسط مرد نامحرم در صورتی جایز نیست که مرد در معرض طغیان شهوت باشد و در غیر این صورت جایز است.

س۱۲۷۸ ساختن فیلم در ارتباط با آموزش مسائل جنسی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۲۷۹ بازی کردن مرد در نقش زن و زن در نقش مرد چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۱۲۸۰ نمایش زنان بی حجاب با هنرپیشه های مصنوعی (نقاشی متحرك و تصاویر كامپیوتری) چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; فی نفسه اشکال ندارد; مگر آنکه موجب طغیان شهوت باشد.

س۱۲۸۱ مونتاژ بدن

برهنه زنـان کـافر بـا چهره هنرپیشه هـای مسـلمان به وسـیله کامپیوتر به طوری که خیال شود همان زن است که برهنه شـده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۲۸۲ دیـدن زن های بی حجاب آرایش کرده در فیلم ها، در صورتی که بازیگر مسـلمان یا غیر مسـلمان باشـد چه صورت دارد؟

ج باسـمه تعالی; به قصـد ریبه و تلـذذ مطلقاً حرام است و اما بـدون ریبه دیدن زن غیر مسـلمان جایز است و دیدن زن مسـلمان چنانچه بدن و موی او پوشیده باشد ولو صورتش باز باشد; جایز است و در غیر این صورت جایز نیست.

س۱۲۸۳ دیدن عکس نامحرم بدون ریبه و با وجود آن چه صورت دارد و فرقی بین آشنا و ناشناس وجود دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; نگاه کردن به عکس زن نامحرم با قصد لذت حرام است و بدون قصد لذت جایز است در این صورت نیز بهتر است به عکس زن نامحرمی که می شناسد; نگاه نکند.

س۱۲۸۴ دختران می پرسند آیا می توانند در حرفه بازیگری یا کارگردانی فعالیت داشته باشند چه صورت دارد؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه مسـتلزم تماس غیر مشروع با مرد نامحرم باشد یا او را بدون حجاب شرعی در سینما یا تلویزیون نشان دهند; جایز نیست.

س۱۲۸۵ گرفتن عکس برای زن چه حکمی دارد؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه عکس گیرنـده زن باشـد; اشـکال نـدارد و همچنین است اگر عکس گیرنـده مرد باشـد و زن حجاب شرعی را رعایت بنماید.

س۱۲۸۶ آیا دیدن فیلم های سکس و مبتذل حرام است؟

ج باسمه تعالی; بلی.

س۱۲۸۷ آیا استماع تمام برنامه های صدا و سیما جایز است یا خیر؟

ج

باسمه تعالی; خیر، ساز و آواز موسیقی، نظر به زن های مسلمان بدحجاب و... جایز نیست.

س۱۲۸۸ آیات یا اسماء حسنی که در صفحه تلویزیون به نمایش در می آید آیا مس آن ها بدون طهارت جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اگر هتک نباشد; جایز است زیرا خط مس نمی شود و شیشه مانع است.

س۱۲۸۹ نظر مبارکتان درباره فرموده آیت الله بروجردی که گوش دادن به قرآن از رادیو و تلویزیون حرام است; چیست؟

ج باسمه تعالی; خیر، حرام نیست و خیال نمی کنم که ایشان فرموده باشند.

س۱۲۹۰ اگر در مجلسی که حضور داریم رادیو یا تلویزیون را روشن کنند وظیفه ما چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه موسیقی پخش کند; باید نهی نمود و اگر نتواند نهی کند باید از مجلس خارج شود.

س۱۲۹۱ نظر مبارکتان در مورد ویدئو و ماهواره چیست؟

ج باسمه تعالی; بلاشک منشأ فساد است. ولی اگر می توانید فقط از برنامه های غیر فاسد آن استفاده نمایید و خانواده هایتان از این برنامه ها استفاده نکنند; اشکال ندارد.

س۱۲۹۲ نگاه کردن به فیلم های کاراته یا مذهبی و فیلم های آموزنده جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; فی نفسه اشکال ندارد البته در صورتی که زن بی حجاب و ساز و آواز در آن نباشد.

س۱۲۹۳ آهنگ های پخش شده در صدا و سیما چه حکمی دارد؟ دیدن زن مسلمان بی حجاب در تلویزیون حکمش چیست؟ نگهداری تلویزیون در منزل چطور است؟

ج باسمه تعالی; آهنگ هایی که در تلویزیون و رادیو پخش می شود چون موسیقی و غنا با آلات لهو و لعب است مطلقاً حرام است و دیدن نامحرم

در تلویزیون، مانند دیدن در کوچه و بازار است و حرام است و نگهداری تلویزیون در منزل، چنانچه سبب شود که خودتان یا خانواده تان مرتکب حرام بشوید; نباید نگه دارید ولی استفاده برای قرآن و سخنرانی و مدح اهل بیت و نوحه خوانی جایز است و نگهداری برای این امور جایز است و مانعی ندارد.

اشاعه فحشاء

س۱۲۹۴ آیا نقل عمل زشت و جنایات، بدون تعیین شخصی، از موارد اشاعه فحشا می باشد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اظهار معصیت خود انسان یا دیگران، فی نفسه قبیح است; ولی اشاعه فحشاء که در آیه کریمه از آن نهی شده است مربوط به نسبت زنا به کسی دادن است که حد هم دارد.

س۱۲۹۵ مجلات سکسی که به طور قاچاق وارد شده و پخش می گردد و بسیار موجب فساد و فحشاء است; اگر راه جلوگیری از آن منحصر باشد که آن ها را بخرند و از بین ببرند آیا از سهم امام(علیه السلام) جایز است بخرند یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۲۹۶ حکم پخش و نشر و خرید و فروش و نگاه و نگهداری عکس های رنگی زن های هنرپیشه که با چهره ای جذاب و چشمگیر و در بعضی موارد موهای نمایان چاپ و تکثیر شده چیست؟ با توجه به این که افراد نامبرده معروف و سرشناس هستند و راضی هستند که مردم به عکس آن ها نگاه کنند آیا باز هم نگاه کردن به آن ها حرام است؟

ج باسمه تعالی; نظر به این که نشر و تکثیر چنین عکس هایی موجب تحریک جوانان می شود; قبیح است و جایز نیست. راضی بودن و

نبودن آنان دخیل در حکم نیست.

موسیقی

س۱۲۹۷ رفتن به مجالس عروسی که ساز و آواز و موسیقی استفاده می شود چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۲۹۸ نوارهای موسیقی که ارشاد اسلامی اجازه داده است; چطور است؟

ج باسمه تعالی; اجازه ارشاد موجب جواز محرم نمی شود.

س۱۲۹۹ مراد از آلات مختصه به لهو چه می باشد و طبل چگونه است؟

ج باسمه تعالی; مراد از آلات مختصه به لهو آن است که منفعت مهمه آن آلت، لهو باشد و اگر چیزی مانند رادیو دو قسم منفعت دارد آلت لهو نیست. بنابر این طبل از آلات لهو نیست.

س۱۳۰۰ معروض می دارد با گسترش فساد و فحشاء در جامعه و ترویج غنا و موسیقی، عده ای از افراد مغرض و منحرف دامنه این کار را به محافل و مجالس مذهبی کشانده اند و در صدد به ابتذال در آوردن این گونه مجالس هستند، خصوصاً در اعیاد و موالید ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین که به طرز خیلی عجیب، سرود و مولودی خوانده می شود که گاهی از خود مردم شنیده شده که می گویند: خواندن این ها به سبک ترانه های عاشقانه خواننده های غیر مذهبی می باشد که هیچ تناسبی با شئون مجالس مربوط به اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین ندارد; بلکه خود نوعی اهانت به ساحت مقدس آن ها محسوب می شود، مخصوصاً که همراه با چنین نغمه هایی، به شکل خیلی زننده دست زده می شود; به طوری که مجلس از هر جهت شبیه به مجالس لهو و لعب می شود و گاهی هم

از مـداح هـا شـنیده شـده که می گوینـد دست زدن بـا سـینه زدن هیـچ فرقی نـدارد و کسانی که دست نمی زننـد مخالف اهل بیت(علیهم السـلام) هسـتند حال با توجه به روایات وارده در حرمت غنا و آیه شـریفه «و ما کان صـلاتهم عند البیت الا مکاء و تصدیه» (سوره انفال آیه ۳۵) که در تفسـیر برهان و تفسـیر نور الثقلین و سایر تفاسیر معتبر شیعه در ذیل این آیه شریفه، روایت وارد شده که عبادت کفار در زمان جاهلیت دست زدن در کنار خانه خدا بوده است آیا حضـرت عالی غنا را در موقع خواندن اشـعار و سـرود و مولودی و همچنین دست زدن به همراه آن را جـایز می دانیـد یا خیر؟ مسـتدعی است که نظر مبارکتان را در این زمینه به طور صریح مرقوم فرمایید؟

ج باسـمه تعـالی; غنـا حتی در روضه خوانی و قرآن خوانـدن مطلقـاً حرام است و کسـی که بگویـد سـینه زدن در مصائب اهل بیت(علیهم السـلام) که از شـعائر مذهبی و از جمله اموری است که بقاء مذهب و دین به واسـطه این اعمال است با دست زدن در اعیاد مذهبی فرقی نمی کند بسـیار حرف غیر مربوطی زده است خداوند همه را از شرور و آفات حفظ نماید ولی کف زدن فی نفسه حرام نیست و روایتی که به آن اشـاره کرده ایـد معنایش همان است که از ظاهر آیه صـدراً و ذیلا اسـتفاده می شود و آن وعـده عـذاب به مشـرکین می دهـد زیرا آنـان بـا بازی کردن و کف زدن و سوت کشـیدن به جای نماز خوانـدن و عبادت کردن مانع از ورود مؤمنین به

مسجدالحرام می شدند. روایات دیگری هم در تفسیر آیه شریفه وارد است که مقام، گنجایش تعرض به آن ها را ندارد.

س۱۳۰۱ اگر شغل کسی مطربی باشد; درآمد حاصله از خوانندگی یا مطربی وی که شامل (زدن کلیه آلات موسیقی از قبیل نی، تار، ضرب) می شود چه حکمی دارد؟ آیا درآمد حاصل حلال است یا حرام؟

ج باسمه تعالی; درآمد موسیقی و خوانندگی غنائی حرام است.

س۱۳۰۲ اگر کسی به قصد تفریح و سرگرمی، از آلت موسیقی استفاده کند مثلا (نی یا تار) بزند حکم عمل وی چیست؟

ج باسمه تعالی; حرام الهی، با قصد تفریح و سرگرمی حلال نمی شود.

س۱۳۰۳ آیا تمام نوارهایی را که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (خصوصاً مداحی و موسیقی) مجوز تکثیر و پخش می دهد از نظر شرعی مجاز می باشد؟

ج باسمه تعالی; موسیقی مطلقاً حرام است و با مجوز وزارت ارشاد حلال نمی شود.

س۱۳۰۴ گوش نمودن به سرودها و موسیقی های شرعی، در روزهای عزا و اندوه ائمه(علیه السلام) در محرم و رحلت نبی اکرم(صلی الله علیه وآله) و حضرت معصومه(س) و غیره جایز می باشد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه آوازی، غنا و موسیقی باشد; گوش دادن جایز نیست والا جایز است.

س۱۳۰۵ اخیراً در شهرها رسم شده است کنسرت موسیقی برگزار می کنند; توسط گروهی خواننده و با وسایل نوازندگی مانند پیانو، ویولون، ارگ، گیتار، تار، سه تار، اجرا می شود. اخیراً در شهر شاهرود نیز در چند مکان برگزار شده است و در بعضی مراسم زن و مرد به طور مشترک خوانندگی می کنند و می گویند ما مجوز داریم و از نظر قانون مجاز شده است

و این موسیقی عرفانی است. جمع کثیری نیز به خیال این که شرعاً بلا ـ اشکال است; بلیط تهیه کرده و در مجلس یاد شده شرکت کرده و استماع می نمایند. ضمناً مستمعین زن و مرد مشترکاً می باشند. لطفاً حکم اجرای موسیقی مزبور و حکم شرکت در آن مجلس و خرید و فروش بلیط آن و حکم پول تهیه شده از این را و پولی که خواننده ها می گیرند به عنوان اجرت چیست؟ آیا چیزی در اسلام به نام موسیقی عرفانی وجود دارد که شرعاً مجاز باشد؟

ج باسمه تعالی; موسیقی عرفانی که در اسلام جایز باشد; نداریم. این اصطلاح از صوفیه است و مسلماً مانند بقیه موسیقی ها حرام است; خصوصاً که با وسایل نوازندگی باشد. عجیب است که مصادر امر هم شنیده ام که تصریح می کنند به جواز، و مجریان امر چنین می کنند. خداوند تعالی هدایت شان کند.

س۱۳۰۶ شنیدن هر گونه آلات موسیقی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام است.

س۱۳۰۷ نظر حضرت عالی در مورد به کارگیری آلات و ادوات موسیقی و معامله بر آن ها چیست؟

ج باسمه تعالی; چون موسیقی را حرام می دانم; چنانچه آن آلات، منفعت دیگری نداشته باشد معامله بر آن باطل است و اگر منفعت دیگر دارد; معامله صحیح است و استفاده در آن منفعت نیز، جایز است.

س۱۳۰۸ با توجه به کثرت علاقه مندان زن برای فراگیری انواع سازها در سطح کشور، چگونه می توان با حفظ موازین فقهی امکان ارائه این هنر، را توسط ایشان فراهم کرد؟

ج باسمه تعالی; مراد از این هنر، اگر موسیقی است با هیچ میزان فقهی، و

اگر هنر جایز است; خانم شوهردار بایـد رضایت شوهر را جلب کند و یا در حین عقد، شـرط شود که شوهر باید اجازه دهد و اگر بی شوهر است محدودیتی غیر از رعایت موازین عام شرعی ندارد.

س۱۳۰۹ خلاقیت و تحول در موسـیقی در گروه تربیت متخصـص (نوازنـده، آهنگسـاز، خواننـده و...) است و نظر به این که امروزه موسیقی از مقوله علم و هنر و فرهنگ به شمار می آید; چگونه می توان با حفظ معیار فقهی به این مهم پرداخت؟

ج باسمه تعالی; راهی به ذهن من خطور نمی کند.

س۱۳۱۰ با توجه به این که ایران یکی از پنج تمدن بزرگ موسیقی بشری به شمار می آید و به دلیل مشکلات فقهی در بخش آموزش و اجرا، هم اکنون اغلب سازها و دسـتگاه های موسـیقی و اجرای آن با معضل مواجه است آیا فقه اسـلام در این زمینه رهنمودی دارد که در عین استفاده از این پدیده، ممنوعیت های فقهی را به دنبال نداشته باشد؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه از موسـیقی، همان غناء ارائه شده باشد که فعلا ظاهراً مراد همان است; فقه اسلامی رهنمودی ندارد و چنانچه مراد اعم از آن باشد که برای آن مقاماتی، مانند حسینی و منصوری و بقیه مقامات ذکر نموده اند و آن مقامات تباین با غناء دارد در فقه اسلامی منعی از آن نیست.

س۱۳۱۱ نظر مبارک راجع به موسیقی سنتی و غیر سنتی چیست؟

ج باسمه تعالی; موسیقی مطرب حرام است; سنتی و غیر سنتی ندارد.

س۱۳۱۲ معنی غنا و حکم آن را بیان کنید؟

ج باسمه تعالی; غناء صوت لهوی است.

س۱۳۱۳ نگاه کردن به فیلم های تلویزیون که

گاهی زن های بی حجاب نیز دارد و گوش دادن به صدای تاری که نواخته می شود چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام است.

س۱۳۱۴ صاحب عروسی خواننده هایی می آورد و با آنان شرط می کند در جلو مردم ساز و سرنا و دایره بزنند و هر قدر پول از مردم گرفتند; مثلا یک صد هزار تومانش مال خواننده ها و بقیه مال صاحب عروسی باشد. آیا این پول به خواننده ها و صاحب جشن حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; خیر حلال نیست.

س۱۳۱۵ با توجه به ترویج موسیقی از طرف برخی مراکز فرهنگی، بعضی ها می گویند غنا حرام است و موسیقی اشکال ندارد اولا- فرق بین غنا و موسیقی را بیان فرمایید و ثانیاً برخی می گویند موسیقی سنتی و اصیل اشکالی ندارد لطفاً نظرتان را بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; صوت مطرب و نواختن آلات مناسب با آن حرام است، اسم آن هرچه باشد فرق نمی کند. دعوی آن که موسیقی سنتی حرام نیست; ادعای عامیانه است و همه نوع موسیقی حرام است.

س۱۳۱۶ موسیقی چیست و به چه چیزی اطلاق می شود آیا می توان تعریف جامعی از آن داشت یا خیر؟

ج باسمه تعالی; موضوع علم موسیقس، صوت به ما هو صوت است و در عرف این زمان همان غنا است که عبارت از صوت لهوی مطرب است که موجب خفت در بدن می شود البته اگر مانعی نباشد.

س۱۳۱۷ ملاک در حرمت و حلیت هر کدام از غنا و موسیقی چیست؟ و اگر ملاک لهوی بودن آن است ملاک تشخیص لهو چیست؟ به عبارت دیگر تشخیص لهو به عهده خود

مکلف است یا این که باید به عرف مردم رجوع کند؟ و اگر ملاک عرف مردم است در زمان که عرف مردم اکثر موسیقی ها را لهو محسوب نمی کنند آیا وظیفه مکلف تغییر می کند؟

ج باسمه تعالی; معنای لهوی و مطرب بودن معنای واضحی است و چیزی نیست که با قرار دادن مردم عوض شود.

س۱۳۱۸ نظر شما در مورد موسیقی غنا مواردی که جایز است حکم تولید و تعلیم و تعلم و اجراء برای زن یا مرد، صرف نظر از محرمات قطعیه اختلاط زن مرد چیست؟

ج باسمه تعالی; غنا، بر زن در عروسی جایز است و لذا اجرت آن حلال است، و مستثنایات دیگری نیز دارد که تعلیم و تعلم آن، از نظر ما اشکال ندارد. نها......باید تعلیم و تعلم به تغنی و استماع نباشد.

س۱۳۱۹ آیا برای اعتلای هنر موسیقی ایرانی در سطح جهان می توان کنسرت های مستمر و مرتب برگزار کرد؟

ج باسمه تعالی; کنسرت ها با تغنی خیر، بدون آن اشکال ندارد.

س۱۳۲۰ با توجه به کثرت علاقمندان موسیقی، اعم از خواننده و نوازنده و آهنگساز با حفظ حدود فقهی چگونه می توان تولیدات موسیقی را توسعه داد و در عین حال اصول موسیقی را در تولیدات رعایت کرد؟

ج باسمه تعالی; با تغنی محرّم، فعلا چیزی به ذهن نمی رسد و به غیر آن مانعی ندارد.

س۱۳۲۱ آیا آواز خوانی زن حرام است؟ حتی اگر رقص آور هم نباشد؟

ج باسمه تعالی; در حرمت غنا، بین زن و مرد فرقی نیست. بلی، در شب زفاف غنا جایز است که آن هم شرایطی دارد و آواز خوانی زن، به غیر نحو

غنا جایز است.

س۱۳۲۲ جدیداً خانه های موسیقی در قلب هنرستان، در بعضی از شهرستان ها تأسیس شده است که متأسفانه مسئولین امر چندان توجهی به این امر نداشته اند آیا به نظر حضرت عالی تأسیس این خانه های موسیقی جایز است؟ یادگیری و تعلیم موسیقی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۳۲۳ شرکت کردن در برنامه های جشن و عروسی که با موسیقی همراه است چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام است، مگر در موقعی که موسیقی نواخته نمی شود.

س۱۳۲۴ اخیراً برخی مراسم جشن تکلیف با موسیقی و رقص همراه می شود; آیا اشکال ندارد؟

ج باسمه تعالی; شنیدن موسیقی مطلقاً حرام است و رقص مرد برای زن نامحرم و زن برای مرد نامحرم جایز نیست ولی رقص مرد برای مرد و زن برای زن، حرام نیست.

س۱۳۲۵ آیا آلات لهو از قبیل طبل و دف و تار و... مالیت دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه منفعت حلال نداشته باشد; مالیت ندارد.

س۱۳۲۶ در زمان فعلی که مبتلا به اکثر می باشد در وسائل صوتی و تصویری، برنامه های علمی و اخبار با موسیقی پخش می شود و موسیقی جزء لاینفک رادیو و تلویزیون شده، وظیفه ما مکلفین چیست؟ می توانیم بگوییم برنامه های رادیو و تلویزیون تحت اشراف دولت اسلامی است مشکلی ایجاد نمی کند سماع و استماع حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; تحت اشراف حکومت اسلامی بودن، موجب حلیت محرمات الهی نمی شود.

س۱۳۲۷ در مورد جشن عروسی در منطقه ما مرسوم است در این عروسی برای شادی، از نوازندگان سنتی محلی دعوت می کنند و برای تشویق آن ها، میهمان

ها مقداری پول برای درخواست سرود یا ترانه خود و یا برای سلامتی یکی از اقوام خود می دهند و بعد از آن شیرینی خورانی هرکس دعوت شده است مقداری پول به عنوان کمک برای عروس و داماد می دهند در این مورد لطفاً جواب حلال و حرام و شرایط آن را مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; غنا و موسیقی مطلقاً حرام است و پول دادن به آن ها، به هر شکل که تشویق بشوند یا نشوند جایز نیست. ولی کسانی که عروسی می روند به هر نحو که به عروس و داماد کمک بکنند خوب است.

قمار و شطرنج

س۱۳۲۸ بازی با شطرنج چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام است.

س۱۳۲۹ اگر شطرنج آلات قمار بودن خود را به کلی از دست داده باشد و تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده شود; بازی با آن چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; بازی با شطرنج مطلقاً حرام است و آلات قمار بودن آن هم از بین نرفته است; دنیا را ملاحظه کنید.

س۱۳۳۰ احتراماً با عرض اعتذار به جهت تصدیع اوقات شریف. لطفاً نظر فقهی شریف در زمینه بازی بیلیارد چیست؟

ج باسمه تعالی; آن گونه که در تمام دنیا مرسوم است از آلات و بازی قمار است و بلا اشکال حرام است ولی چنانچه برخلاف متعارف بازی باشد یعنی در آن برد و باخت و پول و یا امثال آن نباشد و فقط برای سرگرمی اشکال ندارد. خلاصه، این بازی، مانند بازی شطرنج نیست که حتی بدون برد و باخت حرام باشد.

س۱۳۳۱ بازی کردن با آلات قمار به هر شکل از آن، مخصوصاً نرد و

شطرنج از نظر مبارک شما چه صورتی دارد؟

ج باسمه تعالی; با برد و باخت حرام است و بدون برد و باخت، بازی کردن با شطرنج از محرمات مسلم فقه است و با نرد نیز حرام است و بقیه آلات قمار، محل خلاف است مقتضای احتیاط لزومی، عدم بازی با آن ها است.

س۱۳۳۲ به نظر شما شطرنج با چه معیاری حلال و با چه معیاری حرام است؟

ج باسمه تعالی; برحسب روایت معتبر با هیچ معیاری حلال نخواهد بود.

س۱۳۳۳ نگاه کردن به افرادی که بازی با شطرنج می کنند چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; در دو روایات وارد شده است به کسی که به بازی شطرنج نگاه می کند; سلام نکنید.

س۱۳۳۴ شطرنج بازی بدون پول حرام است یا نه و اگر حرام است چرا؟

ج باسمه تعالی; از محرمات اکیده است. دلیل آن هم روایات معتبر است، متجاوز از ۳۰ روایت متضمن نهی از بازی با شطرنج است.

س۱۳۳۵ بازی های انفرادی مثل ورق بازی چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; ورق بازی بدون برد و باخت نیز، بی اشکال نیست.

س۱۳۳۶ در میان مردم شایع است که نگاه کردن و دست زدن به شطرنج موجب بطلان وضو است؟

ج باسمه تعالی; نشستن در محلی که با شطرنج بازی می کنند جایز نیست. ولی دست زدن به آن موجب بطلان وضو نیست.

مسائل پزشکی

س۱۳۳۷ اگر طبیب زن نباشد و دکتر مرد برای اختبار حال زن مریض که چرا حامله نمی شود و چرا خون ریزی زیاد در حال حیض دارد مجبور است به عورت زن نگاه کند آیا این نگاه کردن برای طبیب جایز است؟

ج باسمه

تعالی; نگاه نامحرم در صورت ضرورت و عدم وجود جانشین، جایز است.

س۱۳۳۸ پیوند عضو بدن انسان به دیگری چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; عضوی را که از مرده و یا زنده; جدا نموده اند پیوند آن به دیگری جایز است; ولی چنانچه زنده است باید با اجازه او باشد و در مرده یا باید وصیت کرده باشد و یا ولی او اجازه دهد.

س۱۳۳۹ آیا تشریح بدن میت جایز است؟

ج باسمه تعالی; تشریح بدن میت و قطعه قطعه کردن آن حرام است و دیه هم دارد ولی در چند مورد جایز است و دیه ندارد یکی از آن موارد در صورتی که پیشرفت علم پزشکی و معالجه بیماران بر آن توقف داشته باشد که در این صورت جایز خواهد بود. زیرا هر امری که مقدمه یک امر مهم تر باشد; مانند تشریحی که مقدمه پیشرفت علم طب و نجات دادن مردم و حفظ حیات آن هاست; چنین امری جایز خواهد بود.

س۱۳۴۰ به استحضار می رساند در علم پزشکی جدید امروزی عمل تلقیح مرد و زن صورت می پذیرد ولی اسپرم مردی را نگهداری نموده تا عمل تلقیح صورت گیرد که مرد یعنی صاحب اسپرم فوت می کند که بعد از تمام شدن عده زن اسپرم مرد متوفی را به این زن تلقیح می نمایند در این خصوص چه حکمی دارد؟ و در هر صورت در مورد ارث این فرزند چه حکمی دارد؟ لطفاً نظر مبارک را هم بفرمایید.

ج باسمه تعالی; تلقیح اشکال نداشته و بچه هم منتسب به صاحب نطفه و آن زن می باشد و از پدر ارث نمی برد ولی از

مادر ارث می برد و تمام احکام اولاد به غیر از ارث از پدر مترتب می شود. والله العالم.

س۱۳۴۱ آیا اصول تلقیح مصنوعی شرعاً عملی مباح و مجاز است یا اقدامی حرام خواهد بود؟

ج باسمه تعالی؛ تلقیح مصنوعی جایز است تفصیل در ذیل مسائل بعد می آید.

س۱۳۴۲ تلقیح نطفه یا اسپرم زوج در رحم زوجه از طریق شوهر یا پزشک معالج جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ تلقیح نطفه از طریق شوهر اشکالی ندارد و از طریق پزشک نیز، اگر مستلزم نظر و یا لمس عورت و بدن زن نباشد جایز است و اگر مستلزم موارد فوق الذکر باشد حرام است.

س۱۳۴۳ تلقیح نطفه با اسپرم بیگانه (غیر از زوج) در رحم زن شوهردار شرعاً مجاز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ زن شوهردار و غیر شوهردار، اگر اجنبی باشد؛ فرقی ندارد و هر مورد به حسب ادله جایز است و آنچه بعضی خیال کرده اند که روایات دلالت بر حرمت ادخال منی در رحم اجنبی می کند، اشتباه است. قرائنی در روایات هست که دلالت دارد بر این که حرام آن است که این عمل به واسطه جماع باشد؛ ولی به مقتضای اصاله الاحتیاط، در فروج انجام داده نشود و اگر این احتیاط لازم نباشد قطعاً حرام نیست.

س۱۳۴۴ کودکانی که در دستگاه مصنوعی یا دستگاه آزمایشگاهی به وجود آیند از نظر شرع چه رابطه ای با صاحبان نطفه و تخمک دارند (صاحب نطفه و تخمک زن و شوهر باشند یا نباشند)؟

ج باسمه تعالی؛ کودکان، فرزند صاحب نطفه یعنی مرد می باشند ولی به زن ملحق نمی شوند یعنی بچه ای است که

مادر ندارد.

س۱۳۴۵ اگر نطفه مردی (زوج) با تخمک زوجه اش بعد از ترکیب در رحم اجاره یا عاریه ای (زن دیگری غیر از صاحب تخمک) پیوند شود و جنین در رحم اجاره ای یا عاریه ای رشد پیدا کند و متولد شود شرعاً جایز است یا خیر و چه رابطه ای از نظر نسب و آثار حقوقی و شرعی با صاحب اسپرم و تخمک و صاحب رحم اجاره ای یا عاریه ای و فرزندان وی و یا شوهرش پیدا می کنند؟

ج باسمه تعالی؛ شرعاً با رعایت جهات دیگر جایز است و بچه به صاحب نطفه ملحق می شود یعنی پدر او صاحب نطفه است و اما مادر ظاهراً آن زن دیگری است که اجیر شده است چون (ان امهاتهم الا اللائی ولدنهم).

س۱۳۴۶ آیا کاشتن نطفه مرد توسط طبیب به رحم زن تا حامله شود و راه دیگری برای آن نیست، جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ جایز نیست مگر آن که نه نگاه کند و نه لمس نماید.

کالبد شکافی

س۱۳۴۷ از آن جایی که امروزه نظریه پزشکی قانونی به عنوان یکی از طرق مطمئن در امورات و مسائل قضایی به شمار می رود و عمدتاً تشخیص و تعیین علت تامه مرگ یکی از وظایف آن هاست و در اکثر موارد تشخیص و تعیین دقت علت فوت با کالبد شکافی مقدور است و با انجام این عمل حقیقت کشف و حق اولیاء دم احقاق می گردد لطفاً نظر مبارک را پیرامون کالبد شکافی و تشریح جسد حتی عند اللزوم جدا کردن بعضی از اعضاء بدن از همدیگر را بیان فرمایید.

ج باسمه تعالی؛ کالبد شکافی

و تشریح و جدا کردن بعضی از اعضای بدن میت فی نفسها حرام است ولی چنانچه حیات یک انسان متوقف بر آن باشد یا تعلم طب موجب حفظ حیات مسلمین و نجات آنان از امراض باشد و یا کشف جریمه موجب نجات متهمین به قتل یا معرفت قاتل شود تا آن که حکم الله اجرا شود یا غیر این امور از اغراض ضروری بر این امر توقف داشته باشد همه این امور جایز می باشد و دیه هم ثابت نمی شود.

س۱۳۴۸ در صورتی که قاضی پرونده تشخیص دهد تشریح جهت کشف حقیقت لازم و ضروری است ولی اولیای دم راضی به تشریح نباشند یا بعضی راضی باشند و بعضی دیگر راضی نباشند و یا میت بر عدم تشریح وصیت کرده باشد تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی؛ در موارد جواز تشریح و لزوم آن که در مسأله قبل گفته شد؛ عدم رضایت اولیای دم، مانع نیست و وصیت هم وصیت غیر مشروع است.

س۱۳۴۹ تشریح کالبد شکافی امروزه، یکی از رشته های پزشکی است که در دنیا دارای اهمیت فراوانی است و مراکز مهم علمی و پژوهشی در این زمینه مشغول فعالیت هستند که عمدتاً به اثبات نسب، به قصد کشف جرم و هر هدف عقلایی دیگر یا صرفاً به قصد آموزش های پزشکی اجسادی را کالبد شکافی می نمایند لطفاً نظر مبارک را در جواز و عدم جواز توضیحاً مرحمت فرمایید.

ج باسمه تعالی؛ در تمام مواردی که اشاره نموده اید؛ تشریح جایز است و در رساله مسائل مستحدثه آن را مفصلا نوشته ام.

س۱۳۵۰ از آن جایی که احترام میت مسلمان لازم است در صحنه قتل

و یا در سالن تشریح عمدتاً این مسئله مورد توجه قرار نمی گیرد و از طرفی در جهت ارتقاء دانش پزشکی و کشف علمی جرم و بررسی صحنه قتل و احقاق حق ضرورت تشریح مشخص می شود که به نظر می رسد تشریح و احترام در تزاحم با هم هستند در این صورت تکلیف چیست؟

ج باسمه تعالی؛ در صورت امکان، جمع بین حقین متیعن است و در صورت تزاحم تشریح مقدم واهم است.

حجامت

حکم حجامت در حال احرام را در موارد زیر بیان فرمایید.

س۱۳۵۱ صرفاً جهت اجرای سنت و بهداشت باشد؟

ج باسمه تعالی؛ حجامت بر محرم مطلقاً حرام نیست ولی مکروه است.

س۱۳۵۲ اگر طبیب معالج برای درمان و یا جلوگیری از مرض لازم می داند؟

ج باسمه تعالی؛ اشکال ندارد و مکروه هم نیست.

س۱۳۵۳ حکم تراشیدن محل حجامت در صورت ضرورت چیست؟

ج باسمه تعالی؛ در حال احرام، تراشیدن مو جایز نیست و کفاره هم دارد که در مناسک بیان شده و اگر بودن مو باعث زحمت و یا بیماری دیگری شود در صورت ضروری بودن مطلقاً جایز است.

س۱۳۵۴ آیا جایز است حجامت کننده و یا حجامت شونده شرط اجرت کنند؟

ج باسمه تعالی؛ بعضی از فقهاء حکم به کراهت کرده اند. بعید نیست که فقط بر حجّام مکروه باشد.

س۱۳۵۵ فرد حجامت شونده اجرت متعارف بدون شرط بدهد چطور است؟

ج باسمه تعالی؛ هیچ گونه اشکال ندارد.

س۱۳۵۶ اگر حجام طبیب نباشد ضرری بر حجامت شونده وارد آمد در صورتی که مقصر نباشد بلکه قاصر باشد حکم طبیب دارد در ضمانت یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه خطاء و ضرر از حجام باشد ضامن

است ولی اگر منشأ ضرر در خود حجامت شونده باشد; ضامن نیست.

س۱۳۵۷ در محل حجامت اثر خون باقی است برای نماز عنوان جرح بر محل صدق می کند؟

ج باسمه تعالی; بلی صدق می کند.

س۱۳۵۸ آیا تطهیر موضع جرح با احتمال ضرر جایز و لازم است؟

ج باسمه تعالی; اگر احتمال ضرر معتد به نباشد لازم نیست; ولی جایز است.

س۱۳۵۹ اگر نداند که آیا تطهیر مضر است یا خیر و جرح باقی است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; تطهیر لازم نیست.

س ۱۳۶۰ اگر حجامت موجب ضعف به حد بطلان روزه نباشد آیا تأخیر حجامت به شب یا بعد از ماه رمضان لازم است؟

ج باسمه تعالی; بلی، اگر حجامت در ایام روزه موجب ضعف شدید بشود; مکروه است.

س ۱۳۶۱ اگر طبیب معالج، حجامت را در روزه رمضان لازم بداند به طوری که تأخیر آن موجب مرض یا شدت آن و یا تأخیر آن شود؟

ج باسمه تعالی; لازم نیست; مگر این که مرض شدید را نوید دهد.

سیگار و مواد مخدر

س۱۳۶۲ امروزه سیگار کشیدن علاوه بر ضرر به جان موجب اذیت دیگران نیز می شود. اولا: آیا ضرر داشتن سیگار دلیل حرمت آن نیست؟

ج باسمه تعالی; خیر.

س۱۳۶۳ آیا سیگار کشیدن (ابتداءاً) از باب اضرار به نفس حرام است یا از باب اسراف مال و اگر ضرر جزیی باشد استفاده از سیگار جایز است؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست. اسراف هم نیست و مضر به نفس نیست تا حرام باشد.

س۱۳۶۴ حکم دود یا توجه به آیات قرآن چیست؟

ج باسمه تعالی; مراد از دود اگر سیگار و قلیان باشد جایز است.

س۱۳۶۵ نظر کلی جناب عالی در مورد مصرف دخانیات سیگار

و خرید و فروش آن را بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; سیگار کشیدن دو جنبه دارد; اصل کشیدن نسبت به کسانی که ضرر معتنی به نداشته باشد; جایز است و چنانچه به آن مرحله از ضرر برسد جایز نیست; ولی چنانچه سیگار موجب مفاسدی در مجتمع بشود در چنین موردی، یکی از حکام شرع باید حکم به ترک آن و عدم جواز بکند و پس از حکم او کشیدن حرام است بالتبع خرید و فروش آن هم جایز نیست.

س۱۳۶۶ فتوای حضرت عالی در مورد استعمال و یا خرید و فروش حشیش و یا بنگ و یا گراس چیست؟

ج باسمه تعالی; هر چیزی که موجب هلاکت یا فلج شدن عضوی از اعضا شود و یا مجتمع را به فساد بکشاند جایز نیست.

س۱۳۶۷ فتوای حضرت عالی در مورد استفاده جوانان و یا افراد مسن از تریاک، برای درمان یا خوشی چیست؟

ج باسمه تعالی; تریاک کشیدن برای درمان جایز است.

س۱۳۶۸ برای نجات از وضعیتی که امروز مانند مفاسد و اعتیاد دامنگیر کشور اسلامی گردیده چه توصیه ای دارید؟

ج باسمه تعالی; با وضعی که در مملکت از فساد و تباهی و مفاسد عظیمی که از رواج مواد مخدر (تریاک، هروئین) رسیده است و با اهمیتی که اسلام به اجتماع امت اسلامی و سلامت افراد می دهد من به عنوان حاکم شرع استعمال مواد مخدر را مطلقاً حرام می کنم و لازم می دانم بر افرادی که مبتلای به این بلای اجتماعی هستند; حتی المقدور آن را ترک نمایند و اگر امکان ترک نیست; کم کنند و بر دولت لازم است به هر نحو ممکن برای جلوگیری و

ترک اعتیاد اقدامات لازم را انجام دهد. و چنانچه بودجه مملکت وافی نباشد من اجازه می دهم از سهم مبارک امام ارواحنا فداه و سایر وجوه شرعی از مؤمنین گرفته و مصرف نمایند همچنین از ارشاد و راهنمایی دریغ ننمایید خداوند تبارک و تعالی به همه توفیق عنایت فرماید.

اسراف

س۱۳۶۹ روشن کردن شمع در جایی که چراغ باشد، مثل حرم ائمه(علیه السلام) جایز است؟

ج باسمه تعالی; روایتی در مورد عدم اسراف در چراغ و روشنایی وجود دارد ولی اگر هیچ اثری ندارد; روشن نکردن آن بهتر است.

س۱۳۷۰ مراد از تبذیر که حرام است چیست آیا آب را به صورت فواره ای در آوردن، یا روشن گذاشتن چراغ درب منزل، که غرض عقلائی ممکن است داشته باشد; اسراف است و اساس اغراض عقلائی که از موضوع اسراف خارج می کند بیان فرمایید.

ج باسمه تعالی; اغراض عقلایی عبارت است از هر اثر و ثمره ای که انسان بالطبع میل به آن دارد و عنوان حرام بر آن منطبق نیست. چنانچه فواره موجب لذت بردن باشد و طراوت به زندگی بدهد و ضرر به دیگران هم نزند جایز است و اشکالی ندارد و چراغ درب منزل هم اشکال ندارد.

س۱۳۷۱ آیا پوشیدن لباسی که در زیّ انسان است و برای حفظ آبرو می باشد و متعدد بودن لباس اسراف محسوب می شود یا نه؟ روشن گذاشتن چراغ و باز کردن فواره آب بیش از حد اسراف است یا عنوان عقلائی دارد؟

ج باسمه تعالی; در مورد چراغ، به خصوص روایت ضعیفی دال بر عدم اسراف است و درباره لباس نیز روایاتی هست که اجازه داده شده

و تعداد و حسن لباس اشکال ندارد.

س۱۳۷۲ استفاده از مواد مخدر اعم از تریاک، هروئین، حشیش، بنگ، ماری جوانا، ال اس دی، کوکائین، مرفین به صورت خوردن و آشامیدن، دود کردن تزریق و استنشاق چگونه است؟

ج باسمه تعالی; استعمال هر چیزی که موجب هلاکت یا قطع و فلج شدن عضوی از اعضاء شود یا موجب ضرر مالی شود و عنوان تبذیر و اسراف بر آن صدق کند و یا موجب بیماری صعب العلاج و مسری باشد که جمله این امور ذکر شده از این قبیل است حرام است.

اراضی موات

س۱۳۷۳ بنده چند سال قبل مقداری زمین را از آن زمین های موات که مردم قریه می خواستند بین خود تقسیم نمایند با همکاری مردم آنجا برای مدرسه علمیه آنجا احیا کردم و حتی از یک سال کشت زراعت صرف نظر کردیم بعد از مدتی مسافرت کرده و سپس آمدم دیدم آن زمین را بعضی ها تصاحب کرده اند آیا جایز است یا خلاف شرع است؟

ج باسمه تعالی; زمین مذکور متعلق به شماست و برای آن مصرف ذکر شده است و تصاحب آن خلاف شرع است; باید تحویل دهند.

س۱۳۷۴ چاه عمیق و زمین را آباد کردیم باغ و چاه و درختان و همه چیز را درست کردیم این ها را در معرض تجارت و خرید و فروش قرار می دهیم این ها زکات سهم امام(علیه السلام) و سهم سادات دارند یا ندارند؟

ج باسمه تعالی; مانند اموال می باشد شرایط زکات در محصول آن و شرایط خمس، اگر محقق شود; واجب است.

س۱۳۷۵ این زمین ها بایر بود ما آباد کردیم شرعاً برای نماز اشکال دارد

یا ندارد و برای تجارت حلال است یا حلال نیست؟

ج باسمه تعالی; زمین بایری که مالک ندارد هرکس از شیعیان آن را احیاء کند; مالك می شود و برای نماز و تجارت و زندگی حلال است.

ادعای مالکیت

س۱۳۷۶ زید ادعا می کند این ملك مال من است و عمرو هم مدعی است اگر هر دو اقامه بیّنه نمایند قول کدام مقدم است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مال، تحت ید یکی از آن دو نفر باشد; بیّنه آن کسی که مال دست او نیست مقدم است و اگر دست هر دو است مال بین آن دو نفر تقسیم می شود و اگر مال تحت ید هیچ کدام نیست به مرجّحات رجوع می شود.

س۱۳۷۷ آب رودخانه ای، از قدیم الایام بین اهالی دو قریه بنا به اظهار اهالی و طبق دلالت اسناد دولتی و رسمی، مشترك بوده و طرفین سال های متمادی از این آب استفاده نموده اند. اهالی یکی از روستاها چندین سال به دلیل مکفی نبودن آب که در اثر لوله کشی و وسایل انتقال به قریه نمی رسید از آب استفاده نکرده اند آیا مالکیت و حق آب روستای فوق، محفوظ است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با خصوصیاتی که مرقوم شده است و با فرض آن که، اهالی آن قریه حق خود را منتقل نکرده اند; مالکیت آن ها محفوظ است و نمی شود از استفاده آن ها جلوگیری نمود.

س۱۳۷۸ املاك و زمین های زراعی که با دستور حکومت طاغوتی برای کشاورزان تقسیم شده و تحت تصرف آنهاست شرعاً چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه زمینی را صاحب آن دو سال معطل

گذاشته و با وجود توانایی زراعت، در آن زراعت ننموده و چنین زمینی به دست کشاورزان رسیده باشد و زراعت کرده باشند; مالك می شوند و اشکالی ندارد و اگر زمینی مزروعی بوده و دو سال معطل نشده است; دستور حاکم جور، موجب ملکیت کشاورزان نمی شود. چنانچه صاحبان آن زمین ها و یا ورثه آنان می شناسند باید رضایت آن ها جلب شود والا حکم مجهول المالك دارد.

بیت المال

س۱۳۷۹ آیا پول جزء بیت المال است، سوزاندنش چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; بیت المال محل اجتماع اموال مربوط به جمیع مردم است و پول جزء آن نیست; ولی آتش زدن پول اسراف است و لذا جایز نیست.

مالکیت دولت

س۱۳۸۰ با توجه به این که حضرت عالی دولت را مالك می دانید، آیا اگر حق کارمند دولتی به نحوی ضایع شود و مطالبه اش پرداخت نشود آیا می تواند به همان اندازه در دارائی دولت به نحوی که در اختیار اوست تصرف کند؟

ج باسمه تعالی; به عنوان تقاص جایز است ولی باید شرائط آن رعایت شود.

س۱۳۸۱ شما دولت را مالك می دانید یا آن که مالك نیست پس بیمه اموال دولتی مجهول المالك است؟

ج باسمه تعالی; به همان نحو که افراد مالکند دولت نیز مالك است.

س۱۳۸۲ آیا استفاده کردن از وسایل بیت المال به صورت شخصی مثل اتومبیل اداره و... جایز است؟ و آیا استفاده کننده مسؤول است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست و استفاده کننده هم مسؤل است.

س۱۳۸۳ منطقه ما در کشور هندوستان است کارمندان، معلم مهندسی، پیمانکار جهت تعمیر مدارس و غیره از دولت که دولت کفر است پول می گیرند. آیا

اجازه حاکم شرع در تصرف حقوق لازم است؟ اگر لازم است اجازه عمومی مرحمت فرمایید.

ج باسمه تعالی; اجازه لازم نیست. ولی احتیاط خوب است; لذا اجازه می دهم.

س۱۳۸۴ در کشور هندوستان از طرف دولت دفترچه خواربار و کوپن داده می شود. از روی آن به مردم اشیاء خوردنی، برنج، نمک، شکر، نفت و... می دهند آیا تحویل گرفتن این اشیاء اجازه حاکم شرع لازم است؟ اگر لازم باشد اجازه عمومی مرحمت کنید.

ج باسمه تعالی; اجازه لازم نیست. مع ذلک اجازه عمومی داده می شود.

س۱۳۸۵ آیا دولت سنی یا کافر هم مثل دولت شیعه است؟ یا معامله با آن ها به صورت مجهول المالک و با اذن حاکم شرع باید باشد؟

ج باسمه تعالی; دولت اگرچه کافر باشد مالک است و نمی توان با اموال او معامله مجهول المالک نمود.

س۱۳۸۶ با توجه با این که دولت شخصی نیست و عنوان است آن را مالک دانسته اید دلیل آن چیست؟

ج باسمه تعالی; مالکیت امری اعتباری است و اعتبار، حفیف المؤن است; در صورت مصلحت، اعتبار بر عنوان، مانعی ندارد. کما این که عقلای عالم عمل می کنند شارع مقدس هم در زکات و ما شاکل، ملتزم شده است.

اطاعت پدر و مادر

س۱۳۸۷ اطاعت از امر والدین، کدام یک از آن ها حائز اهمیت و مقدم است و در صورتی که هر دو امری داشته باشند که نمی توان هر دو را عمل کرد، چه باید کرد؟

ج باسمه تعالی; مخیر است، هیچ کدام تقدم ندارد.

س۱۳۸۸ این جانب فرزندی دارم متولد ۱۳۴۲ است; ولی ایشان نماز نمی خواند و روزه نمی گیرد و معتاد هم هست هرچه نصیحت

کردم فائده ای نداشت آیا می توانم با پسرم رفت و آمد کنم؟

ج باسمه تعالی؛ نمی توانید.

س۱۳۸۹ آیا اولاد می توانند پدر و مادر خود را عاق کنند آیا موارد خاصی هست؟

ج باسمه تعالی؛ نخیر، نمی توانند عاق کند.

س۱۳۹۰ آیا احسان به والدین واجب است؟ مراد از آن چه می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ احسان خوب است. ولی تمام مراتب آن را نمی توان گفت واجب است.

س۱۳۹۱ با توجه به آیه شریفه (ولا تقل لهما افّ) و (قل لهما قولا کریماً) آیا این امور مختص به ایذاء است یا دلیل تعبدی مطلق است؟

ج باسمه تعالی؛ ایذاء، ولو به این حد که افّ گفته شود حرام است. قهراً با چنین شخصی باید با قول کریم صحبت نمود. البته آیه مربوط به معاشرت با آن ها در حال کبر سنّ است و ذیل آیه و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه.

س۱۳۹۲ مراد از معاشرت معروف و قول کریم چه می باشد؟ وقتی فرزند غضبناک شود در غیر این مورد چطور؟

ج باسمه تعالی؛ ظاهراً مراد آن است که آن ها را با اقوال لغو و قبیح خطاب نکنید و خطاب با آن ها به نحوی باشد که شما آن ها را بزرگ و کریم می پندارید. روایاتی هم دال بر این معنی هست.

س۱۳۹۳ اگر پدر و مادر اولاد را از نکاح منع کنند و یا امر به طلاق همسرش کنند اطاعت واجب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که نکاح واجب و طلاق غیر جایز باشد به مقتضای آیه کریمه «و ان جاهداک» الی آخر حق ندارند منع کنند و اطاعتشان واجب

نیست. همچنین اگر با ترک نکاح تالی فاسد مهمی مترتّب شود و فعل طلاق موجب ضرر و حرج شود; اطاعت از آن ها واجب نیست. در غیر این موارد اگر از عمل نکردن به قولشان اذیت بشوند واجب است عمل شود; والا واجب نیست.

تأدیب فرزند

س۱۳۹۴ حد و مرز تأدیب فرزند کدام است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه فعل حرام انجام دهد حکم خاصی دارد که در کتب فتاوی ذکر شده است والا به مقداری که عرفا استحقاق آن تأدیب را دارد.

س۱۳۹۵ آیا زدن طفل به خاطر تأدیب، برای معلم و والدین جایز است؟ البته معاصی کبیره مرتکب نباشد موضوع تأدیب چگونه است؟

ج باسمه تعالی; پدر موظف به تربیت فرزند است و هر مقدار که متوقف بر زدن است جایز است.

صله رحم

س۱۳۹۶ صله رحم واجب و مراد از آن چیست؟

ج باسمه تعالی; صله حرم واجب است و مراد از آن یک مفهوم عرفی است که همه می دانند و نسبت به افراد مختلف است.

س۱۳۹۷ اگر شخصی متدین و مذهبی صله رحم نماید و مورد مسخره و یا اذیت و آزار و ظلم قرار بگیرد با این حال صله رحم کند یا نه گرچه پدر و مادرش باشند؟

ج باسمه تعالی; ترک صله رحم از غیر پدر و مادر، در موارد فوق اشکال ندارد.

علوم غریبه

س۱۳۹۸ خواندن رمل و جفر و فلسفه چه صورت دارد؟ حکمت عدم حجیت علوم غریبه چیست؟

ج باسمه تعالی; خواندن فلسفه، و همچنین رمل و جفر فی نفسه حرام نیست ولی عمل کردن به آنچه از رمل و جفر استخراج می شود; صحیح نیست. چون در آن ها مخالفت با واقع زیاد است. البته اگر کسی به آنچه استخراج کرده یقین پیدا کند می تواند عمل نماید.

جادوگری

س۱۳۹۹ آیا کشتن ساحر (جادوگر) که میان مردم تفرقه و جنگ می اندازد و همچنین کشتن بهائی که منکر معاد هستند اگر محذوری در بین نباشد جایز است یا خیر؟

باسمه تعالی؛ قتل ساحر جایز نیست و منکر معاد کافر است ولی قتل او برای آحاد ملت جایز نیست.

س۱۴۰۰ تسخیر روح و اخراج روح از بدن زنده و فرستادن آن به کربلا و عتبات عالیات چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ اشکالی ندارد.

س۱۴۰۱ آیا کشتن جادوگر (ساحر) که میان خانواده ها افتراق ایجاد می کند جایز است یا خیر؟ و هم چنین کشتن بهائی که منکر معاد شده است چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی؛ بدون اجازه مجتهد جامع الشرایط جایز نیست. چنانچه به او مراجعه شود شرایط جواز قتل را بیان می کند.

س۱۴۰۲ سحر و جادو را به چه وسیله می توان باطل کرد؟

ج باسمه تعالی؛ با ادعیه و توسل به اهل بیت(علیهم السلام).

شعبده بازی

س۱۴۰۳ احضار ملائکه جایز است و امکان دارد؟

ج باسمه تعالی؛ شهیدین و شیخ انصاری و جماعتی از فقهاء تسخیرات را از اقسام سحر محرّم می دانند و من مسئله را در جلد ۱۴ فقه الصادق که اخیراً چاپ شده است نوشته ام و آن ها را از اقسام سحر نمی دانم و عنوان تسخیر هم از محرمات نیست. ادعای نفی خلاف و حرمت شده است ولی من حرام نمی دانم. به همان کتاب رجوع شود.

س۱۴۰۴ نظر حضرت عالی در مورد شعبده بازی و دعوت از این افراد و صرف هزینه این امور چگونه است؟

ج باسمه تعالی؛ حرام نیست.

احضار و تسخیر ارواح

س۱۴۰۵ تسخیر ارواح چه با اذن صاحب روح یا بدون اذن او برای امور خیریه از قبیل (زیارت عتبات و غیر آن باشد) چگونه است؟

ج باسمه تعالی؛ چنانچه تسخیر روح موجب اذیت و اهانت یا اضرار به مؤمن بشود حرام است. والاّ جایز است.

س۱۴۰۶ تسخیر ارواح چه صورت دارد در صورت بطلان علت و دلیل آن چیست؟

ج باسمه تعالی؛ فی نفسه اشکال ندارد. علت را حقیر در کتب فقهیه مفصلا نوشته ام.

س۱۴۰۷ هپنوتیزم و احضار جن چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۴۰۸ احضار ارواح چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اگر موجب ضرر به کسی نباشد که اضرار به او حرام است جایز می باشد.

مجسمه سازی

س۱۴۰۹ ساختن مجسمه ذی روح و آموزش و نصب آن در میادین و مراکز عمومی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; ساختن مجسمه ذی روح جایز نیست.

س۱۴۱۰ اگر مجسمه سازی، حرام است خرید و فروش مجسمه و نقاشی چه حکمی دارند؟

ج باسمه تعالی; نقاشی مانعی ندارد و چون نگاه داری آن مانعی ندارد خرید و فروش هم جایز است.

س۱۴۱۱ اگر حرام است ساختن مجسمه ذی روح آموزش و نصب آن در میادین و مراکز عمومی چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مانعی ندارد.

س۱۴۱۲ در حال حاضر نقاشی و مجسمه سازی چه حکمی دارد؟ خصوصاً ساختن مجسمه و کشیدن شمایل معصومین، نگه داری آن ها در موزه ها (به عنوان آثار هنری) و منازل (به این عنوان) چگونه است؟

ج باسمه تعالی; نقاشی جایز و مجسمه سازی حرام است و اما کشیدن شمایل معصومین(علیه السلام) البته به غیر مجسمه چنانچه از روی روایات معتبر

وارد شده از ائمه اطهار باشد و اعلام شود که من حدس می زنم شمائل چنین بوده است; جایز می باشد والا کذب عملی است و غیر جایز است.

س۱۴۱۳ آیا کشیدن عکس ذی روح جایز است؟

ج باسمه تعالی; جائز است.

سیاستی و حکومتی

س۱۴۱۴ با توجه به حوادث جاری در کشور افغانستان و حملات وحشیانه آمریکا و حامیان آن بر مردم بی دفاع و بی پناه آن سرزمین، حکم شرعی این اقدام آمریکا را از نظر حضرت عالی در ضمن سؤالات ذیل خواستاریم امیداریم ما را در این امر مهم ارشاد فرمایید.

۱ حکم شرعی این حملات وحشیانه چیست؟

۲ حمایت از آمریکا برای حمله به کشورهای مسلمان چگونه است؟

۳ حمایت از مردم بی دفاع افغانستان چگونه است؟

۴ وظیفه شرعی یک مسلمان در حال حاضر چیست؟

۵ وظیفه مردم مسلمان و شیعیان پاکستان چیست؟

ج باسمه تعالی; (اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا ان الله علی نصرهم لقدیر) عفریت خون خوار استبداد و استکبار و بی دینی، پنجه کثیف و زهرآلود خود را تا مرفق به قلب مبارک رسول الله علیه الالف التحیه و الثناء فرو می برد و به بهانه های واهی به افغانستان حملات وحشیانه می نماید و دولت بی بند و بار آمریکا، علی رغم تمام اصول قانونی و انسانی، با حملات خود آن مملکت را نابود نموده و مسلمانان بی دفاع را می کشند و بهانه این است که با تروریسم مبارزه می کند و جنگ خود و افغانستان را جنگ میان مخالفین تروریسم با طرفداران تروریسم می داند در حالی که واقعیت، کاملا مغایر این ادعاها است به هر حال بر هر مسلمانی

لازم است که از ملت افغان حمایت کند و با هر کشوری که از آمریکا حمایت می کند باید مبارزه نماید و به خصوص مردم پاکستان که شیعه و سنی در این موقعیت باید به یکدیگر بگوید (تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم) و به دستور اسلام، دولت خود را با تظاهرات آرام مجبور نمایند تا این که از حمایت آمریکا منصرف شود همان گونه که مردم اندونزی دولت خود را مجبور نمودند از حمایت آن دولت کثیف خونخوار، دست بکشد و اگر مسلمانان متحد شوند؛ مطمئن باشند که پیروزی از آنان است ان تنصروا الله ینصرکم و السلام علی من اتبع المهدی.

س۱۴۱۵ رابطه حکم حکومتی با احکام اولیه و ثانویه چیست؟ و آیا احکامی که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و امیرالمؤمنین(علیه السلام) در خصوص نظم بخشیدن به امور اجتماعی زمان خود و همچنین نصب افراد به مناصب مختلف حکومتی صادر می کردند از مصادیق احکام حکومتی می باشد یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ احکام حکومتی، منهای احکام ثابته به عنوان ثانوی، معنی ندارد و احکامی که از سوی حضرات معصومین(علیه السلام) در خصوص نظم بخشیدن به امور اجتماعی صادر می شده است همه از این باب است؛ چون حفظ نظام از واجبات مهم است و آن احکام همه در این باب صادر می شده است به هر حال اگر حاکم اسلامی قطع نظر از حفظ نظام، به میل شخصی خود حکمی صادر کند لازم الاتباع نیست.

خلع لباس

س۱۴۱۶ خلع لباس روحانیت به خاطر جرمی که مرتکب شده و محکومیت جرم را کشیده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی؛ در صورتی که حاکم

اسلامی مصلحت روحانیت را در این امر بداند جایز است در غیر آن صورت جایز نیست و باید توجه شود که حاکم شرع جامع الشرایط این کار را می تواند انجام دهد.

س۱۴۱۷ خلع لباس روحانیت اگر به علت بی سواد بودن آن روحانی باشد آیا اثبات این با یک سؤال از متن دروس حوزوی با آن جوّ مناسب دادگاه ممکن است یا باید از طریق دیگری ثابت شود؟

ج باسمه تعالی; میزان، اطمینان اهل فن است.

س۱۴۱۸ بازجویی با ایجاد رعب و وحشت و یا کتک زدن در غیر مورد مسائل اتهامی، چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

تفتیش منزل

س۱۴۱۹ بدون داشتن یقین به جرم و فساد در منزل کسی، آیا می توان منزل او را بدون اجازه به خاطر به دست آوردن مدارک احتمالی تفتیش کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنانچه خطری متوجه حکومت اسلامی یا شخص معینی از مسلمانان نباشد; تفتیش جایز نیست و اگر خطری متوجه باشد جایز است.

س۱۴۲۰ آیا تحقیق در مورد کسی که در بین مردم محترم است و جرمی و اتهامی ندارد به منظور کشف فساد به طوری که مردم به وی بدبین باشند جایز است؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

سرقت اطلاعات

س۱۴۲۱ سرقت اطلاعات سری کد شده و رمزدار، از شبکه های کامپیوتری و یا رایانه های شخصی، و کشف رمز آن ها چه حکمی دارد؟ همین طور است سرقت و فروش غیرمجاز شماره های موبایل توسط آشنایان به وسیله رمز الکترونی مرکز آن؟ آیا با وجود سایر شرایط، امکان اجراء حد سرقت وجود دارد؟

ج باسمه تعالی; بلی سرقت است و حد هم دارد. مراد سرقت از حکومت است و شاید حکم آن از سرقت از فرد شدیدتر باشد.

س۱۴۲۲ اگر دلیل اثبات در جرم سرقت، نظریه کارشناس انگشت نگاری; باشد بفرمایید که آیا با استناد به چنین دلیل می توان دست سارق را قطع نمود؟

ج باسمه تعالی; اجراء حد با نظریه کارشناس نمی شود.

غیبت

س۱۴۲۳ اگر شخصی یا اشخاصی پشت سر شخصی صحبت کنند در صورتی که او آن عمل را انجام داده است و کسی راضی نباشد که پشت سرش بگویید آیا غیبت محسوب می شود (با ذکر معنی غیبت)؟

ج باسمه تعالی؛ غیبت عبارت است از آن که: عمل بدی را که شخصی مخفیانه انجام داده و راضی به افشاء آن نیست؛ شما افشاء کنید و در غیاب او به دیگران بگویید.

س۱۴۲۴ اگر در مورد استادی نظرخواهی شود، مثلاـ گفته شود: کیفیت تدریس ایشان چگونه است؟ حکم جوابی که درباره استاد داده می شود با فرض منفی بودن، چیست؟ آیا غیبت محسوب می شود؟

ج باسمه تعالی؛ غیبت نیست و در صورتی که عرفاً اهانت نباشد؛ اشکال ندارد.

س۱۴۲۵ در تعریف غیبت آمده عند العقلاء و متشرعه غیبت شمرده شود و مذموم باشد ولو مغتاب متأثر نباشد، آیا این تعریف درست است؟

ج

باسمه تعالی; غیبت عبارت است از این که عیب شرعی یا عرفی کسی را بازگو کنند به شرط آن که عیب مخفی باشد و آن شخص هم از اظهار آن ناراحت بشود. پس اگر او ناراحت نشود غیبت نیست.

س۱۴۲۶ غیبت رشوه خوار و رباخوار جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه متجاهر باشند جایز است.

س۱۴۲۷ شخصی می گوید راضی هستم که غیبت مرا کنید در فرض مذکور غیبت او چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۴۲۸ آیا غیبت ظالم، برای مظلوم درست است و در ذی رحم و غیر ذی رحم فرق دارد؟ در چه مواردی می توان غیبت کرد؟

ج باسمه تعالی; کسی که به او ظلم شده است می تواند غیبت ظالم کند. ولو موردی که نمی تواند حق خود را بگیرد و رحم و غیر رحم فرقی ندارد.

س۱۴۲۹ اگر کسی بگوید: هرکس از من غیبت کند راضی هستم; این جا غیبت جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی جایز است. چون غیبت عبارت است از: ذکرک اخاک بما یسوؤه، برادر دینی را به بدی یاد کردن که به گونه ای او را ناراحت کند.

س۱۴۳۰ نسبت عیب به اکثر اهل بلد که عیب ظاهر هم نباشد عنوان غیبت را دارد؟

ج باسمه تعالی; عیبی که اکثر اهل بلد دارند; قاعدتاً هرکس با آن ها محشور شود، متوجه می شود بنابر این جایز است.

س۱۴۳۱ نقل عیب عرفی و شرعی بدون تعیین مورد خاص در عدد محصور حرام است؟

ج باسمه تعالی; خیر.

س۱۴۳۲ موارد جواز غیبت را مرقوم فرمایید؟

ج باسمه تعالی; جایز است: غیبت متجاهر به فسق، کسی که عیب ظاهر دارد، کسی

که از ذکر عیب ناراحت نشود، کسی که مظلوم واقع شود، کسی که بدعت در دین بگذارد، برای دفع ضرر از مغتاب، مورد جرح شهود به قصد ردّ مغتاب از منکری که مرتکب شود، غیبتی که در مورد تقیه بر متکلم است و غیرذلک من الموارد.

س۱۴۳۳ غیبت پشت سر مرده چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست.

س۱۴۳۴ مراد از عیب شرعی و عرفی در عنوان غیبت یعنی چه؟

ج باسمه تعالی; عیب شرعی، انجام محرمات و ترک واجبات و بر بعضی افراد ادامه ترک مستحبات و اصرار بر فعل مکروه است و عیب عرفی هر چیزی که زیاده بر خلقت اصلی یا نقص از آن باشد. البته در هر دو شرط است که آن عیب ظاهر نباشد و انسان هم از اظهار آن ناراحت شود.

کذب

س۱۴۳۵ آیا قصد، مقوم کذب می باشد یا قدرت بر کذب و همان اعتقاد، مقوم می باشد یا خلاف کذب واقع است؟

ج باسمه تعالی; کذب حرام عبارت است از گفتن خبری که به آن اطمینان ندارد و طریق شرعی بر آن نیست. حتی به طریق جزم گفتن خبری که نمی داند موافق با واقع است یا نه جایز نیست.

س۱۴۳۶ محامل حمل قول مسلم برای صدق و نتیجه آن چیست؟

ج باسمه تعالی; اگر شنونده بتواند قولی را که از کسی صادر می شود در مقابل احتمال فاسد یا نه فاسد و نه صحیح بودن حمل بر صحت کند در این صورت باید حمل بر آن نماید.

س۱۴۳۷ با کلام صدق تعریف کردن، بدون رضایت از مؤمن با نیت غیبت اکثر اهل بلاد، چه صورت دارد؟ با کذب چطور؟

ج

باسمه تعالی; تعریف کردن بدون رضایت، اگر منجر به ایذاء مؤمن شود و یا باعث گرفتاری او شود جایز نیست به خصوص اگر به دروغ باشد، نیت غیبت اکثر اهل بلاد، در صورتی که عیبی است ظاهر و هرکس به آن بلاد برود با مختصری معاشرت متوجه می شود; مانعی ندارد.

س۱۴۳۸ آیا دروغ گفتن بر پیغمبران سلف و بر فاطمه زهرا(علیه السلام) مبطل روزه است؟

ج باسمه تعالی; مبطل نیست ولی خلاف شرع است.

س۱۴۳۹ در آیه شریفه (ان جاءکم فاسق...) مراد از تبیّن چه می باشد آیا واجب است و صحت فعل مسلم در صورت نسبت به فسق چگونه ممکن است؟

ج باسمه تعالی; تفحص از صدق و کذب، مأمور به است و أمر آن هم ارشادی است. مراد از آیه، آنچه از ظاهر فهمیده می شود آن است که: اگر خبری راجع به احکام به شما رسید; چنانچه آورنده خبر عادل است آن خبر حجت است و اگر فاسق است حجت نیست مگر بعد از آن که تفحص شود و اطمینان به صدق آن حاصل شود.

س۱۴۴۰ مواردی که می توان قول و عمل مؤمن را حمل بر صحت کرد بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; هر موردی که بشود عمل مؤمن را حمل بر صحت کرد، باید بر آن حمل نمود و اگر راهی ندارد و بیّن الفساد است; جای حمل بر صحت نیست.

س۱۴۴۱ کسی قصد جدی دروغ گفتن ندارد ولی مثل کاسب که نمی خواهد جنس را به مشتری بدهد اگر بگوید که ندارم که دروغ است، آیا دروغ جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; کذب حرام است. جدی یا غیر جدی، شوخی

یا غیر آن، در حرمت مساوی است.

س۱۴۴۲ موارد جذب کذب را بفرمایید و توریه یعنی چه؟

ج باسمه تعالی؛ دروغ گفتن در موارد اکراه، اضطرار، اصلاح ذات البین، تقیه و هر موردی که مصلحت مترتب بر آن اهم از مفسده کذب باشد؛ جایز است. و نیز وعده دادن به زن و بچه، با این که بنا دارد انجام ندهد از موارد جواز کذب است.

توریه عبارت است از آن که لفظ را در معنایی استعمال کنند که آن معنا و مراد مطابق با واقع باشد ولی مخاطب معنای دیگری از آن می فهمد و آن معنی خلاف ظاهر است.

امر به معروف و نهی از منکر

س۱۴۴۳ آیا امر به معروف و نهی از منکر وظیفه حکومت است یا آحاد مردم؟ توصیه حضرت عالی در این زمینه چیست؟

ج باسمه تعالی؛ امر به معروف و نهی از منکر بر هر مسلمان واجب است ولی در بعضی موارد، نهی از منکر مختص حکومت است؛ مانند منکر اجتماعی که فرد نمی تواند نهی کند ولی حکومت می تواند، در بعضی موارد نهی مختص به علماء است مانند ظهور بدعت در دین.

س۱۴۴۴ شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بیان نمایید؟

ج باسمه تعالی؛ اولین شرط، احتمال تأثیر است و این شرط لازم نیست. چنانچه در دین بدعت گذاشته شود و سکوت عالم موجب هتک دین و ضعف عقاید مسلمین شود در این صورت نهی از منکر واجب است ولو یقین به عدم تأثیر داشته باشد. ولی اگر منکر چنین نباشد و فردی باشد؛ اولین شرط، احتمال تأثیر است. شرط دوم معرفت به منکر است و شرط دیگر این که ضرری مترتب بر نهی

از منکر نشود و شرایط دیگری هم دارد که در ذیل بیان می شود.

س۱۴۴۵ طریقه صحیح امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

ج باسمه تعالی; رعایت مراتب نمودن با خصوصیات آن ها.

س۱۴۴۶ مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان نمایید؟

ج باسمه تعالی; اول: انکار به قلب، دوم: انکار به لسان، سوم: انکار به ید به ضرب و مانند آن و هر مرتبه، مراتبی از حیث شدت و خفت دارد.

س۱۴۴۷ در مدارسی که به اسلام و مقدسات و یا مراجع عظام اهانت گشته وظیفه ما نسبت به اهانت کنندگان چیست؟

ج باسمه تعالی; وظیفه شما نهی از منکر است و اگر توانایی ندارید قطع معاشرت است.

س۱۴۴۸ آیا در جایی که نهی از منکر، تأثیر در عاصی نداشت و منکر هم اهم نیست خاموش کردن اصل ماده منکر، مثل رادیو و گرامافون بدون رضایت آنان، واجب است؟

ج باسمه تعالی; بلی، واجب است. ولی نهی از منکر مورد سؤال به غیر این طریق لازم نیست.

س۱۴۴۹ خاموش کردن برق، بدون رضایت صاحب آن در صورت عدم تأثیر نهی، در مورد اسراف و غیره لازم است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه مفسده آن منکر، اقوی نباشد لازم نیست.

س۱۴۵۰ چنانچه واعظی حدیث نقل می کند که حکم وجوب فهمیده شود، در صورتی که حکم شرعی آن حدیث، وجوب نیست آیا لازم است به آن واعظ تذکر داده شود و نهی از منکر نمود؟

ج باسمه تعالی; بلی، باید تذکر دهید والّا امضاء بیان حکم، برخلاف واقع می شود; که جایز نیست.

س۱۴۵۱ اگر کسی نخواهد صدای مشتبه بشنود یعنی احتمال غیبت بدهد، می تواند بگوید این

صدا را خاموش کنید یا جایز نیست؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست. در صورتی که مفسده مترتب نشود، می تواند بگوید.

س۱۴۵۲ اگر کسی صحبت مشتبهی کند و شخص محترمی است اگر نهی او بی احترامی و هتک حرمت باشد چگونه از آن صحبت پرهیز کند؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که یقین به غیبت بودن ندارد; نهی کردن جایز نیست خصوصاً اگر موجب هتک حرمت شود.

س۱۴۵۳ اگر به کسی نسبت حسد و بخل و خسیس بودن و امثال این ها را بدهند جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; نسبت دادن صفات رذلیه به شخصی در صورتی که امر مخفی باشد و آن شخص راضی نباشد غیبت و حرام است.

س۱۴۵۴ آیا امر به معروف و نهی از منکر در جائی که اثری مترتب نباشد واجب است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; با علم به عدم تأثیر، حتی به مقدار اظهار حق، واجب نیست مگر در مورد بدعت گذاشتن در دین، که بر علما واجب است حتّی با علم به عدم تأثیر، از آن نهی کنند.

س۱۴۵۵ آیا وظیفه داریم افرادی که از علمای نالایق تقلید می کنند راهنمایی و ارشاد بنماییم یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، ارشاد جاهل و جلوگیری از عَلَمْ شدن افراد نالایق واجب است.

مرتد

س۱۴۵۶ آیا مرتد توبه اش قبول می شود یا نه؟ آیا حد از او ساقط می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; بین او و بین الله قبول است و در آخرت رستگار است; ولی حد ساقط نمی شود.

س۱۴۵۷ آیا به مجرد فهمیدن زن که شوهرش منکر پیغمبر(صلی الله علیه وآله) شده، باید کناره بگیرد و عده

نگه دارد یا این که به حکم شرع باید موضوع اثبات گردد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه انکار قبل از دخول باشد و یا بعد از دخول و مرتد فطری باشد; بلافاصله از یکدیگر جدا می شوند و اگر مرتد ملی باشد; جدا شدن، متوقف است بر این که در وسط عده برنگردد.

س۱۴۵۸ آیا کسی که منکر ولایت فقیه است می شود آن را مرتد خواند یا نه؟ وظیفه ما در مقابل این افراد چگونه است؟

ج باسمه تعالی; خیر، ولایت فقیه از ضروریات دین نیست.

س۱۴۵۹ مجری حکم مرتد فطری چه کسی است؟

ج باسمه تعالی; هر کسی می تواند مجری باشد نیازی به اذن حاکم شرط نیست.

س۱۴۶۰ آیا توبه مرتد فطری مانع از اجرای حکم او می شود؟

ج باسمه تعالی; خیر.

هبه

س۱۴۶۱ شخصی در محضر، خانه خود را به اسم زن ثبت کند ولی صیغه هبه نخواند و منزل هم تحویل نداده و فعلا هم اختیار منزل با شوهر است خود او، و اولاد و همسرش در آن خانه می نشینند تا این که زن فوت می کند آیا ملك مال زن حساب می شود یا مال شوهر است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه در موقع امضاء دفتر، قصد انشاء ملکیت زن را بنماید و همسرش به قصد قبول، امضاء نماید، منزل، مال همسر است و اگر موقع امضاء به این امر توجه نداشته است (که ظاهراً چنین است) در فرض این که صیغه هبه خوانده نشده و اقباض به قصد هبه هم نبوده، خانه مال شوهر است.

س۱۴۶۲ در مورد سؤال قبل در صورتی که مالك خانه، که خانه را به همسرش بخشیده چند سال

خانه نشین شد و در معیشت زندگی محتاج به همسر و فرزندان باشد در این صورت منزل مال زن است یا مال شوهر می باشد؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که صیغه هبه خوانده نشده است عملی که هبه به آن محقق می شود انجام نگرفته است و مجرد خانه نشین شدن مرد موجب نمی شود خانه مال زن بشود; بلکه مال شوهر است.

س۱۴۶۳ زید مقداری از مزرعه ی خود را به عمرو هبه نمود ولی عقد و قبض واقع نشده و قبلاـ هم در دست عمرو بوده و مقدار باقی مانده از هبه را به عمرو فروخته; حالا بین آن ها نزاع است. عمرو می گوید همه را فروخته ولی زید منکر است اگر اثبات نشود هبه و بیع هر دو باطل است یا بیع صحیح است؟

ج باسمه تعالی; عمرو باید هبه را اثبات کند والاّ به حسب ظاهر حق با زید است ولی معامله و بیعی که بر بقیه واقع شده است به همان مقدار، صحیح است.

س۱۴۶۴ تقریباً بیست و پنج سال قبل از چند نفر که ذی حق بودند برای شخصی، هبه عمری نموده اند تا این که موهوب له، نما و ثمره منفصل را برای مخارج احیای موهوب فیه صرف کند و موهوبه را زنده نگه دارد و عمل طبق نوشته انجام شده و بعد از فوت واهب، برادرزادگان واهب، مال الموهوبه را غصباً و قهراً گرفته اند و عمل به نوشته و هبه نامه که فی سبیل الله بود ترک کردند حکم مسأله را بیان فرمایند؟

ج باسمه تعالی; هبه مذکور چون فی سبیل الله بوده، لازم است و

ورثه حق گرفتن مال موهوب را ندارند.

س۱۴۶۵ دائی بنده مبلغی وجه نقد، برای ساخت منزل قدیمی، برای رفاه حال خواهرش داده است آیا هبه صدق می کند یا نه؟

ج باسمه تعالی; ظاهر حال، به خصوص به قرینه سؤال بعد، این است که هبه نکرده است.

س۱۴۶۶ دائی بنده بعداً گفته است: چون خواهر زاده ام برای خواهرم زحمت زیاد متحمل شده، پول مرا به او بدهید قول او نافذ هست و هبه است و همه ورثه ها حاضر شدند و قبول کردند که سهم مادرم را به خواهرم بدهیم و حالا نمی دهند؟

ج باسمه تعالی; قول او نافذ است البته به مقداری که مصرف کرده چنانچه صیغه ولو به فارسی خوانده شده است; هبه، صدق می کند والا مجرد رضایت خصوصی و راضی شدن به این که بعداً هبه نمایند; هبه صدق نمی کند.

س۱۴۶۷ خواهرم در اثر حادثه ای فوت شده و سهم الارث که از مال او به پدرم می رسد به دختر دیگرش که به جای متوفی رفته، بخشیده است. شاید یک ملیون می شد; آیا حج برای پدرم واجب شده یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اگر این پول میراثی، تا ماه شوال همان سال فوت در اختیار پدر بوده; بلی، مستطیع است، و در غیر این صورت نیست.

س۱۴۶۸ اگر استطاعت محرز شود، هبه و بخشش صحیح است یا نه و بعد از هبه، حج از او ساقط می شود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بخشیدن صحیح است; ولی حج ساقط نمی شود. باید ولو به گدایی کردن باشد حج انجام دهد.

س۱۴۶۹ در فرض وجوب حج، قدرت انجام حج را ندارد و

می تواند نایب بگیرد؟

ج باسمه تعالی; در فرض استطاعت مالی، بلی باید نایب بگیرد.

س۱۴۷۰ اگر کسی یکصد هزار تومان به دیگری هبه کرد به شرط این که یک سال بعد دویست هزار تومان بدهد آیا این شرط درست است؟

ج باسمه تعالی; این شرط لازم الوفاء است و اشکالی ندارد.

س۱۴۷۱ شخصی دو دانگ از زمینی به زوجه اش بخشیده و به شرط این که اگر خواست زمین را بفروشد زوجه مانع نشود و اجازه فروش بدهد و در ضمن شرط دیگر بعد از فروش، پول سهم زوجه مدتی پیش او باشد. آیا با فروش زمین، برای زوجه اش حج واجب می شود یا نه، هبه قبض و اقباض هم لازم دارد یا خیر؟ اگر نوشته های عادی به زوجه بدهد قبض صدق می کند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; هبه صحیح است. ولی زن با آن واجب الحج نمی شود و شرط صحت هبه، قبض است; ولی قبض زمین به این است که زمین در اختیار او باشد و مجرد نوشته عادی، کافی نیست.

س۱۴۷۲ مادری خانه مسکونی دارد. خودش با دو دخترش فقیر می باشند و پسرش به آن ها رسیدگی نمی کند; مثلا ماهی هزار تومان کمک خرجی می دهد و مادر و دختران مذکور صدقه می خورند و یک دخترش شوهر کرده است. اگر دختر شوهردار از مال خود صرف نظر کند و چون پسر، به مادر و خواهرهایش رسیدگی نمی کند آیا مادر می تواند خانه را به نام دو دختر مذکور که پیش خود هستند به ثبت برساند تا بعد از مرگش خانه مذکور مال مطلق دو دختر باشد یا

مدیون پسر می شود؟

ج باسمه تعالی; بلی می تواند در زمان حیات خود به آن ها ببخشد یا مصالحه کند; در این صورت هیچ اشکالی پیش نمی آید و بعد از مرگش به پسرش نمی رسد.

عقاید انحرافی

س۱۴۷۳ تعدادی از دراویش از مردم پولی تحت عنوان عشریه اخذ می نمایند (به جای خمس آل محمد(صلی الله علیه وآله) اولاـ آیا اخذ عشریه، به این کیفیت بدعت محسوب می شود یا خیر؟ و ثانیاً فعل حرام محسوب می شود یا نه؟ لطفاً ارشاد فرمایید.

ج باسمه تعالی; و اما عشریه ای که دراویش می گیرند; چنانچه به عنوان سهم مبارک امام ارواحنا فداه باشد و با اجازه مجتهد باشد حلال است، والا حرام و بدعت است.

س۱۴۷۴ یکی از اهداف دشمن ایجاد مکتب های انحرافی است; اخیراً فرقه های مختلف صوفیه مراکزی را به عنوان پایگاه جهت فعالیت خود می سازند. ایجاد بنا و مراکز تبلیغی و شرکت در مجالس آنان چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; با تصریح شما به این که انحرافی است; قطعاً، شرکت حرام است مگر این که کسی برای اطلاع از حرف های آن ها به جلسات برود و شرکت کند تا این که حق را تشخیص دهد. در این صورت اشکال ندارد.

س۱۴۷۵ در شمال پاکستان مذهبی به نام شیعه اسماعیلیه وجود دارد که رهبرشان یونس کریم آغاخان است، در دفتر آن ها ثبت نام کردن و برای آن ها کار کردن و از امتیازات این گروه استفاده نمودن چه صورت دارد؟ چون اهالی منطقه فقیرنشین هستند در ادارات و مؤسسه آن ها مشغول به کار می شوند و از

خود آغاخـان تـاکنون برخلاـف اسـلام و مسـلمانان حرفی شـنیده نشـده است. کمـک گرفتن کشاورزان و مردم فقیر از همچو مؤسـسه و مـذهب چه صورت دارد و شـنیده شـده است که پول ها را مردمان ثروتمنـد از کشورهای دیگر می دهنـد اگر برای اهالی مفسده و رسوخ در عقیده شان نباشد و به انحراف کشیده نشوند گرفتن این پول ها جایز است یا خیر؟

ج باسـمه تعـالی; فرقه اسـماعیلیه فرقه ای است ضـاله و امـام آن هـا امام جائر است و هر گونه کمک به آن فرقه، خلاف شـرع اسـت. ولی دخـول در مؤسـسات آن هـا، ماننـد دخـول در خـدمات دولت ظـالم است و در صـورت اسـتخدام برای خـدمت به مسـلمین و رفع حوائـج آن ها و دسـتگیری از مستضـعفین، با رعایت عدم تقویت آن فرقه جایز است و اشـکال ندارد. خصوصـاً چون اصل پول مال دیگران است و آن هائی که اسـتخدام می شونـد آماده انـد که هیـچ گونه کمک هایی به آن فرقه نکنند و در صورت تقاضای کمک از آن ها دوری نمایند.

س۱۴۷۶ حکم برخورد مسـلمین با اعضای فرقه شـیخیه که مؤسـس آن شـیخ احمـد احسائی است و همچنین برخورد با اعضای فرقه صوفیه فرق نعمت اللهی و سلطانعلی شاهی نابادی را بیان فرمایید و تقلید از قطب آن ها چه صورتی دارد؟

ج باسـمه تعـالی; تقلیـد از آن ها جایز نیست و در برخورد با آن ها از شـیوه «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسـنه» استفاده کنید و مباحثات و برخورد ائمه طاهرین(علیه السلام)با فرق ضاله و روایات متضمنه را متابعت بنمائید.

س۱۴۷۷ شرکت در مجالس و معاشرت با اهل تصوف

چه صورتی دارد و مرام آن ها چیست؟

ج باسمه تعالی; مرام اهل تصوف بسیار متفاوت است کتاب هایی که اخیراً چاپ شده است مانند «کتاب خیراتیه علامه بهبهانی و تحفه الأخیار ملاطاهر قمی» و یا به کتبی که قبلا چاپ شده است مانند «عارف و صوفی چه می گویند مرحوم میرزا جواد آقاتهرانی» مراجعه شود.

س۱۴۷۸ آیا داشتن عقیده راسخ (بما جاء به النبی) کافی است و یا تحقیق بیش تر لازم است؟

ج باسمه تعالی; کافی است.

س۱۴۷۹ نظر مبارکتان درباره فرقه بهائیت و معاشرت با آن ها چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; فرقه بهائیت ضاله است و معاشرت با آنان جایز نیست و از یهود و نصاری بدترند.

س۱۴۸۰ شرکت در مجالس و محافل صوفیه و انجام اعمال آن ها در خانقاه چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; مجرد حضور در مجالس آنان، اشکال ندارد و انجام اعمال و گفتار آنان، اگر مخالف شرع است جایز نیست.

س۱۴۸۱ خداوند متعال که تکلم ندارد به چه وسیله وحی به پیامبران می رساند، با کلمه (کن) ایجاد کلام می کند؟ یا وسیله دیگر؟ کسی که معتقد است خدا بدون واسطه تکلم می کند عقیده اش چطور است؟

ج باسمه تعالی; خداوند، گاهی با ایجاد کلام در یک جسم و گاهی به وسیله جبرائیل با مخلوقات تکلم می کند و مراد از کلمه کن اراده است و اتصاف خدا به تکلم که حادث است غیرمعقول است.

س۱۴۸۲ نظر مبارکتان درباره قیام جناب زید(علیه السلام) چیست و قیامش طبق دستور امام، بود یا خیر؟

ج باسمه تعالی; برحسب روایات معتبره قطعاً به امر امام(علیه السلام) بوده است.

س۱۴۸۳ آیا

عقاید مردم نسبت به چهارشنبه سوی و یا نحس بودن روز ۱۳ منشأیی دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; همه از اوهام است.

س۱۴۸۴ کسانی که خود را اهل نیاز می دانند به این عقیده هستند: در سال ۳ روز یا ۶ روز روزه، آن هم در غیر ماه رمضان می گیرند و نماز هم نمی خوانند و می گویند علی(علیه السلام) دو جنبه دارد; اول، مظهر الله است و جنبه دوم، بشر است پس ذات او ازلی و ابدی است و علی(علیه السلام) عین ذات خدا بوده در عصر خود بهیکل بشر با مردم تماس داشته و می گویند که خدا در هفت جسد حلول می کند و این حلول به منزله لباس پوشیدن انسان است و هر بار که حلول می کند چهار یا پنج ملک نیز با او ظاهر می شوند این دسته از یاران ملک هستند. می گویند علی(علیه السلام) در جامه سلطان اسحاق ظاهر شده و ذات سلطان اسحاق تکمیل تر از جامه علی(علیه السلام) است و در امام حسین(علیه السلام) و بابا یادگار و عالی قلندر فرقی ندارند و می گویند علی(علیه السلام) شهید نشده و اگر علی(علیه السلام) را بپرستند اهل نجاتند صدها مورد از این خرافات را دارند ارتباط با این جور افراد چه صورت دارد؟ مأکولات و مشروبات و لبنیات که دست آن ها در کار است و زن گرفتن و زن دادن به آن ها و کار کردن برای آن ها که تقویت بنیه مالی آن ها شود چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; دسته اول فاسقند امّا کافر نیستند مگر آن که بدانند پیغمبر(صلی الله

علیه وآله)غیر از این فرموده و آن را قبول نداشته باشند دسته دوم مشرک، دسته سوم کافر و دسته چهارم نیز از اسلام به دور هستند.

س۱۴۸۵ نظر مبارکتان درباره ئ منصور حلاج چیست؟

ج باسمه تعالی; منصور حلاج مرد فاسد و بسیار ضال و مضلّ بوده و توقیع شریف در لعن او وارد شده است.

س۱۴۸۶ در منطقه کرند و اسلام آباد که مرکز اهل حق است حدود ۱۵۰ هزار نفر پیرو این مذهب در آنجا زندگی می کنند معروف به علی اللهی هستند ولی از آن ها شنیده نشده که بگویند علی خداست. جلسه ای با رهبرانشان داشتم; می گفت علی(علیه السلام)نزدیک ترین فرد است به خدا، قرآن و نهج البلاغه را قبول داشتند و عمل به آن ها را سفارش می کردند مردم منطقه اعتقاد به خدا و پیغمبر و امام دارند; ولی نماز نمی خوانند به جای نماز نیاز می دهند. انجام دادن نذری با آداب مخصوص، سالی یک مرتبه روزه می گیرند آن هم سه روز در فصل زمستان، اعتقاد به تناسخ و حلول دارند و طهارت و نجاست را رعایت نمی کنند و غسل های واجب را انجام نمی دهند و ذبیحه های آن ها شرعی نیست آیا با این وصف پاکند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; ذاتاً پاک هستند و چنانچه نجاست عرضی، مانند خوردن میته، ملاقات با بول پیدا شود، با آب کشیدن می شوند.

س۱۴۸۷ خرید و فروش این گونه کتب و مطالعه آن ها چه حکمی دارد؟ عنوان کتاب این طور است «وصیت معنی ندارد، من مخالفم که می گویند پیغمبران معصومند، الکل خوردن بهتر از مال موقوفه

خوردن است، پست ترین مرد را کسی می دانم که دو زن دارد، در زمانی که زن و شوهر اختلاف دارند اگر دارای اولاد شوند به منزله حرام زاده است، زندگانی خود را با علی(علیه السلام) یکی می داند شریعت را محمد(صلی الله علیه وآله) و علی(علیه السلام) ولایت را کامل کرد و سلطان اسحاق هم آمد حقیقت را تمام کرد. ما کاری با کسی نداریم علی(علیه السلام) به من فرمود: دین تو ابداعی است ولی نیک ابداعی است تا قیامت دین همان است».!؟

ج باسمه تعالی; این حرف ها به هذیان شبیه است. چنانچه گوینده و نویسنده به هوش باشد و چنین جملاتی بگوید منحرف است و بی دین. به هر حال، کتاب از کتب ضلال است و خرید و فروش آن حرام است.

س۱۴۸۸ وظیفه طلابی که برای تبلیغ به مناطق می روند و با آن ها معاشرت دارند اگرچه مجبور نباشند می توانند از تبلیغ منصرف شوند؟

ج باسمه تعالی; وظیفه طلاب آن است که به آنجا بروند و با بحث به نحو احسن آن ها را ارشاد کنند. اگر یک نفر هم هدایت شود و یا اقلا حق ظاهر شود; ارزش زیادی دارد. به گونه ای که بیان من، از اظهارش قاصر است.

س۱۴۸۹ اگر کسی را دیدیم اهل نماز و روزه و ظاهر دین را مراعات می کند ولی خود را پیرو اهل حق می داند با او چطور رفتار شود؟

ج باسمه تعالی; معادل یک مسلمان منحرف و باید ارشاد شود.

س۱۴۹۰ رفتن به مجالس دراویش چه حکمی دارد؟ در صورتی که این افراد چهارده معصوم(علیه السلام) را قبول دارند؟

ج باسمه

تعالی; دراویش فرق مختلفی دارند; همه را نمی توان در تحت یک قاعده بیان کرد.

س۱۴۹۱ رفتن به خانقاه و اعمال خاصی که در آنجا صورت می گیرد چه حکمی دارد و برای حصول زهد، از نظر شارع مقدس چگونه زهد و علم و عدم رغبت به دنیا می شود؟

ج باسمه تعالی; در صورتی که با ترویج باطل منطبق نشود; رفتن اشکال ندارد و کارها هم اگر از شرع رسیده است جایز می باشد والا به قصد مطلق ذکر باشد نه به عنوان ورود، اشکال ندارد.

س۱۴۹۲ این که عده ای معروف به مرتاض اعمال شاقه ای انجام می دهند; آیا انسان می تواند برای تزکیه نفس چنین اعمالی انجام دهد و یا عنوان حرام دارد و از نظر شرع مقدس تزکیه نفس چگونه حاصل می شود؟

ج باسمه تعالی; تزکیه نفس از راه عباداتی که دستور داده اند متعین است و به کتب اخلاق مراجعه کنید.

ذبح

س۱۴۹۳ آیا کشتن حیوان حلال گوشت با ضربت شمشیر و قطع رگ های اربعه با شرایط، حلال می شود یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی، حلال می شود.

س۱۴۹۴ ذبح حیوان با چاقوی غیرآهنی مثل استیل و غیره جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; در صورت امکان، با غیرآهن جایز نیست ولی ظاهراً استیل از همان معدن محسوب است و در این صورت جایز است.

س۱۴۹۵ آیا گوسفند کفاره را می توان در شهر خود ذبح کرد؟ آیا خود حاجی می تواند از آن بخورد یا منحصر است به فقرا؟

ج باسمه تعالی; کفاره را می توان در شهر خود ذبح نمود و خود شخص، می تواند مقدار کمی از

آن بخورد; به شرط آنکه قیمت آن را به فقیر بدهد و احتیاط آن است که در غیر حال ضرورت، نخورد. ولی قربانی را باید در محل مخصوص، در مکه ذبح نمود.

س۱۴۹۶ ذبح حیوانات روزمره، در ترکیه به وسیله دستگاه مخصوص انجام می شود. اطلاعی هم از کیفیت و شرعی بودن و نبودن آن نداریم وظیفه ما مسلمانان در استفاده و خرید و خوردن این گونه گوشت ها از بازار چیست آیا اشکال دارد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; ذبح با دستگاه مخصوص، اشکال ندارد و چنانچه شرایط از قبیل تسمیه و استقبال رعایت بشود; ذبیحه حلال است و چنانچه متصدی ذبح، مسلمان یا مؤسسه منتسب به مسلمین باشد; ذبیحه حلال است، ولو نداند که شرائط رعایت می شود یا نه. همچنین است اگر متصدی دولت شد در صورتی که اسلامی باشد.

س۱۴۹۷ اگر یکی از اهل حق بگوید این گوسفند ذبح شرعی شده، می شود اطمینان به حرف او کرد و استفاده از آن جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی، در صورتی که بگوید ذبح شرعی مسلمانان شده نه ذبح شرعی اهل حق، جایز است.

س۱۴۹۸ اگر گوسفند یا گاو را اشتباهاً بالاتر یا پایین تر از محل تعیین شده ذبح کنند آیا حیوان حرام می شود؟ عمدی باشد چطور؟

ج باسمه تعالی; حرام نمی شود. بلکه تا زنده است اگر از محل شرعی ذبح کنند حلال است.

اذیت

س۱۴۹۹ کسی که در مکان های عمومی مثل ماشین و غیره سیگار بکشد و عده ای ناراضی و ناراحت شوند جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; تا حدی که به ایذاء مؤمن منجر نشود اشکال

ندارد.

س۱۵۰۰ آیا اگر معلم در میان شاگردان فرق بگذارد و تبعیض قائل شود جایز است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد. مگر آنکه موجب اذیت دیگران شود.

س۱۵۰۱ دو نفر طلبه در حجره ای زندگی می کنند. یکی باعث ناراحتی دیگری می شود; مثل گوش دادن به صداهای مشکوک آیا رفیق او می تواند در جایی که رضایت ندارد جلوگیری کند؟ معیار کلی بین دو نفر هم حجره در صورت تضاد چیست؟

ج باسمه تعالی; به صورت تقاضا اشکال ندارد. ولی با تحکم و زور حرف خود را بقبولاند صحیح نیست.

اعسار

س۱۵۰۲ آیا اعسار یک عنوان کلی قابل انطباق بر مجموعه فقه است یا فقط حاکم بر امورات مالی و محدود به مسائل مالی است؟

ج باسمه تعالی; به این عنوان خاص، مختص به امور مالی است. تحت عنوان اعم، در موارد دیگر غیرقابل انطباق است.

س۱۵۰۳ راه های اثبات اعسار چیست آیا فقط راه تشخیص منحصر به طرق بینه و قسم است یا استظهار و کشف و علم و امثال آن را نیز در ثبوت آن می توان استفاده کرد؟

ج باسمه تعالی; اطمینان و علم هم راه تشخیص است.

س۱۵۰۴ آیا حجر معسر مطلق است یا محدود به تصرفات مالی است و آیا سایر اقدامات غیرمالی; مثل ازدواج، قبول هدایا، استیفای قصاص،... و عفو نافذ است یا خیر و آیا حاکم می تواند اضافه بر حجر مالی او را از جمیع تصرفات منع نماید یا خیر؟

ج باسمه تعالی; مختص به امور مالی است آن هم به تصرف مخرج مال از ملک.

س۱۵۰۵ آیا برای صدور حکم اعسار شرائطی از قبیل:

۱ ثبوت دین نزد حاکم ۲

عدم کفاف دارائی جهت اداء دین ۳ حال بودن دین ۴ درخواست غرماء مبنی بر صدور حکم حجر مدیون را شرط می دانید یا خیر؟

ج باسمه تعالی; هر چهار امر شرط است.

س۱۵۰۶ با توجه به این که احکام ظاهری در شبهات موضوعی احتیاج به فحص و کشف ندارد; در ثبوت اعسار اشخاص، محض تحقیق، بنای شرعی دارد یا خیر؟ آیا این مورد نیز فقط باید از قاعده البینه للمدعی و الیمین علی من انکر استفاده نمود یا راه های دیگری از قبیل علم قاضی، استظهار از حال معسر و تحقیق از افراد و توجه به مستندات و ادله ارائه شده نیز، طرق شرعی هستند؟

ج باسمه تعالی; سؤال غیرمنظم است. حجر از احکام ظاهری نیست و علم قاضی هم کافی است.

س۱۵۰۷ آیا معسر و مفلس دارای یک حکم اند؟ آیا جمیع تصرفات معسر حین الاعسار حتی در مستثنیات دین نافذ و صحیح است یا خیر؟ در این مورد بین قبل و بعد حکم حاکم به اعسار، فرقی است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بین دو عنوان فرقی نیست و منع از تصرفات موقوف بر حکم حاکم شرع است.

س۱۵۰۸ شخص معسری که معامله، هبه و صلح معوض و غیر معوضی را قبل از صدور حکم اعسار انجام داده و مشخص نیست که به قصد فرار از پرداخت دین بوده است یا قصد تبرع و خیرخواهانه و بیع حقیقی و غیره داشته که نهایتاً این معاملات در حال حاضر ضرر طلبکاران را به دنبال داشته است; حکم آن معاملات از نظر نفوذ و عدم نفوذ و صحت و عدم صحت چگونه است؟

ج باسمه تعالی; قبل

از حجر حاکم، تصرفاتش مطلقاً نافذ است.

س۱۵۰۹ کسی طی درخواستی از دادگاه تقاضای گرفتن طلب خود را از فردی نموده و ایشان با مراجعه به دادگاه ادعای اعسار نموده:

۱ آیا دادگاه می تواند مدعی اعسار را حبس کند؟ چه مدت و آیا این حبس تعزیری است؟

۲ اگر اعسار او بر حاکم ثابت شد تکلیف دادگاه نسبت به مطالبات وی چیست و نسبت به تقاضای او چگونه باید عمل نماید؟

۳ محدوده تحقیق دادگاه در اصل دعوی اعسار چقدر است؟ آیا صرفاً دارائی و عدم دارائی وی را بررسی می کند یا این که حق فحص در نحوه صرف اموال و غیره را نیز دارد؟

ج باسمه تعالی; ۱ مجرد درخواست، مجوز حبس نیست.

ج باسمه تعالی; ۲ دادگاه موظف است به آنچه حاکم شرع دستور داده; عمل کند و مستقل در عمل نیست.

ج باسمه تعالی; ۳ شرایط اربعه گذشته، ملاک حجر حاکم است.

س۱۵۱۰ معسر به چه کسی می گویند؟ آیا به صرف نداشتن مال به کسی معسر گفته می شود یا این که باید امکان تحصیل مال نیز نداشته باشد تا به او معسر اطلاق شود؟

ج باسمه تعالی; به کسی که مال ندارد معسر می گویند; ولو توانایی تحصیل مال داشته باشد. ولی حاکم شرع می تواند او را ملزم به تکسب بر اداء دین کند.

خودکشی

س۱۵۱۱ کسی می خواهد خودکشی کند آیا جلوگیری از خودکشی او واجب است؟

ج باسمه تعالی; بله، واجب است. مگر آن که متوقف بر بذل مال معتنابه باشد و کسی هم آن وجه را نمی دهد یا آنکه آن شخص که خیال خودکشی دارد; کافر حربی باشد و یا

آن که بازداشتن او از خودکشی، مستلزم استقبال از خطر جانی شخص نجات دهنده باشد که در این سه مورد، جلوگیری واجب نیست.

س۱۵۱۲ وعده دروغ دادن، به شخصی که می خواهد خودکشی کند برای جلوگیری جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بله جایز، بلکه واجب است.

س۱۵۱۳ آیا در روایات و آیات بیان شده کسی که خودکشی کرده همیشه در آتش جهنم است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بله زیاد. به وسائل الشیعه ج ۲۹، ص ۲۴، مراجعه کنید.

سؤالات گوناگون

س۱۵۱۴ به دنبال ترویج طرح های «ارمغان بهزیستی» و «همای رحمت» توسط رسانه های جمعی، در بسیاری از شهرها و مراکز استان ها نیز طرح های مشابهی به اجرا درآمده است که مجریان آن ها جمع آوری وجوه خیریه مردم، رای برای تأسیس مراکز قرآنی و خیریه تبلیغ می کنند لطفاً حکم شرعی آن را به طور روشن بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; جایز نیست. این همان بخت آزمایی است که همه گفته اند حرام است.

س۱۵۱۵ شوخی نمودن با حرف هایی که گفتن این گونه حرف ها از نظر اخلاقی و ادبی خوب نباشد آیا جایز است؟

ج باسمه تعالی; گفتن بعضی الفاظ رکیک حرام است مانند ذکر عورت مگر بین زن و شوهر.

س۱۵۱۶ آیا پوشش لباس موقت، برای طلاب مبتدی اشکال ندارد، به طور کلی معظم له چه مقطعی را برای ملبس شدن کافی می دانید؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد و مقطع معینی برای ملبس شدن وجود ندارد.

س۱۵۱۷ مردم پول یا چیزهای دیگر برای ریختن در ضریح امامزاده ای می دهند و یا وقف می کنند و آن امامزاده نیاز ندارد آیا می شود

مصرف امامزاده دیگر کرد برای تعمیر یا توسعه آن؟

ج باسمه تعالی; بلی می شود.

س۱۵۱۸ معاشرت با افرادی که با ما هم مذهب نیستند و رادیو تلویزیون متناسب با عقاید خودشان را دارند چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; در صورت امکان باید نهی از منکر نمود والا ترک مراوده کرد.

س۱۵۱۹ رفتن دانشگاه، با وجود فساد برای دختران و پسران، چه حکمی بار می شود؟

ج باسمه تعالی; بر فرض سؤال، چنانچه رفتن دختران و پسران به دانشگاه باعث فساد آنان گردد، رفتن به دانشگاه حرام است.

س۱۵۲۰ تحصیل علوم دینی برای زن در خانه چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; بسیار خوب است.

س۱۵۲۱ خواندن فلسفه و کلام چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; برای افراد فرق می کند و آن ها مختلف اند. بعضی از افراد چون ممکن است موجب انحراف آن ها شود باید آن را ترک کنند.

س۱۵۲۲ اگر اهل علم و طلاب مرتکب معصیت شوند کیفر و عذاب شان مضاعف می شود؟

ج باسمه تعالی; عالم علی اختلاف مراتبه، قهراً موأخذه اش بیش تر و شدیدتر است.

س۱۵۲۳ آیا برای سادات انجام واجبات و یا ارتکاب معاصی، ثواب و کیفر در حق آن ها مضاعف می شود؟

ج باسمه تعالی; خیر، در این مورد، سید و غیرسید فرقی ندارند.

س۱۵۲۴ چرا خداوند برای عده ای سیادت داده و سهم سادات را به آن ها اختصاص داده آیا این تبعیض نیست؟

ج باسمه تعالی; برای مستمندان غیر سید زکات تعیین شده است یعنی خداوند دو صندوق دارد که برای هر گروه مصرف معینی مشخص کرده است. لذا هیچ گونه تبعیض نیست.

س۱۵۲۵ آیا رد مظالم را می

شود در امور خیریه مصرف کرد یا نه؟

ج باسمه تعالی; رد مظالم را باید به فقیر بدهند و او می تواند در امور خیریه صرف کند.

س۱۵۲۶ اگر کسی استمناء کند یا از خواب بیدار شود و متوجه شود که می خواهد منی خارج شود و جلو خارج شدن منی را بگیرد بعد با فاصله کمی رطوبتی خارج شود که هیچ کدام از نشانه های خروج منی را ندارد تکلیف شخص مزبور چیست؟

ج باسمه تعالی; جنب نیست وضو بگیرد و نماز بخواند.

س۱۵۲۷ یکی از دوستان این جناب را اعتقاد بر این است که تمام بندگان خداوند اعم از کافر و مسلمان وارد بهشت می شوند منتها رتبه زمانی دارد و یک عده زودتر و عده ای بعد از چند سال، شمر و معاویه بعد از هزار سال، استدلال به عطوفت و مهربانی و گذشت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) می نماید که اضافه شیر را به قاتل می دهد پس فضل و رحمت پروردگار بالاتر از این است. همه را مورد عفو قرار می دهد همه بنده او هستند و آیات قرآن که خلاف این مطلب را می گوید قبول ندارند و می گوید قابل توجیه است. باید آیات توجیه و تفسیر شود آیا چنین اعتقادی به عدالت شخصی خدشه ای وارد می کند و آیا می شود در نماز به او اقتداء کرد یا خیر؟

ج باسمه تعالی; این اعتقاد، به عدالت ضرر نمی رساند ولو موافق با موازین شرعی نباشد; چون به هر حال از ضروریات دین نیست.

س۱۵۲۸ لباسی را که دولت به سربازان می دهد اگر بعد از اتمام دوره سربازی تحویل

نگیرد آیا لباس مزبور به شخص مذکور حلال است یا نه؟

ج باسمه تعالی; اگر دولت وقت به دادن لباس، تملیک بکند; حلال است.

س۱۵۲۹ دارویی که برای ضدعفونی به آب می ریزند و رنگ آب سفید می شود آیا آب مذکور حکم آب مضاف را دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; حکم مضاف ندارد.

س۱۵۳۰ شخصی می گوید راضی نیستم از من تعریف کنید در فرض مذکور تعریف از خوبی های او چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۵۳۱ آیا سرمه کشیدن مرد، بلند گذاشتن موی سر و روغن زدن به مو، برای مرد در این زمان هم، مستحب است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه تشبه به زن نباشد و موجب اهانت به خودش نباشد بلی جایز است.

س۱۵۳۲ اگر کسی بدهکار باشد یا برای کسب سرمایه نداشته باشد آیا می تواند با فروختن بعضی از اعضای بدنش مانند کلیه و... بدهی را پرداخته یا برای کسب سرمایه درست کند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه خطر هلاکت نباشد; جایز است.

س۱۵۳۳ آیا حقوقی که کارمندان می گیرند و دولت مالیات هم از آن کم می کند آیا اشکال دارد یا نه؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۵۳۴ بلند کردن شارب و موی سر برای مردان چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست ولی زدن شارب مستحب است.

س۱۵۳۵ اجناسی مانند آبلیمو و کمپوت و... که تاریخ انقضا دارند; اگر شخصی جنس تاریخ گذشته بفروشد آیا مأموران بهداشت می توانند اجناس مذکور را از شخص مزبور گرفته و دور بریزند یا چنین حقّی ندارند؟

ج باسمه تعالی; اگر راهی برای جلوگیری نباشد و اجناس منقضی شده، مضرّ به حال اجتماع باشد;

بلی، می توانند.

س۱۵۳۶ اگر دامداران یا چوپان ها گوسفندان را بدون اجازه داخل ملك مردم بکنند و زراعت مردم را پایمال بکنند و جلوگیری از آن ها به هیچ نحو ممکن نباشد و حرف کسی را گوش نکنند آیا در این صورت برای از بین بردن گوسفندان آن ها می توان در زراعت سمّ گذاشت؟

ج باسمه تعالی; بلی، البته با اعلام به صاحبان گوسفندان.

س۱۵۳۷ خانم هایی که برای دیگران قرآن ختم می کنند آیا در ایّام عادت می توانند سوره های بعد از سوره های سجده دار را بخوانند و بعد از پاك شدن و غسل نمودن سوره های سجده دار را بخوانند؟

ج باسمه تعالی; بلی، بی اشکال است.

س۱۵۳۸ آیا جواب سلام منافق واجب است یا نه؟

ج باسمه تعالی; بلی واجب است.

س۱۵۳۹ اگر کسی نزد دکتری برود و پول نسخه را بدهد به گمان این که دارویی به او بدهد که دکتر اولی نداده باشد و بعد از دادن نسخه بفهمد مانند اولی داده; آیا می تواند پول نسخه را پس بگیرد؟

ج باسمه تعالی; خیر نمی تواند.

س۱۵۴۰ آیا اگر کسی قرآن مجید را قبول دارد ولی در مقام عمل قبول ندارد کافر است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه بگوید قرآن از طرف خداست; ولی من عمل نمی کنم مانند همه فساق است و کافر نیست و اگر بگوید از طرف خدا نیست; کافر است.

س۱۵۴۱ اگر یکی از علماء چیزی را حلال بداند و مردم نمی دانند و در واقع حرام است; آیا می توان به مردم گفت که او چنین نگفته و او اهل این حرف ها نیست تا مردم به واقع

عمل کنند و از حرام اجتناب کنند؟

ج باسمه تعالی; خیر، نمی شود گفت.

س۱۵۴۲ اگر کسی به طوری در تنگی معاش باشد که نتواند زندگی خود را اداره بکند و به هر امری بزند با شکست مواجه شود آیا می تواند برای غیرمسلمان کار بکند؟

ج باسمه تعالی; چنانچه کافر ذمی باشد; مانعی ندارد. ولی برای بهائی، کافر حربی و کمونیست، خیر نمی تواند.

س۱۵۴۳ حد و مرز و شادی در میلاد ائمه چیست؟

ج باسمه تعالی; هر شادی که حرام نباشد و اهانت به آن بزرگواران نباشد جایز است.

س۱۵۴۴ صحبت کردن مردان با صدای تقلیدی زنان و بالعکس چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۵۴۵ یکی از کفارات مقرر در شرع مقدس اسلام بنده آزاد کردن است و در حال حاضر این امر معمول نیست، از طرفی عده ای ناخواسته، نظیر تصادف یا بدهی و یا دیه و امثال آن، در زندان ها به سر می برند و خانواده هایشان پریشان و مستأصل می باشند آیا اجازه می فرمایید به جای آزاد کردن افرادی که کفاره به ذمه دارند یک یا چند نفر از زندانیان بی گناه را آزاد نمایند؟

ج باسمه تعالی; در مطلق واجبات تخییریه که بنده آزاد کردن در کفارات، یکی از مصادیق آن است; اگر یک فرد ممتنع شد باید آن فرد دیگر اختیار شود و اگر همه افراد ممتنع شدند; اگر در شرع، بدل تعیین شده است آن را باید اختیار نمود. که به هر تقدیر، صرف در مورد مذکور، وجهی ندارد.

س۱۵۴۶ فرق بین تزکیه نفس و تکبر حرام چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; وجه اشتراک بین آن

ها نمی بینم تا محتاج به بیان فرق باشد.

س۱۵۴۷ آیا دوست داشتن و عشق ورزیدن به کسی، بدون قصد لذت و شهوت، که نمی دانیم ازدواج نموده و یا حتی می دانیم ازدواج ننموده است جایز است؟

ج باسمه تعالی; جایز است.

س۱۵۴۸ کتبی مانند «جامع الاخبار» که مؤلفش دقیقاً معلوم نیست چگونه معتبر می باشد؟

ج باسمه تعالی; در مستحبات اکتفاء به روایات آن می شود در احکام لزومیه خیر.

س۱۵۴۹ توضیح مختصری درباره تسامح در ادله سنن که آیا چه اخباری را می توان با استفاده از قاعده تسامح نقل کرد; بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; این مسأله، مبحث مفصلی دارد و مختار این است که اگر یک روایت ضعیفی از حدیث سند، از معصوم(علیه السلام) برسد و بر مطلوبیت یک امری دلالت کند مانند غسل شب مخصوصی یا نماز خاصی یا یک عمل دیگری، استحباب آن عمل، با همین روایت ثابت می شود.

س۱۵۵۰ آیا عدم مفسده در خوردن مال یتیم به نظر مبارک جایز است یا مصلحت لازم دارد؟

ج باسمه تعالی; عدم مفسده کافی است.

س۱۵۵۱ مرد یا زنی حواس پرتی پیدا کرده، حتی بچه های خود را به طور کامل نمی شناسد چنانچه در خیابان، بدون همراه باشد سردرگم است و خانه را تشخیص نمی دهد و نماز را به طور منظم از جهت عدد رکعات نمی فهمد آیا چنین فردی می تواند مال خود را به یکی از وراث بی اذن ورثه دیگر بدهد یا نه؟

ج باسمه تعالی; چنین کسی نمی تواند در اموال خود، تصرف به نحو نقل و انتقال یا بخشش و امثال آن بنماید.

س۱۵۵۲ اگر کسی جنسی را

عاریه بگیرد; بـدون تضـمین قولی و آن چیز از بین برود و عاریه گیرنـده، بـدون آنکه عاریه دهنـده عوض جنس را طلب کند خودش عوض جنس را بدهد آیا عاریه گیرنده عوض مزبور را می تواند قبول کند؟

ج باسـمه تعالی; چنانچه عاریه گیرنـده با علم به این که عاریه دهنـده اسـتحقاق نـدارد پول را می دهد; می تواند بگیرد و اگر خیال می کند ضامن است; نمی تواند بگیرد.

س۱۵۵۳ درباره روایت عشـره (ابوبکر، عمر و عثمان جزو ده نفری هستند که در قرآن به آن ها بشارت بهشت داده شده و عمر از بیعت کنند گان زیر درخت است که خدا از آن ها اعلام رضایت کرده) نظر خود را بیان فرمایید؟

ج باسـمه تعالی; روایت عشـره از مجعولات عامه است. مرحوم مجلسـی(ره) در بحارالانوار حتی جاعل را تصـریح کرده است. محدث قمی هم در سـفینه البحار اشاره نموده و محل آن را ذکر کرده است و مأمون عباسـی تصریح نموده به جعلی بودن آن. مراجعه کنید به منابع.

س۱۵۵۴ تعریفی از عارف و عرفان اگرچه به طور اختصار هم بوده مرقوم فرمایید و روشن نمایید که آیا مقام عرفان چون مقام اجتهـاد است که شامل عـده ای شود و عـده دیگری از آن بی بهره باشـند یا هر شـیعی اعم از ضـعیف و قوی، عالم و جاهل به انـدازه دریـافت خـود از عرفـان بهره دارنـد. پیرزن گفت خـدا را به گردش کردن این چرخ می شـناسم تـا آن را نگردانم نمی گردد بـه این مقـدار، دانشـمندی که عمرش را در کسب معرفت و تفکر و انـدیشه گذرانـده و به مقـدار دریـافت خـود و امـام علی(علیه

السلام) که می فرماید: «لو کشف الغطاء مازدت یقیناً» همه از عرفان بهره ورند منتهی شدت و ضعف دارد؟

ج باسمه تعالی; عرفان حقیقی، اختصاص به کسی و جمعیتی ندارد مقول به تشکیک است و اساس آن، عرفان به حق تعالی است و اما به اصطلاح متأخرین، اطلاق بر جمعیت خاصی می شود که اصیل آن دو قسم است: عرفان عملی و عرفان علمی و این دو قسم، شعب مختلف دارد و باید در محل خاص بحث شود.

س۱۵۵۵ علت این که عمامه آقایان سادات مشگی و آقایان شیوخ سفید می باشد چیست؟

ج باسمه تعالی; پوشیدن عمامه فی الصلاه بلکه مطلقاً مستحب است و اما پوشیدن عمامه سیاه و سفید یک امر عرفی است برای تمیز سادات از غیر سادات.

س۱۵۵۶ با این که علامه حلی(ره) و شهید ثالث(ره) به فقیه بودن شیخ صدوق تصریح کرده اند چرا بعضی ها می گویند شیخ صدوق اول فقیه و پسر (شیخ صدوق(ره)) محدّث می باشد؟

ج باسمه تعالی; صدوقان و به خصوص پسر از مفاخر علماء اسلام و از فقهاء بزرگند و محدث بودن، منافی فقیه بودن نیست هم محدّثند هم فقیه.

س۱۵۵۷ مأخذ معتبری برای حدیث قدسی معروفی (عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی) می دانید؟

ج باسمه تعالی; الجواهر السنیه شیخ حر عاملی ص ۳۶۰. شجره طوبی ج ۱ ص ۳۳.

س۱۵۵۸ آیا در نقل احادیث غیر معلوم الصدور که قصد جدی اسناد را ندارد و مجملا بگوید روایت در کافی می باشد و خواندن زبان حال جایز است؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۵۵۹ چسباندن اعلامیه ها بر در و دیوار منزل مردم که در آن ها نام

خدا و معصومین(علیه السلام) نوشته شده که قهراً زیر پا می افتد آیا جایز است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه اهانت باشد جایز نیست و در غیر این صورت جایز است.

س۱۵۶۰ تماشا کردن به دو نفر که مشغول دعوا و منازعه هستند آیا حرام است؟ و وظیفه چه می باشد؟

ج باسمه تعالی; حرام نیست. وظیفه، اصلاح ذات البین است.

س۱۵۶۱ در حال حاضر که جامعه اسلامی با تهاجم فرهنگی روبه رو است برای جوانان چه توصیه ای دارید؟

ج باسمه تعالی; اولین وظیفه جوانان درس خواندن، محکم نمودن عقاید مذهبی و انجام وظایف شرعی و نهی از منکر فردی است و چنانچه وظیفه یک مسئله اجتماعی باشد که مراجع تقلید دستور داده اند باید شرکت کنند.

س۱۵۶۲ مدتی است که من نماز درستی نمی خوانم و همیشه سردر گم هستم. فکر می کنم که دنیا به آخر رسیده و بهترین راه را برای خودم خودکشی می دانم که باید انجام دهم و مشکل مالی هم ندارم لطفاً راهنمایی و نصیحتی بفرمایید؟

ج باسمه تعالی; خودکشی از معاصی کبیره است و در آن دنیا، مبتلا به عذاب الیم خواهید شد. بنابر این بدترین راه است و بهترین راه آن است که نماز را درست کنید و مردانه در مقابل مشکلات استقامت کنید و این گونه ضعف از خود نشان ندهید.

س۱۵۶۳ در آشپزخانه چند حبه برنج به فاضلاب برود حرام است؟

ج باسمه تعالی; چنانچه عمدی نباشد حرام نیست و عمداً این کار را نکنند.

س۱۵۶۴ نظر شما در مورد نگاه کردن به فوتبال چیست؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد. البته خانم ها به بدن برهنه آقایان نگاه نکنند.

س۱۵۶۵ شرط

بستن در فوتبال و دیگر ورزش ها چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; شرط بستن به گرفتن مال، جایز نیست و آن مال حرام است.

س۱۵۶۶ بهترین راه خودسازی برای انسان چیست؟

ج باسمه تعالی; انجام واجبات و ترک محرمات و همچنین اخلاق حسنه را در خود ایجاد کردن.

س۱۵۶۷ یکی از اقرباء معتقد به خداوند است و روزه می گیرد ولی نماز نمی خوند و بعضی از اعمال دین را سبک می شمارد حکم معاشرت جهت صله رحم چیست؟

ج باسمه تعالی; چنانچه با معاشرت می توانید او را از این کار برگردانید این کار را بنمائید والا اگر مفسده ای پیش نیاید با او قطع ارتباط کنید.

س۱۵۶۸ آیا کینه توزی به منظور بخل حرام است یا خیر؟

ج باسمه تعالی; عمل کردن بر طبق آن صفت نفسانی جایز نیست و خود آن صفت مذموم است ولی حرام نیست و باید با دستورات شرعی، آن صفت را نابود کرد.

س۱۵۶۹ به نظر شارع مقدس اسلام درباره تفأل به نحو کلی در کتاب های شعر و غیر آن چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; تفأل فی نفسه اشکال ندارد.

س۱۵۷۰ مراد از یقین و اطمینان در رساله عملیه چه می باشد؟ آیا اطمینان در حکم یقین است؟

ج باسمه تعالی; بلی، اطمینان در حکم یقین است.

س۱۵۷۱ در آیه (۱۰۰) سوره یونس «و ما کان لنفس ان تؤمن الاّ باذن الله» بنابر این ایمان آوردن و مؤمن شدن طبق آیه غیر اختیاری است؟

ج باسمه تعالی; اجمال معنی آیه ولو به قرینه ی قبل از آن، این است که ایمان به خدا از روی اختیار، امری است که تحقق آن

احتیاج به سبب خاص دارد و آن سبب، مؤثر نیست مگر به اذن الهی. تفصیل بحث را در محل دیگر ملاحظه کنید.

س۱۵۷۲ اگر ولایت معصومین(علیهم السلام) از اصول دین می باشد پس در احادیث، نماز عمود دین معرفی شده در حالی که عمود کل اعمال مکلفین ولایت معصومین(علیه السلام)است نه نماز؟

ج باسمه تعالی; تنافی در بین نیست، چه منافاتی دارد نماز نیز عمود دین باشد.

س۱۵۷۳ برای شخصی ختنه شدن میسور نیست وظیفه آن نسبت تکالیف شرعی مثل حج، ازدواج چیست؟

ج باسمه تعالی; اگر قدرت ندارد و یا میسور نیست; مانع تکالیف شرعی نمی باشد.

س۱۵۷۴ خوردن خاک تربت چهارده معصوم غیر از سیدالشهدا چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; چنانچه در غذا و آب ریخته و مستهلک شود; اشکال ندارد.

س۱۵۷۵ در مورد ناد علیاً مظهر العجائب و ۱۴ هزار و ۸۰ هزار صلوات برای برآمدن حاجات از معصوم روایتی وجود دارد؟

ج باسمه تعالی; چنین منقول است.

س۱۵۷۶ آیا اقرار به ولایت بر مؤمن واجب است؟

ج باسمه تعالی; چیزی زاید بر اعتقاد به امامت ائمه اثناعشر(علیه السلام) واجب نیست.

س۱۵۷۷ غذا خوردن در منزل کسی که تارک الصلاه و اهل خمس نیست چه حکمی دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد.

س۱۵۷۸ آیا ریا که در عبادت حرام است; در غیر عبادات هم حرام است؟

ج باسمه تعالی; ریاء حرام، مختص به عبادات است.

س۱۵۷۹ دقت زیاد در غیر عبادت که (صورت وسواس پیدا کند حرام می شود و تابع شیطان است) علاج آن چیست؟

ج باسمه تعالی; حرمت معلوم نیست; ولی کار درستی نیست و علاج آن بی اعتنائی است.

س۱۵۸۰ خال کوبی بدن چه حکمی دارد؟

ج

باسمه تعالی; خال کوبی روی بدن، به غیر از آیه قرآن اشکال ندارد و چنانچه بعد از خال کوبی روی پوست بدن چیزی مانع از رسیدن آب به پوست بدن شود باید برای وضوء یا غسل آن را محو کرد وگرنه اشکال ندارد.

س۱۵۸۱ طلابی که شاغل هستند از شهریه استفاده کنند یا خیر؟

ج باسمه تعالی; بلی. می توانند در صورتی که درس می خوانند و یا تبلیغ می کنند می توانند از شهریه استفاده کنند.

س۱۵۸۲ در بعضی از دهات اماکن مخروبه ای به نام امامزاده مشهور و معروف است اما آثاری از قبر و نام و نشانی مشهود نیست آیا احیاء و تجدید بنای چنین اماکن به عنوان امامزاده اصیل جایز است یا نه؟

ج باسمه تعالی; با عدم علم و عدم دلیل، به عنوان امام زاده اصیل جایز نیست ولی به عنوان احتمال مانعی ندارد; بلکه خوب است.

س۱۵۸۳ مراد از تجسس که شرعاً حرام است چیست؟

ج باسمه تعالی; مراد، تفحص از اسرار مردم است; یعنی کاری که در خفا می کنند و آن کار موجب نقص شرعی یا عرفی است.

س۱۵۸۴ خواندن شعر در روز یا شب جمعه چه صورت دارد؟

ج باسمه تعالی; اشکال ندارد. آنچه در روایت وارد شده، مراد شعر مصطلح نیست بلکه مراد، کلام شعری است.

س۱۵۸۵ فرق بین فعل غضب و مقت چیست بیان فرمایید؟

ج باسمه تعالی; اگر غضب به خدا نسبت داده شود مراد عقاب است و اگر به خلق باشد; مراد جوشش خون انتقام است و اما مقت عبارت است از بغض و نفرت قوی.

س۱۵۸۶ آیا اغماض از رحمی که در مقابل خوبی و احسان، بدی

و ظلم روا دارد مستحسن است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ بلی، همان گونه که ائمه طاهرین(علیه السلام) عمل می کردند.

س۱۵۸۷ آیا عشق ورزیدن به خدا حرام است؟ (مراد محبت به خداست).

ج باسمه تعالی؛ ولو در روایت تعبیر به عشق به خدا نیست؛ ولی دلیلی بر حرمت نیست.

س۱۵۸۸ خلقت انسان چگونه بوده و چه طور به وجود آمده است؟

ج باسمه تعالی؛ خلقت انسان فعلی به نحوی که ظاهر قرآن کریم بیان کرده؛ از گل بوده است و هیکل آدم از آن ریخته شده و بعد خداوند به آن روح دمیده است و این مطلب به بحث مفصل محتاج است.

س۱۵۸۹ با توجه به این که بنده طلبه هستم و مشغول تحصیل می باشم؛ اگر بخواهم معمم شوم رضایت والدینم شرط است یا خیر؟

ج باسمه تعالی؛ سعی کنید بدون رضایت آن ها معمم نشوید چون اذیت آن ها حرام است.

س۱۵۹۰ عرف در اصطلاح فقهاء به چه معنی می باشد؟

ج باسمه تعالی؛ مراد از عرف معنایی است که در بین اهل لسان رایج است مثلا غناء که حرام است مراد از آن چیزی است که در بین اهل لسان به آن غنا می گویند؛ یعنی صوت لهوی آوازی که مناسب با رقص و آواز و آلات لهو است.

س۱۵۹۱ کسی که معلول جسمی است آیا طهارت چرخ و زیرانداز وی برای نماز شرط است یا نه؟

ج باسمه تعالی؛ لازم نیست.

س۱۵۹۲ اول نامه ها (باسمه تعالی) نوشته می شود آیا حکم نام خداوند را دارد و آیا می توان بدون طهارت به آن دست زد؟

ج باسمه تعالی؛ حکم نام خدا را ندارد و دست

زدن به آن بدون طهارت حرام نیست.

احکام تقلید

مسئله ۱ بر هر مکلفی که مجتهد نباشد واجب است در احکام دین تقلید کند یا عمل به احتیاط نماید.

مسئله ۲ عمل شخص عامی بدون تقلید و احتیاط باطل است مگر آنکه با واقع یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند مطابق باشد، و اگر عبادت است با قصد قربت هم به جا آورده باشد.

مسئله ۳ تقلید در احکام عمل کردن به دستور مجتهد است.

مسئله ۴ تقلید میّت جایز نیست اگر مجتهدی که از او تقلید می کند از دنیا برود باید از مجتهد زنده تقلید کند.

مسئله ۵ باید از مجتهد اعلم تقلید نمود.

مسئله ۶ مجتهد اعلم کسی است که در به دست آوردن حکم شرعی از قواعد و مدارک آن از سایرمجتهدین استادتر باشد.

مسئله ۷ اجتهاد مجتهد و اعلم بودن او را از سه راه می شود به دست آورد:

اول آنکه خود مقلد علم پیدا کند مثل اینکه خودش از اهل خبره باشد و بتواند اجتهاد و اعلمیت را تشخیص دهد.

دوم از شهادت یک نفر موثق از اهل خبره که بتواند اعلم بودن و اجتهاد را تشخیص دهد مگر آنکه یک نفر ثقه دیگر از اهل خبره بگوید دیگری اعلم است.

سوم از راه شیاع و شهرتی که علم یا اطمینان به آن حاصل گردد.

مسئله ۸ مجتهدی که از او تقلید می شود باید دارای این چند شرط باشد: اول – بالغ باشد. دوم – عاقل باشد. سوم – شیعه اثنی عشری باشد. چهارم – عادل باشد. پنجم – مرد باشد. ششم – ولدالزنا نباشد. هفتم – اعلم باشد. هشتم – زنده باشد.

احکام آبها

مسئله ۹ آب بر دو قسم است:

مطلق و مضاف. آب مضاف آبی است که به واسطه ممزوج شدن چیز دیگر به آن، آن را آب نگویند. و یا از چیزی مثل سیب و انار به فشردن بگیرند. آب مطلق آبی است که این طور نباشد و عرف بگویند آب است و آن بر چند قسم است:

۱ آب کر

۲ آب قلیل

۳ آب باران

۴ آب چاه

۵ آب جاری

مسئله ۱۰ آب کر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه وجب است بریزند آن ظرف پُر شود به عبارت دیگر مساحت آن بیست و هفت وجب باشد و وزن آن از صدو بیست و هشت من تبریز بیست مثقال کمتر که تقریباً ۳۷۷ کیلو گرم باشد.

مسئله ۱۱ آب مطلق اگر کر یا جاری باشد نجس نمی شود، مگر آنکه به سبب ملاقات با نجاست رنگ یا بو یا مزه آن تغییر کند به رنگ یا بو یا مزه نجس نه متنجس.

مسئله ۱۲ آبی که از شیر یا دوش متصل به کر بیرون می آید در حکم کر است که به ملاقات با نجس، نجس نمی شود مگر به تغییر یکی از اوصاف سه گانه که در مسئله قبل ذکر شد.

مسئله ۱۳ آبی که به اندازه کر بوده، اگر انسان شک کند که از کر کمتر شده یا نه محکوم به کر بودن است و آبی که کمتر از کر بوده اگر انسان شک کند که به مقدار کر شده یا نه محکوم است به کر نبودن.

مسئله ۱۴ آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد.

مسئله ۱۵

اگر آب قلیل ملاقات با نجس کند نجس می شود مگر آنکه از بالاـ روی نجس ریخته شود که در این صورت مقداری که ملاقات با نجس می کند نجس است و بالاتر از آن پاک است.

مسئله ۱۶ آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد مثل آب قنات و چشمه.

مسئله ۱۷ آب جاری به ملاقات با نجاست نجس نمی شود هر چند کمتر از کر باشد مگر آنکه بو یا رنگ یا مزه آن به بو یا رنگ یا مزه نجاست تغییر کند.

مسئله ۱۸ آب باران در موقع باریدن حکم آب جاری را دارد.

مسئله ۱۹ لباس و فرش که نجس شده و عین نجاست در آن نباشد اگر باران بر آن ببارد به مقداری که به همه آن برسد پاک می شود و فشار دادن لازم نیست و اگر باران به قسمتی از آن برسد به قسمتی نرسد آن قسمت که باران به آن رسیده پاک است.

مسئله ۲۰ زمینی که نجس شده به محض رسیدن باران از آسمان بر آن تا مقداری که باران در آن نفوذ کرده پاک می شود به شرط آنکه عین نجاست در آن نباشد.

مسئله ۲۱ هرگاه آب باران در جایی جمع شود اگر چه کمتر از کر باشد موقعی که باران می بارد چیز نجس را اگر در آن بشویند و آب بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد آن چیز نجس پاک می شود.

مسئله ۲۲ آب چاه که از زمین می جوشد حکم آب جاری را دارد که به ملاقات با نجس، نجس نمی شود مگر آنکه رنگ یا بو یا مزه آن به

نجاست تغییر پیدا کند و تا جوشش دارد اگر تغییر آن به خودی خود برطرف شود پاک می شود به شرط امتزاج با آنچه به جوشش بیرون آمده و متغیر نشده و حاجتی به کشیدن مقداری از آب آن نیست.

مسئله ۲۳ آب مضاف که با نجاست ملاقات نکرده پاک است ولی نجس را پاک نمی کند هرچند کثیر یا جاری باشد و وضوء، و غسل هم با آن باطل است.

مسئله ۲۴ آب مضاف مثل آب قلیل به محض ملاقات با نجس، نجس می شود هرچند کثیر باشد یا جاری مگر آنکه از بالا به پایین جاری باشد که در این صورت بالا نجس نمی شود به واسطه ملاقات پایین با نجس و همچنین اگر از محلی به قوت بالا رود مثل فوّاره که پایین آن به سبب ملاقات بالا با نجس، نجس نمی شود.

مسئله ۲۵ آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف و حالت سابقه آن هم معلوم نیست نجاست را پاک نمی کند و وضوء و غسل هم با آن باطل است و اگر نجاست به آن برسد حکم به نجس بودن آن می شود ولو به اندازه کر یا بیشتر باشد و اگر حالت سابقه آن معلوم باشد محکوم به حکم سابق است.

مسئله ۲۶ آبی که به سبب ملاقات با نجاست رنگ یا بو یا مزه آن عوض شده باشد هرگاه به حال خود برگردد پاک نمی شود، مگر آنکه آن آب جاری باشد، یا از زمین بجوشد، و یا متصل به آب باران باشد در حال باریدن، و یا باران در آن ببارد، و یا متصل باشد به آب کر طاهر

که در این پنج صورت همین که تغییرش برطرف شد و به حال اول برگشت و با آب پاکی که به آن متصل است ممزوج گشت پاک می شود.

مسئله ۲۷ آب غیر جاری مثل آب حوض که به مقدار کر نباشد و با نجس ملاقات کند نجس می شود و با اتصال به کر یا جاری به شرط امتزاج پاک می گردد همچنین اگر باران از آسمان یا از سوراخ سقفی بر آن ببارد و آن آب با آب باران در حال باریدن ممزوج شود پاک می شود.

و شرط امتزاج که در مسائل مذکوره گفته شد بنا بر احتیاط لازم است و بعضی از علماء مجرد اتصال را کافی می دانند.

مسئله ۲۸ آبی که نجس بودن آن معلوم نیست محکوم به پاک بودن است مگر آنکه معلوم باشد که سابق نجس بوده که در این صورت محکوم به نجاست است تا وقتی که علم به تطهیر آن حاصل شود.

مسئله ۲۹ آشامیدن آب نجس حرام است مگر در حال ضرورت و همچنین است هر چیز نجسی.

اقسام نجاسات

مسئله ۳۰ نجاسات یازده چیز است: اول و دوم بول و غایط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد. اصلی باشد مثل درندگان یا عارضی مانند حیوان نجاست خوار، و حیوانی که انسان آن را وطی کرده باشد و گوسفندی که شیر خنزیر خورده تا گوشت در آن روییده باشد و استخوانش محکم شده باشد، و اما فضله پرندگان حرام گوشت بنا بر اقوی پاک است و بهتر اجتناب از آن است خصوصاً از بول و فضله خفاش.

مسئله ۳۱ سوم منی هر حیوانی که خون جهنده دارد.

مسئله

۳۲ چهارم مردار هر انسان و حیوانی است که خون جهنده دارد خودش مرده باشد یا به غیر دستور شرعی ذبح شده باشد مگر اجزایی که روح در آنها حلول نمی کند مثل پشم وکرک و مو و پر و دندان و استخوان که نجس نیستند و لازم است تطهیر هر کدام از آنها که با رطوبت میته ملاقات کرده باشد.

مسئله ۱۳۳اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد در حالی که زنده است گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند نجس است.

مسئله ۱۳۴اگر پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر بدن را بکنند پاک است.

مسئله ۳۵ خرید و فروش مردار و چرم و پیه و گوشت آن جایز نیست.

مسئله ۳۶ پنجم خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده داشته باشد.

مسئله ۳۷ حیوان حلال گوشت که به طور شرعی ذبح شده و به مقدار متعارف خون آن خارج شده خون باقیمانده در بدنش پاک است ولی اگر به سبب آنکه سر حیوان در بلندی بوده یا به سبب نفس کشیدن حیوان خون خارج شده به بدن حیوان برگردد آن خون نجس است.

مسئله ۱۳۸اگر خونی در بدن یا لباس یا چیز دیگر ببیند و شک داشته باشد که آن خون از حیوان است یا نه یا آنکه شک داشته باشد که از حیوانی است که خون جهنده دارد یا از غیر آن، آن خون پاک اند.

مسئله ۳۹ ششم و هفتم سگ و خوک صحرایی است که حتی مو و استخوان و همه اجزاء آنها نجس است، ولی سگ و خوک دریایی پاک اند.

مسئله ۴۰ هشتم از نجاسات کافر

است، و مشهور بین فقهاء آن است که فرقی بین اهل کتاب و غیر آنها نیست.

ولکن اظهر به حسب روایات آن است که اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس پاکند.

و اما منکر ضروری دین اظهر طهارت او است و همچنین مجسمه و مجبره و امثالهم.

مسئله ۴۱ کسی که دشمن یکی از چهارده معصوم(ع) باشد یا ناسزا به یکی از آنها بگوید نجس است هر چند اظهار مسلمانی کند.

مسئله ۴۲ نهم از نجاسات شراب است بلکه هر مست کننده ای که به خودی خود روان باشد نجس است.

مسئله ۴۳ اگر انگور و آب انگور به خودی خود جوش بیاید حرام و نجس است و اگر به واسطه پختن جوش بیاید خوردن آن حرام است ولی نجس نیست.

مسئله ۴۴ خرما و مویز و کشمش و آب آنها به جوش آمدن نجس نمی شوند و خوردن آنها حلال است.

مسئله ۴۵ دهم از نجاسات فقّاع است که آن را آبجو می گویند و مسکر و حرام است و در اخبار تأکید در اجتناب از آن شده.

مسئله ۴۶ ماءالشعیری که اطباء آن را به جهت معالجه دستور می دهند فقّاع نیست و پاک و حلال است.

مسئله ۴۷ یازدهم از نجاسات عرق شتر نجاست خوار است.

بلکه بنا بر احتیاط واجب باید از عرق هر حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده اجتناب کرد.

مسئله ۴۸ عرق جنب از حرام پاک است، ولی نماز خواندن در آن مکروه است چه در موقع جماع بیرون آید و چه بعد از آن و چه از زن باشد و چه از مرد و چه از زنا جنابت حاصل شده باشد یا

از لواط یا با وطی حیوانات و یا به واسطه استمناء یا جماع با حلیله. خود در حال حیض ولی اگر در روز روزه واجب معین مثل ماه رمضان با زن خود جماع کند با عرق خود مکروه نیست نماز بخواند.

مسئله ۱۴۹ اگر انسان اول با حلال خود نزدیکی کند بعد از حرام جنب شود نماز با عرق خود خواندن مکروه نیست.

و همچنین اگر محتلم شود بعد حرام مرتکب شود.

مسئله ۱۵۰ اگر انسان از حرام جنب شود بعد با حلال خود نزدیکی کند با عرق خود مکروه است نماز بخواند.

مسائل مربوط به نجاسات

مسئله ۵۱ نجس بودن یا نجس شدن چیزی ثابت می شود به چند چیز:

اول - علم پیدا کردن شخص به نجاست.

دوم - آنکه خبر بدهد به نجاست آن کسی که آن چیز در دست او است.

سوم - به شهادت یک مرد عادل بلکه ثقه.

مسئله ۵۲ وسواسی در ثابت شدن نجاست باید رجوع به متعارف کند و به علمی که برایش حاصل می شود نباید حکم به نجاست کند، و در طهارت هم لازم نیست علم به طهارت چیزی پیدا کند که سابق نجاست آن را می دانسته بلکه باید رجوع به متعارف کند هر چند علم برایش حاصل نشود.

مسئله ۵۳ واجب است ازاله نجاست از مسجد و تأخیر در آن جایز نیست و نجس کردن مسجد حرام است.

مسئله ۵۴ مشاهد مشرفه حکم مسجد را دارد که نجس کردن آنها حرام و تطهیر آنها واجب است در صورتی که نجس کردن موجب اهانت شود.

مسئله ۵۵ نجس کردن ورق و خط قرآن مجید بلکه جلد آن جایز نیست در صورتی که بی احترامی به

قرآن باشد و هر یک از آنها نجس شود تطهیر آن واجب است.

مسئله ۵۶ اگر تربتی که از قبر حضرت سید الشهداء(ع) یا از قبر مطهر حضرت رسول(ص) یا سایر ائمه(ع) برداشه شده باشد نجس شود واجب است آن را تطهیر نمایند. در صورتی که تطهیر نکردن بی احترامی به آن باشد.

مسئله ۵۷ اگر شخص چیزی را که می خواهد بخورد نجس شده باشد باید آن را تطهیر نماید و همچنین ظرف غذا را اگر طوری باشد که غذا را نجس نماید.

مطهرات چند چیز است

مسئله ۵۸ اول آب و آن پاک کننده هر چیز است که نجس شده باشد غیر از مایعات با شرایطی که ذکر می شود و اگر آب نجس شود به اتصال پیدا کردن با آب کر یا پاک جاری می شود، و همچنین اگر باران در آن ببارد، و بنابر احتیاط واجب معتبر است در هر سه قسم اختلاط و امتزاج حاصل شود. و غیر از آب مایعات دیگر به آب پاک نمی شود، مگر آنکه در آب کر یا جاری مستهلک و نابود شود.

مسئله ۵۹ در تطهیر به آب چند چیز شرط است:

اول - پاک باشد.

دوم - مطلق باشد و به رسیدن به محل نجس مضاف نشود.

سوم - عین نجاست حتی اجزاء ریزه و کوچک آن از محل برطرف شود، بلی برطرف شدن رنگ یا بو یا طعم لازم نیست.

چهارم - آنکه در بین استعمال رنگ یا بو یا مزه آن تغییر پیدا نکند به نجاست.

مسئله ۶۰ اگر لباس یا بدن یا چیز دیگر غیر از ظروف به بول نجس شده باشد. در تطهیر به آب قلیل باید

آن را دو مرتبه آب بکشند، مگر از بول پسر شیرخوار که هنوز غذاخور نشده باشد و شیردهنده آن مسلمان باشد که در این صورت یک مرتبه آب بر آن بریزند بس است. و در تطهیر به آب کر یا جاری یک مرتبه شستن کافی است.

مسئله ۶۱ ظرف نجس را با آب قلیل بنا بر احتیاط سه مرتبه بشویند و در کر و جاری یک مرتبه کفایت می کند ولی ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن آب یا چیز روان دیگر خورده اول باید با خاک با ریختن مقداری آب خاک مال کرد بعد یک مرتبه در کر یا جاری یا سه مرتبه بنا بر احتیاط با آب قلیل شست، و ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته بنا بر احتیاط لازم باید پیش از شستن خاک مال کرد به همان نحو که بیان شد.

مسئله ۶۲ در پاک شدن به آب قلیل شرط است جدا شدن غساله از محل نجس به طور متعارف: پس در مثل بدن و چیزهایی که آب در آن فرو نمی رود کفایت می کند ریختن آب بر آن و جدا شدن بیشتر آب از محل نجس: و مثل لباس و فرش که آب در آن فرو می رود باید آب بر آن بریزند و آن را فشار دهند و یا کاری مانند آن از مالیدن و لگد کردن انجام دهند.

مسئله ۶۳ دوم از مطهرات زمین است، و آن پاک می کند کف پا و ته کفش را به راه رفتن بر روی آن، یا مالیدن پا بر زمین.

به شرط آنکه زمینی که بر روی آن راه

می رود یا پا بر آن می مالد پاک و خشک باشد.

و شرط دیگر آنکه نجاست در پا یا کفش حاصل شده باشد از راه رفتن بر زمین نجس، و اما آنچه حاصل شود از نجاست خارج باید تطهیر شود با آب.

و فرق نیست در زمین بین آنکه خاک باشد یا سنگ یا ریگ یا سنگ فرش و آجرفرش بلی با راه رفتن روی آسفالت و چوبی که زمین به آن فرش شده باشد کف پا و ته کفش پاک نمی شود.

مسئله ۶۴ بهتر آن است که احتیاطاً برای پاک شدن کف پا و ته کفش پانزده قدم بر روی زمین راه برود، ولی کمتر از این مقدار هم کفایت می کند در صورتی که صدق راه رفتن بر زمین و یا بر زمین مالیدن بنماید.

مسئله ۶۵ سوم از مطهرات آفتاب است که زمین و چیزهای دیگر را که منقول نیستند پاک می کند مثل بنا و دیوار و هر چه به آنها متصل است از در و چوب و میخ و گچ یا چیزی را که به ساختمان مالیده باشند و ظرفهایی که در بنا یا در زمین قرار داده باشند و همچنین درخت و نباتات که قطع نشده و به زمین متصل هستند.

مسئله ۶۶ در تطهیر به آفتاب چند شرط باید رعایت شود:

اول – آنکه محل نجس باید دارای تری و رطوبت سرایت کننده باشد تا آفتاب آن تری را خشک کند.

دوم – آنکه اگر در آن عین نجاست غیر از رطوبت باشد باید قبل از تابیدن آفتاب آن را برطرف نمایند.

سوم – آن چیز به واسطه تابیدن

آفتاب بر آن خشک شود.

چهارم – آفتاب در موقع تابیدن در زیر ابر یا مانع دیگری نباشد.

پنجم – آفتاب به خود چیزی که نجس شده بتابد پس اگر مانعی بر آن باشد باید برطرف نمایند؛ و اگر از پشت شیشه بر محلّ نجس بتابد در پاک شدن آن اشکال است، و همچنین در منعکس شدن نور در وقت تابیدن به شیشه.

مسئله ۶۷ آفتاب باطن چیز نجس را هم پاک می نماید، ولی به سه شرط:

اول – آنکه باطن و درون آن چیز نچس به ظاهر و برونش متصل باشد.

دوم – در آن رطوبتی باشد که آفتاب آن را بخشکاند.

سوم – آفتاب باطن و ظاهر را در یک زمان بخشکاند.

مسئله ۶۸ چهارم از مطهرات استحاله یعنی مبدل شدن حقیقت چیزی به حقیقت چیز دیگر است مثلاً اگر عذره خاک شود، یا چوب خاکستر شود؛ یا بول یا آب نجس بخار شود استحاله حاصل شده؛ و استحاله پاک می کند عین نجاست و هر چیزی که نجس شده باشد.

مسئله ۶۹ عین نجس یا متنجس که بخار می شود اگر بعد از بالا رفتن مبدل به عرق و آب شود لازم نیست اجتناب از آن آب و عرق مگر آنکه بر خود آن عنوان نجس صدق کند مثل عرق خمر که مسکر است.

مسئله ۷۰ عرق حمام که معلوم نیست از آب نجس است محکوم به طهارت است. بلکه عرق معلوم از آب نجس هم پاک است.

مسئله ۷۱ هر گاه اوصاف نجس یا چیزی که نجس شده عوض شود استحاله نیست مثلا اگر گندم نجس آرد شود یا خمیر گردد یا نان شود پاک نمی شود و

یا شیر نجس را پنیر نمایند پاک نمی گردد.

مسئله ۷۲ پنجم از مطهرات انقلاب است مثل آنکه شراب سرکه شود چه به خودی خود سرکه شود یا به علاج مثل آنکه کمی نمک یا سرکه در آن بریزند تا سرکه شود.

مسئله ۷۳ آب انگوری که به آتش جوش آمده پاک است ولی حرام و اگر آنقدر بجوشد که دوثلث آن کم شود به آتش حلال می شود و اگر به آفتاب یا به خودی خود یا به هوا جوش آید حلال نمی شود، مگر اینکه سرکه شود.

مسئله ۷۴ خوردن کشمش و مویز و خرما که در بعض غذاها مثل پلو و آش می گذارند جایز است هرچند به جوش بیاید.

مسئله ۷۵ آب کشمش و خرما به جوش آمدن نجس نمی شود و حرام نیست بنا بر اقوی.

مسئله ۷۶ هفتم از مطهرات انتقال است مثلاً اگر خون انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد منتقل شود به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد; به طوری که خون آن حیوان حساب شود پاک می شود.

مسئله ۷۷ هشتم از مطهرات اسلام است که پاک می کند بدن کافر و آب دهان و بینی و عرق و چرکی که در بدن او است.

مسئله ۷۸ همین که شخص کافر شهادتین را بگوید: یعنی اشهد ان لااله الاالله و اشهد ان محمداً رسول الله(ع) کافی است در حکم نمودن به مسلمانی او: مگر اینکه ضد این شهادت را هم بگوید. و مرتد ملی و فطری در صورتی که توبه کنند بدن آنها پاک می شود بنا بر اقوی و عبادات آنها نیز قبول می شود.

مسئله ۷۹ نهم از مطهرات تبعیت است

یعنی پاک می شود بعض چیزهای نجس به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر مثل آب دهان و بینی و عرق و چرک بدن کافر غیر کتابی که وقتی مسلمان شود پاک می شود.

و فرزند صغیر کافری که یکی از ابوین او یا هر دو اسلام آورده باشند بالتبع پاک می شود.

و ظرف شراب که به تبع سرکه شدن آن پاک می شود.

مسئله ۸۰ دهم از مطهرات از بین رفتن عین نجاست است از بدن حیوان نه انسان چه به خودی خود از بدن برود یا به سببی زائل شود پس منقار مرغ و دهان گربه اگر آلوده به نجاست شود به واسطه از بین رفتن عین آن و خشکیدن رطوبت آن پاک می شود.

و همچنین پاک می شود به واسطه برطرف شدن عین نجس از باطن انسان بنا بر قول به نجاست آن مثل باطن دهان و بینی و گوش پس اگر دوا یا غذای نجس بخورد همین که آن را از دهان فرو برد دهان پاک می شود و حاجت به شستن دندان و دهان نیست مگر اینکه دندان مصنوعی باشد و آن دوا یا غذا به آن رسیده باشد که باید آن را تطهیر نمایند.

و همچنین حاجت به شستن دهان نیست اگر در بُن دندان و ریشه آن یا جای دیگر از دهان خونی پیدا شود و برطرف شود.

مسئله ۸۱ یازدهم از مطهرات استبراء حیوان نجاست خوار است یعنی جلوگیری حیوان حلال گوشتی که عادت به نجاست خوردن کرده به واسطه دادن علف پاک به آن به قدری که دیگر او را حیوان نجاست خوار نگویند بلکه او

را علف خوار بگویند.

و بایـد شتر را چهـل روز و گـاو را سـی روز و گوسـفند را ده روز و مرغابی را پنـج روز و مرغ خانگی را سه روز منع کننـد از خوردن نجاست و در حیوانات دیگر زوال اسم کافی است.

مسئله ۸۲ دوازدهم سنگ استنجا است به شرحی که ذکر می شود.

مسئله ۸۳ سیزدهم بیرون آمـدن خون است به مقـدار متعارف از حیوانی که آن را ذبـح نموده انـد که بیرون آمـدن این مقدار خون پاک کننده بقیه خونی است که در اجزاء و اعضای حلال حیوان ذبح شده باقی می ماند.

مسئله ۸۴ چهاردهم غایب شدن مسلمان است چنانچه احتمال دهد آن مسلمان آن چیز را تطهیر نموده است.

احکام ظرفها

مسئله ۸۵ جـائز نیست اسـتعمال ظرفی که از پوست نجس العین مثـل سـگ و خوک و پوست مردار سـاخته شـده در خوردن و آشامیدن در صورتی که ظرف یا غذا رطوبت داشته باشد، و نباید آن ظرف را در وضوء و غسل استعمال کنند.

مسئله ۸۶ حرام است از ظرف طلا یا نقره خوردن و آشامیـدن بلکه حرام است هرگونه انتفاعی مثل آنکه آن را زینت اتاق قرار دهند و بلکه نگهداری آنها جایز نیست.

احکام تخلی

مسئله ۸۷ در حالی تخلی بلکه در هر حال واجب است پوشانیدن عورت از شـخص نگاه کننده محترم حتّی پدر و مادر و اولاد، بلکه واجب است پوشانیدن آن از دیوانه و طفل ممیز، و حرام است بر هر مکلفی نظر نمودن به عورت دیگران در هر حال مگر زن و شـوهر کـه نظر کردن آنهـا بـه عـورت یکـدیگر جـایز است و کنیز مملـو که هم حکم زوجه را دارد، و از طفـل غیر ممیز پوشانیدن عورت لازم نیست.

مسئله ۸۸ حرام است در حال تخلی رو به قبله یا پشت به قبله باشـد هرچنـد عورت خود را از قبله بگرداند و هرگاه بدنش رو به قبله یا پشت به قبله نباشد عورت خود را نیز نمی تواند رو به قبله نماید ولی پشت به قبله مانعی ندارد.

مسئله ۸۹ واجب است مخرج بول را دومرتبه بـا آب قلیـل بشوینـد و افضل سه مرتبه شسـتن است و در کُر و جاری اگر بعـد از برطرف شدن بول یک مرتبه بشویند کافی است و تطهیر آن به غیر آب کفایت نمی کند.

مسئله ۹۰ مخرج غایط را به دو جور می شود تطهیر کرد:

اول

با سنگ یا کلوخ یا پارچه و امثال آنها که پاک کننده محل باشند غیر از استخوان و سرگین، و شرط است در تطهیر به آنها اینکه پاک باشند و رطوبت سرایت کننده نداشته باشند، و باید کمتر از سه مرتبه نباشد هرچند به یک مرتبه یا دومرتبه عین نجاست از محل برود و اگر با سه دفعه برطرف نشد باید بر عدد سنگ یا کلوخ یا کهنه آنقدر علاوه نماید که محل به خوبی نظیف شود ولی باقی بودن ذرات کوچک نجاست که پیدا نیستند ضرر ندارد.

دوم با آب.

مسئله ۹۱ چنانچه غایط اطراف مخرج را به طور غیر متعارف آلوده کرده باشد باید آن را با آب تطهیر نمود و باید نجاستی هم از خارج به مخرج غایط نرسیده باشد یا خونی از او خارج نشده باشد که در این دو صورت هم باید با آب تطهیر نماید.

مسئله ۹۲ تطهیر مخرج با آب بهتر از سنگ و کلوخ و پارچه است و در شستن مخرج چند دفعه بودن شرط نیست بلکه باید به قدری آن را شست که اثری از نجاست باقی نماند حتّی ذرات کوچک هم برطرف شود.

استبراء

مسئله ۹۳ مستحب است بر مردها که پس از بول کردن استبراء نمایند و بهترین اقسام آن این است که پس از قطع شدن بول انگشت وسطی دست چپ را به مخرج غایط گذارد و سه مرتبه تا بیخ آلت بکشد و بعد انگشت سبابه را زیر آلت و انگشت ابهام را روی آن گذارده و سه مرتبه با قوّت تا سر آلت بکشد و پس از آن سر آلت را سه بار فشار دهد.

مسئله

۹۴ فایده استبراء این است که اگر رطوبتی بعد از آن خارج شود و شک داشته باشد که بول است یا رطوبت های دیگر غیر از منی است حکم به طهارت آن می شود. و وضویی هم که بعد از استبراء گرفته باطل نمی شود، و بر زن استبراء نیست.

موجبات وضوء و نواقض آن

مسئله ۹۵ موجبات وضوء چند چیز است:

اول و دوم – بول و غایط. سوم – باد معده و روده هرگاه از مخرج غایط خارج شود. چهارم – خواب به طوری که گوش نشود و چشم نبیند. پنجم – حیض. ششم – نفاس. هفتم – استحاضه. هشتم – جنابت.

و چیزهایی که عقل را از بین می برد مانند دیوانگی و مستی و بی هوشی بنا بر احتیاط واجب وضوء را باطل می کند و باید برای اعمال مشروط به وضوء، وضوء گرفته شود.

مسئله ۹۶ وضوء برای چند چیز لازم است:

اول برای نماز و قضای تشهد و سجده فراموش شده و امّا نماز میّت وضوء لازم ندارد.

مسئله ۹۷ واجب می شود وضوء گرفتن به نذر و عهد و قسم اگرچه غایتی غیر از با طهارت بودن در نظر نباشد.

مسئله ۹۸ برای مس اسماء ائمه اطهار و فاطمه زهرا(س) در صورت آنکه بدون وضوء اهانت باشد، وضوء واجب است.

مسئله ۹۹ برای طواف مستحب وضوء واجب نیست، هر چند بهتر است با وضوء باشد.

واجبات وضوء

مسئله ۱۰۰ واجب است در وضوء چند چیز:

اول – نیت و باید قصدش قربت باشد و وضوء را به سه نحو می توان انجام داد: ۱ وضوء به قصد استحباب نفسی. ۲ قصد کند یکی از غایات وضوء را مثل نماز یا

مس کتابت قرآن. ۳ قصد کند طهارت از حدث را.

دوم - شستن صورت از بالا به پایین به حسب طول از محل روییدن موی سر تا زیر چانه و به حسب عرض آنچه بین انگشت بزرگ شصت و انگشت وسط قرار گیرد و شستن پوست زیر ریش و شارب و ابرو واجب نیست بلکه واجب است فقط شستن ظاهر آنها به شرط آنکه مو محل را پُر نکرده باشد وگرنه باید آن مقدار از پوست که نمایان است بشوید.

سوم - شستن دست ها به این گونه اول دست راست را از آرنج تا سر انگشتان سپس دست چپ را به همین طریق بشوید.

چهارم - مسح جلو سر که بالای پیشانی است هرچند بر روی مو باشد به شرط آنکه از محل تجاوز نکرده باشد با تری کف دست و افضل آن است که سه انگشت خود را بر محل بگذارد و به مقدار یک انگشت به پایین بکشد و باید با دست راست سر را مسح کند.

پنجم - مسح پا از سر انگشتان تا مفصل را مسح کند، و مسح با یک انگشت کفایت می کند اگر چه احوط مسح با سه انگشت است و افضل مسح تمام روی پاها است، و باید پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند و می توان هر دو پا را با هم مسح نمود.

مسئله ۱۰۱ در شستن صورت و دست ها باید آب را بر آنها جاری سازد ولو به کمک دست و مسح آنها کافی نیست.

مسئله ۱۰۲ هرگاه از صورت یا دست ها چیزی هرچند به مقدار سر سوزنی

شسته نشود وضوء صحیح نسیت. پس باید رعایت کند که چیزی از مقدار واجب نشسته نماند.

مسئله ۱۰۳ اثر مسح در محل آن باید نمایان شود پس اگر محل مسح تر باشد به نحوی که تری دست در آن ظاهر نشود باید آن را خشک کند، و باید دست بر سر و روی پاها کشیده شود، و چنانچه سر یا روی پاها را به کف دست بکشد وضوء باطل است.

شرایط وضوء

مسئله ۱۰۴ شرایط وضوء چند چیز است:

اول و دوم - پاک و مطلق بودن آب وضوء.

سوم - پاک بودن محل شستن و مسح، بنا بر احتیاط و کفایت می کند تطهیر نمودن هر عضوی قبل از شستن یا مسح نمودن آن و نجس بودن جاهای دیگر بدن ضرر ندارد.

چهارم - آنکه مانعی از رسیدن آب به محل وضوء نباشد و اگر شک کند در بودن مانع باید جستجو کند تا اطمینان به نبودن آن حاصل نماید و چرک محل اگر جرم دار نباشد برطرف نمودنش واجب نیست.

پنجم - مباح بودن آب وضوء و ظرف آن در صورت انحصار و همچنین محل ریختن آب وضوء چنانچه در غیر آنجا نتواند وضوء بگیرد. پس اگر هر یک از اینها غصبی باشد وضوء باطل است بلکه با شک در رضایت مالک هم وضوء باطل است.

مسئله ۱۰۵ اخلال به هر یک از شرایط وضوء موجب بطلان است هرچند جاهل به حکم باشد.

مسئله ۱۰۶ وضوء از نهرهای بزرگ جایز است هرچند علم به رضایت مالکین نداشته باشد بلکه اگر مالک نهی کند وضوء صحیح است.

ششم - آنکه ظرف آب وضوء طلا یا نقره نباشد.

هفتم - آنکه آب وضوء آب استنجاء نباشد

اگر چه آب استنجاء پاک است.

هشتم - آنکه مانعی از استعمال آب مثل مرض یا خوف عطش نباشد والا باید تیمّم کند.

نهم - آنکه وقت برای وضوء و تمام اجزاء واجب نماز وسعت داشته باشد والا باید تیمّم کند.

دهم - آنکه خودش افعال وضوء را انجام دهد پس اگر دیگری در شستن و مسح کشیدن او را کمک کند وضوء باطل است.

یازدهم - ترتیب.

دوازدهم - موالات، یعنی پی درپی به جا آوردن افعال وضوء به طوری که وقت شروع به عضو بعدی اعضاء قبل خشک نشده باشد.

سیزدهم - آنکه نیّت او خالص باشد چنانچه گذشت پس اگر ریا ضمیمه آن شود هر چند در اثناء عمل باشد وضوء باطل است.

و بعید نیست که اگر در اثناء عمل قصد ریا کرد بطلان اختصاص به همان جزئی داشته باشد که از روی ریا به جا آورده است پس اگر از قصد ریا عدول کرد و قبل از فوت موالات آن جزء را اعاده نمود وضوء صحیح است.

مسئله ۱۰۷ اگر شک کند که وضوء او باطل شده است بنا می گذارد که باطل نشده است، و اگر شک کند که وضوء گرفته است یا نه باید وضوء بگیرد.

مسئله ۱۰۸ اگر بعد از وضوء یقین کرد که جزئی یا شرطی از وضوء را ترک کرده تا موالات فوت نشده برگردد و اجزاء بعد از آن را به جا آورد.

و اگر موالات فوت شده وضوء را از سر بگیرد.

مسئله ۱۰۹ هرگاه بعد از نماز شک کند که وضوء داشته یا نه بنا بر صحت نماز گذارد و برای نمازهای بعد وضوء بگیرد، مگر آنکه قبل از شک

یقین به وضوء داشته باشد و شک کند وضوء باطل شده یا نه که در این صورت وضوء لازم نیست و اگر در اثناء نماز شک کند نماز باطل است و باید وضوء بگیرد و نماز را از سر بخواند.

مسئله ۱۱۰ اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می ریزد یا نمی تواند از بیرون آمدن غایط خودداری کند چنانچه به مقدار اقل واجب از وضوء و نماز مهلت پیدا می کند که بول و غایط از او خارج نشود باید نماز را در آن موقع بخواند و اگر چنین مهلتی ندارد چنانچه در اثناء نماز وضوء گرفتن مشقت نداشته باشد باید آب را در کنار خود بگذارد و مشغول نماز شود و هر وقت حدث خارج شد وضوء بگیرد و باقیمانده نماز را از همانجا به جا آورد.

ولی احتیاط لازم این است که اگر وضوء در اثناء نماز مستلزم فعل کثیر شد پس از اتمام نماز آن را با یک وضوء اعاده کند.

و اگر حدث در اثناء به مقداری است که وضوء گرفتن برای هر دفعه حرجی است اکتفاء نماید به یک وضوء برای هر نماز.

احکام جبیره

مسئله ۱۱۱ چوب و پارچه ای که به آن زخم و دمل و شکسته را می بندند و دواهایی که روی زخم و دمل و مانند آن می گذارند جبیره می گویند.

مسئله ۱۱۲ چنانچه یکی از اعضای وضوء جبیره داشته باشد واجب است اطراف آن را بشوید و روی جبیره را اگر پاک است دست تر بکشد والّا پس از تطهیر دست تر بکشد و احتیاط لازم آن است که اگر ممکن است با

کشیدن دست بر روی جبیره آب را بر آن جاری سازد ولی قصد مسح و شستن ننماید و اگر تطهیر ممکن نشد پارچه پاکی بر روی آن گذارد و روی آن را مسح کند.

مسئله ۱۱۳ هرگاه رسیدن آب به زخم و شکستگی ضرر و مشقتی نداشته باشد باید مثل وقتی که اعضاء سالم است وضوء بگیرد و اگر جای مسح زخم باشد و مسح نمودن ممکن نباشد باید تیمّم نماید.

مسئله ۱۱۴ حکم جبیره در غسل و تیمّم مثل حکم جبیره است در وضوء.

مسئله ۱۱۵ غسل های واجب هفت است: ۱ غسل جنابت ۲ غسل حیض ۳ غسل نفاس ۴ غسل استحاضه ۵ غسل مس میّت ۶ غسل میّت ۷ غسلی که به نذر و عهد و قسم واجب می شود.

جنابت

مسئله ۱۱۶ به دو چیز انسان جنب می شود:

اول - جماع.

دوم - بیرون آمدن منی چه در حال خواب یا بیداری، کم یا زیاد، با اختیار یا به غیر اختیار، با شهوت باشد یا بدون شهوت.

مسئله ۱۱۷ اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا چیز دیگر چنانچه با شهوت و جستن خارج شود و پس از بیرون آمدن بدن سست گردد آن رطوبت حکم منی را دارد. و در شخص مریض فقط شهوت کافی است اگر چه جستن نداشته باشد.

مسئله ۱۱۸ بعد از بیرون آمدن منی بول کردن مستحب است و اگر پس از بول کردن غسل نمود و رطوبتی خارج شد که نمی داند منی است یا آب های دیگر غیر از بول حکم منی ندارد و غسل لازم نیست.

مسئله ۱۱۹ اگر پس از بیرون آمدن منی بول نکرده

غسل کند و پس از غسل رطوبتی از او خارج شود که مردد بین منی و غیر آن باشد آن رطوبت در حکم منی است و باید غسل جنابت کند.

و اگر پس از بول و غسل رطوبت مردّد بین بول و منی خارج شود چنانچه استبراء از بول ننموده باید وضوء بگیرد و غسل لازم نیست.

و اگر استبراء از بول نموده، چنانچه قبل از خروج رطوبت متطهر از دو حدث بوده واجب است بر او هم غسل کند و هم وضوء بگیرد و اگر محدث به حدث اصغر بوده واجب است فقط وضوء بگیرد.

چیزهایی که جنب باید برای آنها غسل کند

مسئله ۱۲۰ جنب برای چند چیز باید غسل کند:

اول – به جهت نمازهای واجب و مستحب و اجزاء فراموش شده نماز و نماز احتیاط، ولی برای نماز میّت و سجده تلاوت (آیه سجده) واجب نیست.

دوم – برای طواف واجب.

سوم – برای روزه ماه رمضان و قضای آن که اگر پیش از طلوع صبح جنب باشد واجب است غسل کند و اگر عمداً یا از روی فراموشی غسل نکرد روزه اش باطل است.

و در روزه های دیگر اگر به جنابت صبح کند باطل نمی شود اگر چه روزه واجب باشد، و بهتر آن است که احتیاطاً در روزه های واجب به جنابت تا صبح عمداً باقی نماند.

و اگر کسی در روز خود را جنب سازد روزه او باطل است اگر چه مستحبی باشد و اگر به غیر عمد در روز جنب شود روزه اش صحیح است اگر چه ماه رمضان باشد.

مسئله ۱۲۱ پنج چیز بر جنب حرام است:

اول – رساندن جایی از بدن به خط قرآن و اسماء خدا

به نحوی که در وضوء گذشت.

دوم - داخل شدن در مسجدالحرام و مسجد پیغمبر(ص) هرچند به نحو عبور باشد.

سوم - توقف در مساجد دیگر و دخول در آنها برای برداشتن چیزی از آنها ولی عبور جنب از مسجد که از دری وارد و از در دیگر خارج شود جایز است، و حرم های ائمه(ع) در حکم مساجد است در حکم مذکور بنا بر احتیاط لازم.

چهارم - داخل شدن در مسجد به قصد گذاردن چیزی در آن، بلکه گذاردن چیز در مسجد از خارج نیز بر جنب حرام است و همچنین در حال عبور از مسجد.

پنجم - خواندن سوره هایی که در آنها سجده واجب هست (الم تنزیل، حم سجده، والنجم، اقراءباسم) هرچند یک کلمه از آنها باشد.

مسئله ۱۲۲ لازم نیست در غسل قصد وجوب یا استحباب، بلکه اتیان به قصد قربت کافی است.

مسئله ۱۲۳ غسل را به دو قسم می توان به جا آورد، ترتیبی و ارتماسی.

مسئله ۱۲۴ در غسل ترتیبی واجب است، اول سر و گردن بعد هر کدام از طرف راست یا چپ را بشوید و بعد طرف دیگر را و لازم نیست اول طرف راست بدن بعد طرف چپ بدن را بشوید و اگر کسی عمداً یا از روی فراموشی به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است، ولی موالات و پی درپی به جا آوردن در غسل شرط نیست.

مسئله ۱۲۵ در غسل ارتماسی باید آب تمام بدن را در یک آن فرا گیرد پس اگر به نیت غسل ارتماسی زیر آب فرو رود پایش را باید از زمین بلند کند و در غسل ارتماسی باید موقعی نیّت کند که مقداری

از بدن بیرون آب باشد.

مسئله ۱۲۶ تمام اغسال را به دو قسم می توان به جا آورد مگر غسل میّت که باید ترتیبی به جا آورد. و طرف راست را مقدّم بر طرف چپ نمود.

مسئله ۱۲۷ در غسل جنابت وضوء واجب نیست بلکه بدعت و حرام است، و اظهر آن است که با هر غسلی غیر از غسل استحاضه می توان نماز خواند و سایر اعمال مشروط به طهارت را انجام داد.

مسئله ۱۲۸ هر عضوی باید قبل از غسل دادن پاک باشد، و باید یقین کند که آب به تمام بدن رسیده.

حیض

مسئله ۱۲۹ حیض خونی است که از رحم زن بعد از بلوغ و قبل از رسیدن به سن یأس و غالباً با کمی سوزش و فشار خارج می شود سیاه یا سرخ و غلیظ و گرم است.

مسئله ۱۳۰ زن به تمام شدن نه سال بالغ می شود و به تمام شدن شصت سال در قرشیه و پنجاه سال در غیر آن یائسه می شود، خونی که قبل از بلوغ و بعد از سن یأس ببیند حیض نیست.

مسئله ۱۳۱ اگر زن خونی ببیند که نداند حیض است یا خون بکارت، واجب است مقداری پنبه داخل نماید و کمی صبر کند پس آن را بیرون آورد چنانچه اطرافش را خون گرفته باشد از بکارت است و اگر خون در او فرو رفته باشد حیض است، کما اینکه اگر شک کند حیض است یا استحاضه اگر در ایام عادت باشد و یا آنکه دارای علائم حیض باشد باید آن خون را حیض قرار دهد.

مسئله ۱۳۲ مدّت حیض از سه روز متوالی کمتر و از ده روز

بیشتر نمی شود، و در مـابین سه روز و ده روز زن ها بر حسب عادت مختلفنـد، و در سه روز اول لازم نیست متوالی باشـد پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض است.

مسئله ۱۳۳ مـدّت پاک بودن زن از حیض کمتر از ده روز نمی شود و آن را یک طهر گوینـد و فاصـله میان دو حیض کمتر از یک طهر نیست پس اگر بعد از حیض سابق روز نهم و دهم خون ببیند آن خون حیض نیست و اگر بعد از ده روز دید محکوم به حیض است چنانچه شرایط آن موجود باشد.

مسئله ۱۳۴ زنی که شک دارد در بلوغ اگر خون ببینـد به صـفات حیض آن خون محکوم است به حیض بودن و همین علامت بلوغ است.

مسئله ۱۳۵ خون حیض با شیر دادن بچّه جمع می شود و منافات ندارد بلکه با حمل هم جمع می شود بنا بر اقوی.

مسئله ۱۳۶ خون حیض اگر با خون اسـتحاضه مشـتبه شد به صـفات و عادت شـناخته می شود، و اگر با خون قرحه مشـتبه شود چنانچه خون از سمت چپ خارج شود حیض است والّا حیض نیست.

مسئله ۱۳۷ خـونی کـه معلـوم شـود حیض اسـت، اگر در ده روز قطع شـود تمـام آن حیض است هرچنـد زائـد بر ایـام عـادت همیشـگی باشـد و اگر از ده روز تجاوز کنـد، صاحب عادت ایام عادت را حیض قرار می دهـد و باقی ایام را اسـتحاضه، و غیر صاحب عادت به صفات رجوع می کند، و اگر در صفات هم همه ایام مثل هم باشند رجوع

کنـد به عادت خویشان چنانچه عادت خویشان او هفت روز باشـد هفت روز را حیض قرار می دهد بقیه را اسـتحاضه و چنانچه عـادت خویشـان کمتر است مثلاًـ پنـج روز است در تفـاوت بین عـادت آنـان و هفت روز جمع بین تروک حـائض و کارهـای مستحاضه بنماید بنا بر احتیاط واجب و همچنین اگر عادت خویشان زیاده از هفت روز باشد. و اگر اهل ندارد، یا اهلش عادت ندارنـد مخیر است که در هر مـاه سه روز یـا شـش روز یـا هفت روز را حیض قرار دهـد، و اگر صاحب عادت بوده و فراموش کرده رجوع به اهـل نکنـد، بلکه به صـفات ایـام حیض را تشـخیص دهـد، و اگر در صـفات تفاوت نباشـد بنا بر احتیاط لزومی اختیار هفت روز بنماید.

مسئله ۱۳۸ عادت محقق می شود به اینکه زن در دو ماه پی درپی مثل هم خون ببینـد مثل اینکه هر دو ماه اول ماه خون ببیند و تا پنجم قطع شود پس این زن صاحب عادت وقتیه و عـددیه است و اگر هر دو ماه اول ماه ببیند لکن یک ماه پنجم قطع شود و یک ماه هفتم صاحب عادت وقتیه است نه عددیه و اگر هر دو ماه هفت روز ببیند لکن یک ماه اول ماه و یک ماه از دهم پس این زن صاحب عادت عددیه است نه وقتیه.

و صاحب عادت وقتیه و عددیه در مورد اشتباه شدن حیض با استحاضه از حیث وقت و عدد در هر دو رجوع به عادت خود می کند و صاحب عادت وقتیه فقط در وقت و عددیه در عدد تنها رجوع به عادت می

کند.

احکام حائض

و آن چند چیز است:

اول - حرام است بر حائض عبادت هایی که شرط صحت آنها طهارت است مثل نماز و روزه و طواف و اعتکاف.

دوم - حرام است بر او تمام کارهایی که بر جنب حرام است.

سوم - حرام است بر زوج و زوجه جماع کردن در قُبل حال حائض بودن زن اما سایر استمتاعات جایز است.

و جماع کردن در دبر هم جایز است، ولی کراهت شدید دارد.

چهارم - باطل است طلاق حائض به تفصیلی که در کتاب طلاق ذکر می شود.

پنجم - واجب است بر حائض بعد از انقطاع حیض غسل برای کارهایی که شرط آنها طهارت است.

ششم - واجب است بر زن حائض که قضا کند روزه ماه مبارک رمضان و روزه های واجب دیگر را که در حال حیض از او فوت شده و قضا دارد.

اما نمازهای روزانه که در حال حیض فوت شده قضای آنها واجب نیست.

مسئله ۱۳۹ اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود و به اندازه غسل و وضوء و مقدمات دیگر نماز و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر وقت باقی باشد واجب است نماز را بخواند.

و چنانچه نخواند واجب است آن را قضا کند.

کما اینکه اگر از اول وقت به مقدار خواندن نماز با اکتفاء به واجبات آن با تحصیل هر یک از شرایط آن به حسب حالش بگذرد و حائض شود و نماز نخوانده باشد باید آن را قضا کند بلکه لازم است اگر از اول وقت به مقدار نماز گذشت و حائض شد و نماز نخواند آن را قضا کند هرچند وقت به مقدار تحصیل شرایط دیگر

نداشته باشد.

مسئله ۱۴۰ جایز است جماع با زن پس از آنکه از حیض پاک شد هرچند غسل نکرده باشد.

احکام استحاضه

مسئله ۱۴۱ یکی از خون هایی که از زن ها خارج می شود خون استحاضه است و موجب غسل و وضوئ می گردد به تفصیلی که بیان خواهد شد.

مسئله ۱۴۲ خون استحاضه اگر از فرج خارج شود حکم آن باقی است تا وقتی که از داخل فرج نیز قطع شود و به کلی پاک گردد.

مسئله ۱۴۳ خون استحاضه بیشتر اوقات زردرنگ و سرد و رقیق است و بدون فشار و سوزش خارج می شود برخلاف خون حیض و گاهی ممکن است به صفت خون حیض باشد.

مسئله ۱۴۴ استحاضه بر سه قسم است: قلیله، متوسطه، کثیره.

مسئله ۱۴۵ اگر خون استحاضه پنبه ای را که زن در فرج می گذارد آلوده سازد و در آن فرو نرود استحاضه قلیله است و باید برای هر نماز چه واجب باشد و چه مستحب یک وضوء بگیرد و خارج فرج را اگر خون به آن رسیده تطهیر نماید.

و اگر خون در همه پنبه یا قسمتی از آن فرو رود ولی به پارچه که برای جلوگیری از خون می بندد نرسد استحاضه متوسطه است و در آن باید علاوه بر وظائف قلیله یک غسل نیز پیش از نماز صبح بنماید و برای هر نماز پنبه و پارچه را عوض کند یا آب بکشد.

و اگر خون از پنبه به پارچه برسد استحاضه کثیره است و باید آن پنبه و پارچه را عوض کند یا تطهیر نماید و خارج فرج را اگر خون به آن رسیده بشوید و یک غسل برای

نماز صبح و یک غسل دیگر برای نماز ظهر و عصر و غسل سومی برای نماز مغرب و عشاء بنماید به شرط آنکه بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء جمع نماید و اگر جمع بین آنها ننماید و هر یک را جداگانه و به فاصله بخواند باید برای هر نماز یک غسل به جا آورد مگر آنکه بین دو نماز خون ندیده باشد.

مسئله ۱۴۶ اگر بعد از نماز صبح استحاضه قلیله متوسطه شود باید برای نماز ظهر یک غسل به جا آورد، و اگر بعد از نماز ظهر متوسطه شود باید برای نماز عصر غسل کند، و اگر بعد از نماز عصر متوسطه شد باید برای نماز مغرب، و اگر بعد از مغرب متوسطه شد برای نماز عشاء باید غسل کند.

مسئله ۱۴۷ اگر پیش از طلوع صبح استحاضه قلیله متوسطه یا کثیره شود باید مقارن طلوع صبح یا بعد از طلوع غسل کند و نماز صبح را بدون فاصله بعد از غسل بخواند.

مسئله ۱۴۸ واجب است بر زنی که مستحاضه است امتحان نماید که استحاضه او از چه قسم است و امتحان آن به این است که پنبه را داخل فرج نموده کمی صبر کند و آن را بیرون آورد و ملاحظه کند که استحاضه او از کدام قسم است.

مسئله ۱۴۹ بر زن مستحاضه در صورتی واجب است به احکام آن عمل نماید که خون قطع نشود، اما اگر خون قطع شود عمل به احکام استحاضه واجب نیست پس اگر پیش از ظهر مثلاً خون قطع شد فقط برای نماز ظهر باید غسل نماید و برای نمازهای قبل مطابق معمول رفتار

نماید.

مسئله ۱۵۰ واجب است که بعد از غسل جلوگیری از خارج شدن خون نماید به گذاردن قدری پنبه در داخل فرج و بستن آن با پارچه.

مسئله ۱۵۱ شرط است در صحّت روزه زن مستحاضه به استحاضه کثیره که غسل هایی را که در روز بر او واجب است به جا آورد و در استحاضه متوسطه غسل شرط صحت روزه نیست.

مسئله ۱۵۲ اگر مستحاضه در اوّل وقت بداند که در قسمتی از وقت نماز به مقدار اقل واجب نماز خون قطع می شود به کلی یا موقتاً واجب است که نماز را تأخیر انداخته در آن قسمت از وقت که خون قطع می شود بخواند.

مسئله ۱۵۳ مستحاضه کثیره اگر غسل های خود را به جا آورد در حکم طاهره است و اگر غسل های نمازها را به جا نیاورده باشد تروک حائض را ترک نماید بنا بر احتیاط لازم، و اگر بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند باید وضوء بگیرد.

نفاس

مسئله ۱۵۴ نفاس خونی است که خارج می شود با متولّد شدن اولین جزء طفل از مادر بعد از ولادت پیش از گذشتن ده روز از موقع ولادت چه مولود خلقتش تمام شده باشد یا نه مثل سقط، و چه روح در آن دمیده شده باشد یا نه بلکه خون بعد از سقوط مضغه یا علقه نیز نفاس است.

مسئله ۱۵۵ در نفاس ممکن است که یک لحظه بیشتر خون دیده نشود و اگر بعد از ده روز خون ببیند نفاس نیست.

مسئله ۱۵۶ اگر نفساء یعنی زنی که خون نفاس دیده خونش از ده روز تجاوز نکرد تمام خونی که دیده نفاس

است چه در تمام ده روز خون دیـده باشـد یا در چند روز آن و چه پی درپی خون دیده باشد یا به فاصـله مثل آنکه سه روز از اول دیده باشد و دو روز از وسط و سه روز از آخر، یا آنکه یک روز خون دیده باشد و یک روز پاک باشد ولی در روزهایی که پاک است احتیاط مستحب آن است که آنچه بر زن حائض حرام است ترک کنـد و عباداتی که در حال پاکی از حیض و نفاس بر او واجب است به جا آورد و در این مسئله میان صاحب عادت و کسی که عادت ندارد فرق نیست.

مسئله ۱۵۷ نفساء اگر اصلاً خونی نبیند نفاس ندارد.

مسئله ۱۵۸ اگر زنی که زائیده پیش از گذشتن ده روز از وقت ولادت خون ببیند و از ده روز تجاوز کند.

پس اگر در حیض صاحب عادت است در عادت خود مثل زن حائض عمل می کنـد و بعـد عمل به وظیفه مستحاضه می کند اگر بداند خون تجاوز از ده روز می کند.

و اگر ندانـد پس از زمـان گذشـتن عـادت و پیش از گذشـتن ده روز کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کنـد و اعمال مستحاضه را به جا آورد چنانچه از ده روز بگـذرد بایـد عبادت هایی که در روزهای بعـد از عادت ترک کرده قضاء نمایـد و اگر صاحب عادت نیست و خون از ده روز گذشت تا ده روز را نفاس قرار دهد و در بقیه عمل به وظایف مستحاضه نماید.

مسئله ۱۵۹ هرگاه خون قطع شود و علم به پاک شدن باطن از خون نداشته باشد

بایـد رسـیدگی کنـد یعنی مقـداری پنبه داخل در فرج کنـد و کمی صبر نماید و آن را بیرون آورد پس اگر آلوده نشده غسـل کند و نماز به جا آورد و اگر آلوده شده هرچند به آب زردرنگ باشد به دستوری که در احکام حیض گفته شد عمل کند.

مسئله ۱۶۰ زن نفساء مثل حائض است در احکامی که بیان شد، مثل وجوب قضای روزه، حرمت مجامعت و حرام بودن نماز بر او در مدّت نفاس و محرمات دیگری که در حائض بیان شد و همچنین فرقی میان آنها نیست در مستحبات و مکروهات.

غسل مس میّت

مسئله ۱۶۱ اگر جایی از بدن کسی به جزیی از بدن مرده انسان که سرد شده و غسلش نداده اند برسد واجب است غسل کند.

مسئله ۱۶۲ واجب است غسل مس میّت برای چیزی که مشروط به طهارت از حدث اصغر است مثل نماز.

مسئله ۱۶۳ غسل مس میّت را مثل غسل جنابت باید به جا آورد و کسی که غسل مس میّت کرده اگر بخواهد نماز بخواند لازم نیست وضوء بگیرد، ولی وضوء گرفتن قبل از غسل مستحب است.

آداب مریض

مسئله ۱۶۴ مسـتحب است که مریض صبر کنـد و شـکر خـدای را به جا آورد و تجدیـد توبه کنـد و وصـیّت به خیرات در حقّ خویشان نمایـد و صـدقه دهـد و در حضور مؤمنین اقرار به توحیـد، و نبوّت، و امامت، و معاد، و عقایـد حقّه نماید و اگر دارا و متمکن است به ثلث مال خود وصیّت به خیرات کند و حُسن ظن به خداوند متعال داشته باشد.

مسئله ۱۶۵ یکی از مستحبات بزرگ عیادت مریض است و مستحب است نزد مریض بنشیند ولی

نباید طول بدهد مگر آنکه خود مریض طالب باشد.

احکام محتضر

مسئله ۱۶۶ واجب است که انسان در موقعی که علامات مرگ بر او ظاهر شد حقوق واجبه ای که بر اوست از دیون و خمس و زکات اداء کند و امانت ها و ودیعه هایی که در پیش او است به صاحبانش برساند و اگر ممکن نباشد که خودش به این وظائف عمل کند واجب است وصیّت کند.

مسئله ۱۶۷ واجب است پاهای محتضر را رو به قبله بکشند به طوری که اگر بنشیند صورت او به طرف قبله باشد و بر خود محتضر لازم است که رو به قبله بخوابد، و اگر ممکن نشد باید به اندازه ممکن به این دستور عمل کنند والّا باید او را به پهلوی راست یا به پهلوی چپ رو به قبله بخوابانند.

مسئله ۱۶۸ بعد از مرگ مستحب است چشم ها و دهان و چانه میّت را ببندند، و دست و پای او را دراز کنند، و پارچه ای روی آن بیاندازند.

و اگر شب مرده در جایی که مرده است چراغ روشن کنند و مؤمنین را برای تشییع جنازه او خبر کنند، و او را فوراً دفن کنند، مگر آنکه در مرگ او شک داشته باشند.

و اگر فرزند زنده در شکم اوست باید پهلوی چپ او را بشکافند و بچه را بیرون آورند و پهلوی او را دوخته و دفن نمایند.

مسائل غسل و کفن و نماز و دفن میّت

مسئله ۱۶۹ واجب است بر هر مسلمانی غسل دادن و کفن نمودن و دفن کردن و نماز خواندن بر میّت مسلمان، و اگر بعضی به جا آورند از دیگران ساقط می شود. و اگر هیچ کس انجام ندهد همه گناه کرده اند.

مسئله ۱۷۰ از ولی میّت بنا

بر احتیاط باید برای غسل و کفن و نماز و دفن میّت اذن گرفت.

و اگر ولی از انجام آنها خودداری کرد و به غیر هم اذن نداد اذن از او لازم نیست.

مسئله ۱۷۱ ولیّ میّت غیر از زن شوهردار به ترتیب طبقات ارث است اول پدر و مادر و اولاد می باشند. و اگر ندارد اجداد و برادر و خواهر میّت است، و اگر ندارد عمو و دایی و عمه و خاله است.

و ولیّ زن شوهردار شوهر او است چه پدر و مادر و اولاد داشته باشد و چه نداشته باشد.

و در هر طبقه مرد بر زن مقدّم است، و اگر مرد بالغ در طبقه ای نباشد ولیّ میّت زن ها هستند و بهتر است احتیاطاً از حاکم شرع هم در این صورت اذن بگیرند.

غسل میّت

مسئله ۱۷۲ واجب است غسل دادن هر میّت مسلمان و اطفال مسلمین، و بچه سقط شده را که چهارماه او تمام شده باید غسل دهند و کفن کنند و دفن نمایند، ولی نماز بر او واجب نیست.

و اگر چهارماه تمام نشده است اگر خلقت او کامل شده واجب است غسل و کفن و دفن او.

و اگر خلقت او کامل نشده است، او را در پارچه ای بپیچند و دفن نمایند، و قصد قربت در غسل میّت واجب است مثل سایر غسل ها.

مسئله ۱۷۳ جایز نیست که مرد زن را غسل دهد و زن مرد را، مگر در صورتی که میّت طفلی باشد که سه سالش بیشتر نباشد و سزاوار است مرد دختر بچه را غسل ندهد مگر آنکه زن نباشد و همچنین زن پسر بچه

را غسل ندهد مگر آنکه مرد نباشد، و زن می تواند شوهر خود را غسل دهد و مرد هم می تواند زن خود را غسل دهد اگر چه برهنه باشد.

مسئله ۱۷۴ غسل دهنده باید مسلمان و بالغ و اثنی عشری باشد و عالم به مسائل غسل باشد.

مسئله ۱۷۵ میّت را باید سه غسل داد به ترتیب: اول به آب سدر، دوم به آب کافور، سوم به آب خالص; و برخلاف این ترتیب باطل است.

مسئله ۱۷۶ غسل میّت را باید ترتیبی انجام داد و تا ممکن است نباید او را غسل ارتماسی دهند بلی در غسل ترتیبی فرو بردن هر یک از اعضاء در آب جایز است با لحاظ ترتیب.

مسئله ۱۷۷ سدر و کافور نباید به قدری زیاد باشد که آب را مضاف سازد، و اگر سدر یا کافور فراهم نشد به جای هر کدام که فراهم نشده لازم نیست با آب خالص غسل دهند. پس اگر هیچ کدام نبود یک غسل کافی است.

مسئله ۱۷۸ اگر آب برای غسل میّت پیدا نشد، یا بدنش مجروح باشد که نشود غسل داد باید او را یک تیمّم بدهند و بهتر است او را سه تیمّم بدهند: اول - بدل از غسل به آب سدر. دوم - بدل از غسل به آب کافور. سوم - بدل از غسل به آب خالص و احتیاط مستحب آن است که یک تیمّم دیگر بدل از هر سه غسل بدهند و اگر تیمّم سوم را به قصد تیمّمی که به ذمه او است که یا تیمّم بدل از هر سه غسل و یا بدل از غسل به آب خالص است بنمایند به احتیاط

رفتار نموده اند.

مسئله ۱۷۹ واجب است که میّت به دست خودش تیمّم داده شود و اگر ممکن نباشد به دست زنده تیمّم داده شود به این نحو که دست های خود را به زمین زند و به صورت میّت و پشت دست هایش بکشد و بهتر آن است که دو مرتبه دست ها را به زمین بزند و در مرتبه اول به صورت میّت و مرتبه دوم به پشت دست هایش بکشد.

مسئله ۱۸۰ اگر میّت با حال جنابت یا حیض مرده باشد غسل میّت برای او کافی است.

کفن میّت

مسئله ۱۸۱ هر میّت مسلمانی را واجب است کفن کردن به سه پارچه، یعنی لنگ و پیراهن و سرتاسری، و لنگ باید اطراف بدن را از ناف تا زانو بپوشاند و بهتر است که از سینه تا قدم را بگیرد. و پیراهن باید از سرشانه تا نصف ساق را از هر دو طرف بپوشاند و بهتر آن است که تا روی پا برسد، و سرتاسری باید تمام بدن را بپوشاند و بهتر آن است که آن قدر بلند باشد که بشود از طرف سر و پاها آن را بست و به قدری پهن باشد که یک طرف آن را روی طرف دیگر بیاندازند، و احتیاط آن است که زیادتر از مقدار واجب را از سهم وارث صغیر بر ندارند.

مسئله ۱۸۲ کفن زوجه بر زوج است با شرایطی که بر کتب مفصله مذکور است و کفن واجب النفقه بر منفق نیست، مگر در وقتی که مال نداشته باشد که احتیاط غیر لازم آن است که منفق کفن او را بدهد و نگذارد برهنه دفن شود.

حنوط

مسئله ۱۸۳ واجب است گذاردن مقداری از کافور پاک و مباح در پیشانی و کف دست ها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای میّت بعد از آنکه او را غسل دادند و پیش از آنکه کفن کنند یا بعد از کفن کردن و این عمل را حنوط گویند، و لازم است که کافور سائیده و تازه باشد، و بهتر آن است که قدری از کافور را روی بینی میّت بگذارند و نیز کافور را با دست بر جاهایی که گفته شد بگذارند؛ و اگر میّت محرم باشد و

پیش از تمام کردن طواف مرده باشد جایز نیست او را حنوط نمایند.

مسئله ۱۸۴ در مالیدن کافور به مواضع ذکر شده ترتیب لازم نیست، و مستحب است گذاردن دو چوب تر و تازه در قبر همراه میّت.

نماز میّت

مسئله ۱۸۵ واجب است خواندن نماز بر میّت هر مسلمانی و بر اطفال مسلمین اگر شش سال داشته باشند، و مستحب است نماز بر بچه مسلمان اگر از شش سال کمتر داشته باشد هرچند در موقع تولد بمیرد به شرط آنکه زنده متولّد شود.

مسئله ۱۸۶ در صحّت نماز شرط است که از ولی اجازه بگیرند و آن را بعد از غسل و کفن و حنوط به جا آورند، و هرگاه غسل یا تیمّم یا کفن یا حنوط ممکن نباشد نماز ساقط نمی شود.

مسئله ۱۸۷ نماز میّت پنج تکبیر دارد و کفایت می کند که بعد از نیّت و معیّن کردن، میّت بگوید: ۱ - الله اکبر «اشهد ان لااله الاالله و ان محمداً رسول الله» ۲ - الله اکبر «الهم صلی علی محمد و آل محمد» ۳ - الله اکبر «الهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات» ۴ - الله اکبر «الهم اغفر لهذا المیّت» و اگر زن باشد «لهذه المیّت» بگوید. ۵ - الله اکبر.

مسئله ۱۸۸ در نماز میّت وضوء و غسل لازم نیست و همچنین مباح بودن لباس نمازگذار و ستر عورت نمازگذار لازم نیست.

دفن میّت

مسئله ۱۸۹ دفن میّت عبارت است از پنهان ساختن او در زمین به طوری که جسدش محفوظ باشد از درندگان که نتوانند آسیب و ضرری به او برسانند و بوی او باعث اذیت مردم نشود.

مسئله ۱۹۰ واجب است میّت را رو به قبله دفن کنند به طوری که پهلوی راست او بر زمین باشد.

مسئله ۱۹۱ مکروه است دفن دو میّت در یک قبر، و فرش کردن قبر به آجر و سنگ و مانند آنها مگر آنکه رطوبت داشته باشد، و مکروه

است پدر در قبر فرزند وارد شود.

نبش قبر

مسئله ۱۹۲ حرام است که قبر مسلمان را اگر چه طفل یا دیوانه باشد نبش نمایند یعنی بشکافند مگر آنکه بدانند بدنش پوسیده و خاك شـده است و نیز حرام است که قبر شـهداء و علماء و امامزادگان و صـلحا را نبش نماینـد اگر چه مـدّت ها و سال های بسیار بر آن گذشته باشد.

مسئله ۱۹۳ شکافتن قبر در چند مورد حرام نیست:

اول - اگر میّت در مکان غصبی یا با کفن غصبی دفن شده باشد و مالك راضـی به باقی ماندن نباشد و یا با او چیز غصبی دفن شده باشد که در این صورت نبش واجب است.

دوم - واجب است نبش قبر اگر میّت را بـدون غسل و کفن دفن کننـد یا معلوم شود که غسل او باطل بوده و یا کفن او به طور شرعی نبوده، یا اگر میّت را رو به قبله در قبر نگذاشته باشند. مگر آنکه به نبش قبر هتك و بی احترامی میّت شود.

و اگر میّت بدون نماز دفن شود نبش قبر جایز نیست بلکه باید نماز را به قبرش بخوانند.

سوم - آنکه اثبات حقی از حقوق ممکن نباشد مگر به دیدن میّت که در آن صورت نبش جایز است بلکه در بعض صورت ها واجب است.

چهارم - واجب است نبش اگر میّت را در محلی دفن کرده باشند که بی احترامی به او باشد مثل قبرستان کفار.

پنجم - برای نقـل میّت به یکی از مشاهـد مشـرفه و اماکن معظمه اگر وصـیت کرده باشـد به نقل که در این صورت نیز واجب است و اگر وصیّت نکرده باشد جایز است

ولی بهتر آن است که احتیاط کنند.

ششم - آنکه مطلب مهمی که شرعاً اهمیت آن از نبش قبر بیشتر باشد بر آن متوقف باشد مثل آنکه بخواهند بچه زنده را از شکم مادرش که دفنش کرده اند بیرون آورند که در این صورت هم واجب است.

هفتم - آنکه بترسند بدن میّت را درنده بیرون آورد یا سیل یا دشمنی ببرد.

هشتم - آنکه قسمتی از بدن میّت که از او جدا شده دفن نشده باشد ولی احتیاط لازم آن است که آن را طوری دفن کنند که بدن میّت ظاهر نشود.

غسل های مستحبی

مسئله ۱۹۴ غسل های مستحبی بسیار است. یکی از آنها غسل جمعه است و درباره آن تأکید و تشویق بسیار شده است و وقت آن از طلوع صبح جمعه است تا ظهر و بعدازظهر قصد اداء و قضاء ننماید و به قصد قربت به جا آورد و اگر غسل جمعه از او فوت شود در روز شنبه از صبح تا غروب قضای آن را می توان به جا آورد.

مسئله ۱۹۵ مستحب است غسل عید فطر و اضحی و عرفه و غدیر و اول رجب و مبعث و غسل شب های طاق ماه مبارك رمضان و شب های دهه آخر آن و غسل زیارت و غسل دخول حرم و دخول مکه و دخول خانه و غیر آنها که در کتب مفصله ذکر شده.

مسئله ۱۹۶ انسان می تواند با غسل مستحبی کاری که مانند نماز وضوء لازم دارد انجام دهد به شرطی که استحباب آن ثابت باشد مثل غسل جمعه.

احکام تیمّم

مسئله ۱۹۷ کسی که قادر بر استعمال آب نیست برای وضوء یا غسل باید تیمّم نماید و آن بر چند قسم است:

اول - آنکه به قدر کافی از برای وضوء و غسل آب نیابد.

دوم - آنکه آب باشد و از جهت مانعی دسترسی به آن نداشته باشد.

سوم - آنکه استعمال آب ضرر داشته باشد بر جان یا صحت او ولو به اینکه علاج مرضش دشوار شود و به احتمال ضرر اگر ترس برای او پیدا شود باید تیمّم کند، و اگر آب گرم برای او ضرر ندارد باید با آن وضوء یا غسل به جا آورد و تیمّم او صحیح نیست.

چهارم - آنکه تهیه آب یا استعمال

آن حرج و مشقّت داشته باشد.

پنجم - آنکه بترسد بر خود و یا یکی از بستگانش از تشنگی و تلف یا مریض شدن یا حرج و مشقتی را که عادتاً تحمل آن نمی شود، همچنین است خوف بر هلاکت نفس محترمه و خوف بر تلف حیوانی که مال خود او است.

ششم - موردی که صرف آب در واجبی مهمتر از وضوء و غسل پیش آید که در این صورت باید تیمّم کند مثل آنکه بدن یا لباس او نجس باشد و آب به قدری کم دارد که نمی تواند وضوء یا غسل را به جا آورد و هم لباس و بدن را بشوید پس در این صورت باید لباس یا بدن را بشوید و تیمّم کند مگر آنکه چیزی که بر آن تیمّم جایز باشد نداشته باشد که در این فرض باید با آن آب وضوء یا غسل به جا آورد.

هفتم - آنکه وقت تنگ باشد که غسل یا وضوء موجب فوت تمام وقت نماز یا بعض آن بشود.

مسئله ۱۹۸ کسی که تکلیف او برای تنگی وقت تیمّم است اگر وضوء یا غسل به جا آورد و نماز را خارج وقت بخواند صحیح است.

هشتم - آنکه استعمال آب برای وجود مانع شرعی ممکن نباشد مثل آنکه آب در ظرف طلا یا نقره یا در ظرف غصبی باشد.

چیزهایی که تیمّم به آنها صحیح است

مسئله ۱۹۹ تیمّم بر روی زمین جایز است، چه خاک باشد، چه ریگ و چه کلوخ و چه سنگ و چه غیر اینها اگرچه سنگ گچ یا آهک باشد پیش از پختن و یا بعد از پختن.

چنانچه جایز است تیمّم بر گل پخته شده مثل آجر

و کوزه.

و جایز نیست تیمّم بر معادن مثل معدن طلا و نقره و نمک و عقیق.

مسئله ۲۰۰ در تیمّم چهار چیز واجب است:

۱ - نیّت. ۲ - زدن کف هر دو دست را با هم به چیزی که تیمّم بر آن جایز است. ۳ - کف هر دو دست را به تمام پیشانی از محل روئیدن موی سر تا ابروها و بالای بینی بکشد و احتیاط واجب آن است که به ابروها هم بکشد. ۴ - کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

و در تیمّم بدل از غسل بهتر آن است که احتیاطاً یک مرتبه دیگر دست ها را بر زمین بزند و پشت دست ها را مسح کند بلکه در بدل از وضوء هم این احتیاط خوب است.

نماز

نمازهای واجب یومیه پنج است:

اول - نماز ظهر چهار رکعت.

دوم - نماز عصر چهار رکعت.

سوم - نماز مغرب سه رکعت.

چهارم - نماز عشاء چهار رکعت.

پنجم - نماز صبح دو رکعت، ولی در سفر نمازهای چهار رکعتی یعنی ظهر و عصر و عشاء را باید با شرایطی که ان شاءالله گفته خواهد شد دو رکعت خواند.

مسئله ۲۰۱ نماز جمعه از نمازهای یومیه و دو رکعت است و در عصر پیغمبر(ص) و حضور ائمه(ع) با اجتماع شرایطی واجب عینی است که با ادای آن نماز ظهر جمعه ساقط می شود.

ولی در عصر غیبت امام(ع) که زمان ما است اگر شرایط آن فراهم شد به عنوان رجاء و احتیاط به جا آورد نیکو است ولی نمی

توان به آن اکتفا کرد و باید نماز ظهر را هم بخواند که یقین به برائت ذمه حاصل شود.

اوقات نماز

مسئله ۲۰۲ وقت نماز ظهر و عصر از اول ظهر است تا غروب آفتاب و ظهر در بیشتر شهرها شناخته می شود به زیاد شدن سایه شاخص بعد از آنکه به واسطه بالا آمدن آفتاب سایه به آخرین درجه کمی برسد، و در بعض شهرها مثل مکه در بعضی روزها شناخته می شود به سایه افکندن شاخص بعد از آنکه تمام سایه شاخص از میان برود.

مسئله ۲۰۳ وقت نماز مغرب و عشاء از اول غروب آفتاب است تا نصف شب ولی برای کسی که به واسطه اضطرار تا نصف شب این دو نماز را نخواند مثل آنکه او را، خواب ربوده باشد، یا فراموش کرده باشد، یا آنکه زن حائض بعد از نصف شب پاک شود وقت آنها تا طلوع صبح طولانی است.

و کسی که عمداً نماز مغرب و عشاء را تأخیر بیاندازد و تا نصف شب نخواند معصیت کرده و باید نیّت قضاء کند ولو قبل از طلوع صبح بخواند.

مسئله ۲۰۴ مغرب موقعی است که خورشید غروب کند و نصف شب موقعی است که ستاره هایی که در اول غروب طلوع می نماید از دائره نصف النهار به طرف مغرب میل کنند که بنابراین نصف شب نصف از اول غروب آفتاب تا طلوع فجر است نه تا طلوع صبح.

مسئله ۲۰۵ اول وقت نماز صبح موقعی است که فجر صادق طلوع کند و آخر آن موقع طلوع آفتاب است.

نزدیک طلوع صبح در طرف مشرق سفیدی ظاهر می شود و به بالا مثل دم گرگ

و آن را فجر کاذب می نامند وقتی آن سفیدی در افق پهن و گسترده شد صبح است و آن را فجر صادق گویند.

مسئله ۲۰۶ نماز پیش از وقت جایز نیست و باید در موقع شروع به نماز یا علم به داخل شدن وقت داشته باشد و یا یک نفر شخص مورد اطمینان و وقت شناس به آن شهادت دهد و یا کسی که موثق و وقت شناس است اذان بگوید و اگر با شک در وقت بدون شاهد یا اذان موثق عارف به وقت نماز بخواند باطل است مگر آنکه معلوم شود تمام آن در وقت واقع شده و قصد قربت هم از او به جا آمده باشد.

مسئله ۲۰۷ اگر نتواند به واسطه مانعی مثل ابر یا گرد و غبار و یا کوری و یا در زندان بودن وقت را احراز کند لازم است که صبر کند تا یقین به وقت پیدا کند.

قبله

خانه کعبه معظمه و زمینی که خانه کعبه در آن قرار دارد تا تخوم ارض و فضای بالای خانه کعبه تا عنان آسمان قبله است.

مسئله ۲۰۸ باید نماز را رو به قبله بخوانند و اگر از خانه کعبه دور هستند باید به طوری بایستند که بگویند رو به قبله نماز می خوانند و باید نمازگذار پیش از شروع به نماز اگر ممکن است علم پیدا کند به قبله و اگر یک نفر موثق هم شهادت دهد و مستند شهادت او امور حسیه باشد کافی است اگرچه یقین پیدا نکند و شهادت از روی حدس کافی نیست.

و چنانچه هیچ یک ممکن نشد باید به مظنه و گمانی که از، محراب مساجد

مسلمانان و قبرهایشان، یا از قول اهل خبره و قواعد هیئت یا از راه های دیگر حاصل می شود عمل کند.

مسئله ۲۰۹ اگر تحصیل ظن به قبله ممکن نشد و یک نماز به هر طرفی که می خواهد بخواند، کافی است.

ستر و ساتر

واجب است بر مرد که در حال نماز چه نگاه کننده باشد و چه نباشد عورتین خود را بپوشاند، و واجب است طوری آن را بپوشاند که رنگ آن دیده نشود، و پوشانیدن حجم آن واجب نیست.

مسئله ۲۱۰ واجب است بر زن که در حال نماز تمام بدن خود را بپوشاند حتی سر و موی خود هرچند که نامحرمی نباشد.

مگر صورت و کف دست ها تا بند و پاها تا بند متصل به ساق که لازم نیست پوشانیدن آنها به جهت نماز، ولی برای آنکه یقین کند مقدار لازم را پوشانیده باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از بند دست و پاها را هم بپوشاند.

لباس نمازگذار

لباس نمازگذار چند شرط دارد:

اول - باید پاک باشد چه لباسی که با آن عورتش را پوشانیده و چه لباس دیگر.

مسئله ۲۱۱ هرگاه نمازگذار لباس یا بدنش نجس شده باشد و نفهمیده با آن نماز خواند و بعد از نماز فهمید، نمازش صحیح است، لکن اگر با علم به نجاست فراموش کرد و با آن نماز خواند نمازش باطل است.

مسئله ۲۱۲ اگر غیر از لباس نجس لباس دیگر نداشته باشد و بیرون آوردن آن از بدن به واسطه سرما یا جهت دیگر ممکن نباشد باید با همان لباس نماز بخواند و نمازش صحیح است، و اگر بیرون آوردنش ممکن باشد باید لباس را بیرون آورده برهنه نماز بخواند.

دوم - از شرایط لباس نمازگذار این است که لباسی که عورت را با آن می پوشاند مباح باشد یعنی غصبی نباشد و اما لباسی که عورت را با آن نپوشانده ولو پوشیده باشد. مباح بودن آن شرط

صحّت نماز نیست.

مسئله ۲۱۳ اگر لباس را به عین مالی که خمس یا زکات به آن تعلّق گرفته خریده باشد و خمس و زکات آن را نداده نماز خواندن در آن باطل است. مگر آنکه بنا داشته باشد خمس یا زکات را از اموال دیگرش بدهد و با قصد منتقل نموده باشد او را بذمه که در این صورت نماز صحیح است.

سوم – از شرایط لباس نمازگذار این است که از اجزاء مردار یعنی حیوان مرده نباشد چه آنکه مردار حیوان حلال گوشت یا حرام گوشت باشد.

مسئله ۲۱۴ اگر در لباسی شک داشته باشد که اجزاء حیوان مرده است یا نه می تواند با آن نماز بخواند.

چهارم – از شرایط لباس نمازگذار این است که از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد. اگرچه آن را تزکیه کرده باشند یا از زنده باشد، پس نماز خواندن در پوست و گوشت و استخوان و مو و پشم و پر و کرک حیوان حرام گوشت جایز نیست حتی اگر یک تار موی حیوان حرام گوشت به لباس و بدن نمازگذار باشد نمازش باطل است، و فرقی نیست میان حیوان حرام گوشت که خون جهنده داشته باشد یا نداشته باشد.

مسئله ۲۱۵ اگر شک داشته باشد که لباسی مثل ماهوت از اجزاء حلال گوشت یا حرام گوشت است یا از اجزاء حیوان حرام گوشت یا غیر حیوان است نماز خواندن در آن لباس صحیح است.

پنجم – از شرایط لباس نمازگذار این است که اگر نمازگذار مرد است لباس او طلاباف نباشد چه همه آن را از طلا بافته باشند یا آنکه مخلوط باشد.

و پوشیدن لباس طلاباف و انگشتر طلا به

دست کردن یا زنجیر طلا به سینه آویختن اگرچه در حال نماز هم نباشد بر مرد حرام است.

ششم - از شرایط لباس نمازگذار این است که اگر نمازگذار مرد است لباس او ابریشم خالص نباشد چه آنکه ساتر عورت او باشد یا نباشد و چه آنکه لباس دیگر غیر آن داشته باشد یا نداشته باشد.

ولی نماز در چیزهایی که ساتر نیست مثل بند شلوار یا عرقچین و کلاهی که ابریشم خالص باشد مانعی ندارد.

مسئله ۲۱۶ در چند مورد نمازگذار می تواند با بدن و لباس نجس نماز بخواند: اول - آنکه زخم و جراحت یا دمل داشته باشد که با خون آنها نماز صحیح است و همچنین با خون بواسیر و خون زخم و جراحت باطنی به شرط آنکه عوض کردن لباس یا تطهیر آن مشقّت داشته باشد، و در خون زخم و جراحت ظاهری مشقّت مذکور معتبر نیست.

دوم - آنکه خون کمتر از درهم باشد به شرط آنکه خون حیض و خون نجس العین مثل سگ و خوک یا خون میته یا خون حیوان حرام گوشت نباشد و بنا بر احتیاط لازم خون نفاس و استحاضه نباشد.

سوم - نماز خواندن در مثل کلاه و عرقچین و جوراب نجس و هر چه به تنهایی ساتر عورت نباشد و همچنین انگشتر و گوشواره و مانند آنها اگر نجس باشد صحیح است.

چهارم - لباس زنی است که مادر و پرستار طفل کوچکی باشد و لباس به پول بچه نجس شده باشد و به غیر از یک لباس نداشته باشد یا اگر بیشتر دارد ناچار به پوشیدن لباس نجس باشد به شرط آنکه هر روز یک مرتبه

آن را بشوید، و بهتر این است که در اواخر روز بشوید که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را پس از شستن لباس بخواند.

مکان نمازگذار

مشهور است در مکان نمازگذار چند چیز شرط است:

اول - اینکه مباح باشد.

مسئله ۲۱۷ کسی که در مکان غصبی نماز بخواند چنانچه موضع سجود غصبی باشد، و بنا بر احتیاط واجب یا بقیه مواضع هفت گانه، یا جای پا در حال ایستادن غصبی باشد نماز او باطل است، اگر از روی علم و عمد باشد.

و اگر غفلت داشت یا نمی دانست یا از روی فراموشی نماز خواند نمازش صحیح است.

مسئله ۲۱۸ کسی که حکم شرعی غصب را که حرمت است نمی داند و در یادگرفتن حکم تقصیر نموده باشد نمازش باطل است.

دوم - آنکه مکان نمازگذار قرار داشته باشد و متحرك نباشد.

مسئله ۲۱۹ در حال اختیار نماز بر پشت اسب و در اتومبیل و قطار و کشتی در حال حرکت باطل است اگر موجب فوت استقرار نمازگذار باشد.

و اگر کسی ناچار باشد که از جهت تنگی وقت یا جهت دیگر در یکی از اینها نماز بخواند باید به قدر ممکن رو به قبله نماز بخواند و اگر ماشین به غیر جانب قبله حرکت می کند او فوراً رو به جانب قبله کند و به قدری که ممکن است باید در حال آرامی بدن اذکار و قرائت را بخواند.

سوم - آنکه در مکانی نماز بخواند که اطمینان نداشته باشد که نمی تواند در آن مکان نماز را تمام کند.

ولی در مکانی که به واسطه کثرت جمعیت و ازدحام مردم و یا باد و باران شدید

اطمینان نیست که بتوان نماز را تمام کرد و لکن اطمینان به خلاف ندارد نماز صحیح است.

چهارم - در جایی که ماندن در آنجا حرام است چون در معرض هلاکت است مثل زیر سقف یا کنار دیواری که مشرف به خراب باشد و جاهای دیگری که برای نمازگذار خطر دارد، نماز نخواند، ولی اقوی آن است که اگر بخواند نماز صحیح است.

پنجم - آنکه روی چیز محترمی که ایستادن بر آن بی احترامی و حرام است نایستد مثل ایستادن روی ورق قرآن یا قبر معصوم(ع) و روی نوشته قرآن و اسم خدا و اسماء مقدسه، و اقوی این است که اگر بخواند ولو کار حرام کرده ولی نماز صحیح است.

ششم - آنکه مکانی باشد که افعال نماز را بتوان به نحو صحیح انجام داد پس در حال اختیار نماز در اتاقی که سقف آن به قدری کوتاه است که نمی تواند در آن راست بایستد یا نمی تواند رکوع یا سجود به جا آورد باطل است.

هفتم - مقدّم بر قبر معصوم نباشد در صورتی که موجب هتك حرمت شود - والّا حرام نیست ولی مکروه است - و اگر حائلی مثل دیوار میان او و قبر باشد مانعی ندارد و صندوق شریف و ضریح و پارچه هایی که روی آن می اندازند کفایت نمی کند.

هشتم - آنکه نجس نباشد به نجاستی که به لباس یا بدن سرایت کند و اگر سرایت نکند ضرر ندارد لکن محل سجده باید پاک باشد.

نهم - آنکه جای قدم نمازگذار بیشتر از چهار انگشت متصل بلندتر یا کوتاه تر از جای پیشانی او در موقع سجده نباشد.

مسئله ۲۲۰ مکروه است

که زن با مرد نماز بخوانند به طوری که زن محاذی با مرد یا جلوتر از مرد ایستاده باشد بلکه باید برای رفع کراهت یا زن عقب مرد بایستد و یا آنکه ده ذراع میان آنها فاصله باشد یا حائلی مثل پرده و یا دیوار میان آنها فاصله باشد.

مسئله ۲۲۱ مستحب است نماز خواندن در مساجد و بهترین آنها مسجدالحرام است که ثواب نماز در آن برابر با هزار هزار نماز است بعد از آن مسجد پیغمبر(ص) که نماز در آن ثواب ده هزار نماز دارد و بعد مسجد کوفه و مسجد اقصی و در این دو مسجد نماز خواندن ثواب هزار نماز دارد و بعد از اینها مسجد جامع که نماز در آن برابر با صد نماز است و بعد مسجد قبیله که نماز در آن برابر با بیست و پنج نماز و بعد مسجد بازار که ثواب نماز در آن برابر دوازده نماز است.

بهترین مکان ها برای نماز زن، خانه اوست و بهتر از آن صندوقخانه اوست.

احکام مسجد

مسئله ۲۲۲ زینت نمودن مسجد به طلا و نقش صورت صاحب روح بر آن کشیدن حرام نیست ولی بهتر است ترک شود.

مسئله ۲۲۳ مسجدی را که غصب کنند و داخل ملك خود یا ضمیمه خیابان و کوچه و غیره سازند نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب نیست.

مسئله ۲۲۴ نجس کردن مسجد حرام است و اگر نجس شود واجب است فوراً آن را تطهیر نمایند.

مسئله ۲۲۵ هرگاه در وقت نماز ملتفت شد که مسجد نجس شده و وقت وسعت دارد باید اول مسجد را تطهیر کند و بعد نماز بخواند ولی اگر وقت تنگ است

باید اول نماز را بخواند.

مسئله ۲۲۶ اگر با وسعت وقت مسجد را تطهیر نکرده نماز بخواند نمازش صحیح است و برای تأخیر انداختن تطهیر مسجد معصیت کرده است.

مسئله ۲۲۷ مستحب است روشن نمودن چراغ در مسجد و تنظیف آن و در وقت ورود در آن اول پای راست را و وقت بیرون آمدن اول پای چپ را گذاشتن و همچنین مستحب است مراقبت کند به کفش نجاستی که سبب نجس شدن مسجد است بلکه مطلق نجاست نباشد.

مسئله ۲۲۸ مکروه است انداختن آب دهان و آب بینی در مسجد و خواب رفتن در آن مگر در مورد ضرورت و همچنین بلند کردن صدا در مسجد مگر برای اذان یا موعظه و نیز مکروه است در مسجد خواندن شعر مگر شعر موعظه یا حمد و ستایش خدا و یا مدح و مصیبت نبی اکرم(ص) و اهل بیت طاهرین آن حضرت و مکروه است داخل شدن کسی که سیر یا پیاز یا چیز بدبو خورده باشد و همچنین است راه دادن اطفال و دیوانگان.

اذان و اقامه

یکی از مستحبات قبل از نماز اذان و اقامه است و استحباب اقامه برای نمازهای یومیه مؤکد است. خصوص برای مردها. پس سزاوار نیست ترک شود.

مسئله ۲۲۹ اذان و اقامه مخصوص نمازهای پنج گانه است و در نماز عید فطر و عید قربان به جای اذان و اقامه سه مرتبه مستحب است گفتن الصلوه و در سایر نمازهای واجب مثل نماز آیات و نماز میّت استحباب آن معلوم نیست ولی گفتن به قصد رجاء مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۰ اذان هیجده فصل است الله اکبر چهار مرتبه، اشهد ان لااله الاالله دو مرتبه، اشهد ان محمداً

رسول الله دو مرتبه، حی علی الصلاه دو مرتبه، حی علی الفلاح دو مرتبه، حی علی خیر العمل دو مرتبه، الله اکبر دو مرتبه، لااله الاالله دو مرتبه و اقامه هفده فصل است الله اکبر دو مرتبه، اشهد ان لااله الاالله دو مرتبه، اشهد ان محمداً رسول الله دو مرتبه، حی علی الصلاه دو مرتبه، حی علی الفلاح دو مرتبه، حی علی خیر العمل دو مرتبه، قد قامت الصلاه دو مرتبه، الله اکبر دو مرتبه، لااله الاالله یک مرتبه.

مسئله ۲۳۱ مستحب است اشهد ان علیاً امیرالمؤمنین ولی الله را بعد از اشهد ان محمداً رسول الله بگوید و چون در این ازمنه این جمله جزء شعائر مذهب تشیّع می باشد بعضی فقهاء احتمال وجوب آن را داده اند.

و بهتر است به قصد قربت مطلقه اضافه شود به آن شهادت به ولایت اولیاء معصومین مثلاً بگوید اشهد ان علیا و اولاده المعصومین حجج الله - او اولیاءالله -

کما اینکه مستحب است بعد از شهادت به رسالت صلوات بر پیغمبر(ص) و آل او فرستاده شود.

واجبات نماز

مسئله ۲۳۲ واجبات نماز یازده چیز است:

اول - نیّت. دوم - قیام. سوم - گفتن تکبیره الاحرام «الله اکبر». چهارم - رکوع. پنجم - سجود. ششم - قرائت. هفتم - ذکر. هشتم - تشهد. نهم - سلام. دهم - ترتیب. یازدهم - موالات یعنی پی درپی بودن اجزاء نماز.

مسئله ۲۳۳ نیّت و قیام در بعضی اجزاء و تکبیره الاحرام و رکوع و دو سجده رکن هستند که اگر آنها را عمداً یا از روی فراموشی زیاد یا کم کند به شرحی که گفته می شود نمازش باطل می شود ولی

نیّت زیاده بردار نیست.

و واجبات دیگر رکن نیستند پس کم کردن یا زیاد کردن آنها فقط در صورت عمد نماز را باطل می کند به جز ترتیب و موالات که خواهد آمد در بعض موارد که ترک آنها سبب بطلان نماز می شود اگر چه سهواً باشد.

مسئله **۲۳۴** نیّت نماز و روزه و عبادت های دیگر معنایش این است که انسان قصد کند به جا آوردن آن کار را برای تقرب به درگاه خدا، یا برای اطاعت امر و فرمان او، یا برای شکر نعمت، یا تحصیل رضای او، و لازم نیست که آن را به زبان بگوید یا در خاطر خود خطور دهد بلکه همین قدر که محرک و وادار کننده او به خواندن نماز یا گرفتن روزه یا عبادت دیگر امر و فرمان خدا و یا تحصیل قربت باشد کافی است.

مسئله **۲۳۵** واجب است در اول هر نمازی گفتن «الله اکبر» به قصد شروع در نماز و افتتاح آن و آن را تکبیره الاحرام گویند و آن اولین جزء نماز است که بعد از گفتن آن قطع کردن نماز حرام است و تکبیره الاحرام رکن است پس اگر کسی آن را نگوید نماز او باطل است چه عمداً و چه فراموش کند و اگر آن را زیادتر از یک مرتبه بگوید نمازش باطل است. در صورت عمد ولی اگر سهواً بگوید نماز باطل نمی شود.

مسئله **۲۳۶** واجب است تکبیره الاحرام را صحیح بخواند و گفتن جمله دیگر به جای تکبیره الاحرام جایز نیست مثل اینکه بگوید «الله تعالی اکبر» و ترجمه آن هم کافی نیست.

مسئله **۲۳۷** واجب است تکبیره الاحرام را در

حالی که ایستاده و بدنش قرار و آرام دارد بگوید.

مسئله ۲۳۸ قیام در حال گفتن تکبیره الاحرام واجب و رکن است و قیام متصل به رکوع نیز رکن است و واجب است. پس اگر کسی قبل از رکوع سهواً یا عمداً نشست واجب است برای رکوع راست بایستد و از ایستاده به رکوع برود. و اگر از همان حال نشسته به طور خمیده بلند شود تا حدّ رکوع که قیام متصل به رکوع ترک شود نماز او باطل است چه عمداً باشد و چه فراموش کرده باشد.

مسئله ۲۳۹ ایستادن در حال قرائت حمد و سوره در رکعت اول و دوم و ایستادن در حال قرائت حمد یا گفتن «سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر» در رکعت سوم و چهارم واجب است و همچنین ایستادن بعد از رکوع واجب است ولی این دو قیام رکن نیست.

مسئله ۲۴۰ واجب است در قیام واجب مستقیم ایستادن و قرار و آرام داشتن بدن و بنا بر احتیاط به چیزی مثل عصا و دیوار و غیر اینها تکیه و اعتماد نداشتن پس اگر کمی خم باشد یا بدن او آرام نباشد یا به چیزی تکیه داشته باشد نماز او صحیح نیست و در حال اضطرار و ناچاری هیچ یک از این امور به نماز ضرر نمی رساند.

مسئله ۲۴۱ اگر به هیچ قسم نتواند بایستد باید نماز را نشسته به جا آورد و شرایطی که در قیام لازم بود باید در حال جلوس رعایت کند پس تا ممکن است در حال جلوس واجب هم نباید به چیزی تکیه کند و نباید بدنش را خم کند یا حرکت دهد مگر آنکه

ناچار و مضطر باشد.

مسئله ۲۴۲ کسی که نمی تواند نمازش را نشسته بخواند باید بخوابد به طرف راست مثل میّت در حالی که او را در قبر می گذارند و نمازش را بخواند و اگر ممکن نشد به طرف چپ رو به قبله بخوابد و اگر ممکن نشد مثل محتضر به پشت بخوابد و نماز بخواند.

مسئله ۲۴۳ واجب است در نماز صبح و دو رکعت اول از سایر نمازهای واجب پیش از رکوع، خواندن سوره حمد.

و بعد از آن بنا بر احتیاط یک سوره دیگر از سوره های قرآن غیر از چهار سوره ای که آیه سجده واجب دارند (الم تنزیل، و حم سجده، والنجم، و اقراءباسم)

و یا بعض از سوره بخواند و قول به عدم وجوب سوره قریب است.

مسئله ۲۴۴ واجب است بر مردها که حمد و سوره را در صبح و دو رکعت اول مغرب و عشاء بلند بخوانند و زن مختار است در بلند خواندن و آهسته خواندن و بر مردها و زنها واجب است که قرائت را در دو رکعت اول ظهر و عصر آهسته بخوانند مگر در نماز جمعه و نماز ظهر جمعه که مستحب است بر مردها بلند خواندن قرائت.

مسئله ۲۴۵ مستحب است بسم الله را در نماز ظهر و عصر بلند بگوید.

مسئله ۲۴۶ در جایی که باید قرائت را آهسته بخواند اگر عمداً بلند بخواند یا در جایی که باید بلند بخواند عمداً آهسته بخواند نماز او باطل است.

و اگر این کار را از روی فراموشی یا جهل به حکم هرچند از روی تقصیر باشد به جا آورد نماز او صحیح است.

مسئله ۲۴۷ باید کلمات

و حروف حمد و سوره را صحیح بخواند پس اگر غلط بگوید اگرچه حرفی عوض حرف دیگر بگوید مثل آنکه به جای (ض) (ظ) بگوید آن کلمه باطل و اگر صحیح او را نیاورد نماز باطل می شود.

و همچنین اگر زیر و زبر کلمات را رعایت نکند یا مدّی را که صحّت کلمه بر آن توقف دارد مراعات ننماید مثل مدّ ولاالضّآلین.

و وقف به حرکت و وصل به سکون اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۸ در رکعت سوم مغرب و سوم و چهارم عشاء و ظهر و عصر واجب است که آهسته حمد بخواند یا یک مرتبه تسبیحات اربعه آهسته بخواند یعنی بگوید «سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر» و بهتر آن است که احتیاطاً تسبیحات را سه مرتبه بخواند و اگر عمداً بلند بخواند نمازش باطل است.

مسئله ۲۴۹ مستحب است گفتن (اعوذبالله من الشیطان الرجیم) پیش از شروع به قرائت در رکعت اول و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز اخفاتیه و بعد از خواندن سوره «قول هوالله احد» یک مرتبه یا دو مرتبه یا سه مرتبه «کذلک الله ربی» بگوید یا «کذلک الله ربنا» سه مرتبه.

مسئله ۲۵۰ در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب باید یک رکوع به جا آورد مگر در نماز آیات که در هر رکعت آن پنج رکوع واجب است.

و رکوع رکن است که به زیاد و کم شدن آن عمداً یا سهواً نماز واجب باطل می شود.

و واجب است در رکوع چند چیز:

اول - خم شدن به قدری که دست ها به سر زانوها برسد.

دوم - گفتن ذکر رکوع است و بهتر آن است

که احتیاطاً سه مرتبه «سبحان الله» با یک مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» بگوید اگرچه سه مرتبه ذکرهای دیگر هم مثل «الحمدلله» یا «الله اکبر» کفایت می کند.

سوم - آنکه در حال گفتن ذکر واجب است طمأنینه داشته باشد.

و در ذکر مستحب آرام بودن بدن لازم نیست.

چهارم - بلند کردن سر از رکوع و راست ایستادن.

پنجم - آنکه وقتی سر از رکوع برداشت بایستد و بنا بر احتیاط بعد از آنکه بدن او آرام بگیرد به سجده برود.

مسئله ۲۵۱ اگر کسی به واسطه مرض یا عذر دیگر نتواند در حال ذکر بدن خود را آرام نگاه دارد باید به مقدار رکوع خم شود و به همان حال ذکر رکوع را بخواند.

مسئله ۲۵۲ اگر در حال خواندن ذکر واجب بی اختیار بدنش حرکت کرده بنا بر احتیاط واجب است آن را بعد از قرار گرفتن بدن دوباره بگوبد.

مسئله ۲۵۳ در حال ناچاری که تکلیف انسان نشسته رکوع کردن باشد باید به قدری برای رکوع خم شود که صورتش مقابل زانوهایش قرار گیرد و بهتر آن است که به قدری خم شود که صورتش مقابل محل سجده اش قرار گیرد.

مسئله ۲۵۴ مستحب است گفتن سمع الله لمن حمده بعد از سر برداشتن از رکوع.

مسئله ۲۵۵ در هر رکعتی از نماز خواه نماز واجب باشد یا مستحب دو سجده لازم است و حقیقت آن گذاشتن پیشانی است بر زمین به قصد تعظیم و این دو سجده با هم رکن هستند و واجب است در آن چند چیز:

۱ - گذاشتن مساجد هفت گانه بر زمین یعنی، پیشانی و کف هر دو دست و سر زانوها و سر

دو انگشت بزرگ پاها. و بنا بر احتیاط بینی را به مهر و یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است بگذارد.

۲ – خواندن ذکر و آن ذکر آن است که احتیاطاً یا سه مرتبه «سبحان الله» یا یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی وبحمده»بگوید اگر چه خواندن ذکرهای دیگر هم مثل سه مرتبه الحمدلله به طوری که در رکوع گفته شد کافی است.

۳ – آنکه در حال گفتن ذکر واجب بدنش قرار و آرام داشته باشد.

۴ – سر بلند کردن از سجده.

۵ – بعد از سر بلند کردن نشستن به مقداری که بدن آرام بگیرد و بعد به سجده دوم برود.

۶ – آنکه مساجد هفت گانه که گفته شد همه را در حال ذکر بر زمین گذارده باشد.

۷ – آنکه جای پیشانی بیش از یک خشت یا چهار انگشت بسته بلندتر از جای دو زانو و دو ابهام نباشد و اگر در زمینی که کمی سراشیب باشد به طوری که معلوم نباشد از مقداری که گفته شد کمی بلندتر باشد ضرر ندارد.

۸ – آنکه پیشانی را بگذارد بر زمین یا چیزهایی که از زمین می روید و خوراکی و پوشاکی و از معادن نباشد و سجده به کاه و علف که مأکول انسان نباشد جایز است و افضل آن است که پیشانی را بر تربت قبر حضرت سیدالشهداء(ع) گذارد.

۹ – آنکه جای پیشانی پاک باشد.

۱۰ – آنکه ذکر سجده را به عربی صحیح و پی درپی بگوید.

مسئله ۲۵۶ اگر در وسط نماز مهر خود را گم کرد و چیزی که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد در وسعت وقت باید نماز را قطع

کند و تحصیل چیزی که سجده بر آن صحیح است بنماید.

والّا بر لباسش اگر از کتان یا پنبه است سجده کند و اگر لباس از پنبه و کتان ندارد بر لباس های دیگر و اگر ممکن نیست بر پشت دست و اگر نمی شود به چیزی که از معدن باشد سجده کند.

مسئله ۲۵۷ واجب است در حال سجده کف دست ها را بر زمین بگذارد مگر در حال ناچاری که پشت آنها را بر زمین گذارد.

مسئله ۲۵۸ اگر پیشانی را بر جایی گذارد که از جای پا بلندتر باشد به طوری که آن را سجده نگویند پیشانی را بردارد و بر جایی که سجده بر آن صحیح است بگذارد.

مسئله ۲۵۹ اگر نتواند سجده کند و قادر بر خم شدن نیست به سر اشاره کند و اگر به سر هم نمی تواند با چشم ها اشاره کند.

مسئله ۲۶۰ مستحب است گفتن «استغفرالله ربّی واتوب الیه» در حال نشستن میان دو سجده، و در حال برخاستن گفتن بحول الله و قوته اقوم واقعد.

مسئله ۲۶۱ در تشهد چند چیز واجب است. ۱و۲ – شهادتین و صلوات یعنی بگوید «اشهد ان لااله الاالله وحده لاشریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله الهم صل علی محمد و آل محمد». ۳ – اینکه ذکر تشهد را نشسته بخواند. ۴ – در حالی که بدنش قرار و آرام داشته باشد بخواند. ۵ – اینکه ذکر تشهد را به همین ترتیبی که گفته شد بخواند. ۶ – آنکه کلمات و حرف های آن را به طور معمول و پی درپی بگوید. ۷ – به عربی صحیح و بی غلط بخواند.

مسئله

۲۶۲ سلام دو جمله دارد: ۱ - «السلام علینا و علی عبادالله الصالحین» ۲ - «السلام علیکم بهتر است ضم نماید به آن و رحمه الله و برکاته» و احتیاط غیر واجب آن است که اگر جمله اول را خواند جمله دوم را هم بخواند ولی گفتن جمله دوم به تنهایی کافی است و امّا «السلام علیك ایهاالنبی و رحمه الله وبرکاته» سلام نماز نیست بلکه جزء تشهد رکعت آخر است ومستحب است.

ترتیب و موالات

واجب است نمازگذار کارهای نماز را به ترتیبی که گفته شد به جا آورد به این گونه که اول تکبیره الاحرام را بگوید و بعد حمد و بعد سوره را بخواند و بعد رکوع به جا آورد و همین طور سایر اجزاء و کارهای نماز را به جا آورد.

مسئله ۲۶۳ اگر کسی عمداً یکی از کارهای نماز را برخلاف ترتیب به جا آورد نماز او باطل است.

مسئله ۲۶۴ واجب است موالات یعنی افعال نماز مثل تکبیره الاحرام و حمد و سوره و رکوع و سجود و تشهد و سلام را پی درپی به جا آورد و اگر کسی عمداً یا سهواً بین آنها فاصله قرار دهد به مقداری که موجب محو اسم نماز شود (یعنی نگویند نماز می خواند) نمازش باطل است.

مسئله ۲۶۵ واجب است کلمات و آیات قرائت نماز را نیز پی درپی به جا آورد و همچنین کلمات اذکار را و اگر عمداً به قدری فاصله بین آنها قرار دهد که نگویند حمد یا سوره یا تشهد می خواند مثلاً و به همین نحو نماز را تمام کند نمازش باطل است.

قنوت نماز

در تمام نمازهای واجب و مستحب، مستحب است قنوت بخواند.

مسئله ۲۶۶ محل قنوت پیش از رکوع رکعت دوم در هر نماز است، ولی در نماز وتر که یك رکعت است پیش از رکوع همان رکعت و در نماز عید قربان و عید فطر در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد و در نماز آیات پنج قنوت دارد.

مسئله ۲۶۷ در قنوت خواندن ذکر و صلوات کافی است و بهتر این است که بخواند «لااله الاالله الحلیم الکریم

لااله الاالله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم والحمدلله رب العالمین».

تعقیب نماز

مستحب مؤکد است که نمازگذار بعد از نماز قدری بنشیند و مشغول دعا و ذکر و تلاوت قرآن و اعمال حسنه دیگر باشد و از جمله تعقیباتی که خیلی فضیلت دارد تسبیح حضرت زهرا(س) است و آن گفتن سیوچهار مرتبه «الله اکبر» و بعد سیوسه مرتبه «الحمدلله» و بعد سیوسه مرتبه «سبحان الله» است.

مبطلات نماز

مبطلات نماز دوازده چیز است:

اول - آنکه در بین نماز با وسعت وقت یکی از شرط های نماز مثل ساتر و اباحه مکان و لباس از بین برود.

دوم - آنکه در بین نماز حدث اکبر یا اصغر از او صادر شود عمداً یا سهواً اختیاراً. یا به غیر اختیار مگر در مسلوس و مبطون که حکم آن گذشت.

سوم - تکفیر است و معنی آن گذاردن دست ها روی هم است به طوری که غیرشیعه می گذارد پس اگر کسی عمداً دست ها را به این نحو روی هم گذارد نمازش باطل می شود ولی از روی فراموشی و در حال تقیه و ناچاری مانعی ندارد.

چهارم - عمداً پشت به قبله کردن، یا به طرف راست و چپ قبله برگشتن، بلکه اگر از قبله برگردد به طوری که از رو به قبله بودن خارج شود نماز او باطل است هرچند به طرف راست و چپ نرسد.

بلکه اگر تنها صورت خود را هم از قبله برگرداند به طرف پشت سر و بدن از قبله منحرف شود نماز او باطل می شود.

و اگر کمی صورت خود را به طرف راست و چپ بگرداند به طوری که بدن او رو به قبله باشد نمازش باطل نمی شود، ولی احتیاط مستحب ترك این

کار است.

و همچنین باطل می شود نماز اگر از روی فراموشی پشت به قبله نماید یا به سوی راست و چپ قبله برگردد یا صورت خود را به پشت قبله برگرداند.

ولی اگر از روی فراموشی به قدر کمی از قبله برگردد که به طرف راست یا چپ قبله متوجّه نگشته باشد نماز او صحیح است.

پنجم - کلام عمدی است اگرچه دو حرف مهمل و بی معنی باشد یا یک حرف معنی دار و بنا بر احتیاط لازم فرق نمی کند در باطل شدن نماز به یک حرف معنی دار که قصد معنی آن را داشته باشد یا نداشته باشد ولی اگر یک حرف معنی دار بگوید و ملتفت معنی آن نباشد نمازش باطل نمی شود.

مسئله ۲۶۸ کلام آدمی عمداً موجب بطلان نماز است اگرچه از روی اضطرار و ناچاری باشد.

مسئله ۲۶۹ جایز نیست که نمازگذار در حال نماز به کسی سلام یا تحیت های دیگر بگوید.

و جواب سلام در حال نماز مثل سایر حالات واجب است. و باید به یکی از چهار صیغه (سلام علیکم - سلام علیك - السلام علیك - السلام علیکم) در جواب بگوید ولو سلام کننده به غیر این صیغه ها سلام کرده باشد.

مسئله ۲۷۰ اگر کسی به نمازگذار غلط سلام کند اگر به طوری باشد که بگویند سلام کرده بنا بر احتیاط باید سلام او را جواب بدهد صحیحاً.

ششم - از مبطلات نماز خنده صدادار است که عمداً نماز را باطل می کند و اما سهواً مبطل نیست، و تبسم ضرر ندارد.

هفتم - گریه برای مطلبی از مطالب دنیایی است که اگر عمداً با صدا باشد؛

باعث بطلان نماز است.

و گریه برای ترس از خدا ضرر ندارد بلکه از اعمال فاضله است.

مسئله ۲۷۱ اگر برای طلب حاجت های دنیایی از روی تـذلل از برای خـدا گریه کند تا حاجتش را بر آورد ضـرر ندارد مگر به حدی که از صورت نمازگذار خارج شود.

نهم - خوردن و آشامیـدن است به مقـداری که صورت نماز به هم بخورد، بلکه بنا بر احتیاط خوردن و آشامیدن در نماز جایز نیست اگرچه فقط موالات نماز به واسطه آن به هم خورد، ولی فرو دادن باقیمانده غذا که در دهان یا بُن دندان ها مانده و زیاد نباشد ضرر ندارد.

دهم - گفتن آمین بعد از خواندن حمد.

ولی اگر از روی فراموشی یا از جهت تقیه بگوید ضرر ندارد.

یازدهم - شک در رکعت های نماز دو رکعتی و سه رکعتی و شک در دو رکعت اول از نمازهای چهار رکعتی است.

دوازدهم - زیـاد یـا کم کردن جزیی از اجزاء نمـاز است که، اگر رکن نباشـد و عمـداً آن را کم و زیاد کنـد نمازش باطل می شود و اگر رکن باشد چه عمداً و چه سهواً کم یا زیاد کند نمازش باطل می شود.

مسئله ۲۷۲ قطع نماز واجب و شکستن آن حرام و برای حفظ مال یا دفع ضرر جایز است.

مسئله ۲۷۳ واجب است شکسـتن نمـاز برای حفـظ جـان انسان یا مال آن که حفظش واجب باشـد و موقوف باشـد حفظ آن به شکستن نماز.

مسئله ۲۷۴ اگر در وسعت وقت طلبکار طلب خود را مطالبه کند و پرداخت آن موقوف به شکستن نماز باشد واجب است نماز را بشکند و طلب او را بپردازد لکن

اگر معصیت کرد و نماز را تمام کرد نماز باطل نیست.

نماز آیات

مسئله ۲۷۵ واجب است خواندن نماز آیات به واسطه یکی از چهار چیز:

اول و دوم - کسوف (گرفتن آفتاب) و Θəṣ`(گرفتن ماه).

سوم - زمین لرزه اگر چه باعث ترس کسی نشود.

چهارم - وزش بادهای سیاه و سرخ و زرد و تاریکی های شدید و صاعقه و مانند آنها از چیزهای آسمانی که موجب ترس بیشتر مردم می شود.

و اما چیزهای زمینی وجوب نماز برای آنها مبنی بر احتیاط است.

وقت نماز آیات

وقت نماز آیات در گرفتن آفتاب و گرفتن ماه در موقعی است که شروع به گرفتن می کند تا زمانی که تمام قرص باز شود و بهتر آن است که احتیاطاً قرص شروع به باز شدن نکرده نماز را بخواند.

و امّا در مثل زمین لرزه و صاعقه و تاریکی های شدید و مانند آنها باید فوراً نماز را بخواند و اگر فوراً نخواند معصیت کرده و باز هم باید فوراً بخواند و تا آخر عمر هر وقت بخواند اداء است.

نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت باید پنج رکوع و دو سجده بعد از برداشتن سر از رکوع پنجم به جا آورد.

و آن را به چند نحو می توان به جا آورد و ما در اینجا دو قسم آن را ذکر می کنیم:

اول - اینکه پس از نیّت نماز آیات تکبیره الاحرام بگوید و حمد و سوره را تا آخر بخواند و به رکوع برود و بعد از ذکر رکوع سر بردارد و بعد از هر رکوع حمد و سوره را تماماً بخواند و بعد از ذکر رکوع پنجم سر از رکوع بردارد و برود به سجده دو سجده را به

جا آورد و برخیزد بایستد و مثل رکعت اول پنج رکوع به جا آورد پیش از هر رکوع یک حمد و سوره تمام بخواند و بعد از رکوع پنجم برود به سجده و بعد از سجده دوم بنشیند و تشهد و سلام بگوید.

دوم - اینکه اگر کسی بخواهد آن را مختصر بخواند می تواند پیش از رکوع رکعت اول حمد را تا آخر بخواند و یک سوره را پنج قسمت کند و قبل از هر رکوع یک قسمت آن را بدون حمد بخواند که قبل از رکوع پنجم سوره تمام شود و همینطور در رکعت دوم.

مسئله ۲۷۶ تمام آنچه در نمازهای یومیه لازم است در نماز آیات نیز معتبر است.

مسئله ۲۷۷ مستحب است که پیش از رفتن به هر یک از رکوع ها و بعد از سر برداشتن از رکوع الله اکبر بگوید. ولی بعد از رکوع پنجم و دهم گفتن تکبیر مستحب نیست.

و مستحب است در هر رکعت بعد از برداشتن سر از رکوع پنجم سمع الله لمن حمده بگوید.

مسئله ۲۷۸ اگر علم حاصل کند به گرفتن ماه یا آفتاب و نماز نخواند تا وقت بگذرد معصیت کرده و باید قضای آن را به جا آورد، و نیز اگر علم پیدا کرد به خسوف یا کسوف و فراموش کرد تا وقت گذشت باید قضای نماز را به جا آورد.

مسئله ۲۷۹ اگر در وقت خسوف یا کسوف علم به آن حاصل نکرد تا وقت گذشت و بعد ملتفت شد، پس اگر تمام قرص گرفته باشد واجب است نماز آن را قضاء کند و اگر تمام قرص نگرفته باشد واجب نیست.

مسئله ۲۸۰ اگر غیر از

خسوف و کسوف یکی از آیات دیگر مثل زمین لرزه و امثال آن اتفاق افتد و علم به آن پیدا نکند تا بعد از وقوع آن واجب است نماز آن را بعد از علم فوراً به جا آورد.

مسئله ۲۸۱ نماز آیات بر کسی واجب می شود که در شهری باشد که در آن سبب وجوب نماز آیات اتفاق افتاده، و بر کسی که در شهرهای دیگر باشد واجب نیست مگر آنکه به طوری متصل به آن باشد که هر دو را یک مکان بگویند.

مسئله ۲۸۲ اگر موقعی که ماه یا خورشید می گیرد زن حائض یا در نفاس باشد نباید در آن حال نماز آیات به جا آورد ولی بعد از آنکه پاک شد بنا بر احتیاط لازم باید آن را به جا آورد و قصد اداء و قضاء ننماید و اگر زلزله یا رعد و برق و مانند اینها اتفاق بیافتد واجب است که بعد از پاک شدن نماز آیات را بخواند.

نماز قضاء

اگر کسی نمازی از نمازهای پنج گانه یومیه را عمداً، یا از روی فراموشی یا نادانی یا به واسطه ای مثل مرض یا خواب نخواند تا وقت بگذرد واجب است قضای آن را به جا آورد.

و همچنین اگر به واسطه ترک جزئی مثل رکوع یا فقدان شرطی مثل طهارت نمازش باطل باشد و در وقت آن را اعاده نکرده باشد واجب است آن را قضاء کند.

مسئله ۲۸۳ بر کسی که در تمام وقت نماز دیوانه یا بی هوش بوده قضای آن نماز واجب نیست.

مسئله ۲۸۴ مستحب است که اطفال ممیز را تمرین و عادت دهند بر قضای نمازهایی که از آنها

فوت شده چنانکه مستحب است تمرین و عادت دادن آنها را بر ادای همه نمازهای واجب و نوافل، بلکه مستحب است تمرین و عادت دادن آنها بر هر عبادت و عمل صالح و خلق و روش نیکی.

و واجب است بر اولیای اطفال که آنها را از هر کاری که باعث ضرر بر خودشان و دیگران باشد جلوگیری کنند، چنانچه حرام است آنها را در مدارس در تحت تعلیم معلمین فاسق و بی ایمان که سبب فساد اخلاق و عقیده طفل می شوند بگذارند بلکه باید مخصوصاً در عصر ما کمال مراقبت و مواظبت را مسلمانان بنمایند و تا کاملاً از وضع کودکستان و دبستان و دبیرستان از هر جهت مطمئن نشده اند از فرستادن فرزندان معصوم خود به اینگونه جاها خودداری کنند و وزر وبال فساد عقیده اولاد بلکه اولاد اولاد خود را تا روز قیامت به گردن نگیرند.

نماز جماعت

نماز جماعت از مستحبات مؤکده است در تمام نمازهای فرایض یومیه و تأکید آن در نماز صبح و مغرب و عشاء، نسبت به همسایگان مسجد و کسانی که صدای مؤذن را می شنوند بیشتر است و به قدری اخبار در فضیلت نماز جماعت و مذمت کسانی که آن را ترک می نمایند رسیده که آن را نزدیک به واجبات می سازد.

در حدیث است که اگر جماعت از دو نفر تشکیل شود برای هر یک به هر رکعتی ثواب یکصدوپنجاه رکعت نماز است و اگر سه نفر شوند به هر رکعتی ثواب ششصد نماز و اگر چهار نفر شوند به هر رکعتی ثواب هزارودویست نماز و اگر پنج نفر باشند به هر رکعتی ثواب دوهزار و

چهارصد نماز و اگر شش نفر باشند ثواب چهارهزار و هشتصد نماز و اگر هفت نفر باشند ثواب نه هزار و ششصد نماز و اگر هشت نفر باشند به هر رکعت ثواب نوزده هزار و دویست نماز و اگر نه نفر شوند به هر رکعت ثواب سیوشش هزار و چهارصد نماز و اگر ده نفر شدند به هر رکعت ثواب هفتاد و دوهزار و هشتصد نماز خواهد داشت و اگر زیاده بر ده نفر شدند اگر آسمان ها کاغذ و دریاها مرکب و درخت ها قلم و جن و انس و ملایک نویسنده شوند ثواب یک رکعت آن را نتوانند بنویسند و در همین حدیث است که آن الله اکبر که با امام جماعت می گوید بهتر از شصت هزار حج و عمره و بهتر از دنیا و مافیها است هفتادهزار مرتبه و رکعتی که مؤمن از نماز جماعت درک می کند بهتر است از صدهزار دینار که صدقه بدهد به فقراء و سجده آن بهتر است از آزاد کردن صد بنده و شاید هیچ مستحبی اینهمه فایده و نتیجه را نداشته باشد، و از اخبار استفاده می شود که با کسی که تارک نماز جماعت باشد معاشرت نباید کرد و طرف شور و اعتماد نباید واقع شود و به او زن ندهند تا آنکه حاضر به نماز جماعت شود پس مقتضای ایمان این است که بدون عذر انسان نماز جماعت را ترک نکند و مراقبت و مداومت نسبت به آن داشته باشد، زیرا در اخبار است که شیطان از هیچ عبادتی مانند نماز جماعت مردم را مانع نمی شود پس نباید به وسوسه های

شیطانی که از جهت عدالت امام و جهات دیگر می کند ترک جماعت نمود.

مسئله ۲۸۵ لازم است بر کسی که قادر بر تعلم قرائت است و از روی مسامحه و تقصیر تعلم نکرده نمازهای خود را به جماعت بخواند اگر ممکن باشد.

مسئله ۲۸۶ جایز است هر یک از نمازهای فرایض یومیه را به نماز دیگر اقتداء کند و همچنین جایز است کسی که نماز اداء می خواند به کسی که نماز قضاء می خواند و کسی که نماز او به واسطه سفر شکسته (قصر است) به کسی که نماز تمام می خواند اقتدا کند چنانچه به عکس هم جایز است.

مسئله ۲۸۷ مأموم باید در نماز جماعت علاوه بر نیّت اصل نماز نیّت اقتداء نیز داشته باشد و باید مأموم در نیّت خود پیش نمازی را که به او اقتداء می کند معیّن کند.

مسئله ۲۸۸ در هر جای نماز مأموم می تواند قصد فرادی کند.

مسئله ۲۸۹ اگر مأموم وقتی رسید که امام جماعت در رکوع است می تواند اقتداء کند و پس از ادراک رکوع امام قصد فرادی کند.

مسئله ۲۹۰ اگر در نماز ظهر مثلاً با عذر قصد فرادی کند و نماز را تمام کند و هنوز امام مشغول همان نماز باشد می تواند نماز عصر را به آن نماز اقتدا کند.

مسئله ۲۹۱ اگر وقتی برسد که امام جماعت در رکوع باشد یا آنکه از اول رکعت برسد ولی داخل نماز نشود تا امام به رکوع برود جایز است در همان حالی که امام به رکوع است نیّت کند و تکبیره الاحرام را بگوید و برود به رکوع پس اگر قبل از سر برداشتن امام از

رکوع به رکوع برسد جماعت او صحیح است اگرچه به ذکر رکوع امام نرسد.

و اگر پیش از آنکه به حدّ رکوع برسد امام سر از رکوع برداشت کافی نیست، و همچنین اگر امام شروع به سر برداشتن نموده باشد هرچند از حدّ رکوع خارج نشده باشد بنا بر احوط.

مسئله ۲۹۲ اگر اطمینان به رسیدن به رکوع امام ندارد می تواند اقتدا کند چنانچه درک رکوع امام را نموده نماز و جماعت هر دو صحیح است.

مسئله ۲۹۳ اگر در حالی که پیش نماز در رکوع است به نیّت اقتدا تکبیره الاحرام گفت ولی پیش از رفتن به رکوع پیش نماز سر از رکوع برداشت مخیر است بین آنکه همانطور ایستاده صبر کند تا وقتی که پیش نماز برای رکعت بعد برخاست آن را رکعت اول خود قرار دهد و نماز را تمام کند، یا نیت فرادی نماید، یا متابعت امام را در سجده بنماید و آن سجده را حساب نکند.

شرایط نماز جماعت

در نماز جماعت علاوه بر آنچه گفته شد چند شرط را باید رعایت کرد:

اول - آنکه باید میان مأموم و امام چیزی که مانع دیدن است حائل نباشد و همچنین باید میان مأموم و مأمومین دیگر که واسطه اتصال او به امام هستند چیزی که مانع از دیدن آنها است ولو در بعض حالات حائل نباشد وگرنه جماعت باطل می شود، ولی اگر مأموم زن باشد و امام مرد بود وجود مانع میان او و امام و میان او و مردهایی که مأمومند ضرر ندارد.

دوم - آنکه جای امام از جای مأموم به قدر یک وجب بیشتر بلندتر نباشد.

سوم - آنکه بین مأموم و امام

در صورتی که پهلوی هم ایستاده باشند و بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام در صورتی که مأموم پشت سر امام ایستاده باشد بیشتر از یک قدم غیر معمولی که تقریباً یک متر می باشد فاصله نباشد و همچنین است محل ایستادن صف جلو و محل سجده صف عقب و احتیاط مستحب در قدم آن است که از معمولی بیشتر نباشد بلکه بهتر آن است که احتیاطاً میان جای ایستادن امام با جای ایستادن مأموم به مقدار جسد انسان وقتی به حال سجده است فاصله بیشتر نباشد و همچنین میان دو صف.

چهارم - اینکه مأموم جلوتر از امام نایستد. بلکه لازم است مختصری مأموم عقب تر از امام بایستد در تمام حالات نماز.

مسئله ۲۹۴ اگر مأمومین صف اول هنوز داخل نماز نشده باشند ولی آماده و مهیای داخل شدن باشند حائل بودن و فاصله شدن آنها ضرر ندارد.

مسئله ۲۹۵ اگر جمعی از کسانی که در صف اول هستند به واسطه بلند بودن صف یا به واسطه آنکه امام داخل محراب است نتوانند امام را ببینند ضرر ندارد.

مسئله ۲۹۶ اگر قبل از امام سر از رکوع برداشت از روی فراموشی، باید دوباره برای متابعت به رکوع برود، و اگر به رکوع رفت و پیش از آنکه به حد رکوع برسد امام سر از رکوع برداشت نماز او باطل است. و اگر در یک سجده پیش از امام سر بردارد و برای متابعت به سجده رفت ولی معلوم شود پیش از آنکه سر به مهر گذارد امام سر برداشته نمازش صحیح است.

و اگر پیش از امام عمداً به سجده یا به رکوع برود جایز

نیست برگردد و نماز صحیح است لکن در ترک متابعت معصیت کرده.

مسئله ۱۲۹۷ اگر از روی فراموشی پیش از امام به رکوع و یا به سجده رفت لازم نیست که برگردد بایستد و یا بنشیند و با او به رکوع یا به سجده برود بلکه می تواند به همان حالت بماند تا امام به رکوع یا سجده رود نماز و جماعت او هر دو صحیح است و می تواند برگردد و متابعت امام را بنماید.

مسئله ۱۲۹۸ اگر مأموم در حالی که امام مشغول قرائت است عمداً به رکوع برود نماز او باطل می شود و اگر از روی فراموشی به رکوع برود می تواند برگردد به قیام و با امام به رکوع برود و اگر برنگردد و صبر کند تا امام به رکوع رود نماز صحیح است.

مسئله ۱۲۹۹ اگر مأموم پیش از امام عمداً ذکر واجب را نگفته سر از رکوع یا سجده بردارد نمازش باطل است.

مسئله ۱۳۰۰ اگر مأموم در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کرده باید حمد و احتیاطاً سوره یا بعض آن را بخواند و اگر فرصت خواندن سوره را نیافت به واسطه رفتن امام به رکوع سوره را ترک کند و به حمد تنها اکتفا نماید و خود را به رکوع امام برساند و اگر به خواندن حمد تنها هم نمی رسد لازم است که حمد را تمام کند و خود را در سجده به امام برساند و نمازش صحیح است و می تواند قصد فرادی نماید.

مسئله ۱۳۰۱ اگر در رکعت سوم یا چهارم رسید می تواند صبر کند تا وقتی امام به رکوع رفت اقتدا کند ولی اگر پیش

از رفتن او به رکوع اقتدا کند باید به طوری که در مسئله پیش گفته شد عمل کند و اگر بداند مهلت ندارد حمد بخواند احوط استحبابی آن است که اقتدا نکند تا امام به رکوع برود و مستقر شود.

شرایط امام جماعت

امام جماعت باید دارای چند صفت باشد:

۱ – بالغ باشد. ۲ – عاقل باشد. ۳ – مؤمن یعنی شیعه اثنی عشری باشد. ۴ – عادل باشد. ۵ – ولدالزنا نباشد. ۶ – اگر تمام یا بعضی مأمومین او مرد هستند مرد باشد و اقتدا به زن برای زن جایز است. ۷ – نماز امام نشسته یا خوابیده نباشد که در این صورت ایستاده به نشسته و خوابیده و نیز نشسته به خوابیده نمی تواند اقتدا کند. ۸ – امام قرائتش صحیح باشد. پس اگر حمد و سوره را غلط بخواند مثل آنکه حرفی را از مخارج اداء نکند یا حرفی را نگوید یا اعراب کلمه ای را غلط بگوید هرچند قدرت صحیح خواندن نداشته باشد اقتدا به او جایز نیست.

مسئله ۳۰۲ وثوق و اطمینان به عدالت امام جماعت کافی است در جواز اقتدا به او هرچند از اقتدا یک نفر یا جمعی به او حاصل شود.

مسئله ۳۰۳ مستحب است وقتی «قد قامت الصلوه» گفته شد مأمومین برخیزند و نیز مأموم وقتی امام از خواندن حمد در رکعت اول و دوم فراغت یافت بگوید «الحمدلله رب العالمین».

شکیّات نماز

مسئله ۳۰۴اگر کسی بعد از وقت شک کند که نمازش را خوانده یا نه اعتنا نکند و بنا گذارد بر آنکه نماز را خوانده است.

و اگر در وقت شک کند که نماز را خوانده یا نه باید بخواند.

مسئله ۳۰۵اگر در وسط نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه اگر وقت مختص به عصر است بنا گذارد بر آنکه نماز ظهر را خوانده، ولی اگر در وقت مشترک بین ظهر و عصر است

عدول به ظهر کند و بقیه نماز را به قصد ظهر به جا آورد و بعد نماز عصر را بخواند.

مسئله ۱۳۰۶اگر در وسط نماز در بعض اجزاء نماز شک کند که به جا آورده یا نه و هنوز داخل جزء بعد نشده باشد باید آن جزء را به جا آورد مثلاً اگر شک کند در خواندن حمد پیش از داخل شدن در سوره باید آن را به جا آورد.

مسئله ۱۳۰۷اگر در جزئی از اجزاء نماز شک کند بعد از داخل شدن در جزء دیگر به آن شک اعتنا نکند، مثلاً اگر شک کرد در خواندن حمد بعد از شروع به خواندن سوره به آن شک اعتنا نکند، بلکه اگر شک کرد در خواندن آیه ای بعد از شروع در آیه بعد یا شک کرد در خواندن اول آیه بعد از شروع به خواندن آخر آیه به شکش اعتنا نکند.

مسئله ۱۳۰۸اگر بعد از داخل شدن در جزء بعد شک کند در چیزی از اجزاء قبل مثل رکوع یا سجود یا قرائت یا ذکر رکوع و سجود که آن را صحیح به جا آورده یا نه بنا بر صحّت آن گذارد و نمازش صحیح است.

شک در عدد رکعت های نماز

مسئله ۳۰۹ شک هایی که سبب بطلان نماز می شود هشت شکند:

اول - شک در عددهای دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر.

دوم - شک در سه رکعتی (مغرب).

سوم - شک میان یک و زیادتر.

چهارم - شک میان دو و زیادتر پیش از سر بلند کردن از دو سجده.

پنجم - شک میان چهار و شش یا زیادتر.

هشتم - شک در همه رکعت ها به طوری که نداند چند

رکعت به جا آورده.

مسئله ۳۱۰ شک های صحیح در نماز چهار رکعتی نه قسمند:

اول – شک میان دو و سه بعد از تمام کردن هر دو سجده و سر برداشتن از سجده دوم که در این صورت باید بنا را بر سه گذارد و رکعت چهارم را به جا آورد و بعد از سلام یک رکعت ایستاده به جا آورد.

دوم – شک میان سه و چهار در هر موقع که اتفاق افتاد بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و دو رکعت نشسته یا یک رکعت ایستاده به جا آورد.

سوم – شک میان دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند بعد از سلام نماز دو رکعت ایستاده به جا آورد.

چهارم – شک میان دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و اول دو رکعت ایستاده و بعد دو رکعت نشسته به جا آورد.

پنجم – شک میان چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد دو سجده سهو به جا آورد.

ششم – شک میان چهار و پنج در حال قیام که باید بنشیند و بنا را بر چهار بگذارد و تشهد و سلام بگوید و بعد دو رکعت نشسته یا یک رکعت ایستاده به جا آورد.

هفتم – شک میان سه و پنج است در حال قیام که باید بنشیند و شک او راجع

می شود به اینکه دو رکعت به جا آورده یا چهار رکعت و باید بنا را بر چهار گذارد و تشهد و سلام بگوید و دو رکعت ایستاده به جا آورد.

هشتم - شک میان سه و چهار و پنج است در حالی که ایستاده است باید بنشیند و شک او میان دو و سه و چهار می شود پس بنا را بر چهار گذارد و تشهد و سلام بگوید و بعد دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته به جا آورد.

نهم - شک میان پنج و شش در حال قیام است که باید بنشیند و برگشت شک او به این است که چهار رکعت به جا آورده یا پنج رکعت پس بنا بر چهار گذارد و تشهد و سلام بگوید و دو سجده سهو برای شک چهار و پنج به جا آورد.

مسئله ۳۱۱ تمامیّت و اکمال هر دو سجده به سر برداشتن از سجده دوم است اگرچه بهتر آن است که احتیاطاً در شک میان دو و سه و شک دو و چهار و شک دو و سه و چهار اگر بعد از تمام کردن ذکر واجب سجده دوم و پیش از برداشتن سر از سجده شک کرد به طوری که گفته شد بنا گذارد و نماز را تمام کند و بعداً آن را اعاده نماید.

مسئله ۳۱۲ عمل به احکام شک یعنی بناگذاری در شکوک صحیحه یا حکم به بطلان نماز در شکوک باطله جایز نیست، مگر بعد از تأمل و فکر تا آنکه شک مستقر شود پس اگر به تأمل و فکر علم یا مظنه به یکی از دو طرف شک پیدا کرد به

علم یا مظنه خود عمل کند و اگر در شکش باقی ماند عمل شک را به جا آورد.

نماز احتیاط

مسئله ۳۱۳ دستور خواندن نماز احتیاط این است، که بعد از نمازی که شک در آن واقع شده بایستد و نیّت نماز احتیاط کند و تکبیره الاحرام بگوید و حمد تنها را آهسته بخواند و رکوع و دو سجده به جا آورد و تشهد و سلام بگوید و اگر نماز احتیاط واجب بر او دو رکعت است بعد از سجده دوم برخیزد و رکعت دوم را به جا آورد و بعد از سجده، تشهد و سلام بگوید.

قضای سجده و تشهد فراموش شده

مسئله ۳۱۴ اگر یک سجده یا تشهد اول را فراموش کند و بعد از رفتن به رکوع رکعت بعد ملتفت شود باید بعد از نماز قضای تشهد یا سجده فراموش شده را با رعایت تمام شرایط نماز به جا آورد.

موجبات سجده سهو

واجب است به جا آوردن دو سجده سهو برای چند چیز:

اول – آنکه در میان نماز سهواً تکلم کند به کلام آدمی.

دوم – برای فراموش کردن تشهد.

سوم – برای شک میان چهار و پنج.

مسئله ۳۱۵ طریق به جا آوردن سجده سهو آن است که بعد از سلام فوراً به نیّت سجده پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح باشد بگذارد و بگوید «بسم الله و بالله السلام علیک ایهاالنبی و رحمه الله و برکاته» و بنا بر احتیاط السلام علیک را دو مرتبه بگوید بدون واو و با کلمه واو، بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر مذکور را دوباره بگوید و بنشیند و بنا بر احتیاط تشهد را به نحو معمول بخواند و سلام دهد.

نماز مسافر

واجب است بر مسافر قصر (یعنی نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت خواندن) با داشتن چند شرط:

اول – آنکه سفر او هشت فرسخ شرعی باشد (و فرسخ شرعی تقریباً پنج کیلومتر و نیم است)

اگرچه مجموع رفتن و برگشتن او هشت فرسخ باشد به شرط آنکه هر یک از رفتن و برگشتن کمتر از چهار فرسخ نباشد.

پس اگر کمتر از هشت فرسخ شود به نحوی که ذکر شد باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۱۶اگر سـفر او چهار فرسخ رفتن و چهار فرسخ برگشـتن باشد و در بین قصد اقامه عشره نداشته باشد باید نماز را قصر کند اگرچه بخواهد بعد از نه روز مراجعت کند.

دوم – آنکه از اول سـفر قصد هشت فرسخ داشـته باشد پس اگر از اول مثلاً قصد شش فرسخ داشت و بعد از رسیدن به مقصد قصد دو

فرسخ دیگر نمود باید نماز را تمام کند، مگر آنکه بعد از رسیدن به مقصد قصد چهار فرسخ دیگر یا بیشتر بنماید و عازم برگشتن هم باشد که قصد هشت فرسخ تمام داشته باشد پس باید نماز را قصر کند.

مسئله ۳۱۷ در قصد هشت فرسخ لازم نیست که انسان مستقل در قصد باشد بلکه اگر به متابعت از دیگری هم قصد داشته باشد مثل زن که به متابعت از شوهر یا کلفت و نوکر که به متابعت از ارباب خود قصد هشت فرسخ داشته باشند باید قصر کنند.

سوم - آنکه به قصد هشت فرسخ باقی باشد پس اگر در بین راه پیش از آنکه به چهار فرسخ برسد از قصد خود برگردد یا مردد شود باید نماز را تمام بخواند.

چهارم - اینکه از اول سفر قصدش این نباشد که پیش از رفتن هشت فرسخ در جایی ده روز یا زیادتر بماند یا آنکه از وطنش عبور کند والا باید نماز را تمام بخواند بلکه اگر مردد هم باشد در آنچه گفته شد باید نماز را تمام بخواند.

پنجم - آنکه سفر حرام نباشد پس اگر حرام باشد باید نماز را تمام بخواند، چه آنکه خود سفر حرام باشد مثل فرار کردن از جهاد یا سفر کردن زن بی اجازه شوهر در صورتی که ناشزه بر او صدق کند و سفر فرزند با نهی پدر اگر اذیت شود و چه آنکه برای کار حرام سفر بکند مثل سفر برای کشتن نفس محترمه یا برای سرقت یا یاری ظالم در ظلمش.

ششم - آنکه از بادیه نشینان که خانه به دوش هستند و مسکن معین ندارند و در صحراها

و بیابان ها هر کجا سبزه و آب باشد منزل می کنند نباشد.

هفتم - آنکه سفر کار و شغل او نباشد مثل مکاری و راننده و ناخدا و خلبان و چوپان و ساربان پس اگر از این اشخاص باشد باید در سفری که شغل او است نماز را تمام به جا آورد و روزه اش را بگیرد.

مسئله ۳۱۸ همین مقدار که کسی را بگویند شغلش مسافرت است باید در سفری که شغل او است نماز را تمام به جا آورد.

و شغل گردیدن سفر برای شخص محقق می شود به سفرهای زیاد (سه یا بیشتر) چه از وطن حرکت کند و چه از غیر وطن و یا به طولانی شدن سفر واحد به طوری که بگویند سفر کار او است.

هشتم - رسیدن به حدّ ترخص است یعنی از وطنش به قدری دور شود که صدای اذان را نشنود و اهل آن محل از نظر او پنهان شوند.

مسئله ۱۳۱۹اگر اهل محل را نبیند ولی صدای اذان را بشنود یا صدای اذان را نشنود ولی اهالی را ببیند، احتیاط لازم این است که صبر کند تا هر دو علامت حاصل شود نماز را بخواند یا آنکه جمع بین قصر و اتمام نماید.

مسئله ۱۳۲۰اگر مسافر در موقع مراجعت به وطن به جایی برسد که صدای اذان وطنش را بشنود و دیوارهایش را ببیند باید نمازش را تمام بخواند.

مسئله ۳۲۱ وطن محلی است که انسان آن را مسکن خود قرار دهد به طوری که او را ساکن و مقیم آن محل بدانند و چه وطن اصلی او یعنی مسکن پدر و مادر و محل ولادت او باشد

و چه آنکه محلی دیگر باشد که آنجا را مسکن خود قرار داده باشد ولی باید در محلی که وطن اصلی او نیست به قدری بماند که آنجا را عرفاً وطن و مسکن او بگویند.

مسئله ۱۳۲۲ ممکن است انسان دو وطن یا بیشتر داشته باشد مثل آنکه در دو شهر یا دو ده منزل و عائله داشته باشد و هر دو را مسکن خود قرار دهد.

مسئله ۱۳۲۳ وطن پدر و مادر برای فرزندی که تابع آنها است تا موقعی که از آن اعراض ننموده وطن محسوب می شود.

مسئله ۱۳۲۴ اگر نیّت اقامه ده روز بنماید که یک نماز چهار رکعتی یا بیشتر بخواند و بعد از نیّت خود برگردد باید تا موقعی که در آن مکان است نمازهایش را تمام بخواند و اگر پیش از تمام شدن نماز چهار رکعتی از نیّت خود برگشت باید نمازش را قصر نماید.

مسئله ۱۳۲۵ اگر کسی قصد ماندن ده روز بنماید و بعد از ده روز قصد کند به مکانی برود و برگردد که مجموع رفتن و برگشتن او هشت فرسخ نباشد و قصد داشته باشد که در مراجعت در همان مکان اول ده روز بماند، باید نمازهای خود را در رفتن و برگشتن به مقصد و محل اقامه تمام بخواند، و همچنین اگر نمی داند که بعد از مراجعت ده روز می ماند یا نه، و اگر یقین دارد بعد از برگشتن در محل اقامه ده روز نمی ماند و برگشتن به محل اقامت فقط بدان جهت است که واقع در مسیر مسافرت است در رفتن و در مقصد تمام بخواند و در برگشتن و محل اقامه قصر

بخواند، به شرط آنکه قصد هشت فرسخ داشته باشد بدون قصد اقامه در طریق.

مسئله ۳۲۶ اگر مسافر بعد از طی کردن هشت فرسخ در مکانی سی روز بماند و در تمام آن سی روز در ماندن و رفتن یا ماندن و برگشتن تردید داشته باشد یعنی هیچوقت نداند که ده روز می ماند باید بعد از سی روز در آن مکان هر مقدار بماند نمازش را تمام بخواند، ولی پیش از آنکه سی روز تمام شود باید نمازش را قصر کند.

روزه

روزه عبارت است از امساک و خودداری از چیزهایی که بیان آن می آید از طلوع فجر تا مغرب به قصد قربت.

مسئله ۳۲۷ در ماه رمضان می تواند شب اول نیّت کند روزه تمام ماه را و باقی بماند بر آن نیّت تا آخر و یا برای هر روز تجدید نیّت کند و می تواند برای هر روز علیحده نیّت کند.

و در روزه واجب معین غیر رمضان باید برای هر روز جداگانه نیّت کند کم باشد یا زیاد.

مفطرات روزه

مسئله ۳۲۸ مفطرات روزه که لازم است خودداری از آنها چند چیز است، و بعضی را علما فرموده اند که باید خودداری نمود و ظاهراً آنها به کمال روزه ضرر می زنند نه به صحت آن.

مجموع آنها نه چیز است:

اول و دوم - خوردن و آشامیدن از روی عمد و فرقی نیست بین آنکه چیزی که می خورد یا می آشامد معمولاً- خوردنی و آشامیدنی باشد مثل نان و آب، یا غیر خوردنی مثل خاک و ریگ هرچند کم باشد حتی آنکه اگر نخ خیاطی و یا مسواک که با آب دهان تر شود و

بیرون آورد و دو مرتبه آن را به دهان بگذارد و رطوبت آن را فرو ببرد روزه اش باطل می شود.

سوم - جماع و آن مبطل روزه مرد و زن است اگرچه منی هم خارج نشود و جماع محقق می شود به داخل شدن آلت تا ختنه گاه.

چهارم - استمناء است یعنی عمداً کاری بکند که منی از او بیرون بیاید.

مسئله ۳۲۹ هرگاه با خود کاری کند بدون قصد بیرون آمدن منی لکن عادت او باشد که با این کار منی از او بیرون می آید روزه او باطل است هرچند بیرون نیاید، بلکه اگر ایمن از بیرون آمدن منی هم به این کار نباشد و بیرون آید باطل است.

مسئله ۳۳۰ دروغ بستن به خدا یا پیغمبر(ص) یا یکی از ائمه معصومین(ع) یا فاطمه زهرا(س) حرام مؤکد است، ولی روزه را باطل نمی کند.

پنجم - رساندن غبار غلیظ به حلق چه غبار حلال باشد مثل آرد چه حرام مثل خاک و چه خودش کاری بکند که غبار شود یا دیگری بلکه اگر به سبب باد غبار شود و خود را حفظ نکند تا غبار داخل حلق شود روزه او باطل می شود.

مسئله ۳۳۱ سر فرو بردن در آب بعضی از مفطرات دانسته اند ولی، اقوی این است روزه را باطل نمی کند و حرام هم نیست، ولی مکروه است.

مسئله ۳۳۲ فرو بردن تمام سر یک مرتبه در آب مکروه است اگرچه سایر بدن بیرون باشد اما اگر هر دفعه یک طرف سر را فرو برد و طرف دیگر بیرون باشد کراهت ندارد.

مسئله ۳۳۳ اگر سر را فرو ببرد در غیر آب مثل شیر و امثال

آن از مایعات، کراهت ندارد.

مسئله ۱۳۳۴ اگر سهواً یا قهراً سر در آب فرو برد یا بی اختیار در آب بیافتد عمل مکروهی انجام نداده.

ششم - باقیماندن بر جنابت و حیض و نفاس عمداً تا صبح در روزه ماه رمضان و قضای آن.

مسئله ۳۳۵ هرگاه جنب نتواند غسل کند به جهت نبودن آب و امثال آن واجب است قبل از فجر تیمّم کند و واجب نیست تا صبح بیدار بماند، پس اگر تیمّم نکند روزه او باطل است.

و اگر ممکن باشد غسل کردن و غسل نکند تا وقت ضیق شود بنا بر احتیاط واجب باید تیمّم کند و روزه بگیرد و قضای آن را هم به جا آورد.

مسئله ۳۳۶ هرگاه جنب در شب ماه رمضان با علم به جنابت بخوابد با عادت به بیدار شدن یا اطمینان به آن و بنا بر غسل کردن داشته باشد و از خواب بیدار نشود تا طلوع صبح روزه او صحیح است.

و اگر بیدار بشود و دو مرتبه بخوابد با همان عادت به بیدار شدن یا اطمینان به آن و بنا بر غسل کردن و اتفاقاً بیدار نشود روزه او قضاء دارد.

و همچنین اگر باز بیدار شود و مرتبه سوم بخوابد و بیدار نشود تا صبح روزه اش قضا دارد با کفاره بنا بر احتیاط.

مسئله ۳۳۷ زنی که خون استحاضه متوسطه یا کثیره ببیند اگر غسل واجب برای نمازهای روز مثل صبح یا ظهر و عصر را ترک کند روزه او باطل است.

اما اگر بعد از خواندن نماز ظهر و عصر خون ببیند و تا غروب غسل نکند روزه اش صحیح است.

و غسل شب

آینده شرط صحت روزه امروز نیست اگرچه احتیاطاً به جا آورد بهتر است.

و همچنین غسل های شب پیش که برای نماز مغرب و عشا باید بنماید شرط صحت روزه نیست.

و اما وضوء مستحاضه و یا بستن پنبه و کهنه شرط صحت روزه نیست.

هفتم - اماله کردن است به چیز مایع اگرچه در حال ضرورت باشد اما شیاف ضرر ندارد.

هشتم - قی کردن است عمداً اگر چه برای ضرورت باشد، اما اگر سهواً یا بدون اختیار عارض شود ضرر ندارد، و میزان صدق قی کردن است پس بیرون آمدن هسته یا کرم ضرر ندارد.

مسئله ۳۳۸ اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی بالا- بیاورد و بی اختیار برگردد مبطل روزه نیست، و اگر به فضای دهان برسد و آن را به اختیار فرو ببرد روزه او باطل است هم قضا دارد و هم کفاره.

بلکه اگر فرو بردن آن حرام باشد از جهت خباثت کفاره جمع واجب است.

کفاره و قضاء

مسئله ۳۳۹ مفطراتی که روزه را باطل می کند و باعث قضاء می شود باعث کفاره نیز می شود اگر از روی عمد و اختیار و بدون اکراه و اجبار واقع شود و فرق بین آنها نیست.

بلی اقوی واجب نبودن کفاره است در خواب دوم جنب بعد از بیداری.

و در خواب سوم احتیاطاً کفاره بدهد.

مسئله ۳۴۰ کفاره روزه ماه رمضان یکی از سه چیز است بنا بر اقوی ۱ - بنده آزاد کردن ۲ - دو ماه پی درپی روزه گرفتن ۳ - شصت نفر مسکین را سیر کند یا به هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا

جو وماننـد اینها بدهـد، و چنانچه اینها برایش ممکن نباشـد باید هرچند مد که می تواند بدهد، و شـخص مخیر است بین آنها بدون رعایت ترتیب اگر چه بهتر است احتیاطاً ترتیب را رعایت نماید.

و اگر روزه را به حرام افطـار کرده باشـد هر سه کفـاره واجب است مثل زنا، یا جماع در حال حیض، یا خوردن شـراب، یا مال غصبی و امثال آنها.

مسئله ۳۴۱ در چند جا واجب است قضای بدون کفاره:

اول – در خواب دوم جنب

دوم – آنکه روزه را باطل کند به نیّت نکردن و یا به ریا و یا به قصد افطار یا مفطر به شـرط آنکه در هیچ یک مفطر دیگری به جا نیاورده باشد تا مغرب والّا کفاره هم واجب می شود.

سوم – آنکه مراعات فجر را نکرده چیزی بخورد و بعـد معلوم شود که صـبح بوده چه آنکه قدرت بر مراعات داشـته باشد یا نه مثل نابینا یا محبوس یا کسی که طلوع را نمی شناسد.

چهارم – آنکه چیزی بعد از طلوع فجر بخورد به اعتماد به قول شخصی که خبر دهد که طلوع نشده.

پنجم – آنکه بخورد بعـد از طلوع در صورتی که یـک نفر خبر می دهـد به طلوع به خیـال آنکه او مزاح می کنـد یـا دروغ می گوید.

ششم – آنکه افطـار کنـد قبل از مغرب به قبول قول کسـی که خبر می دهـد که مغرب شـده اگر چه قبول کردن قول او برایش جـایز باشـد، مثـل افطـار شـخص کور و امثال او، و همچنین وقتی یک عادل بلکه دو عادل خبر دهنـد لکن بعـد معلوم شود که مغرب نشده بود.

و اگر

قبول کند قول کسی را که قبول قول او جایز نیست کفاره نیز واجب است بنا بر اقوی.

هفتم - وقتی که هوا تاریک شود و قطع پیدا کند به داخل شدن شب و افطار کند بعد معلوم شود که خطا کرده است در صورتی که در آسمان مانعی نباشد از دیدن و اگر شک یا ظن داشته باشد در داخل شدن شب و افطار کند کفاره نیز واجب است.

مسئله ۳۴۲ هرگاه در آسمان مانعی باشد مثل ابر و به گمان آنکه مغرب شده افطار کند و معلوم شود که خطا کرده است قضاء لازم است بدون کفاره.

هشتم - آنکه آب به دهان کند برای خنک شدن یا بی جهت مضمضه کردن و آب بی اختیار فرو رود و اگر برای وضوء مضمضه کند و بی اختیار آب فرو رود قضا هم بر او واجب نیست.

مسئله ۳۴۳ کسی که بعد از ظهر سفر کند روزه او صحیح است.

مسئله ۳۴۴ مسافری که قبل از ظهر به وطن یا محل اقامه خود برسد و مفطری به جا نیاورده باشد واجب است قصد روزه نماید و روزه اش صحیح است.

احکام زکات

وجوب زکات یکی از ضروریات دین است و منکر آن با علم به آن کافر است بلکه در بعضی اخبار است که مانع زکات کافر است و فوائد و مصالح آن بسیار و مانع از مفاسد بی شمار است و سبب بقاء جامعه و انتظام امور و موجب الفت و اعمال خیریه و باعث آسایش و رفاهیت عامه و حفظ و نگاهداری اموال است و درباره آن در شرع مقدس اسلام تأکید و ترغیب شده و بر ترک آن

تهدیدات عظیمه و وعید بر عقاب شدید وارد شده است.

اجناسی که زکات به آنها تعلق می گیرد

در نُه چیز زکات واجب است:

۱ - شتر. ۲ - گاو. ۳ - گوسفند. ۴ - طلا. ۵ - نقره. ۶ - گندم. ۷ - جو. ۸ - خرما. ۹ - کشمش.

نصاب

یکی از شرایط وجوب زکات در امور نُه گانه نصاب است.

مسئله ۳۴۵ در گوسفند پنج نصاب است:

اول - چهل گوسفند و زکات آن یک گوسفند است.

دوم - یکصدوبیستویک گوسفند و زکات آن دو گوسفند است.

سوم - دویستویک گوسفند و زکات آن سه گوسفند است.

چهارم - سیصدویک گوسفند و زکات آن چهار گوسفند است.

پنجم - چهارصد و بالاتر که باید صد تا صد تا حساب کند و برای هر صد تا یک گوسفند زکات بدهد.

مسئله ۳۴۶ در گاو دو نصاب است: اول - سی گاو و زکات آن یک گوساله نر یا ماده است که داخل در سال دوم شده باشد. دوم - چهل گاو و زکات آن یک گوساله ماده است که داخل سال سوم شده باشد و در زیاده بر چهل باید چهل تا چهل تا و یا سی تا سی تا حساب کند به طوری که موافق شود یا مقدار عفوش کمتر شود.

مسئله ۳۴۷ در مال مشترک اگر سهم هر یک از شرکاء به قدر نصاب باشد زکات بر آنها واجب است و اگر سهم بعضی به قدر نصاب باشد و بعضی نباشد بر آنکه سهمش به مقدار نصاب هست زکات واجب است.

مسئله ۳۴۸ هرگاه یک نفر در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشد هرچند از هم دور باشند باید همه را با

هم ملاحظه نماید، اگر به حد نصاب رسیده باشد زکات بر آن واجب است.

مسئله **۳۴۹** شرط است در زکات گاو و گوسفند و شتر که در تمام سال در بیابان بچرند پس اگر در بین سال یک ماه یا یک هفته یا کمتر علف به او بدهند و یا او را در زمینی که زراعت در آن شده بچرانند زکات ندارد، بلی اگر دو روز یا کمتر در بین سال علف خورده باشد واجب است که زکات آن را بدهند.

و شرط دیگر آنکه حیوان در تمام سال بیکار باشد.

و شرط سون آنکه یک سال تمام در ملک مالک باقی بماند و کفایت می کند در وجوب زکات داخل شدن در ماه دوازدهم و تمام شدن آن معتبر نیست.

زکات طلا و نقره

در زکات طلا و نقره علاوه بر شرایط عمومی (که تفصیلش در کتب مفصله ذکر شده) چند چیز شرط است:

اول – نصاب و در طلا دو نصاب است:

اول – بیست مثقال شرعی است که هر مثقال آن هیجده نخود است و مطابق است با پانزده مثقال صیرفی معمولی که هر مثقال آن بیست و چهار نخود است و زکات آن نیم مثقال شرعی طلاـ است پس وقتی طلا به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال متداول و معمولی است برسد، باید نُه نخود آن را که چهل یک آن است زکات بدهند و کمتر از پانزده مثقال معمولی زکات ندارد.

دوم – چهار مثقال شرعی است که مطابق سه مثقال معمولی است و زکات آن چهل یک آن است پس اگر سه مثقال معمولی طلا بر پانزده مثقال معمولی علاوه شد، باید چهل یک آن

را زکـات بدهـد و اگر کمتر از سه مثقال معمولی اضافه شود آن اضافه زکات نـدارد و بعـد از این هم هر چه بالا رود یعنی هر سه مثقال معمولی اضافه شود باید چهل یک آن را بدهد.

نقره

در نقره دو نصاب است:

اول - دویست درهم است که یکصدوپنـج مثقـال معمولی است و زکـات آن چهـل یـک آن است که دو مثقال و پانزده نخود باشد و کمتر از این مقدار زکات ندارد.

دوم - چهل درهم است که مطابق بیسـتویک مثقال معمولی است پس اگر بیسـتویک مثقال به صدوپنـج علاوه شـد بایـد چهل یک آن را بدهـد و اگر کمتر از بیسـتویک مثقال اضافه شود آن اضافه زکات نـدارد فقط زکات یکصدوپنـج مثقال را بدهد و بعد از این هر چه بالا رود چهل یک هر بیستویک مثقال را زکات بدهد.

و به طور کلی در طلاـ و نقره وقتی به نصـاب برسـد هر چه بالاـ رود اگر چهـل یک آن را بدهـد زکات آن را داده و در بعض موارد کمی هم زیادتر داده است.

شرط دوم - آنکه طلا و نقره سکه دار باشد و با آن معامله رایج باشد.

سوم - آنکه شخص یازده ماه مالک مقدار نصاب طلا و نقره باشد و وقتی داخل ماه دوازدهم شد زکات بر او واجب می شود.

زکات در غلات اربع

زکات در گندم، و جو، و خرما، و کشمش واجب است به دو شرط غیر از شرایط عامه:

اول - بلوغ نصاب که باید هر یک از آنها به مقدار یکصدوچهلوچهار من به وزن شاهی الّا چهلوپنج مثقال باشد.

که من شاهی عبارت است از هزارودویستوهشتاد مثقال صیرفی.

و به من تبریز دویستوهشتادوهشت من الّا چهلوپنج مثقال.

و یک من تبریز ششصدوچهل مثقال ۲۴ نخودی است که مقداری کمتر از ۲۰۷/۸۴۷ کیلوگرم می شود.

دوم - آنکه قبل از وقت تعلق زکات ملک انسان باشد، یا به زراعت کردن

خودش، یا به انتقال زراعت به انسان به یکی از اسباب انتقال.

مسئله ۳۵۰ بنا بر آنچه به مشهور نسبت داده اند.

وقت تعلق زکات به گندم و جو وقت دانه بستن یا محکم شدن دانه آنها است.

و وقت تعلق آن به خرما وقت زرد یا سرخ شدن آن است.

و در کشمش وقت دانه بستن غوره است.

ولکن اظهر آن است که وقت تعلق زکات به هر یک از آنها وقت محقق شدن اسم آنها است.

پس در گندم و جو و خرما وقتی است که آنها را گندم و جو و خرما بگویند و در کشمش وقتی است که آن را انگور گویند.

مسئله ۳۵۱ مقدار زکات در کشمش و خرما و جو و گندم اگر از آب جاری یا باران مشروب شوند یا آنکه از رطوبت زمین استفاده کنند ده یک آنها است، و اگر با دلو و وسائل دیگر مشروب شوند زکات آنها بیست یک است و اگر به هر دو قسم مشروب شوند به طوری که بگویند با هر دو مشروب می شوند باید نصف آن را ده یک و نصف آن را بیست یک بدهند.

مسئله ۳۵۲ اگر یکی از غلات اربع به حد نصاب رسیده و مخارج آن به مقداری باشد که اگر از آن خارج شود بقیه از نصاب کمتر است لازم است اخراج زکات از مابقی.

به عبارت دیگر مخارج به نسبت زکات از آن کم شود. چه آن مخارج قبل از وقت وجوب باشد یا بعد از آن.

بلی در مخارجی که معمول است از عین آنها می دهند مثل آنکه در بعض از محل ها متعارف است که

اجرت باغبان را از انگور و کشمش یا اجرت خرمن کوبی یا مال الاجاره را از خرمن می دهند اگر بعد از این گونه مخارج از نصاب کمتر باشد زکات واجب نیست.

مصرف زکات

زکات را باید در هشت مورد مصرف نمود:

اول – فقیر و آن شخصی است که مخارج سال خود و عائله اش را نداشته باشد پس اگر شغل و کسب و کار یا سرمایه ای دارد که مخارج سالیانه او را می گذاراند مستحق زکات نیست.

دوم – مسکین و آن کسی است که فقر و تنگدستی او از فقیر بیشتر است.

مسئله ۳۵۳ کسی که تحصیل علوم دینیه می نماید و به واسطه اشتغال به تحصیل علم وقت کسب و کار ندارد جایز است به او زکات بدهند.

مسئله ۳۵۴ کسی که ادعای فقر نماید اگر از قول او ظن به صدق حاصل شود قولش معتبر است و می شود زکات به او داد.

سوم – از مصارف زکات کسانی هستند که از طرف امام(ع) یا نایب خاص او در زمان حضور، یا نایب عام او در زمان غیبت که فقیه جامع الشرایط است منصوب و معین شده اند برای گرفتن زکات و نگهداری و حسابداری آن و رساندن به فقرا یا امام(ع) و فقیه.

چهارم – کسانی هستند از مسلمین که مسلمان شده و ضعیف الاعتقاد می باشند و خوف آن است که اگر زکات به آنها ندهند از دین اسلام خارج گردند.

پنجم – از مصارف زکات بنده آزاد کردن است.

ششم – اداء قرض بدهکاری است که عاجز از اداء قرض خود باشد هرچند مالك قوت مخارج سال خود باشد به شرط آنکه قرض را در معصیت

صرف نکرده باشد.

هفتم - از مصارف زکات سبیل الله است یعنی هر کار خیر و عمل نیکی که از شارع مقدس نسبت به آن ترغیب و تشویق شده باشد، مثل ساختن پُل و منزلگاه برای مسافرین و زوار و مسجد و مدرسه علوم دینیه و دارالایتام و تعظیم شعائر و اعانت حجاج و زوار و خلاص کردن مؤمن از دست ظالم و اصلاح ذات البین و جلوگیری از وقوع شر و فتنه میان مسلمانان و اعانت طلاب و نشر احکام و معارف اسلامی و انتشار کتاب های نافعه مذهبی.

بلکه جایز است صرف این سهم در هر محل و هر کاری که موجب تقرب به خدا باشد.

هشتم - ابن السبیل است یعنی مسافری که در سفر خرجی او تمام شده و نمی تواند بدون خرجی به وطن برگردد و تهیه خرجی هم با قرض کردن یا فروختن چیزی برایش ممکن نگردد.

مسئله ۳۵۵ زکات را باید به نیت زکات و با قصد قربت یعنی برای حصول تقرب به درگاه خدا، یا برای اطاعت امر و فرمان او اداء نماید.

زکات فطره

مسئله ۳۵۶ بر هر کسی که وقت غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و غنی باشد و بنده کسی نباشد واجب است زکات فطره خود و هر کسی را که موقع غروب شب عید فطر از عائله و نان خور او است بدهد.

و بنا بر احتیاط هوشیاری شرط وجوب نیست.

مسئله ۱۳۵۷گر کسی بیشتر از مخارج سال و مستثنیات دین و قرض نداشته باشد، باید زکات فطره را بدهد.

و لازم نیست که زیاده بر مخارج سال و دین و مستثنیات به مقدار زکات فطره

هم داشته باشد.

مسئله ۳۵۸ کسی که سید و هاشمی است حرام است زکات فطره غیر سید را بگیرد، ولی سادات و بنی هاشم می توانند زکات فطره خود را به سادات هاشمی و غیر سادات هاشمی بدهند.

مسئله ۳۵۹ زکات فطره باید از چیزی که قوت غالب مردم است اداء شود مثل گندم و جو و خرما و کشمش و برنج و شیر و احتیاط مستحب آن است که از گندم و جو و خرما و کشمش بدهد و افضل این است که خرما و بعد از آن کشمش بدهد و بهتر این است که هر کدام از این اجناس را که به حال فقیر نافع تر است بدهد. و قیمت یکی از آنها را اگر بدهد کفایت می کند.

مسئله ۳۶۰ مقدار فطره که از خود و به عدد هر نفری از عائله باید داد یک من تبریز و بیستوپنج مثقال و هیجده نخود کم است که تقریباً سه کیلو است.

مسئله ۳۶۱ وقتی که شخص با شرایطی که گفته شد وارد شب عید فطر شود واجب است فطره خود و عائله خود و هر کس نان خور او در آن وقت می باشد را بدهد و تا غروب روز عید وقت آن باقی است.

مسئله ۳۶۲ احتیاط لازم آن است که با وجود مستحق در محل خود فطره را به محل و شهر دیگر نبرد.

ولی اگر در آنجا مستحق نباشد جایز است آن را به شهری که در آن مستحق هست ببرد.

و بهتر این است که در جائی که فطره بر او واجب شده آن را بدهد اگر چه مال یا وطن او در شهر

دیگر باشد.

مسئله ۳۶۳ بهتر است زکات فطره را به فقرای شیعه اثنی عشری دهند و جایز نیست به کسی بدهند که آن را صرف در معصیت می کند. اگر چه جایز است به یکی از هشت مصرفی که سابقاً برای زکات سال گفته شد برسانند.

و احتیاط واجب آن است که به شراب خوار و کسی که آشکارا معصیت می کند فطره ندهند.

خمس

واجب است خمس در هفت چیز:

اول - غنیمت جنگ با کفار. دوم - معدن. سوم - گنج. چهارم - آنچه با غوص یعنی فرو رفتن به دریا بیرون آورند. پنجم - مال حلال مخلوط به حرام. ششم - زمینی که کافر ذمی آن را از مسلمان خریداری کند. هفتم - منافع معامله و کسب و صنعت زراعت بلکه کلیه فوائدی که عائد انسان می شود اگر چه منافع کسب نباشد.

مسئله ۳۶۴ هرگاه از معدن طلا و نقره یا مس یا سرب یا آهن یا نفت یا یاقوت یا فیروزه یا عقیق یا کبریت یا قیر یا نمک یا هر معدن دیگر چیزی استخراج نمایند باید خمس آن را بدهند به شرط آنکه به حد نصاب رسیده باشد.

مسئله ۳۶۵ خمس معدن بنا بر احتیاط در صورتی واجب است که اگر قیمت چیزی که از معدن بیرون آورده قبل از کم کردن مخارج استخراج و تصفیه آن پانزده مثقال صیرفی (بیستوچهار نخودی) طلا یا ۱۰۵ مثقال معمولی نقره باشد که خمس این مقدار و زیاده بر این هر اندازه باشد واجب است.

مسئله ۳۶۶ طلا و نقره ای که در زمین یا کوه یا دیوار یا در محل دیگر پنهان و ذخیره شده باشد گنج

گویند و مال کسی است که آن را یافته و واجب است خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۳۶۷ اگر در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند و بداند که ملک فروشنده آن زمین نیست آن را مالك می شود و خمسش را باید بدهد.

مسئله ۱۳۶۸ در صورتی خمس گنج واجب است که قبل از مخارجش به قدر نصاب باشد و نصاب گنج پانزده مثقال صیرفی طلا در طلا و یکصدوپنج مثقال صیرفی نقره در نقره می باشد و چنانچه به این حد برسد خمس آن و هرچه زیادتر از آن است باید بدهد.

مسئله ۱۳۶۹ فرو رفتن در دریا را غوص گویند و آنچه بیرون آورند از دریا مثل لؤلؤ و مرجان یا جواهر دیگر.

در صورتی که قبل از مخارج بیرون آوردن آن به قیمت هیجده نخود طلا باشد خمس آن و هرچه بیشتر باشد واجب است.

ولی اگر کمتر از هیجده نخود طلا قیمت داشته باشد خمس ندارد.

مسئله ۱۳۷۰ اگر قیمت مجموعی که از آب در چند مرتبه بیرون آورده به قدر نصاب باشد خمس آن را باید بدهد هرچند در هر مرتبه کمتر از نصاب باشد.

مسئله ۱۳۷۱ اگر مال حلال انسان به مال حرامی که مقدار و صاحب آن معلوم نیست مخلوط شود باید خمس آن را بدهد تا حلال شود.

مسئله ۱۳۷۲ اگر مالی با عین زکات یا خمس مخلوط شده باشد و مقدار آن را نداند دادن خمس کافی نیست و حکم مالی را دارد که صاحب آن معین باشد و باید احتیاط کند و با حاکم شرع به تراضی و مصالحه ذمه خود را بری نماید.

مسئله ۱۳۷۳ زمینی را

که کافر ذمی از مسلمان بخرد چه زمینی باشد که در آن زراعت می کند و چه زمینی باشد که در آن خانه و منزل بنا شده یا زمین باغ یا دکان و غیر آنها باشد واجب است خمس آن را از عین آن زمین یا از مال دیگرش به عنوان قیمت بدهد.

مسئله ۳۷۴ منافع هر کسبی از تجارت و غیر تجارت که زیادتر از مخارج سال انسان و عائله اش باشد باید خمس آن را بدهند.

مسئله ۳۷۵ در هر فائده و منفعتی که به کسب هم حاصل نشده باشد مثل هبه و هدیه و جایزه و مالی که برای شخص وصیّت شده اگر زیادتر از مخارج سال باشد خمس آن واجب است بنا بر اقوی.

مسئله ۳۷۶ مهریه زن و میراثی که به انسان می رسد از کسی که گمان ارث بردن از او را ندارد خمس دارد.

ولی ارثی که مورد توقع بوده و گمان بردن از او را دارد خمس ندارد.

مسئله ۳۷۷ مالی که بابت خمس یا زکات به مستحق می دهند چنانچه از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.

مسئله ۳۷۸ مالی که مقصود از آن تجارت و استفاده از ترقی قیمت است زیادتی قیمت آن جزء منافع است و اگر از مخارج سال زیاد آمد خمس آن را باید بدهد اگر فروش و گرفتن قیمت آن بعد از تمام شدن سال ممکن باشد.

بلکه زیادی قیمت بر مالی ولو به ارث رسیده باشد و مالی که مقصود از آن تجارت نباشد و امثال آنها خمس دارد با شرط مذکور.

مسئله ۳۷۹ هر چه را شخص به مصرف آنچه که خود و عائله اش

در معاش و زندگی به حسب شأن خود در سال حاجت دارد و صرف می نماید از خوراک و پوشاک و ظروف و اثاث منزل و مخارج دید و بازدید و مهمانی ها و احسانی که به اشخاص به حسب حال خود می نماید و حقوقی که بر او به نذر و کفاره و غیر اینها واجب می شود و اداء می کند از مخارج سال حساب می شود، و همچنین مخارج دیگر از قبیل مخارج عقد و عروسی اولاد و معالجه مرض خود و عائله و به طور کلی آنچه به حسب شأن خود در زندگی و معاش به آن حاجت داشته باشد.

مسئله ۳۸۰ مخارجی که برای کسب و به دست آوردن منافع در سال لازم است و مصرف می شود مثل اجاره دکان و اجرت شاگرد و غیر آنها جزء مخارج سال حساب می شود و خمس ندارد.

مسئله ۳۸۱ اسباب و ابزاری که برای صنعت یا کسب لازم است مثل ابزار صنعت نجاری یا چرخ خیاطی یا ترازو و غیر آنها جزء مخارج سال حساب نمی شود و باید اگر از مالی که خمس به آن تعلق می گیرد آنها را تهیه کرده خمس آنها را بدهد ولی اگر هر یک از آنها بعد از دادن خمس آنها تلف شود یا آنکه از مال کم شود می تواند آن را از منفعت آن سال جبران کند.

مسئله ۱۳۸۲ اگر برای مخارج سالش مبلغی را سرمایه برداشت کند و در همان سال از منافع کسبش آن را جبران نماید جایز است و خمس ندارد.

مسئله ۱۳۸۳ اگر در یک سال کسب او هیچ منفعتی نکند و

در سال بعد منفعت کند مخارج سال پیش را نمی تواند از منفعت بعد کم نماید.

مسئله ۳۸۴ مخارج حج از مخارج سالی است که در آن شروع به مسافرت نموده پس اگر در بین سال مستطیع شد و از منافع کسب آن سال به حج رفت مخارج حج از مخارج سالش حساب می شود و خمس ندارد و اگر نتوانست به حج برود تا سال بگذرد باید خمس منافع را بدهد.

مسئله ۱۳۸۵گر از منافع چند سال مستطیع شود باید خمس منافع سال های پیش از سال مسافرت ها را بدهد.

دستور تقسیم خمس و مستحقین آن

مسئله ۳۸۶ خمس به شش سهم تقسیم می شود.

سه سهم یعنی نصف آن را باید به فقرای سادات و اطفال یتیم آنها و ابناءالسبیل سادات که در سفر محتاج شده باشند اگر چه در وطنشان غنی باشند بدهند.

و سه سهم دیگر مال حضرت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه می باشد که در عصر غیبت باید به مجتهد جامع الشرایط بدهند یا به اذن او به مصرف برسانند.

مسئله ۳۸۷ احتیاط واجب این است که شخص خمس را به سید واجب النفقه خود برای نفقه واجب او ندهد ولی جایز است از باب خمس برای مخارج غیر نفقه واجبه مثل مخارج عیال او بدهد.

مسئله ۱۳۸۸گر سید فقیری واجب النفقه شخصی باشد که نفقه او را ندهد یا از جهت نداشتن یا از روی معصیت اشخاص دیگر می توانند به آن خمس بدهند.

مسئله ۳۸۹ بنا بر احتیاط واجب به یک نفر سید بیشتر از مخارج یک سال خمس ندهند.

مسئله ۳۹۰ نصف خمس را که سهم سادات است دهنده خمس می تواند بدون اذن

مجتهد جامع الشرایط به مستحقین آن برساند، ولی احتیاط مستحب آن است که به مجتهد جامع الشرایط بدهد یا به اذن او به مصرف برساند.

احکام خرید و فروش

مسئله ۳۹۱ در خرید و فروش واجب است یاد گرفتن احکام آن، حضرت صادق(ع) فرمودند کسی که می خواهد خرید و فروش کند، باید احکام آن را یاد بگیرد و اگر پیش از یاد گرفتن احکام آن خرید و فروش کند، به واسطه معامله های باطله و شبهه ناک به هلاکت می افتد.

و چهار چیز مستحب است:

اول – در قیمت جنس بین مشتری های مسلمان فرق نگذارد.

دوم – در قیمت جنس سخت گیری نکند.

سوم – چیزی را که می فروشد زیادتر بدهد و آنچه را که می خرد کمتر بگیرد.

چهارم – کسی که با او معامله کرده، اگر پشیمان شود و از او تقاضا کند که معامله را به هم بزند، برای به هم زدن معامله حاضر شود.

مسئله ۳۹۲ اگر انسان از جهت مسئله ندانستن شک کند که معامله ای که کرده صحیح است یا باطل، نمی تواند در مالی که گرفته تصرف نماید.

مسئله ۳۹۳ کسی که مال ندارد و مخارجی مثل خرج زن و بچه بر او واجب است باید کسب کند.

و برای کارهای مستحب مانند وسعت دادن به عیالات و دستگیری از فقرا کسب کردن مستحب است.

معاملات مکروه

مسئله ۳۹۴ عمده معاملات مکروه از این قرار است:

اول – ملك فروشی مگر آنکه با آن پول ملك دیگری بخرد.

دوم – قصابی.

سوم – کفن فروشی.

چهارم – معامله با مردان پست.

پنجم - معامله بین اذان صبح و اول آفتاب.

ششم - آنکه کار خود را خرید و فروش گندم و جو و مانند اینها قرار دهد.

هفتم - برای خریدن جنسی که دیگری می خواهد بخرد،

داخل معامله او شود.

معاملات حرام

مسئله ۳۹۵ معاملات باطله عمـده اش چنـد چیز است مثل خرید و فروش بعضـی از اعیان نجسه مانند میته و خوک و شـراب، و خرید و فروش مال غصبی - و خرید و فروش چیزی که مالیت ندارد - و تفصیل اینها در مسائل آتیه خواهد آمد.

و معاملات حرام سه است:

اول - معامله چیزی که منافع معمولی آن فقط کار حرام است مانند اسباب قمار.

دوم - معامله ای که در آن ربا باشد.

سوم - فروش جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشـنده هم به خریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است. و این عمل را غش می گویند.

پیغمبر اکرم(ص) فرمودند: از ما نیست کسـی که در معامله با مسـلمانان غش کند یا به آنان ضـرر بزند یا تقلب و حیله نماید و هر که با برادر مسـلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می برد و راه معاش او را می بندد و او را به خودش واگذار می کند.

مسئله ۳۹۶ فروختن چیز پاکی که نجس شـده و آب کشـیدن آن ممکن است اشـکال نـدارد; ولی اگر مشتری آن چیز را برای کاری بخواهـد که شـرطش پاک بودن است مثل خوراکی که می خواهـد آن را بخورد بایـد فروشـنده نجس بودن آن را به او بگوید.

مسئله ۱۳۹۷گر چیز پاکی ماننـد روغن و نفت که آب کشـیدن آن ممکن نیست نجس شود. چنانچه آن را برای کاری بخواهد که شرطش پاک بودن است مثلاً روغن نجس را برای خوردن بخواهند

باید نجس بودن آن را به مشتری بگوید.

و اگر برای کاری بخواهند که شرطش پاک بودن نیست مثلاً بخواهند نفت نجس را بسوزانند لازم نیست نجس بودن آن را بگویند و در هر دو صورت فروش آن به فرض شرایط صحت معامله اشکال ندارد.

مسئله ۳۹۸ خرید و فروش دواهای نجس اگر منفعت محلله که مشروط به طهارت نیست دارد جایز است و صحیح و الّا فاسد است.

ولی اگر پول را برای ظرف آن یا برای زحمت دوافروش بدهند اشکال ندارد.

مسئله ۳۹۹ خرید و فروش روغن و دواهای روان و عطرهایی که از ممالک غیراسلامی می آورند اگر شک در نجاست آن باشد اشکال ندارد. ولی روغنی را که از حیوان بعد از جان دادن آن می گیرند; چنانچه در شهر کفار از دست کافر بگیرند و از حیوانی باشد که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند، نجس است و معامله آن باطل می باشد.

مسئله ۴۰۰ اگر روباه و مانند آن را به غیر دستوری که در شرع معین شده کشته باشند یا خودش مرده باشد، خرید و فروش پوست آن حرام و معامله آن باطل است.

مسئله ۴۰۱ خرید و فروش گوشت و پیه و چرمی که از ممالک غیراسلامی می آورند باطل است و همچنین اگر از دست کافر بگیرند ولی اگر انسان بداند که آنها از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده، خرید و فروشش اشکال ندارد.

مسئله ۴۰۲ خرید و فروش گوشت و پیه و چرمی که از دست مسلمانان در بازار اسلام گرفته شود اشکال ندارد. ولی اگر انسان بداند که مسلمانان آن را از

دست کافر گرفته و تحقیق نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه، خریدن آن حرام و معامله آن باطل است.

مسئله ۴۰۳ خرید و فروش مسکرات حرام و معامله آنها باطل است.

مگر مسکرات مستحدثه که منفعت مقصوده از آنها غیر شرب است.

مسئله ۴۰۴ فروختن مال غصبی باطل است و فروشنده باید پولی را که از خریدار گرفته به او برگرداند.

مسئله ۱۴۰۵ اگر خریدار قصدش این باشد که پول جنس را ندهد و جداً قصد معامله داشته باشد معامله صحیح است، ولی فروشنده خیار فسخ دارد و می تواند معامله را به هم بزند.

مسئله ۱۴۰۶ اگر خریدار قصدش این باشد که پول جنس را بعداً از حرام بدهد، معامله صحیح است. ولی مقداری را که بدهکار است باید از مال حلال بدهد. و اگر از حرام بدهد دینش ساقط نمی شود.

مسئله ۴۰۷ خرید و فروش آلات لهو که منافع آن مختص در لهو است مثل تار و ساز حتی سازهای کوچک حرام است.

مسئله ۱۴۰۸ اگر چیزی را که می شود استفاده حلال از آن ببرند به قصد این بفروشند که آن را در حرام مصرف کنند، مثلاً انگور را بفروشد که شراب از آن تهیه نمایند، معامله آن اشکال ندارد.

مسئله ۴۰۹ خرید و فروش مجسمه حرام نیست و همچنین خرید و فروش صابونی که روی آن مجسمه دارد اگر چه مقصود معامله صابون و مجسمه هر دو باشد.

مسئله ۴۱۰ خرید و فروش چیزی که از قمار یا دزدی یا از معامله باطل تهیه شده باطل است و تصرف در آن حرام است و اگر کسی آن را بخرد باید به صاحب

اصلیش برگرداند.

مسئله ۱۴۱۱اگر روغنی را که با پیه مخلوط است بفروشد چنانچه آن را معین کند مثلاً بگوید این یک من روغن را می فروشم معامله به مقدار پیهی که در آن است باطل می باشد و پولی که فروشنده برای پیه آن گرفته مال مشتری و پیه مال فروشنده است و مشتری می تواند معامله روغن خالصی را هم که در آن است به هم بزند ولی اگر آن را معین نکند بلکه یک من روغن بفروشد بعد روغنی که پیه دارد بدهد، مشتری فقط می تواند آن روغن را پس بدهد و روغن خالص مطالبه نماید.

مسئله ۱۴۱۲اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می فروشد به زیادتر از همان جنس بفروشد، مثلاً یک من گندم را به یک من و نیم گندم بفروشد، ربا و حرام است.

بلکه اگر یکی از دو جنس سالم و دیگری معیوب یا جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند چنانچه بیشتر از مقداری که می دهد بگیرد باز هم ربا و حرام است. پس اگر مس درست را بدهد و بیشتر از آن، مس شکسته بگیرد یا برنج صدری را بدهد و بیشتر از آن، برنج گرده بگیرد یا طلای ساخته را بدهد و بیشتر از آن طلای نساخته بگیرد ربا و حرام می باشد.

مسئله ۱۴۱۳اگر چیزی را که اضافه می گیرد غیر از جنسی باشد که می فروشد مثلاً یک من گندم را به یک من گندم و یک قران پول بفروشد ربا و حرام است.

بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی

شرط کند که خریدار کاری برای او انجام دهد باز هم ربا و حرام می باشد. بنا بر احتیاط غیر لزومی.

مسئله ۱۴۱۴اگر کسی که مقدار کمتر را می فروشد چیزی علاوه کند مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم بفروشد، اشکال ندارد.

و همچنین است اگر از هر دو طرف چیزی زیاد کنند مثلاًـ یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم و یک دستمال بفروشد.

مسئله ۱۴۱۵اگر چیزی را که مثل پارچه با متر و ذرع می فروشند یا چیزی را که مثل گردو، تخم مرغ با شماره معامله می کنند بفروشد. و زیادتر بگیرد مثلاً ده تا تخم مرغ بدهد و یازده تا بگیرد اشکال ندارد.

مسئله ۴۱۶ جنسی را که در بعضی از شهرها با وزن یا پیمانه می فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله می کنند، باید در معامله آن جنس زیادی نگیرند در شهرهایی که با پیمانه معامله می کنند.

مسئله ۱۴۱۷اگر چیزی را که می فروشد و عوضی را که می گیرد از یک جنس نباشد زیادی گرفتن اشکال ندارد، پس اگر یک من برنج بفروشد و دو من گندم بگیرد معامله صحیح است.

مسئله ۱۴۱۸اگر جنسی را که می فروشد و عوضی را که می گیرد از یک چیز عمل آمده باشند، باید در معامله زیادی نگیرد، پس اگر یک من روغن بفروشد و در عوض آن یک من و نیم پنیر بگیرد ربا و حرام است. و احتیاط لازم آن است که اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله کند زیادی

نگیرد.

مسئله ۴۱۹ جو و گندم در ربا یک جنس حساب می شوند پس اگر یک من گندم بدهد و یک من و پنج سیر جو بگیرد، ربا و حرام است. بلکه اگر مثلاً ده من جو بخرد که سر خرمن ده من گندم بدهد. چون جو را نقد گرفته و بعد از مدتی گندم را می دهد مثل آن است که زیادی گرفته و حرام می باشد.

مسئله ۴۲۰ هر چیز که مکیل و موزون نباشد ربای معاملی در آن نیست چنانچه نقداً بفروشند.

مسئله ۴۲۱ اگر مسلمان از کافری ربا بگیرد اشکال ندارد. و نیز زن و شوهر و پدر و فرزند می توانند از یکدیگر ربا بگیرند.

شرایط فروشنده و خریدار

مسئله ۴۲۲ برای فروشنده و خریدار شش چیز شرط است:

اول – آنکه بالغ باشند.

دوم – آنکه عاقل باشند.

سوم – سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

چهارم – قصد خرید و فروش داشته باشند پس اگر مثلاً به شوخی بگوید مال خود را فروختم معامله باطل است.

پنجم – آنکه مجبور و مکره نباشند.

ششم – جنس و عوضی را که می دهند مالك باشند و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

مسئله ۴۲۳ معامله با بچه نابالغ باطل است، اما اگر پدر یا جد آن بچه به او اجازه داده باشند که معامله کند معامله صحیح است و همچنین اگر طفل وسیله باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند یا جنس را به خریدار بدهد و پول را به فروشنده برساند چون واقعاً دو نفر بالغ با یکدیگر معامله کرده اند معامله صحیح

است، ولی باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند که طفل جنس و پول را به صاحب آن می رساند، یا خود صاحب پول اذن داده باشد که پول را بردار و جنس را بده بچه بیاورد که در این صورت نیز معامله صحیح است.

مسئله ۱۴۲۴ اگر از بچه نابالغ چیزی بخرد یا چیزی به او بفروشد چنانچه جنس یا پول مال بچه نباشد باید جنس یا پولی را که گرفته به صاحب آن برساند یا از صاحبش رضایت بخواهد. و اگر صاحب آن را نمی شناسد و برای شناختن او هم وسیله ای ندارد باید چیزی را که گرفته از طرف صاحبش صدقه بدهد، و اگر مال خود بچه باشد باید بولی او بدهد.

مسئله ۱۴۲۵ اگر مال کسی را بدون اجازه او بفروشد در صورتی که صاحب مال به فروش آن راضی نشود و اجازه نکند معامله باطل است.

مسئله ۱۴۲۶ اگر مالی را که غصب کرده بفروشد و بعد از فروش صاحب مال معامله را برای خودش اجازه دهد معامله صحیح است و مال و منفعت های آن از موقع معامله ملک مشتری و عوضی را که مشتری داده و منفعت های آن از موقع معامله ملک صاحب مال است.

مسئله ۱۴۲۷ اگر مالی را غصب کند و بفروشد به قصد اینکه پول آن مال خودش باشد، در صورتی که صاحب مال معامله را اجازه نکند معامله باطل است، و اگر برای خودش یا برای کسی که مال را غصب کرده اجازه نماید معامله صحیح است.

مسئله ۱۴۲۸ پدر و جد پدری طفل و نیز وصیّ پدر و وصیّ جد پدری می توانند مال طفل را

بفروشند. مجتهد عادل هم می تواند مال دیوانه یا طفل یتیم یا مال کسی را که غائب است بفروشد.

مسئله ۴۲۹ جنس و چیزی را که در عوض آن می گیرند چهار شرط دارد:

اول - مقدار آن با وزن یا پیمانه یا شماره و مانند اینها معلوم باشد. دوم - بتوانند آن را تحویل دهند بنابراین فروختن اسبی که فرار کرده صحیح نیست، ولی اگر اسبی که فرار کرده با چیزی که می تواند تحویل دهد مثلاً با یک فرش بفروشد اگر چه آن اسب پیدا نشود معامله صحیح است.

سوم - خصوصیاتی را که در جنس و عوض هست و به واسطه آنها میل مردم به معامله فرق می کند معین نمایند.

چهارم - خود جنس را بفروشد نه منفعت آن را پس اگر مثلاً- منفعت یک ساله خانه را بفروشد صحیح نیست، ولی چنانچه خریدار به جای پول، منفعت ملک خود را بدهد مثلاً عوض فرشی را که از کسی می خرد منفعت یک ساله خانه خود را به او واگذار کند اشکال ندارد. و اما مالی که نزد کسی گرو است فروختن آن صحیح است و از گرو خارج نمی شود و مشتری با جهل خیار فسخ دارد.

مسئله ۴۳۰ اگر یکی از شرطهایی که در مسائل گذشته گفته شد در معامله نباشد معامله باطل است. ولی چنانچه خریدار و فروشنده با صرف نظر از معامله راضی باشند که در مال یکدیگر تصرف کنند تصرف آنها اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۱ در خرید و فروش لازم نیست صیغه عربی بخوانند پس اگر فروشنده به فارسی بگوید این مال را در عوض این پول فروختم و

مشتری بگوید قبول کردم معامله صحیح است. ولی خریدار و فروشنده باید قصد انشاء داشته باشند یعنی به گفتن این دو جمله مقصودشان خرید و فروش باشد.

مسئله ۴۳۲ اگر در موقع معامله صیغه نخوانند ولی فروشنده در مقابل مالی که از خریدار می گیرد مال خود را ملک او کند و او بگیرد به همین قصد که مالش باشد و خریدار هم پولی را به فروشنده بدهد که مالش باشد معامله صحیح است.

مسئله ۴۳۳ فروش میوه ای که گـل آن ریخته و دانه بسته، پیش از چیدن، صحیح است و نیز فروختن غوره بر درخت اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۴ فروختن خیار و بادمجان و سبزی ها و مانند اینها که سالی چند مرتبه چیده می شود در صورتی که ظاهر و نمایان شده باشد و معین کنند که مشتری در سال چند دفعه آن را بچیند اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۵ اگر خوشه گندم و جو را بعد از دانه بستن به چیزی غیر گندم و جو بفروشد اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۶ اگر جنسی را نقد بفروشد خریدار و فروشنده بعد از معامله می توانند جنس و پول را از یکدیگر مطالبه نموده و تحویل بگیرند.

و تحویل دادن خانه و زمین و مانند اینها به این است که آن را در اختیار خریدار بگذارند که بتواند در آن تصرف کند و تحویل دادن فرش و لباس و مانند اینها به این است که طوری آن را در اختیار خریدار بگذارند که اگر بخواهد آن را به جای دیگر ببرد فروشنده جلوگیری نکند.

مسئله ۴۳۷ در معامله نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد پس اگر جنسی را بفروشد که سر

خرمن پول آن را بگیرد چون مدت را کاملاً معین نکرده معامله باطل است.

مسئله ۴۳۸ در معامله نسیه پیش از تمام شدن مدت، انسان نمی تواند طلب خود را از خریدار مطالبه نماید. ولی اگر خریدار بمیرد و از خودش مال داشته باشد فروشنده می تواند پیش از تمام شدن مدت، طلبی را که دارد از ورثه او مطالبه نماید.

مسئله ۴۳۹ در معامله نسیه بعد از تمام شدن مدت انسان می تواند طلب خود را از خریدار مطالبه نماید ولی اگر نتواند بپردازد باید او را مهلت دهد.

مسئله ۴۴۰ در معامله نسیه اگر مثلاً بعد از گذشتن نصف مدت مقداری از طلب خود را کم کند و بقیه را بگیرد اشکال ندارد.

مسئله ۴۴۱ معامله سلف آن است که مشتری پول را بدهد که بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد و اگر بگوید این پول را می دهم که مثلاً بعد از شش ماه فلان جنس را بگیرم و فروشنده بگوید قبول کردم، یا فروشنده پول را بگیرد و بگوید فلان جنس را فروختم که بعد از شش ماه تحویل بدهم معامله صحیح است.

مسئله ۴۴۲ اگر جنسی را سلف بفروشد و عوض آن، جنس دیگر یا پول بگیرد معامله صحیح است.

مسئله ۴۴۳ معامله سلف شش شرط دارد:

اول - خصوصیاتی را که قیمت جنس به واسطه آنها فرق می کند معین نمایند. ولی دقت زیاد هم لازم نیست همین قدر که مردم بگویند خصوصیات آن معلوم شده کافی است.

دوم - پیش از آنکه خریدار و فروشنده از هم جدا شوند خریدار تمام قیمت را بدهد یا به مقدار پول جنس از فروشنده طلبکار باشد

و طلب خود را عوض جنس حساب کند چنانچه مدت طلب سر آمده باشد و او قبول نماید، و در صورتی که مقداری از قیمت آن را بدهد اگر چه معامله به آن مقدار صحیح است، ولی فروشنده می تواند معامله آن مقدار را هم به هم بزند.

سوم - مدت را کاملاً معین کنند، و اگر مثلاً بگوید تا اول خرمن جنس را تحویل می دهم چون مدت کاملاً معلوم نشده معامله باطل است.

چهارم - وقتی را برای تحویل جنس معین کنند که در آن وقت جنس کمیاب نباشد و فروشنده بتواند آن را تحویل بدهد.

پنجم - جای تحویل جنس را معین کنند. ولی اگر از حرف های آنان جای تحویل جنس معلوم باشد لازم نیست اسم آنجا را ببرند.

ششم - وزن یا پیمانه آن را معین کنند. و جنسی را که معمولاً با دیدن معامله می کنند اگر سلف بفروشند اشکال ندارد. ولی باید مثل بعضی از اقسام گردو و تخم مرغ تفاوت افراد آن به قدری کم باشد که مردم به آن اهمیت ندهند.

مسئله ۴۴۴ انسان نمی تواند جنسی را که سلف خریده پیش از تمام شدن مدت بفروشد و بعد از تمام شدن مدت اگر چه آن را تحویل نگرفته باشد فروختن آن اشکال ندارد، ولی فروختن غله مانند گندم و جو و هر چه با وزن یا پیمانه معامله می شود پیش از تحویل گرفتن آن مکروه است.

مسئله ۴۴۵ در معامله سلف اگر فروشنده جنسی را که قرارداد کرده بدهد مشتری باید قبول کند و نیز اگر بهتر از آنچه قرار گذاشتند بدهد و طوری باشد که از

همان جنس حساب شود مشتری باید قبول نماید.

مسئله ۱۴۴۶ اگر جنسی را که فروشنده می دهد پست تر از جنسی باشد که قرارداد کرده مشتری می تواند قبول نکند.

مسئله ۱۴۴۷ اگر به جای جنسی که قرارداد کرده جنس دیگری بدهد و مشتری راضی شود اشکال ندارد.

مسئله ۱۴۴۸ اگر جنسی را که سلف فروخته در موقعی که باید آن را تحویل دهد نایاب شود و نتواند آن را تهیه کند مشتری می تواند صبر کند تا تهیه نماید یا معامله را به هم بزند و چیزی را که داده پس بگیرد.

مسئله ۱۴۴۹ اگر جنسی را بفروشد و قرار بگذارد که بعد از مدتی تحویل دهد و پول آن را هم بعد از مدتی بگیرد معامله باطل است.

مسئله ۱۴۵۰ حق به هم زدن معامله را خیار می گویند و خریدار و فروشنده در یازده صورت می توانند معامله را به هم بزنند.

اول - آنکه از مجلس معامله متفرق نشده باشند و این خیار را خیار مجلس می گویند.

دوم - آنکه مغبون شده باشند (خیار غبن).

سوم - در معامله قرارداد کنند که تا مدت معینی هر دو یا یکی از آنان بتوانند معامله را به هم بزنند (خیار شرط).

چهارم - فروشنده یا خریدار، مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و طوری کند که قیمت مال در نظر مردم زیاد شود (خیار تدلیس).

پنجم - فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد یا شرط کند مالی را که می دهد طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند که در این صورت دیگری می تواند معامله را به هم بزند (خیار تخلف شرط).

ششم -

در جنس یا در عوض آن عیبی باشد (خیار عیب).

هفتم - معلوم شود که مقداری از جنسی را که فروخته مال دیگری است مشاعاً که اگر صاحب آن به معامله راضی نشود، خریدار می تواند معامله را به هم بزند یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد. و نیز اگر معلوم شود که مقداری از عوضی را که خریدار داده مال دیگری است مشاعاً و صاحب آن راضی نشود، فروشنده می تواند معامله را به هم بزند یا عوض آن مقدار را از خریدار بگیرد (خیار شرکت و تبعض صفقه).

هشتم - فروشنده خصوصیات جنس معینی را که مشتری ندیده به او بگوید بعد معلوم شود طوری که گفته نبوده است، که در این صورت مشتری می تواند معامله را به هم بزند، و نیز اگر مشتری خصوصیات عوض معینی را که می دهد بگوید بعد معلوم شود طوری که گفته نبوده است فروشنده می تواند معامله را به هم بزند (خیار رؤیت).

نهم - مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد که اگر مشتری شرط نکرده باشد که دادن پول را تأخیر بیندازد فروشنده می تواند معامله را به هم بزند (خیار تأخیر).

دهم - حیوانی را خریده باشد که تا سه روز می تواند معامله را به هم بزند و اگر در عوض حیوانی که خریده حیوان دیگری داده باشد فروشنده هم تا سه روز می تواند معامله را به هم بزند (خیار حیوان).

یازدهم - فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد مثلاً اسبی را که فروخته فرار نماید که در این صورت مشتری می تواند معامله را به هم

بزند (خیار تعذر تسلیم).

مسئله ۴۵۱ در معامله بیع شرط، که مثلاً خانه هزار تومانی را به دویست تومان می فروشند و قرار می گذارند که اگر فروشنده سر مدت پول را بدهد بتواند معامله را به هم بزند در صورتی که خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند معامله صحیح است.

مسئله ۴۵۲ در معامله بیع شرط اگر چه فروشنده اطمینان داشته باشد که هرگاه سر مدت پول را ندهد خریدار ملك را به او می دهد معامله صحیح است، ولی اگر سر مدت پول را ندهد حق ندارد ملك را از خریدار مطالبه کند و اگر سر مدت پول را ندهد و خریدار بمیرد نمی تواند ملك را از ورثه او مطالبه نماید.

مسئله ۴۵۳ اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید باید تمام چیزهایی را که به واسطه آنها قیمت مال کم یا زیاد می شود بگوید اگر چه به همان قیمت یا به کمتر از آن بفروشد مثلاً باید بگوید که آن را نقد خریده است یا نسیه.

مسئله ۴۵۴ اگر انسان جنسی را به کسی بدهد و بگوید این جنس را به این قیمت به تو فروختم و او بگوید قبول کردم یا به قصد فروختن، جنس را بدهد و او هم به قصد خریدن بگیرد هر چه زیادتر از آن قیمت بفروشد مال خود اوست. ولی اگر فقط قیمت جنس را معین کند و بگوید این جنس را به این قیمت بفروش و هر چه زیادتر فروختی مال خودت باشد هر چه زیادتر از آن قیمت بفروشد مال صاحب مال است و فروشنده فقط می تواند مزد زحمت و

کار خود را بگیرد.

مسئله ۱۴۵۵ اگر قصاب گوشت نر بفروشد و به جای آن گوشت ماده بدهد معصیت کرده است پس اگر گوشت را معین کرده و گفته این گوشت نر را می فروشم مشتری می تواند معامله را به هم بزند و اگر معین نکرده و مشتری به گوشتی که گرفته راضی نشود قصاب باید گوشت نر به او بدهد.

مسئله ۱۴۵۶ اگر مشتری به بزاز بگوید: پارچه ای می خواهم که رنگ آن نرود و بزاز پارچه ای بفروشد که رنگ آن برود مشتری می تواند معامله را به هم بزند.

مسئله ۱۴۵۷ قسم خوردن در معامله، اگر راست باشد مکروه و اگر دروغ باشد حرام است.

احکام صلح

مسئله ۱۴۵۸ صلح آن است که انسان با دیگری سازش کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملك او کند، یا از طلب یا حق خود بگذرد که او هم در عوض مقداری از مال یا منفعت مال خود را به او واگذار نماید، یا از طلب یا حقی که دارد بگذرد. بلکه اگر بدون آنکه عوض بگیرد مقداری از مال یا منفعت مال خود را به کسی واگذار کند یا از طلب یا حق خود بگذرد باز هم صلح صحیح است.

مسئله ۱۴۵۹ دو نفری که چیزی را به یکدیگر صلح می کنند، باید بالغ و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و قصد صلح داشته باشند.

مسئله ۱۴۶۰ لازم نیست صیغه صلح را به عربی بخوانند بلکه با هر لفظی که بفهمانند با هم صلح و سازش کرده اند صحیح است.

مسئله ۱۴۶۱ اگر کسی بخواهد طلب یا حق خود را به دیگری

صلح کند در صورتی صحیح است که او قبول نماید، ولی اگر بخواهد از طلب یا حق خود بگذرد قبول کردن او لازم نیست.

مسئله ۲۴۶۲ اگر از کسی طلبی دارد که باید بعد از مدتی بگیرد چنانچه طلب خود را به مقدار کمتری صلح کند و مقصودش این باشد که از مقداری از طلب خود گذشت کند و بقیه را نقد بگیرد اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۶۳ اگر دو نفر چیزی را با هم صلح کنند، با رضایت یکدیگر می توانند صلح را به هم بزنند. و نیز اگر در ضمن معامله برای هر دو یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را قرار داده باشند کسی که آن حق را دارد می تواند صلح را به هم بزند.

احکام اجاره

مسئله ۲۴۶۴ اجاره دهنده و کسی که چیزی را اجاره می کند باید مکلف و عاقل باشند و به اختیار خودشان اجاره را انجام دهند و نیز باید در مال خود حق تصرف داشته باشند، پس سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید اگر چیزی را اجاره کند یا اجاره دهد صحیح نیست.

مسئله ۲۴۶۵ اگر ولی یا قیم بچه مال او را اجاره دهد، یا خود او را اجیر دیگری نماید اشکال ندارد. اما اگر مقداری از زمان بالغ شدن او را جزء مدت اجاره قرار دهد، بعد از آنکه بچه بالغ شد می تواند بقیه اجاره را به هم بزند یعنی اجازه ندهد در این صورت اجاره صحیح نیست.

مسئله ۲۴۶۶ بچه صغیری را که ولی ندارد بدون اجازه مجتهد نمی شود اجیر کرد

و کسی که به مجتهد دسترسی ندارد می تواند از مؤمن که عادل باشد اجازه بگیرد و او را اجیر نماید.

مسئله ۴۶۷ در اجاره لازم نیست صیغه عربی خوانده شود، بلکه اگر مالک به کسی بگوید ملک خود را به تو اجاره دادم و او بگوید قبول کردم اجاره صحیح است. و نیز اگر حرفی نزنند ولی مالک به قصد اینکه ملک را اجاره دهد آن را به مستأجر واگذار کند و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد اجاره صحیح می باشد.

مسئله ۴۶۸ اگر انسان برای انجام عملی اجیر شود همین که مشغول آن عمل شد اجاره صحیح است و خواندن صیغه اجاره لازم نیست.

مسئله ۴۶۹ زن می تواند برای آنکه از شیرش استفاده کنند اجیر شود و لازم نیست از شوهر خود اجازه بگیرد، ولی اگر به واسطه شیر دادن حق شوهر از بین برود بدون اجازه او نمی تواند اجیر شود بنا بر احتیاط.

مسئله ۴۷۰ استفاده ای که مال را برای آن اجاره می دهند سه شرط دارد:

اول - آنکه حلال باشد بنابراین اجاره دادن دکان برای شراب فروشی و کرایه دادن حیوان برای حمل و نقل شراب باطل است.

دوم - اگر چیزی را که اجاره می دهند چند استفاده دارد استفاده ای را که مستأجر باید ببرد معین نمایند، مثلاً اگر حیوانی را که سواری می دهد و بار می برد اجاره می دهند; باید در موقع اجاره معین کنند سواری یا باربری آن، مال مستأجر است یا همه استفاده های آن.

سوم - مدت استفاده را معین نمایند و اگر مدت معلوم نباشد ولی عمل را معین کنند

مثلاً با خیاط قرار بگذارند که لباس معینی را به طور مخصوصی بدوزد کافی است.

مسئله ۴۷۱ خانه ای را که غریب و زوار در آن منزل می کننـد و معلوم نیست که چقدر در آن می مانند، اگر قرار بگذارند که مثلاً شبی یک تومان بدهند و صاحب خانه راضی شود، استفاده از آن خانه اشکال ندارد.

و این معامله را اباحه به عوض می نامند و چنانچه در حین معامله بنا بگذارند تا هر وقت استفاده کنند بخواهد بماند نمی تواند او را بیرون کند.

مسئله ۴۷۲ اگر چیزی را کـه اجـاره کرده از بیـن برود چنـانچه در نگهـداری آن کوتـاهی نکرده و در استفاده بردن از آن هم زیاده روی ننموده ضامن نیست. و نیز اگر مثلاً پارچه ای را که به خیاط داده از بین برود در صورتی که خیاط تقصیر نکرده و در نگهداری آن هم کوتاهی نکرده باشد، لازم نیست عوض آن را بدهد.

مسئله ۴۷۳ چیزی را که صـنعتگر گرفته اگر ضـایع کنـد ضـامن است. در صورتی که تجـاوز از حـد مـا ذون نموده، والّا ضامن نیست.

احکام حواله

مسئله ۴۷۴ اگر انسـان طلبکـار خود را حواله بدهـد که طلب خود را از دیگری بگیرد و طلبکار قبول نمایـد بعـد از آنکه حواله درست شـد کسـی که به او حـواله شـده بـدهکار می شود و دیگر طلبکـار نمی توانـدطلبی را که دارد از بـدهکار اولی مطـالبه نماید.

مسئله ۴۷۵ بدهکار و طلبکار و کسـی که سـر او حواله شده باید مکلف و عاقل باشـند و کسی آنان را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف

نکنند.

مسئله ۴۷۶ حواله دادن بر سر کسی که بدهکار نیست در صورتی صحیح است که او قبول نماید.

مسئله ۴۷۷ بعد از آنکه حواله درست شد حواله دهنده و کسی که به او حواله شده نمی توانند حواله را به هم بزنند و هرگاه کسی که به او حواله شده در موقع حواله فقیر نباشد اگر چه بعداً فقیر شود طلبکار هم نمی تواند حواله را به هم بزند و همچنین است اگر موقع حواله فقیر باشد ولی طلبکار بداند که فقیر است اما اگر نداند که فقیر است و بعد بفهمد اگر چه در آن وقت مالدار شده باشد طلبکار می تواند حواله را به هم بزند و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد.

مسئله ۴۷۸ اگر بدهکار و طلبکار و کسی که به او حواله شده یا یکی از آنان برای خود حق به هم زدن حواله را قرار دهند مطابق قراری که گذاشته اند می توانند حواله را به هم بزنند.

احکام رهن

مسئله ۴۷۹ رهن آن است که بدهکار مقداری مال نزد طلبکار بگذارد که اگر طلب او را ندهد طلبش را از آن مال به دست آورد.

مسئله ۴۸۰ در رهن لازم نیست صیغه بخوانند همین قدر که بدهکار مال خود را به قصد گرو به طلبکار بدهد و طلبکار به این قصد بگیرد رهن صحیح است.

مسئله ۴۸۱ گرو دهنده و کسی که مال را گرو می گیرد باید هر دو مکلف و عاقل باشند و کسی آنان را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

مسئله ۴۸۲ انسان مالی را می تواند گرو بگذارد

که شرعاً بتواند در آن تصرف کند.

و اگر مال کس دیگر را گرو بگذارد در صورتی صحیح است که صاحب مال اذن بدهد.

مسئله ۴۸۳ چیزی را که گرو می گذارند باید خرید و فروش آن صحیح باشد، پس اگر شراب و مانند آن را گرو بگذارند درست نیست.

مسئله ۴۸۴ منافع چیزی را که گرو می گذارند مال کسی است که آن را گرو گذاشته.

مسئله ۴۸۵ طلبکار نمی تواند مالی را که گرو گذاشته شده بدون اجازه بدهکار ملك کسی کند مثلاً ببخشد یا بفروشد. ولی اگر صاحب مال آن را ببخشد یا بفروشد و گرو گیرنده بگوید راضی هستم اشکال ندارد.

اما بدهکار می تواند بدون اجازه طلبکار ببخشد یا بفروشد، ولی حق الرهن از بین نمی رود و باقی است به همان چیز و خریدار اگر جاهل باشد خیار فسخ دارد.

مسئله ۴۸۶ اگر طلبکار چیزی را که گرو برداشته با اجازه بدهکار بفروشد پول آن هم مثل خود مال گرو می باشد مگر آنکه حق الرهن اسقاط شده باشد که در این صورت به آن پول حقی ندارد.

مسئله ۴۸۷ اگر موقعی که باید بدهی خود را بدهد طلبکار مطالبه کند و او ندهد چنانچه طلبکار وکیل در بیع باشد می تواند مالی را که گرو برداشته بفروشد و طلب خود را بردارد و باید بقیه را به بدهکار بدهد.

و اگر وکیل نباشد به بدهکار مراجعه در بیع می کند و او را الزام می نماید.

و اگر قبول نکرد مراجعه به حاکم شرع می نماید تا حاکم او را مجبور نماید و اگر قبول نکرد حاکم از طرف او می فروشد یا

اجازه می دهد که طلبکار بفروشد.

احکام ضامن شدن

مسئله ۲۴۸۸ اگر انسان بخواهد ضامن شود که بدهی کسی را بدهد ضامن شدن او در صورتی صحیح است که به هر لفظی اگر چه عربی نباشد یا به فعلی به طلبکار بگوید و یا بفهماند. من ضامن شده ام که طلب تو را بدهم و طلبکار هم رضایت خود را بفهماند، ولی راضی بودن بدهکار شرط نیست.

مسئله ۲۴۸۹ ضامن و طلبکار باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنان را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند ولی این شرطها در بدهکار نیست پس اگر کسی ضامن شود که بدهی بچه یا دیوانه را بدهد صحیح است.

مسئله ۲۴۹۰ هرگاه برای ضامن شدن خودش شرطی قرار دهد مثلاً بگوید: اگر بدهکار بدهی خود را نداد من می دهم ضامن شدن او باطل است. بنا بر احتیاط واجب.

ولی چنانچه ضمان مشروط نباشد اداء مشروط باشد ضمان صحیح است.

احکام کفالت

مسئله ۲۴۹۱ کفالت آن است که انسان ضامن شود که هر وقت طلبکار بدهکار را خواست به دست او بدهد و به کسی که این طور ضامن می شود کفیل می گویند.

مسئله ۲۴۹۲ کفالت در صورتی صحیح است که کفیل به هر لفظی اگر چه عربی نباشد یا به فعلی به طلبکار بگوید و بفهماند من ضامنم که هر وقت بدهکار خود را بخواهی به دست تو بدهم و طلبکار هم قبول نماید.

مسئله ۲۴۹۳ کفیل باید مکلف و عاقل باشد و او را در کفالت مجبور نکرده باشند و نیز باید بتواند بدهکار را حاضر نماید.

مسئله ۲۴۹۴ یکی از پنج چیز کفالت را به هم می زند:

اول – کفیل بدهکار را به دست طلبکار بدهد.

دوم – طلب طلبکار داده شود.

سوم – طلبکار از طلب خود بگذرد.

چهارم – بدهکار بمیرد.

پنجم – طلبکار کفیل را از کفالت آزاد کند.

مسئله ۴۹۵ اگر کسی به زور بدهکار را از دست طلبکار رها کند چنانچه طلبکار دسترسی به او نداشته باشد کسی که بدهکار را رها کرده باید او را به دست طلبکار بدهد یا طلب او را بدهد.

احکام مالی که انسان آن را پیدا می کند

مسئله ۴۹۶ مالی که انسان آن را پیدا می کند اگر نشانه ای نداشته باشد که به واسطه آن، صاحبش معلوم شود می تواند به قصد آنکه ملک خودش شود آن را بردارد.

مسئله ۴۹۷ اگر مالی پیدا کند که نشانه دارد و قیمت آن از یک درهم که ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار است کمتر است، چنانچه صاحب آن معلوم باشد و انسان نداند که راضی است یا نه نمی تواند بدون اجازه او را بردارد.

و اگر صاحب آن معلوم نباشد می تواند به قصد اینکه ملک خودش شود بردارد و چنانچه عین مال باقی است هر وقت صاحبش پیدا شد آن را باید به او بدهد و اگر باقی نیست لازم نیست عوض آن را به او بدهد.

مسئله ۴۹۸ هر گاه چیزی پیدا کند که نشانه دارد و قیمتش به ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار می رسد، اگر چه بداند که صاحب آن سنّی یا کافری است که در پناه مسلمانان است، باید از روزی که آن را پیدا کرده تا یک سال اعلان کند.

و مقتضای احتیاط در کیفیت اعلان آن است که تا

یـک هفته روزی دو مرتبه بعـد تـا یـک مـاه هفته ای یک مرتبه بعـد تا یک سال ماهی یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلان کند.

مسئله ۱۴۹۹ اگر انسان خودش نخواهد اعلان کند می تواند به کسی که اطمینان دارد بگوید که از طرف او اعلان نماید.

مسئله ۱۵۰۰ اگر تا یک سال اعلان کنـد و صاحب مال پیـدا نشود می توانـد، برای او نگهـداری کنـد که هر وقت پیدا شد به او بدهد، یا برای خود بردارد به قصد اینکه هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد و یا از طرف صاحبش صدقه بدهد به قصد آنکه اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد عوض آن را به او بدهد.

مسئله ۱۵۰۱ اگر بعـد از آنکه یک سال اعلان کرد و صاحب مال پیـدا نشـد مال را برای صاحبش نگهداری کند و از بین برود، در صورتی که در نگهـداری آن کوتـاهی نکرده و تعـدی و تقصـیر ننموده ضـامن نیست. و اگر از طرف صاحبش صـدقه داده باشـد، یا برای خودش برداشـته باشد در هر دو صورت اگر صاحبش پیدا شد و صدقه را قبول نکرد و مطالبه کرد باید مثل و یا قیمت آن را به صاحبش بدهد و ضامن است.

مسئله ۱۵۰۲ کسـی که مالی را پیدا کرده اگر عمداً به دسـتوری که گفته شده اعلان نکند گذشته از اینکه معصیت کرده باز هم واجب است اعلان نماید.

مسئله ۱۵۰۳ اگر در بین سالی که اعلان می کنـد مال از بین برود چنانچه در نگهـداری آن کوتاهی کرده یا تعـدی و تقصـیر در حفظ کرده باشد باید عوض آن را

به صاحبش بدهد و اگر کوتاهی و تقصیر نکرده چیزی بر او واجب نیست.

مسئله ۵۰۴ اگر کفش او را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند چنانچه بداند کفشی که مانده مال کسی است که کفش او را برده در صورتی که آن شخص عمداً تبدیل نموده و یا اگر جهلاً بوده فعلاً متصرف در آن کفش است و دسترسی به او نیست، یا آنکه علم به رضایت او دارد می تواند به جای کفش خودش بردارد.

ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد باید هر وقت صاحب آن پیدا شد زیادی قیمت را به او بدهد.

و در صورتی که از پیدا شدن او ناامید شود باید زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد.

و اگر احتمال دهد کفشی که مانده مال کسی نیست که کفش او را برده پس اگر قیمت آن از ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار کمتر است می تواند برای خودش بردارد و اگر بیشتر است باید تا یک سال اعلان کند و بعد از یک سال احتیاطاً از طرف صاحبش صدقه بدهد.

احکام نکاح – ازدواج – زناشویی

مسئله ۵۰۵ به واسطه عقد ازدواج زن به مرد حلال می شود.

و آن بر دو قسم است، دائم و غیر دائم، عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود و زنی را که به این قسم عقد کنند زوجه دائمه می گویند، عقد غیر دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین شود مثلاً زن را به مدت یک ساعت، یا یک روز، یا یک ماه، یا یک سال یا بیشتر عقد نمایند و زنی را که به

این قسم عقد کنند متعه و صیغه می نامند.

مسئله ۵۰۶ در زناشویی چه دائم و چه غیر دائم باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست.

و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می خوانند، یا دیگری را وکیل می کنند که از طرف آنان بخواند.

مسئله ۵۰۷ یک نفر می تواند برای خواندن صیغه عقد دائم و غیر دائم از طرف دو نفر وکیل شود، ولی انسان نمی تواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود به طور دائم یا غیر دائم عقد کند.

شرایط عقد ازدواج

مسئله ۵۰۸ عقد ازدواج چند شرط دارد:

اول - آنکه بنا بر احتیاط به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود زن و مرد نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، می توانند خودشان به غیر عربی بخوانند، اما باید لفظی بگویند که معنای «زَوَّجْتُ و قَبِلْتُ» را بفهماند.

دوم - مرد و زن یا وکیل آنان که صیغه را می خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می خوانند، زن به گفتن زوّجتک نفسی قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن قبلت التزویج زن بودن او را برای خود قبول نماید. و اگر وکیل مرد و زن صیغه را می خوانند به گفتن زوّجت و قبلت قصدشان این باشد که مرد و زنی که آنان را وکیل کرده اند زن و شوهر شوند.

سوم - کسی که صیغه را می خواند بالغ و عاقل باشد، بلی عقد غیربالغ به اذن ولی صحیح است و نیز عقد او در صورت وکیل

در اجرای صیغه فقط بدون اذن ولی صحیح است.

چهارم – اگر وکیل زن و شوهر یا ولی آنان صیغه را می خوانند در عقد، زن و شوهر را معین کنند.

پنجم – زن و مرد به ازدواج راضی باشند، ولی اگر زن ظاهراً به کراهت اذن دهد و معلوم باشد که قلباً راضی است عقد صحیح است.

دستور خواندن عقد دائم

مسئله ۵۰۹ اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند، اول زن بگوید: زَوَّجْتُکَ نَفْسی عَلَی الصَّداقِ الْمَعْلُومْ یعنی خود را زن تو نموده به مهری که معین شده پس از آن بدون فاصله مرد بگوید: قَبِلْتُ التَّزْیجْ یعنی قبول کردم ازدواج را صحیح است.

و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنان صیغه عقد را بخواند، چنانچه مثلاً اسم مرد احمد و اسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید: زَوَّجْتُ مُوَکِّلَتی فاطِمَهَ مُوَکِّلَکَ اَحْمَدَ عَلَی الصَّداقِ الْمَعْلُومْ پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی اَحْمَدَ عَلَی الصَّداقْ صحیح می باشد.

و بنا بر احتیاط غیر واجب باید لفظی که مرد می گوید با لفظی که زن می گوید مطابق باشد مثلاً اگر زن زَوَّجْتُ می گوید مرد هم قَبِلْتُ التَّزْویجْ بگوید.

دستور خواندن عقد غیر دائم

مسئله ۵۱۰ اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند بعد از آنکه مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید: زَوَّجْتُکَ نَفْسی فِی الْمُدَّهِ الْمَعْلُومَهِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُومْ بعد بدون فاصله مرد بگوید قَبِلْتُ صحیح است و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: مَتَّعْتُ مُوَکِّلَتی مُوَکِّلَکَ فِی الْمَّدهِ الْمَعْلُومَهِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُوم بعد بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی هکَذا صحیح می باشد.

احکام عقد

مسئله ۵۱۱ اگر در عقد یک حرف غلط خوانده شود که معنای آن را عوض کند عقد باطل است.

مسئله ۵۱۲ کسی که دستور زبان عربی را نمی داند اگر قرائتش درست باشد و معنای هر کلمه عقد را جداگانه بداند و از هر لفظی معنای آن را قصد کند می تواند عقد را بخواند.

مسئله ۵۱۳ پدر و جد پدری می توانند برای فرزند نابالغ یا دیوانه خود که به حال دیوانگی بالغ شده است ازدواج کنند. و بعد از آنکه بچه بالغ یا دیوانه عاقل گردید نمی تواند آن را به هم بزنند.

مسئله ۵۱۴ دختر باکره ای که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد، اگر بخواهد شوهر

کند، لازم نیست از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد و اختیار ازدواج با خود اوست.

مسئله ۱۵۱۵ اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد می تواند عقد را به هم بزند: اول – دیوانگی. دوم – مرض خوره. سوم – مرض برص. چهارم – کوری. پنجم – زمین گیر بودن. ششم – راه بول

و حیض یـا راه حیض و غایـط او یکی شـده باشـد. هفتـم - آنکـه گـوشت یـا اسـتخوانی در فرج او باشـد کـه از جمـاع کردن جلوگیری کند.

مسئله ۵۱۶ اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش دیوانه است یا آلت مردی ندارد، یا مرضی دارد که نمی تواند جماع کند، یا تخم های او را کشیده اند می تواند عقد را به هم بزند.

مسئله ۵۱۷ مرد اگر بعد از عقد و عروسی هر وقت دیوانه شود زن می تواند عقد نکاح را فسخ نماید ولی زن اگر بعد از عقد و عروسی دیوانه شود مرد حق فسخ نکاح را ندارد.

مسئله ۵۱۸ اگر شخصی زنی را برای خود عقد نماید اگر چه با او نزدیکی نکند، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او هر چه بالاتر روند، به آن مرد محرم می شوند.

مسئله ۵۱۹ اگر زنی را برای خود عقـد کند و با او نزدیکی نماید دختر و نوه دختری و پسـری آن زن هر چه پائین روند چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد محرم می شوند.

مسئله ۵۲۰ اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی هم نکرده باشد؛ تا وقتی که آن زن در عقد او است نمی تواند با دختر او ازدواج کند. ولی اگر نزدیکی نکرده طلاق داد یا در متعه مدت سر آمد می تواند دختر او را بگیرد.

مسئله ۵۲۱ عمه و خاله پدر و خاله پدر پدر و عمه و خاله مادر و عمه و خاله مادر مادر هر چه بالا روند به انسان محرمند.

مسئله ۵۲۲ پدر و جد شوهر

هر چه بالا رونـد و پسـر و نوه پسـری و دختری او هر چه پایین آیند چه در موقع عقد باشـند یا بعداً به دنیا بیایند به زن او محرم هستند.

مسئله ۵۲۳ انسان نمی توانـد بـدون اجازه زن خود با خواهرزاده و برادرزاده او ازدواج کند، ولی اگر بدون اجازه زنش آنان را عقد نماید و بعداً زن بگوید به آن عقد راضی هستم اشکال ندارد.

مسئله ۵۲۴ زن مسلمان نمی تواند به عقد کافر در آید.

ولی مرد مسلمان می تواند با زن های اهل کتاب به طور دائم و صیغه کردن ازدواج نماید.

مسئله ۵۲۵ اگر با زن بی شوهری که در عـده نیست زنا کند بعداً می تواند آن زن را برای خود عقد نماید و همچنین است اگر دیگری بخواهد آن زن را عقد کند.

مسئله ۵۲۶ مادر و خواهر و دختر پسر غیربالغی که لواط داده بر لواط کننده حرام است، چنانچه لواط کننده بالغ باشد. ولی اگر یقین نداشته باشند چه گمان داشته باشند که دخول شده یا شک کنند که دخول شده یا نه؛ بر او حرام نمی شود.

مسئله ۵۲۷ اگر با مادر یا خواهر یا دختر کسـی ازدواج نمایـد و بعد از ازدواج و عروسـی با آن کس لواط کند آنان بر او حرام نمی شوند بنابر مشهور، ولی احتیاط ترک نشود.

مسئله ۵۲۸ زنی که صیغه شده، اگر چه آبستن شود حق خرجی ندارد.

مسئله ۵۲۹ زنی که صیغه شده حق همخوابی ندارد و از شوهر ارث نمی برد و شوهر هم از او ارث نمی برد.

مسئله ۵۳۰ زنی که صیغه شده؛ می تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود

ولی اگر به واسطه بیرون رفتن، حق شوهر از بین برود بیرون رفتن او حرام است.

مسئله ۵۳۱ اگر پدر یا جد پدری برای محرم شدن، یک ساعت یا دو ساعت زنی را به عقد پسر نابالغ خود در آورند کافی است. و نیز می تواند دختر نابالغ خود را برای محرم شدن، به عقد کسی در آورد ولی باید آن عقد برای دختر نفعی داشته باشد.

مسئله ۵۳۲ اگر مرد مدت صیغه زن را ببخشد چنانچه با او جماع کرده باشد تمام چیزی را که قرار گذاشته باید به او بدهد و اگر جماع نکرده باید نصف آن را بدهد.

مسئله ۵۳۳ مرد می تواند زنی را که صیغه او بوده و او را رها کرده و هنوز عده اش تمام نشده به عقد دائم خود در آورد.

احکام نگاه کردن

مسئله ۵۳۴ نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم بالغه همچنین نگاه کردن به موی آنان چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است.

و نگاه کردن به صورت و دست ها با قصد لذت حرام می باشد، و اگر بدون قصد لذت باشد جایز است.

و نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است. و اما نگاه کردن به مثل سر و موی آن و گردن و دست و ساق پا ظاهراً جایز است.

مسئله ۵۳۵ زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، و لازم نیست بدن و موی خود را از پسری که بالغ نشده ولو خوب و بد را می فهمد بپوشاند و پوشاندن صورت و دست ها لازم نیست.

مسئله ۵۳۶ نگاه کردن به عورت دیگری حتی عورت بچه ممیزی

که خوب و بـد را می فهمد حرام است، اگر چه از پشت شیشه یا در آئینه یا آب صاف و مانند اینها باشد ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

مسئله ۵۳۷ مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

مسئله ۵۳۸ نگـاه کردن به عکس زن نامحرم با قصـد لـذت حرام و بـدون قصـد لـذت جایز است، ولی بهتر است به عکس زن نامحرمی که می شناسد نگاه نکند.

مسئله ۵۳۹ اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشـد که او را نگاه کنـد و دست به بـدن او بزنـد اشـکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن تنها بتواند معالجه نماید نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه نماید نباید او را نگاه کند.

مسئله ۵۴۰ اگر انسـان برای معـالجه کسـی ناچـار شود که به عورت او نگـاه کنـد و چـاره ای جز نگـاه کردن به عورت نباشـد اشکال ندارد.

مسائل متفرقه زناشویی

مسئله ۵۴۱ کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام می افتد واجب است زن بگیرد.

مسئله ۵۴۲ اگر شوهر در عقـد شـرط کنـد که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده نمی تواند عقد را به هم بزند، ولی تفاوت مهر بکر و ثیب را می گیرد.

مسئله ۵۴۳ ماندن مرد و زن نامحرم در اتاقی که کسی در آن نیست و دیگری هم نمی تواند وارد شود حرام نیست. چه به ذکر خدا مشغول باشند چه به صحبت دیگر، خواب باشند یا بیدار.

مسئله ۵۴۴

اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهری بیرون نبرد و مرد هم قبول کند نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد.

مسئله ۵۴۵ اگر زن انسان از شوهر دیگرش دختری داشته باشد انسان می تواند آن دختر را برای پسر خود که از آن زن نیست عقد کند و نیز اگر دختری را برای پسر خود عقد کند می تواند با مادر آن دختر ازدواج کند.

مسئله ۵۴۶ اگر زنی از زنا آبستن شود در صورتی که خود آن زن با مردی که با او زنا کرده یا هر دو آنان مسلمان باشند برای آن زن جایز نیست که بچه را سقط کند.

مسئله ۵۴۷ زن های سیده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می شوند یعنی خون حیض نمی بینند و زن هایی که سیده نیستند بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند و اگر زن بگوید یائسه ام و یا شوهر ندارم، یا عده ندارم حرف او قبول می شود. ولی اگر زن قبلاً ـ شوهر داشته و ادعای مردن شوهر یا طلاق بنماید و زن در دعوی خود متهمه باشد، در این صورت بنا بر احتیاط نباید حرف او را بدون تفحص از حالش قبول کرد.

مسئله ۵۴۸ مستحب است در شوهر دادن دختری که مکلف شده عجله کنند، حضرت صادق(ع) فرمودند: یکی از سعادت های مرد آن است که دخترش در خانه او حیض نبیند.

احکام شیر دادن

مسئله ۵۴۹ اگر زنی بچه ای را با شرایطی که در مسئله ۵۶۰ گفته خواهد شد شیر دهد، آن بچه به این عده محرم می شود:

اول - خود زن شیر دهنده

و او را مادر رضاعی می گویند.

دوم – شوهر زن که شیر مال او است و او را پدر رضاعی می گویند.

سوم – پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند، اگر چه پدر و مادر رضاعی او باشند.

چهارم – بچه هایی که از آن زن به دنیا آمده اند یا به دنیا می آیند.

پنجم – بچه های اولاد آن زن هر چه پایین روند چه از اولاد او به دنیا آمده یا اولاد او آن بچه ها را شیر داده باشند.

ششم – خواهر و برادر آن زن اگر چه رضاعی باشند یعنی به واسطه شیر خوردن خواهر و برادر آن زن شده باشند.

هفتم – عمو و عمه آن زن اگر چه رضاعی باشند.

هشتم – دایی و خاله آن زن اگر چه رضاعی باشند.

نهم – اولاد شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است هر چه پایین روند اگر چه اولاد رضاعی او باشند.

دهم – پدر و مادر شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است هر چه بالا روند.

یازدهم – خواهر و برادر شوهری که شیر مال او است اگر چه خواهر و برادر رضاعی او باشند.

دوازدهم – عمو و عمه و دایی و خاله شوهری که شیر مال او است هر چه بالا روند اگر چه رضاعی باشند و نیز عده دیگری هم که در مسائل بعد گفته می شوند به واسطه شیر دادن محرم می شوند.

مسئله ۵۵۰ اگر زنی بچه ای را با شرایطی که در مسئله ۵۶۲ گفته می شود شیر دهد پدر آن بچه نمی تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده اند ازدواج

نماید و نیز نمی تواند دخترهای شوهری را که شیر مال او است برای خود عقد کند اگر چه دخترهای رضاعی او باشند، بنا بر احتیاط واجب با دخترهای رضاعی آن زن ازدواج ننماید.

مسئله ۵۵۱ اگر زنی بچه ای را با شرایطی که در مسئله ۵۶۲ گفته می شود شیر دهد شوهر آن زن که صاحب شیر است به خویشان آن بچه محرم نمی شود و نیز خویشان شوهر به خواهر و برادر آن بچه محرم نمی شوند.

مسئله ۵۵۲ اگر زنی بچه ای را شیر دهد به برادرهای آن بچه محرم نمی شود و نیز خویشان آن زن به برادر و خواهر بچه ای که شیر خورده محرم نمی شوند.

مسئله ۵۵۳ اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی کند دیگر نمی تواند با دختری که از آن زن شیر کامل خورده ازدواج کند.

مسئله ۵۵۴ اگر دختری را برای خود عقد کند، دیگر نمی تواند با زنی که آن دختر را شیر کامل داده ازدواج نماید.

مسئله ۵۵۵ انسان نمی تواند با دختری که مادر یا مادربزرگ انسان او را شیر کامل داده ازدواج نماید.

مسئله ۵۵۶ اگر زن پدر انسان از شیر پدر او دختری را شیر کامل بدهد انسان نمی تواند با آن دختر ازدواج نماید.

مسئله ۵۵۷ اگر دختر شیرخواری را برای خود عقد کند بعد مادر یا مادربزرگ یا زن پدر او آن دختر را شیر دهد عقد باطل می شود.

مسئله ۵۵۸ با دختری که خواهر یا زن برادر انسان از برادر انسان او را شیر کامل داده نمی شود ازدواج کرد.

مسئله ۵۵۹ اگر زنی بچه دختر خود را شیر دهد، آن دختر

به شوهر خود حرام می شود.

و همچنین است اگر بچه ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد.

مسئله ۵۶۰ اگر بچه پسر خود را شیر دهد زن پسرش که مادر آن طفل شیرخوار است بر شوهر خود حرام نمی شود.

مسئله ۵۶۱ اگر زن پدر دختری بچه شوهر آن دختر را شیر دهد به شوهر خود حرام می شود، چه بچه از همان دختر یا از زن دیگر شوهر او باشد.

شرایط شیردادنی که علت محرم شدن است

مسئله ۵۶۲ شیردادنی که علت محرم شدن است چند شرط دارد:

اول – شیر آن زن از حرام نباشد، پس اگر شیر بچه ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه دیگر بدهند آن بچه به کسی محرم نمی شود.

دوم – بچه شیر را از پستان بمکد پس اگر شیر را در گلوی او بریزند نتیجه ندارد.

سوم – شیر، خالص و با چیز دیگر مخلوط نباشد.

چهارم – شیر از یک شوهر باشد پس اگر زن شیردهی را طلاق دهند بعد شوهر دیگر کند و از او آبستن شود و تا موقع زاییدن شیری که از شوهر اول داشته باقی باشد و مثلاً هشت دفعه پیش از زاییدن از شیر شوهر اول و هفت دفعه بعد از زاییدن از شیر شوهر دوم به بچه ای بدهد آن بچه به کسی محرم نمی شود.

پنجم – بچه به واسطه مرض شیر را قی نکند، و اگر قی کند بنا بر احتیاط لازم کسانی که به واسطه شیر خوردن به آن بچه محرم می شوند باید با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او ننمایند.

ششم – دو سال بچه تمام نشده باشد

پس اگر مثلاً- پیش از تمام شدن دو سال چهارده مرتبه و بعد از آن، یک مرتبه شیر بخورد به کسی محرم نمی شود ولی چنانچه از موقع زاییدن زن شیرده بیشتر از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه ای را شیر دهد آن بچه به کسانی که گفته شد حرام و محرم می شود.

هفتم - پانزده مرتبه یا یک شبانه روز به طوری که در مسئله بعد گفته می شود شیر سیر بخورد یا مقداری شیر بخورد که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روییده است.

مسئله ۵۶۳ باید بچه در بین یک شبانه روز غذا یا شیر کس دیگر را نخورد، ولی اگر کمی غذا بخورد که نگویند در بین، غذا خورده اشکال ندارد و نیز باید پانزده مرتبه را از شیر یک زن بخورد و در بین پانزده مرتبه شیر کس دیگر را نخورد و در هر دفعه بدون فاصله شیر بخورد، بلی اگر در بین شیر خوردن نفس تازه کند یا کمی صبر کند که از اولی که پستان در دهان می گیرد تا وقتی که سیر می شود یک دفعه حساب شود اشکال ندارد.

مسئله ۵۶۴ اگر زن از شیر شوهر خود بچه ای را شیر دهد بعد شوهر دیگر کند و از آن شیر آن شوهر هم بچه دیگر را شیر دهد آن دو بچه به یکدیگر محرم نمی شوند اگر چه بهتر است که احتیاطاً با هم ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به یکدیگر ننمایند.

مسئله ۵۶۵ اگر زن از شیر یک شوهر چندین بچه را شیر دهد همه آنان

به یکدیگر و به شوهر و به زنی که آنان را شیر داده محرم می شوند.

مسئله ۱۵۶۶ اگر کسـی چند زن داشته باشد و هر کدام آنان با شرایطی که در مسئله ۵۶۲ گفته شد بچه ای را شیر دهد همه آن بچه ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زن ها محرم می شوند.

مسئله ۱۵۶۷ اگر کسـی دو زن شیرده داشته باشد و یکی از آن دو بچه ای را مثلاً هشت مرتبه و دیگری هفت مرتبه شیر دهد آن بچه به کسی محرم نمی شود.

مسئله ۱۵۶۸ اگر زنی از شـیر یک شوهر پسر و دختری را شیر دهد خواهر و برادر آن دختر به خواهر و برادر آن پسر محرم نمی شوند.

مسئله ۱۵۶۹ انسان نمی تواند بدون اذن زن خود با خواهرزاده یا برادرزاده رضاعی( ) زن ازدواج نماید.

و نیز اگر با پسری لواط کند لازم است که دختر و خواهر و مادر و مادربزرگ رضاعی آن پسر را برای خود عقد نکند.

مسئله ۱۵۷۰ اگر زن از شـیر شوهر خود کسانی را که بعـداً گفته می شود شـیر دهد شوهرش بر او حرام نمی شود. اول - برادر و خواهر خود را. دوم - عمو و عمه و دایی و خـاله خود را. سوم - اولاـد عمو و اولاـد دایی خود را. چهـارم - برادرزاده خود را. پنجم - برادر شـوهر یـا خـواهر شوهر خود را. شـشم - خواهرزاده خود یـا خواهرزاده شوهرش را. هفتم - عمو و عمه و دایی و خاله شوهرش را. هشتم - نوه زن دیگر شوهر خود را.

مسئله ۱۵۷۱ اگر به واسطه شیر

دادن حق شوهر از بین نرود زن می تواند بدون اجازه شوهر بچه کس دیگر را شیر دهد، ولی جایز نیست بچه ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن به او بر شوهر خود حرام شود، مثلاً اگر شوهر او دختر شیرخواری را برای خود عقد کرده باشد نباید آن دختر را شیر دهد، چون اگر آن دختر را شیر دهد خودش مادر زن شوهر می شود و بر او حرام می گردد.

مسئله ۵۷۲ اگر کسی بخواهد زن برادرش به او محرم شود باید دختر شیرخواری را مثلاً دو روز برای خود صیغه کند و در آن دو روز با شرایطی که در مسئله ۵۵۸ گفته شد زن برادرش آن دختر را شیر دهد.

احکام طلاق

مسئله ۵۷۳ مردی که زن خود را طلاق می دهد باید کمتر از ده سال نداشته باشد بلکه بنا بر احتیاط بالغ باشد، و باید عاقل باشد، و به اختیار خود طلاق دهد پس اگر مجبورش کنند که زن خود را طلاق دهد طلاق باطل است.

و نیز باید قصد طلاق داشته باشد پس اگر صیغه طلاق را به شوخی بگوید صحیح نیست.

مسئله ۵۷۴ در طلاق رضایت زن شرط نیست بلکه علم او هم شرط نیست و در خفای او می شود طلاق داد اگر شرایط طلاق موجود باشد.

مسئله ۵۷۵ زن باید در وقت طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد و شوهرش در آن پاکی با او نزدیکی نکرده باشد و تفصیل این دو شرط در مسائل آینده گفته می شود.

مسئله ۵۷۶ طلاق دادن زن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است:

اول – شوهرش

بعد از ازدواج با او نزدیکی نکرده باشد.

دوم – معلوم باشد که آبستن است و اگر معلوم نباشد و شوهر در حال حیض طلاقش بدهد بعد بفهمد که آبستن بوده طلاق صحیح است.

سوم – مرد به واسطه غایب بودن نتواند بفهمد که زن از خون حیض یا نفاس پاک است یا نه و بنا بر احتیاط یک ماه از وقت جماع گذشته باشد.

مسئله ۵۷۷ اگر کسی با عیالش که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کند و بخواهد طلاقش دهد باید صبر کند تا دوباره حیض ببیند و پاک شود. ولی زن یائسه( ) و زنی را که نه سالش تمام نشده، یا آبستن است بعد از نزدیکی هم می شود طلاق داد.

مسئله ۵۷۸ اگر با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است، نزدیکی کند و مسافرت نماید و بخواهد در سفر طلاقش دهد باید به قدری که زن معمولاً بعد از آن پاکی خون می بیند و دوباره پاک می شود صبر کند.

مسئله ۵۷۹ اگر مرد بخواهد زن خود را که به واسطه مرضی حیض نمی بیند طلاق دهد باید از وقتی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از جماع با او خودداری نماید و بعد او را طلاق دهد.

مسئله ۵۸۰ طلاق باید به صیغه عربی معین که بعد ذکر می شود صحیح خوانده شود و دو مرد عادل آن را بشنوند.

و اگر خود شوهر بخواهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن او مثلاً فاطمه باشد، باید بگوید: زَوْجَتی فاطِمَةُ طالِق یعنی زن من فاطمه رها است و اگر دیگری را وکیل کند، آن وکیل باید

بگوید: زَوْجَهُ مُوَکِّلی فاطِمَهُ طالِق.

مسئله ۵۸۱ زنی که صیغه شده مثلاً یک ماهه یا یکساله او را عقد کرده اند طلاق ندارد و رها شدن او به این است که مدتش تمام شود یا مرد مدت را به او ببخشد به این ترتیب که بگوید: مدت را به تو بخشیدم و شاهد گرفتن و پاک بودن زن از حیض لازم نیست.

عده طلاق

مسئله ۵۸۲ زنی که، نه سالش تمام شده و یائسه نیست، اگر شوهرش با او نزدیکی کند و طلاقش دهد بعد از طلاق باید عده نگهدارد یعنی بعد از آنکه در پاکی طلاقش داد به قدری صبر کند که دو بار حیض ببیند و پاک شود و همین که حیض سوم را دید عده او تمام می شود و می تواند شوهر کند.

مسئله ۵۸۳ زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده عده ندارد یعنی بعد از طلاق می تواند فوراً شوهر کند.

مسئله ۵۸۴ زنی که نه سالش تمام نشده و زن یائسه( ) عده ندارند یعنی اگر چه شوهرانشان با آنان نزدیکی کرده باشند بعد از طلاق می توانند فوراً شوهر کنند.

مسئله ۵۸۵ زنی که حیض نمی بیند اگر در سن زن هایی باشد که حیض می بینند چنانچه شوهرش او را طلاق دهد باید بعد از طلاق تا سه ماه عده نگهدارد.

مسئله ۵۸۶ اگر زن آبستن را طلاق دهند عده اش تا دنیا آمدن یا سقط شدن بچه او است، بنابراین اگر مثلاً یک ساعت بعد از طلاق بچه او به دنیا آید عده اش تمام می شود.

و اگر قبل از بچه به دنیا آمدن مدت عده غیر حامله بگذرد عده اش

تمام می شود.

مسئله ۵۸۷ زنی که نه سالش تمام شده و یائسه نیست اگر صیغه شود مثلاً یک ماهه یا یک ساله شوهر کند و شوهرش با او نزدیکی نماید چنانچه مدت آن زن تمام شود یا شوهر مدت را به او ببخشد باید عده نگهدارد پس اگرحیض می بیند باید به مقدار دو حیض عده نگهدارد و شوهر نکند و اگر حیض نمی بیند چهلوپنج روز از شوهر کردن خودداری نماید.

عده زنی که شوهرش مرده

مسئله ۵۸۸ زنی که شوهرش مرده، اگر آبستن نباشد باید تا چهار ماه و ده روز عده نگهدارد یعنی از شوهر کردن خودداری نماید، اگر چه صغیره یا یائسه یا صیغه باشد یا شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد و اگر آبستن باشد باید تا موقع زاییدن عده نگهدارد، ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز بچه اش به دنیا آید باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهرش صبر کند و این عده را عده وفات می گویند.

مسئله ۵۸۹ زنی که در عده وفات می باشد حرام است لباس الوان بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب می شود بر او حرام است.

طلاق بائن و طلاق رجعی

مسئله ۵۹۰ طلاق بائن آن است که بعد از طلاق مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند یعنی بدون عقد او را به زنی قبول نماید و آن بر پنج قسم است:

اول – طلاق زنی که نه سالش تمام نشده باشد.

دوم – طلاق زنی که یائسه باشد.

سوم – طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.

چهارم – طلاق سوم زنی که او را سه دفعه طلاق داده اند.

پنجم – طلاق خلع و مبارات( ).

و غیر اینها طلاق رجعی است که بعد از طلاق تا وقتی زن در عده است مرد می تواند به او رجوع نماید.

مسئله ۵۹۱ کسی که زنش را طلاق رجعی داده حرام است او را از خانه ای که موقع طلاق در آن بوده بیرون کند، مگر آنکه او را منتقل کند به خانه مناسب او که در این

صورت و در بعضی از مواقع مثل آنکه اتیان به فاحشه نماید که موجب حد شود و موارد دیگری که در کتاب های مفصل گفته شده که بیرون کردن او اشکال ندارد، و نیز حرام است زن برای کارهای غیر لازم از آن خانه بیرون رود مگر با اذن شوهر.

مسئله ۵۹۲ در طلاق رجعی مرد به سه قسم می تواند به زن خود رجوع کند:

اول - حرفی بزند که معنایش این باشد که او را دوباره زن خود قرار داده است.

دوم - کاری کند که آن کار دلالت بر قصد رجوع کند.

سوم - نزدیکی کردن به آن رجوع محقق می شود ولو قصد رجوع نداشته باشد.

مسئله ۵۹۳ برای رجوع کردن لازم نیست مرد شاهد بگیرد یا به زن خبر دهد بلکه اگر بدون اینکه کسی بفهمد بگوید به زنم رجوع کردم صحیح است.

مسئله ۵۹۴ اگر زنی را دو بار طلاق دهد و به او رجوع کند یا دو بار طلاق دهد و بعد از هر طلاق عقدش کند بعد از طلاق سوم آن زن بر او حرام است، ولی اگر بعد از طلاق سوم به دیگری شوهر کند با پنج شرط به شوهر اول حلال می شود یعنی می تواند آن زن را عقد نماید: اول - عقد شوهر دوم همیشگی باشد و اگر مثلاً یک ماهه یا یک ساله او را صیغه کند بعد از آنکه از او جدا شد شوهر اول نمی تواند او را عقد کند.

دوم - شوهر دوم با او جماع کند.

سوم - شوهر دوم طلاقش دهد یا بمیرد.

چهارم - عده طلاق یا عده وفات

شوهر دوم تمام شود.

پنجم - شوهر دوم بالغ باشد.

احکام متفرقه طلاق

مسئله ۵۹۵ اگر با زن نامحرمی به گمان اینکه عیال خود او است نزدیکی کند چه زن بداند که او شوهرش نیست یا گمان کند که شوهرش می باشد باید عده نگهدارد.

مسئله ۵۹۶ اگر با زنی که می داند عیالش نیست زنا کند، چه زن بداند که آن مرد شوهر او نیست، یا گمان کند شوهرش می باشد عده لازم ندارد.

مسئله ۵۹۷ زنی که شوهرش گم شده اگر بخواهد شوهر کند باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل نماید.

مسئله ۵۹۸ اگر پدر یا جد پدری برای طفل خود زنی را صیغه کند، در صورتی که صلاح باشد می تواند مدت آن زن را ببخشد.

ولی زن دائمی او را نمی تواند طلاق دهد.

مسئله ۵۹۹ پدر و جد پدری دیوانه می توانند زن او را طلاق دهند.

مسئله ۶۰۰ اگر از روی علاماتی که در شرع معین شده، مرد دو نفر را عادل بداند و زن خود را پیش آنان طلاق دهد، دیگری که آنان را فاسق بداند مشکل است بتواند آن زن را بعد از تمام شدن عده اش برای خود یا برای دیگری عقد نماید و احتیاط لازم در ترک آن است. بلی اگر کسی نمی داند آنان عادلند یا نه می تواند آن زن را بعد از تمام شدن عده اش برای خود یا کسی دیگر عقد کند.

احکام وصیّت

مسئله ۶۰۱ وصیّت عبارت است از عهد و پیمان انسان راجع به انجام امور بعد از مرگش، مثل اینکه تملیک کند مالی را به غیر معلق به موت، یا سفارش کند که بعد از موت تملیك کنند، یا سفارش انجام کاری بکند بعد

از مرگش، یا قیّم و سرپرست معین نماید برای اولادش و کسی را که به او وصیّت می کنند وصیّ می گویند.

مسئله ۶۰۲ وصیّ باید مسلمان و بالغ در صورتی که به تنهایی وصیّ قرار داده شود، عاقل و مورد اطمینان باشد.

مسئله ۶۰۳ وصیّت کننده باید بالغ باشد بلی وصیّت صبی ده ساله اگر عاقل و در وجوه معروف باشد صحیح است و نیز وصیت کننده باید عاقل باشد و از روی اختیار وصیّت کند و نیز باید سفیه نباشد یعنی مال خود را در بیهوده مصرف نکند.

مسئله ۶۰۴ کسی که نمی تواند حرف بزند با اشاره ای که مقصودش را بفهماند برای هر کاری می تواند وصیّت کند بلکه بنا بر اقوی کسی هم که می تواند حرف بزند اگر با اشاره مقصودش را بفهماند وصیّت کند صحیح است.

مسئله ۶۰۵ اگر نوشته ای به امضاء یا مهر میّت ببینند در صورتی که مقصود او را بفهماند و معلوم باشد که برای وصیّت کردن نوشته باید مطابق آن عمل کنند.

مسئله ۶۰۶ اگر انسان وصیّت کند که چیزی به کسی بدهند در صورتی آن کس آن چیز را مالک می شود که بعد از مردن وصیّت کننده آن را به او بدهند و او رد ننماید، و قبول لازم نیست.

مسئله ۶۰۷ وقتی انسان نشانه های مرگ را در خود دید باید فوراً امانت های مردم را به صاحبانشان برگرداند و اگر به مردم بدهکار است و موقع دادن آن بدهی رسیده باید بدهد.

و اگر خودش نمی تواند بدهد، یا موقع دادن بدهی او نرسیده باید وصیّت کند و بر وصیّت شاهد بگیرد، ولی اگر

بدهی او معلوم باشد وصیّت کردن لازم نیست.

مسئله ۶۰۸ کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند، اگر خمس و زکات و مظالم بدهکار است باید فوراً بدهد و اگر نمی تواند بدهد در صورتی که از خودش مال دارد یا احتمال می دهد که کسی آنها را اداء نماید، باید وصیّت کند و همچنین است اگر حج بر او واجب باشد.

مسئله ۶۰۹ کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند اگر نماز و روزه قضا دارد باید وصیّت کند که از مال خودش برای آنها اجیر بگیرند، بلکه اگر مال نداشته باشد ولی اگر احتمال بدهد که کسی بدون اینکه چیزی بگیرد آنها را انجام می دهد باز هم واجب است وصیّت نماید و اگر قضای نماز و روزه او بر پسر بزرگش واجب باشد( )باید به او اطلاع دهد یا وصیّت کند که برای او به جا آورند.

مسئله ۶۱۰ کسی که نشانه های مرگ را در خود می بیند اگر مالی پیش کسی دارد یا در جایی پنهان کرده است که ورثه نمی دانند و به واسطه ندانستن، حقشان از بین می رود باید به آنان اطلاع دهد. و لازم نیست برای بچه های خود قیّم و سرپرست معین کند. ولی در صورتی که بدون قیّم مالشان از بین می رود یا خودشان ضایع می شوند باید برای آنان قیّم امینی معین نماید.

مسئله ۶۱۱ اگر انسان از وصیّت خود برگردد مثلاً بگوید ثلث مالش را به کسی بدهند بعد بگوید به او ندهند وصیّت باطل می شود.

و اگر وصیّت خود را تغییر دهد مثلاً قیّمی برای بچه های خود

معین کند بعد دیگری را به جای او قیّم نماید وصیّت اولش باطل می شود و باید به وصیّت دوم او عمل نمایند.

مسئله ۶۱۲ اگر کاری کند که معلوم شود از وصیّت خود برگشته مثلاً خانه ای را که وصیّت کرده به کسی بدهند بفروشد وصیّت باطل می شود.

مسئله ۶۱۳ اگر انسان بفهمد کسی او را وصیّ کرده و به اطلاع وصیّت کننده برسانند که برای انجام وصیّت حاضر نیست، لازم نیست بعد از مردن او به وصیّت عمل کند. ولی اگر پیش از مردن او نفهمد یا بفهمد و به او اطلاع ندهد که برای عمل کردن به وصیّت حاضر نیست در صورتی که مشقت نداشته باشد باید وصیّت را انجام دهد.

و همچنین اگر پیش از مرگ، موقعی ملتفت شود که مریض به واسطه شدت مرض نتواند به دیگری وصیّت کند در صورتی که مشقت نداشته باشد باید وصیّت را قبول نماید.

مسئله ۶۱۴ حجی که بر میّت واجب است و بدهکاری و حقوق مثل خمس و زکات و مظالم که اداء کردن آنها واجب می باشد باید از اصل مال میّت بدهند.

مسئله ۶۱۵ اگر مال میّت از بدهی و حج واجب و حقوقی که مثل خمس و زکات و مظالم بر او واجب است زیاد بیاید چنانچه وصیّت کرده باشد که ثلث یا مقداری از ثلث را به مصرفی برسانند باید به وصیّت او عمل کنند و اگر وصیّت نکرده باشد آنچه می ماند مال ورثه است.

مسئله ۶۱۶ اگر مصرفی را که میّت معین کرده از ثلث مال او بیشتر باشد وصیّت او در بیشتر از ثلث در صورتی صحیح است که ورثه

حرفی بزنند یا کاری کنند که معلوم شود انجام دادن وصیّت را اجازه داده اند و تنها راضی بودن آنان کافی نیست و اگر مدتی بعد از مردن او هم اجازه بدهند صحیح است.

مسئله ۶۱۷ اگر مصرفی را که میّت معین کرده از ثلث مال او بیشتر باشد و پیش از مردن او ورثه اجازه بدهند که وصیتش عملی شود بعد از مردنش نمی توانند از اجازه خود برگردند.

مسئله ۶۱۸ اگر وصیّت کند که از ثلث او خمس و زکات یا بدهی دیگر او را بدهند و برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و کار مستحبی هم مثل اطعام به فقرا انجام دهند باید اول بدهی او را از ثلث بدهند و اگر چیزی زیاد آمد برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و اگر از آن هم زیاد آمد مصرف کار مستحبی که معین کرده برسانند ولی اگر ثلث مال او فقط به اندازه بدهی او باشد ورثه هم اجازه ندهند که بیشتر از ثلث مال مصرف شود وصیّت برای نماز و روزه و کارهای مستحبی باطل است.

ولی باید نماز و روزه را از اصل مال بدهند.

مسئله ۶۱۹ اگر وصیّت کند که بدهی او را بدهند و برای نماز و روزه مستحبی او اجیر بگیرند و کار مستحبی هم انجام دهند چنانچه وصیّت نکرده باشد که اینها را از ثلث بدهند باید بدهی را از اصل مال بدهند و اگر چیزی زیاد آمد ثلث آن را به مصرف نماز و روزه و کارهای مستحبی که معین کرده برسانند و در صورتی که ثلث کافی نباشد، پس اگر ورثه اجازه بدهند باید وصیّت

او انجام داده شود و اگر اجازه ندهند باید نماز و روزه را از ثلث بدهند و اگر چیزی زیاد آمد به مصرف کار مستحبی که معین کرده برسانند.

مسئله ۶۲۰ اگر وصیّت کند که چیزی به کسی بدهند و آن کس پیش از آنکه قبول کند یا ردّ نماید بمیرد تا وقتی ورثه او وصیّت را ردّ نکرده اند می توانند آن چیز را قبول نمایند، ولی این در صورتی است که وصیّت کننده از وصیّت خود برنگردد وگرنه حقی به آن چیز ندارند.

احکام ارث

احکام ارث

مسئله ۶۲۱ کسانی که به واسطه خویشاوندی ارث می برند سه دسته اند:

دسته اول - پدر و مادر و اولاد میّت و با نبودن اولاد، اولاد اولاد هر چه پایین روند هر کدام آنان که به میّت نزدیکتر است ارث می برد و تا یک نفر از این دسته هست دسته دوم ارث نمی برند.

دسته دوم - جدّ یعنی پدربزرگ و جدّه یعنی مادربزرگ و خواهر و برادر و با نبودن برادر و خواهر، اولاد ایشان هر چه پایین روند هر کدام آنان که به میّت نزدیکتر است ارث می برد و تا یک نفر از این دسته هست دسته سوم ارث نمی برند.

دسته سوم - عمو و عمه و دایی و خاله و اولاد آنان است و تا یک نفر از عموها و عمه ها و دایی ها و خاله های میّت زنده اند، اولاد آنان ارث نمی برند.

ولی اگر میّت عموی پدری و پسر عموی پدر و مادری داشته باشد، ارث به پسر عموی پدر و مادری می رسد و عموی پدری ارث نمی برد.

مسئله ۶۲۲ اگر

عمو و عمه و دایی و خاله خود میّت و اولاد آنان و اولاد اولاد آنان نباشند عمو و عمه و دایی و خاله پدر و مادر میّت ارث می برند و اگر اینها نباشند اولادشان ارث می برند و اگر اولاد نداشته باشند عمو و عمه و دایی و خاله جدّ و جدّه میّت و اگر اینها هم نباشند ارث به اولادشان می رسد.

ارث دسته اول

مسئله ۶۲۳ اگر وارث میّت فقط یک نفر از دسته اول باشد مثلاً پدر یا مادر یا یک پسر یا یک دختر باشد همه مال میّت به او می رسد و اگر چند پسر یا چند دختر باشند همه مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود و اگر یک پسر و یک دختر باشند مال را سه قسمت می کنند دو قسمت را پسر و یک قسمت را دختر می برد و اگر چند پسر و چند دختر باشند مال را طوری قسمت می کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

مسئله ۶۲۴ اگر وارث میّت فقط پدر و مادر او باشند مال سه قسمت می شود، دو قسمت را پدر و یک قسمت را مادر می برد، ولی اگر میّت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر داشته باشد که همه آنان پدری باشند یعنی پدر آنان با پدر میّت یکی باشد خواه مادرشان هم با مادر او یکی باشد یا نه اگر چه تا میّت پدر و مادر دارد اینها ارث نمی برند اما به واسطه بودن اینها مادر، شش یک مال را می برد و بقیه را به پدر می دهند.

مسئله

۱۶۲۵ اگر وارث میّت فقط پدر و مادر و یک دختر باشند، چنانچه میّت دو برادر، یا چهار خواهر، یا یک برادر و دو خواهر پدری داشته باشد، مال را شش قسمت می کنند پدر و مادر هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت می برد و یک قسمت باقیمانده را چهار قسمت می کنند: یک قسمت را به پدر و سه قسمت را به دختر می دهند، بنابراین اگر مال میّت را بیستوچهار قسمت کنند; پانزده قسمت آن را دختر و پنج قسمت را پدر و چهار قسمت دیگر را مادر می برد، ولی اگر میّت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و خواهر پدری نداشته باشد مال را پنج قسمت می کنند پدر و مادر هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت آن را می برد.

مسئله ۱۶۲۶ اگر وارث میّت فقط پدر و مادر و یک پسر باشد مال را شش قسمت می کنند پدر و مادر هر کدام یک قسمت و پسر چهار قسمت آن را می برد. ولی اگر چند پسر یا چند دختر باشند آن چهار قسمت به طور مساوی بین آنان قسمت می شود و اگر پسر و دختر باشند آن چهار قسمت را طوری تقسیم می کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

مسئله ۱۶۲۷ اگر وارث میّت فقط پدر و یک پسر یا مادر و یک پسر باشد مال را شش قسمت می کنند یک قسمت آن را پدر یا مادر و پنج قسمت را پسر می برد. ولی اگر وارث فقط پدر و یک دختر یا مادر و یک دختر باشند مال

را چهار قسمت می کنند یک قسمت آن را پدر یا مادر و بقیه را به دختر می دهند.

مسئله ۶۲۸ اگر وارث میّت فقط پدر یا مادر با پسر و دختر باشند مال را شش قسمت می کنند یک قسمت آن را پدر یا مادر می برد و بقیه را طوری قسمت می کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

مسئله ۶۲۹ اگر وارث میّت فقط پدر و چند دختر یا مادر و چند دختر باشد مال را پنج قسمت می کنند یک قسمت را پدر یا مادر می برد و چهار قسمت را دخترها به طور مساوی بین خودشان قسمت می کنند.

مسئله ۶۳۰ اگر میّت اولاد نداشته باشد نوه پسری او اگر چه دختر باشد سهم پسر میّت را می برد و نوه دختری او اگر چه پسر باشد سهم دختر میّت را می برد مثلاً اگر میّت یک پسر از دختر خود و یک دختر از پسرش داشته باشد مال را سه قسمت می کنند یک قسمت را به پسر دختر و دو قسمت را به دختر پسر می دهند.

ارث دسته دوم

مسئله ۶۳۱ دسته دوم از کسانی که به واسطه خویشاوندی ارث می برند جدّ یعنی پدربزرگ و جدّه یعنی مادربزرگ و برادر و خواهر میّت است و اگر میّت برادر و خواهر نداشته باشد اولادشان ارث می برند.

مسئله ۶۳۲ اگر وارث میّت فقط یک برادر یا یک خواهر باشد همه مال به او می رسد و اگر چند برادر پدری و مادری، یا چند خواهر پدر و مادری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود و اگر برادر و خواهر

پـدری و مـادری بـا هم باشـند هر برادر دو برابر خواهر می برد. مثلاًـ اگر دو برادر و یـک خواهر پـدر و مـادری دارد مـال پنج قسمت می شود هر یک از برادرها دو قسمت و خواهر یک قسمت آن را می برد.

مسئله ۶۳۳ اگر میّت برادر و خواهر پدر و مادری داشته باشد برادر و خواهر پدری که از مادر با میّت جدا است ارث نمی برد.

مسئله ۶۳۴ اگر میّت برادر و خواهر پدر و مادری نداشته باشد و فقط یک خواهر یا یک برادر پدری داشته باشد همه مال به او می رسد و اگر چند برادر یا چند خواهر پدری داشـته باشد مال به طور مساوی بین آنان قسـمت می شود و اگر هم برادر و هم خواهر پدری داشته باشد هر برادری دو برابر خواهر می برد.

مسئله ۶۳۵ اگر وارث میّت فقط یک برادر یا یک خواهر مادری باشـد که از پـدر با میّت جـدا است همه مال به او می رسـد و اگر چند برادر مادری یا چند خواهر مادری یا چند برادر و خواهر مادری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود.

مسئله ۶۳۶ اگر میّت برادر و خواهر پدر و مادری و برادر و خواهر پدری و یک برادر یا یک خواهر مادری داشته باشد برادر و خواهر پـدری ارث نمی برنـد و مال را شـش قسـمت می کننـد یک قسـمت آن را به برادر با خواهر مادری و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری می دهند و هر برادری دو برابر خواهر می برد.

مسئله ۶۳۷ اگر میّت برادر و خواهر پدر و

مادری و برادر و خواهر پـدری و برادر و خواهر مادری داشـته باشـد، برادر و خواهر پـدری ارث نمی برند و مال را سه قسـمت می کنند یک قسـمت آن را برادر و خواهر مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت می کنند و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری می دهند و هر برادری دو برابر خواهر می برد.

مسئله ۶۳۸ اگر وارث میّت فقط یک جدّ یا یک جـدّه است چه پـدری باشـد چه مادری همه مال به او می رسد و با بودن جدّ میّت پدر جدّ او ارث نمی برد.

مسئله ۶۳۹ اگر وارث میّت فقط جدّ و جدّه پدری باشند مال سه قسـمت می شود دو قسـمت آن را جدّ و یک قسـمت را جدّه می برد و اگر جدّ و جدّه مادری باشند، مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود.

مسئله ۶۴۰ اگر وارث میّت فقط یک جدّ یا جدّه پدری و یک جدّ یا جدّه مادری باشـند مال سه قسـمت می شود دو قسـمت را جدّ یا جدّه پدری و یک قسمت را جدّ و جدّه مادری می برد.

ارث دسته سوم

مسئله ۶۴۱ دسـته سوم عمو و عمه و دایی و خاله و اولاد آنان است به تفصیلی که در مسئله ۶۲۱ گفته شد که اگر از طبقه اول و دوم کسی نباشد اینها ارث می برند.

مسئله ۶۴۲ اگر وارث میّت فقط یک عمو یا یک عمه است چه پدر و مادری باشد یعنی با پدر میّت از یک پدر و مادر باشد یا پدری باشد یا مادری مال به او می رسد.

مسئله ۶۴۳ اگر وارث میّت چند

عمو یا چند عمه باشند و همه پدر و مادری یا همه پدری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود.

مسئله ۶۴۴ اگر وارث میّت عمو و عمه پدر و مادری یا پدری باشند عمو دو برابر عمه می برد مثلاً اگر وارث میّت دو عمو و یک عمه باشد مال پنج قسمت می شود، یک قسمت را عمه می برد و چهار قسمت را عموها به طور مساوی بین خودشان قسمت می کنند.

مسئله ۶۴۵ اگر وارث میّت فقط چند عموی مادری یا چند عمه مادری یا عمو و عمه مادری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود.

ارث زن و شوهر

مسئله ۶۴۶ اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد نصف همه مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر می برند، و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگرش اولاد داشته باشد چهار یک همه مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر می برند.

مسئله ۶۴۷ اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد چهار یک مال او را زن و بقیه را ورثه دیگر می برند، و اگر از آن زن یا از زن دیگر اولاد داشته باشد هشت یک مال را زن و بقیه را ورثه دیگر می برند.

ولی زن از زمین و از قیمت آن ارث نمی برد، چه زمین خانه باشد و چه زمین باغ و زراعت و زمین های دیگر باشد و بهتر آن است که در زمین غیر خانه سایر ورثه رضایت او را تحصیل نمایند احتیاطاً و از خود هوایی خانه مانند ساختمان و درخت ارث نمی برد و از قیمت آنها

ارث می برد و همچنین از خود درخت و زراعت و ساختمانی که در زمین باغ و زراعت و زمین های دیگر است ارث نمی برد اما از قیمت آنها ارث می برد.

مسئله ۱۶۴۸ اگر زن بخواهد در زمین و چیزهای دیگری که از آنها ارث می برد تصرف کند باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد. و اگر پیش از دادن سهم زن آنها را بفروشند معامله صحیح است و اجازه زن شرط صحت معامله نیست.

مسئله ۱۶۴۹ اگر بخواهند ساختمان و درخت و مانند آن را قیمت نمایند باید حساب کنند که اگر آنها بدون اجاره در زمین بمانند تا از بین بروند چقدر ارزش دارند و سهم زن را از آن قیمت بدهند.

مسئله ۱۶۵۰ اگر میّت بیش از یک زن داشته باشد، چنانچه اولاد نداشته باشد چهار یک مال، و اگر اولاد داشته باشد، هشت یک مال به شرحی که در مسئله ۱۶۴۷ گفته شد به طور مساوی بین زن های او قسمت می شود اگر چه شوهر با هیچ یک از آنان یا بعض آنان نزدیکی نکرده باشد ولی اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته زنی را عقد کرده و با او نزدیکی نکرده است آن زن از او ارث نمی برد و حق مهر هم ندارد.

مسئله ۱۶۵۱ اگر زن در حال مرض شوهر کند و به همان مرض بمیرد شوهرش اگر چه با او نزدیکی نکرده باشد از او ارث می برد.

مسئله ۱۶۵۲ اگر زن را طلاق رجعی بدهند( ) و در بین عده بمیرد شوهر از او ارث می برد. و نیز اگر شوهر در بین عده

زن بمیرد زن از او ارث می برد.

ولی اگر بعد از گذشتن عده رجعی یا در عده طلاق بائن( ) یکی از آن دو بمیرد دیگری از او ارث نمی برد.

مسئله ۶۵۳ اگر شوهر در حال مرض، عیالش را طلاق دهد و پیش از گذشتن دوازده ماه قمری بمیرد زن با دو شرط از او ارث می برد:

اول - آنکه در این مدت شوهر دیگر نکرده باشد.

دوم - شوهر در مرضی که در آن مرض زن را طلاق داده به واسطه آن مرض یا به جهت دیگری بمیرد پس اگر از آن مرض خوب شود و به جهت دیگری از دنیا برود زن از او ارث نمی برد.

مسئله ۶۵۴ لباسی که مرد برای پوشیدن زن خود گرفته اگر چه زن آن را پوشیده باشد جزء مال شوهر است.

احکام متفرقه ارث

مسئله ۶۵۵ قرآن و انگشتر و شمشیر میّت و لباسی را که پوشیده یا مهیا شده برای پوشیدن مال پسر بزرگتر است و اگر میّت از سه چیز اول بیشتر از یکی دارد مثلاًـ دو قرآن یا دو انگشتر دارد یکی بیشتر مال او نیست، ولی لباس هر چه باشد به او تعلق دارد.

مسئله ۶۵۶ اگر میّت قرض داشته باشد و قرضش به اندازه مال او یا زیادتر باشد باید چهار چیزی هم که مال پسر بزرگتر است و در مسئله پیش گفته شد به قرض او بدهند و اگر قرضش کمتر از مال او باشد نباید از آن چهار چیزی که به پسر بزرگتر می رسد به نسبت به قرض او بدهند مثلاً اگر همه دارایی او شصت تومان است و به مقدار بیست تومان

آن از چیزهایی است که مال پسر بزرگ است و سی تومان هم قرض دارد قرض را از چهل تومان باقی می دهند.

مسئله ۶۵۷ مسلمان از کافر ارث می برد ولی کافر اگر چه پدر یا پسر میّت باشد از او ارث نمی برد.

مسئله ۶۵۸ اگر کسی یکی از خویشان خود را عمداً و به ناحق بکشد از او ارث نمی برد، ولی اگر از روی خطا باشد مثل اینکه سنگ را به هوا بیندازد و اتفاقاً به یکی از خویشان او بخورد و او را بکشد از او ارث می برد، ولی ارث نمی برد از دیه قتل.

مسئله ۶۵۹ هرگاه بخواهند ارث را تقسیم کنند برای بچه ای که در شکم است و اگر زنده به دنیا بیاید ارث می برد سهم دو پسر را کنار می گذارند. ولی اگر احتمال بدهند زن سه بچه یا بیشتر حامله است سهم سه پسر را کنار می گذارند و چنانچه مثلاً یک پسر یا یک دختر به دنیا آمد زیادی را ورثه بین خودشان تقسیم می کنند.

احکام حج

مسئله ۶۶۰ حج زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی است که دستور داده اند در آنجا به جا آورده شود و در تمام عمر بر کسی که این شرایط را دارا باشد، یک مرتبه واجب می شود:

اول – آنکه بالغ باشد.

دوم – آنکه عاقل و آزاد باشد.

سوم – به واسطه رفتن به حج مجبور نشود که کار حرامی را انجام دهد، یا عمل واجبی را که از حج مهمتر است ترک نماید، پس اگر مثلاً مجبور باشد از راه غصبی برود و راه دیگری هم

نباشد نباید حج برود.

چهارم – آنکه مستطیع باشد.

مسئله ۶۶۱ مستطیع بودن به چند چیز است:

اول – آنکه توشه راه و مرکب سواری یا مالی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد.

دوم – سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بتواند مکه رود و حج را به جا آورد.

سوم – در راه مانعی از رفتن نباشد و اگر راه بسته باشد، یا انسان بترسد که در راه، جان یا عرض او از بین برود، یا مال او را ببرند، حج بر او واجب نیست. ولی اگر از راه دیگری بتواند برود اگر چه دورتر باشد، باید از آن راه برود.

چهارم – به قدر به جا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد.

پنجم – به قدر مخارج کسانی که عرفاً عائله او محسوبند داشته باشد هر چند شرعاً واجب نباشد.

ششم – بعد از برگشتن، کسب، یا زراعت، یا عایدی ملک، یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشد که مجبور نشود به زحمت زندگی کند.

مسئله ۶۶۲ کسانی که بدون خانه ملکی زندگانی آنها مختل می شود وقتی حج بر آنها واجب است که پول خانه را هم داشته باشند.

مسئله ۶۶۳ زنی که می تواند مکه برود، اگر بعد از برگشتن از خودش مال نداشته باشد و شوهرش هم مثلاً فقیر باشد و خرجی او را ندهد، و ناچار شود که به سختی زندگی کند، حج بر او واجب نیست.

مسئله ۶۶۴ اگر کسی توشه راه و مرکب سواری نداشته باشد و دیگری به او بگوید حج برو و من خرج تو و عیالت را در موقعی که در سفر حج

هستی می دهم در صورتی که اطمینان داشته باشد که خرج او را می دهد حج بر او واجب می شود.

مسئله ۱۶۶۵ اگر خرجی رفتن و برگشتن و خرجی عیالات کسی را در مدتی که مکه می رود و برمی گردد به او ببخشند و با او شرط کنند که حج کند و او قبول نماید، حج بر او واجب می شود. اگر چه قرض داشته باشد و در موقع برگشتن هم مالی که بتواند با آن زندگی کند نداشته باشد.

مسئله ۱۶۶۶ اگر مخارج رفتن و برگشتن و مخارج عیالات کسی را در مدتی که مکه می رود و برمی گردد به او بدهند و بگویند حج برو ولی ملک او نکنند، در صورتی که اطمینان داشته باشد که از او پس نمی گیرند، حج بر او واجب می شود.

مسئله ۱۶۶۷ اگر مقداری مال که برای حج کافی است به کسی بدهند و با او شرط کنند که در راه مکه خدمت کسی که مال را داده بنماید، حج بر او واجب نمی شود.

مسئله ۱۶۶۸ اگر مقداری مال به کسی بدهند و حج بر او واجب شود، چنانچه حج نماید، هر چند بعداً مالی از خود پیدا کند، دیگر حج بر او واجب نیست.

مسئله ۱۶۶۹ اگر برای تجارت مثلاً تا جده برود و مالی به دست آورد که اگر بخواهد از آنجا به مکه رود مستطیع باشد باید حج کند.

و در صورتی که حج نماید; اگر چه بعداً مالی پیدا کند که بتواند از وطن خود به مکه رود، دیگر حج بر او واجب نیست.

مسئله ۱۶۷۰ اگر انسان اجیر شود که از طرف کس

دیگر حج کند چنانچه خودش نتواند برود و بخواهد دیگری را از طرف خودش بفرستد باید از کسی که او را اجیر کرده اجازه بگیرد.

مسئله ۱۶۷۱ اگر کسی مستطیع شود و مکه نرود و فقیر شود، باید اگر چه به زحمت باشد بعداً حج کند و اگر به هیچ قسم نتواند حج برود چنانچه کسی او را برای حج اجیر کند باید به مکه رود و حج کسی را که برای او اجیر شده به جا آورد و تا سال بعد در مکه بماند و برای خود حج نماید.

ولی اگر ممکن باشد که اجیر شود و اجرت را نقد بگیرد و کسی که او را اجیر کرده راضی شود که حج او در سال بعد به جا آورده شود، باید سال اول برای خود و سال بعد برای کسی که اجیر شده حج نماید.

مسئله ۱۶۷۲ اگر در سال اولی که مستطیع شده به مکه رود و در وقت معینی که دستور داده اند به عرفات و مشعرالحرام نرسد، چنانچه در سال های بعد مستطیع نباشد، حج بر او واجب نیست. ولی اگر از سال های پیش مستطیع بوده و نرفته، اگر چه به زحمت باشد باید حج کند.

مسئله ۱۶۷۳ اگر در سال اولی که مستطیع شده حج نکند و بعد به واسطه پیری یا مرض و ناتوانی نتواند حج نماید و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش حج کند، باید دیگری را از طرف خود بفرستد. بلکه اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده، به واسطه پیری یا مرض یا ناتوانی نتواند حج کند، و ناامید باشد که خودش

بتواند حج کند واجب است کسی را از طرف خود بفرستد تا حج کند.

مسئله ۶۷۴ کسی که از طرف دیگری برای حج اجیر شده، باید طواف نساء را از طرف او به جا آورد و اگر به جا نیاورد، زن بر آن اجیر حرام می شود.

مسئله ۶۷۵ اگر طواف نساء را درست به جا نیاورد یا فراموش کند، چنانچه بعد از چند روز یادش بیاید و از بین راه برگردد و به جا آورد صحیح است.

مسائل متفرقه

مسئله ۶۷۶ اگر ریشه درخت همسایه در ملك انسان بیاید می تواند از آن جلوگیری کند و چنانچه ضرری هم از ریشه درخت به او برسد می تواند از صاحب درخت بگیرد.

مسئله ۶۷۷ جهیزیه ای که پدر به دختر می دهد اگر مثلاً به واسطه صلح یا بخشش ملك او کرده باشد نمی تواند از او پس بگیرد.

مسئله ۶۷۸ برای مخارج عزاداری میّت از سهم صغیر نمی شود چیزی برداشت.

مسئله ۶۷۹ اگر انسان غیبت مسلمانی را کرده باشد لازم است اگر مفسده ای پیدا نشود از او خواهش کند که او را حلال نماید و چنانچه ممکن نباشد باید برای او از خدا طلب آمرزش کند و اگر به واسطه غیبتی که کرده توهینی از آن مسلمان شده در صورتی که ممکن است باید آن توهین را برطرف نماید.

مسئله ۶۸۰ انسان نمی تواند بدون اذن حاکم شرع از مال کسی که می داند خمس نمی دهد خمس را بردارد و به حاکم شرع برساند.

مسئله ۶۸۱ آوازی که مخصوص مجالس لهو بازیگری است غنا و حرام می باشد. و اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند

حرام است. ولی اگر آن را با صدای خوب بخوانند که غنا نباشد اشکال ندارد.

مسئله ۶۸۲ کشتن حیوانی که اذیت می رساند و مال کسی نیست اشکال ندارد.

مسئله ۶۸۳ جایزه ای را که بانک به بعضی از کسانی که در صندوق پس انداز حساب دارند می دهد چون برای تشویق مردم از خودش می دهد و ضرر آن به کسی نمی رسد حلال است. و همچنین جایزه ای که بعض فروشندگان اجناس به بعض خریدارها می دهند.

مسئله ۶۸۴ اگر چیزی را به صنعتگری بدهند که درست کند چنانچه صاحب آن نیاید آن را ببرد و صنعتگر بعد از جستجو از پیدا شدن صاحب آن ناامید شود باید آن را به نیت صاحبش صدقه بدهد.

مسئله ۶۸۵ سینه زدن در کوچه و بازار با اینکه زن ها عبور می کنند ولو در صورتی که سینه زن پیراهن نپوشیده باشد اشکال ندارد. و اگر جلوی جمعیت عزادار بیرق و مانند آن ببرند مانعی ندارد ولی باید استعمال آلات لهو نشود.

مسئله ۶۸۶ گذاشتن دندان طلا و دندانی که روکش طلا دارد مانعی ندارد. اگر چه زینت حساب شود ولی برای مرد جایز نیست پوشیدن طلا ولو با انگشتر دست کردن.

مسئله ۶۸۷ حرام است انسان استمناء کند یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید.

مسئله ۶۸۸ تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام است و در این حکم تمام مردم یکسانند و حکم خدا به واسطه مسخره مردم تغییر نمی کند پس اگر هم که اول تکلیف او است یا اگر ریش نتراشد مردم او را مسخره می کنند چنانچه ریش بتراشد یا

طوری ماشین کند که مثل تراشیدن باشد حرام است.

مسئله ۶۸۹ احتیاط واجب آن است که ولی بچه پیش از آنکه بالغ شود او را ختنه نمایـد و اگر ختنه نکنـد بعـد از بالغ شـدن بر خود بچه واجب است.

مسئله ۶۹۰ اگر پدر و مادر فقیر باشند و نتوانند کاسبی کنند فرزند آنان اگر بتواند باید خرجی آنان را بدهد.

مسئله ۶۹۱ اگر کسی فقیر باشد و نتواند کاسبی کند پدرش باید خرجی او را بدهد و اگر پدر ندارد یا نمی تواند خرجی او را بدهـد چنانچه فرزنـدی هم نداشته باشـد که بتوانـد خرجی او را بدهـد جـدّ پدری او باید خرجی او را بدهد. و اگر جدّ پدری نـدارد یا نمی توانـد خرجی او را بدهـد مادرش بایـد خرجی او را بدهـد. و اگر مادر هم ندارد یا نمی تواند خرجی او را بدهد بایـد مادر پدر و مادر مادر و پدر مادر با هم خرجی او را بدهند. و اگر مادر پدر و مادر مادر ندارد پدر مادر باید خرجی او را بدهد.

جلد ۲

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی/محمد صادق روحانی

مشخصات نشر : قم: مهر امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری : ج ۲

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۶۴۸۰

«شرایط تقلید»

(ت) س ۱: آیا مجتهد جامع الشرایط لازم است برای تقلیدکتابت داشته باشدیانه؟

ج: هو العالم; لازم نیست. چنانچه اعلم عادل باشد، می شود از او تقلید نمود ولو نتواند بنویسد.

س ۲: آیا از مجتهـد اعلمی که اصل انقلاب را قبول دارد ولی با مسؤولین اختلاف نظر دارد، می توان تقلیـد کرد؟ و آیا اصـلاً موافق نظام بودن در مرجعیت شرط است؟

ج: هو العالم; مرجع تقلید باید اعلم و عادل باشد و بیش از این شرط ندارد. ولی نمی شود عالم عامل با اصل حکومت اسلامی مخالف باشد. بلی! ممکن است با مسؤولین از باب اینکه با قوانین اسلامی اداره نمی کنند و کارهای آنان بر خلاف دستورات شرع است اختلاف نظر داشته باشد.

س ۳: اگر کسی نیت تقلید از مجتهدی کند، آیا تقلید محقق می شود؟

ج: هو العالم; تقلید با نیت محقق نمی شود. بلکه تقلید، عمل کردن به دستور مجتهد است. به عبارت دیگر تقلید عملی است که مستند به رأی و فتوای مجتهد باشد.

«راههای شناخت مجتهد و اعلم»

س ۴: اینجانب مقلد یکی از مراجع می باشم و از آنجایی که حضرت عالی پدرم را می شناسید که یکی از مجتهدین است، از ایشان سؤال شد اعلم کیست که نظرشان چهار نفر می باشند و یکی از آن بزرگواران حضرت عالی می باشید و من شخصی را مقلد می باشم که جزء این چهار نفر نمی باشد.

از آنجایی که این جانب تحقیق نموده و ارادت خاصی خدمت معظم له دارم، آیا می توانم از مقلدین حضرت عالی بشوم؟

ج: هو العالم; اعلمیت من تا برای شما ثابت نشود، نمی توانید رجوع کنید و فتاوای من که به صورت

جواب استفتاء به شما ارسال می شود برای شما حجیّت ندارد و نمی توانید به آنها عمل کنید.

س ۵: در زمانی که چندین مرجع برای تقلید وجود دارد و نظر اهل خبره بر اینکه کدام مرجع اعلم است مختلف می باشد؛ تکلیف شخصی که وظیفه اش تقلید ازاعلم است چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه اهل خبره عادل، متعدد باشند و هر کدام شخصی را غیر از آن که دیگران به اعلمیت او شهادت می دهند، معرفی و شهادت دهند، شخص مقلد در تقلید از هر کدام از کسانی که اعلمیت آنها محتمل است مخیر است و چنانچه شهود بر اعلمیت یکی از مجتهدین زیادتر باشد، احتیاطاً او را برای تقلید انتخاب نماید.

«بقاء بر تقلید میت»

س ۶: آیا در جائز بودن یا جائز نبودن بقاء بر تقلید میت لازم است به فتوای مجتهد اعلم زنده رجوع شود و بر طبق اجازه او عمل شود.

ج: هو العالم؛ چون مسأله جواز بر بقاء تقلید میت اختلافی است بنابراین بر مکلف لازم است در جواز بقاء یا عدم جواز آن رجوع به اعلم حیّ بنماید و به فتوای او عمل کند.

س ۷: آیا جائز است باقی ماندن بر تقلید حضرت آیت الله... در تمام مسائل یا در مسائلی که در زمان ایشان به آنها عمل شده است ؟

ج: هو العالم؛ بقاء بر تقلید میت را مطلقاً جایز نمی دانم ولو آن میت، اعلم از تمام فقهاء اسلام باشد.

«مسائل متفرقه تقلید»

س ۸: اگر مجتهد یا مقلد عمل به اصل نمودند و سپس کشف خلاف شد، آیا اعمالی که بر طبق اصل انجام شده، اعاده لازم دارد یا نه؟

ج: هو العالم؛ نماز با غیر نماز فرق دارد. در نماز در خصوص ارکان، اعاده لازم است و در غیر اینها لازم نیست.

س ۹: مراد از عبارت «جائز نیست» در مسائل ۹ و ۱۱۸ رساله عملیه شما کدامیک از موارد زیر است:

۱ حرام است ۲ باطل است ۳ هم حرام و هم باطل است.

ج: هو العالم؛ مراد باطل است. یعنی عدم جواز وضعی. ولی چون این عمل به حرمت متعاقب می شود قهراً هر دو مراد است.

س ۱۰: آیا بوسیدن دست غیر معصوم به عنوان تبرک جائز است؟

ج: هو العالم؛ بوسیدن دست غیر معصوم به خصوص پدر و مادر و علمای عاملین جائز است.

س ۱۱: فرق بین مرجع تقلید و ولایت فقیه در

چیست؟

ج: هو العالم; ولایت فقیه به معنای حکومت فقیه است. مرجع تقلیـد کسـی است که در فروع دین قول او حجت است، بنابراین فرق واضح است.

س ۱۲: آیا ولایت مراجع تقلید همان ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد؟

ج: هو العالم; خیر، ولایت امام معصوم (ع) خیلی اوسع از ولایت فقیه است.

س ۱۳: تـوهین نمـودن به مجتهـد جـامع الشـرائط یـا لعنت نمودن او از روی علم و عمـد، چه حکمی دارد؟ آیـا موجب کفر و خروج از دین اسلام می گردد؟ در صورتی که خود لعنت کننده قبول دارد او مجتهد جامع الشرائط است.

ج: هو العالم; امام زمان ارواحنا فداه فرموده است: الراد علیهم الراد علینا و الراد علینا کالراد علی الله و هو علی حدالشرک بالله.

س ۱۴: آیـا ناسـزا گفتن و فحش دادن به مرجع تقلیـد به این دلیـل که دربـاره انقلاب یا اشـخاص، حرف هایی زده است جایز است؟

ج: هـو العـالم; در صـورتی که اصـل حکـومت اسـلامی را اهـانت نکنـد، بلکه متعرض مسؤولین بشود به این جهت که بر طبق دستورات اسلامی عمل نمی کنند جائز نیست.

س ۱۵: اگر مرجع تقلیـدی بـدون ثابت شـدن حق یکی، علی الاعلان طرف مقابل را حمایت کنـد. دراین صورت آیا عدالتش باقی می ماند و تقلید از او جائز است یا خیر؟

ج: هو العـالم; چنـانچه احتمال بدهیـد که بر آن عالم ثابت شـده است که حق با او است، این عمل موجب سـلب عـدالت نمی شود و تقلید او جائز است.

«احکام نجاسات»

«کافر»

س ۱۶: چرا ما بهائیت را نجس می دانیم؟

ج : هو العالم; چون کافر غیر کتابی نجس است.

س ۱۷: اگر شخصی از ناصبین اهل بیت

(ع) مریض شود، مداوا نمودن او چگونه است؟ آیا حرام است؟

ج : هو العالم؛ ناصبی انجس من الکلب است، یقیناً حفظ او از تلف واجب نیست.

س ۱۸: آیا مال ناصبی را می توان گرفت و تصرف نمود؟

ج : هو العالم؛ مال مطلق ناصب را خیر. اما مال ناصب اهل البیت (ع) را، بلی! می توان گرفت و تصرف نمود.

«شراب»

س ۱۹: اگر مسکریت را از شراب بگیرند آیا حرمت خوردن آن باقی است؟ و آیا نیز نجاست آن باقی است؟

ج : هو العالم؛ نجاست باقی است طبعاً حرمت هم باقی است. زیرا شرب و خوردن چیز نجس حرام است ولو خمر نباشد.

«خون»

س ۲۰: مایعی را که در زبان فارسی به آن خون آبه می گویند چه حکمی دارد؟ آیا طاهر است؟

ج : هو العالم؛ خون آبه چون خون ضعیف است، نجس است. بلی! چنانچه به حدی ضعیف باشد که شک کنید خون است یا چرک، پاک است.

«احکام طهارت»

«حیض»

س ۲۱: اگر زنی یک روز حیض دید و عمل به احکام آن نمود روز بعد قرص مانع حیض خورد و حیض نیامد، آیا می تواند نماز و روزه خود را انجام دهد؟

ج : هو العالم؛ بلی، و باید نمازی که در روز اول نخوانده است، قضاء کند. چون حیض کمتر از سه روز نیست ولو سه روز نبودن با ایجاد مانع باشد.

«جنابت»

س ۲۲: اگر در حال خواب، آبی از انسان خارج شود، با توجه به اینکه بعد از بیدار شدن نمی تواند علائم سه گانه مربوط به احتلام را تشخیص دهد، وظیفه چیست؟

ج : هو العالم؛ چنانچه علائم احتلام و منی بودن ظاهر باشد که باید به آن عمل شود، والا اگر واقعاً مشکوک باشد بناء بر عدم جنابت بگذارد و به وضوء اکتفاء کند.

س ۲۳: اگر انسـان جنب غسـل نمود ولی قبـل از اسـتبراء از بول یـا بعـد از آن رطوبتی دیـد و شک کرد آیا بول است یا منی؟ وظیفه چیست؟

ج : هو العالم؛ اگر شخصی با انزال منی جنب شود و بدون استبراء به بول غسل کند و رطوبتی مردد بین بول و منی ببیند، حکم می شود به اینکه آن منی است و باید غسل بکند. و وضوء لازم نیست و اگر بعد از اسـتبراء به بول و قبل از استبراء از بول باشد حکم می شود به اینکه بول است و بایـد وضوء بگیرد و غسـل لازم نیست، و اگر بعـد از اسـتبراء از بول باشـد، چنـانچه وضوء نگرفته است، فقط وضوء واجب است و اگر وضوء گرفته، باید جمع بین وضوء و غسل بنماید.

«وضوء»

«کیفیت وضوء گرفتن» س ۲۴: اگر محاسن صورت پرپشت و بلند باشد آیا رساندن آب به پوست صورت لازم است؟

ج : هو العالم؛ در وضوء آب رساندن به صورت لازم نیست مگر در موردی که ریش خیلی خفیف باشد که با یک مشت آب ریختن و دست کشیدن، آب به صورت برسد که در این صورت باید شسته شود، به هرحال اگر یک مشت

آب به صورت بریزد و یک دفعه دست بکشد کافی است.

س ۲۵: آیا در وضوء مقداری از عذار (قسمت بالای فک) و عارض (گونه) جزء صورت است و باید شسته شود؟

ج : هو العالم; آنچه دست باز از صورت می گیرد لازم است و زیادی از آن لازم نیست. به عبارت دیگر پهنای صورت، یعنی مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد، باید شسته شود.

س ۲۶: اگر در وضوء هنگام شستن صورت و دست ها اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد.

س ۲۷: با توجه به مسأله ۲۵۷ رساله عملیه شما، آیا در وضوء می تواند صورت و دست ها را چند مرتبه آب بریزد و در آخرین مرتبه قصد شستن برای وضوء نماید؟ برفرض مثبت بودن جواب آیا بین شستن مرتبه اول و دوم فرقی هست یا خیر؟

ج : هو العالم; آب ریختن هر چند عدد باشد اشکال ندارد، ولی اگر تمام عضو شسته شد، مرتبه دوم مستحب است و مرتبه سوم جائز نیست.

س ۲۸: اگر کسی تا مچ در وضوء بشوید و بعد از مچ تا سرانگشتان آب بریزد و به نیت وضوء بشوید آیا وضوی او صحیح است؟

ج : هو العالم; بلی، صحیح است.

س ۲۹: اگر وضوء گیرنده در مسح پا، مانعی را بعد از مسح دید آیا می تواند مانع را برطرف کند و دوباره مسح کند؟

ج : هو العالم; بلی، مادامی که موالات از بین نرفته باشد.

س ۳۰: اگر در حال مسح سر، قسمتی از دست به آب صورت رسید، آیا می

تواند با بخش باقی دست که متصل به آب صورت نشده پاها را مسح کند؟

ج : هو العالم; بلی، می تواند مسح کند.

س ۳۱: اگر رطوبت کف دست برای مسح باقی نمانده باشد، آیا می تواند از سایر اعضای وضوء رطوبت بگیرد؟

ج : هو العالم; بلی، می تواند، ولی احوط استحباباً تقدیم ریش و ابرو بر سایر اعضاء وضوء است.

س ۳۲: حد مسح کشیدن پای مرد و زن چگونه است؟ فرق دارد یا نه؟

ج : هو العالم; به یک نحو است هیچ فرقی ندارد.

س ۳۳: آیا در وضوء برای مسح پاها جایز است یا دست راست پای چپش را مسح کند و برعکس؟

ج : هو العالم; بنابر اقوی باید مسح پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ باشد .

س ۳۴: آیا در وضوء مسح منکوس جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم; بلی جائز است.

س ۳۵: در حال اضطرار آیا مسح نمودن پاها اگر حایل نازک روی آنها باشد جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم; جایز است.

س ۳۶: آیا در وضوء مسح کردن بر روی حایل همانند مقنعه یا جوراب در حال ضرورت یا تقیه یا سرمای شدید یا ترس از حیوان درنده، و یا ترس از دشمن، جایز است؟

ج : هو العالم; بلی جائز است ولی در خصوص مسح سر در حال تقیه احوط تیمم بعد از وضوء است.

س ۳۷: در صورتی که وضوء گیرنده روی پاها را دو مرتبه مسح کند، آیا وضویش باطل است؟

ج : هو العالم; اگر مسح اول صحیح باشد وضوء باطل نمی شود و اگر مسح اول

صحیح نباشد، در مسح دوّم اگر پا را خشک کند، صحیح والا باطل است.

س ۳۸: آیا در وضوء تکرار عمدی یا سهوی مسح سر و پاها موجب بطلان وضوء می شود؟

ج: هوالعالم؛جواب این مسأله ازجواب مسأله قبل معلوم می شود.

«شرایط وضوء»

س ۳۹: در صورتی که دست نجس بود و آن را با آبی که کریّت آن مشکوک است شست و وضوء گرفت. آیا دست پاک شده و وضوء صحیح است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه دست را داخل آب نماید و آن آب سابقه کریّت دارد، پاک می شود و وضوء صحیح است،اگرسابقه کریّت ندارد. دست محکوم به نجاست است و وضوء هم باطل است.

س ۴۰: اگر دست نجس بود و انسان یادش رفت آن را بشوید و با آب قلیل وضوء گرفت ونماز خواند، آیا نماز صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم؛ بنابر احتیاط باید نمازها را اعاده کند.

«احکام وضوء»

س ۴۱: آیا استحباب نفسی وضوء به نظر مبارک شما ثابت است؟ و مراد از استحباب نفسی آن چه می باشد؟

ج : هو العالم؛ بلی ثابت است، مراد هم آن است که خود وضوء بدون قصد غایت مثل نماز یا غیر آن مطلوب است.

س ۴۲: اگر بخواهیم قبل از اذان برای نماز واجب وضوء بگیریم باید با چه نیتی باشد؟

ج : هو العالم؛ به قصد استحباب نفسی یا به قصد طاهر بودن یا برای یک نماز مستحبی یا قرائت قرآن.

س ۴۳: در صورتی که انسان می داند بعد ازداخل شدن وقت نماز، اگر وضوء را تأخیر بیندازد مضطر به مسح بر حایل می شود آیا تقدیم وضوء واجب است؟ در صورتی که تأخیر وضوء، منجر به وضوی ضرورت یا تقیه گردد، آیا باز همین حکم را دارد؟

ج : هو العالم؛ بلی تقدیم وضوء واجب است ولکن اگر تأخیر خلاف تقیه باشد، جائز نیست.

س ۴۴: اگر کسی وضوء گرفت برای اینکه

قرآن بخواند آیا می تواند با همان وضوء نماز بخواند؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند.

س ۴۵: اگر کسی با اعتقاد به اینکه مورد تقیه یا ضرورت است وضوی تقیه ای یا ضرورتی گرفت سپس خلاف آن روشن شد، آیا چنین وضویی در وقت یا خارج وقت صحیح است؟

ج : هو العالم؛ صحیح نیست.

«مبطلات وضوء»

س ۴۶: آیا با توجه به احادیثی که در وسایل الشیعه کتاب صوم ایراد گردیده است موضوعاتی همانند دروغ بستن بر خداوند متعال یا معصومین (ع)، غیبت کردن، ظلم کردن، و تکرار نظر به نامحرم نمودن موجب نقض وضوء می شوند؟

ج : هو العالم؛ موجب نقض نمی شود، و جواب از استدلال به روایات در کتب علمی آمده است.

«مس اسامی محترم»

س ۴۷: مس نمودن القاب و کنیه های ائمه اطهار (ع) بدون وضوء چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که به نحو هتك و اهانت نباشد، مانعی ندارد.

س ۴۸: کسی که بیماری سلس بول و غایط دارد اگر وضوء بگیرد آیا می تواند مس کتابت قرآن مجید بنماید؟

ج : هو العالم؛ بلی، جائز است و می تواند مس کند.

«غسل»

«احکام غسل»

س ۴۹: آیا با غسل های واجب و غسل های مستحب قطعی همانند غسل جمعه می توان بدون وضوء نماز خواند؟

ج : هو العالم؛ بلی می شود نماز خواند بلکه با غسلهایی که روایت ضعیفی دلالت بر استحباب آن بکند، می توان نماز خواند.

س ۵۰: اگر زن حامله از دنیا برود بچه را از شکم او بیرون آورند آیا لازم است بر طفل بعد از بلوغ غسل مس میت نماید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه بچه از شکم مادر مرده بیرون آمده است بعد از بلوغ مقتضای احتیاط لزومی وجوب غسل مس میت است.

س ۵۱: اگر طفل نابالغ میت را مسح کرد، آیا بعد از بلوغ غسل مس میت بر او واجب است؟

ج : هو العالم؛ بلی! در صورتی که بچه نابالغ مس میت نماید غسل بعد از تکلیف بر او

واجب است.

س ۵۲: آیا قضای غسل جمعه چه در حال عذر نبودن آب یا با بودن آب کفایت از وضوء می کند؟

ج : هو العالم؛ در مورد امر به قضاء غسل جمعه کفایت ازوضوء می کند ولی اگر ثابت نباشد و رجاءاً قضاء کند کافی نیست.

«احکام تیمم»

س ۵۳: اگر کسی با نداشتن آب، تیمم بدل از غسل جنابت کرد و خوابید بعد از بیداری وظیفه اش برای نماز تیمم بدل از غسل است یا بدل از وضوء.

ج : هو العالم؛ وظیفه او تیمم بدل از وضوء است.

س ۵۴: اگر نماز گذار با وضوء نماز بخواند تدافع بول و غایط می شود و اگر وضویش را باطل کند دیگر آب نمی یابد، آیا می تواند وضوء را باطل کند و با تیمم نماز بخواند؟

ج : هو العالم؛ نمی تواند مگر آنکه باطل نکردن وضوء برای او ضرر داشته باشد.

«احکام میت»

س ۵۵: شخص محتضر که در عالم نزع است و با دستگاه برقی تنفس مصنوعی داده می شود و اگر آن دستگاه را خاموش کنند فوت می کند و آیا خاموش کرن این دستگاه جایز است یا نه؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

«غسل میت»

س ۵۶: مسلمانی که در بلاد کفر زندگی می کرده فوت نموده است، برای غسل و کفن و دفن او در آنجا مسلمان یافت نمی شود. چه باید بکند؟

ج : هو العالم؛ با وجود اهل کتاب، کافر مماثل اولاً غسل می کند و بعد او را غسل می دهد، و اگر اهل کتاب نباشد، غسل ساقط است. بقیه مراسم را انجام دهند.

(ت) س ۵۷: در حال ضرورت آیا کافر می تواند غسل و کفن و دفن میت مسلمان را انجام دهد؟

ج : هو العالم؛ حکم این مسأله از جواب مسأله قبل معلوم شد.

«کفن میت»

س ۵۸: هزینه گور و کفن زن به عهده کیست؟

ج : هو العالم؛ هزینه کفن به عهده شوهر او است.

س ۵۹: در شهادت نامه میت شهادت زن ها صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم؛ بلی، صحیح است.

«نماز میت» س ۶۰: شخصی در نماز میت بعد از تکبیر اولی تنها شهادت به توحید را می گوید و شهادت به رسالت را فراموش می کند و بعد از نماز یادش می آید. آیا آن نماز مجزی است؟

ج : هو العالم؛ مجزی نیست.

«دفن میت»

س ۶۱: در صورتی که میت را در جای غصبی دفن کرده اند، اگر او را به مکان دیگر ببرند هتک حرمت او می شود و از طرفی مالک زمین رضایت ندارد آیا اینجا باب تزاحم می شود یا قاعده سلطنت حاکم است؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که بشود به نحوی ببرند که هتک نباشد ولو در شب، لازم است والا حتی الامکان صاحب زمین را راضی کنند. اگر نشد، باب تزاحم است.

«مسائل متفرقه میت»

س ۶۲: دکتری فوت شدن کسی را تصدیق کرد، لکن بعد از مدتی با تنفس مصنوعی زنده شد، آیا غسل میت بر او واجب است یا نه؟ و آنهایی که او را مس کرده اند غسل مس میت بر آنها واجب است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه زنده شود معلوم می شود از اول نمرده است و دکتر اشتباه کرده است، چون مرده زنده نمی شود. بنابراین نه غسل میت واجب است و نه غسل مس میت.

س ۶۳: زنی مرده و بعد از اتمام غسل های سه گانه اش، جنین او متولد می شود. آیا غسل استحاضه و نفاس برای او لازم است؟ و آیا غسل های قبلی به قوت خود باقی است؟ و در رابطه با جنین چه باید کرد؟

ج : هو العالم؛ غسل استحاضه و نفاس لازم نیست، ولی باید نجاست شسته شود.

و اما جنین اگر چهارماه او تمام شده یا مستوی الخلقه است، واجب است غسل داده و تکفین شود و به همانگونه که متعارف است دفن شود و الا غسل واجب نیست و در پارچه ای پیچیده و دفن می شود، در هر دو صورت

نماز ندارد.

س ۶۴: میتی که جنازه اش بعد از آنکه مدتی در بیابان افتاده و شدیداً بو گرفته و متلاشی شده، به دست آمده و قابلیت غسل و تیمم ندارد، چه باید کرد؟ و ثانیاً آیا کفن کامل برای او لازم است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه استخوان های آن بدون گوشت باقی است، جمیع اعمال واجب بر میت غیر از غسل که در فرض سؤال ممکن نیست، واجب است.

«احکام نماز»

«آمادگی و حضور قلب»

س ۶۵: برای طهارت روح و قلب و آمادگی برای نماز با خشوع قلبی چه باید کرد راهنمایی بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ ۱ نماز شب خواندن ۲ هر روز اقلا پنجاه آیه قرآن خواندن ۳ تکرار ذکر یونسیه( ) در سجده طولانی ۴ سعی در حلال بودن لقمه ۵ سحر خیزی و انجام وظایف شرعیه در آن وقت به خصوص شب جمعه ائمه طاهرین (س) فرموده اند ما صبر می کنیم شب جمعه شود تا درهای رحمت الهی گشوده گردد و بزرگان از علماء هر گاه می خواستند مطلبی را از خدا بگیرند از سحر استفاده می کردند. زیرا سحر ارتباط پیدا کردن با خدا اثر خاصی دارد.

«وقت نماز»

س ۶۶: اگر کسی قبل از وقت نماز مقدمات واجب آن را یاد نگرفت و همچنین بعد از وقت تا پایان آن هم یاد نگرفت، وظیفه چیست؟ آیا عقاب هم دارد؟

ج : هو العالم؛ قبل از وقت و بعد از آن در فرض سؤال باید یاد بگیرد و الا چنانچه نماز فوت شود عقاب دارد.

س ۶۷: آیا می توان پس از شروع اذان، بلافاصله نماز را خواند؟ یا باید صبر کرد و سپس نماز را خواند؟

ج : هو العالم؛ در نماز صبح باید مقداری صبر نمود حتی بعد از تمام شدن اذان، در ظهر و مغرب پس از اتمام اذان شروع به نماز مانعی ندارد میزان اطمینان به دخول وقت است و گفتن اذان مدخلیت ندارد

س ۶۸: در روز عاشورا هنگام ظهر اگر نماز از اول وقت تأخیر افتد آیا فضیلت نماز اول وقت از دست می رود؟ و اگر به علت عزاداری تأخیر افتد

آیا ثواب اول وقت از دست می رود؟

ج : هو العالم; خود حضرت سید الشهداء(ع) در جنگ که از افضل عبادات بود از آن دست کشید و نماز خواند، پس ما که ادعای تبعیت از آن بزرگوار را داریم باید نماز اول وقت را رعایت کنیم.

س ۶۹: در صورتی که وقت نماز وسعت دارد، و تأخیر نماز موجب قضا نمی شود تنها از وقت فضیلت خارج می شود، آیا مردم می توانند تأخیر نماز کنند و به عزا و ماتم مشغول باشند، آیا این فعل مانعی دارد؟

ج : هو العالم; خیر، مانعی ندارد مگر جائی که عنوان اهانت به فریضه الهی منطبق شودوبه عبارت دیگراستخفاف به صلاه باشد.

س ۷۰: اگر شک کردیم روز باقی است یا نه؟ آیا می توان استصحاب روز کرد و نماز را اداء خواند؟ آیا اصل مثبت نیست؟

ج : هو العالم; خیر اصل مثبت نیست بلکه از موارد ضم وجدان به اصل است در موضوعات مرکبه. بنابراین در حال شک می توان نماز خواند و نماز اداء است نه قضاء.

«لباس نماز گذار»

س ۷۱: در مواردی که خانم ها با چادر سفید نازک نماز می خوانند اگر بدن آنها زیر چادر نمایان باشد، اعم از اینکه نامحرمی باشد و یا نباشد، نماز آنها چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; چنانچه ساتر بدن نباشد نماز صحیح نیست ولو نامحرم نباشد. میزان پیدا نبودن بدن در حال نماز است.

س ۷۲: اگر نمازگذار در اثنای نماز یا بعد از آن متوجه شد که موی گربه بر لباس او هست، آیا نماز او صحیح می باشد؟

ج : هو العالم; صحیح است، ولی اگر در

وسط نماز باشد باید آن را از خود جدا کرده و کنار بیندازد.

س ۷۳: آیا برای خانم ها لازم است در حال نماز جوراب ضخیم بپوشند؟

ج : هو العالم؛ پوشاندن پا تا ساق لازم نیست. ولی از ساق به بالا باید پوشیده باشد.

«مکان نمازگذار»

س ۷۴: نماز خواندن در زمین های وقفی چه حکمی دارد؟ در خانه های ساخته شده در آن چه؟

ج : هو العالم؛ اگر وقف خاص نباشد و خانه های ساخته شده مخالف وقف واقف نباشد، اشکال ندارد.

س ۷۵: در صورتی که زن و مرد در دو اطاق مشغول نمازند لکن مکان زن جلوتر از مکان مرد است، نمازشان چه حکمی دارد؟ در حالتی که درب اطاق ها باز باشد نمازشان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ صحیح است چون واجب نیست زن عقب تر از مرد بایستد.بلی! مساوی ایستادن زن با مرد یا جلوتر ایستادن او مکروه است.

س ۷۶: مغازه ما در منطقه ای از تهران میدان کاه فروشان قدیم می باشد جدّ پدری ما در آن میدان کاه و جو و گندم می فروخته، اما قبل از او این ملک قبرستان اداره اوقاف بوده است که بعداً به جد و پدر و خود ما رسیده است، شخصی با همکاری شهرداری تهران میدان و قبرستان را به پروژه تجاری تبدیل کردند و مغازه ما الان در این پروژه است، با توجه به اینکه همه حقوق دولتی مالیات، عوارض و... را پرداخت می کنیم، آیا اجازه می دهید نماز اول وقت را در این ملک بخوانیم؟

ج : هو العالم؛ شما به حسب ظاهر حق استفاده داشته

اید و فعلا هم دارید به هر حال من اجازه می دهم همه نوع استفاده بنمایید.

«اذان و اقامه»

س ۷۷: با توجه به احادیثی که از حضرات معصومین (ع) رسیده که بدون ولایت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه هیچ عملی حتی نماز پذیرفته نیست و هر فرقه ای غیر از شیعه دوازده امامی در گمراهی و ضلالت هستند، آیا شهادت به ولایت و امامت امیرالمؤمنین (ع) در اذان واجب است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ واجب نیست ولی مستحب است، مراد از روایات اعتقاد است نه گفتن.

س ۷۸: اینجانب اذان و اقامه نماز را به کیفیت زیر می خوانم آیا جایز است؟

«اشهد ان محمداً رسول الله، اشهد ان محمداً رسول الله، و ان علیا و فاطمه و اولادهما سیما حجه بن الحسن العسکری، حجج الله صلوات الله علیهم اجمعین»

ج : هو العالم؛ در اذان و اقامه موجب بطلان نیست ولی عمل به وظیفه هم نیست. چون در اجزاء و شرایط عبادات، باید به همان گونه که دستور داده شده است عمل نمایند.

«قیام»

س ۷۹: در نماز آیا برای خانم ها جفت بودن پاها الزامی است؟

ج : هو العالم؛ لازم نیست ولی مستحب است خانمها در حال ایستادن پاها را به هم بچسبانند.

«قرائت»

س ۸۰: اگر شخصی از روی غفلت آیه سجده واجب را در نماز خواند و چون جاهل به حکم یا موضوع بود، سجده زیادی آن را در نماز انجام داد آیا نمازش صحیح است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه جاهل مقصر نباشد، نماز او صحیح است.

س ۸۱: کسی که به خاطر نداشتن دندان نمی تواند حمد و سوره را صحیح بخواند آیا لازم است در نماز دندان مصنوعی بگذارد؟ و اگر شخص برای حج مستطیع بود و مریض شد آیا لازم است مداوا کند و به حج برود؟

ج : هو العالم؛ در هر دو مورد لازم است یعنی واجب است برای خواندن نماز صحیح دندان بگذارد و برای به جا آوردن حج مداوا کند.

«سجده»

س ۸۲: آیا سجده کردن بر اسکناس صحیح است؟

ج : هو العالم; صحیح نیست.

س ۸۳: آیا بر مهرهایی که نام مبارك خداوند تعالی و ائمه معصومین(ع) روی آن نوشته شده است می توان سجده کرد؟

ج : هو العالم; مانعی ندارد.

س ۸۴: آیا جلسه استراحت در نماز واجب است؟

ج : هو العالم; واجب نیست.

«سجده واجب قرآن»

س ۸۵: شنیدن آیه سجده دار واجب قرآن از گرامافون و ضبط صوت چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; بنابر احتیاط باید سجده نماید.

س ۸۶: شنیدن آیه سجده دار واجب قرآن از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد مثلا به شوخی آیه را می خواند چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; سجده واجب نیست.

س ۸۷: شنیدن آیه سجده دار و اجب قرآن از بچه غیر ممیز چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; حکم مسأله قبل را دارد یعنی بنابر احتیاط باید سجده نماید.

س ۸۸: شنیدن آیه سجده دار واجب قرآن از رادیو و تلویزیون اگر پخش مستقیم نباشد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; باید احتیاط نمود و سجده بجا آورد.

«تشهد»

س ۸۹: اینجانب تشهد نماز را به صورت زیر می خوانم آیا جایز است؟

... اشهد ان محمداً عبده و رسوله و ان علیا امیرالمؤمنین، اللهم صل علی محمد و آل محمد.

ج : هو العالم; در تشهد نماز نمی شود به این طریق عمل کرد ولی در اذان و اقامه مستحب است.

س ۹۰: به نظرم می رسد در کتاب وسائل الشیعه روایاتی ایراد شده است که ائمه علیهم السلام در تشهد نماز به ولایت و امامت امیرالمؤمنین (ع) شهادت می دادند، حال اگر کسی در تشهد، شهادت به ولایت آن حضرت بدهد آیا نمازش اشکال پیدا می کند؟

ج : هو العالم؛ چنانچه روایتی را با این مضمون دیده اید، ارائه دهید. چون قطعاً چنین نیست، و در تشهد نماز شهادت به ولایت خلاف احتیاط است. ولی در اذان و اقامه بسیار عمل خوبی است.

«قنوت»

س ۹۱: اگر نمازگزار در قنوت نماز دعای حرام کند آیا قنوت او باطل است یا نماز باطل می شود؟

ج : هو العالم؛ نماز باطل می شود.

س ۹۲: اینکه بعضی از نمازگزاران هنگام قنوت، نگین انگشتر عقیق را به طرف صورت برمی گردانند آیا این عمل مستند است؟ و آیا ثوابی هم دارد؟

ج : هو العالم؛ در روایتی از این عمل نهی شده است، به هر حال کار مستحسنی نیست.

س ۹۳: قنوت آیا شرط کمال نماز است یا جزء مرکب آن؟ و در صورتی که مکلف در حالی که مشغول قنوت است، شک در قرائت سوره نماید آیا قاعده تجاوز جاری است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جزء مستحبی است و برای جریان قاعده تجاوز در سوره، شروع به قنوت

کافی است.

«تعقیب نماز»

س ۹۴: آیا دست دادن مأمومین با یکدیگر بعد از نماز استحباب دارد؟

ج : هو العالم؛ مصافحه بعد از نماز مستحب است

س ۹۵: معمولا بعد از نماز آیه مبارکه «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلّموا تسلیما» خوانده می شود، آیا بعد از آن صلوات آن واجب است، و آیا اگر شخصی در حال انجام نماز واجب هم باشد و آیه را بشنود، باید در بین نماز سه بار صلوات بفرستد؟ نظر حضرتعالی چیست؟

ج : هو العالم؛ مستحب است نه واجب، در بین نماز هم مستحب است، سه بار هم لازم نیست، بلکه یکبار هم به مستحب عمل می شود.

«مبطلات نماز»

س ۹۶: آیا غلط خواندن قنوت یا ذکر مستحبی نماز، مبطل نماز است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه عمداً غلط بخواند مبطل نماز است و الا خیر، مبطل نیست.

س ۹۷: اگر در حال گفتن تکبیره الاحرام به نمازگذار تنه بزنند و بدنش تکان شدیدی بخورد و طمأنینه نماز از بین برود آیا باید نماز را بشکند و دوباره شروع نماید، یا فقط تکبیره الاحرام را تکرار کند و یا چون حرکت قهری بوده، تکبیرش درست است، لطفاً وظیفه شرعی را بیان کنید.

ج : هو العالم؛ اگر تکان خوردن شدید نباشد، فقط طمانینه از بین برود، ظاهراً نماز صحیح است، و اگر شدید باشد که وقوف از بین برود احتیاطاً پس از اتمام آن نماز را اعاده کند ولو اینکه صحت نماز بعید نیست.

س ۹۸: در حال نماز اگر تلفن یا موبایل که نزد مصلی است، زنگ بزند می تواند آن را قطع کند و به نمازش ادامه دهد؟

ج

: هو العالم; بلی مانعی ندارد.

س ۹۹: در رساله توضیح المسائل آمده است: «ارکان نماز اگر عمداً و یا سهواً کم یا زیاد شود نماز باطل است» حال سؤال این است که زیادی در نیت چگونه متصور است؟

ج : هو العالم; در اجزاء غیر رکن کم یا زیاد شدن غیر عمدی مبطل نیست، در نیت ولو زیاد شدن ممکن نیست، ولی چون کم شدن ممکن است لذا از ارکان ذکر شده است.

«شکیات نماز»

س ۱۰۰: اگر نمازگزار در حال قیام علم اجمالی دارد که یا یک سجده از رکعت قبل را فراموش کرده و یا تشهد، چه وظیفه ای دارد؟

ج : هو العالم; برگردد تشهد به جا بیاورد و اتیان به سجده لازم نیست.

س ۱۰۱: اگر شخصی بعد از نماز ظهر و عصر، علم اجمالی پیداکردکه یک رکعت به جا نیاورده و نمی داند از نماز ظهر است یا نماز عصر، وظیفه او چیست؟

ج : هو العالم; چنانچه علم اجمالی بعد از اتیان به منافی عمدی و سهوی بعد از عصر باشد یک چهار رکعتی به قصد ما فی الذمه بخواند. و اگر قبل از اتیان به منافی باشد یک رکعت به نماز دوم ضمیمه بنماید امتثال محقق می شود، و همچنین اگر اعمال وظیفه بین ثلاث و اربع بنماید.

س ۱۰۲: آیا برای نمازگزار ظن در رکعات نازل منزله علم است؟ حال اگر شاهد بگوید شما سه رکعت به جا آوردی، ولی نمازگذار ظن دارد که چهار رکعت بجا آورده است، بفرمایید کدام یک در عمل مقدم است؟

ج : هو العالم; ظن در رکعات مطلقاً در حکم علم است، بنابر این اگر از قول

شاهد ظن از بین برود باید به قول شاهد عمل کند و الا در عمل به ظن یا به قول شاهد ثقه مخیراست.

س ۱۰۳: اگر نمازگذار بعد از اکمال سجدتین که علم اجمالی پیدا کرد بعد از اکمال سجدتین، یا حمد را نخوانده و یا رکوع را انجام نداده، آیا نمازش را اعاده کند؟

ج : هو العالم; لازم نیست.

«نماز شب»

س ۱۰۴: آیا در نماز وتر که برای چهل نفر دعا می شود، نام بردن زنها جائز است یا باید به چهل مرد دعا شود.

ج : هو العالم; به مقتضای یک روایت می شود زنها را از جمله چهل نفر قرار داد و به مقتضای یک روایت دیگر نمی شود، من خودم مقیّدم که به چهل مرد دعا کنم، ولی شما می توانید بعد از نام چهل مرد، نام چند عدد خانمها را هم اضافه کنید، اشکال ندارد.

«نماز مسافر»

س ۱۰۵: شخص سرباز که او را برای مأموریت (هر روز از قم به تهران) می فرستند آیا نماز او قصر است یا تمام؟ با روزه چه کند؟

ج : هو العالم; نماز را باید شکسته بخواند و روزه هم نمی تواند بگیرد.

س ۱۰۶: اگر طلبه برای اقامه نماز جماعت به محلی برود و در ماه چند دفعه تکرار می شود و گاهی هم در آن محل می ماند و هر شب جمعه در اطراف آنجا منبر می رود آیا نماز و روزه او تمام است؟

ج : هو العالم; نماز او قصر است یعنی باید شکسته بخواند و روزه هم نمی تواند بگیرد مگر آنکه قصد اقامه ده روز بنماید.

س ۱۰۷: راننده بارکش کامیون هر روز یا در هفته یک بار یا چند بار در طول یک ماه به شهرهای مختلف مسافرت می کند و بعضی اوقات نیز بار پیدا نمی کند و به سفر نمی رود، آیا نماز و روزه او تمام است یا نه؟

ج : هو العالم; باید نماز را تمام بخواند، و روزه هم بگیرد.

س ۱۰۸: اگر مقیم عشره بعد از وقت شک کرد آیا

نماز را تمام خوانده یا شکسته با توجه به «الوقت حائل» بنای بر تمام قرار دهد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بنا بگذارد بر اینکه تمام خوانده است.

س ۱۰۹: شخص سربازی در مدت دو سال خدمت خود، هر روز رفت و آمد می کند، حکم نماز و روزه اش را بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ قصر است

س ۱۱۰: اگر پدر و مادر یا یکی از آنها از سفر فرزند خویش نهی کردند و فرزند شک کرد، آیا نهی آنان موجب عاق می شود یا نه؟ حال اگر مسافرت رفت، نمازش تمام است یا شکسته؟

ج : هو العالم؛ چنانچه آنها ناراحت بشوند بایدتمام بخواند والا شکسته. به هر حال احتیاط به جمع بین قصرواتمام ترک نشود.

س ۱۱۱: اگر کسی برای سعایت مؤمنی به سفر رفت، در برگشتن اگر مسافت باشد، نمازش تمام است یا شکسته؟

ج : هو العالم؛ چنانچه برگشتن عرفاً جزء سفر معصیت باشد وجوب تمام بعید نیست. ولی احتیاط به جمع ترک نشود.

س ۱۱۲: اگر کسی در سفرش با قصد مسافت شرعی، به سه فرسخ رفت و در آنجا نمازش را قصر خواند و روزه اش را افطار کرد، سپس تردید در قصد کرده و یا از سفرش برگشت، آیا نمازش را در وقت اعاده کند؟ حکم روزه اش چیست، آیا قضاء آن لازم است؟

ج : هو العالم؛ اعاده نماز لازم نیست. و روزه را اگر افطار کرده است قضاء آن لازم است و کفاره ندارد، اگر افطار نکرده است روزه را تمام کند.

س ۱۱۳: در صورتی که صبّی سفر شرعی رفته باشد و در برگشت از سفر در جایی

که سه فرسخ مانده به وطن بالغ شود، آیا نمازش را تمام بخواند یا شکسته؟

ج : هو العالم; باید نماز را شکسته بخواند.

«احکام وطن»

س ۱۱۴: دختری دانشجوست و تا الان با خانواده در اهواز متوطن بودند، لکن آنان نقل مکان کرده و در اصفهان توطن نمودند، اما دختر تا پایان تحصیل باید اهواز بماند فقط برای دیدار والدین به آن جا می رود، با توجه به اینکه ممکن است برای او خواستگار بیاید و در نتیجه وطن شوهر را برگزیند وممکن است وسائل ازدواج فراهم نشود و در پایان تحصیل به نزد والدین رود، در این فرض هر گاه به اصفهان می رود وظیفه اش قصر است یا تمام؟

ج : هو العالم; مادامی که برای توطن به اصفهان نرفته و اصفهان محل زندگی او نشده است، هر گاه به اصفهان برود وظیفه اش قصر است، مگر آنکه قصد اقامت ده روز بنماید. خلاصه حکم مسافر دارد و توطن خانواده به او ربط ندارد.

س ۱۱۵: با فرض سؤال قبلی اگر در هفته یکبار یا چند بار و یا در هر دو هفته یک یا چند بار، رفت و آمد نماید، نماز و روزه اش در آنجا و در بین راه چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; در صورتی که حکم وطن نداشته باشد که در فرض این سؤال یقیناً ندارد، نماز را شکسته باید بخواند، و به طریق اولی در بین راه هم شکسته بخواند.

س ۱۱۶: طلبه ای که برای تحصیل وارد حوزه علمیه می شود معمولا قصد دارد حداقل تا پایه پنج در آنجا درس بخواند، آیا آنجا حکم وطن او را دارد؟

ج : هو

العالم; چنانچه بنا دارد مدت طولانی بماند، بلی! حکم وطن دارد.

س ۱۱۷: شخصی اهل قم و فعلا در تهران ساکن است و از وطن اولش اعراض نکرده است. در وطن دوم ازدواج می نماید. در صورتی که زن به همراه شوهرش به وطن اول شوهر می آید و کمتراز ده روز می ماند آیا از باب تبعیت نماز زن تمام است یا قصر؟

ج : هو العالم; زن در آن محل مسافر است و نماز را باید قصر بخواند. تبعیت زن، نسبت به شوهر در حکم تمام و شکسته خواندن وجود ندارد.

«نماز قضاء»

س ۱۱۸: اگر شخصی قبل از اذان صبح امروز بیهوش شد و بعد از اذان صبح فردا به هوش آمد آیا قضای نمازهای روز بیهوشی بر او واجب است؟

ج : هو العالم; چنانچه بیهوشی بدون اختیار باشد، خیر قضاء لازم نیست.

س ۱۱۹: اگر شخصی نماز خود را در حال اضطرار و عدم وجود آب به جا آورد، آیا مجزی می باشد یا اینکه باید قضا نماید؟

ج : هو العالم; چنانچه با تیمم نماز خوانده و تا آخر وقت دسترسی به آب نداشته، نماز صحیح است و قضاء لازم نیست.

«نماز قضای پدر بر پسر بزرگتر»

س ۱۲۰: اگر حبوه به پسر بزرگتر داده شده باشد، آیا انجام نماز و روزه قضای میت به عهده پسر بزرگتر خواهد بود؟

ج : هو العالم; بلی به عهده او است. ولو حبوه هم نداشته یا به او ندادند.

س ۱۲۱: اگر میت در زمان حیات خود تمام اموال خود را به همسر دوم و فرزندان اوصلح کرده باشد، به نحوی که پس از مرگش، پسر بزرگتر او که از همسر اول است کلاً از ارث محروم شده باشد، آیا انجام نماز و روزه قضای میت به عهده پسر بزرگتر خواهد بود؟

ج : هو العالم; بلی! بر او واجب است .لزوم قضاء مشروط به ارث بردن نیست.

س ۱۲۲: اگر خود میت به پسر بزرگتر وصیت نکرده باشد و وصیت نامه ای هم از او به رؤیت پسر بزرگتر نرسیده باشد، آیا بر پسر بزرگتر واجب است به استناد قول یکی از اقرباء (همسر دوم) که پدرت به من گفته اینقدر روزه قضاء داشته که از روی جوانی و بدون عذر انجام نداده است، نماز و

روزه پدرش را اعم از آنچه معذور بوده و یا معذور نبوده قضا کند و بجا آورد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه از قول همسر دوم اطمینان پیدا کند، بلی! واجب است و الا واجب نیست.

س ۱۲۳: در صورتی که معلوم نباشد چه مقدار نماز قضا بر پدر است، پسری که نماز قضای پدر به عهده او است چه مدت نماز قضا بخواند؟

ج : هو العالم؛ به مقداری که یقین دارد نخوانده، و اگر اصل اشتغال ذمه پدر معلوم نیست چیزی بر او واجب نیست.

س ۱۲۴: آیا پسر بزرگتر که نماز قضای پدر به عهده او است، می تواند نمازها را نشسته بخواند؟

ج : هو العالم؛ چنانچه قدرت ندارد ایستاده بخواند و مأیوس است از این که تمکن پیدا کند، بلی جائز است و الا جائز نیست.

«نماز جماعت»

س ۱۲۵: اگر مأموم در رکعت سوم و یا چهارم نماز جماعت، قبل از رکوع اقتدا کرد و عمداً و سهواً نتوانست حمد را بخواند، آیا نماز او به جماعت صحیح است؟

ج : هو العالم؛ بلی صحیح است.

س ۱۲۶: شخصی که در حال نماز فرادی است، متوجه می شود که نماز جماعت بر پا شده، در این مورد در رساله های عملیه آمده است «که می تواند به نافله عدول نماید برای ملحق شدن به جماعت» حال سؤال این است، آیا بعد از عدول می تواند نافله را تمام نکند و آن را بشکند تا زودتر به جماعت برسد؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند تمام نکند و آن را بشکند، چون شکستن نافله حرام نیست.

س ۱۲۷: کسی که نمازش را به صورت فرادی خوانده است،

آیا می تواند نمازش را دوباره با جماعت بخواند، چه امام شود و چه مأموم؟

ج : هو العالم; بلی صلاه معاده با جماعت مستحب است. هم می تواند امام شود. هم می تواند مأموم شود.

س ۱۲۸: کسی که در نماز جماعت اقتدا کرده، حرکت عمدی او موقع خواندن پیش نماز واجبات نماز را، چه صورت دارد؟

ج : هو العالم; لابد مراد حال قرائت است که بر مأموم قرائت لازم نیست در آن مورد حرکت عمدی اشکال ندارد.

س ۱۲۹: اگر امام جماعت تا آخر نماز نفهمید که مأمومین به او اقتدا کردند آیا آثار جماعت مترتب می شود؟

ج : هو العالم; بلی، چون انعقاد جماعت بانیت مأموم است نه امام.

س ۱۳۰: مأموم در نماز جماعت سر از سجده بر می دارد و ملاحظه می کند،امام هنوز در سجده است و به سجده می رود و این عمل چند بار تکرار می شود. آیا بعد از نماز، سجده سهو تکرار می شود و یا به خاطر وجوب متابعت امام سجده سهو ندارد؟

ج : هو العالم; در این موردسجده سهونهواجب است نه مستحب.

«امام جماعت»

س ۱۳۱: اینجانب مداح اهل بیت عصمت و طهارت (ع) هستم که با تأسی از پدرانم، مبلغ دین اسلام و مبیّن مصائب ائمه اطهار (ع) می باشم واز محضر بعضی از عالمان بزرگوار نیز کسب فیض کرده ام و چون در تأسیس و تشکیل بعضی از هیأت های مذهبی شرکت داشته ام، بنا به درخواست اهل هیأت در مواقع نیاز که دسترسی به روحانی نبوده و نماز جماعت تشکیل می شده، مؤمنین این حقیر را در به پا داشتن واجبات و ترک محرمات عادل

دانسته اند نماز جماعت را به امامت اینجانب برگزار نموده و اینجانب نیز به دلیل احترام خاصی که برای لباس روحانیت که لباس اجدادم است قائل هستم تنها در موقع نماز جماعت ملبس به آن لباس مقدس شده ام. بفرمایید آیا از نظر شرعی و عرفی اشکال دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ شرط درنماز جماعت، احراز عدالت امام است و لباس دخیل نیست، چنانچه مؤمنین شما را عادل می دانند در تشکیل جماعت مجازید، و لباس هم مجازید بپوشید. البته اگر نپوشید باز هم جماعت صحیح است و پوشیدن هم اشکال ندارد. ضمناً به شما توصیه می شود که اگر بینک و بین الله خود را عادل نمی دانید اقامه جماعت ننمایید مگر بعد از توبه و تهذیب نفس و تقید به موازین شرعیه، به هر حال التماس دعا دارم.

س ۱۳۲: در صورتی که امام جماعت بعد از اتمام نماز متوجه شود که نمازش باطل بوده، مثلا وضوء نداشته یا لباسش نجس بوده، تکلیفش چیست؟ آیا باید به مأمومین اطلاع دهد؟

ج : هو العالم؛ لازم نیست چون نماز مأمومین صحیح است.

س ۱۳۳: آیا اقتدا کردن به شخص سنّی در نماز جماعت جایز است. در صورتی که بعد نماز خویش را اعاده کنیم؟

ج : هو العالم؛ در غیر صورت تقیه جایز نیست، در حال تقیه جایز است. ولی اعاده نماز لازم است.

«نماز جمعه»

س ۱۳۴: در محله ای از هند فاصله بین دو مسجد به مقدار یک فرسخ و نیم است و در هر دو مسجد، از قبل از سال ۱۳۹۰ هجری تا کنون نماز جمعه با تمام شرایط آن اقامه می شود، لکن الان مدتی

است در مسجد دیگری نبز به نام مسجدالحسین (ع) که ما بین آن دو مسجد واقع شده است و فاصله آن با دو مسجد از طریق متعارف چهار کیلومترونیم است، نماز جمعه اقامه می شود. وقتی که به امام جمعه مسجد الحسین گفته شد که اقامه نماز جمعه در این مسجد به لحاظ فاصله شرعی جایز نیست و فاقد شرط است، عذر آوردند که ترک نماز جمعه، باعث سوء ظن از علما و دین می شود و محذور دارد. حال بفرمایید وظیفه شرعی امام جمعه، هیأت امنای مسجد و مأمومین چیست؟

ج : هو العالم; در صحت نماز جمعه شرط است که باید بین دو نماز جمعه فاصله کمتر از سه مایل که یک فرسخ شرعی است، نباشد و هر فرسخ شرعی پنج کیلومتر و نیم است. در صورتی که فاصله کمتر باشد، اگر هر دو امام با هم شروع به نماز کنند، نماز هر دو باطل می شود.

و اگر یکی زودتر شروع کند، نماز او صحیح و نماز دومی باطل است. و چون نماز جمعه در زمان غیبت واجب عینی نیست،لذا ترک آن به واسطه فقد شرط صحت، باعث سوء ظن نمی شود.

در خاتمه معلوم باشد فتوای ما آن است که در نماز جمعه شرط است که با امام معصوم (ع) یا با اجازه او باشد، و در زمان غیبت مشروعیت نماز جمعه ثابت نیست، بنابراین باید بنابر احتیاط اگر نماز جمعه خوانده شود، نماز ظهر نیز خوانده شود.

«نماز استیجاری»

س ۱۳۵: کسی که خودش نماز قضا دارد آیا می تواند برای خواندن نماز میت اجیر شود؟

ج : هو العالم; بلی می تواند.

س ۱۳۶: اگر

در اثناء نماز قضای نیابتی، غفلت حاصل شود و تصور کنیم نماز ادای خودمان را می خوانیم. سپس در رکعت بعد متوجه اشتباه خود شده و نیت را اصلاح کنیم، آیا نماز نیابتی ما صحیح خواهد بود؟ و اگر بعد از نماز متوجه اشتباه خود شدیم چطور؟

ج : هو العالم؛ در هر دو صورت نماز صحیح است و امتثال همان امری که اول شروع، قصد کرده اید واقع می شود. یعنی نماز قضای نیابتی واقع می شود.

«نماز آیات»

س ۱۳۷: نماز آیات اگر از خسوف و کسوف باشد وقت اداء وقضا دارد که در رساله های عملیه نوشته شده است، ولی اگر از زلزله و غیر آن باشد نوشته شده که «مادام العمر واجب است و هر وقت بخواند اداء است»، اینک سؤال این است که گاهی چند بار زلزله می آید. در این صورت آیا نمازهایی که نخوانده، به نیت اداء بخواند یا به نیت قضاء؟ چون این گونه معروف بود که نمازهای گذشته قضا است و نماز آخرین زلزله تا زلزله دیگر اداء است.

ج : هو العالم؛ به نظر ما یک نماز آیات آن هم به قصد اداء کافی است و اگر کسی بخواهد احتیاط کند و به عدد زلزله نماز بخواند، همه را به قصد اداء بخواند.

س ۱۳۸: اینجانب اکنون که پنجاه سال سن دارم نمی دانم چه مقدار نماز آیات از من قضا شده است، تکلیف من چه مقدار است؟

ج : هو العالم؛ به مقداری که یقین دارید قضا کنید و زاید را لازم نیست، ولی قضا کنید، بهتر است.

«احکام روزه»

«وجوب روزه»

س ۱۳۹: آیا کسی که روزه ماه رمضان را از روی علم و عمد افطار کند و آن را حلال بداند، مرتد می شود؟

ج : هو العالم؛ چنانچه بداند از دین است و مع ذلک افطار را حلال بداند، مرتد و کافر است، مانند بقیه ضروریات دین والا کافر نیست.

س ۱۴۰: کسی که در ماه مبارک رمضان مریض شده، آیا واجب است خودش را مداوا کند تابهبودی یابد و روزه بگیرد یا خیر؟ و بنابر وجوب، اگر مالی نداشته باشد، آیا قرض گرفتن بر او برای مداوای

خودش لازم است؟

ج : هو العالم; مداوا واجب نیست، فضلا از قرض گرفتن به عبارت دیگر نه مداوا واجب است و نه قرض گرفتن.

«نیت روزه»

س ۱۴۱: اگر شخصی در روز مورد شک، نیت ماه رمضان کرد و روزه گرفت و بعد ثابت شد که ماه رمضان بوده است، آیا روزه او صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم; خیر صحیح نیست.

س ۱۴۲: در روز مورد شک از ماه رمضان، اگر نیت روزه قضا کرد، آیا می تواند به واجب دیگر یا به مستحب عدول کند یا خیر؟ و بر عکس چطور؟

ج : هو العالم; عدول از روزه به روزه دیگر هر دو واجب باشد یا مستحب یا یکی واجب و دیگری مستحب، جایز نیست مگر در عدول ازنیت شعبان در یوم الشک به روزه رمضان، بعد از ثبوت آنکه اول رمضان است.

«مبطلات روزه»

«خوردن و آشامیدن»

س ۱۴۳: در صورتی که روزه دار سهوا چیزی را بلعید، آیا بیرون آوردن آن اگر به حلق نرسیده واجب است؟ اگر شک کرد آیا به حلق رسیده یا نه چطور؟ اگر به حلق رسیده باشد، آیا اخراج آن واجب است یا نه؟ اگر واجب باشد اخراج چیزی که به حلق رسیده و روزه دار در حال نماز بود که اگر بخواهد آن را خارج کند نمازش قطع می شود، در این حال وظیفه چیست؟

ج : هو العالم; اگر بداند به حلق نرسیده یا شک کند اخراج واجب است ولو موجب قطع نماز شود. و اگر بداند به حلق رسیده چنانچه قی بر آن صادق باشد اخراج واجب نیست بلکه جایز نیست.

س ۱۴۴: اگر از باب اتفاق قطره خونی در دهان روزه دار بیفتد و یا از لای دندان او خون بیاید در صورتی که خون با آب دهان ممزوج شود بلعیدن آن با آب دهان

جایز است؟

ج : هو العالم; بدون استهلاک جائز نیست.

س ۱۴۵: اگر کسی موقع مکیدن گازوئیل از شلنگ، اتفاقاً گازوئیل به دهان یا گلویش برسد و هر چه آب دهن بیندازد طعم گازوئیل از گلویش نرود روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; در صورتی که گازوئیل داخل معده نشود، گازوئیل موجب افطار نمی شود و اشکال ندارد.

س ۱۴۶: آیا آمپول تقویتی روزه را باطل می کند؟

ج : هو العالم; احتیاطاً بلی.

«جماع و استمناء»

س ۱۴۷: در صورتی که در روز ماه رمضان زن شوهرش را بر جماع اکراه کند، چرا کفاره شوهرش بر او نیست؟

ج : هو العالم; چون دلیل بر آن نیست و مقتضای اصل آن است که کفاره بر او نیست.

س ۱۴۸: با اینکه در خطبه آخر شعبان، پیامبر (ص) فرموده اند: «شیاطین در غل و زنجیرند» پس باید نتوانند وسوسه کنند، چرا روزه دار در ماه رمضان بر اثر خواب دیدن امور شیطانی، محتلم می شود؟

ج : هو العالم; احتلام به سبب عوامل طبیعی است و این روایات ربطی به آن ندارد.

س ۱۴۹: اگر کسی جایی مهمان باشد و در همان شب محتلم شود و خجالت بکشد در خانه میزبان غسل کند و با تیمم روزه بگیرد و در همان روز هم غسل کند روزه اش چه صورت دارد؟

ج : هو العالم; خجالت موجب جواز تیمم نمی شود. بلی! چنانچه نتواند از خانه بیرون رود و در خانه غسل کردن هم مفسده دارد، تیمم جایز است و روزه اش صحیح است.

«دروغ بستن به خدا و پیغمبر»

س ۱۵۰: اگر روزه دار خبری را به خداوند متعال یا پیامبر اکرم (ص) نسبت دهد و بعد بگوید دروغ گفتم، و یا اینکه در شب خبری را نسبت دهد ودر روز آن را تکذیب کند و برعکس، آیا روزه او باطل می شود؟

ج : هو العالم; باطل نمی شود چون نسبت دروغ دادن به خدا و پیغمبر (ص) روزه را باطل نمی کند.

س ۱۵۱: آیا اگر روزه دار در حالت اضطرار و مقام تقیه، بدعتی را به خدا یا پیامبر نسبت بدهد، روزه اش باطل می شود یا

اینکه قصد آن را

نداشته یا نه؟

ج : هو العالم; باطل نمی شود بواسطه آنچه در استفتاء قبل بیان شد.

س ۱۵۲: روزه داری که به مبطلیت دروغ بستن به خدا و پیامبر جهل دارد، لکن حرام بودن آن را می داند. آیا چنین شخصی چه جاهل قاصر و چه جاهل مقصر ملحق به عالم می شود و کفاره بر او واجب است؟

ج : هو العالم; مطلقاً کفاره لازم نیست، چون روزه باطل نمی شود و خود این معصیت موجب کفاره نیست.

«رساندن غبار به حلق»

س ۱۵۳: استعمال سیگار برای شخص روزه دار چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اگر فتوی به عدم جواز ندهم، مقتضای احتیاط لزومی، ترک آن است.

س ۱۵۴: آیا استفاده از اسپری تنفسی که برای بیماران تنفسی تجویز می شود، مبطل روزه است یا خیر؟

ج : هو العالم; چنانچه از مواد مخلوط با آن چیزی داخل معده نمی شود و راه اسپری هم که با مجرای معده اختلاف دارد و وارد معده نمی شود، اشکال ندارد و مبطل روزه نیست، ولی اگر به نحوی از انحاء ولو با مخلوط شدن با آب دهان وارد معده شود مبطل روزه است.

«باقیماندن به جنابت و حیض و نفاس»

س ۱۵۵: اگر کسی غسل جنابت یا حیض یا نفاس را چند روز فراموش کند و روزه بگیرد و در بین غسل جمعه نماید، آیا تمام این روزه ها را قضا کند یا فقط روزه های قبل از غسل جمعه را؟ آیا این حکم اختصاص به روزه ماه رمضان دارد یا در غیر آن همانند روزه نذر معین و قضا نیز جاری است؟

ج : هو العالم; نسیان در خصوص غسل جنابت موجب قضاء است

آنهم در خصوص ماه رمضان. و در آن مورد هم قضاء روزه هایی که بعد از غسل جمعه گرفته لازم نیست.

س ۱۵۶: در صورتی که شخص جنب، در آخر وقت با تیمم نمازش را می خواند و روزه اش را می گیرد ومعصیت می کند و در اول وقت غسل نمی کند. آیا نمازها و روزه هایش صحیح است؟

ج : هو العالم؛ نمازها صحیح است، و در روزه باید به جمع بین تیمم و روزه احتیاط کند و قضاء آن را بعد از غسل به جا بیاورد.

«روزه قضا»

س ۱۵۷: کسی که روزه قضای ماه رمضان گرفته در صورتی که در روز بفهمد قبل از فجر صادق جنب شده است و خودش خواب بوده، آیا روزه اش باطل است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی باطل است.

س ۱۵۸: کسی که قضای روزه رمضان بر گردنش است اگر نذر کند این روزه را در نیمه شعبان بجا آورد، آیا می تواند از اول تا پانزدهم شعبان روزه مستحبی بگیرد چون روزه قضا مقید به زمان خاصی شده؟ و آیا می تواند تخلف نذر نماید و قبل از نیمه شعبان قضا را بجا آورد؟

ج : هو العالم؛ تخلف از نذر تکلیفاً جایز نیست. ولی اگر تخلف کرد روزه اش صحیح است.

و نذر مذکور مورد اشکال نیست، چون نذر تأخیر اداء واجب نیست، ولی گرفتن روزه مستحبی خالی از اشکال نیست.

س ۱۵۹: زنی که روزه قضا گرفته و وقت آن موسع است، آیا شوهرش می تواند روزه او را باطل کند و او را از روزه گرفتن نهی کند؟

ج : هو العالم؛ نمی تواند روزه او

را باطل کند و اگر نهی کرد اطاعت او لازم نیست، زیرا (لاطاعه لمخلوق فی معصیه الخالق).

«کفاره روزه»

س ۱۶۰: اگر روزه دار در روز ماه رمضان چند بار جماع یا استمناءنماید، آیا کفاره تکرار می شود؟ آیا بین جاهل به مفطریت و عالم به آن در حکم فرق است؟

ج : هو العالم؛ کفاره مطلقاً تکرار نمی شود، بلی احتیاط استحبابی آن است که کفاره جماع و استمناء تکرار شود.

س ۱۶۱: آیا تبرّع کفاره از طرف آدم زنده جایز است مثلا دو ماه روزه کفاره برای او تبرعاً بگیرد؟

ج : هو العالم؛ ظاهراً جائز نیست.

«مسائل متفرقه روزه»

س ۱۶۲: اگر یک نفر عادل در ماه رمضان شهادت دهد که غروب شده، یا هنوز فجر صادق نشده آیا قولش اعتبار دارد؟

ج : هو العالم؛ قولش حجت است و اعتبار دارد و می تواند به واسطه گفته او افطار کند.

س ۱۶۳: کسی که آشکارا در حضور مردم روزه خواری کند، حدود اسلامی در حق او چیست؟

ج : هو العالم؛ چنین شخصی متجاهر به فسق است و غیبت او جایز است و حاکم شرع در صورت ثبوت می تواند او را تعزیر کند، در خصوص افطار به جماع روایت است که ۲۵ تازیانه به او بزنند، این در صورتی است که انکار وجوب صوم نکند و افطار را حلال نداند و الا مرتد واجب القتل است.

«روزه استیجاری»

س ۱۶۴: کسی که خودش روزه قضا دارد، آیا می تواند برای گرفتن روزه میت اجیر شود؟

ج : هو العالم؛ کسی که قضاء ماه رمضان دارد، نمی تواند اجیر میت شود.

س ۱۶۵: آیا در روزه استیجاری اگر بعد از ظهر افطار کند کفاره دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ کفاره لازم نیست.

«زکاه فطره»

س ۱۶۶: اگر قبل از مغرب شب عید فطر مهمان وارد شود، آیا فطره بر عهده میزبان است یا مهمان؟

ج : هو العالم; به عهده میزبان است.

س ۱۶۷: اگر برای کفاره روزه یا زکاه فطره، گندم یا جو پوست کنده بدهد که از اولی حلیم درست می کنند و از دومی برای سوپ استفاده می نمایند، صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد و از کفاره ، و زکاه حساب می شود.

س ۱۶۸: اگر از فطره برای یک نفر مستحق، جهیزیه تهیه شود و خودش نفهمد که از فطره است، اشکال دارد یا نه؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد. بلکه در بعضی موارد کار بسیار خوبی است.

«احکام خمس»

خمس: «فائده» س ۱۶۹: سال خمس را مدت دو سال است تعیین نموده ام ولی پرداخت نکرده ام و مقداری پول در آخر هر دو سال در بانک موجود بوده که خمس آنها را نداده ام، و نیز در اثناء هر سال به دوستان قرض داده ام، اینک چند سؤال دارم:

با ندانستن یقینی از مبلغ موجودی، خمس آن دو سال چگونه تعیین می شود.

ج : هو العالم; باید رجوع به بانک بنمایید و قول متصدی حجت است چون امین است.

س ۱۷۰: آیا با پس گرفتن بدهیها خمس آنها باید پرداخت گردد؟

ج : هو العالم; خمس همه آنها باید پرداخت گردد.

س ۱۷۱: با توجه به عدم پرداخت خمس، در مبالغی بعد از گذشت سال خمس،برای مصارف شخصی تصرف نموده ام آیا جائز بوده و آیا اجازه می فرمایید فعلا تا حساب ننموده و خمس نداده ام، تصرف نمایم.

ج : هو العالم; تصرفاتان جائز و نافذ بوده

و بعداً نیز تا مادامی که بنا دارید بر دادن خمس در تصرفات مجازید.

س ۱۷۲: بـا توجه به اینکه منبع خریـد وسائـل زنـدگی من منحصـر به همان مبلغ است، اگر بخواهم همه خمس را بـدهم شاید نتوانم امکانات زندگی تهیه نمایم چه وظیفه دارم؟

ج : هو العالم؛ دستگردان نموده و به تدریج بپردازید.

س ۱۷۳: با توجه به گمشدن ته چک دفترچه بانک و ندانستن مقدار موجودی چگونه مقدار خمس را معین کنیم؟

ج : هو العالم؛ بعد از مراجعه به بانک بدهی تان معلوم می شود، در صورتی که معلوم نشود، قدر متیقن را بپردازید، و مازاد را دستگردان نمایید و در صورت احتیاج، من اجازه می دهم بخشیده شود.

س ۱۷۴: اگر مثلاً به زیـد، ملکی از پـدرش، و به پـدرش نیز از جـد ارث رسـیده باشد و زید نمی داند خمس ملک مذکور را داده اند یا نه، حال اگر ملک را فروخت تکلیفش چیست؟

ج : هو العالم؛ خمس واجب نیست.

س ۱۷۵: اگر کسـی برای تشـکیل زنـدگی، قبـل از ازدواج اثاثیه منزل را وسط سال کم کم تهیه کنـد آیا به آن اثاثیه که بعـداً استفاده خواهد کرد، خمس تعلق می گیرد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه اثاثیه منزل را او بایـد تهیه کند، دادن خمس لازم نیست. به شـرط آنکه اثاثیه برای سالهای بعد نباشد، یا آنکه قدرت تهیه دفعی آنها را نداشته باشد.

س ۱۷۶: اگر خانمی طلایی را قبل از سـر سال خمسـی خود بخرد و در شأن او باشد، لکن هنوز نپوشـیده، سال خمسی اش می رسد، آیا خمس آن را باید بدهد؟

ج : هو العالم؛ خمس ندارد.

س ۱۷۷: اگر

کسی طلب خود را بعد از سال خمسی بگیرد، آیا خمس همان را بدهد، یا بعد از مؤنه زندگی، خمس مابقی را بدهد؟

ج : هو العالم؛ چون سر سال مالک است و زاید بر مؤنه است، خمس آن طلب را هم باید بدهد.

س ۱۷۸: شخصی در روستایی زندگی می کند و چند سال پیش با پول تخمیس شده ساختمانی در تهران خریده است و اکنون این ساختمان را به بیشتر از قیمت خریداری شده فروخته، و با پول آن ساختمان دیگری خریده است، آیا به قیمت مازاد ساختمان فروخته شده خمس تعلق می گیرد یا نه؟ با توجه به اینکه می خواهد کوچ کند و آن ساختمان را سکنی گزیند.

ج : هو العالم؛ نظر به اینکه خرید خانه در وسط سال اول نبوده است، همان وقتی که پول دستش آمده، زیادی قیمت، خمس دارد و خرید خانه بعد از آن، مسقط خمس نیست.

س ۱۷۹: اگر شخصی در دو شهر مختلف، دو منزل دارد که یکی به صورت ویلایی است، آیا لازم است به آن خمس بدهد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه در سال مدتی در هر یک از آن دومنزل زندگی می کند، برای هیچ کدام خمس دادن لازم نیست.

س ۱۸۰: در صورتی که شخصی در موقع سال خمسی، حساب اموالش را برسد، آیا مقدار خمس را از همان مال درآورد یا اینکه از مال مخمس بدهد؟

ج : هو العالم؛ لازم نیست از آن مال بدهد، از اموال دیگر بدهد کفایت می کند.

س ۱۸۱: جهیزیه ای که در طول چند سال برای دختر خریده می شود، یا دیگران هدیه می کنند و همچنین هدایایی

که داماد در دوران نامزدی برای عروس خریده خمس دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جهیزیه که در وسط سال اخیر، خریده شده، خمس ندارد و اما آنهایی را که در سالهای قبل خریده است، چنانچه تمکن نداشته است در یک سال بخرد و به تدریج باید تهیه نماید، خمس واجب نیست، والا خمس آنها را باید بدهد.

س ۱۸۲: آیا پولی را برای خرید خانه مسکونی پس انداز کرده اند خمس دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی چنانچه سال بر آن بگذرد، خمس آن را باید بدهد.

س ۱۸۳: آیا هدیه (چه نقدی و غیر نقدی و چه بزرگ و کوچک) خمس دارد؟

ج : هو العالم؛ بلی خمس دارد. هدیه هم مانند سایر فائده ها خمس به آن تعلق می گیرد، در صورتی که زاید بر مؤنه سال باشد.

س ۱۸۴: اگر مالی که به او ارث رسیده است را بفروشد با فرض این که قیمت آن بالا رفته، آیا خمس دارد یا نه؟ اگر مورث خمس آن مال را نداده لازم است خمس آن را بدهد؟

ج : هو العالم؛ ترقی قیمت خمس آن واجب است، ولی اصل مالی که به ارث می رسد خمس آن بر او واجب نیست، مگر آن که بداند بر مورث خمس واجب شده بوده و نداده است، در این فرض باید خمس اصل مال را بدهد.

س ۱۸۵: در صورتی که حقوق کارمند یا کارگر را سرِ سالِ خمس دادند، باید خمس آن را بدهد یا می تواند صبر کند تا یک سال بر آن بگذرد و بعد از مؤنه خمس مازاد را بدهد.

ج : هو العالم؛ در صورتی که زیادتر

از مؤنه سال قبل باشد باید خمس آن را بدهد.

س ۱۸۶: شخصی چند سال پیش زمینی را با سرمایه تخمیس شده، خریده است و حالا می خواهد ساختمانی جهت سکنای خود وخانواده اش بخرد و می خواهد آن زمین را بفروشد و پول ساختمان را بپردازد. آیا خمس بر زیاده از سرمایه اولش که خمس آن را داده بود تعلق می گیرد یا نه؟

ج : هو العالم؛ در سال خرید مسکن مقداری که زاید بر سرمایه اضافه شده خمس ندارد ولی بر آنچه در سالهای قبل اضافه شده، خمس واجب است.

س ۱۸۷: شخصی چوبهایی برای ساختن خانه از درخت چنار و غیر آن تهیه کرده، است و بر آن سال گذشته است در حالی که این چوبها برای ساختن خانه أشدّ ضرورت دارد، آیا به محض تمام شدن سال، به آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج : هو العالم؛ بلی تعلق می گیرد.

س ۱۸۸: شخص کارمندی جهت خرید منزل مسکونی مورد نیاز ناچاراً به طور ماهیانه مبلغی از حقوق خود را کنار می گذارد با توجه به نرخ تورمی (حدود ۲۰ درصد) که در جامعه وجود دارد و با فرض تعلق خمس عملاً صد هزار تومان این سال حدوداً برابر شصت هزار تومان سال آینده می شود لذا خواهشمند است نظر مبارک را در مورد تعلق خمس بفرمایید؟

و نیز اگر پس انداز وی جهت خرید خانه مکفی نباشد و ایشان مثلا به صورت مضاربه این پول را به کار بزنند وسود آن را هم برای خرید خانه اختصاص دهد در این فرض تعلق خمس چگونه خواهد بود؟

ج : هو العالم؛ پولی که برای

خانه کنار می گذارد، اگر در مقابل آن مدیون نباشد مادامی که خانه نخریده، خمس به آن تعلق می گیرد و همچنین اگر به عنوان مضاربه بدهد هم به پول و هم به سود آن خمس تعلق می گیرد.

س ۱۸۹: شخصی با پول خمس داده، برای سکنای خود حیاطی خریده که دو باب دکان دارد. یکی را به پسرش هدیه کرده و یک باب دیگر برای خودش باقیست، حکم خمس حیاط و آن دو باب دکان را بیان فرمایید.

ج : هو العالم؛ حیاط و آن دکان که به پسرش داده خمس ندارد، یعنی برخود انسان خمس ندارد و اما پسر که سرمایه او است بایـد رعایت موازین را بکند. و اما دکان خودش اگر اضافه قیمت شده، زیادی آن مشمول دلیل خمس است. یعنی در صورت زیادی قیمت آن دکان از مؤنه سال قبل خمس به آن تعلق می گیرد.

س ۱۹۰: کسی که پول را برای رفتن به حج در بانک می گذارد و چند سال می گذرد آیا خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : هو العالم؛ بلی با شرایط تعلق می گیرد. یکی از شرایط زیادی بر مؤنه سال است.

س ۱۹۱: کسانی که آذوقه مصرفی منزل را تهیه کرده که معمولا در خلال یکی دوماه مصرف می شود، مجدداً خریداری می کنند. آیا خمس چنین آذوقه ای سال به سال لازم است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه سر سال چیزی موجود باشد خمس همان با وجود شرایط واجب است.

س ۱۹۲: اگر آذوقه را به ذمه خریداری کرده، آیا تخمیس آن سر سال واجب است یا نه؟

ج : هو العالم؛ خیر واجب

نیست.

س ۱۹۳: با فرض سؤال قبلی، بعد از پرداخت ذمه خود، آیا این آذوقه از ارباح سال خرید حساب می شود و یا از ارباح سال پرداخت؟

ج : هو العالم؛ از ارباح سال پرداخت حساب می شود.

س ۱۹۴: در مورد آذوقه منزل آیا معادل مخمس سال قبل (نه عین مخمس) در سال بعد، از خمس معاف خواهد بود؟

ج : هو العالم؛ بلی معاف است.

س ۱۹۵: کسی که درآمد او معمولاـ به مخارج زندگی او نمی رسد و کم می آورد، مثلا حقوق ماهیانه او کمتر از خرج او است ولی سر سال خمسی او که رسیده مبلغ پولی دارد، مثلا اول برج است، آیا خمس آن واجب است؟

ج : هو العالم؛ خیر واجب نیست.

س ۱۹۶: آیا تعیین سر سال بر هر مکلفی واجب است، با توجه به اینکه یقین دارد عین مال یک سال تمام نزد او نمی ماند؟

ج : هو العالم؛ لازم نیست هر مالی یک سال نزد او بماند بلکه اگر سال خود را اول محرم قرار داده، استفاده ای که در آخر ذی حجه سال بعد نصیب او می شود، ضم به بقیه فوائد او از اول محرم می شود بعد از استثناء مؤنه، چنانچه زاید چیزی بود، خمس آن را باید بدهد.

س ۱۹۷: لطفاً نحوه تخمیس اموال وتعیین سر سال خمسی، که بعد از آن خمس اموال واجب می شود را توضیح دهید؟

ج : هو العالم؛ از جواب سؤال قبل جواب این سؤال ظاهرمی شود.

س ۱۹۸: در منهاج الصالحین فرموده است «لکل ربح سنه تخصّه» به این که مکلف می تواند برای هر درآمد سالی جداگانه بگذارد. مقصود از

این عبارت چیست؟ آیا معنایش این است که هر ربحی که به دست او می رسد می تواند تا یک سال صبر کند و اگر زیاد آمد خمس آن را بدهد، پس کسانی که در آمد تدریجی دارند همانند حقوق ماهیانه یا روز مزدی، پس هیچ مالی از آنها یک سال تمام نمی ماند آیا از خمس معاف هستند؟

ج : هو العالم; مقصود را در همان مسأله بیان فرموده اند و اینجانب که منهاج الصالحین را حاشیه زده ام و چاپ هم شده و فعلاـ تمام شده است، در حاشیه آن مسأله نوشته ام: «الظاهرانه لجمیع المستفاد سنه واحده فیتعین اختیار الاول» یعنی بر تمام درآمدها یک سال باید بگذارند.

س ۱۹۹: آیا از ربح سال می تواند جبران خسارت سرمایه خود را بکند ولو این که مال دیگری مانند ارث یا هبه یا غیر آنها داشته باشد یا خیر؟

ج : هو العالم; خود سرمایه را باید فضلا از آنچه صرف در آن می شود تخمیس نمود.

س ۲۰۰: آیا ودیعه ای که مستأجر به موجر می سپارد و بدون آن تهیه مسکن برایش دشوار است، از مستثنیات دین است؟

ج : هو العالم; بلی از مستثنیات دین است.

«مصرف خمس»

س ۲۰۱: اگر سیدی ناصبی یا سنی یا یهودی و نصرانی باشد و یا از شیعه غیر اثناعشری، باشد در حالی که فقیر و مسکین و ابن سبیل باشد آیا می شود سهم سادات به او داد یا نه؟

ج : هو العالم; در مستحق خمس ایمان به اجماع علماء شرط است. بنابراین نمی شود به سید ناصبی، سنی، یهودی، نصرانی، غیر اثنی عشری سهم سادات داد.

س ۲۰۲:

پسری از سادات محترم ومعتبر در ارومیه کارمند دولت است، زمینی برای خانه نشیمن خود خریده و در بنای ساختمان آنجا محتاج مساعدت است، در حالی که از پدرش جدا و معیل و کرایه نشین است، آیا از سهم سادات پدرش می توان جهت بنا کردن ساختمان به او داد؟

ج : هو العالم; نمی شود. ولی من اجازه می دهم، از طرف من قبول کنید و از طرف من به او بدهید.

س ۲۰۳: مردم به نام سهم امام (ع) مقدار کمی پول می دهندوشخص گیرنده اجازه از بیش از یک مجتهد ندارد، بنابراین مصرف آن پول برای شخص گیرنده جایز است یا نه؟ و در صورت جواز، یکی بودن مقلّد معطی و آخذ لازم است یا خیر؟

ج : هو العالم; یکی بودن لازم نیست ولی باید مورد مصرف به نظر هر دو مرجع و مقلد یکی باشد، یعنی هر دو در مورد خاص توافق داشته باشند. مثلا هر دو در حوزه به طلاب بدهند.

س ۲۰۴: اکثر مردم شهری در تقلید مرحوم مبرور حضرت آیت الله باقیمانده اند و از کسانی که وجوهات واجب را پرداخت می کنند سؤال نمی شود تقلیدشان از کدام مرجع است، لذا پرداختی ایشان به حضرات مراجع فعلی فرستاده می شود، امید است حضرتعالی تا به حال هر چه بوده قبول فرموده و بعد از این هم اجازه بفرمایید؟

ج : هو العالم; همه قبول است. و مِنْ بعد از این هم، هرچه به هر کدام از مراجع که حوزه علمیه آنان را صالح برای تصدی مرجعیت بداند، بپردازند با احراز این که آن مرجع در جائی مصرف می کند

که من آن را مصرف سهم امام ارواحنا فداه می دانم مجازند، یکی از آنها شهریه دادن به حوزه های علمیه است.

«مسائل متفرقه خمس»

س ۲۰۵: شخصی مبلغی از سهم امام (ع) و سهم سادات بدهکار می باشد و از طرف دیگر می خواهد برای پسرش حیاط بخرد، با توان پرداخت وجوه شرعی ولو تدریجاً آیا می تواند برای پسرش حیاط بخرد؟ یعنی اگر پرداخت خمس با خرید حیاط تزاحم کند، کدامیک از آن دو مقدم می باشد؟

ج : هو العالم؛ پرداخت وجوه شرعیّه واجب، و قهراً مقدم است. ولی اگر دستگردان کنید و بدهی را تدریجاً، ولی نه در مدت طولانی بپردازید به شما اجازه می دهم.

س ۲۰۶: اگر سر سال زکاه با سر سال خمسی در یک روز یکی بشود،آیا اول خمس را بدهد یا زکاه را یا هر دو را ؟

ج : هو العالم؛ هر دو را باید بدهد، بله اگر زکاه اول تعلق بگیرد به مقدار زکاه جزء مؤنه می شود او مستثنی از خمس است.

س ۲۰۷: حضرات در رساله های عملیه نوشته اند «اذا مات المکتسب فی اثناء الحول وجب اخراج خمسه» آیا این وجوب یعنی بر میت واجب است یا بر وارث؟ و ادای خمس به نیت کدامیک باشد؟

ج : هو العالم؛ بر میت واجب است یعنی جزء دیون او و مقدم بر ارث است ،باید ورثه از اصل مال او خمس را بدهند و بعداً بقیه را تقسیم نمایند.

س ۲۰۸: بعد از این که شخصی مصالحه با حاکم شرع نمود و سر سال خمسی برایش معین شد، آیا نمازهای گذشته او با لباس بدون خمس، اعاده شود یا

نه؟

ج : هو العالم; اعاده لازم نیست و نمازها صحیح است.

س ۲۰۹: بنام خدای متعال، کسانی که کار می کنند و اموالشان را با هم خرج می کنند زندگانی آنها اشتراکی است، مال تفکیک شده ندارند و همه در یک کیسه است. مثل زن و شوهر شاغل یا پدر و فرزند و یا دو برادر، نحوه محاسبه خمس آنها چگونه است؟ آیا هر کدام باید حساب خمس جدایی داشته باشند یا از مال مشترک آنچه افزون گردد، تخمیس می شود؟

ج : هو العالم; چنانچه مال دیگری ندارند، وجوب خمس بر افزون شدن همان مال مشترک متوقف است و در آن صورت وجوب خمس بر هر کدام به مقدار حصه خودش متوجه به او است، چنانچه او خمس مال خودش را اداء کرد ولی شریک نکرد، اشکالی بر او متوجه نیست و می تواند در مال مشترک تصرف نماید.

«احکام حج»

س ۲۱۰: زوجه ای از پدرش ارث برده است و فرزندان اناثی دارد که پدرشان توان پرداخت هزینه ازدواج و تهیه جهازیه برای آنها را ندارد، آیا زوجه می تواند با مال ارثی خود هزینه های مذکور را تأمین نماید؟ و یا بدون توجه به مشکلات زندگی خانواده و فرزندان، مال خود را هزینه رفتن به حج نماید؟

ج : هو العالم; چنانچه زن بدون پرداخت پول جهیزیه، مستطیع باشد، باید حج برود و جهیزیه دادن مسقطوجوب حج اونیست.

س ۲۱۱: اینجانب در سال ۱۳۷۳ شمسی به یکی از دوستانم جهت خرید منزل مقداری پول نقد به عنوان قرض الحسنه کمک کردم که این مبلغ را به تدریج باز پس دهد. تا سال ۱۳۷۷ شمسی به تدریج داد

و ستدی شد. ولی بعد از آن از پس دادن بقیه بدهی خبری نیست، اکنون شنیده ام ایشان در سال ۱۳۸۰ بدون اطلاع وتحصیل رضایت من به حج تمتع رفته اند، وضعیت حج ایشان با بدهکاری که خودشان به آن اقرار دارند، چگونه است؟

ج : هو العالم؛ با این خصوصیات که نوشته اید، ندادن طلب شما خلاف دستور شرع است، ولی حج او صحیح است.

س ۲۱۲: اینجانب مقلد حضرتعالی هستم، انشاء الله می خواهم برای عمره مفرده عازم مکه معظمه شوم و در آنجا به مدت هفت روز اقامت دارم. آیا بنده می توانم بعد از انجام دادن اعمال خود، برای پدر ومادرم، یک عمره از مسجد تنعیم انجام دهم؟

ج : هو العالم؛ بلی می توانید، مانعی ندارد.

س ۲۱۳: اگر شخصی مستطیع بود و مریض شد آیا لازم است خودش را مداوا کند تا به حج برود؟

ج : هو العالم؛ بلی، لازم است.

س ۲۱۴: آیا در حال احرام حج، زن می تواند ظاهر پاها را مکشوف کند یا خیر؟

ج : هو العالم؛ با تحفظ بر آنکه ناظر مرد نباشد مانعی ندارد.

س ۲۱۵: اگر شخصی نذر کند که پیاده به حج برود، لکن مقداری از راه را سواره و مقداری از آن را پیاده رود، آیا حج او صحیح است یا اعاده کند؟

ج : هو العالم؛ اگر حج ماشیاً نذر کند، اعاده لازم است، اما دیگر کفاره ندارد. اگر نذر کند در حج معین پیاده برود، کفاره واجب است، اما اعاده لازم نیست و در مورد لزوم اعاده، باید تمام راه را پیاده برود.

س ۲۱۶: اگر فردی مستطیع شد و به مکه رفت،

لکن قبل از احرام دیوانه شـد و او را به ایران برگرداندنـد. پس از مـدتی که حالش خوب شد، آیا حج بر گردن او می باشد یا خیر؟

ج : هو العالم; چنانچه قبلا مستطیع بوده است و با تمکن به مکه نرفته است، یا آنکه استطاعت باقی است، بلی! باید برود و الا خیر واجب نیست.

س ۲۱۷: شخصـی که برای حـج اجیر شـده، اگر در حالی که مقـداری از اعمال را انجام داده مصـدود و یا محصور شـد آیا به همان مقدار استحقاق اجرت دارد؟

ج : هو العالم; مسأله صوری دارد، در صورتی که اجاره منفسخ بشود، بلی استحقاق اجرت دارد.

س ۲۱۸: در صورتی که حاجیه خانمی در مکه وضع حمل نمایـد و دارای فرزند شود، آیا طفل مذکور بعد از تکلیف رسیدن باید از ایران به مکه برود و طواف نساء و نماز طواف نساء انجام دهد؟ و اگر نرفت آیا نمی تواند ازدواج کند؟

ج : هو العالم; نخیر، لازم نیست طواف نساء به جای آورد و می تواند بدون طواف ازدواج کند.

س ۲۱۹: اگر نائی عمره تمتع را عمـداً انجام نـداد و وقت برای آن نبود آیا حج او مبدل به حج افراد می شود، یا اینکه احرام او باطل می شود و باید سال دیگر به حج برود.

ج : هو العالم; باید عمره را تمام کند و سال بعد حج به جا آورد.

احکام معاملات

«بیع»

س ۲۲۰: در برخی از مغـازه هـا، که توسـط آقایان اداره می شود وسایل آرایشـی و لباسـهای زیر زنانه به فروش می رسـد، آیا خانم ها می توانند از این مغازه ها خریداری کنند؟

ج :

هو العالم; با رعایت موازین شرعی اشکال ندارد.

س ۲۲۱: سودی که برخی از مغازه داران بر روی برخی اجناس قسطی می گیرند و اینگونه توجیه می کنند که بانکداری اسلامی هم همین سود را می گیرد، آیا ربا محسوب می شود؟ در صورت اشکال راه حل شرعی چیست؟

ج : هو العالم; پولی که، به ازاء اجناسی که قسطی می فروشند می گیرند، اشکال ندارد، اما دلیلشان درست نیست.

س ۲۲۲: معامله با افراد کافر غیر حربی اعم از کسانی که در کشور اسلامی زندگی می کنند و یا در کشور غیر اسلامی، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد.

س ۲۲۳: خرید و فروش چک به طور مطلق چه حکمی دارد؟ و همین طور آیا کم کردن چکی که انسان بابت طلب خود از دیگری دارد جایز است و می تواند آن را به کمتر از مقدار طلب، به شخص بدهکار یا شخص دیگر بفروشد؟

ج : هو العالم; خود چک مالیت ندارد اگر از کسی طلب دارد و چک گرفته، پس آن چک را به کس دیگر می فروشد، قهراً دین را به کمتر می فروشد و اشکال ندارد، و جائز است به خود بدهکار هم بفروشد. اما نمی تواند چک بی محل را بفروشد.

س ۲۲۴: امروزه در بازار متداول شده جنس ها را اینگونه معامله می کنند، می گویند: مثلاً به صورت نقد صد تومان و به مدت یک ماهه صد و ده تومان و به مدت دو ماهه صد و بیست تومان و... و مشتری اختیار دارد، یکی از آنها را انتخاب کند، آیا چنین معامله ای صحیح است یا خیر؟

ج :

هو العـالم؛ چنـانچه معامله نباشـد، بلكه اول مقاوله و اختيار دادن صاحب مال باشـد مشترى را كه يكى معين را انتخاب كنـد و معامله بر آن قرار گيرد اشـكال نـدارد. يعنى بعد از آنكه مشترى يكى را انتخاب نموده، معامله بر آن قرار دهند در اين صورت صحيح است.

س ٢٢٥: آپارتمانى با شرايط زير خريدارى شده است:

الف: براساس بند ١ قرارداد مبلغ يك ميليون و يكصد هزار تومان طى چك شماره ٨۶٠٧۵٩ برعهده بانك سپه تهران در زمان عقد قرارداد به فروشنده پرداخت گرديده است.

ب: براساس بند ٢ قرارداد، باقيمانده بهاء آپارتمان درسه نوبت جمعاً به مدت ۶ ماه به فروشنده پرداخت شده است.

ج: براساس بنـد ٣ قرارداد مبلغ ششـصد هزار تومـان وام بـانكى مربوط به آپارتمـان مورد معامله به حساب جارى فروشـنده نزد بانك تجارت شعبه صادقيه واريز نموده ام.

د: براساس بند ۴ قرارداد فروشنده پاركينگ و تلفن آپارتمان را نيز به موجب سند عادى مورخ ٢٣/١١/٧٠ به اين جانب فروخته و بهاء آنها را دريافت داشته است.

ه : براساس بند ۵ قرارداد اينجـانب در ازاء مبلغ ١١ ميليون ريـالى كه از بـابت قسط اول بهاء آپارتمان پرداخت نموده ام، ازنظر تضـمين انجام تعهـديعنى تكميل و تحويل قطعى آپارتمان در پايان دو سال مهلت مقرره تعـداد ٢٠ فقره سـفته جمعاً به مبلغ ٢٠ ميليون ريال از فروشـنده دريافت داشـته ام، كه در صورت تخلف فروشـنده از ايفاى تعهد سفته ها به وسيله اين جانب وصول و نواقص ساختمانى را شخصاً مرتفع نمايم.

اينـك اسـتدعا دارد با مطالعه دقيق مـدارك تقـديمى ذيلا مرقوم فرماييـد قصـدونيت متعاملين از تسـليم و تسـلم سـفته ها ايجاد تضمين در جهت

تکمیل ساختمان در فرجه مقرره بوده یا بمنظور فسخ و اقاله معامله و در شرایط مزبور فروشنده شرعاً مجاز بوده بعد از گذشت ۶۴ ماه از تاریخ انجام معامله اولیه مجدداً آپارتمان را به شخص دیگری منتقل نماید یا خیر؟ توضیحاً اولا اینکه آپارتمان در تصرف خود این جانب می باشد ثانیاً مدارک تقدیمی نیز عبارتند از مبایعه نامه آپارتمان سندی عادی مربوط به انتقال پارکینگ و تلفن آپارتمان حواله مربوط به پرداخت وام بانکی ثانیاً سفته ها همچنان بلاوصول نزد این جانب موجود می باشد که عندالمطالبه فروشنده مسترد شوند.

ج : هو العالم؛ آنچه از ظاهر این نوشته فهمیده می شود، هیچ گونه حقی برای فروشنده در فسخ معامله نیست. بلی! چنانچه شرط باشد که ظاهر هم این است، در صورت تخلف فروشنده از پرداخت وجه تضمینی سفته، خریدار حق فسخ دارد، ولی بهر تقدیر فروش فروشنده آپارتمان بعد از گذشت ۶۴ ماه هیچ وجهی ندارد و کاری خلاف شرع است.

س ۲۲۶: اگر گوشت حلال با حرام مخلوط شود و قابل تشخیص نباشد، آیا اجتناب از هر دو واجب است یا نه، و آیا فروختن آن گوشت به کافر جائز است یا نه؟

ج : هو العالم؛ اجتناب از هر دو لازم است، یعنی نمی تواند بخورد و به مسلمان بفروشد ولی فروختن به کافر مستحل للمیته جائز است.

س ۲۲۷: اگر کسی قطعه گوشتی در بلاد اسلام پیدا کرد، آیااصاله الطهاره جاری می شود و خوردن آن حلال و فروختن آن جائز است یا اصل عدم تذکیه جاری است؟

ج : هو العالم؛ خوردن، و فروختن آن جائز است، ولی نه بواسطه اصاله الطهاره، بلکه

به واسطه آنکه ارض اسلام اماره تذکیه است و همان اماره مانع از جریان اصاله عدم التذکیه است.

«معامله جدید و پورسانت»

س ۲۲۸: شرکتی است به نام سبزاندیشان که عضو شدن افراد در آن بدین گونه است که، هر فرد با پرداخت بیست هزار تومان به جهت مشارکت در طرح، با عنوان بازاریاب، نامش در ردیف اول فرم های قرارداد مشارکت ثبت می گردد و با این مبلغ، امتیاز خرید یک سهم به وی واگذار می شود و اساساً فرد می تواند با جذب و بازاریابی مردمی مبالغی را با عنوان حق الزحمه و تلاش فردی خود، در حساب شخصی اش دریافت نماید. نکته قابل توجه آن که افراد به ازای خرید هر سهم می توانند تا حد معینی فعالیت نمایند و در پایان مبلغی در حدود ۹۰۰ الی ۹۷۰ هزار تومان علی الحساب در حساب شخصی فرد مورد نظر واریز می گردد که زمان آن نیز به نوع و سرعت فعالیت شخص بستگی دارد. و هیچ کس بدون فعالیت و یا حتی مادام نمی تواند در طرح شرکت کرده وبهره مند شود، لذا افراد به میزان فعالیتشان حق الزحمه دریافت می نمایند. این شرکت دارای مجوز رسمی و ثبتی فروش کالاهای بازرگانی از طریق بازاریابی و مشارکت مردمی است. و به جهت فعالیت مستمر افراد ونیز به وجود آوردن انگیزه مثبت و حمایت از اقشار کم درآمد با توجه به ارتباطات مختلف واخذ تمامی مجوزهای رسمی و قانونی لازم، کالاهای مورد نظر افراد را با تخفیف ۲ الی ۵ درصد متناسب با قیمت روز بازار به کسانی که صاحب امتیاز و مشترک این شرکت می باشند، تحویل

می نمایند. حال از جنابعالی سؤال می شود:

آیا خرید کالاهای اساسی مورد نیاز مردم از طریق بازاریابی و مشارکت مردمی در این طرح به لحاظ شرعی صحیح می باشد؟

ج : هو العالم; به این گونه که نوشته شده است این عمل مرکب از یک خرید مشروط است، و حدود آن شرط هم معلوم و جهالتی در هیچ کدام نیست و اشکالی ندارد، و چنانچه این عمل را معامله مخصوصی بدانیم، چون چیزی از موانع صحت معاملات از قبیل جهالت و غرر و... در آن نیست، و به مقتضای آیه شریفه «اوفوا بالعقود» من این معامله را صحیح می دانم. در نهایت اگر این معامله زوایای دیگری دارد و یا عناوین ثانوی دیگری بر آن مترتب می شود بنویسید تا حکم آن هم بیان شود.

س ۲۲۹: اخیراً، مشارکت مردم در شرکت های خارجی توسط اینترنت مورد تبلیغ قرار می گیرد، که منبع درآمد عده ای از مردم گشته است، اینک برای مقلدین حضرتعالی سؤالاتی در خصوص مشارکت در این شرکت ها مطرح است که مستدعی است توضیح بفرمایید.

روش مشارکت: شخصی مقداری پول مثلاً ۱۵۰ دلار به حساب شرکت به عنوان پیش قسط در مقابل یک شیء قیمتی مثل تکه الماس، گردنبند، سکه طلا، که مثمن آن می باشد واریز می نماید، ولی انگیزه خریدار به هیچ عنوان مالک شدن این مثمن نمی باشد، بلکه شرکت به شخص وعده می دهد که اگر فلان تعداد مشتری برای او جلب کند (مثلا ۶ نفر) از ثمن آنها مقداری (مثلاً ۱۰۰ دلار) به حساب او واریز نماید و این کار به همین نسبت تا آخر عمر ادامه یافته وحتی قابل

نقـل به وارث شـخص نیز می باشـد (این واریز پورسانت «حق بازاریابی» به حساب شـخص ممکن است تا ماهیانه بیست میلیون ریـال پیش رود) و رسـیدن به مجمـوع این پول که چنـدین برابر پول شخصـی بوده، هـدف و انگیزه اصـلی خریـدار است. البته شرکت مثمن را در تاریخ خرید تحویل نمی دهد ومابقی قیمت آن را از همین حق بازاریابی کم می کند تا تمام شود و سپس تحویـل می دهـد، روشن است که اگر کسـی نتوانـد در این شـاخه بنـدی مشتری جلب نمایـد نه به مثمن می رسـد و نه به حق بازاریابی.

س ۲۳۰: با توجه به اینکه هـدف خریـدار، تملک مثمن نمی باشـد و هـدف اصـلی رسـیدن به این حق دلالی ها (که جزء ثمن خریداران بعد است) می باشد، اولاً: اصل این معامله چه حکمی دارد؟ و ثانیا: در صورت جواز تملک این پولها (حق بازاریابی ها) تحت کدام یک از عناوین معاملات اسلامی واقع می شود؟

ج : هو العالم؛ معامله صـحیح است و در صـحت معامله هـدف اصـلی دخالت نـدارد. و تملک آن پول ها هم از باب شـرط در ضمن عقد بی اشکال است. و همچنین می شود با جعاله هم تطبیق نمود. به هر حال بی اشکال است.

س ۲۳۱: باتوجه به اینکه در این شرکت ها (که روز به روز در شکلهای جدید و ثمن های متفاوت در کشور شروع به تبلیغ می کنند) مقدار زیادی ارز و بودجه مملکت اسـلامی از کشورخارج شده و به فرض حداقل، نسـبت ثمن هر شخص به حساب این شرکت های بیگانه واریز می گردد بدون این که صنعتی وارد کشور شود

و یا اینکه حرفه تولیدی به راه افتد و در بعضی از موارد موجب تعطیلی بعضی از تولیدی هایی که تعدادی کارگر داشته، شده است (شاهد عینی در استان اصفهان) و نیز با توجه به احتمال صهیونیستی بودن این شرکت ها و اینکه بیش از نیمی از اقتصاد دنیا در چنگ یهودیان غاصب است و همچنین احتمال این که ممکن است در بین خریدارهای بعدی افراد سفیه اقتصادی واقع شده و متضرر گردند وجود این مسأله که در آخر این بازاریابی قطعاً عده ای ضرر خواهند کرد، نظر حضرتعالی در مورد این معاملات چیست؟

ج : هو العالم؛ با مترتب شدن این مفاسد قهراً شرکت در آنها ولو به نیت خیر حرام است و با این خصوصیات خیال نمی کنم هیچ مسلمان متعهدی دخالت کند، به هر حال حرام است.

س ۲۳۲: در فرض حرمت اگر شخص که مقلد جنابعالی است به خاطر جهل یا شهرت فتوای شما به خلاف و یا عمداً در این شرکت ها عضو شود و اکنون به حرمت آن واقف شود، با توجه به اینکه مسیر ارسال این پولها برای وی همچنان ادامه پیدا می کند و برگرداندن این پولها که جزء ثمن بقیه خریداران است به خود آنها به علت نشناختن آنها محال است، آیا شخص می تواند در این پولها تصرف نماید؟ آیا با دادن خمس، جواز تصرف ثابت است؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند تصرف کند و تصرف در آن پولها حرام نیست.

س ۲۳۳: شرکت خارجی واقع در آلمان به نام مایرزمنت وشعبه آن در هنگ کنگ (بنام جستجوی طلا) محصولاتی به صورت سکه و گردنبند و ساعت

طلا- و پلا-تین با عیار ۲۴ تولید می کند. این محصولات سنبلیک هستند یعنی دارای طرح های مختلف مذهبی و فرهنگی و تاریخی از کشورهای مختلف بوده از قبیل خانه کعبه، طرح حضرت عیسی، مهاتماگاندی، اهرام ثلاثه مصر و... که تمامی آنها دست ساز می باشد و هر کدام آنها دارای تعدادی خاص و محدود هستند (همانند تیراژ خاص یک تمبر) که محدود بودن این محصولا-ت را بانک مرکزی یکی از کشورها تضمین می کند، مانند سکه بهار آزادی که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران آن را محدود کرده وبه آن ارزشی بالاتر از ارزش وزن طلای آن بخشیده است. حال محدود بودن و سنبلیک بودن و ارزشی بودن این محصولات، خود به خود باعث ارزش افزوده این محصولات می گردد و پس از مدتی به صورت یک شی قیمتی درمی آید.

این شرکت اجناسی که به مشتریان خود می فروشد به قیمت وزن طلای آنان نمی فروشد، زیرا این اجناس دست ساز هستند و توسط هنرمندترین ضرابان سکه در دنیا ساخته می شوند و یک اثر هنری به شمار می آیند. و برای ضرب هر کدام از این آثار، اجازه نامه کتبی از کشور مربوط به آن را گرفته اند و همچنین این اجناس توسط بانک های معتبر دنیا ضمانت شده اند.

این شرکت برای مشتریان خود این اختیار را گذاشته است که می توانند در صورت تمایل با خرید از این شرکت وارد شبکه بازاریابی آن نیز بشوند و در صورت عدم تمایل نیز میتوانند واردشبکه بازاریابی نشوند. امابه آن عده که وارد شبکه بازاریابی می شوند، یک کد بازاریابی داده می شود که

این کد، یک زیر شاخه راست و یک زیر شاخه چپ دارد و به تعداد مشتریانی که شخص بازاریاب، برای شرکت پیدا می کند و آنها را در یکی از زیرشاخه های چپ و یا راست خود می گذارد ۴۰ دلار شرکت به شخص بازاریاب پورسانت می دهد، لکن این سود را وقتی به اشخاص بازاریاب می دهد که تعداد زیرشاخه های چپ و راست آن به مضربی از ۵ برسد و شرکت به ازای هر ۱۰ مشتری، ۴۰۰ دلار به آنها سود می دهد و همچنین شرکت به ازای هر مشتری که مشتریان شخص پیدا می کند نیز به آن شخص سود می دهد و این روند به همین ترتیب ادامه دارد، البته با شرط موازنه بودن زیر شاخه ها، حال خواهشمند است حکم شرع مقدس اسلام را درخصوص مبالغی که شرکت تحت عنوان پورسانت (حق بازاریابی) به خریداران خود پرداخت می نماید و همچنین خرید از شرکت با شرایطی که عنوان شد را اعلام فرمایید؟

ج : هو العالم؛ خرید از شرکت بی اشکال است و شرائطی که اشاره شده جایز است. و اما پورسانت که به خریداران می دهد می توان با عنوان جعاله تصحیح نمود و می شود تحت عنوان شرط در ضمن خرید از شرکت به هر تقدیر به نظر ما، اشکال ندارد والله العالم.

س ۲۳۴: احتراماً به استحضار می رساند شرکت بین المللی با نام گلدکویست در سال ۱۹۹۸ میلادی آغاز به کار نموده است و دفتر مرکزی آن در برج تجاری سنترال پلاز هنک کنگ با مجوز رسمی دولت آن کشور به ثبت رسیده است. کار این شرکت ضرب

و فروش مسکوکات طلا به شکل سکه وساعت و گردنبند با نقش و نگارهای مختلف از قبیل نقش مقدس کعبه و پاپ ژان پل دوم و... است که با مجوز کتبی و رسمی از دولتها و اشخاصی که نقش و نگار مربوط به آنها است انجام می شود. هر کدام از این محصولات ۱۰۴ و ۳۱ گرم برابر یک اونس طلای جهانی وزن دارند و از خالصترین طلای موجود دنیا می باشند.

یک طرف این محصولات نقش و نگار می باشد و طرف دیگر اینها مهر یکی از بانکهای مرکزی دنیا به مبلغ پانصد دلار که به منزله گارانتی حک شده است. هر کدام از محصولات به تعداد محدود ضرب می شوند. مثلا ۱۰ هزار عدد و بانکی که آن محصول را گارانتی کرده این ضمانت را می دهد که آن محصول برای بار دوم ضرب نشود تا آن محصول بعد از تمام شدن ارزش افزوده پیدا کند. یعنی ارزشی بالغ بر طلا پیدا کند. نحوه فروش این محصولات توسط شرکت از طریق شبکه جهانی اینترنت می باشد. حال خواهشمند است بفرمایید این گونه معامله ها از طریق شبکه جهانی اینترنت که جنس از لحاظ کمیت، کیفیت، قیمت معلوم، و مبلغ قابل پرداخت مشخص، و شرایط معامله به طور کامل مورد قبول خریدار و فروشنده قرار دارد و خریدار در جنس خریداری شده کاملا دخل و تصرف دارد طبق موازین شرع مقدس اسلام حرام است یا حلال؟

ج : هو العالم؛ حلال است با این خصوصیات که نوشته شده است احتمال حرمت داده نمی شود که محتاج به سؤال باشد.

س ۲۳۵: هر شخصی که از این

شرکت محصولی را خریداری می کند از طرف شرکت کدی به عنوان کد شناسایی به آن شخص تعلق می گرد. حال اگر شخصی که محصولی خریداری کرده است نفر جدیدی را جهت خرید محصول از شرکت به روشی که قبلا ذکر شد معرفی کند شرکت به معرف ۴۰ دلار به عنوان حق الزحمه بازاریابی پرداخت می کند. شرکت مبلغ ۴۰ دلار را از مشتری جدید اخذ نمی کند، بلکه توسط خود شرکت به عنوان حق الزحمه و تلاش بازاریابی به شخص معرف پرداخت می کند. در سیستمی که ذکر شد هیچ گونه برد و باخت یا قمار وجود ندارد و هیچ کس متضرر نمی شود. همه افرادی که پولی بابت خرید محصول پرداخت کرده اند به اندازه آن، محصولی که خودشان درخواست کرده اند دریافت می کنند. حال خواهشمند است بفرمایید دریافت حق الزحمه بازاریابی بابت تلاش ومعرفی مشتری جدید به شرکت حلال است یا حرام؟

ج : هو العالم؛ هیچ اشکالی ندارد.

س ۲۳۶: همانطور که مستحضر می باشید شهرداری برای تفکیک زمین های بزرگ و تغییر کاربری آن از حالت مزروعی به مسکونی عوارض دریافت می کند. بنده به خاطر بی پولی مقداری از زمین بدون رضایت قلبی را به عنوان عوارض دادم چون اگر نمی دادم کارم انجام نشده و شهرداری مانع می شد.

حال شهرداری زمین را به هیأت امنای مسجد محله داده است تا برای مسجد استفاده کنند، بنده به آنها گفته ام زمین را باید به اینجانب که مالک اصلی هستم پس بدهید، چون من راضی نیستم، آیا حق شرعی با اینجانب می باشد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ ظاهراً

معامله با شـهرداری صـحیح بوده و رضایت به معنای ابتهاج نفس لازم نیست، بنابراین شما حق ندارید، به هر تقدیر خوب است با رضایت کامل به مسجد واگذار کنید و چنانچه حقی هم داشته باشید در ثواب شریک باشید.

«رشوه»

س ۲۳۷: متأسفانه رشوه خواری یک حرکت شومی است که در برخی ادارات و غیر آن باب شده است که اگر نپردازیم کاری صورت نمی گیرد، حال بفرمایید حکم این قضیه چیست؟

ج : هـو العـالم؛ رشـوه مختص به بـاب قضـاء است که به قاضـی پـول داده می شود تـا به نفع رشوه دهنـده حکم کنـد و آن از محرمات اکیده است و آنچه به ادارات دیگر داده می شود رشوه نیست.

س ۲۳۸: کارمنـدی بـدون کمترین توقع و چشم داشت مـالی، تکـالیف و وظائف خود را بر اساس ضوابط و مقررات شـرعی و قانونی نسـبت به فردی از مراجعین اداری انجام می دهـد. فرد مراجعه کننده عن طیب نفسه و با میل و رضای خود وجه یا مالی را اعم از نقدی و یا غیر نقدی به کارمند اهداء می نماید. آیا وجه اهدایی برای کارمند آخذ شـرعاً مباح و جایز التصـرف است یا از مصادیق رشوه و أکل مال به باطل محسوب می شود؟

ج : هو العـالم؛ در فرض سؤال هـدیه مـذکوره رشوه نیست و گرفتن آن جائز است مگر این که در وقت اسـتخدام شـرط شـده باشـد که حـق گرفتن هـدیه از مراجعین را نـدارد. پس در این صـورت گرفتن هـدیه جـائز نیست. و خیـال می کنم شـرط کلی ضمنی در استخدامات حکومت صالحه چنین باشد که هدیه در مقابل کار نگیرند.

«اخذ پول به عنوان شیرینی»

س ۲۳۹: در پایـان سـال تحصـیلی مـدارس، هنگـام مراجعه اولیای دانش آموزان جهت اخـذ کارنامه فرزنـدان خود، بعضـی از کارکنان مدارس از آنها به اصـطلاح خودشان شـیرینی قبولی، مطالبه می کنند، در حالی که بعضی از اولیاء در محذورات قرار گرفته و

بدون رضایت وجهی را پرداخت می نمایند، لطفا بفرمایید آیا اینگونه دریافتی ها جنبه شرعی دارد؟

ج : هو العالم؛ رضایتی که در حلیت معتبر است و عدم آن موجب عدم جواز است این رضایت نیست. لذا در موارد اضطرار مثلا کسی بچه اش در شرف مرگ است اضطراراً خانه مسکونی را می فروشد، هیچ کس تردید ندارد که با نبودن رضایت تصرف در خانه برای مشتری جایز است.

به هر حال در مورد سؤال تصرف در آن پول اشکال ندارد.

«مضاربه»

س ۲۴۰: آیا مضاربه در اسکناس جایز است یا مختص به طلا و نقره می باشد؟

ج : هو العالم؛ مضاربه در اسکناس جایز است.

«شرکت»

س ۲۴۱: پدر اینجانب با شخص دیگری شریک می باشد ایشان به طور مشترک آپارتمان می سازند و سپس می فروشند، منتها شریک پدرم خمس مالش را نمی دهد. آیا این شراکت اشکال دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۲۴۲: اگر آبی به نحو اشاعه بین دو نفر مشترک بود، آیا لازم است تصرف یکی از آنها از آن آب، با اجازه دیگری باشد؟

ج : هو العالم؛ بلی، لازم است، البته احراز رضایت تقدیری کافی است و لازم نیست صراحه اجازه دهد و این رضایت تقدیری در غالب مالهای مشترک ثابت است.

«اجاره و رهن»

س ۲۴۳: اگر موجر مغازه یا خانه ای را اجاره داد سپس متوجه شده که مستأجر در آن مکاسب حرام انجام می دهد آیا اجاره باطل می شود یا خیر؟

ج : هو العالم؛ خیر باطل نمی شود.

س ۲۴۴: شخصی خانه ای را تحت عنوان سرقفلی معامله کرده، بدین صورت که وجه الاجاره ای قرار داده اند که هر سال

مستأجر به موجر بپردازد ودر ضمن معامله شرط نموده اند که مبلغ وجه الاجاره به طور دائم ثابت بوده و موجر حق زیاد کردن وجه الاجاره را ندارد و طرفین قبول نموه اند. اکنون موجر ادعا دارد که قانوناً می تواند بر وجه الاجاره مبلغی را اضافه نماید آیا شرعاً چنین حقی را دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه سرقفلی معامله شده، معنای معامله این است که حق اجاره دادن و مقدار مال الاجاره با کسی است که پول داده، بنابراین بدون رضایت اونمی تواند مال الاجاره را زیاد کرد.

س ۲۴۵: آنچه که بین مردم متداول است که به عنوان رهن منزل، مبلغ کلانی پیش پرداخت کرده و دیگر از اجاره ماهانه معاف هستند و در پایان انقضای اجاره مبلغ را پس می گیرند، آیا شرعیت دارد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه پول را به عنوان قرض بدهند و شرط کنند که اجاره منزل گرفته نشود جایز نیست و ربا است. ولی اگر خانه را به عنوان تصرف در آن و استفاده از آن مجاناً بدهند و در ضمن آن شرط کنند که فلان مقدار به عنوان قرض بدهند و خانه هم رهن باشد، ظاهراً اشکال ندارد.

«هبه»

س ۲۴۶: شخصی به نام عمرو وارد منزل شخص دیگری به نام زید شد و در حالی که او مشغول نماز بود، در سجاده اش انگشتری بود برداشت و بر انگشت خود نمود. سپس زید گفت آن انگشتر برای تو باشد. بعد از آن چند مرتبه عمرو به زید گفت می خواهم انگشتر را به تو برگردانم زید قسم یاد می کند که به تو بخشیدم و قبول

نمی کنم. بعد از گذشت مدتی، زید انگشتر عمرو را برداشته، به خالد داد. عمرو گفت که این انگشتر یادگاری است به کسی نمی دهم پس زید به عمرو می گوید: شما برای خالد یک انگشتر دیگر بخرید و انگشتر یادگاری خود را پس بگیرید. عمرو هم برای خالد انگشتری می خرد لکن خالد از گرفتن آن ابا می کند و می گوید آنرا دوست ندارم. عمرو هم به اجبار انگشتر یادگاری را پس می گیرد. بعد از مدت طولانی زید به عمرو مراجعه کرده می گوید: من انگشترم را می خواهم در حالی که زید انگشتر را فروخته است، وظیفه چیست؟

ج : هو العالم؛ زید حق ندارد انگشتری که با هبه صحیح داده و آن کسی که به او هبه شده مال موهوب را از ملک خود با معامله خارج نموده، مطالبه کند.

به عبارت دیگر هبه لازم می شود. بنابراین زید حق نداشته است در این فرض انگشتر را به خالد بدهد.

س ۲۴۷: شخصی در قید حیات قسمتی از اموال غیر منقول خود را به یکی از فرزندانش می بخشد، بعد از حیات، میان فرزندان آن مرحوم اختلاف صورت می گیرد که این ملک نیز مانند املاک دیگر باید تقسیم شود، در حالی که آن مرحوم در قید حیات از سلامتی کامل برخوردار بوده ونیز این ملک را با سند و با رضایت قلبی به آن فرزندش بخشیده است. سؤال این است که آیا عمل آن مرحوم از نظر شرعی صحیح بوده یا خیر؟ وآیا این ملک باید مانند اموال دیگر میان فرزندان آن مرحوم تقسیم شود یا خیر؟

ج : هو العالم؛ ملک

مذکور که در حال حیات پدر به یکی از فرزندان خود بخشیده شده است، عملی صحیح و غیر قابل برگشت بوده و حتی خود آن مرحوم هم نمی توانسته برگرداند. بنابراین نباید بین فرزندان آن مرحوم تقسیم گردد.

«قرض»

س ۲۴۸: اینجانب مبلغی از شخصی قرض گرفتم، الان شک دارم که قرضم را پرداختم یا نه، طرف مقابل هم شک دارد، تکلیف چیست؟

ج : هو العالم؛ تکلیف این است که بپردازید و بر داین هم جایز است بگیرد.

س ۲۴۹:اینجانب مبلغی از شخصی قرض گرفتم و یقین دارم که آن را پرداختم. ولی طرف مقابل می گوید یقین دارم که قرضت را پرداخت نکرده ای، تکلیف چیست؟

ج : هو العالم؛ شما با فرض یقین به پرداخت تکلیفی ندارید.

س ۲۵۰: اگر کسی برای دیگری از بانک قرض بگیرد که به صورت قسطی هر ماه پرداخت نماید و از بانک به آن کس گفته می شود تأخیر در ادای قسط، مبلغی جریمه دارد، آیا این جریمه را گیرنده قرض بدهد یا دهنده قرض؟

ج : هو العالم؛ گیرنده قرض، البته در صورتی که آن شخص وکیل مطلق بوده است.

س ۲۵۱: در صورتی که صاحب دین بر مدیون مجهول شد آیا می تواند از طرف او صدقه داده یا به حاکم شرعی بدهد؟

ج : هو العالم؛ با اجازه حاکم صدقه بدهد، مشروط بر این که اگر صاحبش پیدا شد به او برگرداند.

س ۲۵۲: با عرض ارادت خالصانه خواهشمندم به سؤال شرعی اینجانب جواب مرحمت فرمایید.

اینجانب با خانواده ای دوست هستم از ایل... در سال ۱۳۷۷ شمسی به اینجانب در تهران مراجعه نموده واظهار داشت به

مبلغ یـک میلیون تومـان پول احتیاج دارد که یک ماهه پس بدهـد، ایشان پس از گرفتن وجه تاکنون از برگردانـدن آن ولو به اقساط خودداری می نمایـد. اطلاع دقیقی دارم که وضع مادی ایشان هم خوب است و زیاده از حـد ولخرجی و مهمانداری می کنـد. وسائل منزل خوبی هم دارد، تکلیف شـرعی بنـده با ایشان چیست؟ اقرار به بـدهکاری را هم خودش و هم فامیلش دارند هیچ مدرکی از ایشان ندارم.

ج : هو العالم؛ شـما دسـتور شـرع را مخالفت کردید که می فرماید به کسی که قرض می دهید قبض بگیرید. راهی نیست مگر این که به دادگـاه رجـوع کنیـد، اگر اقرار کرد دادگـاه پول شـما را می گیرد و می دهـد، و اگر انکـار کرد، اگر قـدرت دارید تقـاص کنیـد، یعنی به مقـدار همـان پولی که داده ایـد از اموال او برداریـد اگر آن را هم قـدرت نداریـد او را به خـدای تعالی واگذار نمایید.

«بانک و قرض الحسنه»

س ۲۵۳: اخیراً بانک های دولتی و خصوصـی پولهای مردم را به عنوان سپرده بلنـد مـدت و کوتاه مدت می گیرند و ازصاحب پول کتبـاً وکـالت می گیرنـد که بـا آن ساختمـان سازی و راه سازی و کشتی سازی و غیره انجام داده و سودی که حاصل می شود مبلغی مثلا هجـده درصـد به صاحب پول داده و بقیه را بانک تملک نماید. آیا این نوع سود بردن اشـکال شـرعی دارد یا نه؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد، بانک ها برای سپرده های بانکی ولو وکالت هم نگیرند ربحی که می دهند حلال است.

س ۲۵۴: شخصی که اول زندگی راننده کامیون بوده و غیر از این کار

دیگری نمی توانـد بکنـد، دو سه سال است هم دولت ایران و هم کشورهای خارجی، اجازه نمی دهند. ماشـین های مدل پایین وارد کشور بشود. لذا دولت الزامی کرده که ماشین نو بخرید و مبلغ سی میلیون تومان نقد از صاحب ماشین می گیرند و پنجاه میلیون تومان نیز به صورت اقساط شرکت می دهد. حکم ۴ تا ۸ درصد سود پولی که از بانک می گیرد را مرقوم فرمایید؟

ج : هو العالم؛ اگر به عنوان مضاربه باشد، مانعی ندارد.

س ۲۵۵: آیا مجازهستم وام بانکی را که برای کسب از بانک به صورت مضاربه ای می گیرم، بابت بدهکاری منزلی که پیش خرید کرده ام، ونیمه کاره می باشد، پرداخت نمایم؟

ج : هو العالم؛ مانعی ندارد.

س ۲۵۶: اگر در قرض شرط کند که مقروض هم بعد از مدتی باید به من قرض بدهد، آیا قرض ربوی می شود؟

ج : هو العالم؛ خیر ربوی نمی شود.

س ۲۵۷: سود سپردهـای بانکی که بانک مـدعی است با آنها معامله انجام می دهـد و سودی به صورت علی الحساب به سپرده گذار می دهد، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ سپرده های بانکی و ربحی که بانک می دهد اشکال ندارد و حلال است.

س ۲۵۸: پـولی کـه بانـک بـه عنـوان مضـاربه بـه افراد می دهـد و سـود می گیرد، از نظر شـرعی چه حکمی دارد؟ اگر به نظر حضرتعالی اشکال دارد راه حل را بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه شرائط مضاربه در پولی که بانک می دهد رعایت شود، حلال است.

س ۲۵۹: گرفتن سود از بانک به صورتی که سود را قبلا تعیین می

کنند، و همچنین با بهره معین به دیگران وام می دهند چه صورت دارد؟ آیا ربا است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه گرفتن سود از بانک، با قرض دادن به بانک باشد، حرام است، و همچنین اگر با فروش اسکناس باشد، نیز حرام است، ولی اگر پول را ودیعه بگذارد که همان سپرده است، و یا پول را به بانک اباحه کند (به اباحه بعوض) که یک معامله عقلائی است، جائز است و اشکال ندارد. بنابراین با قصد طرفین فرق می کند.

س ۲۶۰: از جمله کارهایی که بانک انجام می هد این است که گاهی تاجری با طرف خود در ممالک دیگر مذاکره خرید جنس را می نماید و مقدار و قیمت و شرایط تسلیم را نیز تمام می کند، ولی چون دولت مانع از بیرون بردن پول از مملکت است مگر تحت نظر بانک؛ لذا تاجر و مقداری از قیمت آن جنس را به بانک می پردازد، مثلا پنجاه هزار تومان از جنسی را که قرار است یک صد هزار تومان بخرد، نقد به بانک می دهد، بانک تمام قیمت جنس را که صد هزار تومان است به طرف تاجر می پردازد و جنس را تحویل می گیرد. آنگاه به تاجر اطلاع می دهد، چنانچه بقیه پول را بدهد می تواند جنس را تحویل بگیرد وگرنه خود بانک حق دارد آن متاع را بفروشد و حق خود را دریافت نماید و بقیه را به تاجر بدهد و بانک در عوض این کار، مبلغی از تاجر دریافت می کند.

ج : هو العالم؛ ظاهراً چنین معامله ای اشکال ندارد هم مقداری که بانک می گیرد، و

هم فروش جنس و برداشتن حق خود حلال است، اولی به این جهت حلال است که معامله ای که تاجر با طرف خود می کند بیعی مشروط به دخالت بانک است و کاری که تاجر با بانک می کند یا جعاله است به این نحو که تاجر به بانک می گوید: اگر دین مرابه اصل دین اداء کنی، آن زیادی را که قرار گذاشته ایم به تو می دهم، و یا مصالحه است و در هر دو صورت پول زیادی برای دین نیست تا ربا باشد، بلکه در مقابل کارهایی است که بانک انجام می دهد و بی شک گرفتن چنین پولی حلال خواهد بود، دومی حلال است به واسطه این که در ضمن معامله تاجر با بانک چنین شرطی می شود و در حقیقت تاجر بانک را وکیل در صورت نپرداختن پول در فروش جنس می نماید.

س ۲۶۱: مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد بدون نوبت وامی به مبلغ یک میلیون تومان به کارمندان دولت با سود ۲۷ درصد به مدت ۷۲ ماهه می پردازد، با احتساب سود تقریباً مبلغ هشتصد و پنجاه هزار علاوه بر مبلغ اصلی مؤسسه برای خود سود کسب می کند، حکم شرعی این وام را بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه قرض باشد ربا و حرام است، ولی اگر مضاربه یا اباحه به عوض باشد، جائز است.

س ۲۶۲: کار مزدی که بعضی صندوق های قرض الحسنه می گیرند،چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۲۶۳: یکی از برنامه هایی که فعلاـ صندوق های قرض الحسنه برای خود عمل می کنند، قرض دادنِ مشروط به سپرده گذاری است که

شخص بایـد مبلغی را به مدت معینی به عنوان سپرده در صـندوق بگذارد تا بتواند از صـندوق قرض بگیرد وتا انتهای مدت هم حق برداشت سپرده را نـدارد که ظـاهر این عمـل اشـکال دارد چـون قرض مشـروط است. حـال سؤال این است که بعضـی از صنـدوق ها برای فرار از این مشـکل برای افراد حساب پس انـداز باز می کننـد و به مقدار پول و مدت پس انداز امتیاز حساب می کنند. «البته هر وقت صاحب حساب بخواهد می تواند پولش را بردارد» پس با محاسبه امتیازها به او قرض می دهند آیا این صحیح است یا نه؟ و اگر صحیح است با برنامه قبلی چه فرقی دارد؟

ج : هو العالم; ظاهراً هر دو بی اشکال است، چون اولا آن سپرده که ودیعه است مشروط به قرض دادن است، و قرض مشروط نیست تا ربا باشـد. ثانیا در قرض، چنانچه زیادی مشـروط عین باشـد ربا و حرام است، زیادی حکمیه اشـکال ندارد و در فرض سؤال زیادی حکمی است.

«اوراق مشارکت»

س ۲۶۴: بعضی مؤسسات وبانکها اوراقی تحت عنوان مشارکت پخش می نمایند و در قبال آن اوراق پولی دریافت می کنند و هر مـاه مبلغی به عنـوان سود علی الحسـاب پرداخت نموده و تعهـد می نماینـد پس از اتمـام کـار یـا در سـر سـال تمـام سود را پرداخت نمایند، آیا گرفتن چنین سودی جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم;با رعایت شرایط دیگر، گرفتن سود جائز است.

«ربا»

س ۲۶۵: اینجانب بنا به ضـرورت مدتی پول ربوی از شخصـی گرفته ام و علاوه بر پرداخت اصل پول، مبالغی قابل توجه نیز به عنوان ربا پرداخت نموده ام، اخیراً قوه محترم قضائیه دستور عودت ربا را صادر نموده و اینجانب به دادگستری تبریز شکایت و ادعـای دریـافت مبـالغ پرداختی ربـا را نموده ام ودادگستری محترم پرونـده را به هیـأت حـل اختلاف تبریز ارجاع نموده است. هیأت حل اختلاف نیز مهلت داده تا بلکه خودمان سازش نماییم. با توجه به مطالب مذکور:

آیا شخص ربا گیرنده شرعا می تواند ازدادن وجه گرفته به عنوان ربا خودداری نماید؟

ج : هو العـالم; پولی که به عنوان ربـا گرفته، مالـک نمی شود، مگر آنکه آن کسـی که ربـا داده است قطع نظر از ربـا از طیب نفس به گیرنده تملیک کند که ظاهراً بعید است چنین اتفاقی تحقق پیدا کند. به هر حال پول ربا حرام است و مالک نمی شود و حق ندارد از دادن وجه خودداری نماید.

س ۲۶۶: اینجـانب با توجه به اینک آن وقت شـخصاً دنبال آن فرد رفته و پول ربوی گرفته و رفع حاجت نموده ام، آیا الان می توانم مالك ربای پس داده شده باشم و

یا اینجانب نیز شرعاً مقصر می باشم؟

ج : هو العالم؛ اگر به عنوان ربا داده اید مقصرید ولی می توانید پس بگیرید و اگر از طیب نفس داده اید مقصر نیستید، ولی نمی توانید پس بگیرید.

س ۲۶۷: در صورت اخذ ربای داده شده، تکلیف اینجانب با آن پول

شرعاً چیست؟

ج : هو العالم؛ حلال است مگر اینکه به عنوان ربا نداده باشید.

س ۲۶۸: اینجانب از مقلدین حضرتعالی هستم ومبلغ پنج میلیون تومان پول نزد برادر خود دارم و برادرم هر ماه مبلغ دویست هزار تومان ثابت به من به عنوان سود پول سرمایه می دهد و من هم نزد برادرم کار می کنم و اصلا نمی گویم که کم دادی یا زیاد، اما او به طور ثابت حدود یکسال می شود که به من سود می دهد.آیا این امر از نظر حضرتعالی شرعاً اشکال دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه شرط نکرده باشید، یا به عنوان مضاربه باشد و رعایت شرایط مضاربه بشود، اشکال ندارد و اگر به عنوان قرض بدهید و در حین قرض دادن صریحاً شرط سود بنمایید، حرام است.

س ۲۶۹: اینجانب در بانک ثامن الائمه تبریز، حدود یک میلیون تومان نقد گذاشته ام وقرار است بانک در مقابل این پول مبلغ ده میلیون تومان به من وام یک ساله بدهد و با ۲۹ درصد از من مطالبه نماید، ولی چون من قدرت بازپرداخت آن پول را ندارم، با خودم گفتم آن را به یک شخص دیگر واگذار نمایم، و حق و سودی که پولم به عنوان شش ماه در بانک مانده به عنوان فروش سهمیه خویش از آن

طرف مطالبه نمایم، آیا این امر از نظر حضرتعالی جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی! جائز است.

س ۲۷۰: بـا احترام مسـتدعی است فتوای مبـارک خویش را در خصوص مسأله زیر مرقوم فرماییـد، اشاره به دلیل فتوی موجب مزید امتنان و استفاده بیشتر خواهد بود:

در قرارداد قرض یا غیر آن شـرط می شود که «در صورت عـدم تسویه کامل اصل بدهی ناشـی از قرارداد در سـر رسـید مقرر، علاوه بر اصل بدهی، مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال به ذمه متعهد این قرارداد تعلق خواهد گرفت» آیا شرط مزبور با مشـکل ربا و یا غیر آن مواجه می باشـد یا خیر؟ و آیا میان قرض و غیر آن همچون بیع نسـیه یا سـلف در این باره فرق هست یا نه؟

ج : هو العالم؛ در مسأله چند صورت متصور است.

۱ قرار دادن اجل یعنی تأخیر ادای دین در مقابل زیادی یا به نحو شـرط ابتـدائی، یا در ضـمن عقـد، یا مصالحه بر آن باشد، در این صورت در جمیع شـقوق آن حرام و ربـا است. چون حقیقت ربـا عبارت است از قرار دادن زیادی در مقابل مهلت دادن در اداء دین به مقترض، بـدون فرق بین ابتداء قرض یا بعد از گذشـتن مدتی، و بدون فرق بین اینکه این مهلت دادن به نحو شـرط باشد یا غیر آن.

۲ مجموع دین حـال را به مجموع آن مبلغ بـا زیادی بفروشـد، که در این صورت ربا نیست، ولی از ناحیه بیع دین به دین خالی از اشکال نیست.

۳ چیزی را به زیادتر از قیمت آن چیز به مدیون بفروشد، معادل آن مقداری که

اضافه می کند و تأخیر در اداء دین را شرط کند، این صحیح است و روایات هم دلالت بر آن دارد.

۴ مدیون آن زیادی را به داین هبه کند و تأخیر در اداء دین را شرط کند که در این صورت نیز صحیح است.

س ۲۷۱: سودی که برخی از مغازه داران بر روی برخی از اجناس قسطی می کشند و این گونه توجیه می کنند که بانکداری اسلامی هم همین سود را می گیرد، آیا ربا محسوب می شود، در صورت اشکال راه حل شرعی چیست؟

ج : هو العالم; پولی که می گیرند به ازاء اجناسی که قسطی می فروشند اشکال ندارد اما دلیلشان درست نیست.

س ۲۷۲: عده ای با هیأت به زیارت حضرت امام رضا (ع) مشرف می شوند گردانندگان هیأت بر اثر بی توجهی از افراد ربا خوار نیز ثبت نام می کنند، تکلیف بقیه که با آنها هم غذا و هم منزل می شوند و پول همه مخلوط می شود چیست؟

ج : هو العالم; نسبت به بقیه اشکال ندارد.

س ۲۷۳: اگر کسی نیاز به پول نقد داشته باشد آیا جایز است جنسی را با قیمت بیشتری از صاحب پول بخرد و مجدداً به قیمت ارزانتر به صورت نقد به صاحب پول بفروشد و با این روش به وجه نقد مورد نیازش برسد؟

ج : هو العالم; چنانچه در ضمن بیع اول شرط بکند که نقداً به کمتر بفروشد، بیع باطل است، و همچنین اگر مؤجل بعد از حلول اجل باشد باطل است و الا صحیح است.

س ۲۷۴: اسکناس که جزو معدودات است و قرض دادن آن به زیادتر ربا و حرام است.

اما اگر آن را به قیمت بیشتر بفروشند مثلا یک میلیون تومان را به یک میلیون و یکصد هزار تومان، آیا جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ به نظر ما اگر نسیه به قیمت بیشتر بفروشد جائز نیست. چون در بیع ربوی اگرنسیه بفروشد شرط نیست که مبیع مکیل و موزون باشد بلکه زیادتر فروختن تمام اجناس به بیع ربوی جایز نیست.

«ضمان»

س ۲۷۵: اگر کسی کارگری را برای بنایی ساختمان اجیر کند و در حین کار به صورت اتفاقی سنگی از بالا افتاد و او را کشت و یا خودش از بالا افتاد ومرد، آیا موجر ضامن دیه او می باشد یا نه؟

ج : هو العالم؛ خیر ضامن نیست.

س ۲۷۶: اینجانب با کارگری که دارای ۱۰ سال سابقه کار در تخریب ساختمان می باشد، قرار داد بستم که بخشی از دیوار ساختمان منزلم را به مبلغ بیست و پنج هزار تومان تخریب نماید. ایشان به همراه زیر دستش مشغول تخریب دیوار از بالا شدند، پس از ساعتی از بالای دیوار به پایین آمده و به تخریب دیوار از پایین ادامه می دهد، اندکی بعد بخش کوچکی از دیوار بر روی ناحیه کمر او ریزش می کند و ایشان دچار زایده سمت چپ عرضی مهره اول کمر می گردد (نمی دانم آیا ایشان عمدا به علت فقر و به جهت اخذ پول یا سهواً این کار را انجام داده است) بنده به محض اطلاع از حادثه در محل حاضر و او را جهت درمان به بیمارستان منتقل نمودم و هزینه داروو درمان را پرداخت کردم وبه جای مبلغ بیست و پنج هزار تومان

مقدار سی هزار تومان به او پرداخت نمودم، حال آیا اینجانب به ایشان بابت صدمه ای که خودش به خودش وارد کرده است، به او بدهکارم یا خیر؟ واگر بدهکارم دیه این شکستگی چه مبلغ می باشد؟

ج : هو العالم؛ با این خصوصیات که مرقوم داشته اید، شما ضامن و بدهکار خساراتی که خودش به خودش وارد کرده است نیستید حتی اگر عمداً هم نکرده باشد، و هیچ گونه دیه بر شما نیست.

س ۲۷۷: کسی در زمان صغیر بودن دزدی کند و پس از بالغ شدن پشیمان شود و چنانچه بخواهد از صاحب مال حلالیت بطلبد مفسده ایجاد می شود وظیفه اش چیست؟

ج : هو العالم؛ باید به هرنحو ممکن و به هر عنوان مال را به او برساند. لازم نیست بگوید عوض مال تلف شده است.

س ۲۷۸:آیا پول مثلی است یا قیمی؟ و تعریف جامع مثلی و قیمی چیست؟ و آیا ضمانت پول فرق می کند بین مواردی که اجناس گران شوند و مواردی که ارزش پول تنزل یابد؟

ج : هو العالم؛ مثلی عبارت از جنسی است که مانند آن در صورت و صفاتی که قیمتها بواسطه اختلاف رغبات تفاوت پیدا می کند، موجود است و در مقابل آن قیمی است، بنابراین پول مثلی است، و در ضمانت بین موارد فرق نیست.

س ۲۷۹: شخصی موتورش را به نگهبان آپارتمان سپرده که مواظب آن باشد لکن به سرقت رفته، آیا می تواند قیمت آن را از نگهبان مطالبه نماید؟

ج : هو العالم؛ اگر نگهبان محافظت نموده و در معرض سرقت قرار نداده است نمی تواند مطالبه قیمت آن را بنماید و اگر سهل انگاری

کرده است می تواند مطالبه قیمت بنماید.

س ۲۸۰: شخصی در یکی از کشورهای بیگانه شیئی برداشته و مبلغ آن را نداده حال که می خواهد پول آن را بپردازد، آیا می تواند رد مظالم بدهد یا باید به آن کشور رفته و به آن فرد پرداخت نماید؟ با توجه به این که مبلغ آن شئی قابل توجه نیست و در حدود ده هزار تومان می باشد ولی هزینه سفر به آن کشور بسیار و حتی برای شخص فلج کننده است.

ج : هو العالم؛ در صورت امکان ولو به وسیله نامه یا تلفن و غیره او را پیدا کند و وجه را بپردازد، لازم نیست خودش برود و با وضع فعلی خیال نمی کنم قادر بر شناخت او و دسترسی به او نباشند به هرحال باید رضایت او را جلب نماید.

«فسخ معامله»

س ۲۸۱: اگر در معامله غبنیه شک کردیم خیار غبن فوریت دارد یا نه، آیا اصل استصحاب خیار جاری است؟

ج : هو العالم؛به نظر ما استصحاب خیار جاری نیست نه از جهت سه وجهی که محقق نائینی فرموده ونه به واسطه فرمایش شیخ انصاری، بلکه بواسطه وجه دیگری که در کتاب منهاج الفقاهه و فقه الصادق نوشته ام.

س ۲۸۲: شخصی آپارتمانی را می فروشد. مبیع که آپارتمان می باشد به مجرد انعقاد عقد بیع به خریدار تسلیم واقباض شده است و قسمتی از ثمن هم نقداً به فروشنده تسلیم شده است، به حسب مراضات حاصله مقرر گردیده باقیمانده ثمن در اقساط معینه اداء گردد که خریدار به علت عدم کفایت قادر به ایفای دین نمی باشد. سپس ۲۲ ماه بعد از تاریخ انجام معامله

خریدار به موجب نوشته دیگری متعهد می شود در تاریخ معینی باقیمانده ثمن را به فروشنده اداء نماید. حال با توجه به این که عقـد بیع بـدون قید و شـرط است و به طور مطلق منعقد شده است، چنانچه خریدار در تاریخ معین بقیه ثمن خود را اداء ننماید آیا فروشـنده حق فسـخ معامله را دارد؟آیا فروشـنده به اسـتناد تعهدنامه مؤخر الصدور، شـرعاً مجاز در فسخ بیع و تملک مجدد مبیع خواهد بود یا خیر؟

ج : هو العالم؛در معاملات در صورتی که خریدار در موعدی که بنا شده است ثمن را بپردازد پرداخت نکرد و تأخیر انداخت، بایع می توانـد معامله را فسـخ کنـد و از این توانایی به خیار تأخیر ثمن تعبیر می شود، بنابراین در فرض سؤال چون خریـدار در مورد معین شـده ثمن را نپرداخته ولو قـدرت نداشـته بـایع خیـار دارد و شـرعاً می توانـد معامله را بهم بزنـد و آپارتمان را پس بگیرد و آن مقدار پولی که گرفته برگرداند.

س ۲۸۳: ملکی به صورت خـانه نیمه کـاره بوده و از قرار متری دو هزار و ششـصد تومان فروخته شـده و فعلا متری پنجاه هزار تومـان ارزش دارد. مبلغی از ثمن را خریـدار برای تنظیم سـند نگه داشـته و ملـک را هم به سود خوب فروخته و حاضـر به اخذ سنـد نشـده، و می خواهـد سـند به نام آخرین فرد خریدار تنظیم شود. آیا فروشـنده همین حق مطالبه وجه باقیمانده را دارد و یا چون عین ملک را فروخته است، حق مطالبه قیمت فعلی را دارد، چون که در خود ملک حق دارد؟ و ارزش پول آن روز بیشتر بوده است.

ج :

هو العالم; در مورد سؤال، شما خیار تأخیر ثمن دارید می توانید فسخ معامله کرده، بعد به قیمت روز بفروشید، و می توانید مقداری پول به قیمت فعلی به ازاء عدم فسخ از خریدار بگیرید.

س ۲۸۴: معامله ای واقع شده و در آن چنین شرط شده:

«... شرط می گردد که معامله مرقومه عمری است یعنی مادام عمر فروشنده، اختیار فسخ معامله با فروشنده می باشد.»

همانطوری که مستحضر می باشید در این معامله خیار شرطی وجود دارد و آن در نظر گرفتن حق فسخ برای فروشنده برای تمام عمر وی می باشد و از طرفی خیار شرط می بایست مدت معین ومعلومی داشته باشد، حال این که در عقد مذکور مدت خیار معین و مشخص نمی باشد و باعث مجهول ماندن خیار شرط گردیده است.

و در این رابطه قانون مدنی در ماده ۴۰۱ چنین می باشد «اگر برای خیار شرط، مدت معین نشده باشد هم شرط خیار و هم بیع باطل است» حال از نظر حضرتعالی چنین بیعی که در آن شرط خیار بدون تعیین مدت در نظر گرفته شده است، چه حالتی دارد؟

ج : هو العالم; به نظر ما شرط خیار مادام العمر صحیح است، یعنی هم شرط و هم بیع صحیح است، و خیار هم ثابت است. و وجه آن را هم در فقه الصادق و هم در منهاج الفقاهه مفصلا نوشته ام.

«احتکار»

س ۲۸۵: به نظر حضرتعالی، احتکار چه حکمی دارد؟ و آیا شامل هر گونه جنسی می شود؟

ج : هو العالم; احتکار حرام است و آن مختص به خصوص جو و گندم و خرما و زبیب و روغن و زیت است،

و حرمت هم در وقتی است که مسلمانان محتاج و آن اجناس هم کم باشد، و نگاه داشتن هم برای گران شدن جنس باشد.

احکام ازدواج

«راهنمایی و سفارش»

س ۲۸۶: برای تسریع در ازدواج چه راهی را پیشنهاد می نمایید؟

ج : هو العالم؛ راه صحیح همان است که در روایات بیان شده است: تسریع در امر ازدواج و کم کردن مهر و تشریفات.

س ۲۸۷: اینجانب جوانی ۲۳ ساله هستم که بیش از نه سال از عمر خود را در غرب گذرانده و می گذرانم. اسلام و مذهب حقه شیعه را از هر چیزی مهمتر می دانم. متأسفانه همانند اکثر دوستان خود که در اینجا هستند خانواده ای مذهبی ندارم و باوردارم که امر مهم ازدواج بر من واجب گشته است، اما نمی دانم که چه باید کنم؟ لطفاً اینجانب را نصحیت بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ حتماً ازدواج کنید ولو با دختر مسیحی، که ممکن است آن دختر هم بواسطه شما مسلمان شود. اما بدون ازدواج ممکن است مبتلاـ به فعل حرام بشوید. نمی دانم وضع مادیتان چطور است ولی از آن هم نترسید چون خداوند تعالی وعده داده است که با ازدواج وضعتان بهتر می شود.

«شرایط عقد»

س ۲۸۸: دوشیزه بالغه عاقله فاقد ولی شرعی درامر ازدواج مستقل است یا باید رشد وی هم احراز شود؟

ج : هو العالم؛ باید رشد هم احراز شود.

س ۲۸۹: در مورد سئوال زید عموی دختر حالاـ ادعا می کند که من از تو اجازه گرفته، عقد دومی را خواندم و بر این ادعا چند نفر شاهد هم دارد ولی دختر می گوید من قبل از بلوغ وبعد از بلوغ اجازه ندادم و راضـی به ازدواج با پسر نابالغ تو نیستم وشهادت شهود را که از فامیل های شما هستند قبول ندارم، قول کدامیک مسموع است بیان فرمایید؟

ج

: هو العالم; چنانچه شـهادت شـهود واجد شرایط قبول، هست ادعاء دختر قبول نیست و آن عقد با پسر عموی او صحیح و عقد اخیر او باطل است.

س ۲۹۰: زیـد و عمرو مثلا هر دو برادر صـلبی بودند، عمرو فوت کرد و در حالی که او یک دختر نابالغ داشت و زید هم یک پسر نابالغ داشت، زید به خاطر هدف شخصی دختر عمرو را که ولی شرعی نداشت، با پسر خودش عقد انقطاعی بست، بعد از رسـیدن به حد بلوغ باز هم از دختر اجازه گرفته، عقد ازدواج او را با پسر نابالغ خودش بست، ولی او منکر اجازه است و دختر وقتی به حد ۱۴ ۱۵ سال رسید، به میل و رغبت خویش با کسی دیگر که کفو شرعی و عرفی اوبوده ازدواج نموده با او زندگی می کند، کدامیک از عقدهای ذکر شده صحیح است.

ج : هو العالم; عقـد اول که بی اشـکال باطل است. عقـد دوم که زیـد مـدعی است با اجازه دختر بعد از بلوغ بوده، چون دختر منکر اجـازه است، چنـانچه اثبـات نشود، آن هم باطـل است. بنـابراین عقـد سوم که دختر بالغ با میل خود اجراء نموده صـحیح است و آن عقد قبل کأن لم یکن است.

س ۲۹۱: در همین مورد بعـد از متهم کردن شـهود از سوی دختر، عموی او بـا چرب زبانی و چاپلوسـی از دختر تمام مایملک پـدرش را به عنوان هبه طلب نموده و هبه نـامه تحریر نموده است که شاهـد هم دارد و بـا این کار دختر را از ارث پـدر محروم نموده است. حکم هبه را بیان فرمایید؟

ج : هو

العالم; هبه صحیح است و دختر به عموی خود هبه نموده و خودش ارث نمی برد.

س ۲۹۲: اگر شوهر زنی بعد از عقد بمیرد یا شوهرش او را بعد از عقد طلاق بدهد، آیا این زن حکم باکره را دارد؟

ج : هو العالم; بلی! حکم باکره را دارد، ولی ما ولایت پدر را بر باکره قبول نداریم، مطلقاً اذن پدر یا جد را لازم نمی دانیم.

«زنهایی که ازدواج با آنها حرام است»

س ۲۹۳: اگر شخصی بخواهد با دختر خواهر یا دختر برادر عیال دائمی اش ازدواج نماید آیا رضایت عیالش لازم است یا خیر؟

ج : هو العالم; عقد دختر خواهر یا دختر برادر عیال بدون رضایت همسر، باطل است، ولی اگر عقد کند، بعد او رضایت دهد، صحیح است.

س ۲۹۴: اگر شخصی بخواهد با عمه و یا خاله عیالش ازدواج نماید، آیا در این صورت رضایت عیالش لازم است یا خیر؟

ج : هو العالم; عقد عمهوخاله عیال بدون رضایت اوصحیح است.

س ۲۹۵: آیا زن شیعه اثناعشری می تواند با مرد مسلمان سنی ازدواج کندیاخیر؟

ج : هو العالم; بلی مانعی ندارد.

س ۲۹۶: بفرمایید درباره ازدواج دائم یا موقت فرزندان ذکور مسلمان با دوشیزگان یا بانوان اهل کتاب که به نظر بعضی از علماء بلا مانع است، درباره دختران مسلمان یا جوانان و مردان اهل کتاب چه اوامری صادر می فرمایید؟

ج : هو العالم; ازدواج پسران مسلمان با دختران کافر کتابی (یهود، نصاری، مجوس) دائما و متعه جائز است و با کافر غیر کتابی جائز نیست، و ازدواج دختران مسلمان با پسران کافر مطلقاً جائز نیست.

س ۲۹۷: عقد نکاح بنابر مسلک سنی درست است یا خیر؟

ج : هو العالم;عقد

نکاح بر مسلک سنی فرقی با مسلک شیعه ندارد غیر از اعتبار حضور شهود که در مسلک حق معتبر نیست ولی بودن شهود مضر نیست.

«نفقه»

س ۲۹۸: آیا نفقه زن بعد از عقد وقبل از تصرف به عهده شوهر است؟ لطفاً نظر مبارک را بفرمایید.

ج : هو العالم؛ چنانچه تمکین نمی کند ولو عدم تمکین او به مقتضای قراردادهای کلی در ضمن عقد ازدواج باشد که مادامی که در خانه پدری است، حق امتناع از تصرف داشته باشد، نفقه واجب نیست.

س ۲۹۹: زنی که به عقد ازدواج دائم مردی درآمده، اگر بدون اجازه شوهر

منزل مسکونی را ترک و به خانه پدرش مراجعه کند، آیا ناشزه محسوب می گردد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی ناشزه است، خصوصاً در صورتی که مستلزم عدم تمکین از استمتاع باشد.

س ۳۰۰: چنانچه زن مذکور ناشزه محسوب گردد، آیا در مدت نشوز مهریه و نفقه به وی تعلق می گیرد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ در مدت نشوز نفقه ساقط می شود، ولی مهریه باقی است.

س ۳۰۱: اگر مهریه زن در مقابل بضع است، نفقه زن در مقابل چه می باشد؟

ج : هو العالم؛ قال الله تعالی: الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما أنفقوا من اموالهم.

س ۳۰۲: در صورتی که زن در عقد ازدواج شرط کند که زندگی من در قم باشد و مرد تخلف کند آیا نفقه زن ساقط می شود؟

ج : هو العالم؛ خیر، ساقط نمی شود.

«مهریه»

س ۳۰۳: مردی زنی را به عقد نکاح دائم خود درآورده و مهریه زن به مجرد مطالبه است و شوهر قصد پرداخت مهریه همسرش را به جهت ادای دین دارد، ولی فعلا از نظر مالی در حدی نیست که بتواند مهریه را یک جا بدهد. آیا می

تواند آن را به صورت قسطی به همسرش پرداخت نماید؟

ج : هو العالم; بلی می تواند در صورتی که نتواند یکجا بدهد.

س ۳۰۴: مهر السنه که مورد تأکید پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) بوده است که پانصد درهم باشد، به پول رایج ایران چه مقدار است؟ و آیا پانصد درهم برای استحباب موضوعیت دارد یا مقصود معادل ارزشی آن است که مجمع البحرین و بعضی فقهاء آن را به پنجاه دینار تقدیر کرده اند ؟

ج : هو العالم; پانصد درهم مساوی است و زنا با ۲۶۲ مثقال متداول. چون درهم هفت عُشر مثقال شرعی است و مثقال شرعی سه ربع مثقال صیرفی است. این از حیث وزن، و اما اگر از حیث قیمت سؤال بشود، اگر قیمت یک مثقال نقره سکه دار را ضرب در این عدد بزنید، آن معادل مهر السنه است، و موضوعیت آن ظاهراً معادل ارزشی آن است.

س ۳۰۵:خانواده هایی هستند که مهریه دخترشان را بالای هزار سکه بهار آزادی قرار می دهند که بعضاً با مخالفت خانواده های مقابل همراه است. به نظر حضرتعالی این مهریه صحیح است؟ و آیا افراط نمی کنند؟

ج : هو العالم; اشکال شرعی ندارد ولی آداب و رسوم اجتماع را رعایت نمودن بهتر است.

س ۳۰۶: در حال حاضر قانونی وضع کرده اند که مهریه را به نرخ روز حساب می کنند. مثلا اگر پنجاه سال پیش مهریه پانصد تومان بوده است، حالا به نرخ روز دویست هزار تومان محاسبه می شود. قانون مذکور از نظر شرعی چه صورت دارد؟

ج : هو العالم; با این نحو مشروعیت ندارد. در عین حال باید به حساب طلا حساب

شود. مثلاـ پانصد تومان در آن وقت چند مثقال طلاـ می شود، به همان مقدار از قیمت فعلی طلا پرداخت شود، و باید بنابر احتیاط لزومی مصالحه هم بکنند.

س ۳۰۷: امروزه برای ازدواج مهریه های سنگینی معین می کنند که توان پرداخت ممکن نیست، آیا زوج ملزم به پرداخت آن است؟ در صورتی که توان پرداخت ندارد، آیا شرعاً مقصر است، اگر ناگهان مرگ او فرا رسید و اموالی هم نداشته باشد آیا در جهان آخرت مؤاخذه خواهد شد؟ اگر مرگ زوج ناگهان فرا رسد و اموالی هم نداشته باشد، آیا بر پدر متوفی واجب است مهریه زوجه متوفی را بپردازد؟ یعنی مثل سایر بدهی های متوفی واجب الاداء است؟

ج : هو العالم; چنانچه زوجه می داند که زوج قدرت پرداخت پیدا نخواهد کرد، قهراً راضی به ازدواج با عدم اداء این دین می باشد، بنابراین هیچ اشکالی ندارد و به هر حال در آخرت مقصر نیست. و بر پدر او هم لازم نیست اداء کند مگر آنکه در عقد شرط کنند که اگر پسر نتوانست مهر را بدهد پدر او دین را اداء کند.

س ۳۰۸: پسری از اول عمر با پدرش زندگی کرده و در مغازه پدرش کار می کرد، پدر تمام مخارج زندگی پسر و عیال او و تمام هزینه های جانبی مثل هزینه ازدواج، مسافرت، معالجه و غیره را پرداخت نموده است، ناگهان پسر درگذشت. در صورتی که پسر از خود اموالی ندارد و در کار مغازه اجرتی برای کار پسر تعیین نشده بود، عرفاً هر دو در مغازه کار می کردند تا مخارج زندگی را تأمین نمایند و مغازه سود آوری

غیر مترقبه هم نداشته است، آیا بر پدر واجب است که مهریه زوجه متوفی را بپردازد؟ آیا در صورت عدم پرداخت پدر، فرزند متوفی در آن جهان مؤاخذه خواهد شد؟

ج : هو العالم; پسر در آن دنیا مؤاخذه نمی شود، ولی بعید نیست بر پدر ادای دین لازم باشد چون ظاهر کار آنها این است که در اموال و سود و زیان و مخارج شریکند، از جمله مخارج هم مهریه زن است، در عین حال باید مصالحه بشود.

س ۳۰۹: مردی که با زن معقوده خود وطی در دبر کرده و قبل از عروسی او را طلاق داده آیا باید تمام مهر را بپردازد؟

ج : هو العالم; بلی تمام مهر را باید بپردازد نه نصف.

س ۳۱۰: در بعضی مناطق رسم است برای عروس شیربها تعیین می کنند، آیا گرفتن و دادن شیربها جایز است؟

ج : هو العالم; بلی، دادن و گرفتن شیربها جایز است.

«متعه (عقد موقت)»

س ۳۱۱: مردی که متأهل است آیا لازم است جهت متعه نمودن زنهای اهل کتاب از زوجه مسلمه دائمیه یا منقطعه خود اجازه بگیرد؟

ج : هو العالم; ازدواج مرد مسلمان با زن کتابیه مطلقاً جایز است و موقوف به اجازه زوجه مسلمه نیست.

س ۳۱۲: اگر بعد از انقضاء مدت متعه مدخوله در دروان عده زوج دوباره یا کراراً او را متعه و عقد موقت کند و بدون دخول و بعد از انقضاء مدت جدا شود، آیا تکمیل همان عده عقد اول که در آن به او دخول شده برای ازدواج با دیگری کافی است.

ج : هو العالم; بلی کافی است، ولی باید آن عده تمام شود.

س ۳۱۳: اینجانب

از مقلدین حضـرتعالی هسـتم. چند ماه پیش دختری را با شرایط متعه کردم و بر اثر مجامعت بکارت او آسیب دید. با اینکه من در معالجه و جراحی او اقدام نمودم، بازهم به حساب آخرتم نگرانم. لذا از محضر حضرتعالی سؤالاتی را می پرسم:

چون خـانواده من به هیـچ وجه بـا ازدواج من بـا این دختر موافق نیسـتند، اگر این دختر در این شـرایط رهـا شود، آیـا اینجـانب مرتکب گناهی شده ام؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که قبل از متعه کردن و یا قبل از ازاله بکارت وعده ازدواج دائمی نداده اید، مرتکب گناه نشده اید.

س۳۱۴:اگرحرف پدرومادرراکناربگذارموبااوازدواج کنم آیاعاقوالدین می شوم؟

ج : هو العالم؛ چنانچه پدر و مادر از ازدواج شما ناراحت شوند، پس به حکم آیه کریمه در صورت ازدواج گناهکارید.

س ۳۱۵: آیا نفس این کارم که موجب ازاله بکارت او شده اشکال داشته است؟

ج : هو العالم؛ مسلماً کار صحیحی نبوده است خصوصاً اگر بدون رضایت دختر بوده باشد.

س ۳۱۶: بـا توجه به اینکه در حین عقـد متعه بـا این دختر به او گفته بودم که من با تو ازدواج نخواهم کرد و فعلا عقـد موقت می خوانم، حال اگر او خودکشی کند آیا من مقصر هستم؟

ج : هو العالم؛ خیر مقصر نیستید.

س ۳۱۷: نظر به اینکه بکارت او ترمیم شده و او می تواند ازدواج کند، در صورتی که او با شخص دیگری ازدواج کند آیا من در مورد شوهر او مرتکب گناهی شده ام و لازم است از او طلب بخشش کنم؟

ج : هو العالم؛ خیر شما گناهکار نیستید. و لازم نیست طلب بخشش کنید بلکه طلب

بخشش کار خوبی نیست.

«مسائل متفرقه ازدواج»

س ۳۱۸: اگر شخصی دو نفر را وکیل کند که صیغه عقد نکاح را در فلان روز بخوانند و بعد از خواندن صیغه عقد در آن روز، یک نفر موثق به موکل خبر دهد آیا می توان به خبر او ترتیب اثر داد یا نه؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند ترتیب اثر بدهد.

س ۳۱۹: اگر زن بگوید شوهر ندارم و بینه مخالف اوقائم شود، کدام یک مقدم است؟

ج : هو العالم؛ بینه مقدم است.

س ۳۲۰: اگر کسی در عقد نکاح شرط کند که دو زن می گیرد، آیا به مقتضای قاعده اولیه این شرط صحیح است یانه؟ و بنابر صحت شرط، آیا فرقی بین موردی که هر دو را مقارناً بگیرد و موردی که متعاقباً بگیرد هست؟

ج : هو العالم؛ شرط صحیح است و فرقی بین دو صورت نیست.

س ۳۲۱: در صورتی که زن مهر خود را به زوج مصالحه کند یا ببخشد و با مرد شرط کند که زن دیگر نگیرد، اگر او زن دیگر بگیرد عقد دومی صحیح است یانه؟

ج : هو العالم؛ عقد صحیح است ولی زن خیار تخلف شرط دارد و می تواند آنچه به او داده است را پس بگیرد.

س ۳۲۲: دختری که به او تجاوز به عنف و زنای اکراهی شده و در مدت عده جهلا به این مسئله که گرفتن عده واجب است، متعه شخص دیگر شده، و باز پس از دخول مرد دوم به او و در مدت عقد موقت او، از ترس آبرویش به عقد مرد اولی درآمده و سپس بدون دخول طلاق گرفته است. حالا مرد دوم سؤال

دارد که آیا عقد او صحیح و پا برجا است؟ یا از اصل باطل و زن بر او حرام ابدی شده؟ لطفاً حکم مسأله را در دو فرض یتیمه بودن دختر و عدم نیاز به اذن ولی و فرض وجود ولی و عدم استیذان از او بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ زنا عده ندارد، متعه اولی که با مرد دوم است صحیح است و عقد دوم او با مرد اول باطل است. و در این حکم بین داشتن و نداشتن پدر فرقی نیست.

س ۳۲۳: اگر دو دختر از ناحیه قسمتی از اندام یا سر، با هم چسبیده باشند و دو بدن دارند، آیا می توانند هر یک معامله یا ازدواج کنند، با آنکه هر یک از آنها دیگری را با خود دارد؟ اگر این دو نفر پسر و دختر باشند چطور؟

ج : هو العالم؛ در معاملات محذوری ندارد، لکن در ازدواج باید رعایت جهات شرعیه بشود.

«فسخ عقد ازدواج»

س ۳۲۴: اینجانب حدود پنج ماه است که با خانمی ازدواج کرده ام و به یقین رسیدم که او ناراحتی روحی دارد و مریض می باشد و قادر به زندگی و خانه داری و زناشویی نمی باشد و خانواده و بستگان او به صورت عوام فریبی او را با مهریه بالا و سنگین درآوردند.

توضیحاً عرض کنم بعد از مدتی که اونامزد من بود من از پدرش خواستم که او را نزد دکتر ببرم، لکن پدرش صراحتاً سوگند به اسم جلاله خورده وازدکتر بردن او ممانعت کرده و من هم از روی سادگی موضوع را سخت نگرفتم.

اما بعد از عروسی متوجه شدم که او قرص می خورد وبعضی

اوقات سرش می سوزد و درد می کند و بیهوش می شود. حال با توجه به این که زوجه قادر به زندگی و همسرداری نمی باشد و تفاهم در کار نیست، تکلیف شرعی و دینی من چیست؟

ج : هو العالم; اگر جنون دارد شما می توانید فسخ کنید و الا راه دیگری جز طلاق نیست و در آن صورت باید مهر را تمام بدهید، ویا آنکه به طریقی او را راضی کنید که یک مقداری از مهر را به شما ببخشد.

«احکام اولاد و والدین»

س ۳۲۵: آیا پایان حضانت والدین طفل صغیر با عروض حالت بلوغ شرعی است یا باید رشد وی هم احراز شود؟

ج : هو العالم; حضانت غیر از ولایت است،حضانت زمان خاصی دارد و اما ولایت پدر در تصرف در اموال او تا ثبوت رشد بعد از بلوغ ادامه دارد و در حضانت مادر تا هفت سال بدون فرق بین پسر و دختر حق حضانت را برای او ثابت می دانیم

س ۳۲۶: شخصی فوت کرده و از او سه اولادصغیرباقی مانده اندوازطرفی شخص متوفی دارای زوجه و پدر و مادر پیر است، حق حضانه این صغیران با مادر است و حق ولایت آنها بر جد. در صورتی که پدر بزرگ (جد) آنها قادر بر سرپرستی و قیمومیت آنها نمی باشد. آیا حق قیمومیت آنها به مادر تعلق می گیرد یا خیر؟

ج : هو العالم;حق حضانت بلا کلام برای مادر است. و حق ولایت بر جد. ولی قیمومیت و سرپرستی لازمه حق الحضانه است خصوصاً اگر جد قادر نباشد. به هر حال قیمومیت و سرپرستی در مورد سؤال با مادراست.

س ۳۲۷: حد و مرز

تأدیب فرزند چه مقدار است بیان فرمایید؟

ج : هو العالم; در باب حدود، اعمال موجب حد به طور مختلف روایت شده است و اما در غیر آن باب در روایات تا حد پنج ضربه زدن را اجازه داده اند.

«احکام محرمیت و شیردادن»

س ۳۲۸: اگر دو برادر بخواهند زنهای همدیگر برایشان محرم شوند به چه سببی می توانند محرم شوند؟

ج : هو العالم; چنانچه مادر زن هر کدام زن دیگری بشود هر کدام به شوهر دیگری محرم می شود.

س ۳۲۹: شخصی سه زن دارد که یکی صغیره است، در صورتی که دوزن دیگر، هر دو به صغیره شیر بدهند، آیا هر سه زن به مرد حرام می شوند؟

ج : هو العالم; زنی که اول شیر بدهد، چنانچه به آن دخول شده است، مرضعه و طفل هر دو به او حرام می شوند و مرضعه دوم حرام نمی شود. واگر به مرضعه اول دخول ننموده، حکم مرضعه ثانیه در صورتی که شیردادن درحال زوجیت صغیره بوده است، حکم مرضعه اولی می باشد.

س ۳۳۰: بنام خدا; لطفا حکم شرعی شیر خوردن مرد را از پستان همسرش بیان فرمایید؟

ج : هو العالم; جائز است.

«احکام نامحرم»

«نگاه به نامحرم»

س ۳۳۱: حضرت آقا در مسأله ۲۴۲۸ رساله توضیح المسائل فرموده اید «... و نگاه کردن به صورت و دست ها اگر به قصد لذت باشد حرام واگر به قصد لذت نباشد جایز است.»

از محضر مبارک این سؤال مطرح است که اگر دلیل حرمت نگاه به بدن زن نامحرم مفسده ای است که به دنبال دارد آیا نگاه به صورت های زیبا که اجمل اعضای آدمی اند، خصوصاً در مورد زنان و دختران

جوان، همان مفسده بلکه بدتر و بالاتر از آن نمی باشد؟

آیا نباید حکم استثناء وجه و کفین به صورت مطلق و در صورت عدم قصد لذت، هیچ تخصیصی بخورد تا جلو سوء استفاده برخی زنان و مردان لا ابالی گرفته شود؟

و چرا مرحوم صاحب جواهر (ره) از قول استاد اکبر (ره) می فرمایند:

«فان الفقهاء قد اتفقت کلمتهم علی ان بدن المرأه کلها عوره».

لطفا از حیرت رهایمان سازید؟

ج : هو العالم؛ دعوی اتفاق بر این که «بدن المرأه کلها عوره الا علی الزوج و المحارم» مردود است:

اولا: به دلیل اینکه جماعتی از بزرگان فقهاء مانند شیخ طوسی و صاحب حدائق و محقق نراقی و شیخ اعظم انصاری و غیرهم فتوی داده اند به جواز نظر الی الوجه والکفین.

و ثانیا: مدرک مجمعین معلوم است و ما در کتاب فقه الصادق ج ۲۱ متعرض آن شده ایم وجواب داده ایم.

و ثالثا: اینکه اجماع را اگر ثابت هم باشد به روایات تخصیص می زنیم و از طرفی هر کس هم که فتوی به جواز نگاه کردن داده و از جمله آنها حقیر، حکم را به اینکه به قصد ریبه و تلذذ نباشد مقید کرده است.

اما وجه اعتباری که شما ذکر کرده اید اگر تمام باشد، در پسر یا مرد خوش صورت هم جاری است، آیا به عدم جواز نظر ولو بدون ریبه و تلذذ فتوی می دهید؟، خیال می کنم اگر به فقه الصادق ج ۲۱ مراجعه کنید قضیه روشن تر می شود.

س ۳۳۲: نگاه کردن زن به مرد نامحرم اشکال دارد یا نه؟

ج : هو العالم؛ بدون ریبه نگاه کردن به صورت و گردن

ودست های او اشکال ندارد.

س ۳۳۳: شخصی در عکاسی شاغل می باشد. ناچاراً بطور مداوم عکس های نامحرم را ظاهر می نماید و یا حتی گاهی فیلم های مراسم عروسی را مشاهده می کند، لطفاً بفرمایید این موارد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ دیدن فیلم هایی که خانم های غیر محجبه را نشان می دهد مشاهده آنها جائز نیست. و اما چنانچه عکس مهیج نباشد و نظر غیر شهوی به آن بشود چنانچه صاحب عکس را می شناسد، احتیاط آن است که نگاه نکند.

س ۳۳۴: نگاه کردن به عکس زنان کافر یا اهل کتاب مثل مسیحی چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ نگاه به خود زنان کافر و اهل کتاب بدون قصد ریبه جائز است. بنابراین به عکس آنها بدون اشکال جائزاست.

س ۳۳۵: نگاه کردن به عکس زنان مسلمان ولی نامحرم چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم؛ بنابر احتیاط نگاه نکنید، خصوصاً زنهایی را که می شناسید.

س ۳۳۶: آیا تزریقات مرد به زن و بالعکس جایز است؟

ج : هو العالم؛ تزریق غیر همجنس چنانچه مستلزم نگاه به بدن و یا لمس نباشد، جائز است و الا جائز نیست.

«سخنرانی و صدای زن»

س ۳۳۷: مداحی کردن زن برای زنان چه صورت دارد؟

ج : هو العالم؛ جائز است

س ۳۳۸: در مجلس زنانه سینه زدن و دست زدن دسته جمعی زنان در صورتی که نامحرم بشنود اشکال دارد یا نه؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۳۳۹: گفتن اذان و تکبیر در هنگام برپایی نماز جماعت در مدارس دخترانه توسط دختران در حالی که امام جماعت نامحرم دارند چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه صوت زن مهیج شهوت نباشد و

امام هم از صوت او لذت غیر مشروع نبرد، جائز است.

«حضور زن در ورزشگاه»

س ۳۴۰: در برخی از مسابقات ورزشی داخل سالن دیده می شود که دختران جوان در ورزشگاه حضور دارند که با فریاد و تشویق بازیکنان همراه است. نظرتان را بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ این قبیل موارد محرمات زیادی را مثل دیدن بدن مردان، و عدم حجاب شرعی زنان، و قصد ریبه طرفین و از این قبیل امور مستلزم است. لذا جائز نیست. و اگر هیچ محرمی لازم نیاید مانعی ندارد، ولی بسیار بعید است.

احکام طلاق

«کیفیت طلاق»

س ۳۴۱: اگر کسی زن خود را طلاق تقیه ای کند صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم؛ صحیح است، چنانچه شرایط طلاق تقیه ای محقق باشد

س ۳۴۲: طلاق فضولی غیر نافذ است یا باطل؟

ج : هو العالم؛ به نظر ما طلاق فضولی باطل نیست و موقوف به اجازه است، ولی چون ادعای اجماع (آن هم مدعی مثل شیخ انصاری (ره)) بر بطلان طلاق فضولی می کنند، پس احتیاط اگر لازم نباشد خوب است.

س ۳۴۳: آیا طلاق اکراهی غیر نافذ است یا باطل؟

ج : هو العالم؛ طلاق اکراهی باطل است و با اجازه صحیح نمی شود.

س ۳۴۴: شخصی زنش را طلاق داده و پس از یکماه رجوع به عقد نموده و طی نامه ای به زنش خبر داده، اما نامه نرسیده و زن پس از اتمام عده شوهر کرده و اکنون از شوهر دوم حامله است. حالا شوهر اول برگشته و مسئله روشن شده، حالا تکلیف زن و شوهر اول و شوهر دوم وهمچنین تکلیف بچه چیست مشروحاً مرقوم فرمایید.

ج : هو العالم؛ این خانم زن اولی است و باید از شوهر دوم جدا شود، چنانچه شوهر اول

او را طلاق بدهد، بعد از عده دومی می تواند او را تزویج کند، غرض این که حرام ابدی نمی شود و بچه هم چون وطی به شبهه بوده است اگر امکان الحاق به اولی نباشد، ملحق به شوهر دوم است، یعنی یک سال از نزدیکی کردن شوهر اولی بیشتر گذشته باشد. و در صورتی که کمتر گذشته و احتمال داده شود از شوهر اول است ملحق به او می شود، بهر حال بچه حلال زاده است.

«طلاق خلع»

س ۳۴۵: اگر زنی مهر خود را که در ذمه زوج است در طلاق خلعی ببخشد لکن آن زن قبل از طلاق از بذل مهر رجوع کند، آیا آن حق دوباره در ذمه زوج بر می گردد؟ با فرض آن که چیزی الان موجود نیست؟

ج : هو العالم؛بلی همان حق برمی گردد چون بخشش ما فی الذمه در طلاق خلع مشروط به عدم رجوع است، در صورت رجوع ذمه مشغول است یا مشغول می شود، والله العالم.

س ۳۴۶: اینجانب در سال هفتاد ونه شمسی بابت مهریه همسرم که تعداد ۱۱۴ سکه بود قطعه زمینی را به ایشان واگذار کردم که در سند آن نیز قید گردید.

در سال هشتاد و یک طی یک طلاق توافقی با ایشان، با بذل کلیه مهریه خود، در قبال طلاق، حکم طلاق خلع صادر و به اجراء درآمد. با توجه به اینکه عده ایشان تمام شده است، خواهشمند است بفرمایید مالك اصلی زمین در حال حاضر چه کسی است؟

ج : هو العالم؛ بعد از اینکه تمام مهریه این خانم، خصوص زمین ولو به عنوان معاوضه بوده و در وقتی که کلیه مهریه را

بـذل نموده، مرادش قطعـاً زمین بوده است و در خلع شـرط نیست که عین مهریه بـذل شود، بنابراین فـدیه در فرض سؤال زمین بوده است لذا بعد از تمام شدن عده حقی به زمین ندارد و زمین مال شوهر است.

«عده طلاق»

س ۳۴۷: مردی که با زن معقوده خود وطی در دبر کرده و قبل از عروسی او را طلاق داده آیا عده و تمام مهر لازم می شود؟

ج : هو العالم؛ بلی هم عده لازم است و هم تمام مهر را باید بپردازد نه نصف.

س ۳۴۸: زنی در سن مَن تحیض است ولی رحم خـود را قطع و بیرون کرده حـال که شوهرش او را طلاـق داده آیـا بر او عـده هست یا خیر؟ و آیا برایش جایز است بعد از طلاق شوهرش، بدون نگه داشتن عده متعه کسی شود؟

ج : هو العـالم؛ بلی، عـده لازم است چون احتمال حمل از قبیل حکمت است نه علت، و لـذا اگر شوهر زنی که حیض می بیند در سفر باشد و یک سال هم گذشته باشد و او را طلاق بدهد عده لازم است با آنکه معلوم است که حامله نیست.

س ۳۴۹: اگر در طلاق رجعی زوج به جای رجوع در زمان عـده، زوجه مطلقه را سه ماهه متعه کند و در این مدت به او دخول نکنـد، حال بعـد از انقضای عـده و گذشـتن مـدت، سه ماه متعه، آیا زوجه می توانـد با مرد دیگری ازدواج کنـد یا نیاز به عده دیگری دارد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه متعه را به قصد رجوع به زوجیت انجام ندهد، بلکه به قصد انشاء زوجیت موقته

باشد، متعه باطل است، چون مطلقه رجعیه در حکم زوجه است و زوجه را نمی توان متعه نمود، بنابراین همان انقضاء عده اولی در ازدواج اوبا مرد دیگر کافی است، و اگر به قصد رجوع باشد، احتمالاً رجوع نیست باز هم انقضاء عده اولی کافی است و احتمالاً رجوع محقق می شود بنابراین انقضاء عده کافی نیست، پس رعایت احتیاط حسن است.

س ۳۵۰: اگر در حال عده طلاق بائن، زن در مهرش رجوع نکند آیا زوج می تواند با دادن یک مهری که رضایت زوجه را جلب کند او را به عقد دائم یا موقت خویش درآورد؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند چون عده برای غیر زوج است.

«احکام سر بریدن حیوان»

س ۳۵۱: در سر بریدن حیوان اگر رگها به تدریج بریده شودو سر اتفاقاً قطع شود آیا حیوان حلال می شود؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد و به نظر ما اگر سر عمداً هم قطع شود مکروه است و حرام نیست و موجب حرمت گوشت حیوان هم نیست.

س ۳۵۲: اگر نصف سر حیوان بریده شود در صورتی که هنوز جان دارد، آیا می توان آن را تذکیه کرد یا نه؟

ج : هو العالم؛ بلی می توان تذکیه نمود.

س ۳۵۳: شخصی مرغی را سر می برد و بعد متوجه می شود که حلقوم بر روی بدن مانده است و سر از بدن مرغ جدا شده است، پس آن شخص دوباره حلقوم را می برد، حکم این مسئله چگونه است؟

ج : هو العالم؛ اگر تا سر مرغ جدا نشده باشد و روح در بدن است، حلقوم را ببرد حلال می شود، اما در صورت جدا

شدن سر و نبودن روح در بدن حلال نمی شود، و چنانچه روح دارد احتیاط مستحسن است. والله العالم.

س ۳۵۴: اگر حیوان حلال گوشت خمر بخورد و سپس آن سر را ببرند آیا جایز است روده ها و دل و کبد آن را بخورند یا نه.

ج : هو العالم; چنانچه زیاد بخورد و مست شود و در حال مستی ذبح شود، خوردن آنچه در شکم آن است حرام است، و الا آنها را آب بکشند و خوردن آنها جایز است.

«احکام خوردن و آشامیدن»

س ۳۵۵: اگر حیوان حلال گوشت تذکیه کامل شرعی نشد، آیا نجس می شود؟ در صورتی که آن گوشت را برای خورشت طبخ کنند، خوردن آن خورشت بدون گوشت چگونه است؟

ج : هو العالم; چنانچه شرایط لازمه ذبح رعایت نشده باشد نجس می شود و خوردن آن خورشت هم جایز نیست.

س ۳۵۶: اگر کسی شیر همسر خود را بخورد چه صورت دارد؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد.

س ۳۵۷: خوردن خون، فضله و حدقه چشم ماهی حلال گوشت چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; حلال نیست.

س ۳۵۸: کدام قسمت از بدن ماهی خوردنش جایز نیست؟

ج : هو العالم; چون معلوم نیست که محرمات ذبیحه که پانزده چیز است غیر از خون و مدفوع در ماهی باشد و بر فرض آنکه بوده باشد خیلی ریز است و در طبخ مستهلك در ضمن بقیه اجزاءمی شود لذا غیر آن دو مورد در صورت عدم استهلاک، چیز حرامی نیست.

س ۳۵۹: آیا استفاده از میوه ها و مواد غذایی حاصله از تغییرات ژنتیکی جایز است؟

ج : هو العالم; در صورتی که خطر جانی نداشته باشد

و احتمال عقلائی هم به توجه خطر نباشد، جائز است.

س ۳۶۰: در صورت انتقال ژن حیوان حرام گوشت به گیاه، خوردن محصول آن چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد، چون ژن حیوان حرام گوشت با انتقال به گیاه استحاله می شود و حرمت آن از بین می رود.

«احکام لباس پوشیدن»

«نوع پوشش»

س ۳۶۱: استعمال طلای سفید (پلاتین) برای مردان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۳۶۲: استفاده از کراوات و پاپیون برای زیبایی ظاهر که بعضاً در جامعه دیده می شود چه صورت دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

«لباس شهرت»

س ۳۶۳: لطفاً بفرمایید پوشیدن لباس هایی که آرم دار هستند یا تصاویر خوانندگان یا شکل و شمایل آنها یا بازیگران، چه غربی و چه ایرانی بر روی آنها وجود دارد اشکال دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که عنوان محرمی بر آن منطبق نشود اگر چه لباس شهرت بشود اشکال ندارد.

س ۳۶۴: اگر بر لباس شمایل آلات موسیقی یا حیوانات باشد پوشیدن آن چطور است؟ حرام است یا نه؟

ج : هو العالم؛ حرام نیست.

س ۳۶۵: لطفاً لباس شهرت را تعریف نمایید؟

ج : هو العالم؛ لباس شهرت آن لباسی است که کاشف از نقص عقل پوشنده باشد و یا اینکه عنوان محرمی بر آن منطبق شود مثلا به حدی نازک باشد که ساتر عورت نباشد.

«تشبه به کفار»

س ۳۶۶: پوشیدن لباس های کفار، یهود، غربی ها اگر به قصد تشبه به آنها نباشد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد، فعلا ظاهراً که لباس مختص به غیر مسلم نداریم همه در لباس یکسان هستند.

س ۳۶۷: اخیراً در میان برخی از جوانان بعضـی از مدل مو و پوشیدن لباس هایی به صورت مد در آمده است که از کشورهای اروپـایی و بلاد بیگانه ارائه می گردد، نظر به این که پوشـیدن این لباس ها و انجام اینگونه آرایش ها، عرفاً از مصادیق تشـبه به کفار است، آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

ج : هو العالم؛ حلال است و تشبه به کفار شامل این امور نیست.

س ۳۶۸: انجام بعضی از آداب یهود و کفار، اگر به قصد تشبه به آنها نباشد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

«ریش تراشی»

س ۳۶۹: تراشیدن ریش با تیغ و ماشین شبیه تیغ چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ حرام است.

س ۳۷۰: آیا تیغ انداختن قسمتی از صورت که به حق النساء «گونه» معروف است اشکال دارد؟

ج : هو العالم؛ بلی! اشکال دارد، یعنی حرام است.

س ۳۷۱: لطفاً دلیلی محکم و مستند در صورتی که ریش تراشی را حرام می دانید بیان نمایید؟

ج : هو العالم؛ دلیل آن روایات است به کتب اخبار رجوع کنید.

س ۳۷۲: اگر دو طرف محاسن صورت را بتراشـد و محاسن چانه را باقی بگـذارد آیا حلق لحیه صـدق می کنـد؟ و چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ تراشیدن ریش ولو مختصر آن جایز نیست. و ریش بر موی دو طرف صورت صدق می کند پس جایز نیست.

س

۳۷۳: آیا گذاشتن مدل های مختلف ریش همانند ریش پرفسوری، نوک مدادی وغیر آن، اشکال دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛اگر مستلزم تراشیدن مقداری از ریش نباشد اشکال ندارد و الا حرام است.

س ۳۷۴: زدن موهای صورت که به صورت پراکنده یا غیر پراکنده در صورت در می آید اشکال دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ مادامی که صدق لحیه نکند اشکال ندارد.

س ۳۷۵: تراشیدن قسمت هایی از ریش به اصطلاح غربی ها پرفسوری یا طرز دیگر آن مثل ستاری چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ تراشیدن ریش ولو بعض آن جائز نیست و

حرام است.

«احکام لهو و لعب»

س ۳۷۶: حضرتعالی لهو را چگونه تعریف می کنید؟

ج : هو العالم؛ مشغول بودن نفس به لذائذ شهویه بدون قصد و غرض عقلائی، که البته احتیاج به تفصیل دارد.

س ۳۷۷: لطفاً بفرمایید لهو و طرب چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ لهو و طرب به این عنوان حرام نیست.

«لغو»

س ۳۷۸: حضرتعالی لغو را چگونه معنا می کنید؟

ج : هو العالم؛ اللغو هو الفعل الخالی عن الغایه( ) و اگر تالی فاسدی از قبیل هتک حرمت مردم مثل سخریه نمودن مؤمن مترتب بر آن نشود حرام نیست.

س ۳۷۹: با توجه به اینکه قرآن کریم در وصف مؤمنین می فرماید: «والذین هم عن اللغو معرضون» ( ) آیا سوت کشیدن و کف زدن لغو محسوب می شوند؟

ج : هو العالم؛ اللغو هو الفعل الخالی عن الغایه، پس شامل کف زدن نمی شود. به علاوه آیه اطلاق ندارد که بر حرمت جمیع افراد دلالت کند، قدر متیقن آن غنا است، به علاوه آیه دلالت بر رجحان اجتناب از لغو دارد نه لزوم، به علاوه آیه دلالت دارد بر رحجان مرور به لغو مرور الکرام، و به عبارت دیگر آیه در مقام بیان آنچه که مترتب بر اعراض از لغو است می باشد.

«رقص»

س ۳۸۰: رقصیدن در مجلس عید الزهرا و ولادت اهل بیت حرام است یا نه؟

ج : هو العالم؛ رقصیدن مرد برای زن نامحرم و زن برای مرد نامحرم جائز نیست.

تذکر: در انتهای این کتاب رساله ای استدلالی در حکم رقص نوشته شده است، مراجعه فرمایید.

«کف زدن»

س ۳۸۱: کف زدن اگر از روی شدت فرح و سرور باشد که در لغت عرب به آن «بَطَر» می گویند چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه کف زدن توأم با حرکات دیگر لهو و لعبی نباشد، جائز است.

س ۳۸۲: کف زدن در مجالس، اعم از مجالس جشن عروسی یا جشن میلاد ائمه اطهار (ع)، توسط طلاب علوم دینی و روحانیون چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛کف زدن بدون ضم کارهای دیگر فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر به نحوی باشد که توأم با کارهای خلاف دیگر و یا توهین به روحانیت باشد جائز نیست و فرقی بین روحانی و غیر روحانی نیست.

س ۳۸۳: دست زدن در مجلس عید الزهرا و میلاد اهل بیت و مجلس عروسی چه حکمی دارد؟ هر یک را توضیح بفرمایید؟

ج : هوالعالم؛اگرتوأم باکارهای خلاف دیگرنباشد،اشکال ندارد.

س ۳۸۴: بر فرض این که کف زدن به حد لهو نرسد و با امور حرام دیگر هم همراه نباشد، سؤال این است که آیا نفس این عمل و انجام این نوع حرکات در موالید ائمه (ع) در شأن انسان شیعه است؟ آیا این کارها و حرکات برای شیعه سبک نیست و او را از وقار نمی اندازد؟ و نسبت به مقام حضرات معصومین (ع) اهانت نیست؟

ج : هو العالم؛ کف زدن بدون منضمات از مصادیق «یفرحون لفرحنا»(

) است و هیچ اشکالی ندارد و باین عنوان سبک نیست.

س ۳۸۵: خلاصه نظر مبارک را صریحا در موارد ذیل بیان فرمایید ولو تکراری باشد.

۱ کف زدن در اعیاد مربوط به اهل بیت (ع)؟

ج : هو العالم; فی نفسه اشکال ندارد.

۲ کف زدن در جشنها و شادیها؟

ج : هو العالم; بی اشکال است.

۳ کف زدن در اعیاد مربوط به اهل بیت (ع) در مسجد؟

ج : هو العالم; کار خلافی نیست.

۴ کف زدن در اعیاد مربوط به اهل بیت علیهم السلام در غیر مسجد مثل حسینیه ها، هیأت ها و منازل ؟

ج : هو العالم; به شرط عدم انضمام کارهای لهو دیگر عیب ندارد.

۵ بفرمایید که حضور طلبه در اماکن کف زنی صحیح است یا خیر؟

ج : هو العالم; در صورت عدم انضمام کارهای خلاف

صحیح است.

س ۳۸۶: با عنایت به این که قرآن کریم در وصف مؤمنین می فرماید «والذین هم عن اللغو معرضون»( ) آیا کف زدن «لغو» شمرده می شود؟

ج : هو العالم; خیر، لغو عبارت است از کاری که بدون غرض انجام می شود.

«دف زدن»

س ۳۸۷: دف زدن در مجالس عید الزهرا و میلاد اهل بیت (ع) حرام است یا خیر؟

ج : هو العالم; دف زدن جایز نیست.

«غنا و موسیقی»

س ۳۸۸: آیا موسیقی حرام است؟

ج : هو العالم؛ بلی موسیقی مطرب حرام است.

س ۳۸۹: گوش دادن به موسیقی هایی که شبیه موسیقی غربی است و از صدا و سیمای ایران پخش می شود چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ حرام است و پخش از صدا و سیمای ایران موجب جواز نمی شود.

س ۳۹۰: ۱ لطفاً بفرمایید که موسیقی غنا

و طرب آور که حرام است چیست؟

ج : هو العالم؛ موسیقی محرم عبارت است از صوت لهوی که فی نفسه موجب خفت می شود و حالت رقص پیدا می شود .

۲ بفرمایید آیا شنیدن موسیقی خاصی اشکال دارد، و یا اسلام به طور کلی موسیقی را رد می کند و حرام می داند؟

ج : هو العالم؛ اسلام به طور کلی موسیقی مطرب را که فعلا در اذهان موسیقی، آن است حرام می داند.

س ۳۹۱: گوش دادن به موسیقی های سنتی که فاقد لهو و لعب است چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ موسیقی سنتی و غیر سنتی فرق ندارد، گوش دادن به موسیقی مطرب حرام است.

س ۳۹۲: آیا در اسلام چیزی به نام موسیقی عرفانی وجود دارد که شرعاً مجاز باشد؟

ج : هو العالم؛ موسیقی مطلقاً حرام است عرفانی و غیر عرفانی فرق ندارد.

س ۳۹۳: وزارت ارشاد مجوز تشکیل هر نوع کلاسهای موسیقی را صادر کرده است و جوانان به دلیل این که وزارت ارشاد اجازه داده، پس حتماً قانونی و شرعی است، در این گونه کلاس ها شرکت می کنند، نظر حضرتعالی چیست؟

ج : هو العالم؛ اجازه وزارت ارشاد حرام را جائز نمی نماید.

س ۳۹۴: لطفاً بفرمایید که حکم شنیدن سرودهایی که از صدا و سیما پخش می شود یا نوارهای کاست موجود آنها با مجوز وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، چیست؟

ج : هو العالم؛ مجوز وزارت ارشاد حرام را حلال نمی کند.

س ۳۹۵: برخی از آقایان مراجع می فرمایند موسیقی حرام است، لطفاً دلیل آن را بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ من موسیقی را حرام می دانم و در

کتاب فقه الصادق دلیل آن را مفصلا نوشته ام.

س ۳۹۶: اکثر موسیقی ها مطرب است حال چه دارای مجوز باشد یا نباشد، حکم شنیدن آنها چیست؟

ج : هو العالم؛ حرام است.

«احکام نمایش و فیلم»

«بازیگری و هنرپیشگی»

س ۳۹۷: در صورتی که نمایش زندگی و چهره معصومین (ع) در فیلم مستلزم هیچ گونه اهانتی به مقام مقدس آن حضرات نباشد و مردم را به تأسی و الگو پذیری از روش ها، منش ها و اخلاقیات آن بزرگواران ترغیب نماید بفرمایید:

بازی هنرپیشگان در نقش معصومین (ع) چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ چون معصومین (ع) مجسمه روحانیت و معنویت می باشند و بازی هنر پیشگان نمی تواند کاشف از مقام آنان باشد، جایز نیست.

س ۳۹۸: نشان دادن چهره هنرپیشه به جای چهره معصوم (ع) و نمایش حرکات و سکنات معصوم مثل راه رفتن، نشستن، برخاستن، و غذا خوردن چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ چون نشان داده نمی شود، جائز نیست.

س ۳۹۹: آیا می توان به منظور آب و تاب دادن و جذابیت بخشیدن به داستان، سخنانی را که از معصومی(ع) صادر شده، از زبان معصوم(ع) دیگر بیان کرد؟

ج : هو العالم؛ چون دروغ است، جایز نیست.

س ۴۰۰: آیا می توان برای به تصویر کشیدن مواضع فکری معصوم(ع)، واقعیتی را به تصویر کشید که اتفاق نیفتاده، مثلا می دانیم که همه معصومین(ع) در مقابل ستمگران محکم و استوار بوده اند، حال اگر فرض کنیم در زندگی یکی از معصومین اتفاقی نیفتاده که آن حضرت در مقابل ستمگری ایستادگی کند، یا تاریخ آن را برای ما نقل نکرده باشد، آیا می توان داستانی را ساخت و تصویر

کرد تا روحیه ظلم ستیزی معصوم(ع) نمایش داده شود.

ج : هو العالم; نمی شود و شرعاً حرام است.

س ۴۰۱: به منظور تنبیه و توجه تماشاچی به نتیجه اعمال، آیا می توان صحنه های روز قیامت را به تصویر کشید و از آنجا که نمایش این صحنه مستلزم نمایش چهره فرشتگان رحمت و عذاب است، بازی هنرپیشگان در نقش فرشتگان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; چنانچه به آن نحوی باشد که با سند صحیح رسیده است، جایز است و الا جایز نیست.

س ۴۰۲: نگاه کردن به فیلم زنان بی حجاب چه حکمی دارد و آیا در این مسأله بین مسلمان و کافر و بین فیلم مستقیم و غیر مستقیم تفاوتی هست؟

ج : هو العالم; نگاه کردن به فیلم زن بی حجاب مسلمان جایز نیست و غیر مسلمان به مقداری که به خود زن کافر می شود نگاه کرد جایز است.

س ۴۰۳: آیا زن می تواند با کلاه گیس به طوری که موهای خودش کاملا پوشیده باشد نقش زنان بی حجاب را بازی کند؟ و آیا در این مسأله بین موی انسان، و موی حیوان و موی مصنوعی تفاوتی هست؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد، و فرقی بین اقسامی که اشاره شده نیست، البته جواز آن در صورتی است که موجب اغواء دیگران و وهن محرمات نباشد و الا جایز نیست.

س ۴۰۴: در صورتی که زنان غیر مسلمان بدون مراعات حجاب اسلامی به ایفای نقش بپردازند لطفاً بفرمایید:

نگاه کردن عوامل تولید به این زنان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; به مقداری که غیر عوامل تولید می توانند نگاه کنند، اشکال ندارد.

س ۴۰۵: نگاه کردن تماشاچیان به فیلم آنها چه

حکمی دارد؟

ج : هو العالم; فرقی بین تماشاچیان و عوامل تولید نیست.

س ۴۰۶: رعایت حجاب برای دختران نابالغ درفیلموغیرفیلم تاچه حدلازم است؟

ج : هو العالم; حد ندارد، بلی! به عورت آنها نمی شود نگاه کرد.

س ۴۰۷: در صورت جواز تا چه حدی از بدن ایشان را می توان نمایش داد، آیا جواز منحصر به موی سر است یا شامل سایر اعضای بدن مثل پا و دست و بازو نیز می شود؟ و در صورت دوم آیا عورتین را نیز شامل می شود یا خیر؟

ج : هو العالم; به مقداری که کشف آن در زمان سابق متعارف بوده است مانند گردن و مقداری از سینه و مانند آنها جایز است، و به عورتین آنها جایز نیست، و بنابر احتیاط لزومی به بقیه اعضاء نگاه نکنند.

س ۴۰۸: لمس کردن دختران نابالغی که در نقش زنان بالغ بازی می کنند برای مردان نامحرم، و لمس پسران نابالغی که در نقش مردان بالغ بازی می کنند برای زنان نامحرم چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم;لمس مرد نامحرم، دختر غیر بالغ را در صورتی که در معرض ثوران شهوت باشد، جایز نیست و الا جایز است. و همچنین لمس پسران نابالغ زنهای نامحرم را.

س ۴۰۹: آیا زن و مرد محرم مثل زن و شوهر می توانند در فیلم، همدیگر را لمس کنند، ببوسند یا در آغوش بگیرند؟ آیا حکم این مسأله در صورتی که زن و مرد محرم، نقش دو محرم یا دو نامحرم را بازی کنند متفاوت است؟ دیدن این گونه روابط برای بیننده فیلم چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم;در صورتی که موجب

تهیج شهوت نشود، جایز است. مگر آنکه اشاعه فحشاء شود و یا سبب بی اهمیت جلوه دادن محرمات گردد که در این دو صورت جائز نیست.

س ۴۱۰: ساختن فیلم در ارتباط با آموزش مسائل جنسی چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; جایز نیست.

س ۴۱۱: بازی کردن مرد در نقش زن و زن در نقش مرد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; مانعی ندارد.

س ۴۱۲: نمایش زنان بی حجاب با هنر پیشه های مصنوعی (نقاشی متحرك و تصاویر کامپیوتری) چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; فی نفسه اشکال ندارد مگر آنکه موجب ثوران شهوت. یا موجب استخفاف به محرمات گردد.

س ۴۱۳: ۱ مونتاژ بدن برهنه زنان کافر با چهره هنرپیشه های مسلمان به وسیله کامپیوتر به طوری که خیال شود همان زن است که برهنه شده چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; جایز نیست.

۲ و اگر به جای بدن زن کافر با تصاویر کامپیوتری مونتاژ شود چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد.

س ۴۱۴: به تصویر کشیدن تخیلات و داستان هایی که دستمایه آنها تخیل و اوهام می باشد، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; جایز نیست.

س ۴۱۵: ساخت فیلم های ترسناك برای سرگرمی چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; فی نفسه اشکال ندارد.

س ۴۱۶: نمایش صحنه های ترسناك یا صحنه های فجیح کشتار و شکنجه در فیلم به عنوان بخشی از داستان و ماجرای یك فیلم چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; فی نفسه بی مانع است.

س ۴۱۷: نمایش رقص بر فرض این که اصل رقص را حرام بدانیم یا در خصوص موارد حرام، در فیلم چه حکمی دارد؟ و آیا

بین رقص های آیینی و غیر آیینی تفاوتی هست؟

ج : هو العالم؛ اشکال دارد. و فرقی بین آیینی و غیر آیینی نیست.

س ۴۱۸: نمایش محرمات بدون این که در واقع حرامی انجام شود، مثل نمایش شرب خمر به وسیله آب، یا نمایش قمار بدون شرط بندی و قصد بازی، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که موجب موهون شدن محرم شود، مانند اشاعه فحشا شود، جائز نیست.

س ۴۱۹: نمایش مجامعت حیوانات در فیلم های مستند چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اگر موجب ثوران شهوت نشود جایز است.

س ۴۲۰: گوش دادن به صدای زن خواننده برای مردان چه حکمی دارد (در صورتی که آواز از باب غنایی حرام نباشد)، مونتاژ این گونه تصنیفات بر روی فیلم یا تصویر خود خواننده چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ گوش دادن به شرط آنکه موجب ثوران شهوت نشود جایز است و همچنین مونتاژ آن.

«تلویزیون»

س ۴۲۱: لطفاً بفرمایید که حکم دیدن برنامه های صدا و سیما در مواردی که بی حجابی یا بدحجابی دارد، و یا اختلاط زن و مرد یا پسر و دختر می باشد، چیست؟ در صورتی که در بیننده تغییر پیدا شود یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست مطلقاً.

«ماهواره»

س ۴۲۲: نگاه کردن به برنامه های ماهواره ای کلا (چه خوب و چه بد) چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ برنامه های خلاف شرع آن از قبیل موسیقی، دیدن بدن لخت زنان و از این قبیل امور، حرام است.

«سی دی»

س ۴۲۳: در صورتی که کسی شرط کند که این نوار سی دی کامپیوتر دارای قفل است و تا مقداری از آن را می توان ببیند، لکن بعد از آن نباید قفل را بشکند چون امتیاز او به این قفل است، و اگر شکسته شود از بین می رود، حال اگر این شرط مراعات نشد و گیرنده سی دی قفل را شکست، آیا حرام است یا نه؟ بعد از شکستن او و آیا دیگران می توانند استفاده کنند یانه؟ و آیا ضمان دارد یا نه؟

ج : هو العالم; شکستن او و استفاده خود او و دیگران حرام است و ضمان هم دارد.

س ۴۲۴: در مدارسـی که الزاماً فیلم های جنسی به عنوان تعلیم و تعلم مسائل آن، نشان می دهند، دیدن این فیلم ها چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; با توجه به مفاسـدی که بر این فیلم ها مترتب شده و می شود یقیناً جایز نیست. اخیراً غربی ها هم در صددند که به واسطه آن مفاسد نمایش آن فیلم ها را در مدارس خودشان ممنوع کنند.

احکام بازی

«بازی های ورزشی»

س ۴۲۵: بـازی هـای ورزشـی سـخت و خطرناک هماننـد کاراته، کون فو، تکوانـدو، کشتی، بوکس و غیره، از نظر اسـلام چه حکمی دارد؟

ج : هو العـالم; چنـانچه احتمـال عقلائی در بـازی مخصوص باشـد که آن عمـل منجر به هلاکت نفس یا فلـج عضو مهمی از اعضاء بشود جایز نیست والا جایز است.

س ۴۲۶: ورزش هـایی در حـال حاضـر وجود دارد که ضـرب و شـتم در آنها در حـد بسـیار زیادی است بطوری که در موارد بسیاری باعث جراحت، سرخ شدن، کبودی و غیره می شود،

بفرمایید این ورزش ها چه حکمی دارند؟

ج : هو العالم؛ ورزش های مشتمل بر سب و شتم و ایراد جرح بر طرف، همه اینها حرام است، و جراحات وارده نیز دیه دارد به نحوی که در کتب فقهاء مقادیر آنها ذکر شده است.

س ۴۲۷: ورزش یا بازی با حیوانات که در بسیاری از موارد در حد فجیع باعث کشته شدن حیوانات می شود، مثلا ورزش بُزکشی، ورزشی است که در آن سوارکارانی با اسب به دنبال حیوان زنده (مثل بز) می روند وآن را گرفته در صدد انداختن در یک نقطه خاص هستند و این عمل به صورتی است که در بسیاری از موارد حیوان جان می سپارد، بفرمایید این بازی ها چه حکمی دارند؟

ج : هو العالم؛ به نظر ما این نوع ورزش ها که موجب ایذاء حیوانات می شود، جایز نیست.

«بازی های قماری»

س ۴۲۸: بفرمایید آیا بازی بیلیارد حرام است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه با برد و باخت باشد، بلی! حرام است.

س ۴۲۹: آیا به نظر حضرتعالی شطرنج از آلت قمار خارج شده است؟

ج : هو العالم؛ خیر، بازی با شطرنج ولو بدون برد و باخت از محرمات اکیده استولوازآلت قمارهم خارج شود،که نشده است.

س ۴۳۰: آیا بازی های کاغذی مانند اسم فامیل، منچ، شطرنج، دوز و غیره حرام است یا نه؟

ج : هو العالم؛ با برد و باخت حرام است، و بدون برد و باخت بازی با بعضی از آنچه ذکر شده است مانند شطرنج حرام است و در موارد دیگر جایز است.

س ۴۳۱: این که در رساله های عملیه چنین نوشته شده است:

«در صورتی که بازی یا ورزشی از

آلات قمار بودن خارج شده باشد اشکال ندارد» سؤال اینجانب این است که: ملاک خروج از آلات قمار بودن چیست؟

۱ آیا ملاک همه مردم دنیا هستند یا اکثریت آنها؟

۲ آیا ملاک همه مردم مسلمان هستند یا اکثریت آنها؟

و نیز سؤال این است که: آیا نباید احدی در این دنیا با این آلات، قمار کند؟

ج : هو العالم؛ قمار محرم عبارت است از لعب به هر چیزی که معد برای برد وباخت است، و یا برای این کار معد نیست، لکن با برد و باخت بازی شود. و اما اگر بدون برد و باخت بازی کنند که از آن در اصطلاح به مغالبه بغیر عوض و مسابقه بغیر رهان تعبیر می شود. این مغالبه چند مورد دارد:

۱ مغالبه به آلات غیر معد بر قمار؛ این عمل در بعضی موارد مستحب است همانند موارد سبق و رمایه و در بقیه موارد فی حد نفسه جایز است، اگر عنوان اضرار به نفس یا غیر بر آن صادق نباشد. اگر عنوان اضرار بر آن منطبق شود حکم آن بدین گونه مترتب می شود، که به نظر ما اگر اضرار به نفس به نحو هلاکت و یا فلج شدن عضوی باشد، حرام است و الا حرام نیست. و اما اضرار به غیر اگر ابتدایی باشد حرام است، و اگر در مقابل اضرار شخص به حد مماثل آن به او باشد اشکال ندارد، مثل کسی به شما سیلی بزند شما حق دارید به همان گونه که او سیلی زده است، سیلی بزنید.

۲ مغالبه با آلت معد بر قمار باشد بعضی از موارد آن مانند شطرنج و همچنین نرد به مقتضای

روایات کثیره حرام است.

و در بقیه موارد جماعتی از فقهاء به حرمت فتوی داده انـد مادامی که صدق آلت قمار بکند. اما به نظر ما اگر عنوان محرمی بر آن لعب و بازی صدق نکند، حرام نیست.

س ۴۳۲: آیا برد وباختی که موجب حرمت انواع بازی ها می شود تنها به گرفتن و دادن مبلغی پول و...محقق می شود؟

و آیا بازی هایی که هیچ فایده ای بر آنها نیست و ثمره ای جز تضییع اوقات و اتلاف نیروها ندارند و بعضاً باعث ایجاد بغض و عداوت که مقصود اصـلی شـیطان است می شود و صـرفاً جهت برد وباخت انجام می شود ولو پولی مبادله نشود آیا محکوم به حلیت اند؟ و آنگاه مفهوم مسأله ای که مرحوم شیخ در مکاسب می فرماید: «اگر بازی های بیهوده و بی فایده موجب شادی و غفلت مفرطی شود که انسان را از خدا بی خبر و لا ابالی سازد حکم قمار را دارد»، چیست؟

ج : هو العـالم; بـازی هـای بـدون برد وبـاخت بـا آلات، حرام نیست و جواب فرمایشات شـیخ اعظم را در کتاب فقه الصادق و منهاج الفقاهه نوشته ام، بلی در خصوص بازی با شطرنج بدون برد و باخت هم حرام است.

«احکام زمین ها»

س ۴۳۳: زمین های ایران جزو مفتوحه عنوه است یا انفال؟ و آیا دارای احکام شرعی خاصی می باشد؟

ج : هو العالم; مفتوحه عنوه بودن معلوم نیست، به هر حال حکم آنرا ندارد. و انفال هم اولا مختص به اراضی موات است وثانیا به شیعه در تملك به احیاء بلا عوض اجازه داده شده، بنابراین حکم خاصی ندارد.

س ۴۳۴: آیا زکاه

همان خراج و مقاسمه ای است که به امام (ع) باید بابت زمین های مفتوحه عنوه داده شود؟

ج : هو العالم؛ خیر، زکات غیر خراج و مقاسمه است.

س ۴۳۵: چراگاهی (قطعه زمینی) بین دو قریه از قدیم الایام مشترک بوده و هست و نیز در کاغذهای دولتی هم بنام هر دو قریه می باشد.وچراندن گوسفندان، آوردن چوب سوختنی و بردن گاوها در تابستان به آنجا به صورت مشترک صورت می گرفته است. اکنون با توجه به موارد ذکر شده فوق لطفاً بفرمایید:

آیا اهالی یک قریه می توانند دیگری را از آوردن چوب و چرانیدن گاوها و گوسفندان منع کنند؟

ج : هو العالم؛ خیر نمی توانند.

س ۴۳۶: در فرض نزاع آیا بعضی از افراد اهل قریه می توانند بدون اجازه همه اهل قریه از حقشان دست بردارند یا خیر؟

ج : هو العالم؛ مانعی ندارد.

س ۴۳۷: اگر طرفین در حین نزاع به عالم آن منطقه رجوع کنند. آیا آن عالم حق دارد یکی را مجبور به دست برداشتن از حقشان کند؟ یا خیر؟

ج : هو العالم؛ می تواند تقاضاکند،ولی مجبورنمی تواندبنماید.

س ۴۳۸: اگر عالمی بدون ثابت شدن حق یکی، علی الاعلان طرف مقابل را حمایت کند. دراین صورت آیا عدالتش باقی می ماند یا نه؟ نماز خواندن پشت سر آنها جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه احتمال بدهید که بر آن عالم ثابت شده است، این عمل موجب سلب عدالت نمی شود.

س ۴۳۹: اگر حیوانی را بکشند، قیمت آن را ضامن می شوند یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی ضامن می شوند.

س ۴۴۰: به علت نزدیک بودن چراگاه ها، اگر حیوانات در چراگاه

های یکدیگر بروند در این فرض کشتن و اذیت کردن حیوانات جایز است یاخیر؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

س ۴۴۱: آیا اهل قریه یا چراگاه یا مالک راه را می توانند از آمدن حیوانات به ملکشان ببندند و یا دیوار بزنند؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۴۴۲: چراگاهی در دفاتر دولت بنام یک قریه مخصوص می باشد و در تصرف آن قریه است. قریه دیگری در مقابل آن چراگاه و آن طرف رودخانه است. فقط در زمستان که رودخانه کم آب می شود برای عبور پل چوبی به رودخانه می زنند حالا- گروهی از آن قریه دعوی می کنند که، ما قبلا چون وقت خریف گوسفندان می چرانیدیم پس چراگاه مال ماست. آیا اهالی آن قریه چنین حقی را دارند یا خیر؟

ج : هو العالم؛ خیر ندارند.

س ۴۴۳: پل زدن در زمستان برای عبور مردم، حق کلی را ثابت می کند یا خیر؟

ج:هوالعالم؛پل زدن فی نفسه اشکال ندارد.ولی حقی ایجادنمی کند.

س ۴۴۴: با وجود عدم رضایت مالکین چراگاه، پل زدن روی رودخانه جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه از سابق چنین بوده، جایز است.

س ۴۴۵: بر فرض گفته آنان، چرانیدن و چوب بردن در غیر وقت مخصوص جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

س ۴۴۶: تقسیم بندی دولت و در دفتر آنان به نام یک قریه بودن اثری در حکم شرعی دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی دارد.

«احکام وقف»

س ۴۴۷: شخصی یک میلیون تومان را وقف می کند که درآمد آن از راه مضاربه به مصرف مسجد برسد:

۱ آیا این وقف صحیح است؟ اگر وقف نباشد

انصراف به چه معامله ای دارد؟

۲ آیا وصیت حساب می شود؟

۳ برفرض صحت، اگر پول مزبور درآمد نداشت تکلیف چیست؟

ج : هو العالم؛ در وقف شرط است که مال موقوفه تبدیل نشود، پس وقف پول به عنوان ذکر شده، باطل است. و وصیت هم حساب نمی شود و اگر هم وصیت باشد چون کار شرعی مورد وصیت نیست، در صورت نداشتن درآمد قهراً باطل است و بنابراین مال ورثه است.

س ۴۴۸: زمینی است که برای امور خیریه وقف شده. و حال به خاطر خشکسالی و کم آبی و بعضی مسائل دیگر، هیچ کس حاضر نیست این زمین وقفی را احیاء نماید، در نتیجه بعد از چند سال این زمین از بین می رود. آیا مجاز هستیم این زمین را بفروشیم و وجه آن را صرف امور خیریه بنماییم؟

ج : هو العالم؛ جایز است به فروش برسانید. چون موقوفه از حیز انتفاع افتاده است.

س ۴۴۹: ظروفی هستند که وقف عمومی محل شده، حال تبدیل به احسن کردن این ظروف و ظروف کهنه شده دیگر چه صورت دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۴۵۰: به عرض حضرتعالی می رساند شخصی در یک روستا باغ مشجری را وقف کرده که عاید آن را هر سال در مسجد محل خرج نمایند و آن باغ وصل به همان مسجد است. و از طرفی، آن روستا غسالخانه ندارد آیا می شود در زمین آن باغ غسالخانه ساخت یا نه؟

ج : هو العالم؛ چنانچه غسالخانه مضر به عایدی آن باغ باشد، ساختن آن جایز نیست، ولی اگر مضر نباشد ولو به اینکه مبلغی را از اولیاء اموات برای مصرف در

مسجد بگیرند، در این صورت اشکال ندارد مگر آن که در آن وقف نامه تصریح شده باشد که باید درخت کاشته و از عایدی خصوص درخت کاری صرف مسجد شود که در این صورت مطلقاً جایز نیست.

س ۴۵۱: قطعه زمینی موقوفه به حدود هزار متر است، که به بهای بسیار ناچیز اجاره داده شده است. و وجه الاجاره آن توسط متولی، صرف روضه خوانی حضرت خامس آل عبا (ع) می شود. وضعیت موقوفات در بعضی از شهرها این گونه است که ثلث قیمت رقبه آن را اداره اوقاف از مشتری می گیرد و مابقی آن را به خود مشتری اجاره می دهد. اما موقوفه مشارالیها چنین موقعیتی ندارد.

از طرفی، اداره برق در نظر دارد در آن زمین دکل تقویت و توزیع برق نصب نماید، با توجه به مطالب فوق، فروختن مقداری لازم از این موقوفه و صرف وجه آن در روضه خوانی یا احداث بناء در باقیمانده زمین، به صورتی که این عمل موجب افزایش اجاره بها هم خواهد شد، چگونه است؟ لطفاً به طور مشروح نظر مبارک را بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه ممکن است اجاره طویل المدت به اداره برق بدهید و پول تمام مدت را جلو بگیرید، و اگر ممکن نیست اجازه می دهم بفروشید و پول آن را به همان مصرفی که معین شده است برسانید و اگر معلوم نیست به چه مصرف باید برسد در مطلق وجوه بِرّ صرف شود و بهتر این است که به همان روضه و احداث بناء در باقی مانده زمین اختصاص یابد.

س ۴۵۲: آیا شخصی که ملکی را وقف می کند باید وقف نامه

جداگانه داشته باشدکه در آن نوشته باشد که در حال حیات عمل به وقف نموده است یا عمل به وقف در حال حیات شرط نیست همین که در وصیت نامه نوشته است که وقف بر امام حسین (ع) کردم کافی است؟

ج : هو العالم; همان که در حال حیات وقف کند ولو چیزی ننویسد وقف صحیح است و عمل به آن هم شرط نیست.

س ۴۵۳: شخصی از دنیا رفته است که اولادی ندارد و ورثه او عیال ومادرش می باشند. متوفی در زمان حیات یک باب خانه برای عیالش خریده وسند آن را به نام او زده است و یک خانه دیگر نیز داشته که در آن زندگی می کردند. شخص متوفی وصیت نامه ای با خط و امضای خودش دارد که دو نفر را وصی خود قرار داده و دو نفر را هم ناظر تعیین نموده و در آن وصیت نامه نوشته است که این خانه مسکونی خود را وقف بر امام حسین (ع) قرار دادم که بعد از فوتم وصی های من آن را بفروشند و پولش را در هر سال در عزاداری ابا عبدالله الحسین و سایر ائمه اطهار (ع) خرج بنمایند، اینک در این موضوع چند سؤال داریم، از جنابعالی تقاضا می شود جواب آن را مرقوم بفرمایید.

آیا این وقف صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم; چنانچه در زمان حیات وقف نموده و شرط نموده که وصی بعد از موت او بفروشد و صرف نماید هم وقف صحیح است و هم شرط.

س ۴۵۴: آیا وصیت به مازاد بر ثلث نافذ است یا نه؟

ج : هو العالم; وصیت زاید بر ثلث نافذ نیست، ولی آن

نحو که در سؤال نوشته شده وصیت به وقف نیست. بلکه در حال حیاه خودش وقف نموده و وصیت کرده است آن را بعد از مردن خودش بفروشند، بنابراین هیچ مانعی از عمل به وصیت نیست. بعد بفروشند و صرف در عزاداری کنند.

س ۴۵۵: بر فرض صحیح بودن وقف منزل آیا باید همان را باقی گذاشت و در آمد اجاره آن را صرف در عزاداری نمود یا به همان نحو که در وصیت نامه است، وصی ها موظفند بفروشند و پولش را در عزاداری خرج نمایند؟

ج : هو العالم; با فرض آن که در وقف شرط کرده وصی بفروشد، باقی گذاشتن ملك وجهی ندارد. باید بفروشند و صرف عزاداری بنمایند.

س ۴۵۶: اگر فروش خانه درست باشد آیا تمام پول خانه را صرف در عزاداری بنمایند یا ثلث پول آن را؟

ج : هو العالم; باید تمام پول خانه را صرف در عزاداری بنمایند بلی اگر در حال حیات وقف نکرده است و وصیت نموده، که باید ثلث قیمت را صرف در عزاداری بنمایند و بقیه را به ورثه بدهند ولی این خلاف فرض سؤال است.

س ۴۵۷: شخص مسلمانی انبار بزرگی را به مؤسسه ای به نام مرکز «ایرانی اسلامی امام علی (ع)» در شهر تورنتو کانادا واگذار می نماید به این منظور که جهت امور عبادی و اجتماعی جامعه ایرانیان مسلمان ساخته و مورد بهره برداری قرار گیرد.

در حین انجام صیغه وقف دائم، مسؤول مرکز «ایرانی اسلامی امام علی (ع)»، آقای....، مادام العمر به عنوان متولی از سوی واقف تعیین می شود. ایرانیان هم از روی اعتمادی که به مسؤول مرکز مذکور داشته و

دارند کمک های خود را در اختیار مؤسسه ایشان قرار داده وایشان شخصاً اقدام به ساختن بنایی شامل مسجد، کتابخانه، سالن اجتماعات، سالن غذاخوری، آشپزخانه، بخش آموزشی، سالن ورزشی و همچنین غسالخانه می نماید.

اینک حدود دو سال است که مورد بهره برداری قرار گرفته و مورد استقبال ایرانیان مسلمان می باشد و تاکنون افراد کثیری از ادیان و یا مرتدین را به اسلام آشنا نموده ومسلمان کرده است. با توجه به مقدمه فوق خواهشمند است نظر خود را راجع به سؤالات ذیل اعلان فرمایید: آیا نماز خواندن و عبادت در مسجد ساختمان مزبور منوط به رضایت واقف زمین می باشد و یا آنکه پس از خروج از ملکیت به دلیل وقف، تابع رضایت او نمی باشد؟

ج:هوالعالم؛نمازخواندنوعبادت منوط به رضایتواقف نیست.

س ۴۵۸: آیا جایز است ساختمان مزبور که با صرف حدود یک میلیون دلار توسط مرکز مذکور بنا شده است توسط واقف زمین (مالک پیشین) باز پس گرفته شود و یا از تصرف مرکز «ایرانی اسلامی امام علی (ع)» و مسؤولش خارج شده، و بدون رضایت مسؤول مرکز در اختیار گروه دیگر قرار گیرد؟

ج : هو العالم؛ واقف چنین اختیاری ندارد.

س ۴۵۹: آیا دخالت واقف زمین (مالک پیشین) یا نمایندگان او در ساختمان مزبور شرعاً جایز می باشد؟

ج : هو العالم؛جایز نیست، مگر آنکه آن مؤسسه در اول أمر در ضمن عقد چنین اختیاری به او داده باشند که ظاهر سؤال این است که نداده اند، پس جایز نیست.

س ۴۶۰: آیا تصرف گروه های دیگر اعم از ایرانی و غیر ایرانی در ساختمان مزبور که توسط مرکز مذکور بنا شده است، بدون اجازه مسؤول مرکز

جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

س ۴۶۱: با توجه به اهمیت و خدمات چشمگیر مرکز که یکی از موفقترین مراکز دینی در امریکا و کانادا محسوب می شود و محل وحدت مسلمانان در جهت احیای اهداف دینی و عبادی بوده است، آیا ایجاد شکاف و تفرقه بین مسلمانان از گناهان صغیره یا کبیره می باشد؟

ج : هو العالم؛ ایجاد شکاف و تفرقه بین مسلمانان با اعمال خلاف وظیفه شرعیه، مسلماً جایز نیست و گناه کبیره است.

س ۴۶۲: شخص نیکوکاری قصد دارد منزلش را حسینیه کند، لکن طبقه فوقانی آن را برای خود و فرزندانش نگهدارد، نحوه وقف او باید به چه نحوی باشد؟

ج : هو العالم؛ وقف را به همانگونه که قصد دارد اظهار می کند و طبقه فوقانی وقف نمی شود .

س ۴۶۳: در خرمشهر رسم است یک اتاق منزل را به عنوان حسینیه در نظر می گیرند آیا با اقامه عزای حسینی در آن، وقف خواهد شد و از ملکیت آنها بیرون خواهد رفت یا مثل نمازخانه در منزل خواهد بود؟

ج : هو العالم؛ به مجرد این جهت، وقف محقق نمی شود مگر این که قصد وقفیت بنماید ولو به عمل اظهار هم بنماید.

س ۴۶۴: زمینی موقوفه (امام حسین (ع)) است که فرزندان مرحوم واقف قصد اجاره دادن به شهرداری، فروختن آن زمین و در عوض آن، خرید زمینی که از موقعیت بهتری در شهر برخوردار است، جهت ساخت و ساز دارند که منافع در هر دو صورت جهت مصارف حسینیه و عزاداری امام حسین (ع) صرف خواهد شد. خواهشمندیم در صورت شرعیت این اعمال تصریح بر

مطلب بفرمایید و ضمناً در صورت عدم جواز شرعیت این اعمال، شهرداری اقدام به مصادره آن خواهد نمود که در این صورت جزء اموال عمومی خواهد شد که بر خلاف نظر مرحوم واقف بوده است؟

ج : هو العالم؛ با اطمینان به اینکه موقوفه در معرض مصادره است فروختن آن و خرید محلی دیگر برای صرف در عزاداری امام حسین (ع) و در بنای حسینیه جایز است.

«احکام مسجد و حسینیه»

س ۴۶۵: استعمال سیگار در مکانهای مقدس همانند مسجد، حسینیه، حرم ائمه اطهار (ع) و حرم امام زادگان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که اهانت باشد جایز نیست و الا حرمت ندارد، ولی خلاف احترام است که قطعاً ترکش بهتر است.

س ۴۶۶: آیا وقایع معصومین (ع) یا وقایع کربلا و مسلم بن عقیل را می توان در مسجد نمایش داد؟

ج : هو العالم؛ مانعی ندارد.

س ۴۶۷: پولی از مردم مثلا جهت خرید بلند گوی مسجد جمع آوری می شود و چون همان ایام شخصی بلند گویی به مسجد هدیه می کند، نیاز به خرید آن برطرف می شود. آیا با آن پول می توان وسیله دیگری مثل فرش برای مسجد خرید؟ با توجه به اینکه به بسیاری از کسانی که اعانات از آنان جمع آوری شده دسترسی نیست تا استرضاء شود، وظیفه چیست؟

ج : هو العالم؛ می توان وسیله دیگری برای مسجد خرید، نهایتاً در صورت امکان احتیاطاً از پول دهنده ها اجازه گرفته شود، البته لازم نیست.

س ۴۶۸: از حضرتعالی استدعا می شود جواب شرعی سؤالات زیر را مرقوم فرمایید: آیا در صورت عدم امکان گسترش ساختمان یک مسجد، می توان مسجد را در محل

دیگری غیر از مکان مسجد فعلی بنا نهاد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ ساختن مسجد در محل دیگری مانعی ندارد، ولی آن مسجد کوچک را نمی توان به آنجا منتقل نمود.

س ۴۶۹: در صورت مجاز بودن آیا تخریب مسجد جایز است یا خیر؟ در صورت بدون استفاده ماندن مسجد قبلی به علت عدم تکافوی جمعیت، چه حکمی خواهد داشت؟

ج : هو العالم؛ اگر ممکن است همان مسجد را توسعه دهند بهرحال مسجد با موقوفه های دیگر فرق دارد و قابل خروج از مسجدیت نیست ولی استفاده های دیگر می توان از آن نمود.

س ۴۷۰: در صورت تخریب مسجد به هر علتی، آیا زمین همان مسجد حکم مسجد را دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی حکم مسجد دارد ولی معلوم نیست ازاله نجاست واجب باشد و نمی شود فروخت، ولی استفاده دیگر ولو به اجاره دادن مانعی ندارد.

س ۴۷۱: آیاهیأت امناءمسجداجازه فروش زمین به منظوردفن افرادرادارندیاخیر؟

ج : هو العالم؛ نخیر ندارند.

س ۴۷۲: اگر زمین مذکور توسط فرد خیری به منظور ایجاد قبرستان وقف برای صرف در مصالح مسجد شده باشد، در این صورت فروش زمین قبرستان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ باید به نحوی که وقف شده است عمل شود و اگر نمی شود استفاده از آن زمین نمود، می توانند با اجازه حاکم شرع بفروشند و خرج مسجد نمایند.

س ۴۷۳: به محضر مبارک می رسانیم که ما یک مسجد قدیمی به نام انصار المهدی داریم اما چندین سال است که شهرداری از نوسازی و تعمیر این مسجد جلوگیری کرده است. به همین جهت بعضی جوان ها می گویند که نماز

خواندن در این مسـجد جایز نیست، شهرداری می خواهد مسجد را خراب کند و خیابان درست کند بفرمایید که فعلا وظیفه ما چیست؟

ج : هو العالم; نماز خوانـدن در آن مسـجد صـحیح است و تخریب بر شـهرداری تا مجوزی از یک مجتهـد نداشـته باشد حرام است.

س ۴۷۴: از قدیم الایام در روسـتایی مسجدی بوده که چند سال پیش بر اثر زلزله دیوارهای آن ترک خورده بود و اخیراً بر اثر بارنـدگی خراب گردیـده است، از طرف وزارت راه و جهـاد و بخشـداری زمین آن حریم جـاده تعیین شـده است که به مـتراژ هفت مـتر و نیم در محـدوده جـاده قرار می گیرد بـا این حـال اهـالی روسـتا برای نوسـاز نمودن آن پول جمع آوری نمودنـد و خودشان به متراژ پانزده متر و نیم برای جاده از زمین مسـجد بیرون انـداخته و در تهیه آن سـتون ها را گذاشـته اند و دیوارها را بالا آورده اند، لکن از طرف وزارت راه مانع احداث آن شده اند و می گویند باید خراب شود.

حضـرتعالی بفرماییـد آیا اجازه دارنـد این مقـدار بنای مسـجد که با پول مردم با زحمت ساخته شـده است را خراب کننـد، آیا تخریب مسجد جایز است؟

ج : هو العالم; در فرض سؤال حق ندارنـد مسـجد را خراب کنند، و اگر هم این خلاف را مرتکب شوند، ضامن هسـتند و باید مصارفی که مردم کرده اند برگردانند.

س ۴۷۵: عـده ای از مؤمین محل جمع شدنـد زمینی را به عنوان حسـینیه خریـده اند و برای احداث آن در اولین جلسه عده ای پول نقد دادند و عده ای هم نسیه اسم نویسی کردند اما پس از پی

ریزی کردن عده ای از همان مؤمنین گفته اند اینجا را مسجد کنیم، پس اکثر اهل محل به مسجد شدن رأی دادند و ساختمان آن به اسم مسجد علی اکبر با کمک های مردمی به اتمام رسیده و اکنون پنج سال است بنای آن به اسم مسجد دایر و مورد استفاده می باشد، حال چند نفر می گویند ما به اسم حسینیه پول دادیم تا این بناء حسینیه باشد لطفا نظرتان را مرقوم فرمایید؟

ج : هو العالم؛ مسجد بودن با حسینه که مراد عزاداری امام (ع) درآنجا باشد منافات ندارد، بنابراین مسجد است ولی باید مانع از عزاداری هم در آنجا نشوند.

س ۴۷۶: به یکی از مساجد بازار تبریز گازرسانی شده و چندین مغازه هم که متصل به همان مسجد هستند و از نظر ملك هم مال همان مسجد هستند، می خواهند از مسجد انشعاب گاز بگیرند. حال بفرمایید: آیا صاحبان مغازه ها که سرقفلی مغازه ها برای خودشان است، شرعاً می توانند از شبکه گاز مسجد، برای مغازه ها انشعاب ببرند و استفاده کنند؟

ج : هو العالم؛ چنانچه فوائد آن مغازه ها درمسجدصرف می شود و به واسطه انشعاب دادن گاز، نفعی ولو به زیاد کردن اجاره عائد مسجد می شود، انشعاب مانعی ندارد، والا جایز نیست.

«احکام نذر»

س ۴۷۷: اگر شخصی از طرف دیگری بدون آن که آن شخص دیگر خبر داشته باشد نذر کند سپس قبل یا بعد از قبولی نذ...به آن شخص اطلاع دهد، آیا عمل به نذر بر آن شخص واجب است؟

ج : هو العالم؛ بلی، در صورت قبولی عمل به نذر لازم است. و اگر قبول نکرده واجب نیست.

س

۴۷۸: اگر کسی نذر کند که چند روز اول ماه محرم را روزه بگیرد و درماه محرم یادش برود و بعد یادش بیاید لکن از روی ندانستن مسئله روزه را نگیرد به امید اینکه سال آینده آن را می گیرد. اما حالا که روزها طولانی شده نمی تواند روزه بگیرد با اینکه شخص می توانسته مسئله را بپرسد تکلیف او چه می باشد؟

ج : هو العالم؛ شخص مذکور چنانچه یادش برود خلاف شرع نکرده والا خلاف شرع است. به هر حال باید قضاء نماید و در فرض دوم کفاره هم لازم است. یعنی اگر یادش نرفته و از روی جهل روزه نگرفته کفاره هم لازم است چون به آن نحو که سؤال شده جاهل مقصراست.

(ت) س ۴۷۹: اگر کسی به جای نامعلومی برود که خانواده اش نگران شوند و یکی بگوید: اگر پیدا شد به زیارت مشهد مقدس برود، آیا برای شخص مذکور که برایش نذر شده است عمل به نذر واجب است یا نه؟

ج : هو العالم؛ خیر واجب نیست.

س ۴۸۰: اگر کسی برای امام یا امام زاده یا زوار آنها چیزی مانند گوسفند، شیرینی و غیره، نذر نمود به چه وجهی باید مصرف شود؟

ج : هو العالم؛ خرج هر کار خیری می شود نمود که ثوابش عاید همان کسی باشد که نذر شده است.

(جواب گنگ) س ۴۸۱: لطفاً بفرمایید باقیمانده نذورات یا هدایای مجلس امام حسین (ع) را چه باید کرد؟

ج : هو العالم؛ باید صرف در مطلق وجوه بریه نمود.

(گنگ) س ۴۸۲: کسی که نذر کرده روز پنج شنبه روزه بگیرد اگر روز جمعه یادش بیاید و شک کند آیا پنج شنبه

را روزه گرفته است یا نه؟ در این فرض از شک آیا قاعده اشتغال ذمه جاری است یا به دلیل اینکه «الوقت حائل» قاعده حیلوله؟

ج : هو العالم؛ قاعده فراغ جاری است و به مقتضای قاعده بنا می گذارد که گرفته است جای قاعده اشتغال و قاعده حیلوله نیست.

س ۴۸۳: شخصی گوسفند معینی را نذر کرده که در فرض برآورده شدن حاجت قربانی کند، اما مدت طولانی است که حاجتش روا نگردیده و از طرفی این گوسفند مشکل آفرین شده و تولید دردسر می کند. آیا می تواند آن را بفروشد و در فرض قضای حاجت، مشابه آن را بخرد و ادای نذر نماید؟

ج : هو العالم؛ خیر، مگر آنکه نگه داشتن آن موجب ضرر و حرج گردد، در این صورت می تواند بفروشد و به معادل قیمت آن در فرض قضاء حاجت گوسفندی را خریده ذبح نماید.

«احکام قسم»

س ۴۸۴: اگر شخصی شخص دیگری را وادار کند که این داروها را به مریض بدهد و قسم هم بدهد که حتما به مریض داده شود، ولی شخص دیگر می داند که داروها مضر به حال مریض می باشد، آیا می تواند تخلف کند و به مریض ندهد؟

ج : هو العالم؛ نباید بدهد و اگر بدهد خلاف کرده است.

(جواب گنگ) س ۴۸۵: در موقع صلح دادن میان مترافعین و متنازعین، آیا گرفتن بیان از طرفین ودر صورت نیاز قسم دادن آنها برای صلح دهنده جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ قسم دادن اشکال ندارد، ولی گرفتن بیان را نفهمیدم یعنی چه.

«احکام اموال»

«اموال پیدا شده»

س ۴۸۶: لطفاً بفرمایید مالی که پیدا شده درباره آن مال چگونه عمل کنیم؟

ج : هو العالم؛ چنانچه مانند اسکناس بی علامت است پیدا کننده تملک نماید یعنی بقصد اینکه ملک خودش شود بردارد. و اگر نشانه دار است و قیمت آن از ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار کمتر است چنانچه صاحبش معلوم نیست می تواند به قصد این که ملک خودش شود بردارد، و در صورت باقی بودن مال اگر صاحب آن پیدا شد به او برگرداند، و اگر باقی نیست لازم نیست عوض آن را بدهد. و اگر قیمتش از ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار بیشتر است باید تا یک سال اعلام کند و مقتضای احتیاط این است که از روزی که پیدا کرده است تا یک هفته روزی چند مرتبه و بعد تا یکماه، هفته یک مرتبه و بعد تا یک سال ماهی یک مرتبه در محل اجتماع مردم خودش یا کسی که به او اعتماد دارد اعلان کند چنانچه

صاحبش پیـدا شـد به او دهـد، اگر پیـدا نشد سه نحو می تواند عمل کند: ۱ مـال را برای خودش بردارد بقصـد آنکه وقتی که صاحبش پیـدا شـد عوض آن را به او بدهد ۲ برای او نگهـداری کنـد هر وقت صاحبش پیـدا شد عوض آن را به او بدهد ۳ از طرف صاحبش صدقه بدهد.

س ۴۸۷: اگر برای مدیون صاحب دین مجهول شد آیا می تواند از طرف او صدقه بدهد یا به حاکم شرعی بدهد؟

ج : هو العالم; با اجازه حاکم شرع صدقه بدهد، مشروط به اینکه اگر صاحبش پیدا شد به او بدهد.

«اموال نامشروع»

س ۴۸۸: زنی که در دوران جهـل و بی بنـدوباری از راه نامشـروع پول هـایی به دست آورده والان توبه کرده و ازدواج نموه و آن پولهـا را به دست انسـان خیری سـپرده، گرچه سپردن این مبلغ داعی برای کمـک نمودن او شـده، لکن شـخص خیر اظهـار داشـته که این مبلغ را که به تـو می دهم برای این است که دیگر خلاـف ننمـایی یعنی فی الواقع به عنوان سود پول هـا نیست، حال بفرمایید:

آیا گرفتن این مبلغ برای او جایز است؟

ج : هو العالم; پولی که به این عنوان گرفته حلال است.

س ۴۸۹: بـا اصـل پول بـا توجه به اینکه بعضـی ها را فریفته و به عنوان مهرمتعه دریافت نموده چه کنـد؟ با آنکه فی الواقع بغیه بوده ولو احتمالاً متدینین فریب خورده راضـی باشند که به هر حال مبلغ برای خودش باشد لکن بعضی هم که اهل خلاف بوده اند: اولا پیدا کردن آنها مشکل است؟

ج : هو العالم; چنانچه متدینین فریب خورده راضی باشند که مال

او باشـد حلال است و آن دیگران چنانچه نتوانند آنها را پیدا کنند باید به عنوان مجهول المالك به دست مجتهد یا وکیل او به مصرف برسانند.

س ۴۹۰: بر فرض یافتن، ایشان با توجه به آن سوابق از او تقاضای خلاف می کننـد و برای او دردسـر درست می کنند، در این صورت چه وظیفه دارد؟

ج : هو العالم؛ آن پول ها را چنانچه نمی تواند رضایت مالکین را جلب کند به هر وسـیله ممکن به آنها برگرداند. و یا رضایت آنها را ولو در همان وقت عمل احراز کند که در این صورت اشکال ندارد.

«اموال غصبی»

س ۴۹۱: شخصـی از پشت بام همسایه اش چنـد عدد موزاییک ساختمانی بدون اجازه برداشـته است که البته این مقدار مصالح برای همسایه مازاد و بلا اسـتفاده بوده، بعد از آن این شخص منزل همسایه را خریداری می کند که فروشنده آن مقدار مصالح ذکر شـده را بـا خود می برد آیـا در حـال حاضـر این شـخص (خریـدار فعلی منزل) قبلاـ فعـل حرام انجام داده و بایـد رضایت صاحب قبلی منزل را جلب کند با وجود این که الان خودش مالك می باشد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه در آن وقتی که مصالح را برداشته، علم به اعراض مالك یا به رضایت او داشته و او هم تملك نموده، و یا فعلا علم به رضایت دارد لازم نیست جلب رضایت او، والا لازم است.

س ۴۹۲: در صورت غصب مال غیر آیا غاصب علاوه بر خود مال ضامن منافع آن نیز می باشد؟

ج : هو العالم؛ هم ضامن منافع مستوفی است وهم ضامن منافع غیر مستوفاه. یعنی هم

ضامن منافعی است که استفاده کرده است و هم منافعی که هدر رفته مثلا ـ در خانه زندگی نموده یا درب خانه را بسته و استفاده نکرده است.

س ۴۹۳: آیا می توان در خانه های نیمه مخروبه که شهرداری برای احداث خیابان، خراب کرده است واز مالك خریده است موقتاً تصرف و سکونت کرد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه خریده است، لابد مالك می شود، پس بدون اجازه اونمی شودسکونت نمودمگردرصورت علم به رضا.

«احکام وصیت»

س ۴۹۴: میتی وصیت کرده است که من یك قرآن قیمتی دارم با خودم دفن کنید لکن وارث ها در این امرنزاع دارند بعضی آن را قبول ندارند، وصیت میت به لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اگر همان یك قرآن را دارد آن حبوه و مال پسر بزرگتر است و چنانچه او قبول ندارد وصیت باطل است.

س ۴۹۵: میت وصیت کرده که تا فرزند عقب افتاده او زنده است خانه اش را که تنها ماترك اوست نفروشند و این فرزند از سکنا یا کرایه او استفاده کند لکن ورثه راضی نیستند و می گویند خانه فروخته شود و سهم الارث هر وارثی داده شود لطفا حکم شرعی مسئله را بیان کنید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه وصیت را قبول نموده اند باید به آن عمل کنند و اگر از اول قبول نکرده اند چون وصیت در یك سوم مال صحیح است این فرزند نسبت به یك سوم به اضافه آن حصه که خودش به ارث می برد حق دارد و در مازاد آن حق ندارد. به هر حال ورثه حق فروش همه خانه را ندارند.

س ۴۹۶: آیا نذورات میت

را از اصل مال او می دهند یا از ثلث مال؟

ج : هو العالم؛ از اصل مال.

«احکام ارث»

س ۴۹۷: آیا زوجه از زمین مسکونی و غیر مسکونی ارث می برد، آیا بین ذات ولد و غیر آن در این مورد تفاوتی هست؟ در صورت ارث نبردن از عین و عرصه آیا می تواند از قیمت آن برخوردار شود؟

ج : هو العالم؛ زن از زمین و نیز از قیمت آن مطلقا ارث نمی برد.

س ۴۹۸: اگر وارث منحصر به زوجه بود علاوه بر فرض ارث می توان در عصر غیبت مابقی ما ترک را به او رد نمود؟

ج : هو العالم؛ در زمان غیبت هم مانند زمان حضور در صورت انحصار وارث به زوجه مابقی ماترک مازاد بر حصه زوجه مال امام (ع) است و به زوجه رد نمی شود و از جمله انفال است و مختار در انفال آن است که در خصوص اراضی به مقتضای روایات بر شیعه اباحه شده است ولی در غیر اراضی حکم سهم امام (ع) را دارد که باید با نظر مجتهد به مصرف برسد.

س ۴۹۹: لطفاً حکم این مسأله را بیان فرمایید: که پسری در جنگ تحمیلی مفقود شد. پدر و همسر و فرزندانش به امید حیات او سالها اقدام به تقسیم اموالش ننمودند تا اینکه پدر هم فوت کرد و از اموال پدر هم سهم پسر مفقود کنار گذاشته شده، حال پس از گذشته چند ماه از نابودی رژیم بعثی عراق و ناامیدی از وجود اسرای ایرانی در عراق، تکلیف ارث پدر از پسر یا پسر از پدر چیست؟ در حالی که پدر وصیت به ثلث اموال

خود نموده، و علم وظن وصی پدر وبازماندگان هم بیش از علم وظن نوعی دیگران نیست؟

ج : هو العالم؛ چنانچه از قرائن اطمینان پیدا کنند که پسر قبل از پدر شهید شده است او از پدرارث نمی برد، بلکه پدر از او ارث می برد، و اگر اطمینان پیدا نکنند، چنانچه از موقع مفقود شدن پسر که قهراً راهی برای کشف فوت او نداشته اند، تا وقتی که پدر درگذشته است، چهار سال تمام گذشته باشد، از ارث پدر به او نمی رسد، بلکه پدر ارث می برد، واگر کمتر از چهار سال باشد او از پدر ارث می برد و پدر از پسر ارث نمی برد.

س ۵۰۰: چنانچه فرزند و پدر هر دو در یک زمان رحلت کنند ارث پدر به اولاد و فرزند مرحوم به چه صورت می باشد نظر مبارک را بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه معلوم نباشد که کدام یک قبل از دیگری فوت شده است، هر کدام از دیگری ارث می برد یعنی فرض می شود بعد از او فوت شده است. و اگر می داند که در یک زمان و یک آن فوت شده اند هیچ کدام از دیگری ارث نمی برد.

س ۵۰۱: اگر زوجه دائمی تنها وارث مرد باشد و مرد همه مایملک خود را برای همان زوجه اش وصیت کند این وصیت تا چه میزان نافذ است؟

ج : هو العالم؛ در فرض سؤال ربع مال میت از باب ارث به زوجه می رسد و وصیت نیز تا ثلث مال نافذ است و در مازاد باید وارث تنفیذ کند. و در مورد سؤال وارث امام (ع) است بنابراین

مازاد بر ثلث به امام (ع) می رسد، که در حال غیبت باید به مجتهد پرداخت شود، یا او وصیت را تنفیذ نماید.

س ۵۰۲: اگر وصیت کننده وارث نداشته باشد و همه مایملک را به نفع غیر وصیت کند این وصیت تا چه میزان نافذ است؟

ج : هو العالم؛ در فرض سؤال دو ثلث مال به امام (ع) می رسد و یک ثلث به همان کسی که وصیت شده داده می شود و در دو ثلثِ امام (ع) به مجتهد رجوع شود.

س ۵۰۳: شخصی فوت کرده و وارثش در طبقه سوم به این قرار است:

۱ سه نفر خال «دایی» پدری.

۲ دو پسر عمه پدر و مادری.

۳ یک پسر عموی پدر و مادری.

حال کدام گروه مقدم است بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ این مسأله معرکه آراء و اقوال مختلفه است، به نظر اینجانب با وجود خال، پسرهای عمه و پسر عمو ارث نمی برند. تمام ما ترک مال خال «دایی» است.

۲ «ارث غرقی و مهدوم علیهم»

س ۵۰۴: در ارث غرقی و مهدوم علیهم که با شرائطی بین آنها توارث است لکن مشهور توارث را فقط از اصل ترکه می دانند نه از آنچه به ارث از طرف آخر به آنها منتقل شده ولی شیخ مفید و سلار توارث را هم از اصل ترکه و هم از ارثیه احد هما من الاخر می دانند که یکی از ادله آنها تقدیم اضعف و اقل نصیباً بر اقوی و اکثر ارثاً هست که فرموده اند: فائده اش تنها در این صورت ظاهر می شود که از ما ورث احد همامن الاخر نیز توارث باشد. حال سؤال این

است که:

درتفسیر تقدیم اضعف می فرماید مثلا اگر زوج و زوجه ای یا اب و ابنی با یکی از این دو سبب بمیرند باید موت اکثر نصیباً را مقدم بداریم و حال آنکه وقتی محاسبه می کنیم در این فرض به ضرر اضعف خواهد بود، در صورتی که اگر موت اضعف را مقدم بداریم به نفعش می شود. مثلا: اگر زوجه ۶۰ دینار و زوج ۱۰۰ دینار داشته باشد، اگر زوج را میت اول فرض بگیریم و ربع مال او را به زوجه منتقل کنیم، یعنی ۲۵ دینار، با مال زوجه مجموعا ۸۵ دینار می شود، و بعد که زوجه را میت فرض می کنیم ونصف مال او را به زوج می دهیم نصف ۸۵ دینار می شود ۴۲ دینار و نیم که با ۷۵ دینار که قبلا داشت ۱۱۷ و نیم دینار می شود و کل نصیب زوجه می شود ۴۲ و نیم. ولی اگر به عکس عمل کنیم اول زوجه را میت بدانیم، نصف ۶۰ می شود ۳۰ و با ۱۰۰ دینار زوج می شود ۱۳۰ دینار، و بعد ربع ۱۳۰ را به زوجه می دهیم یعنی ۳۲ و نیم دینار که با ۳۰ دینار خودش ۶۲ و نیم دینار می شود، و حال آنکه سهم زوجه در فرض قبلی می شد ۴۲ و نیم دینار. لطفاً رفع شبه فرمایید که چرا مع الوصف فرموده اند مرگ اکثر نصیباً را اول فرض می گیریم با آنکه با این محاسبه به ضرر اضعف تمام می شود.

ج : هو العالم؛ اولا: ما اصل فرمایش را قبول نداریم و در فقه الصادق جلد ۲۴ مفصلا بحث کرده

ایم. ثانیا: آنهایی که فتوی داده اند استناد به سه روایت نموده اند: خبر صحیح محمدبن مسلم عن الامام الباقر (ع): عن رجل یسقط علیه و علی أمرئته بیت» فقال علیه السلام: «تورث المرئه من الرجل ثم یورث الرجل من المرئه»

خبر ۲ و ۳ نیز مثل آن است، و ما هم در آن کتاب از این دلیل جواب داده ایم. بنابراین بحث دراین مسئله دراینجامورددندارد.

«حبوه»

س ۵۰۵: آیا عینک، موتور و اسلحه که از وسایل اختصاصی پدر است، جزو حبوه محسوب می شود؟

ج : هو العالم؛ خیر، جزء حبوه نیست.

س ۵۰۶: آیا رحل قرآن، مفاتیح الجنان، ساعت مچی، دوچرخه، و ماشین که از وسایل اختصاصی پدر است جزء حبوه محسوب می شود؟

ج : هو العالم؛ خیر جزء حبوه محسوب نمی شود.

س ۵۰۷: آیا در زمان ما به جای شمشیر و اسب، می تواند تفنگ و ماشین، حبوه باشد.

ج : هو العالم؛ نخیر نمی تواند باشد.

س ۵۰۸: در توضیح المسائل معظم له در باب ارث قید گردیده که قرآن، انگشتر، شمشیر و لباسی که میت پوشیده، متعلق به پسر بزرگتر است. آیا اسلحه شکاری که پدر دارد می تواند به جای همان شمشیر باشد یا بین ورثه تقسیم شود؟

ج : هو العالم؛ خیر، اسلحه شکاری از حبوه نیست حبوه مختص به شمشیر و آن سه مورد دیگر است.

«مسائل متفرقه ارث»

س ۵۰۹: زنی فوت نموده و از او همسر و یک پسر سیزده ساله و پدر و مادر ارث می برند حال تقاضا داریم تکلیف چند امر را بیان فرمایید:

۱ زن متوفی دین شرعی (نماز و روزه) به عهده دارد و از طرفی هم مقداری طلا و جهیزیه از او باقی مانده، آیا از این اموال می شود دین او را داد؟

ج : هو العالم؛ بلی، می شود دین او را پرداخت کرد.

س ۵۱۰: تکلیف مهریه اش چیست آیا جزو ارث او است، اگر مهریه هم از ارث او است آیا با اینکه عقد در شانزده سال پیش واقع شده است به نرخ روز پرداخت شود؟

ج : هو العالم**;** مهريه جزو

ارث است و به نرخ همان شانزده سال پیش می باشد.

س ۵۱۱: اگر شوهر توان پرداخت مهریه را نداشت، آیا می توان از حق ارث او کسر کرد؟

ج : هو العالم؛ بلی، می توان کسر نمود و مهریه حکم مابقی اموال او را دارد.

س ۵۱۲: تکلیف ارث او چیست و پس از پرداخت دین او چه مقدار به

وارث می رسد؟

ج : هو العالم؛ شوهر یک چهارم می برد و بقیه مال شش قسمت می شود پدر و مادر هر کدام یک قسمت از آن و پسر چهار قسمت دیگر را می برد.

س ۵۱۳: آیا نذورات میت را از اصل مال او می دهند یا از ثلث مال؟

ج : هو العالم؛ از اصل مال باید پرداخت شود.

«احکام حدود»

س ۵۱۴: بفرمایید اگر شخصی که در مظان اتهام قرار گرفته است اتهام مورد انتساب را تکذیب نماید و در جهت توجه اتهام به وی نیز بینه شرعیه اقامه نشده باشد، آیا به استناد قول مدعی و ادعای او مستوجب کیفرومستحق عقوبت خواهد بود؟ در صورت ایقاع سوگند چطور، آیااز اتهام بری واز عقوبت معاف می شود؟

ج : هو العالم؛ چنانچه مدعی نتواند بر مدعای خود بینه اقامه نماید، حق قسم به منکر داده می شود، چنانچه قسم خورد بری می شود و هیچ گونه استحقاق عقوبت ندارد. و اگر رد قسم نمود مدعی قسم می خورد، اگر او قسم خورد متهم مستحق عقوبت است و اگر او هم رد کرد و قسم نخورد، متهم را نمی شود عقوبت نمود.

س ۵۱۵: کسی که آشکارا و در حضور مردم روزه خواری کند، حدود اسلامی در رابطه با

او چیست؟

ج : هو العالم; چنین شخصی متجاهر به فسق است، غیبت او جایز است و حاکم شرع در صورت ثبوت می تواند او را تعزیر کند، و در خصوص افطار به جماع روایت است که بیست و پنج تازیانه به او بزنند، تعزیر در صورتی که انکار وجوب صوم نکند و افطار را حلال نداند و الا مرتد و واجب القتل است.

«احکام گناهان»

«دروغ»

س ۵۱۶: اگر شخصی به دیگری، مطلب و سخنی را به شوخی بگوید و قرنیه ای بر دروغ بودن آن سخن وجود داشته باشد، آیا حرام است؟

ج : هو العالم; در صورتی که قرینه باشد که در مقام خبر دادن نیست، اشکال ندارد.

«غیبت»

س ۵۱۷: اگر در مورد استادی نظرخواهی شود، مثلاـ درباره کیفیت تدریس ایشان، جوابی که در این مورد داده می شود با فرض منفی بودن جواب آیا غیبت محسوب می شود؟ حکمش چیست؟

ج : هو العالم; غیبت نیست، اشکال ندارد.

س ۵۱۸: غیبت کردن پشت سر افراد نابالغ چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; غیبت فرد نابالغ غیر ممیز جایز است ولی اگر نابالغ ممیز باشد و صدور امری که به واسطه آن غیبت می نماید، از او عیب باشد غیبت او جایز نیست.

س ۵۱۹: آیا در مسائل سیاسی غیبت جایز است؟ ملاک و میزان غیبت چیست؟

ج : هو العالم; حرمت غیبت اختصاص به غیر مسائل سیاسی ندارد.

س ۵۲۰: در نظر مبارک حضرتعالی تعریف غیبت چیست؟ آیا عبارت از بازگویی کردن عیب مستور مؤمن در غیاب اوست؟ یا عبارت است از هر سخنی که در غیاب مؤمن گفته شود که اگر بشنود ناراحت و رنجور می شود ولو اینکه عیب مستور او نباشد.

ج : هو العالم; بازگو کردن عیب مستور است.

س ۵۲۱: در صورتی که غیبت منحصر در بازگویی عیب مستور مؤمن باشد، آیا اگر به قصد انتقاص عیب غیر مستور او در

غیاب او گفته شود، گناه نیست؟

ج : هو العالم؛ خیر گناه نیست، مگر آنکه عنوان اهانت مؤمن بر آن صدق کند که در این صورت گناه است.

«اسراف»

س ۵۲۲: متأسـفانه اسـراف از اموری است در بعضی از کارهای مردم ودربسیاری از مراسم نادیده گرفته شده است، لطفاً حکم اسراف را با موارد آن بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ اسراف از محرمات مسلمه است و معانی متعدده برای آن ذکر شده است، قدر

متیقن اسراف عبارت از انفاق مال در معصیت است، و به نظر ما تجاوز از حد در صرف مال در غیر وجوه خیر نیز اسراف است، به شرطی که فائده مقصوده عقلائیه مانند تجملات و زینت و لذت جسمانی و عقلائی بر آن مترتب نشود. تفصیل احتیاج به وقت فارغی دارد.

«تهمت»

س ۵۲۳: کسی که به او تهمت زدند آیا می تواند آن تهمت را به گردن دیگران بیندازد، چون می داند خودش بی گناه است؟

ج : هو العالم؛ خیر، نمی تواند.

س ۵۲۴: آیا ناسزا گفتن و فحش دادن به مرجع تقلید به این دلیل که درباره انقلاب یا اشخاص چیزی گفته است، جایز است؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

«فسق»

س ۵۲۵: آیا اصرار بر گناه صغیره موجب فسق می شود؟

ج : هو العالم؛ ارتکاب گناه صغیره موجب فسق است، چون هر گناهی کبیره است، گناه صغیره نداریم.

«توبه»

س ۵۲۶: من نوجوانی هفده ساله هستم که در آخرین سال دبیرستان معلم دینی پیرامون حق الناس و قیامت بسیار تأکید کرد و ما را بسیار ترساند، اکنون می خواهم از مردم در مورد تمسخر کردن، غیبت، تهمت و غیره حلالیت بطلبم، لکن بعضی ها بسیار سخت گیری می کنند و می گویند تو را حلال نمی کنیم لطفاً بفرمایید به نظر جنابعالی من چه کاری کنم تا در قیامت مورد عذاب قرار نگیرم؟

ج : هو العالم؛ آنچه وظیفه شما است بعد از توبه و قصد و عزم بر این که بعد از این، این اعمال زشت را مرتکب نشوید، طلب حلالیت است که آن را انجام داده اید، و استغفار بر آنها نمایید و از خدا بخواهید آنها را بیامرزد، بیش از این وظیفه ندارید، واگر به این قصد تا آخر باقی باشید، خدای تعالی شما را مسلماً می آمرزد، وفقکم الله تعالی.

س ۵۲۷: در آیه مبارکه «قال اما من ظلم فسوف نعذّبه ثمّ یردّ الی ربّه فیعذّبه عذابا نکراً»( ) بفرمایید کسی بعد از جاری شدن حد یا تعزیر یا قصاص بر او، توبه نماید، آیا طبق آیه روز قیامت عذاب دارد؟

ج : هو العالم؛ بعد از توبه عقاب ندارد.

س ۵۲۸: حدیثی که می فرماید« أبی الله ان یجعل لقاتل المؤمن توبه» آیا مضمون آیه شریفه «و من یقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدله عذابا عظیما»

( ) می باشد؟

ج : هو العالم؛ اگر حدیث صحیح باشد، معنایش این است که موفق به توبه نمی شود و مربوط به آیه کریمه نیست.

«احکام دیات»

س ۵۲۹: غده تیرویید از اعضاء داخلی بدن انسان دارای دیه هست یا ارش؟

ج : هو العالم؛ روایات متضمنه دیه در قطع اعضاء که «اگر عضو یکی باشد تمام دیه ثابت است و اگر دو تا باشد در هر کدام نصف دیه ثابت است» به حسب ظاهر عضو داخلی را شامل نیست. بنابراین در قطع غده تیرویید که از اعضاء داخلی است، دیه نیست، قهراً رجوع به حکومت می شود که از آن تعبیر به ارش می شود.

س ۵۳۰: غده تیرویید دارای آثاری است که بر اعضاء و دستگاه های دیگر بدن اثرات مستقیم دارد حال اگر این عضو فلج گردد به نحوی که همه آثار یا بعضی از آثار مترتب نشود چه حکمی دارد؟ دیه یا ارش؟

ج : هو العالم؛ در فلج کردن آن غده نیز به نحوی که آثار ذکر شده مترتب نشود، روایتی به خصوصی نیافتیم. روی این اصل در تمام موارد ارش ثابت است، قهراً تعدد آثار در تعیین ارش مؤثر خواهد بود. و الله العالم.

«احکام قصاص»

س ۵۳۱: اگر شخصی بدون اذن و اطلاع وارد منزل کسی شود و بدون آن که از قبل، مسأله و درگیری باشد در حضور فرزند و همسرش، سیلی به صورت او بزند، آیا می توان از دادگاه تقاضای قصاص کرد؟

ج : هو العالم؛ شما شخصاً می توانید یک سیلی به همان قسم که زده است بزنید، و می توانید به دادگاه شکایت کنید که چنین اهانت بزرگی به شما کرده است، و می توانید تقاضای دیه کنید که مقدارش معین است.

س ۵۳۲: در قصاص زنی که قاتل مرد می باشد آیا صرف

النفس بالنفس کافی است یا باید نصف دیه مرد را هم بپردازد؟

ج : هو العالم؛ بلی، باید نصف دیه را بپردازد.

«احکام مسائل اجتماعی»

«دین و سیاست»

س ۵۳۳: بفرمایید چه نوع سیاستی با دین مبین اسلام سازگار می باشد؟

ج : هو العالم؛ چون جمله ای از احکام اسلام احکام سیاسی است و لذا خود پیغمبر اکرم (ص) اول عملی که انجام داد بعد از گرویدن اهل مدینه به اسلام تشکیل حکومت اسلامی بود،پس سیاستی که بر وفق موازین اسلامی باشدسیاستی صحیح است.

«امر به معروف و نهی از منکر»

س ۵۳۴: رفت و آمد به منزل کسانی که نماز نمی خوانند و خمس و زکات نمی پردازند، چه صورت دارد؟

ج : هو العالم؛ اولین مرتبه نهی از منکر آن است که با آنها رفت و آمد نشود و آنان بفهمند که به واسطه کارهای خلافی است که انجام می دهند البته این در صورتی است که احتمال تأثیر در ترک آن منکرات بعضاً یا کلا بدهید.

س ۵۳۵: شرکت نکردن در مجالس عروسی که نوعاً همراه با لهو و لعب است باعث دشمنی و خصومت بین اقوام می شود وظیفه چیست؟

ج : هو العالم؛ نباید شرکت نمود. فرار از مخالفت با شرع در مقابل دشمنی اقوام متعین است.

س ۵۳۶: حضرتعالی حتما با تهاجم فرهنگی آشنایی دارید؛ متأسفانه بسیار دیده می شود دختران جوان به صورت آرایش کرده، موها را تا فرق سر بیرون انداخته، گردن و قسمتی از سینه را بیرون گذاشته، ناخن دست و پاهای خود را لاک زده و با کفش های کذایی بدون پوشیدن جوراب در خیابان ها دیده می شوند. مطمئنا بسیاری از این دختران بر اثر بی اطلاعی و جهالت نمی دانند چه می کنند و توان رهایی از این منجلاب را ندارند لطفاً آنها را نصیحت و راهنمایی کنید وبفرمایید چه کنند که

رهایی یابند؟

ج : هو العالم; چنانچه مسلمانند باید به آنها تذکر داده شود که حکم الله را که از حضرات معصومین (ع) رسیده است رعایت کنند ولو آنها اعتنا نکنند، به هر حال هر کسی وظیفه دارد، در صورت احتمال تأثیر نهی از منکر بنماید.

س ۵۳۷: وظیفه ما در قبال این گونه افراد چیست؟

ج : هو العالم; نهی از منکر است

س ۵۳۸: نظر حضرتعالی در مورد برخورد با مظاهر علنی فساد چیست؟

ج : هو العالم; در مورد برخورد با مظاهر فساد، عمل به وظیفه شرعیه ثابته به ادله اربعه داله بر وجوب نهی از منکر است.

«نشر کتب ضلال»

س ۵۳۹: نشر و اشاعه کتب ضلال مانند کتاب های اهل یهود و نصاری و اهل سنت، و خرید و فروش آنها چگونه است؟

ج : هو العالم; در صورت احتمال عقلائی ترتب ضلال برآن نشر آن کتب حرام است.

س ۵۴۰: نشر و پخش اقتباسات کتب ضلال بدون نقد و بررسی آنها، بین مردم بالاخص در میان جوانان، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; با احتمال ترتب مفسده بر آن جایز نیست.

س ۵۴۱: اگر کسی اقتباسات از کتب ضلال را نوشت و مردم بالاخص جوانان از این نوشته مشوش و متزلزل شدند و خود نویسنده از نوشته خود پشیمان نیست، حکمش چیست؟ و آیا ضامن هست یا خیر؟

ج : هو العالم; ضامن مالی نیست، ولی واجب است رفع شبه بنماید.

«مسایل متفرقه اجتماعی»

مسایل متفرقه اجتماعی»

س ۵۴۲: معلمی که شاگردان شیعه دارد، آیا جایز است به آنها نمره های اضافی بدهد تا قبول شوند و یک سال دیگر دوره کلاس را تکرار نکنند؟

ج : هو العالم; چنانچه عنوان کذب یا غش و امثال آنها صدق کند، جایز نیست.

س ۵۴۳: عبور و مرور از زمین مردم در صورتی که نمی دانیم رضایت دارند یا نه چه صورت دارد؟ آیا جایز است یاخیر؟ با اینکه مردم از آنجا عبور می کنند؟

ج : هو العالم; رضایت آنها در صورتی که مکان مختص به آنها نباشد در جواز عبور لازم نیست. و اگر زمین مختص به آنها باشد در صورتی که دولت گرفته و دیگر به آنها بر نمی گردد، مانند زمین ها و خانه هایی که دولت آنها را خیابان کرده، باز رضایت آنان شرط جواز عبور نیست و اگر زمین مختص به آنها

باشد و دولت هم ضبط نکرده است، چنانچه از عبور مردم کشف رضایت بکنید و یا آنکه ملک آنها به این نحوباشد که عبور مردم جایز باشد، باز رضایت معتبر نیست، در غیر این صور باید رضایت احراز شود.

س ۵۴۴: یکی از دوستان در یکی از دانشگاه های غرب، کلاس درس اسلامی دائر نموده است و نمی داند آیا لازم است حضور بانوان مسلمان را با رعایت حجاب شرط کند یا اینکه حضور آنها بدون حجاب نیز جایز است؟ شایان ذکر است که بسیاری از بانوان مسلمان ساکن در غرب، در جلساتی که پوشیدن حجاب قید شده باشد حاضر نمی شوند و از طرفی هم امر به معروف و نهی از منکر در آنها اثر نمی کند. اما استاد چون از رجال دین است، حضورش در جلسات در حالی که زنانی بی حجاب حاضر هستند، ممکن است به وجهه روحانیت لطمه بزند، پاسخ این سؤال را از محضر مبارکتان جویا شدیم؟

ج : هو العالم; در صورتی که می توانید شرط کنید، بلی!این شرط از باب امر به معروف متعین است و حضور بانوان در دروس اسلامی خصوصیتی ندارد که جایز باشد بدون حجاب حاضر شوند، البته مراد از حجاب مستور بودن خانم است و لباس مخصوص شرط نیست.

«تلقیح»

س ۵۴۵: آیا جایز است نطفه زن و شوهری را بگیرند و در رحم زنی که بچه دار نمی شود بکارند؟ در صورت بچه دار شدن پدر و مادرش چه کسی هستند؟

ج : هو العالم; بچه به صاحب نطفه و زنی که در رحم او پرورش یافته ملحق می شود.

س ۵۴۶: شخصی بعد از ازدواجش

تـا مـدتی صـاحب اولاد نشـد و فوت کرد ولی قبل از مردن، خودش ماده منویه خود را محفوظ گردانـد، سـپس بعـد از فوتش زوجه اش با همان ماده با تلقیـح مصـنوعی یک بچه به دنیا آورد، آیا این فعل جایز است؟ و آیا بچه به پـدر ملحق می شود؟ و آیا حق وراثت دارد؟

ج : هو العالم؛ بچه به صاحب منی ملحق است و آثار شـرعیه از قبیل محرمات نکاح و غیرها بر آن مترتب است، ولی ارث نمی برد، چون ارث متعلق است به اولاد متکون در حال موت به شرط سقوطه حیاً و شامل مورد سؤال نمی شود.

«احکام مسائل جدید (مستحدثه)»

«عقیم کردن»

س ۵۴۷: حکم عمل شخصی (زن یا مرد) که طی عملیاتی پزشکی دستگاه تولید تخمک یا اسپرم خود را بدون آسیب رسی به غریزه جنسـی و ازدست دادن هیجـان آن، از کار انـدازد چیست؟ با توجه به این که عمل وی اخصا(اخته کردن) و از بین رفتن میل جنسی نباشد. تقاضا دارم پاسخ تحلیلی و مشروح جهت بهره دانشجویان و اساتید رشته حقوق عنایت فرمایید.

ج : هو العالم؛ به نظر من این عمل به عنوان اولی، مادامی که عنوان ثانوی حفظ نظام بر آن منطبق نشود، جایز است.

اما جمعی از فقهاء به عدم جواز فتوی داده اند و وجوهی بر اسـتدلال ذکر کرده اند، من در رساله ای که در این باب نوشته ام، مفصـلا آن وجوه را نوشـته و جواب داده ام. و کتاب مذکور عربی و نایاب است اما به نظر خود رساله جامع و مفیدی است که در صورت لزوم مراجعه کنید.

«مسایل جنین»

س ۵۴۸: در کدام یک از ادوار جنین، انسان بودن بر او صدق می کند؟ نطفه، علقه، مضـغه، استخوان و یا پوشیده از گوشت و خون؟

ج : هو العالم؛ بعد از دمیدن روح.

س ۵۴۹: آیـا می توان از آیه شـرفه «فاذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجـدین» چنین اسـتنباط کرد که ارزش والای انسانی پس از دمیدن روح است و قبل از آن به عنوان انسانی ارزشی ندارد؟

ج : هو العالم؛ ارزش والای انسانی قطعاً بعـد از دمیدن روح است، ولی معنای آن این نیست که قبل از آن هیچ ارزشـی ندارد، در حالی که همین جنین بدون روح در مراحل سیر به کمال است

و مقدمات رسیدن به مقام والای انسانی است.

«سقط جنین»

س ۵۵۰: بفرمایید اصولا آیا عمل سقط جنین :

الف) پیش از ولوج روح

ب) بعد از ولوج روح

گناه و حرام است؟ و در صورت حرام بودن این عمل آیا فی نفسه حرمت دارد، یا از جنبه تجاوز و اعتدا به حق شخصی، و یا قتل نفس و آدم کشی؟

ج : هو العالم؛ اسقاط جنین قبل از ولوج روح حرام است و دیه هم دارد. و مقدار آن هم مختلف است نطفه باشد، یا علقه، یا مضغه، یا استخوان بندی شده باشد، و یا گوشت هم روییده باشد، در رساله ای جداگانه این نوع مباحث (عقیم کردن، جنین، سقط جنین) را مفصلا نوشته ام، مراجعه گردد.

س ۵۵۱: در صورت تفکیک به قبل و بعد از دمیده شدن روح، اصلا اطلاق انسان ونفس محترمه محقون الدم بر آن صحیح است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه اسقاط حرام باشد، قهرا محقون الدم می باشد. صدق انسان به دمیدن روح است و دیه او زیادتر است، تفصیل مطلب در آن رساله ذکر شده است.

س ۵۵۲: آیا در صورت تشخیص مولکولی بیماری های ژنتیکی لاعلاج در جنین، مانند تالاسمی می توان برای جلوگیری از ولادت نوزاد بیمار اقدام به سقط جنین کرد؟

ج : هو العالم؛ در صورت دمیدن روح در آن جایز نیست. اگر روح دمیده نشده است، آن عمل فی نفسه جایز نیست. ولی در صورت ابتلاء به بیماری لاعلاج که هم خود نوزاد و هم کسان او در عذاب هستند، دلیلی بر حرمت آن نمی دانم چون آیات و روایات داله بر وجوب حفظ نفس محترمه و حرمت القاء

در هلاکت، همه در بعد از دمیدن روح در آن است.

«مسائل ژنتیکی»

س ۵۵۳: آیا اصولاـ دست ورزی ژنتیکی و تغییر ساختار مولکولی موجودات زنده، اعم از جانوران و گیاهان، با توجه به مخاطرات احتمالی آن برای طبیعت و محیط زیست، جایز است؟

ج : هو العالم؛ در شرع مقدس اسلام اهمیت زیادی به کارهای اجتماعی داده شده و هر موردی که تزاحم بین دو حکم، یکی فردی و دیگری اجتماعی باشد شارع مقدس دستور سقوط حکم فردی را داده است، که در اصطلاح از وجه سقوط آن حکم به این تعبیر می شود که مخل به نظام است. بنابراین اگر مخاطرات قطعی باشد، تغییر ساختار جائز نیست و اگر احتمالی باشد، چنانچه مخاطرات با اهمیت باشد جائز نیست، چون مورد قاعده اصاله البرائه نیست، و الا جایز است.

س ۵۵۴: آیا استفاده از میوه ها و مواد غذایی حاصله از تغییرات ژنتیکی

جایز است؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که خطر جانی نداشته باشد و احتمال عقلائی هم به توجه خطر نباشد، جایز است.

س ۵۵۵: در صورت انتقال ژن حیوان حرام گوشت به گیاه، خوردن محصول آن چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد، چون ژن حیوان حرام گوشت با انتقال به گیاه مستحیل می شود و حرمت آن از بین می رود.

س ۵۵۶: آیا اساسا انسان مجاز است برای مقاصد پژوهشی خود از حیوانات به گونه ای استفاده کند که برای سلامتی آنان زیان بار باشد؟

ج : هو العالم؛ ایذاء حیوانات فی نفسه جایز نیست، ولی چنانچه مصلحت اجتماعی مهمی بر آن مترتب بشود که اهم از مفسده ایذاء باشد، جایز

می شود.

س ۵۵۷: آیـا تغییر ژنتیکی در حیوانـات و اسـتفاده از آنها به عنوان مـدل آزمایشـگاهی جهت مطالعه و بررسـی مراحل بیماری هـای انسـانی و نحوه اثر گـذاری داروهـا بر آنهـا، جـایز است؟ به عنوان مثـال برخی از مراکز تحقیقاتی در کشورهای غربی، با تغییر ساختار ژنتیکی موش این حیوان را نسبت به ابتلا به بیماری سـرطان حساس کرده و از آن به عنوان مـدلی جهت بررسـی این بیمـاری در انسـان اسـتفاده می کننـد، آیـا این کار با توجه به آسـیب و زیان وارده به حیوان و مخاطرات احتمالی آن برای محیط زیست جایز است؟

ج : هو العـالم; لا ـ اشـکال در این که این عمـل نسـبت به حیوان فی نفسه حرام است. ولی چنـانچه این عمـل مقـدمه برای تعلم درمان نسـبت به انسان و مقـدمه حفظ حیات مسـلمین و نجات دادن آنها از امراض باشد که مصـلحت آن اقوی از مفسده ایذاء حیوان است، به عنوان ثانوی جایز است.

س ۵۵۸: آیا اسـتفاده از سـلول های بنیادین اسـتخراج شده از جنین انسان قبل از لانه گزینی در رحم برای مقاصد درمانی جایز است؟ لازم به ذکر است که مراکز تحقیقاتی معمولا نمونه های خود را از جنین های دور ریخته شـده در مؤسـسه های باروری (IVF) به دست می آورند.

ج : هو العالم; بلی، جایز است و وجهی بر حرمت آن نمی دانم.

س ۵۵۹: آیا تغییر ژنتیکی جنین انسان به منظور اصـلاح نژاد و ایجاد اوصاف دلخواه درآنماننـد انتخاب رنگ پوست،افزایش ضریب هوشیوغیره جایزاست؟

ج:هوالعالم;ازجواب مسائل قبل،جوازاین عمل هم ظاهرمی شود.

س ۵۶۰: آیا می توان از نمونه های بیولوژیکی افراد مانند نمونه خون، سلول و

بافت که معمولا جهت آزمایش گرفته می شود، بدون کسب رضایت آنها برای مقاصد علمی یا درمانی بهره برداری کرد؟

ج : هو العالم; در صورت امکان کسب رضایت آنها، باید کسب رضایت نمود و در صورت عدم امکان چنانچه مصلحت اقوائی از قبیل یاد گرفتن درمان مبتلایان، متوقف بر آن باشد تکلیفاً جایز است .

«بافت و پیوند اندام»

س ۵۶۱: آیا تولید و پیوند اندام و بافت حیوانی به انسان جایز است؟

ج : هو العالم; بلی، جایز است چون همان گونه که در مسایل قبل اشاره شد شارع مقدس در مواردی که حیات انسان یا بعضی از اعضاء متوقف بر ارتکاب محرمی از محرمات شرعیه باشد، اجازه به ارتکاب آن محرم داده است.

ولی یک سوالی بعد از پیوند پیش می آید و آن این که نماز با آن عضو از حیوان میت، خصوصاً اگر غیر ماکول اللحم باشد جایز نیست چون اولا نجس است و ثانیاً غیر مأکول اللحم؟

جواب آن را هم در کتاب مسائل مستحدثه مفصلا نوشته ام. خلاصه اش اینکه: بعد از پیوند و دمیدن روح در آن، از اجزاء انسان می شود و دیگر باقی در آن دو عنوان مانع نماز نیست..

«شبیه سازی»

س ۵۶۲: آیا کلونینگ (شبیه سازی) حیوانات جایز است؟

ج : هو العالم;مانعی ندارد.

س ۵۶۳: آیا کلونینگ (شبیه سازی) انسان با توجه به پیامدهایی از قبیل احتمال ابتلاء به بیماری های پیش بینی نشده و بروز آثار سوء روانی عاطفی بر انسان های کلون شده و به هم خوردن نظام طبیعی خانواده و حذف شدن نقش پدر و جایگاه نامشخص نوزاد کلون شده در خانواده، و به هم خوردن اصل واحد بودن هر انسان و از دست رفتن حق آزادی انتخاب (اتفاقی) و کاهش تنوع ژنتیکی انسانها در دراز مدت و تردید در روح داشتن انسان کلون شده، جایز است؟

ج : هو العالم; موانعی که اشاره نمودید بعضی از آنها موجب حرمت نمی شود و بعضی اگر تمام باشد، مانع تکوینی است نه تشریعی، به هر تقدیر

دلیلی بر حرمت آنها نیست.

«احکام دخانیات»

س ۵۶۴: کشیدن سیگار و خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۵۶۵: استعمال سیگار در مکان های مقدس، مانند مسجد، حسینیه، حرم ائمه اطهار علیهم السلام و حرم امام زادگان، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ بسته به نظر عرف است، اگر صدق اهانت و هتک بکند جایز نیست و الا اشکال ندارد، ولی به واسطه احترام به مکان مقدس بهتراست نکشند.

س ۵۶۶: مصرف تریاک با تجویز پزشک چه صورت دارد؟

ج : هو العالم؛ با تجویز پزشک اشکال ندارد.

«احکام مسائل اخلاقی»

«صله رحم»

س ۵۶۷: ما با فامیل های خود اختلاف عقیدتی داریم، در صورتی که به منزلشان برویم شاید مراعات ما را کنند و موسیقی و غیره نگذارند و زن و مرد جدا بنشینند، ولی در صورتی که به منزلشان نرویم سنگین تر و آزادتر هستیم از طرفی هم اهمیت صله رحم در حدیث «صلوا ارحامکم ولو بالسلام» ما را به دغدغه می اندازد، همیشه هم نمی توانیم با تلفن زدن، احوال پرسی کنیم یا به سلام اکتفاء نماییم. حال بفرمایید وظیفه ما چیست؟

ج : هو العالم؛ اگر نرفتن موجب شود که آنها ترک معصیت بکنند نروید و الا در صورتی که سبب ترک گناه بشوید بروید.

س ۵۶۸: اسلام به صله رحم تأکید دارد، نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

ج : هو العالم؛ من هم تابع شرع هستم و آن را واجب می دانم در حالی که عدم صله رحم موجب صدق عنوان قطع رحم شود.

«عطسه کردن»

س ۵۶۹: هنگامی که انسان دنبال کاری می رود عطسه کند آیا نشانه صبر کردن است یا عجله؟ در صورتی که چند بار عطسه کند چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; در یک روایت دارد که اگر برای کاری مهیای رفتن شدید و یک عطسه کردید، عجله کنید، البته از این گونه روایات نمی شود استفاده وجوب و یا استحباب نمود بلکه این گونه روایات ارشادی است.

«بوسیدن دست»

س ۵۷۰: آیا بوسیدن دست غیر معصوم به عنوان تبرک جایز است؟

ج : هو العالم; بوسیدن دست غیر معصوم (ع) به خصوص پدر و مادر و علمای عاملین جایز و کاری حسن است.

«سلام کردن»

س ۵۷۱: اگر افراد زیادی پی در پی سلام کنند آیا کفایت می کند همه آنها را یک جواب بگوید و تک تک آنها را جواب ندهد؟

ج : هو العالم; بلی، کفایت می کند.

س ۵۷۲: کسی که در حال ذکر گفتن است اگر به او سلام کنند آیا می تواند جواب سلام را بدهد؟ با اینکه بعضی ها می گویند چون ذکر قطع می شود نمی تواند جواب بگوید؟

ج : هو العالم;کسی که ذکرمی گوید،جواب سلام براوواجب است.

«قهر کردن»

س ۵۷۳: بعضی افراد با یکدیگر قهر می کنند که در نتیجه منجر به کینه و دشمنی می شود بفرمایید این کار چگونه است؟

ج : هو العالم; در بعضی روایات از ادامه قهر بعد از سه روز نهی شده است .

«انجمن هایی به نام مذهب»

س ۵۷۴: انجمن و تنظیماتی که به نام مذهب و دین و به نام خدمت به جامعه و امر به معروف و نهی از منکر تشکیل می شود، لیکن در پس آن، خودافراد آن انجمن از انجام دادن هر گونه کار زشتی ابایی ندارند مانند رشوه گرفتن و ضایع کردن حق کسانی را که مستضعف هستند. آیا تشکیل چنین انجمن هایی جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم; تشکیل انجمن در صورتی که مجبور به کار خلافی نباشید، جایز است.

س ۵۷۵: آیا عضویت در آن جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم; در فرض جواز تشکیل، عضویت در آن با اطمینان به اینکه مجبور نخواهید شد کار خلافی انجام دهید، جایز

است.

س ۵۷۶: اگر خلاف کاریی های آن محرز شده باشد امر به معروف کردن به آنها لازم است یا خیر؟

ج : هو العالم; بلی! در صورت احتمال تأثیر لازم است.

«احکام سادات»

س ۵۷۷: در کتاب اعتقادات صدوق صلوات بر محمد (ص) و آل محمد علیهم السلام را ذکر کرده است آیا این صلوات شامل همه ذراری پیامبر حتی کسانی که فاسق هستند می شود، یا تنها شامل مؤمنین و پیروان ائمه از آنها می شود؟

ج : هو العالم; به نظر ما مختص به حضرات معصومین(ع)است.

س ۵۷۸: در منطقه کشمیر آزاد تعداد سادات حفظهم الله صدها هزار می رسد که اکثریت آنها اهل سنت می باشند، ولی به فرزندانشان اسامی دوازده امام را یاد می دهند و مولای متقیان را از دیگران افضل می دانند و از ولایت اهل بیت (ع) برخوردارند. در سالهای اخیر تعداد زیادی از آنها مستبصر شده اند و این

حرکت رو به تزاید است. الان یک مشکل پیدا شده است و اینکه بعضی ها در آنجا شایع کرده اند که در مکتب تشیع احترام به سادات نیست! و ازدواج شیعه را به غیر هاشمی جایز می دانند! ما هر چه می گوییم، چنین نیست احترام به سادات در مکتب تشیع در حد بالا است و در هر مورد که به واسطه ازدواج به غیر هاشمی، اهانت به سادات شود در آن مورد ازدواج هاشمیه به غیر هاشمی جایز نمی باشد، ترتیب اثر نمی دهند. البته ما از بعضی علماء شنیده ایم که آنها این مسئله را ازحضرت آیت الله العظمی سید محسن حکیم چنین نقل کرده اند: «در هر مورد که عقد سیده به غیر سید سبب هتک و اهانت به سادات محسوب شود از ازدواج سیده با غیر سید خودداری شود، چون کرامت سادات اهمیت بسیار دارد» اکنون به نظر به اینکه علماء اهل سنت اخیراً کتابی چاپ کرده اند که در آن فتاوای دو هزار نفراز مفتیان اهل سنت از گذشته و حال را با ذکر ادله، نقل نموده اند که «ازدواج هاشمیه به غیر هاشمی جایز نمی باشد». لطفا حضرتعالی این مشکل را حل فرمایید تا بتوانیم سادات را مستبصر نماییم؟

ج : هو العالم؛مشهور بین اصحاب جواز تزویج هاشمیه به غیر هاشمی است، لکن بعضی از علماء ما به عدم جواز تزویج قائل شدند، و بعضی روایات هم دال بر آن است مانند خبر صدوق ره قال: «و نظر النبی صلی الله علیه و آله، الی اولاد علی علیه السلام و جعفر، فقال: بناتنا لبنینا»( ) و خبر ابن شهر آشوب.

ولی

به واسـطه روایات دیگر این روایات بر کراهت حمل شده است و اما آن خبری که منقول است که حضرت امیر(ع) ام کلثوم را به ازدواج عمر درآورد به نظر ما قطعاً دروغ است، همانگونه که سـید مرتضـی (ره) و دیگر از قدماء اصحاب قائلند. به هر حال اگر عنوان ثانوی مانند اهانت و هتک سادات بشود مسلما همه علماء به عدم جواز قائلند.

س ۵۷۹: از پیامبر اکرم (ص) احادیثی( ) پیرامون احترام به ذریه آن حضـرت رسیده است مثل «من اکرم اولادی فقد اکرمنی و من اهـانهم فقـد اهاننی» ( ) و مثل «من رأی اولادی و لا یقوم قیاما تاما ابتلاه الله تعالی ببلاء لا دواءله» ( ) آیا این احادیث شامل معصوموغیرمعصوم،مؤمنوکافر،عادلوفاسق ازذریه پیامبرمی شود؟

ج : هو العالم؛ البته شامل می شود، ولی بر کافر و منافق و فاسق عناوین دیگری منطبق می شود که این حکم از بین می رود.

س ۵۸۰: لطفاً جواب سؤالات زیر را نیز بیان فرمایید:

عنوان سادات به چه کسانی اختصاص دارد؟

ج : هو العالم؛به کسانی که از اولاد هاشم می باشند و در این زمان منحصر است به اولاد عبدالمطلب.

س ۵۸۱: آیا احترام به سادات از لحاظ اینکه آنها از سلاله پیغمبر هستند لازم است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی، لازم است.

س ۵۸۲: اهانت کردن به سیدی که غیر صالح است، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ از معصوم(ع) روایت است که سید بد را به خاطر پیغمبر احترام کنید.

س ۵۸۳: در صورتی که سیدی صالح باشد آیا ثواب اعمال نیک او دو برابر است یا مساوی با دیگران؟ همچنین عقاب

اعمال بد و گناهان او آیا دو برابر دیگران است یا مساوی؟

ج : هو العالم؛ بعضی روایات دال بر این است. لکن معارض هم دارد. اما من این مطلب را قبول ندارم توضیحش به محل دیگر موکول است.

س ۵۸۴: در مناطقی که تزویج سیده به غیر سید اهانت به خانواده سادات محسوب شود، آیا تزویج جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

س ۵۸۵: بین سادات این مطلب به قدری اهمیت دارد که اگر مرد سیدی دخترش را به عقد غیر سید درآورد یا دختر خودسرانه با غیر سید ازدواج کند، اطرافیان، آن دختر و پسر را می کشند، با نظر به این تبعات، آیا عقد سیده به غیر سید جایز است؟

ج : هو العالم؛چون تالی فاسد مهمی دارد، جایز نیست.

س ۵۸۶: بعضی از قبایل معروف که اجدادشان توسط سادات مسلمان شده بودند، از اسلاف خود این وصیت کتبی را دارند که از خانواده سادات برای پسرانشان دختر نگیرند، البته اگر از سادات برای پسرانشان خواستگاری کنند به آنها دختران خود را بدهند، آیا عمل نمودن بر این وصیت لازم است یا خیر؟ و اصلا این طور وصیت ها شرعاً چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ این وصیت جایز و نافذ است.

«احکام اعیاد»

«عیدالزهراء»

س ۵۸۷: نظر حضرتعالی در رابطه با مراسم و حدیث فضیلت نهم ربیع چیست؟

ج : هو العالم؛ روزی با فضیلت است به خاطر جهاتی، و روایاتی هم در فضیلت آن روز وارد شده است. اعمالی هم ذکر شده است که به ضمیمه قاعده تسامح در ادله سنن استحباب آنها ثابت می شود.

س ۵۸۸: نهم ربیع الاول عید الزهراء چه

روزی است؟ و آیا کف زدن و شادی کردن در این روز وارد شده است؟

ج : هو العالم؛ روز نهم ربیع الاول است، در کتاب «زوائد الفوائد» تألیف سید ابن طاوس مفصلا در این باره نوشته و روایاتی هم نقل می کند، مراجعه کنید.

س ۵۸۹: اگر در مجلس عیدالزهراء و میلاد ائمه علیهم السلام، تنها نشسته باشیم ولی خودمان دست نزنیم چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اگر مجلس محرم نباشد، اشکال ندارد.

س ۵۹۰: دف زدن و رقصیدن در مجلس عیدالزهراء و میلاد اهل بیت (ع) چه حکمی دارد؟ آیا حرام است؟

ج : هو العالم؛ دف زدن جایز نیست، رقصیدن مرد برای زن نامحرم و زن برای مرد نامحرم جایز نیست.

س ۵۹۱: دست زدن در مجلس عید الزهراء و میلاد ائمه علیهم السلام چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اگر توأم با کارهای خلاف دیگر نباشد اشکال ندارد.

«عید نوروز»

س ۵۹۲: آیا عید نوروز از نظر شرع مقدس اسلام اصالت و اعتبار دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی، روایاتی هست.

س ۵۹۳: آیا آنچه راجع به عید نوروز و فضیلت و اعمال آن وارد شده صحیح است؟ آیا انجام اعمال آن (اعم از نماز و دعا و غیره) به قصد ورود جایز است؟

ج : هو العالم؛ در مستحبات کافی است یک روایت ضعیفه باشد. بنابراین به قصد ورود جایز است.

س ۵۹۴: اگر عید نوروز عید جمشیدی سلطانی است که مسلمان هم نبوده است ، پس چگونه غسل مستحب است؟

ج : هو العالم؛ چون در آن روز که به حسب خلقت دارای خصوصیاتی بوده است، اسلام اعمالی را مستحب دانسته، این اعمال مربوط به عید

گرفتن کفار نمی باشد.

«احکام مجلس عروسی»

س ۵۹۵: لطفاً بفرمایید دست زدن در مجلس عروسی چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اگر توأم با کارهای خلاف دیگر نباشد، اشکال ندارد.

س ۵۹۶: اگر در مجلس عروسی خودمان دست نزنیم و فقط بنشینیم چگونه است؟

ج : هو العالم; اگر مجلس محرم نباشد، اشکال ندارد.

س ۵۹۷: در صورتی که شرکت نکردن در مجالس عروسی که نوعاً همراه با لهو و لعب است باعث خصومت و دشمنی بین اقوام شود وظیفه چیست؟

ج : هو العالم; نباید شرکت نمود، محرمات با این حرفها حلال نمی شود.

س ۵۹۸: آیا معظم له پوشش لباس بدن نما و آرایش فراوان عروس در شب اول عروسی را جایز می دانید؟ نسبت به گردش عروس که در آخر شب به همراه تعدادی ماشین صورت می گیرد، چه می فرمایید؟

ج : هو العالم; پوشیدن لباس بدن نما به عروس در حضور نامحرمان جایز نیست و نیز در صورت عورت نما بودن در مقابل زنان نیز جایز نیست، غیر از این دو مورد اشکال ندارد. نسبت به گردش با ماشین در آخر شب با رعایت عدم مزاحمت دیگران و رعایت حجاب اشکال ندارد.

«احکام قرائت قرآن»

س ۵۹۹: در آیه شریفه «لکنا هو الله ربی»( ) کلمه «لکنا» را هنگام وصل با الف بخوانیم یا لکن بدون الف؟

ج : هو العالم; کلمات قراء در اثبات الف در حال وصل مختلف است. و اما در حال وقف ظاهراً در اثبات الف خلافی نیست مگر از قتیبه و به نظر من اثبات الف در هر دو حال بهتر است.

س ۶۰۰: هنگامی که قاری قرآن در مورد قرائت وقف می کند آیا جایز است او را با

گفتن کلمه «الله اکبر» و امثال آن، تشویق کنیم؟ و آیا از سنت است یا نه؟

ج : هو العالم; جایز است ولی دلیلی به خصوص بر سنت بودن آن ندیدم.

«مسائل اعتقادی»

«اسلام»

س ۶۰۱: خداوند در قرآن می فرماید: «یا بنی اسراییل اذکروا نعمتی التی انعمت علکیم و انی فضلتکم علی العالمین»( ) با توجه به اینکه الان هم در دنیا اینگونه است، چگونه می گوییم اسلام دین برتر است و مسلمانان بر تمام اقوام مسلط می شوند؟

ج : هو العالم; ظاهراً مراد این است که خداوند تعالی به واسطه نِعَم، که عبارت است از انزال منّ و سلوی و پیغمبر هایی که برای آنها ارسال شده است و غرق فرعون و... بنی اسراییل را به بقیه امتها تا آن زمان فضیلت داده است، و الا تردیدی نیست که افضل امم امت محمد (ص) می باشند. و افضلیت هم ربطی به تسلط ندارد.

«نبوت و امامت»

س ۶۰۲: آیا نبوت انبیاء و امامت معصومین علیهم السلام اکتسابی است

یا موهبتی یا هر دو؟ به چه دلیل؟

ج : هو العالم; بحثی مفصل است که در اینجا نمی گنجد، اجمالا اینکه موهبتی است.

«مهدویت»

س ۶۰۳: فلسفه وجود امام غائب عجل الله تعالی فرجه چیست؟

ج : هو العالم; فلسفه وجود آن حضرت به طور اختصار همان فلسفه لزوم وجود خورشید است که اگر خورشید روزی خاموش شود، عالم متلاشی می شود. بقاء جمیع عوالم وابسته به وجود آن امام (ع) است، بسط کلام موکول به محل دیگراست .

س ۶۰۴: شخصی ادعا کرده امام زمان (عج) را در بیداری دیده است و دستش را بوسیده است و چیزهای دیگر، آیا می شود به سخن این شخص، با اینکه روحانی می باشد اعتماد کرد؟

ج : هو العالم; ابداً نمی شود اطمینان نمود.

س ۶۰۵: در زمان غیبت مخصوصاً در عصر حاضر وظیفه ما چیست؟

ج : هو العالم; عمل به وظایف شرعیه و انتظار فرج و توسل به آن حضرت. و رفتن به در خانه آن بزرگوار برای امور دنیا و آخرت، چون واسطه فیض الهی آن بزرگوار است.

س ۶۰۶: چه کنیم که مورد توجه امام زمان (عج) قرار بگیریم؟

ج : هو العالم؛ عمل به وظایف شرعیه.

«تولی و تبری»

س ۶۰۷: آیا تولی و تبری بر هر شخص واجب است؟ اگر کسی به جای این که شخصیت امام (ع) را واجب الاطاعه و معصوم از جانب خدا بداند، نعوذ بالله اهانت کند، مثلا بگوید امامان مطیع خلفای ثلاثه بودند، و یا حضرت علی بیعت کرد، آیا دارنده چنین عقیده ای مؤمن هست یا خیر؟

ج : هو العالم؛ تولی و تبری از واجبات است و اگر کسی امام را واجب الاطاعه و معصوم نداند شیعه نیست، همین نحو اگر به امام اهانت کند.

س ۶۰۸: اگر کسی به جای این که از خلفای ثلاثه تبری

بجوید، قائل به احترام آنها باشد و بگوید که خلفاء مثل پیغمبر (ص) بودند، آیا چنین شخصی مؤمن و شیعه است؟

ج : هو العالم؛ خیر، یقیناً شیعه نیست و یا آنکه از اسلام و تشیع و شخصیات شیعه هیچ گونه اطلاعی ندارد.

«مسائل متفرقه اعتقادی»

س ۶۰۹: با اینکه خارج کردن تیر از پای مبارک امیرالمؤمنین (ع) در حال نماز و ملتفت نشـدن آن حضـرت، در عروه الوثقی، در جامع السعادات علامه نراقی ج ۳ ص: ۳۲۸ و کتب دیگر مذکور است یکی از علمای متأخرین نوشته است خبر مذکور را به علت اشتهارش نقل کرده اند و تا به حال کسی سند معتبر ارائه نکرده است! نظر حضرتعالی چیست؟

ج : هو العالم؛ بزرگانی که اسم برده اید اجل از آن هستند که خبر را ندیده، نقل کنند.

س ۶۱۰: حکم منکر شق القمر و آمدن ستاره به خانه اهل بیت (ع) چیست؟

ج : هو العالم؛ چنانچه به حسب ادله ثبوت آنها را بداند و منکر شود کافر است مانند انکار ضروری دین در غیر این مورد.

س ۶۱۱: کتاب «جامع الاخبار» که مؤلفش دقیقاً معلوم نیست، چگونه معتبر می باشد؟ و چطور فقهاء در بعضـی احکام مستحبه به روایت آن کتاب استدلال می نمایند؟

ج : هو العالم؛ در مستحبات اکتفاء به روایات آن کتاب می شود چون خبر ضعیف به مقتضای قاعده تسامح در ادله سنن اثبات استحباب می نماید، ولی در احکام لزومیه خبر ضعیف کافی نیست.

س ۶۱۲: در روایتی است که برای انسان معصوم (ع) پنج روح است از جمله روح المدرج، بفرمایید مراد از آن چیست؟

ج : هو العالم؛ در اصول کافی( )،

طی خبر صحیحی تمام ارواح خمسه را توضیح داده می فرماید: «روح المدرج الذی به یذهب الناس و یجیئون» و به عبارت اخری، عالم المدرج عالم الملک. به هر حال رجوع کنید به آن محل، مفصلا بیان شده است.

س ۶۱۳: روایتی از امام کاظم (ع) که می فرماید: «من اخذ دینه من افواه الرجال ردّته الرجال» ( ) مدرکش چیست؟

ج : هو العالم; روایت کرده از امام صادق (ع) حرعاملی در کتاب «الفصول المهمه فی اصول الائمه» ج ۱ص۱۲۵،همچنین شیخ صدوق این روایت را از امام علی (ع) نقل کرده است.

س ۶۱۴: در کتاب معانی الاخبار و وسایل الشیعه حدیثی از ابن عباس است «قال ابن عباس عن معنی قول النبی (ص) حین رأی من یحتجم فی شهر رمضان، «افطر الحاجم و المحجوم»( ) مراد از عبارت «افطر الحاجم و المحجوم» آیا این که هر دو نفر حجامت کننده و حجامت شده بر پیامبر (ص) دروغ بستند به واسطه حجامت خود یا این که هر دو نفر داخل در سنت و فطرت شدند چون حجامت از سنت های پیامبر اکرم (ص) است؟ بفرمایید مراد کدام معنی است؟

ج : هو العالم; مراد همان معنای اخیر در جامع الاخبار قال «ای دخلا بذلک فی فطرتی و سنتی لان الحجامه مما أمر علیه السلام به فاستعمله» اقرب است. و در ذیل خبر از ابن عباس نقل شده است که قال «انما افطرا لانهما تسابا و کذبا فی سبّهما علی نبی الله صلی الله علیه و آله لا للحجامه» و لا بأس به.

«مسائل تاریخی»

«تاریخ حضرت زهرا (س)»

س ۶۱۵: روایت «قالت فاطمه الزهراء علیها السلام، انّی احب الثلاث، قرائه کتاب الله و

الا نفاق فی سبیل الله و زیاره رسول الله صلی الله علیه و آله» آیا سند معتبر دارد؟ بیان فرمایید؟

ج : هو العالم; در مستحبات اعتبار سند لازم نیست، روایت ضعیفه هم باشد استحباب ثابت می شود.

س ۶۱۶: در روایتی آمده است که: حضرت زهراء (س) درایام مریضی به اصرار امیر المؤمنین (ع) تقاضای انار کرد، و حضرت امیر (ع) بعد از تهیه آن از شمعون یهودی، آن انار را در بین راه به فقیری بخشید، آیا سند معتبر دارد؟

ج : هو العالم; مضمون آن یقیناً صحیح نیست.

س ۶۱۷: روایتی که می گوید امیر المؤمنین (ع) هنگام غسل دادن بدن حضرت زهراء سلام الله علیها گریست، پس علت گریه را از حضرت پرسیدند فرمود اثر تازیانه که هنوز در بدن باقی است مرا به گریه آورد، آیا سند معتبر دارد؟

ج : هو العالم; روایت را قبلاً دیده ام وبه نظرم آن زمان معتبربود.

س ۶۱۸: حضرت زهراء سلام الله علیها در چه سنی به شهادت رسیدند؟

ج : هو العالم; مرحوم کلینی و ابن شهر آشوب نوشته اند که آن حضرت علیها السلام پنج سال بعد از مبعث متولد شده است و همین امر بین اصحاب ما مشهور است، و از امام باقر علیه السلام روایت شده است. اما مشهور بین اهل سنت این است که آن حضرت (س) پنج سال قبل از مبعث متولد شده است، و ظاهراً این کلام اهل سنت از روی اشتباهی است در روایت آنها بین کلمه «قبل» و «بعد».

بنابراین سن مبارک ایشان حین شهادت همانگونه که معروف بین شیعه است هجده سال بوده است.

«تاریخ امام حسین (ع)»

س ۶۱۹: اینکه گفته می شود:

ملائکه امام حسین (ع) را بعد از ولادت به آسمان بردند، آیا صحیح است؟

ج : هو العالم؛ ظاهراً تمام ائمه (ع) چنین بوده اند به نحوی که در روایت است.

س ۶۲۰: مراد از خوردن گل قبر سید الشهداء امام حسین (ع) برای شفا همان از خود قبر و اطراف آن یا تا چهار فرسخ و بیشتر جایز است.

ج : هو العالم؛ متیقن خود قبر و اطراف آن است و محتمل است تا هفتاد ذراع فاصله با قبر کافی باشد، ضابط صدق عرفی قبر امام است، و روایات متعددی در بیشتر از این مقدار هست ولی ضعیف است و اما من روایتی ندیدم که دلالت بر چهار فرسخ کند.

س ۶۲۱: آیا امام توانست به اهداف خود جامعه عمل بپوشاند؟!

ج : هو العالم؛چنانچه یکی از نویسندگان اشاره دارد، بذر افشانی یک نهضت و فراهم سازی زمینه های تحول اجتماعی می تواند در کوتاه مدت و بلند مدت مطرح باشد. طبیعی است که یک انقلاب در طولانی مدت آثار و ثمرات خود را پس می دهد و افراد جامعه و یک ملت را بیدار می کند. این حقیقت در نهضت امام (ع) نیز صادق است.

بعد از شهادت امام حسین (ع) نخستین آثار نهضت حسینی آشکار شد. و توابین در سال ۶۴ هجری بر ضد سلطنت اموی قیام کردند و بنیان نظام فرزندان ابوسفیان را به لرزه درآوردند. در حقیقت خون سید الشهداء (ع) خون بهایی برای هر نهضت آزادی خواهانه بود. در سال ۱۲۱ زید شهید قیام کرد و در سال ۱۲۵ یحیی فرزند او بر علیه بنی امیه شورش نمود. در نهضت زید، علویان، ایرانیان و عراقیان

شرکت داشتند و مبارزه با ستم و برافراشتن پرچم عدل را خواستار بودند، این نهضت ها زمینه را برای قیام کلی ایرانیان و ابومسلم خراسانی فراهم ساخت که سرانجام دولت اموی ساقط گردید.

برای توضیح بیشتر به کتاب «شیعه علوی در دو قرن دوم و سوم» نوشته فضلیه الشامی ترجمه چاپ دانشگاه شیراز، مراجعه شود.

س ۶۲۲: بهترین اهداف قیام امام حسین (ع) چه بود بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ نویسندگان اسلامی، عمده ترین اهداف قیام امام حسین (ع) را در چند هدف مشخص تصویر کرده و بیان داشته اند که اینک به اختصار به هر یک از آنها اشاره می شود:

۱ نهضت امام حسین(ع) در راستای ایفای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بوده و اصلاح امت اسلامی از بزرگترین اهداف آن حضرت بوده است.

یکی از نویسندگان این نظریه را اظهار کرده است. او می نویسد:

«یک آدم «مهاجم» نمی خواهد فقط خودش را حفظ کند، می خواهد طرف مقابل را از بین ببرد ولو به قیمت شهادتش باشد. منطق امر به معروف و نهی از منکر، منطق حسین (ع) را منطق شهید کرد. منطق شهید، منطق کسی است که برای جامعه خود، پیام دارد و این پیام را جز با خون با چیز دیگری نمی خواهد بنویسد».

۲ عده ای آن را حرکتی ضد استبدادی علیه رژیم یزیدی برای استقرار حکومت اسلامی، دانسته اند. آیت الله میرزای نائینی در رساله «تنبیه الامه و تنزیه المله» چنین نظریه ای را ارائه می دهد. او می گوید:

«خضوع نفس قدسیه حضرتش (امام حسین (ع)) از آن (استبداد) اباء فرموده از برای حفظ حریت خود و توحید پروردگارش

و تمـام هستی و دارائی را فـدا و این سـنت کریمـانه (آزادی) را برای احرار امت اسـتوار و از شوائب عصبیت مـذمومه تنزیهش فرمود».( )

۳ بعضـی هم هـدف عمـده نهضت امـام حسـین (ع) را «عـدالت خواهی» دانسـته انـد، چنـانچه دربـاره نهضت عاشورا چنین می نویسد:

«نه فقـط علی، شـهید راه عـدالت و فریادرسـای دادگری است. بلکه حسـین (ع) نیز شـهید راه عـدالت است. به گفته خود امـام حسـین (ع) «نمی بینیـد که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری به عمل نمی آیـد.» در چینن شـرایطی مؤمن باید مشـتاق لقای پروردگار باشد.»

مجموع این اهـداف و انگیزه ها می توانـد نهضت عظیم امام حسـین (ع) را توجیه کنـد و برای هدایت امت، چراغ راه و الگوی زندگی گردد.

س ۶۲۳: چرا امام حسین (ع) همانند برادرش با یزید از در آشتی برنیامد؟

ج : هو العالم; رابطه این دو امام با دودمان بنی امیه رابطه خصـمانه بود و چنانچه امام حسن(ع) در مـدائن با معاویه پیکار کرد. اما بعد از امضای قرارداد آتش بس و صـلح نامه، به جهت رعایت عقد صـلح نامه ایشان بامعاویه از در پیکار برنیامدند، پس از آن که امـام حسن (ع) از دنیـا رفت، امـام حسـین (ع) به جهت رعـایت احترام امـام حسن(ع) و امضـای صـلح، هرگز به معاویه تعرضـی نـداشت. تنها در چنـد موردماننـد قتل حجر بن عدی و یارانش نامه تند و اعتراض آمیزی به او نوشت. ولی بعد از آن که معاویه پسـرش یزیـد را به عنوان ولایت عهـدی بر مسـلمین تحمیل کرد، امام حسـین(ع) نیز همانند بعضـی دیگر زیر بار آن نرفت تا آن که معاویه از

دنیا رفت. یزید خام و ناپخته از سر بی شعوری با نامه ای تهدیدآمیز به حاکم مدینه (مروان) امام حسین(ع) را به اخذ بیعت و دستگیری دستور داد، امام حسین (ع) از بیعت امتناع کرده و از مدینه خارج شد. در این هنگام نامه های کوفیان فراسوی او روانه گردید که از او برای تشکیل حکومت اسلامی،دعوت کرده بودند. امام (ع)، پسر عموی خود مسلم بن عقیل را، برای بررسی اوضاع کوفه به سوی آن شهر گسیل داشت. مسلم ضن تأیید دعوت کوفیان، تأکید کرد که حضرتش به عراق بیاید و در کوفه حکومت تشکیل دهد و از این جهت امام (ع) در نهم ذی الحجه سال ۶۰ از مکه خارج شد و رهسپار عراق گردید. ولی متأسفانه اوضاع کوفه به جهت فرماندار جدید زیاد بن امیه و اعزام نیرو، تغییر یافت. حضرت مسلم به شهادت رسید. امام حسین (ع) پس از اطلاع از شهادت مسلم، همانند قبل از آن مصمم بود که به راه خود ادامه دهد و وظیفه امر به معروف و مبارزه با خاندان غاصب استبدادی را ادامه دهد. برخورد با نیروهای حرّ بن یزید ریاحی، تلاشی تازه بود و امام می خواست با هماهنگی او، وارد کوفه شود و کار را یکسره نماید. او دعوت خود را علنی ساخته بود و فضایح بنی امیه را افشا می کرد و در ضمن اصحاب خود را برای برخورد با نیروی بنی امیه آماده می ساخت. وقتی که حر از طرف ابن زیاد برای نزول به کوفه و تسلیم به حاکم آن، او را فراخواند، امام حسین (ع) از موضع شجاعت و کرامت خاندان

هاشـمی، سخت از این دعوت امتناع کرد. راه شهادت را که در جنگ های اسلامی یکی از دو پیروزی حساب می شد (احدی الحسینین) انتخاب فرمود و به شهادت رسید.

می توان گفت ابن زیاد و دارو دسـته بنی امیه مهم ترین عامل در موضوع قضـیه «طف» و داستان کربلا بودند و امام حسین (ع) و یارانش را به شهادت رساندند.( )

س ۶۲۴: چرا مسلمانان نتوانسته اند با عبرت گرفتن از قیام امام حسین (ع) وضعیت نابهنجار خود را سامان بخشند؟!

ج : هو العالم; جهان اسـلام به دو بخش جغرافیایی عقیدتی تقسـیم می شود. اکثریت اهل سـنت در بیشتر کشورهای اسلامی و اقلیت تشیع در ایران و عراق و برخی کشورهای دیگر.

اکثریت اهل سـنت از یک طرف به جهت برخوردار نبودن از اعتقاد به امامت اهل بیت(ع) و نبود سنت عاشورایی در میان آنها و از طرف دیگر اعتماد به حاکمان و توجیه سیاسـی کار ایشان را که اگر حاکم اسـلامی عادل شد باید شکر گذار و اگر ظالم شـد، باید صبر پیشه کرد و تحمل نمود که یک فلسـفه سیاسـی غلطی است که از دوران قدیم در میان اهل سـنت حاکم بوده و همواره نظم را بر تحقق عـدالت تقـدیم بخشـیده اند، در نهضت های اسـلامِ سـنی مانند اخوان المسـلمین، و جماعت مسـلمین، چندان موفقیتی به دست نیاورده و نهضتشان به شکست انجامیده است.

امـا اهل تشـیع در چنـد مورد در کشورهای شـیعه نشـین با الهام گیری از نهضت امام حسـین (ع) توانسـته انـد اسـتقلال طلبی و نهضت اجتماعی بپا دارند و هویت سیاسی خود را اعلام نمایند. نهضت استقلال طلبی مسلمانان عراق به رهبری علمای

شیعه و مراجع تقلید در انقلاب ۱۹۲۰ که به استقلال عراق از استعمار انگلیس انجامید، نمونه ای از این باب است. اما متأسفانه با این که ابتدا شیعیان استقلال عراق را به دست آوردند، ولی بعداً عقب نشینی کرده و موضوع حکومت به دست اقلیت اهل سنت در عراق افتاد که در مدت زیادی حاکمان بعثی ناسیونالیست بااستبداد کامل آن را اداره کردند.

اما ایرانیان مسلمان در نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی، با الهام گیری از نهضت حسینی با این که توانسته اند حکومت تشکیل دهند، ولی متأسفانه انحراف نهضت مشروطیت از اهداف اسلامی خود به وسیله لائیک ها و روشنفکران وابسته، مسلمانان به ویژه عالمان دینی را منفعل ساخته و سرانجام به انزوا کشاند. چنانچه آیت الله نائینی تئوریسین جناح اسلامی نهضت مشروطه کتاب خود (تنبیه الامه و تنزیه المله) را جمع کرده و از نهضت دور نشسته است.

س ۶۲۵: چگونه می توان از عاشورا در راستای توحید امت اسلامی و اقامه حکومتی به دور از خشونت و همراه با عفو و گذشت استفاده کرد؟

ج : هو العالم; تحولات اجتماعی به دو گونه و صورت تحقق می یابد: ۱ رفرم و اصلاح، ۲ انقلاب و جهش.

در تحول اصلاحی، جامعه آرام آرام به اهداف اصلاحی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... خود دست می یابد و هرگز دست به خونریزی نمی زند. چنانچه این تحول در آغاز نهضت اسلامی پیامبر اکرم (ص) در مکه و هجرت او به مدینه رخ داده است و پیامبر عرصه های فرهنگی و سیاسی را بدون خونریزی فتح کرده است. که مسیح نیز همین طور است . اما انقلاب اجتماعی، همواره همراه با

خشونت و خونریزی صورت می گیرد. زیرا تضاد میان نیروهای ارتجاعی و نیروهای اصلاح گر و انقلابی شدید می باشد و در نتیجه به خونریزی و مقاومت منتهی می شود. امثال آن در انقلاب بازگشت به اهداف اسلامی دوره عثمان انقلاب فرانسه ،الجزایر در دنیا مشاهده می شود. به نظر من این موضوع بستگی به شرایط جامعه مسلمین دارد که در چه مرحله ای از تمدن و شرایط اجتماعی بسر می برند، اگر آگاهانه باشد، قطعاً خون بر شمشیر پیروز است، چنانچه در ایران اتفاق افتاد و یا، برخورد و خشونت ظهور می یابد، چنانچه در مورد انقلاب فرانسه (۱۷ اکتبر) الجزایر دیده می شود.

س ۶۲۶: مفهوم جمله «ان لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیا کم» (اگر دین ندارید و از معاد نمی هراسید در دنیا آزاده باشید) چیست و مفهوم این کلام را چگونه تعبیر می کنید؟!

ج : هو العالم؛ به نظر ما این جمله بسیار گویا است و آن رعایت اصول آزادی خواهی و کرامت انسانی است. زیرا اصل آزادی خواهی، یکی از اصول انسانی و حقوق طبیعی انسان است و چندان ارتباطی باعقیده و مذهب ندارد اگر چه اسلام به عنوان یک عقیده آن را تأیید کرده وبرای عمل به آن تأکید می کند ولی اصل آزادی خواهی چنانچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و انقلاب فرانسه نیز آمده است اصلی انسانی و مربوط به کرامت او است.

امام حسین (ع) می گوید اگر عراقیان معتقد به اسلام و معاد نباشند، لااقل اصل انسانیت خود را حفظ نمایند و در جنگ تن به تن با

آن که می جنگد مقابله نمایند و به کودکان و زنان که در حال جنگ نیستند تعرض نکنند.

س ۶۲۷: چگونه می توان از «امر به معروف و نهی از منکر» که خود از مکانیزم های بازدارنده ایجاد قدرت مطلقه است به عنوان ابزاری در قبال حاکمیت های مطلق استفاده کرد؟

ج : هو العالم؛ به نظر من کتاب «افضل الجهاد» پاسخ این سؤال را به حد کافی ارائه می دهد. زیرا وقتی قدرت مطلقه حاکمیت و سلطه پیدا کرد، قطعاً ابزار امر به معروف و نهی از منکر، کارائی خود را پیدا می کند، این که در کلام پیامبر «افضل الجهاد کلمه حق عند سلطان جائر» (بهترین جهاد، گفتن سخن حق در نزد پادشاه ستمگر است) بهترین وسیله برای مبارزه با ظلم اعلام شده است، خود شاهد گویایی است بر مسأله یاد شده. به جهت این که هرگز انسان ستمگر خود را در محدوده خود قانع نمی بیند و به دنبال سلطه بیشتر و استثمار است در نتیجه سلاح امر به معروف، افضل الجهادی است که می توان جلوی سلطه گری او را گرفت و او را به قانونمندی و اطاعت از قانون واداشت و یا ساقط کرد.

س ۶۲۸: عده ای بر این عقیده اند که اگر امام حسین (ع) می دانست که در کربلا به شهادت می رسد اقدام به سفر نمی کرد، زیرا قتل نفس است و آن را حرام می دانند. در قبال این طرز تفکر چه می توان گفت؟!

ج : هو العالم؛ آگاهی امام از سرنوشت خود، واقعیتی است که پیشاپیش از طرف پیامبر (ص) و پدرش امام علی (ع) به او

رسیده بود. ولی علم به سرنوشت و آینده، هرگز او را وادار نمی کند که مسیر طبیعی خود را طی نکند. او در مکه اعلام کرد راهی که او در پیش دارد راه پر مخاطره است و فداکاری و از خود گذشتگی لازم دارد. طبیعی است که کسی که با حکومتی مبارزه می کند و ادعای استقلال طلبی دارد، و قیام می کند حتی در عصر حاضر آماده شهادت است و می داند که ممکن است در این راه به شهادت برسد، چنانچه این مسأله نه در مورد امام، بلکه در حق بسیاری از مبارزان و انقلابیون نیز صادق است و نسبت به امام حسین (ع) قضیه بالاتر از این حرفها است، امام حسین(ع) می دانست که کشته شدنش سبب بقاء دین است، چون فساد مخالفین را ظاهر می نمود پس باید راه خود را ادامه دهد و سرانجام به پیروزی نائل شود.

س ۶۲۹: عده ای این گونه می اندیشند که حادثه کربلا در مقطعی از زمان اتفاق افتاده و امروزه چه نیازی به احیای آن است. نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟!

ج : هو العالم؛ این که در روایات ائمه اهل بیت آمده که «شیعیان ما عمل ما را احیاء می کنند، رحم الله من احیا امرنا» تنها مربوط به آموزش های اهل بیت نیست بلکه سیره امامان در زندگی، برای مسلمانان و جامعه همه انسانها اسوه و الگو می باشد.

قطعاً امام حسین (ع) یکی از رادمردان و آزادی خواهان دنیا است. مهاتما گاندی در نهضت استقلال طلبی خود در هند، از نهضت کربلای حسین (ع) الهام گرفته است، چنانچه مارتین لوتر کینگ رهبر سیاه پوستان

آمریکا از نهضت گاندی الهام گرفته است. اخذ و اقتباس از روشها، سیره ها، الگوها، ویژه جامعه و اشخاص معین نیست و تنها اختصاص به جهان اسلام ندارد. شواهد تاریخی این مسأله را ثابت می کند. چه این مبارزه و نهضت، مبارزه منفی باشد یا مثبت، سیاسی باشد یا اقتصادی، پس نهضت و قیام امام حسین (ع) به عنوان مرد آزادی خواه، نه تنها در گذشته بلکه در هر عصر و زمان زنده بوده و برای آزادی خواهان پیام دارد. به قول آن نویسنده، قیام مسیح پیام ندارد اما نهضت و قیام حسین(ع) دارای پیام است. قطعاً این پیام نه در انحصار یک قوم و نه مخصوص یک زمان معین است، بلکه حتماً این پیام فرازمانی و فرامکانی می باشد.

س ۶۳۰: گفته می شود که برای احیای اندیشه سید الشهداء و در نتیجه اجرای احکام الهی احتیاجی به اقامه شعائر حسینی (از قبیل سینه زنی، زنجیر زنی، قمه زنی) نیست که امروزه به گونه ای گسترده در میان شیعه و همچنین سایر فرق مذهبی دیگر از قبیل هندوها مطرح است این مسأله، امری مطابق با قوانین شرعی و عرفی نبوده، بلکه وسیله ای برای تمسخر دیگران است و لذا ازتوانایی های خود جهت جلوگیری از اقامه آن، بیشترین استفاده را می کنند، این سیاست استعماری را چگونه تفسیر می کنید؟!

ج : هو العالم; ابلاغ پیام یک نهضت و انتقال آن به نسل ها و ملت ها، قطعاً باید با نوعی تجمع، شعار و ابراز احساسات خاص همراه باشد، چنانچه این مراسم در ابلاغ پیام مسیح از سوی کاتولیک ها و احیای آیینهای خاص در روز

جهانی کار، پیام آزادی ابراهام لینکن (فروزاندن مشعل آزادی) با تجمع در زیر مجسمه آزادی، در همه ملت ها با آداب و رسوم مختلف دیده می شود. طبیعی است که ابلاغ پیام عاشورا به ملت های مسلمان و آزادیخواه، لازم است از طریق یادآوری شعارها، کلمات، و خطبه های شهدای عاشورا باشد و این به جز از طریق اقامه مراسم عزاداری و یاد یادآوران، راه دیگری ندارد. اگر امروزه وسایل ارتباط جمعی گسترده شده است، بهتر است از آنها نیز استفاده شود.

اما این که عده ای این مراسم را به نحو خاص اقامه می کنند، چنانچه در سؤال یادآوری شده است، طبعاً آنها نوعی آداب و رسوم محلی، قومی می باشد.

ولی در عین حال، حتی در آن نوع مراسمی که ضرر جانی مهلک برای انسان نداشته باشد، بی اشکال است، بلکه ابراز آن همان گونه که جمعی از علمای بزرگ شیعه همه آنها را از شعائر مذهبی می دانند بدون شک بسیار مؤثر می باشد... و از کارهای بسیار خوب است، بلکه بعضی از بزرگان دین آنها را در بعضی موارد واجب دانسته اند.

س ۶۳۱: نقش امام حسین (ع) در جنبش های آزادی بخش و اصلاح طلب را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه قبلا اشاره شد، نهضت امام حسین (ع) نقش اول را در نهضت های آزادی بخش و عدالت خواهانه قرن های اول و دوم هجری ایفاء کرده و در عصر ما نقش اول را در نهضت آزادی هندوستان و الهام گیری مهاتماگاندی و نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی ایران به روشنی می بینم و شواهد تاریخی نیز بر این مطلب

دلالت دارند.

س ۶۳۲: امام حسین (ع) که می دانست به شهادت می رسد، به چه دلیل خاندان خویش را به همراهی خود به رزمگاه برد؟!

ج : هو العالم; قیام امام حسین (ع) و مبارزه جویی او با حکومت بنی امیه اگر توأم با اسارت خاندان نبوت نبود، به نتیجه مطلوب نمی رسید و اگر اسارت خاندان امام حسین (ع) نبود قطعاً آن نهضت به نتایج مطلوبه تمام نتایجی که به آنها اشارت رفت نمی رسید.

س ۶۳۳: نقش حضرت زینب (س) در واقعه عاشورا چه بود؟

ج : هو العالم; قطعاً فداکاری و شهادت طلبی امام حسین (ع) و یارانش، در یک شرایط بسیار سخت صحرای کربلا، با وضع فجیعی به پایان رسید و امام حسین(ع) شهید شد. ولی تکمیل رسالت او و ابلاغ پیام شهدا، اگر چه به طور ظاهری به وسیله وقایع به مانند «حمید بن مسلم» صورت گرفته اما ایصال اصل پیام و ابلاغ آن به قوم خواب رفته کوفه و شام و در طول تاریخ به نسل های مسلمان، به وسیله حضرت زینب (س) بوده است.

حضرت زینب (س) قافله سالار خیل اسیران است. شیر زنی است سخنور و شجاع که در مراحل حساس اسارت در کوفه و شام سخنرانی های آتشین در دفاع از نهضت حسینی ایراد کرده است. بهتر است که سخنرانی او و خواهرش ام کلثوم را در کوفه در کتاب های تاریخی ملاحظه شود تا حقیقت نقش حضرت زینب (س) در تکمیل رسالت حسینی روشن گردد.

س ۶۳۴: چگونه می توان الگویی از شخصیت حضرت زینب کبری (س) برای بانوان این عصر ترسیم کرد؟!

ج : هو العالم; بنا به یک

اصل روانشناختی، الگو پذیری، یکی از انگیزه ها و عوامل رفتار انسانی است. نقش قهرمانان تاریخ و شخصیت های برجسته در عرصه علم و هنر و اجتماع، در تربیت انسان، واضح تر از آن است که توضیحی داده شود.

امروزه در جهان اسلام سخن از الگوی زن مسلمان است که چه نمونه و شخصیتی می تواند روش های زندگی و روش های حیات اجتماعی، فرهنگی را به زن مسلمان نشان دهد. و از نظر تفکر و شخصیت او را بسازد و تربیت نماید. قطعاً حضرت زینب(س) نمونه والای این قلمرو است که با الهام گیری از شخصیت او، زنان عصر ما می توانند او را پیشوای آزاده و حفظ کرامت انسانی، بدانند و از او تبعیت کنند و اندیشه اجتماعی، فکری خود را از اندیشه اسلامی که زینب (س) نیز از ثمرات ان است، الهام بگیرند.

س ۶۳۵: گاندی رهبر آزادی خواه هند می گوید: «از حسین بن علی (ع) آموختم چگونه مظلوم باشم تا پیروز گردم». این کلام نغز را چگونه تحلیل می کنید و چرا مسلمانان، چنین پیامی را دریافت نکرده و نتوانسته اند خود را از چنگال حکومت های استبدادی و دارای حاکمیت فردی و مطلقه نجات دهند؟

ج : هو العالم; به نظر اینجانب مفهوم جمله گاندی تنها در بعد مقاومت در برابر ستمگر خلاصه شده است. اما روش مقاومت را خود گاندی ابداع کرده است. و در نتیجه کشور هند به استقلال رسیده و یکی از نمونه های کشورهای دموکراتیک در جهان امروز است.

اگر مسلمانان نتوانسته اند از پیام آزادی خواهی امام حسین (ع) عبرت بگیرند به نظر می رسد که هنوز ریشه

هـای اسـتبداد در فرهنـگ و ذهنیت مسـلمانان خشـک نشـده اسـتوهنوزکه هنوز است روابـط اجتماعی بر مبنای تحمیل و تقلب مبتنی می باشد.

مسأله اصـلی جوامع مسلمان استبداد است که در قرن های اخیر از سوی اصلاحگران مسلمان، در مصر، ایران و هند، دنبال شده است. مـادامی که این ریشه شـجره خـبیثه (به تعبیر آیت الله نـائینی) خشـك نشـده است. مسـلمانان هرگز چهره یـک حکومت مطلوب را مشاهده نخواهند کرد. ولی این هرگز به آن معنا نیست که ملتهای ما رشد نداشـته و نمی توانند آزادی و دموکراسی را تمرین نماینـد. اگر ملت هایی در حیات اجتماعی خود به مرحله ای از دموکراسـی رسـیده انـد، قطعاً آنها، این آزمایش های اجتماعی را، جلوتر از مسـلمانان آغاز کرده اند و به آن مرحله از رشد اجتماعی نائل شده اند. پیمودن این راه برای ما مسلمانان نیز میسر است.

س ۶۳۶: چگونه می توان از فلسفه قیام امام حسین (ع) در جهت احیای تعالیم اسلامی در غرب بهره جست؟

ج : هو العـالم; فضـای فرهنگی مغرب زمین بـا کشورهـای اسـلامی متفـاوت است، امروزه کشورهای غربی از آزادی سیاسـی، فرهنگی نسبتاً مطلوبی برخوردارند و از دانشـگاه های علمی وسیع بهره مند می باشـند. آنچه به نظر می رسد اینکه از چند راه می توان این مهم را انجام داد.

۱ همچنـان که دانشـمندان، و مستشـرقان بـا اقـامه سـمینارها و کنفرانس هـا در دانشـگاه هـا به ارائه نظریـات خود می پردازنـد. دانشمندان مسلمانومسلمانان اندیشمندمی توانندازاین ابزارها در ارائه علمی فلسفه قیام امام حسین (ع) استفاده نمایند.

۲ از طریق ترجمه آثار نویسندگان مسلمان در این زمینه، چنانچه حامد الگار نویسنده مسلمان که اخیراً نیز به

کرامت تشیع نائل شده است، همین کار را انجام می دهد.

۳ ایجاد رادیو و تلویزیون که از آن طریق می توان پیام اسلام و نهضت امام حسین (ع) را به نسل های بعدی ابلاغ کرد.

۴ راه اندازی نشریات و مجلات تبلیغی، چنانچه مسیحیان و دیگر گروه ها استفاده می کنند. مانند plan truth

۵ تهیه فیلم و نمایشنامه از نهضت کربلا و تبلیغ پیام شهدا از این طریق.

س ۶۳۷: متضمن چند سؤال است راجع به شهادت حضرت سید الشهدا (ع): آیا روز عاشورا (جمعه) سال ۶۱ بود؟

ج : هو العالم؛ اتفاق مؤرخین و محدثین بر این است که روز عاشورا روز جمعه بود است و بیشتر مورخین سال شهادت را(۶۱) دانسته اند، همانگونه که ابوالفرج و الحافظ عبدالعزیز و الطبری و الجزمه و المفید و الاربلی فی کشف الغمه و القمقام و غیر اینها از عامه و خاصه به آن تصریح کرده اند .

س ۶۳۸: آیا امام حسین (ع) در روز عاشورا نماز ظهر و عصر را جمعاً و بطور خوف نخواند؟

ج : هو العالم؛ چون مستفاد از روایتی که مفید نقل فرموده و روایات دیگر این است که شهادت امام در آخر روز عاشورا بوده و به حساب اهل فن تقریبا یک ساعت قبل از غروب شمس بوده، بنابراین امام نماز ظهر و عصر را جمعاً خوانده و صلاه خوف بوده است کما اینکه در روایات تصریح شده است .

س ۶۳۹: آیا روز عاشورا بعضی شهداء کربلاء نماز عصر قضاء کرد؟

ج : هو العالم؛ آن را نمی دانم.

س ۶۴۰: آیا امام در نماز عصر شهید شده یا در سجده شکر؟

ج : هو العالم؛امام درسجده شکرشهیدشدنه

درحال نمازعصر.

س ۶۴۱: آیا مغلوب بودن امام یعنی شهادت غیر حال نماز ممکن بود روز عاشورا و غیر آن؟

ج : هو العالم؛ امام مغلوب نشد بلکه غالب شد چون با شهادت دین را زنده کرد، لذا اسلام را حسینی البقاء می دانند، و خود شهادت بزرگترین عبادت بوده است و امام روحش متصل به مبدأ اعلی شده بود من و امثال من ممکن نیست بتوانیم بفهمیم که امام حسین (ع) در آن حالت چه مقامی داشته و هر چه بگوییم کم گفته ایم.

س ۶۴۲: روایتی بیان می کنند که امام حسین (ع) هنگام راز و نیاز به درگاه خدا فرمود «صبراً علی قضائک یا رب لا اله سواک یا غیاث المستغیثین»چگونه است؟

ج : هو العالم؛ درست است.

س ۶۴۳: این که مشهور است شریح قاضی فتوی به قتل امام حسین (ع) داده، آیا سند معتبر دارد؟

ج : هو العالم؛ ظاهراً چنین نیست و لذا مختار هم به او تعرض شدید نکرد.

س ۶۴۴: روایتی که می گوید حضرت زینب (س) بر سرنعش برادرش امام حسین (ع) رسید و عرض کرد «آیا تو برادر منی، آیا تو فرزند مادر منی؟» چگونه است؟

ج : هو العالم؛ ظاهراً همین طور است و منبری ها که نسبت می دهند به حضرت زینب (س)، اشکال ندارد.

س ۶۴۵: روایتی که می گوید حضرت زینب (س) در قتلگاه این جمله را به خدا عرض کرد: «الهی تقبل منا هذا القربان» چگونه است؟

ج : هو العالم؛ از جواب مسأله قبل، جواب این مسأله و سه مسأله بعد معلوم می شود.

س ۶۴۶: روایتی که می گویدوقتی حضرت زینب(س)برسرنعش مطهرامام حسین (ع) رسید

و عرض کرد «السلام علیک یا ذبیحاً من القفا، اختک لک الفداء، یا بن محمد المصطفی (ص) و یا قره عین فاطمه الزهراء (ع)» آیا اعتبار دارد؟

ج : هو العالم؛ بلی اعتبار دارد و برای سند آن مراجعه شود به:

۱ اللهوف علی قتلی الطفوف ص ۱۳۰

۲ المناقب ج ۴ ص ۱۱۳

۳ بحار الانوار ج ۴۵ ص ۵۹

س ۶۴۷: روایتی که می گوید حضرت زینب (س) در قتلگاه خطاب به بدن امام حسین (ع) عرض کرد «اگر تمام مصیبت های تو را فراموش کنم این مصیبت تو را از یاد نبرم که تو را میان دو نهر آب با لب تشنه شهید کردند و هر چه آب خواستی ندادند» چگونه است؟

ج : هو العالم؛ از جواب سؤالات قبل، جواب این سؤال هم معلوم می شود.

س ۶۴۸: روایتی نقل می کند امام زمان ارواحنا فداه موقع ظهور چنین مصیبت می خواند «الا یا اهل العالم ان جدّی الحسین علیه السلام قتلوه عطشانا و...» این روایت چگونه است؟

ج : هو العالم؛ مراجعه شود به شجره طوبی ج ۲ ص ۳۹۷

س ۶۴۹: با اینکه محدث نوری (ره) در کتاب لؤلؤ و مرجان از شیخ مفید و شیخ کفعمی و شیخ طوسی و علامه حلی رضوان الله علیهم اجمعین نقل نموده که اهل بیت پیامبر (ص) روز اربعین از شام به طرف مدینه حرکت کردند. ولی عده ای از علما چون علامه مجلسی (ره) در زاد المعاد، فاضل بیرجندی (ره) در «وقایع الشهور»، محدث قمی (ره) در «منتهی الامال»، دکتر آیتی (ره) در «بررسی تاریخ عاشورا» ورود اهل بیت در روز اربعین به کربلا را فرموده اند، نظر حضرتعالی چیست؟

ج : هو العالم; این امر مورد اختلاف است ولی به نظر من ورود اهل بیت به کربلا در همان اربعین اول بوده است.

«عزاداری»

س ۶۵۰: در مواردی که احیای دین و احیای نام و یاد معصومین (ع) متوقف بر روضه خوانی و مثل آن باشد آیا روضه خوانی و مثل آن واجب می شود؟ و آیا در این جهت فرقی بین ایام شهادت آنها و دیگر ایام وجود دارد یا خیر؟

ج : هو العالم; در استحباب آن تردیدی نیست، و در بعضی موارد هم به وجوب کفائی واجب می شود.

س ۶۵۱: آیا سینه زدن در مراسم عزاداری ائمه اطهار (ع) در شرع مقدس توصیه شده است؟ و آن را به عنوان یک امر مستحبی می شناسد؟

ج : هو العالم; به عنوان عزاداری بسیار توصیه شده است و آن از افضل مقربات است.

س ۶۵۲: اینجانب مداح اهل بیت علیهم السلام می باشم، اگر برای مداحی، احادیثی در فضائل اهل بیت و مظلومیت آنها بگویم و از کتاب هایی چون منتهی الامال، نفس المهموم، بکاء الحسین، ریاحین الشریعه و... استفاده کنم آیا اشکال دارد یا خیر؟ در صورت عدم اشکال آیا بنده اجازه دارم یا خیر؟

ج : هو العالم; چنانچه غلو نباشد مطالبی که در کتب مقاتل نوشته شده است اشکال ندارد، چون شنیده ام این ایام مطالب غلو آمیز خیلی رائج شده است و شما هم تذکر بدهید که در فلان کتاب، این مطالب هست، و مجاز هستید بخوانید. شما منصب بزرگ و بسیار بافضیلتی را متصدی هستید، با شعار غیر مشروع این مقام را نابود نکنید.

س ۶۵۳: امروزه مشاهده می شود

که در مجالس سینه زنی، بعضی از مردم لباس های خویش را بیرون آورده و به صورت لخت سینه می زنند، آیا چنین عملی منافی شأن ائمه (ع) نمی باشد؟ و آیا اصلا چنین عملی جایز است؟

ج : هو العالم؛ بلی جایز است، نه تنها منافی شأن ائمه (ع) نیست بلکه موافق با مقام عالی آن بزرگواران می باشد.

س ۶۵۴: آیا حضور در چنین مجالسی توصیه می گردد؟

ج : هو العالم؛ بلی، بالاتر از توصیه.

س ۶۵۵: حکم قمه زنی در روز عاشورا و در ایام وفات ائمه (ع) چیست؟

ج : هو العالم؛ عمل مستحسنی است و از شعائر است.

س ۶۵۶: احترام به شعائر حسینی چه حکمی دارد آیا لازم است؟

ج : هو العالم؛چون مهمترین چیزی که موجب بقاء دین است شعائر حسینی است، بنابراین بر هر فرد شیعی است که آنها را احترام نماید.

س ۶۵۷: با توجه به شبهه هایی که در سال های اخیر در مورد حلال و حرام بودن قمه زنی به وجود آمده است، خواهشمندم در ضمن بیان استدلال خود مبنی بر حلال بودن این کار، فلسفه این کار را نیز بیان نمایید.

ج : هو العالم؛ قمه زدن از شعائر مذهبی است و عزاداری بر سید الشهداء (ع) است.

آیه کریمه( ) «و من یعظم شعائر الله...» و ادله مطلوبیت عزاداری آن حضرت دلالت بر حلال بودن و از اعمال حسنه بودن آن می نماید.

س ۶۵۸: چیزهایی که در ترویج عزاداری سید الشهداء (ع) به کار برده می شوند از ماتم، نوحه، علم، ضریح، تعزیه و لباس سیاه و دیگر منسوبات حسینیه، آیا احترام آنها مشروع هست یا خیر؟

ج :

هو العالم; همه آنها شرعاً خوب و حسن است مگر چیزهایی که حرمت شرعی دارد مانند غناء.

س ۶۵۹: حکم شخصی که شعائر حسینی و گفتن یا علی، و یا حسین را بدعت و غیر جایز می داند چیست؟

ج : هو العالم; چنین شخصی منحرف است و باید تعلم نموده و خود را موافق با مستحبات و واجبات کفائیه قرار دهد.

«جشن میلاد ائمه (ع)»

س ۶۶۰: به نظر حضرتعالی در میلاد ائمه اطهار (ع) مراسم جشن و سرور باید چگونه باشد تا هم حق آن بزرگواران اداء شود و هم بی احترامی به آنها نشود؟

ج : هو العالم; در مراسم جشن مواظبت شود که آلات لهو و لعب نواخته نشود، غنا هم نخوانند، بقیه مراسم جایز است.

س ۶۶۱: با توجه به اینکه مرسوم است در سالروز ولادت ائمه اطهار (ع) مجلس جشن و شادی برگزار می شود، سؤال این که آیا خود ائمه اطهار (ع) برای پدران و اجداد طاهرینشان (ع) اینگونه مجالس را بر پا می کردند؟ و اگر بر پا می کردند کیفیت مجالس آنها چگونه بوده است؟

ج : هو العالم; در این امور باید رعایت عرف هر زمان بشود.

س ۶۶۲: اگر مداح اهل بیت (ع) در شعر خود بگوید: «صل علی محمد امام باقر (ع) آمد»، آیا این صلوات ابتر است با توجه به اینکه مداح معتقد به آل پیامبر(ص) می باشد؟

ج : هو العالم; جایز است، اشکال ندارد.

س ۶۶۳: بفرمایید دست زدن در مجلس میلاد اهل بیت (ع) چگونه است؟

ج : هو العالم; اگرتوأم باکارهای خلاف دیگرنباشداشکال ندارد.

س ۶۶۴: ما محبین به حضرت رسول (ص) و ائمه طاهرین (ع) در میلاد آنها، جشن های

مذهبی در مسجد برگزار می کنیم و مداحان و شاعران اهل بیت، سرودی در وصف آن بزرگواران می خوانند و مردم هم برای تنوع مجلس کف می زنند، بفرمایید این کف زدن، آن هم در مسجد چه صورتی دارد؟

ج : هو العالم؛ کف زدن تنها چنانچه توأم با حرکات سبک که منافی با احترام به آن بزرگواران است نباشد، اشکال ندارد.

س ۶۶۵: آیا کف زدن در میلاد ائمه اطهار (ع) همانند سینه زدن در شهادت آن بزرگواران، ثواب دارد؟

ج : هو العالم؛ بلی، چنانچه توأم با حرکات و اعمالی که مناسب مقام شامخ آنان نیست نباشد، چون از امام معصوم (ع) روایت شده است: «شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا یفرحون لفرحنا و...»

س ۶۶۶: مولودی خوانی همراه با کف زدن که نوعی آهنگ ایجاد می کند و انسان را به وجد می آورد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ وجد غیر از خفت است که از استعمال آلات لهو و غنا حاصل می شود. کف زدن به شرطی که عنوان محرم دیگری بر آن مترتب نشود مانعی ندارد.

س ۶۶۷: دف زدن در مجلس میلاد اهل بیت (ع) چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ دف زدن جایز نیست.

«دفاع از عتبات عالیات»

س ۶۶۸: غرض از استفتاء آن است که در شرایط کنونی که هم حرم حضرت مولی الموحدین علی بن ابیطالب (ع) و حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و ملت مسلمان و بی دفاع عراق مورد ظلم و ستم و هتک حرمت و حمله ددمنشانه نظامیان آمریکا و انگلیس قرار گرفته و لحظه به لحظه، بی رحمانه جمعی از مسلمانان به خاک و خون کشیده می شوند، آیا خروج از

مرز به طور غیر مجاز جهت پاسداری از حرمین شریفین و دفاع از ملت عراق، شرعا جهاد فی سبیل الله محسوب است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ مسلماً خروج به این قصد یعنی پاسداری از حرمهای چهارگانه اهل البیت (ع) و دفاع از مسلمانان بی دفاع، مصداق بارز دفاع فی سبیل الله است. و کسی که در آن راه کشته شود ولو اینکه نتواند کاری انجام دهد شهید است.

«تاریخ مسجد کوفه»

س ۶۶۹: در روایتی هست که در مسجد کوفه هزار پیغمبر و هزار وصی پیغمبر نماز خوانده اند و در روایت دیگر است که کوفه را عمر بن خطاب بنا کرده است، لطفا اجمالا توضیحی بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ مسجد کوفه از اوائل خلقت بشر بوده، جای قبول توبه آدم و استقرار کشتی نوح در آنجا است، بعضی از حضرات ائمه معصومین (ع) از مدینه مسافرت نموده در آنجا نماز خوانده اند. بنابراین هیچ مانعی از صحت روایت ذکر شده متصور نیست. و اما روایت این که عمر بن خطاب بنا کرده است یعنی اساس بنا از او است مسلماً دروغ است.

«تاریخ سال قمری»

س ۶۷۰: با اینکه هجرت پیامبر اکرم (ص)، در اول ماه ربیع الاول اتفاق افتاده، چرا اول سال قمری، اول ماه محرم است؟

ج : هو العالم؛ چون اول سال در نزد عامه مردم، اول محرم بوده است نخواستند این عادت را به هم بزنند. ولی چون مبدأ تاریخ مختلف فیه بوده، هجرت پیغمبر (ص) گرفته اند که عموم مسلمین هم با این امر موافق می باشند.

«شیخ صدوق»

س ۶۷۱: با اینکه علامه حلی (ره) و شهید ثالث (ره) به فقیه بودن شیخ صدوق (ره) تصریح کرده اند چرا بعضی ها می گویند پدرش (ره) فقیه بوده و خودش محدث بوده؟

ج : هو العالم؛ صدوقان به خصوص پسر از مفاخر علماء اسلام و از فقهاء بزرگ هستند و محدث بودن منافی فقیه بودن نیست. هم محدث هستند و هم فقیه.

«تاریخ عمامه»

س ۶۷۲: علت اینکه عمامه آقایان سادات مشکی و آقایان شیوخ سفید می باشد چیست؟

ج : هو العالم؛ پوشیدن عمامه در نماز بلکه مطلقاً، مستحب است و اما پوشیدن عمامه سیاه و سفید یک امر عرفی برای تمییز سادات از غیر سادات است.

«مسائل متفرقه دعاها»

س ۶۷۳: آیا زیارت عاشورا حدیث قدسی است یا نه؟

ج : هو العالم; روایات متعددی در فضیلت و کیفیت آن از امامین صادقین (ع) رسیده است، ولی همانگونه که حاجی نوری (ره) می فرماید این زیارت از احادیث قدسیه و از منشئات حضرت حق تعالی است.

س ۶۷۴: خواهشمند است نظر مبارک را در مورد صحت و سقم زیارت ناحیه مقدسه امام زمان (عج) بفرمایید؟

ج : هو العالم;زیارت ناحیه مقدسه را جمعی از انشائات سید مرتضی (ره) گفته اند. ولی صاحب مزار کبیر محمد بن المشهدی می گوید کما فی البحار ج ۹۸، ص ۳۲۳ : «زیاره اخری فی یوم عاشوراء مما خرج من الناحیه المقدسه الی احد الابواب... الی ان یقول، فظهر ان هذه الزیاره منقوله مرویه و یحتمل ان لا تکون مختصه بیوم عاشوراء کما فعله السید المرتضی». ولی ظاهر آنچه در مزار کبیر ص ۱۶۵ ۱۷۱ نقل کرده با آنچه که منصوب به سید مرتضی (ره) است مختصر اختلافی دارد. مجلسی ره می فرماید: «و الا ـ ظهر ان السید اخذ هذه الزیاره و اضاف الیها من قبل نفسه ما اضاف». شیخ مفید (ره) نیز در کتاب مزار زیارت را به روایت نسبت می دهد.

س ۶۷۵: آیا مأخذ معتبری برای حدیث قدسی معروف «عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی» می دانید؟

ج : هو العالم; مأخذ آن ۱الجواهرالسنیه شیخ

حرعامليص ۳۶۰

۲ شجره طوبی ج ۱ ص ۳۳.

س ۶۷۶: نظرتان راجع به دعای «نادعلی» چیست؟ آیا معتبر است یا خیر؟

ج : هوالعالم; روایت دارد در مستحبات اعتبار روایت لازم نیست.

س ۶۷۷: آیا می توان با زیارت جامعه، نبی مکرم (ص) را زیارت نمود؟

ج : هو العالم; زیارت جامعه به حسب الروایات مختص به ائمه معصومین (ع) است و مؤید آن هم جمله «و الی جدّکم بعث الروح الامین» می باشد که در ذیل آن نوشته شده است که اگر حضرت امیر (ع) زیارت شود به جای «و الی جدکم»، «و الی اخیک» خوانده شود.

س ۶۷۸: در ادعیه ماه رجب هنگام قرائت این فراز «حرم شیبتی علی النار» برای زن هاکه محاسن ندارند وظیفه چیست و به جای آن چه بگویند؟

ج : هو العالم; باب استعاره در کلمات عرب واسع است و این هم یکی از آن موارد است و مراد تحریم شخص است و الامردها هم درخواست حرمت خصوص شیبه را نمی کنند و در آن معنی فرقی بین زن و مرد نیست. و به عبارت دیگر این جملات از قبیل استعاره است مانند «زید کثیر الرماد» که مراد جواد بودن اواست در حالی که اصلا خاکستر ندارد و عبارت صحیح است .

بنابراین مراداز این جملات این است که آتش نزدیک من نیاید. و الله العالم.

س ۶۷۹: حرکت دادن انگشت سبابه دست راست هنگام خواندن این فراز «یا ذا الجلال و الاکرام، یا ذا النعماء و الجود...» از دعای ماه رجب به چه منظور و حکمت است؟

ج : هو العالم; حکمت احکام را نمی دانم.

س ۶۸۰: آیا می شود زیارت امین الله را برای غیر

امیرالمؤمنین (ع) از معصومین (ع) دیگر به قصد ورود خواند به دلیل «السلام علیکم یا امناء الله علی وحیه» که در زیارت جامعه کبیره آمده است.

ج : هو العالم; می شود به قصد ورود خواند نه به واسطه آنچه اشاره شده است بلکه بواسطه تصریح به آن در روایت.

«سفارش برنامه معنوی»

س ۶۸۱: برای طهارت روح و قلب و آمادگی برای نماز با خشوع قلبی چه باید کرد، لطفاً توصیه بفرمایید؟

ج : هو العالم; ۱ نماز شب خواندن

۲ روزی اقلا پنجاه آیه قرآن خواندن،

۳ تکرار ذکر یونسیه( ) در سجده طولانی.

س ۶۸۲: من از کودکی با نام شما و کتاب بی نیاز از لقب شما یعنی «فقه الصادق» آشنا بوده ام و زندگی شما را از طریق پایگاهتان در اینترنت مطالعه کرده ام و چند سال قبل توفیق زیارت شما هم نصیب من شد. حال با آنکه می دانم که مشغله حضرتعالی زیاد است لطفی در حق اینجانب بنمایید و برای یک طلبه رسایل خوان برنامه بریزید ساعات کلاس اینجانب صبح از ساعت ۸ تا ۱۲ شامل یک ساعت تدریس سیوطی و یکساعت کلیات رجال آقای سبحانی و دو ساعت رسائل بحث شک و مکاسب قسمت بیع، و شب بعد از نماز مغرب و عشاء رسائل بحث استصحاب می باشد حال بنده خواستار دعای حضرتعالی نیز می باشم و عاجزانه می خواهم شخصاً برایم برنامه بنویسید؟

ج : هو العالم; برنامه فعلیتان چنانچه مراتب قبل از قبیل ادبیات و غیره را خوانده باشید خوب است. و آنچه مهم است نیت خالص و دوری از مقاصد دنیوی و عمل به واجبات و احتراز از محرمات است که

اگر چنین باشد مشمول آن روایتی می شوید که می فرماید طالب علم که به طرف تعلم می رود ملائکه پرهایشان را زیر پای او پهن می کنند، کنایه از اینکه ملائکه که اشرف مخلوقات از غیر از انبیاء و اولیاء می باشند در حال عروج طالب علم این ملائکه در مرتبه نازله از مقام او می باشند. و چنانچه برنامه تان را طوری ترتیب دهید که نماز شب هم بخوانید نور علی نور می شود، موفق باشید.

س ۶۸۳: خطاب به جوانان چه نصیحتی دارید؟

ج : هو العالم؛ مراعات وظایف شرعیه و بیکار نبودن.

«رساله ای استدلالی در بیان حکم

بیدار نمودن شخص نائم برای نماز»

س ۶۸۴: آیا بیدار کردن کسی برای نماز جایز است یا نه؟

ج : هو العالم؛ عده ای از بزرگان معاصر، به عدم جواز آن فتوا داده اند و گروهی از فقهاء از آنان تبعیت نموده و فتوا داده اند که بلند کردن صدای اذان برای بیدار نمودن نائمین جایز نمی باشد و در صدا و سیما آن را پخش کرده اند و چنین عمل مورد علاقمندی هر کسی می باشد مخصوصا برای جوانان و مخصوصا در موقع تابستان که بیدار شدن برای نماز صبح یک مسئله سخت و دشوار می باشد و اکثر مردم آن را پذیرفته اند.

کسی که وظیفه اش پاسداری از دین است اگر در مورد این وظیفه بسیار مهم سکوت کند، قطعا موجب ترک این عمل عظیم خواهد شد. پس در این حال بر خود لازم دیدم که مسأله را به خوبی روشن کنم زیرا کتمان علم و سکوت را گناه بزرگ می دانم و لذا از طریق کتاب و سنت، عقیده

خود را، در ارتباط با مسأله اظهار می نمایم. در کلمات فقهاء به جواز و رجحان آن و بلکه به وجوبش تصریح شده است.

۱ مفید (ره) در مسأله جواز اذان قبل از دخول فجر، می گوید: قبل از دخول وقت گفتن اذان برای بیدار کردن نائم و واداشتن به نماز، مانعی ندارد.

۲ علامه در این مسأله بعد از اختیار جواز می گوید: به عقیده ما در گفتن اذان فائده هست،که نائم بیدارشودواقامه نمازنماید.

۳ محقق اردبیلی می فرماید: در احادیث وارد شده که تکرار فصول اذان برای انجام جماعت و اخبار ناسی و نائم، جایز است و این بر جواز ایقاظ نائم برای اقامه نماز، دلالت می کند.

تعداد دیگری از فقهاء هم در کلماتشان همین را قبول کرده اند.

و در کتب حدیث دو باب آورده شده و در آنها احادیث زیادی است که به مطلوبیت ایقاظ نائم دلالت می کند: ۱ باب حکم ایقاظ نائم برای نماز، (در ابواب مواقیت صلوه آمده).

۲ (بابی است در مورد کسی که نماز شب می خواند لازم است خانواده اش را متوجه کند و آنها را برای نماز بیدار نماید.)

به هر حال برای رجحان بیدار کردن و بلکه بر وجوبش چند وجه و دلیل وجود دارد: دلیل اول: ادله امر به معروف و نهی از منکر است. دلالت ادله امر به معروف و نهی از منکر بعد از بیان دو مقدمه آشکار می شود:

مقدمه اول: این از قواعد قطعی است که امتناع اختیاری منافی اختیار نیست و برای این قاعده دو مورد وجود دارد

۱ امتناع فعل اختیاری به خاطر عدم تعلق اراده و اختیار به آن،

بـا خـود اختیـار منافـاتی نـدارد و اشـاعره در این خصوص مخالفنـد و به جـبر قائـل انـد، مـدعایشان این است هر فعلی از افعـال ممکنـات به علتی نیاز دارد و آن یا موجود است و یا معـدوم، به حسب اول وجود فعل واجب می شود و نسـبت به دومی ممتنع می گردد. پس هیچ اختیاری نخواهد بود که توضیح مطلب و پاسخش در محل مناسبی باید داده شود.

۲ فعل اختیاری با واسـطه، امتناعش به خاطر اختیار واسـطه، منافی اختیار نیست،ماننـد این که کسـی خودش را از بلندی پرتاب می کند، سقوط قبل از القاء هم یک کار ممکن است به واسطه قدرتی که او نسبت به القاء و عدم آن دارد.

پس امتنـاع او از اختیـار القـاء، بـا اختیـار منافـاتی نـدارد چون همین امتنـاع خودش به اختیار باز می گردد و این مسأله بیشتر در خصوص عقـاب و مجازات مورد توجه است و عقلاء مولا را مـذمت نمی کننـد، اگر چنین شخصـی را مجازات کنـد چون این کار را درست می دانند و اما در مورد خطاب، امتناع منافی آن است هر چند که با اختیار است و در این مورد ابوهاشم مخالف است زیرا وی معتقد است که امتناع اختیاری، با اختیار در خطاب هم منافاتی دارد و احدی از عقلاء در عدم منافاتش، با اختیار اختلافی ندارد.

مقدمه دوم:

گاهی قـدرت اصـلا دخالتی در ملاک حکم ندارد بلکه خود فعل به مصـلحت توصـیف می شود مکلف قادر باشد یا نباشد، و در این مورد، مسئله قدرت، یک شرط عقلی است.

و گاهی قدرت شرط و دخیل در ملاک حکم و هم چنین توصیف فعل را به مصلحت

بودن به خود اختصاص می دهـد، در این مورد قـدرت، شـرط شـرعی می گردد، مانند باب وضوء، که قدرت داشـتن بر وجود آب، شـرط شـرعی است که این از آیه کریمه( ) هم استفاده می شود لیکن به قرینه آنچه در تفصیل موجود، در میان، (وجدان الماء، و عدم وجدان آن) آمده، بر واجب بودن وضوء و غسل در صورت اول، و تیمم در صورت دوم دلالت دارد.

و اما مقام، یعنی وجوب نماز بر نائم، از قبیل اولی است به این معنا که نائم در حال نوم به خاطر قدرت نداشـتن بر نماز، نسـبت به آن مکلف نمی باشـد، ولی قـدرت در وجوب نمـاز شـرعاً هیـچ تـأثیر نـدارد بلکه تقیـد به حکم عقل است چون اطلاق ادله وجوب نماز را شامل می شود، روی همین قاعـده، کسـی که قدرت را مؤثر در حکم نمی داند، نسـبت به حکم و تکلیف برای غیر مقـدور مـانعی نمی بینـد و هنگامی که بر این مطلب ثمره عملی مترتب شود، (که ما هم بعیـد نـدانستیم) شـکی در وجوب صلاـه بر نائم نیست، و این مضافاً بر دلیل وجوب قضاء برنائم، که متوقف بر صـدق فوت است و تفاوت نمی کنـد، فائت، خود واجب باشـد یـا ملاـک ملزم آن. بنابراین تردیـدی نیست که نماز نسـبت به نائم ملاک ملزم دارد ولی عـدم قـدرت او در حال خواب منشأ می گردد برای عدم حکم به وجوب، بعد از آنکه این دو مقدمه ملاحظه گردید.

ظاهر می شود که کسـی که می خوابـد و می داند یا احتمال می دهد که برای نماز صـبح بیدار نمی شود چنانچه بیدار نشود و نماز ترک

شود مسـتحق عقـاب می شود و او از خداونـد دور می گردد، پس ادله امر به معروف و نهی از منکر، به اطلاـق یـا به فحوی بر وجوب ایقاظ نائم دلالت می کند تا نمازش را اقامه کند و معاقب نشود.

به علاوه عقل هم به حسن امر به معروف و نهی از منکر حکم می کنـد و همین حکم مسـتلزم آن است که شـرعاً هم به این دو موضوع امر شود. به خاطر ملازمه ای که در میان حکم عقل و حکم شـرع وجود دارد، همین عقل مستقلا بر خوبی نجات دادن کسی از عقاب و دوری از پروردگار، حکم می کند.

این را هم می توان وجه دیگری، بر وجوب بیدار کردن نائم، غیر از ادله امر به معروف لفظی قرار داد، چون برای خودش دلیل است.

دلیـل سوم: بیـدار کردن رجحان دارد، چون بـدین وسـیله در حق نائم احسان می شود و عـذاب از او رفع می گردد و تعاون بر عمـل خیر است و غیر از این از عنـاوینی که در شـریعت به مقتضـای اطلاـق احـادیث مطلوبیت دارنـد. پس تمام آن روایات بر مطلوب بودن بیدار کردن دلالت دارد.

دلیل چهارم: آیه کریمه: (ولتکن منکم امه یـدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون)( ) ظاهر آیه بر وجوب دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر دلالت می کند و در ذیل آن تأکید می کند که رسـتگاری و سـعادت اجتماع و اصـلاحشان بر این است که منحرفین از طریق حق بسوی آن، دعوت شوند و کسانی که در پرتگاه سـقوط واقع شده اند آنها

را نجات دهند و خلاصه آیه شریفه رستگاری را در دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر محصور کرده است و بدیهی است که نماز برای نائم خیر است و بیدار کردنش دعوت به خیر است پس به دلیل همین حکم در آیه، بیدار کردن واجب می شود.

دلیل پنجم: نصوص زیادی که به این مسئله تصریح دارند.

۱ صحیح معاویه عن الامام الصادق (ع) قال لی، اقرأ فی الوتر فی ثلاثتهن بقل هو الله و سلم فی الرکعتین توقظ الراقد و تأمر بالصلاه( ).

۲ معتبره الاخرعنه (ع) فی التسلیم فی رکعتی الوتر فقال توقظالراقد و تکلم بالحاجه( ).

۳ معتبریعقوب بن سالم بن ابی عبدالله(ع)عن الرجل یقوم من آخر اللیل فیرفع صوته بالقرآن، فقال (ع): ینبغی للرجل اذا صلی فی اللیل ان یسمع اهله لکی یقوم النائم و یتحرک المتحرک( ). (و این حدیث در علل و نظیرش در تهذیب آمده است).( )

۴ و خبر الجعفریات باسناده عن جعفر بن محمد عن ابیه علیهما السلام قال ان علیا (ع) کان یخرج الی صلاه الصبح و فی یده دره فیوقظ الناس بها فضربه ابن ملجم لعنه الله الخبر ( )

۵ و نحوه خبر قرب الاسناد عن السندی بن محمد البزاز عن ابی البختری عن جعفر بن محمد عن ابیه (ع).

۶ خبر لوط بن یحیی عن اشیاخه و اسلافه فی خبر طویل فی کیفیه شهاده امیرالمومنین علی (ع) الی ان قال و کان صلوات الله علیه اذا اذن لم یبق فی بلده الکوفه بیت الا اخترقه صوته الخبر( ).

۷ خبر ابی سعید الخدری عن النبی (ص): اذا ایقظ الرجل اهله

من اللیل فتوضئا وصلیا، کتبا من الذاکرین الله و الذاکرات( ).

۸ خبر البکری در بیان شهادت امیرالمؤمنین (ع) که راوی گوید: و کان من کرم اخلاقه(ع)انه یتفقد النائمین فی المسجد و یقول للنائم الصلاه یرحکم الله، الصلاه مکتوبه علیک الخ ( )

۹ خبر عبدالرحمن الوارد فی الدعاء و السواک عند القیام باللیل و کان ابوعبدالله (ع) اذا قام آخر للیل یرفع صوته حتی یسمع اهل الدار ( ).

۱۰ و خبر القطب الراوندی فی لب اللباب عن النبی (ص)، رحم الله عبداًقام من اللیل فصلی و ایقظ اهله فصلوا( ).

۱۱ خبر محمد بن یحیی الصولی قال حدثنی امی و اسمها عذر قال اشتریت مع عده جوار من الکوفه و کنت من مولداتها قالت فحملنا الی المأمون و کنا فی داره فی جنه من الأکل والشرب و الطیب و کثره الدنانیر فوهبنی المأمون للرضا (ع) فلما صرت فی داره فقدت جمیع ما کنت فیه من النعیم و کانت علینا قیمه، ۱ تنبهنا باللیل ۲ و تأخذ نا بالصلاه و کان ذلک من اشد شیء علینا( ).

دلیل ششم: ممکن است بر موضوع مذکور استشهاد شود به نصوصی که در اذان وارد شده.

۱ احادیثی که دلالت می کند بر جواز اذان قبل از دخول وقت در هنگام صبح مانند معتبر ابن سنان در مورد صدا زدن قبل از طلوع فجر ملاحظه شود. حضرت در این رابطه فرمود: عیب ندارد ولی سنت این است که به موقع فجر این کار انجام داده شود و همین عمل (یعنی اذان قبل از فجر) به نفع همسایگان می انجامد( ).

۲ معتبره دیگر از امام صادق (ع) قال قلت له، ان

لنامؤذنـا يؤذن بالليـل فقـال (ع) اما ان ذلک ینفع الجیران لقیا مهم الی الصـلاه، و اما السـنه فانه یتادی مع طلوع الفجر (الخبر) به حضـرت عرض کردنـد مـا مؤذنی داریم که در شب (قبل از طلوع فجر) اذان می گویـد فرمود: این کار به سود همسایه ها تمام می شود چون به نماز برمی خیزند، و اما سنت این است که اذان با طلوع فجر همزمان باشد ( ).

و به این حدیث عده ای از فقهاء مانند، مفید و علامه ،در جواز ایقاظ نائم و مطلوبیت آن استناد نموده اند.

۳ آنچه بر تکرار فصول دلالت می کند، مقصود اینکه همه(حی علی الفلاح) را، به جای (الصـلاه خیر من النوم) در اذان صـبح بگویند و محقق اردبیلی به آن در جوز ایقاظ استدال نموده.

۴ حـدیثی که دلالت دارد بر اسـتحباب قیام مؤذن در مکان مرتفع، و این که وی بایـد صدای مناسب اذان را داشـته و با صدای بلند گوید ( ).

۵ از میان نصوصات، آن حدیثی که در مورد حضـرت امیر المؤمنین علی (ع) وارد شده که حضرت هر وقت اذان می گفت در شهر کوفه منزلی پیدا نمی شد که صدای ایشان را نشنود( ).

۶ احادیثی که متضـمن این معناست که در اذان صـبح جایز است این جمله را گفتن (الصلاه خیر من النوم) یا بعد از (حی علی الصـلاه) و یـا بعـد از اتمـام اذان، نه به نسـبت این که آن از وظـایف و شـئونات نماز است، بلکه بخاطر ایقاظ نائم است که در معنای این جمله آمده است( ).

جلد ۳

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی/محمد صادق

روحانی

مشخصات نشر : قم: مهر امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری : ج ۳

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۶۴۸۰

اجتهاد و تقلید

س۱: آیا در مستحبات و مکروهات هم تقلید لازم است یا خیر؟

ج: هوالعالم، در مستحبات اگر بخواهید به عنوان مستحب بیاورد بلی. و نیز اگر نداند واجب است یا مستحب بلی باید تقلید کند. و همچنین در مکروهات والا خیر.

س۲: کسی که قدرت دارد بعضی از احکام را از مدارک آن را استنباط کند و نسبت به بعضی دیگر از احکام چنین قدرتی ندارد و نمی تواند استنباط کند، وظیفه او چیست؟

ج: هوالعالم، چنین شخصی مجتهد متجزی نامیده می شود پس در مسائلی که قدرت بر استنباط حکم شرعی دارد به فتوای خودش عمل کند در صورتی که نخواهد احتیاط کند و اما در غیر آن مسائل یا باید تقلید کند و یا به احتیاط عمل کند.

بقاء بر تقلید میت

س۳: با توجه به اینکه شیخ انصاری (ره) بقاء برت قلید میت مطلقا را اجازه نمیدهد، به چه مدرکی تقلید ابتدایی میت را در مستحبات اجازه میدهد؟

ج: هولاعالم، من فتوای شیخ (ره) را بر جایز بودن تقلید میت ابتداء در مستحبات را ندیدم و گمانم این است که فتوای او به این مطلب همانند فتوای سایر فقهاء است بر اینکه تقلید لازم نیست در مسائلی که علم به وجوب آنها یا حرمت آنها حاصل است و نیز در چیزی که حرمت آن معلوم نیست و آنرا ترک کند و انجام ندهد.

راههای شناخت مجتهد و اعلم

س۴: اگر اعلم بودن مجتهدی ثابت شود آیا به مجتهدین دیگر لازم است اعلمیت او را اعلام کنند؟

ج: هوالعالم، خیر، لازم نیست.

مرجعیت و ولایت فقیه

س۵: آیا از شخص مرجعی که ولایت فقیه را قبول ندارد، می توان تقلید نمود؟

ج: هوالعام، بلی می توان تقلید نمود.

س۶: اگر مرجع تقلید حکم تخریب مکان یا مقبره ای را صادر کند، دراین مورد وظیفه مردم چیست؟

ج: هوالعالم، به هر عملی که مجتهد عادل واجد شرایط حکم کند بر همه افراد واجب است اطاعت به وجوب کفائی

س۷: منصب و مقامی که فقیه جامع شرایط به کسی بدهد مثلا منصب قضاوت، تولیت موقوفه آیا با فوت آن فقیه از بین می رود یا خیر بلکه به قوت خود باقی است؟

ج: هوالعالم، چنانچه فقیه اجازه و اذن در تصرف در موقوفه را به کسی بدهد با موت فقیه اذن از بین می رود. ولی اگر منصب تولیت به او بدهد، با موت فقیه آن منصب باقی است از بین نمی رود

س۸:در مسئله ای که دو قول مخالف یا

بیشتر باشد، آیا همه آنها ولو بحسب ظاهر حکم الله ظاهری می باشند، در این صورت اجتماع تنقیضین نیست؟

ج: هوالعالم، یک نفر دو قول متناقض نمی گوید بلکه بعد از نقض و ابرام کثیر، یکی از اختیار می کند.

س۹: آیا تشکیل شورای فقهی بین مراجع نمی تواند حلال مشکل تناقض در مسئله قبل شود؟ و یا اینکه از نظر عقل و شرع تشکیل آن ممکن نیست؟ با وجود اینکه این امر در عصر حاضر به نظر یک ضرورت اجتماعی می رسد؟

ج: هوالعالم، درس های خارج همه اش برای حل مسائل شرعی است و با وجود آن درسها که فضلاء و مجتهدین شرکت می کنند و همه حق اظهار نظر دارند و تا مسئله حل نشود رد نمی شود، - احتیاجی به شورای فقها نیست. من خودم همانند بقیه مراجع پنجاه و پنج سال است از نجف برگشته ام و از اول درس خارج فقه و اصول گفته، جمعی از اساتید فعلی حوزه و بعضی مراجع، درس من آمده اند. هنوز هم که درس فقه می گویم چه درس و چه در جلساتی که هر روز در منزل داریم و فضلاء شرکت می کنند مسائل فقهی بحث می شود بنابراین چه احتیاجی به شورا می باشد.

احکام نجاسات

بول و غائط

س۱۰: فله حیواناتی همانند سوسک آیا پاکاست یا خیر؟

ج: هوالعالم بلی، پاک است

خون

س۱۱: آیا آن خونی که در روز عاشورا از درختی در قزوین بیرون می آید اک است یا نجس؟

ج: هوالعالم، پاک است.

حیوان نجاستخوار

س۱۲: اگر حیوان حلال گوشت نجاستخوار شود آیا گوشت، شیر، بول و غائط آن حیوان نجس است؟

ج: هوالعالم، خصوص بول و غائط جلال نجس است، و گوشت و شیر آن نجس نیست.

عرق جنب از حرام

س۱۳: کسی که از حرام جنب شده و پس از غسل، بدنش را با آب یا آب و صابون شسته آیا عرق او حکم عرق جنب از حرام است؟

ج: هوالعالم، عرق جنب از حرام نجس نیست، اگر هم نجس باشد در فرض سوال هیچ اشکال ندارد.

مسائل متفرقه نجاسات

س۱۴: آیا هوا نجس می شود؟ با اینکه هوا نیز جرم دارد؟

ج: هوالعالم، هوا نجس نمی شود.

س۱۵: اگر آب متنجس را تجزیه کنند، به نحوی که آب صاف در یکطرف قرار گیرد پاک می شود یا نه؟

ج: هوالعالم، خیر پاک نمی شود.

س۱۶: در صورتی که از چاه دستشویی رطوبت بالاـ زند و به دیوارهای اطاق و آشپزخانه نفوذ کند آیا این رطوبت نجس است؟

ج: هوالعالم، نجس نیست، ولی احتیاط به اجتناب خوب است

احکام مطهرات

بر طرف شدن عین نجاسات

س۱۷: اگر نجاستی از خارج به دهان برسد که کما اینکه دست آلوده به خون را به دهانش بزند، چگونه دهانش را تطهیر کند؟

ج: هوالعالم، باطن دهان نجس نمی شود بازوال عین نجاست محکوم به طهارت است.

آب

س۱۸: اینکه فرمودید «پسر بچه ای که شیرخوار است، اگر لباس یا بدن به بول او نجس شود با یکبار شستن پاک می شود» آیا این حکم نسبت به پسر بچه ای که شیرخشک می خورد نیز جاری است؟

ج: هوالعالم، بعید است چون دلیل در خصوص شیر مادر است.

احکام وضو

کیفیت وضو گرفتن

س۱۹: اگر در وضو، بخواهد از سر انگشت کوچک پا، تا کعبین مسح کند آیا لازم است به شکل مورب باشد؟

ج: هوالعالم، خیر. لازم نیست موربا مسح کند چون کعبه قبه وسط قدم نیست.

س۲۰: در وضو گرفتن آیا جایز است با دست راست پای چپ را مسح کند؟

ج:هوالالم، خیر جایز نیست.

س۲۱: مسح کردن سر یا پاها، با پشت دست چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز نیست.

شرایط وضو

س۲۲: آبی که در رفع خبث استفاده شده و بو و رنگ نجاست به خود نگرفته آیا می شود با آن وضو گرفت یا غسل کرد؟

ج: هوالعالم،آب مسعمل در رفع خبث نجس است، و اگر هم قائل به طهارت آن شویم اما وضو و غسل با آن صحیح نیست.

س۲۳: در صورتی که دو ظرف آب داریم یکی آب مطلق و یکی دیگر مضاف است و در ضمن حیوانی هم تشنه است و با یک ظرف آب رفع تشنگی از او می شود، وظیفه در وضو گرفتن چیست؟ آیا می شود یکی را به حیوان داد دیگری را وضو گرفت؟

ج: هوالعالم، چنانچه ممکن است در وضو با هر دو آب بگیرد وبقیه را برای رفع عطش بدهد متعین است، والاـ وضو مقدم است

س۲۴: اگر در مسجد وضو بگیریم جهت با طهارت بودن برای فعالیت های فرهنگی و غیره، ولی در مسجد نمازنخوانیم اشکالی دارد؟

ج: هواالعالم، چنانچه مقید نباشد که موقوفه برای نمازگذاران در مسجد است گرچه بعید است چنین قیدی اشکال ندارد.

س۲۵: آیا طهارت آب برای وضو شرط واقعی است یا ظاهری؟ و ثمره در قول چیست؟

ج: هوالعالم، شرط واقعی است و چنانچه معلوم شود نجس است معلوم می

شود وضو باطل است.

مس اسامی محترم

س۲۶: اگر اسمی از اسامی متبرکه با قلم کشیدن از بین برود و اثری از آن دیده نشود آیا میتوان بدون وضو به آن دست زد؟

ج: هوالعالم، دست زدن بدون وضو با محو اسم اشکال ندارد.

س۲۷: اسامی متبرکه اگر مجددا تبدیل به کاغذ شود چه صورت دارد؟ و بفرمایید اگر اسامی متبرکه به زمین افتاده و گل آلوده شده، و چه بسا امکان برداشتن نیست، وظیفه چیست؟

ج: هوالالم، بعد از محو اسم تبدیل به کاغذ و افتاده به زمین و گل آلود شدن هیچ گونه اشکالی ندارد.

احکام موجبات غسل

جنابت

س۲۸: زنی که جنب بوده و غسل جنابت را فراموش کرده و با این حال مدتی نماز خوانده، و در همین اثناء هم غسل حیض نموده است بفرمایید وظیفه او نسبت به نمازهایی که در این مدت خوانده چیست؟

ج: هوالعالم، آنچه که بعد از غسل حیض خوانده صحیح است.

حیض

س۲۹: خانمی بعد از پنج روز از ایام عادتش پاک شده و غسل حیض کرده، سپس روز هشتم یک قطره خون می بیند برای این خون چه حکمی دارد؟ و اگر بعد از روز دهم باشد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه قبل از ده روز پاک شود خونی که دیده و ایام قبل از آن حیض است، اگر تجاوز از ده روز شود حیض نیست بلکه استحاضه است

س۳۰: جماع کردن با زنی که از حیض پاک شده ولی غسل نکرده است چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، با شستن فرج جایز است. ولی بهتر است بعد از غسل باشد.

س۳۱: حد حایض و نفساء آیا قضای روزه ماه رمضان واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی واجب است

س۳۲: جماع کردن در روزهای پایانی عادت ماهیانه چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه موارد بسیاری این عمل واقع شده و

تعدا آن فراموش شده؟

ج: هوالعالم، چهار و نخود و نیم طلا کفاره باید بدهند برای هر دفعه جماع.

س۳۳: هر گاه خون حیض مشتبه به خون بکارت شود شناختن آن به چه طریق است؟

ج: هوالعالم، باید خود را وارسی کند یعنی مقداری پنبه را داخل فرج کند و کمی صبر نماید و بعد بیرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد خون بکارت است، و اگر به همه آن رسیده باشد حیض

می باشد.

استحاضه

س۳۴: جماع کردن با زنی که در حال استحاضه است چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه به وظائف مستحاضه عمل کند جایز است.

احکام غسل

س۳۵: کسانیکه به علت کمر درد مجبورند مشمع به کمر بچسبانند و برای خوب شدن لازم است چند روزی به این حال بگذرد، با اینکه مشمع مانع رسید آب به بدن می شود وظیفه آنها برای غسل چیست؟ آیا اعمالشان با غسل جبیره ای صحیح است یا بعد از برطرف شدن عذر قضا نمایند؟

ج: هوالعالم، چنانچه برداشتن مشمع و غسل کردن بی ضرر باشد باید چنین عمل کنند و الا اگر همان نحو غسل کنند و تیمم نیز نمایند رفع اشکال می شود و قضاء لازم نیست.

س۳۶: آیا در غسل، می شود غسل دیگر را اقدام کرد؟

ج: هوالعالم، بلی، می شود چند غسل را قصد کند با اتیان به غسل واحد

احکام تیمم

س۳۷: مسافری که جنب است اگر بخواهد برای نماز غسل جنابت کند، ماشین یا قطار حرکت می کند آیا می تواند در چنین موردی با وجود آب، تیمم کند؟

ج: هوالعالم، تنها وجود آب کافی نیست بلکه باید مانعی از استعمال هم نباشد و در فرض سوال مانع موجود است، پس تکلیف مبدل می شود به تیمم.

س۳۸: در صورتی که علم اجمالی است بر اینکه یا آب نجس است یا خاک، بفرمایید وظیفه برای نماز چیست؟ وضو و تیمم هر دو را انجام دهد یا به یکی اکتفاء کند؟

ج: هوالعالم، جمع بین وضو و تیمم کند، اول تیمم کند به نحوی که خاک به صورت و دست ها نچسبد بعد وضو بگیرد و مواضع وضو را خشک کند. بااین کیفیت عمل به وظیفه طهارت حدثی نموده است و از حیث نجاست هم بدن (چون) ملاقی شبه محصوره است پاک است.

احکام میت

س۳۹: دعا یا قرآن بر کفن نوشتن با اینکه بدن میت در قبر متلاشی می شود چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

س۴۰: آیا کفن کردن زن بر شوهر واجب است یا تنها کفن دادن واجب است؟

ج: هوالعالم، کفن دادن که واجب است، اگر کسی نباشد قهرا کفن کردن هم واجب است و الا واجب کفایی است.

س۴۱: اگر زن وصیت کند که با این کفن تهیه شده، شوهرش او را کفن کند آیا وصیت او مقدم است بر کفن دادن شوهر یا خیر؟

ج: هوالعالم، عمل به وصیت مقدم نیست، بل اگر عمل به آن شود قهرا از شوهر ساقط می شود.

نماز میت

س۴۲: اضافه کردن تصدیق به ولایت حضرت امیرالمومنین (ص) و حضرات اهل بیت معصومین (ع) در

دعای تکبیر اول نماز میت به قصد رجاء چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

س۴۳: اضافه کردن جمله «و الائمه الهداه المهدیین» بعد از «وصل علی جمیع الانبیاء و المرسلین» در دعای تکبیر دوم نماز میت به صد رجاء چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

تشییع جنازه

س۴۴: شرکت خانم ها در تشییع جنازه و نماز میت چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

دفن میت

س۴۵: اگر کسی وصیت کند جنازه اش را در قبرستان بقیع مدینه منوره دفن کنند و به علت بسته بودن راه، امکان انتقال جنازه به آنجا نباشد چه باید کرد؟

ج: هوالعالم، در صورت امکان جنازه اش را امانت بگذارند بلکه اگر دفن هم بکنند همین حکم را دارد، اگر راه باز شد ببرند مدینه و الا همینجا دفن کنند.

س۴۶: بفرمایید اینکه علماء فرموده اند: دفن نودن دو وصیت در یک قبر مکروه است کدام یک از موارد ذیل را شامل می شود:

الف) دو میت را کنار هم در یک قبر دفن کردن ب) دفن نمودن در قبری که سابقا میت دیگری دفن شده ولکن اکنون به کلی از بین رفته ج) آنچه که امروزه در بعضی قبرستانها معمول است که قبرها دو طبقه یا بیشتر می باشند.

ج: هوالعالم، اگر دو میت را به تدریج در یک قبر دفن نمایند قبل از آنکه اولی از بین رفته باشد جایز نیست چون مستلزم نبش قبر است، ولی بعد از آنکه به کلی از بین رفت جائز است و مکروه هم نیست، ولی دو میت را دفعه دفن کردن مکروه است و در دو طبقه کراهت ندارد.

س۴۷: اگر شخصی وصیت نمود که جنازه مرا به عتبات مقدسه ببرید و آنجا دفن کنید لکن راه بسته باشد آیا می شود جنازه را تکه تکه کرد و بهنحوی منتقل کرد؟

ج: هوالعالم، تکه کردن جایز نیست.

س۴۸: آیا بر شوهر خریدن قبر برای زن فوت شده اشت، واجب است یا نه؟

ج: هوالعالم، ظاهرا واجب نیست، ولی

چون فقهاء فتوی به وجوب داده اند احتیاط ترک نشود.

مستحبات بعد از دفن

س۴۹: بفرمایید آیا تلقین میٹت را می شود به هر زبانی گفت در صورتی که میٹت زبان عربی نمی فهمد؟

ج: هوالعالم، در روایات چیزی نیافتم، ولی چون تلقین در دو یا سه مورد وارد شده است و اولی در حال احتضار است دعاها باید به عربی باشد ولی تعلیم باید بالسانی باشد که بفهمد، و لذا فقها نوشته اند بهتر این است که تلقین هم عرب بباشد و هم بالسان میت.

س۵۰: بعد از دفن میت، پاشیدن آب بر قبر مستحب است، آیا این استحباب منحصر به همان دقت دفن است یا اینکه در زمانهای بعد هم استمرار دارد؟

ج: هوالعالم، از بعضی روایات، جعی از فقهاء استفاده استمرار نموده اند ولی قدر متیقن بعد از دفن است.

س۵۱: در شب اول یکه میت را دفن کرده اند آیا بیتوته کردن بر قبر او و دعا و قرآن برای او خواند، استحباب دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی استحباب دارد چون در آن شب میت خیلی متوحش است و تنها امید او به آنهایی است که بر سر قبر قرآن و دعا می خوانند، خیال می کنم اگر تا هفته ادامه دهند بهتر است.

س۵۲: بفرمایید زیارت اهل قبور در چه اوقاتی فضیلت بیشتری دارد؟

ج: هوالعالم، برای زیارت اهل قبور، دوشنبه و پنجشنبه و جمعه بهترین اوقات است.

مجلس ترمیم

س۵۳: رسوم است که مراسماتی از قبیل هفتم، چهلم، سالگرد و... از طرف اولیای میت واگذار می گردد بفرمایید آیا نفس چنین مراسماتی استحباب دارد و آیا روایتی وارد شده است یا خیر؟

ج: هوالعالم، احتیاجی به ورود دلیل خاصی نیست، مطلقا تشکیل مجلس فاتحه و تعزیه ماموریه است، خصوصیات هم تابع عادات

عرف محل است. به علاوه در آن مجالس کارهایی که انجام داده می شود همه اش از مستحبات است.

س۵۴: در مجالس ترمیم مرسوم است فردی را جهت قرائت قرآن و روضه خوانی دعوت می نمایند که در اصطلاح به آن «عشرخوان» گویند و با توجه به اینکه امرار معاش این افراد از همین طریق عشر خوانی تامین می شود بفرمایید:

الف) این کار عشر خوانی و دعوت عشر خوان فی نفسه چه وجهی دارد؟ آیا شرعا حلال است؟

ج: هوالعالم، هر دو عمل عشر خوانی و دعوت عشر خوان حلال است و هیچ اشکالی ندارد.

س۵۵: اگرر بدون ذکر قیمت، جهت مدیریت این جلسه، خودبانی، مبلغی به عشر خوان بدهد و او نیز راضی شود چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم حلال و طیب است.

س۵۶: اگر عشرخوان برای کارش مبلغی تعیین کند و به کمتر از آن نپذیرد، این قرارداد و پرداخت پول، شرعا چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، اجیر شدن بر عشر خوانی و تعیین قیمت هر دو جایز است بنابراین دادن پول بعد از تعیین و خواند، لازم است و حلال.

نبش قبر

س۵۷: در قبرهایی که به صورت طبقاتی هستند آیا می شود از طبقه پایین مثل طبقه دوم یا سوم میتی را از قبر بیرون آورند و به عتبات عالیات منتقل کنند؟

ج: بلی، خصوص در مورد وصیت، ولی بیرون آوردن در طبقه زیری باید به نحوی باشد که موجب نبش قبر طبقه فوقانی نگردد.

س۵۸: طبق وصیت پدرمان، او را بعد از فوت کنار قبر برادرش در یکی از دهات شهرستان... دفن کردیم، اما حالا به جهت اینکه آن ده دور است و نمی توانیم به

سر قبر او برویم، تصـمیم داریم قبر را نبش کنیم و پـدرمان را به قم منتقـل کنیم، تقاضا می شود بفرماییـد اولا: با توجه به اینکه ایشان در زمان حیات میل داشـتند در قم دفن شوند آیا از نظر شـرعی مجاز هستیم قبر پدر و عمویمان را نبش کنیم و آنها را به قم بیاوریم؟

ج: هوالعالم، در صورتی که مطمئن هستیـد که بوی بـد ندارد که موجب هتک حرمت میت بشود مانعی ندارد که نبش کنید و منتقل به قم نمایید.

ثانیا: اگر قبر پدر و عمویمان را نبش کردیم آیا لازم است هر دو را کنار هم دفن کنیم یا نه؟

ج: هوالعالم، لازم نیست.

س۵۹: امروزه قبرهای مردگان گذشـته را باز می کنند و مرده دیگر در آن دفن می کنند و چه بسا برای آن قبرها به مدت سـی تا چهل سال گذشته است، آیا این نبش قبر جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، نبش قبر در سال های اوایل جایز نیست و مکروه است دفن مرده دیگر در آن قبر.

پول گرفتن برای قبر

س۶۰: مسئولین بعضی از قبرستان ها می گویند چونکه قبرستان زمینش وقفی است و نمی توان فروخت پس پولی که دریافت می شود بابت واگذاری قبر، تنها به عنوان حق اولویت است نه به عنوان فروش، آیا این نظر درست است یا خیر؟

ج: هوالعـالم، در قبرسـتان وقفی نمی شود زمین آن را فروخت ولی پول به عنوان اجرت عمـل مانعی نـدارد بگیرنـد و به عنوان حق اولویت هم مانعی ندارد.

احکام نماز

آمادگی و حضور قلب

س۶۱: برای تمرکز فکر و حضور قلب در نماز چه توصیه ای می فرمایید؟

ج: هوالعالم، توجه به خدا و فطرت او.

توشه دنیا و آخرت

س۶۲: خواهشمند است ما را و خانواده های ما را با نصیحتی که مفید دنیا و آخرت باشد رهنمون شوید؟

ج: هوالعالم، شخصی از رسول خدا (ص) چنین تقاضایی کرد، حضرت فرمود: «مقید به نماز اول وقت باشید». وفقکم الله تعالی ارضاته.

مکان نمازگذار

س۶۳:نمازخواندن درمنزل پدر ومادر، برادر وخواهر، عمو وعمه، دایی وخاله ودوست، بدون اذن جایز است یاخیر؟

ج: هوالعالم، اگر برفرض جایز باشد درصورت جهل به رضایت است وبا علم به عدم رضایت جایز نیست .

س۶۴: بهترین مکان عبادت ونماز خواندن، برای زنان کجامی باشد؟

ج: هوالعالم، خانه او.

س۶۵:طبق روایت ((مسجد المراه بیتها)) که نماز زن درمنزل افضل از جای دیگر است بفرمایید آیا این روایت شامل می شود موردی را که زن درحرم باشد نماز جماعت برقرار شود. ؟

ج: هوالعالم، بلی، روایت عام است

س۶۶: از روایات استفاده می شود استحباب زیارت پیامبر اکرم وامامان وامام زادگان وباتوجه به روایت ((مسجد المراه بیتها))بفرمایید آیا استحباب زیارت پیامبر وامامان وامام زادگان برای زنها هم هست یانه؟

ج: هوالعالم، بلی هست، ولی نماز در خانه ثوابش بیشتر است از نماز درمسجد.

ترتیب بین نماز ظهر و عصر

س۶۷:شخصی که نماز ظهر را خوانده، بعد از شروع درنماز عصر، یقین حاصل کرد که نماز ظهرش باطل بوده است در این صورت چه وظیفه ای دارد ؟ چه اینکه بین دو نماز مطلبی بجا آورده باشد وچه مبطل بجا نیاورده باشد؟

ج: هوالعالم،وظیفه او آن است که در نیت عدول کند به نماز ظهر وبه آن عنوان تمام کند بعد نماز عصر بخواند،... وفرقی بین دو مورد ذکر شده نیست.

تکبیره الاحرام

س۶۸:بفرمایید درنماز فریضه بعد از گفتن تکبیره الاحرام این کلمات را خواندن کما اینکه شیخ مفید (ره)، شیخ صدوق (ره) وشیخ طوسی (ره) بیان فرموده اند از نظر جنابعالی چه صورت دارد؟ وآن کلمات عبارت است از ((وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما علی مله ابراهیم ودین محمد وولایت علی امیر المومنین علیهم السلام ومالنا من المشرکین)).

ج: هوالعالم، ادعیه ای که درنماز بعد از تکبیره الاحرام وقبل از آن، خوانده می شود درکتب فتاوی از جمله عروه الوثقی نقل شده است وچون از حضرات معصومین علیهم السلام است هیچ حرفی نیست. اما زیادی بر آنها که روایتی متضمن آن نباشد به قصد ورود تشریع است، وبه قصد مطلق دعا وذکر قبل از تکبیره الاحرام جائز است، وبعد از تکبیره الاحرام چنانچه صدق ذکر ودعا بکند همین حکم را دارد والا مبطل نماز است .

قیام

س۶۹: اگر کسی به خاطر عذری همانند پادرد وکمر درد نمی تواند ایستاده نماز بخواند وبر صندلی نشسته نماز می خواند وروی میز سجده می کند آیا بعد از اینکه عذرش برطرف شد وخوب شد لازم است نمازهایش را قضا کند یانه؟

ج: هوالعالم، قضاء لازم نیست .

قرائت

س۷۰: اگر تنوین ونون ساکن به کلمه ای که بایکی از حروف (یرملون) شروع می شود برسد آیابه نظرمبارک شما اوغام واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم، واجب نیست

س۷۱: اگر نمازگزار بعد ازخواندن سوره حمد شک کرد که آیا فلان آیه از سوره حمد را قرائت نموده یانه، بفرمایید قاعده تجاوز جاری می شود یاخیر؟

ج: هوالعالم، بلی، قاعده تجاوز جاری است.

س۷۲:اگر برای نماگزار قبل از رسیدن به حد رکوع، ظن قوی به غلط بودن آیه یا کلمه ای از قرائت حمد، حاصل شود آیا حکمش حکم شک است یااینکه حکم شک نیست وباید درمورد ظن به غلط، دومرتبه بخواند؟

ج: هوالعالم، حکم شک ندارد بکله باید دو مرتبه خوانده شود .

س۷۳: در فرض سؤال قبلی، اگر یقین به غلط بودن آیه یاکلمه ای از حمد حاصل شود وظیفه چیست؟

ج: هوالعالم، لازم است آیه تکرار شود.

س۷۴: درفرض دو سؤال سابق، در دو صورت ظن قوی یایقین به غلط بودن آیه یا کلمه ای از حمد، اگر آیه تکرار شود بفرمایید برای زیاد شدن مابقی حمد وسوره بعد از آن واحیانا قنوت، سجده سهو لازم است یاخیر؟

ج: هوالعالم، سجده سهو لازم نیست.

قنوت

س۷۵: درقنوت نماز واجب آیامی توان به زبان غیر عربی از خداوند متعال حاجت خواست؟

ج: هوالعالم، خلاف احتیاط لزومی است

سجود

س۷۶:نمازگزاری که میتواند ایستاده نماز بخواند وطبق معمول رکوع نماید لکن نمی توان بنشیند ومواضع سبعه را به زمین بگذارد وسجده نماید بفرمایید جرای انجام سجده وظیفه اش چیست آیا درحال ایستاده برای سجده ایماء نماید یا بر صندلی نشسته وبر روی میز جلواش مهر بگذارد وسجده نماید ودستها رانیز به میز قرار دهد؟

ج: هوالعالم، درحال ایستاده، پس ازرکوع، سجده را به نحو ایماء انجام دهد و گذاشتن مهر هم به پیشانی لازم نیست، البته ضرر هم ندارد.

س۷۷: کسی که بعلت مریضی نمیتواند طبق معمول سجده کند وبر صندلی نشسته، روی میز مقابلش مهر قرار داده سجده میکند آیابعد از خوب شدن، لازم است نمازهایش را قضا نماید ؟

ج: هوالعالم، قضا لازم نیست

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

س۷۸: سجده بر انواع کاغذ (سفید، رنگی، روغنی، پوستر، دستمال کاغذی ،قوطی کبریت) ونیز بر پوست میوه جات ازجمله سیب، پرتقال، هنداونه، گردو،نارگیل وخرزه چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، کاغذی که بدانید متخذ است ازما یصح السجود علیه، جائز است سجده بر آن ولا احوط ترک سجده برآن است.وسجده بر پوست میوه جات جائز است ولی درخصوص خیار وسیب جائز نیست چون آنهاخوراکی است

تشهد

س۷۹: تربت های فعلی که ازکربلا می آورند آیا حکم تربت داخل حایر را دارد؟

ج: هوالعالم، برای خوردن خیر چون موضوع طین قبر الحسین علیه السلام است، ولی برای نماز بلی.

س۸۰:حدد حایر حسینی از کجا تاکجا است لطفا بیان فرمایید ؟

ج: هوالعالم، روایات مختلف است متیقن روضه مقدسه است که مبدااولی محلی که بعد از در رواق است.

س۸۱:مهر کربلا به چاه دستشوئی افتاده وبیرون آوردنش امکان پذیر نیست بفرمایید اگر مستهلك شود چه حکمی دارد واگر مستهلك نشود، تخلیه چاه لازم است یا خیر؟

ج: هوالعالم، در صورت استهلاك هیچ اشکالی ندراد وتخلیه چاه هم مورد ندارد، ودر صورت عدم استهلاك چنانچه ممکن است با تخلیه مهر را بیرون آورد، خوب است و الا اثر ندارد.

س۸۲: در مسافر خانه ها وخانه های کربلا که درحریم حسینی قرار دارند دستشویی وتوالت درست کرده اند خاک زمین آنها بامهر چه فرقی دارد؟

ج: هوالعالم، سیره متشرعه وعمل علماء وفقهاء دال است بر جواز، فارق بین آن دو همین است.

تشهد

س۸۳:گفتن عبارت ((وعجل فرجهم)) بعد از صلوات در تشهد نماز واجب یا مستجب به چه قصدی، جائز است، به قصد ورود، به قصد دعا، به قصد رجاء؟

ج: هوالعالم، به قصد دعا.

سلام

س۸۴:درنماز واجب، درسلام بعد از ((السلام علیک ایها النبی ورحمه الله وبرکاته)) خواندن ((السلام علی الائمه الهادین المهدیین))چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، السلام علی الائمه الهادین المهدیین، دلیل مخصوص ندارد چنانچه بخواهند اظهار ارادت به ائمه کنند به آن نحوی که درعروه الوثقی ذکرشده است که در السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین قصد تحیه حقیقه نکنند بلکه خطور به بال باشد انبیاء وائمه وحفظه خوب است

تعقیب نماز

س۸۵:بعضی از هیئت هایی که در مسجد مافعالیت می کنند بعد از ذکر صلوات وعجل فرجهم، می گویند ((یاعلی)) بفرمایید چه صورتی دارد؟

ج: هوالعالم، من دراین جمله احتمال خلاف نمی بینم، کلمه ((یاعلی))برای مشکل گشائی بسیار مؤثر است

س۸۶: در بعضی از هیئت ها بعد از اینکه نام مقدس حضرت علی علیه السلام برده می شود حضار می گویند ((هو)) این عمل چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، کلمه فی نفسه اگر شعار صوفیگری غیر صالح نباشد - عیب ندارد به شرط رمز شرک هم نباشد.

مبطلات نماز

س۸۷:اگرنمازگزار در حال نماز به ساعت مچی نگاه کند یا به شخصی اشاره کند ویا پیراهن وشلوارش ر از تنش بیرون آوردآیا موجب بطلان نماز می شود یانه، آیا مکروه است یا نه؟

ج: هوالعـالم، چنـانچه فعـل کثیر نباشـد وبـا صورت نماز عرفا منافی نباشـد حرام نیست وموجب بطلان نمی شود، ولی هر فعلی درنماز که موجب عدم توجه کامل باشد مکروه است.

س۸۸: درحال نماز خواندن دعای ((اللهم انی اسـئلک بحق فاطمه وابیها وبعلها وبینهاوالسـر السمتودع فیها)) چگونه است؟ ونیز نـام بردن انبیـاء یـا چهـارده معصوم در حال نماز چگونه است؟ وبفرماییـد سـلام کردن بر انبیاء یا چهارده معصوم دربین نماز با خواندن همانند زیارت عاشورا ودعای توسل چه حکمی دارد ؟

ج: هوالعالم، اگر ذکر ودعا ماننـد ((اللهم انی اسـئلک...))باشد اشـکال ندارد. واگر اسم انبیاء یا ائمه علیهم السـلام را ببرد ودر سلام به آنان قصـد دعاءبالسـلامه داشـته باشد اشـکال ندارد، ونیز بردن اسم نیتی که در قرآن است به قصد قرآنیت جایز است، واما غیر اینها جائز نیست.

شکیات نماز

س۸۹:بفرمایید اگر نمازگزار در حال جلوس شک کند که جلوس بعد از سجده اول است یا جلوس بعد ازنماز، چه باید کرد؟

ج: هوالعالم، باید بنا بگذارد که جلوس بعد از سجده اول است

س۹۰:اگر بعد ازنماز عصر شک کند که آیا نماز ظهر راخوانده یا خیر؟ وظیفه چیست واگر در بین نماز عصر شک کند چی؟

ج: هوالعالم،اگر بعد از نماز عصـر شک کند در خواندن نماز ظهر، اعتناء به شک نکند اگر در اثناء نماز عصـر شک کند باید عدول کند به ظهر وبعد نماز عصر را بخواند

س۹۱:اگرشخصی در حال

قرائت نماز فراموش کند که چه نمازی می خواند وحمد وسوره را به حال شک ادامه می دهد تا اینکه بعداز حمد متوجه می شود که چه نمازی بودهواحتیاطا حمد وسوره را تکرار می کند، لطفا بفرمایید:

اولاخواندن حمد باحالت شک در اینکه چه نمازی است چه صورتی دارد؟

ثانیاتکرار حمد حکمش چیست؟

ج: هوالعالم، خواندن حمد در حال شک اگر به قصد قرآن باشد اشکال ندارد، بنابراین بعد از توجه به آن نماز خاص باید حمد را دو مرتبه بخواند

س۹۲: اگر نمازگزار شک کند بین رکعت اول ودوم وبا حالت شک نمازش را ادامه می دهد واز طرفی هم قصد می کند نمازش را بشکند چون شک بین یک ودو باطل است ولی قبل از شکستن نماز یادش آید که در چه رکعتی است بفرمایید آیانماز او صحیح است؟ ج: هوالعالم، چنانچه ادامه نماز به قصد امر جز می باشد نماز باطل است واگر به قصد احتمال امر باشد ظاهرا نماز صحیح است، ولی مراعات احتیاط اولی است

س۹۳:کسی که درنماز چهاررکعتی بین رکعت دو وسه شک دارد ونیز شک دارد که حدوث شک بعداز اکمال سجدتین بوده یانه؟ نمازش چه حکمی دارد ؟

ج: هوالعالم،نمازش باطل نیست وصحیح است چنانچه شک بعد از دخول در فعل دیگر یا رکعت دیگر باشد

س۹۴:حکم شک بین سه وچهار وپنج در غیر ازحال ایستاده مثلا در حالی که نشسته، درحال رفتن به سجده، در سجده اول یا دوم، وبعداز سجدتین در رساله عملیه نیامده است، تقاضا می شود بیان فرمائید؟

ج: هوالعالم، به نظرمن نماز باطل می شود، چون شک ذکر شده مرکب

از سه شک است یکی از آنها شک بین سه وپنج است که اگر در حال قیام نباشد نماز را باطل می کند.

س۹۵: کسی که برایش در نماز شک بین دو وچهار پیدا شد وبعد ازنماز مشغول دو رکعت نماز احتیاط شد، در حال نماز احتیاط شک قبلی او منقلب شد به سه وچهار، بفرمایید آیا یک رکعت نماز احتیاط دیگر لازم است یا خیر؟

ج: هوالعالم، ظاهراً لازم نیست چون سک اول از بین رفته وشک دوم شک بعد از فراغ است ومورد قاعده فراغ

س۹۶:شخصی که برای حفظ عدد رکعات از نشانه ای استفاده می کند ولی نه تنها وجود نشانه شک او را بر طرف نمی کند بکله گاهی شک می کند که از نشانه درست استفاده کرده یانه، حکم شک های او چیست، آیا تنها اعتماد به نشانه کند وبه شکش اعتناء نکند؟

ج: هوالعالم، چنین شخصی یقیناً کثیر الشک است نباید اعتناء کند به شکش.

س۹۷:شخصی که درنماز کثیر الشک است وبرای حفظ عدد رکعات ازنشانه ای استفاده می کند، آیا به نشانه اعتماد کند یا به حکم کثیر الشک عمل کند ؟

ج: هوالعالم، بید به حکم کثیر الشک عمل کند .

س۹۸:کسی که کثیر الشک است آیا به کثیر النسیان در موضوع ویادر حکم فرق دارد؟

ج: هوالعالم،بلی فرق دارند، کثیر النسیان غیر حکم ناسی حکمی ندارد.

س۹۹:شخصی که وظیفه اش یک رکعت نماز احتیاط است به علت شک بین سه وچهار لکن بعد ازنماز، فراموش می کند نماز احتیاط بخواند وبعد از تسبیح حضرت زهرا(سلام الله علیها) یادش می آید و فورا نماز احتیاط را می خواند آیا

کفایت می کند یا نمازش را اعاده کند؟

ج: هوالعالم، کفایت می کند.

سجده سهو

س۱۰۰:تکبیر گفتن برای سجده سهو چگونه است ؟آیا شرط است ولازم یا مستحب یاجایز ؟

ج: هوالعالم، مشروعیت تکبیر بر غیر امام معلوم نیست، واجب یقینا نیست، بنابراین اگر خواست بگوید به قصد رجاء مطلوبیت بگوید

س۱۰۱: اگر شخصی سهوا در سجده سهو، ذکر سجده نماز را بگوید وبعد از سر برداشتن از سجده یادش بیاید حکمش چیست ؟

ج: هوالعالم، وجوب ذکر در سجده سهو مبنی بر احتیاط است. ولکن بر تقدیر وجوب، ذکر سجده نماز کافی نیست باید ذکر مخصوص بخواند.

نمازشب

س۱۰۲:نسبت به چهل مؤمن که درنماز وتر دعا می شوند آیا دلیل یاعرفی وجود دارد بر ترجیح وتقدیم مؤمن متدین بر غیر متدین؟ مرد برزن؟

ج: هوالعالم، اینجا مورد مراجعه به دلیل عقلی وعرفی نیست بلکه متعین رجوع به دلیل شرعی است که رواتی است شیخ طوسی در مصباح المتهجد آورده ((ثم ید عولا خوانه المؤمنین ویستحب آن یذکر اربعین نفسا(رجلا) فجازا علیهم)) وبه مقتضای اطلاق روایت فرقی بین متدین وغیرمتدین نیست، گرچه صریح روایت اختصاص دعا به امت وغیر مؤمن را شمال نمی شود.

واما در مورد مرد وزن، نسخه های روایت مختلف است مفاء بعضی از نسخ اختصاص دعا به مرد امت ومفاء بعضی زا نسخ دیگر اطلاق وعدم فرق بین مرد وزن است.

نماز مسافر

س۱۰۳:کسی که به صورت غیر طبیعی طی مسافت کند مثلا زمین زیر پایش بچرخد یا باطی الارض حرکت کند وبه جایی برود که مسافت شرعی است آیا نمازش شکسته می شود؟

ج: هوالعالم، خیر، شکسته نمی شود چون صدق مسافر نمی کند .

س۱۰۴:حکم نماز وروزه کسانی که هرروز یا هفته ای یک روز ویا ده روز یکبار مسافرت می کنند امثال طلاب، دانشجویان،

سربازان، کارمندان، اساتید، خلبانانو... چگونه می باشد؟

ج: هوالعالم،هرکسی که در سفر نماز تمام باید بخواند چنانچه در جائی ده روز بماند برای سفر اول باید شکسته بخواند،واگر کمتر از ده روز بماند خلبان وراننده نمارشان تمام است وروزه آنها صحیح است، اما نسبت به دیگران من احتیاط می کنم مرجع دیگری رجوع شود

س۱۰۵:کسی که شغلش سفر است همانند راننده کامیون، اگر در سفرش یک روز یا دوروز به دیدار فامیل برود ویامکان زیارتی

توقف کند آیا به وظیفه سفر همیشگی اش ضرر می رساند یا خیر ؟

ج: هوالعالم،چنانچه در همان سفرکار، چنین می کند مضر نیست .

س۱۰۶:بفرمایید آیا تحصیل کردن شغل است یانه ؟

ج: هوالعالم،بلی شغل است .

س۱۰۷:اشخاصی که شغلشان هم در سفر است و هم در حضر، بفرمایید تکلیف نمازشان در سفر چیست؟ و اگر چنانچه نمازشان در سفر تمام است در بین راه چه وظفه ای دارند؟

ج: هوالعالم،در سفر نمازشان تمام است و در بین راه هم چون سفر شغلی است تمام باید بخوانند.

س۱۰۸:اگر صاحب ماشین احتمال بدهد و یا بداند مسافر برای کار حرامی سفر می کند آیا سوار کردنش جایز است؟ و کرایه گرفتن چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، چون سوار کردن علت تامه فعل حرام نیست جائز است و گرایه دریافتی هم حلال است.

س۱۰۹: مسافری که در محلی به مدت ده روز اقامت کرده آیا می تواند برای یکی، دو ساعت، از آنجا به کمتر از مسافت شرعی بیرون رود؟

ج: هوالعالم، چنانچه از اول صقصد بیرون رفتن نداشته باشد بیرون رفتن حتی شب هم بیرون باشد مضر به قصد اقامت نیست.

س۱۱۰: مریضی که بیهوش است او را از شهری به شهر دیگر منتقل می کنند. چنانچه مریض به هوش آمد با توجه به اینکه قدص سفر نداشته، حکم نماز و روزه اش چیست؟ قصر است یا تمام؟ و در حال برگشتن از آنجا چطور؟

ج: هوالعالم، چنانچه سفر به حد مسافت باشد بلی، وظیفه اش قصر است، چون شرط سیر موجب قصر، اختیاری بودن نیست.

س۱۱۱: چنانچه مبدا و مقصد سفر مسافر مسافت شرعی نباشد ولی مسافر در بین راه با نیت قبلی، به سمت

راست یا چپ جاده مسافتی را طی کند و بعد برگردد به جاده اصـلی و ادامه راه خود بدهد پس مجموع راه اصلی و انحرافی به حد مسافت شرعی گردد ال بفرمایید این سفر با انضمام راه انحرافی مسافت شرعی می شود یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی (نماز شکسته است چون) میزان در قصر بعد از وطن نیست بلکه میزان سیر است.

وطن

س۱۱۲: آیا انسان می تواند در وطن برای خود اختیار کند یا نه؟

ج: هوالعالم، دو وطن بلی، که بنا داشته باشد در هر کدام از دو محل شش ماه به قصد توطن بماند.

س۱۱۳: شخصی که از محل زادگاهش به شهر دیگری رفته و زندگی می کند و نمی خواهد دوباره به بادگاهش برگردد لکن در آنجا سـهمی از منزل ارثی پـدرش را مالك است بفرمایید حکم نماز و روزه اش در محل زادگاه در صورتی که قصد اقامه ده روز نکند چیست؟

ج: هوالعـالم، مادامیکه اعراض نکرده است و احتمال می دهـد بعـدا برای زنـدگی به آنجا برگردد نماز او تمام است و روزه را هم باید بگیرد ولو قصد اقامه ده روز نکند، و ملك داشتن هم شرط نیست.

نماز قضاء

س۱۱۴:زنی که جنب بوده و غسـل جنابت را فراموش کرده و با این حال مـدتی نماز خوانـده، و در همین اثناء هم غسل حیض نموده است بفرمایید: وظیفه او نسبت به نمازهایی که در این مدت خوانده چیست؟

ج: هوالعالم، آنچه که بعد از غسل حیض خوانه صحیح است.

س۱۱۵:دختری هسـتم که چندین سال بعد از سن تکلیف دست به خود ارضائی زده ام و چون مسـئله را نمی دانستم در اینچند سال بدون غسل نماز و روزه

ام را بجا آوردم تا اینکه چند روز پیش که به مجلس روضه رفتم آخوندی پیرامون همین مطلب مسئله میگ فت، یکه خوردم و فهمیدم نماز و روزه های من اشکال داشتند حال از جنابعالی می پرسم با اینکار قبیح و اشتباهی که از روی بی عقلی کرده مام، تکلیف این همه سال از نماز و روزه ام چیست؟ چه مقدار لازم است؟ و آیا کفاره هم دارد؟

ج: هوالعالم، روزه هایتان قضاء و کفاره ندار، و اما نمازها، اگر با خود ارضائی نی خارج شده باشد باید آنها را قضاء کنید. و اگر منی خارج نشده باشد آنها هم قضاء ندارد، و به هر حال اگر غسل حیض کرده باشید آن غسل کفایت از غسل جنابت می کند، بنابراین آن اعمال قبیحی که قبل از غسل حیض کردید از ناحیه روزه و قضاء نماز هیچ اشکالی ندارد.

س۱۱۶: نمازهایی بسیاری از من ترک شده که حدود و مقدار آن از ذهنم رفته و نمی دانم چه مقدار بوده، بفرمایید تکلیفم چیست؟

و در ضمن حدیثی در کتاب... پیرامون دستوری برای نمازهای قضایی که فراموش شده اند از رسول خدا (ص) نقل شده: هر کس نمازش ترک کند از روی عمد یا جهالت و نداند چه مقدار باید قضا کند پس شب دوشنبه پنجاه رکعت نماز بخواند و بعد در روز دوشنبه روزه بگیرد و در وقت ظهر نیز پنجاه رکعت نماز بخواند و بعد از اتمام نمازها صد مرتبه استغار کند، این عمل معادل صد سال نماز قضاء، حساب می شود آیا می شود این دستور اکتفا کرد؟

ج: هوالعالم، نمازهای قضا شده همه را باید بخوانید، نهایت

امر، آنچه را فعلا می دانید و یقین دارید انجام دهید. و اما روایت مذکور یا هیچ مجتهدی قبول ندارد.

س۱۱۷: کسـی که در وقت مختص نماز عصر، به جای اینکه نماز عصر بخواند، عمدا نماز عصری که به عهده اش است را رها کند و نماز قضا بخواند قضای نماز عشاء یا غیره به نحوی که نماز قضاء تمام شد وقت نماز عصر هم تمام شود آیا چنین کاری جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، تکلیف جایز نیست ولی اگر این کار خلاف را انجام داد نماز قضای او جایز است وضعا - یعنی صحیح است.

نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است

س۱۱۸: با اینکه در روایت است فرزند اکبر قضای نماز و روزه پدر را بجا آورد با اینعبارت یقضی عند اکبر ولده، و کلمه اکبر افعل التفضیل است حال بفرمایید اگر شخصـی تنها یک پسر دارد و افعل التفضیل بر او صدق نمی کند آیا نماز و روزه پدر بر این پسر واجب است یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی واجب است.

س۱۱۹: اگر نماز پدر که به عهده پسر بزرگتر است توسط او بجا آورده نشود آیا پسر کوچکتر می تواند آن را بجا بیاورد؟

ج: هوالعالم، لی میتواند، ولی لازم نیست به آن گونه که بر پسر بزرگ لازم است.

س۱۲۰: پـدری که مقیـد به اقـامه نمـاز یومیه نمی باشـد آیـا بعـد از مرگش قضای تمام نمازهای مـدت عمرش بر پسـر بزرگتر واجب است؟

ج: هوالعالم، آنچه ثابت شود فوت آن ولو عمدی باشد بر پسر بزرگتر واجب است.

نماز جماعت

س۱۲۱: هر گـاه در نمـاز جمـاعت مـاموم به گمـان اینکه امام تکبیره الاحرام را گفته و یا از روی سـهو، پیش از امام جماعت، تکبیره الاحرام را بگوید وظیفه اش چیست؟

ج: هوالعالم، نماز ماموم فرادی می شود، و اگر بخواهد جماعت بخواند عدول کند به نافله و آن را قطع کند یا تمام کند.

س۱۲۲: اگر شخصی بعد از اتمام نماز جماعت متوجه شود که متصل به امام جماعت نبوده است، نمازش چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد، نمازش صحیح است.

س۱۲۳: طلبه ای هسـتم که در منطل پـدرم زندگی می کنم و پدرم نیز طلبه است و رسم منزلمان این است که اعضای خانواده با پدرمان نماز جماعت می خوانند و عدالت پدرم محرز است لکن وضو و قرائت

او را صحیح نمی دانم و محترمانه به او تذکر دادم ولی او نیز قطع دارد که وضو و قرائتش صحیح است، با این حال اگر اتدا نکنم پدر و مادرم متاذی و ملول می شوند واگر اقتدا کنم، مشکل می بینم لطفا مرا راهنمایی فرمایید؟

ج: هوالعالم، اگر تالی فاسدی بر نخواند مترتب می شود گاهی بخوانید و بعد اعاده کنید احتیاطا.

س۱۲۴: بعد از نماز جماعت آیا دست دادن مامومین به همدیگر جایز است؟

ج: هوالعالم، بلی، جایز است.

س۱۲۵: در جایی که نماز جماعت منعقد است نماز فرادی خواندن چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه عنوان تفسیق منطبق نباشد اشکال ندارد.

مصافحه بعد از نماز جماعت

س۱۲۶: در کتاب بحارالانوار و سفینه البحار ماده عرج و صفح حدیثی از کتاب (سعد السعود سید بن طاوس، نقل کرده اند به این مضمون: رسول خدا (ص) در شب معراج با ابراهیم خلیل و ملائکه نماز جماعت اقامه کرد و بعد از نماز با جبرئیل و ابراهیم مصافحه کرد...

آیا حدیث مزبور دلیل استحباب مصافحه بعد از نماز می شود؟

ج: هوالعالم، بلی، نقل معصوم (ع این عمل را دلیل بر استحباب آن است.

امام جماعت

س۱۲۷: صبی ممیز آیا می تواند برای اطفان دیگر اعم از ممیز و غیر ممیز نماز جماعت بخواند؟

ج: هوالعالم، بلی جماعت صحیح است.

س۱۲۸: در نماز جماعت آیا می شود به صبی ممیز یا شخص معلول اقتداء کرد؟

ج: هوالعالم، اقتداء بالغ به غیر بالغ جایز نیست ولی اقتداء غیر بالغ به غیر بالغ جایز است. و اقتداء معلول به معلول مثل خودش جایز است، ولی اقتداء غیر معلول به معلول جایز نیست مگر در موارد خاصه.

س۱۲۹: در یک شهرک مسکونی سه مسجد

وجود دارد که در یک مسجد توسط شخص روحانی نماز برگزار می شود و در دو مسجد دیگر توسط اشخاص غیر معمم، بفرمایید با وجود نماز جماعت توسط روحانی، می شود بغ غیر معمم اقتداء کرد؟

ج: هوالعالم، در نماز جماعت شرط نیست که امام معمم باشد؟ پس چنانچه دسیسه ای برای اهانت به عمامه در کار نباشد اقتداء به غیر معمم جایز است.

س۱۳۰: در مسجدی که امام جماعت روحانی دارد لکن به علت کهولت سن و ناتوانی، فرد غیر معمم را برای امامت معرفی می کند آیا می توانیم بر او اقتداء کنیم؟

ج: هوالعالم، بلی، می توانید اقتداء کنید.

س۱۳۱: آیا در مسجدی که روحانی نداشته باشد می توان نماز جماعت توسط شخص غیر معمم برگزار کرد؟

ج: هوالعالم، بلی، می توان توسط شخص غیر معمم جماعت برقرار کرد با رعایت شرط جماعت که عادل بوده است.

س۱۳۲: آیا امام جماعت می تواند برای خواندن نماز جماعت وجهی بگیرد؟

ج: هوالعالم، خیر، جایز نیست. و چنین شخصی نماز پشت سر او نهر شده است.

س۱۳۳: اگر کسی از روی جهل در غیر مورد تقیه، اقتدا به نماز جماعت اهل سنت کرده، بعد حکم مسئله را فهمیده. آیا نمازهایی که خوانده صحیح است یا اعاده کند؟

ج: هوالعالم، اگر رکنی اضافه نکرده باشد نمازش صحیح است اعاده و قضاء ندارد.

س۱۳۴: حکم امامت جماعت شخص غیر روحانی را شرعا بفرمایید؟

ج: هوالعالم، بلی جایز است.

نماز جمعه

س۱۳۵: آیا اقامه نماز جمعه بدون اذن مجتهد جامع شرایط جایز و رواجع است یا خیر؟

ج: هوالعالم، به نظر ما با اذن مجتهد جامع شرایط هم، در زمان غیبت معلوم نیست راجع باشد و لذا گفته ایم

که اگر کسی نماز جمعه خواند مقتضای احتیاط لزومی آن است که نماز ظهر هم بخواند و یا اینکه میتواند به مجتهد دیگر رجوع کند.

س۱۳۶: نماز جمعه در عصر غیبت چه حکمی دارد و جنابعالی چه توصیه ای می فرمایید؟

ج: هوالعالم، به نظر ما مجزی از نماز ظهر نیست، و اگر خوانده شود باید بنابر احتیاط لزومی نماز ظهر را هم بخواند.

نماز استیجاری

س۱۳۷: کسب و امرار معاش از طرق اجرت نماز و روزه استیجاری آیا مرغوب است یا مرجوع؟

ج: هوالعالم، هیچ اشکالی ندارد؟

س۱۳۸: رفع شبهه اکتساب با نماز و روزه استیجاری چگونه می شود؟ آیا قصد اکتساب با قصد قربت تنافی ندارد؟

ج: هوالعالم، خیر، تنافی ندارد چون قصد اکتساب از قبیل داعی بر داعی است.

س۱۳۹: در صورتی که موجر در نماز استیجاری شرط کند که با اذان و اقامه خوانده شود آیا اجیر می تواند به اذان و اقامه نماز جماعت اکتفاء کند یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی می تواند، مگر آنکه موجر تصریح کند به اکتفاء نکردن به اذان و اقامه نماز جماعت.

س۱۴۰: اینکه زنی نماز استیجاری از میت مرد بخواند به نظر حضرتعالی آیا جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی جایز است، ولی در جهر و اخفات لازم است زن به وظیفه خودش عمل کند یعنی در نماز جهری که بر مرد لازم است جهر بخواند بر او لازم نیست بلکه مخیر در جهر و اخفات است.

نماز آیات

س۱۴۱: نماز کسوف و خسوف تا چه زمانی اداء است؟

ج: هوالعالم، از اول گرفتن تا تمام باز شدن اداء است.

نماز عید فطر و قربان

س۱۴۲: بفرمایید شرکت خانم ها در جماعت نماز عید فطر و قربان چگونه است؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

احکام روزه

نیت

س۱۴۳: آیا نیت یک ماه روزه گرفتن در اول ماه مبارک رمضان کفایت می کند یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، به شرط بقاء حکم آن، به معنای عدم عدول از قصد و بدون قصد، درخزانه نفس.

کفاره روزه

س۱۴۴: شخص مریضی که علم وارد روزه ماه رمضان را نمی تواند بگیرد آیا می تواند کفاره را قبل از ماه رمضان پرداخت نماید؟

ج: هوالعالم، ظاهرا می تواند ولی خلاف احتیاط است و چنانچه به عنوان قرض بدهد و بعدا حساب کند بی اشکالتر است.

س۱۴۵: کسی که به خاطر مریض شدن، روزه اش را نگرفته و توان پرداخت کفاره آن را ندارد، باید چکار کند؟

ج: هوالعالم، به مقدار ممکن کفاره که یک مد طعام است بدهد، و در صورت عدم امکان استغفار نماید کافی است.

روزه قضاء

(ت) س۱۴۶: دختری هستم که بعد از سن تکلیف نه سالگی از روی کودکی و نادانی خیلی از روزه هایم را خورده ام و الان تعداد آنها را به خاطر ندارم، تکلیفم چیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه ضعیف بودید نمی توانستید روزه بگیرید، فقط قضاء بر شما واجب است، آن هم آن تعداد که یقین دارید نگرفته اید.

س۱۴۷: دختری هستم که از سن دوازده سالگی عادت ماهیانه را شروع کرده ام و اکنون بیست و سه ساله هستم و تعداد روزه های قضا شده ام را فراموش کرده ام بفرمایید وظیفه ام چیست؟

ج: هوالعالم، مقدار یقینی را قضاء کنید.

س۱۴۸: در صورت اتفاق جماع در ماه رمضان بدون قصد این کار چه به اسرار شوهر و چه به اسرار زن و فراموش شدن تعداد روزه های باطل شده به سبب جماع، وظیفه در قضا و کفاره چیست؟ با توجه به اینکه دختری هستم که پنج سال است ازدواج کرده ام.

ج: هوالعالم، اگر جماع به زور و اکراه بوده فقط قضاء بر شما لازم است و اگر به اختیار بوده برای

هر روز کفاره بدهید.

س۱۴۹: من به خاطر حاملگی و استفراغ شدید طبق دستور دکتر معالج یک ماه روزه نگرفته ام تکلیفم چیست؟

ج: هوالعالم، قضاء کنید، کفاره لازم نیست.

س۱۵۰: خانمی هستم که به علت شیر دادن به بچه، یک ماه به توصیه شوهر و اطرافیان روزه نگرفته ام، برای جبران چه وظیفه ای دارم؟

ج: هوالعالم، قضاء کنید روزه ها را کافی است.

روزه مسافر

س۱۵۱: بعضی از مقلدین حضرتعالی کارگر هستند و معمولا بیشتر از هشت فرسخ می روند و بر می گردند و نمی توانند ده روز در محل کار بمانند و روزه بگیرند، و همچنین بعضی از معلمین صبح به دهات می روند و غروب بر می گردند و یا بعضی دیگر شنبه می روند و پنج شنبه بر می گردند و...لهذا برای این مقلدین روزه گرفتن مشکل است آیا اجازه می دهید در این مسئله به مجتهدی که روزه را برای کثیر الاسفر اجازه می دهد رجوع نمایند یا خیر؟

ج: هوالعالم، چون اخیرا احتیاط نموده ام لذا می توانند به مجتهد دیگری رجوع کنند.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

س۱۵۲: فرد بیماری که قادر به روزه گرفتن نیست و پزشکان او را به طور جدی منع کرده اند، وظیفه اش برای روزه چیست؟ و اگر او پافشاری کند چه باید کرد؟

ج: هوالعالم، با عدم قدرت و تشخیص دکتر پافشاری مورد ندارد و روزه لازم نیست، و حتی در بعضی مراتب جایز نیست.

س۱۵۳: چونکه بعضی ناراحتی دارند و می بایست از قرص استفاده کنند آیا می شود از قرص استفاده کنند و روزه نگیرند؟ و یا روزه نگیرند و کفاره بدهند؟

ج: هوالعالم، استفاده از قرص اگر

به طریق تنقیه باشد موجب بطلان روزه نیست و اگر با خورد باشد روزه را باطل می کند و در فرض سوال کفاره ندارد.

س۱۵۴: دخترانی که به حد بلوغ رسیده اند ولی چون ضعیف هستند و قدرت بدنی ندارند نمی توانند روزه بگیرند بفرمایید تکلیف روزه آنها چیست؟ و آیا باید کفاره بدهند یا خیر؟

ج: هوالعالم، با عدم قدرت، کفاره لازم نیست، بعدا قضا نمایند.

مسائل متفرقه روزه

س۱۵۵: افرادی که شرعا از روزه گرفتن در ماه رمضان معذورند همانند زنهای حائض، اگر در مکان های عمومی روزه خواری کنند آیا کارشان حرام است و باید نهی از منکر شوند یا تنها حکم استحبابی احترام به ماه رمضان را رعایت نکرده اند؟

ج: هوالعالم، البته کار خوبی نیست، ولی حرمت آن معلوم نیست.

س۱۵۶:در صورتی که شخصی در چند روز از ماه رمضان مثل دهم، پانزدهم،بیستم غسل کرده و سپس علم اجمالی پیدا کرده که یکی از آنها باطل بوده تکلیفش چیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه غسل آخر در آن قاعده فراغ جاری نباشد مانند آنکه وسط غسل است در اغسال قبلی قاعده فراغ جاری است. و اگر در آن هم قاعده فراغ جاری باشد نسبت به صوم که همه صحیح است و اما نسبت به نماز چنانچه آخری که علم اجمالی به بطلان یکی از آنها پیدا شده است در وقت باشد در خصوص آن نماز باید بخواند و در گذشته ها قاعده حیلوله جاری است.

راه ثابت شدن اول ماه

س۱۵۷: اثبات شب اول یا دوم ماه آیا به بزرگ و کوچک بودن ماه یا به مطوق بودن آن تشخیص داده می شود؟

ج: هوالعالم، میزان شب دوم بودن، مطوق بودن ماه است.

س۱۵۸: در صورتی که شک کرد آیا امروز عید است یا نه؟ آیا دو اصل اصل عدم ازای کونه عیدا و اصل انه عید تعارض و تساقط می کنند، آیا اصلا اصل جاری می شود؟

ج: هوالعالم، اولا: اصل عدم کونه عیدا، اصل عدم ازای نیست بلکه عدم نعتی است ثانیا: اصل انه عید غیر صحیح است.

احکام خمس

ربح و فائده

س۱۵۹: جوانان و دانشجویانی که پول پس انداز می کنند برای اینکه در آینده ازدواج کنند، منزل بخرند، کتاب و کامپیوتر خریداری کنند و... بفرمایید آیا برای این پول های پس انداز، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ در حالی که تهیه این پول ها در زمان نیزا مشکل است.

ج: هوالعالم، به همه آنها خمس تعلق می گیرد.

س۱۶۰: اگر کسی برای تهیه منزل، ماشین و یا برای ازدواج،حج و دیگر احتیاجات زندگی، پولی را پس انداز کند و سر سال خمسی اش برسد آیا باید خمس آن را بدهد؟

ج: هوالعالم، بلی باید بدهد.

س۱۶۱: چنانچه زن مهریه خود را از شوهرش بگیرد آیا خمس دارد؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس دارد.

س۱۶۲: طلا و جواهراتی که جهت زینت زنانه است آیا خمس و زکات در آنها است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، نیست.

س۱۶۳: شخصی که ماشین سواری برایش ضرورت دارد و ناچار است در مدت چند سال پولش راجع کند تا آن را بخرد لطفا بفرمایید پول های جمع شده در سال های قبل خمس دارد؟

ج: هوالعالم، پول های جمع

شده در صورت گذشتن سال و زیاد بودن از سال قبل خمس دارد؟

س۱۶۴: آیا هدیه یا دیه ای که می گیرد خمس دارد؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس تعلق می گیرد.

س۱۶۵: جهیزیه ای که برای دختران خریداری می شود و چند سال در خانه می ماند آیا خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج: هوالعالم، چنانچه نم یتوانند یک دفعه جهاز بگیرند خمس تعلق نمی گیرد.

س۱۶۶: شخصی خانه اش را می فروشد تا خانه بهتر بخرد، لکن خریدن خانه چند سالی طول می کشد مثلا دو سال یا سه سال آیا پول خانه اول خمس دارد یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس دارد.

س۱۶۷: اگر شخصی چیزی را خرید و روز بعد سال خمسی او رسید، گرچه این چیز بعدا مؤنه اش می شود آیا خمس آنرا باید بدهد؟

ج: هوالعالم، بلی، باید بدهد.

س۱۶۸: اگر چند روز قبل از سال خمسی، مال خود را به دیگری ببخشد مشروط به اینکه بعد از یک هفته برگرداند آیا خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج: هوالعالم،بلی، خمس به این گونه حیل نمی شود از بین برود.

س۱۶۹: کسی که با مبلغ یک میلیون تومان، حج تمتع ثبت نام کرده ولی بعد از چند سال نوبت او می شود آیا به آن مبلغ مس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس تعلق می گیرد چون حکم فائده را دارد.

س۱۷۰: اگر با مبلغی حج یا عمره مستحبی ثبت نام کند و بیش از یک سال بگذرد تا نوبت او برسد آیا به مبلغ مذکور خمس تعلق میگیرد؟

ج: هوالعالم، در صورتی که شرایط تعلق خمس به فائده را واجد باشد، بلی تعلق می گیرد.

س۱۷۱: کسی

که حج بر او مستقر شده مثل اینکه مستطیع بوده و نرفته و یا حج افسادی داشته، اگر پول حجش بیش از یک سال بماند تا نوبت او برسد خمس تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، در این صورت تعلق نمی گیرد.

س۱۷۲: اگر شخصی حج یا عمره نذری دارد و ثبت نام می کند ولی بعد از یک سال نوبت او می شود آیا به پولش خمس تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، در صورتی که رفتن حج یا عمره منحصر باشد به ماندن ۱ول، خیر تعلق نمی گیرد.

س۱۷۳: اگر کسی اجیر شده و ولی گرفت برای انجام حج نیابتی لکن آن پول خرج شد و بعدا با تهیه کردن پول، برای حج نیابتی ثبت نام می کند و بعد از چند سال نوبت او می سد آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، خیر چون مانند اداء دین است.

س۱۷۴: اگر کسی پولی را برای حج واجب اعم از حجت الاسلام یا حج نذری یا حج افسادی و یا نیابتی کنار بگذارد تا بعد از چند سال به حج برود آیا پول مذکور خمس دارد؟

ج: هوالعالم، بلی، واجب است تخمیس شود.

س۱۷۵: بفرمایید در چه صورتی پول حج خمس دادن آن واجب است و در چه صورتی واجب نیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه حج واجب شده باشد و رفتن منحصر باشد که پول را جایی بگذارد تا نوبت او برسد خمس واجب نیست و الا واجب است.

س۱۷۶: کسی که به جهت فرار از دادن خمس، مالش را نسیه می فروشد و یا قرض می دهد، تا بعد از سال خمسی، آیا بر این شخص، قبل از وصول آن

نسیه یا قرض، تخمیس آن واجب است؟

ج: هوالعالم، بلی، چون در ذمه مدیون، پول دارد و زاید از مونه است.

س۱۷۷: کسی که اهل خمس دادن نبوده و خمس اموالش را نمی داده، از دنیا رفته است و اموال زیادی از خود باقی گذاشته، و وصیت هم نکرده که خمسش را ورثه بدهد، حال بفرمایید: دادن خمس این مال الارث بر ورثه واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی واجب است.

س۱۷۸: در فرض مسئله قبل، اگر ورثه هم خمس مال الارث را ندهد آیا مالک آن مال می شود یا خیر؟

ج: هوالعالم، به نحو اشتراک همه آنها مدیون آن مقدار مال می باشند به مقدار حصرشان.

س۱۷۹: در فرض مسئله قبل، اگر ورثه مالک مال الارث نباشند، بفرمایید آیا معاشرت با آنها جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، مانعی ندارد.

س۱۸۰: درفرض سابق آیا تصرف خود ورثه در این مال الارث بدون اداء خمس که از دیون میت است، جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خر تصرف جایز نیست، و اگر تصرف کنند مقدار خمس منتقل به ذمه شان می شود.

سرمایه

س۱۸۱: آیا سرمایه از مؤنه زندگی به حساب می آید؟

ج: هوالعالم، خیر، سرمایه مؤنه زندگی که خمس به آن تعلق نگیرد، نیست.

س۱۸۲: شخصی مغازه ای با پول مخمس خریده ولی الان قیمت مغازه ترقی کرده آیا آن ترقی قیمت خمس دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، ترقی قیمت با شرائط وجوب خمس، خمس دارد البته باید با مجموع درآمد سال حساب شود.

س۱۸۳: شخصی مغازه ای را به دوازده میلیون تومان خریده و خمس آن را پرداخت کرده لکن بعد از مدتی به علت کوچک بودنش برای کسبش، آنرا فروخته به مبلغ

چهل میلیون تومان و مغازه ای بزرگتر خریده به مبلغ شصت میلیون تومان و از این بابت بیست میلیون تومان بدهکار گشته، حال بفرمایید برای آن ترقی قیمت مغازه قبلی خمس هست یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، مغازه فعلی را که به شصت میلیون خریده، دوازده میلیون آن را قبلاً تخمیس نموده و بست میلیون هم بدهکار است، این دو قلم کم شود پس بیست هشت میلیون باید تخمیس شود با رعایت شرایط.

س۱۸۴: باز و زمین هایی که چند سال پیش خریداری شده و خمس آن را داده در صورتی که الان بر قیمت آن اضافه شده آیا اضافه قیمت خمس دارد؟ اگر بخواهد بفورشد چطور؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس دارد خصوصا در صورت فروش.

مؤنه

س۱۸۵: عده ای قنات مشترکی برای آبیاری مزرعه دارند در صورتی که قنات مذکرو نیاز به خارجی برای تعمیر و تمیز کردن و... داشته باشد آیا آن خارج را می شود از مؤنه و مخارج سالیانه حساب کرد؟

ج: هوالعالم، خیر، از مونه حساب نمی شود چون مونه زندگی نیست، مؤنه کسب است.

س۱۸۶: صدقات و خیراتی که انسان می پردازد و یا هدایایی که برای کسی می برد و یا ضیافتی انجام می دهد آیا از مؤنه حساب می شود؟

ج: هوالعالم، بلی، از مؤنه است.

س۱۸۷: شخصی مبلغی را برای حرم امام رضا (ع) نذر کرده و آن را قبل از موعد سال خمسی به نیت نذر کنار گذاشته تا موقع تشرف به ضریح حضرت بیندازد آیا به مبلغ مذکور در موعد سال خمسی، خمس تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، خیر، تعلق نمی گیرد.

س۱۸۸: چیزی که از مؤنه است همانند منزل، فرش، کتاب، لوازم منزل و

غیره که به همین جهت در موعد سال خمسی، آن را استثناء کرده، حال بفرمایید اگر بعد از گذشته سال آن را بفروشد خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، بلی. تعلق می گیرد.

س۱۸۹: کسی که خانه مسکونی خود را می فروشد و با پولش خانه دیگری می خرد آیا با پولی که خانه اش را فروخت و به دستش رسید خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج: هوالعالم، اگر وسط سال است خمس تعلق نمی گیرد.

س۱۹۰: مقداری سرمایه قالی بافی داریم آیا از اخراجات مؤنه است یا خیر؟

ج: هوالعالم، مؤنه کسب مثل سایر فوائد است آنچه مستثنا است مؤنه زندگی است مثل خوراک و پوشاک و مسکن.

مصرف خمس

س۱۹۱: لطفا بفرمایید به شخصی که مبغی از وجوهات - سهم مبارک امام (ع) و سهم سادات بدهکار است آیا جایز است مقداری از این بدهی را به خودش بخشش کنند مثلا بیست میلیون تومان از وجوهات باید بپردازد لکن پنج میلیون تومان آن را به خودش ببخشند واز او نگیرند؟

ج: هوالعالم، بخشیدن وجوهات به کسی که بدهکار است جایز نیست. (حضرت رضا و امام جواد (ع) به عده ای که از راه دور خمس آورده بودن و تقاضا کرده بودن که مقداری به ما گذشت کنید، هر دو امام فرمودند که ما نمی توانیم ببخشیم)، خدا هدایت کند کسانی که این کارها را می کنند.

س۱۹۲: از سهم مبارک امام (ع) آیا جایز است به فقرا غیر اهل علم داده شود؟

ج: هوالعالم، چنانچه با مجتهد دستگردان شود و از طرف او به فقیر داده شود اشکال ندارد.

س۱۹۳: کسی که می تواند کار کند و مخارجش را تامین

نماید لکن دنبال کار نمی رود و مخارج هم ندارد آیا می شود به او خمس یا زکات داد؟

ج: هوالعالم، خیر، نمی شود مگر اینکه طالب علم و خدمتگزار اسلام باشد.

س۱۹۴: کسی که تنها از طرف مادر سید باشد آیا می تواند خمس بگیرد؟

ج: هوالعالم، در مساله خمس اگر روایت معتبر خاصی نبود می گفتم خمس می شود به پسر دختر هم داد، ولی روایت به خصوص وارد شده است و صریح است در اینکه نمی شود به او خمس داد.

س۱۹۵: آیا به زن علویه برایت امین مخارج خودش و شوهرش و اولادش، می شود سهم سادات داد یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر نمی شود مگر آن که شوهرش خرجی به او نمی دهد.

س۱۹۶: زنی که شوهرش سید است و مفقود گشته، آیا می شود به این زن بابت نفقه اش که از شوهرش طلبکار می شود سهم سادات پرداخت کرد؟

ج: هوالعالم، خیر، نمی شود مگر آن که شخصی با اجازه مجتهد از طرف آن سید قبول کند و بدهد به زن او.

س۱۹۷: مال خمس در دست کسی به امانت بود پس او هم آن را به مستحق رد کرد لکن بعدا معلوم شد که شخص گیرنده مستحق نبوده، آیا ضامن است یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی، ضامن است.

س۱۹۸: در صورتی که شخص مستحق، مقداری از خمس را در معصیت مصرف کند آیا دادن خمس به او جایز است؟

ج: هوالعالم، خیر، جایز نیست.

س۱۹۹: شخصی که بدهکار خمس است،فرزندش طلبه می باشد، آیا می تواند از سهم امام (ع)ت به فرزندش بدهد؟

ج: هوالعالم، با اجازه یک مجتهد بلی می تواند.

مسائل متفرقه خمس

س۲۰۰: در تلویزیون حدیثی پیرامون خمس از حضرت

صاحب الزمان (ع) نقل کردند که حضرت فرموده: لعنت خدا و فرشتگان و جن و انس بر کسی باد که یک درهم خمس ما بخورد و نپردازد، با بزرگواری بفرمایید این حدیث در چه کتابی است؟

ج: هوالعالم، توقیع شریف در احتجاج طبرسی صفحه ۴۸۰، و کلمه (من) در حدیث نیست.

س۲۰۱: خمس و زکات قرض آیا بر قرض گیرنده است یا بر قرض دهنده؟

ج: هوالعالم، بر قرض گیرنده نیست.

س۲۰۲: اگر خمس و زکات، موعد هر دو، در سر سال خمسی فرا برسد، آیا هر دو را حساب کند یا یکی مقدم است؟

ج: هوالعالم، هر دو را باید حساب کند.

س۲۰۳: غذا خوردن در منزل کسی که خمس نمی دهد چگونه است؟ آیا می شود غذا خورد و مقدار خمس آن را پرداخت کرد؟

ج: هوالعالم، غذا خوردن اشکال ندارد و چنانچه خمس به غذا تعلق گرفته منتقل می شود به قیمت آن در ذمه صاحب غذا.

س۲۰۴: پرداخت حقوق شرعی خمس، زکات به شخصی که مجتهد نیست و وکالت از مجتهد هم ندارد چگونه است؟ آیا جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، حقوق شرعی اگر زکات و یا سهم سادات است و شخص گیرنده مستحق و واجد شرایط مصرف است پرداخت به او جایز است. و اما در خصوص سهم مبارک امام (ع)، چنانچه گیرنده مجتهد مطلق است و علم هم حاصل شود که طریق مصرف او با طریق مصرف مرجع تقلید پرداخت کنند یکی است اینجا نیز پرداخت به او جایز است. و چنانچه گیرنده مجتهد مطلق نباشد و یا علم به یکی بودن طریق مصرف حاصل نشود پرداخت به او جایز نیست. بلی، اگر چنانچه

گیرنده فرد موثقی است و دهنده حق شرط کند که آن را به اهلش برساند، می شود به او داد.

س۲۰۵: منزل هایی که دولت به صورت اقساط می فروشد ولی ملک شخص نمی شود مگر تمام مبلغ را پرداخت کند. بفرمایید اگر یک سال در منزل ساکن نشد با اینکه منزل هنوز ملک او نشده است آیا خمس دارد یا نه؟

ج: هوالعالم، تا مادامی که ملك او نشده است خمس ندارد اما اقساطی که پرداخته آنها خمس دارد و باید داده شود.

احکام زکات

نصاب زکات

س۲۰۶: شخص کشاورزی دارای محصول گندم و جو است، در صورتی که هیچ کدام به تنهایی به حد نصاب نرسند، آیا آن شخص باید گندم و جو را روی هم حساب نماید یا اینکه زکات بر او واجب نیست؟

ج: هوالعالم، باید روی هم حساب نماید.

س۲۰۷: در صورتی که مال زکوی با آب تلمبه و آب باران آبیاری شود بفرمایید که چه مقدار زکات باید بدهد؟

ج: هوالعالم، چنانچه صدق اشتراك بکند در نصف آن یك دهم، و در نصف دیگر یك بیستم باید بدهد، و چنانچه غلبه با یکی بود همان میزان است.

س۲۰۸: کسی که زکات بر او واجب است و دارای یک یا چند مال زکوی است که به حد نصاب رسیده اند آیا می تواند مقدار زکات را به پول بپردازد؟

ج: هوالعالم، بلی، می تواند.

مصرف زکات

س۲۰۹: کسی که می تواند کار کند و مخارج زندگی را به دست آورد لکن دنبال کار نمی رود و مخارج هم ندارد آیا می شود به او خمس یا زکات داد؟

ج: هوالعالم، خیر، نمی شود مگر طالب علم و خدمتگزار اسلام باشد.

س۲۱۰: دادن زکات به شخص مستحقی که مقداری از آن را به مصرف خودش می رساند و مقداری از آن را در معصیت مصرف می کنند جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، جایز نیست.

مسائل متفرقه زکات

س۲۱۱: اگر در سالی، موعد حساب خمس و موعد حساب زکات یک زمان شوند آیا مالک هر دو را باید حساب کند یا یکی از آن دو مقدم است؟

ج: هوالعالم، هر دو را باید حساب کند.

س۲۱۲: همس و زکات قرض آیا بر شخص قرض گیرنده است یا قرض دهند؟

ج: هوالعالم، بر قرض گیرنده نیست.

س۲۱۳: اگر صاحب مال زکوی، قبل از تعلق زکات، آنرا تبدیل به مال دیگر کند و یا صاحب خمس قبل از سر سال خمسی مال خود را به دیگری ببخشد مشروط بر اینکه بعد از چند روز به او برگرداند، بفرمایید آیا زکات یا خمس واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس و زکات به این گونه حیل نمی شود از بین برود.

زکات فطره

س۲۱۴: کسی که در شهری مسافر است اگر روز آخر ماه مبارک رمضان وارد خانه اقوام خود شود و قبل از اذان مغرب از آنجا خارج شود و سپس بعد از اذان به همان خانه برگردد آیا فطره او بر عهده خودش است یا بر عهده صاحب خانه؟

ج: هوالعالم، فطریه او اگر بنا است آنجا بماند ولو یک روز به عهده صاحب خانه است.

س۲۱۵: آیا به بی نماز و کسی که روزه نمی گیرد می شود زکات فطره داد یا نه؟

ج: هوالعالم، مقتضای احتیاط این است ندهید.

س۲۱۶: اینکه در رساله نوشته شده: به کسی که آشکارا گناه می کند نمی شود زکات فطره داد، مراد چیست، لطفا توضیح دهید؟

ج: هوالعالم، مراد این است که علنا و در نزد مردم گناه می کند.

س۲۱۷: اینکه در رساله فرمودید: «اگر مهمان پیش از غروب شب عید فطر بر میزبان وارد شود...» منظور

از غروب آیا غروب شمس است یا مغرب شرعی؟

ج: هوالعالم، منظور از غروب شب عید، غروب شمس است.

س۲۱۸: در صورتیک شب مهمان شدن شخصی بفرمایید آیا فطریه بر عهده مهمان است یا میزبان؟

ج: هوالعالم، فطریه بر عهده میزبان است.

صدقات و کفارات

س۲۱۹: دادن صدقات مستحبی و کفارات به سادات چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، هیچ اشکالی ندارد.

س۲۲۰: اگر پولی نزد صندوق صدقات افتاده آیا می تواند آن را بر دارد و به فقیر بدهد؟

ج: هوالعالم، اگر یقین ندارد از پول های صندوق است می تواند بردارد یا به فقیر بدهد.

احکام حج

س۲۲۱: شخصی که خانه مسکونی خود را می فروشد و با پول آن خانه دیگر می خرد بفرمایید آیا با پول فروش خانه اول. حج بر او واجب می شود یا نه؟ و آیا خمس به آن پول تعلق می گیرد یا نه؟

ج: هوالعالم، اگر وسط سال است خمس تعلق نمی گیرد و حج هم با این کیفیت واجب نیست.

س۲۲۲: کسی که با قرض گرفتن به حج می رود و ادای قرض بر او حرجی نیست آیا حجش حجت الاسلام حساب می شود؟

ج: هوالعالم، خیر، حساب نمی شود.

س۲۲۳: در صورتی که کافری مسلمان شود و ایام حج نزدیک بود و مستطیع هم گردید ولکن نتوانست به حج تمتع برسد آیا حج او مبدل می شود به حج افراد یا اینکه سال بعد به حج برود؟

ج: هوالعالم، خیر، مبدل نمی شود باید سال بعد حج تمتع انجام دهد.

س۲۲۴: کسی که نذر کرد روز عرفه در کربلا باشد و اتفاقا در همین سال مستطیع هم شد بفرمایید کدام یک مقدم است؟ حج یا نذر؟

ج: هوالعالم، وجوب حج مقدم است.

(جواب گنگ)

س۲۲۵: شخصی که منکر خمس و زکات است به حج رفته آیا حجش صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، اگر منکر باشد شبه، حجش صحیح است و همچنین اگر توبه کرده باشد و الا باطل است.

س۲۲۶: در صورتی که روی جرات از طبقه پایین برای شخص حرجی باشد آیا از طبقه بالا جایز و مجزی است یا نه؟

ج: هوالعالم، اگر از بالا به آن مقدار از جمره که در سابق باشد ولو نهی شده است جایز است ولی نباید به بالاتر از آن رمی نماید.

س۲۲۷: آیا انجام دادن بیش از یک عمره مفرده چه برای خودش و چه برای نیابت از دیگران در یک ماه قمری به قصد ورود جایز و صحیح است؟

ج: هوالعالم، ما فاصله بین دو عمره ولو برای خودش لازم نمیدانیم و به قصد ورود بعد از تمام شدن عمره اولی میتواند دو مرتبه عمره ایتان کند.

س۲۲۸: اگر شخصی قبل از احرام حنا بزند و اثر آن بعد از احرام بماند، حرام است یا نه؟

ج: هوالعالم، استعمال حنا برای مرد و زن حتی در حال احرام و قبل از آن حرام نیست. بلکه مکروه هم نیست، بلی خصوص حنا بستن زن به قصد تزیین برای شوهر خود مکروه است.

س۲۲۹: آیا بوییدن گل محمدی یا عود یا کافور برای محرم جایز است یا حرام؟

ج: هوالعالم، حرام نیست.

س۲۳۰: خانم یا آقایی که نمی تواند بول خود را کنترل کند و برای رفع آن از پوشاک یا پارچه استفاده می کند، آیا می تواند به زیارت خانه خدا برد یا نه؟

ج: هوالعالم، می تواند برود به شرط رعایت عدم سرایت نجاست به

خانه خدا.

س۲۳۱: کسی که به حج عمره رفته، و به طور ناآگاهانه به گردنش کفاره آمده ولی توان پرداخت آن را ندارد، باید چکار کند؟

ج: هوالعالم،

احکام معاملات

«بیع» (خرید و فروش)

س۲۳۲: در عرف جامعه پنجاه سال پیش مثلا، عده ای از بزرگان جامعه، سند عقد بیع و سند مالکیت را می نوشتند و این نوشته حتی بدون امضاء بایع و مشتری سند دال بر خرید و فورش به حساب می آمد و تمام افراد آن جاعه، آن را قبول و معتبر می دانستند، حال سوال این است امروزه که طریقه نوشتن سند مالکیت تفاوت اساسی پیدا کرده آیا سند مالکیت نوشته شده در چند سال پیش توسط بزرگان آن جامع، امروز هم دراای اعتبار رسمی شرعی است یا خیر؟

ج: هوالعالم، چنانچه به آن گونه که نوشته اید رسم چنین بوده است که بزرگان قوم، اگر می نوشتند رسمیت داشته، بلی فعلا هم رسمیت دارد. علاوه بر این ید یعنی در تحت تصرف شخصی بودن اماره ملکیت است و اعتبار رسمی هم دارد.

س۲۳۳: فروختن چك نقد به چك مدت دار مثلا چك صد هزار تومان نقد به چك یكصد و بیست هزار تومانی یک ماهه چگونه است؟

ج: هوالعالم، به نظر من اشکال دارد.

س۲۳۴: به اطلاع حضرتعالی می رساند که قیمت تعیین شده روی کارت تلفن همگانی توسط شرکت مخابرات، هزار و هشتصد تومان است، آیا خرید و روش این کارتها به قیمت بیشتر از قیمت تعیین شده جایز و صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، اگر به همان قیمت بفروشد و شرط کند در ضمن خرید که مبلغ زیادی به واسطه داده شود آن هم اشکال ندارد.

س۲۳۵:

امروزه در خرید و فروش سیم کارت موبایل چنین رایج است که اگر قیمت آن مثلا هشتصد هزار تومان باشد به این صورت می فروشد که مبلغ صد هزار تومان از قیمت آن را از خریدار فقط می گیرد و پس از اینکه چند درصد مثلا سه درصد به مبلغ باقی مانده که هفتصد هزار تومان باشد اضافه می نماید آن باقیمانده را در مدت چند ماه یا در طی چند فقره چک دریافت می کند، البته مبلغ دریافتی در هر ماه یا در هر چک معین است مثلا صد هزار تومان بفرمایید آیا معامله به این صورت صحیح است یا خیر؟ و اگر معامله صحیح نباشد راه صحیح شرعی آن چه می باشد؟

ج: هوالعالم، چنانچه به این صورت معامله کند که تلفن را خدش بخرد، بعد به این نحو بفروشد به یک میلیون تومان که یکصد هزار تومان نقد و نهصد هزار تومان نسیه باشد که هر ماه مبغلی معینی بپردازد، صحیح است.

س۲۳۶: اگر شخصی متاعی را که قیمت آن یک میلیون تومان است به فردی به این صورت بفروشد که مبغل پانصد هزار تومان از قیمت آن را نقد بگیرد و پس از اضافه نمودن درصدی به مبلغ باقیمانده قیمت، آن را در چ ند فقره چک مدت دار بیگرد، آیا معامله به این صورت صحی است یا خیر؟ و اگر معامله صحی نباشد راه صحیح شرعی چه می باشد؟

ج: هوالعالم، بلی صحیح است به اینگونه که ثمن را مجموع یک ملیون وزیادی قرار دهد.

س۲۳۷: عده ای چند قطعه زمین با رنج و سختی خریده اند و بهای آن

را پرداخته و به عنوان تصرف حدود آن را با علامت معین کرده اند اما حصاری دو زمین نکشیده اند، اکنون فروشنده فوت نموده و ورثه اش از تحویل زمین امتناع می کنند در این خصوص تکلیف شرعی چیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه ورثه قبول دارند که بهای زمین کاملا پرداخت شده موظفند زمین را تحویل دهند. و اگر قبول ندارند قضیه متوقف است بر حضور طرفین در مجلس و بعد از آن حکم شود.

س۲۳۸: شخصی قطعه زمینی را به اینجانب... طبق قول نامه کتبی واگذار نموده بعد از گذشتن حدود پنج سال ادعا می کند که من اشتباه کرده زمین خودم را به من برگدان، در حال یکه پنج سال پیش جزء طرح بوده و الان طرح عوض شده. حال بفرمایید اینجانب که نسبت به زمین از مالك اصلی مدرك مالکیت گرفته و برای زمین مبلغ زیادی خرج کردم و از شهرداری در حال پروانه گرتفن هستم آیا مالك واگذار کننده حق گرفتن زمین رادارد یا خیر؟آیا اینجانب در زمین تصرف کنم یا خلع ید کنم؟

ج: هوالعالم، با این خصوصیات که نوشته اید خلع ید شما مشروع نیست و زمین مال شما است.

س۲۳۹: دو حق امتیاز تلفن همراه (موبایل۹ توسز زید و عمرو خریداری می شود و دو فیش جداگانه به نام های هر یک به آنها تحویل می گردد ولی یکی به تاریخ تحویل نزدیک و دیگری تحویل چند ماه بعد. سپس زید فیش تلفن خود را نزد عمرو به امانت می گذارد، پس از مدتی عمرو به او خبر می دهد که آن فیشی که تاریخ دیرتری دارد به نام تو می باشد. سپس

زید با توجه به این اخبار فیش مذکور را می فروشد. لکن بعد از مدتی عمرو دوباره خبر میدهد که اشتباه شده و آن فیشی که تاریخش نزدیکتر است به نام تو بوده است، لطفا با توجه به فرض مذکور بفرمایید: اولا: آیا حق زید نسبت به فیشی که به نام خودش بوده محفوظ است؟ ثانیا: تکلیف معامله ای که صورت گرفته چیست؟

ج: هوالعالم، بلی، حق زید به فیض تلفن که به نام او است محفوظ است. معامله واقع شده، نسبت به او مسلما ملزم نیست، می تواند فسخ کند و می تواند اجازه دهد و می تواند اجازه را مجانا بدهد و می تواند مقدار تفاوت را بگیرد.

معاملات جدید و پورسانت

س۲۴۰: اخیر عده ای از مردم پول گرتفه و به آنها می گویند بعد از چهل روز یا پول شما را به اضافه حدود چهل درصد به شما برمی گردانیم و یا وسیله ای را به شما تحویل خواهیم داد. مثلاـ چهار میلیون و پانصد هزار تومان می گیرند و بعد از گشذت مدت ذکر شده یا شش میلیون تومان و یا یک دستگاه ماشین پیکان تحویل میدهند. ضمنا به آنها می گویند ما هیچ تعهدی نسبت به بازگشتن پول شما و یا تحویل وسیله مورد نظر نداریم و فرض کنید پولتان را در رودخانه انداخته اید. آیا چنین معاملاتی شرعا جایز می باشد.

ج: هوالعالم، این معامله بیع نیست، و قرض هم نیست، به نظر من اباحه به عوض است و آن معامله مستقلی است. ادله شرعیه از قبیل اوفوا بالعقود دلالت می کند بر امضاء ان، و سیره متشرعه بر آن است ولکن در مورد

غرر است و چون دلیل مسلم عدم امضاء معامله غرریـد، «نهی النبی (ص) عن بیع الغر» است لذا مورد را نمی گیرد. بنابراین به نظر من این معامله صحیح است.

س۲۴۱: شرکت هایی در اهواز وجوددارد که فعالیت های فروش کالا می باشد به نحوی که کالاهای فروشی خود را نازلتر از قیمت بازار، ولی مدت دار به خریداران عرضه می نماید مثلا قیمت کالایی که در بازار یکصد و پنجاه هزار تومان می باشد را به قیمت صد هزار تومان بعد از مدت پانزده روز به مشتری واگدار میک ند و یا اینکه شرکت مشترک مشتری را مخیر می کند بین اینکه کالا را با قیمت آن را که یکصد و پنجاه هزار تومان باشد به مشتری تتحویل دهد آیا چنین معامله ای صحیح است؟ و آیا جهل به اینکه شرکت با یان مبلغ های دریافتی چکار می کند که این قدر سود داشته باشد به صحت معامله ضرر می رساند یا خیر؟

ج: هوالعالم، به این گونه که نوشته شده معامله صحیح است و هیچ اشکالی ندارد. و جهل به اینکه شرکت در این معامله چه نظری دارد، هیچ ضرری به معامله نمی رساند.

س۲۴۲: اخرا شرکتی در ایران تاسیس شده که نحوه فعالیت آن به این صورت است که صنایع دستی ایران و یکسری از لوازمات منزل را به صورت بازاریابی اینترنتی به فروش می رساند و کسی که به این سایت اینترنت مراجعه می کند و خواهان خرید می شو نجاه و پنج هزار تومان پرداخت می کند که بیست و پنج هزار تومان آن برای خرید مشخص پس انداز می شود و سی

هزار تومـان این پول به حساب شـرکت ریخته می شود. سـپس به ازای افرادی که به این شـرکت معرفی می کنـد برای خریـد، پورسـانت میـگ یرد بـه طـوری که برای معرفی دو نفر اول، بیست هزار تومـان، بعـد از آن به ازای معرفی هر شـش نفر به مبلغ بیست و هفت هزار و پانصد تومان پورسانت می گیرد که بعضی از این پورسانت ها پس انداز می شود که با آن مبغل بیست و پنـج هزار اولیه برای خرید از شـرکت در نظر گرفته می شود که شـخص می تواند با نظر و میل خود جنسـی را خریداری کند. حـال بفرماییـد پورسـانت هـایی که شـرکت پرداخت می کنـد چه حکمی دارد؟ و آیا سـی هزار تومانی که به حساب شـرکت وارزی می شود و سرمایه گذاری می شود حلال می باشد؟ و اگر غیر از این است پس تکلیف پول هایی که به حساب شرکت ریخته ایم و عضو شده ایم چه می شود؟

ج: هوالعالم، به این گونه که نوشـته اید به نظر من هم معاملات انجام شده اشـکال ندارد و پورسانت ها هم حلال است از باب شرط ضمن عقد یا جعاله.

س**۲۴۳**: شرکتی است به نام «کیش وست ویژن انترنشنال» که اصلی ترین اهداف شرکت عبارتند از :

کم کردن فشـار از روی دولت در جهت ایجـاد اشـتغال، کمـک به دولت محرتم در جهت جلـوگیری از خروج بی ضـابطه ارز توسط شـکرهای هرمی شـکل خارجی، کمک به اقتصاد ملی از طریق ایجاد نمایندگی در کشورهای همسایه. ورود ارز،ایحای صنایع دستی.حمایت از صنعتگران و تولدی کنندگان کشور و ایجاد توازن در قیمت کالاهای مورد نیاز....

این شرکت

دارای مجوز رسمی و ثبتی برای فروش کالاهای بازگرانی. اتغال زائی از طریق بازاریابی و مشارکت عمومی و مردمی می باشد که عضو شدن افرادر آن به این گونه است :

هر فرد با پرداخت پنجاه و پنج هزار تومان به جهت مشارکت در طرح. به عنوان بازاریاب، نامش در ردیف اول فرم های قرارداد مشارکت ثبت می گردد و با این مبلغ امتیاز خرید سهم و نیز یک کارت تسهیلات برای خرید کالاهای ضروری از فروشگاه های طرف قرارداد شرکت به وی واگذار می شود، و علاوه بر خرید سهم و دریافت کارت تسهیلات، فرد می تواند با جذب و بازاریابی مردمی مباغلی را به عنوان حق الزحمه در حساب شخصی اش دریافت نماید. قلت و کثرت مبلغ دریافتی و زمان آن به صرعت و اندازه فعالیت شخص بستگی دارد و هیچ کس بدون فعالیت مشارکت در طرح نمی تواند از حق الزحمه بهره مند شود.

شرکت به جهت فعالتی مستمر افراد و نیز به جهت ایجاد انگیزه مثبت و حمایت از اقشار کم در آمد. کالاهای مورد نیاز افراد را با تخفیف ۱۵ الی ۲۰ درصد متناسب با قیمت روز بازار به کسانی که صاحب امتیاز و مشترک این شرکت می باشند در فروشگاه های طرف قرار داد شرکت در معرض فروش قرار میدهند.

حال از محضر مبارک سوال می شود آیا خرید کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم از طریق بازاریابی و مشارکت مردمی و نیز دریافت حق الزحمه که شرکت برای افراد در نشر گرفته، از نظر شرعی صحیح می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، آنچه در فوق نوشته اید دخیل در جواز نیست، آنها

مربوط است به راعی و ربطی به معامله ندارد. ولی آنچه سوال شده است چون معامله است مشروط به شرط ضمن معامله جایز است به مقتضای ادله شرعیه.

خلاصه: این گونه که نوشته اید اشکال شرعی ندارد.

س۲۴۴: آیا همکاری و معامله با شرکت هایی از قبیل، گلدکوئیست و گلدمان و نظایر آنها که به طریق بازاریابی باعث سودهای کلان می شوند را جایز می دانید؟ با توجه به دو نکته که: اولا: سران آن شرکت ها یهودی باشند. و دوما: معامله مزبور اینترنتی است.

ج: هوالعالم، معامله با شرکت های ذکر شده فی نفسها هیچ اشکال ندارد. سود کلان بردن از موانع صحت معالمه نیست و سران آن شرکت ها اگر صهیونیست باشند که در حال حربند با مسلمانان تجایز نیست ولی مسلمان آنها نیستند. و یهودی بودن موجب اشکال نیست.

خلاصه: به نظر من هیچ اسکال ندارد.

و دولت هم اگر قانونا منع کرده است به عنوان خلاف شرع بودن، بنابراین چون خلاف شرع نیست قانونا هم بی اشکال است.

صلح

س۲۴۵: شوهرم در زمان حیات و تحتعنوان صلح، ملکی را به فرزندان ذکور خود مصالحه و ضمن عقد شرط نموده است.

الف) منافع مورد مصالحه تا زمان حیات شخص مصالح. متعلق به خودش بوده و حق استیفاء رایگان منافع و یا واگذاری کان به غیر به هر مدت و مبلغ و شرط، به نفع خو را دارا باشد.

ب) شخص مصالح مادامالحیات، حق فسخ صلح ناه را با رد مال الصحل به صورت یک جانبه دارا باشد.

حال با توجه به مطالب فوق، لطفا جواب سوالات را مرقوم فرمایید:

۱ در صورتی که به قراین و امارات ثابت

باشـد که متعاملین قصـد صـلح نداشـته و مقصود واقعی و پنهانی انان و وصـیت به ثلث بوده است، چنین معامله ای صـحیح می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، در معاملات میزان مقاصد صـلیه نیست بلکه میزان آن است که انشاء می شود. در فرض سوال، انشاء صـلح نموده بنابراین صلح واقع شده است.

س۲۴۶:در فرض صلح تلقی کردن عقـد اعم از اینکه مبتنی بر تسامـح باشـد یا نه آیا عـدم تعیین مـدت در اشتراط خیار. مخل صحت عقد می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، مخل نیست چون اشتراط امر مجهول، خصوص مادام الحیاه صحیح است

س۲۴۷: آیا سـلب مالکیت منافع برای مـدت موهوم به ترتیب فوق، موجب جهل طرین به عوضـین. و در نتیجه غرری بودن آن بوده یا خیر؟ معامله صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعـالم، در عقـد مصالحه جهل به این گونه موجب بطلان نیست. خلاصه مصالحه مـذکوره با همه خصوصـیاتش صـحیح است باید عمل شود.

مضاربه

س۲۴۸: اگر دو نفر بـا شـغل متفاوت مثلا یکی کشاورز و دیگر کاسب مبلغ معینی را مثلا دو میلیون تومان به صورت اشتراکی کنار بگذارنـد و قرارشان بر این باشـد که هر یک در مـدت معینی با آن مبلغ دو میلیون تومان کار کنـد و در آخر مدت معین، مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان برگرداند بفرمایید معامله مذکور از نظر شرعی چه صورت دارد.

ج: هوالعالم، در حقیقت معامله مضاربه اشتراکی است، و اشکال ندارد با رعایت شرایط مضاربه

س۲۴۹: شخصـی مبلغی پول به عنوان مضاربه در بانک گذاشـته بـدین جهت که گفته می شود در بانک مضاربه انواع تجارت بساز و بفروش، دامداری، راهسازی صورت

می گرد و بانک هیچ موقع ضرر نمی کند اگر در معامله ای ضرر کند، در معامله دیگر سود می کند و جبران می شود.

حال بفرمایید شخصی که در بانک این پو را گذاشته اگر قصدش این باشد که از پولش ربح بگیرد و ضرر قبولنکند آیا این مضاربه جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، اگر در ضمن مضاربه شرط کند، که اگر ضرری متوجه شود خود بانک تقبل کند، اشکال ندارد و مضاربه صحیح است، البته باید رعایت بقیه شرایط مضاربه بشود.

س۲۵۰: اینجانب مبلغی را به شخصی سپرده ام به این عنوان که با آن کار کند و شرط گردید که هر ماه ۵/۲ درصد ربح به کل مبلغ اضافه نماید مثلا اگر اصل مبغ صد هزار تومان باشد پس ربح ماه اول دو هزار و پانصد تومان می شود که باید اضافه بر مبلغفوق نماید و در ماه دوم کل مبغ صد و دو هزار و پانصد تومان می شود که ربح آن باید محاسبه شود و همینطور در مبلغ ماه های بعد حال بفرمایید:

آیا چنین قرارداد و شرطی صحیح می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، پولی که سپرده اید برای کار کردن، اگر به عنوان قرض است پس با شرط مزبور ربا است و حرام.

اگر به عنوان مضاربه است واجد شرط نیست چون شرط مضاربه آن است که ربحی که به صاحب پول داده می شود کسر مشاع باشد. راه تصیح این معامله این است که: در معامله شرط ربح به نحو کسر مشاع بنمایند و بعد از تمام شدن معامله، طرفین با یکدیگر مصالحه نمایند که آن کسر مشاع مصالحه

شود به مبلغ معین. و در ضـمن شـرط شود که اگر در معامله مضـرر شود. به صاحب مال ربطی نداشته باشد بلکه کسی که مال به او داده شده است تدارک ضرر بنماید.

هبه

س۲۵۱: اگر کسی به زن خود چیزی هبه کند مشروط به اینکه رجوع نکند و از او پس نگیرد آیا بعدا می تواند شرط را نادیده بگیرد و رجوع کند؟

ج: هوالعالم، تکلیفا نمی تواند

رهن واجاره

س۲۵۲: در ورد اجاره خانه ای که بین موجر و مستاجر توافق می گردد به مبلغ دو میلیون تومان رهن و ماهیانه مبلغ پانزده هزار تومـان اجـاره و طرفین ااره قولناه را در بنگاه امضاء می نماینـد و به دلیل نیاز منزل به تعمیرات و موجود نبودن پول کامل رهن، فـق بـه مبلغ دویست هزار تومـان به مـوجر پرداخت می گردد و البـاقی مبلـغ رهن و کلیـد منزل بین طرفین قبض و اقبـاض نمی گردد. سـپس به دلی شـرط و شـروط مسـتاجر و شـرایط خاص موجر، آندو راضی می شوند از خیر این اجاره بگذرند و آن را بهم می زننـد، حـال بفرماییـد در این فرض حق العملی که بنگاه معاملات دریافت نموده آیا بایـد مسترد نمایـد یا خیر؟ چنانچه مسـتمک بنگاه در اخـذ حق العمل این بنـد از قرارداد باشـد که فسـخ و اقاله تاثیری در میزان حق العمل نخواهد داشت چه می فرمایید؟

ج: هوالعالم، با خصوصـیاتی که نوشـته اید حق العمل بنگاه باید داده شود به همان گونه که مرسوم است و قید می شود که هر دو طرف معامله یا یک کدام هر نحو که در قرارداد ذکر می شود.

س۲۵۳: شخصـی کهب رای تعمیر چـاه حسـینیه ای اجیر گردیـده و در حـالی که کـار می کرده به درون چاه افتاده و مصـدوم شده، بفرمایید که در این خصوص چه کسی مسئول است؟ هیئت امناء حسینیه، یا اجیر کننده

یا شخص اجیر؟

ج: هوالعالم، به این نحو که سوال شده است هیئت امنا و اجیره کننده مسئولیت ندارند.

س۲۵۴: اجرت گرفتن طبیب از برای معالجه مریض چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، جایز است.

س۲۵۵: شخصی قطعه ای زمین به کسی اجاره داده و در قراردادنامه قید نموده که مستاجر فقط بار گندم بکارد. اما مستاجر از مفاد قرارداد تجاوز کرده، پس زمین را دانه روغن بهاری کاشته که مجددا جای آن گندم بکارد.

اینک مرقوم فرمایید آیا مستاجر حق کاشتن گندم را دارد یا خیر؟

و آیا با کاشتن دانه روغنی به اجره المثل ضامن است یا خیر؟

ج: هوالعالم، مستاجر حق کاشتن دانه گندم مرتبه دوم را ندارد. و کاشتن دانه روغنی که ربطی به مورد اجاره ندارد جایز نبوده و باید اجره المثل بدهد.

قرض

س۲۵۶: چنانچه شخص طلبکار مدیون را به چیزی متهم کند آیا مدیون می تواند برای رفع تهمت از مالی که قرض گرفته کم کند؟

ج: هوالعالم، خیر، نمی تواند.

س۲۵۷: چنانچه قرض گیرنده ای اعلان کند که: «هر کس فلان مبلغ به من قرض بدهد در قبال اینقدر مثلا ده درصد یا بیست درصد به او سود داده می شود». حال بفرمایید:

اولا: با توجه به اینکه ربا از ناحیه شرط و شروط پیدا می شود آیا قرض دادن به آن طرف بدون اینکه خود قرض دهنده شرط سود کند جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، جایز نیست. بلی ربا از ناحیه شروط است ولکن فرقی بین ذکر شرط به خصوص و عام و شرط ضمنی نیست.

س۲۵۸: آیا فرقی در این حکم بین بانک حکومتی و بانک اهلی است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، فرقی بین بانک حکومتی

و اهلی نیست.

س۲۵۹: برای حلال شدن سود از آن قرض گیرنده راه حل شرعی چیست؟

ج: هوالعالم، راه حل آن است که به عنوان اباحه به عوض بدهد.

س۲۶۰: آیا می توان از بدهکاری که حق را نمی پردازد از راه دروغ یا حیله از او گرفت و یا تقاص کرد؟

ج: هوالعالم، از راه دروغ و حیله، خیر. ولی تقاص جایز است.

بانک و قرض الحسنه

س۲۶۱:با توجه به بعضی از کارهای بانک، بفرمایید حقوقی که کارمندان بانک از بانک می گیرند چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، حلال است.

س۲۶۲: بانک هایی که وام ازداج می دهند مبلغی در حدود بیست هزار تومان را به عنوان حق الزحمه، برای خودشان بر می دارند، آیا این مبلغ بیست هزار تومان در صورتی که ما راضی نباشیم، برای آنهاچگونه است؟ حلال است یا حرام، و در صورتی که راضی باشیم چگونه است؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد و جایز است، خصوصا در صورت رضایت دهنده پول که هیچ اشکال ندارد.

س۲۶۳: بعضی از موسسه ها و باک ها برایت اخیر در پرداخت قسط وام جریمه یا دیرکرد می گیرند. این جریمه یا دیرکرد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه قرض است اشکال دارد، و اگر به عنوان مضاربه پول بگیرند اشکال ندارد.

س۲۶۴:پول هایی که به عنوان قرض الحسنه در بانک گذاشته می شود و به آن جایزه تعلق می گیرد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حلال است.

س۲۶۵: پول هایی که به عنوان سپرده در بانک گذاشته می شود و به آن سود تعلق می گیرد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حلال است.

س۲۶۶: نزد مردم خصوصا خانم ها متداول شده است که چند نفری پول جمع می کنند و در آخر هر

هفته یا هر ماه قرعه کشی می کنند و قرعه به نام هر که افتاد پول جمع آوری شده به او داده می شود، و سپس آن فرد از قرعه کشی بعدی کنار گذاشته می شود. حال سوال این است:

اولا: آیا چنین کاری شرعا جایز است یا نه؟

ثانیا: در صورت جواز، اگر معلوم شود که بعضی از خانم ها پولی که در این صندوق ها می گذارند بدون اجازه از شوهرشان است و یا چه بسا از بعضی پول های حرام مخلوط شود. بفرمایید که چه حکمی پیدا می کند؟

ج: هوالعالم، چنانچه شرط پول گذاشتن در آن حل، قرعه کشی باشد و به حسب قرارداد لازم باشد عمل به قرعه کشی، این عمل قمار است و حرام، و پول جمع شده را به هر کس بدهند برایش جایز نیست تصرف در آن. مگر آنکه تمام کسانی که پول داده اد بگویند ولو ملزم نیستیم پول بدهیم لکن با رضایت خاطر و با علم به عدم استحقاق راضی هستیم تصرف شما را مجانا، پس در این صورت تصرف جایز است. در صورت جواز و اگر پول حرام هم مخلوط باشد چنانچه صاحبش علوم نباشد با اجازه حاکم شرع بعد از ادای خمس تصرف کنند. و چنانچه صاحبش معلوم باشد به هیچ نحو تصرف جایز نیست.

س۲۶۷: در منطقه ما صندوقی افتتاح شده به نام «بانک بلاد» که تصمیم دارد با مشارکت مردم و مجموعه ای از سهام کار کند و به مردم فرصت داده است که در آن مشارکت کنند و سهام بخرند و به نحوی مقرر کرده است که به مرور زمان قیمت سهام بالا رود

و برای خریدار سود کند حال بفرمایید:

اولا ک آیا جایز است خریدن سهام و مشارکت مردم در تاسیس آن با التزام به اینکه بتوانند این سهام را بعد از سود کردن بفروشند؟

ثانیا: آیا جایز است مشارکت و خرید سهام و سپس فروش آنها در صورتی که صندوق شروع به کار معاملات کرده و ما علم نداشته باشیم به عدم مشروعیت بعضی از معاملاتش، و در صورتی که علم پیدا کنیم بهعدم مشروعیت بعضی از معاملات؟

ج: هوالعالم، مشارکت و سهام گذاری در اسیس بالتزام به فروش آن در زمان سود جایز است و اشکالی ندارد.

اما در صورت علم نداشتن به مشروعیت معاملات بانک، باز هم مشارکت این است چون مقتضای اصاله الصحه نباء گذاشتن بر صحت آن معاملات است. مگر در صورت علم به عدم مشروعیت بعضی معامله، که باید از اخذ سود همان معامله خاص امتناع شود.

س۲۶۸: کسی که برای حل مششکلش از بانک وام بر میدارد و بانک هم روز آن وام سود می کشد آیا برداشتن آن وام جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، وام با سود جایز نیست ولی چنانچه به عنوان مضاربه باشد اشکال ندارد.

س۲۶۹: شخصی پولی به بانک سپرده، و هر ماه که پولی از بانک می گیرد قبل از تصرف، یک پنجم آن پول را بابت خمس سهم امام (ع) و سهم سادات می دهد آیا می توان در بقیه پول تصرف کند؟

ج: هوالعالم، بلی می تواند.

س۲۷۰: شخصی که به عنوان مضاربه، در بانک های تارتی سپرده گذاری می کند، و نمی داند که مسؤولین بانک به طریق شرعی عمل می کنند یا نه؟ حال سودی که سپرده

گذاری می گیرد آیا حلال است وتصرف در آن جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، همان که احتمال بدهد که به طریق شرعی عمل می کنند حلال است و تصرف در آن بی اشکال است.

س۲۷۱: کسی که پولی در بانك سپرده به قصد سود گرفتن، در سر ماه که سود از بانک می گیرد اگر قبل از تصرف آن را تخمیس نماید و خمس آن را به مستحقین برساند آیا بقیه پول حلال است یانه؟

ج: هوالعالم، سود گرفتن از بانک در صورتی خمس آن واجب است که زاید بر مؤنه سال باشد. و به هر حال سود حلال است.

ربا

س۲۷۲: فروختن چك نقد به چك مدت دار مثلا چك یکصد هزار تومانی نقد به چك یکصد و بیست هزار تومانی یک ماهه چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، به نظر من اشکال دارد.

س۲۷۳: معامله ای به صورت نقد واقع شده، لکن خریدار موقع تحویل ثمن، می خواهد چك مدت دار سه ماهه بدهد و فروشنده نمی پدیرد و می گوید معامله نقد بوده نه نسیه، حال اگر خریدار با رضایت خویش ماوالتفاوت، ثمن نقد و نسیه را به فروشنده بدهد و او را راضی کند، آیا برای فروشنده گرفتن پول مذکور حلال است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی حلال است.

س۲۷۴: با توجه با احکامی که در مسئله خرید و فروش دو چیزی که همجنس و مکیل و موزون هستند اما در مزایای ذاتی مختلف می باشند، بیان گشته و آن احکام عبارتند از:

الف) جواز فروش به همزون خود

ب) جواز فروش آن به دو معامله مستقل

ج) عدم جواز آن به بیشتر از هموزن خود

حال چند پرسش مطرح می

گردد:

۱ آیا جنس برتر مستلزم ربانی ذاتی – هر چند حکمی نیست؟

ج: هوالعالم، ربای محرم ربای عینی است. اما حکمی به نظر ما حرام نیست

س۲۷۵:اگر در ذات مستلزم ربا باشد. آیا با ادله حرمت ربا تعارض ندارد؟ آیا از نظر عقلا صدق ربا نمی کند؟

ج: هوالعالم، تعارض ندارد چون حرمت ربا مختص به عینی اس. و نظر ع...Ɐمیزان نیست.

س۲۷۶: آیا مصلحت و مفسده فردی و اجتماعی در این فرض با فرض فروختن به بیشتر یا کمتر، فرقی دارند؟

ج: هوالعالم، ما موظف به عمل شرعی هستیم. ملاکات را میزان عمل نمی دانیم مگر آنکه خود شارع بیان کند.

س۲۷۷: آیا این مسئله با فروش به دو معامله جدا و مستقل، در مصلحت و مفسده با هم فرقی دارند؟

ج: هوالعالم، از جواب سوال قبلی فرق معلوم شد که ما موظف به عمل شرعی هستیم و ملاکات را میزان عمل نمی دانیم.

س۲۷۸: آیا جواز بیع در دو عقد مستقل، جعل حکم بر مجرد لفظ خالی از معنا نیست؟

ج: هوالعالم، بسیاری از احکام باالفاظ فرق می کند، مثلاـ مرد و زن رضایت کامل به همخوابی دارند اگر کلمه «انکحث و قبلث» گفته نشود به همدیگر حرامند و با گفتن آن کلمه، به همدیگر حلال می شوند.

س۲۷۹: آیا جعل احکام مختلف در مورد الفاظی که موجد مفهوم و معنای واحدی هستند، لغو و باطل و مخالف با حکمت نیست؟

ج: هوالعالم، خیر نیست.

س۲۸۰: آیا جواز فروش به هموزن خود مستلزم اضرار و ظلم به صاحب جنس برتر نیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه با رضایت باشد ظلم نیست.

س۲۸۱: آیا این گونه معاملات از نظر عرف و عقلا سفهی نیست؟

ج: هوالعالم، عقلائی است.

س۲۸۲: آیا چنین

حکمی مستلزم فساد اموال، که علت حرمت ربا در روایات قرار داده شده نیست؟

ج: هوالعالم،

س۲۸۳:آیا موجب تمرکز ثروت - که منهی قرآن است نیست؟

ج: هوالعالم، خیر نیست.

س۲۸۴: آیا مخالف با قرآن که ربا را به طور مطلق حرام و بیع را به طور مطلق در برابر آن حلال نموده نیست؟

ج: هوالعالم، با بیان معصومین (ع)، اشکالات مرتفع می شود.

س۲۸۵: آیا تعبد در این گونه موارد که عقل حکم استقلالی به نفی و یا تعارض آن با ادله قطعی دیگر می نماید، جایز است؟

ج: هوالعالم، چنانچه تعبدی که شارع می کند منافی با قرآن نیست. مبین قرآن است.

س۲۸۶: از آنجا که این پرسش ها در حقیقت مربوط به نحوه استنباط که در کتب فقهی ذکر شده نظیر اجماع، و بلا خلاف بین مسلمین یا شعیه، و اطلاق و عموم آیات و روایات. و قید زدن حلیت بیع به اینکه ربوی نباشد می باشد نمی تواند دلیل پرسش ها باشد زیرا معقول نیست چیزی دلیل خود باشد؟

ج: هوالعالم، چنانچه سوال از حکم شرعی باشد دلیل آن باید از طریق آیا و روایات بررسی شود نه از راه عقل «لان دین الله لایصاب بالعقول»، «السنه اذا قیست محق الدین».

ضمان

س۲۸۷: مستدعی است فتوای خود را در خصوص سوالات زیر بیان فرمایید: الف) والدین در مراقبت از کودک خود تقصیر و سهل انگاری می کنند و او موجب ورود خسارت به شخص ثالثی می شود، قرار ضمان بر چه کسی می باشد؟

ج: هوالعالم، در غیر باب دیات و فرض خسارت مالی، چنانچه صبی غیر ممیز باشد او ضامن نیست در صورتی که اتلاف

به او مستند نشود و او آلت باشد. و اما والدین اگر تسبیب در جنایت نموده باشند قهرا ضامن هستند و الا آنها هم ضامنی ندارند.

ب) در صورت مراجعه شخص ثالث به مال کودک یا والدین مقصر. آیا آنها حق مراجعه به هم را خواهند داشت؟

ج: هوالعالم،اگر جنایت منتسب به هیچ کدام نباشد که هیچ کدام حق مراجعه به دیگری را ندارند، و اگر به هر دو منتسب باشد پس سبب اقوی از مباشر است.

س۲۸۸: مربی یا مسول موسسه ای که از کودکان حفاظت و نگهداری می کند در صورت تصیر در نگهداری، آیا ضامن خسارت ناشی از فعل کودک می باشد؟

ج: هوالعالم، چنانچه تقصیر در نگهداری به نحو یاست که عرفا صدق تسبیب در جنایت می کند که او ضامن است و الا وهی بر ضامن نیست.

س۲۸۹: آیا فرقی بین صغیر ممیز و غیر ممیز در موضع ضمان فوق وجود دارد؟

ج: هوالعالم، فرق بین ممیز و غیر ممیز در صدق تسبیب و عدم آن، موثر است، ولی در ضمان مستقیما دخیل نیست.

س۲۹۰: امام راحل در رضوان الله تعالی علیه در مسئله ۵۴ کتاب الغصب تحریر الوسیله می فمرایند: «للضما سببان آخران: الا تلاف و التسبیب. و بعباره اخری سبب آخر و هو الا تلاف سواء کان بالمباشره او التسبیب».

مستفاد از ماده ۳۲۸ قانون مدنی این است که در ضمان حاصل از اتلاف، عمدی بودن یا غر عمدی بدن عمل مرتکب تفاوت ندارد، لکن از مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مزبور استظهار شده است که در تسبیب، شرط ضمان تعهد یا تقصیر مرتکب است. حال نظر مبارک را بیان فرمایید آیا از جهت اشتراط

عمد و علم و تقصیر بین احکام اتلاف و تسبیب تفاوت وجود دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، اسباب ضمان را می توان سه چیز بر شمرد ۱ تلف ۲ اتلاف ۳ تسبیب

سبب اولی عبارت است از استیلای بر مال غیر بدون اذن او. و دلیل آن هم حدیث «علی الیه ما اخذت حتی تؤدی» است

و اما سبب دوم که اتلاف باشد برای آن دلیل زیادی ذکر کرده اند و از نظر ما همه اش خالی از اشکال نیست، لکن عمده دلیل آن روایات خاصه است که در ابواب مختلف فقه مانند عقود اتیمانیه مثل وکالت، مضاربه، رهن و غیره که در همه اینها حکم به ضمان شده در صورت تعدی و تفریط، و مانند آنچه که حدیث «القصار یخرق الثوب» دلالت می کند بر ضمان قصار به جهت «ما جنت به یده»، و موید است این سبب دوم به اموری که ایه کریمه «من اعتدی علکیم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» و حدیث «علی الید ما اخذت» و روایت «حرمه مال المسلم کحرمه دمه» و روایت «المغصوب مردود» و بسیاری از روایات دیگر، باشد. و اتلاف مباشری عبارت است از فانی کردن خود اسنان مال غیر را بدون واسطه فاعل ارادی یا غیر ارادی دیگر.

و اما سبب سوم که تسبیب باشد که آن را یک قسم از اتلاف شمره اند عبارت است از هر فعلی که سبب وقوع تلف گردد ولی علت قامه تلف نیست و یا جزء اخیر از علت قامه است، و لهذا تعریف نموده اند سبب را به اینکه «انه مالا یلزم من وجوده الوجود ولکن یلزم من عدمه

العدم» و ظاهر اجماع است بر اینکه آن هم موجب ضمان است فی الجمله.

و ما موارد ضمان را در جلد ۲۶ المصادق ص ۳۱۶ مفصلا نوشته ایم مراجعه شود.

س۲۹۱: ماده ۳۲۸ قانون مدنی به تبعیت از نظر مشهور فقهاء مقرر می دارد: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد...»

و با توجه به مبانی فقهی این قاعده در تحقق ضمان با اتلاف. فرقی بین عمد و غیر عمد، داشتن تقصیر و عدم آن، و حتی علم و جهل عامل ورود ضرر. قائل نشده اند. و در هر حال عامل ضرر را ضامن دانسته اند، از طرفی فقهاء اتلاف را به اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب تقسیم کرده و برخی تسبیب را به عنوان قاعده مستقلی مطرح نموده اند. در قانون مدنی نیز بحث تسبیب ذیل بحث اتلاف مطرح شده لکن از مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ استظهار شده است که ضمان عامل ضرر در صورت تسبیب منوط به اقدام عمدی یا بی احتیاطی و تقصیر وی می باشد. حال با توجه به این مقدمه استدعا می شود به سوالات زیر که در مسائل قضایی متعددی مبتلا به می باشد پاسخ داده شود:

۱ آیا تسبیب عامل مستقلی برای ضمان می باشد یا یکی از اقسام و فروع اتلاف تلقی می شود؟

ج: هوالعالم، بلی سبب مستقلی است.

س۲۹۲: آیا بین احکام تسبیب و اتلاف تفاوت وجود دارد؟ «بخصوص از جهت اشتراط عمد و علم و تقصیر».

۳ بنابر فرض تفاوت بین حکم اتلاف و تسبیب از نظر

حکم، ضابطه دقیق در تفکیک آن دو چیست؟ زیرا فقها در مواردی اتلاف را به اقدام بالمباشره مرتکب در از بین بردن مال معنا کرده اند لکن ایجاد علت تلف مثل روشن کردن اتش روزدن تیر و امثال آن را نیز از مصادیق اتلاف دانسته اند. در صورتی که برخی موارد مشابه مثل کندن چاه در سر راه و امثال آن را تسبیب تلقی کرده اند؟

۴ در مواردی که فردی از طریق وسائل نقله یا ماشین آلات صنعتی اقدام نموده و با بی مبالاتی در اقدام موجب صدمه می شود مصداق اتلاف است یا تسبیب؟

ج: هوالعالم، جواب این سه سوال (۲و۳و۴) از آنچه در جواب سوال سابق نسبت به تعریف و ادله اسباب ضمان ذکر شد، به خصوص بعد از مراجعه به فقه الصادق» معلوم می شود.

س۲۹۳: جزء مسلمات فقه در خصوص و فتاوی این موضوع است که «خطا القاضی علی بیت المال». و اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهور اسلامی نیز بر این اساس مقرر داشته است که:

هرگاه دراثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود»

۱ آیا این کممنحصر به قاضی است یا شامل سایر کارگزاران حکومت نیز می شود، به عبارت دیگر ار یکی از مسولین حکومتی اعم از وزر یا استاندار یا کارمند مرتکب عملی خلاف قانون و غیره مجاز شد که از آن طریق آسیب و زیان به شخص یا اشخاص وارد شد

مسلما در فرض تعمد و تقصیر فرد عامل زیان وی، طبق عمومات تسبیب ضامن و مسوول پرداخت خسارت شناخته می شود.

لکن اگر کار او بدون عمد و تقصیر بود، تکلف خسارت وارده چه می شود؟ آیا خسارت بدون جبران باقی می ماند یا می شود به استناد به ادله «لا ضرر» یا «تسبیب» یا «تنقیح مناط» از قاعده «خطاء القاضی علی بیت المال» دولت و حکومت را مسئول پرداخت خسارت تلقی کرد؟

۲ در صورت مسول دانست دولت و بیت المال، لطفا مبنای آن را ذکر فرمایید؟ و در صورت عدم سئول دانست دولت، تکلیف جبران خسارت را مشخص فرمایید؟

ج: هوالعالم، در صورتی که بر خلاف قانون عمل کند قطعا خود او باید جبران کند. اما در صورتی که بر طبق قانون شرعی عمل کرده است و حکومت هم حکومت اسلامی است باید خسارت از بیت المال حساب شود. اما دلیل و مدرك: نه بواسطه «لاـ ضرر» چون این قاعده نافی حکم است نه مثبت آن، و نه به «تسبی» چون صدق تسبیب نمی کند، بلکه به واسطه همان دلیلی که دال است بر قاعده «خطا القاضی علی بیت المال» چون این قاعده تنها در اینمورد نیست مثلا در ازدحام جمعیت در نماز جمعه کسی تلف شود و یا ضرری بر او وارد شود همین حکم را دارد، و نیز در موارد دیگر. حال اسم این دلیل را «تنقیح مناط» بگذارید یا «عموم علت» و یا «استفاده حکم کلی از موارد خاصه».

س۲۹۴: آیا اجزاء مختلف حکومت، شخصیت حقوقی مستقل محسوب می شود یا کل حکومت و دولت یک شخصیت حقوقی است؟ مثلا اگر سازمان اب

در حفاری خیابان برای کار گذاشتن لوله به تاسیسات منصوبه از سی سازمان دیگری اسیب برساند و یا اگر شهرداری موقع تعریض یک خیابان، ملک مربوط به اداره دیگر را تصرف و تخریب نماید، آیا سازمان اقدام کننده ضامن و مسئول جبران خسارت در مقابل سازمان زیان دیده می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، چنانچه در ضرر و نفع مؤسسه و سازمان از اجزاء دولت. به دولت مراجعه می شود که ظاهر هم چنین است معلوم می شود شخصیت حقوقی مستقلی ندارد. و الله العالم.

س۲۹۵: اینجانب در سال ۸۲ از اداره ارشاد اسلامی شهرستان... در خصوص برپایی نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب در محلی... که مالکیت زمین آن با اداره ارشاد اسلامی بوده است دریافت نمودم.

بلافاصله با موافقت شهرداری اقدام به ساخت نمایشگاه در آن زمین، با هزینه شخصی نمودم. اما اکنون پس از دو سال فعالیت مطلوب و مورد تایید عموم، اداره ارشاد خواستار تخلیه و تخریب ملک شده است، در حالی که مجزو اینجانب دائمی بوده و قید مکان هم در مجوز مشخص شده و مالکیت بناء با اینجانب است.

حال بفرمایید: در صورت تخلیه و تخریب، خسارت و ضرر و زیانی اینجانب متوجه اداره ارشاد است یا خیر

ج: هوالعالم، به این گونه که نوشته اید تمام خسارات متوجه ارشاد است. و تا زمان تعیین تکلیف درآمد حاصله متعلق به شما است.

احکام خیارات

س۲۹۶: آیا غش در معامله، موجب خیار برای بایع یا مشتری می شود؟

ج: هوالعالم، غش در معامله حرام است و موجب بثوت خیار برای شخص مغشوش می شود، و در خصوص بیع مطلی بماء الذهب، موجب فساد معامله است.

س۲۹۷: اگر کسی جنسی را

برای تعمیر پیش تعمیرکار ببرد و تعمیر کار قیمت بیشتری از سایر تعمیرکاران طی کند آیا در صورت با خبر بودن صاحب جنس از نرخ دیگر تعمیر کاران، پول مذکور به تعمیر کار حلال است؟

ج: هوالعالم، چونخیار غبن را مختص به بیع نمی دانم چنانچه غبن صدق کند یعنی اختلاف معتنی به باشد می تواند فسخ اجاره کند. و اما اگر فسخ نکند زیادی حلال است.

س۲۹۸: در صورتی که تعمیرکار با صاحب جنس اجرت را به صورت نقدی طی کند لکن صاحب جنس هنگام تحویل گرفتن جنس، بگوید پول شما را بعد از پنج ماه می دهم آیا تعمیر کار برای تاخیر در پرداخت اجرت، می تواند زیادی بگیرد؟

ج: هوالعالم، می تواند معامله را فسخ کند از باب خیار تاخیر ثمن. و معامله دیگری به مقدار زاید بنماید و زیادی در این فرض خالی از اشکال است.

س۲۹۹: شخصی ملکی را با رعایت جمیع ارکان و شرایط صحت معامله، ابتیاع نموده است. فروشنده مدعی است چون خریدار ثمن معامله را تادیه ننموده پس معامله باطل و خریدار شرعا مالک بیع شناخته نمی شود. حال مورد سوال در فرضی است که اولا: عقد بیع با رعایت همه شروط معتبر در صحت عقد واقع شده، ثانیا: عقد به صورت مطلق و بدون قید و شرط (غیر خیاری) بوده، حال بفرمایید:

آیا فروشنده شرعا مجاز است با عذر به اینکه چون ثمن تادیه نشده، معامله فسخ و غیر لازم الوفاء است یا اینکه عقد و معامله محکوم به صحت و لزوم بوده و خریدار فقط ملزم به تادیه ثمن است؟

ج: هوالعالم، یکی از مواردی که فروشنده می

توانـد معـامله را بهم بزنـد و فسـخ نمایـد موردی است که خریـدار ثمن معـامله را تـادیه ننماییـد، بنابراین در فرض سوال چون خریـدار ثمن را نپرداخته فروشـنده می توانـد معامله را فسخ کند، بلی چنانچه در حین معامله شـرط سـقوط کافه خیارات بشود خیار نداارد. و اما اگر خریدار ادعا می کند که ثمن معامله را داده ام پس حکم تغییر می کند.

س۳۰۰: اینجانبه ساختمانی با وجوه شخصـی و وام اعطایی در شهرسـتان... جهت نگهـداری سالمندان تاسـیس نمودم و در طی قراردادی بـا اداره بهزیستی... منعقـد نموده که سالمنـدان معرفی شـده از بهزیستی و یـا خانواده ها را. با پرداخت شـهریه ماهانه نگهداری نمایم. اگر چنانچه شـهریه تا ۱۵ روز پرداخت نشود، اینجـانبه حق دارم به صورت یکطرفه قرار داد را فسـخ نمـایم. و حل انکه به مدت شش ماه و حتی یکسال است شهریه آنهاپرداخت نگردیده.

اینجـانبه از بـاب انسـان دوستی در دسـتگاه ساختمـان اجاره کرده و سالمنـدان را به آنجا منتقل نمودم، ولکن اداره بهزیستی به دلیل انیکه سالمندان را به انجا منتقل نمودم، بر علیه اینجانبه شکایت نموده و اینجانبه را در دادگاه به عنوان کلاهبردار محکوم نموده. اینجـانبه بـا اینکه مالـك بالانحصـار آن ساختمـان هسـتم و آنهـا که فقـط حق انتفـاع داشـتند طبق قرارداد.آیـا حق اداره بهزیستی شرعا ساقط می گردد یا نه؟

ج: هوالعـالم، به این گونه که نوشـته ایـد شـما خیـار تخلف شـرط داریـد و می توانیـد قرارداد را فسـخ کنیـد. بنـابراین شـما نه کلاهبردارید و نه ظالم به مستمندان و حق انتفاعی که داده بودید با فسخ معامله به خودتان منتقل می شود.

س۳۰۱: اینجانب آپارتمانی را از شخصی که سند

به نـام او بود خریـداری نمودم به مبلغ بیست میلیون تومـان، و قرار شـد پنجاه درصـد از مبلغ را در بنگاه پرداخت نمایم و پنجاه درصد دیگر را در محضـر موقع انتقال سند پرداخت نمایم و در موقع مقرر تمام مبلغ را در دو قسمت پرداخت نمودم و سند نیز به نام اینجانب انتقال یافت. و فروشـنده عنوان کرد چون آپارتمان در دست کسـی می باشد حدود شـش ماه دیگر آن را تخلیه می نمایـد و من هم قبول نمودم. لکن موقع تحویـل منزل بـا مـدارکی که داشـتم به نزد ایشان رفته و تقاضای تخلیه آپارتمان را نمودم. ایشان در جواب گفتند: من آپارتمان را به فروشـنده شـما به طور مدتی فروخته و در قرارداد شـرط کرده ام هر کدام از چک ها برگشت شود معامله فسـخ است و من در اینجا به طور رایگان می نشـینم. در صورتی که فروشـنده دوم (خریـدار اول) حدود دو ماه قبل از شـرط مذکور سند را به نام اینجانب انتقال داد و تمام ثمن را دریافت نموده در حالی که من هیچ عنوان از قرارداد و شرط این دو نفر خبر نداشتم. حال تقاضا می شود حکم شرعی را در خصوص سوالات ذیل بیان فرمایید:

۱ خیار جعل شده میان فروشنده و خریدار اول، خیار شرط است یا خیار تخلف از شرط؟

ج: هوالعالم، شرط مذکور از دو جهت باطل است:

الف) چون شرط فعل نیست شرط حکم است و آن هم مخالف شرع می باشد.

ب) مدت مجهول است.

س۳۰۲: با جعل خیار مذکور، حکم معامله دوم – که قبل از اعلان فسخ معامله اول صورت گرفته است – چه می باشد؟

ج:

هوالعالم، با بطلان شرط، دیگر وجهی بر بطلان بیع دوم نیست.

س۳۰۳: بر فرض اینکه عامله دوم صحیح باشد، فروشنده اول الباقی طلب خود را از خردیار خودش باید بگیرد یااز اینجانب که تمام ثمن معامله را به فروشنده خود پرداخت نموده ام؟

ج: هوالعالم، بر فرض صحت معامله دوم، فروشنده اول نمی تواند طلب خود را از خریدار دوم مطالبه کند.

س۳۰۴: آیا فروشنده اول بعد از معامله دم و انتقال سند به خریدار خود - می تواند از تخلیه و تحویل آپارتمان به خریدار دوم خودداری نماید یا خیر؟

ج: هوالعالم، فروشنده اول نمیت واند از تخلیه و تحویل ملک به خریدار دوم خودداری کند. اساسا این گونه که مسئله عنوان شده است همه حرف های زیادی همچون ادعایی است تا اثبات نشود مورد اعتنای شرع نیست. پس معامله صحیح بوده و آپارتمان مال خریدار دوم است.

س۳۰۵: اگر عیب حادث بعد از عقد بیع، قبل از رد بیع، زایل شودخیرا و ارش هم ساقط می شود؟

ج: هوالعالم، به نظر ما عب حادث بعد از عقد بیع موجب خیار نیست.

س۳۰۶: عیوبی که بعد از عقد بیع ظاهر می شود اگر معامل در حال عقد آنها را اسقاط کند اسقاط م«مالم یجب» است آیا اسقاط «مالم یجب» به دلیل «المؤمنون عند شروطهم» تصحیح می شود؟

ج: هوالعالم، اسقاط مالم یجب در صورتی که معلق بر ثبوت آن عیوب باشد مانعی ندارد، لذا شیخ انصاری (ره) استدلال فرموده بر صحت اسقاط در مورد سوال به عموم «المسلمون عند شروطهم».

س۳۰۷: در صورتی که مشتری بیع معیوب را به دیگری هبه کند آیا خیار عیب او ساقط می شود یا نه؟

ج: هوالعالم،

اگر هبه لازم باشد خیار ساقط می شود در صورتی که هبه بعد از علم به عیب باشد. و به هر تقدیر ارش ساقط نمی شود. و اگر هبه جایز باشد و شخص موهوب له، تصرف متلف عین نکرده باشد، خیار ساقط نمی شود.

س۳۰۸: شخصی ملک خود را به بیع مؤجل فروخته و متعاملین ضمن عقد شرط نموده اند چنانچه هر یک از اقساط در سر رسید پرداخت نشود، فروشنده حق فسخ داشتهباشد، سپس خریدار، مذکور را به شخص دیگر فروخته و تمام ثمن معامله را دریافت نموده است. پس از وقوع معامله دوم، فروشنده اولی به علت پرداخت نشان اقساط ثمن معامله که سر رسید آن بعد از وقوع معامله دوم بوده است از حق فسخ خود استفاده نموده است. حال تقاضا می شود نظر فقهی را در خصوص پرسش های زیر مرقوم فرمایید:

اولا: خیار جعل شده میان فروشنده و خریدار اول خیار شرط می باشد یا خیار تخلف از شرط؟

ج: هوالعالم، به هر تقدیر خیار فسخ ثابتاست و بایع می تواند فسخ کند

س۳۰۹:ثانیا: با جعل خیار و مذکور، حکم معامله دوم که قبل از اعلان فسخ معامله اول صورت گرفته است چه می باشد؟

ج: هوالعالم، بعد از فسخ چنانچه بایع اول آن معامله را امضاء کند صحیه است و الا باطل است.

و در فرض صحیت ثمن مال بایع اول می شود چون اگر صحیح باشد معنایش این است که بعد از فسخ، معامله دومی بقاء فضولی است.

س۳۱۰: ثالثا: در فرضی که معامله دوم صحیح باشد نحوه جبران خسارت فروشنده اول چه می باشد؟

ج: هوالعالم، لازمه صحت آن این است که مشتری اول باید

فقط همان قسط معامله اول را بپردازد.

س۳۱۱: اگر پاسخ سوال «ثالثا» بدل بیع باشد قیمت چه روزی باید بدهد؟ قیمت روز فسخ یا روز اداء یا غیر آن؟

ج: هوالعالم، در صورت استحقاق بدل بیع، قیمت یوم اداء را باید بپردازد.

س۳۱۲: در مورد خیار غبن و خیار عیب چنانچه بعد از اطلاع مخبون از غبن و بعد از اطلاع مشتری از عیب، قیمت بیع بالا رفته و تدارک ضرر نماید آیا خیار مخبون و مشتری ساقط می شود یا خیر؟

ج: هوالعالم، در مورد خیار غبن خیار ساقط می شود. و اما در خیار عیب خیر ساقط نمی شود.

س۳۱۳: هر گاه بایع بعد از وقوع معامله مفلس شود و ثابت شود که در آن معامله مخبون واقع شده آیا می تواند با اعمال خیار غبن، بیع را به ملک خود برگداند؟

ج: هوالعالم، اجازه بیع خیاری و فسخ آن چون تصرفی است که اثر بر سابق بر حجر است در اختیار است می تواند معامله غبنی رافسخ کند و بیع را به ملک خود برگرداند.

احکام ازدواج

احکام عقد

س۳۱۴: اگر زن و مرد شخصی را وکیل کنند برای خواندن صیغه عقد ازدواج، لکن وکیل فراموش کند که آیا عقد دائم بخواند یا عقد منقطع. در حالی که دسترسی به موکل هم ندارد وظیفه اش چیست؟

ج: هوالعالم، احتیاط دو عقد اجرا کند، یکی را دائم و دیگری منقطع به آن مدتی که موکل تعیین نموده است در صورت وکالت در ارای صیغه انقطاعی.

س۳۱۵: آیا خواندن صیغه عقد دایم با عبارت «متعت» به نظر مبارک شما صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خلاف احتیاط است.

س۳۱۶: مرد و زنی که هر دو قصد

ازدواج داشته اند بدون جاری کردن صیغه عقد عربی، و بدون جاری کردن ترجمه فارسی آن تنها با قصد واقع شدن ازدواج، نوشته ای رد و بدل کرده اند و مواقعه صورت گرفته است، حکم را بیان فرمایید؟

ج: هوالعالم، ازدواجی که انشاء با ایجاب و قبول نباشد، صحیح نیست.

شرایط عقد

س۳۱۷: دختری که باکره، بالغه، عاقله رشیده است و حدود سی سال از سن او می گذرد و نیاز به ازدواج دارد آیا می تواند بدون اذن پدر با... با مردی که مؤمن و متدین است ازدواج موقت دراز مدت نماید؟

ج: هوالعالم، من نسبت به ازدواج دختر بالغه باکره رشیده اذن پدر و غیر پدر را شرط نیم دانم حتی در ازدواج دائم و تحقق دخول، بنابراین ازدواج مشارالیه هیچ گونه اشکالی ندارد.

س۳۱۸: آیا در ضمن عقد دایم جایز است شرط شود که در فاصله زمانی بین عقد تا عروسی. زوج با زوجه آمیزش و دخول نکند یا خیر؟

و عقد دایمی که چنین شرطی در ضمن آن شده است صحیح است یا باطل؟

(خواه این شرط از طرف زوجه یا زوج یا هر دو باشد).

ج: هوالعالم، شرط جایز است و عقد هم صحیح است.

س۳۱۹: آیا زوجه می تواند در ضمن عقد ازدواج شرط کند که تمامی کارهای منزل را شوهر انجام دهد و او هیچ کاری انجام ندهد؟

ج: هوالعالم، بلی می تواند.

زن هایی که ازدواج با آنها حرام است

س۳۲۰: مردی که زنش فوت کرده یا طلاق داده، پس فورا با خواهرزنش ازدواج کرده بفرمایید حکم چیست؟

ج: هوالعالم، در صرت فوت زن جایز است ازدواج خواهر او. و در طلاق اگر رجعی باشد جایز نیست و اگر بائن باشد جایز است.

س۳۲۱: شخصی که زنش را طلاق بائن داده و یا مدت متعه اش تمام شده آیا جایز است خواهر آن زن را بگیرد؟

ج: هوالعالم، بلی، جایز است.

س۳۲۲: زنی که در عده است چه عده وفات و چه عده طلاق کسی با او ازدواج کرده، بفرمایید با علم به مسئله و یا

جهل به مسئله این ازدواج چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، ازدواج در عده مطلقا جایز نیست. و چنانچه ازدواج نمایند زن محرم ابدی میوشد به شرط یکی از دو امر ۱ یا یکی از آنها یا هر دو عالم به حکم و موضوع باشند ۲ یا دخول محقق شده باشد و الا محرم ابدی نیست.

س۳۲۳: در صورتی که زن در حال عده باشد و نداند که ازدواج در حال عده حرام است. پس شخصی او را برای خودش عقد می کند، حال زن علم پیدا کرده آیا حرام ابدی می شود؟

ج: هوالعالم، مزویج در عده با علم یا دخول موجب حرمت ابدی است.

س۳۲۴: کسی که علم اجمالی دارد به اینکه در بین این چند زن، یکی در حال عده است و یکی از آنها را برای خود عقد کند، آیا عقد صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، در صورت علم اجمالی واجب است ترک تزویج همه. و اگر تزویج یکی از آنها را بنماید باطل است ولی موجب حرمت ابدی نمی شود.

مهریه

س۳۲۵: اگر زن مهریه اش به شوهرش ببخشد آیا می تواند برگردد یا خیر؟ و آیا قصد قربت مدخلیت دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، می تواند برگردد، و فرقی بین قصد قربت و عدم آن ندارد.

نفقه

س۳۲۶: نفقه ای که مرد به زنش می دهد آیا به شأن و حال زن و حال مرد لحاظ می گردد؟

ج: هوالعالم، به حسب عرف و شأن زن به شأن مرد مقیاس گرفته می شود، در کلمات فقها به اینگونه عنوان شده است.

س۳۲۷: در صورتی که مرد از زنش جدا شده آیا خرج سه ماه و ده روز را

باید به آن زن بدهد؟

ج: هوالعالم، خیر، لازم نیست خرج سه ماه و ده روز را بدهد.

س۳۲۸: زنی که شوهرش سید است و مفقود گشته آیا می شود به اینزن بابت نفقه که از شوهرش طلبکار می شود سهم سادات داد یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، نمی شود مگر آنکه شخثی با اجازه مجتهد از طرف آن سید قبول کند و بدهد به زن او.

متعه (عقد موقت)

س۳۲۹: چنانچه کسی زنی را متعه کرد ولی مدت را معین نکرد آیا عقد باطل است؟

ج: هوالعالم، مدت باید معین باشد.

س۳۳۰: کسی که زنی را صیغه غیردائم نموده ولی به وقت طولانی نود و نه ساله، حال تصمیم گرفته اند از هم جدا شوند آیا صیغه طلاق لازم است یا آن وقت طولانی را ببخشد کافی است؟

ج: هوالعالم، صیغه طلاق لازم نیست چون آن زن متعه است و وقت طولانی را ببخشد کافی است.

س۳۳۱: زنی که متعه شده، مدت عقد را فراموش کرده، لکن مرد مدت را میداند، با این حال زن که از باقی بودن یا نبودن مدت از مرد می پرسد، مرد جواب نمی دهد و میخواهد زن را اذیت کند. بفرمایید حکم مسئله چیست؟

ج: هوالعالم، نباید اذیت مؤمن نمود، ولی تا زمانی که احتمال می دهد مدت باقی است نمی تواند بنا بگذارد بر اینکه شوهر ندارد.

س۳۳۲: یک شخص چه تعداد زن متعه میتواند اختیار کند؟

ج: هوالعالم، عدد خاصی برای متعه نیست.

س۳۳۳: آیا ملا عبد با زن متعه در فراش همسر دائم جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی جایز است در صورتی که هبوها به عورت همدیگر نگاه نکنند.

س۳۳۴: آیا ملا بعد با زن متعه در فراش همسر

دائم حدود و شرایطی دارد؟

ج: هوالعالم، برای آن غیر از شرط فوق که هبوها به عورت یکدیگر نگاه نکنند شرط دیگری نیست.

(ت) س۳۳۵: آیا عقد متعه در مورد زن های ادیان دیگر غیر از شیعه جایز و صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، متعه در مورد زن های سنی صحیح است و در زنهای کافر چنانچه مسیحی یا یهودی و یا مجهوسی باشند نیز جایز و صحیح است و لا در غیر اینها جایز نیست.

س۳۳۶: لطفا توضیح دهید ازدواج متعه چه احکامی دارد؟

ج: هوالعالم، برای ازدواج متعه احکام بسیاری است که به چند موردش اشاره می شود

۱ ذکر مهر در عقد لازم است و بدون ذکر آن عقد باطل است.

۲ زوجه از زوج ارث نمی برد مگر در صورتی که ارث بردن زوجه در ضمن عقد متعد شرط شود.

۳ در غیر مورد وفات، عده زن متعه کمتر از عده زن دائم است.

۴ نسبت به زوجه متعه، ظهار، لعان و طلاق وجود ندارد.

۵ نسبت به فسخ عقد متعه، حضور دو شاهد عادل شرط نیست که چنانچه در عقد دایم شرط است.

مسائل متفرقه ازدواج

س۳۳۷: چنانچه کسی با زنی که برای او مسجل نیست شوهر دارد یا نه. با رضایت زن در قبال مبلغی به ملا عبد و بازی بپردازد تا حدی که جنب شود:

۱ آیا با توجه به رضایت طرفین می تواند صیغه را حالا بخواند؟

۲ درغیر این صورت حکم شرعی این فعل چیست؟ و آیا می تواند کفاره پرداخت کند؟

ج: هوالعالم، عمل ملاعبد ولو با رضایت بوده، ولو بعدا صیغه بخوانند حرام بوده، کفاره ندارد لکن باید توبه کند.

و اما بعد

بخواهند صیه بخوانند جایز است و زن و شوهر می شوند و تمام اعمال زناشویی از ملاعبه و جماع حلال می شود.

س۳۳۸: شخصی به زن شوهردار تجاوز کرده و شوهرش او را طلاق داده پس همان مرد متجاوز او را عقد کرده حالا از او چندین اولاد دارد آیا این اولاد حلال زاده هستند؟

ج: هوالعالم، فتوای فعلی من این است که حلال زاده می باشند چون زنا به ذات بعمل موجب حرمت ابدی نمی شود.

س۳۳۹: شخصی با پسری لواط کرده. سپس با خواهر آن پسر ازدواج کرده آیا اولادشان حلال زاده هستند؟

ج: هوالعالم، چنانچه آن شخص حین لواط بالغ بوده و آن پسر غیر بالغ بوده. آن ازدواج باطل بوده و اولادشان حلال زاده نیستند.

س۳۴۰: پسر بچه صغیر و نابالغی با رضایت ولی یا حاکم وطبق مصلحت به عقد زنی در می آید برای اینکه دختر آن زن به این پسر محرم شود زیرا آن پسر تحت تکفل دختر آن زن است و چونکه بدون دخول، مهمیت نسبت به دختر آن زن حاصل نمی شود آیا دخول قهری به پسر نابالغ مثلا در حال خواب یا بدون اختیار پسر بچه مجزی است یا نه؟

و آیا سایر احکام وضعیه بر این دخول قهری مترتب می شود مثل وجوب تمام مهر، حصول جنابت. حرام شدن ربیبه، حرمت ابدی در صورتی که زن درعده باشد و لزوم عده بعد زا فراق؟ و آیا اگر زن شوهر داشته باشد صدق زنا می کند؟ و آیا حد و رحیم مترتب می شود یا خیر؟

ج: هوالعالم، در احکام مصاهره که دخول معتبر است فرقی بین اختیاری

و غر اختیاری، محرم و غر محرم نمی کنـد و همچنین در لزوم عـده بعـد از فراق. و اما در حـد، رجم با زنای صـغیر نیست بلکه حد زده می شود.

س۳۴۱: آیا این روایت منقول در رسائل الشـیعه «قال مسـئل امیر المومنین (ع) أتؤتیالنساء فی ادبارهن فقال (ع) –سـفلت، سـفل الله، امـا سـمعت بقول الله عزوجل – تتأتون الفاحشه ما سـبقكم بها من احـد من العالمین» دلالت بر حرمت وطی دبر خوددارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی. اگر همین یک روایت بود حکم می شد به حرمت، ولی معارض دارد.

س۳۴۲: اگر در فاصله زمانی بین عقد تا عروسی، شهور با آمیزش نکردن با زن شرعی خود به حرام دچار شد، آیا واجب است که زن خودش را برای آمیزش در اختیار شوهر قرار دهـد؟ با عنایت به اینکه زن در فاصـله مذکور در منزل پدرش زندگی می کند.

ج: هوالعـالم، اگر شــرط ضــمنی نکرده باشـند کـه زن مـادامی کـه در منزل پـدر است می توانـد تمکیـن نکنـد. و شـوهر هم درخواست آمیزش کند. بلی واجب است.

س۳۴۳: آیا ازدواج اجباری صـحیح است یا خیر؟ و در صورت تحقق چنین ازداجی آیا فرزنـدان متولـد شـده ولد زنا محسوب می شوند؟ و آیا ارث می برند یا خیر؟

ج: هوالعالم، ازدواج اجباری صـحیح نیست و اگر زوین خیال می کردنـد صـحیح است اولاد آنها ولد زنا محسوب نمی شود و ارث می برند.

س۳۴۴: حدود اطاعت زوجه از زوج، خصوصا در مسئله خروج از منزل را بفرمایید؟

ج: هوالعالم، خروج زن از منزل بدون اجازه زوج جایز نیست.

موارد فسخ عقد

س۳۴۵: در صورتی که زن بگوید آلت شوهرش کوتاه است و او را ارضاء نمی

کند، آیا این عیب از موارد فسخ ازداج شمرده می شود به حکم ثانوی؟

ج: هوالعالم، خیر، مورد فسخ نیست چون ارضاء آن به حسب روایات به نحو دیگر ممکن است و جایز.

احکام والدین و اولاد

س۳۴۶: در صورتی که فرزند به سن تکلیف رسیده و حلال و حرام را تشخیص می دهد آیا باز هم بر در لازم است همه وقت، تکالیف شرعی را بر فرزندش یادآوری نماید؟

ج: هوالعالم، بلی لازم است.

س۳۴۷: با فرض مسئله قبلی آیا بر پدر لازم است فرزندش را برای انجام نماز صبح از خواب بیدار کند؟

ج: هوالعالم، بلی، بیدار کردن او و افراد دیگر لازم است.

س۳۴۸: در صورتی که فرزند نماز نخواند پدرش می تواند با او قطع رابطه کند؟

ج: هوالعالم، به هر کیفیت که ممکن است او را وادارد به نماز خواندن، بر پدر از باب امر به معروف لازم است.

س۳۴۹: طلبه ای که برای تحصیل علوم دینی از پدر و مادرش جدا شده و به شهر دیگر رفته، احساس می کند از جهت اینکه تنها فرزند آنها است آنها میل و رغبتی به هجرت و جدایی او ندارند آیا بر او واجب است پیش آنها بماند؟

ج: هوالعالم، بلی واجب است، خصوصا در صورتی که از هجرت او اذیت شوند.

س۳۵۰: با فرض این مسئله که، چنانچه زنی حامله باشد به دختری و دختر در شکم مادر نیز حمل داشته باشد آیا این حمل دختر نسبت به شوهر آن زن دختر حساب می شود یا نوه او؟

ج: هوالعالم، نمی دانم آیا فرض مسئله ممکن است؟ بر فرض امکان آن دختر او می شود.

س۳۵۱: اینجانب به استحضار حضرتعالی می رسانم که:

پسرم

که در خارج از کشور همسری اختیار کرده که دین بودایی (بت پرست) دارد لذا به عنوان یک فردمسلمان بارها به او متذکر شده ام که همسرت را در جهت دینمبین اسلام راهنمایی کن و مسلمان نما، ولی پسرم از این امر خودداری میورزد که جای چند سوال است.

۱ آیا بنده به عنوان یک مادر وظیفه ام را انجام داده ام ؟

ج: هوالعالم، شما به عنوان یک مسلمان و مادر وظیفه امر به معروف انجام داده اید.

س۳۵۲: آیا فرزندانی که از او به دنیا می آیند دارای اشکال شرعی هستند؟

ج: هوالعالم، فرزند در صورتی که یکی از پدر و مادر مسلمان باشند محکوم به مسلمان بودنند. بنابراین اشکال ندارد چون پدرشان مسلمان است، ولی چون عقد باطل است حلال زاده نیستند.

س۳۵۳: آیا اصلا جایز است که فرزندم با زن مذکور ازواج کند؟

ج: هوالعالم، ازدواج مسلمان با مشرکت باطل است.

س۳۵۴: آیا پسرم با این وصلت از اسلام خارج شده است.

ج: هوالعالم، خود پسرتان از اسلام خارج نشده است.

س۳۵۵: وقتی که آنها به منزل من می آیند می توانم راه بدهم؟

ج: هوالعالم، راه بدهید، ولی راهنمایی کنید اقلا از حال به بعد زن مسلمان شود تا بچه های بعدی حرام زاده نشوند، و پسرتان هم مبتلا به زنا نباشد.

س۳۵۶: دختر چهارده ساله که به بلوغ شرعی و رشد عقلی رسیده است و نسبت به رشد عقلی دارای گواهی از دادگاه حقوقی اسلامی می باشد.

این دختر به علت رفتار تبعیض آمیز والدین قصد زندگی با برادر خویش که دارای صلاحیت عقلی و علمی است را دارد.

آیا در این مورد اذن والدین یا شخص پدر شرط است یااینکه دختر

با توجه به ثبوت رشد عقلی، آزاد در انتخاب است؟

ج: هوالعالم، اطاعت پـدر و مادر بر فرزند واجب است، خصوص اگر اطاعت نکردن سبب اذیت آنهابشود. بلی در صورتی که اطاعت آنان موجب مشقت بشود و حرجی باشد، و یا موب ضرر بشود به ضرر معتنی به. وجوب اطاعت ساقط می شود.

س۳۵۷: حـدود اطـاعت از والـدین در موردی که آنان با ایجاد مزاحمت و تهمت و عـدم توجه به فرزنـد باعث به وجود امـدن ناراحتی های جسمی و روحی فرزند گردند چیست؟

ج: هوالعالم، اطاعت والـدین واجب است خصوصا در صورتی که عدم اطاعت موجب ناراحتی آنان می شود، ولی اینکه اجازه آنان در هر کاری لازم باشد ثابت نیست، و نسبت به موردی که ذکر فرمودید اطاعت آنان لازم نیست.

س۳۵۸: مردی زن خود را طلاق رجعی داده و زن در حال عده بوده که مرد دیگر او را وطی به شـبه کرده، و سـپس از این زن فرزنـدی به وجود آمـده که معلوم نیست آیا از شوهرش می باشد و یا از مرد دوم؟ با وجود دلیل «المطلقه رجعیه زوجه و الولد للفراش» آیا می توان از طریق آزمایش خون. پدر بچه را تشخیص داد؟

ج: هوالعالم، با امکان الحاق به زوج، ملحق است به او

س۳۵۹: در بخشش و احسان کردن آیا والدین انسان مقدمند یا همسر و بچه ها؟

ج: هوالعالم، در غیر نفقه واجبه خیال می کنم والیدن مقدم باشند.

س۳۶۰: در کتاب منتهی الامال، پیرامون ولادت امام حسن مجتبی (ع) حدیثی نل شده که اما رضا (ع) فرمود:

بعد از تولد امام سن و امام حسین (ع) رسول خدا (ص) به امر جبرئیل، گوش راست

و چپ آن دو بزرگوار را سوراخ کردند

حال با توجه به این حدیث بفرمایید: آیا سوراخ کردن گوش نوزاد از مستحبات و از آداب مولود است به حسب عمل معصوم؟

ج: هوالعالم، در کتاب «وسائل الشیعه» باب ۵۱ از ابواب احکام اولاد روایات زیادی دال بر استحباب سوراخ کردن گوش نقل کرده است، و در متون فقیه هم این فتوی موجود است. و صاحب ریاض ادعای اجماع بر آن فتوی نموده، و من هم در کتاب فقه الصادق ج ۲۲ مفصلا نوشته و استدلال مفصل هم نموده ام .

حضانت

س۳۶۱: خانمی که عقد متعه مردی بوده است ولی با پایان یافتن زمان متعه از همدیگر جدا شده اند، این خانم از شوهرش پسر بچه چهار ماهه دارد؟ آیا مرد می تواند بچه را از مادر بگیرد یا اینکه لازم است دو سال صبر کند؟ با توجه به اینکه مادر از شیر خودش به بچه نمی دهد بلکه شیر خشک می دهد.

ج: هوالعالم، مرد نمی تواند بچه را از مادر جدا کند خصوصا اگر از شیر خودش به او بدهد و به هر تقدیر به نظر ما مادر احق است به حضانت بچه تا هفت سال مطلقا.

احکام محرمیت و شیر دادن

س۳۶۲: زنی که دختر شیرخوار دارد از شیر این دختر به پسر بچه ای شیر می دهد آیا این دختر و پسر می توانند بعد با هم ازدواج کنند؟ و آیا پسر می تواند با خواهر این دختر ازدواج کند؟

ج: هوالعالم، خیر نمی توانند، چون محرم به الرضاع مایحرم من النسب.

س۳۶۳: شخصی که مادرزنش به بچه اش مرتب شیر داده و مسئله را نمی دانسته آیا این شخص باید زنش را رها کند؟

ج: هوالعالم، چنانچه رضاع محقق شده است باید زن را رها کند.

س۳۶۴: خانواده ای از پرورشگاه سری گرفته اند و برای او شناسنامه صادر کرده اند و این پسر الان از ده سال بیشتر سن دارد، بفرمایید: گرفتن شناسنامه برای او و بودنش در منزل آن خانواده و محرمیت با زن آن خانواده چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، شناسنامه گرفتن اشکال ندارد، ولی به آن زن محرم نمی شود و حکم اجنبی را دارد.

س۳۶۵: در صورتی که خود مادرزن اعتراف دارد که سه روز پی در پی

نوه دختریش را شیر داده. دختر و دامادش از هم جدا که نشده اند بلکه تازه دارای پسر دیگری هم شده اند. حکم این پسر دوم چیست؟

ج: هوالعالم، در صورتی که می دانستند حرام شده اند به یک دیگر، پس بچه حرام زاده است و الا چون با وطی به شبهه متولد شه است بچه حلال زاده است و ملحق به آنان می باشد.

س۳۶۶: اگر مردی بخواهد خواهر زنش به او محرم شود، راه محرم شدن چه می باشد؟

ج: هوالعالم، چنانچه خواهر زن دختری را شیر دهد به لبن شوهرش و مرددختر را عقد موقت یکساعته مثلاً کند، قهره خواهرزنش مادر زن، شوهر خواهر می شود و مادر زن محرم است.

احکام نامحرم

نگاه به نامحرم

س۳۶۷: دیدن تصاور عریان چه زن و چه مرد در تلویزیون یا کامپیوتر و دیدن عکس عریان - چه زن و چه مرد حکمش چیست؟

ج: هوالعالم، دیدن بدن عریان جنس مخالف و دیدن عورت همجنس در تلویزیون حرام است.

دست دادن به نامحرم

س۳۶۸: دست دادن با زنان فامیل که در بین ما به عنوان یک رسم می باشد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، دست دادن به نامحرمان، با دست برهنه جایز نیست.

دست زدن به عورت غیر

س۳۶۹: در صورتی که دستکش در دست باشد آیا می توانیم به عورت مرد یا زن چه محرم و چه نامحرم دست بزنیم؟

ج: هوالعالم، چنانه دستکش خیلی ن ازک نباشد و موجب تهییج قوه شهویه هیچ کدام نشود جایز است.

سفارش معنوی به بانوان و دوشیزگان

س۳۷۰: خواهشمند است از باب «ان للذکری تنفع المؤمننی» نصیحت و سفارش که سفید دنیا و آخرت بانوان و دوشیزگان باشد رهنمون شوید؟

ج: هوالعالم، در زمان حاضر که رسائل فساد زیاد است بانوان و دوشیزگان مهمترین چیزی که موجب سعادت دنیا و آخرت

است عفت است.

احکام طلاق

س۳۷۱: در صورتی که زن، پـدر و مـادر را اذیت کنـد و پـدر و مادر شوهر هر دو یا یکی از آنها به پسـر دسـتور لاق زنش را بدهند آیا بر پسر لازم است او را طلاق بدهد یا نه؟

ج: هوالعـالم، در صورتی که پـدر و مادراذیت بشـند بلی لازم است طلاق بدهـد به شـرط آنکه طلاق موجب ضـرر نشود و الا واجب نیست.

س۳۷۲: شوهرم به جرم کلاهبرداری و خوردن مال مردم به مدت هفت سال است در زندان شهرستان... است و چون طلبکاران درخواست یوم الاداء کرده انـد تا بدکاری ها را ندهد بیرون نمی اید و او هم اگر مالی داشـته به نام دیگران نموده و حاضـر به ادای دین خود نمی باشـد، شایـد سـال هـای طولا‌نی در زنـدان باشـد از زمان محکومیت به زنـدان تاکنون به اینجانب و دختر دوازده ساله ام علی رغم مراجعات مکرر به او و برادران و فامی هایش، دیناری خرج ندادند و نمی دهند اینجانب در سن چهل سالگی و مستأجری و هزینه های کمرشکن زندگی و نداشتن هنر و توان کاری. هیچ گونه درامد ندارم و به مارکز امدادی هم مراجعه نخواهم کرد و تنها از راه فروش وسایل زنـدگی به صورت بخور و نمیر زندگی کردم اگر چه مبالغی هم مقروض شده ام که توان پرداخت ندارم.

خلاصه در عصرت و فقر مطلق و حرج کامل قرار گرفتم.

علی رغم مراجعات مکرر برای طلاق، نامبرده به دلیل لجباری، نه خرجی می دهد و نه حاضر به طلاق می باشد و از طرفی او در زندان شهرستان... می باشد و اینجانب در تهران زندگی می کنم پس مراجعه به محاکم تهران کردم برای طلاق طبق شرط ضمن عقد که وی نیز امضاء کرده، اما محاکم تهران می گویند دادخواست باید در شهرستان مربوطه انجام شود. به آنجا مراجعه کردم متاسفانه او حاضر به طلاق نگردید. حال بنده نه توان وکیل گرفتن دارم و نه هزینه ایاب و ذهاب.

آیا با شرح فوق و عسرت کاملی که دارم آیا شرعا مجازم که با مراجعه به طالق شرعا به اختیار طلاق در شرط ضمن عقد، خود را مطلقه نمایم یا نه؟

ج: هوالعالم، شما از دو جهت می توانید بدون موافقت شوهرتان مطلقه شوید:

۱ آنکه از راه شرط ضمن العقد که می گویند بوده.

۲ اینکه او نفقه نمی دهد و کسی هم نیست نفقه شما را بدهد.

و لذا به شما اجازه می دهم که یک نفر را وکیل بگیرد که با اجازه من شما را مطلقه نماید.

طلاق خلع

س۳۷۳: در طلاق خلعی آیا زن می تواند بعد از طلاق از بذل خود برگردد و طلاق لغو شود و رجوع کند؟

ج: هوالعالم، بلی می تواند، ولی طلاق لغو نمی شود بلکه زوج می تواند رجوع کند با تحقق شرایط.

س۳۷۴: در صورتی که زن مهریه خود را در ذمه زوج ابراء کند تا او را طلاق دهد و بعد از طلاق از ابراء برگردد آیا در این صرت به طلاق رعی

بر می گردد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی چنانچه در اثناء عده باشد.

عده طلاق

س۳۷۵: زنی که در حال عده طلاق است ار با خوردن قرص، عده خود را از مدت سه ماه تقلیل دهد و به دو حیض و یک طهر تمام کند آیا مجزی است یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی مجزی است.

احکام بلوغ

نشانه بلوغ

س۳۷۶: اگر صبی قبل از مراحل بلوغ، جماع نماید یا با خود استمناء کند آیا این دو نشانه بلوغ او می شود؟

ج: هوالعالم، با جماع خیر، ولی با استمناء چنانچه انزال بشود. بلی.

احکام حجر

صغیر و دیوانه

س۳۷۷: آیا وصی شرعی صبی و یا مجنون در حالی که اموال این دو با اموال دیگر وراث غیرمحجور به صورت اشاعه مخلوط می باشد، می تواند قبل از تقسیم، از این اموال به کسی هدیه بدهد و ببخشد یا نه؟

ج: هوالعالم، بدون اجازه ورثه دیگر خیر.

س۳۷۸: با توجه به فرض قبل، آیا دیگران می توانند به منزل این افراد که با هم زندگی می کنند به مهمانی بروند و از عذا و سایر امکانات آنها استفاده نمایند یا اینکه باید اول اموالشان را تقسیم نمایند تا بعد مهمان ها بتوانندااستفاده نمایند؟

ج: هوالعالم، با اجازه حاکم شرعی و رعایت غبطه صغار بلی.

س۳۷۹: با توجه به فرض قبل که اشتراک اموال به صورت اشاعه باشد، اگر وصی صبی یا مجنون مادر آنها باشد و او چون زن است ناچار باشد با پسر بزرگترش که متاهل است و دارای دو فرزند می باشد و جمعا چهار نفر می باشند در یک ساختمان زندگی کند و در قبال بچه های مهجور دو نفرند، حال بفرمایید:

چون نسبت محجورین با غیر محجورین نسبت دو نفر به چهار نفر است آیا اجاره منزل و پول آب و برق و گاز و غذا و سایر

مایحتاج زندگی را به نسبت دو به چهار تقسیم نمایند و بپردازند ای اینکه این مقدار سداقه و دقت لازم نیست؟

ج: هوالعالم، دقت مزبور لازم است.

مفلس

س۳۸۰: چنـانچه بـایع بعـد از وقوع معـامله مفلس شود و ثابت شود که در آن معامله مجنون واقع شـده، آیا می توانـد با اعمال خیار و غبن. بیع را به ملک خود برگرداند؟

ج: هوالعالم، اجازه بیع خیاری و فسخ

آن چون تصرفی است که اثر امر سابق بر حجر است در اختیار او است می تواند معامله غبنی را فسخ کند و بیع را به ملك خود بر گرداند.

س۳۸۱: با توجه به فرض سابق در صورت استمرداد بیع، آیا مفلس حق تصرف در آن را دارد یا اینکه متعلق حق طلبکاران قرار می گیرد؟

ج: هوالعالم، متعلق حق طلبکاران نمی شود.

س۳۸۲: آیا اقرار مفلس به دینی در ذمه اش یا به مال معینی از اموالش صحی و نافذ است یا خیر؟

ج: هوالعالم، اقرار نافذ است و اگر مقر ثقه باشد علاوه بر اینکه اقرار او صحیح است مقرله با خرماء شریك می شود و الا شریك نمی شود.

س۳۸۳: لطفا بفرمایید که: چنانچه شخصی مفلس شد آیا دین مؤجل او مبدل به حال می شود یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، دین مؤجل او حال نمی شود.

احکام شکار کردن

س۳۸۴: در ایام قدیم با تیر و کمان شکار می زدند اما امروز با اسلحه هایی که گلوله آنها از سرب و امثلا آن است مثلا کبک را در هوا می زنند وقتی که به زمین می رسد مرده است آیا با این کیفیت، حیوان شکار شده حلال است یا حرام؟

ج: هوالعالم، چنانچه گلوله تیز باشد و در بدن حیوان فرو رود و آن را پاره کند، و یا با فشار در بدن حیوان فرو رود حیوان پاك و حلال است البته با رعایت شرایط دیگر.

احکام خوردن و آشامیدن

س۳۸۵: کشمش را در آش ریختن و یا در روغن سرخ کردن و یا لابلای پلو گذاشتن. چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حلال است.

س۳۸۶: برای قطع خون دماغ معمولا افراد سر خود را

بالاـ می گیرند پس در این حالت خون بدون ورود به دهان از راه حلق به معده می رود آیا این عمل خوردن خون است که حرام می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر خوردن خون حرام نیست.

س۳۸۷: خوردن گوشت خرگوش نر یا ماده چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حرام است.

س۳۸۸: با فشار دادن جگر گوسفند خونی که از آن می اید آیا خوردنش جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، آن خون پاک است و اگر مستهلک نشده است خوردن آن جایز است و اگر در غذا مستهلک شده است خوردن آن هم جایز است.

س۳۸۹: اگر از آمیزش سگ با گوسفند یا برعکس، حیوانی متولد شد که شبیه هیچکدام نباشد آیا طاهر و خوردن آن جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی طاهر و جایز است مگر اینکه صدق یک حیوان محرمی بر آن بشود.

س۳۹۰: اگر کسی در دریا یا در نهر آب، آلتش را در دهان ماهی بگذارد آی آن ماهی حرام می شود؟

ج: هوالعالم، خیر، حرام نمی شود.

احکام لباس پوشیدن و آرایش کردن

کیفیت و مقدار پوشش

س۳۹۱: اینجانب دختری هستم که دستکش در دست می کنم و به صورت خود نقاب می زنم و تا به حال کوچکترین ارتباطی با نامحرم نداشته ام حتی صدای مرا نامحرم نشنیده است و در این عمل حضرت زهرا (س) را الگوی خود قرار داده ام، در حالی که بسیاری از افراد در این رفتار بر من ایراد می گیرند، اکنون سوالات من این است که :

اولا: آیا رفتار و عمل من صحیح است؟

ج: هوالعالم، کار شما خوب است و شما چنانچه زیبا باشید و یا زینت کنید که اگر با صورت

باز بیرون بروید و رو را از نامحرم نپوشانید موجب تهیج قوای شهویه نامحرمان گردد پوشاندن صورت واجب است و الا واجب نیست.

ثانیا: آیا وجه و کفین مبارک حضرت زهرا (س) را نامحرم دیده بود یا نه؟ و آیا افرادی مانند جناب مسلمان و ابوذر که نزدیکترین صحابی پیغمبر اکرم (ص) بودند وجه و کفین مبارک آنحضرت را دیدند یا نه؟

ج: هوالعالم، قطعها ندیده بودند، من حتی احتمال نمیدهم بعضی از رواياتی که در این مورد ذکر شده است صحیح است.

ثالثا: اگر حضرت زهرا (س) وجه و کفین مبارکش را از نامحرم می پوشاند آیا عمل را به عنوان واجب انجام می داده یا مستحب؟

ج: هوالعالم، پوشاندن وجه و کفین حضرت زهرا (س) معلوم نیست که به عنوان واجب بوده یا مستحب.

س۳۹۲:نمایان بودن پا روی پا، کف پا، پاشنه آن برای زن ها چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، نسبت به مستر در حال نماز جایز است مکشوف بودن قدمین تا ساق و اما نسبت به ستر از نامحرم لازم است پوشاندن.

س۳۹۳: بانوانی که از زیارت عتبات عالیات می آیند اطرافیان آنها دور گردنشان گل می اندازند که رنگ های مختلفی دارد. حکم این کار در صورتی که جذب نظر نامحرم بکند و در صورتی که جذب نظر نامحرم نکند چیست؟

ج: هوالعالم، هر عمل یکه موجب تهیج قوه شهویه نامحرم بشود در جایی که نامحرم نیست اشکال ندارد، ولی در جایی که نامحرمان هستند نباید انجام داده شود.

تشبه مرد به زن و تشبه زن به مرد

س۳۹۴: اینکه مرد موی خود را بلند کند به طور یکه شبیه زن شود و بر عکس زن موی خود

را کوتاه کند به طوری که شبیه مرد شود حکمش چیست؟

ج: هوالعالم، بی اشکال است.

س۳۹۵: پسرانی که موی بلند می گذارند و چه بسا بعضی از آنها با کش یا چیز دیگر می بندند حکمش چیست؟ در حالی که بعضی استناد می کنند به عمل پیامبر (ص) که موی بلند می گذاشت و فرق باز می کرد آیا این استناد درست است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلنـد گذاشـتن مو به نحوی که شبیه شونـد به جنس مخالف حرام نیست ولی کار خوبی نیست. و پیغمبر (ص) هم بعد از رسالت چنین نمی کردد یا موی بلند نداشتند. ولی اگر شبیه به جنس مخالف نشوند هیچ اشکالی ندارد.

ناخن بلند کردن

س۳۹۶:بلند گذاشتن ناخن توسط مردان یا زنان. حکمش چیست؟

ج: هوالعالم، ناخن بلند،اگر در وضو رعایت کنند هیچ اشکالی ندارد.

ریش تراش

س۳۹۷:تراشیدن ریش چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حرام است.

س۳۹۸: ماشین کردن ریش. به نحوی که از ته می تراشد چگونه است؟

ج: هوالعالم، حرام است.

س۳۹۹:مالیدن پماد برای ازاله ریش چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز نیست.

س۴۰۰: عمل جراحی پلاستیک برای از بین بردن ریش برای همیشه چگونه است؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

س۴۰۱: تیغ زدن بر گردن و گونه صورت چگونه است؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

س۴۰۲:دادن اجرت برای ریش تراشی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز نیست.

س۴۰۳: دستمز گرفتن برای ریش تراشی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز نیست.

س۴۰۴: خرید و فروش آلات ریش تراشی چه صورتی دارد؟

ج: هوالعالم، اگر استفاده دیگری از آن ممکن است اشکال ندارد و جایز است.

س۴۰۵: اطلاق ریش از جهت بلندی و کوتاهی چقدر می باشد؟

ج: هوالعالم، از یک مشت بلندتر بودن ظاهرا مکروه است و از حیث کوتاهی به مقداری که

صدق ریش بکند کافی است.

س۴۰۶: با توه به روایت «المقنع»: و لـذا حلق رجل لهیه رجل فان لم تنبت فعلیه دید کامله و آن نبتت فعلیه ثلث الدیه» بفرمایید: دیه تراشیدن ریش چقدر است؟

ج: هوالعالم، در صورتی که عـدوانا بتراشـد چنانچه نروید تا یکسال بلکه تا ابد، پس دی کامله است. و چنانچه بروید ثلث دید است. و اما اگر با رضایت خود آن شخص باشد دیه ندارد.

س۴۰۷: اگر فاعل، ریش خود را بتراشد دیه را باید به چه شخصی بدهد؟

ج: هوالعالم، دیه ندارد.

احکام لهو و لعب

س۴۰۸: شندیه شده است که بعضی از فقها، اشتغال به «لهو» و «لعب» را از گناهان کبیره می دانند، حضرتعالی در این خصوص نظرتان را بیان فرمایید؟

ج: هوالعـالم، در بیـان مراد از لهو در کلمـات فقهـا اختلاـف است و چنـد معنا بر آن ذکر می کننـد، و در حکم آن هم خلافی است عظیم. امـا به نظر مـا حرام نیست. و اما لعب، بعضـی از قـدماء فرموده انـد حرام است، و شـیخ انصاری، اختیار کراهت آن نموده است. لکن به نظر ما نه حرام است و نه مکروه.

س۴۰۹: آیا هر لهوی حرام است؟

ج: هوالعالم، خیر حرام نیست.

س۴۱۰: آیا خواند ترانه ها و تصنیفات و اصوات لهوی حرام است؟

ج: هوالعالم، ترانه های لهوی حرام است.

کف زدن

س۴۱۱: کف زدن به نحو لهوی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، کف زدن غیر مهیج شهوت جایز است.

س۴۱۲: چه می فرمایید در مورد مجالسی که مردم در حال خواندن ماح، ف و دست می زنند؟

ج: هوالعالم، کف زدن در اعیاد مذهبی هیچ اشکالی ندارد.

س۴۱۳: دست زدن به صورت بلند و طرب آور در روز میلاد ائمه (ع) در مسجد یا حسینیه چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، دست زدن فی نفسه تا مادام که عنوان محرم دیگری بر آن منطبق نشود، جایز است.

غنا و موسیقی

س۴۱۴: مدیحه سرایی برای حضرات معصومین به سبک خوانندگان زن و مرد غربی و طاغوتی که در مالس لهو و لعب استفاده ی شوند در مجالس اهل بیت چه حکمی دارد؟ و وظیفه ما در این قبال چیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه به نحو غنا و موسیقی باشد حرام است. و وظیفه همه نهی از منکر است و اگر قدرت ندارند باید در آن مجلس ننشینند.

س۴۱۵: در مورد موسیقی که انسان را در خود فرو می برد و به یاد گذشته یا آینده می افتد و حالت خاصی به انسان نمی دهد، چه حکمی می فرمایید؟

ج: هوالعالم، موسیقی مطلقا حرام است.

س۴۱۶: گوش دادن به موسیقی در صوری که انسان تحریک نشود و تنها برای سرگرمی باشد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، گوش دادن به موسیقی مطلقا حرام است ولو برای سرگرمی.

س۴۱۷: غنا چیست و چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، غنا صوت لهوی است که موجب رقص و خفت می شود و محرک قوه شهویه است و مناسب با بعضی آلات لهواست. و حکمش حرام است.

س۴۱۸: آیا غنای حرام مستثیناتی هم دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، مستثنیات آن یکی

غنای شب زفاف است. و چند مورد دیگر ذکر شده است که به نظر ما تمام نیست.

س۴۱۹: آیا گوش دادن به غنا، تعلیم و تعلم آن، اخذ ارت بر خواندن آن، حرام است؟

ج: هوالعالم، همه سه مورد حرام است.

س ۴۲۰: آیـا غنـا در مراثی. در قرائت قرآن، در عروسـی، مجلس ختـان، اعیاد و مجالس سـرور، در حکم حلیت و حرمت فرقی دارند؟

ج: هوالعالم، در تمام موارد غیر از مورد زفاف همه اش حرام است بدن اینکه فرقی بین آنها باشد.

س۴۲۱: آیا غنا در عروسی حلال است یا حرام. و اگر حرام نیست آیا حکم، اختصاص به هنگام زفاف دارد یا کل شب و روز عروسی بلا اشکال است. و یا مجموعه مجالس عقد و ازدواج را شامل است؟

ج: هوالعالم، حکم حلیت غنا مختص به شب زفاف است و شامل بقیه مجالس نیست.

س۴۲۲: نسبت به حکم حلیت غنا در شب زفاف، بفرمایید، آیا این حکم مخصوص زان است و یا مردان را نیز شامل می شود؟ و آیا مردان محرم و یا نامحرم در این خصوص فرقی دارند؟

ج: هوالعالم، مختص به زنان است و مشروط به اینکه مرد نامحرم حتی داماد در مجلس نباشد.

س۴۲۳: آیا مقارنات غنا از قبیل استعمال آلات موسیقی و دست زدن و رقص در مجلس شب زفاف حلال است یا خیر؟

ج: هوالعالم، استعمال آلات موسیقی جایز نیست و اما دست زدن و رقص زن برای زن مطلقا جایز است.

س۴۲۴: آیا خواند ترانه ها و تصنیفات و اصوات لهوی حرام است؟ اصوات غیر لهوی از قبیل هلهله چطور؟

ج: هوالعالم، ترانه های لهوی حرام و غیر لهوی جایز است.

احکام فیلم و

فیلم و سینما

س۴۲۵: تحصیل در رشته سینما و حوزه علمیه به صورت همزمان برای آشنایی با معارف دین و تبلیغ آن از طریق سینما آیا از لحاظ شرعی اشکال دارد؟

ج: هوالعالم، خیر، اشکال ندارد.

س۴۲۶: آیا می توان برای تحصیل در رشته سینما به خارج از کشور رفت؟

ج: هوالعالم، مانعی ندارد.

س۴۲۷: آیا می توان در خارج از کشور فیلم ساخت؟ و کسب درآمد از طریق فیلم سازی در کشورهایی غربی چگونه است.

ج: هوالعالم، فیلم غیر منافی با موازین شری، ساختن آن در خارج از کشور بی اشکال است. و همچنین کسب در آمد از آن بلا مانع است.

س۴۲۸: آیا می توان رسالت خویش را در تبلیغ اسلام، قرآن، ائمه معصومین، شهداء و... از طریق فیلم به گوش جهانیان رساند؟

ج: هوالعالم، بلی بسیار کار خوبی است با رعایت موازین شرعیه.

س۴۲۹: آیا با تبلیغ دین از طریق فیلم میتوان خشنودی خداوند و امام زمان را کسب کرد؟

ج: هوالعالم، بلی.

س۴۳۰: آیا این کار (تبلیغ دین در فیلم) جهاد اکبر است؟ چرا که امروزه دشمنان اسلام به جای نگ از طریق فرهنگ اقدام می کنند.

ج: هوالعالم، کار خوبی است ولی جهاد اکبر بودن معلوم نیست.

س۴۳۱: نظر حضرتعالی درباره کتاب یا فیلم هایی که در بر دارنده مضامین تخیلی هستند شخصیت های اصلی آن، کارهای خارق العاده مشابه سحر و جادو و شعبده و... انجام می دهند مثل هری پاتر، دو قلوها، افاسنه مرلین، دیوید کاپر فیلد و... چیست؟ ساخت، نوشتن، پخش، خواندن، دیدن و ترجمه این قبیل کتاب ها و فیلم ها شرعا چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه معلوم است که واقعی نیست و تخیلی است اشکال ندارد.

س ۴۳۲: فیلمی

کـه مســتهجن اسـت و در آن موسـیقی حرام و منظره غیر شـرعی وجـود دارد نظیر اختلاـط زنهـا و مردهـای نـامحرم، بوسـیدن همدیگر، ظاهرشان با لباس بدن نما و... چنانچه ترجمه و تبدیل به سی دی شود تا در دسترس مردم قرار گیرد، بفرمایید که:

اولا: شخصی که مترجم و مبدل این فیلم ها است تا آنها در دسترس مردمقرار گیرد کارش حرام است یا خیر؟

ج: هوالعـالم، بلی کار مبـدل حرام است چون تسبیب به حرام است و نهی از منکر که واجب است قهرا به طریق اولی تسبیب به فعل منکر حرام است.

س۴۳۳: چنانچه تبـدیل فیلم به سـی دی برای کسـی انجام شود که علم داریم از مواضع حرام اجتناب می کنـد، در این صورت کار مبدل چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، با علم به اجتناب شخص از حرام، تبدیل برای او جایز است.

تلویزیون

س۴۳۴: دیدن تصاویر عریان – چه زن و چه مرد در تلویزیون یا کامپیوتر چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، دیدن بدن عریان جنس مخالف، و دیدن عورت همجنس در تلویزیون حرام است.

سی دی

س۴۳۵: حکم رایت کردن سـی دی های یکه هنگام خرید آنها، فروشـنده گفته است راضـی نیستم از آن تکثیر کنید، چیست؟ در حالی که الان در جامعه رایج است که از سی دی مادر تکثیر می کنند.

ج: هوالعالم، تکثیر اولی ها جایز نیست، ولی بعد از رواج و افتادن از مالیت، تکثیر اشکال ندارد.

س۴۳۶: سیسـتم عامل کامپیوتر (ویندوز) محصول یك شـرکت آمریکایی است که نوع اصـلی آن گفته می شود حدود سیصد دلار قیمت دارد اما معمولا با شکستن قفل سی دی حاوی ویندوز بدون پرداخت وجهی از آن استفاده می شود حال بفرمایید:

اولا: آیا اینگونه استفاده از این محصول جایز است؟ و آیا اینك ار تصرف در حق دیگران بدون رضای ذی حق نیست؟

ج: هوالعالم، تا قفل شکسـته نشده حق اسـتفاده متعلق به صاحب آن است ولی بعد از شکسـتن قف، این حق به حسب خارج از مالیت می افتد بنابراین استفاده از آن اشکال ندارد چون حقی بر کسی نیست.

س۴۳۷: آیا فرقی بین محصولات ایرانی و خارجی به خصوص محصولات کفار در این جهت می باشد؟

ج: هوالعالم، و اما اینکه محصولات کفار است، سبب جواز تصرف نیست چون فقط مال کافر حربی حلال است.

احکام بازی ها

بازی ورزی

س۴۳۸: با توجه به فقدان بودجه کافی برای برگزاری مسابقات ورزشی جهت جوایز و امور دیگر، مبالغی از تیم های شرکت کننده دریافت می شود تقاضا می شود بفرمایید:

اولا: آیا دریافت این مبالغ از تیم های شرکت کننده و خرج آن برای مراسم اشکال دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر. اشکال ندارد.

س۴۳۹: با توجه به اینکه ممکن است از آن مبالغ، مقداری اضافه بماند، با عنایت به رضایت دهندگان آیا

صرف مقدار مازاد در امور فرنگی و عقیدتی اشکال دارد؟

ج: هوالعالم،خیر اشکال ندارد.

بازی قمار

س۴۴۰:نظر حضرت تعالی در مورد شطرنج چیست؟

ج: هوالعالم، حرام است مطقا.

س۴۴۱:بازی کردن با شطرنج درمواقع بیکاری تنها به عنوان تفریح وسرگرمی چگونه است ؟

ج: هوالعالم، ازمحرمات اکیده مسلمه است

س۴۴۲:قمار از نظر فنی چگونه تعریف می شود

ج: هوالعالم، قمار، بازی کردن باآلات است در آن برد وباخت باشد

س۴۴۳: درقمار آیا بازی کردن باآلات به خصوصی شرط است یا اینکه بابازی کردن به هر چیزی واقع می شود وآلات به خصوص شرط نیست؟

ج: هوالعالم،آلات به خصوصی شرط نیست

س۴۴۴: اگر شخصی به تنهایی با آلات قمار بازی کند قمار صدق می کند یا خیر بلکه قمار متقوم است به اینکه از دو نفر باشد؟

ج: هوالعالم، خیر، به تنهایی قمار نیست بلکه متقوم است به دو طرف

س۴۴۵:آیا قصد ونیت قمار در تحقق قمار مدخلیت دارد پس هر اگر هر دو آنهایا یکی از آنها قصد قمار نداشته باشند قمار محقق نشود ویا اینکه قصد مدخلیت ندارد ؟

ج: هوالعالم، قمار بدون قصد ونیت محقق می شود وقصد مدخلیت ندارد .

س۴۴۶:آیا در تحقق قمار شرط است که مبلغ برد وباخت از فرد بازنده باشد یاخیر، اگر مبلغ توسط شخص دیگری غیر بازی کنندگان هم هبه شود قمار محقق می شود؟

ج: هوالعالم،خیر، شرط نیست که مبلغ از فرد بازنده باشد.

س۴۴۷:لطفا بفرمایید: بازی کردن باآلات قمار از طریق کامپیوتر چه حکمی دارد؟ اولا: با شخص دیگری که درهمانجا

حضور دارد ویا باشخص دیگری که درجای دیگر است بوسیله ارتباط اینترنتی ؟

ج: هوالعالم،دراین صورت برد وباخت جایز نیست ولی

بدون برد وباخت مانعی ندارد

ثانیا: بازی کردن با برنامه کامپیوتری نه باشخص دیگری؟

ج: هوالعالم، جایز است

س۴۴۸: نظر حضرت تعالی درمورد نرد وشطرنج چیست؟ وبفرمایید اگر نرد وشطرنج از آلات قمار بودن خارج شوند آیا بازی با آنها در چنین صورتی جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بازی کردن با نرد وسطرنج حرام است، واین حرمت ثابت است حتی در صورت نبودن برد وباخت.

س۴۴۹:اینکه چه بازی قمار بر او صدق می کند وچه بازی از قمار خارج است ملاک تعیین آن چیست؟ آیاعرف است؟ وبر فرض معیار بودن عرف، نسبت به خروج یک بازی از قمار، آیا نظر همه ملاک کاست یا اکثر آنها؟

ج: هوالعالم،ملاک تعیین، روایات است مبنی بر اینکه هر بازی که برد وباخت در آن باشد مطلقا حرام است چه از آلات معده قمار باشد وچه از آلات غیرمعده. وچنانچه بردوباخت در آن نباشد جایز است مگر نرد وشطرنج که بازی کردن به این حتی در صورت نبودن برد وباخت نیز حرام

است.

س۴۵۰:آیاجایزاست رفاقت وسیاحت باکسی که اهل شطرنج است؟ وآیا سلام کردن بر او در حال بازی کردن جایز است یانه؟

ج: هوالعالم، جایزنیست ودر روایت نهی شده است از سلام بر او در حال بازی

بازی ومسابقات باحیوانات

س۴۵۱:بعضی افراد بین حیوانات دعوا ومسابقه می اندازند مثلا بین دو خروس یا دوگاو وعدهای سرگرم میشوند آیا چنین کارهایی شرعا جایز است؟

ج: هوالعالم، روایتی است در بحارالنوار از عبدالله بن نافع از پیغمبر اکرم

صلی الله علیه وآله که آن حضرت در ضمن حدیثی پیرامون اذیت خروس وخصی کردن آن حیوانات دیگر می فرماید: حرام است

که خروس ها را به جان هم بیندازید.

س۴۵۲:اگر باری تماشاکردن دو خروس را به جنگ هم اندازند ویکی از آن دو یا هردو زخمی شوند آیا باشرط یابدون شرط جایز است؟

ج: هوالعالم،بدون شرط جایز است وبا شرط جایز نیست.

احکام هوا و زمین

محیط زیست

س۴۵۳:باتوجه به اینکه حفظ ونگهداری محیط زیست که شامل آب وخاك وهوا ودریا وجنگل می باشد، آیا حفظ ونگهداری آن وپرهیز وجلوگیری وپیشگیری از تخریب محیط زیست بر آحاد مردم واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم،از احکام اسلام حرمت ضرر زدن به غیر است ودر صورت ضرر به جامعه اسلامی نه فرد، این حرمت اکیدتر می شود، بنابراین تخریب محیط زیست که موجب ضرر به جامعه باشد، مسلماجایز نیست (و) پس حفظ محیط زیست هم مطلوب شارع است

س۴۵۴:درصورت وجوب حفظ محیط زیست آیااین وجوب عینی است یا کفایی ؟

ج: هوالعالم، موارد و افراد مختلف است در جایی که جلوگیری از تخریب متوقف باشد بر اقدام عده ای نه همه مردم، قهرا وجوب کفایی است. و چنانچه متوقف باشد بر اقدام شخص حقیقی یا حقوقی خاصلی. قهرا بر آنها واجب عینی است.

س۴۵۵: آیا این وجوب حفظ محیط زیست ارشادی است یا مولوی؟

ج: هوالعالم، مولوی است در صورت ثبوت.

س۴۵۶: آیا اگر تاسیس کارخانه و توسعه آن باعث آلودگی هوا یا آب شود، از نظر شرعی حرام است؟

ج: هوالعالم، اگر به نحوی باشد که موجب ضرر به جامعه یا افرادی باشد قهرا حرام است.

س۴۵۷: با توجه به اینکه مادران و فرزندان بی شماری در جهان در اثر وضعیت بد بهداشتی و ناسالم بودن محسط زیست و عوارض آن جان می دهند آیا سالم سازی محیط

زیست بر دولت واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی. بر دولت واجب است.

س۴۵۸: آیا رعایت اخلاق زیست محیطی که عبارت است از کلید اقداماتی که باعث بهره برداری مفید از فناوری محیط زیست و دانش علوم زیست محیطی و مضرات و خطرات احتمالی آن، واجب است؟

ج: هوالعالم، مطلوب است نه واجب.

س۴۵۹: توسعه و رشد محیط زیست از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، آنچه موجب عزت و عظمت و شرافت و سلامت جامعه اسلامی است مطلوب شارع است.

س۴۶۰: با توجه به نقش سازنده محیز زیست مطلوب در بهداشت روح و روان آیا بر دولت اسلامی واجب است که به تاسیس و توسعه و ترمیم عوامل زیست محیطی مانند پارک ها، بهینه سازی اب ها و دریا و جنگل و هوا و خاک بپردازد؟

ج: هوالعالم، بلی واجب است.

س۴۶۱: ترمیم محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حکم آن از جواب مسائل قبل معلوم می شود، و آن لزوم است

س۴۶۲: آیا دست یابی به دانش فنی تولید و توسعه محیط زیست واجب است؟

ج: هوالعالم، در اخبار به طلب علم و فن زیاد توصیه شده ااست و در بعضی از روایات لازم شمرده است.

س۴۶۳: دستیابی و بکارگیری فناوری زیستی در زمینه گیاهان و حفظ تنوع زیستی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، هر دانشی که موجب استفاده جامعه اسلامی باشد امر به آن شده است.

س۴۶۴: هکاری با جامعه جهانی برای توسعه محیط زیست و تحقیقات و فناوری عوامل زیست محیطی و استفاده صلح آمیز از این فناوری نوین و راهبردی روز، چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، روایت «اطلبوا العلم ولو من سین (چین)» مراد علم دین

نیست چون در چین آن زمان علم دین مورد نداشته است.

س۴۶۵: ارتقاء سطح علمی و دانش فنی زیست فناوری کشور و کسب سهم علمی شایسته در عرصه جهانی در توسعه بخش کشاورزی، بهداشت و درمان، صنعت، معدن، دریا، نگل و دیگر عوامل زیست محیطی. لطفا بفرمایید چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، همه اینها مامور به است و زیاد سفارش شده است، قهرا برای یک عدد هم لازم است.

س۴۶۶: بفرمایید که بهبود کمی و کیفی محصولات کشاوری اعم ازگیاه، دام، طیور و آبزیان برای تامین امنیت غذایی کشور با استفاده از زیست فناوری، چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، واجب کفائی است بر کسانی که تمکن دارند. و در راس آنها دولت است.

س۴۶۷: آیا بکارگیری اصول اخلاقی اسلام و رعایت حقوق پذیرفته شده بین المللی در توسعه محیط زیست در کلیه مراحل تحقیق، تولید و عرضه محصولات مرتبط با زیست فناوری. واجب است؟

ج: هوالعالم، بلی، واجب است.

احکام غصب

س۴۶۸: با توجه به اینکه شخصی بدون اجازه مالك. زمینی را تصاحب کرده و در آن زمین خانه سکونی ساخته است. لطفا جواب سوالات زیر را مرقوم فرمایید: شخص دیگری که به آن خانه دعوت شده است خواند نماز و انجام سایر فرایض دینی این شخص در آن خانه چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، در صورتی که می داند زمین غصبی است در آن زمین نمی تواند نماز بخواند.

س۴۶۹: شخصی که زمین را غصب کرده و در آن ملك مسکونی ساخته است. اگر آن ملك را بهاین شرط بفروشد که فقط آجر و آهن آن را می فروشم نه زمین را. پول آن ملك برای مالك غاصب چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، اگر خریدار

بداند زمین غصبی است پول آن مالک برای مالکغاصب حلال است. و اگر نداند معامله صحیح است ولی بعد از فهمیدن، خیار دارد که معامله را فسخ کند.

س۴۷۰:در صورتی که مالك اصلی زمین از طریق قانونی ثابت کند که زمین غصب شده از آن او است و خریدار آن ملك را بیرون کند و بگوید که آجر و آهن را از زمین بیرون ببر، بفرمایید آیا صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی صحیح است.

س۴۷۱: در صورتی که بیرون کردن خریدار ملك صحیح باشد، ضرر و زیان و خرج و مخارج بدون آن آجر و آهن به عهده چه کسی می باشد؟

ج: هوالعالم، به عده غاصب است چون در روایت است که «الغاصب یؤخذ با شق الاحوال». بلی اگر خریدار راضی شده بود به عامله باعلم داشتن به غصبی بودن زمین. پس مخارج و ضرر به عهده خود او است.

س۴۷۲: منافع غیر مستوفا را آیا غاصب ضامن است یا نه؟ مثلا ماشین یا منزلی را غصب کرده است و استفاده هم نکرده است آیا بعد از باز گرداندن به مالك باید اجاره مدت مزبور را بدهد یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی. منافع غیر مستوفاه را غاصب ضامن است.

س۴۷۳: بر فرض ضامن بودن غاصب نسبت به منافع غیر مستوفا بفرمایید که در صورت تعدد منافع و عدم امکان جمع آن در زمان واحد و تفاوت قیمت منافع، کدامیک را ضامن است؟

ج: هوالعالم، اعلی القیم را ضامن است.

س۴۷۴: مالك قطعه زمین قصد داشته با استقراض از دیگران و فورش مایملك خود. در زمین مزبور برای عائله اش سرپناهی احداث نمای، لکن بدون رضایت مالك زمین، وسیله احراز ادارات دولتی

تملك شده است، آیا از نظر شرعی چنین تملکی مشروع است یا غصب و حرام؟

ج: هوالعالم، چنانچه زمین را تملک نموده بوده است و تعطیل اختمان از روی اهمال نبوده، کسی نمی تواند آن را تملک بدون رضات مالکش بنماید.

س۴۷۵: غاصب مال در صورت تلف آن مال و یا اتلاف ان، آیا آن رادر کدام زمان یوم التلف یا یوم الدفع و یا اعلی القیم. ضامن است؟

ج: هوالعالم، میزان قیمت یوم الاداء و الدفع است.

احکام وقف

س۴۷۶: زمین موقوفه ای در بیرون از هر، در دوران قدیم آباد و قابل استفاده بوده است اما الان بخاطر شرایط نبود امکانات کشاورزی، هیچگونه استفاده عملی از آن برده نمی شود و در جهت وقف کاربرد ندارد لکن در حال حاضر در نزدیکی این زمین پالایشگاه... بهوجود آمده است کهفقط می توان آن زمین را فروخت و در عوض آن در شهر اقدام به ساخت حسینیه نمود، آیا فروختن آن با این کیفیت جایز است؟

ج: هوالعالم، با خصوصیاتی که نوشته اید زمین موقوفه را میتوانید بفروشید و پول آن را در مصرفی که تعیین شده است مصرفی نمایید. و چنانچه مصرف معینی ندارد، و یا معلوم نیست، پس صرف در ساخته حسینیه می تواند نمود.

س۴۷۷: مدرسه ای است در کاشان از بناهای فتحعلیشاه، که در متن وقف نامه چنین است:

«امر تولیت درحال با اعلم العلماء العظام. افضل الفضلاء المجتهدین الفحام، جامع المعقول و المنقول، حاوی الفروع و الاصول آخوند ملا احمد رزاقی، و بعد از وفات او متعلق است به اعدل و ارشد اولاد و اعقاب او بطنا بعد بطن، و در صورت نبود اعدل و ارشد با اعلم

علمای بلد»

بفرمایید آیا اعقاب و اولاد دختری اگر در آن اعدل وارد شده باشد می تواند امر تولیت را به عهده بگیرد و متولی باشد؟

ج: هوالعالم، بلی می تواند متولی باشد زیرا ولد بر او صدق می کند.

س۴۷۸: در صورتی که در مسأله قبلی فرزند دختر بتواند متولی وقف شود. و ولد شمرده شود پس شخصی که ولد دختری هاشم جد رسول خدا(ص) باشد نیز باید بتواند خمس بگیرد، آیا چنین است یا فرقی بین مسئله خمس و مسئله قبل وجود دارد؟ لطلفا بیان فرمایید؟

ج: هوالعالم، در مسئله خمس اگر روایت معتبر خاصی نبود می گفتم خمس می شود به پسر دختر هم داد، ولی روایت به خصوص وارد شده است و صریح است در این که نمی شود به او خمس داد، بنابراین فرق واضح است.

س۴۷۹: منصب و مقامی که فقیه جامع شرایط به کسی بدهد همانند تلیت موقوفه ای، آیا آن منصب به فوت آن فقیه باطل می شود یا خیر بلکه بعد از فوت او نیز به قوت خود باقی است؟

ج: هوالعالم، چنانچه فقیه اجازه و اذن در تصرف در موقوفه را به کسی بدهد با موت فقیه اذن از بین می رود، ولی اگر منصب تولیت به او بدهد با موت فقیه آن منصب باقی است و از بین نمی رود.

س۴۸۰: اینجانب دارای دو برادر و چهار خواهر هستم که در مجموع هفت نفریم و پدرمان در زمان حیاتش یکباب دکان ملکی خود را بدون اینکه نشوته ای تنظیم کند به صورت شفاهی وقف نمود برای حضرت عباس (ع) و دو سال هم در حال حیاتش در جهت وقف

اعـام نمود و سـال سوم بـا اینکه برنـج و روغن اطعام را خریـداری کرده قبل از ایام محرم فوت کرد و لکن در وصـیت عمل به اطعام را متذکر شده است و نیز دو دفعه این وقف مذکور را در حضور عده ای بیان کرد

۱ در مغازه خود بین عـده ای دوسـتان و رفایش ۲ در منزل با حضور خویشاونـدان، زن و فرزندان و در خطاب به پسـران چنین گفت:

«این مغازه وقف حضـرت عباس است و هیچ کس حق فروش آن را ندارد و سه کار خیر انجام می دادم که شـما نیز باید انجام دهید و متولی این کار خیر فرزندان من هستند بدین ترتیب اول: اولاد من به ترتیب من، دوم: با فوت اولاد من، نوه ها به ترتیب سن، سه کار عبارتند از ۱ اطعام روز تاسوعا ۲ اداره سقاخانه جلو مغازه ۳ پختن آش.»

حالا بعـد از فوت او بین ورثه اختلاف شـده و دو پسـر در دادگاه اقرار کردند و چهار سـهم خود را به عنوان وقف پذیرفتند اما یـک پسـر و چهـار دختر نمی پذیرنـد و قسم خوردنـد، دامادهـا هم کتمان مطلب می کننـد و شـهود هم بوده انـد که یکبار در دادگاه حاضـر شدنـد و قاری پرونـده با آنها درگیری ایجاد نمود و قهر کردنـد و رفتنـد و الان هم آنها جز یک نفر فوت کرده اند.

آن بچه هایی که وقف را قبول ندارنـد و نیز دامادها می گوینـد: پـدر پیر مرد بوده باید با اجازه زن. امر خیری مقرر می کرد یا فلا دخترش محتاج است باید به فکر او می بود و... این مسئله را

قبلا از سه مرجع استفتاء نمودم که چنین فرمودند:

۱ حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی: «اگر کسی ملکی را وقف کند و در حیات خود عمل به وقف نماید وقف تمام است و ورثه از آن ارث نمی برند.»

۲ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی: «در صورت ثبوت وقفیت، مغازه وصیت نبوده بلکه از تصرفات منجز آن مرحوم بوده است و مربوط به ثلث نیست.»

۳ حضرت آیت الله العظمی اقای سید روح الله خمینی: «اگر پدر و در زمان حیات وقف کرده و طبق آن عمل نموده باید بر طبق وقف عمل شود. و در صورتی که وقفیت در زمان حیات او ثابت نباشد حکم وصیت را دارد.»

لطفا با توجه به مطالب فوق، حکم و وظیفه را بیان فرمایید.

ج: هوالعالم، آنچه آیات ثلاث نوشته اند حکم الله است. و دعوای اینکه پدر پیر بوده، یا آنکه حرفی زد، و یا دخترش احتیاج دارد همه بیهوده است. در صورت ثبوت وقفیت ولو نوشته نباشد باید به آن عمل شود. و خورد مال موقوفه عواقب سختی در دنیا و آخرت دارد.

مسجد

س۴۸۱: مسجدی مخروبه شده و چون حیوانات به داخل آن می روند و باعث هتک حرمت آن می شود تصمیم گرفتیم آن را تجدید بنا کنیم ولی شهرداری می گوید باید برای تجدید بنا عقب نشینی شود بفرمایید آیا عقب نشینی جایز است؟

ج: هوالعالم، اگر مختار باشید جایزن نیست. ولی در صورت اجبار اشکال ندارد.

س۴۸۲: مسجدی بر اثر تعریض کوچه، از بین رفته و فقط به متراژ ۵×۰۷۵/ از آن باقیمانده، که با آن نمی شود مسجد ساخت و از طرفی شهرداری پول

زمین خیابان شده را به عنوان خسارت می پردازد آیا می شود مبلغ خسارتی شهرداری را برای بنای مسجد سوال قبلی مصرف کرد؟

ج: هوالعالم، بلی می شود.

س۴۸۳: با توجه به اینکه بسیاری از مساجد مخروبه در شهرستان ها هست که بر اثر تعریض خیابان یا کوچه، قابلیت احداث مسجد را ندارند و از طرفی چه بسا مورد هتک حرمت حیوانات قرار میگیرند. بفرمایید نسبت به مقدار باقیمانده آنها. تکلیف چیست؟

ج: هوالعالم، موقوفات دیگر غیر از مسجد را می توان فروخت اما مسجد قابل بیع نیست، ولی می توان اجاره داد برای زراعت یا بنای خانه و دکان و غیر ذلک، و پول آن را در مسجد دیگر مصرف نمود.

س۴۸۴: اهالی روستایی کمک کردند و مسجد قدیمی روستا را بازسازی نموده اند سفت کاری مسجد انجام گرفت و یک مقدار آهن و آجر و سیمان برای ساخت وضو خانه باقی مانده بود بفرمایید:

اولا: آیا می توان این مصالح باقیمانده را برای ساختمان شخصی مصف کرد؟

ج: هوالعالم، خیر نمی شود. بلی چنانچه مسجد حتی برای وضو خانه احتیاج به آنها ندارد. می شود با نظر مجتهد برداشت و پول آن را برای مصارف دیگر مسجد بپردازند.

س۴۸۵: ثانیا: این مصالح باقیمانده را شخصی برای ساختمان خود استفاده کرده. آیا آن شخص مالک ساختمان می شود؟

ج: هوالعالم، البته خلاف شرع نموده و آن ساختمان مشترک می شود بین او و مسجد، پس با نظر مجتهد پول آن باقیمانده را بپردازد برای مصارف مسجد.

س۴۸۶: در صورتی که مسجد در طرح توسعه خیابان قرار بگیرد به چه علتی تخریب آن حرام است ولی در عوض تخریب مدرسه، مغازه و منازل مردم

جایز است؟

ج: هوالعالم، در مواردی که جایز است تخریب، فرقی بین مسجد و غیر مسجد نیست. کما اینکه در موارد حرام فرق بین آن دو نیست.

س۴۸۷: اینجانب... در یکی از مساجد منطقه محرم در شهرستان... به اقامه جماعت و تبلیغ مشغول می باشم و چون شبستان این مسجد کوچک بود به همت خیرین و مؤمنین چند خانه اطراف را خریدیم و به مسد اضافه کردیم و آن را توسعه دادیم و الان قرار بر این شده که قسمت جید دارای سه طبقه باشد:

۱ طبقه همکف، شبستان مسجد است که وقفیت و مسجدیت آن تا ارتفاع هفت متر قرار داده شده است.

۲ طبقه اول، دارای یک سالن می باشد که جهت اطعام در مراسم های مذهبی و ختم و... مورد استفاده قرار می گیرد.

۳ طبقه دوم، بنابراین شد که چند واحد مسکونی جهت احتیاجات مسجد احداث شود لکن چون مسجد بودجه ای برای احداث این واحدها در اختیار ندارد. اینجانب تصمیم گرفتم که از بودجه مردسه علمیه امام صادق (علیه افضل الصلوه و السلام) که در مجاورت مسجد قرار دارد و بنده آن را تاسیس نمودم، این واحدها را تکمیل نمایم و در اختیار اساتید و طلاب مدرسه قرار دهم. تا هر گاه که بودجه ای برای مسجد تامین شد و مه هزینه احداث این واحدها را به مدرسه برگرداندند پس این واحدها را در اختیار مسجد قرار دهم، حال سوالم این است که آیا انجام چنین کاری جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، با خصوصیاتی که مرقوم فرموده اید: که با اموالی که وقف برای مصرف خاصی نشده است و بنا دارید بعد از تامین بودجه

مسجد، وقف برای مسجد شود همه اعمالتان صحیح و موافق شرع است و مورد رضایت ولی عصر -ارواحنا فداه که لابد مقداری از پول ها از سهم آن سرور است.

س۴۸۸: اینکه در روایت امام صادق (ع) آمده: «یکره النوم فی المساجد و لا یجوز فی المسجدین الذین کانا علی عهد النبی (ص) آیا آن مقداری که اضافه به دو مسجد الحرام و مسجد النبی شده حکم همان بناء سابق دارد؟

ج: هوالعالم، در مسجدین اگر نهی هم باشد محمول برکراهت است پس حرام نیست نوم در مسجدین ثانیا: و علی التقدیرین حکم مختص است به مسجد زمان النبی (ص) و شامل زیادی نیست.

حسینه

س۴۸۹: شخصی در کتابش نوشته: شیعیان یک محل به نام «حسینیه» به نام حضرت عباس، به نام حضرت زینب، به نام حضرت صاحب الزمان (عج) و... درست می کنند و نامش در زبان اردو «امام بارگاه» می نهند و در این محل مجالس عزاداری برگذار می کنند و پول زیادی بر ساختمان خرج می نمایند و برای آن محل احترام قائلند ولو احکام مسجد جاری نمی دانند اما احترام فوق العاده قائلند و خیال می کنند که در مجالس عزاداری و یا مجالس اعیاد ائمه اطهار (ع) ارواح آنها در مجالس حاضر می شوند و نیز در ایام عزاء آن محل ها را سیاهپوش می کنند.

این شخص صحبت را به درازا کشید تا اینکه گفته: غیر از مجسد هیچ جا مقدس و احترام ندارد و همه اینها از بدعاتاست و مصرف کردن برای این طور جاها جایز نیست.

لطفا بیان فرمایید جای مخصوصی را به نام حسینیه بنا کردن، موجب تقدس و احترام

آن می شود؟ و مصرف کردن پول برای این محل ها شرعا چگونه است آیا ثواب دارد؟ آیا این محل ها که در آنها ذکر مصائب ااهل بیت (ع) و عزای آنها می شود از شعائر الله به حساب می آید؟

ج: هوالعالم، احترام این اماکن یک امر عرفی عقلایی است شما ببینید در تاریخ تمام ادیان و عقلاء بر محلی که امر مهمی انجام شده است و یا شخصیت مهمی در آنجا زندگی کرده چقدر اهمیت قائلند.

س۴۹۰:شخصی در کویت منزلش را به نام حسینیه وقف مؤبد کرده و حدود هفده سال به صورت حسینیه بوده و در آن عزاداری و ذکر امام حسین (ع) برقرار شده اما بعد از هفده سال. خود واقف در زمان حیاتش، وقف حسینیه را تغییر داده و آن جا را تبدیل به منزل اجاره ای کرده که در آمدش به مصرف حسینیه دیگری به نام حسینیه جعفریه شود پس بعد از مدتی آن منزل را فروخته و عوض آن عمارتی خریده که اجاره داده می شود و در امدش صرف حسینیه جعفریه می شود و این تغییر وقف بااذن مرجع دینی کویت آقای... صورت گرفه و با اشرف او بوده است. حال بفرمایید.

اولا: آیا تغییر وقف حسینیه به منزل یا عمارت توسط مرجع دینی جایز است؟

ج: هوالعالم، طبق فتوای من جایز نیست ولکن کسی که خودش را مرجع می داند همانگونه که نوشتید به فتوای خودش عمل می کند و فتوای غیر برای او اثری ندارد بلی تنها در صورتی که حسینیه خراب شده باشد و بدون هیچ فائده ای رها شده باشد جایز است با اذن مجتهد

جامع شرایط فروختن و تبدیل آن به حسینیه دیگری.

س۴۹۱: ثانیا: آیا لازم است عمارت خریدرای شده فروخته شود و تبدیل به حسینیه دیگر گردد؟

ج: هوالعالم، از جواب سال اول، جواب این سوال هم معلوم می شود.

س۴۹۲: شخصی اجیر شده برای تعمیر کردن چاه حسینیه ای، پس اجیر به درون چاه افتاده و مصدوق گردیده، لطفا بفرمایید که در این بین چه کسی مسئول است آیا هیئت امنای حسینیه یا اجیر کنند و یا شخص اجیر؟

ج: هوالعالم، به این نحو که سوال شده است هیئت امنا و اجیر کننده مسوولیت ندارند.

احکام نذر

س۴۹۳: اگر شخصی نذر کند چیزی به شخصی بدهد و قبل از پرداخت، آن شخص بمیرد و ورثه او مستحق نباشند آیا می توان مورد نذر را به فقیر داد؟

ج: هوالعالم، استحقاق ورثه شرط نیست اگر قبل از مردن عمل به نذر واجب شده باشد و تاخیر در اداء بنماید آن شخص مالک می شود و بعد از مردن او به ورثه اش می رسد.

س۴۹۴: آیا زوجه بدون اذن زوج و ولد بدون اذن پدر می تواند نذر کند و یا اعمال مستحبی انجام دهند؟

و آیا زوج و پدر می توانند نذر زوجه را حل کنند و یا نهیی از اعمال مستحبی نمایند؟

ج: هوالعالم، نذر زوجه بدون اذن زوج منعقد نمی شود. نذر ولد منعقد می شود ولی پدر می تواند منحل کند نذر را.

اما نسبت به اعمال مستحبی چنانچه عمل مستحب لازمه اش خرج از خانه است نسبت به زن مشروط است به اذن زوج و همچنین اگر منافی حق استمتاع باشد و الا بدون اذن صیح است ولی زوج و پدر می

توانند نهی کنند.

س۴۹۵: کسی که نـدر کرده با غسل وارد حرم امام رضا(ع) شود و با آن نماز بخوانـد، اگر بعـد از غسل حـدث اکبر یا حدث اصغر از او صادر شود آیا می تواند وارد حرم شود، و اگر وضو بگیرد می تواند نماز بخواند؟

ج: هوالعالم، نذر دخول حرم اگر تنها بود می گفتم غسل اول روز تا آخر آن و اول شب تا آخر شب کافی است و لازم نیست اگر محـدث شـد دو مرتبه غسل کند ولی چون نذر کرده است که با آن نماز بخواند، وارد حرم می تواند بشود ولی برای نماز باید وضو بگیرد و اگر جنب شد غسل کند.

(جواب گنگ) **س۴۹۶:** کسی که یقین دارد نذری کرده است ولی جنس و نوع نذر را فراموش کرده است تکلیف او چیست؟

ج: هوالعالم، به مقدار متیقن خرج مطلق وجوه بر بنماید.

س۴۹۷: کسی که برای حرم امام رضا (ع) مبلغی نذر کرده و قبل از رسیدن سال خمسی مبلغ مذکور را به نیت نذر جدا کرده است تاموقع تشرف به ضرحی شریف بیندازد آیا موقع رسیدن سال خمسی به مبلغ مذکور خمس تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، خیر تعلق نمی گیرد.

احکام شرط

س۴۹۸: آیا شـرط بنـدی حرام است یا نه؟ مثلا معلم به شاگردش می گویـد اگر سوال مرا جواب بدهی پس چیزی به شـما می دهم. بفرمایید که این عمل چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، خود عمل کار خلافی نیست ولی معلم (شرط کننده) مدیون نمی شود حتی در صورتی که شاگرد جواب درست بدهد و چنانچه پول را از روی رضا و رغبت بدهد حلال است بر شاگرد، و اگر رضایت نباشد

بر شاگرد جایز نیست گرفتن آن پول.

خلاصه: شرط بندی حرام نیست ولی ملزم هم نیست.

احکام وصیت

س۴۹۹: در صورتی که شخصی وصیت کرده که ثلث زمین مرا بفروشید و به نیابت از من به زیارت امام رضا (ع) یا عمره بروید آیا خود وصی این عمل را انجام دهد جایز است؟

ج: هوالعالم، بلی جایز است مگر اینکه قرینه ای در وصیت باشد که خود وصی عمل نکند.

س۵۰۰: کسی که وصیت کرده به اینکه ثلث مال مرا به مصرف خیرات برسانید آیا می توان بدن او را به اعتاب مقدسه معصومین (ع) انقال داد و این جزء خیرات است؟

ج: هوالعالم، بلی جز خیرات است.

س۵۰۱: شخصی در وصیت نامه خود چنین مرقوم داشته است که: «منافع زمین موسوم به نام... مختص روضه خوانی سالیانه است و ورثه حقی در آنندارند» آیا عبارت مزبور منصرف به وقف است یا وصیت؟ با توجه به اینکه آن شخص در زمان حیاتش در آمد زمین مذکور را صرف عزاداری سید الشهداء (ع) می کرده است و در بین فامیل معروف است به زمین روضه،

ج: هوالعالم، ظاهر حال وصیت است و اگر مراد او وقف بوده وقف منفعت باطل است و علی التقدیرین منفعت آن زمین تا ابد باید صرف روضه خوانی شود.

س۵۰۲: زمین مذکور در سوال قبل، حالا در مسیر رفت و آمد عموم قرار گرفته است و توسط شهرداری خیابان شده است و شهرداری مبلغی بابت قیمت زمین به ورثه داده است بفرمایید که آن مبلغ که عوض زمین است به چه مصرفی برسد؟

ج: هوالعالم، باید صرف عزاداری شود.

س۵۰۳: لطفا با توجه به دو سوال قبلی بفرمایید که: مسوولیت مباشرت بر

در آمد زمین و اقامه مجالس با فرض موت وصی، به عهده کیست؟

ج: هوالعالم، با مجتهد جامع الشرایط است.

احکام ارث

س۵۰۴: اینجانب دو برادر و سه خواهر مادری دارم و پدرم از آنها جدا است. پدر و مادرمان قبلا فوت کرده اند. و یکی از برادر مادری من هم نه سال پیش فوت کرده است و اولاد هم ندارد، آقای... مال این برادر را بین برادر و خواهرهای دیگر تقسیم کرده و به من سهمی نداده است. از حضرتعالی تقاضا می شود بفرمایید آیا از مال او سهمی به من ارث می رسد یا خیر؟

ج: هوالعالم، چنانچه میت پدر و مادر و اولاد ندارد مانند برادر شما اگر بعد از پدر و مادرش فوق تکرده است پس وارث او برادر و خواهر پدر ومادری باشند و یک برادر مادری که ظاهرا وضع شما چنین است در نتیجه یک ششم مال او به شما تعلق می گیرد و بقیه به باقی ورثه. به هر حال شما ارث می برید.

س۵۰۵: زن و شوهری که اگر یکی از آنها قبل از نزدیکی زفاف بمیرد آیا دیگری ارث می برد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، چون در ارث بردن دخول شرط نیست.

س۵۰۶: شخصی فوت کرده و از او یک باب ساختمان مسکونی باقی مانده و متوفقی دارای فرزندان پسر و دختر و یک زوجه می باشد و با توجه به اینکه فرزندان آن مرحوم همگی کبیر و رسید می باشند از بابت قیمت یک هستم ماع اعیانی سهم الارث زوجه با توافق زوجه از عین اعیانی به وی انتقال داده اند و بر همین اساس سند مالکیت

یک هشـتم مشاع اعیانی به نام زوجه تنظیم و اخذ شده است و پس از مدتی در اثر حوادث طبیعی از قبیل سید و زلزله و... کل اعیانی از بین رفته است و در واقع تمامش تلف شـده است و فرزنـدان عرصه زمین را دارنـد، حال بفرماییـد آیا زوجه می تواند ادعای حقی از قبیل حق اختصاص یا هر حق دیگری نسبت به دیگر وارث و یا زمین داشته باشد؟

ج: هوالعالم، با خصوصیاتی که نوشته اید زوجه هیچ گونه حقی ندارد.

س۵۰۷:قطعه زمینی به مساحت پنجهزار متر مربع به صورت مزرعه است که صاحبش به عنوان ثلث از اموالش، برای خودش نزد سیدی در حدود هشتاد سال قبل قرار داده که به صورت ثبتی گویا بوده که در آمد آن برای صاحبش بعد از فوت او خرج گردد ولی مـدتی بعـد از فوتش پسرش که وارث او بوده تنگـدست شـده و چون اسـتعاعت مالی نداشـته آن قطعه زمین را در معرض فروش می گـذارد و از پـدرم تقاضای خرید آن را می کند پس پدرم در قبال مبلغی در حدود سی سال پیش آن قطعه زمین را از سید می خرد و تحویل آن وارث تنگدست می گذارد تا با زراعت امرار معاش خود و خانواده اش بنماید حال تمام افراد یاد شـده از فروشـنده و خریـدار فوت کرده انـد و تنها سه دختر از واقف و صاحب اصل زمین باقی ماندنـد و پدرمان و ما وارثین او هیچ احتیاجی به آن زمین نداشته و نداریم. حال بفرمایید:

اولا: با توجه به فعل خریدن و واگذاری آن قطعه زمین به فرزندش و احتیاج مبرم این

سه دختر که وارث صاحب زمنی می باشند آیا می توانند آن قطعه زمین را بفروشند یا خیر؟

ج: هوالعالم، چنانچه ثلث را صاحبش برای خودش قرار داده به وراث نمی رسد

س۵۰۸: ثانیا: بعد از فوت آن فرزند فرزند صاحب اصلی زمین زمین به صورت اجاره، منبع درآمد همسرش بوده و چیزی هم برای شوهر و پدر شوهرش خرج می کرده، آیا این عمل مشروع است؟

ج: هوالعالم، منافع زمین باید خرج آن صاحب زمین که ثلث را برای خودش قرار داده بشود.

س۵۰۹: ثالثا: حال آن همسر نیز فوت کرده و تنها سه دخر فوق الذکر به جا مانده اند آیا آنها حق استفاده و برداشت از زمین دارند؟

ج: هوالعالم، سه دختر حقی در زمین ندارند.

س۵۱۰: ملکی در محلی پس از فوت مورث بین وراث به صورت شرعی و قانونی تقسیم گردیده و سهم هر یک به استناد سند مالکیت و علائم اهری تفکیک شده، توضیح اینکه ملک مزبور به صورت باغ و ساختمان مسکونی هم اکنون در تصرف هر یک از مالکین می باشد حال بفرمایید آیا یکی از وراث بدون توافق و رضایت دیگران می تواند قسمتی از این ملک را که در تصرف او نیست به عنوان معدن سنگ، پروانه استخراج را با تبانی صادر کرده و بهره برداری را کلا بدون لحاظ منافع دیگران به خود اختصاص دهد؟

ج: هوالعالم، بدون رضایت دیگران عملی است غیر ممضی شرعا، بلی چنانچه بقیه ورثه بعدا رضایت بدهند و شریک در بهره برداری بشوند معامله ای که کرده است فضولی است و با اجازه بقیه شرکاء کامل می شود و ممضی،

شرعا.

احکام قضاوت

س۵۱۱: در باب قضاوت آیا مجتهدی متجزی می تواند قاضی شود و یا اینکه معتبر است که قاضی مجتهد مطلق باشد؟

ج: هوالعالم، معتبر است مجتهد مطلق باشد.

س۵۱۲: آیا اعلمیت در قاضی شرط است و یا اینکه غیر اعلم هم میتواند قاضی شود؟

ج: هوالعالم، اعلمیت در قاضی شرط نیست.

س۵۱۳: اینکه حاکم می تواند به علم خود قضاوت کند آیا علم حاکم ملحق است به عنوان اقرار یا به بیند و یا اینکه عنوان مستقلی است؟

ج: هوالعالم، یکی از اسبابی که قاضی می تواند بر طبق آن قضاوت کند علم قاضی است ولکن اظهر این است که عنوان مستقلی است و مشهور فقهاء هم به همین قائلند.

س۵۱۴: لطفا بفرمایید چرا در باب قضاوت بیند بر قاعده ید مقدم است؟

ج: هوالعالم، چون اصل قضاوت متوقف بر آن است و روایات هم تواتر دلالت می کند بر آن.

س۵۱۵: آیا شهادت وسواس در باب شهادت صحیح است و بر آن ترتیب اثر داده می شود؟

ج: هوالعالم، عنوان وسواس مانع از قبیل شهادت نیست.

س۵۱۶: آیا قاضی تحکیم در زمان غیبت کبری داریم؟ و چه شرایطی دارد؟

ج: هوالعالم، قاضی تحکیم مختص به زمان حضور است.

س۵۱۷: فرق خبر و شهادت چه می باشد؟ و آیا خبر نیز حجت است؟

ج: هوالعالم، شهادت مربوط به باب قضاوت است در آن تعدد شرط است. خبر در غیر آن باب است و به نظر ما خبر ثقه در موضوعات حجت است.

(ت) س۵۱۸: آیا اجازه قضاوت برای زنان می فرمایید یا خیر؟

ج: هوالعالم، زن حق قضاوت ندارد.

احکام گناهان

غیبت

س۵۱۹: اگر شخصی بگوید هر کس غیبت مرا بنماید من راضی هستم آیا غیبت او جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، در

حرمت غیبت معتبر است آنکه چیزی که شخص از ذکر آن کراهت دارد گفته شود، بنابراین اگر بگوید در هر موردی من به ذر این عیب راضیم و ناراحت نمی شوم جایز است آن غیبت، ولی باز در مورد عیب دیگر حرام است.

س۵۲۰: اینجانب در موارد بسیاری مرتکب گناه غیبت می شوم، غیبت می کنم و یا غیبت می شنوم. و اگر بخواهم وجدانم را تسکین دهم و به سراغ کسانی برم که غیبت آنها کرده ام و یا شنیده ام و از آنها حلالیت بطلبم کار به قهر و درگیری می کشد و راضب هم نمی شوند لطفا مرا راهنمایی فرمایید؟

ج: هوالعالم، توبه کنید و استغفار نمایید، انشاء الله خدای تعالی شما را می بخشد.

س۵۲۱: در صورتی که پدر یا مادر غیبت دیگران می کنند و ما می شنویم اگر بخواهیم اعتراض کنیم و مخالف غیبت کردن باشیم، شدیدا دل آزده و ناراحت می شند، تقاضا می شود ما را راهنمایی فرمایید؟

ج: هوالعالم، شما با زبان ملایم آنها را نهی کنید و گوش به حرف های آنها ندهید و در مجلسی که غیبت می کنند ننشینید.

س۵۲۲: شوهرم بسیار انسان متدین و پاک است ولی این عیب را دارد که بسیار اهل غیبت کردن و شوخی کردن و مسخره کردن دیگران است به طریقی که از بدن یا قیافه دوست و آشنا می گوید و مسخره می کند و هیچ منظور بدی هم ندارد فقط به قصد خنداندن و عصبانی کردن من است هر چه نصیحت می کنم و نهی از منکر می کنم باز هم دست از این کار بر نمی دارد، بفرمایید وظیفه

من چیست؟

ج: هوالعالم، شما بیش از نهی از منکر وظیفه ندارید.

اسراف

س۵۲۳: اسراف در چه مواردی حرام است و در چه مواردی حرام نیست؟

ج: هوالعالم، اسراف در جمیع موارد حرام است و روایات در مورد طیب وضوء و یا حج و عمره و یا مأکول و مشروب وارد شده است که دلالت بر جواز اسراف در این موارد دارند ولی مراد آن روایات آن است که اسراف نیست و الا اگر صدق اسراف کند حرام است.

جادو و طلسم

س۵۲۴: اینجانب اطلاع یافتم که برای یکی از دختران فامیل ما جادو کرده ادن و بخت او را بسته اند و به این دلیل به هر خواستگاری که می اید جواب منفی می دهد لذا خواهشمندم اگر در احادیث معصمین (ع) برای باطل شدن چنین جادویی، دستور العملی بیان شده است مرقوم نمایید تا به وسیله آن دستور که توسط دخر و خانواده اش انجام می گیرد از آن رفع مشکل گردد؟

ج: هوالعالم، برای هر حاجتی باید مراجعه به اخبار وارده از حضرات معصومین (ع) نمود. آنچه که بر هر کاری دوا است نماز حضرت پیغمبر اکرم (ص) و حضرت امیر المومنین (ع۹ و حضرت فاطمه زهرا (س) و جعفر طیار و زیارت عاشورا خصوصا چهل روز متوالی خواند است.

و قطع نظر از همه اینها یک ختمی که در روایت است و جمعی ادعای تجربه کرده اند و گفته اند بسیار سریع التأثیر است و آن ختم به این نحو است که: روز پنجشنبه را روزه گرفته و با غسل صد مرتبه صلوات بفرستد و دو رکعت نماز حاجت بخواند و در هر رکعت بعد از حمد پانزده

مرتبه آیه الکرسی و بیست و پنج مرتبه «قل هو الله احد» بخواند و بعد از سلام بلافاصله چهل و یک هزار بار بگوید «یا وهاب»

س۵۲۵: متاسفانه در عصر حاضر گستره خراقه و خرافه پرستی به حدی رسیده است که در هر کوی و برزن شاهد هستیم که افرادی به عنوان فال گیر، رمال، جادوگر، طالع بین، کف بین، با انواع و اقسامش همچون فال هندی، فال چینی، فال قهوه، فال پرنده. طالع زنان در بروج، فال حافظ احضار اراح، جن گیری، انتقال انرژی، تجویز طلسمات و برخی موارد خاص. ادعای گره گشایی. معالجه امراض. خبر از گذشته و اینده و مغیبات می دهند که در بخری م وارد آیات و اسماء الهی را نیز مورد استفاده قرار می دهند و به کارشان رنگ و بوی دینی می دهند و از آن راهی نیز برای کاسبی خود پیدا می کنند مثلاـ می گویند چیزی از تو خواهند دزدید. مال و ثروت به تو می رسد. صاحب فرزند پسر می شود. یک خانم بلند قد یا کوتاه قد دشمن و بدخواه تو است و به تو حسودی می کند و.. حال اگر می خواهی از شرش خلاص شوی باید فلان مبلغ پول بدهی تا دعا و طلسم به تو بدهم. بنابراین نظر حضرتعالی را در خصوص سوالات ذیل مرقوم بفرمایید:

۱ فال گیری، رمالی، سحر و جادو، هیپنوتیزم، جفر، انتقال انرژی، دراسلام دارای چه حکمی است. نظر شارع مقدس در مورد پرداختن به این امور چیست؟

ج: هوالعالم، سوال خیلی مجمل است چون بر سحر هشت معنا کرده اند به هر حال سحر فی نفسه

حرام مؤکد است در رایت نبوی است: «السحر و الشرک تعرونان» و در رایت علوی است: «من تعلم شیئا من السحر فقد کفر».
و جادو نیز حرام است، ولی جفر نمی دانم که حرام باشد.

و اما دف سحر به سحر، فقها گفته اند که جایز است و ما هم در صورت انحصار. فتوی به جواز داده ایم.

و اما شعبده. کهانه همه اینها حرام است و نیز رجوع به ساحر و کاهن و... جایز نیست و اما جن گیری و احضار ارواح اگر اهانت به کسی که جایز نیست اهانتش نباشد جایز است.

س۵۲۶: آیا رجوع به افراد مذکور برایگره گشایی و معالجه جایز است؟

ج: هوالعالم، رجوع به افراد مذکور جایز نیست خصوصا که اغلب انان بازیگر و در دروغگو می باشند.

س۵۲۷: تعلیم و تعلم این امور چه حکمی دارد؟ نگهداری و مطالعه کتبی که در این زمینه نگاشته شده است دارای چه حکمی است؟

ج: هوالعالم، تعلیم و تعلم سحر در صورت احتیاج به دفع سحر ساحرین جایز است در غیر این صورت جایز نیست.

نگهداری کتب اشکال ندارد خصوصا ممکن است برای رد آنان مورد حاجت قرار گیرد.

س۵۲۸: بعضی از فال گیران به درخواست مراجعین به قران مجید تفأل زده و بدون داشتن علم کافی به تفسیر آن می پردازند و در جواب تفأل نظر خود را می گویند نه نظر قرآن را، آیا این عمل جایز است؟

ج: هوالعالم، تفتل به قران به خصوص روایاتی غیر از رایات نهی از تفسیر به رای وارد شده است که دلالت بر حرمت آن دارد.

س۵۲۹: آیا افراد مذکور همانند دکتر معالج انسان محرم هستند؟ آیا

می توانند جهت معالجه به وسیله طلسمات و انتقال انرژی دست به اعضای بدن نامحرم بکشند.

ج: هوالعالم، ابدا محرم نیستند.

س۵۳۰: توصیه حضرتعالی به افرادی که به جای پیدا کردن راه حل مناسب برای رفع مشکلاتشان به این گونه افراد متوسل شده و نه تنها مال خود را از دست می دهند بلکه در برخی موارد عرض خود را نیز از دست می دهند چیست؟

ج: هوالعالم، توصیه ما به این افراد این است که تابع دستوراتاسلامی باشند. که در آن دستورات شدیدا نهی شده از مراجعه به این گونه افراد.

از مصائب شدیده این ایام اینکه جماعتی ادعای تشرف به حضور انور حضرت بقیه الله فی الرضین ارواح من سواه فداه می نمایند و از آن بزرگوار چیزهایی نقل می کنند و این ها روز به روز زیاد می شوند سوالات زیادی از ممالک اسلامی مانند عراق، حجاز، امارات و پاکستان از ما می شود که اگر اجازه می دهید ما به آنهارجوع کنیم و می گویند جوانان ما زیاد دور آنها را گرفته اند و قضیه بالاتر از این حرف ها است که نمی توانم بنویسم.

مسائل متفرقه گناه

س۵۳۱: تقلب در امتحال چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، تقلب مطلقا کار بدی است.

س۵۳۲: آیا شرط بندی حرام است یا نه؟ مثلا معلم به شاگردش بگوید اگر سوال مرا جواب بدهی چیزی به شما می دهم؟

ج: هوالعالم، خود عمل کار خلافی نیست ولی معلم مدیون نمی شود حتی در صورتی که شاگرد جواب درست بدهد.

خلاصه: شرط بندی حرام نیست ولی ملزم هم نیست.

س۵۳۳: در مسیر مورچه ها اگر انسانی ندانسته پا روی آنهابگذارد و مبیرند و

یا دانسته چون راه دیگری ندارد پا ری آنها بگذارند آیا گناه محسوب می شود؟

ج: هوالعالم، خیر گناه ندارد.

توبه

س۵۳۴: متأسفانه اینجانب از سن تکلیف تاکنون که بیست و سه سال دارم مرتکب گناه استمناع شده ام ویکی دو سال است که با عنایت خداوند خیل کم به این وسوسه و گناه دچار می شوم و در هر دفعه غسل جنابت کرده ودر دلم توبه میکنم و باز گاهی به این وسوسه دچار می شوم آیا غسل نابت انسان را پاک می کند؟ و یااینکه اگر برای همیشه دست از این کار کثیف بردارم خداوند توبه مرا می پذیرد؟

ج: هوالعالم، چنانچه توبه کنید و دیگر این عمل قبیح را مرتکب نشوید خداوند شما را می بخشد.

س۵۳۵: جوانی به همراه گروهی برای صید ماهی رفتند و با همدیگر ماهی حرام بدون فلس صید کردند و آن را به گروهی از شیعه فروختند و آنها نیز به گروهی از عامل فروختند حال آن جوان پشیمان از عمل خویش شده و توبه کرده بفرمایید برای اینکه برئی الذمه شود چکار کند؟

ج: هوالعالم، چنانچه کسانی که از او خریدند را می شناسد به آنها مراجعه کند و از آنها حلالیت بطلبد و اگر نمی شناسد پس به عنوان صدقه مبغلی به مقدار ثمن با اذن فقیه به فقرا بدهد.

احکام دیات

س۵۳۶: عاقله چه کسانی هستند و آیا در روایات تصریح به آنان شده است یا نه؟ و آیا خود شخص جانی متحمل بخشی از دید می شود یا نه؟

ج: هوالعالم، عاقله متقربین به میت هستند به اوین و یا به اب فقط به شرط ذکوریت مثل برادرها و اولاد آنها و عموها و اولاد آنها، و شرط نیست که در حال ارث ببرند. اما قاتل داخل در

عاقله نیست.

عاقله متحمل دیـد نمی شود در صورتی که قتل با اقرار ثابت شده باشد. و چنانچه جانی عاقله نداشته باشد و یا نشود از آنها به واسطه عجز یا غیره گرفت از خود جانی گرفته می شود.

در تقسیم بر عاقله قریب و بعید فرق ندارد و بالسویه تقسیم می شود. و اصل دین به ذمه قاتل است و عاقله موظف به ابراء ذمه او می باشد.

س۵۳۷: با توجه به روایت کتاب المقنع «اذا حلق رجل لحیه رجل فان لم تنبت فعلیه دیه کامله ونبتت فعلیه ثلث الـدیه» بفرمایید دیه تراشیدن ریش چقدر است؟

ج: هوالعالم، در صورتی که عـدوانا بتراشـد چنانچه نرویـد تا یکسال بکله تا ابـد دیه کامله است. و اگر بروید ثلث دیه است. و اگر با رضایت خود آن شخص باشد دیه ندارد.

احکام قصاص

س۵۳۸: فرض مسئله این است که مربی ورزشی که در تعلیمات خود رعایت موازین شرعی و قانونی را داشته است و با توجه به فعالیت های ورزشی بر روی وزشکاران که به همه افراد ضـربه متعارفی وارد می کرد اتفاقا یک نفر در بین آنهاتوسط هین ضربه به قتل رسید. حال بفرمایید آیا این مربی عمل او جرم محسوب می شود یا خیر؟

و اگر جرم است قتل او از کدام نوع قتل عمد، شبه عمد، خطای محض است؟

ج: هوالعالم، چون برای مربی در وقت استخدام شـرط ضـمنی است که در بعضی موارد ضربه متعارفی بزنند، پس ضربه ای که در مورد سوال وارد کرده است جرم نیست یعنی خلاف شرع نیست.

ولی چون قتل که اصلا احتمال داده نشده است در موقع استخدام و

با فعل او محقق شـده است قتل غیر عمـد است و حکم آن را دارد و بر این مطلب روایات متعدید دلالت می کند مثل روایت ( )یونس از امام صادق (ع) «ان ضرب رجل رجلا بعصا ازو بحجر خمات من ضربد واحده قبل آن یتکلم فهو یشبه العمد» و امثال این روایت.

س۵۳۹: در صورتی که مربی ورزشـی با رعایت تمامی موازین شـرعی و قانونی عملی را بر روی ورزشـکارانش انجام می دهد که متعارف بین باشگاه ها می باشد اما فرض در جایی است که مربی با قصد قتل یک نفر از کارآموزانش عملی متعارف یک ورزشـکار انجـام داده و هیـچ نوع تخطی از موازین ننموده است و آن شـخص اتفاقا به وساطه این عمل فوت نموده است. حال سوال این است که آیا این عمل مربی با توجه به قصد قتل. بدون عملی که نوعا کشنده باشد جرم است یا خیر؟

و اگر جرم است قتل واقع شـده منسب به مربی از چه نوع قتلی عمـد، شـبه عمـد، خطای محض می باشـد؟ لطفا مبنای روایی را مبسوطا بیان فرمایید؟

ج: هوالعـالم، در این فرض چون قصـد قتـل نموده به آن عمـل، لابـد احتمـال تحقق قتل هم می دهـد بنابرانی جرم است و قتل عمد.

و دلیل آن هم روایات زیادی است که در کتاب رسائل الشـیعه ( ) مذکور است مانند روایت صحیح عبدالرحمن از امام صادق (ع) «انما الخطأ آن ترید شیئا فتصیب غیره فاما کل شیئی قصدت الیه فاصبته فهو الحمد» و روایات متعدد دیگر.

احکام مسائل اجتماعی

دین و سیاست

س۵۴۰: چه نوع سیاستی با دین مبین اسلام سازگار می باشد؟

ج: هوالعالم، چون جمله ای از احکام اسلام

احکام سیاسی است و لذا خود پیغمبر اکرم (ص) اول عملی که انجام داد بعد از گرویدن اهل میدنه به اسلم تشکیل حکومت اسلامی بود پس سیاستی که بر وفق موازین اسلامی باشد سیاستی صحیح است.

جهاد

س۵۴۱: کسانی که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به جبهه ها رفته انـد و در دفاع از کشور اسالمی ایران کشته شـده اند آیا جر و پاداش شهدا را دارا می باشند؟

ج: هوالعـالم، آنهایی که با اعتقاد به اینکه جنگی است بین اسـلام و کفر و با اسـتناد به فتوای مجتهـد عادلی که او معتقـد به او است، رفته اند بلی حکم شهید را دارند.

س۵۴۲: آیا مثله کردن کافر یا مشرك چه قبل از مرگ و چه بعد از مرگ جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر جایز نیست.

س۵۴۳: مثله کردن کافر در حال حیات و یا بعد از مردم آیا جایز است یا خیر؟ به چه دلیل؟

ج: هوالعالم، در غیر حال حرب جایز نیست و همانا در روایت است که مثله کردن جایز نیست حتی نسبت به کلب

امر به معروف و نهی از منکر

س۵۴۴: نظر آیـت الله خـوئی (قـدس سـره) در کتـاب «صـراط النجـاه» ایـن است که: «امر به معروف و نهی از منکر اختصـاص ندارندبه غیر والدین» و نظر آیت الله تبریزی (دام ظله) این است که :

« اینکه ضـرب و جرح و مانند آن از مراتب امر به عروف و هی از منکر باشد مورد اشـکال است ولی ضرب و جرح و مانند آن توسط پدر و مادر و دیگر افراد خانواده در صورتی که ممانعت آنها از گاه متوقف بر آن باشد جایز است»

حـال بـا تـوجه به این دو فتـوا بفرماییـد: نظر حضـرتعالی نسبت به مطلب فوق چیست؟ و اینکه امر به معروف و نهی از منکر به نسبت به پدر و مادر چه مراتبی دارد؟

ج: هوالعالم، امر به معروف و نهی از منکر بر دو

قسم است.

۱ دعوت خاص و انفرادی، و آن عبارت است از دعوت بعضی افراد نسبت به بعضی دیگر مثل امر به فریضه خاصی نسبت به شخص تارک آن و نهی از منکر خاصی همانند دروغ و غیبت و... نسبت به شخصی که مرتکب آن است .

۲ دعوت عام و اجتماعی، و آن عبارت است از دعوت امت پیامبر سایر است را بر خیر و هدایت و نور این دعوت عام به بیان طرق. مبانی، حقایق و احکام شریعت مقدس است برای امت دیگر.

اما مورد سوال در مراتب امر به معروف و نهی از منکر از قسم اول است که دعوت خاص و انفرادی باشد و برای آن مراتبی است:

اول: انکار قلبی مثل اظهار کراهت. اعراض، ترک کلام و غیره نسبت به مرتکب گناه.

دوم: انکار لسانی.

سوم: انکار بدید و این مرتبه به دو شرط است اینکه اسیر نالایسر رعایت شود و مفسده ای در پی نداشته باشد.

چهارم: انکار به ضرب و جرح، با عدم تأثیر مراتب قبل نوبت به این مرتبه می رسد.

پنجم: قتل، باعدم کفایت مراتب قبل نوبت به قتل می رسد در صورتی که مفسده گناه معصیت کار اهم از قتل باشد و یا مصلحت قتلش اهم باشد.

و در هیچ از یک از مراتب ذکر شده دلیلی بر انحصار نداریم تا بتوان به آن استدلال کرد به فرق بین والدین و بین غیر آنها در مراتب امر به معروف و نهی از منکر.

س۵۴۵: آیا اغراء به ظلم و یا کشتن مسلمین مشمول ادله شریک در گناه غیر بودن و مشمول این فقره و لعن الله امه سمعت بذلک فرضیت به است؟

ج: هوالعالم، امر به

منکر مسلما از محرمات است.

س۵۴۶: یکی از اقوام ما که در منزلش سگ نگهـداری می کند آن را به داخل اطاق می برد و با ظرف های خود غذا می دهد و با خود به حمام می برد و بـدن خیس او به فرش های منزل مالیـده می شود و با خود به رختخواب می برد که تمامی موارد به یقین مشاهده شده است.

آیـا رفت و آمـد مـا به منزل وی جایز است یا خیر؟ و یا گاهی دست و پای ما خیس است و روی فرش قرار می گیرد و راه می رویم چه حکمی دراد؟ و غذا خوردن با آن ظرف ها چگونه است؟

ج: هوالعـالم، در صورت احتمال تأثیر، رفتن شـما به حکم نهی از منکر حرام است. و به هر تقـدیر با دست و پای خیس اگر به فرش او راه بروید یا بمالید نجس می شود. و در ظرف های او اگر اب نکشد غذا خوردن جایز نیست.

تعدیب دانش آموز در مدرسه

س۵۴۷: آیا جایز است برای مدیر مدرسه با سمت مدیریت، به جهت تأدیب، دانش آموزان را بزنند؟

ج: هوالعالم، روایات متعددی وارد شده پیرامون تعدیب دانش آموز در خصوص معلم و در آنها زدن هم تجویز شده است. اما مدیر مدرسه اگر وظیفه تربیتی دانش آموزان را دارد برای او زدن هم جایز است و الا اگر وظیفه تربیتی ندارد قهرا جایز نیست.

س۵۴۸: بر فرض اینکه زدن دانش آموزان برای مـدیر مدرسه جایز باشد ایااین حکم در موارد مختلف بین اینکه زدن اثر منفی بر دانش آموز داشته باشد مثلا تضعیف شخصیت او شود و بین اینکه اثر منفی نداشته باشد فرق

دارد؟

ج: هوالعالم، خیر. اثر مثبت و منفی که بعدا بر ضرب مترتب می شود نمی تواند ملاک جواز یا عدم جواز ضرب دانش آموز باشد.

س۵۴۹: آیا اجازه ولی دانش آموز دخیل در جواز ضرب است، که چنانچه اگر ولی اجازه زدن بچه اش را نداد مدیر هم حق زدن نداشته باشد؟

ج: هوالعالم، اینکه ولی بچه اش به مدرسه می فرستد و تعلیم و تأدیب او را به مدیریت مدرسه واگذار می کند، نفس این عمل اجازه دادن به مدیریت است و همین مقدار اجازه برای ضرب للتعدیب کفایت می کند.

س۵۵۰: مدیر مدرسه با این عذر که در مواردی تنها با عصبانیت و داد شیدن می شود بچه ها را آرام و منضبط کرد حال بفرمایید آیا برای او جایز است بر سر آنها داد بکشد؟ و آیا سب و شتم آنها در حالت عصبانیت جایز است؟

ج: هوالعالم، سب و شتم جایز نیست و اما داد کشیدن مانعی ندارد چون از لوازم تتدیب است و بعضی افراد بدون آن آرام و منظبت نمی شوند.

س۵۵۱: آیا احکامی که برای مدیر مدرسه در سوالات سابق بیان شد برای معلم هم مطرح است؟ و آیا برای معلم ضرب و تأدیب مختص به زمان تعلیم است یا در هر زمانی به طور مطلق جایز است مثلا در زنگ تفریح یا بیرون از مدرسه؟

ج: هوالعالم، جواز ضرب توسط معلم مختص است به زمان مرتبط با تعلیم، و در غیر آن زمان معلم و غیر معلم فرقی ندارند در عدم جواز ضرب.

س۵۵۲: آیا حکم ضرب در تأدیب مخصوص پسر بچه ها است و یا اینکه آن حکم در دختر بچه ها هم

جاری است؟

ج: هوالعالم، دلیل جواز ضرب برای تأدیب عام است و شامل دختر بچه ها هم می شود.

س۵۵۳: اینکه معلم یا مدیر مدرسه اجازه دارنددانش آموز را برای تأدیب بزنند دلیلش چیست؟ و زدن چه مقدار است؟

ج: هوالعالم، در روایت معتبر علوی است «ادب الیتیم و اضربه کما تؤدب و تضرب ولدک( )» و اما مقدار ضرب در جنایات شرعی، بتسگی به نظر حاکم شرع دارد و در غیر آن موارد، روایات در غایت اختلافند و کلمات فقها نیز متفاوت است عده ای قائل به کرات ضرب شده اند و عده ای قائل به حرمت ضرب شده اند نسبت به اکثر از ده سوط. و اظهر به نظر من جواز ضرب است به حدی که تا مطلوب از تأدیب حاصل شود.

مسائل متفرقه اجتماعی

س۵۵۴: سلب ارامش از اهالی خیابان های... به واسطه آلودگی صوتی افتضاح ناشی از جیغ های نابهنجار راکبین وسایل تفریحی برقی پارک... بالاخص ترانه های کذایی و سوت و کف راکبین چرخ و فکل که حتی در لیالی شهادت ائمه اطهار (ع) ساعت ها و تا ساعت یک بامداد به طول می انجامد، همچنین سلب احساس امنیت و ازادی از خانواده ها به واسطه اشراف راکبین چرخ و فلک به حریم و حرز منازل مشکونی اطراف، بعلاوه امحاء و سوزاندن زباله های پارک با دود و بویی مشمئز کننده، چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، نامه تان موجب تاسف است چون در قم که در واقع پایتخت حکومت اسلامی استاین گونه اعمال خلاف شرع وایذای مردم و سلب امنیت و آزادی از خانواده ها و... علنی بشود و متصدیان امر هیچگونه عکس العملی نشان ندهند.

ولی

ن خیال می کنم مقصر خانواده های محترمند که تا حال سکوت کرده اند در حال که تظلم و قبول ظلم مانند خود ظلم موافق شرع نیست.

به هر حالشما وظیفه اولیتان این است که رجوع نمایید به شهرداری و قوه انتظامیه و فرمانداری،... و بدون اعتراض تقاضا نمایید که آنها که موظف به اصلاح امرند، رسیدگی نمایند. من مطمئنم که مصادر امر رسیدگی خواهند نمود چون ظاهرا اکثرا متدین و مایل به خدمتگزاری می باشند.

احکام مسایل جدید(مستحدثه)

عقیم کردن

س۵۵۵: بستن لوله های رحم در زنان و یا استفاده از قرص ضد بارداری به منظور کنترل جمعیت چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز است.

جنین آزمایشگاهی

س۵۵۶: آیا از بین بردن جنین آزمایشگاهی قبل از استقرار در رحم جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی جایز است.

س۵۵۷:نطفه ای که پس از تلقیح در ازمایشگاه، صلاحیت تبدیل به انسانی را دارد آیا می شود آنرا با دست کاری تبدیل به عضو یا بافت کرد؟

ج: هوالعالم، مادامی که روح دمیده نشده جایز است.

(ت) س۵۵۸: چنانچه تلقیح سلول انسانی با نطفه زنی در آزمایشگاه صورت بگیرد آیا می توان این موجود را قبل از استقرار در رحم از بین برد و یا آن را تبدیل به بافت یا عضو کرد؟

ج: هوالعالم، بعد از استقرار در رحم نمی شود، ولی قبل از آن اشکال ندارد.

سقط جنین

س۵۵۹: چنانچه زنی برای سلامتی خودش، جنین را سقط کند چون بر او جرح است آیا جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، اگر هنوز روح ندمیده است و جرح شدید است بلی جایز است.

س۵۶۰: زنی با رضایت شوهرش برای سقط جنین به دکتر مراجعه نموده و دکتر با اجازه زن عمل سقط جنین انجام داده

بفرمایید:

اولا: دیه بر ذمه کدامیک از این سه نفر است؟

ج: هوالعالم، دیه بر ذمه زن است.

س۵۶۱: کدامیک از این سه نفر مرتبک معصیت شده؟

ج: هوالعالم، دکتر مرتکب معصیت شده است مگر انکه حرمت سقط جنین به واسطه مزاحمت حرمت آن با یک حکم دیگر از قبیل حفظ حیات مادر و یا حفظ آبروی یک فامیل ساقط شده باشد که در این صورت هیچ کدام مرتکب معصیت نشده اند.

تعییر جنسیت

س۵۶۲:آیامرد یا زن می تواند تغییر جنسیت بدهد؟ و اگر تغییر جنسیت داد ولکن باطنش خلاف ظاهر است مثلا مردی که رحم هم دارد، چه حکمی در

این مسئله است؟

ج: هوالعالم، تغییر جنسیت فی نفسه اشکال ندارد. و چنانچه در ظاهر تغییر پیدا شده اما باطن یکی است معامله به آن نحو باطن باید شود.

احکام دخانیات

س۵۶۳: استعمال دخانیات چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، اگر مضر به نفس باشد به نحوی که موجب فلج شدن عضوی از اعضا باشد و یا هلاکت نفس جایز نیست، در غیر این دو مورد جایز است.

احکام مسائل اخلاقی

خودسازی

س۵۶۴: بهترین راه خودسازی برای آدمی چیست؟

ج: هوالعالم، عمل به وظیفه شرعیه

س۵۶۵: لفا بنده حقیر را در سیر و سلوک راهنمایی بفرمایید؟ آیا در این راه از قطب و مرشد پیروی کنیم یا خیر؟

ج: هوالعالم، از در خانه اهل بیت (ع) به جایدیگر نروید و به دستورات آنها عمل کنید.

س۵۶۶: بهترین راه برای طرد شیطان چیست؟

ج: هوالعالم، عبادت خدای تعالی و ترک محرمات.

صله رحم

س۵۶۷: بعضی می گویند قطع رحم حرام است نه اینکه صله رحم واجب است لطفا نظر خود را بیان فرمایید؟

ج: هوالعالم، البته صلح رحم بسیار کار خوبی است و در روایات زیاد سفارش شده است ولی همان گنه که اشاره کرده اید قطع رحم حرام است

نفرین کردن

س۵۶۸: آیا نفرنکردن شرعا حرام است؟

ج: هوالعالم، نفرین کردن حرمتش معلوم نیست.

لعن کردن

س۵۶۹: آیا لعنت کردن اشخاص جایز است یا حرام؟

ج: هوالعالم، لعنت کردن بدون آنکه آن اشخاص خلاف شرعی انجام دهند کار صحیحی نیست ولو حرام نباشد.

احکام سادات

س۵۷۰: صدقات مستحبی و کفارات را به سادات دادن چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، هیچ اشکال ندارد.

س۵۷۱: با توجه به اینکه در آیه ۸۵ سوره انعام «و زکریا و یحیح و عیی و الیاس کل من الصالحین» حضرت عیسی از ذریه حضرت ابراهیم شمرده شده است با اینکه انتساب او به حضرت ابرهیم از طرف مارد است. و با توه به اینکه در جواب اعتراض مامون به امام رضا (ع) که چرا شما فرزند رسول خدا (ص) نامرده می شوید با اینکه تنها از مادر به آن حضرت منتسب هستید نه از پدر، امام رضا (ع) فرمود چون دختران تو به رسول خدا (ص) محرم نیستند اگر الان رسول خدا باشد می تواند با آنهاازداج کند اما دختران من به رسول خدا محرم هستند چون آن حضرت (ص) جد آنها می شود بفرمایید آیا می شود به کسی که مادرش علویه و سید است او را سیده بدانیم و به عنوان «سید» صدا بزنیم؟

ج: هوالعالم، این مسئله در فقه معنون است و من هم در جلد ۷ فقه الصادق مفصلا بحث کرده ام و اجمال آن اینکه:

اولا-ک خمس یعنی سهم سادات را باید به هاشمی داد و او مراد از آل، ذریه، عترت، و قرابت است و به نبوهاشم. و این دو عنوان صدق نمی کند مرگ بر کسی که منتسب بههاشم باشد از

طرف پدر چون ظاهر این است که این دو عنوان به ملاحظه معنای اسمی است نه اضافی

ثانیا: آنکه در روایت معتبر از امام صادق (ع) نقل شده است که فرموده «من کانت امه من بنی هاشم و ابوه من سایر قریش، فان الصدقات تحل له ول یس له من الخمس شییء لان الله تعالی یقول: ادعوهم لآبائهم».

احکام عید

عید الزهراء

س۵۷۲: روز نهم ربیع الاول را چرا عید الزهراء می نامند؟

ج: هوالعالم، معروف است که روز قتل... است و مرحوم حاج شیخ عباس قمی هم چیزهایی نوشته اند و رساله مختصری یک نفر نوشته، و در آن رساله از امام عسگری (ع) روایتی برای اعمال آن روز به عنوان روز عید نقل نموده است. و اولین روز تصدی امامت ولی عصر (عج) هم می باشد ابراز مسرت به مقتضای «یفرحون لفرحنا» خوب است.

س۵۷۳: در مورد جشن مجلس عید الزهراء چه می فرمایید با اینکه بعضی افراد ایراد می گیرند؟

ج: هوالعالم، مجلس حشن عید الزهراء بسیار کار حسنی است.

عید میلاد معصومین(ع)

س۵۷۴: کف زدن در مجلس مذهبی در حال مدح خواند مداح چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، کف زدن در اعیاد مذهبی هیچ اشکالی ندارد.

س۵۷۵: در ایام میلاد حضرات معصومی (ع)، استفاده کردن از برق تیر برق بدون اجازه اداره برق، جهت روشنایی چراغای محله، چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز نیست مگر با اذن اداره.

احکام مجلس عروسی

س۵۷۶: موسیقی، آواز، رقص در مجلس عروسی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، موسیقی مطلقا حرام است و همچنین غناء و رقص مرد در مجالس زنانه و زن در مجالس مردانه.

س۵۷۷:طشت زدن، دایره زدن، همراه با کف زدن و شعر خواند در مجلس عروسی چنانچه تحریک کننده و مفسده انگیز نباشد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، غیر از دایره بقیه اشکال ندارد.

احکام قرآن

قرائت قرآن

س۵۷۸: چنانچه کسی قرآن را بدون قصد قربت بخواند لطفا بفرمایید که، اولا: آیا عرفا و شرعا قرآن خوانده است یا خیر؟

ج: هوالعالم، قرآن خوانده است ولی ثواب به او داده نمی شود.

س۵۷۹: شخصی در کتابش نوشته: قرآن فقط برای شفای امراض روحانی است و قرائت آن شفای امراض جسمانی نمی شود قهرا برای شفای امراض جسمانی، بعضی از آیات را وسیله قرار دادن درست نیست چون قرآن یک کتاب هدایت است نه اینکه یک کتاب طب باشد و ایاتش موجب شفای بیماری های بدنی شود. در این رابطه ما را راهنمایی فرمایید؟

ج: هوالعالم، قران فی نفسه نه شفای مرض روحانی می شود، نه شفای مرض جسمانی، بلکه عمل به آن موجب سعادت می شود. وی یک از طرق عمل، آن است حضرات معصومین (ع) بفرمایند: خواندن قرآن با خصوصیات خاصه، موجب سعادت خاص دنیوی می شود. و التزام به آن هیچ محذوری ندارد.

مسائل متفرقه قرآن

س۵۸۰: با توجه به اینکه در حال حاضر در مساجد چاه نگهداری و امحای قرآن ها و اسمای جلاله وجود ندارد و اخیرا سازمان با زیافت کاغذها درخواست می کند کتابهای مستعمل و غیر قابل استفاده را به آنهاداده و در قبال آن مبلغی به مسجد می دهند. بفرمایید که تحیلو آنها برای تبدیل به کاغذ و یا محصولات کاغذی چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، ضرر ندارد شما که تسبیب به کار خلافی نمی کنید.

س۵۸۱: مراد از «من شر ما خلق» در سوره فلق چیست؟

ج: هوالعالم، مفسرین معنا کرده اند من شر ما یتحمل الشر من المخلوقات و مرادش این نیست که همه مخلوق شر هستند» در مقابل این مطلب که «وجود

خیر محض است».

احکام استخاره

س۵۸۲: آیا استخاره با قرآن یا تسبیح و یا انواع دیگر آن صحیح می باشد و در صورت صحت کدامی بر دیگری ترجیح دارد؟

ج: هوالعالم، همه اش خوب است.

س۵۸۳: آیا حضرات معصومین (ع) نیز برای خود یا دیگران استخاره می نموده اند؟

ج: هوالعالم، یقینا آنها اگر دستور داده باشند به چیزی و موضوع آن بر آنها صدق کند عمل می کردند.

س۵۸۴: اگر کسی کثیر الاستخاره باشد آیا عمل او به استخاره ها صحیح است؟

ج: هوالعالم، اگر مورد استخاره باشد بلی.

س۵۸۵: آیا عمل به استخاره - با شرایط صحیح آن واجب است؟

ج: هوالعالم، واجب نیست.

س۵۸۶: آیا تکرار استخاره در موضوعی صحیح است، یعنی استخاره بد بیاید و دوباره استخاره نماید و یا به عکس؟

ج: هوالعالم، خیر صحیح نیست.

س۵۸۷: فرق استخاره با قرعه ای که همراه با خیر خواهی نمودن از خداوند است، چیست؟

ج: هوالعالم، بعضی از استخاره ها - مانند استخاره ذات الرقاع قرعه یکی از اجزای آن است.

س۵۸۸: استخاره یک فرد برای دیگری صحیح است یا خیر، چرا؟

ج: هوالعالم، صحیح است چون فرقی در موضوع بین افراد نیست.

س۵۸۹: استخاره در مورد واجب و مستحب و مباح و مکروه و حرام، چه صورتی دارد؟

ج: هوالعالم، در مباح بلی، بلکه در مستحب و کروه نیز بلی، ولی در واجب و حرام خیر.

س۵۹۰: اگر استخاره کند شخصی سید باشد آیا اولی بر عام است یا خیر؟

ج: هوالعالم، فرقی نیست بین سید و عام.

س۵۹۱: آیا مطرح نمودن استخاره از طرف دین مبین اسلام. زمینه ای برای جلوگیری از فکر و عقل در بین مردم عوام نمی شود، چرا؟

ج: هوالعالم، خیر، چون در صورتی استخاره

صحیح است که بعد از تفکر و مشورت باشد، اگر باز متحیر ماند استخاره بنماید، و قبل از آن استخاره مورد ندارد.

س۵۹۲: انسان برای اینکه به اسخاره ای که نموده عمل نکند، چه کاری می کند تا مورد غضب خداوند واقع نشود؟

ج: هوالعالم، عمل نکردن به استخاره موجب غضب الهی نیست.

س۵۹۳: استخاره نمودن زنان اعم از اینکه استخاره بگیرند و یا اینکه دیگران برای آنهااسخاره کنند چه صورتی دارد؟

ج: هوالعالم، فرقی بین زن و مرد نیست.

س۵۹۴: استخاره برای ازداج چه مقدار حجت شرعی دارد و انسان باید با چه نیتی برای ازدواج استخاره بنماید؟

ج: هوالعالم، حجت شرعیه ندارد، استخاره مانند مشورت با یک بزرگ متفکری است.

س۵۹۵: اگر استخاره خوب بیاید و بعد انسان در موردش سختی و ضرر ببیند. می گویند خیر و صلاح شما در همان بوده پس در این صورت استخاره چه معنی دارد چون در حالت عادی نیز هر امری باری انسان مؤمن واقع می شود خیر و صلاح او می باشد؟

ج: هوالعالم، در این صورت معنای خوبی استخاره این است که اگر این کار را نمی کردی ضرر بیشتری متوجه می شد.

س۵۹۶: کسانی که مرتبا برای همه کارهای خود اعم از کوچک و بزرگ استخاره می کنند چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، صحیح نیست مگر آنکه مریض باشند و راهی برای فهمیدن صلاح وف ساد نداشته باشند مگر استخاره.

س۵۹۷: کسانی که می گویند «مطالب قران بسار عمیق است و به سادگی فهمیده نمی شود» پس با این توضیح بفرمایید چگونه می شود خوبی یا بدی حجتی را از قرآن به طریق استخاره متوجه شد؟

ج: هوالعالم، قرآن ظاهری

دارد و باطنی. اما باطن قرآن را کی جز ائمه (ع) نمی فهمند و اما ظاهر قرآن را همه می فهمند و لذا در کتب استدلالی همه به ظاهر قرآن برای استفاده احکام استدلال می کنند.

س۵۹۸: کسی که خیلی دقیق به معانی قرآن واقف نیست اگر برای مردم استخاره نماید چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه نمی تواند خوب و بد را تشخیص دهد، نباید استخاره کند.

س۵۹۹: در مورد استخاره با قران بعضی می گویند «باید قرآن کامل باشد» حال بفرمایید آیا استخاره با قرآن ناقص هم صحیح است یا خیر، چرا؟

ج: هوالعالم، با قران ناقص هم می شود استخاره نمود چون مقصد فهمیدن صلاح و فساد دنیوی است.

س۶۰۰: بفرمایید که نظر کلی حضرتهالی، راجع به استخاره چیست؟ و برای اطلاع بیشتر به چه منابعی باید رجوع نماییم؟

ج: هوالعالم، بعضی از اقسام استخاره روایت دارد و شهید (قد سره) نقل می کند: که مواردی که استخاره کرده است با تجربه قطعی می فرماید استخاره صحیح است. و کتابی در استخاره هست ولی عربی است.

مسائل اعتقادی

اصول دین

س۶۰۱: بعضی در کتابشان القا می کنند که «اصول دین سه تا می باشد و کسانی که می گویند اصول دین پنج تا است اشتباه می کنند» لطفا بفرمایید کسی که این عقیده داشته که اصول دین پنج تا است توحید، عدل، نبوت امامت، قیامت خطا کرده است و گناهکار است؟

ج: هوالعالم، معنای دین اخص از اسلام است، دین عبارت است از قوانینی که خداوند تعالی جعل کرده و قرار داده است از اصول عقائد و فروع، و واضح است که اصول دین پنج است.

اسلام و ایمان

س۶۰۲: اینکه شیعیان در کلمه طیبه این طور عبارت را ادا می نمایند «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، وصی رسول الله و خلیفته بلافصل» بعضی در کتابشان القا می کنند که «خلیفته بلافصل» در کلمه طیبه ذکر کردن از بدعات است ولو مضمون این جمله را ادا نمایند چون به این لفظ در حدیث موجود نیست. و می نویسد کلمه اسلام «لا اله الا الله، محمد رسول الله» می باشد و کلمه ایمان و لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله و خلیفه رسول الله می باشد اضافه بر این جایز نیست حال بفرمایید آیا شیعیان مرتکب گناه شده اند؟

ج: هوالعالم، آنچه دستور شرع است کلی است و در خصوصیات الفاظ موکول به نظر افراد است مشروط به انکه الفاظ از

مضـمون ان کلی زیاد نباشد و لفظ و خلیفته بلافصل، مضـمون همان عبارت رسول خدا (ص) در روز غدیر است. بنابراین هیچ اشکالی ندارد گفتن آن.

نبوت وامامت

س۶۰۳: بعضی افراد در کتابهایشان نوشته اند که:

«شـیعیان ائمه اطهار را وسـیله برای امور دینوی و برآوردن حاجات دنیوی قرار می دهنـد با اینکه ایشان برای هدایت بشـر آمده انـد نه اینکه مسائـل دنیوی مردم را حـل نماینـد چون مسایل دنیوی تابع وسائل طبیعی است و از همین باب است که بعضـی ها وقتی به مزارات و حرم ها مشـرف می شونـد از قبور ائمه اطهار (ع) حاجات دنیوی طلب می کننـد که این کار درست نیست و بدعت می باشد، آنهافقط برای امور معنوی واسطه می باشند و ارتباطی به امور تکوینی ندارد»

لطفا بفرمایید آیا ائمه اطهار (ع) در

حـال حیـات و بعـد از حیـات، تنها وسائل و برکات الهی در امور معنوی می باشـند و یا اینکه در امور دنیوی و تکوینی هم می شود از آنهاکمک خواست و آنها را وسیله قرار داد؟

ج: هوالعـالم، امام قطع نظر از دارا بودن ولایت تکوینی که عبارت است از تصـرف در عالم کردن ایجاد اواعـدما، و اینکه عالم طبیعت منقاء آن بزرگواران است البته نه به نحو اسـتقلال بلکه در طول قـدرت خداونـد تعالی و اختیار او ، خداونـد می فرماید در طلب حاجات «وابتغوا الیه الوسـیله» یعنی واسطه قرار دهید نزد پروردگار در طلب حاجات و آن واسطه هم اهل بیت (ع) می باشـند و خداونـد به واسـطه آنها حاجات شـما را برآورده می نماید. و لذا در وقت کم آبی می فرمایند در دعا خدا به حق امام زمان قسم بدهید و به واسطه ان بزرگوار یاران رحمت الهی بر شما نازل می گردد.

س۶۰۴: اینکه برای معصوم (ع) می گوییم «روحی و ارواح العالمین لک العـذاء» با اینکه روح در اختیار ما نیست بفرمایید مراد آن چیست؟

ج: هوالعالم، در این موارد این جملات معنای کنایی دارنـد یعنی من آن قـدر به شـما اهمیت می دهم که اگر دوران امر بین از بین رفتن شما یا همه باشد، من از بین رفتن همه را مقدم می دارم.

س۶۰۵: بـا توه به ایه مبارکه «یا ایها الرسـلو بلغ ما انزل الیک من ربک... ( )» و آیه مبارکه «الیوم المکت لکم دینکم... ( )» در امر ولایت علی بن ابیطالب (ع)، و با توجه به خطبه بنی اکرم (ص) در غدیر خم، پیرامون

ولایت آن حضرت. بفرمایید آن کسانی که قبول ندارند و یا این آیات و روایات را تأدیل می کنند به چیز دیگری غر از امامت و ولایت، آیا کافرند یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر کافر نیستند.

شیعه و تشیع

س۶۰۶: ملاک در تشیع و شیعه بودن چیست؟ و آیا مأمنون الرشید قاتل امام رضا (ع) شیعه بود یا نه؟

ج: هوالعالم، میزان اعتراف به امامت اثناعشر داشتن است. و چنانچه مأمون هم اینگونه بوده است او هم شیعه فاسق بدتر از هر کافری است.

تولی و تبری

س۶۰۷: در مورد جواز لعن سه غاصب ازل و ابد در مجالی که دوستان و محبین اهل بیت می باشند چون بعضی می گویند که در این زمان باید تقیه کرد و اگر ما آنهارا لعن کنیم آنهاتلافی می کنند و بعضی می گویند الان مصلحت اتحاد دنیای اسلام، اقتضا می کند دست از لعن آنها برداشته شود، نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

ج: هوالعالم، در مورد لعن غاصبین چنانچه علنی باشد در حضور مخالفین و موجب اختلاف شود نباید انجام شود به موجب آیه کریمه «لا تسبوا الذین یدعون من دون الله نیست الله عدوا...» و اما در مجالسی که مخالفین نیستند بسیار ذکر خوبی است.

غلو

س۶۰۸: لفا بفرمایید کسانی که در مقام اهل بیت عصمت و طهارت (ع) غلو می کنند و جملاتی امثال «خدا علی و علی خدا لا اله الاـ الزهراء بسم الله الرحمن الرحیم یعنی امیر المؤمنین مالک یوم الدین یعنی زینب کبری» می گویند آیا شرت رد چنین مجالی جایز است؟ برای ما تعیین تکلیف فرمایید؟

ج: هوالعالم، این جملات موجب کفر است و روایات متعددی از خود حضرت امیر المومنین علیه الاف التحیه و الثناء وارد شده کسانی که نظیر این جملات بلکه کمتر از این معانی می گفتند ان حضرت تبری از آنها نموده و از زمره مسلمین خارج دانستند.

به هر حال این جملات به آن گونه که از آنهاظاهر است موجب کفر است و رسول خدا (ص) و ائمه طاهرین (ع) از این گونه افراد بیزارند.

س۶۰۹: اشعار سبک و دون شأن اهل بیت (ع) و دور از واقعیت، و بعضا غلو امیز

از جمله عباراتی چون، حسین را می پرستم ، بسم الله الحسین، لا اله الا فاطمه، از نظر شرعی چگونه است؟

ج: هوالعالم، کلمات کفرآمیز را هیچ مسلمانی نمی پذیرد خود امام حسین (ع) به حدی در این جهت حساس بودن که قابل بیان نیست.

رجعت

س ۶۱۰: نظر شریف شما در رجعت چیست؟ آیا آن را قبول دارید؟

ج: هوالعالم، اصل رجعت ثابت و مسلم است و هیچ جای تردید نیست و روایات متواتری که تعداد آنها به دویست روایت می رسد بر آن دلالت دارد. لکن جزئیات و خصوصیات رجعت بر ما معلوم نیست.

فشار قبر

س ۶۱۱: آیا فشار قبر بر روح در قالب مثالی می شود یا بر همین جسم؟ اگر بر همین جسم بشود چرا بعد از دو روز اگر قبر را بشکافند همان بدن به طور سالم هست و تغییری نکرده یا اینکه میت هم استحقاق فشار قبر داشته ؟

ج: هوالعالم، کیفیت فشار قبر بر ما روشن نیست و خدا کند تا آخر هم نفهمین و مبتلا نشویم به آن.

حادث یا قدیم بودن عالم

س۶۱۲: در نظر متکلمین عالم حادث است به این معنا که اگر به گذشته برگردیم به لحظه ای می رسیم که عالم پدید امده، نه خودش قدیم است و نه ماده اش قدیم است. بلکه خداوند ان را از نیستی به هستی آورده است.

در نظر فلاسفه عالم قدیم است یعنی ماده اولی آن ازلی است و هر چه به گذشته برگردیم به مبدا و آغاز آن نمی رسیم.

حال بفرمایید آیا حدوث عالم به همین معنا از ضروریات دین است یا دقیم بودن عالم؟ آیا می شود با برهان عقلی قائل به قدیم بودن عالم شویم؟

ج: هوالعالم، مسئله حدوث عالم و خالقیت خدا از واضحات است چون وجود بلاموجد و ترجح محال است و از ضروریات همه ادیان است.

و قدم به معنای مبدأ حدوث پیدا نکردن اشکال ندارد ولی قدم به معنای آنچه راجع به خداوند تعالی معتقدیم التزام به آن شرک است.

مسائل متفرقه اعتقادی

س۶۱۳: آیا خداوند متعال از ازل علم به اشیاء و حوادث قبل از ایجاد داشته یا نه؟ با اینکه شیخ صدوق در اعتقادات روایت

کرده «سئل الصادق (ع) هل یعلم الله قدیما و ازلا بالاشیاء؟ قال: أنی یعلم و لامعلوم....»

ج: هوالعالم، علم دو نوع اطلاق دارد و بر دو اصطلاح است.

۱ علم به معنای خود اضافه بین عالم و معلوم. به این معنا. علم بعد از تحقق و وجود دو طرف آن عالم و معلوم حاصل می شود و اضافه عالم به معلوم اضافه حقیقی است این علم چنین برای خداوند قبل از ایجاد نیست.

۲ علم به معنای مبدا اضافه عالم و معلوم، این علم برای خداوند قبل از ایجاد است.

علم به معنای اول از صفات ذاتیه خداوند نیست ولی علم به معنای دوم همین ذات خداوند است. قهرا با این بیان تنافی بین علم خداوند قبل از ایجاد و معنای روایت. مرتفع می شود.

س۶۱۴: آیا کفار با اینکه ایمان به خدا و رسولش (ص) ندارند مکلف به فروع دین هستند یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی مکلف به فورع می باشند ولیو بدون اسلام و ایمان اعمالشان صحیح نیست، ولی چون قدرت بر اسلم آوردن دارند مکلف به فروع می باشند.

س۶۱۵: اعتقاد افرادی که می گویند: ذات خدا بلند مرتبه بذاته، به صورتهای این معلومات و حقایق آنها متجلی می شود، پس ظاهر شدن ولی به صورتهای این معلومات و حقایق آنها، بنابر اقتضای ذات و قابلیت مظاهر برای ظهور واجب است.

یا اینکه می گویند: ان الذات الالهیه هی التی تظهر بصور العالم و ان اصل تلك الحقایق و صورها تلك الذات.

یا قائلند به اینکه: فما عبد غیر الله فی کل معبود اذا لا ـ غیر فی الوجود، فکل ماتدرکه فهو وجود الحق فی اعیان الممکنات فالعالم متوهم، ماله وجود حقیقی و هذا معنی الخیال، و در اشعار خود چنین سروده اند:

یکی شمس حقیقت می درخشد در همه عالم

تعیین های امکانی بود مانند روزن ها

به جز یکتا جمال حسن مطلق نیست در هستی

(حَسَن) را چشم حق بین است و حق گویند روشنها

وجود اندر کمال خویش ساری است

تعین ها امور اعتباری است

امور اعتباری نیست موجود

عدد بسیار و یك چیز است موجود

گویند که کند ذات حق نتوان یافت

ما یافته ایم که کنه ذاتش مائیم

و قائلند که: عالم عبارت از تجلی وجود مطلق است بر خود در کسوت

تعینات کونیه اعیاناو اجساما، غیبا و شهودا. جبروتا و ملکوتا و ملکا.

در نهایت چون به دقت بنگری معتقدند: آنچه در دار وجود است وجوب است و بحث در امکان برای سرگرمی است.

خلاصه اعتقاد به این وحدت وجود از نظر اسلام چگونه است؟

ج: هوالعالم، قائل به وحدت وجود به این معنا که ذکرشده است در سؤال، کافر است مگر آن که بگوید «من معتقد به آن نیستم و از این الفاظ معنای ظاهر آن را اراده ندارم» خداوند همه را هدایت کند.

مسائل تاریخی

تاریخ حضرت زهراء (س)

س۶۱۶: بعضی در کتاب های خود نوشته اند:

«بعضی از مصیبت ها. تظلم ها که برای جناب سیده زهراء مرضیه (س) بر منبرها خوانده می شود، از قبیل احراق باب. کسر ضلع، شهادت محسن و شبانه روز گریه و اه و فغان کردن، بعید به نظر می رسد و بعدها برای مصالح سیاسی و برای ایجاد نقلاب بر علیه بنی امید و بنی عباس توسط شیعیان افراطی ایجاد شده است که در این زمان. گفتن این مطالب موجب تفرقه بین مسلمین و باعث ضعف قدرت مسلمین می باشد»

لطفا در این رابطه بیان فرمایید که به طور کلی، تظلم های یکه برای سیده زهراء مرضیه (س) خوانده می شود صحت دارد یا فقط شهرت است؟

ج: هوالعالم، بسیاری از این مطالبی که نقل کرده اند از مسلمات است. و راستی مایه شگفتی است وبسیار سخت است قبول آنها. که شقاوت افرادی به حد مرحله غیر تصوری برسد که چنین اعمالی از آنها نسبت به چنین شخصیتی که هر چه در عظمت او بگویید کم فته اند سر بزنند.

آیا ان اعمال موجب تفرقه نشده است ولی گفتن آنها

موجب تفرقه است آن هم در بین دوستان گفتن، خداوند به همه قدری انصاف بدهد.

تمثال و تصویر معصومین (ع)

س۶۱۷: نقاشی از شخصیت های مذهبی اعم از حضرات معصمین و غیر آنها مدت ها است که رواج دارد و در هیئات مذهبی و سایر اماکن عمومی نصب می گردد، نظر مبارکتان درباره این قبیل تصاویر چیست؟

ج: هوالعالم، به نظر من کار درستی نیست و کذب عملی است و گاهی هم اهانت است.

زیارت عصمین (ع)

س۶۱۸: با توجه به اینکه روایات دلالت دارند بر استحباب زیارت پیامب راکرم (ص) و امامان (ع) و امام زادگان، و با توجه به روایت «مسجد المرئه بیتها»، بفرمایید آیا استحباب زیارت معصومین و امام زادگان برای زن هم هست یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی هست، ولی نماز در خانه ثوابش بیشتر است از نماز در مسجد.

س۶۱۹: ما که به زیارت معصومین (ع) می رویم با اینکه قبر آنهادر سردابه است و در مکان بالاتر هستیم آیا بی احترامی به انان نمی شود؟

ج: هوالعالم، قبر همه معصومین (ع) در زیر زمین است یقینا اهانت نیست.

س۶۲۰: رفتن به زیار عتبات عالیات از جمله حضرت سید الشهداء (ع) با اخذ ویزا و یا به صورت قاچاق، چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، در صورت خوف بر نفس جایز نیست و در غیر آن مورد جایز است و حَسَن. اما بر زن مطلقا من جایز نمی دانم.

س۶۲۱: رفتن به زیارت عتبات عالیات در صورت ناامنی عراق چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، در غیر مورد خوف بر نفس و هتك ناموس، بسیار کار خوبی است.

س۶۲۲: پیرامون زیارت اما محسین (ع) روایت مختلف است مثل «زر الحسین (ع) ولو علی خوف»، و یجب عملیك زیادته» و غیره لطفا بفرمایید عمل به این روایات در صورت خطر بر نفس یا مال، یا

کتک خوردن، یا به زندان افتادن و یا... به چه وجهی می باشد؟

ج: هوالعالم، در صورت خطر بر نفس جایز نیست اما بقیه امور مانع از زیارت و مطلوبیت آن نیست.

س۶۲۳: در صورتی که رفتن به زیارت امام حسین (ع) خطر جانی یا مالی یا عرضی داشته باشد آیا جایز است به زیارت بروند؟

ج: هوالعالم، در صورت خطر عرضی جایز نیست و در صورت خطر مالی یا جانی غیر از هلاکت نفس جایز است. و در صورت خطر هلاکت نفس جایز نیست.

س۶۲۴: در زمان ما رسم دولت بر این است که برای گرفتن گذرنامه باید برای بانوان عکس رنگی و برقی تحویل شود و مأمور گذرنامه عکس را با صاحب عکس رؤیت و تطبیق کند و چه بسا در عکس زنهای جوان و با آرایش مظفه ریبه و اناره شهوت است. حال بفرمایید آیا گرفتن گذرنامه برای زیارت های مستحبی عتبات عالیات و یا برای عمره مستحبی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، گرفتن گذرنامه برای زیارت های مستحبی. ول با عکس گرفته شود و تطبیق کنند با خود آن شخص، اشکال ندارد. در نهایت باید خانم ها را متنبه نمود که ارایش نکنند. و در صورت امکان مأمور تطبق هم زن باشد.

عزاداری

س۶۲۵: اگر بعضی از واجبات از مکلف به واسطه شرکت در مجالس عزاداری حضرت سید الشهداء (ع) فوت شود مثلا نمازش قضا شود. آیا بهتر است بعد از این در این مجالس شرکت نکند و یا اینکه این عمدم شرکت باعث دوری از اهل بیت (ع) می شود؟

ج: هوالعالم، هیچ گونه تزاحمی بین این دو عمل نیست. در جالس عزاداری شرکت کند و نماز

هم بخواند.

س۶۲۶:عزاداری حضرت سید الشهداء (ع)، در مساجد و حسینیه ها بهتر است یا در خانه و خیابان ها ؟

ج: هوالعالم،در همه امکند خوب است.

س۶۲۷: اجرای دسته های عزاداری «شاه حسین گویان» بعد از عاشورای حسینی به خصوص شام غریبان چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، بسیار کار خوبی است.

س۶۲۸: استفاده کردن از آلات موسیقی همانند طبل، صنج و شیپور در دسته های عزاداری سید الشهداء (ع) چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، هر عملی که فی نفسه حرام است مانند موسیقی و غناء نباید در عزاداری حضرت سید الشهداء داخل شود.

س۶۲۹:طبل و شیپور و صنج زدن در عزاداری سید الشهدا (ع) چگونه است؟

ج: هوالعالم، طبل و شیپور جایز است، صنج خلاف احتیاط است.

س۶۳۰: هیئت های حسینی چگونه می توانند شأن امام حسین (ع) و شهدای کربلا را نگه بدارند؟

ج: هوالعالم، مرثیه بخوانند، سینه بزنند، زنجیر بزنند در خیابان ها برگردند و...

س۶۳۱: زنان چگونه می توانند در عزاداری سید الشهداء (ع) شرکت نمایند لطفا راهنمایی فرمایید؟

ج: هوالعالم، زن ها به جامع روضه خوانی بروند و جای آنهااز مردها حبا باشد و به بدن لخت مردان سینه زن نگاه نکنند.

س۶۳۲: پول های نذری که برای هیئت حسینی جمع می گردد آیا هیئت می تواند از این پول ها به کسانی که احتیاج دارند قرض الحسنه بدهد؟ و الا در چه مصرفی خرج شوند؟

ج: هوالعالم، مصرف این پول ها بسته به قصد نذر کننده است.

س۶۳۳: بعضی از هیئات حسینی که مراسمشان تا نیمه شب طول می کشد. بلند گویی در بیرون هیئت دارند که صدای ان قاصدها متر پخش می شود و بسیاری از مردم که بیمار و پیر و

کودک هستند ناراحت میوند. نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟

ج: هوالعالم، البته این کار خوب نیست ولی نباید سبب شود که عزاداری تعطیل شود بلکه باید عزاداری باشد و رعایت حال مجتمع هم بشود.

س۶۳۴: ضمن اهمیت اقامه عزا برای امام حسین (ع) و دیگر امامان (ع) و با توجه به اینکهاین عبادت بزرگ در مواردی الوده به امور سبک و خلاف شأن ائمه هدی (ع) شده است بفرمایید‌ک آیا تشخیص عزاداری مقبول از اعمال نامشروع به نام اقامه عزا. منحصرا با فقیه جامع شرایط است و یا خیر بلکه عموم مردم می توانند در این مورد تشخیص بدهند؟

ج: هوالعالم، بعضی از امور تشخیص ان با فقیه است مانند جواز قمه زدن و طبل و شیپور نواختن. و مرد به صورت زن در آمدن و غیره.

س۶۳۵:برداشتن علامت های آهنی بزرگ، حتی بعضی به عرض خیابان، و نصب پارچه های گران قیمت و مجسمه های انواع حیوانات بر روی آن. ضمن نوشتن نام مبارک ائمه هدی (ع) و آیات قرآن، و حاجت طلبیدن از آن و نصب و حمل آن در مساجد و معابر عمومی، آیا شرعا جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم،بعضی از آنها جایز، و بعضی جایز نیست.

س۶۳۶: آیا صرف هزینه برای برگزاری تعزیه. خرید علامت هایچند میلیونی به شکل صلیب، و یا خرید آلات موسیقی از مله طبل و چنگ و... آیا شرعا جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خرید علامت به شکل صلیب و آلات موسیقی جایز نیست.

س۶۳۷: استفاه از آلات موسیقی از جمله طبل. شیپور، نی، ارگ و... و نواختن اهنگ هایی بعضا طرب انگیز در دسته های عزاداری، آیا شرعا جایز

است یا خیر؟

ج: هوالعالم،این گونه امور خلاف است وباید جلوگیری نمود.

س۶۳۸:خواندن اشعار سبک ودون شان ومنزلت اهل بیت علیهم السلام وبه دوراز واقعیت وبعضا غلوآمیز از حمله عباراتی چون ((حسین را می پرستم))،((بسم الله الحسین))، ((لااله الافاطمه))، آیا شرعا جایز است؟

ج: هوالعالم،کلمات کفرآمیز را هیچ مسلمانی نمی پذیرد خود

امام حسین علیه صلوات الله به حدی دراین جهت احساس بودند که قابل بیان نیست .

س۶۳۹:اعمالی چون تیغ زدن، زنجیز زدن، قفل بستن به بدن، قلاده بستن، آویزان نمودن سنگ از بدن، عریان شدن درمجالس عزا وغیره که چه بسا توهین به مقدسات وسبک شمردن مجلس عزای اهل بیت علیهم السلام است آیا جایزاست یاخیر؟

ج: هوالعالم،اغلب آنچه اشاره کردید بسیار کار صحیحی است، من از شخص جنابعالی تقاضا می کنم دربعضی ازآن مجالس شرکت کنید ببنید خودتان منقلب می شوید یانه؟ یا رفتن هندی ها را در آتش وسالم بیرون آمدن در موقع عزاداری را ملاحظه نمایید. البته بعضی کارها خلاف هم هست که باید جلوگیری نمود .

س۶۴۰:درمورد عزاداری امام حسین علیه السلام وبرهنه کردن سینه، سینه زدن، برسر زدن، چه می فرمایید؟

ج: هوالعالم،در مورد عزاداری امام حسین علیه السلام به نحو سینه زدن، زنجیز زدن، بر سر وصورت، همه اینها از شعائر مذهبی است وبسیار کار خوبی است بقاء دین به بقاء این شعائر بستگی دارد، ولذا درهمه زمان مانند زمان رضاخان پهلوی که خیال کردند بادین مبارزه کنند اول بامراسم عزاداری امام حسین علیه السلام مبارزه نمودند .

س۶۴۱: گل مالی کردن عزاداران در حال عزاداری، توسط بعضی، چنانچه بعضی ازعزاداران

ناراضی باشند به دلیل گلی شدن لباس یا به دلیل دیگر، جایز است یانه

ج : هوالعالم،اگر راضی نباشند جایز نیست.

س۶۴۲:بعبضی هادرکتاب خود القاء می کنند که؟

((در شیعیان رواج یافته است اکه پشت بام خانه یک علم وپرچم نصب می کنند ودر جلوس های عزاء را همراه دارند ونام این علم را ((علم عباس)) گذاشته اند واز آن خیلی احترام می کنند بااینکه علم عباس هیچ احترام ندارد، علم اگر مقدس بود بایدنامش علم اسلام یاعلم رسول الله گذاشته می شد...))

خلاصه:این شخص درکتابش برای عنوان علم خیلی بحث کرده ودرنهایت علم عباس را از بدعت ها شمرده است.

لطفا بفرمایید: آیاعلم عباس از شعایر حسینی محسوب می شود یا خیر؟

ج: هوالعالم،عزاداری بر امام حسین علیه السلام به تمام معنای کلمه از مستحبات اکیده است وازشعایر مذهبی است وپرچم سیاه که به عنوان اعلام آنکه زمان ومکان آماده است برای عزاداری، نه اینکه بدعت نیست بلکه از شعایر مذهبی است.

س۶۴۳:آیاآنچه ازاموال که درعزای ائمه طاهرین، خاصه اباعبدالله الحسین علیهم السلام مصرف می شود باید خمس باشد یعنی خمس آن پرداخت شده باشد ؟

ج: هوالعالم،درعزای ائمه طاهرین علیهم السلام بایدمال حلال صرف شود، مالکی که تخمیس نشده است صرف آن خلاف است.

س۶۴۴:باتوجه بااینکه پوشیدن لباس سیاه مکروه است بفرمایید: آیا ضرورت دارد درعزای ائمه بپوشیم؟

ج: هوالعالم، سیاه پوشیدن درعزای ائمه علیهم السلام بدون شک مکروه نیست بلکه مستحسن است، من خودم مقیدم به پوشیدن سیاه.

ودر غیر عزادارای هم کراهت پوشیدن سیاه معلوم نیست بلکه در زمان خاصی زمان خلافت بنی عباس چون شعار آنان

پوشیدن سیاه بود نهر شده است، فعلا هیچ اشکال ندارد.

شبیه خوانی

س۶۴۵:در بسیاری ازمناطق، به خصوص روستاها، مراسم شبیه خوانی به اعتبار از سنتهای قدمی است برگزار می شود که گاهی اثر مثبت هم درمردم می گذارد، بفرمایید، این مراسم چگونه است؟

ج: هوالعالم،خوب است چون آنچه مصداق عزاداری حضرات اهل بیت علیهم السلام است توصیه شده است واز شعایر مذهبی است.

س۶۴۶:اجرای تعزیه وشبیه خوانی به خصوص ساختن شبیه ،نعش، حجله حضرت قاسم(ع) گهواره حبضرت علی اصغر (ع)، خیمه امام (ع)...که با صرف هزینه گزاق صورت می گیرد آیا شرعا جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم،خیمه امام (ع) ،حجله، گهواره، واین قبیل امور، در دنیا رسم است، در وقت مجلس عزا گرفتن از این کارها استفاده می شود به نظرمن اشکال ندارد .

س۶۴۷:طبل وشیپور وسنج زدن در تعزیه حضرت سید الشهدا علیه السلام چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، طبل وشیپور جایز است، صنج خلاف احتیاط است .

نصیحت به عزادار

س۶۴۸:لطفا از باب ((فذکر فاناالذکری تنفع المؤمنین)) اعضای هیئت های حسینی را نصیحتی که مفید دنیا وآخرت باشد رهنمون شوید؟

ج: هوالعالم،از در خانه امام حسین علیهم السلام کنار نروید وبه ایرادلت مخالفین اعتنانکنید. ورعیات موازین شرع راهم بنمایید.

س۶۴۹:باتوجه به اهمیت عزاداری وسفارش اکید ائمه هدی علیهم السلام مبنی بر عزاداری وگریه برمصائب اهل بیت علیهم السلام حضرتعالی چه توصیه ای بر عزاداران در نحوه عمل به این عبادت بزرگ می فرمایید ؟

ج: هوالعالم،همه نوع عزاداری از شعایر است مگر آنکه ازمحرمات داخل شود که اساس را لکه دار می کند. واز آن

بدتر جملات کفرآمیز، وعدم رعایت مقامات عالیه ائمه هدی علیهم السلام واهانت به مقدسات دین است.

عباس عموی پیامبر (ص) ابن عباس

س۶۵۰:لطفا بفرمایید نظرتان درمورد شخصیت عباس عموی پیامبر ص وفرزندش عبدالله بن عباس چیست؟

ج: هوالعالم،ابن عباس مرد بزرگواری است وروایات در ذم او سه تااست وهر سه آنها همانگونه که شهید فرموده ضعیف است واماعباس، من هرچه فکر کردم که این مرد درایام بعد از پیغمبر ص چراحمایت از صدیقه کبری ننمود وحتی به عیادت اونرفت، فکرم به جایی نرسید من به او عقدیه ندارم واو را آدم خوبی نمیدانم.

مفضل بن عمر ومعاویه ثانی

س۶۵۱: لطفا بفرمایید نظرتان درمورد شخصیت مفضل بن عمر ومعاویه ثانی پسر یزید چیست؟

ج: هوالعالم،مفضل بن عمر ثقه است ومعاویه بن یزید از مصادیق ((یخرج الحی عن المیت)) است واو دربنی امیه همانند مؤمن آل فرعون در قوم فرعون است.

مسائل دعاها

س۶۵۲:از دعاها کدام برای نوانیت قلب خوب است ؟

ج: هوالعالم،قران خواندن .

س۶۵۳:در زیارت عاشورا آمده است ((اللهم العن اباسفیان ومعاویه ویزید بن معاویه...)) سپس در آخر زیارت وارد شده ((وابدابه اولا، ثم العن الثانی والثالث والرابع...)) با اینکه مراد از ((الرابع))معاویه لع است چرانام او صریحا برده نشده است؟

ج: هوالعالم، به واسطه رعایت مشابهت به آن سه نفر. واز جمله بعدی ((اللهم العن یزید خامسا))صریحا استفاده می شود که مراد از ((الرابع)) معاویه لع است.

س۶۵۴:بعضی در کتاب خود نوشته اند:

((شیعیان حدیث کساء را برای تبرك وتیمن در مجالس ومحافل به روایت حضرت جابر به ترتیب مخصوص می خوانند این حدیث از مجعولات است وبه نیت مروی خواندن نه تنها موجب ثواب نیست بلکه گناه می باشد))

لطفا بفرمایید: حدیث کساء که درآخر مفاتیح الجنان است به این ترتیب خواندن موجب ثواب است یا خیر ؟

ج: هوالعالم، اصل حدیث کساء ازمسلمات است. به خصوص آنچه در آخر مفاتیح است روایت معتبر به آن ترتیب من ندیدم، ولی به مقتضای اخبار ((من بلغ))درمستحباب، روایت ضعیف هم کفایت می کند وپیغمبر صلی اله علیه وآله فرموده است که

((من آن ثواب ها راکه نقل شده میدهم ولو روایت دروغ نقل شده باشد))

نصیحت معنوی

س۶۵۵:خواهشمنداست نصیحتی که مفید دنیا و آخرت همه ماباشد رهنمون شوید ؟

ج : هوالعالم،عمل به واجبات وترک محرمات موجب سعادت دنیا وآخرت است.

س۶۵۶:تقاضا می شود اینجانب وخانواده ام را با نصیحتی که مفید دنیا وآخرت باشد رهنمون شوید؟

ج: هوالعالم، شخصی از رسول خدا صلوات الله علیه چنین تقاضایی کرد

حضرت فرمود: ((مقید به نماز اول وقت باشید))

کیفیت خوابیدن رو به قبله

س۶۵۷:از مستحبات، روبه قبله خوابیدن است، لطفا بفرمایید نحوه روبه قبله خوابیدن چگونه است همانند خوابیدن محتضر یاهمانند خوابیدن میت در قبر؟ آیا نص معتبری در این باب وجود دارد؟

ج: هوالعالم،حاجی نوری ره درکتابش چند روایت نقل می کند: که مستحب است مؤمن، به شکل میت در قبر بخوابد.

ومی نویسد: من روایتی که دلالت کند بر استحباب شکل محتضر ندیدم.

جلد ۴

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی/محمد صادق روحانی

مشخصات نشر : قم: مهر امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری : ج ۴

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۶۴۸۰

احکام تقلید

س ۱: با وجود مجتهد اعلم از غیر اعلم، می شود تقلید کرد یا نمی شود؟

ج: هو العالم; تقلید عالم واجد شرایط متعین است و تقلید غیر اعلم جایز نیست.

س ۲: وکیل عام مجتهد جامع الشرائط اعلم، سهم مبارک را از مقلدین غیر اعلم می تواند اخذ نماید؟

ج: هو العالم; در صورت اتحاد مصرف و عمومیت وکالت، بلی.

(ت) س ۳: اگر انسان چنین نیت نماید: ((نیت می کنم از فلان مجتهد جامع شرایط تقلید نمایم قربه الی الله)) آیا با داشتن چنین نیّتی تقلید انسان از آن مجتهد صحیح (محقق) می باشد یا خیر ؟

ج: هو العالم؛ با مجرد نیت، تقلید، محقق نمی شود، بلکه تقلید عبارت از عمل کردن به فتوای مجتهد است.

س ۴: با داشتن نیّت تقلید در سؤال حکم باقی ماندن بر تقلید آن مجتهد بعد از فوت او چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ بقاء بر تقلید میت در هیچ صورت جایز نیست.

س ۵: اگر جواب سؤالات فوق منفی باشد، پس به نظر مبارک شما شرط محقق بودن تقلید از مجتهد جامع شرایط چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ تقلید همان گونه که اشاره شد، عمل کردن به فتوای مجتهد با استناد به او است.

س ۶: آیا تقلید نمودن عدّه ای از علماء از یکی از مراجع تقلید، دلیل شرعی بر اعلم بودن آن مرجع می

باشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه آن علماء معتقدند که تقلید اعلم متعین است، بلی، تقلید آنان در صورت احراز عدالت، دلیل شرعی بر اعلم بودن او است.

س ۷: فرق اجتهاد کامل و ناقص چه می باشد، و آیا زن می تواند علوم اسلامی را تحصیل کند و به مقام اجتهاد برسد، و در صورت تساوی مراجع تقلید و عدم علم به اعلمیت آنها آیا تبعیض در تقلید را جایز می دانید؟

ج: هو العالم؛ فرق دو اجتهاد در این است که «ناقص» در مسایلی که استنباط آسان است، قدرت دارد و در مسایل مشکل ندارد. و «کامل» در تمام مسائل قدرت دارد. ۲ - تحصیل زن در مسائل اسلامی هیچ اشکالی ندارد و می تواند مجتهد شود، ولی تقلید از زن جایز نیست. ۳ - تبعیض در تقلید نیز جایز نیست.

س ۸: آیا ولی فقیه مجتهدی است که مکلّف از آن تقلید می کند یا اینکه به مجتهد حاکم گفته می شود؟

ج: هو العالم؛ خیر، اختصاص به مرجع و حاکم ندارد. بلکه هر مجتهدی ولو حاکم نباشد، مقدار ولایتی که فقیه دارد که خیلی مختصر است همه دارند.

س ۹: اگر اعلم بودن مجتهدی ثابت شود، آیا بر دیگر مجتهدین واجب است که اعلمیّت او را اعلام کنند؟

ج: هو العالم؛ خیر، لازم نیست.

س ۱۰: در زمان غیبت آقا امام زمان(عج)، در جامعه اسلامی «حاکم شرع» چه کسی است؟ (مجتهد جامع الشرایط، رهبر جامعه و...) لطفاً توضیح دهید؟

ج: هو العالم؛ حاکم شرع، مجتهد جامع الشرایط است.

س ۱۱: قید «جامع الشرایط» در مورد مجتهد به چه معنایی می باشد؟

ج: هو العالم؛ معنای جامع الشرایط، مجتهد مطلق بودن

و عدالت است.

س ۱۲: یک مجتهد و مرجع تقلید و صاحب رساله (از مشهورین و غیره) باید دارای چه شرایطی باشد که وقتی حکم کرد برای مراجع دیگر و مقلدان آنها واجب الاتباع باشد؟

ج: هو العالم؛ در لزوم اتباع حکم، صاحب رساله بودن لازم نیست. همین قدر که مجتهد مطلق عادل باشد و حکم بکند، برای همه متابعت لازم است. البته حکم غیر فتوا است.

(ت) س ۱۳: فرق بین حکم و فتوی چیست؟

ج: هو العالم؛ فتوی عبارت است از بیان حکم الله الکلی المجعول در شرع مقدس اسلام و اما حکم، عبارت است از الزام نسبت به موضوع خارجی، مانند حکم به اینکه روز سه شنبه عید فطر است.

س ۱۴: چه فرقی بین مجتهد و مرجع تقلید می باشد.

آیا تبعیض در تقلید جایز است؟

رجوع از غیر اعلم به اعلم چه حکمی دارد؟

آیا می شود از دو مرجع در احکام شرعی تقلید کرد؟

مقصود از اعلم به نظر شما چیست؟

ج: هو العالم؛

۱ مرجع تقلید باید اعلم باشد، مطلق اجتهاد کافی نیست.

۲ تبعیض در تقلید هم جایز نیست.

۳ از غیر اعلم باید رجوع به اعلم نمود.

۴ از دو مرجع، نمی شود تقلید کرد.

۵ مراد از اعلم کسی است که بهتر می تواند از قواعد و روایات استنباط احکام نماید.

س ۱۵: رجوع از مرجع زنده به زنده در صورت علم به اعلمیّت آن، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ واجب است.

س ۱۶: کسـی می خواهـد از مرجعی که تقلیـد می کرده، عدول نموده و از مرجع دیگری تقلید کند. آیا می تواند یا نه؟ و آیا می شود در بعضی مسائل مثل خمس، از مرجع

خود به مرجع دیگر برود یا نه؟

ج: هو العالم؛ عدول به مرجع دیگر، اگر اعلم باشد، واجب است والا جائز نیست (تبعیض در تقلید هم جایز نیست).

س ۱۷: آیا از مرجعی که ولایت فقیه را قبول ندارد، می توان تقلید کرد؟

ج: هو العالم؛ بلی، می توان تقلید نمود.

س ۱۸: کسی که باقی بر تقلید میت باشد، آیا می تواند به مجتهد زنده رجوع کند؟ چون بعضی از مراجع می فرمایند باید مجتهد زنده از میت اعلم باشد، در حالی که بعضی از فتاوای میت برای او مشکل است؟

ج: هو العالم؛ من بقاء بر تقلید میت را جایز نمی دانم ولو میت اعلم باشد.

س ۱۹: اگر گمان داشته باشیم که زید در اکثر مسایل، علی التعیین اعلم از دیگران است، در این صورت آیا می شود از مرجع دیگری تقلید کرد؟ (البته فرض این است که عمل کردن به احوط الاقوال ممکن نیست یاحرجی می باشد.)

ج: هو العالم؛ خیر، نمی شود. باید به مظنون الاعلمیه رجوع شود.

س ۲۰: وقتی گمان داریم که زید در اکثر مسایل لا-علی التعیین اعلم از دیگران است. اگر در مسأله ای خاص، هم احتمال اعلمیت بکر را بدهیم و هم احتمال اعلمیت زید را؛ یعنی احتمال اعلمیت آن دو را در این مساله به اندازه مساوی بدهیم آیا در این مسأله می توانیم از بکر تقلید نماییم؟ (فرض این است که عمل کردن به احوط الاقوال ممکن نیست یا حرجی می باشد.)

ج: هو العالم؛ خیر، نمی شود. چون تبعیض در تقلید است و آن خلاف احتیاط است.

س ۲۱: در صورت بقاء بر تقلید میت، آیا واجب است رجوع به مجتهدی

که قائل به جواز بقاء بر تقلید میت است یا واجب نیست. بدون رجوع باقی بر تقلید باشد، کفایت می کند؟

ج: هو العالم; اگر مجتهد اعلم حی، قائل به جواز بقاء باشد، بدون رجوع به او می توانید باقی باشید.

طهارت

س ۲۲: اگر شخصی بعد از بول کردن در نهر آب جاری داخل گردد و بعد از مکث طولانی خارج شود، آیا مخرج بول او طاهر گردیده یا چون تعدد غسل مخرج بول صورت نگرفته هنوز نجس است؟

ج: هو العالم; در آب جاری تعدد غسل لازم نیست در فرض سؤال مخرج بول پاک است.

س ۲۳: آب کشیدن چیز نجس با دست چپ به چه صورت است؟

ج: هو العالم; اشکال ندارد.

س ۲۴: اگر آب کر باشد و کمی از آن برداشته شود و در کر بودن آن شک شود چه باید کرد؟

ج: هو العالم; به مقتضای استصحاب بر کر بودن باقی است.

وضوء

س ۲۵: اگر به هنگام وضوء گرفتن بر مواضع مسح کشیدن ترشحات آب بریزد، آیا باید قبل از مسح کشیدن آنها را خشک نمود تا وضوء صحیح باشد و یا اینکه اگر در همان حالت مسح کشیده شود وضوء صحیح است؟

ج: هو العالم; چنانچه به مقدار صدق مسح پا خشک باشد وضوء صحیح است.

س ۲۶: آیا در وضوء شستن هر عضو (صورت یا دست ها) یک دفعه به صورت ارتماسی و یک دفعه به صورت ترتیبی جایز است؟ آیا چنین وضویی صحیح است؟

ج: هو العالم; بلی جایز است چون مرتبه دوم مستحب است.

س ۲۷: کسی که دو دستش قطع شده چگونه وضوء بگیرد؟

ج: هو العالم; چنانچه از بالای مرفق باشد شستن لازم نیست و اگر

از پایین مرفق باشد باید آن مقدار که باقی است بشوید.

س ۲۸: اگر شخصی فقط به نیت نماز ظهر وضوء بگیرد آیا می تواند با آن وضوء دست به قرآن بزند و یا اینکه نمازهای واجب دیگر را بخواند؟

ج: هو العالم; بلی، اشکال ندارد.

س ۲۹: کسی قبل از وقت، وضوء می گیرد و قصد قربت می کند، ولی در دلش (می گذرد) با این وضوء که الان گرفته نماز واجب بخواند، با این که وقت داخل نبوده، این وضوء برای نماز او صحیح است یا نه؟

ج: هو العالم; وضوء صحیح است و می تواند با آن نماز بخواند.

س ۳۰: شخصی می داند محدث شده، و وضوء گرفته و بعد از آن شک کرد آیا اول وضوء بوده یا اول حدث بوده؟

ج: هو العالم; در جمیع صور به محدث بودن محکوم است.

س ۳۱: اگر شخصی فقط دست چپ دارد می تواند دست را در وضوء ارتماسی بگیرد و مسح سر کند؟

ج: هو العالم; بلی می تواند به شرط آنکه در حال اخراج دست از آب، قصد وضوء بنماید.

غسل

س ۳۲: آبی سفید رنگ و چسبنده خارج شده و احتمال قوی هست که منی باشد، آیا غسل واجب است؟

ج: هو العالم; اگر یقین یا اطمینان به منی داشت و یا اماره قائم به آن شد بلی، والا اگر شک کند که منی است یا بول و حالت سابقه هم معلوم نباشد، غسل با وضوء واجب است والا غسل واجب نیست.

س ۳۳: اگر شخصی در ماه رمضان با آب غصبی قبل از اذان صبح در ماه رمضان غسل کند حکمش چیست؟ و آیا بین جاهل و عالم فرقی

می باشد؟

ج: هو العالم; غسل با آب غصبی باطل است و فرقی بین عالم و جاهل نیست و آن شخص در حالت جنابت صبح کرده است و حکم او را دارد.

س ۳۴: اگر با پارچه غصبی دست زخم یا مجروح را جبیره کند وضوء یا غسل او صحیح است یا نه؟

ج: هو العالم; صحیح نیست.

س ۳۵: شخصی نه نماز می خواند و نه روزه می گیرد و جنب نیز می باشد، آیا غسل جنابت بر او واجب است؟

ج: هو العالم; بلی چون ذی المقدمه واجب است، قهراً مقدمه هم واجب می باشد. و البته غسل جنابت، وجوب نفسی ندارد و بر کسی که نماز و روزه بر او واجب نیست، غسل نیز واجب نیست

س ۳۶: در غسل واجب برای رسیدن آب آیا لازم است که توسط سوهان ناخن گیر زیر ناخن ها را بلند کرده تا آب به آنها برسد؟

ج: هو العالم; لازم نیست.

حیض و نفاس

س ۳۷: زنی به اندازه عادتش نفاس دیده وبعد از آن به صورت لکه بینی ادامه یافته تا به عادت وقتیه خود رسیده، سپس خون زیاد به صفات حیض دیده، لکن بین دو خون ده روز فاصله نیفتاده، نسبت به آن لکه ها و خون بعدی وظیفه اش چیست؟

ج: هو العالم; باید مراعات احتیاط به جمع بین اعمال مستحاضه و تروک نفساء بنماید.

س ۳۸: زنی که هر بیست یا بیست و پنج روز خون می بیند (مثلا اول ماه، بیستم ماه، دهم ماه بعدی و هکذا) آیا چنین زنی صاحب عادت وقتیه است؟

ج: هو العالم; چنانچه واجد شرایط حیض باشد، بلی صاحب عادت وقتیه است.

س ۳۹: زنی که در ماه

رمضان، بعد از ایام عادت ۷ روزه اش دستمال که به کار می برد گاهی ترشح بی رنگ می بیند و گاهی یک لکه زرد رنگ یا نارنجی است; ولی شبیه به خون یا حداقل زرد رنگ نیست و نمی داند آیا سر ده روز بند می آید یا بیشتر می شود، وظیفه اش در رابطه با روزه و غسل و همبستری چیست؟

ج: هو العالم; اگر خون نباشد هیچ اشکالی از هیچ ناحیه متوجه نیست، اگر خون باشد چنانچه تا ده روز قطع شود حیض است والا استحاضه است.

تیمم

س ۴۰: آیا تیمم بر سنگ مرمرهایی که یک طرف آنها لعابدار و طرف دیگر آنها بدون لعاب و به صورت تراشیده شده می باشد و در نمای دیوارها به کار می روند (البته طرف بدون لعاب) صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی، جایز است.

س ۴۱: باتوجه به اینکه در وضوء موالات شرط است، ولی در غسل شرط نیست. سئوال این است که آیا در تیمم موالات شرط است؟

ج: هو العالم; بلی موالات لازم است.

احکام نجاسات

س ۴۲: ادکلن که یک نوع عطر می باشد می گویند در آن از الکل استفاده شده است، حکم آن چه می باشد؟

ج: هو العالم; پاک است.

س ۴۳: اگر بول را بخار کنند و بخار را تقطیر کنند، آیا پاک می شود؟

ج: هو العالم; بلی پاک می شود.

س ۴۴: اگر آب کُر تا لَب حَوض پُر باشد و با ملاقات به نجاست مقداری از آب کُر بریزد و تغییر حاصل نشود، آیا پاک است یا نه؟

ج: هو العالم; خیر، پاک نیست.

س ۴۵: در بعضی از جاها که کثافت

و نجاست است، مثلا داخل دستشوئی، پشه زیادی است. اگر این پشه ها به لباس انسان بخورند لباس نجس می شود یا نه؟ با وجود اینکه انسان خود می بیند پشه از روی سنگ دستشوئی بلند شده و از روی کثافت ها آمده آیا موجب نجس شدن لباس می شود؟

ج: هو العالم; چون احتمال داده اند که پاهای پشه و مگس نجاست نگه نمی دارد و زوال نجاست هم از مطهرات بدن حیوان هست، بنابراین اشکال ندارد و موجب نجس شدن لباس نمی شود.

س ۴۶: اگر آب طاهر بود و نمی دانیم قلیل است یا کثیر آیا با ملاقات با دستمال نجس منفعل می شود یا نه؟ یا قاعده طهارت حاکم و دستمال پاک شده است؟

ج: هو العالم; ماء مشکوک الکریه در صورت عدم علم بحالته السابقه در حکم قلیل است پس با ملاقات با دستمال نجس، دستمال پاک نمی شود، بلکه آب هم نجس می شود و اگر حالت سابقه معلوم باشد، استصحاب آن جاری است و بر آن حکم سابق از طهارت یا نجاست سابقه

مترتب می شود.

س ۴۷: علائم آمدن منی از دختران باکره به غیر دخول چگونه معلوم می شود و شک در آن چگونه است؟

ج: هو العالم; علامت برای زن، خروج آب منی از روی شهوت است.

س ۴۸: اگر شخصی در خواب محتلم گردد و شلوارش به منی آغشته شود، حال اگر بعد از شستن شلوار در آن لکه هایی ببیند (تقریباً در همان جایی که شلوار به منی آغشته شده بود) که نداند و معلوم نباشد این لکه ها غیر منی است یا منی، آیا شلوار پاک است؟

ج:

هو العالم; عین منی مختصر خشونت دارد و رنگ چیزی ندارد، بعد از خشک شدن دست بمالید، چنانچه خشونت داشت منی است والا رنگ و پاک است.

س ۴۹: چگونه می توان بین رنگ منی و عین آن تمایز حاصل کرد؟

ج: هو العالم; تمایز با خشونت است اگر دست به لباس بمالید و مقداری ولو خیلی کم خشونت داشته باشد، عین منی است و اگر نرم باشد، رنگ است.

س ۵۰: اگر سگ دهان یا زبانش را به ظرفی که پنیر و آب پنیر در آن هست بزند یا دهان به آب بزند، آیا پنیر هم نجس می شود و در صورت نجس شدن پنیر مذکور چگونه پاک می شود؟

ج: هو العالم; چنانچه به آب دهان بزند، پنیر نجس می شود و نیز اگر به ظرف بزند و آب به آن محل اصابت کند، پنیر نجس می شود. در هر دو صورت می شود پنیر را درآب کر آب کشید و به هر مقدار که آب نجس رسیده است آب پاک برسد پاک می شود.

س ۵۱: اگر آبی نجس بود و با اضافه کردن مقداری دیگر آب پاک آن را به کر برسانیم، آیا حکم کر را دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; خیر ندارد.

س ۵۲: آیا الکل نجس است؟ یا پاک می باشد.

ج: هو العالم; پاک است.

س ۵۳: شرابی که به نام بیره مشهور می باشد آیا طاهر است یا نجس؟ البته در صورتی که مسکر نباشد؟

ج: هو العالم; پاک است.

س ۵۴: نظر برخی از فقها این است که نصاری نجس اند و حکم نجاست بر آنها جاری است و نظر برخی همچون آیت الله حکیم بر

طهارت آنهاست. نظریه حضرتعالی چیست؟

ج: هو العالم؛ پاک می باشند.

س ۵۵: آیا کافر کتابی پاک است یا نجس؟

ج: هو العالم؛ پاک است.

احکام میت

س ۵۶: آیا به محض موت، بدن میت نجس می شود و آیا در صورت لمس آن با دستِ تر، دست نجس می شود؟ اگر شخصی از دنیا رفته باشد و اموالی داشته باشد که پس از مرگ او صرف مراسم گردد وظیفه فرزندان و بستگان وی چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ به مجرد خروج روح از تمام بدن، میت نجس می شود و در صورت لمس با دست تر، دست نجس می شود. ولی وجوب غسل مس میت مخصوص به لمس بعد از سرد شدن بدن است. و در خصوص کفنِ زوجه، باید زوج بدهد ولو زوجه مال داشته باشد و در غیر آن اگر میت اموال دارد از اموال خودش با رعایت موازین شرعیه باید مصرف شود، در غیر آن در مراسم لازمه از بیت المال و به خصوص زکاه باید مصرف نمود.

س ۵۷: آیا مس میت را ناقض وضوء می دانید؟ هم چنین آیا حیض و نفاس را ناقض وضوء می دانید؟

ج: هو العالم؛ من چون غسل مس میت و غسل حیض و نفاس را مجزی از وضوء می دانم، اینکه آن امور ناقض وضوء می باشند یا نه؛ اثری ندارد. به هر حال قبل از غسل امور مشروط به طهاره جایز نیست و بعد از غسل بدون وضوء جائز است.

س ۵۸: کسی که میت را با دستکش می شوید و غسل می دهد، اگر بدن غساله به بدن میت نخورد آیا غسل مس میت دارد یا

خیر؟

ج: هو العالم; خیر غسل مس میت واجب نمی شود.

س ۵۹: اگر حنوط میت فراموش شود، آیا برای حنوط گذاشتن چنانچه یک روز یا زیادتر از دفن میت بگذرد در حالی که بدن متلاشی نشده باشد نبش قبر لازم است یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی باید برای حنوط نبش قبر نمود مگر آن که بدن میت به نحوی شده باشد که نبش قبر اهانت باشد.

س ۶۰: اگر ولی میت دو نفر دوقلو بودند آیا قضاء روزه بر هر دو می باشد و آیا ولیِ میت روزه قضاء یا نذر را لازم است به جا آورد یا نه؟ و اگر ولی می داند قضاء بر میت بوده و الان شک دارد که آیا در حال حیوه به جا آورده یا نه؟ وظیفه او چیست؟

ج: هو العالم;

۱ اگر ولی ۲ نفر بودند قضاء تنصیف می شود.

۲ بنابر احتیاط وجوبی بر ولی واجب است قضاء هر روزه واجبی ولو نذر باشد.

۳ در مورد شک مزبور، بلی باید قضاء نماید.

اذان و اقامه

س ۶۱: نظر حضرت عالی در رابطه باشهادت ثالثه و رابعه (شهادت به ولایت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) و مقام عصمت بانوی اسلام حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)) در تشهد نماز چیست؟ در اذان و اقامه چطور؟

ج: هو العالم; شهادت ثالثه از اجزاء مستحبه اذان و اقامه می باشد. بلکه در این زمان که مخالفین ولایت ائمه طاهرین(علیهم السلام)فعالیت بر علیه آنان می نمایند; اگر مجتهد جامع الشرائطی به عنوان تعظیم شعائر مذهبی حکم به وجوب آن کند من هیچ گونه اشکالی در آن نمی بینم و اما شهاده رابعه از اجزاء نیست ولی فی

نفسه قول حَسن و خوبی است چه در اذان و اقامه چه در موارد دیگر ولی نه به عنوان جزئیت.

احکام نماز

س ۶۲: آیا قبل از گفتن تکبیره الاحرام نماز واجب و مستحب، گفتن شش تکبیر به قصد ورود یا رجاء مستحب است ؟

ج: هو العالم; به قصد ورود مستحب است .

س ۶۳: اگر مُصلی غیر از یک لباس بیشتر ندارد نجس شود از شدت گرما یا سرما نمی تواند آنرا بیرون کند، آیا می شود با آن نماز بخواند؟

ج: هو العالم;بلی، باید با آن لباس نماز بخواند و نمازش صحیح است .

س ۶۴: کسانی که جاهل به مسائل شرعی می باشند و نمازهای واجب یا مستحب را جلو قبر معصوم(علیه السلام) می خوانند صحیح است یا نه؟

ج: هو العالم; صحیح است.

س ۶۵: با پول حرام مصلی لباس تهیه نماید نماز با او بخواند چگونه است؟

ج: هو العالم; چنانچه لباس را با همان پول حرام بخرد، نماز را نباید با آن لباس بخواند ولی اگر لباس را با پول در ذمه بخرد و از آن پول حرام مافی الذمه را اداء کند که ظاهراً غالباً چنین است، نماز با آن لباس صحیح است.

س ۶۶: اگر مصلی در وسط نماز قرائت را فراموش کرد و به رکوع رفت، بعد یادش آمد، در صورت توجه یا بدون توجه به رکوع رفته، آیا نماز او باطل است یا نه؟

ج: هو العالم; با توجه به نقص قرائت قبل از رکوع اگر اختیاراً به رکوع برود نماز باطل است والا نماز صحیح است.

س ۶۷: اگر در حال فرو بردن نفس، قرائت نماز را به جای آوریم، آیا صحیح است؟

ج: هو العالم;

در صورتی که قرائت درست اداء شود، صحیح است.

س ۶۸: در وقت خوانـدن تسبیحات اربعه شک کردم مرتبه دوم است که می گویم یا سوم؛ وظیفه چیست و اگر با این حال به رکوع روم، بدون گفتن دفعه سوم نماز صحیح است؟

ج: هو العالم؛ چون یک مرتبه کفایت می کنـد،بنابراین گرچه به مقتضای شک دروقت بایدبنابگذاردبراین که دوم است،چنان چه به رکوع رودنمازباطل نمی شود.

س ۶۹: کسی که کثیر الشک می باشد به کدام شک هایش نباید اعتنا کنـد؟ آیا به هر شکی که در نماز که اعم از رکوع، سجود و تعداد رکعات و... نباید ترتیب اثر دهد؟

ج: هو العالم؛ در خصوص آن موردی که کثیر الشک است، نبایـد اعتناء کنـد. در بقیه موارد به وظیفه تعیین شده بر آن شک باید عمل کند.

س ۷۰: اگر نماز گـذار در حال جلوس شک کرد، به نحوی که نمی دانست جلوس از سجده اول یا دوم یا بعـد از نماز است، چه کند؟

ج: هو العالم؛ باید سجده دوم به جا آورد.

س ۷۱: در رساله توضیح المسائل فرموده اید که: «وقتی یکی از شک های صحیح برای انسان پیش آید باید فوراً فکر نماید». آیا در شک هایی که نباید به آنها اعتنا کرد از جمله شک کثیرالشک نیز باید هنگام عروض شک فوراً فکر کرد و در صورت پیدا نشدن یقین یا گمان به یک طرف شک به آنها اعتنا نکرد یا اصلاً فکر کردن لازم نیست؟

ج: هو العالم؛ فکر کردن لازم نیست. ولی فکر کردن با ادامه خوانـدن نماز محـذور نـدارد و اگر یقین به بطلان نماز پیـدا کرد نماز را اعاده کند.

س ۷۲:

با توجه به اینکه بستن طلا ـ برای مرد حرام است و سبب بطلان نماز می شود، سؤال اینجاست که آیا علت حرمت جنبه زینت بودنش می باشد یا نَفْسِ طلا برای مرد حرام است؟

ج: هو العالم؛ ما موظف به بیان علّت احکام شرعیه نیستیم.

س ۷۳: به فرض اینکه اگر حرمت طلا ـ به خاطر زینت باشد در صورتی که برای اتصال قاب ساعت با بند آن ساعت را جوشکاری می کنند و به خاطر حرارت زیاد هنگام جوش کلّاً زردی رنگ قاب ساعت از بین برود و آن ساعت باز توسط آب کردن طلا به مقدار ۱۲ میکرو، آن را به حالت اولیه و زردی قبلی تبدیل می کند. آیا این مقدار طلای آب شده که جذب قاب ساعت می کنند، سبب بطلان نماز می شود؟

ج: هو العالم؛ رنگ و آب طلا اشکال ندارد، میزان خود طلا است.

س ۷۴: با مراجعه به متخصص و تعمیر طلا ـ و ساعت ایشان گفته اند که تمام بندهای زرد رنگ که رنگ آنها نمی رود در بعضی کشورها مثل ژاپن به مقدار ۱۲ تا ۱۸ میکرو طلا را آب می کنند و توسط اسید سیاتیک ترکیب می کنند در نهایت باالکترولیز کردن آن این مقدار طلا را جذب بند ساعت و قاب آن می کنند آیا به دست کردن این ساعت که اکثر مردم بلاد مسلمین حکمش را نمی دانند، باعث بطلان نماز آنها می شود؟

ج: هو العالم؛ خیر، نمی شود.

س ۷۵: آیا بوسیدن «مهر» بعد از پایان نماز وجه شرعی دارد؟

ج: هو العالم؛ بوسیدن جایی که انسان سجده می کند به عنوان احترام، حسن است.

س ۷۶: در بعضی

نمازهای مستحبی خواندن «آیه الکرسی» بعد از سوره حمد، وارد شده است. آیا قبل از قرائت آیه الکرسی «بسم الله الرحمن الرحیم» لازم است؟

ج: هو العالم؛ خیر، لازم نیست بلکه به عنوان ورود، مشروع هم نیست.

س ۷۷: اگر فردی که دائماً از او بول خارج می شود مدّتی قبل از وقت نماز واجب برای خواندن نماز واجب مخرج بول را آب بکشد و وضوء هم بگیرد آیا بعد از داخل شدن وقت باز هم احتیاط واجب آن است که برای خواندن نماز واجب مخرج بول را آب بکشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه قدری فاصله می شود بین خروج بول ولو با بستن نخ به آخر مخرج بول، بلی، واجب است و اگر هیچ فاصله ای پیدا نمی شود و مرتب بول خارج می شود لازم نیست مخرج را آب بکشد، چون آب کشیده نمی شود.

س ۷۸: اگر شخصی در هنگام اول وقت نماز دور از وطن خود باشد (به طوری که نماز شکسته بر او واجب باشد) ولیکن احتمال می دهد که تا آخر وقت ادای نماز به موطن اصلی خود باز می گردد و می تواند نماز را کامل بخواند در این صورت تکلیف چیست؟

ج: هو العالم؛ لازم است در سفر، نماز شکسته بخواند، ولی اگر نخواند و قبل از انقضای وقت به وطن رسید، باید نماز را تمام بخواند.

س ۷۹: اگر نمازگزار مسأله را بداند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده نمازش باطل است یا صحیح، اگر در بین نماز بفهمد چطور؟

ج: هو العالم؛ چنانچه بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است و اگر در بین نماز

بفهمد و تبدیل لباس یا تطهیر با عدم منافی، ممکن است باز نماز محکوم به صحت است والا باطل است.

س ۸۰: اگر کسی بعد از خواندن سوره شک کرد آیا یک آیه از حمد را خوانده یا نه، قاعده تجاوز جاری است یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی، قاعده تجاوز جاری است. باید اعتناء به آن شک نکند.

س ۸۱: اگر کسی شک کرد در نماز با طهارت بوده یا نه؟ وظیفه چیست؟

ج: هو العالم؛ نماز صحیح است. ولی برای نمازهای بعد باید وضوء بگیرد.

س ۸۲: اگر در حال نماز مشغول ذکر واجب بود، قهراً او را هول دهند، ذکر را باید اعاده کند؟

ج: هو العالم؛ اعاده نماز لازم نیست، ولی نباید ذکر را دو مرتبه بگوید.

س ۸۳: اگر شخص نصف بدن او در محلی است که در نماز مخیر است بین قصر و تمام و نصف بدن او خارج از آن محل باشد، نماز را قصر بخواند، یا تمام می تواند بخواند؟

ج: هو العالم؛ باید قصر بخواند.

س ۸۴: هر گاه نیت نماز اخفات را کسی تلفظ کند، اشکال دارد یا نه؟

ج: هو العالم؛ قبل از تکبیره الاحرام اشکال ندارد.

س ۸۵: اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید، مثلاً بین نماز یقه لباس را مرتب کند، نماز باطل است یا نه؟

ج: هو العالم؛ چنانچه معظم اعضاء بدون حرکت باشد، فقط دست را حرکت بدهد، اشکال ندارد.

س ۸۶: آیا می شود ذکر رکوع و سجود نمازهای مستحبی را به یک مرتبه سبحان الله اکتفا کرد.

ج: هو العالم؛ خیر، خلاف احتیاط است.

س ۸۷: اخیراً علما سفارش می کنند که نماز را به ۵ وقت بخوانید. آیا به ۵ وقت

خوانـدن ظهر را به ظهر، عصر را به عصـر، مغرب را به مغرب،مسـتحب است. آيـا اين عمـل رسول خـدا(ص) مورد اتفاق اهل تسنن و شيعه است؟

ج: هو العالم؛ البته خوب است، ولی رسول خدا(ص) مكرر جمع فرموده اند.

س ۸۸: آيا تغيير نيت نيابت بعد از تكبير جايز می باشد، و اگر مأموم مساوی با امام جماعت ايستاد، چه صورت دارد؟

ج: هو العالم؛ ۱ تغيير نيت اشكال دارد ۲ بايد ولو خيلی كم در جميع حالات نماز از امام عقب تر بايستد.

س ۸۹: حكم نماز و روزه نيابتی كسی كه خود نماز و روزه قضاء دارد، چيست؟

ج: هو العالم؛ نماز را می تواند اجير شود، ولی روزه را خير، نمی تواند.

س ۹۰: آيا درنمازفريضهونافله جايزاست قرائت سوره يادعارا ازروی قرآن و مفاتيحی كه در دست گرفته يا در تابلوی مقابل ما و در منظر و مرآی ماست يا روی زمين است و در حال قيام به آن نظر می كنيم، انجام دهيم يا حتماً بايـد حفظ داشـته باشـيم تا بتوانيم بخوانيم لطفا راهنمايی كنيد؟

ج: هو العالم؛ خوانـدن از روی قرآن و مفاتيـح جايز است، ولی مقتضای احتياط غيرلزومی آن است كه خصوص حمد و سوره را از روی قرآن نخوانيد ولو آنكه اگر بخوانيد اشكال ندارد.

س ۹۱: آيـا می توان در وقت واجب نمـاز به نيت طهـارت وضوء گرفت و با آن نماز واجب خوانـد يا اينكه حتما بايـد به نيت وجوب وضوء گرفت؟

ج: هو العالم؛ نيت وجوب لازم نيست، می توانيد به قصد نماز وضوء بگيريد و می توانيد به قصد طهارت.

س ۹۲: آيا می توان قبل از وقت واجب نماز به نيت نماز واجبوضوء گرفت؟

ج:

هو العالم؛ خیر، نمی شود. ولی قبل از وقت به قصد مهیا شدن برای نماز می توانید وضوءبگیرد.

س ۹۳: من در نماز بسیار شک می کنم، راه از بین رفتن شک در نماز چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ به شک اعتنا نکنید، به نماز ادامه دهید و با همان حالت تمام کنید و اعمال مشکوک را نیز انجام ندهید، با مرور زمان شک از بین می رود.

س ۹۴: مراد از قیام متصل به رکوع کدام یک از موارد زیر است:

الف) از حالت ایستاده به رکوع رفتن.

ب) مقداری ایستادن قبل از رکوع پس از تمام شدن حمد و سوره یا گفتن تسبیحات اربعه.

ج: هو العالم؛ مراد این است که از حال ایستاده به رکوع برود، مثلاً اگر بعد از حمد و سوره بنشیند و از آن حالت به رکوع رود، صحیح نیست.

س ۹۵: حکم گفتن بیش از سه مرتبه تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نمازهای واجب به قصد ورود یا رجاء چیست؟ و حکم خود نماز چیست؟

ج: هو العالم؛ حکم آن عدم جواز است، ولی به قصد ذکر مطلق اشکال ندارد.

س ۹۶: خواندن بیش از یک سوره بعد از حمد در نماز واجب (نماز فرادا و جماعت) و مستحب به قصد ورود یا رجاء چه حکمی دارد؟ و خود نماز چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ فتوای بعضی از فقهاء عدم جواز است، در نماز واجب ولی به نظر ما مکروه است.

س ۹۷: خواندن سوره بعد از حمد در رکعات سوم و چهارم نمازهای واجب به قصد ورود یا رجاء چه حکمی دارد و حکم خود نماز چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ جایز نیست، چنانچه

با علم به عدم جواز بخواند، نماز باطل است.

س ۹۸: اگر شخصی زمان طولانی جا نمازی در مسجد بیاندازد و خودش برای نماز نیاید، آیا دیگران می توانند آن جا نماز راجمع کرده و در آن محل نماز بخوانند؟

ج: هو العالم; بلی، می توانند. اشکال ندارد.

س ۹۹: آیا خواندن آیات یا سور کامله در اثنای سجود یا رکوع در نمازهای واجب، و یا مستحب جایز است؟ در صورت جواز آیا مجزی اند؟

ج: هو العالم; خواندن قرآن در حال رکوع و سجود مکروه است، نماز باطل نمی شود، ولی بهتر است نخوانند.

س ۱۰۰: اگر شخصی بتواند قیام و رکوع نمازش را ایستاده به جا بیاورد، ولی نتواند در حالت ایستاده به سجده برود، وظیفه اش چیست؟

ج: هو العالم; برای سجده ایستاده اشاره بنماید و بهتر است مهر هم به پیشانی بگذارد، ولی لازم نیست.

س ۱۰۱: آیا خواندن نماز آیات در مواقعی که حوادثی مانند رعد و برق به طور ناگهانی (مثلا هنگام خواب) اتفاق می افتد و موجب ترس فرد می شود واجب می شود یا خیر؟

ج: هو العالم; واجب نیست، مگر آنکه بداند موجب وحشت بیشتر مردم می شود که در آن صورت واجب است بخواند.

س ۱۰۲: آیا سورمه غصبی در چشم نمازگزار مبطل نماز است یا نه؟

ج: هو العالم; خیر، مبطل نیست.

س ۱۰۳: به نظر حضرتعالی در شب های مهتابی واجب است که بعد از اذان صبح فریضه را به تاخیر بیاندازد تا سپیده فجر بر نور ماه غلبه محسوس پیدا کند یا خیر؟

ج: هو العالم; خیر، لازم نیست.

س ۱۰۴: آیا می شود در هر نمازی چه واجب و چه مستحب که نام

حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) شنیده شد، صلوات فرستاد و صلوات خللی به نماز وارد نمی کند؟

ج: هو العالم؛ بلی، مستحب است و خللی به نماز وارد نمی شود.

س ۱۰۵: اگر در حال نمازبینی امام یاماموم خون بیایدآیانمازش باطل می شود؟

ج: هو العالم؛ اگر خون کمتر از درهم باشد، باطل نمی شود و همچنین اگر زیادتر باشد و بتواند بدونورودخللی درنماز،آب کشیدوالاباطل می شود.

س ۱۰۶: الف) در نماز، تسبیحات اربعه را چند مرتبه باید خواند و چند مرتبه واجب است؟ ب)هنگامی که عجله داریم مثلاامام جماعت نمازراسریع می خواند، و می خواهیم به آن برسیم یک مرتبه بخوانیم نماز صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ تسبیحات اربعه بیش از یک مرتبه واجب نیست.

س ۱۰۷: در نماز باید بدن آرامش داشته باشد. کسی عادت دارد و خود به خود حرکت می کند. مثلا در نماز خود را به سمت جلو و عقب می کشد یا روی پا بلند می شود، این کار در نماز موجب بطلان می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ چنان چه بی اختیار باشد، اشکال ندارد والا باید آرام باشد.

س ۱۰۸: بستن چشم ها در نماز چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ مباح است.

س ۱۰۹: زن و شوهر هر دو از یک زادگاه هستند، ولی محل سکونت جایی دیگری است. وقتی به زادگاه می آیند آیا نماز آنها قصر است یا نه؟ با وجود این که احتمال زیاد می رود که زادگاه هیچگاه برای سکونت اختیار نکنند توضیح بفرمائید؟

ج: هو العالم؛ با احتمال، حکم از بین نمی رود، باید تمام بخوانند.

س ۱۱۰: اگر انسان دندان خود را توسط پزشک بکشد و تا

مدت ۲۴ ساعت دندان خونریزی داشته باشد و آب کشیدن آن میسر نباشد، چون خطر عفونت دارد، آیا نماز او با دهان خونی صحیح است یاخیر؟ و چطور باید نماز خواند؟

ج: هو العالم; بلی، صحیح است.

س ۱۱۱: مراد از فرمایش امام صادق(علیه السلام): لیس من شیعتنا من لم یصل صلاه اللیل چیست؟

ج: هو العالم; این قبیل روایات از قبیل قضایای خارجیه است نه قضیه حقیقیه که در مقام بیان حکم باشد.

س ۱۱۲: اگر شخص در وقت نماز، غافل بود و نمازی را با جنابت خواند باید اعاده کند یا نه؟

ج: هو العالم; بلی، باید اعاده کند.

س ۱۱۳: اگر شخصی در رکعت آخر نماز، در سجده دوم خوابش برد یا مرد آیا نماز او اعاده دارد؟

ج: هو العالم; به نظر ما آن نماز صحیح است و اگر زنده بود باید قضاء تشهد را بجا آورد.

س ۱۱۴: زائر حضرت اباعبدالله الحسین(ع) چطور باید در حائر حسینی نماز بخواند؟ کامل یا شکسته؟ آیا در تمام عتبات اینطور است یا فقط در کربلای معلی؟

ج: هو العالم; تخییر بین تمام و شکسته مختص به کربلا است و آن هم حائر نه تمام شهر.

س ۱۱۵: دقیقاً چند دقیقه پس از اذانی که در صبح از رادیو و تلویزیون پخش می شود، می توان نماز خواند؟

ج: هو العالم; میزان اطمینان به طلوع فجر است، من خودم یک ربع ساعت از اول اذان بگذرد، شروع به نماز می کنم.

س ۱۱۶: نماز جمعه را کسی که می خواند باید اذن از مجتهد حاکم شرع بگیرد یا خیر؟

ج: هو العالم; لازم نیست، ولی ما در زمان غیبت نماز جمعه را مجزی از نماز ظهر نمی

دانیم.

احکام قنوت و ادعیه

س ۱۱۷: آیا خواندن قنوت به زبان فارسی در نماز در نمازهای واجب جایز است و خللی در نماز وارد نمی کند؟

ج: هو العالم; بنابر احتیاط لزومی قنوت به غیر عربی جایز نیست.

س ۱۱۸: دیده شده عده ای در قنوت نماز نگین انگشتر را به طرف صورت می کنند آیا این عمل در اسلام است یا نه؟

ج: هو العالم; خیر از اسلام نیست، بلکه روایت دارد که این کار را نکنید، البته حرام نیست.

س ۱۱۹: دعای یا حمید بحق محمد یا عالی بحق علی یا فاطر بحق فاطمه... الخ که افرادی به عنوان تعقیبات نماز می خوانند در کدام کتب ادعیه مکتوب است؟

ج: هو العالم; در کتاب بحارالانوار علامه مجلسی(ره) ج ۴۴ نقلاً از الدرالثمین فی تفسیر (فتلقی ادم ربه...) ص ۲۴۵; ایضاً بحارالانوار، ج ۱۰۹، ص ۸۵. در العوالم الامام الحسین(ع) للشیخ عبدالله البحرانی، ص ۱۰۴.

س ۱۲۰: آیا خواندن ادعیه زیر در زمان های زیر به قصد ورود یا رجاء مستحب است؟

الف) دعای کمیل در شب جمعه و شب نیمه ماه شعبان

ب) دعای توسل در شب چهارشنبه

ج) دعای ندبه در روز جمعه و در اعیاد مبارک فطر، قربان و غدیر خم

د) دعای سمات در عصر روز جمعه

ر) دعای جوشن کبیر و صغیر در شب ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ ماه مبارک رمضان.

ج: هو العالم; همه اینها به قصد استحباب جایز است به واسطه قاعده تسامح در ادله سنن.

سجده

س ۱۲۱: آیا (سبحان ربّی الا علی و بحمده) ذکر مخصوص سجده است که گفتن عمدی آن در رکوع حرام باشد و نماز را باطل کند؟

ج: هو العالم; نه مخصوص سجده نه متعین در

آن است و جائز است ذکر دیگر در سجده گفته شود، البته بهتر است همان ذکر باشد و جائز است در رکوع نیز گفته شود.

س ۱۲۲: آیا (سبحان ربّی العظیم و بحمده) ذکر مخصوص رکوع است که گفتن عمدی آن در سجده حرام باشد و نماز را باطل کند؟

ج: هو العالم؛ بهتر است همان ذکر گفته شود، همان گونه که بنای علما و مسلمانان بر آن است، ولی متعین نیست و گفتن آن در سجده حرام نیست.

س ۱۲۳: آیا سجده بر دستمال کاغذی صحیح است؟

ج: هو العالم؛ در صورتی که ماده ای که از آن دستمال درست می کنند مایصح السجود علیه باشد بلی والا به عنوان دستمال کاغذی خیر.

س ۱۲۴: آیا در سجده هر دعایی را می توان خواند یا اینکه باید دعاهایی که وارد شده را قرائت کرد؟

ج: هو العالم؛ دعای خاصی لازم نیست، هر دعایی می توان خواند. ولی مقتضای احتیاط در ذکر سجده این است که همان ذکر مخصوص (سبحان الله) یا سبحان ربی الاعلی و بحمده گفته شود ولو الحمدلله هم مثلا کافی است.

س ۱۲۵: یکی از دو طرف مهرهای نماز مقداری برجستگی دارد آیا سجده بر سطح ناهموار آن صحیح است؟

ج: هو العالم؛ بلی صحیح است.

س ۱۲۶: کسی در حال سجود نتواند تنها انگشت بزرگ خود را روی زمین بگذارد ولی باقی را می تواند آیا نمازش باطل است یا خیر؟ اگر باطل است نماز را چطور بخواند؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد، بقیه را به زمین بگذارد.

س ۱۲۷: اگر هنگامی که سوار ماشین هستیم، قرآن بخوانیم و به آیه سجده برسیم، آیا لازم است که آن

را نخوانیم و وقتی که توانستیم سجده را به جا آوریم آیه را بخوانیم و یا می توانیم آن را تلاوت کنیم و با اشاره سجده را انجام دهیم؟

ج: هو العالم؛ نباید بخوانید، مگر آن که با نذر و نظیر آن ملزم به خواندن باشید و ماشین را نمی توانید نگاه دارید با این قید می توانید بخوانید و با اشاره سجده نمائید.

س ۱۲۸: اگر سمت صاف و ساده مهر چرکی باشد بر سمت دیگر آن که تمیز است، ولی دارای عکس گنبد یا کف دست یا نوشته است می توان سجده کرد یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی می تواند سجده نمود، چه سمت صاف چرک باشد یا تمیز.

س ۱۲۹: وقف کم یا زیاد بر کلمه (اله) در موارد زیر به نظر مبارک شما چه حکمی دارد و نماز صحیح یا باطل است؟ الف- اَشْهَدُ اَنْ لا اله الّاالله. ب- لا اله الّا الله ج- سُبْحانَ الله و اَلْحَمْدُ و لااله الّا الله و الله اَكْبَر .

ج: هو العالم؛ در وقف زیاد چون کلام ناقص می شود و مفید معنی نیست، جایز نیست. در وقف کم چون وصل به سکون است از آن جهت اشکال پیدا می شود.

نماز آیات

س ۱۳۰: آیا خواندن نماز آیات برای پدیده نجومی عبور سیاره زهره از مقابل خورشید که در روز سه شنبه ۱۹/۳/۸۳ پس از ۱۲۲ سال اتفاق افتاد واجب است؟

ج: هو العالم؛ چنانچه سیاره زهره بین خورشید حائل شده باشد و مکلف حساً بفهمد نه به واسطه قواعد نجومی، بلی، واجب است. و در مورد قضیه واقعه در روز سه شنبه ظاهراً عرفا گرفتن خورشید صدق نمی کرد

و نماز آیات واجب نشد.

س ۱۳۱: در آمدن زلزله آیا کسی که خوابیده و نداند باید نماز آیات بخواند یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی، واجب است.

احکام نماز جماعت

س ۱۳۲: در صف نماز جماعت می شود که هنوز صف اول نیت نکرده صف دوم نیت کنند یا در صف اول چند نفر نیت کرده اند و در بین اینها تا آخر صف فاصله است، اگر صف دوم نیت بکنند نیت آنها صحیح است یا نه؟ و در صف اول هم آنها که نیت کرده اند فاصله تا امام چند نفر است و دور هم می باشند. اگر نیت بکنند صحیح می باشد یا نه؟

ج: هو العالم; مهیا بودن برای نیت جهت اقتدا کافی است ولی مختصری صبر کنید، بعد از نیت اقتدا کنید بهتر است.

س ۱۳۳: آیا بدون اذن متولی شرعی مسجد کسی می تواند اقامه نماز جماعت کند یا نمی تواند؟

ج: هو العالم; در صورتی که متولی امام معینی را در حین وقف تعیین کرده است نمی تواند، ولی اگر امام تعیین نکرده است اجازه او شرط جواز اقامه نماز جماعت نیست.

س ۱۳۴: در رابطه با اتصال به جماعت در حال تشهد امام برای درک فیض جماعت، آیا این حکم در جایی که امام به سلام نماز رسیده و در حال سلام نماز است، نیز جریان دارد و ثانیاً آیا مأموم در این هنگام جهت متابعت امام تشهد و سلام را با امام بخواند؟

ج: هو العالم; این حکم در حال سلام جریان ندارد و اگر در حال تشهد داخل جماعت شود، چنانچه تشهد اوّل باشد باید بایستد تا امام برای رکعت سوم بایستد و اگر تشهد

آخر باشد می تواند بنشیند. البته به حال تجافی و می تواند تشهد را بخواند، البته بنابر احتیاط به قصد ذکر مطلق بخواند و پس از سلام امام برخیزد و نماز را بدون تکرار تکبیره الاحرام فرادی بخواند.

س ۱۳۵: آیا پشت سر امام جماعت صبی ممیز عادل یا معلول بالغ عادل می شود اقتدا کرد یا نه؟

ج: هو العالم؛ مأموم بالغ نمی تواند اقتدا به صبی نماید، ولی غیر بالغ می تواند و اقتداء به معلولی که نمی تواند نماز صحیح بخواند جایز نیست.

س ۱۳۶: آیا جواز و صحت نماز جماعت در نماز آیات شامل فقط خسوف و کسوف یا شامل همه موارد وجوب نماز آیات می شود؟

ج:هوالعالم؛شامل همه مواردوجوب نمازآیات می شود.

س ۱۳۷: در نماز جماعت امام سهوا بعد از تکبیره الاحرام به رکوع می رود در این مورد تکلیف مامومین چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ نماز امام صحیح است به مقتضای حدیث لاتعاد قهرا مأمومین هم نمازشان صحیح است.

س ۱۳۸: اگر مأموم بر طبق تقلید یا اجتهاد خودش خواندن سوره را بعد از حمد واجب بداند و امام جماعت بر طبق تقلید یا اجتهادش خواندن آن را واجب نداند، آیا جایز و صحیح است که چنین مأمومی به چنین امام جماعتی در رکوع یا قبل از رکوع اقتدا کند؟ (خواه دررکعت اول خواه در رکعت دوم باشد)

ج: هو العالم؛ مانعی ندارد.

س ۱۳۹: در کتاب تحریر الوسیله مسأله آمده است: القول فی احکام الجماعه لایجب علی المأموم الطمأنینه حال قرائه الامام و ان کان الاحوط ذلک و کذا لاتجب علیه المبادره الی القیام حال قرائته، فی الرکعه الثانیه فیجوز أن یطیل سجوده و یقوم

أن قرا الامـام بعض القراه، لولم ينجر الى تأخر الفاحش، بيان فرماييـد آيا با نظر فوق موافق می باشـيد و اگر قائل به نظر ديگری می باشيد آن را مرقوم نماييد.

ج: هو العالم; نظر ديگری ندارم.

س ۱۴۰: از چه راهی بايد بفهميم که امام جماعت نمازش صحيح است و او اين صلاحيت را دارد؟

ج: هو العالم; اصاله الصحه راه شناختن صحت نماز امام است.

س ۱۴۱: اگر در محلی که نماز جماعت به اقامت روحانی اقامه می شود، شخصی به صورت فرادا به اقامه نماز بپردازد، نمازش چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; چنانچه عنوان هتك و اهانت صدق كند، جايز نيست والا اشكال ندارد.

س ۱۴۲: در نماز جماعت جهريه، اگر امام در رکعت سوم باشد و مأموم در رکعت دوم، آيا جايز است مأموم قرائت را به جهر بخواند؟

ج: هو العالم; خير، جايز نيست. حتی بسم الله را نبايد بلند بخواند.

س ۱۴۳: نمـاز خوانـدن پشت سـر امـام جمـاعتی که انسان او را نمی شـناسد چه حکمی دارد، و اگر در همين مکان نماز فرادا خواند که نماز جماعت هم برگزار است نماز او باطل می شود يا خير؟

ج: هو العالم; ۱ شـرط اقتداء، ثبوت عدالت امام از طريقی که در شرع تعيين شده، می باشد. ۲ فرادا خواندن اگر اهانت نباشد، اشکال ندارد.

س ۱۴۴: آيا در اسـتحباب گفتن (کـذلك الله ربی» و «کـذلك الله ربنا» بعد از تمام شدن خواندن سوره در نماز جماعت فرقی بين امام و ماموم وجود دارد يا خير؟

ج: هو العالم; فرقی بين امام و مأموم و منفرد نيست. بلی، در بعد از فراغ امام از قرائت حمد مستحب است ماموم

و منفرد بگویند: الحمدالله رب العالمین، بر امام مستحب نیست.

س ۱۴۵: در یک مکانی امام جماعت راتب است، ولی معمم نیست و کسی می آید معمم است و از لحاظ سنی بالاتر است، اینجا کدام مقدم هستند و باید نماز را بخوانند؟

ج: هو العالم؛ معمم بودن شرط نیست، امام راتب مقدم است.

س ۱۴۶: مأموم وقتی وارد بر امام می شود که امام در حال رکوع است برای این که به امام برسد، یا الله می گوید که امام متوجه بشود و صبر کند. بعضی گفته اند این کار را انجام ندهید. گفته اند موقعی که امام به رکوع است به او اقتدا کنید و چیزی نگویید. اگر این طور باشد، چه باید کرد؟ راهنمایی بفرمائید

ج: هو العالم؛ گفتن «یا الله» اشکال ندارد.

س ۱۴۷: عالم دینی که پس از چند سال مال امام خوردن و درس خواندن در دفاتر غیر مسلم برای مال دنیا کارمند شده یا تبلیغ مذاهب باطله یا حمایت از آنها بکند. مثل آغاخانی ها و یهودی ها و وهابیت و غیره و نیز در دید مردم از شبهات و حرام پرهیز نمی کند.

۱- آیا در این صورت نماز خواندن پشت سر او جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ ابداً جایز نیست.

۲- آیا عدالت آنها باقی می ماند؟

ج: هو العالم؛ باقی نمی ماند.

س ۱۴۸: اینجانب مدتی در نماز جماعت یکی از مراجع محترم تقلید شرکت می کردم، ایشان به خاطر لهجه ای که داشتند (به تشخیص خودم) بعضی کلمات را صحیح اداء نمی کردند، مثلاً در آیه شریفه: «تنزل الملائکه و الروح...» تنزل را با حرف (ض) یا (ظاء) تلفظ می کردند،

پس از آنکه متوجه این امر شدم در نماز جماعت شرکت نکردم. حال سئوال حقیر این است که: آیا آن نمازها احتیاج به اعاده و قضاء دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; نمازهایی که با ایشان خوانده اید، صحیح است و احتیاج به اعاده و قضا ندارد.

س ۱۴۹: وقتی در مسجد نماز جماعت اقامه می شود، گروهی حین اقامه نماز جماعت، نمازشان را فرادی می خوانند که این امر موجب تفرقه و بگو مگو میان نمازگزاران و این افراد می گردد. وجه شرعی این عمل از نظر حضرتعالی چیست؟

ج: هو العالم; چنانچه امام جماعت ظاهرالصلاح باشد که به حسب ظاهر علمای آن دیار چنین هستند; نماز فرادا خواندن گروهی که عملاـ تفسیق امام باشد، جایز نیست. هم نمازشان باطل است و هم کار خلافی است، بلی، چنانچه تفسیق نباشد، اشکال ندارد.

س ۱۵۰: گفته می شود شخصی فردی را عادل می دانست و با او نماز می خواند، بعداً به گفته دیگران در عدالت یا کم سوادی فرد شک و یا یقین می کند، آیا اعاده نمازهایی که با آن امام خوانده است، لازم است یا خیر؟

ج: هو العالم; اعاده لازم نیست. همه نمازها محکوم به صحت است به علاوه کم سوادی اصلا تأثیر در بطلان نماز ندارد.

س ۱۵۱: امامت جماعت و منبر رفتن افراد غیر معمم با وجود معممین و اهل علم چه صورتی دارد؟

ج: هو العالم; شرط صحت جماعت معمم بودن نیست، پس به عنوان اولی اشکال ندارد. ولی چنانچه به عنوان ثانوی مانند آنکه درصدد باشند روحانیون حقیقی راکنار بگذارند و اهانت به روحانیت باشد و قصد دور نمودن روحانیت صحیح و واقعی،

نه روحانی ظاهر الفساد از مقام تبلیغی باشد; اشکال دارد.

س ۱۵۲: خواندن نماز جماعت به همراه اهل سنت کافی است یا باید نماز اعاده شود؟

ج: هو العالم; باید اعاده شود.

نماز قضاء

س ۱۵۳: این حقیر چند سال نماز قضاء بر ذمّه دارم و چون حوصله نمی کنم هر روز بعد از نماز ظهر و عصر روز اول قضای نماز صبح، و بعد از نماز مغرب و عشاء روز اول قضای نماز ظهر را می خوانم و روز دوم بعد از نماز ظهر و عصر قضای نماز عصر و بعد از نماز مغرب و عشاء قضای نماز مغرب را قضاء می کنم و روز سوم بعد از نماز ظهر و عصر قضای نماز عشاء را می خوانم و در آخر بعد از نماز مغرب و عشاء دوباره شروع به قضای نماز روز دوم کرده و قضای نماز صبح را می خوانم و به همین ترتیب ادامه می دهم. آیا کیفیّت مذکور صحیح می باشد یا نه؟ باید چگونه قضاء نمایم؟

ج: هو العالم; به همان نحو صحیح است، اشکال ندارد.

س ۱۵۴: در مسئله قبل گاهی اوقات در بین آن سه روزی که نماز یک روز را قضاء می کنم، جنابتی رخ می دهد و عذری شرعی پدید می آیدکه تا مدتی نمی توانم غسل کنم و نمازهای اداء را با تیمّم می خوانم ولی ادامه آن یک روز نماز قضاء را در این مدت قطع می کنم و بعد از آن که عذر برطرف شد غسل می کنم و دوباره ادامه قضای آن یک روز را از سر می گیرم و می خوانم آیا این کیفیّت صحیح است

یا نه و باید چگونه قضاء نمایم؟

ج: هو العالم; صحیح است، به همین نحو عمل کنید، هیچ محذوری ندارد.

س ۱۵۵: چنانچه شخصی نماز قضاء به گردن دارد و به مسافتی سفر می کند که از ۴ فرسخ بیش تر است و می خواهد نمازهای قضاء را بخواند، چنان چه نماز همان روز او شکسته است. آیا برای خواندن نمازهای قضاء باید شکسته بخواند یا صحیح؟

ج: هو العالم; چنانچه نماز تمام فوت شده است قضای آن را هم باید تمام بخواند ولو در سفر باشد.

نماز مستحبی

س ۱۵۶: آیا خواندن نماز غفیله بعد از نماز مغرب به قصد ورود یا رجاء مستحب و صحیح است؟

ج: هو العالم; به قصد استحباب نفسی صحیح است.

س ۱۵۷: آیا خواندن نماز غفیله بعد از نماز عشاء به قصد ورود یارجاء مستحب است؟

ج: هو العالم; وقت نماز غفیله بین صلاه المغرب و العشا است و استحباب بعد از صلاه عشاء دلیل ندارد و قضای آن هم بی دلیل است، ولی رجاءاً مانعی ندارد خوانده شود.

س ۱۵۸: آیا در نماز مستحبی برای سلام گفتن جمله(السلام علیکم و رحمه الله و برکاته) کفایت می کند؟ در نماز واجب چه طور؟

ج: هو العالم; در نماز مطلقا چه واجب و چه مستحب، گفتن السلام علیکم و رحمه الله و برکاته کفایت می کند.

س ۱۵۹: آیا در نماز مستحبی جلسه استراحت بین سجدتین واجب است و یا به مجرد جداشدن سر از مهر می توان سر را بر مهر گذاشت و به سجده دوم رفت؟ در نماز واجب چه طور؟

ج: هو العالم; جلسه استراحت اصطلاحاً جلسه بعد از سجده دوم در رکعت اول و سوم

است و به نظر ما واجب نیست.

نماز استیجاری

س ۱۶۰: کسی برای میتی اجیر می شود تا نماز بخواند آیا گفتن اذان و اقامه لازم است؟

ج: هو العالم; چنانچه در اجاره اذان شرط نشود قطعاً واجب نیست و وجوب اقامه منوط است به آنکه مرجع اجیر چه فتوایی دهد، اگر اقامه را مطلقاً واجب نداند، آن هم لازم نیست.

نماز مسافر

س ۱۶۱: به استحضار می رسانم مسافر در چهار مکان می تواند نماز را کامل بخواند، حرم سیدالشهداء(ع)، مسجد کوفه، مسجدالحرام و مسجد پیغمبر(ص). در مکان های فوق به مقدار چند متر می تواند نماز را تمام خواند؟ البته بعضی ها شهرها را ملاک می دانند، لطفاً نظر مبارک رابفرمایید.

ج: هو العالم; میزان و ملاک در مکّه و مدینه شهر است و در کوفه، مسجد; و در کربلا، حرم مطهر که بعد از رواق شروع می شود.

س ۱۶۲: اگر کسی شغلش سفر است، مانند بارکش باری و در بین راه عمل خود در محل زیارتگاه یا فامیل خود دو روز بماند، ضرر به دوام السفر بودن او می رساند یا خیر؟

ج: هو العالم; مضر نیست.

س ۱۶۳: آیا سفر در ماه مبارک رمضان برای زیارت عتبات عالیات (مانند نجف اشرف، کربلا معلی و غیره) مستحب است یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی مستحب است و اشکال ندارد.

س ۱۶۴: معلّمی در هفته شش روز برای آموزگاری در سفر است و یک روز به وطن بر می گردد تکلیف نماز و روزه او چیست؟

ج: هو العالم; چنانچه شش روز در یک محل می ماند و بنا است به این نحو باشد، آنجا محل سکنی می باشد و حکم وطن را دارد.

س ۱۶۵: اینجانب ساکن شهرستان اهواز بوده و

خانواده نیز هم اکنون در آن جا سکونت دارند، از ابتدای سال تحصیلی جدید به طور رسمی به عنوان طلبه به قم آمده و به تحصیل علوم دینی مشغول شده ام، در این صورت مرقوم فرمائید:

تکلیف اینجانب نسبت به نماز و روزه در سفر به اهواز چگونه می باشد؟ ایضاً در صورتی که در قم کمتر از ده روز بمانم، نماز را چگونه اداء نمایم؟ ضمناً مدتی قبل از این که به طور رسمی طلبه شده و وارد قم شوم، چند ماهی جهت آشنایی با حوزه علمیه و آمادگی آزمون ورودی حوزه در قم بودم و چون قصد آمدن و ماندن در قم را داشتم در سفری که در طی این مدت به اهواز داشتم نماز را شکسته خواندم، آیا این نمازها صحیح می باشد یا خیر؟ (یادآور می شوم که اهواز محل تولدم نیست و از محل ولادت خود نیز اعراض کرده ام و به تبعیت از والدین تا به حال (حدود ۱۵ سال) در اهواز بوده ام.

ج: هو العالم؛ اهواز وطن اتخاذی شما است. مادامی که از آنجا اعراض نکرده اید باید نمازها را تمام بخوانید و چنانچه بدون اعراض شکسته خوانده اید، قضاء نمایید و قم چنانچه بنا دارید مدت معتنی به، مانند هفت هشت سال اقلا بمانید وطن عرفی شما است. در اینجا نیز نماز را تمام بخوانید ولو کمتر از ده روز بمانید.

س ۱۶۶: برای اینکه مکان تازه ای وطن انسان گردد آیا اسکان در آن مکان و نیت کفایت می کند یا اینکه چیز دیگری هم لازم می باشد؟ به طور مثال بنده برای تحصیل می خواهم به قم

بیـایم، آیـا همین که در آنجا ساکن شوم و نیت وطن کنم کفایت می کنـد؟ در صورتی که نمی دانم چنـد سال در آن جا می مانم؟

ج: هو العالم; معتبر است بنا داشته باشید که مدت معتنی به مثلا ده سال بمانید که عرفا بگویند در آن محل مسافر نیست.

س ۱۶۷: مسافرت مردان به عتبات عالیات یا موضع تجارت بدون رضایت همسر چگونه می باشد؟

ج: هو العالم; مسافرت مرد به عتبات و غیرعتبات بدون اجازه همسر هیچ اشکالی ندارد.

س ۱۶۸: اگر کسـی کـامیون داشـته باشـد و کـارش بـاربری بـا کامیون مـذکور باشـد، اگر چنین شخصـی برای کار دیگری با اتوبوس مسافرت نماید، حکم نماز و روزه اش چیست؟

ج: هو العالم; اگر با اتوبوس که می رود برای شـغل دیگری است، بایـد تمام بخوانـد و اگر برای کار شخصـی مانند گردش و زیارت و امثال این ها است، باید شکسته بخواند.

س ۱۶۹: دختر از خانه پدری و شـهری که زادگاهش بوده، به خانه شوهر در شهر دیگر رفته این دختر وقتی که به شهر زادگاه خویش می آید، می گوید: من از زادگاه و وطن خود اعراض نکرده ام، آیا می تواند نماز را تمام بخواند یا باید قصر بخواند؟

ج: هو العالم; چنانچه معنی اعراض را می داند، در آنجا باید نماز را تمام بخواند و هنوز حکم وطن را دارد.

س ۱۷۰: بعـد از گرفتن وضوء یعنی شسـتن صورت و دست قبـل از مسـح، دست ها را دوباره با هم به صورت می کشـند. آب دست با آب صورت مخلوط می شود، آیا می تواند مسح کند یا دوباره وضوء بگیرد؟

ج: هو العالم; نمی تواند

مسح نماید، باید دوباره وضوء بگیرد.

س ۱۷۱: عدّه ای از اهالی هشترود مدتی است که (از یک تا ۳۰ سال) برای کار کردن به شهرستان بوشهر مسافرت می کنیم در آنجا هم یک منزلی را برای اسکان اجاره کرده ایم. ولی گاهی اوقات اتفاق می افتد که ما برای کارمان به شهرستان های اطراف می رویم و این کار هم ممکن است از چند ماه تا چند سال طول بکشد، حال سؤال ما این است.

۱ که آیا نماز و روزه ما در آن شهرستان (مثلا خور موج) چگونه است (در صورتی که مثلا در این مدت یک جوری پیش آمد که کمتر از ۱۰ روز ماندیم).

۲ اینکه نمی دانیم کارمان در آن شهرستان چقدر طول می کشد یا اینکه اصلاً چقدر اجازه می دهند که در آنجا کار کنیم (مثلاً شاید بعد از مدتی دیگر اجازه کار را صاحب کار به بنده ندهد)

۳ در این موقع (یعنی زمانی که در شهرستان کار می کنم) نماز و روزه ما در خود بوشهر چگونه است در حالی که در بوشهر همان منزلی که اجاره کرده ایم باز هم در اختیار ماست. مثلا برای چند روز به عنوان مهمان و یا گردش به بوشهر می رویم.

ج: هو العالم; چنانچه در بوشهر مدت معتنی به مثلاً ـ ده سال می مانید و محل زندگی را در آنجا قرار داده اید، آنجا وطن اتخاذی می شود و تا مادامی که از آن شهر اعراض نکرده اید حکم وطن دارد و اما شهرهای دیگری که می روید، چنانچه کمتر از ده روز بمانید مسافر حساب می شوید.

س ۱۷۲: احتراماً آیا ولیمه

دادن بعد از سفر تا چه حدودی است؟

ج: هو العالم; هیچ مقدارش واجب نیست، ولی عمل خوبی است.

احکام مسجد

س ۱۷۳: مسجدی در روستای شهرجرد در حومه شهر اراک وجود دارد که به واسطه قدمت مخروبه گردیده و اهالی قصد ترمیم آن را دارند. چرا که حیوانات هم به واسطه مخروبه بودن مسجد به آن رفت و آمد می کنند. از طرفی مسجد در بافت جدید روستا در معبر و خیابان کنار آن قرار گرفته که راه عمومی را مسدود کرده است، لذا مستدعی است نسبت به تعمیر و ترمیم مسجد در جای فعلی او و تخریب و عقب نشینی مسجد از خیابان، نظر مبارک خود را بفرمایید؟

ج: هو العالم; تعمیر و ترمیم مسجد بسیار کار خوبی است و تخریب آن برای تعمیر جایز است، و اما عقب نشینی چنانچه بودن به همین حالت برای نزدیکی اهالی زحمت است و موجب اختلال می شود، مجازند در عقب نشینی به شرط آن که به آن مقدار که از مسجد در خیابان واقع می شود به مسجد اضافه گردد. ولی معلوم باشد که آن مقدار که در خیابان قرار می گیرد بعضی احکام مسجد را دارد که در رساله های عملیه مذکور است، مراجعه کنید.

س ۱۷۴: در برخی از مساجد صدای بلندگوها را بلند می کنند که به حدی تا چند محله دورتر صدای سخنرانی ها و عزاداری ها شنیده می شود. در صورتی که بعضی از اهالی ساکن در محل معترض و ناراضی هستند، آیا این کار صحیح می باشد. آیا در مورد نماز و ادعیه که صبح زود برپا می شود، صدای بلندگوها اشکال دارد یا

خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه واقعاً موجب ناراحتی و ضرر برای مریض ها و ضعفاء شود جایز نیست والا اشکال ندارد.

س ۱۷۵: آیا شخص جنب می تواند دست یا سر خود را داخل مسجد کندیانه؟

ج: هو العالم; عبور در مسجد برای جنب جایز است، مکث در مسجد و دخول بدون قصد عبور جایز نیست، مجرد دست یا سر را داخل مسجد نمودن خلاف احتیاط است.

روزه

س ۱۷۶: اگر روزه دار با مسواک و خمیر دندان مسواک کند، و بعد از آن دهان را بشوید، روزه او باطل می شود؟

ج: هو العالم; اگر آب از حلق، پایین نرود; روزه اش صحیح است.

(ت) س ۱۷۷: اگر کسی در ماه رمضان مریض شد، آیا واجب است خود را مداوا کند تا روزه بگیرد ولو با قرض گرفتن یا لازم نیست؟

ج: هو العالم; خیر، واجب نیست، چون صحت و سلامتی شرط وجوب است.

س ۱۷۸: آیا می توان در سفر روزه قضاء به جا آورد؟

ج: هو العالم; خیر نمی توان.

س ۱۷۹: مساله در مورد روزه مستحبی چگونه است؟

ج: هو العالم; غیر از روزه در عرفات و روزه نذری هیچ روزه ای در سفر صحیح نیست.

س ۱۸۰: در ماه مبارک رمضان اگر بر اثر ملاعبه آب حرکت کند، لکن خارج نشود، آیا اگر در طول روز بول کند، روزه اشکال پیدا می کند؟

ج: هو العالم; روزه باطل نمی شود.

س ۱۸۱: آیا روزه برای شخصی که کم خونی دارد و باعث سرگیجه او می شود واجب است یا خیر؟ چنان چه شخصی در ماه رمضان عمداً مسافتی را طی کند تا روزه نگیرد آیا حرام است یا خیر؟

ج: هو العالم; ۱ سرگیجه

موقت موجب سقوط وجوب روزه نمی شود. ۲ و طی کردن مسافت برای خوردن روزه اشکال ندارد.

س ۱۸۲: کشیدن فضولات از سر به سوی حلق در هنگام روزه و در همان حال بلعیدن آن چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; اشکال ندارد و مفطر نیست.

س ۱۸۳: اگر کافر قبل از زوال مسلمان شود، واجب است بقیه روز را امساک کند؟

ج: هو العالم; صوم او صحیح نیست. مقتضای احتیاط امساک است تأدباً.

س ۱۸۴: آیا ایمان شرط در صحت روزه می باشد یا نه؟

ج: هو العالم; بلی شرط است ولو در حاشیه عروه نوشته ام معلوم نیست.

س ۱۸۵: اگر روزه دار اخبار دروغ از خبر پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) کرده بود آیا روزه او باطل می شود با این که او قصد صدق اخبار از این خبر را داشته است؟

ج: هو العالم; روزه او صحیح است.

س ۱۸۶: آیا در قضاء ماه رمضان ترتیب در روزه ها لازم است یا نه؟

ج: هو العالم; لازم نیست، ولی تعیین لازم است.

س ۱۸۷: با توجه به این که اعمال و رفتار ائمه اطهار(علیهم السلام) برای ما حجت است و باید آن را برای خود الگو قرار دهیم. سؤال این است که کیفیت و نحوه برگزاری مجلس جشن و عروسی حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)ازنظر شادی و سرور چگونه بوده است؟

ج: هو العالم; ما ممکن نیست در جمیع امور بتوانیم مانند آنان عمل کنیم. آن چه بر ما لازم است این است که عملی را که به عنوان واجب انجام می دادند، باید متابعت کنیم و اگر به عنوان حرام ترک می کردند باید ترک کنیم. اموری که

به آنها اشاره شد، از این قبیل امور نیست.

س ۱۸۸: شخصی در شب اول شوال عده ای را در مسجد یا حسینیه دعوت کرده افطاری می دهد، آیا فطریه آنها بر او لازم است؟

ج: هو العالم؛ چنان چه نزدیک غروب آن جا باشند، واجب است والّا واجب نیست.

س ۱۸۹: در هنگام جارو کردن و گردگیری که گرد و غبار غلیظ به چشم نمی خورد، اما پس از پایان کار هنگام انداختن اخلاط ذرات خاکی در اخلاط دیده می شود، آیا برای روزه ایجاد مشکل نمی کند؟

ج: هو العالم؛ خیر مشکلی ایجاد نمی شود. حتی غبار غلیظ هم اگر بدون اختیار به حلق برسد، در صورت امکان بیرون بریزد والا روزه صحیح است.

س ۱۹۰: ۲ سال است که مرسوم شده اذانی که از رادیوی قم پخش می شود دو دقیقه از اذان تهران دیرتر گفته می شود،آیا باز کردن روزه و افطار کردن با همان ساعت و اذان تهران کفایت می کند، یا باید صبر کنیم تا رادیوی اذان قم بگوید؟

ج: هو العالم؛ میزان اطمینان انسان به طلوع فجر و مغرب است البته اذان رادیو کاشف است، ولی بهتر است بیش از دو دقیقه در طرفین ملاحظه شود.

س ۱۹۱: آیا موقع الله اکبر گفتن اول اذان می توان افطار کرد یا باید صبر کرد تا اذان تمام شود؟

ج: هو العالم؛ صبر کردن تا وقتی اطمینان پیدا شود لازم است.

س ۱۹۲: آیا از نظر شرع مقدس اسلام مردم می توانند فطریه ماه مبارک رمضان را به بیماران نیازمند اختصاص دهند؟

ج: هو العالم؛ بلی می توانند.

س ۱۹۳: شخصی قضای روزه ماه مبارک رمضان را می گیرد و

قبل از اذان ظهر از عمد لب هایش را با زبان مرطوب می کند و شوری لب را حس می کند. در این لحظه با یکی از دوستان مواجه می شود و چون می خواهد بی احترامی نشود آب دهان را عمداً می بلعد. آیا روزه باطل است، لطفاً نظر مبارک را بفرمایید؟

ج: هو العالم; چنانچه آب دهان که به لب رسیده با شوری توأم شده و بلعیده، روزه باطل می شود و اگر می داند نبلعیده و آنچه بلعیده آب داخل دهان است یا شک دارد و یا شوری مستهلک شده در آب دهان، روزه صحیح است.

س ۱۹۴: آیا اعلام عید فطر مخصوص حاکم شرع (ولی فقیه جامع الشرایط) است یا مراجع تقلید نیز می توانند اعلام عید فطر کنند؟

ج: هو العالم; هر مجتهدی می تواند اعلام کند و در صورتی که یک مجتهد عادل حکم نمود برای همه حتی مجتهدین دیگر واجب است، تبعیت کنند.

س ۱۹۵: به نظر مبارک شما علامت یا علامت های هلال شب اول ماه قمری چه می باشد؟

ج: هو العالم; رؤیت هلال و شهادت دو نفر ثقه، و گذشتن سی روز تمام از ماه قبل و بعضی امور دیگر.

س ۱۹۶: اگر برای بعضی از مراجع تقلید اول شوال ثابت شود و عید فطر را اعلام نمایند ولی حاکم شرع (مجتهد جامع الشرایط) اول ماه را اعلام نکند، وظیفه مقلد چیست؟

ج: هو العالم; مسأله ثبوت هلال نه ربطی به مرجع دارد و نه مجتهد; بلکه موضوع خارجی است. اماراتی در شرع برای ثبوت آن قرار داده شده است. بلی! چنانچه مجتهد جامع الشرایط حکم کند به ثبوت ماه و این

که فردا عید است، تمام افراد حتی مجتهدین دیگر باید اطاعت کنند.

س ۱۹۷: به نظر مبارک شما شبی که در آن ماه به صورت قرص کامل است (شب چهاردهم) دلیل و ملاک شرعی برای ثابت شدن اول ماه قمری می باشد تا از این راه وضعیت یوم الشک معلوم شود؟

ج: هو العالم؛ بلی روایت معتبر دلالت بر آن می کند و ما هم فتوا به آن داده ایم.

س ۱۹۸: کلام فقهاء در باب کسی که مشمول حد شرب خمر شود (و یدرأ عنه الحد ان ادّعی انه شرب لأیجاد الرمق) اگر ادعا کند خمر را برای ایجاد رمق و نجات از ضعف بسیار نوشیده، حد از او برداشته می شود؛ آیا مفهومش جواز خمر برای مداوا است یا فقط دفع حد را می رساند؟

ج: هو العالم؛ برداشتن حد متوقف است بر این که احتمال داده شود شرب خمر به توّهم جواز آن بوده ولو در واقع حرام باشد.

س ۱۹۹: اگر کسی فراموش کرد که روزه است و غذا خورد بعد از آن قطع پیدا کرد که روزه او فاسد شده و افطار عمدی کرده آیا روزه او باطل می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی، باطل می شود.

س ۲۰۰: اگر روزه دار به خاطر تقیه ازظالم افطارکردآیاروزه اوباطل می شود؟

ج: هو العالم؛ بلی، باطل می شود.

س ۲۰۱: اگر شخص روزه داری در روز حجامت کند با این که می داند موجب ضعف شدید می شود جایز است یا نه؟ در صورتی که طبیب لازم می داند که حجامت در روز باشد.

ج: هو العالم؛ کراهت دارد مگر در مورد تلف نفس ولی حرمت معلوم نیست.

س ۲۰۲:

اگر روزه دار مضطر شد به دروغ بر خدا و رسول(صلی الله علیه وآله) در مقام تقیه از ظالم، آیا روزه باطل است؟

ج: هو العالم؛ روزه باطل نمی شود.

س ۲۰۳: اگر روزه دار بعد از بلند شدن از خواب دید رطوبتی بر لباس او هست، برای اینکه بداند منی است یا بول مقداری آلت خود فشار داد و منی درآمد و معلوم شد که جُنُب شده، آیا روزه باطل می شود؟

ج: هو العالم؛ باطل نمی شود.

س ۲۰۴: اگر شخصی عمداً روزه بخورد، برای قضای آن چه عملی را باید انجام دهد تا کفاره آن باشد؟

ج: هو العالم؛ غیر از یک روزه قضاء مخیر است بین شصت روز روزه متوالی به عنوان کفاره یا اطعام شصت مسکین (یا آزاد کردن یک بنده)

اعتکاف

س ۲۰۵: اعتکاف کردن در غیر مساجد جامع رجاءاً چه حکمی دارد؟ اعتکاف در مسجدی که جامع بودنش مشکوک است به صورت رجاء چه صورتی است؟

ج: هو العالم؛ در هر دو مورد رجاءاً مانعی ندارد. در صورت دوم اگر حالت سابقه جامع بودن باشد، استصحاب بقای جامعیت هم جاری است.

رؤیت هلال

س ۲۰۶: اگر مردم شیعه افغانستان مطابق شیاع افق آنجا تشخیص اثبات هلال ماه شوال نمایند و افطار نمایند، آیا افطار جایز است یا باید تابع ایران باشند؟

ج: هو العالم؛ چنانچه در افغانستان شرعاً هلال ثابت شده باشد، تابع ایران بودن معنی ندارد، بلکه ایران باید تابع شود.

س ۲۰۷: آیا رؤیت هلال و اثبات اول ماه الزاما باید با چشم غیر مسلح صورت بپذیرد یا اینکه رؤیت با چشم مسلح (استفاده از دوربین دو چشمی و تلسکوپ) کافی است؟

(توضیح: قدرت دید تلسکوپها، دهها برابر

قویتر از دوربین های دو چشمی است).

ج: هو العالم; بر حسب ظاهر ادله میزان، رسیدن ماه به محلی است که با چشم غیر مسلح امکان دیدن آن باشد ولو در یک محل از کره زمین.

س ۲۰۸: در صورتی که رؤیت با دوربین را هم قابل پذیرش می دانید، آیاملاک رؤیت با دوربین متعارفی (مانند دوربین ۷×۵۰) است که می تواند در اختیار همه مردم قرار بگیرد یا اینکه اگر هلال با دروبین های دو چشمی غیر متعارف فوق العاده قوی (مانند دوربین ۱۵۰×۴۰) هم رؤیت شد، هلال ثابت می شود؟

ج: هو العالم; دیدن با دوربین قابل پذیرش نیست، فضلا از دیدن با دوربین ۱۵۰×۴۰ .

س ۲۰۹: وضعیت رؤیت هلال در برخی از ماهها به تعبیر متخصصین (حالت بحران) است، در این حالت اگر هلال با دوربین های دو چشمی قوی یا تلسکوب رؤیت نشد آیا می توان سخن مدعیان رؤیت (شهادت شهود) را پذیرفت یا خیر؟

ج: هو العالم; اگر بینه (شهادت شهود) قائم بر رؤیت شد، حالت بحرانی مشارالیه مانع از پذیرفتن نمی شود.

س ۲۱۰: در برخی از ماه ها، متخصصین رؤیت هلال به اتفاق بر این عقیده هستند که هلال ماه اصلا قابل رؤیت نیست و در عین حال عده ای به رؤیت هلال شهادت می دهند، نظر حضرتعالی در هنگام تعارض شهود با نظر متخصصین چیست؟

ج: هو العالم; چنانچه شهود مورد اتهام نباشند و شهود عادل باشند، نظر متخصصین مانع پذیرفتن نمی شود.

س ۲۱۱: در صورت عدم اقامه شهود بر رؤیت هلال به دلیل ابری بودن آسمان یا عوامل دیگر، اگر متخصصین رؤیت هلال، نظر قطعی به قابل رؤیت بودن آن

دادند، حکم مسئله چگونه می شود؟

ج: هو العـالم; چنانچه متخصصـین ماهر در این فن باشـند و موثق باشـند از مصادیق رجوع به اهل خبره است که بنای عقلاء بر آن است.

س ۲۱۲: اگر در چنـد رصـدخانه در مناطق مختلف ایران هلال ماه را با تلسـکوپ ببینند و در این رصد خانه ها دوربینهای فیلم برداری تلویزیـونی پشت تلسـکوپ هـا قرار بگیرنـد و به طور مسـتقیم (پخش زنـده) تصویر هلاـل را از طریق تلویزیون به مردم نشان بدهنـد، به گونه ای که مردم اطمینان پیـدا کنند تصاویر پخش شده واقعی است و ساختگی نیست، حکم اثبات اول ماه را در این صورت بیان بفرمایید؟

ج: هو العالم; ثابت نمی شود.

س ۲۱۳: رؤیت پذیری هلال در آفاق با تغییر در طول و عرض جغرافیایی تغییر پیدا می کند و این خود دو حالت دارد:

الف گـاهی هلاـل در شـهری همچون مـدینه منوره که نسبت به تهران در عرض جنوبی تری واقع شـده، دیـده می شود اما در تهران دیـده نمی شود. در این گونه موارد آیا ماه جدیـد برای ساکنان تهران آغاز می شود یا خیر؟ همچنین صورت عکس آن چگونه خواهد بود؟

ج: هو العالم; من به وحدت افق قائلم و لذا در یک جا که ماه دیده بشود برای سایر بلاد هم به ثبوت هلال قائلم.

س ۲۱۴: برخی اوقات هلال در شـهری مانند مشـهد مقدس که نسـبت به شـهر دمشق در طول جغرافیایی شرقی تری واقع شده، دیـده می شود ولی در دمشق نمی شود. در چنین صورتی آیـا اول مـاه برای اهـل دمشق ثابت می گردد یا خیر؟ همچنین حکم مسئله در فرض عکس آن چگونه

است؟

ج: هو العالم; از جواب مساله قبل حکم این مساله و مساله لاحقه معلوم می شود.

س ۲۱۵: گاهی اوقات به دلیل وسعت جغرافیایی بعضی از کشورهای جهان، احتمال دیـده شدن هلال در برخی از مناطق این گونه کشورها وجود دارد اما در سایر نقاط آن، هلال قابل رؤیت نیست. حکم آغاز ماه در کشورهای اینچنینی چگونه است؟

ج: هو العالم; در یکجا دیده شود هلال برای بقیه جاها کافی است.

س ۲۱۶: آیا تبرّع کفاره از حی جایز است یا نه؟

ج: هو العالم; در خصوص صوم جایز نیست، ولی در غیر صوم جائز است.

س ۲۱۷: اگر چند روز از ماه رمضان عمداً روزه نگرفت و تا ماه رمضان بعدی قضاء نکرد آیا کفاره جمع باید بدهد؟

ج: هو العالم; خیر، لازم نیست.

خمس

س ۲۱۸: در افغانستان فعلی با وجود نیاز شدید مدارس علمیه و طلاب مستحق از سهم مبارک امام (ع) می توان برای بازسازی امام زاده، مسجد و حسینیه، مهدیه استفاده کرد یا خیر؟

ج: هو العالم; در اولویت صرف در طلاب مستحق شکی نیست ولی مصرف در حسینیه هم اشکال شرعی ندارد.

س ۲۱۹: کسیکه حق مصالحه در مشکوکات از طرف مجتهد را دارد. گذشته مشکوک افراد را از جهت خمس.... به دل بخواهی خود می تواند مصالحه نماید یا معیار همان میزان قدرت و عدم قدرت طرف می باشد.

ج: هو العالم; میزان قدرت طرف است.

س ۲۲۰: آیا مردم می توانند مالیاتی که به دولت پرداخت می نمایند، بابت خمس آل محمد (ص) حساب نمایند یا نه؟

ج: هو العالم; خیر، نمی توانند.

س ۲۲۱: آیا بر هدیه خمس تعلق می گیرد؟

ج: هو العالم; خمس به هدیه مانند

بقیه فائده ها و ارباح کسب به شرط زیادی آن بر مؤنه سال تعلق می گیرد.

س ۲۲۲: آیا هبه و جهیزیه خمس دارد یا نه؟

ج: هو العالم؛ جهیزیه خیر ولی هدیه مانند فوائد دیگر است و خمس دارد.

س ۲۲۳: اگر کسی اصل سرمایه اش که به صورت پول نقد است در اختیار دیگری است فقط سودهای حاصله به دستش برسد، برای تخمیس اصل سرمایه باید چه کاری انجام دهد؟

ج: هو العالم؛ باید اصل سرمایه را تخمیس کند، لازم نیست از عین آن پول، خمس بدهد، از اموال دیگر هم می تواند بپردازد.

س ۲۲۴: اگر کسی مطابق فتوای تبعیض عمل کند، وجوهات خمس را به کدام یک از مراجع باید پرداخت نماید و فردی که توان پرداخت خمس را ندارد و دستگردان می کند، آیا دستگردان نمودن با چک مدّت دار یا چکی که وعده آن رسیده صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ ۱ به هر کدام بدهید کافی است. ۲ و دستگردان با چک مدت دار جایز نیست.

س ۲۲۵: آیا جهیزیه ای که برای دختران تهیه می گردد و کنار گذاشته می شود متعلق خمس است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه قدرت تهیه جهیزیه در یک سال را ندارد و باید به تدریج تهیه کند، خمس واجب نیست.

س ۲۲۶: اگر مرد از مال خمس نداده، منزل بخرد، آیا تصرفات او و نماز در خانه، باطل و حرام است یا نه، و در صورت اول زن و بچه های او، با رضایت و یا عدم رضایت به کار او، چه حکمی دارند؟

ج: هو العالم؛ چون معمولا خرید به عین مال غیر مخمس نیست، بلکه به

ذمه است، اشکال ندارد.

س ۲۲۷: با توجه به اینکه در منابع فقهی ما در کتاب لمعه در ارتباط با مسئله خمس و حتی مصرف آن برای الفت و مهربانی بین مسلمانان و صاحبان کتاب جایز و روا دانسته شده است یا مرحوم آیت الله حاج سید احمد خوانساری «رضوان الله تعالی علیه» علی القاعده می فرمودند به فامیل فقیر و آشنایان ناتوان که نماز خوان باشند، بدهید. آیا جناب عالی اجازه می فرمایید از سهم مبارک امام(علیه السلام) یا سهم سادات به بستگان، اطرافیان و ضعفای آبرومند و متدین متشرع تقدیم نمود؟ منظور یک سوم نیست، بلکه آنچه تمییز و تشخیص می دهیم؟

ج: هو العالم؛ زکات را می توان به مؤلفه قلوبهم پرداخت، ولی خمس را خیر. در خمس هم نسبت به سهم سادات که نصف خمس است به بستگان و اطرافیان مستحق در صورتی که از سادات باشند می توان پرداخت نمود و اگر از سادات نباشند، نمی شود پرداخت کرد. اما باید مصرف سهم مبارک امام ارواحنا فداه تحت نظر مجتهد جامع الشرائط قرار داده شود.

س ۲۲۸: الف) کسی مقداری پول به کسی داده تا ازدواج کند ولی به واسطه مشکلات ازدواج نکرد قبل از سال خمسی او (مثلا ۴ ماه یا کمتر) مانده می تواند این پول را به شخص دیگری به عنوان قرض بدهد و بعد از سال خمسی (چند ماه بگذرد) قرض را برگرداند یا نه؟ ب) و همچنین آیا خمس به آن مقدار پولی که نتوانسته با آن ازدواج کند تعلق می گیرد یا نه؟

ج: هو العالم؛ به تمام اموالش خمس تعلق می گیرد ولو قرض بدهد.

س ۲۲۹: اگرسهم

مبارک امام درافغانستان مصرف شود،کجابایدمصرف نمود؟

۱- مدرسه علمیه ۲- مسجد ۳- حسینیه ۴- امام زاده

ج: هو العالم; اول در مدرسه، بعد اگر متبرعی نباشد یا زکات کافی نباشد در مسجد بعد حسینیه.

س ۲۳۰: کسی که وام بدهکاری دارد وسال خمسیش رسیدهومبلغی نقداضافه از قسط وامی دارد، این خمس دارد یا خیر چنین برسالش گذشته است؟

ج: هو العالم; مقداری که مدیون است خمس ندارد.

س ۲۳۱: چون قسط پرداخت وامی که سالی گذشته است می خواهد به مصرف مخارجاتش برسانند آیا خمس دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی، خمس دارد.

س ۲۳۲: با توجه به عدم پرداخت خمس در مبالغی بعد از گذشت سال خمسی در مبالغی به دلیل نیاز مصرف شخصی تصرف نموده ایم آیا جایز بوده است و آیا فعلا تا حساب سال خمسی اجازه می فرمایید تصرف نماییم؟

ج: هو العالم; تصرفاتتان نافذ و جایز بوده است و بعداً نیز در تصرفات مجازید مادامی که بنا بر دادن خمس دارید.

س ۲۳۳: با توجه به اینکه مبالغ حساب در بانک جهت خرید وسایل و امکانات زندگی می باشد و با پرداخت خمس آنها ممکن است نتوانم وسایل و امکانات زندگی را تهیه نمایم، از لحاظ وظیفه خمس حکم آن چیست؟

ج: هو العالم; دستگردان بنمایید به تدریج بپردازید.

س ۲۳۴: با توجه به تصرف در مبالغی بعد از گذشت سال خمسی پرداخت حساب سال خمسی جدید چگونه تعیین می شود؟ (با توجه به عدم اطلاع دقیق)

ج: هو العالم; بعد از مراجعه به بانک بدهی تان معلوم می شود. در صورتی که معلوم نشود، حداقلی که متیقن است بپردازید مازاد را دستگردان نموده، در صورت احتیاجتان، اجازه تصرف می دهم.

س ۲۳۵: سال خمسی

را مدت ۲ سال است تعیین نموده، ولی پرداخت نکرده ایم. مقداری مبلغ در حساب بانکی آخر سال اول موجود بوده که خمس آن پرداخت نشده و آخر سال دوم نیز همین طور که خمس آن نیز پرداخت نشده و مبالغی در وسط هر ۲ سال به دوستان قرض داده ایم.

الف) با توجه به ندانستن از مبلغ یقینی موجودی در اواخر ۲ سال، خمس آن چگونه تعیین می شود؟ متاسفانه ته برگ دفترچه نیز موجود نمی باشد که از طریق آن مطلع شوم. آیا با مراجعه به بانک و سؤال از متصدی کامپیوتری می توان از حساب آخر سال مطلع شد و این حجت شرعی است؟

ج: هو العالم؛ باید رجوع به بانک بنمایید و قول آنها هم حجت است، چون امین می باشند.

س ۲۳۶: آیا با پس گرفتن بدهی ها، خمس آنها باید پرداخت گردد؟

ج: هو العالم؛ خمس همه آنها باید پرداخت شود.

س ۲۳۷: اگر کسی دسترسی به مجتهد یا وکیل او ندارد، آیا می تواند تصرف در سهم امام(ع) کند به موارد خیرات و آنچه به نظر او می رسد مانند ساختن مسجد یا حسینیه یا تعظیم شعائر اسلام و غیره یا نه؟

ج: هو العالم؛ خیر، نمی تواند.

س ۲۳۸: خمس دادن برای اشخاصی که صاحب مسکن و مغازه و سرمایه لایق به شأن نیستند و یا با قناعت جمع کرده اند و خود محتاج آن هستند، چگونه می باشد؟

ج: هو العالم؛ مغازه و سرمایه مطلقا خمس آن باید داده شود، مگر آنکه اگر خمس آن را بدهند لازمه اش معطل ماندن در زندگی باشد.

س ۲۳۹: آیا در دادن سهم امام، اجازه مرجع تقلید

لازم می باشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ در دادن سهم امام(ع) اجازه مجتهد کافی است و اجازه مرجع تقلید لازم نیست.

س ۲۴۰: افراد زیادی هستند که حساب سال نداشتند و جهت عزاداری کمک می کنند، چه حکمی دارد؟ و بافرض مسئله و مخلوط شدن پول ها آیا استفاده از چای و شام و نهار در مجالس برای دیگران اشکالی ندارد؟

ج: هو العالم؛ ندادن وجوهات خلاف است، ولی استفاده کردن دیگران از چای و غیره اشکال ندارد.

س ۲۴۱: اگر ملکی به زید از پدر و به پدرش از جد ارث رسیده باشد و زید نمی داند خمس ملک مذکور را داده اند یا نه، وقتی ملک را فروخت تکلیف زید چیست؟

ج: هو العالم؛ خمس واجب نیست.

س ۲۴۲: شخص کارمندی جهت خرید منزل مسکونی مورد نیاز ناچاراً به طور ماهانه مبلغی از حقوق خود را کنار می گذارد. با توجه به نرخ تورمی حدود ۲۰ درصد) که در جامعه وجود دارد و با فرض تعلق خمس عملا ۱۰۰ هزار تومان این سال حدوداً برابر ۶۰ هزار تومان سال آینده می شود. لذا خواهشمند است نظر مبارک را در مورد تعلق خمس بفرمایید. و نیز اگر پس انداز وی جهت خرید خانه مکفی نباشد و ایشان (مثلا به صورت مضاربه) این پول را به کار بیاندازد و سود آن را هم مختص خرید خانه به کار بزند، مسئله چگونه خواهد بود؟

ج: هو العالم اگر در مقابل؛ پولی که برای خانه کنار می گذارد مدیون نباشد، مادامی که خانه نخریده خمس تعلق می گیرد و همچنین اگر به عنوان مضاربه بدهد، هم به پول و هم به

سود آن خمس تعلق می گیرد.

س ۲۴۳: مقداری وام گرفته ام که در طول چهار سال بپردازم، آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج: هو العالم؛ خیر، تعلق نمی گیرد.

س ۲۴۴: فردی از طریق پس اندازهای شخصی و قرض، ابتدا موتوری جهت استفاده و سپس با فروش طلاهای همسر، به جای موتور ماشینی برای استفاده، خریده حال اگر ماشین را جهت پیش خرید یک واحد منزل مسکونی بفروشد (در حالی که خود در منزل اجاره ای ساکن است) آیا آن پول به دست آمده که اکنون به صورت سرمایه است متعلق خمس است یا خیر؟ و اگر چندین بار با خرید و فروش منازل به غیر قصد سودی به دست آورد بر این سودها چطور؟

ج: هو العالم؛ معادل دیونی که به همسرش مدیون است، خمس ندارد و در مازاد باید خمس دهد.

زکات

س ۲۴۵: اگر کسی زکات را کنار گذاشت و بعداً به مستحق داد. بعد آشکار شد که خلاف بوده و آن شخص فقیر نبوده است آیا ضمان دارد؟

ج: هو العالم؛ کنار گذاشتن در حکمی که سؤال نمودید تأثیر ندارد و در مورد سؤال ضمان دارد.

س ۲۴۶: آیا تصرف در مالی که متعلق زکات واقع شده و هنوز زکاتش پرداخت نشده، جایز است و آیا به گندم که بعد از فروش تمام پول آن صرف پرداخت قرض می گردد و از زمین خود شخص هم نبوده زکات تعلق می گیرد.

ج: هو العالم؛ ۱ تصرف در مالی که زکات به آن تعلق گرفته جائز است قبل از اداء زکات و زکات منتقل بذمه می شود. ۲ به مالی که پولش پرداخت قرض می گردد زکات

تعلق می گیرد و با پرداخت قرض منتقل بذمه می گردد.

س ۲۴۷: چند نفر در کشاورزی با هم شریک هستند، نحوه پرداخت زکات آنها در امر کشاورزی چگونه می باشد؟ آیا با به دست آوردن محصول باید زکات آن را قبل از تقسیم بدهند یا اینکه هر کس خود باید زکات خویش را بپردازد؟

ج: هو العالم؛ هر کدام موظفند که سهم خود را بپردازند.

س ۲۴۸: زکات پدر به فرزند فقیر داده می شود؟

ج: هو العالم؛ فرزند فقیر واجب النفقه پدر غنی است. پدر به او نمی تواند زکات بدهد.

حج

س ۲۴۹: آیا تحقق احرام حج فقط به تلبیه است یا با لباس احرام و تلبیه می باشد؟

ج: هو العالم؛ احرام حج و عمره منعقد نمی شود مگر به تلبیه و مادامی که تلبیه نگفته، محرمات حرام نمی شود ولو لباس احرام پوشیده باشد.

س ۲۵۰: آیا خواندن نماز طواف واجب خانه کعبه به جماعت به قصد ورود یا رجاء جایز و صحیح است؟

ج: هو العالم؛ به نظر ما جماعت در نماز طواف مشروع نیست.

س ۲۵۱: شخصی اعلام داشته که جهت حج تمتع تعدادی را با مبلغی به مکّه معظمه می برد. فردی برای رضای خدا تعدادی از دوستان و آشنایان را برای تشرّف از این امر آگاه می سازد و آنها هم اعلام آمادگی نموده و مبلغی را به واسطه می دهند و واسطه هم با تحقیق و شناخت و مدرک به مدعی می پردازد. بعد معلوم می شود آن فرد کلاهبرداری کرده است و واسطه هم مبلغی را به کلاهبردار داده که به مکّه برود و مال او هم با مال دیگران از بین

رفته، حال صاحبان پول از واسطه وجه خود را طلب می کنند. آیا واسطه به این اشخاص مدیون است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه واسطه فقط ارایه طریق نموده و خود طرف قرارداد نبوده و ضمانت هم ننموده که به حسب ظاهر این گونه بوده است، واسطه ضامن نیست.

س ۲۵۲: اگر محرم روی لباس احرام، لباس مخیط بیندازد از گرما یا سرما محفوظ باشد کفاره دارد؟

ج: هو العالم؛ در غیر صورت اضطرار جائز نیست و در صورت اضطرار معلوم نیست کفاره واجب باشد، ولی احتیاط حسن است، چون جمعی از فقها فتوی به وجوب داده اند.

س ۲۵۳: اگر زن مستطیع باشد و بخواهد به حج برود، زوج او می گوید من با این قافله مطمئن نیستم و قافله دیگر هم نیست، آیا زن اطاعت از زوج کند یا به حج برود یا سال دیگر برود؟

ج: هوالعالم؛ اطاعت شوهر دراین موردلازم نیست.

س ۲۵۴: آیا زن یا خنثی را می توان برای حج صروره از طرف مرد نائب قرار داد یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی جائز است و کراهت هم ندارد.

س ۲۵۵: پس از اتمام اعمال و خروج از احرام در عمره مفرده آیا می توان مجدداً محرم شد یا خیر، مرقوم فرمایید؟

ج: هو العالم؛ می تواند و مانعی ندارد.

س ۲۵۶: اگر می داند که اگر قرض کند و به حج برود می تواند بعداً ادای آن را بکند آیا حج بر او واجب است؟

ج: هو العالم؛ خیر واجب نیست.

س ۲۵۷: اگر کسی به مقدار استطاعت، مالی داشت لکن جاهل یا غافل، از وجوب حج بود و بعد از تلف شدن مال متوجه شد، آیا حج بر

او مستقر شده است.

ج: هو العالم؛ خیر واجب الحج نیست.

س ۲۵۸: اگر معتقد بود مستطیع نبوده و به حج مستحبی رفت، و قصد امتثال امر کرد و حج را انجام داد. آیا بعد از آن که کشف خلاف شد که مستطیع بوده کفایت از حج واجب می کند؟

ج: هو العالم؛ بلی کفایت می کند چون خطاء در تطبیق است یعنی قصد امتثال امر موجود نبوده - و اشتباهاً خیال کرده موجود امر استحبابی است در حالی که وجوبی بوده است.

س ۲۵۹: شخصی تاجر با احرام وارد مکه می شود ولی قصد عمره یاحج ندارد و فقط قصد تجارت دارد بیرون آمدن او از احرام به چه وجه می باشد؟

ج: هو العالم؛ دخول مکه برای غیر هیزم کش و علاف و امثال اینها بدون احرام برای حج یا عمره مفرده جائز نیست، بنابراین باید با اتمام عمل عمره مفرده از احرام خارج شود.

س ۲۶۰: اگر کسی نایب از ده نفر بشود برای ذبح هدی در منی، ده گوسفند را می کشد ولی یادش می رود که نام یکی را ببرد، آیا کفایت از او می کند با اینکه در نیت از اول بوده؟

ج: هو العالم؛ چون اجمالا در ذهن او باقی است نیت اول کفایت می کند.

س ۲۶۱: اگر علم اجمالی بود به این که زن یا شوهر او طواف نساء را انجام نداده اند، چه باید کرد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه در جائی است که قاعده فراغ نسبت به هر دو جاری است، هیچ کدام تکلیف خاصی ندارند و این علم اجمالی اثرش فقط نسبت به زن است که علم تفصیلی پیدا کند که تمکین از

جماع با آن مرد جایز نیست، چون یا برخودش حرام است یا شوهرش بنابراین نباید تمکین کند.

س ۲۶۲: پدر من فوت کرده و چون ایشان به سفر و زیارت حج و عتبات نرفته بودند، این حقیر که فرزند اصغر هستم در پی به جا آوردن این مناسک می باشم و تاکنون توانسته ام به کربلا (عراق) رفته و حال عندالاستطاعت به قصد رفتن به حج عمره را با توکل به خدا دارم. حال سؤال این است که با توجه به این که خود، این کار را می خواهم بکنم، آیا می توانم به جای پدر این کار را کرده و شرایط آن چیست و آیا می توان به جای پدر و خود مشترکاً عمل کرد؟

ج: هو العالم؛ نیابت از پدر شرایط خاصی ندارد نیابت از او را، قصد کند البته در حجِ واجب نمی توان مشترک عمل نمود ولی در مستحب اشکال ندارد.

س ۲۶۳: آیا کسی که عمره می رود، می توان او را حاجی خطاب کرد؟

ج: هو العالم؛ خیر، به او نمی شود حاجی گفت.

س ۲۶۴: آیا حج عمره اعمال خاصی دارد و چگونه باید بر آنها واقف شد؟

ج: هو العالم؛ اعمال و طریقه انجام حج عمره در مناسک حج شرح داده شده است.

س ۲۶۵: اگر شخصی مدیون دین خود را قبل از تمام شدن مدت بدهد، و دائن مال را نگیرد، آیا حج بر او مستقر می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی چون متمکن است از این که پولش را بگیرد و مکه رود.

احکام قضا

س ۲۶۶: قضاوت قضات شیعه که از جانب حکومت کابل منصوب می شوندچگونه است؟

ج: هو العالم؛

در صورتی که واجد شرایط باشند، اشکال ندارد.

س ۲۶۷: جهت تحقیقات علمی به پاسخ حضرتعالی به موارد مطروحه ذیل نیاز مبرم دارم، لذا از حضرت عالی استدعا می شود به عقاید ابن عربی در موارد ذیل پاسخ بفرمایید.

الف آیا ملاک در صدور حکم به مجازات در جزییات اسلام علم و اقناع وجدانی قاضی است یا نه؟ بر فرض نخست اگر از بینه، اقرار، و قسامه به علم نرسد می تواند متهم را با توجه به اصل برائت تبرئه کند یا باید مطابق مدلول آنها حکم صادر نماید.

ج: هو العالم; ملاک در صدور حکم علم قاضی نیست، بلی، یکی از اموری که قاضی می تواند حکم کند علم او است والا بینه و اقرار مقدّم بر امور دیگر است.

ب: با توجه به پیشرفت علوم و تکنولوژی در راستای اثبات جرم راه های علمی جدیدی نظیر آزمایش خون، منی، مو و... و کارشناسی در موارد فنی مثل تشخیص جعلیت اسناد مالی... ایجاد شده است آیا ادله علمی ایجاد شده در محاکمات کیفری در جهت محکوم کردن متهم حجیت دارد یا نه؟

ج: هو العالم; در صورتی که علم پیدا نشود، خیر حجیت ندارد.

ج: و در فرض نخست آیا ما بین جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیات، تعزیرات و مقررات جزایی که دولت اسلامی در راستای انتظام جامعه به تصویب رسانده (مجازات های بازدارنده) تفاوتی وجود دارد؟

ج: هو العالم; تفاوت بین جرائم نیست.

د: در فرض دوم اگر قاضی از این طریق به علم یا قناعت وجدانی برسد، می تواند مطابق آن حکم به مجازات صادر کند؟

ج: هو العالم; جواب این مساله از جواب مساله اول معلوم می

شود.

س ۲۶۸: اگر فردی به عللی محکوم به اعدام شده باشد و حکم، قطعی و لازم الاجرا شده باشد، آیا این فرد مجرم می تواند تقاضا کند که مرا طوری از حیات باز دارید که باعث مرگ مغزی شوم تا بتوانید اعضای بدنم را در اختیار افراد مورد نیاز قرار دهید؟ و آیا این تقاضای فرد مجرم جایز است، یعنی امکان پذیر است یا خیر؟ آیا رضایت شاکیان در این فقره ترتیب اثری دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; با رضایت شاکیان اشکال ندارد و بدون رضایت محل اشکال است.

س ۲۶۹: همانگونه که مستحضرید یکی از ارکان سازمان ملل دیوان دادگستری لاهه است که دولت ها اختلافات خود را برای حل و فصل به آن ارجاع می دهند و به لحاظ حقوقی و قضایی حل اختلاف می نمایند. حال سؤال این است که اولا با توجه به شرایط قضاوت و قاضی در اسلام به ویژه اسلام و عدالت قاضی حال این عمل کشورهای مسلمان و دولت های اسلامی که به حکمیت دیوان تن داده و حکم آن را اجرا نموده و فصل الخطاب اختلافات خود را رای دیوان قرار می دهند، به لحاظ فقهی چه حکمی دارد؟ آیا صلاحیت قضایی از منظر فقه به ویژه باتوجه به دو شرط مذکور که نوعاً قضات دیوان فاقد آن هستند پذیرفته است.

به طور کلی آیا اجرای رای صادره مجاز است یا لازم و واجب و یا اینکه حرام است؟

ج: هو العالم; به هر مقام و شخصی که برای حل اختلاف مراجعه می شود قاضی نمی گویند به آن معنی که در فقه شیعه شرایطی برای آن ذکر می کنند.

بنابر این حکومت اسلامی چنانچه لازم می داند برای ادامه زندگی در مملکت اسلامی و پرهیز از اذیت و آزار و اختلال نظام به حکمیت دیوان تن دهد، جایز است و باید به حکم آن در صورتی که خلاف شرع نباشد، عمل نماید و حرام نیست.

س ۲۷۰: چنانچه اکثریت قضات دیوان موصوف غیرمسلمان باشند، آیا می توان مسلمانی را که به ارتکاب یکی از جنایات بین المللی متهم شده است، جهت محاکمه و مجازات به آن مرجع تحویل داد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه تحویل ندادن آن مسلمان مستلزم مفسده اهمّ بشود جائز است والا جائز نیست.

س ۲۷۱: در صورتی که ایران تصمیم به قبول صلاحیت دیوان بگیرد، باید جنایات بین المللی مذکور را در قوانین داخلی خود پیش بینی و برای آنها مجازات تعیین کند. دراین فرض آیا جنایتی مثل قتل عمد را که از مصادیق جنایت نسل کشی یا جنایت علیه بشریت تلقی شده می توان تحت عناوین اخیر و احیاناً با مجازاتی متفاوت ازقصاص، مجازات کرد؟

ج: هو العالم؛ در صورتی که بر مجازات شرعی مفسده مترتب شود، قهراً به واسطه قواعد باب تزاحم می توان حکم به جواز نمود.

س ۲۷۲: اگر بعضی از مجازاتهای اسلامی مثل سنگسار، صلب و قطع عضو و اعدام که در تکرار برخی جرائم مستوجب حد مقرر شده و به ندرت نیز اجرا می شوند یا تا کنون اجرا نشده اند، طبق اسناد و رویه بین المللی مصداق شکنجه و جنایت علیه بشریت تلقی می گردد، آیا می توان تحت عنوان مصلحت یا هر عنوان دیگر، آن کیفرها را کنار گذاشت و به جای آنها مجازات های معمولی

دیگر چون حبس را اجرا نمود؟

ج: هو العالم؛ عملاً بلی، ولی با رسمیت دادن وقانونی نمودن چون مستلزم هتک حرمت اسلام است، جایز نیست.

س ۲۷۳: نظر فقهی و اجتهادی حضرتعالی در خصوص الحاق ایران به اساسنامه دیوان و پذیرش صلاحیت آن من حیث المجموع چیست؟

ج: هو العالم؛ چنانچه مفسده مهمی مترتب بر عدم الحاق نشود به نظر من الحاق جایز نیست چون حکومت اسلامی است و الحاق مستلزم عدم قبول عده ای از احکام اسلام است و این اهانت رسمی به قوانین اسلامی است.

س ۲۷۴: نظر فقهی معظم له را درباره علم قاضی از نظر الحاق به اقرار یا بینه بیان فرمایید و اگر علم قاضی طریق سومی است حکم عفو چگونه می باشد؟

ج: هو العالم؛ قاضی می تواند به علم خود قضاوت کند. تفضیل این مسئله را در کتاب «استفتائات قوه قضائیه و موسسه حقوقی وکلای بین الملل» نوشته ام .

حقوق

س ۲۷۵: آیا پدر حق تصرّف بدون هر گونه اجازه در اموال پسر را دارد؟

ج: هوالعالم؛ با علم به عدم رضایت،خیرحق ندارد.

س ۲۷۶: شخصی در یک اداره یا سازمان خصوصی مشغول به کار می باشد و شرایط کاری وی به گونه ای است که حق و حقوق قانونی وی بنابر دلایل غیر قانونی به او پرداخت نمی شود و در معرض اجحاف واقع می شود و رؤسای وی نیز آگاه هستند که در حق این شخص عملکردی ناروا دارند و لیکن نامبرده به دلیل شرایط بد اشتغال در جامعه ناگزیر به کار کردن در آنجا می باشد. آیا اگر این شخص کارمند از برخی امکانات موجود در این مجموعه مانند لوازم التحریر و

غیره به نفع شخصی خود استفاده کند مرتکب عمل حرام شده است یا خیر؟ لطفاً در صورت امکان دلیل را هم ذکر کنید.

ج: هو العالم؛ چنانچه در موقع استخدام مبلغی را تعیین می کنند، و در مقام اداء از آن مبلغ کمتر می دهند و این شخص هم راهی برای گرفتن حقّش ندارد به همان مقدار از حقّش را که نمی دهند، می تواند به عنوان تقاص بردارد والا خیر.

س ۲۷۷: بر روی نوارهای کاست و سی دی ها نوشته شده است هر گونه کپی و تکثیر شرعاً حرام است. حال اگر فرض کنیم کپی و تکثیر حرام باشد در این مسئله ۲ حالت قابل تصوّر می باشد.

۱- کسی که به صورت غیر شرعی کپی و تکثیر می کند.

۲- مشتری سی دی هایی که به صورت غیر شرعی تکثیر و کپی شده است.

آیا علاوه بر کسی که سی دی ها را به صورت غیر شرعی تکثیر می کند، مشتری هم چیزی را ضامن می باشد؟ (گناهکار به حساب می آید؟)

ج: هو العالم؛ اوّل امر بلی، چون تکثیر اول حرام است و مطالب آن کپی مال صاحب آن است و تکثیر کننده ضامن است، ولی بعد از دیدن اصل مطالب از مالیت می افتد و کسی ضامن نیست.

س ۲۷۸: از حضرتعالی استدعا دارد راجع به عبارات آمده در مسئله ۱ و ۲ احکام حق تألیف، بیشتر توضیح بفرمایید و چگونگی مصداق احکام آمده در این مسائل درباره موضوع استفاده از سی دی های مادر و کپی و طبع در حد زیاد، موارد ضروری و مبتلا به را شرح دهید.

ج: هو العالم؛ به نظرم

واضح نوشته ام. خلاصه تکثیر نسخه با چاپ و غیره جایز نیست، ولی مطالعه کردن و گوش دادن جائز است.

س ۲۷۹: اگر کسی درسال های قحطی که شوهر و برادر شوهرش با هم زندگی می کردند، از مال آن دو به فقراء نان بدهد و حالا متوجه می شود که باید از آن دو اجازه می گرفت و هر دوی آنها (شوهر و برادرش) مرده اند، حالا تکلیف زن در مورد حلیت چیست؟

ج: هو العالم؛ اگر شوهر و برادرش رضایت داشته اند، ضامن نیست و اگر رضایت نداشته اند، زن نسبت به مال شوهروبرادرشوهرضامن است.

س ۲۸۰: فیلمی در داخل کشور با هزینه های گزاف مثلا ۵۰۰ میلیون تومان ساخته می شود و تنها امید تهیه کننده، برگشت سرمایه اش از طریق فروش فیلم در سینماها می باشد. چندی است عدّه ای بدون اجازه تهیه کننده از فیلم کپی کرده و آن را در بین مردم پخش می کنند و باعث ضرر تهیه کننده می شوند.

الف) آیا کپی کردن، دزدی محسوب می شود؟

ب) آیا می توان این فیلم را از واسطه ها گرفت و تماشا کرد؟

ج) آیا بین فیلم هایی که ترویج دین می کنند و فیلم هایی که حدود شرعی در آنها رعایت نمی شود، تفاوتی هست؟

ج: هو العالم؛ ۱) کپی کردن کاری است خلاف شرع ولی دزدی که «حد» معین دارد محسوب نیست. ۲) استفاده از مال غیر، مادامی که تصرف در آن نباشد، و به خصوص بعد از شیوع جایز است. ۳) چون فیلمی که رعایت موازین شرعی در آن نمی شود، مالیت ندارد، بین دو فیلم تفاوت است.

س ۲۸۱:

بر اساس قوانین اداره کار هر کارمندی دارای حقوق و مزایایی است. در صورتی که کارمند از حقوق خودش مطلع نباشد آیا بر صاحب کار لازم است به او اطلاع دهد؟ و آیا صاحب کار حتی اگر کارمند تا پایان کارش تقاضایی نکرد مدیون خواهد بود؟

ج: هو العالم؛ بر صاحب کار لازم است حقوق کارمند را رعایت نموده و حقّ او را بپردازد ولو خود او خبر نداشته باشد.

س ۲۸۲: اگر طلبه ای با حقوق کارمندی از پول شهریه بی نیاز باشد، آیا می تواند شهریه حوزه را بگیرد؟ آیا می تواند آن را برای دادن به طلبه های محتاج بگیرد؟

ج: هو العالم؛ برای خودش می تواند بگیرد. بهتر آن است که بگیرد و تملك كند، بعد از طرف خودش به طلبه های محتاج بدهد.

س ۲۸۳: آیا رضایت زن برای حضور شوهر در عرصه فعالیت های دینی و فرهنگی مثل مسجد و بسیج شرط است؟

ج: هو العالم؛ خیر شرط نیست.

حدود

س ۲۸۴: در این مسئله چه می فرمایید: چنانچه شخصی که خوداقراربه ارتکاب قتل نموده، قبل از اجرای حکم قصاص از اقرار خود عدول و انکار نماید، آیا انکار وی موجب سقوط حد و عدم اجرای حکم قصاص خواهدشدیاخیر؟

ج: هو العالم؛ انکار بعد از اقرار، تأثیر در سقوط حد نمی نماید. مگر در مورد اقرار به زنای محصنه که موجب سقوط رجم است والا در سایر موارد از قبیل قصاص، دلیل بر سقوط نیست و علما هم فتوی به عدم سقوط داده اند.

س ۲۸۵: آیا شرایط عامّه تکلیف در مسائل کیفری (حدود، قصاص و تعزیرات) نیز لازم الرعایه است یا صرف بلوغ، شرط صدور

احکام کیفری است (ولو کودک به درک کافی عقلی نرسیده باشد)؟

ج: هو العالم؛ در کلمات فقها متخذه از روایات است که در حدود، تکلیف معتبر است به ماله من المفهوم سعه و ضیقا – و نیز در قصاص تکلیف به ماله من الشـرائط معتبر است و در تعزیرات چنین نیست. بلکه در بعضـی موارد روایات خاصـی وارد شده است در تعزیر صبی و غیر بـالغ و فروع زیـادی در مقـام است. ماننـد آنکه اگر غیر بـالغ کسـی را کشت دیه بر عـاقله ثـابت می شود، و اگر سـفیه عملی را انجام داد که موجب حدّ است، بعضـی گفته اند حد ندارد و جماعتی گفته اند حد ثابت است و در این مختصر بیان فروع نمی گنجد.

س ۲۸۶: آیـا درک تکلیف از نظر عقلیوداشـتن قدرتورشـد(به معنی درک حسن و قبـح) و علم به گناه بودن و علم به مجازات عمل ارتکابی در مسائل جزایی را شرط برای مکلّفین می دانید یا خیر؟ در صورت امکان توضیح داده شود؟

ج: هو العالم؛ غیر از شـرایط عامّه تکلیف و علم در جریان حدود، شـرط دیگری معتبر نیست. چون عمومات شامل همه است و مخرج و مقید مختص به حدیث رفع و روایه ان الحدود تدرأ بالشبهات و ما دل علی اعتبار علم است، در بقیه موارد به عمومات رجوع می شود.

س ۲۸۷: آیا بین عقل و کمال العقل در کلام فقها فرق قایلید؟ آیا عقل همان رشد و کمال عقل داشتن رشد اشدّ است؟

ج: هو العالم؛ کمال عقل را من در روایات ندیـده ام. در بعضـی کلمات فقهاء در مقام بیان اشتراط تکلیف می فرماینـد – یعتبر البلوغ

و کمـال العقل – و در مقام دلیل، دلیل اعتبار عقل را ذکر می کننـد، ماننـد حـدیث رفع، معلوم می شود مرادشان از کمال عقل همان عقل است.

س ۲۸۸: بر فرض جواز تـداوی به خمر آیـا مشـروط به انحصـار تـداوی به خمر است یـا مطلقاً جایز است؟ و نیز آیا نظر طبیب شرط است یا نظر خود بیمار؟ و نیز در مقـدار خمر برای تداوی اگر به حدّی که از بیماری مفرط نجات یابد جایز و بیشتر حرام می باشد؟

ج: هو العـالم; جواز تـداوی در خصوص خوف تلف نفس است و مشـروط به مجوز; است قول طبیب حجت است و نظر خود مریض، در صورتی که از روی میزان عقلانی باشد نیز مجوز است.

س ۲۸۹: آیا مراد از تعزیر، زدن و به درد آوردن می باشـد و یا مطلق تأدیب اعم از هشـدار، تهدیـد، توبیخ، تبعید، حد شـلاق، منع موقت از کسب و کار، منع برخی از حقوق اجتماعی، مصادره اموال و یا از بین بردن آن می باشد.

ج: هو العالم; آنچه از روایات فهمیده می شود تعزیر با زدن است، ولی چنانچه حکومت اسـلامی صلاح بداند اعمال دیگر هم جایز است.

احکام بیع

س ۲۹۰: تاجری کویتی به یکی از دوسـتان مقدار زیادی مال داده تا کتابهای فراوان فقهی و اصولی وتفسـیری و عقائدی شیعه را برای کتابخانه بزرگی در کربلا خریداری کند. به هنگام خرید کتب، فروشـنده مقداری نوشـته جات و کیسه های پلاستیکی و مقـداری نـخ و طناب و پوستر به خریـدار می دهد. آیا خریدار می تواند این اشـیا را برای خود نگه دارد و در آنها بدون اذن آن تاجر تصرف

کند و به عبارت دیگر آیا او مالک است یاتاجر؟ (با علم به اینکه اگر خریداری نمی کرد، فروشنده به او این وسائل را نمی داد.)

ج: هو العالم; بلی مالک است، چون فروشنده به عنوان واسطه بودن به او می دهد نه به عنوان تملک آن اجناس.

س ۲۹۱: به موجب مبایعه نامه پیوست شخصی خانه ای را خریداری کرده و دو سوم ثمن را پرداخته و یک طبقه از خانه هم به تصرف خریدار داده شده است. به موجب مبایعه نامه طرفین تعهداتی را پذیرفته و شروطی هم در قرار داد گنجانده اند از جمله اینکه می بایستی ظرف مدت ۹۰ روز از تاریخ امضای قرار داد در دفتر خانه حاضر شده و انتقال رسمی سند به نام خریدار صورت گیرد. همچنین در قرار داد مرقوم شده: خریدار می تواند به استناد این مبایعه نامه مورد معامله را قبل از تنظیم سند رسمی به دیگری واگذار کند و اسقاط کافه خیارات نیز به عمل آمده است. همچنین هر گونه تصرف و ادعای فروشنده در مورد معامله غاصبانه و تصرف عدوانی محسوب شده است.

حال با توجه به متن قرار داد و تعهدات و شروط مندرج در آن: ۱- آیا طرفین ملزم به اجرای مفاد قرار داد و تعهدات آن می باشند؟ ۲- آیا درج عباراتی مانند «چنانچه هر یک از طرفین از قول خود برگردد روزانه مبلغ ده هزار تومان باید به طرف دیگر بپردازد» و «چنانچه تخلیه دیرتر و زمان نقل و انتقال دیرتر انجام شد روزانه مبلغ ده هزار تومان بپردازد»، که در ذیل قرار داد مرقوم شده موجب بطلان معامله می گردد

یا خیر؟

ج: هو العالم؛ ۱- طرفین به مقتضای (المؤمنون عند شروطهم) ملزم به اجرای مفاد قرار داد می باشند. ۲- درج عبارات ذکر شده چون به عنوان شرط ضمن عقد می باشد نه تنها موجب بطلان معامله نمی شود بلکه لازم الاجرا است، بلی، چنانچه عمل به شرط نشود آن کسی که شرط به نفع او است خیار فسخ دارد و آن کسی که باید وجه را بپردازد، خیار فسخ ندارد.

س ۲۹۲: اگر بعد از بیع یکی از دو نفر از مجلس بلند شد و با فاصله کمی چای خورد آیا صدق تفرق از مجلس عقد می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ با بلند شدن و چای خوردن تفرق صدق نمی کند، بلکه تفرق یک معنای ظاهری دارد که معلوم است.

س ۲۹۳: آیا معاملات باطل مطلقاً حرام است یا اگر طرفین راضی به آن معامله باشند، صحیح می باشد؟ آیا خرید و فروش کلیه در حال حیات و چشم بعد از فوت جایز است یا نه؟

ج: هو العالم؛ همه معاملات باطله حرام نیست و در موارد عدم جواز با رضایت معامله جایز نمی شود ولی تصرف در ثمن با رضایت مالکش جایز می شود. حکم معامله کلیه و امثال آن را در ذیل رساله توضیح المسائل نوشته ام مراجعه شود.

س ۲۹۴: اگر کسی خانه ای را به عنوان اینکه ۱۰۰ متر است خریده، بعد معلوم شده ۸۰ متر است. آیا تفاوت قیمت در ۲۰ متر بالنسبه از مجموع ثمن را می تواند بگیرد یا معامله را فسخ کند؟

ج: هو العالم؛ بلی، می تواند قیمت ۲۰ متر را مطالبه کند، اگر نداد می تواند

فسخ کند، و معامله را از اول هم به واسطه خیار تبعض صفقه می تواند فسخ کند.

س ۲۹۵: ۱- شخصی خانه ای را طبق نظر کارشناس خبره (از نظر قیمت) خریداری کرده و دو سوم ثمن آن را پرداخت کرده و یک طبقه آن راتصرف کرده، ولی فروشنده بعد از مدتی ادعای غبن نموده و از گرفتن بقیه ثمن و حضور در محضر برای امضای دفاتر رسمی خودداری نموده است. آیا این ادعای غبن صحیح است؟ ۲ آیا درج عباراتی نظیر (چنانچه هر یک از طرفین از قول خود برگردد، باید روزانه ده هزار تومان بپردازد) که برای الزام طرفین به حضور در محضر جهت امضای دفاتر رسمی می باشد و به اصل معامله ارتباطی ندارد، موجب بطلان معامله می گردد؟

ج: هو العالم؛ ۱) ادعای غبن به تخیّل این که بعد از معامله ترقی قیمت نموده، مسموع نیست و لغو است و اگر ادعای غبن نموده که در آن وقت قیمت زیادتر بوده است، در صورتی که اسقاط خیارات شده است باز ادعا بیهوده است، و اگر اسقاط خیار نشده است، چنانچه نمی تواند اثبات غبن نماید، حرفش بی اثر است. بلی در صورتی که اثبات کند غبن حین المعامله و اسقاط خیار هم نشده باشد، آن وقت خیار غبن داشته و می تواند معامله را فسخ کند. ۲) و اما شرط مذکور چنانچه در حین معامله شرط شده است لازم است به آن عمل شود والا شرط ابتدایی است و لازم الوفا نیست.

س ۲۹۶: مفهوم بیع در شرع مقدس چگونه بیان گردیده است؟

ج: هو العالم؛ تبدیل مال به مال یا تملیک

شیء به عوض.

س ۲۹۷: به مفاهیم ذیل بیع اطلاق می گردد؟

در تحقق بیع که کتابت گردیده و ذیل آن را دو نفر شاهد امضاء نموده اند، این مبایعه اثبات می شود یا خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه به طریقی باشد که در مبایعه نامه ذکر شده است، بلی، مبایعه اثبات می شود.

س ۲۹۸: حدود سه ماه پیش سه دانگ از شش دانگ نمایشگاه و فروشگاه مبل را از شخصی خریداری کردم و طبق ورقه ضمیمه دو نفر ذیل آن را امضاء نمودند و در ورقه ضمیمه، فروشنده حق فروش و استفاده از نمایشگاه و فروشگاه مربوطه را به خریدار اجاره داده، با توجه به عرایض بالا- این بیع از نظر شرعی صحیح است یا فروشنده می تواند مبایعه ای را که دو نفر شاهد ذیل آن را امضاء نموده اند باطل اعلام نماید.

ج: هو العالم; بیع صحیح است و بایع حق اعلام بطلان را ندارد.

س ۲۹۹: شرکتی نسبت به فروش محصولات مختلف اقدام نموده است. بدین ترتیب که هر شخص می تواند به طور حضوری یا غیر حضوری مبادرت به خرید این محصولات از شرکت و یا شعب آن بنماید. شرکت برای فروش اجناس دو پیشنهاد برای مشتریان در نظر دارد:

۱ هر شخص می تواند مبلغ هر نوع جنس و یا کالای مورد نظر را تماماً پرداخت نماید و کالای مذکور را از طریق پست یا حضورا دریافت نماید. ۲ نفراتی که با شرکت قرارداد منعقد می نمایند به عنوان بازاریاب فعالیت می نمایند و به هر میزان که اجناس شرکت را به فروش برسانند و یا مشتری معرفی نمایند شرکت درصدی از سود فروش اجناس

را برای بازاریاب در نظر می گیرد که این درصد می توانـد نقدی و یا به صورت کالا در اختیار بازار یاب قرار گیرد. همچنین شرکت برای مشتریان و یا بازاریاب ها حق انصراف قائل شده است. ۱خریداران کالا می توانند جنس مورد نظر را به شرکت و یـا شعب آن عودت دهنـد و شـرکت پس از کسـر هزینه هـای جـانبی (پست و...) الباقی مبلغ مـذکور را مسترد می گردانـد. ۲ بازاریاب در هر مرحله می توانـد از ارائه فعالیت انصـراف داده و الباقی طلب خود را کالا یا وجه نقد دریافت نماید. با توجه به مشـروح طرح و اهـداف آن خواهشـمند است اعلام فرماینـد خریـد و فروش محصولات شـرکت از طریق ذکر شـده و پرداخت کمسیون شرکت به نفرات بازاریاب شرعاً جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ معامله مذکوره با تمام تفصـیلی که ذکر شده است صـحیح است هم از حیث بایع که شرکت است و هم از حیث واجد بودن قیود معتبره در بیع نقد و نسیه و هم از حیث شرط ضمن العقد هیچ اشکالی ندارد.

س ۳۰۰: احترامـاً در این مسـأله چه می فرماییـد چنـانچه بعـد از ایقاع عقـدالبیع، بایع به علت جهل به قیمت عادله حین المعامله احساس نماید که در معامله علی نحو الفاحش مغبون شده است. شرعاً ولایت در فسخ بیع و تملک مجدد مبیع را دارد یا خیر و چنـانچه فقـط اسـقاط غبن شـده باشـد، لکن غبن از مرتبه و درجه فاحش باشـد، در این صورت نیز فسـخ معامله برای بایع جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ در صورتی که اسقاط خیار غبن ننموده و بعد از معامله

متوجه شود که مغبون شده است، خیار فسخ دارد و اگر اسقاط نموده، ولی توجه به فاحش بودن نداشته و قید نکرده است که مرتبه خاص از غبن را اسقاط نماید، بلکه اسقاط مطلق است، در این صورت حق فسخ معامله را ندارد.

س ۳۰۱: اگر کسی برای فروش محصولات شرکتی بازاریابی کند و پورسانت بگیرد، حکم شرع مقدس اسلام در خصوص خرید از این شرکت و گرفتن پورسانت که به عنوان حق الزحمه است را اعلام و در زیر برگه مکتوب فرمایید.

ج: هو العالم؛ مورد عمل یعنی خرید از شرکت و گرفتن حق الزحمه اگر کار دیگری نباشد مانند اینکه پورسانت را جزء ثمن قرار دهد و از مشتری بگیرند، بدون آنکه به او بگویند، جایز است خلاصه این عمل اشکال ندارد.

س ۳۰۲: مورد معامله: تمامی یک باب خانه و حیاط آن به مساحت ۹۰۰ متر مربع واقع در شهر علامرودشت که حدود اربعه جغرافیایی آن شمالا به کوچه، جنوباً به منزل غرباً به منزل ورثه مرحوم و شرقاً به کوچه منتهی می شود و تجهیزات و منضمات آن آب و برق و چند اصله نخل می باشد.

ثمن معامله کلاً مبلغ سی و پنج میلیون ریال معادل سه میلیون و پانصد هزار تومان می باشد که مبلغ مذکور نقداً و طی چکی توسط خریدار به فروشنده پرداخت گردیده است.

صیغه شرعی بیع بین طرفین جاری شد و اسقاط کافه خیارات خصوصاً خیار غبن فاحش از طرفین به عمل آمد و این مبایعه نامه که در بردارنده بیع قطعی شرعی واقع شده با توجه به مادتین ۳۳۸ و ۳۳۹ قانونی مدنی و ماده ۱۰ همان قانون بین

طرفین (فروشنده و خریدار) امضاء و مبادله شد و این سند مشتمل بر دونسخه با اعتبار واحد می باشد که یک نسخه از آن به فروشنده و نسخه دیگر نیز به خریدار تحویل گردیده است.

ضمناً طرفین باعلم و اطلاع از کمیت و کیفیت معامله بدون اکراه و اجبار و با رضا و رغبت کامل این مبایعه نامه را امضاء و حق هرگونه دعوی و یا اعتراض بعدی را از خود سلب و ساقط نمودند.

با توجه به محتویات اجاره نامه و مبایعه نامه ای (که تصویر آن به ترتیب در ظهر و بالای این ورقه مشخص می باشد)، این سؤال مطرح است که: چنانچه فروشنده مضطر بوده و قیمت مورد معامله بیش از مبلغ مندرج در مبایعه نامه مذکور باشد و خریدار نیز قصدش این باشد که در صورت اجراء شدن کلیه شروط و ضوابط اجاره نامه از سوی فروشنده یا مستاجر، در وقت معینی مورد معامله را به همان مبلغ خریداری شده به فروشنده مسترد نماید آیا از نظر شرعی چنین معامله ای صحیح است یا خیر؟ و آیا خریدار یا مؤجر حق مطالبه اجاره طبق قرارداد دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ اضطرار سبب بطلان معامله نیست، و قصد تنها هم مادامی که انشاء یعنی معامله یا شرطی نباشد در معاملات اثر ندارد بنابراین معامله مذکور صحیح است و مؤجر حق مطالبه اجاره را طبق قرارداد دارد.

س ۳۰۳: نتیجه قرارداد تایم شر (بیع زمانی) مالک شدن شخص بر ملکی در زمان معین و محدودی همچون ماه خرداد در هر سال است و در غیر این زمان هیچ حق مالکیتی بر عین و منافع آن ندارد.

با گسترش این نوع قراردادمسائل و پرسش های گوناگونی درباره آن وجود آمده است، مستدعی است پاسخ سوالات ذیل را حتی المقدور با ذکر دلایل مرقوم فرمایید.

الف) با توجه به اینکه این نوع قرارداد در عرف، خریدو فروش تلقی می گردد، آیا از جهت فقهی نیز می توان آن را در قالب عقد بیع محقق ساخت؟

ب) با عنایت به عدم تبعیت عقد صلح در احکام و شرایط از سایر عقود آیا می توان قرارداد یاد شده را در قالب عقد صلح ابتدایی، منعقد کرد؟

ج) آیا می توان قرارداد فوق را که به نظر می رسد فاقد منع عقلی، عرفی و شرعی است، به عنوان عقدی جدید و مستقل پذیرفت؟

د) آیا مالکان مشاع در صورت توافق بر افراز و تقسیم ملک خود می توانند آن را بر اساس زمان تقسیم نمایند، به گونه ای که هر یک مالک ملک در بخش خاصی از زمان همچون ماه خرداد باشد؟

ج: هو العالم؛ ۱) این قرارداد ولو متعارف نبوده و لذا فقهاء ادعاء انصراف احل البیع از آن می نمایند، ولی ما چون اینگونه انصرافات را مانع از تمسک به اطلاق نمی دانیم و لذا مانعی از صحت آن قرارداد به عنوان بیع نمی دانیم.

۲) قرارداد را به عنوان صلح و با اباحه به عوض (که معامله مستقلی است) می توان تصحیح نمود.

۳) و نیز به عنوان عقد مستقل می توان تصحیح نمود و عمومات از قبیل اوفوا بالعقود نیز دال بر صحت آن است.

۴)تبدیل ملک مشاع البته به عنوان تقسیم راهی ندارد، ولی چون در ملک مشاع به نظر ما مملوك همه مال است به ملکیت ناقصه،

می توان با این گونه مبادله به عنوان مصالحه یا اباحه به عوض به آن نحو که اشاره کردند معامله نمود.

س ۳۰۴: شخصی مبلغی را نزد کسی دارد و آن شخص سال ها با آن مبلغ کار کرده است. آیا سود آن مبلغ به کدام یک تعلق دارد؟ (البته آن مبلغ به صورت قرض نبوده است و آن شخص اجازه کار کردن با آن مبلغ را نداشته است.)

ج: هو العالم؛ چنانچه با عین آن پول معامله کرده باشد، صحت آن معاملات منوط است به اجازه صاحب پول و منافع و سود آن هم مال صاحب پول است.

س ۳۰۵: در صورتی که سود، متعلق به صاحب پول باشد، آیا تصرف در آن بدون رضایت وی جایز است؟

ج: هو العالم؛ در فرض عدم رضایت، جایز نیست.

س ۳۰۶: آیا مضاربه در اسکناس جایز است یا مختص به طلا و نقره می باشد.

ج: هو العالم؛ مضاربه در اسکناس جائز است .

س ۳۰۷: در صورتی که جایز نباشد آیا آنچه را که شخص تصرف کند، غاصبانه و حرام نیست؟

ج: هو العالم؛ معنی غصب تسلط بر مال غیر بدون رضایت او است. پس حتماً غصب و حرام است.

س ۳۰۸: اگر در رابطه با این مال اعم از عبادی و غیرعبادی اعمالی را انجام داده است چه صورتی دارد؟

ج: هو العالم؛ اعمال با عین این پول ها، عبادی باشد یا غیرعبادی، جایز نیست و حرام است.

س ۳۰۹: خرید و فروش چک به طور مطلق چه حکمی دارد، و همینطور کم کردن چکی که انسان بابت طلب خود از دیگری دارد آیا جایز است به کمتر به خود طلب کار یا فرد دیگری

فروختن یا کلا جایز نیست. مشروحاً بیان فرمائید.

ج: هو العالم؛ خود چک مالیت ندارد. اگر از کسی طلب دارد و چک گرفته، آن چک را به کسی دیگر بفروشد قهراً دین را به کمتر می فروشد، این معامله اشکال ندارد، چک بی محل را نمی تواند بفروشد، ولی جایز است به خود طلب کار بفروشد.

س ۳۱۰: حیل شرعیه در باب ربا به نظر حضرتعالی جایز است یا خیر، و اگر کسی نیاز به پول نقد داشته باشد آیا جائز است جنسی را با قیمت بیشتری از صاحب پول بخرد و مجدداً به قیمت نقد و ارزانتر به صاحب پول بفروشد و به وجه نقد که نیاز دارد برسد یا جایز نمی باشد.

ج: هو العالم؛ چنانچه در ضمن بیع اول شرط بکند که نقداً به کمتر بفروشد بیع باطل است و همچنین اگر نقد یا مؤجل باشد بعد از حلول اجل باطل است والا صحیح است.

س ۳۱۱: معامله با افراد کافر غیر حربی، اعم از کسانیکه در کشور اسلامی زندگی می کنند و در پناه مسلمانان هستند یا در کشور غیر اسلامی هستند چه حکمی دارد.

ج: هو العالم؛ معامله با کافر اشکال ندارد.

س ۳۱۲: اسکناس که جزء معدودات است و قرض دادن آن به زیادتر ربا و حرام می باشد آیا اگر آن را به قیمت بیشتر بفروشند مثلا یک میلیون تومان را به یک میلیون و صد هزار تومان بفروشند جائز است یا حرام .

ج: هو العالم؛ بنظر ما اگر نسیه به قیمت بیشتر بفروشد جایز نیست.

س ۳۱۳: سپرده های بانکی که بانک مدعی است در آنها معامله انجام می دهد و علی الحساب سودی

به سپرده گذار می دهد یا پولی که بانک به عنوان مضاربه به افراد می دهد و سود می گیرد، از نظر شرعی چه حکمی دارد و اگر به نظر حضرت عالی اشکال دارد، راه حلّی بیان فرمائید.

ج: هو العالم؛ سپردهای بانکی و ربحی که بانک می دهد اشکال ندارد و حلال است و اما پولی که بانک می دهد، چنانچه شرایط مضاربه رعایت شود، حلال است.

س ۳۱۴: در بازار متداول شده جنس را اینگونه معامله می کنند می گویند نقد مثلا صد تومان یک ماهه صدو ده تومان و دو ماهه صد و بیست تومان و... بعد جنس را برای مشتری می فرستند و مشتری یکی از اینها را انتخاب می کند یا نقد و یا نسیه آیا چنین معامله ای صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه اول معامله نباشد، بلکه مقاوله و وکیل کند صاحب مال، مشتری را که یکی معین را انتخاب کند و بعد معامله را بر آن قرار دهند، اشکال ندارد.

س ۳۱۵: قریه ای کوچک است، نصف زمین های زراعتی آن با نصف آب مال یک نفر است و نصف دیگرش متعلّق به چند نفر است و مالیات از طرف حکومت بین آن شخص با دیگران نصف شده است و رجع در آن زمین حق موات و آبها چشمه ها تصرف نمائید چه حکم دارد آیا طبق زمین ها زراعتی تصرف نمائید یا خیر لطفاً جواب مرقوم فرمائید.

ج: هو العالم؛ مالیات بر ملک است نه بر مالک، بنابراین باید مالکین به نسبت مالشان بپردازند و به هر تقدیر مالیات ربطی به تصرف در چشمه ها ندارد، باید طبق زمینهای

زراعتی تصرف نمایند.

س ۳۱۶: در پیمان مشارکتی، ضمن عقد خارج لازم شرط شده، آیا یکی از طرفین پیمان مشارکت می تواند بدون جلب نظر و توافق شریک، پیمان را لغو نماید.

ج: هو العالم؛ پیمان مشارکتی چنانچه شرائط شرکت عقدیه را واجد باشد خود آن عقدی است لازم و اگر واجد شرایط نباشد چنانچه آن گونه که شرط شده است در ضمن عقد لازم خلاف مشروع نباشد نیز یک طرف نمی تواند پیمان را بهم بزند.

س ۳۱۷: اگر قیمت جنسی (مثلا فرشی) ۲۰ هزار تومان باشد و انسان آن را از کسی به صورت نسیه با دادن پنج چک مدّت دار ۵ هزار تومانی بخرد و همان جنس را به صورت نسیه با گرفتن شش چک ۵ هزار تومانی به فرد دیگری بفروشد آیا معامله اوّل و دوّم صحیح یا باطل است ؟

ج: هو العالم؛ هر دو معامله صحیح است.

س ۳۱۸: آیا حق زارعانه یا اولویّت رعیّتی که اقتباسی است کاملا عرفی که مورد شناسایی قانونگذار نیز قرار گرفته و بر مبنای آن، صاحبان چنین حقوقی در قبال واگذاری آن، مبالغی از مالک زمین (نوعاً به هنگام انتقال ملک) اعمّ از آنکه قرار دادی وجود داشته باشد یا نه می گیرند، شرعاً و قانوناً قابل مطالبه است یا نه؟

ج: هو العالم؛ ظاهر سئوال این است که این حق مانند حق سرقفلی است، چنانچه امر عرفی عام و قانونی باشد، پس زارع که زمین را از مالک اجاره می نماید یا با معامله دیگری زمین را به زارع می دهد یک شرط صریح یا ضمنی در عقد است که مالک اگر بخواهد ملک را انتقال

بدید باید حق زارع را بدهد- در این صورت باید مالك حق زارع را خصوص در صورت شرط صریح بدهد.

س ۳۱۹: فروختن طلاجات (انگشتر، پلاك، مدال) به مردان با در نظر گرفتن اینکه خودشان از آنها استفاده می کنند آیا شرعا جایز است یا نه؟

ج: هو العالم؛ انگشتر طلا برای مرد حرام است. فروختن آن، اگر به قیمت طلای آن بفروشید، جایز است اگر هیئت انگشتر هم جزء مبیع باشد، جایز نیست و معامله به آن مقدار هم باطل است، مگر آنکه هیئت آن مشترك بین انگشتر زنانه و مردانه باشد در آن صورت از آن حیث هم اشکال ندارد و از جهات دیگر هم که جایز است.

س ۳۲۰: در صنف زرگری مرسوم شده است روی دست خانم دستمال می اندازند و النگو یا بازوبند می اندازند. سؤال این استکه اگر بدون ریبه این کار انجام شود اشکال شرعی دارد یا نه؟

ج: هو العالم؛ خیر، اشکال ندارد.

س ۳۲۱: حضرتعالی چه می فرمایید در مورد کارمندان بانکها آیا کار کردن در بانکها با عنایت به وضعیت موجود معاملات صحیح می باشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ کارکردن کارمند چون منحصر به کار خلاف شرع نیست، اشکال ندارد. حقوقی هم که می گیرند حلال است به شرط آنکه پول مقابل کار حرام نگیرند که ظاهراً چنین است.

س ۳۲۲: فردی برای دریافت وام از بانک به فروشنده مراجعه می کند و بدون اینکه معامله ای انجام دهند درخواست فاکتور فروش جهت ارائه به بانک می کند، دادن چنین فاکتوری جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ جایز نیست مگر با اجازه مصدر امر در بانک.

س ۳۲۳: فردی از فروشنده

جنس خریده و فاکتور خود را پس از چند ماه یا حتی یک سال اخذ نکرده، اگر برای دریافت وام، درخواست فاکتور نماید صدور آن جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ دادن فاکتور به تاریخ سال قبل مانعی ندارد و به تاریخ فعلی جایز نیست.

س ۳۲۴: فردی معامله ای به مبلغ دویست هزار تومان انجام می دهد و برای دریافت وام فاکتوری به مبلغ پانصد هزار تومان درخواست می کند. صدور چنین فاکتوری جایز می باشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ جایز نیست.

س ۳۲۵: اگر در ضمن عقد معاملات با انسان شرط شود که وضوء بگیرد یا غسل کند یا نماز بخواند، بیان نمایید آیا از نظر فقهی اولاً این شرط صحیح یا باطل است؟

ج: هو العالم؛ صحیح است.

س ۳۲۶: ثانیاً عمل نمودن به شرط فوق چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ واجب است.

س ۳۲۷: دخول در حمام و استفاده از آب سقاء و مسافر خانه و هتل ها داخل در چه عقدی است؟

ج: هو العالم؛ داخل در عقد اباحه به عوض است که ما آن را مفصل در کتب فقهیه با ادله صحت و لزوم آن نوشته ایم.

س ۳۲۸: وجوهی که در بانک ها به قصد محفوظ ماندن، نه سود بردن گذاشته می شود. ولی هنگامی که می خواهیم دریافت کنیم، متصدیان بانک مبلغی که خودشان حساب نموده اند، اضافه بر اصل پول به صاحب وجوه می دهند. آیا این مبلغ حلال است یا نه؟

ج: هو العالم؛ حلال است.

س ۳۲۹: استفاده کردن از نوشابه ها و مواد خوراکی که از خارج از کشور وارد می شود چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ خوردن آنها به غیر

از گوشت جایز است.

س ۳۳۰: در روستای غریب دوست یک باب اطاق است. معمرین می گویند زمان قبل دکّه القضاء بوده، بعد در زمستان مردم آنجا جمع می شدند مسئله می گفتند، مرثیه خوانی و ذکر مصیبت می کردند. فعلا- مورد نیاز این قبیل مسائل نیست. جای خوب دیگری درست کردند، و آنجا خراب شده است آیا می شود فروخت یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی، می شود فروخت و پول آن را صرف امور خیریه بنمایند.

س ۳۳۱: مالی که از راه قاچاق کالای مباح در جمهوری اسلامی تحصیل شود آیا حلال است؟ یا فقط جایز نیست؟ یا غیر آن؟

ج: هو العالم؛ خلاف موازین حکومت چه اسلامی و چه غیراسلامی نبایدانجام شود والا اختلال

نظام می آید.

خیارات

س ۳۳۲: در خیار رؤیت به تخلف وصف، چه شرط بدل کند یا نکند، آیا مشتری خیار دارد یا نه؟ و آیا این خیار در غیر بیع جاری است یا نه؟

ج: هو العالم؛ خیار رؤیت در مورد شرط ضمن عقد ثابت است و مختص به بیع نیست.

س ۳۳۳: ۱) آیا مغبون اختیار دارد بیع دارای غبن غیر فاحش را فسخ نماید؟ ۲) آیا مغبون اختیار دارد بیع دارای غبن فاحش را فسخ نماید؟ ۳) آیا خیار فسخ برای مغبون از هنگام عقد ثابت است، یا آن که در وقتی که غبن را بفهمد، خیار فسخ پیدا می شود؟

ج: هو العالم؛ ۱) در بیع دارای غبن غیرفاحش (مراد از غیر فاحش آن است که عقلاء آن را غبن نمی شمارند و معامله را به مثل آن فسخ نمی کنند) خیار ثابت نیست. ۲) بلی، مغبون مختار است در مورد

غبن فاحش معامله را فسخ کند. ۳) خیار از وقت عقد ثابت است.

قرض

س ۳۳۴: به شخصی بدهکاری داریم و بعد از جست و جوی بسیار از یافتن او ناامید شده ایم. در اینجا پول طلب تأثیر به سزایی در زندگی شخص طلبکار دارد. وظیفه ما چه خواهد بود؟

ج: هو العالم؛ پول مذکور مجهول المالك است باید به مجتهد رجوع شود چنان چه آن شخص مستحق است، مجتهد از طرف مالکش صدقه به او بدهد، مشروط به این که اگر صاحبش پیدا شد عوض آن به او داده شود.

س ۳۳۵: شخصی مبلغ صد هزار تومان به یك نفر کاسب می دهد و شرط می کند که هر ماه پنج هزارتومان بدهد، آیا گرفتن پول مذکور جایز است؟

ج: هو العالم؛ چنانچه قرض باشد حرام است، و اگر مضاربه باشد، با رعایت شرایط جایز است.

س ۳۳۶: فروختن یك چك نهصد تومانی نقد، به چك هزار تومانی یك ماهه چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ به نظر من حرام است و ربای در بیع است. اگر چه اسکناس مکیل و موزون نیست ولی فروختن معدود و مطلق غیرمکیل و موزون به زیاده نقداً اشکال ندارد، ولی به طور نسیه جایز نیست.

س ۳۳۷: مبالغ دیر کردی که بانکها، موسسه های اعتباری و صندوق های قرض الحسنه برای وام می گیرند چه صورت دارد؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد.

ربا

س ۳۳۸: در محل ما رسم است شخصی که پول قرض می کند یا مقداری گندم می گیرد اگر سر موعد نتواند باز پرداخت کند طلبکار آن مبلغ یا جنس را دو برابر می کند. باز سر مدت نداد به همان مقدار بالا می برد. آیا این صحیح است؟

ج: هو العالم؛ خیر صحیح نیست، چون

ربا است.

س ۳۳۹: لطفاً معنی فقهی ربا را مرقوم بفرمایید؟ آیا این نوع قرض الحسنه ها و وام های با بهره در بانک های معمول، شرعی می باشد؟

ج: هو العالم؛ ربا قرض دادن به شرط زیادی است، ولی سودی که بانک به سپرده ها می دهد، ربا نیست و حلال است.

س ۳۴۰: عدّه ای با هیئت به زیارت حضرت امام رضا(علیه السلام) مشرّف می شوند و گردانندگان هیئت در اثر بی توجهی از افراد رباخوار نیز ثبت نام به عمل می آورند. تکلیف بقیه در این مورد که با آنها هم غذا و هم منزل می شوند (پول همه مخلوط می شود) چیست؟

ج: هو العالم؛ برای بقیه اشکال ندارد.

رهن و اجاره

س ۳۴۱: موجر و مستأجری که با هم خانه را معامله می کنند، مثلا مبلغ دو میلیون رهن و ماهیانه مبلغ پانزده هزار تومان اجاره و طرفین قولنامه را در بنگاه امضاء می نمایند به دلیل تعمیرات منزل و موجود نبودن پول کامل رهن فقط ۲۰۰ تومان از مستأجر به موجر پرداخت می گردد. الباقی رهن و کلید منزل بین طرفین قبض و اقباض نمی گردد و به دلیل شرط و شروط مستأجر و شرایط خاص موجر، طرفین توافق می کنند از خیر معامله بگذرند که می گذرند. در این حالت آیا حق العملی که بنگاه معاملات دریافت نموده باید مسترد نماید یا خیر؟ البته مستمسک بنگاه در اخذ حق الزحمه، بندی از قرار داد است که فسخ و اقامه تأثیری در میزان حق الزحمه نخواهد داشت. امید است با اظهار نظرتان ما را راهنمایی فرمایید.

ج: هو العالم؛ با خصوصیاتی که نوشته اید، حق العمل

بنگاه بایـد داده شود به همان گونه که مرسوم است و قیـد می شود که هر دو طرف معامله یا یک کدام هر نحو که در قرار داد ذکر می شود.

س ۳۴۲: مستاجری آپارتمانی را برای ۱۲ یا ۱۸ ماه از موجر اجاره می کند و تنها موجر برای ۱۲ ماه از او بابت اجاره بها ۶ عدد چک می گیرد، پس از گذشت حدود سه ماه موجر به مسـتاجر اعلام می نماید محل اجاره را خودم به علت بیماری همسر نیاز دارم و بیش تر از ۱۲ ماه به فکر اقامت در در مورد اجاره نباشید و مجدد موجر با تشدید بیماری همسر خود، حدود دو ماه قبل از اتمام ۱۲ ماه به مسـتاجر اعلام تخلیه در موعـد ۱۲ ماه می نمایـد. مسـتاجر اعلام می کند به بنگاه سپرده است با این صـحبت برای موجر محرز می شود که مسـتاجر در اتمـام ۱۲ مـاه مورد اجـاره را تخلیه و تحویل می دهـد. لیکن بعـد از ۱۲ ماه مستاجر دلایل موهوم می آورد و حاضر به تخلیه مورد اجاره نمی باشد به نظر می رسد حرکت مستاجر غصب مال موجر می باشد و به مسـتاجر اعلام غصبی بودن اقامت خود و خانواده اش را در محل مورد اجاره می نماید. خواهشـمند است حکم شرع مقدس را در این مورد اعلام فرمایید.

ج: هو العـالم؛ در مـدتی که آپارتمـان اجـاره شـده است و مسـتاجر تـاخیر در اداء مـال الاجاره ننموده است، موجر حق نـدارد مستاجر را بیرون کند و رضایت و عدم رضایت او هیچ اثری ندارد. بلی، اگر مستاجر تاخیر در اداء مال الاجاره بنماید موجر

حق فسخ دارد و در صورت فسخ رضایت او در ماندن مستاجر در آپارتمان شرط است و با عدم رضایت، اقامت مستاجر در آن خانه غصب و حرام است و اما بعد از انقضاء مدت اجاره چنانچه در حین اجاره مالک حق سرقفلی را به او با پول یا بدون آن واگذار کرده است، باز موجر نمی تواند مستاجر را به زور بیرون کند، ولی چنانچه موجر سرقفلی را به مستاجر نداده است، مستاجر حق ندارد ولو یک ساعت در خانه بدون رضایت موجر بماند و ماندنش حکم غصب دارد.

س ۳۴۳: شخصی مکانی را به ۲۵۰هزار تومان اجاره می دهد ولی برای آن که اداره دارایی برای او مالیات کمتری بنویسد او در برگه دارایی مبلغ را ۱۵۰ هزار تومان ذکر می کند. حکم این عمل چه می باشد و آیا موظفیم مبلغ اصل را اطلاع دهیم؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد و موظف به اطلاع دادن مبلغ نیستید.

ازدواج (نکاح)

س ۳۴۴: روحانی عقد دختر را با اصرار داماد بدون احراز رضایت دختر و پدر دختر می خواند. بعد اعلام می کند عقد باطل بوده. آیا اثبات بطلان می شود؟ یعنی این عقد باطل است یا خیر؟ در صورتی که بعد از عقد فضولی دختر امضاء کند و عاقد اعلام بطلان نکند؟ حکم چیست؟

ج: هو العالم؛ عقد صحیح است. ولی اگر عاقد بگوید عقد باطل بوده یا آن که دختر امضاء نکند و رد کند، عقد باطل است.

س ۳۴۵: دختر در طول یک سال شوهرش عنین بوده و از او جدا شده و سپس آن شوهر، زن گرفته و از او اولاددار شده، آیا این دختر

می تواند بدون طلاق شوهر کند یا باید طلاق بدهند، آنگاه شوهر نماید؟

ج: هو العالم؛ خیر، نمی تواند چون معلوم می شود عنّین به آن معنی که زن می تواند فسخ کند و احتیاج به طلاق نباشد، نبوده. البته این در صورتی است که آن زن با دخول حامله شده باشد.

س ۳۴۶: با عرض پوزش از محضر رفیع حضرتعالی همانگونه که مستحضرید شرایط اقتصادی و مالی جامعه به نحوی است که تحمل آن برای اقشار آسیب پذیر که اکثریت جامعه ما را تشکیل می دهند دشوار می باشد و مرد خانواده برای جوابگویی مخارج زن و فرزندان و... می بایست که با تحمل کارهای سخت و طاقت فرسا یا اضافه کار روزانه و یا پذیرش مشاغل دوم همچون سرایداری و نگهبانی و... بتواند بر مخارج فایق آید. حال با تحمل این مشکلات وقتی به منزل می آید و می بیند که امور منزل و خانه داری و بچه داری و.. لنگ است و خانم خانه در جواب این کاستی ها با استناد به احادیث حضرات ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین می گوید (بنده هیچ وظیفه ای ندارم مگر اینکه به من اجرت بدهید) و یا (به کسی دیگری بگویید که این کارها را انجام دهد مگر من کنیز شما هستم) و خانم خانه با کوچکترین حرفی زود قهر کرده و مرد خانه را از حق شرعی زوجیت (تمکین) محروم می کند...

خواهشمند است تکلیف مرد خانواده و زن خانواده را دراین خصوص روشن فرمایید و به خاتم شریف ممهور فرمایید؟

ج: هو العالم؛ چند مسأله است ۱ بر مرد واجب است که مخارج زندگی زوجه را

در آن مقدار واجب بدهد. اگر زوجه بگوید من اجرت مهیا کردن می خواهم حق دارد، ولی مرد در زندگی معمولی زیادتر از واجب تهیه می کند چه خوراک چه لباس و می تواند آن زیادتر را به حساب اجرت کار زن حساب کند. ۲ در زندگی مشترک همان گونه که تا حال رسم بوده است، غذا و خوراک خانه و تهیه مواد به عهده مرد است و زن کار خانه را انجام می دهد. خانم شما اگر روایت بلد است بگویید زندگی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را ملاحظه کند. ۳ خروج زن از خانه بدون اجازه مرد جایز نیست. ۴ عدم تمکین از عمل زناشویی حرام است مگر آنکه مرد در نفقه کوتاهی نموده و نفقه ندهد. ۵ اساسا تا حال شرط ضمن العقد کلی در حین عقد ازدواج بر این است که در زندگی مشترک کار بیرون خانه و تهیه مواد خوراکی با مرد است و کار خانه با زن، چنانچه بخواهند خلاف این عمل شود باید در حین عقد یا بعداً در ضمن عقد لازمی شرط کنند والاـ زن حق اجرت گرفتن ندارد. در خاتمه به هر دو یعنی زوج و زوجه توصیه می کنیم در زندگی مشترک رعایت همه موازین شرعیه را بنمایید که هم در دنیا و هم در آخرت سعادتمند خواهید بود.

س ۳۴۷: اگر زن در رحم خود عیبی داشت که بچه دار نمی شود و شوهر شرط کرده بود که عیب نداشته باشد و او نگفت. بعد از ازدواج، زوج فهمید. آیا زن مقصر است و در صورتی که مرد بخواهد زن دوم بگیرد و در آن

مناطق به او نمی دهند، آیا بر این زن واجب است زنی برای او پیدا کند تا بچه دار شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ زن مقصر است ولی واجب نیست بر او زن پیدا کند. ولکن خود مرد می تواند عقد زن اول را فسخ کند یا طلاق دهد و زن دیگر بگیرد.

س ۳۴۸: اگر زن مسلمان با مرد غیرمسلمان در خارج از کشور ازدواج کند و اینکه این ازدواج ازلحاظ شرعی جایز نیست و زن به این امر نیز جاهل بوده و ثمره این ازدواج چند فرزند می باشد، اولا وضعیت شرعی این فرزندان چگونه است؟ و ثانیا این زن می تواند به علت جایز نبودن این ازدواج بدون کسب طلاق از آن مرد غیرمسلمان با یک مرد مسلمان ازدواج کند؟

ج: هو العالم؛ فرزندان چون از وطی به شبهه است حرام زاده نیستند، و از حیث اسلام و کفر چون فرزند تابع اشرف ابوین است محکوم به اسلامند تا موقعی که خودشان بتوانند تشخیص بدهند.

و این زن هم بعد از فهمیدن حکم برای جدا شدن احتیاج به طلاق ندارد و می تواند با یک مرد مسلمان ازدواج کند نهایت باید عده نگه دارد و بعد از تمام شدن عده ازدواج صحیح است.

س ۳۴۹: احتراماً به استحضار می رساند اینجانب... که در مورخه ۹/۴/۷۰ با دختر خانمی ازدواج نمودم. که حاصل این ازدواج یک فرزند پسر دوازده ساله است و در تاریخ ۱۵/۸/۷۹ طلاق خلع دادم و در مدت عده، زوجه اینجانب مراجعه و گفتند: مهری را که بخشیدم، نبخشیده و رجوع کردند که من هم رجوع او را قبول کردم و به خاطر احتیاط

شرعی، خودمان هم از روی رساله صیغه عقد را خواندیم که متأسفانه همسر به خاطر مخالفت خانواده اش با ثبت رجوع مخالفت می کرد. بعد از هفت ماه باز هم بر اثر حساسیت زوجه که خدای ناکرده گناه نباشد باز هم صیغه عقد را خواندیم و در عرض این مدت تا مورخه ۲۶/۹/۸۲ رابطه زناشویی داشتیم که هم شهود رجوع وجود دارد و هم گواه ارتباطات و رفت و آمدهای شرعی.

فرزندم بسیار عاقل با هوش است و از لحاظ شرعی بالغ می باشد و او هم شاهد همه جریانات و حتی یک بار هم ناخواسته همبستر شدن ما را دیده و خانواده همسرم زن شرعی من را در تاریخ ۳۰/۹/۸۲ چهار روز قبل از آخرین رابطه زناشویی ما به عقد شخص دیگری درآورده اند. چون پایبند مسائل شرعی نیستند و احکام مبین اسلام و قرآن را قبول ندارند و زن و شوهر را فقط با شناسنامه قبول دارند و زن اینجانب را با تهدید به مرگ مجبور به ازدواج با شخص دیگری نمودند و او را به خلاف شرع و گمراهی وادار کردند و او را اغفال نمودند و در زمان خواستگاری خودم و دیگران با آن مرد خدانشناس صحبت کرده و حقایق را به او گفتیم. ولی متأسفانه او هم پایبند شرع نبوده، حتی مقدسات را مورد تمسخر قرار داده زیرا که او مردی بی نماز و شراب خوار است و اعتقادی به دین و مذهب نداشته و هم اکنون زنم در برابر خانواده ام حقیقت را گفته است و می گوید، ولی در جای دیگر انکار می نماید. حال درخواست فتوای مسأله ذکر

شده را دارم.

ج: هو العالم; به این گونه که نوشته اید این زن زوجه شما است صیغه خواندن هم لازم نبود زن که رجوع به مهر کرده شما هم می توانستید بدون صیغه خواندن هم بسترشوید و عقد دومی باطل بوده و عملش هم زنا و خلاف شرع بوده خداوند همه را هدایت کند و به شما توصیه می کنم که در موقع همبستر شدن مواظب باشید که کسی بخصوص فرزندتان شما را نبیند.

س ۳۵۰: آیا اذن شوهر برای خروج از منزل، در هر خروج باید احراز شود؟ یاهمین که بداند راضی است، می تواند خارج شود؟

ج: هو العالم; علم به رضایت کافی است.

س ۳۵۱: چرا مادر زن انسان نمی تواند دختر دخترش را شیر بدهد، والا بر شوهرش حرام می گردد، ولی دختر پسرش را می تواند و حرمت بر زوجش پیدا نمی کند.

ج: هو العالم; برای اینکه از احکام رضاع یکی عدم جواز نکاح پدر مرتضع در اولاد مرضعه است. چنانچه جدّه شیر بدهد دختر دخترش را، پدر او که شوهر دخترش است نمی تواند ازدواج با اولاد مرضعه بنماید که زنش اولاد جده مرضعه است و این علت در شیر دادن به دختر پسر جاری نیست .

احکام عقد موقت (صیغه)

س ۳۵۲: به نظر شما آیا این کار به صلاح است که جوانی ۲۱ ساله که امکان ازدواج دائم ندارد، برای جلوگیری از وقوع گناه و کاهش آتش شهوت با زنی یائسه صیغه کند؟

ج: هو العالم; بسیار کار خوبی است و صلاح است.

س ۳۵۳: خطرات و محظورات این کار چیست ؟

ج: هو العالم; خطری ندارد. مگر اینکه می گویند در صورتی که خیلی

پیر باشد مجامعت با او مضر است و رفع این هم ممکن است که جماع با وسیله مخصوص نماید یا اینکه دفع شهوت با استمتاعات دیگر غیر از جماع بنماید.

س ۳۵۴: اگر بدانیم زنی عده نگه نمی دارد، آیا می توان او را به عقد موقت در آورد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه بدانید ولو از خبر دادن خودش که در عده نیست، بلی، جایز است حتی اگر بدانید که پس از انقضای مدتی که به عقد شما در آمده، عده نگه نمی دارد و به عقد دیگری درمی آید.

س ۳۵۵: من صیغه آقایی بودم. این آقا ۲ ماه را به من بخشید و الآن در عدّه می باشم. آیا در این مدت که در عدّه هستم می توانم با این آقا در حد صحبت معمولی حرف بزنم و این صحبت عادی رجوع حساب می شود یا نه؟ خواهشمند است سریع جواب دهید؟

ج: هو العالم؛ صحبت کردن معمولی اشکال ندارد، و رجوع محسوب نمی شود. چون رجوع در مدت عده صیغه، مشروع نیست.

س ۳۵۶: آیا صیغه عقد موقت باعث تقلیل قوه شهوانی می شود مخصوصاً برای افراد مجرد یا برعکس باعث تهییج یا اشتهای بیشتر شده و باعث مشکلات بیشتر پس از اتمام مدت می گردد؟

ج: هو العالم؛ من مسئول افتاء و بیان حکم شرعی می باشم و از این امور طبیعیه اطلاع ندارم.

س ۳۵۷: آیا زنان متّهمه را می شود صیغه کرد؟

ج: هو العالم؛ بلی، اشکال ندارد.

س ۳۵۸: آیا زنان یائسه احتیاج به نگه داشتن عده دارند؟

ج: هو العالم؛ خیر، ندارند.

س ۳۵۹: آیا صیغه در موقع ضرورت باعث رشد معنوی است یا باعث تنزل انسان

از معنویت می باشد؟

ج: هو العالم; بلی باعث رشد معنوی می باشد چون ازاعمال مستحبه است.

(ت) س ۳۶۰: به نظر شما برای افراد مجرد، ریاضت نفسانی بهتر است یا صیغه؟

ج: هو العالم; قطعاً صیغه بهتر است.

س ۳۶۱: زنی که عقد موقت شده و حامله می شود، آیا از زمان حمل تا زمان وضع حمل اگر چه دیگر به عقد زوج نیست، حق خرجی دارد یا خیر؟ آیا این حق را دارد که بعد از به دنیا آمدن فرزند، دو سال فرزند را در اختیار داشته باشد؟ و از پدر فرزند خرجی بگیرد یا مرد می تواند بچه را گرفته به دایه بسپارد.

ج: هو العالم; در زمان حاملگی، نفقه زوجیت ندارد. بلی نفقه ولد دارد و بعد از به دنیا آمدن، چنانچه مادر زیادتر از دیگران اجرت شیر دادن بخواهد، پدر می تواند بچه را گرفته و به دیگری بسپارد و اگر زیادتر نخواهد مادر احق است و حق الحضانه با اوست.

س ۳۶۲: من با خانمی برای مدت ۲ ماه عقد موقت بستم، ولی بعد از یک ماه، یک ماه دیگر را بخشیدم. اگر من در این مدت بخشیده شده با وی در محدوده شرعی فقط صحبت کنم، آیا این نشانه بازگشت است و در کل حکمش چیست؟

ج: هو العالم; اولاً صحبت کردن، نشانه بازگشت نیست. ثانیاً عقد موقت بازگشت ندارد.

س ۳۶۳: اجازه پدر در عقد باکره در همه حال شرط می باشد؟ حتی اگر پدر نقایصی داشته باشد، مثلاً لاابالی یا معتاد و بی فکر باشد، حکم چه می باشد و اگر بدون اجازه پدر منعقد شده باشد، اجازه بعدی او مصحح خواهد بود؟

ج: هو

العالم: اجازه پدر در عقد باکره رشیده در هیچ جایی شرط نیست، فضلا در مواردی که اشاره کرده اید.

س ۳۶۴: آیا زن مجبور به انجام کارهای منزل از نظر شرع و قانون می باشد؟ خواهشمندم حکم را بیان فرمایید.

ج: هو العالم: خیر مجبور نیست حتی اگر برای خودش غذا تهیه نکند واجب است غذای او را مرد مهیا کند. مگر آنکه در حال عقد شرط شده باشد ولو به شرط ضمنی (که تا حال چنین بوده) که مرد کار خارج خانه و زن کار داخل خانه را مجانا بنماید.

س ۳۶۵: با توجه به اینکه در نظر است که تحقیقی از منظر فقه و حقوق در مورد محرمیت و علقه نکاح بعد از فوت زوجه انجام گیرد، مستدعی است نظر استدلالی فقهی خویش را نسبت به مسایل ذیل بیان فرمایید.

۱ آیا با فوت زوجه علقه زوجیت از بین می رود یا باقی است؟

۲ آیا با فوت زوجه، محرمیت بین زوجین زایل می شود یا باقی است؟ و فرضا زوج می تواند زوجه میّت خود را ببوسد یا خیر و آیا زوج می تواند عکس ها و فیلم های زوجه را بعد از موت وی تماشا کند؟

۳ اگر مردی زنی را به عقد خود در آورد و قبل از دخول زوجه فوت نماید و زوج بای نحو کان با زوجه مقاربت کند، در این صورت نصف مهریه زن را باید بپردازد یا تمام آن را؟

۴ در فرض سؤال فوق اگر مقاربت با زوجه بعد از اتمام غسل زوجه باشد، آیا غسل جنابت بر زوجه وی واجب می گردد یا خیر؟ اصلا فرض تحقق جنابت در میت وجود

دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ ۱ علقه زوجیت از بین نمی رود.

۲ محرمیت باقی است و لذا می تواند او را ببوسد و عکس ها و فیلم های زوجه را تماشا کند.

۳ بنابر اینکه موت زوجه موجب تنصیف مهر است به مجرد فوت نصف مهر ثابت است و دخول بعد از موت اثر ندارد.

۴ غسل جنابت زوجه واجب است، یعنی باید او را غسل دهند.

س ۳۶۶: چگونه باید مطمئن شد زن عده را نگه می دارد؟

ج: هو العالم؛ قول زن در عده حجت و معتبر است. اگر بگوید عده ام تمام شده است، ترتیب اثر به قول او داده می شود.

س ۳۶۷: اگر دخول انجام نشود باز هم احتیاج به نگه داشتن عده هست؟

ج: هو العالم؛ خیر بدون دخول و با ملاعبه و ملامسه اگر قضای حاجت بشود، نگه داشتن عده لازم نیست، مگر آنکه منی داخل فرج او بشود که در این صورت عده لازم است.

س ۳۶۸: شخصی با زنی شوهردار زنا کرده است و بعد از جدا شدن از شوهرش با همان شخص زانی ازدواج کرده است و فعلا دارای فرزند می باشد، آیا به نظر حضرت عالی این دو نفر حرام مؤبد هستند یا خیر؟ البتّه خودشان بدون توجه به حرام بودن مؤبد ازدواج کرده اند؟ توضیح آنکه ازدواج شخص زانی بعد از عده بوده است؟

ج: هو العالم؛ حرام مؤبد نمی شوند، ولی متنبه بفرمایید که چه عمل خلاف شرعی نموده و این فتوای من سبب کوچک شمردن آن معصیت نشود و حتی المقدور کسی متوجه این عمل شنیع آنان نشود و توبه هم بنمایند.

س ۳۶۹: آیا می شود چند

زن را به عقد واحد محرم کرد یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی مانعی ندارد.

س ۳۷۰: اگر عروسی به هم بخورد، خرج مصارف داماد شرعاً چه می شود؟

ج: هو العالم؛ کسی ضامن نیست.

س ۳۷۱: مهریه زن پنجاه سال قبل ده تومان بوده حالا می خواهد بپردازد چه مقدار بدهد؟

ج: هو العالم؛ آن چه به نظر می رسد آن است که حساب نمایند ده تومان در آن سال چند مثقال طلا می دادند، فعلا معادل قیمت آن را بدهند، آن هم باید با یک مصالحه شرعی عمل نمایند.

س ۳۷۲: تمکین چیست؟ اطاعت چیست؟ خروج از تمکین چگونه تحقق می یابد؟ خروج از اطاعت چطور؟ حقوق شرعی هر یک از زن و شوهر چیست و حد ممنوع استمتاع زن و شوهر از همدیگر چیست؟

ج: هو العالم؛ تمکین عبارت است از آنکه هر موقع که مرد بخواهد مقاربت کند و زن هم مانع شرعی نداشته باشد و بر او ضرر ندارد و موجب مشقت و حرج هم نیست، واجب است بر زن تسلیم شود. بقیه خصوصیات به رسائل عملیه رجوع شود.

س ۳۷۳: اگر زن بدون اجازه شوهرش و عدم تمکین از خانه بیرون رود، حکم ناشزه را دارد در صورتی که مرد ظالم باشد یا غیر ظالم فرق دارد یا نه؟

ج: هو العالم؛ در صورتی که مرد ظلم به او می کند و برای فرار از آن ظلم بیرون برود ناشزه نیست والا ـ ناشزه است ولو مرد ظالم به غیر باشد.

س ۳۷۴: در بعضی از عشایر چنین مرسوم است: اگر قاتلی کسی را از قبیله ای بکشد، دیه مقتول را از همه قبیله قاتل می گیرند و علاوه

بر آن دختر یا خواهر قاتل، یا شخصی از قبیله او را به پسر مقتول می دهند چه دختر راضی باشد یا نه; آیا اینها درست است یا نه؟

ج: هو العالم; هر دو حکم باطل و غیرصحیح است.

س ۳۷۵: آیا در عقد دایم مهریه شرطوبدون آن عقدباطل است؟واگرزن درعقد ازدواج موقت شرط کند که شوهر با او مقاربت کند آیاعقدصحیح می باشد؟

ج: هو العالم; در عقد دائم چنانچه شرط بکنند که بدون مهر باشد، عقد باطل است، و اگر ذکر مهر نکند متعین می شود در مهرالمثل و عقد صحیح است. و در عقد منقطع اگر شرط مقاربت کند، اشکال ندارد عقد صحیح است.

س ۳۷۶: آیا عقد دائم و یا موقت (بیشتر موقت مدنظر است)، یک سیده برای یک غیر سید گناه دارد؟

ج: هو العالم; گناه ندارد.

س ۳۷۷: اگر زنی بچه فرزند خود را (دخترزاده خود را) شیر دهد و بعد از توجیه و ادراک از حرام ماندن دخترش به همسر خود اعتنا نکرده و دختر از همسرش جدا نشود و حتی صاحب فرزند دیگر می شوند و بدانند که این کار حرام است، حکم مرد با آنها چیست و حکم فرزندبعدازاطلاع آن چیست؟

ج: هو العالم; در صورتی که می دانستند حرام شده اند، بچه ولدالزنا است به هیچ کدام ملحق نمی شود و اگر نمی دانستند وطی به شبهه است بچه حلال زاده است.

س ۳۷۸: اگر چند دختر و پسر شخصی را وکیل نمایند که آنها را به عقد یکدیگر در آورند. آیا اجرای صیغه عقد به صورت جمع صحیح می باشد یاخیر؟ مثلا اگر عاقد بگوید: زوجت موکّلاتی لموکلینی علی المهور المعلومین.... آیا

خواندن صیغه به این صورت صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه ارکان عقد از زوج و زوجه و مهر معین و معلوم باشد و مجری عقد به همان گونه قصد کند، عقد مذکور صحیح است.

س ۳۷۹: اگر پدری بر اثر اختلاف خانوادگی و فشار توأم با کذب و هر گونه اهانات و بهتانها و فحاشی فرزندان به پدر خانه خود را ترک و در همین شهر زندگی می کند و زن بدون اذن شوهر، دختر باکره را به عقدبرادرزاده خویش درآورده که شوهرش اصلا به این ازدواج رضایت ندارد، آیا این عقد شرعاً صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم; چنان چه دختر بالغه و رشیده باشد و با اذن و رضایت او آن عقد واقع شده است; عقد شرعاً صحیح است چون من ولایت پدر را بر بالغه رشیده قبول ندارم به خصوص در صورتی که پدر بدون وجه صحیحی امتناع از ازدواج با مرد کفو او بنماید و مادر هم اختیار ندارد و در مورد سئوال چنان چه مادر بدون نظر دختر او را شوهر داده، آن ازدواج باطل است. خلاصه میزان نظر خود دختر است.

س ۳۸۰: اگر زن مهریه خود را با حضور بینه ببخشد بعد از مدتی از آنچه را که بخشیده به زوج برگردد، و آیا می تواند رجوع کند یا نه؟ با قصد لوجه الله و ثواب و بدون قصد، آیا فرق دارد یا نه؟

ج: هو العالم; هبه زن به شوهرش لازم است و قابل رجوع نیست .

بلوغ

س ۳۸۱: اگر پسر بچه ای چند سال قبل از رسیدن به سن طبیعی بلوغ با خود استمنا

کند و از او منی خارج شود، آیا شرعاً او بالغ محسوب می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ خروج منی به هر کیفیتی باشد، موجب بلوغ است و شرعاً او بالغ محسوب است.

س ۳۸۲: زهار چیست و خواهشمند است دقیقاً بفرمایید حکم شرعی آن چیست؟

ج: هو العالم؛ زهار شرمگاه را گویند که اطراف یا خصوص پشت ذکر و فرج است، روییدن موی خشن در آن محل یکی از علامات بلوغ است.

نفقه

س ۳۸۳: آیا زن در عده وفات مستحق نفقه از اموال شوهرش می باشد.

ج: هو العالم؛ خیر، مستحق نفقه نیست، ولی اگر حامله باشد به عنوان نفقه اولاد باید به او داده شود به هر حال در صورت عدم حمل استحقاق ندارد.

س ۳۸۴: آیا نفقه زن که به گردن شوهر می باشد شامل غذا، پوشاک و مسکن می باشد و چیزهای دیگر از قبیل مسافرت بردن همسر، کفاره روزه های زن در ایام مسافرت را شامل می شود یا خیر و یا کفاره روزه های خود را از مال خود پرداخت نماید یا خیر؟

ج: هو العالم؛ نفقه واجب شامل غذا، پوشاک و مسکن و پول حمام در صورت حاجت که در خانه ممکن نباشد. تنظیف و مصارف ولادت و اجرت طبیب و دواء و امثال اینها می باشد.

س ۳۸۵: ملاک اساسی نشوز زن چه می باشد. زن در حال نشوز که معلوم نیست به خانه شوهر برگردد، آیا حق دارد جهیزیه خود را مطالبه کند. آیا نشوز اضطراری به این معنا که زوج آن قدر زوجه خود را اذیت کند که زوجه نتواند متحمل آن شود و بدون اجازه شوهر از خانه بیرون

رود، مسقط نفقه هست یا نه؟

ج: هو العالم؛ نشوز عبارت است از عدم تمکین از جماع و از مقدمات آن یعنی سایر استمتاعات. خود نشوز مانع از نفقه است، و زن بدون اجازه نمی تواند بیرون برود.

س ۳۸۶: پدری دارم دو زن اختیار کرده، از زن اول چهار دختر و دو پسر دارد که اکنون چهار دختر ازدواج نموده اند و دارای فرزندانی می باشند و پسرها هم ازدواج کرده و دارای فرزندانی بوده و پسر اولی بازنشسته بسیج و پسر دوم ستوان دوم سپاه می باشند و هر دو خانه مسکونی نیز دارند. اما زن دوم یک دختر دارد که اکنون شوهر اختیار کرده و دارای دختری می باشد و ۶ پسر که پسر بزرگ طلبه و پسر دوم درجه دار نیروی انتظامی و سومی هم از کمیته امداد وام گرفته و اکنون مغازه لبنیاتی دارد. اما سه پسر دومی یکی سربازی رفته و دومی امسال در کنکور سراسری قبول شده و سومی در حال حاضر سرباز می باشد. اما پدرم از اول عمرش کار و کاسبی نداشته و از دسترنج دو برادر بزرگمان امرار معاش نموده و اکنون یک خانه مسکونی و یک قطعه زمین در مجاورت این خانه مسکونی دارد و خود پدرم و مادرم از مددکاران کمیته امداد می باشند و امرار معاش می نمایند. در این اواخر پدرم سرناسازگاری با مادرم و ۳ تا برادر مجردم که در این خانه مسکونی سکنی دارند، گذاشته و می خواهد زمین مسکونی در مجاورت خانه را خود تصاحب و خانه را به بقیه واگذار نماید. لطفا مشروحا تکلیف مادرم را با سه برادر

مجردم که در این خانه سکنی دارند روشن کنید. آیا نباید پدرم نفقه مادرم را بپردازد و تکلیف این دو تا خانواده که ۴ تا متزوج ۲ تا صاحب خانه و ۲ تا مستأجر و ۳ تا با پدر و مادرم در این خانه سکنی دارند روشن کنید.

ج: هو العالم؛ با بیان این خصوصیات که نوشته اید، نمی شود حکومت کرد. باید پدر حاضر باشد، جریان را بگوید، بعد حکم کرد.

س ۳۸۷: آیا مرد می تواند از نفقه فرار کند؟

ج: هو العالم؛ خیر، نمی تواند.

عقیقه نمودن برای فرزند

س ۳۸۸: عقیقه کردن چه حکمی دارد و وظیفه پدر و مادر و دیگران چیست. خلاصه ای از ویژگی های آن را بیان فرمایید. و آیا والدین می توانند از گوشت عقیقه فرزندشان بخورند و آیا عقیقه دعایی دارد اگر دارد آن دعا را بیان فرمایید.

ج: هو العالم؛ عقیقه کردن از مستحبات است و بهتر است برای پسر گوسفند یا گاو یا شتر نر و برای دختر، ماده ذبح شود و برای سلامتی نافع است و تاکید شده است که تا روز هفتم باشد، ولی بعد از آن هم خوب است و اگر پدر و مادر عقیقه نکردند و بچه بالغ شود، مستحب است خودش عقیقه کند و مستحب است عقیقه به صفات قربانی عید اضحی باشد و مکروه است خانواده از گوشت آن بخورند و کراهت شدید می شود نسبت به پدر و مادر و بین آن دو نسبت به مادر شدیدتر می شود. بهتر است استخوان آن را نشکنند مستحب است یک سوم یا یک چهارم به قابله داده شود و اگر قابله نباشد صدقه بدهند، و بقیه

را یا آب گوشت بپزند و اقلا ده نفر را طعام دهند یا آنکه گوشت آن را بین فقراء تقسیم کنند.

لقاح مصنوعی

س ۳۸۹: چون تولیـد مثـل انسان با لقاح مصـنوعی به نحوی از انحا با افعال مکلفین ارتباط دارد و آثار علمی و اجتماعی بر آن مـترتب است، هم از نظر حکم تکلیفی (جواز و حرمت) قابـل بررسـی است و هم از نظر احکـام وضـعی (قرابت، نسب، توارث و...) و در حقوق ایران نیز تدوین قوانین و مقررات خاص ضروری به نظر می رسد.

با توجه به اینکه اخیرا بین فقهاء شـیعه موضوع مـذکور مطرح گردیده و گروهی بر جواز آن فتوا داده اند و در تاریخ ۲۹/۴/۸۲ «قـانون نحـوه اهـداء جنین به زوجین نابـارور» به تصـویب مجلس شورای اسـلامی و درتاریـخ ۸/۵/۸۲ به تاییـد شورای نگهبـان رسـیده است، در حال حاضر لازم به نظر می رسد مباحث علمی در زمینه احکام وضعی به ویژه نسب متمرکز گردد تا علاوه بر رفـع ابهامـات موجود در قـانون مصوب وضـیعت حقوقی کودکـان به دنیـا آمـده روشن و پیشـنهاداتی به مراجع قـانونی جهت تدوین آیین نامه های اجرایی ارایه گردد.

روش هـای متـداول در مراکز درمـانی ناباروری با توجه به اختلالات موجود در سیسـتم تولیـد مثل زنان و مردان به شـرح ذیل است:

۱ زوج، فاقـد اسـپرم بـارور است، ولی زوجه از نظر تخمـک و رحم سـالم است و برای درمـان نابـاروری، تلقیـح بـا اسـپرم مرد بیگانه، خواه در داخل لوله رحمی و خواه در محیط آزمایشگاهی ضروری است.

۲ تخمـک زوجه نابـارور است، ولی اسـپرم زوج بـارور بوده و زوجه توانـایی حمـل جنین و زایمـان را داراست و برای درمـان ناباروری

باید از تخمک اهدایی بیگانه استفاده شود.

۳ اسپرم زوج و تخمک زوجه نابارور است و رحم توانایی حمل جنین و زایمان را داراست و برای درمان ناباروری اهدای جنین بیگانه (زوجین) ضرورت دارد.

۴ اسپرم زوج و تخمک زوجه بارور است، ولی رحم زوجه نمی تواند جنین را حمل کند و برای درمان ناباروری زن دیگری خواه دارای شوهر و خواه بدون شوهر حمل را تا زمان زایمان در رحم خود نگهداری وبه صاحبان جنین تحویل می دهد.

با توجه به ادله اجتهادی و فقاهتی و قواعد و اصول عقلی و حقوقی مستدعی است با ذکر ادله مورد استناد به پرسش ذیل پاسخ دهید:

سؤال: با توجه به اینکه نسب حقیقت شرعیه ندارد و عرف آن را از واقعیات خارجی انتزاع می کند و اینکه در تولید مثل انسان، زن دو نقش را ایفا می کند، (نقش تخمک و نقش رحم) و آشکار شدن این تمایز یک امر جدید و نتیجه پیشرفت علوم است و درلسان روایات و مضمون آیات چنین تفکیکی به طور روشن به چشم نمی خورد لطفا نظر خودتان را در زمینه انتساب کودک به صاحب تخمک و صاحب رحم بیان کنید.

ج: هو العالم؛ موضوعاتی که در لسان شرع گرفته شده است، منزل بر متفاهم عرفی است. و در هر موردی نظر شارع مقدس برخلاف آن باشد تصریح به آن می کند.

در مورد سؤال احکامی که مترتب است بر نسب شارع مقدس نه تنها اشاره به دخالت تخمک ننموده، بلکه در آیه کریمه انّ امهاتهم الا اللائی و لدنهم تصریح نموده است به اینکه تمام موضوع پرورش در رحم است و اما نبوی شریف

الولـد للفراش ای الزوج و الزوجه چون قاعـده ای است در مورد شـک در اینکه بچه مسـتند به منی شوهر است یـا اجنـبی و در مورد سوال جنین نیست بنابراین قطعاً به حسب ظاهر ادله کودک منتسب بصاحب رحم است.

س ۳۹۰: اگر زوجینی که مشـکل باروری دارنـد، نطفه خود را در رحم زن دیگر مثلاً خاله زوج پرورش دهند، آیا شـرعاً جایز است؟

ج: هو العالم; چنانچه این عمل انجام شود بچه حرام زاده نیست و ملحق به پـدر می شود و مادر او هم خاله زوج است نه زوجه ولی تکلیفاً خلاف احتیاط است.

س ۳۹۱: آیـا کاشـتن نطفه مرد در رحم زن خود، برای بچه دار شـدن جایز است یا نه؟ و آیا جایز است، برای حفظ آبروی زن به دست نامحرم این عمل انجام دهد؟

ج: هو العالم; کاشـتن نطفه اشـکال ندارد ولی با دست نامحرم جایز نیست، مگر آنکه با دست لمس موضع را ننماید و نظر هم نکند که هر دو بعید است.

س ۳۹۲: پس از اثبات تعلق نطفه به مردی (به وسـیله اقرار زوج یا همسـرش) و تولد فرزندی از این نطفه، چنانچه مرد ادعا کند که همسـرش بـدون اطلاـع او نطفه اش را به خواهر مطلقه خود می داده و او به خودش تلقیـح می نموده و حاصل آن فرزنـدی شده است. حتی با توجه به بعید بودن این نحوه انتقال نطفه و لقاح نهایتاً به وجود آمدن فرزند:

۱- آیا فرزند مورد نظر ملحق به صاحب نطفه می باشد؟

۲- آیا فرزند مشمول حقوق شرعی پدر و فرزندی از قبیل حضانت، نفقه و ارث می گردد؟

ج: هو العالم; ۱- در

صـورت احراز آن کـه این بچه از نطفه آن مرد است، بلی، ملحـق به او است. تکراراً می گـویم که اگر احتمـال آن که نطفه از فرد دیگری باشد داده نشود، ملحق به او است.

۲- و مشـمول جمیع حقوق شـرعیه پـدر و فرزنـدی می باشـد، و از جهت مادر، ملحق به خواهر مطلقه می باشـد که در رحم او پرورش یافته.

سقط جنین

س ۳۹۳: آیـا اسـقاط حمـل در هر مرحله از تکامـل و رشـد با حسن نیت و با هـدف حفظ حیات مادر و یا سـلامت جسـمی یا روحی ایشان صورت گیرد آیا مجاز است و مستلزم مسئوولیت کیفری نیست؟

ج: هو العالم; اسقاط حمل فی نفسه حرام و دیه هم ثابت است، ولی چنانچه مزاحم با لزوم حفظ حیات مادر بشود و ثابت شود ولو بـا قول اهـل خبره که در صورت عـدم اسـقاط، جان مادر در خطر است، به مقتضای قاعـده باب تزاحم، اسـقاط حمل جایز است و اگر مزاحم بـا سـلامت مادر شود، بعـد از ولوج روح جایز نیست و قبل از آن چنانچه سـلامتی مادر خیلی شدیـد از بین برود بلی جایز است والا جایز نیست و در موارد جواز مسئولیت کیفری ندارد.

س ۳۹۴: آیا پس از حصول اطمینان از معلول بودن جنین توسط سه پزشک متخصـص متدین قبل از ولوج روح می توان جنین را به خاطر منافع جنین، والدین و جامعه سقط نمود یا خیر. پس از ولوج روح چطور؟

ج: هو العالم; بعـد از ولوج روح جایز نیست، و قبل از ولوج روح در صورت تضـرر جامعه و یا والدین و یا خود جنین به ضـرر معتد به، یا عسر

و مشقت معتنی به جایز است.

س ۳۹۵: اگر به تشخیص پزشکان متخصص، تنها راه نجات جان مادر سقط جنین یا فسخ بارداری باشد، وظیفه پزشکی که دارای تخصص لازم در این امر است چیست؟ در صورت توجه تکلیف، مسئولیت کیفری دارد یا خیر؟ آیا باید دیه بپردازد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ در صورت جواز دیه نه بر پزشک و نه بر مادر ثابت نیست و در صورت عدم جواز چنانچه مادر یا پدر از پزشک بخواهند که او اسقاط حمل نماید مانند امر به اتلاف مال است که آمر ضامن است در این مورد هم طبیب ضامن نیست.

س ۳۹۶: تشخیص خطر اساسی بر جان مادر به عهده مادر است یا پزشک و معیار چیست؟ در بارداری متضمن خطر جدی تنها اوضاع و احوال و شرایط قبل از زایمان معیار است یا اوضاع و احوال و شرایط پس از زایمان هم می تواند مبنای تصمیم قرار گیرد؟

ج: هو العالم؛ معیار نظر هر کدام است که خطر بر او ثابت شود چه قبل از زایمان چه بعد از آن. و از طرق ثابت شدن بر مادر قول پزشک متخصص است.

س ۳۹۷: چنانچه احراز شود ادامه بارداری منجر به بروز صدمه دائمی شدید برای سلامت جسمی یا روحی زن باردار (حرج کامل) خواهد شد، قبل از ولوج روح سقط جنین جایز است یا خیر، پس از ولوج روح چطور؟

ج: هو العالم؛ قبل از ولوج روح جایز است و بعد از آن مجرد حرج مجوز نیست. بلی حرج شدید غیرقابل تحمل موجب جواز است.

زنا

س ۳۹۸: اگر زن آلت بچه مّمیز یا غیر مّمیز را داخل فرج خود کند،

آیا حکم زنا را دارد یا نه؟

ج: هو العالم؛ نسبت به زنی که شوهر ندارد، بلی و نسبت به محصنه، خیر یعنی رجم و سنگسار ندارد.

س ۳۹۹: مردی زنای محصنه انجام داده است، یعنی مردی همسردار با زن شوهردار عمل نامشروع انجام داده اند و بعد از فاش شدن این عمل، شوهر زانیه زنش را طلاق می دهد و بعد از اتمام عدّه، مرد زانی با همان زن زانیه ازدواج می کند. آیا این عمل سبب حرام موبّد می شود یا نه و آیا عقد ایشان باطل است یا صحیح است؟

ج: هو العالم؛ تمام فقهاء فتوا داده اند به این که این زن بر زانی حرام مؤبّد است و عقد او باطل است، ولی من فتوا ندارم و احتیاط ترک آن است.

طلاق

س ۴۰۰: در طلاق زن، اگر بعداً ثابت شود که دو شاهد عادل، فاسق بودند و زن نیز بعد از عده ازدواج کرده بود، حکم مسئله چیست؟

ج: هو العالم؛ آنچه فعلا استنباط نمودم، چنانچه فسق آنها در زمان اجراء صیغه طلاق به دلیل شرعی ثابت شود معلوم می شود طلاق باطل بوده است.

س ۴۰۱: اگر زوجی مجبور به اجازه اجرای صیغه طلاق شده و صیغه طلاق توسط محضردار جاری شود، در این صورت صیغه طلاق صحیح است یا خیر؟ ضمناً زوج در هنگام صدور رأی دادگاه به قاضی وقت آقای... با صراحت کامل اعلام کرده است که راضی به صدور حکم طلاق نمی باشد و برگه صورت جلسه طلاق توافقی با وجود تهدید و فشار خانواده زوجه توسط زوج امضاء شده است؟

ج: هو العالم؛ در صورتی که اکراه نباشد، رضایت باطنی و

اظهار آن موجب بطلان طلاق نیست.

س ۴۰۲: چه مواردی شامل مکروه بودن زوج در اذن به صیغه طلاق می شود؟

ج: هو العالم؛ در صدق اکراه چند امر معتبر است: ۱ اینکه مکره او را مجبور کند و دستور به طلاق دهد. ۲ ضرر متوعد بر مکره حقی نباشد، مثلا اگر بگوید: «طلاق بده والا مطالبه مهر و نفقه می کنم» صدق اکراه نمی کند. ۳ مکره احتمال ترتب ضرری که به آن تهدید شده را بدهد. ۴ واداشتن او به طلاق منضم به توعید به ضرر باشد.

س ۴۰۳: با توجه به اینکه مهریه، دینی است بر عهده زوج و در عرف مردم، غالباً زوجه طلب مهریه نمی کند و مهریه به عنوان یک سنت الهی نوشته و مشخص می شود، با توجه به مطلب فوق، آیاتهدید کردن زوج را، مبنی بر به اجرا گذاشتن مهریه با توجه به عدم استطاعت زوج در پرداخت نقدی مهریه و ایجادمشکلات وتنش های فوق العاده که در این زمینه به وجود می آید، ملحق به مکره بودن زوج می شود یا خیر؟ در فرض مزبور حکم صیغه طلاق را بیان فرمائید؟

ج: هو العالم؛ از جواب مسأله قبل معلوم می شود که در این مورد صدق اکراه نمی کند.

س ۴۰۴: اگر زوج تحت فشارهای بسیار شدید عصبی و روانی ایجاد شده توسط اطرافیان و علی رغم میل باطنی، اذن به جاری شدن صیغه طلاق دهد، در این صورت حکم صحت و عدم آن و همچنین ادعا و انکار زوج را بیان فرمائید؟

ج: هو العالم؛ چنانچه سلب اختیار بشود اعتباری به آن طلاق نیست والا معتبر است.

س ۴۰۵: در فرض

عدم صحت طلاق، آیا ادعای زوج در رابطه با عدم صحت و همچنین ادعای اکراه، از نظر شرعی مسموع است یا خیر؟ و در صورت انکار زوجه، حکم شرعی را کاملا بیان فرمائید.

ج: هو العالم؛ صاحب ادعاها چنانچه بینه دارد قبول است والاـ قسم متوجه منکر می شود. اگر قسم بخورد انکار او ثابت می شود، و اگر قسم نخورَد و مدعی، قسم بخورد ادعای او ثابت می شود والا خیر.

س ۴۰۶: با فرض بطلان صیغه طلاق، آیا زوجه می تواند ادعای مهریه کند. با توجه به اینکه ایشان مهریه خویش را جهت اجرای صیغه طلاق بخشیده اند؟

ج: هو العالم؛ بلی، چون بخشیدن مهریه به ازای طلاق صحیح بوده و در صورت عدم صحت مالك مهریه است و می تواند مطالبه کند.

س ۴۰۷: اختلافی بین زوجین ایجاد شده و متاسفانه اطرافیان زوجین با سخنان خویش باعث بزرگنمایی غیرقابل تصور اختلاف شده و طوری وانمود شده که زوجین صلاحیت زندگی با یکدیگر را ندارند و جو ایجاد شده طوری متشنج می باشد که امکان اصلاح وجود ندارد و از طرفی خانواده زوجه در پی جدایی هر چه سریع تر زوجین هستند، حال اگر زوج در محضر حاضر شده(با توجه به مکره بودن) و در حالی که غیر قاصد هم می باشد اذن به اجرای صیغه طلاق دهد به این نیت که صحبتهای اطرافیان و تحریک آنها برای جدایی تمام شده و به قول معروف جو مناسب شده تا دوباره بین زوجین اصلاح صورت گیرد، در فرض مذکور حکم صیغه طلاق و همچنین حکم ادعا و انکار زوج و زوجه را به صورت کاملا مشروح بیان فرمائید.

ج: هو العالم; اختلافات مشارالیها موجب صدق اکراه نیست و ادعای غیر قاصد بودن مسموع نیست و اگر صیغه طلاق صادر شده، صحیح است و چنانچه بخواهند ازدواج نمایند، باید دو باره صیغه ازدواج خوانده شود.

س ۴۰۸: اگر شخصی با دختری نامزده شده باشد و صیغه عقد دائم خوانده شود و سپس دخول وتصرفی انجام نگرفته باشد، بخواهد مرد او را طلاق بدهد، آیا نفقه مدتی که نامزد بوده می رسد یا نمی رسد و اگر بر فرض شرط کرده باشند بعد از شش ماه عروسی کنند، ولی بر اثر بعضی از مشکلات از طرف مرد یا زن بوده باشد و عروسی نکنند و به خانه شوهر نبرند باز نفقه می رسد یا نمی رسد، و آیا در نظر فقهاء نسبت به نفقه غیر مدخول بها اختلاف هست یا نه؟

ج: هو العالم; دخول شرط وجوب نفقه نیست، ولی تمکین زن به دخول شرط است و در مدت نامزدی چون به حسب ظاهر زن تمکین نمی کند، قهراً نفقه واجب نیست و اگر شرط کنند که تا مدتی عروسی نکنند، قهراً شرط می شود که مرد هم نفقه ندهد، به هر حال اگر زن تمکین نموده و شرط تأخیر نبوده و مرد خودش دخول نکرده، در آن مورد نفقه واجب می شود.

س ۴۰۹: اگر زن مهریه خود را از زوج ابراء می کند تا او را طلاق بدهد، بعد از طلاق از ابراء خود برمی گردد، آیا طلاق رجعی منقلب می گردد؟

ج: هو العالم; اگر مادامی که در عده است برگشت، مرد هم می تواند برگردد، یعنی طلاق رجعی می شود.

روابط زن و مرد

(ت) س ۴۱۰: دست

دادن زن به مرد نامحرم چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; مصافحه بدون حائل جایز نیست.

س ۴۱۱: حکم توهین به زن و بر عکس چه می باشد و اختلاط زن و مرد در زمان ساخت فیلم سینمایی چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; ۱ توهین مسلمان به مسلمان جایز نیست. ۲ اختلاط زن و مرد، چنانچه مستلزم ارتکاب محرمی نباشد فی نفسه اشکال ندارد.

س ۴۱۲: روابط مردان در محل کار آزاد با زنان اجنبی مثل شغل زرگری و غیره با مساله نظر چگونه است؟

ج: هو العالم; اجتماع زن و مرد اگر ملازم با حرام باشد، جایز نیست والا اشکالی ندارد.

س ۴۱۳: بیرون رفتن دختران نامزد (در خانه پدر بودن) به همراه عقد دائم بدون اجازه شوهر جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم; بیرون رفتن زن شوهردار، بدون اجازه شوهرش جایز نیست.

س ۴۱۴: اگر زن بدون اجازه شوهر بیرون رفت و معامله کرد، آیا معامله او صحیح است یا نه؟

ج: هو العالم; بلی، صحیح است.

س ۴۱۵: آرایش کردن بانوان در بیرون از خانه یا سرکار و درس، چه حکمی دارد و ابرو برداشتن که در میان بانوان مرسوم است چه حکمی دارد و آیا پوشاندن آن الزامی می باشد؟

ج: هو العالم; آنچه موجب تحریک قوای شهوانی اجانب بشود، جایز نیست. بلی، چنانچه مأمون از این مفاسد باشد آرایش کردن و ابرو برداشتن اشکال ندارد.

س ۴۱۶: صحبت کردن دختر و پسر از طریق اینترنت به صورت نوشتاری و در چارچوب مسائل روزمره چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; اشکال ندارد.

حجاب

س ۴۱۷: استفاده از لباس هایی که به تن می چسبند چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; فی

نفسه اشکال نـدارد. ولی برای خانمها در صورتی که در منظر نامحرم قرار گیرند، اشکال دارد. چون موجب تهیج قوه شـهویّه نامحرم می شود.

س ۴۱۸: اگر زن در خانه ای باشد که احتمال می رود نامحرم بیاید آیا لازم است قبل از آمدن او حجاب بپوشد؟

ج: هو العالم; لازم نیست. مگر آنکه احتمال عقلائی به آمدن بدهد. در این صورت لازم است.

س ۴۱۹: آیـا تاکنون هیـچ عالمی از علمای اسـلام نسـبت به لزوم حجاب و وجوب تستّر بر زنان با قطع نظر از حـدود و ثغور و کیفیت و کمیت آن، خـدشه نموده است، و نمایان بودن زیر گلو و مقداری از مو، برآمدگی های سـینه و قسـمتی از پایین بدن برای هنرپیشـگان زن چه حکمی دارد، و بعضـی در خصـوص حجاب بـانوان می گوینـد که نزد پسـرهای زیر ۱۵ سال رعایت حجاب به طور کامل لازم نیست، آیا صحیح می باشد؟

ج: هو العالم; ۱- هیچ عالمی چنین فتوایی نداده است. اصل حجاب برای زن از ضروریات است.۲- و نمایان نمودن موارد ذکر شده جایز نیست.۳- تحفّظ از دیدن پسر غیربالغ در صورت مأمون بودن از نظر شهوانی لازم نیست.

س ۴۲۰: حجـاب مرد در برخورد بـا زن نـامحرم را بیـان فرماییـد. آیـا پوشـیدن لبـاس بـدون آستین یا آستین کوتاه طبق عرف متـداول جایز است، و اسـتفاده کردن از مواد خوشـبو کننـده برای بانوان هنگام رفت و آمد در خیابان ها و معابر و مغازه ها چه حکمی دارد؟ و آیا زن می تواند با اجازه شوهرش آرایش کند و به جمع نامحرمان بیاید؟

ج: هو العالم; هر عملی که موجب تهیّج قوه شهویّه جوانان شود،

بر زن جایز نیست ولو شوهرش دستور دهد و در غیر این صورت موارد ذکر شده اشکال ندارد و اما پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مرد اشکال ندارد. بلکه بدون آستین هم برای مرد اشکال ندارد، ولو اینکه برای زن جایز نیست به بالای دست مرد در صورت عریان بودن نگاه کند.

س ۴۲۱: معنی آیه مبارکه الا ماظهر منها در مورد حجاب چیست؟ آیا بیرون گذاشتن صورت و دست و پا با معنی عورت چه فرقی دارد.

ج: هو العالم; برای الاما ظهر منها در آیه، معانی متعددی ذکر شده است. اما وجه وکفّین در صورتی که وجه خیلی جالب نباشد و زینت نشود و موجب هیچ قوه شهوانی جوانان نباشد، نظر به آنها جایز است والا جایز نیست.

س ۴۲۲: خانم هایی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند، لباس تنگ می پوشند، موها را بیرون می گذارند یا با لباسی مثل بلوز و شلوار بیرون می آیند، آیا وظیفه حاکم مبارزه با آنهاست. چه مجازاتی باید برای آنها اعمال شود؟ آیا در حکومت اسلامی می توان مکان هایی را به عنوان مراکزی که در آنجا زنان و مردان آزادانه رابطه جنسی داشته باشند مقرر نمود. و آیا چنین پیشنهادی در اوایل انقلاب مطرح شد؟ از طرف چه کسی؟

ج: هو العالم; ۱ نهی از منکر بر عموم افراد و در رأس آنها بر حاکم اسلامی لازم است و چنانچه بدون تعزیر، نهی از منکر اثر نکند بر خصوص حکومت اسلامی لازم است مجازات هایی را به عنوان تعزیر به نحوی که صلاح مجتمع بداند تعیین نماید. ۲ در مجازاتها افراد غیر مأمور نباید دخالت نمایند، چون

هرج و مرج می شود، ۳ و از احدی پیشنهاد تعیین محل هایی که آزادانه رابطه جنسی برقرار شود، نشنیدم که پیشنهاد نموده باشد.

احکام لواط

س ۴۲۳: شخصی با کسی عمل شنیع لواط انجام می دهد و بعد دخترش را به عقد او در می آورد آیا این ازدواج به نظر معظم له حلال است یا حرام مؤبد.

ج: هو العالم; خواهر و دختر ملوط بر لواط کننده با شرایطش حرام است، ولی دختر و خواهر لواط کننده بر ملوط حرام نیست.

تراشیدن ریش

س ۴۲۴: تراشیدن صورت با تیغ یا با ماشینی که مثل تیغ از ته می تراشد چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; حرام است.

س ۴۲۵: شکل دادن به موها یا ریش ها که امروزه رواج دارد چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; حرام نیست.

س ۴۲۶: آیا تراشیدن ریش با تیغ و یا ماشین ریش تراشی که از ته محاسن را می تراشد جایز است یا خیر و آیا تراشیدن محاسن با ماشین در حد متعارف که ریش اطلاق شود، جایز است یا خیر و تراشیدن قسمت هایی از ریش به اصطلاح غربی ها پروفسوری چه حکمی دارد و اجرتی که برای تراشیدن ریش پرداخت می شود جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم; تراشیدن ریش با تیغ یا ماشین که موجب سلب ریش شود، و همچنین تراشیدن قسمتی از آن حرام است. ولی ماشین کردن در صورتی که عرفاً بر باقی صدق ریش بکند اشکال ندارد.

احکام حیوانات

س ۴۲۷: اگر پس از ذبح حیوان شک کنیم که آیا چهار رگ را بریدیم یا نه تکلیف چیست؟ حیوان حلال است یا حرام؟

ج: هو العالم; به مقتضای قاعده تجاوز و فراغ حکم به حلیت می شود.

س ۴۲۸: کشتن گربه هایی که ایجاد مزاحمت می کنند چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; حتی المقدور نکشید، در صورت اضطرار اشکال ندارد.

س ۴۲۹: حکم فضله لاک پشت چه می باشد؟

ج: هو العالم**;** پاک نیست.

س **۴۳۰:** آیا خوردن گوشت خرگوش مکروه است یا حرام؟ چرا؟

ج: هو العالم**;** حرام است. چون کما فی الخبر از مسوخ است.

س **۴۳۱:** ماهی هایی که در کارخانجات به شکل تن در می آیند و از خارج از کشور وارد می

شوند چه حکمی دارند؟

ج: هو العالم; چنانچه از بلاد اسلامی باشد و یا بدانند زنده از آب گرفته شده است، حلال است والا حرام است.

س ۴۳۲: به علت نزدیک بودن چراگاه ها اگر حیوانات در چراگاه های یک دیگر بروند:

۱- در این فرض کشتن و اذیّت کردن حیوانات جائز است یا خیر؟

ج: هو العالم; جائز نیست.

س ۴۳۳: اگر حیوانی را بکشند، قیمت آن را ضامن می شود یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی، ضامن می باشد.

س ۴۳۴: سگ های بی صاحب که در کوچه و خیابان می گردند و چه بسا باعث ترسیدن زن و بچه مردم می شوند، آیا کشتن چنین سگهایی جایز است؟

ج: هو العالم; بلی جائز است.

غصب

س ۴۳۵: اگر زنی که تابع شوهرش است در سفر، به خانه پدر شوهر که مرحوم شده برود و خانه ارثی است و معلوم نیست تمام ورثه راضی باشند، آیا زن در صورت حرج اطاعت از شوهر نکند و چه باید کرد؟

ج: هو العالم; قهراً تزاحم بین حکمین است. ظاهراً اطاعت واجب نیست و نباید به آن خانه برود.

عهد و قسم

س ۴۳۶: اگر شخصی مفاد قسمنامه را کذباً امضاء کند یعنی مفاد آن در مورد امضاء کننده صادق نباشد ولی به دروغ روی مصالحی یا به اعتقادبه اینکه چون من قسم را بر زبان جاری نکردم پس اشکالی ندارد به هر حال امضاء کرد یا انگشت زد آیا گناه کرده و کفاره دارد؟

ج: هو العالم; چنانچه ظاهر امضاء این باشد که قسم می خورم با شرایطی که قسم دروغ دارد، ظاهراً هم معصیت است و هم کفاره دارد.

س ۴۳۷: کسی که در حال غضب قسم می خورد و بر قرآن دست می زند یا اینکه قرآن از دست او می افتد، آیا اهانت به قرآن کرده و کفاره دارد؟

ج: هو العالم; کفاره ندارد، اهانت قهری هم حرام نیست.

نذر

س ۴۳۸: آیا در نذر شرعی خواندن صیغه لازم است یا نه ؟

ج: هو العالم; لازم نیست.

س ۴۳۹: اگر زن از مال خودش بخواهد نذر کند بازهم اجازه شوهر لازم است یا نه؟

ج: هوالعالم;بلی اجازه شوهرشرط صحت نذراست.

س ۴۴۰: نذر کردن در مورد موضوعاتی مثل فوتبال و مثلا برای پیروزی فلان تیم نافذ است یا خیر؟

ج: هو العالم; خیر نافذ نیست.

س ۴۴۱: اگر انسان قسم بخورد یا نذر یا عهد کند که ۴ رکعت نماز مستحبی مانند عصر، ۳ رکعت نماز مستحبی مانند مغرب، ۱ رکعت نماز مستحبی مانند نماز وتر بخواند، بیان نمایید خود این قسم یا عهد یا نذر و عمل به آن چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; نذر باطل است و عمل به آن تشریع محرم است.

س ۴۴۲: اگر کسی در نذر صیغه نخواند یا بلد نباشد ولی منظورش نذر کردن باشد، آیا

عمل به آن بر وی واجب است؟

ج: هو العالم؛ بلی، واجب است.

(گنگ) س ۴۴۳: در مورد دیگر اموال فوق الذکر نظر معظم له چیست؟

ج: هو العالم؛ صدقات و رد مظالم و نیز موقوفات عامه را می توان مصرف نمود. سهم سادات را نمی توانند و از سهم مبارک امام ارواحنا فداه یک سوم را می توانند، صرف نمایند.

س ۴۴۴: لطفاً برای اشخاصی که اهل وجوهات شرعیه مانند (خمس و زکات) نیستند، نصیحتی مرقوم فرمایید؟

ج: هو العالم؛ کسی که به حکم الهی اعتنا نمی کند، نصیحت من چه تأثیری می تواند داشته باشد.

وقف

س ۴۴۵: لطفاً نظر مبارک را بیان فرمایید: باغی است که درختان، دیوارها، و ساختمان آن ملک شخصی می باشد و زمین آن قطعا وقف مدرسه علمیه آن منطقه است، لکن وقفنامه اش ظاهراً مفقود شده و به همین جهت متولی و نحوه و مورد صرف ثمره، مشخص نیست.

اولا: با این شرایط تولیت آن فی الحال تعلق به چه کسی دارد؟

ج: هو العالم؛ تولیت با مجتهد جامع الشرایط است.

س ۴۴۶: ثانیاً: آیا عدول مؤمنین و بعض اهل علم، می توانند با تعذر از دست یافتن به متولی، تولیت آن را برعهده بگیرند؟

ج: هو العالم؛ خیر نمی توانند چون با وضع فعلی تصور نمی شود که دسترسی به مجتهد نباشد.

س ۴۴۷: ثالثاً: موقوف علیهم (با اینکه اجمالا مدرسه علمیه است) طلاب مدرسه می باشند یا بناء مدرسه، یا باید به طور کلی وقف تعلق به مصالح مدرسه گیرد؟

ج: هو العالم؛ باید در آنچه مربوط به مدرسه می باشد اعم از طلاب و بناء مدرسه و مصالح آن صرف شود.

س ۴۴۸: رابعاً: محصول به

عمل آمده از این باغ، چه مقدارش، تعلق به موقوفه دارد؟ (در حالی که زمین از موقوفه و آب، درختان و کار شخصی است)؟

ج: هو العالم؛ حق شخص به مقدار اجرت کار و پول آب می باشد بقیه تعلق به موقوفه دارد.

س ۴۴۹: خامساً: آیا این زمین را می شود اجاره کرد یا باید عقد مضاربه، برقرار کرد؟ اولویت با کدام یک است؟

ج: هو العالم؛ بلی، می شود اجاره کرد و مانعی ندارد.

س ۴۵۰: برای بعضی مساجد و حسینیه ها تعداد زیادی ساعت و یا وسائل مستعمل و غیرمستعمل را وقف می کنند در صورتی که مسجد لازم نداشته باشد می توان آنها را تبدیل به احسن کرد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی، می توان تبدیل نمود.

س ۴۵۱: استفتاء و استعلام می گردد که شخصی زمین خود را به همسرش هبه نمود. سپس همسر، زمین رابه تولیت شوهرش و بعد از او اولاد ارشد ذکور مورد وقف یک مسجد و سه باب مغازه که آنها را فروخته و سرقفلی آنها را به همراه دیگر منافع جهت مخارج مسجد از قبیل خادم قرار داده و یک باب آپارتمان در بالای مغازه ها جهت خدمه مسجد (وقف) نموده است. سپس بعد از ۹ ماه طی وقف نامه ای دیگری منافع مغازه ها و آپارتمان را از وقف نامه اول خارج و محدود به همان ۹ ماه و آن را متعلق به همسرش تا پایان عمر نموده است.

عنایت فرمایید که آیا این نحوه وقف شرعا جایز است یاخیر؟

به وقف اول باید عمل نمود یا دوم؟

ج: هو العالم؛ چنانچه بعد از تمام شدن وقف، قبض هم محقق شده باشد،

میزان وقف اول است، و اگر نشده است واقف با وقف ثانی وقف اول را باطل کرده است و میزان وقف دوم است.

س ۴۵۲: آیا می توان محلی را به مدت ده سال به عنوان مسجد وقف نمود که بعد از آن به ملك واقف یا ورثه اش برگردد؟

ج: هو العالم؛ بلی وقف موقت بنظر ما صحیح است.

س ۴۵۳: کسانی که در ملك موقوفه زندگی می کنند اجاره ساختمان و مصرف خانه و زندگیشان از ملك موقوفه باشد دیگران می توانند در آن خانه نماز بخوانند یا مهمان شوند یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی می توانند بروند آنجا و نماز بخوانند.

س ۴۵۴: آیا واقف مسجد مجاز است که مسجد را فقط برای اقامه نماز بسازد و حق انجام هرگونه فعالیتی همچون کلاس های قرآن، معارف، آموزش اذان و برنامه های عقیدتی و آموزشی را خصوصاً از نوجوانان عزیز سلب نماید؟

ج: هو العالم؛ اگر بعد از وقف بخواهد منع از فعالیت های دیگر که به آنها اشاره شده است بنماید، حق ندارد.

وصیت

س ۴۵۵: شخصی که تعدادی اولاد صغیر و عقب مانده دارد، این چنین وصیت می نماید که: ثلث اموالم را بدین صورت قراردادم که پس از مرگم مردم به طور متعارف به خانه ام رفت و آمد نموده و تصرفاتی را از قبیل: اکل و شرب و استفاده از ظرف و فرش و امثال این ها، نمایند و همین تصرفات به عنوان ثلث محسوب گردد آیا چنین وصیتی جائز و صحیح و مستحسن می باشد یا خیر؟ (البته چنین تصرفاتی به حسب معمول تاسال ها به مقدار ثلث نخواهدرسید.)

ج: هو العالم؛ وصیت مذکور

صحیح و جائز است. آن مصارف را از ثلث محسوب نمایند و زاید بر آنها را صرف خیرات و مبرات نمایند، مگر آن که بدانند که مراد آن موصی این بوده است که فقط این مصارف ذکر شده از ثلث مالی که این حق را در آن دارم محسوب گردد. در این صورت زاید بر آن مصارف مال ورثه است.

س ۴۵۶: زنی که خدمت خانه می کند و در عوض چیزی از شوهرنمی گیردآیا شوهر می تواند وصیت کند که از اصل مال بعدازمرگش به زنش چیزی بدهند.

ج: هو العالم؛ بلی می تواند وصیت کند که غیر از ارثیه به او مقداری پول بدهند به شرطی که زاید بر ثلث نباشد.

س ۴۵۷: اگر مرد وصیت کرد فرزند من که به دنیا آمد اگر پسر بود ۵۰ هزار تومان به او بدهید و اگر دختر بود ۱۰۰ هزار تومان و به مادر ۱۰۰ هزار تومان بدهید، بعد از آن مادر دو فرزند پسر و دختر آورد، آیا به مادر چیزی می رسد یا نه؟

ج: هو العالم؛ باید به هر دو سفارش عمل شود و چنانچه آن مقدار وجه زیادی بر ثلث باشد و ورثه امضاء نکنند وجه آن دو نقض توزیع می شود.

س ۴۵۸: مردی وصیت بر ثلث کرده (ثلثی که معین است یکصد و پنجاه هزار تومان) که اگر عیالم دختر به دنیا آورد ۵۰ هزار تومان سهم دخترم و ۱۰۰ هزار تومان سهم عیالم و اگر پسر به دنیا بیاورد ۱۰۰ هزار تومان سهم پسرم و ۵۰ هزار تومان سهم عیالم باشد. متاسفانه عیالش بعد از فوت دو قلو زاییده سهم فرزندان و عیال

از ثلث معین چقدر است؟

ج: هو العالم؛ یکصد پنجاه هزار تومان، نصف آن مال عیال است و پنجاه هزار تومان که ثلث است مال پسر و بیست و پنج هزار تومان مال دختر.

س ۴۵۹: اگر کسی وصیت کرد بعد از مردن مرا در بقیع ببرید و دفن کنید اگر راه بسته بود و مانع بود چه کار باید کرد؟

ج: هو العالم؛ وجوب عمل به وصیت ساقط است. در محل دفن کنند و یا جای دیگر، مختارند.

س ۴۶۰: مؤمنی به وصیّ خود وصیت نموده است که ثلث ترکه او را برای وی در خیرات و مبرات خرج نماید و وصی هنگام فوت موصی ترکه او را پس از تحقیق در حدود دوازده میلیون تومان قیمت گذاری نموده است، ولی ثلث را از ترکه جدا ننموده و تا به حال یک میلیون تومان از ثلث را برای مصالح میت خرج نموده و مابقی آن در ضمن حصه وراث باقی می باشد و اخیرا قیمت ترکه بالا رفته و به حدود شصت میلیون تومان بالغ شده است. حال سؤال این است که چون ثلث از ترکه جدا نمی باشد و قیمت باقی ثلث که خرج نشده به تبع بالا رفتن قیمت کلی ترکه بالا رفته، آیا الان باید قیمت هنگام وفات را مدنظر قرار داد و طبق آن باقی ثلث را محاسبه و اخراج نمود یا طبق قیمت فعلی، باقی ثلث را باید محاسبه و اخراج کرد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه وصیت به ثلث ترکه نموده نه به قیمت آن و ترکه هم الان باقی است باید قیمت فعلی بقیه ثلث را حساب نموده و اخراج کنند. بلی، چنانچه

بعـد از موت موصـی با ورثه معامله نموده به این نحو که تمام ترکه در اختیار شـما و دو میلیون پول ثلث در ذمه شـما باشـد در این صورت میزان قیمت هنگام وفات است.

ارث

س ۴۶۱: کلاله امّی در چه صورت ارث می برد، سهم الارث آن چه قدر می باشد؟

ج: هـو العـالم؛ خواهر امی که از دسـته دوم وراث است و در صورتی که میت، برادر و خواهر پـدر و مـادری و برادر و خواهر پـدری هم داشـته باشد، ارث نمی برد و خواهر پدری در بعضـی صور ارث نمی برد و مقدار ارث خواهر مادری را در توضـیح المسائل نوشته ام، مراجعه نمایید.

س ۴۶۲: شخص وصی می تواند وصیت میت را از اصل مال بدون اذن ورثه اداء نماید؟

ج: هو العـالم؛ اگر به مـال معین وصـیت نموده، اذن ورثه لازم نیست و اگر معین نیست قهرا مـال مشـترک است و اجـازه آنها معتبر است.

س ۴۶۳: زمینی که آثار جوی آب داشـته و هفتاد سال قبل کشت و زرع می گردیده آیا بدون اذن تمام وراث آن زمین کسـی می تواند آن زمین را تصرف نماید و مالک شود.

ج: هو العـالم؛ زمین بـایری را که سالهـا صاحبـانش کشت ننموده و معطـل مانـده است، می شود بـدون اذن وراث مالک سابق کشت نمود.

س ۴۶۴: شخصـی در سالهـای قبل مبلغی جهت حـج تمتع واریز نموده و بنا بوده است که در سال ۸۲ به حج مشـرّف شود، در همـال سـال به علت تصـادف فوت نموده است. ورثه فعلاً ـ قـدرت مالی ندارنـد حـج آن را اداء نماینـد، آیا می شود فیش آنرا بفروشند و در سال آتی

که پدر متوفا به حج مشرف می شود در آنجا نایب الزیاره تعیین نماید یا خیر؟ لطفا نظر مبارک اعلام فرمایید؟

ج: هو العالم؛ چنانچه واجب الحج بوده، قهراً آن پول مال خودش است. باید بدهند و نایب، حج انجام دهد، و اگر واجب الحج نبوده و وصیت هم نکرده است، پول مال ورثه است، آنها مختارند. می توانند نایب بگیرند و نایب حج را انجام دهد و همه وراث باید به نایب گرفتن حاضر باشند.

س ۴۶۵: مؤمنی دارفانی را وداع گفته و از او یک همسر و چند فرزند باقی مانده که دوتای آنها غیر رشیدند و از طرف دیگر ارثیه و ماترک میت تقسیم و سهم هر کدام از ورثه متعین نشده و مادرشان (یعنی همسر میت) وصی میت می باشد. آیا با توجه به اینکه وصی باید در مصرف اموال این دو شرط غبطه را رعایت کند می تواند از میراث مشاع برای ازدواج فرزندان رشید و بالغ استفاده نماید یا باید اول تقسیم و تعیین صورت گیرد و بعد از حق و سهم هر یک از فرزندان رشید برای ازدواج آنها استفاده نماید؟

ج: هو العالم؛ تقسیم لازم نیست. همین که رعایت غبطه می نماید به اضافه آنکه از اموال زیادتی از حقشان داده نشود، کافی است. مثلاً اگر پول نقد دارد و از مردم هم طلب دارد، پول نقد را به فرزندان رشید بالغ و دیون را بر صغار نگذارد.

س ۴۶۶: در صورتی که حکم بر تعیین سهم هر کدام در عین خارجی است، سؤال این است که با توجه به اینکه این دو فرزند غیر رشید به خاطر ضرورت رسیدگی وصی (مادرشان)

به آنها بایـد با مادرشان زنـدگی کنند، آیا باید مادرشان غذا و پوشاک آن دو و خود را از هم جدا سازد و باید غذا و پوشاک و رختخواب آنهـا و خود را مسـتقیما از مـال شخصـی خود و مـال شخصـی آنها تهیه نمایـد و یا لازم نیست و می توانـد غـذا و پوشاکشان و رختخوابشان مخلوط باشد؟

ج: هو العالم؛ لازم نیست جدا شوند و مخلوط زندگی کنند اشکال ندارد.

س ۴۶۷: پـدری می خواهـد که مایملک خود را که یک خانه مسـکونی و یک قطعه زمین شـهری می باشد ما بین همسـر و ۷ فرزندش تقسیم کند. به خود پدر و فرزندانش که پسر می باشند چقدر می رسد؟

الف) آیا فرزندانش حق مخالفت دارند یا خیر؟

ب) حد و مرز تادیب فرزند کدام می باشد؟

ج: هو العالم؛ پدر چنانچه در حال حیات باشد و اموالش را تقسـیم کرده، اشـکال ندارد و اختیار با او است و هر مقدار بخواهد می توانـد تعیین کنـد و کسـی حق مخالفت نـدارد و اگر تملیک می کنـد، بعـد از وفات به مقـدار ثلث حق دارد و در دو ثلث دیگر وصیتش نافذ نیست مگر آنکه ورثه اجازه دهند.

و مقدار تأدیب فرزند امری است عرفی یعنی حدی که جلوی فساد او را بگیرد.

س ۴۶۸: اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد حکم مال و اموال او چیست؟

ج: هو العالم؛ چنانچه شوهر یا ورثه دیگر داشته باشد به آنها می رسد، والا مال امام زمان (عج) است.

س ۴۶۹: اگر فرزندی قبل ازپدرش فوت کند آیا به فرزندان فوت شده ارث می رسد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه آن فوت شده فرزند دارد، از او

به فرزندان فرزند ارث نمی رسد. ولی اگر مالی از پدرشان داشته، ارث می برند.

س ۴۷۰: زن فوت کرده، دختری از شوهر اوّل و پسری از شوهر دوم دارد. منتهی هر چه که ارث از پدر دختر از زمین و غیره باقی مانده بوده، و تحت ید مادرش بوده تحت تصرف شوهر دوم قرار گرفته، حال از مجموع اموال مادر و ارثیه پدرش به دختر یک سهم و به برادر دو سهم داده اند. این صحیح است یاخیر؟

ج: هو العالم; به نحوی که نوشته اید، صحیح نیست. چون اموال پدر دختر در دست مادرش بوده، مقداری از آن مال دختر است. باید رعایت بشود. بلی، چنانچه به نحوی مادر در زمان شوهر دوم مالک آن اموال شده باشد ولو به بخشیدن دختر یا خرید از او تقسیم صحیح است.

س ۴۷۱: شخصی در موقع حیات خود منزل خود را در روستای سیلاچای در حضور حقیر جهت حسینیه در محل وصیت فرمودند، ولی به علّت مهاجرت اهالی به شهرستان ها و کوچکی محل مورد استفاده قرار نگرفته و ساختمان آن خراب شده و هنوز هم صیغه وقف جاری نشده، آیا اجازه می فرمایید وراث و وصی آن مرحوم محل مزبور را واگذار نموده و

وجه آن را به مصارف خیرات و باقیات صالحات در مسجد محل یا

جای دیگر در حق آن مرحوم به مصرف برسانند؟

ج: هو العالم; به آن گونه که مرقوم فرمودید آن منزل برای حسینیه تعیین شده است. ولی چون به آن نحو که وصیت شده است مورداستفاده قرار نمی گیرد، باید صرف در امور خیریه دیگر بشود. لذا جنابعالی مجازید که با وراث

معامله نمائید، وجه آن را در صورت امکان در همان محل مصرف نموده و اگر امکان ندارد در جای دیگری صرف در حسینیه یا مسجد بنمایید و می توانید ورثه را وکیل خودتان قرار دهید که تصرف نمایند.

س ۴۷۲: اراضی زراعی اربابی جهت کشت و کاردر اختیار رعیت قرار گرفته بود که رعیت فوت نموده، یکی از ورّاث عهده دار وظیفه متوفی در کشت و کار گردیده تا زمان الغای رژیم ارباب و رعیت، تا جایی که از مسئولین امور اصلاحات ارضی، سند مالکیت دریافت نموده، حکم ادّعای سهم سایر وراث قبل از صدور سند و بعد از صدور را بیان فرمایید؟

ج: هو العالم؛ زمین را که در اختیار رعیت برای کشت گذاشته بودند، موجب ملکیت یا آن که حقی بر او ثابت شود نمی باشد که حتی بعد از موت آن رعیت حقی ثابت باشد.

بنابراین ورثه حقی ندارند و اما صدور سند مالکیت که مسئول امور اصلاحات اراضی داده است، اولا نمی دانم چنین حقی داشته و علی فرض آن که حق داشته، به هر کس سند مالکیت داده، او مالك است و دیگران هیچ حقی ندارند.

س ۴۷۳: خانمی فوت شده، برادرزاده و خواهرزاده پدر و مادری دارد و همچنین خواهرزاده پدری هم دارد، آیا با داشتن برادر و خواهرزاده پدر و مادری خواهرزاده پدری ارث می برد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ خواهرزاده پدری در صورتی که با خواهرزاده پدر و مادری جمع شود مانند خود خواهر پدری در صورت اجتماع با خواهر پدر و مادری ارث نمی برد.

دیات

س ۴۷۴: اگر جانی، دندان مصنوعی شخص را در آورد؟ آیا باید

قصاص شود یا دیه آنرا بدهد؟

ج: هو العالم; در این مورد رجوع به حکومت می شود یعنی حاکم شرع آنچه را صلاح بداند که مناسب باشد، تعیین می کند که بپردازد.

س ۴۷۵: حداقل دیه به نظر شما چه ....۲است؟

ج: هو العالم; دیه اقسامی دارد: دیه نفس، دیه اعضاء، دیه منافع و... بنابر این باید مراجعه شود به رساله عملیه که کدام یک از آنها حداقل است.

س ۴۷۶: دیه مقتول خمس دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; دیه مقتول احکام ارث را دارد. میراث ما لا یحتسب خمس دارد و ما یحتسب خمس ندارد.

س ۴۷۷: دیه کامل یک انسان چه مقدار است و آیا دیه قتل عمد و شبه عمد را می توان با پول محاسبه کرد؟

ج: هو العالم; یکی از مصادیق آن ده هزار درهم، هر درهم (۶ نخود) که هر ده درهم مساوی است با پنج مثقال و ربع مثقال نقره مسکوک و بپرسند که هر درهم چند قِران است می توانند پول آن را حساب کنند.

س ۴۷۸: ۱ اگر شخصی ضربتی به صورت کسی بزند که سیاه شود، ۱ آیا می توان بگوید عوضش را بزن. ۲ و جرح بر گردن، دیه دارد یا ارش. ۳ و آیا در شکستگی استخوان با قسامه دیه ثابت می شود یا نه؟

ج: هو العالم; ۱ در ضربت به صورت می شود مقابله به مثل نمود. ۲ و دیه جرح بر گردن در بعضی موارد مانند آنکه گردن کج شود یا موجب مانع شدن از جویدن شود، ثابت است. ۳ در غیر این موارد ارش ثابت می شود.

س ۴۷۹: آیا صبی ممیز می تواند از جنایتی که

بر او شده عفو کند یا دیه و یا قصاص کند؟

ج: هو العالم؛ خیر، نمی تواند و ولی او هم نمی تواند مگر در بعضی موارد که گفته اند می تواند دیه بگیرد.

س ۴۸۰: احتراماً با توجه به محتویات دادنامه و سند رسمی... تنظیمی در دفتر اسناد رسمی... و با توجه به اینکه امضا کننده سند رسمی مذکور که طبق دادنامه اشاره شده فوق محکوم به قصاص نفس گردیده (حدود یک سال پس از آزادی از زندان و نجات یافتن از مساله قصاص و مختومه شدن پرونده مربوطه) در حالت صحت و اختیار، بدون اکراه و اجبار و بدون هیچگونه قید و شرطی ضمن معرفی نمودن خود به عنوان معاون در قتل، شرعاً و قانوناً رضایت کامل خود را نسبت به کلیه اولیای دم مقتول مورد نظر اعلام نموده و حق هر گونه اعتراض و یا دعوی حقوقی (مالی) و کیفری علیه اولیای دم آن مقتول را از خود ساقط کرده و صریحاً اقرار داشته که طی مدت ۱۱ سال نیز باعث وارد آمدن خسارات هنگفتی بر اولیای دم گردیده، این سؤال مطرح است که:

۱ چنانچه شرعاً و قانوناً ثابت شود که قاتل شخص دیگری بوده، آیا از نظر شرعی امضا کننده سند رسمی فوق الذکر حق مطالبه وجوهی که خود و یا بستگانش (حدود یکسال قبل از تنظیم آن سند) تحت عنوان خسارت و یا وجه المصالحه و حق الزحمه به اولیای دم پرداخته و از آن رضایت گرفته را دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم؛ با خصوصیاتی که نوشته شده است، حق مطالبه وجوه را ندارد.

۲ چنانچه امضاء کننده سند رسمی مذکور ضمن استفاده از

اینکه دیگر اولیای دم حق مراجعه به دادگاه جهت تقاضای قصاص وی را ندارند، با اختیار خود و یا احیاناً به خاطر ترس از قاتل واقعی فرضی، مجدداً اتهام قتل را بر عهده بگیرد و با انجام این کار در واقع موجب تبرئه قاتل فرضی و تضییع حق اولیای دم گردد و یا باعث شود که اولیای دم برای به اثبات رساندن حق خود و محکوم و یا قصاص کردن قاتل واقعی باز هم دچار مشکلات و متحمل خساراتی شوند، آیا از نظر شرعی وی ضامن پرداخت دیه مقتول و یا خسارات وارده مجدد بر اولیای دم خواهد بود یا خیر؟

ج: هو العالم; خیر، ضامن نیست، چون رضایت گرفته است.

عیدالزهراء

س ۴۸۱: آیا برگزاری مراسم عید الزهرا (س) در شرع مقدس اسلام جایز است؟

ج: هو العالم; بلی جایز و مستحسن است به شرط عدم ارتکاب مُحرمی.

س ۴۸۲: آیا کف زدن و یا رقص در این مراسم جایز است؟

ج: هو العالم; کف زدن جایز و رقص زن بر زن و مرد بر مرد جایز است ولی رقص زن بر مرد (غیر شوهر) و مرد بر زن (غیر زن خود) جایز نیست.

س ۴۸۳: در شرایط کنونی آیا برگزاری این مراسم با وحدت مسلمین منافات ندارد؟

ج: هو العالم; برگزاری مراسم درمنازل و جاهایی که غیر شیعه نیستند و اگر در رادیو و تلویزیون پخش نشود، هیچ منافاتی با وحدت ندارد. البته تعبیر وحدت هم صحیح نیست.

کف زدن

س ۴۸۴: اگر کف زدن در عروسی ها و غیر آنها، سبب رقص شود (رقص آور باشد) چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; آواز رقص آور و غنا است و حرام است. کف

زدن رقص آور اشکال ندارد.

س ۴۸۵: کف زدن حکمش چه می باشد؟

ج: هو العالم; جایز است.

س ۴۸۶: کف زدن زن ها در مجالس زن ها جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی، جایز است.

س ۴۸۷: کف زدن در میلاد ائمه اطهار(علیهم السلام) شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; فی نفسه در صورتی که اهانت به آن بزرگواران نباشد، جایز است.

س ۴۸۸: آیا حضرت عالی کف زدن در میلاد ائمه(علیهم السلام) راتجویز و تأییدمی کنید؟

ج: هو العالم; بلی، بسیار عمل خوبی است، چنان چه رعایت شود که مرتکب مُحرمی نشوند و به نحوی باشد که موجب اهانت به ائمه(علیه السلام)نباشد.

عزاداری

س ۴۸۹: در این چند سال اخیر در غیر روز عاشورا و روز اربعین حضرت سید الشهداء سلام الله علیه و آخر روزهای ماه صفر در مشهد مقدس (قمه زنی) مرسوم شده است آیا با موازین شرعی سازگار است یا نه؟

ج: هو العالم; اشکال ندارد، تعظیم شعائر است، خوب است.

س ۴۹۰: گاهی دیده می شود در بعضی مجالس جهت عزاداری ده شب اول ماه محرم مداحی دعوت شده و مبلغی حدوداً یک الی چهار میلیون تومان به او پرداخت می شود .ضمناً بعضی از مداحین قبلا مبلغ مذکور را قطعی می کنند و چک می گیرند. آیا پرداخت این مبلغ پول ها با وجود فقرای نیازمند و لزوم احتیاجات اولیه اشکال شرعی دارد؟

ج: هو العالم; چنانچه این وجه از پول های معین شده برای عزاداری نباشد و از مال شخصی خودشان باشد، اشکال شرعی ندارد. و، اگر این مبلغ را به مداح ندهند و به فقرا بدهند (که معمولا چنین نیست) کار خوبی است.

س ۴۹۱: در

مجالس یاد شده با توجه به پرداخت مبالغ زیادی به مداح جهت برپائی مجلس روضه و منبر به روحانی و مبلغ احکام شرعی مبلغ کمتری پرداخت می کنند و همه افراد در جریان این موضوع هستند. آیا این کار باعث هتک روحانیت نیست؟

ج: هو العالم؛ خیر هتک روحانیت نیست. مقام روحانیت آنقدر عظیم و شریف است که این گونه اعمال کوچک تر از آن است که اهانت به آن باشد والا مردم در مجالس عقد به آوازه خوان خیلی زیادتر از عاقد پول می دهند.

س ۴۹۲: استفاده از شیپور، طبل، سنج، دُهُل، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ استفاده از آنچه از آلات لهو است بهتر است استفاده نشود.

س ۴۹۳: اگر کسی به نمازهای یومیه اهمیت ندهد به عنوان ترک یا استخفاف به نماز و در عین حال در عزاداری شرکت و مبالغ زیاد خرج کند و ادعای شفاعت حضرت سیدالشهداء(علیه السلام) و ترک نماز صبح چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ ترک نماز غیر جایز است و در استخفاف به نماز امام صادق(علیه السلام) فرمودند: لاینال شفاعتنا من استخف بصلاته - ولی خرج کردن در عزاداری اشکال ندارد.

س ۴۹۴: اگر برپایی مجلس عزاداری باعث اذیت و آزار دیگران از جمله همسایه ها شود یا برپایی یک مجلس باعث بی نظمی و بر هم زدن و هتک مجلس دیگری شود، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ اذیت مؤمنین جائز نیست، ولی اقامه مجلس تشریفاتی که باعث شود مجالس دیگران بی رونق شود، اشکال ندارد.

س ۴۹۵: دیده می شود افرادی در عزاداری امام حسین(علیه السلام) فعالیت می کنند و پول خرج می کنند در عین حال بعد از

اتمام مجلس عزاداری در مجالس خصوصی گناه می شوند من جمله استعمال مواد مخدر می نمایند چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ عمل اولشان خوب است و عمل دوم بد است. بدی آن تأثیر درعمل اول نمی کند.

س ۴۹۶: در ایام دهه محرم که گوسفند زیاد ذبح می شود و باعث جریان خون مخصوصاً در فصل زمستان می گردد و آلودگی افراد لاابالی و بچه های صغیر و ندانستن مسئله وگاهاً ورود به مجالس در مساجد را در پی دارد چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد. ولی باید در منابر تذکر داده شود که رعایت کنند.

س ۴۹۷: شرکت زنان در ایام عادت در عزاداری و نشستن در معابر و کوچه ها به علت عدم جواز حضور در مسجد و با عبور و مرور افراد لاأبالی و بی بند و بار چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه خود زن ها رعایت موازین شرعیه را بنمایند، اشکال ندارد.

س ۴۹۸: سر و صدای زنان در نماز جماعت ومجلس روضه و عزاداری در صورت شنیدن نامحرم و بر هم زدن مجلس چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۴۹۹: نظر خود را در مورد قمه زنی بفرمایید.

ج: هو العالم؛ عملی است بسیار خوب و از شعائرالله است و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب.

س ۵۰۰: در روایات متعدد آمده که گریه بر سیدالشهداء باعث غفران جمیع ذنوب می باشد ولو ذنوب خیلی زیاد باشد. بعضی تعجب می کنند که چه طور ممکن است که چند قطره اشک باعث بخشوده شدن گناهان بزرگ باشد. امیدواریم که توضیح بفرمایید.

ج: هو العالم؛ این جملات در مقام بیان مقتضی مانند

آنکه «آتش می سوزانـد» می باشـد. همان طوری که این جمله شـرائطی داردماننـد مماسه و موانعی ماننـد رطوبت که با عـدم شرط و وجـود مـانع، سوزنـده نیسـت; همین طـور این جمله که گریه بر امـام حسـین(علیه السـلام)مـوجب غفران ذنـوب اسـت شرایطی دارد از قبیل عقاید حقه و ندامت از گناهان گذشـته و بنا داشتن بر عدم ارتکاب آن ذنوب در زمان های آینده و ادای حق الناس و...

س ۵۰۱: اسـتفاده از علامت های آهنی، قمه زنی و تبلیغ و توزیع و نصب عکس ها و پوسترهای تصاویر منتسب به اهل بیت هر کدام چه حکمی دارد؟ جداگانه مرقوم بفرمایید.

ج: هوالعالم; قمه زنی از اعمال حسنه و از شعائر مذهبی است و نصب عکس بدون انتساب جزمی اشکال ندارد.

س ۵۰۲: در موقعیت کنونی آیا فکر نمی کنیـد که فتوا به جواز قمه زنی کمی به دور از واقع بینی و آینـده نگری باشـد و حتی در عبارت شـما آمـده من احسن التعازی با این حجم وسـیعی از توهین ها و اتهامات که به شـیعه نسـبت می دهنـد، شـما دیگر آتش این اتهامات را تندتر نکنید. قمه زنی در حال حاضـر حرام مسلم است. اگر به سربلندی شیعه می اندیشید، باید این گونه فتواها را تعدیل کرد؟

ج: هو العالم; نظیر نامه شـما نامه آمـده است که به نماز جماعت خصوصاً شـرکت بانوان در آن جماعت اعتراض شده است با تعبیر به اینکه آیا به چه مجوزی اجازه می دهید خانم ها در حضور جماعات... بلند نموده به عنوان سـجده ارائه دهند، و بعضی دیگر از معاندین هم به تیمم و بعضی دیگر به روزه اشکال نموده

اند و من خیال می کنم شما پاکید ولی گول خورده اید والا بقای دین به وسیله قیام اباعبدالله(علیه السلام)شده و احیاء آن قیام به همین گونه اعمال است و اگر شما دقت کنید در جایی که قمه زده می شود خواهید دید که مردم تا مدتی چه توجهی به دین می کنند و قهراً به سراغ تعالیم دین می روند و هر سال چه مقدار از افراد متجدد مسلک سنی مذهب به تشیع روی می آورند. در خاتمه توصیه می کنم شما اولا به این محکمی فتوی ندهید و ثانیاً چه در گفتار و چه در نوشته هایتان مؤدب باشید. انشاالله تعالی همین امشب دعا می کنم که خدا شما را هدایت کند، در فرض استجابت دعا مرا هم مطلع کنید.

انبیاء و ائمه

س ۵۰۳: با توجه به این که حرم مطهر و مضجع مقدس حضرت ثامن الحجج الامام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) در این مملکت وجود دارد، به نظر مبارک حضرت عالی آیا بهتر نیست جامعه مداح و گویندگان مذهبی قبل از مدیحه سرایی و سخنرانی، چند بیتی در فضائل و مناقب آن امام همام بخوانند و یا جلسه را به نام مقدس حضرت غریب الغربا شروع کنند تا مردم بیشتر متوجه به مقام رفیع پاره تن رسول خدا(صلی الله علیه وآله) حضرت رضا(علیه السلام) شوند و به شکرانه این که آن حضرت به ایرانیان نظر خاصی دارند، مردم هم بیشتر متوجه به آن وجودمقدس باشند و فکر می کنم اقل شکرانه وجود مبارک آن حضرت همین باشد که به عالمیان برسانیم سلطان ایران ضامن غریبان حضرت رضا(علیه السلام)هستند و ما در پناه وجود

مبارک آن حضرت زندگی می کنیم؟

ج: هو العالم; البته این عمل خوب است ولی به نظر من توسل به امام زمان(علیه السلام) و دعا بر تعجیل در ظهور و استعانت به آن بزرگوار بهتر از تمام امور است.

س ۵۰۴: آیا نقاشی کردن تصاویر ائمه معصومین(ع) جایز می باشد و آیا از دیدگاه فقه اسلامی برای اثبات و احقاق حق می توان رشوه پرداخت کرد وآیا رشوه دهنده هم مجازات دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; نقاشی تصاویر ائمه(علیهم السلام) با آن که مطابقت با واقع ندارد و گاهی هم ممکن است، اهانت باشد بهتر است ترک شود. اما رشوه به ازای حکم قاضی حرام است.

س ۵۰۵: بعضاً در گوشه و کنار تهران که اکنون مرکز حکومت تشیع می باشد. اخیراً مکرر در مکرر دیده و شنیده شده عده ای از افراد که دست پلید وهابیت ملحد از آستین آنها بیرون آمده در اماکن عمومی و در حضور شاهدان عینی و در بین عده ای از جوانان علنی علیه مذهب حقه شیعه ائمه اثنی عشری تبلیغ سوء نموده و برای ترویج آیین ضاله وهابیت جوانان را اغفال می نمایند و حتی صریحاً و آشکارا به ساحت مقدس حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س) و امام حسین(ع) توهین و با الفاظ رکیکه فحاشی و سب نموده که قلم از تحریر آن شرم دارد. حکم این توهین چیست؟

ج: هو العالم; وظیفه هر فرد شیعی است که برای مقابله با ترویج باطل مبارزه منطقی بنماید و در صورت عدم تمکن با استعانت از دانشمندان این عمل را انجام دهد. همان گونه که انجمن حجتیه در مقابله با بهائیت عمل کرد و

نتایـج بسـیار بـا اهمیتی به دست آورد و امـا در مقابـل افرادی که سب حضـرات معصومین(ع) می نماینـد، چون آنهـا ناصبی و انجس از کلب هسـتند، اول به مصادر امر رجوع نماییـد و چنانچه گوش ندادند در حد قدرت خودتان و رفقایتان مبارزه نمایید و هر چه صـدمه و گرفتاری پیدا کنید، اجرتان فوق حد تصور است و مطمئن باشـید در صورتی که غیرت مذهبی شـما موجب اقدام در این امر مهم شود من از همین امروز در تمام مواقع استجابت دعا به شما جوانان دعا می کنم. وفقکم الله وایدکم.

س ۵۰۶: محل اخذ تربت سیدالشـهداء ارواحنا فداه که جایز الاکل است برای استشـفاء، و حرمت تنجیس دارد و سـجده بر آن فضـیلت دارد و برای تبرک مولود و همراه میت و مسافر و دفع خطر... اسـتفاده می شود، کجاست؟ آیا شامل غبار روی ضـریح مقدس می شود؟

آیا خاکی که از اطراف حرم مطهر سیدالشهداء(علیه السلام) جمع آوری می شود به سبب جاروب کردن حکم تربت قبر مطهر را دارد؟ و اگر خاکی ریخته شود در اطراف قبر مطهر و جمع آوری شود آیا حکم تربت دارد و صـدق تربت بر آن می کند و احکام مطلق تربت بر آن جاری می گردد؟ و روایاتی که یک میل تا ده میل اطراف قبر مطهر را جزء تربت امام حسـین شـمرده است آیا شامل تمام احکام تربت می شود یا نه؟ مهر و تسبیـح کربلا که در بازار رایـج است با علم به این که از کنار قبر مطهر نیست یا با شک در آن، واجب الاحترام است؟ و احکام تربت سیدالشهداء را داردیا نه؟

لطفاً احکام مزبوره را مفصّلا مرقوم فرمائید لکثره الابتلا و الاحتیاج و لکم الاجر و السلام.

ج: هو العالم; چند سؤال نموده اید که به ترتیب جواب داده می شود: ۱- تربتی که جائز است خوردن آن برای استشفاء و مقید است به آنکه زاید بر قدر حمصه نباشد آن است که از قبر و ما جاوره عرفاً باشد و محتمل است تا هفتاد ذراع - و اما آنچه در روایات تحدید شده بسبعین ذراع - و سبعین باعا فی سبعین باع - یا به میل - و یا چهار میل- و در بعضی کتب فقهاء: روی اربعه فراسخ و روی ثمانیه، چنین روایتی دیده نشده و آن روایاتی که اشاره شد، همه اش ضعیف السند است به آنها جواز اکل ثابت نمی شود. ۲- چنانچه آن خاک ها کم شود و خاک دیگری بریزند باید مدت زمانی بگذرد که تربت قبر الحسین(علیه السلام) یا طین الحائر بر آن عرفاً صدق کند و اما مقدار خاکی که با جاروب جمع می شود، ظاهراً حکم تربت ندارد. ۳- اما مهر و تسبیح کربلا که رایج است ظاهراً از هر کجای قبر و اطراف آن تا چهار میل فضیلتی که در روایات ذکر شده را دارد. ۴- بقیه احکام غیر لزومی مانند حکم مهر و تسبیح است.

س ۵۰۷: بعضی از علما می گویند که پیکر مقدس ائمه(ع) در قبر نیست و در عرش اعلای خداوند است و از آنجا به محل دفن ظاهری خود به زوار عنایت می کنند. آیا این حرف صحیح است و یا روایاتی در این باب داریم که بدن نازنین امام علیه

السلام در قبر می باشد؟

ج: هو العالم؛ در اینکه بدن آن بزرگواران بعد از دفن به عرش برده می شود، شبهه نیست. خلاف در این است که به قبر برمی گردانند یا همانجا می ماند؟ مشهور این است برمی گردانند، ولی شیخ مفید و صدوق و جماعتی دیگر از بزرگواران معتقدند که برنمی گردانند، ولی توجه خاصی به محل دفن دارند.

س ۵۰۸: زیارت عاشورا با صد لعن و صدسلام آیا معتبر می باشد؟

ج: هو العالم؛ بلی، معتبر است با اینکه در مستحبات دلیل معتبر لازم نیست، بلکه اگر یک روایت غیرمعتبر هم باشد در ثبوت استحباب کافی است چون روایات زیادی از پیغمبر اکرم(ص) وارد شده است که اگر برای یک امر مستحبی، یک خبر ضعیف هم رسید، شما عمل کنید، من ضامنم که ثوابی که آن روایت متضمن است به شما داده خواهد شد.

س ۵۰۹: خواندن زیارت جامعه کبیره در حرم حضرات معصومین(ع) یا در غیر آنجا (مثلاً در مساجد یا در منزل یا حرم امامزادگان) به قصد ورود یا رجاء چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ به قصد رجاء بی اشکال است و در حرم حضرات معصومین (ع) به قصد ورود هم اشکال ندارد.

س ۵۱۰: سفر کردن به زیارت عتبات عالیات به صورت قانونی و یا پیاده روی از مرزهای ایرانی (غیرقانونی) چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ در صورت احتمال خطر جانی عقلایی جایز نیست والا برای مردها اشکال ندارد و اما خانم ها چنانچه قانونی باشد جائز والا جائز نیست.

استخاره

س ۵۱۱: آیا کسی که استخاره می گیرد، می تواند اجرت طلب کند یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی، مانعی ندارد.

س ۵۱۲: اگر شخصی بدون

مشورت بـا اهـل فن در موضوعی اسـتخاره کنـد، آیـا می توانـد پس از مراجعه به آنهـا و مشورت درباره همان موضوع دوباره استخاره نماید؟

ج: هو العـالم; اساسـاً اسـتخاره محلش بعـد از مأیوس شـدن از خیر و صـلاح فهمیـدن است. بنابراین چنانچه بعـد از مشورت بر خلاف استخاره اولی اهل فن چیزی بگویند، مخالف استخاره قبلی استخاره دومی مانعی ندارد، والا استخاره دوم مورد ندارد.

س ۵۱۳: آیا معظم له تفأل به قرآن را جایز می دانید؟ اگر جایز می دانید طریقه آن را بیان فرمایید؟ ب) همراه داشـتن قرآن در جیب و رفتن به دسـتشویی چه حکمی دارد و آیا ذکر خدا در دسـتشویی جایز می باشد و سوزاندن نام خدا را چه می فرمایید؟ ج) لطمه زدن به صورت یا سـینه در عزاداری اهل بیت(علیه السـلام) چه صورتی دارد؟ د) لطفاً نظر معظم له درباره طبل وسنج هیئتهای مذهبی و شبیه خوانی بیان فرمایید و چه مقدار جایز است انسان در عزاداری حضرت ابا عبدالله(علیه السلام) سینه بزنند؟

ج: هو العالم; تفأل به قرآن در روایات نهی از آن شده است. البته تفأل غیر از اسـتخاره است. بردن قرآن در دسـتشویی چنانچه هتک باشد، جایز نیست والا اشکال ندارد. و ذکرالله حسن فی کل حال. لطمه زدن به صورت و سینه زدن و طبل و شبیه خوانی به شرط آن که موجب وهن نباشد همه جایز و خوب است.

لعن

س ۵۱۴: لعن بر دشـمنان اهل بیت ثوابش بیشتر است یا سـلام و درود فرسـتادن برای ائمه(علیهم السـلام)؟ کدامین بیشتر تأکید شده است؟

ج: هو العالم; هر دو تأکید شده است. به هر دو عمل کنید.

محرمات

س ۵۱۵: آیا استمنایی که حرام می باشد آن است که منجر به جنابت شود و یا نفس طلب به هر نحوی باشد محکوم به حرمت است ولو به جنابت نینجامد؟

ج: هو العالم; استمنا از محرمات است و آن عبارت است از ملاعبه با آلت تا انزال شود و اما ملاعبه با آلت بدون قصد انزال و ملاعبه ای که به حسب عادت متعاقب به انزال نمی شود، به عبارت دیگر در معرض انزال نیست، حرام نیست.

س ۵۱۶: نشانه ریبه و شهوت در نگاه به زن نامحرم یانگاه به عکس اوچیست؟

ج: هو العالم; میل و رغبت به نزدیکی با او.

س ۵۱۷: معیار تشخیص گناهان کبیره از صغیره چه می باشد آیا برای کبیر، بودن راهی وجود دارد، اگر دارد چه می باشد؟

ج: هو العالم; به نظر ماه گناه صغیره نداریم. همان نحو که امام معصوم(ع) فرموده کل ذنب کبیر.

س ۵۱۸: آیا استفاده از خمر برای مداوا جایز است یا نه؟

ج: هو العالم؛ در غیر صورتی که اگر تداوی نکند خوف تلف نفس باشد، جایز نیست.

س ۵۱۹: کلام صاحب عروه الوثقی در حالی که محشین نیز با او موافقت نموده اند در باب (ما یوجب القضا) فرموده: کسی که قبل از طلوع فجر خمر بنوشد و سکر آن برای بعد از طلوع فجر باقی بماند، قضای روزه آن روز واجب است (سواءٌ کان علی وجه التحریم او للتداوی) که مفهومش آن

است که برای تداوی حرام نیست، آیا نظر شریف شما نیز همان است؟

ج: هو العالم؛ نظر ما از جواب مسئله قبل معلوم می شود.

س ۵۲۰: مصرف کردن قرص های تحرّک زا (اکستازی) که جدیداً به طور غیرقانونی وارد کشور شده و در مجالس غیر شرعی مورد استفاده قرار می گیرد چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ ورود غیرقانونی و استفاده در مجالس غیرشرعی موجب عدم جواز مصرف در غیر آن مجالس نمی شود. ولی چون از قرار نقل مصرف آن موجب فلج شدن قوه انسانیت می شود و انسان را از حالت انسانیت خارج می کند مصرف آن بهیچ نحو جایز نیست.

س ۵۲۱: بازی با پاسور بدون برد و باخت چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ احتیاط، مقتضی است که ترک شود.

س ۵۲۲: گاهی روزنامه ها به اصطلاح خودشان افشاگری کرده و اعلام می کنند فلان شخص مثلا اختلاس کرده یا فلان خلاف را انجام داده و ما هم آن را برای دوستان خود نقل می کنیم، بعد از مدتی خلاف آن اتهام ها اثبات می شود در این جا وظیفه ما چیست و کلا در این قبیل موارد که کم هم نمی باشد چه باید کرد؟

ج: هو العالم؛ اشاعه فحشا و نسبت خلاف به مسلمان دادن فی نفسه جایز نیست و نقل آن در صورت عدم علم دروغ است. البته این مطلب مادامی است که نقل در روزنامه موجب اشاعه نشده است و نقل فرد در این امر تاثیر دارد والا از این جهت اشکال ندارد و از حیث دروغ هم چنان چه نقل از روزنامه بشود. رفع آن محذور هم می شود.

فیلم

س ۵۲۳:

نگاه کردن و خرید و فروش فیلم های مستهجن و مبتذل و شوهای خوانندگان و رقص آنها هر کدام چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ هیچکدام جایز نیست.

س ۵۲۴: آیا صرف نگهداری نقاشی ها، تصاویر و فیلم هایی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار می نماید حرام است و مرتکب آن قابل تعزیر می باشد.

ج: هو العالم؛ در صورتی که یقین دارد که تا آخر هیچ گونه خلافی انجام نمی شود، مجردنگه داشتن حرام نیست.

س ۵۲۵: نگاه کردن به فیلم هایی که زنهای بی حجاب و آرایش کرده در آن بازی می کنند و از تلویزیون پخش می شود چه حکمی دارد، لمس و نظر جنس مخالف برای آموزش دانشجویان پزشکی چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ نگاه کردن به زنهای مسلمان در تلویزیون جایز نیست و اما نظر و لمس دانشجو برای تعلیم علم طب و نجات دادن مسلمانان در صورت توقف دانستن بر آنها جایز است.

س ۵۲۶: نگاه کردن به عکس زن نامحرم که حجاب کامل ندارد چه صورتی دارد و دیدن عکس زن مسلمان که حجاب ندارد با توجه به این که او را می شناسد، و بدون قصد لذت و ریبه چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ مقتضای احتیاط این است که نگاه نکند، ولی دیدن زن نامحرم در تلویزیون جائز نیست. چون آن غیر عکس است.

س ۵۲۷: استفاده از لباس های پیراهن و شلوار و کت و تی شرت و کفش هایی به صورت مد روز در آمده و محصولات کشورهای غربی می باشد، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ فی نفسه اشکال ندارد.

س ۵۲۸: در جوامع اروپایی و غربی و

حتی عربی نوع پوشش خانم ها نسبت به قبل تغییر کرده و در عرف آنها خانم ها با دامن های کوتاه و تا بالای زانو ظاهر می شوند این مسأله در فیلم های آنها هم موجود است. حکم نگاه کردن به فیلم های سینمایی آنها به صورتی که موضوعش غیر اخلاقی نیست و مثلا جنگی یا پلیسی است چه می باشد؟

ج: هو العالم; نگاه کردن به فیلم هایی که بدن زنهای مسلمان را نشان می دهد ولو پا باشد جایز نیست، و اما زن غیر مسلمان چنانچه نگاه کردن با قصد ریبه باشد جائز نیست والا به مقدار مختصر مانند سر و گردن و دست تا مرفق و مرتبه پائین پا جایز است و زیادی جایز نیست.

س ۵۲۹: استفاده از ماهواره چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; در غیر از موارد خلاف شرع اشکال ندارد.

س ۵۳۰: آیا در آغوش گرفتن دختر یا پسر ممیز توسط نامحرم در صورتی که فرد نقش محرم را ایفا کند، جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه موجب تهییج شهوت بشود که غالباً می شود جایز نیست.

س ۵۳۱: حکم زنان بی حجاب که در خیابان ها و کوچه ها هستند و اهانت به مقدسات می کنند چیست؟ و آیا فرق بین جاهل قاصر و مقصر در این مساله هست یا نه؟

ج: هو العالم; نظر به آنها جایز نیست .

موسیقی

س ۵۳۲: نواختن آلات موسیقی و یا گذاشتن نوارهای موسیقی چه سنتی و غیرسنتی در مساجد و تکایا در اعیاد و میلاد معصومین(ع) چه صورت دارد؟

ج: هو العالم; نواختن آلات موسیقی و گذاشتن نوارهای موسیقی همه اش حرام است، سنتی و غیرسنتی

فرق ندارد.

س ۵۳۳: آیا در اسلام موسیقی حلال و حرام وجود دارد؟ ملاک تشخیص کدام است؟

ج: هو العالم؛ خیر، موسیقی مطرب حلال در اسلام نداریم.

س ۵۳۴: احتراماً نظر حضرت عالی در مورد یادگیری و نواختن ساز سه تار به عنوان هنر نه به عنوان استفاده در مجالس لهو و لعب چیست؟

ج: هو العالم؛ چون یاد گرفتن بدون نواختن ممکن نیست، جایز نیست.

س ۵۳۵: نظر حضرتعالی در مورد انواع موسیقی چیست؟

ج: هو العالم؛ همه انواع موسیقی مطرب، سنتی و غیر سنتی حرام است.

س ۵۳۶: میزان شناخت موسیقی حرام از حلال به نظر معظم له چه می باشد و آیا مطلقاً موسیقی حرام می باشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ موسیقی که همان صوت لهوی است مطلقاً حرام است.

س ۵۳۷: حکم استماع موزیک بدون خوانندگی چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ اشکال دارد.

س ۵۳۸: غنا در عروسی چه حکمی دارد؟ اگر با محرمات توأم باشد چه می فرمایید؟

ج: هو العالم؛ غنا در شب عروسی بر زن ها در صورتی که مرد نباشد و توأم با آلات موسیقی هم نباشد، جایز است.

س ۵۳۹: مصرف مواد مخدر در معالجات و درمان دردها مطلقا اشکال ندارد یا فقط در صورت انحصار؟ نظر مبارک را در مورد خریدو فروش مواد مخدر به خصوص تریاک بیان فرمایید؟

ج: هو العالم؛ در هر دو مورد اشکال ندارد.

س ۵۴۰: سرودهایی که در صدا و سیما پخش می شود و همراه با موسیقی و غنا است، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ حرام است

س ۵۴۱: لهو چیست و مصادیقش کدام است؟

ج: هو العالم؛ لهو عبارت است از مشغول شدن به لذایذ شهویه و غفلت از خدا، بدون

اینکه قصد غایتی بر آن مترتب باشد و مصادیق متعددی دارد که در این مختصر نمی گنجد.

س ۵۴۲: آیا لهو حرام است؟

ج: هو العالم؛ لهو بما هو حرام نیست و بعضی مصادیق آن که دلیل خاص دارد، حرام است.

س ۵۴۳: استماع آلات موسیقی و غنا در مذهب شیعه اثنی عشر چگونه می باشد و هم مجلس شدن با آنها در یک مجلس چگونه است ؟

ج: هو العالم؛ شنیدن غنا و خواندن حرام است و در مجلس غنا مسلمان، نباید بنشیند.

س ۵۴۴: طشت زدن، دایره زدن، همراه با کف زدن و شعر خواندن در عروسی در صورتی که تحریک کننده و مفسده انگیز نباشد چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ غیر از دایره، بقیه اشکال ندارد.

س ۵۴۵: آیا هر «لهوی» حرام است؟

ج: هو العالم؛ خیر، حرام نیست.

قمار و شطرنج

س ۵۴۶: بازی کردن با آلات قمار در صورتی که قصد برد و باخت نباشد و فقط صرف بازی کردن است چه صورت دارد؟

ج: هو العالم؛ بازی با شطرنج حرام است ولی بقیه اشکال ندارد.

س ۵۴۷: آیا بازی با آلات غیر قمار همراه با جایزه یا پول مانند فوتبال و غیره... اشکال دارد؟

ج: هو العالم؛ بازی کردن با غیر آلات قمار بدون برد و باخت حرام نیست ولو جایزه بر آن قرارداده باشند.

مسائل پزشکی

س ۵۴۸: حکم استفاده ازعمل جراحی پلاستیک برای زیبایی چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ مانعی ندارد.

س ۵۴۹: آیا احضار جن برای دفع یا رفع مرض جایز است یا نه؟

ج: هو العالم: اشکال ندارد.

س ۵۵۰: حدد ۷ سال است که از طریق هیپنوتیزم در خصوص بعضی از مسایل از جمله مشکلات پزشکی و البته با رعایت اصول شرعی و طهارت و وضوء هنگام انجام هیپنوتیزم مشاوره داشته ام و الحمدالله تاکنون موجب رضایت مراجعه کنندگان بوده است. باعنایت به اینکه اعتقاد خاص به احکام شرعی خصوصا نظر حضرتعالی دارم، مستدعی است نظر فقهی خود را در خصوص انجام هیپنوتیزم مرقوم فرمایید.

ج: هو العالم**؛** خود عمل فی نفسه به نظر من اشکال شرعی ندارد، ولی اگر منطبق بر آن شود اضرار به غیر یا اینکه موجب تلف جانی یا مالی شود، حرام است و ضمان هم دارد. و نیز اگر مشکل پزشکی را بخواهید حل کنید به عنوان حل علمی اشکال ندارد ولی اگر دستور عملی بر طبق آنچه از این عمل کشف کرده اید بدهید و آن مریض ضرر ببیند یا تلف شود، ضمان دارد و حرام است و به هر

حال نفس عمل و حل علمی مشکل پزشکی اشکال ندارد.

س ۵۵۱: در مورد سؤال اول که ناهنجاری ها و بیماری های مادرزادی جنینی مطرح گردیـده است که تشـخیص آن در دوران بارداری در جنین قطعی است و داشـتن و نگه داشـتن چنین فرزنـدی موجب مشـقت و زحمت شدید والدین خواهد بود و تولد چنین کودک معلول و ناقص الخلقه که دچار عقب مانـد گی ذهنی و یا جسـمی شدیـد می باشد و به شدت بیمار خواهد بود و از بدو تولد تا پایان عمر در وضع مشقت باری به سر می برد، سبب عسر و حرج برای پدر و مادر می گردد، به طوری که زن و شوهر درخواست سقط جنین می نمایند. لیست چند مورد را متذکر می شویم:

۱- میکرو سـفالی(کوچکی سـر) که نهایتـاً منجر به کـاهش رشـد مغز و کوچکی مغز و سـر می شود و در صورت تولـد، طفل دچار عقب ماندگی ذهنی شدید خواهد بود.

۲- هیـدرو سـفالی که آب داخـل حفرات مغزی بیش تر از حـد معمـول است به طوری که منجر به کـاهش رشـد قشـر مغز می گردد و در صوت تولد، عقب ماندگی ذهنی خواهد داشت.

۳- عدم تشکیل دیواره شکم: بیرون بودن احشاء از شکم.

۴- اسپیناپیفید (باز و بسـته) که سـطح خارجی سـتون فقرات دفاعی تشکیل نمی شود و نخاع از ستون فقرات بیرون زده یا دیده می شود و یاتوسط لایه از پوست پوشیده شده است و در صورت تولد طفل دچار فلج اندام ها خواهد بود.

۵- ناهنجاری های ژنیتیکی نظیر سندرم داون که کروموزم ۲۱ به جای دو عدد سه تا می باشد و در صورت تولد، منجر

به عقب ماندگی ذهنی و مشکلات جسمی خواهد شد.

۶- هموفیلی و تالاسمی ماژور.

۷- بیماری های عفونی نظیر سرخجه و توکسوپلاسموز که مادر حین حاملگی مبتلا گردیده و آزمایش های تکمیلی وجود قطعی بیماری در جنین را مشخص می نماید.

ج: هو العالم**؛** قطعا مستحضرید که در مورد دماء احتیاط لازم است و جای جریان اصاله البرائه نیست. پس مادامی که دلیل محکمی بر جواز سقط جنین و یا زهاق روح نباشد، حرام است، و عسر و حرجی که اشاره فرمودید این مرتبه از عسر موجب رفع حرمت نمی شود، خصوصاً اگر بیان شود که خدمت به چنین نوزادی چقدر موجب ترفیع مقام اخروی می شود. شاهدش هم آن که اگر خود شخص مبتلا شود، حاضر به خودکشی نیست. والله العالم.

س ۵۵۲: در مورد سؤال دوم که مربوط به مواردی است که جنین مبتلا به ناهنجاری هایی می باشد که مغایر با حیات پس از تولد می باشد و امکان تشخیص قطعی آن در دوران حاملگی وجود دارد، با توجه به این که بیشتر این نوع ناهنجاری ها پس از چهار ماه تشخیص داده می شود و با توجه به این که در پایان این حاملگی قطع نظر از مدت زمانی که حاملگی به طول کشیده باشد قطعاً جنین پس از تولد و یا مدت کوتاهی بعد از تولد علی رغم اقدامات پزشکی خواهد مرد و فقط مشقت و رنج دوران حاملگی و عوارض بارداری برای مادر وجود دارد و ضمناً حاملگی بی حاصل که مادر در نهایت از وضعیت حاملگی خود مطلع است که عاقبتی جز مرگ برای جنین وی متصور نیست، نگهداشتن و پرورش چنین

جنینی در رحم برای مادر موحب عسر و حرج در طی دوران بارداری می باشد و رنج و مشقت جسمی و روحی برای زوجین دارد به طوری که زن و شوهر درخواست ختم بارداری می نمایند. در این موارد حیات جنین فقط منوط به رابطه خونی جنین با مادر است و در بعضی موارد مثل هیدورپس حتی جنین در داخل شکم مادر در ماه های پایان حاملگی ممکن است بمیرد. حال این سؤال مطرح است آیا ختم بارداری در زمان تشخیص قطعی(قبل و پس از چهار ماه) امکان پذیر می باشد لازم به ذکر است که موارد بیماری های فوق محدود می باشدو چندمورد آن به شرح زیر است:

۱- هیدروپس فتالیس: تمامی حفرات بدن جنین نظیر شکم و قفسه سینه و مغز و غیره آب آورده و اعضای بدن متورم می شود.

۲- تریزومی ۱۸ که کروموزم شماره ۱۸ جنین به جای دو عدد سه عدد می باشد و تریزومی ۱۳ که کروموزم ۱۳ جنین به جای دو عدد سه عدد می باشد که منجر به ناهنجاری های شدید مغایر با حیات می شود.

۳- آنانسفالی (جنین بدون سر و مغز).

۴- کلیه های پلی کیستیک: که کلیه های جنین بزرگتر از حد عادی و دارای کیست های متعدد و فاقد عملکرد می باشد.

۵-آژنزی کلیه ها: که کلیه های جنین تشکیل نمی گردد.

۶- عدم وجود حجاب حاجز: که روده ها و کبد و احشاء داخل شکم وارد قفسه سینه شده و جلوگیری از رشد ریه ها می نماید.

۷- ناهنجاری های متعدد در اعضای حیاتی جنین.

۸- ناهنجاری های متعدد در قسمت های مختلف سیستم عصبی مرکزی.

۹- آژنزی ریه: عدم

تشکیل ریه ها.

ج: هو العالم؛ در صورت احراز موت در مدت قلیل و اطمینان به اینکه در علم پزشکی احتمال دسترسی به چیزی که باعث ادامه حیات او بشود، نباشد به حسب ظاهر سقط جنین اشکال ندارد. ولی فتوی دادن صریح به جواز چنان چه سوء استفاده شود و باعث سقط جنین در هر موردی مستند به این فتوی باشد به عنوان ثانوی فتوی ندادن اولی است.

مواد مخدر

س ۵۵۳: حکم کشت و معامله زرع مواد مخدر چون تریاک چیست؟

ج: هو العالم؛ حرام نیست.

س ۵۵۴: آیا خرید و فروش سیگار و تریاک و امثالهم اشکال دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه مجتهد جامع الشرایطی نهی کند، جایز نیست والا جایز است.

س ۵۵۵: همه در افغانستان تریاک کشت می نمایند و اگر نکنند در معیشت در مضیقه می افتند نظر شما در حرمت وحلیت آن چیست؟

ج: هو العالم؛ چنانچه حاکم شرعی با تشخیص صلاح امت اسلامی حکم به حرمت کند، جایز نیست والا مانعی ندارد.

اسراف

س ۵۵۶: آیا استفاده از سیفون در دستشویی (توالت) از مصادیق اسراف است؟

ج: هو العالم؛ خیر از مصادیق اسراف نیست. اسراف عبارت است از مصرف شیء بدون غرض عقلایی و بدون انتفاع شخصی یا نوعی.

احکام زمین

س ۵۵۷: آیا زمینهای موات اصلی و آب چشمه های طبیعی که در حدود و حریم قریه های کوچک می باشد از خود آن قریه است و آیا اگر یک نفر یا چند نفر با زور یا خدعه با قصد تملک تصرف نمایند آیا مالک می شوند یا خیر و آیا باقی اهالی آن قریه حق ممانعت و جلوگیری از احیای آن زمین ها را دارند یا نه؟

ج: هو العالم؛ زمین های اطراف آن آبادی و قریه، چنانچه حریم قریه باشد و محل چراگاه حیوانات و محل آوردن هیزم و آنچه مربوط می شود به استفاده اهالی، اهالی حق ممانعت و جلوگیری دارند و احیاء کننده ها مالک نمی شوند، والا حق ممانعت ندارند و چشمه ها هم چنانچه مورد استفاده اهالی است، کسی حق تملک ندارد.

س ۵۵۸: آیا شخص با زور یا حیله می

تواند زمین های موات و چشمه های طبیعی که در حریم قریه واقع شده را تصرّف نماید یا خیر؟ آیا اهل قریه حق جلوگیری از احیای زمین های مذکور را دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه حریم قریه باشد، اهل قریه می توانند جلوگیری کنند. ولی زمین موات حریم نیست، مگر آنکه موات موقت باشد و برای استفاده اهالی در صدد احیای آن باشند.

ادعای مالکیت

س ۵۵۹: اینجانب منزل خودم را به طور صوری طبق سند رسمی به نام مادرم نمودم تا بتواند از حق من دفاع کند و بعداً به خودم برگردد. اما اکنون که مادرم فوت شده، منزل مذکور هنوز به نام او باقی مانده است آیا سایر ورثه حقی از این خانه دارند؟ لطفاً حکم مسأله را بیان فرمائید؟

ج: هو العالم; چنانچه واقعاً تملیک به مادرتان نکرده اید، ورثه حقی به آن ندارند ولی به حسب ظاهر باید اثبات کنید و چنان چه به محاکمه کشیده شود، اگر بینه یعنی دو عادل شهادت بدهند به یک طرف حق با او است والا شما قسم بخورید، حق شما ثابت می شود.

مالکیت دولت

س ۵۶۰: اگر ماشین اداره در اختیار کسی باشد آیا میتواند کس دیگر سوار کند یا خیر؟

ج: هو العالم; به مقدار متعارف مانعی ندارد.

مالکیت معنوی

س ۵۶۱: کپی یا به اصطلاح «رایت» نمودن از روی نوار یا «سی دی»هایی که مالك حقیقی یا حقوقی دارند بدون اجازه آنها چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; جایز نیست و در صورتی که کسی بدون اجازه تکثیر نماید، مالك آن در آن چیزهایی که تکثیر شده است شریك می شود.

س ۵۶۲: در فرض مذکور در صورتی که کپی یا رایت نمودن بدون اجازه به حدی شیوع پیداکندکه اکثرمراکزفروش محصولات فرهنگی درسراسرکشوریا استان یا شهرستان بدون اجازه مالکین حقیقی یا حقوقی مبادرت به انجام آن بنمایند، در این صورت کپی یا رایت نمودن و فروش آن چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; در صورت مفروضه آن حقی که مالك داشت، چون دیگر از مالیت افتاده، ساقط است. بنابراین رایت نمودن و فروش آن بعد

از شیوع جایز است.

س ۵۶۳: فیلم ها و سی دی هایی که در حقیقت متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی خاصی بوده، ولی با گذشت چندین سال، فعلاـ معلوم نیست صاحبان آنها در کجا هستند یا چه کسانی هستند، آیا کپی نمودن یا رایت نمودن آن فیلم ها و محصولات عموماً و در نتیجه فروختن آنها جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی، جایز است و احتیاطاً از مجتهدی اجازه گرفته شود و مبلغی را به عنوان صدقه از طرف صاحبش اگر موجود باشد بدهید.

س ۵۶۴: برخی از مؤسسات فرهنگی با استخدام نیروهای مختلف و به کارگیری امکانات فراوان، اقدام به تهیه نرم افزار کامپیوتری که بعضی از آن درباره قرآن و حدیث است، می نمایند و نسخه های آن را به قیمتی که صلاح می دانند به فروش می رسانند. این مؤسسات با قرار دادن یک قفل نرم افزاری مانع از تکثیر این برنامه ها به وسیله دیگران می شوند تا فروش و سود خودشان تضمین گردد. بعضی افراد به خرید یک نسخه از این برنامه ها اقدام به باز کردن قفل آن می کنند و در نتیجه کپی و فروش آن برنامه به قیمت خیلی ارزان می کنند صحیح است یا تولید کننده حق شرط کردن عدم تکثیر از روی برنامه تولیدی خود را دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه با تولید کننده شرط می کنند که این عمل را مجاز باشند انجام دهند هیچ اشکالی ندارد و نیز اگر قرارداد با هیچ یکی از دو طرف نشده باشد. ولی اگر تولید کننده شرط کند که کسی حق تکثیر ندارد و او هم عمل معتنی

به انجام داده که به واسطه آن عمل مالیت پیدا کرده است، خریدار حق تکثیر ندارد. و الله العالم.

اطاعت پدر و مادر

س ۵۶۵: در صورتی که فرزند به دلیل سخت گیری والدینش کارهایی را که خلاف شرع هم نیست، ولی با نظر والدین او مخالف است انجام دهد و از آنها مخفی کند یا با دروغ مصلحتی مانع آگاهی آنها شود، آیا این کار صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه از آنها مخفی کند و والدین مطلع نشوند اشکال ندارد، ولی دروغ گفتن جائز نیست.

س ۵۶۶: بعضی افراد در مجالس خانوادگی خود شرکت می کنند و این در حالی است که اقوام آنها پایبند به اصول اخلاقی و شرعی نیستند. در این میهمانی ها دختران بی حجاب یا بعضاً پسرها درحضوردختران می رقصند. وقتی به این افراد اعتراض می کنیم، می گویند مجبوریم و والدین می گویند با شرایط خانواده ما ایجاب می کند. نظرتان درباره این قبیل توجیهات چیست و اصولا اجبار در چه مواقعی توجیه کننده می تواند باشد؟

ج: هو العالم; شرکت در این گونه مجالس جائز نیست و اجبار معنی ندارد و اگر به حد اکراه برسد بر خودشان جائز است نه دیگران.

س ۵۶۷: اگر پدر و مادر به فرزند خود بگویند که می خواهیم به شهر خود برویم، با ما بیا. فرزند بگوید من می خواهم در حوزه علمیه ادامه تحصیل بدهم. ولی پدر یا مادر و یا هر دو ناراحت می شوند یا او را عاق می کنند، در صورت تعارضِ دستور پدر و مادر، قول کدام یک مقدم و در همه امور محدوده اطاعت پدر و مادر و موارد آنها

را بیان فرمائید؟

ج: هو العالم؛ در فرض اول در صورتی که تالی فاسدی بر رفتن به شهرشان مترتب بر فرزند نشود ولو عسر و حرج یا ضرر معتنی به باید به فرمان پدر و مادر عمل کند والا لازم نیست. و در فرض دوم مخیر است بین اطاعت پدر و مادر ولو در روایات تأکید در اطاعت مادر شده است، ولی لزومی نیست.

تادیب فرزند

س ۵۶۸: این جمله منسوب است به امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود:«لاتؤدّبوااولادکم با خلاقکم، لأنّهم خلقوا لزمان غیر زمانکم» مراد از این عبارت چیست؟

ج: هو العالم؛ مراد از این روایت ظاهراً این است که در امور عادی مقتضای خلق حسن این است که به آداب عرفیه زمان و مکان عمل شود.

صله رحم

س ۵۶۹: صله ارحام با کسانی که مفسده دارند و موجب تغییر فرهنگ اسلامی خانواده یا تغییر اخلاق و حرکات و سکنات اهل خانواده می شوند، جایز است یا نه؟

ج: هو العالم؛ اگر صله رحم با نهی از منکر مزاحم شد، نهی از منکر مقدم است؛ یعنی صله رحم در این مورد جائز نیست.

س ۵۷۰: حکم صله ارحام با چند دسته زیر چگونه می باشد؟ الف) با اقوامی که از اهل سنت هستند. ب) با اقوامی که علناً احکام شرعی را به سخره می گیرند؟ ج) با افرادی از فامیل که پدر و مادر امر کرده اند که باید با آنها قطع رابطه کنیم؟

ج: هو العالم؛ ۱) با اقوام اهل سنت نباید قطع رحم شود. ۲) قطع رحم با کسانی که احکام شرعیه را مسخره می کنند جایز است خصوصاً اگر قطع رحم سبب شود که احکام الهی را مسخره نکنند. ۳) اطاعت

پدر و مادر در امر به مُحرّم – قطع رحم – لازم نیست.

مجسمه سازی

س ۵۷۱: نظر مبارک درباره مجسمه سازی و خریدو فروش مجسمه چه می باشد؟ نقاشی و طراحی چه حکمی دارد نظر معظم له درباره نقاشی های مینیاتوری که معمولا هیئت پوشیده ای از زنان را ترسیم می کند، بفرمایید و آیا خرید و فروش این تابلوها جایز می باشد یا خیر؟

ج:هوالعالم؛مجسمه سازی جایزنیست.خریدوفروش آن جائزاستولی نقاشیومعامله برآن اشکال ندارد.

سرقت

س ۵۷۲: تلفن موبایل زیدی را قهراً از او ربودند بدون اینکه سارقین را بتوانند شناسایی کند، ولی الان به کمک مخابرات توانسته متهم یا متهمین به سرقت را ردیابی کند. اما متهم منکر سرقت یا همکاری با سارقین است. وی می گوید: چنین موبایلی پیش من نیست، ولی برای اینکه دادگاهی نشود و به زندان نرود، حتی حاضر است بیش از قیمت آن موبایل را بپردازد. آیا برای شاکی اخذ آن مبلغ از باب مصالحه برای ترک مخاصمه جایز است؟

ج: هو العالم؛ بلی جایز است ولی اگر اطمینان پیدا کند که او برّی است جایز نیست.

سیاسی

س ۵۷۳: گوش دادن به اخبار رادیوهای خارجی اشکال دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ خیر، اشکال ندارد.

س ۵۷۴: حکم حدود مقررات جمهوری اسلامی، چه می باشد.

ج: هو العالم؛ آنچه با شرع اسلام موافق است باید عمل شود و آنچه مخالف است، جایز نیست.

س ۵۷۵: شخصی که در راه یک حاکم ظلم و جور (هر چند نیت خیر داشته باشد) جان خود را از دست بدهد و حرکتش به سود آن حاکم باشد. آیا این فرد شهید فی سبیل الله تلقی می شود؟

ج: هو العالم؛ ابداً؛ بلی، چنانچه شخصی دردستگاه حاکم ظالم شغلی بگیردفقط برای آنکه به مردم بیچاره کمک کند، مانند علی بن یقطین که به امر امام کاظم(علیه السلام)برای خدمت شیعیان ازوزرای بنی عباس شده بود چنین فردی از بزرگان دین محسوب است.

س ۵۷۶: کسی که در پرسیدن سئوال طوری بپرسدکه بتواندازآن برعلیه هدف یک مرجع استفاده کند حکمش چیست؟آیااین شخص کارفسق می کندیاخیر؟

ج: هو العالم; چنانچه متعمد باشد،فاسق استواگر از روی جهل و نادانی چنین

کاری بکند وبعدبفهمد و توبه کند و عمل خود را تصحیح نماید، خداوند تعالی ارحم الراحمین است و او را می بخشد.

س ۵۷۷: اگر فردی از طرف مجتهد جامع الشرایطی مأمور به امری باشد که هنگام انجام این امر جان خود را از دست بدهد، مثلا جهت حفظ ارض و ایجاد امنیت در مملکت در مبارزه با اشرار مواد مخدر و غیره کشته شود، آیا حکم شهید فی سبیل الله را دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی، در صورتی که آن مجتهد جامع الشرائط حکم کند به آن عمل، حتی با احتمال عقلائی به خطر یا اطمینان به آن.

س ۵۷۸: اطاعت از ولایت فقیه در زمان حاضر از لحاظ شرع چگونه است؟ آیا می توان اعتقاد نداشت؟

ج: هو العالم؛ اطاعت از ولی فقیه اگر مجتهد جامع الشرایط باشد که طبق موازین شرعیه انتخاب شده است و نیز آن امری که به آن امر می کند امری مربوط به اجتماع و اداره مملکت باشد بلی، لازم است. ولی در موارد شخصیه اطاعت لازم نیست.

کذب

س ۵۷۹: اگر تقلب در امتحانات دروغ عملی به حساب آید، آیا تقلب در مواقع اضطرار جایز است؟ چون دروغ در مواقع ضرر عرضی و مالی جایز است؟

ج: هو العالم؛ بلی، با تشخیص موقع اضطرار موجب سقوط تکلیف است.

س ۵۸۰: اگر شخصی هازل دروغ می گوید ولی قصد دروغ ندارد، آیا از مستثنیات کذب شامل او می شود؟

ج: هو العالم؛ هازل اگر اخبار کند، حرام است. ولی اگر به قصد انشا باشد، مثل این که به آدم ترسو بگوید: «ای شجاع» حرام نیست.

امر به معروف و نهی از منکر

س ۵۸۱: ملاک تشخیص معروف

از منکر دررفتارهای اجتماعی چه می باشد؟ اگر محرز شود که رابطه پسر و دختر رابطه ای است که حرمتش بیان شده وظیفه آحاد مردم در نهی از منکر چیست؟

ج: هو العالم؛ در همه موارد میزان احکام شرعیه است و در صورت ثبوت منکر برای تمام افراد نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر، واجب است.

س ۵۸۲: در زمان حاضر با توجه به شرایط زمانی و مکانی وظیفه مقلدین نسبت به امر به معروف و نهی از منکر چیست و وظیفه ما در برخورد با انحرافات و مسایل خلاف شرع مثل فساد اخلاق و بدحجابی که در جامعه گسترش پیدا کرده با توجه به در نظر گرفتن این مطلب که شرایط امر به معروف حاصل نیست چه می فرمایید؟

ج: هو العالم؛ وظیفه هر فردی است که امر به معروف و نهی از منکر کند، به شرط آنکه احتمال تاثیر بدهد و ضرری هم متوجه او نشود.

س ۵۸۳: رفت و آمد به منازل اشخاصی که نماز نمی خوانند و خمس و زکات نمی پردازند چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه احتمال دهید نرفتن شما سبب شود که ترك منکر کند، واجب است بلکه چنانچه تالی فاسدی نداشته باشد اولین مرتبه نهی از منکر، ترك مراوده است.

هبه

س ۵۸۴: ملکی در اختیار کمیته امداد جهت آموزشگاه و یا هر نهادی با تشخیص کمیته امداد و موافقت قبلی و کتبی آن قرار داده شده.

ملك فوق الذکر قابلیت انتفاع غرض واهب را ندارد و شهرداری منطقه نیز به جهت نامناسب بودن ملك برای ایجاد کارگاه آموزشی مخالفت نموده است.

لذا این نهاد نیت خیرخواهانه واهب را در تهران، به مرحله

اجرا گذاشته است با شرایطی که واهب ملک را در اختیار کمیته امداد قرار داده و از طرفی نیز قابل اجرا و بهره برداری نبوده، اکنون تبدیل به احسن شده است و در مرحله بهره برداری می باشد و ملک موهوب را در اختیار شهرداری قرار داده است. لذا متمنی است حضرت عالی نظر مبارکتان را نسبت به این تغییر و تحول بفرمایید.

ج: هو العالم; تغییر و تحول اشاره شده همه اش صحیح است و ورثه آن مرحوم حق رجوع ندارند. چون هبه ولو عقد جایز است، ولی مردن واهب موجب لزوم می شود و به عبارت دیگر خود واهب حق رجوع دارد و ورثه حق ندارند. به علاوه تصرف به نقل آنچه هبه شده است و تبدیل آن، موجب سقوط جواز رجوع است. به هر حال ورثه هیچ حقی ندارند.

س ۵۸۵: علی به حسین اتومبیلی را هدیه داد، به شرط اینکه حسین در اتومبیل هیچ تصرفی ننماید. آیا این شرط صحیح است؟ حکم هبه درمساله چیست؟

ج: هو العالم; شرط صحیح است و هبه هم صحیح است، حسین اگر تخلف کرد علی می تواند پس بگیرد ولو تصرفی باشد که فی نفسه موجب لزوم هبه بشود.

س ۵۸۶: از منظر بعضی از آیات عظام هدیه دادن ظروف نقره ای بلااشکال می باشد، حال قبول هدیه و خرید به قصد هدیه دادن چگونه است؟

ج: هو العالم; به نظر من در صورتی که از مصادیق «آنیه» باشد، جایز نیست.

عقاید

س ۵۸۷: شخصی در بعضی مسائل عقیدتی دچار انحرافاتی باشد آیا استفاده یا نقل قول از مطالب او در مواردی که اعتقاداتش صحیح می باشد، جایز است و آیا

این عمل باعث ترویج او نمی شود؟

ج: هو العالم; خیر ترویج باطل صدق نمی کند و اشکال ندارد و به عبارت دیگر: ینظر الی ما قال لا الی من قال.

س ۵۸۸: نظر مبارک در موردشخصیت،افکار،عقایدومذهب ابن عربی چیست؟

کسی که هر چند امثال شیخ بهایی(ره) در «اربعین» و قاضی نورالله شوشتری(ره) در «مجالس المومنین» وی را تأیید کرده و از او تجلیل نموده اند و قائل به تشیع او شده اند.

اما همچون فیض کاشانی(ره) در «بشاره الشیعه» وی را متهم به اختلال عقل کرده و از زمره گمگشتگان و گمراهان به حساب می آورد و چون ابن عربی، خود را در «فتوحات» مستغنی از شناخت امام زمان(س) دانسته وی را ملامت کرده و محکوم به مرگ جاهلیت نموده است. و نیز محدث نوری(ره) وی را در میان علما و نواصب عامه دشمن ترین با شیعه می داند و لذا ملاصدرا را به جهت ستایش ابن عربی مذمت می کند.

اما از طرف دیگر بزرگانی همچون مقدس اردبیلی، در «حدیقه الشیعه»، علامه مجلسی(ره) در عین «الحیوه» آقا وحید بهبهانی در؟ و برخی دیگر وی را به جهت کلمات کفرآمیزش در فصوص و یا فتوحات تکفیر کرده اند و اورا وحدت وجودی ملحدی می دانند.

و ثانیاً از آنجا که عرفان مصطلح امروزی مکتبی است درس آموخته از عقاید و اندیشه های ابن عربی و بسیاری از عرفای شیعه (حتی ازمیان فقها) درقرون اخیر فصوص و یا فتوحات وی را در اعلا مرتبه عرفان نظری تدریس یا تحشی و یا تشریح نموده اند. چون عظیمی از جوانان شیعه که خواستار عرفان حقیقی و منظور نظر امام زمان(ع) می باشند

به سرگردانی و حیرت دهشتناکی دچار شده اند; لذا در وانفسای فقدان امام سلام الله علیه، جهت دستور وارده به حضرتعالی رجوع نموده و از شما که نائب حضرتش و حجت او برمائید عاجزانه التماس دعا داشته، طالب ارشادات و رهنمودهای حضرتتان می باشیم. خداوند متعال سایه عزتتان را بر سرمان مستدام بدارد و شما و ما را در زمره منتظران و یاران امام(ع) قرار دهد.

ج: هو العالم; راجع به محی الدین بهترین کلام، کلام فیض کاشانی است والا کلمات او قابل توجیه نیست. مراجعه کنید به موارد ذیل:

۱ استغناء از وجود امام زمان(عج)

۲ نجات جمیع ملل از عذاب

۳ نوح را اهل تفرقه پنداشتن.

۴ روافض را به صورت خنازیر دیدن.

۵ التزام به وحدت وجود.

مثلاً ـ می نویسد اعتراض حضرت موسی به هارون در آن زمان که به طرف قوم خود برگشت و آنها را گوساله پرست دید، برای این بود که چرا نگذاشتی آنها گوساله را پرستش کنند؟ تا آنکه می گوید: عارف کسی است که خدا را در همه چیز ببیند، بلکه او را عین آن چیز ببیند. یا آنکه می گوید سبحان من اظهرالاشیاء و هو عینها; هاشم معروف حسنی می نویسد که محی الدین مدعی شده است که هنگامی که مرد با زن مباشرت می کند، خداوند در زن قرار می گیرد و در این باره به محبت پیامبر(ص) به زنان استدلال کرده است. ملاطاهر قمی می نویسد که ابن عربی وجود خالق و مخلوق را یکی می داند. در رفص عیسوی می گوید: نصاری که کافر شدند برای این بود که خدا را در عیسی فقط منحصر کردند و گفتند تنها عیسی

خدا است و حال آنکه همه عالم از غیب و شهود خدا هستند. در رفص شعیبی می گوید: من عرف نفسه فقد عرف ربه و هر که خود را شناسد که خدا است، پس خدا را شناخته. زیرا خداوند به صورت خلق خود است، بلکه عین خلق، حقیقت او است برای اطلاع بیشتر به کتاب «عین الحیاه» مجلسی مراجعه کنید.

و اما حقیقت عرفان اختصاص به شخص و جمعیتی ندارد و راه رسیدن به آن، تحصیل عقاید صحیح و عمل به وظایف شرعیه است و عبادات را با حضور قلب انجام دادن است. و اما آنچه مصطلح است بین متأخرین که اطلاق می شود بر جمعیت خاصی، اصل آن دو قسم است: عرفان علمی و عرفان عملی و هر دو قسم شعب مختلفه دارد بعضی در ضلالت و بعضی بهتر. بنابر این تعریف جامع و همچنین قضاوت نمی توان نمود.

س ۵۸۹: مدتی است که در شهر مقدس قم فعالیت فرقه های صوفیه در حال گسترش است و افراد زیادی از جمله جوانان را جذب محفل خود نموده اند. تکلیف مؤمنین به خصوص جوانان در این باره چیست؟

ج: هو العالم؛ فرق صوفیه در فساد مقول به تشکیکند، نمی شود حکم صادر نمود مگر آنکه عقیده آنها را معین نموده، بعد حکم می نماییم.

س ۵۹۰: هر نوع تبلیغ از افکار صوفیه و اعانت به فرقه های مختلف آنان چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ تبلیغ افکار خلاف شرع انور از محرمات اکیده است. نهایت باید معلوم شود خلاف شرع است تا حکم به حرمت شود.

س ۵۹۱: قائلین به وحدت وجود از دیدگاه حضرتعالی چه حکمی دارند؟

ج: هو العالم؛ چنانچه

معنای وحدت وجود را بدانند و قائل به وحدت وجود باشند و به توالی فاسده آن معتقد شوند، یقیناً مرتد و کافرند و روی همین اصل عده ای از فقهای بزرگ حکم به ارتداد و فساد محی الدین نموده اند.

س ۵۹۲: فرمایش امیرالمؤمنین(علیه السلام) (اِنَّ الله خَلَقَ الجَنَّه لِمن اطاعُه و لو کان عبداً حبشیّاً و خَلَقَ النّار لِمَن عصاه و لو کان سیّداً قریشیاً) آیا مخصص بر اطلاق و عموم در کلام حضرت وارد شده؟

ج: هو العالم؛ ظاهراً مقیدی ندارد مگر موارد شفاعت و امثال آن.

س ۵۹۳: کافر کیست و آیا کافر غیر حربی هم وجود دارد و آیا حکم به سلب ملکیت از آنها می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ کافر کسی است که خدا را یا پیغمبر اسلام(ص) را قبول ندارد. کافر حربی کافری است که مانند اسرائیل در حال جنگ با مسلمانان است و اموال چنین کافری مباح است.

س ۵۹۴: الف: یکی از استدلال های متکلمین بزرگوار امامیه بر عصمت امام(علیه السلام)این است که یکی از شؤون امامت ریاست دنیویه است و از فرائض این منصب گرفتن حق مظلوم از ظالم می باشد و این فریضه امکان پذیر نیست مگر با عصمت. در مقابل متکلمین عامه گفته اند که این امر با داشتن ملکه عدالت ممکن می باشد و عصمت برای احقاق حق مظلوم از ظالم لازم نیست. سؤال این است که نظر حضرت عالی نسبت به این امر چیست؟ با قطع نظر از سایر شؤون امامت و سایر ادله عصمت، آیا برای احراز ریاست دنیویه داشتن ملکه عصمت شرط است؟

ج: هو العالم؛ آن چه گفته شده است در مقام

استدلال مربوط به ریاست دنیویه نیست، مربوط به امامت است و آن منصبی است به نصّ آیه کریمه بالاتر از منصب نبوت، و اما برای ریاست دنیویه، عصمت شرط نیست.

س ۵۹۵: اگر انسان از گناهان خود توبه کند، فشار قبر را خواهد دید. اگر چنین باشد آیا با عدالت خداوند متعال سازگار است ؟ چون که در قرآن آمده: (انه کان توابا).

ج: هو العالم; اگر انسان با رعایت شرایط از گناه توبه کند به آن نحوی که در کتب نوشته شده و بعد از آن هم هیچ گناهی انجام ندهد، فشار قبر ندارد.

س ۵۹۶: بنده چند وقتی است که به شدت بحث عرفان و نحوه سیرو سلوک و فناء فی الله را دنبال می کنم و خیلی مشتاقم بدانم که عرفا به چه حالی دست پیدا می کنند که جز خدا با هیچ چیز آرامش نمی یابند. ولی چون در این مورد استادی نداشتم، سر درگم مانده ام تقاضا دارم کمک کنید. خیلی زودتر خواهش می کنم.

ج: هو العالم; بحث عرفان و مراتب آن به حدی مختلف و خطرناک است که راجع به یکی از مسائل آن حضرت امیر علیه الآف التحیه و الثناء می فرماید: بحر عمیق ولاتلجه، و بزرگان از عرفا اعتراف به سردرگمی در بعضی مسائل آن نموده اند و جماعتی از آنها گمراه شده اند و روایاتی در مذمّت بعضی از آنها صادر شده است شما اگر مایلید به مقامات عالیه برسید به وظایف شرعیه اتیان واجبات و ترک محرمات عمل کنید که ترک بعضی از آنها بسیار سخت است و; اتیان به مستحبات شرعیه، خواهید درک کرد چه حالات روحانی

و معنوی به شما دست خواهد داد و چه لذتی می برید، خلاصه از در خانه اهل بیت علیهم السلام به جای دیگر نروید، همه چیز در همان جا است.

س ۵۹۷: یکی از برادران روی بدن خود خالکوبی داشته، حال توبه کرده، حکم نماز و غسل و بقیه اعمال ایشان بعد از توبه کردن چگونه است؟ آیا باید خالکوبی را از بین ببرد یا نه و حکم اعمال وی قبل از توبه قبل از اینکه نمی دانست حرام است چه می شود؟

ج: هو العالم; چنانچه خالکوبی به نحوی است که روی بدن جای وضوء و غسل جسمیت دارد و آب به بشره نمی رسد نمازهایی که با چنین وضوء و غسلی خوانده باطل است و برای اعمال بعد باید رفع مانع ولو به وسیله داروی طبی نموده و بعد وضوء بگیرد و غسل کند و اگر جسمیت در ظاهر بدن ندارد اعمال گذشته صحیح است و برای اعمال بعد هم لازم نیست خال را از بین ببرد.

س ۵۹۸: در آخرت حساب و کتاب چگونه به عمل خواهد آمد؟ هر کس به زبان خود یا در آن موقع همه به زبان مشترک و زبان اصلی یعنی زبان قرآن که همان عربی هست، مورد بازخواست قرار خواهیم گرفت؟

ج: هو العالم; کیفیت مکالمه در آن عالم با این عالم فرق داردولذااعضای بدن غیراززبان،شهادت می دهند.

س ۵۹۹: آیا مسلمانان می توانند با افراد مسیحی که برای کارهای خدماتی اینجا می آیند غذا بخورند و دست بدهند جایز می باشد یا خیر؟

ج: هو العالم; دست دادن جائز است و غذا هم می توانند با هم بخورند، مشروط به اینکه این

گونه رفتار با افراد مسیحی موجب تقویت کفر و کافر نشود.

س ۶۰۰: آیا هر کافری مشرک و هر مشرکی کافر است؟

ج: هو العالم؛ هر مشرک کافر است ولی هر کافر مشرک نیست. مثلًا اهل کتاب یهود و نصاری کافرند، ولی مشرک نیستند.

س ۶۰۱: مراد از آیه (کل من علیها فان و یبقی وجه ربک) چیست؟

ج: هو العالم؛ آیه دلالت می کند بر اینکه چون عالم دنیا مقدمه عالم آخرت است پس هر چه در دنیا است زمانش بسر می آید و نشأه آخرت طلوع می کند، و از این مقدمه به غرض اقصی یعنی آخرت منتقل می شوند.

ارتداد

س ۶۰۲: شخصی در تهران خود را روحانی و طلبه ای سابق معرفی می کند و می گوید که الآن مسیحی شده و در مکان های عمومی مثل قهوه خانه ها به نقد دین مبین اسلام، خصوصاً مذهب حقه شیعه اثنا عشری می پردازد و در اثنای نقد دین به ائمه معصومین(علیهم السلام) و علماو مراجع عظام تشیع اهانت های جدی و قبیح می کند و برای تبلیغ مسیحیت و دعوت به آن شرکتی باآرم و نام«صلیب» نیز تأسیس نموده است. آیا در مورد شخص مفروض اولا عنوان مرتد و سب النبی صدق می کند؟ و ثانیاً نتایج دو عنوان مذکور مسیحی حکم اعدام و حرام شدن اموال وزن اوبرخودش؛جاری است یاخیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه مقرّ است به اینکه مسیحی شده است یا بیّنه قائم باشد بر آن و یا این که ثابت شود سب نبی(صلی الله علیه وآله)نموده است، زنش از او جدا می شوند و قتل او شرعاً جائز است. نهایت باید رعایت قوانین

حکومتی بشود تا تالی فاسدی بر کشتن او مترتب نشود و نیز مستلزم هرج و مرج نشود. به هر تقدیر واجب است بر هر فرد مسلمانی که جلوی تبلیغات او را بگیرد. در این امر مراعات تالی فاسدی را نباید نمود.

احکام محارب

س ۶۰۳: توبه محارب در مجازات وی چه تأثیری دارد؟

ج: هو العالم; چنانچه قبل از گرفتاری توبه کند، حد ساقط می شود و اگر بعد از آن باشد تأثیری ندارد.

س ۶۰۴: اگر کسی در ملاء عام اسلحه بر مردم بکشد و مردم را بترساند، حکم محارب را دارد و اگر گرفتن او مشکل باشد، می توان او را مجروح کرد یا کُشت تا مردم جان سالم از او داشته باشند؟

ج: هو العالم; حد محارب را که بحث مفصلی است من در «فقه الصادق» ج ۲۵ ص ۵۳۰ نوشته ام، مراجعه بفرمایید.

صدقه

س ۶۰۵: برای صدقه دادن بهتر است که چگونه نیّت کنیم؟

ج: هو العالم; در درجه اول برای ولی نعمت عظمی امام زمان ارواحنا فداه و بعد برای پدر و مادر.

س ۶۰۶: آیا می شود به خانواده بی بضاعتی که اهل نماز و عبادت نبوده و با مانتو و دستان لاک زده و آرایش کرده در بین مردم آمدوشدمی کنند،کمک نمود یا اینکه کمک و احسان خودراصرف خانواده های مستحقّ مؤمن نماییم؟

ج: هو العالم; بلااشکال صرف خانواده مؤمن اولی است بلکه در بعضی موارد صرف آن در خانواده غیر ملتزم به موازین شرعیه به واسطه وجوب نهی از منکر جایز نیست.

س ۶۰۷: آیا عطردان و سرمه دان و... نقره ای نیز می توانند به نحوی مصداق ظروف تزیینی باشند؟

ج: هو العالم; هیچکدام، مصداق آنیه که موضوع حرمت است، نیست. بنابراین تصرف در آنها اشکال ندارد.

س ۶۰۸: با عنایت به اینکه ارزش پول در جامعه، عموماً در حال کاهش می باشد و حفظ و ارزش پولی برای ثابت نگه داشتن قدرت خرید، نیاز به نگهداری

پول به صورت کالای قابل ارزش را الزام می نماید، نگه داری اشیاء نقره ای چگونه است؟

ج: هو العالم; نگهداری اشیاء نقره غیر از مصادیق آنیه اشکال ندارد و نگاه داشتن آنیه جایز نیست.

غیبت

س ۶۰۹: الف) آیا غیبت کسی که در مجلسی حرفی را زده یا فعلی را انجام داده و نمی دانیم از این غیبت ناراحت می شود یا نه، جایز است یا خیر؟

ب) آیا غیبت مخالف جایز است یا نه؟

ج: هو العالم: ۱ غیبت متجاهر به فسق جایز است و غیر آن جایزنیست،مگراینکه خوداوراضی باشد. ۲ غیبت مخالف عقاید دین و مذهبی جایز است.

س ۶۱۰: در نظر مبارک حضرت عالی، تعریف غیبت، عبارت از بازگویی کردن عیب مستور مؤمن در غیاب اوست یا عبارت است از هر سخنی که در غیاب مؤمن گفته شود که اگر بشنود ناراحت و رنجور می شود ولو اینکه عیب مستور او نباشد؟

ج: هو العالم; غیبت، بازگو کردن عیب مستوراست.

س ۶۱۱: در صورتی که غیبت منحصر در بازگویی عیب مستور مؤمن باشد، آیا اگر عیب غیر مستور او به قصد انتقاص در غیاب او گفته شود، گناه نیست؟

ج: هو العالم; خیر گناه نیست، مگر آن که عنوان اهانت مؤمن بر آن صدق کند که در آن صورت گناه است.

س ۶۱۲: آیا گناه شنونده غیبت به اندازه گوینده آن می باشد؟ از فردی غیبت کرده ام. بعد پشیمان شدم و تلاش کردم رضایت او را کسب کنم و او اصلا راضی نمی شود، چه کنم؟ و آیا از نظر شرع حدی مشخص شده که برای شناسایی منکرات و مفاسد اخلاقی تجربه کنیم؟

ج: هو العالم; شنیدن

غیبت هم حرام است ولی اگر پشیمان شود و استغفار کند، خداوند غفار و رحیم است.

س ۶۱۳: شخصی در صحبت هایش در مورد اشخاص مختلف بی مبالات است و راحت تهمت زده یا غیبت می کند. آیا باید از هم صحبتی با او خودداری کرد و یا اگر احتمال می دهیم که با حضور نزد او گاهی بتوانیم جلوی او را بگیریم، می توانیم با او همنشین شویم؟

ج: هو العالم؛ اولین مرتبه نهی از منکر ترک مراوده است. ولی این در صورتی است که احتمال تاثیر داده شود والا لازم نیست خصوصاً در صورتی که با مراوده احتمال تاثیر در رفع منکر داده شود، که در این صورت قطعاً مراوده حسن است.

س ۶۱۴: انسان به شخصی تهمت زده و از او حلالیت می طلبد و آن شخص می گوید نمی بخشم. این جا وظیفه ما چیست؟

ج: هو العالم؛ اگر نبخشید، کفاره آن طلب مغفرت برای او است و خود توبه نموده، خداوند تعالی از او می گذرد.

س ۶۱۵: شخصی نحوه برخوردش با دیگران بد بوده و مرتب تهمت زده و غیبت می کند و به هیچ راه حلی اصلاح نمی شود. آیا می توان برای این که او اصلاح شود به روش خودش با او برخورد کرد و مثل خودش با او رفتار نمود؟

ج: هو العالم؛ خود آن شخصی که تهمت به او زده شده است و یا غیبت او را نموده، شاید بتواند مقابله به مثل کند. البته آن هم اشکال دارد. ولی دیگران قطعاً نمی توانند.

دفاع

س ۶۱۶: آیا در اسلام آمده است که می شود در مقابل ظلم و جور ساکت ماند

و حرفی نزد، اگر آمده است علت آن چه می باشد؟

ج: هو العالم; خیر، چنین نیست بلکه خلاف آن ثابت است. یعنی نهی از انظلام شده است. حتی در آیه شریفه (فمن اعتدی علیکم فاعتدوا الخ) دستور داده شده که مقابله به مثل می توان نمود. در موارد ضرب و جرح و در اموال، تقاص مشروع شده است.

س ۶۱۷: نظر اسلام و فقه شیعه در خصوص دفاع از خود چه می باشد؟

ج: هو العالم; در بعضی موارد واجب است. مانند دفاع از تهلکه و از ناموس و در بعضی موارد مستحب است. مانند آنکه اگر انسان دفاع نکند، ضرر مختصری متوجه او می شود.

گناه

س ۶۱۸: آیا تعزیر در گناهان صغیره را جایز می دانید یا اینکه منحصر به گناهان کبیره می باشد و جرائم مشمول تعزیرات با چه ادله ای اثبات می گردد و به نظر معظم له آیا قاضی می تواند تحت شرایطی از اجرای تعزیر صرف نظرکند؟ و حداقل و حداکثر تعزیرات چقدر می باشد؟

ج: هو العالم; گناه صغیره نداریم. همه گناهان کبیره است و جریمه موجب تعزیر با شهادت ۲ شاهد- یا اقرار واحد ثابت می شود، مقدار تعزیر کمتر از حد است، و حاکم نمی تواند بعد از ثبوت عفو کند.

س ۶۱۹: اگر کسی به خاطر سلامتی بدن خود یا نریختن آبروی خود یا ترس از جهنم از گناه توبه کند آیا صحیح است و اگر این موارد نبود، توبه نمی کرد؟

ج: هو العالم; حقیقت توبه ندامت از معصیت خالق و بنای بر عدم عود است، بنابر این توبه حقیقی در مورد سوال نیست.

رقص

س ۶۲۰: رقص و پایکوبی

جوانان در اعیاد و میلاد معصومین(ع) چه صورت دارد؟

ج: هو العالم; رقص مرد در مجلس مردانه و زن در مجلس زنانه جایز است. ولی رقص زن در مجلس مردانه و مرد در مجلس زنانه، جایز نیست.

س ۶۲۱: رقص زن در مقابل زنان و رقص مرد در مقابل مردان در مجلس عروسی شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; در صورتی که توأم با کار محرم دیگری نباشد جایز است.

س ۶۲۲: رقص زن در مقابل شوهرش شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; جائز است.

مسابقات ورزشی

س ۶۲۳: در هنگام مشاهده مسابقات فوتبال، افراد دچار احساسات شده و گاهاً با الفاظ زشت از بازیکنان تیم های فوتبال نام می برند. البته به عنوان انتقاد از نحوه بازی کردن آنها. حکم آن چه می باشد؟

ج: هو العالم; الفاظ زشت قطع نظر از اینکه اهانت به شخص است که جایز نیست در صورتی که از الفاظ قبیحه باشد فی نفسه نیز جایز نیست.

س ۶۲۴: امروزه رسم شده در رادیو و تلویزیون مفسران و کارشناسان (سیاسی، اجتماعی، ورزشی و...) برای پیشبرد نظرات خود به افراد مختلف و گروه های مختلف انواع و اقسام تهمت ها را می زنند. حکم گوش کردن به این مباحث چه می باشد؟ آیا برای صرف اطلاع یافتن می توان گوش کرد؟ آیا می توان برای دیگران نقل کرد؟

ج: هو العالم; گوش کردن به تهمت زدن به مسلمان جائز نیست و نقل آن هم جائز نیست.

مسائل متفرقه

س ۶۲۵: من چون ۱۵ ساله هستم نمی دانم که چطور منی را تشخیص دهم. آیا منی از خود رنگ دارد یا خیر؟ شما را به حق خدا درباره این مسأله توضیح کامل بدهید تا من از این مسئله غافل نمانم.

ج: هو العالم; رجوع کنید به رسائل عملیه مانند توضیح المسائل، مفصلا نوشته شده است و اگر سواد ندارید به روحانی محل رجوع کنید. چون همه، آن علایم را می دانند و چنانچه مانعی از حضور دارید، تلفناً سئوال کنید. موفق باشید.

س ۶۲۶: رسم شده که جوانان به مدرسه علمیه آمده اطاق می گیرند. نصف روز را مکتب کلاس می روند و به نماز جماعت مدرسه شرکت می نمایند و به درس احکام شرکت

می نمایند. آیا از اطاق و امکانات مدرسه طلاب می توانند استفاده نمایند یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی، می توانند استفاده نمایند.

س ۶۲۷: چرا در استصحاب مثَبِت لوازم عادی و عقلی حجت نیست؟

ج: هو العالم؛ چون استصحاب از امارات نیست و از اصول است و مثبتات اصول حجت نیست، تفصیل آن در اصول فقه است.

س ۶۲۸: آیا جایز است شخصی برای خدمت سربازی پارتی بازی کرده و تسهیلاتی را از قبیل کسر خدمت یا خدمت در شهر خود به دست آورد؟

ج: هو العالم؛ بلی، جایز است مگر در موقعی که خطری متوجه مملکت بشود.

س ۶۲۹: پوشاندن میل (النگو) و یا انگشتری توسط مرد به دست زن نامحرم در صورتی که حائلی مانند دستمال و یا غیره وجود داشته باشد چه صورت دارد؟

ج: هو العالم؛ جایز است، مشروط به اینکه جای النگو نه دیده و نه لمس شود.

س ۶۳۰: در مورد حیوانی به نام زرافه که جزء نشخوار کنندگان می باشد و سم دار هم می باشد با این اوصاف آیا حیوان مذکور حلال گوشت می باشد یا حرام گوشت است؟

ج: هو العالم؛ زرافه که در فارسی به او شتر گاو پلنگ می گویند که سر و گردن او مانند شتر و دست و پای او همچو دست و پای گاو و بدن او به پلنگ می ماند و نوعی پستاندار نشخوار کننده افریقا است قدی بسیار بلند دارد، به هر حال ظاهراً حلال گوشت می باشد، چون درنده نیست.

س ۶۳۱: آیا خبرثقه بنفسه حجت است یا به جهت مخبر بودن او می باشد؟

ج: هو العالم؛ خود خبر حجت است.

س ۶۳۲: آیا فعل نائب خود

را نازل منزله منوب عنه می کند یا فعل او را انجام می دهد؟

ج: هو العالم؛ هیچکدام بلکه امر مستقل دارد به اتیان عملی که بر منوب عنه امر داشته و بر ذمه او است. تفصیل در کتب فقهی.

س ۶۳۳: اگر در وسائط نقلیه عمومی زنی بغل دست انسان بنشیند و بر اثر تنگی جا با بدن اجنبیه تماس بگیرد، آیا لازم است برخاسته یا از تاکسی خارج شویم؟

ج: هو العالم؛ چنانچه موجب ریبه نباشد، خیر لازم نیست.

س ۶۳۴: در شهرستان ما فشار آب لوله شهری (آب لوله کشی شده) کم می باشد به طوری که بسیاری از خانواده ها و مساجد از پمپ آب برای افزایش فشار آب منازل یا مساجد استفاده می کنند. به طوری فشار آب کم می باشد که اگر از پمپ استفاده نگردد ۸ تا ۱۰ ساعت آب برای مصارف خانگی (غسل و وضوء موجود نمی باشد).

با این حال در پشت قبض آبی که به منازل و مساجد ارسال می گردد این چنین نوشته شده است «نصب پمپ به صورت مستقیم بر روی شبکه غیرمجاز بوده و پیگرد قانونی دارد» با توجه به اینکه ما از پمپ آب برای افزایش فشار استفاده می کنیم و پول آب را تمام و کمال پرداخت می نماییم، لطف بفرمایید آیا غسل و وضوء ما صحیح می باشد و به تبع آن نماز و روزه و غیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه استفاده از آب که به عنوان معاوضه و مبادله است مشروط به نصب نکردن پمپ شده باشد، نصب پمپ و استفاده از آب برای وضوء و غسل و به تبع آن برای نماز و

روزه ضـرر نمی زند، نهایت کار خلافی است و مشروع هم نیست ولی اگر به عنوان شرط نباشد بلکه مبادله واقع باشد بین آب بـدون نصب پمپ قهراً ضـرر به وضوء و غسل می زند و قهراً در نماز و روزه هم تاثیر می گذارد. در این صورت راه چاره این است که استجازه از متصدیان امر اقلا برای غسل و وضوء بکنید که در صورت اجازه صحیح و بدون اشکال است.

س ۶۳۵: آیـا جـایز است که زن بـا پولی که شوهرش برای مخـارج خـانه می دهـد برای برپایی مجلس روضه یا ختم انعام و یا مانند این گونه مجالس استفاده کند؟

ج: هو العالم؛ بدون احراز رضایت شوهرش خیر. مگر آنکه به مقدار نفقه واجبه به زن بدهد و زن از پول خودش مصرف کند. از آن پول که مال او شده است می تواند بدون رضایت شوهرش مصرف نماید.

س ۶۳۶: بلند شدن ناخن برای دختر یا زن اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۶۳۷: می گویند اگر سبیل به گونه ای بلند باشد که داخل دهان بشود حرام است. آیا این گفته به نظر معظم له صـحیح می باشد؟

ج: هو العالم؛ نهی شده است، ولی حرام نیست.

س ۶۳۸: خرید گردنبند صلیب چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه خیلی رایج باشد که دیگر تشبّه به کفار نباشد، اشکال ندارد.

س ۶۳۹: اگر ریش صورت انسـان به طور کامل درنیامـده باشـدآیا جایز است آن مقـداری که درآمـده است را بتراشـد یا مثل تراشیدن ماشین کند؟

ج: هو العالم؛ چنانچه عرفاً صدق ریش نکند، اشکال ندارد.

س ۶۴۰: گرفتن ناخن در شب و ریختن آن در باغچه

چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; اشکال ندارد.

س ۶۴۱: احکام متفاوتی که در منابع فقهی بین زن و مرد و مسلمان و غیرمسلمان دیده می شود، ممکن است به عنوان تبعیض جنسی یا عقیدتی از مصادیق جنایات علیه بشریت تلقی گردد، آیا امکان هر گونه تجدید نظر در احکام مذکور وجود دارد؟

ج: هو العالم; به هیچ عنوان راهی برای تجدید نظر نیست.

س ۶۴۲: روایاتی داریم که زن را از تعلیم سوره یوسف و نوشتن باز داشته اند. آیا این روایات صحیحند؟

ج: هو العالم; اولا روایت معتبری نداریم به این مضمون و ثانیاً اگر باشد و معارضی هم نباشد با قرائنی به بیان حکم غیر الزامی بلکه حکم غیر مولوی محکوم است به هر تقدیر تعلیم زنان شرعاً جایز است، بلکه تعلیم مسائل شرعی لازم است.

س ۶۴۳: اگر کسی عمداً یکی از سادات را اذیت کند، به سیدی فحاشی کند و بگوید و سید و غیر سید ندارد و سادات فضیلتی بر دیگران ندارند و همه بنده خدا هستند و ادعای محبت چهارده معصوم(علیهم السلام) را هم بکند. آیا محبت چنین شخصی که محب اهل بیت و دشمن سادات است، نجات دهنده او است یا خیر؟ آیا محبت به چهارده معصوم(علیهم السلام)کفایت می کند یا باید محبت به ذراری و اولاد فاطمه هم داشته باشد؟

ج: هو العالم; چنانچه علاقه به سادات نداشته باشد، چون سیدند، این همان محبت نداشتن به اهل بیت(علیهم السلام)است، اگر به جهات دیگر باشد فرض کنید چون سیدی است فاسق یا ظالم و امثال این امور علاقه نداشتن به او، اشکالی ندارد.

س ۶۴۴: اگر فردی تجلیل از ظالم کند

و سال ها در محافل و منابر فحش و ناسزا به بزرگان دین و مراجع عظام بگوید، آیا این شخص از دیدگاه دین و حضرت عالی متجاهر به فسق می شود یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنین شخصی از متجاهر به فسق بدتر است، بلکه مشمول توقیع شریف است که فرمود «الراد علیهم کالراد علینا و هو علی حد الشرک بالله» بعبارت دیگر چنانچه یک نفر عالم از علمای سوء و به اصطلاح از وعاظ السلاطین باشد و رعایت موازین شرعیه را نکند و ترویج حاکم ظالم بنماید و به بزرگان دین جسارت کند و احکام الهی را تغییر دهد، چنین عالمی را باید ناسزا گفت و تشخیص آن هم با مرجع تقلید است.

س ۶۴۵: حریم قریه را بیان نمائید؟

ج: هو العالم؛ فقهاء فرموده اند: حریم قریه مقداری است که حیوانات در آن جا می چرند و هیزم از آن جا می آورند.

س ۶۴۶: جوانی هستم مؤمن و مسلمان. لکن به علت ضعفی که در نفس من وجود دارد از انجام فرائض روزانه باز می مانم. شما چه پیشنهادی جهت ترک این کبیره می کنید؟

ج: هو العالم؛ مختصر فکر کنید که چه عواقب وخیم اخروی بر ترک فریضه مترتب است چه سعادت دنیوی و اخروی برایتان با عمل به فرایض مترتب می شود، قطعاً تارک این کبیره می شوید.

س ۶۴۷: بنده متأسفانه دچار عادت زشت مردم آزاری هستم. چگونه خود را اصلاح کنم؟

ج: هو العالم؛ با اراده قوی و اتکال به خداوند تبارک و تعالی و توجه به عواقب بد اخروی و تصمیم مردانه خود را اصلاح کنید.

س ۶۴۸: حکم کسب علوم دینی برای جوانان با

استعدادی که علاقه به علوم دینی دارند چیست؟

ج: هو العالم; البته حسن فی کل حال و گاهی در بعضی موارد ولو به وجوب کفایی واجب می شود.

س ۶۴۹: کسی طلب قرائت فاتحه می کند. اگر کسانی که می شنوند سوره حمد را نخوانند، آیا معصیت کرده اند؟

ج: هو العالم; خیر، معصیت نکرده اند.

س ۶۵۰: چرا حضرت یوسف(ع) وقتی از چاه نجات یافت به پدرش خبر توسط نامه ای یا مانند آن نداد، تا او را از گریه کردن و غصه نجات دهد؟

ج: هو العالم; لابد راهی نداشته است. به هر حال کار خلاف شرعی نکرده است والا پیغمبر نمی شد.

س ۶۵۱: به نظر حضرت عالی سیره عرفانی و صوفی که در چندین سال اخیر توسط کتبی منتشر می شود و معمولاً نظرات همچون شخصیت هایی مولوی، محی الدین عربی، ملاصدرا، بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی، و حلّاج و... می باشد با سیره اهل بیت تطابق دارد.

ج: هو العالم; هر رویّه که با روایات وارده از حضرات معصومین(ع) مخالف باشد، باطلو گمراه کننده است مانند رویه محی الدین و امثال او.

س ۶۵۲: چرا به علی فقط امیرالمومنین(ع) می گویند و حال این که مولی الکونین می باشد و زوجه سیده نساءالعالمین من الاولین و الاخرین است؟

ج: هو العالم; چون امیرالمؤمنین از اوصاف اختصاصی است به علاوه مگر منافاه بین اوصاف است و بنا نیست که هر وقت وصفی را ذکر می کنند بقیه اوصاف را نیز ذکر کنند.

س ۶۵۳: در روایاتی درباره زمین کربلا آمده است: حورالعین از حفظه ملایک زوار کربلا می خواهند برایشان سوغات ببرند. این موضوعات چه اثری برای آنان دارد؟

ج: هو العالم; معلوم می

شود شما از تکالیف بشر فارغ شده اید و به فکر حورالعین هستید، به هر حال امید است حورالعین قسمتتان شود، آن وقت از خود آنها بپرسید.

س ۶۵۴: ۱) برگزاری مراسم چهارشنبه سوری چه حکمی دارد؟ ۲) در صورتی که هر خانواده(محارم) اقدام به برگزاری مراسم چهارشنبه سوری نمایند چه حکمی دارد؟ ۳) چنانچه محل های جداگانه ای برای زنان و مردان باشد و مراسم بدون اختلاط زن و مرد برگزار شود چه حکمی دارد؟ ۴) در صورتی که هر خانواده(محارم) به طور مجزا و به دور از انظارغیر اقدام به برگزاری مراسم چهارشنبه سوری نمایند چه حکمی دارد؟ ۵) چنان چه مراسم به شکل اختلاط زن و مرد برگزار شود چه حکمی دارد؟ ۶) آیا جمله معروف «زردی من از تو، سرخی تو از من» که در حین مراسم و در حال پریدن از روی آتش گفته می شود حرام است؟

ج: هو العالم; من نمی دانم در چهارشنبه سوری چه اعمالی رایج است. چنان چه مشتمل بر محرمات باشد مانند غنا و موسیقی و ساز و آواز و رقص مختلط زن و مرد ولو محرم باشند، جایز نیست و والا مانند جمله معروف که اشاره کرده اید جایز است و مراسم این گونه اشکال ندارد ولو زن و مرد مختلف باشند. ولی با شرط به این که این اختلاط سبب کارهای خلاف بعد هم نباشد. خلاصه به عنوان چهارشنبه سوری حرام نیست، ولی چون دو سال قبل و امسال و دو سال بعد در ایام عزاداری واقع است، شیعه محب اهل بیت(ع) و عاشق آنان قهراً نه این مراسم و نه مراسم عید نوروز

را انجام نمی دهند چون خود آن بزرگواران فرموده اند: شیعیان ما در ایام فرح ما جشن می گیرند و در ایام حزن ما محزونند و مراسم عزاداری برپا می دارند.

س ۶۵۵: مفاد ماده ۱۱۰: نسبت به زمین با بناهای مخروبه و غیر مناسب با وضع محل و یا نیمه تمام واقع در محدوده شهر که در خیابان یا کوچه و یا میدان قرار گرفته و منافی با پاکی و پاکیزگی و زیبایی شهر یا موازین شهرسازی باشد شهرداری با تصویب انجمن شهر می تواند به مالک اخطار کند تا ظرف دو ماه به ایجاد نرده یا دیوار و یا مرمت آن که منطبق با نقشه مصوب انجمن شهر باشد اقدام کند. اگر مالک مسامحه و یا امتناع کرد شهرداری می تواند به منظور تأمین نظر و اجرای طرح مصوب انجمن در زمینه زیبایی و پاکیزگی و شهر سازی هر گونه اقدامی را که لازم بداند معمول و هزینه آن را به اضافه ده درصد از مالک یا متولی و یا متصدی موقوفه دریافت نماید. در این مورد صورت حساب شهرداری بدواً به مالک ابلاغ می شود، در صورتی که مالک ظرف ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ به صورت حساب شهرداری اعتراض نکرده، صورت حساب، قطعی تلقی می شود.

سئوال بنده از حضرت عالی این است که با فرض عدم اعتراض مالک و یا متصدی موقوفه دریافت ۱۰٪ اضافه بر هزینه مصروفه توسط شهرداری وجه شرعی دارد یا خیر؟ «ارشدونا ارشدکم الله و ادام الله ظلکم علی روؤس المسلمین».

ج: هو العالم؛ چون شهرداری دستوراتش در صورت عدم مخالفت با شرع باید اجرا شود، و مورد

سئوال شرطی است در ضمن عقدی که با ابلاغ به صاحبان زمین شهرداری انشاء کرده است و شرط جایز الوفا است. بنابراین به نظر حقیر دریافت اضافه مورد سؤال جایز است.

س ۶۵۶: کوتاه کردن موی زن به طوری که شبیه مرد شود و یا بلند گذاشتن مو برای مرد به طوری که شبیه زن شود، حکمش چیست؟

ج: هو العالم; بی اشکال است.

س ۶۵۷: اینجانب در مؤسسه ای کار می کنم که مربوط به ایتام است و در مواقع اعیاد اهل بیت عصمت و طهارت چراغانی می کنم. آیا مصرف برق از مال ایتام صحیح است یا خیر؟ در صورت صحیح نبودن آیا برای چراغانی میلاد ائمه(علیهم السلام)می توان از برق تیرهای برق استفاده کرد یا اشکال شرعی دارد؟

ج: هو العالم; در مورد هر دو سؤال حق ندارید، باید با اجازه باشد.

س ۶۵۸: روایت از امیرالمؤمنین(علیه السلام) است که فرمود: لاـ ترکبوهن السروج فتهیبوهُنَ الفجور آیا اطلاق تسرج، شامل موتور و دوچرخه می شود یا مخصوص سرج اسب فقط می باشد؟

ج: هو العالم; حکم به هر تقدیر تنزیهی است، ولی ظاهراً فرق نمی کند.

س ۶۵۹: آیا اگر کسی گناه خود را نزد دیگری برای تحذیر وی از عواقب آن و یا برای استشاره یا... ذکر کند و مفسده ای هم (مانند ترغیب به گناه و...) نباشد صرف این عمل حرام است؟

ج: هو العالم; چنان چه مصلحتی بر آن مترتب باشد، اشکال ندارد والا جائز نیست.

س ۶۶۰: اگر حرام است، در صورتی که کسی گناه خود را نزد ما ذکر کرد، آیا گوش دادن به حرف او حرام است یا نه؟

ج: هو العالم; گوش ندادن ۲

اثر دارد: یکی آن که شما معصیت نکرده اید و دیگر آن که جلوگیری از ارتکاب معصیت آن شخص نموده اید که بر این عمل نهی از منکر صدق می کند.

س ۶۶۱: چرا شهرت در سیادت شخص مورد قبول فقها است ولی شهرت در حکمی یا فتوی معتبر نیست. وجه فرق را بیان کنید؟

ج: هو العالم؛ دلیلش همان دلیل ظن انسداوی است. چون می دانیم احکامی مترتب بر سیادت است و راهی جز شهرت بر اثبات سیادت نیست.

س ۶۶۲: ورزش و فراگیری نغمات و آهنگ های قرآنی به منظور نیکو تلاوت نمودن آیات الهی چه حکمی دارد؟ چه اندازه استفاده از صوت حسن در قرائت قرآن و مواعظ و مراثی و مدایح ائمه اطهار(ع) جایز است و غنا در این موارد چه می باشد و آیا گوش دادن به صدای زن نامحرم در مواردی از قبیل قرائت قرآن، خواندن سرودهای انقلابی و محلی و خواندن شعر در جلسات شب شعر در صورتی که موجب فساد و فتنه نباشد، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ صوت حسن اگر به حد غناء نرسد، جایز است، و غنا عبارت است از صوت موجب طرب و خفت و شنیدن صدای زن در صورتی که موجب تهییج قوای شهوانی نشود، اشکال ندارد.

س ۶۶۳: استفاده از مطالب و اخبار یک سایت یا یک خبرگزاری بدون ذکر منبع خبر و نام آن سایت و خبرگزاری چه حکمی دارد؟ «در صورتی که در پایین هر خبر نوشته که استفاده از آن خبر با ذکر منبع آن بلامانع است.»

ج: هو العالم؛ چنانچه نقل بدون ذکر منبع ظهور عرفی دارد در این که از منبع معینی

استفاده نشده است، قهراً این دروغ است و جایز نیست والا اشکال ندارد.

س ۶۶۴: چندی است در میان نویسندگان مرسوم شده که مطالب نشریات و سایت های خارجی را ترجمه کرده و بدون آن که اسمی از نویسنده به میان بیاورند آن را به نام خود چاپ می کنند. حکم این مساله چیست؟ آیاسرقت محسوب می شود؟

ج: هو العالم; سرقت مصطلح نیست، اگر عنوان کذب، صدق نکند، اشکال ندارد.

س ۶۶۵: اگر انسان مطلع شود در مغازه یا مؤسسه ای شؤنات و حدود شرعی رعایت نشده و کارهای خلاف (مثل این که محل قرار دختر و پسرها شده یا حجاب ها را رعایت نمی کنند یا فیلم مبتذل پخش می کنند) انجام می شود، اگر مطئمن هستیم تذکرات بی فایده است، آیا می توانیم به مأموران قانون برای برخورد باآنها اطلاع دهیم؟ (حتی به قیمت تعطیلی آن مراکز)

ج: هو العالم; بلا اشکال اطلاع دادن خوب است; بلکه در بعضی موارد لازم است.

س ۶۶۶: آیا کاشتن استخوان خوک در بدن انسان جایز است، خواه برای علاج درد پا، یا برای زیبایی و... ؟

ج: هو العالم; جایز است و بعد از کاشتن و دمیدن روح انسان به آن از نجاست بیرون می رود و پاک می شود.

س ۶۶۷: آیا همکاری با مشرکان در عراق جهت تأمین آذوقه سربازان آمریکایی یا مردم عراق در موقعیت کنونی چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; همکاری در جهت تأمین آذوقه سربازان آمریکایی که فعلاً کافر حربی می باشند جایز نیست و اما برای مردم عراق کاری بسیار حسن و خوب است.

ملحقات

معانی واژه ها، لغات و اصطلاحات

«آ»

آلات لهو: ابزار و لوازم سرگرمیهای شیطانی و خوشگذرانی های نامشروع.

مانند: لوازم موسیقی، عود، دَف، تار و...

اِبراء: بری کردن; بری کردن ذمه; رفع مسؤولیت

ابن السبیل: مسافری که در سفر; پول، وسیله زندگی و خرجی راه نداشته درمانده باشد.

اتقی: با تقواتر

اجاره: قراردادی که بر اساس آن منافع مال یا کار یا وسیله یک طرف قرارداد، در برابر مدت و قیمت معین به طرف دیگر قرار داد، واگذار می شود.

اجانب: بیگانگان، جمع اجنبی= بیگانه

اُجرت: مزد، قیمت

اجرت المثل: مزد همانند; اگر فردی بدون تعیین قیمت و قرار داد، کاری را انجام دهد و برای گرفتن دست مزد با طرف مقابل اختلاف پیدا کند، باید بدین طریق عمل کنند که: اگر همین کار را فرد دیگری مشابه همین فرد انجام می داد چقدر مزد می گرفت؟ پاسخ هر چقدر که شد، مزد همان است.

اجرت المُسمّی: مزد و قیمتی که در عقد اجاره مشخص و معین شده است.

اجیر: کسی که طبق قرارداد در برابر کار معینی که انجام می دهد، مزد می گیرد.

اِحبال: باردار کردن; آبستن کردن

احتلام: خارج شدن منی از انسان در حالت خواب، نشانه بلوغ.

احتیاط: کارهایی که موجب می شود انسان اطمینان حاصل کند که به وظیفه اش عمل کرده است و کارش به واقعیت نزدیک است.

احتیاط لازم: احتیاطی که مجتهد، لزوم رعایت آن را از طریق دلایل عقلی یافته باشد.

احتیاط مستحب: همیشه همراه با فتواست و مقلد می تواند به فتوا، یا احتیاط، به دلخواه خود عمل کند. در این مسائل نمی تواند به مجتهد دیگر رجوع کند.

احتیاط واجب: همراه با فتوا نمی باشد و مکلف باید به همان احتیاط عمل کند و یا به فتوای مجتهد دیگری نیز می تواند مراجعه کند.

احتیاط را ترک نکند: در

این مورد اگر مکلف احتیاط را رعایت کند، بهتر است.

احراز: بدست آوردن; فراهم کردن; دریافتن.

اِحصار: بازداشتن، مکلفی که برای انجام مراسم حج به مکه رفته و قبل از رسیدن به موقفین (شهر مکه، عرفات، مشعر) و پس از پوشیدن لباس احرام، بر اثر بیماری نتواند اعمال عمره یا حج را انجام دهد. این شخص از حج بازداشته شده و محصور است.

اَحفاد: نبیره ها، جمع حافد و حفد = نبیره

احکام: مقررات شرع، آراء، فرمانها، جمع حکم.

احمر: قرمز، سرخ رنگ، جمع حمر، احامر

احوط: به احتیاط نزدیک تر، شامل تر.

احیاء زمین: زمین مرده را زنده کردن; اگر کسی با کشتکار، زراعت یا ساختمان و غیره، زمینی که مورد استفاده کسی نیست و سکنه ای در آن قرار ندارد را قابل استفاده و بهره برداری کند، در واقع زمین مرده را احیاء یا زنده کرده است.

اَخ: برادر، اخ الزوجه: برادر زن

اُخت: خواهر

اَخته: خواجه

اخفاء: مخفی کردن، پنهان کردن.

اخفات: آرام و آهسته قرائت کردن، نمازهای اخفاتی: نمازهای ظهر و عصر که حمد و سوره در آنها آهسته خوانده می شود.

اخوت: برادری.

اداء: اعمال شرعی که در وقت خودش انجام شود.

ادعیه مأثوره: دعاهایی که از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نقل شده است.

ادغام: داخل نمودن، در تجوید باعث تشدید و مشدد شدن آن حرف می شود.

ادلّه: دلیل ها، حجت ها; جمع دلیل.

اذن: اجازه.

ارباح مکاسب: منافع کسب و کار; هر نوع درآمدی که از طریق کار بدست آید.

ارتماس: فرو رفتن به آب (غسل)، فرو کردن در آب (وضو).

اِرتداد: از اسلام برگشتن

اَرش: دیه; تفاوت صحیح و سالم با ناقص و معیوب. این تفاوت شامل بدن، مال یا کالای کسی می شود.

ارکان نماز: رکن

ها و پایه های نماز، مانند: قیام، نیت، تکبیره الاحرام(الله اکبر)، رکوع، و دو سجده.

ازاله بکارت: از بین بردن دوشیزگی.

استبراء: طلب پاکی; کاری که برای اطمینان به پاکی چیزی از آلودگی و نجاست، انجام می دهند. که شامل: ۱ استبراء از بول: کسی که ادرار کرده است، به قصد اطمینان از نماندن ادرار در مجرا.

۲ استبرار از منی: ادرار کردن پس از بیرون آمدن منی به قصد اطمینان از اینکه ذرات منی در مجرا باقی نمانده است.

۳ استبراء حیوان نجاستخوار: بازداشتن حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده است تا وقتی که به خوراک طبیعی خود عادت کند.

استحاضه: خون دیدگی زنان به غیر از خون حیض و نفاس. استحاضه به سه صورت استحاضه کثیره (خون زیاد) استحاضه متوسطه(خون متوسط، بینابین) و استحاضه قلیله (خون کم) قرار دارد.

استرجاع: گفتن «انا الله و انا الیه راجعون».

اِستعاذه: پناه بردن. در اصطلاح گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»

استعلام: آگاهی خواستن; پرسش کردن از چیزی.

استفتاء: طلب و درخواست فتوا کردن; پرسیدن فتوا; سوال از مجتهد درباره حکم شرعی مسائل.

استطاعت: توانستن; قدرت انجام حج را از نظر بدن، مال و راه داشتن.

استمناء: جلق زدن; انجام عملی با خود که باعث بیرون آمدن منی شود.

استیجار: اجاره کردن.

استیفاء: بدست آوردن.

استیلاء: تسلط; چیرگی; پیروزی.

اشکال دارد: عملی که مکلف جهت تکلیف انجام می دهد و آن عمل قابل قبول شارع نیست.

اصول دین: یعنی توحید نبوت معاد.

اصول مذهب: امامت و عدالت.

اضطرار: ناچاری.

اظهر: ظاهرتر؛ روشن تر؛ فتواست. مقلد باید طبق آن عمل کند.

اعاده: از سرگرفتن؛ دوباره انجام دادن کار.

اعدل: عادل تر.

اعلان: آگاه ساختن.

اعلم: عالم تر.

افضاء: باز شدن؛ یکی شدن مجرای ادرار و حیض

یا مجاری حیض و غائط یا هر سه مجاری.

اقتدا کردن: پیروی کردن; تقلید کردن از امام جماعت; نمازگزاردن پشت سر پیشنماز.

اقرب این است: فتوا این است مگر این که ضمن کلام قرینه ای بر عدم فتوا باشد.

اقوی این است: نظر قوی بر این است; فتوای صریح و مشخص که باید مقلد به آن عمل کند.

الزام کردن: اجبار کردن; مجبور کردن.

اِمْساک: امتناع کردن; خود را از انجام کاری بازداشتن.

اموال محترمه: اموالی که از نظر اسلامی و شرعی محترم و دارای احترام باشد.

امور حِسبیّه: کارهایی شرعی از جمله رسیدگی به امور یتیمان، دریافت و خرج خمس و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و غیره به اجازه مجتهد عادل و یا نماینده ایشان.

اُناث و ذُکور: زنان و مردان.

انتقال: جابجایی; جابه جایی چیزی نجس به طوری که دیگر شیء اول به حساب نیاید; مثل انتقال خون انسان به بدن پشه.

انزال: بیرون ریختن منی.

اَنسب: حکمی که متناسب با اصول و قواعد شیعه باشد.

اودج اربعه: شاهرگ های چهارگانه حیوانات.

اورع: پرهیزکارتر

اوجه: وجه تر; با قدرت تر; وجیه تر.

اولی: بهتر; سزاوارتر.

اولوالعزم: بردبار; صبور; به اعتقاد شیعه تعداد پیامبران اولوالعزم پنج نفر: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد (علی نبینا علیهم الصلاه و السلام). اینان پیامبرانی هستند که دارای دین و آیین جدید و کتاب آسمانی بوده اند.

اهل ذمه: غیر مسلمانی که پیرو یکی از پیامبران صاحب کتاب است; مثل: یهودی ومسیحی.

ایجاب: فرض کردن; واقع ساختن; در صیغه عقد یعنی قبول کردن.

ایماء: اشاره

«ب»

باقیات صالحات: هر عمل نیک; خوب و شایسته که ثواب آن باقی بماند.

باکِره: دوشیزه

بالغ: رسیده; دختر یا پسری که به سن بلوغ رسیده باشد.

باه: نیروی جنسی

بدل:

جانشین؛ عوض؛ هرچه به جای دیگری واقع شود.

بدعت: نوآوری؛ در احکام الهی و شرعی طبق میل و سلیقه خود عمل کردن.

بـدل از غسل: به جای غسل؛ در جایی که شـخص موظف به غسل کردن است اما به آب دسترسـی نـدارد یا آب برایش ضـرر دارد، می تواند به نیت غسل، تیمم انجام دهد.

بدل از وضو: به جای وضو؛ در جایی که شـخص موظف به وضو گرفتن است اما به آب دسترسـی ندارد و یا آب برایش مضر است، می تواند به نیت وضو، تیمم انجام دهد.

برائت ذمّه: در موارد شک، شـخص بایـد آن عمل را بطوری انجام دهـد که یقین پیـدا کنـد تکلیف شـرعی خود را انجام داده است.

برات: سندی که به موجب آن شخصی از دیگری می خواهد تا پول معینی را در وقت معینی به شخص یا اشخاصی بپردازد.

بَرَص: پیسی؛ بیماری پوستی که با کم رنگ شدن نواحی محدود و پررنگ تر شدن نواحی مجاور مشخص می شود.

بُزاق: آب دهان

بَشَره: روی پوست آدمی

بکارت: دوشیزگی؛ ازاله بکارت: دوشیزگی دختر را برداشتن.

بعید است: دور از ذهن است.

بعید نیست: فتوا این است؛ مگر این که قرینه ای در کلام بر خلاف آن باشد.

بلوغ: رسیدن به سن تکلیف؛ پیدا شدن علائم سه گانه در انسان که موجب بالغ شدن می شود.

بول: ادرار

بهائِم: حیوانات چهارپا؛ جمع بهیمه = حیوان چهارپا

بُهتان: دروغ بستن؛ دروغی را به کسی نسبت دادن؛ از گناهان کبیره

بیض: جمع ابیض. ایام البیض: سیزده؛ چهارده و پانزدهم هر ماه را گویند.

بیع: خرید و فروش؛ معامله.

بیگاری: کار اجباری بدون مزد.

بین رکن و مقام: مکانی مقدس در مسجد الحرام بین حجر الاسود و مقام حضرت ابراهیم (س).

«ت»

بين الطلوعين: فاصله زمانی بین طلوع فجر و طلوع خورشید.

تأني: آهستگی; به آهستگی و آرامی کاری را انجام دادن; درنگ کردن.

تجافی: نیم خیز نشستن; زمانی که ماموم به رکعت اول امام جماعت نرسیده باشد، هنگام تشهد خواندن امام جماعت، به حالت نیم خیز می نشیند.

تَحْتُ الحنك: زیر چانه; آن قسمت از عمامه را که زیر چانه و روی گلو قرار می دهند.

تحیّت: سلام کردن; درود و سلام و دعا و نیایش; نماز تحیّت مسجد: نماز مستحبی که به هنگام ورود به مسجد، به عنوان احترام و ادب به مسجد خوانده شود. این نماز دو رکعت است.

تخّلی: خالی شدن; ادرار و مدفوع کردن.

تَخْییر: اختیار داشتن; فرد را در انتخاب آزاد گذاشتن; مثلا شخص مسافر; مخیر است که نمازش را در ۴ مکان بطور کامل یا شکسته بخواند، مسجد الحرام، مسجد النبی (مسجد پیغمبر); مسجد کوفه; حرم امام حسین (ع).

تدلیس: پنهان کردن عیب کالا نزد مشتری.

تذکیه: ذبح شرعی حیوانات حلال گوشت.

ترتیبی: مرتب و منظم. غسل ترتیبی: غسلی که به ترتیب ابتدا سر، بعد قسمت راست و بعد قسمت چپ بدن شسته شود.

ترخُّص: آسان گرفتن; حدترخص: مسافتی که مسافر اگر از آن بگذرد، نماز را باید شکسته بخواند و روزه اش را افطار کند.

تسبیحات اربعه: ذکر ۴ گانه «سبحان الله و الحمد الله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تسبیح حضرت زهرا(س): از مستحبات بسیار با فضیلت نماز، گفتن ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد الله و ۳۳ مرتبه سبحان الله و یک مرتبه لا اله الا الله

تستّر: خود را پوشاندن.

تسمیه: نام بردن; نام خدا را هنگام ذبح بر زبان جاری ساختن.

تشریح: کالبد شکافی.

تطهیر: پاک کردن;

چیزی را با آب شستن، تمیز و پاکیزه کردن

تعزیر: زدن شخص به قصد جلوگیری در انجام کارهای غیر شرعی و واجبات الهی به قصد ادب شدن دیگران و خودش و جلوگیری از ادامه آن

تعقیب: دنبال کردن؛ تعقیبات نماز: بعد از نماز به ذکر دعا، قرآن و نمازهای نافله مشغول شدن.

تفریط: تقصیر کردن؛ کوتاهی کردن.

تقاص: قصاص کردن؛ طلب خود را از مدیون منکر گرفتن؛ برداشتن.

تقلید: پیروی کردن از فتاوای مجتهد و عمل کردن به دستورات وی.

تکبیره الاحرام: در شروع نماز «الله اکبر» گفتن؛ که با گفتن آن شخص وارد نماز می شود و تمام کارهایی که، منافی با نماز است بر او حرام می شود. تکبیره الاحرام از ارکان نماز است و اشتباه در آن، نماز را باطل می کند.

تَکفّل: سرپرستی.

تلبیه: اجابت کردن؛ لبیک گفتن در مناسک حج. واجب است در آغاز حج و عمره گفتن «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک».

تَلذّذ: لذت بردن.

تلقیح: باردار نمودن؛ تلقیح مصنوعی: نطفه مرد را به وسیله ای مانند سرنگ به رحم زن رساندن.

تمکّن: توانایی مالی؛ دارایی.

تمکین: فرمانبرداری؛ اطاعت کردن.

تیمم بدل از غسل مس میت: در وقتی که غسل دادن میت ممکن نباشد و یا آبی برای غسل دادن نباشد، تیمم میت جایگزین غسل می شود.

تیمم جبیره ایی: اگر بر عضوی که می خواهد تیمم کند، باند یا گچ یا جبیره باشد، به نیت تیمم دست را روی آن می کشد.

تودیه: پنهان کردن؛ مخفی کردن حقیقت. اگر کسی به نوعی حرف بزند که نه دروغ باشد و نه راست، این نوعی مخفی کردن و پنهان کردن است که تودیه نام دارد.

توکیل: وکیل قرار دادن؛ نماینده کردن.

تولیت: ولی و

سرپرست قرار دادن; متولی کردن.

تهلیل: گفتن «لا اله الا الله»

«ث»

ثلثان: دو سوم; اگر دو سوم آب انگور بجوشد و تبخیر شود، آب انگور موجود پاک می شود.

ثمن: بها; قیمت; ارزش

«ج»

جاعل: فردی که قرارداد جعاله را منعقد می کند.

جاهل به مسأله: ناآشنا به مسأله; کسی که مسائل شرعی را نمی داند.

جاهل قاصر: جاهلی که در جهلش مقصر نیست; کسی که مسائل شرعی را نمی داند و مقصر هم نیست، چون در شرایطی است که امکان دسترسی به احکام الهی برایش وجود ندارد و یا اصلا خود را جاهل نمی داند.

جاهل مقصر: جاهلی که در جهلش مقصر است; کسی که امکان آموختن مسائل و احکام الهی را داشته است ولی عمداً در فراگیری آن کوتاهی کرده است.

جبیره: مرهم; پارچه; باند یا پوششی که زخم یا شکستگی را با آن می بندند.

جبین: یک قسمت از پیشانی از دو طرف ابروها.

جُرح، جروح: زخم; جراحت.

جعاله: قرادادی شرعی که طی آن کسی اعلام می کند اگر هر کس برای او کار معینی را انجام دهد، پاداش و مزد مشخص به او می پردازد، مثلا اگر فردی اعلام کند که هر کس گمشده مرا پیدا کند، فلان مبلغ به او مژدگانی می دهم. فرد قرار گذار را «جاعل» عمل کننده به آن را «عامل» و مبلغ تعیین شده را «جُعل» می نامند.

جّلال: حیوان حلال گوشتی که به خوردن نجاسات انسان عادت کرده است.

جِلد: پوست.

جماع: آمیزش جنسی; مقاربت.

جنابت: جُنُب شدن

جُنُب: کسی که بدلیل خروج منی یا آمیزش جنسی، غسل بر او واجب شده باشد.

جنون: دیوانگی; صفت کسی که فاقد تشخیص نفع و ضرر، بدی و خوبی است و در روانپزشکی به کسی می گویند که با واقعیت قطع رابطه می کند

و دارای توهم و هذیان است.

جنین: موجود مهره داری که هنوز رشد کافی برای زندگی در بیرون از رحم را پیدا نکرده، اما دارای ساختار بدنی و اندامها می باشد.

جهر: با صدای بلند چیزی را خواندن; بلند کردن آواز; نمازهای جهری: به نمازهای صبح و مغرب و عشا گفته می شود که بر مردان واجب است حمد و سوره این نمازها را بلند بخوانند.

«ح»

حائض: زنی که در حال عادت ماهیانه باشد.

حاکم شرع: مجتهدی که بر اساس موازین شرعی دارای فتوا باشد.

حَبوَه: بخشش; در اصطلاح فقهی به اموال ویژه پدر گفته می شود که بعد از مرگش به بزرگترین پسرش می رسد، مانند قرآن، انگشتر، شمشیر.

حِرز: دعایی که برای پیشگیری از آفت و حوادث یا بیماری بر روی کاغذ می نویسند و همیشه همراه خود دارند.

حَدَث اصغر: هر کاری که باعث وضو شود و آنها عبارتند از: ادرار مدفوع باد شکم خواب کامل امور زایل کننده عقل استحاضه هر آنچه موجب غسل شود.

حَدَث اکبر: هر کاری که باعث غسل شود مانند: آمیزش جنسی و احتلام.

حدّ ترخُّص: حدّ و مقدار مسافتی که در آن صدای مؤذن شنیده نشود و دیوارهای محل اقامت (شهر یا روستا) دیده نشود.

حرام: ممنوع; هر عملی که از نظر شرعی ترکش لازم باشد که انجام آن باعث عذاب الهی می گردد.

حَرَج: مشقت; دشواری; سختی.

حُرمت: حرام بودن.

حَشفه: سرآلت تناسلی مرد.

حِصّه: سهم

حِضانت: سرپرستی

حَضَر: وطن; محل زندگی; محل حضور

حنوط: دارویی خوش بو که به بدن میت می زنند، یعنی پس از غسل میت، باید پیشانی، کف دستها، سر زانوها، سر انگشتان بزرگ پارا کافور مالید.

حیض: عادت ماهیانه زنان; قاعدگی

«خ»

خالی از قوّت نیست: فتوا این است، معتبر است; مگر اینکه در ضمن کلام، قرینه ای بر ضد این معنی بیان شود.

خالی از وجه نیست: فتوا این است; بی مورد نیست، مگر اینکه در ضمن کلام، قرینه ای بر ضد آن معنی بیان شود.

خُبره: کارشناس; متخصص.

خَبیث: زشت; پلید.

خُسوف: ماه گرفتگی; زمانی که زمین بین ماه و خورشید قرار می گیرد.

خضاب: رنگ کردن; رنگ کردن

موی سر، ریش، دست و پا

خمر: شراب; می; باده

خمس: یک پنجم; بیست درصد خالص درآمد سالیانه که باید به مرجع تقلید پرداخت شود.

خوف: ترس; بیم; واهمه; هراس.

خون جهنده: اگر رگ حیوانی را ببرند، خون با جستن بیرون می آید.

خیار: انتخاب بهتر; اختیار بهم زدن معامله، که در مورد طرفین معامله یا یکی از آنها می توانند معامله را باطل کنند.

«د»

دائمه: زنی که با عقد دائم به همسری مردی درآمده باشد.

دایه: زنی که فرزند دیگری را شیر دهد.

دُبُر: پشت; مقعد.

دعوی: دادخواهی

دُمل: زخم

دینار: هر دنیار یک مثقال شرعی است که هر مثقال، ۱۸ نخود است. چهار مثقال شرعی سه مثقال معمولی است.

دیه: مالی که در مقابل خون مسلمان یا نقص بدنی او پرداخت شود.

«ذ»

ذبح شرعی: کشتن حیوانات حلال گوشت طبق ضوابط شرعی

ذمّه: تعهد به انجام عملی یا ادای چیزی; عهده

ذُرّیّه: فرزندان; نسل

ذمّی: کافران اهل کتاب مانند یهود و نصارا که در مقابل تعهد شان نسبت به رعایت قوانین اسلامی از حمایت و امنیت نظام و حکومت اسلامی برخوردار می شوند و در کشورهای اسلامی زندگی می کنند.

«ر»

ربح: منفعتی که از راه تجارت بدست آید.

رجاء: امید؛ ضد یأس

رجس: پلیدی؛ زشتی

رجعت: بازگشت؛ رجوع

رَجم: سنگسار؛ سنگ زدن

رَد مظالم: چیزهایی که به عهده و گردن انسان است ولی صاحب آن معلوم نیست و یا در دسترس نیست، مانند این که انسان یقین دارد در مال یا اموال کسی غیر مجاز تصرف کرده و از این استفاده ضرری به آن شخص خورده است، حال برای این که یقین پیدا کند که برائت ذمه پیدا کرده است، باید مقدار معینی را از طرف صاحب آن مال یا اموال، به عنوان رد مظالم به مجتهد جامع الشرایط پرداخت نماید تا آن مجتهد آن را در جایی که شارع مشخص کرده است بپردازد.

رضاعی: همشیر؛ پسر و دختری که از یک زن شیر خورده باشند که با شرایطی نسبت به هم برادر و خواهر رضاعی می شوند و مَحرم ابدی هستند.

رکن: پایه؛ اساس

ریبه: شک؛ شبهه؛ تردید

«ز»

زائد بر مؤونه: زیادی از مخارج؛ اضافه بر هزینه زندگی

زانی: مرد زناکار

زانیه: زن زناکار

زکات: پاکی از آلودگی؛ خارج کردن قسمتی از چیزی جهت پاکیزه کردن آن. مقدار معینی از اموال خاص انسان در صورت رسیدن به حد مشخص که باید در موارد معینی مصرف شود. زکات به نُه (۹) چیز تعلق می گیرد.

زکات فطره: حدود ۳ کیلوگرم گندم، جو، ذرت و غیره یا قیمت آنها که در عید فطر باید به فقرا داده شود و یا در مصارف دیگر زکات صرف گردد.

زهار: پایین شکم، موی زهار: موی اطراف شرمگاه

زهدان: رحم; جای بچه در شکم مادر

«س»

سائل: کسی که مالی را طلب کند; گدا; محتاج

سبیل الله: راه خدا; هر کار خوبی که برای خدا انجام دهند.

سجده: بر زمین گذاشتن پیشانی، کف دستها، سر زانوها، سر دو انگشت پاها، برای عبادت یا اظهار فروتنی; یکی از ارکان نماز

سجده تلاوت: سجده ای که به واسطه قرائت یا شنیدن آیات سجده دار قرآن باید انجام داد. تعداد آیات سجده دار قرآن ۱۵ تاست. ۴ مورد آنها سجده واجب و ۱۱ مورد آنها سجده مستحب است. سجده های واجب قرآن(سجده، ۱۵ فصلت، ۳۷ نجم، ۶۲ علق، ۱۹)

سجده های مستحب قرآن(اعراف، ۲۰۶ رعد، ۱۵ نمل، ۴۹ اسراء، ۱۰۷ مریم، ۵۸ حج ۱۸ و ۷۷ فرقان، ۶۰ نحل، ۲۵ ص، ۲۴ انشقاق، ۲۱)

سجده سهو: سجده ای که نمازگزار در برابر اشتباهاتی که در حین نماز از او سر زده است، به جای کمی می آورد.

سرگین: مدفوع حیوانات

سفیه: بی عقل; دیوانه; کسی که قدرت نگهداری مال خویش را ندارد

و سرمایه اش را در کارهای بیهوده خرج می کند و یا به کارهای غیر عقلانی دست می زند.

سقط شده: افتاده; جنین نارس، ناقص یا مرده که قبل از موعد تولد از رحم زن خارج شده است.

سوره عزائم: سوره هایی که در آنها آیه ای قرار دارد که موجب سجده واجب می شود، که عبارتند از سوره های «فصلت» «نجم» «سجده» «علق»

سنت: سیره; روش

«ش»

شارب: سبیل

شاخص: چوب یا وسیله ای که برای تعیین ظهر شرعی در زمین نصب کنند.

شُرب: نوشیدن; آشامیدن

شفق: سرخی مغرب پس از غروب آفتاب

شارع: بنیانگذار شریعت اسلامی; خداوند، پیامبر اکرم (ص)

شیر کامل: روشی است برای مَحرم شدن نوزادی که متعلق به زن و شوهر نیست; بدین طریق که نوزادی که ۲ سالش تمام نشده ۱۵ مرتبه شیر سیر بخورد و یا یک شبانه روز فقط شیر آن زن را بخورد و در این بین شیر کس دیگر یا غذای دیگر نخورد.

شیربها: پول یا مالی که داماد (یا کسانش) در هنگام ازدواج به خانواده عروس می دهند.

«ص»

صائم: روزه دار

صاع: پیمانه ای به گنجایش حدود ۳ کیلوگرم; پیمانه ای که در کفارات و فطره بکار می رود.

صباوات: کودکی; طفولیت; از ۳ تا ۵ سالگی کودک

صَبّی: کودک; کودک شیرخوار; جمع آن صبیان

صداق: مَهر

صرف برات: نقد کردن برات؛ در زمانی که برات به صورت مدت دار تنظیم می شود و طلبکار از بدهکار میخواهد طلبش را زودتر از وقت تعیین شده بدهد با شرط اینکه مقداری از مبلغ برات را کم کند. به «برات» نیز مراجعه شود.

صحیح: در اصطلاح حدیث، حدیثی صحیح است که ناقلان آن همگی بالغ و امامی مذهب باشند مراجعه سلسله سند به معصوم برسد.

صغیر: خردسال؛ کوچک؛ سنی که موظف به انجام تکالیف شرعی نیست یا سنی که هنوز به سن قانونی نرسیده است.

صلح: حق دست کشیدن مدعی یا صاحب حق از حق خود و واگذاشتن آن به دیگری در عوض چیزی یا بدون آن.

صوم: روزه داشتن

صِهر: داماد

«ض»

ضعف مفرط: ضعف شدید: ناتوانی و سستی شدید

ضِماد: دارو زخم؛ مرهم زخم

ضِمان: به عهده گرفتن؛ متعهد شدن؛ عهده دار گشتن

«ط»

طبخ: پختن

طفل مُمیز: بچه ای که خوب و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد.

طلاق: گسستن پیمان زناشویی؛ رهایی

طلاق بائن: طلاقی است که بعد از آن مرد حق رجوع به همسرش را ندارد مگر این که وی را مجدداً عقد نماید.

طلاق خُلع: طلاقی است که زن علاقه و تمایلی به شوهرش ندارد، مهر یا مال دیگری (غیر از مَهر) را به مرد می دهد تا طلاق گیرد.

طلاق رجعی: طلاقی است که مرد می تواند در عده طلاق به همسرش رجوع کند.

طلاق مُبارات: طلاقی است که زن و مرد هیچ تمایلی و علاقه ای به هم ندارند و زن مقداری مال به مرد می دهد تا طلاق صورت پذیرد.

طواف: گرد چیزی گشتن؛ دور زدن؛ و در شرع عبارت است از ۷ دور طبق شرایط خاص دور کعبه چرخیدن.

طواف نساء: آخرین طواف حج و عمره مفرده که ترک آن باعث حرام بودن همبستری طواف کننده با همسرش می شود.

طوق: گردن بند؛ آنچه به گردن بیاویزند.

طُمأنینه: آرامش

طهارت: پاکی؛ نظافت؛ حالتی است که در نتیجه وضو، غسل، تیمم و تیمم بدل از غسل و وضو در انسان حاصل می شود.

طهارت ظاهری: تا انسان علم و یقین به نجاست چیزی نداشته باشد، آن شیء طاهر و پاک است.

«ظ»

ظاهر این است: فتوا این است، مگر این که در کلام قرینه ای برای قصد دیگری باشد.

ظِلّ: سایه

ظُهر: نیمروز؛ ظهر شرعی وقتی است که سایه شاخص به کمترین حد آن برسد یا محو شود که ساعت آن با توجه به فصول مختلف و افق های گوناگون، فرق دارد.

«ع»

عاجز: درمانده؛ ناتوان

عادت ماهانه: حیض؛ قاعدگی

عادل: کسی که دارای عدالت باشد؛ کسی که کارهای خوب و شرعی را انجام دهد و از کارهای غیر شرعی اجتناب کند.

عاریه: استفاده موقت از مال کسی بدون پرداخت سود.

عاصی: نافرمان؛ کسی که نسبت به احکام الهی نافرمان باشد.

عاق: نافرمان؛ آزار دهنده مادر و پدر

عاطل: بیهوده؛ بیکاره

عاقد: عهد کننده؛ اجراء کننده صیغه در معامله.

عایدات: درآمد.

عَبث: بیهوده

عُدول: برگشتن؛ رجوع کردن؛ بازگشتن

عُدول مجتهد: برگشتن رأی و نظر مجتهد از فتوای قبلی، در جایی که به مدرک و دلیلی جدید دسترسی پیدا می کند.

عِدّه: دوران ممنوعیت زن از ازدواج، پس از طلاق یا ترک شوهرش

عذر شرعی: بهانه شرعی؛ توجیه شرعی

عُرف: فرهنگ عموم مردم؛ عادت

عَرق جُنُب از حرام: عرقی که پس از آمیزش نامشروع یا استمناء از بدن خارج شود.

عَزل: کنار گذاشتن. بیرون ریختن منی مرد خارج از رحم زن برای جلوگیری از حاملگی. برکنار کردن وکیل یا مأمور خود از کار.

عُسرت: سختی؛ تنگدستی.

عقیقه: قربانی کردن حیواناتی نظیر گوسفند، گاو یا شتر برای نوزاد تازه متولد شده با شرایط خاص.

علقه: صورتی که جنین در رحم زن به صورت آویزان شده یا جایگزین شده یا خون بسته باشد.

عُقود: قراردادهای دو طرفه

عمّال: کارگزاران

عمداً: از روی قصد؛ کاری را با علم و آگاهی انجام دادن

عمل به احتیاط: کسی که تکالیف شرعی خود را به گونه ای انجام دهد که

یقین پیدا کند از نظر شرعی تکالیفش را انجام داده است، عمل به احتیاط کرده است.

عِنّین: مردی که قادر به آمیزش جنسی نباشد.

عین نجس: آن چیز که به خودی خود نجس باشد، بدون اینکه به واسطه تماس با چیز دیگری نجس شده باشد; مثل خون، مردار

«غ»

غائط: مدفوع

غرض عقلانی: هدف عقلانی; هدفی که از نظر عقلا قابل قبول باشد.

غُساله: آبی که پس از شستن چیزی با فشار یا خود به خود از آن می چکد و جدا می شود.

غُسل: شستشو; شستن تمام بدن با کیفیت مخصوص.

غسل ارتماسی: به نیت غسل، یک مرتبه در آب فرو رفتن

غسل ترتیبی: به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست، بعد طرف چپ را شستن.

غسل واجب: غسلی که انجام دادن آن الزامی می باشد و آنها عبارتند از: ۱ غسل جنابت ۲ غسل حیض ۳ غسل نفاس ۴ غسل استحاضه ۵ غسل مس میت ۶ غسل میت ۷ غسلی که بواسطه قسم یا نذر واجب شده باشد.

غسل مستحب: غسلی که در ایام خاص یا عبادات یا زیارات یا شب های خاص می توان انجام داد; مثل غسل زیارت، غسل جمعه، غسل توبه.

غسل جبیره: غسلی که اگر در اندام انسان جبیره باشد صورت می گیرد و باید به صورت غسل ترتیبی باشد.

غِش: تقلب; خیانت; تردید.

غِش در معامله: اگر کسی جنس مرغوب را با جنس نامرغوب مخلوط کند و بدون اطلاع مشتری، آنها را به او بفروشد.

«ف»

فتوا: رأی و نظر فقیه در مسائل شرعی

فجر: روشنی آخر شب

فجر اول و دوم: نزدیک اذان صبح از طرف شرق سپیده ایی (روشنایی) به طرف بالا حرکت می کند که آن را «فجر اول» می نامند. زمانی که این سپیده یا روشنایی پخش شد، «فجر دوم» است و اول نماز صبح.

فجر صادق: منظور فجر دوم است.

فجر کاذب: منظور فجر اول است.

فُرادا: تنهایی و جدا; نماز فرادا یعنی نمازی که شخص به تنهایی بخواند نه با جماعت

فرایض: واجبات; جمع

فریضه.

فَرْج: عورت انسان; شرمگاه.

فرض: امر الزامی; امری که انجام دادن آن واجب است.

فضله: مدفوع حیوانات.

فطره: زکاتی که پس از پایان ماه مبارک رمضان بر هر مسلمان واجد شرایط، واجب است.

فطریه: زکات فطره.

فُقّاع: آبجو.

فقیر: محتاج; کسی که نیازمند تأمین مخارج سال خود و خانواده اش باشد و قادر نباشد مایحتاج روزانه خود را تأمین کند.

«ق»

قاصر: کسی که در مورد کاری کوتاهی کرده است.

قُبُل: جلو; پیش; کنایه از اندام تناسلی انسان.

قتل نفس محترمه: کشتن کسی که خونش از نظر شرعی محترم است و نباید کشته شود.

قتل شبه عمد: کشتن غیر عمد یا کشتن خطایی، اشتباهی که باید در مقابل کفاره و دیه بدهد.

قذف: نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری.

قرائت: خواندن; مراد خواندن حمد و سوره در نماز می باشد.

قُروح: دُمَلها; زخمها; زخمهای چرکین; جمع قُرح

قریب: نزدیک

قسم: سوگند; قسم شرعی; قسمی است که به یکی از اسامی خداوند بیان شود مانند بالله، والله، تالله .

قَصر: کوتاه کردن.

نماز قَصر: نماز کوتاه شده; نماز مسافر.

قصد اقامه: تصمیم مسافر به ماندن ده روز یا بیشتر در یک محل.

قصد انشاء: تصمیم به ایجاد یک امر اعتباری مانند خرید و فروش همراه با ادای کلمات مربوط .

قصد رجاء: تصمیم فرد برای انجام کاری به امید قبول در درگاه الهی.

قصد قربت: تصمیم فرد برای انجام کاری برای نزدیک شدن به مقام رضا و قرب الهی.

قصد ورود: تصمیم فرد برای انجام کاری یا ذکری که در شریعت وارد شده.

قضاء: به جا آوردن عملی که وقت آن گذشته است، مانند قضاء روزه یا نماز.

قَفا: پشت سر و گردن

قُعود: نشستن

قلیل: کم; اندک

قَوّاد: رابط زنا

قوی: محکم; در مورد احکام یعنی فتوا .

قیام: ایستادن; اقامه نماز.

قیام متصل

به رکوع: قیام و ایستادنی که نمازگزار بعد از رکوع باید انجام دهد و از ارکان نماز است.

قی: استفراغ

قَیِّم: سرپرست; حامی; کفیل; کسی که بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع مسؤولیت امور یتیم را به عهده می گیرد.

«ک»

کافر: کسی که اعتقادی به توحید و نبوت ندارد.

کافر حربی: کافری که با مسلمانان در حال جنگ باشد

کافر ذمّی: اهل کتاب که در کشورهای اسلامی با شرایط مخصوص در پناه حکومت، زندگی می کنند.

کافور: ماده ای سفید رنگ و خوش بو که بدن میت می مالند.

کبیره: گناه بزرگ

کتاب: در اصطلاح فقه مقصود «قرآن» است

کبیسه: هر ۴ سال یکبار یک روز به سال اضافه می شود، که آن سال را سال کبیسه می گویند; سالی که در آن اسفندماه ۳۰ روز باشد.

کتمان شهادت: پنهان کردن گواهی; از گناهان کبیره

کثیرالشک: کسی که زیاد شک می کند.

کراهت: کاری که ترک آن بهتر از انجام آن است هر چند برای انجام آن منعی نباشد. کراهت در امور عبادی به معنای کمی ثواب است.

کفاره: کاری که انسان برای محو و جبران گناهش انجام می دهد.

کفالت: ضمانت; به عهده گرفتن

کفایت: کافی بودن

کفیل: ضامن; عهده دار

کما فی السابق: قبلا; مثل قبل

«ل»

لازم: واجب؛ اگر مجتهد دلیل الزامی بودن امری را از آیات و روایات استفاده کند به طوری که بتواند آن را به شارع نسبت دهد، تعبیر به «واجب» می کند و اگر الزامی بودن آن را به طریق دیگری از قبیل ادله عقلیه استفاده کند به طوری که استفاده آن به شارع ممکن نباشد، تعبیر به «لازم» می کند این تفاوت در «احتیاط لازم» و «احتیاط واجب» نیز وجود دارد. در نتیجه در مقام عمل برای مقلد تفاوتی بین لازم و واجب نیست.

لاف زدن: به دروغ خود ستایی کردن.

لَحَد: گور؛ شکافی در گور که جای سر مرده است.

لِحیَه: ریش

لِعان: قَسمی که باعث باطل شدن ازدواج می شود. بدین صورت که مرد،

به زن خود نسبت زنا بدهد و در نزد حاکم ۴ بـار قسم بخورد و زن نیز ۴ بار قسم بخورد و این ادعا را رد کنـد، حـد زنا و حد قذف از آنها ساقط می شود و برای همیشه بر یکدیگر حرام خواهند شد.

لغو: بیهوده; بی فایده; سخن باطل

لقاح: کاری که با اتحاد دوگانه نر و ماده انجام می شود و یاخته یگانه ایی به وجود می آید; جفت گیری

لقطه: مالی که گم شده و صاحب آن معلوم نیست مانند: مالی که در خیابان پیدا شود.

لَهو: بازی; سرگرمی

لوث: پلیدی; آلودگی

لیله الـدفن: شب دفن میت; اولین شبی که میت را در قبر می گذارنـد، یکی از مسـتحبات این شب، خواندن نماز وحشت (نماز لیله الدفن) برای میت است.

«م»

مأثور: نقل شده

ماترک: آنچه از متوفی باقی بماند.

مأذون: اذان داده شده; اجازه داده شده

مال الاجاره: مالی که مستأجر در مقابل اجاره می پردازد.

مال المصالحه: مالی که در مورد صلح قرار گرفته است.

مالیّت شرعی: مالی که از نظر شرع، مقدس و قابل قبول باشد.

مـالیّت عرفی: چیزهـایی که از نظر عرف مردم (عمـوم مردم) مـال محسوب می شود، هر چنـد که از نظر اسـلام مـالیّت نداشـته باشد، مثل شراب و خوک

ماههای حرام: چهار ماه قمری یعنی ماههای رجب، ذیقعـده، ذیحجه، محرم که جنگ در این ماهها حرام است. اگر قتل در این ماهها صورت گیرد ثلث دیه به دیه اضافه خواهد شد.

ماههای شمسی: دوازده ماهی که از فروردین شروع و در اسفند پایان می یابد.

ماههـای قمری: دوازده مـاهی که از محرم شـروع و در ذیحجه پایـان می یابـد. به ماههای قمری، «ماههای هلالی» نیز گفته می

شود.

مأموم: پیرو، کسی

که در نماز به امام جماعت اقتدا کند.

مؤونه: مخارج یا هزینه

مُباح: هر کاری که از نظر شرعی نه پسنده است و نه ناپسند.

مبتدئه: زنی که برای اولین بار عادت شود.

مُبطل: باطل کننده عبادت; جمع آن مبطلات است

متابعت: پیروی کردن

متأذی: آزار دیده; اذیت شده

متعه: زنی که با عقد موقت به همسری مردی در آمده باشد.

مُتمکِنّ: کسی که توانایی دارد.

مُتنجِّس: هر چیزی که ذاتاً پاک است ولی در اثر برخورد مستقیم و غیر مستقیم با شی نجس، آلوده شده باشد.

متولی: سرپرست

مُثله: بریدن گوش یا بینی یا لب کسی

مجتهد: کوشا; کسی در فهم و بدست آوردن احکام الهی به درجه اجتهاد رسیده و دارای قدرت علمی مناسبی است که می تواند احکام الهی و شرعی را از روی کتاب (قرآن) و سنت (روش) رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع) استباط کند.

مجتهد جامع الشرایط: مجتهدی که شرایط مرجعیت تقلید را دارا باشد

مجهولُ المالک: مالی که معلوم نیست متعلق به چه کسی است. مانند مالی که در ماشین یا مسافرخانه پیدا می شود.

مُجزی است: کافی است.

محتضر: کسی که در حال جان کندن است.

مُحتلم: کسی که در حال خواب، منی از او خارج شده باشد.

مُحْدث: فاقد طهارت; بدون طهارت.

مَحذور: مانع; آنچه از آن پرهیز گشته است.

مَحرم: فامیل های نزدیک; کسانی که ازدواج با آنها حرام ابدی است.

مُحرم: کسی که در حال احرام حج یا عمره باشد.

مُحَرم: چیزی که حرام است; اولین ماه از سال قمری.

محظور: ممنوع; قدغن

محل اشکال است: اشکال دارد; قبول صحت و تمامیت آن مشکل است. مقلد در این مورد می تواند به مجتهد دیگری رجوع کند.

محل تأمل است: باید احتیاط کرد. مقلد در این مورد می تواند

به مجتهد دیگری رجوع کند.

مُخمس: مالی که خمس آن داده شده است.

مُخیّر است: فتواست. مقلد باید یکی از دو طرف را انتخاب کند. اختیار داده شده.

مُدّ: پیمانه ایی که گنجایش سه ربع کیلو معادل ۸۸۳/۶۹۴ گرم است

مَذْموم: ناپسند; نکوهیده

مَذی: رطوبتی که پس از مُلاعبه از انسان خارج شود.

مرتد: از دین برگشته; از دین خارج شده; مسلمانی که منکر خدا و رسول الله (ص) یا حکمی از احکام ضروری اسلام شده که این انکار به انکار خدا و رسولش می انجامد.

مرتد فطری: کسی که از پدر یا مادر مسلمان متولد شده و خودش مسلمان بوده و بعد از دین خارج شده باشد، توبه مرتد فطری قابل قبول نیست.

مرتد ملی: کسی که از پدر یا مادر غیر مسلمان متولد شده و کافر بوده بعد مسلمان شود و دوباره کافر گردد. توبه مرتد ملی قابل قبول است.

مرقوم: نوشته شده

مُردار: حیوانی که خود به خود مرده باشد و یا بدون شرایط لازم کشته شده باشد.

مزارعه: قراردای که بین مالک زمین و کشاورز منعقد می شود که براساس آن مالک درصدی از محصول کشاورزی را صاحب می شود.

مَس: لمس کردن

مُساحقه: تماس و مالیدن اندام تناسلی یک زن به اندام تناسلی زن دیگر برای کسب لذت جنسی.

مساقات: قراردادی که بین صاحب باغ و باغبان منعقد می شود و بر اساس آن باغبان در برابر آبیاری و نگهداری از درختان، حق استفاده از مقدار معینی از میوه باغ را بدست می آورد.

مس میت: لمس کردن انسان مرده; دست مالیدن به انسان مرده.

مُستحاضه: زنی که در حال استحاضه باشد.

مستحب: مطلوب; پسندیده; هر کاری که انجام آن موجب ثواب است اما ترک آن عِقاب

و مجازات ندارد.

مستطیع: توانا؛ کسی که امکانات و شرایط سفر حج را داشته باشد.

مستلزم: آنچه که چیز دیگری را لازم دارد، چیزی که لازمه چیز دیگری باشد.

مستمع: شنونده؛ گوش دهنده.

مستهلك: نابود شده؛ از میان رفته؛ نیست شده.

مسح: دست کشیدن بر چیزی؛ دست کشیدن بر فرق سر و روی پاها با رطوبت باقیمانده از شستشوی صورت و دستها در وضو.

مُسکرات: چیزهای مست کننده.

مسکین: بیچاره؛ مفلوك؛ کسی که از فقیر هم محتاج تر باشد.

مشروط: شرط شده.

مشقّت: رنج؛ دشواری؛ سختی.

مُصافحه: دست دادن با یکدیگر.

مصالحه(صلح): سازش؛ آشتی؛ توافق طرفین؛ اصطلاح فقهی آن این است که انسان با دیگران توافق کند که مقداری از مال یا سود خود را به طرف مقابل ببخشد یا از طلب، یا حق خود بگذرد.

مُضاربه: معامله ای که در آن یکی مالی را به دیگری بدهد تا با آن تجارت یا کسب و کار کند و سود بر اساس قرار قبلی میانشان تقسیم شود.

مُضطر: ناچار؛ ناگزیر.

مضطربه: زنی که عادت ماهیانه اش بی نظم است.

مُضْغه: تکه گوشتی شبیه اسفنج که مقدمه غضروف و استخوان شدن باشد؛ از مراحل جنین .

مضمضه: چرخاندن آب در دهان.

مضیقه: تنگدستی؛ سختی؛ دشواری؛ تنگنا.

مطلقاً: به طور کلی؛ ابداً بدون هیچ قید و شرطی.

مطَلَقّه: زن طلاق داده شده.

مُطَهَّرات: پاک کننده ها .

مظالم: ستمها؛ جمع مظلمه: دادخواهی.

مُعانقه: دست به گردن یکدیگر درآوردن؛ یکدیگر را در آغوش کشیدن.

مُعَوَّ ذتَین: دو پناهگاه؛ دو سوره آخر قرآن یعنی سوره های «فلق» (قل اعوذ برب الفلق) و «الناس»(قل اعوذ برب الناس). خواندن این دو سوره باعث نگهداری فرد از هر گزندی خواهد شد.

معهود: معمول و متداول؛ شناخته شده؛ آنچه بطور ضمنی مورد قبول باشد.

مُفطِرات: چیزهایی که روزه را

باطل می کند مانند خوردن، آشامیدن، سربه زیر آب فرو بردن و...

مُفلس: تهیدست; بی پول; بویژه کسی که بعداً بی چیز و تهیدست شود.

مقاربت: آمیزش جنسی; نزدیکی کردن.

مُقارن: همراه; نزدیک

مُقَلِّد: تقلید کننده; پیروی کننده

مُقَلَّد: کسی که از او تقلید می کنند; مجتهدی که در احکام شرعی صاحب رأی و فتوی است.

مکروه: ناپسند; نامطلوب; آنچه انجام آن حرام نیست ولی ترکش بهتر است

مُکَلَّف: انسان بالغ و عاقل که به سن تکلیف رسیده باشد.

ملاعبه: بازی کردن; معاشقه کردن.

ممیز: بچه ای که خوب و بد را تشخیص می دهد.

مَندوب: مستحب

منذور لَه: کسی که به سود او نذر شده است.

منسوخ: نسخ شده; از بین رفته.

منوط: وابسته; معلق.

موازین شرعیه: معیارهای شرعیه.

مواضع هفتگانه: هفت عضوی که هنگام سجده روی زمین قرار می گیرد، شامل: پیشانی، کف دست ها، سر زانوها، سر انگشتان بزرگ پاها .

موافق احتیاط: فتوایی که به احتیاط نزدیکتر است.

موالات: پشت سر هم; پیاپی انجام دادن.

موثق: مورد اعتماد

موجر: اجاره دهنده

منسوخ: از بین رفته; نسخ شده

مورد اشکال است: محل اشکال است; صحیح نیست; در این مورد می توان به مجتهد دیگری رجوع کرد.

موکِّل: وکیل کننده

میْتِه: مردار

«ن»

نائم: خواب; خفته

نادم: پشیمان

ناسیه: زنی که وقت عادت ماهیانه خود را فراموش کرده باشد

نافله: نماز مستحبی

نجس: ناپاک; پلید

نساء: زنان

نصاب: حد مشخص; مقدار معین

نصاب زکات: مقدار مشخصی که برای هر یک از موارد وجوب زکات در نظر گرفته شده است.

نفاس: خونی که بعد از زایمان از رحم زن خارج می شود

نفساء: زنی که خون نفاس ببیند; زن در حال نفاس

نفس محترمه: کسی که کشتن و آزار او حرام باشد.

نکاح: ازدواج کردن; زناشویی

نماز آیات: دو رکعت نماز مخصوص که در مواردی نظیر زلزله، کسوف (خورشید گرفتگی)

و خسوف(ماه گرفتگی) واجب است خوانده شود.

نماز احتیاط: نماز یک رکعتی یا دو رکعتی (بنا بر شکی که در مورد رکعات می کند) بدون سوره و قنوت که برای جبران شک در تعداد رکعات خوانده می شود.

نماز اخفاتی: مقصود نمازهایی است که مردان باید حمد و سوره را آهسته بخوانند یعنی نمازهای ظهر و عصر

نماز استسقاء: نمازی با آدابی مخصوص که برای طلب باران در بیرون از شهر خوانده می شود.

نماز تراویح: نمازی که اهل سنت در ماه رمضان خواندن آن را مستحب می دانند، این نماز را شیعه قبول ندارد.

نماز جعفر: نمازی است که حضرت رسول (ص) به جعفر بن ابیطالب هنگام بازگشت وی از حبشه به او تعلیم دادند. این نماز بسیار با فضیلت است که برای برآورده شدن حاجات بسیار معتبر است. نماز جعفر طیار دو نماز دو رکعتی با کیفیت خاص است.

نماز جماعت: نماز واجبی که دو نفر یا بیشتر با امامت یکی از آنها (به شرط عدالت) بجای می آورند.

نماز جمعه: دو رکعت نماز مخصوص که در زوال جمعه به جای نماز ظهر و بطور جماعت برگزار می شود و نباید تعداد آنها کمتر از ۵ نفر باشد.

نماز حاجت: نمازی مخصوص که جهت برآورده شدن حاجات و حل مشکلات خوانده می شود.

نماز خوف: نمازهای واجب یومیه انسان در حال جنگ که با کیفیت مخصوص و به طور مختصر خوانده می شود.

نماز شب: نافله شب; نمازی است مستحبی در ۸ رکعت به صورت ۴ نماز دو رکعتی که در ثلث آخر شب خوانده می شود.

نماز شب اول قبر: نماز وحشت; نماز لیله الدفن; دو رکعت نماز مستحبی برای رفع وحشت

میت در اولین شب دفن میت به نامش خوانده می شود.

نماز شَفع: دو رکعت نماز مستحبی که پس از هشت رکعت نماز شب، پیش از نماز وَتر خوانده می شود.

نماز طواف: دو رکعت نماز که در مراسم حج و عمره پس از انجام طواف، پشت مقام ابراهیم خوانده می شود.

نماز طواف نساء: دو رکعت نماز که پس از طواف نساء پشت مقام ابراهیم خوانده می شود.

نماز عید: دو رکعت نماز مخصوص که در روز عید فطر(اول ماه شوال) و عید قربان (دهم ذیحجه) به جماعت خوانده می شود.

نماز غدیر: نمازی مخصوص در دو رکعت که هیجدهم ذیحجه خوانده می شود.

نماز غفیله: دو رکعت نماز مخصوص مستحبی که پس از نماز مغرب تا وقتی سرخی مغرب از بین نرفته خوانده می شود.

نماز قصر: نماز کوتاه؛ نماز مسافر؛ نمازهای چهار رکعتی که باید در سفر بصورت دو رکعتی خوانده شود.

نماز لیله الدفن: به «نماز شب اول قبر» مراجعه شود.

نماز مسافر: «به نماز قصر» مراجعه شود.

نماز مستحب: هر نمازی که خواندن آن کاری است پسندیده اما واجب نیست.

نماز میّت: نمازی مخصوص با ۵ تکبیر که باید بر جنازه مسلمان خوانده شود، داشتن وضو در آن شرط نیست.

نماز واجب: نمازهایی که خواندن آنها برای هر مکلفی واجب و لازم است. این نمازها عبارتند از: نمازهای یومیه، نماز آیات، نماز میت، نماز طواف، نماز قضای پدر و مادر برای فرزند پسر ارشد، نمازی که انسان با قسم، نذر و عهد برای خود واجب کرده است.

نماز وَتر: یک رکعت نماز مخصوص که پس از نماز شَفع خوانده می شود و آخرین رکعت از ۱۱ رکعت نماز شب است

نماز وحشت: به «نماز

شب اول قبر» قبل مراجعه شود

نماز وُسطی: نماز ظهر

نماز یومیه: نماز روزانه; نمازهای واجب که در هر شبانه روز باید خوانده شود که مجموعاً ۱۷ رکعت است.

نماز نوافل یومیه: نمازهای مستحبی روزانه که هر شبانه روز خوانده می شود، مجموعاً ۳۴ رکعت است و در روز جمعه ۳۸ رکعت، یعنی دو رکعت نافله صبح; هشت رکعت نافله ظهر; هشت رکعت نافله عصر; چهار رکعت نافله مغرب; دو رکعت نافله عشاء(که چون نشسته خوانده می شود، یک رکعت به حساب می آید); یازده رکعت نافله شب. در روز جمعه، ۴ رکعت به نافله های ظهر و عصر اضافه می شود.

نیت: قصد; تصمیم به انجام عمل دینی و شرعی با هدف تقرب و نزدیکی به خداوند.

«و»

واجب: لازم; حتمی; هر کاری که انجام آن از نظر شرعی الزامی است.

واجب عینی: واجبی که بر تمامی مکلفین واجب است و انجام آن توسط شخص یا اشخاصی از دیگران ساقط نمی شود، مانند نماز و روزه.

واجب کفایی: واجبی که اگر به حد کافی کسانی نسبت به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می شود، مانند غسل میت که بر همه واجب است زمینه غسل میت را فراهم کنند، اما اگر کسی یا عده ای به آن اقدام کردند، از دیگران ساقط است.

وارث: کسی که ارث می برد; جمع آن ورثه.

واقف: وقف کننده.

وثیقه: سپرده; گرویی.

وجه: دلیل: عنوان; صورت.

ودی: رطوبتی که گاهی پس از خروج ادرار مشاهده می شود.

ودیعه: امانت; مالی که نزد کسی بگذارند تا آن را حفظ کند.

وَذی: رطوبتی که گاهی پس از خروج منی مشاهده می شود.

وصل به سکون: حرکت آخر کلمه ای را انداختن و بدون وقف

آن را به کلمه بعدی چسباندن.

وصی: کسی که مسؤولیت انجام وصیتی را به عهده داشته باشد.

وصیت: سفارش; توصیه هایی که انسان برای انجام کارهای بعد از مرگش به دیگری می کند.

وضو جبیره: اگر در اندام محل وضو، جبیره باشد، باید وضو جبیره گرفت بدین طریق که اگر مثلا بر روی دست یا پای انسان گچ گرفتگی یا باند زخم باشد باید دست تر را روی آن کشید و یا اگر زخم می باشد، باید پارچه ای تمیز را روی آن قرار داد و دست تر را روی آن کشید.

وطن: جایی که انسان برای زندگی و اقامت اختیار می کند.

وطی: عمل جنسی انجام دادن.

وقف: عقد یا قراردادی که بر پایه آن کسی; واگذاری، فروش یا تملک ملک یا مالی را ممنوع کند تا منافع آن به مصرف معینی برسد.

وکیل: نماینده، کسی که از طرف شخص اختیار انجام کارهای او را داشته باشد.

ولایت: سرپرستی; اختیار داشتن.

ولیّ: کسی که بر اساس دستور شارع مقدس سرپرست دیگری باشد، مانند پدر یا پدر بزرگ

وَیل: وای

«ه»

هِبه: انعام; بخشش

هتک: بی احترامی; بی حرمتی.

هجری: منسوب به هجرت حضرت رسول (ص) از مکه به مدینه. سال هجری از «مُحرم» شروع می شود و به «ذیحجه» ختم می گردد که معادل ۳۵۴ روز می باشد. در احکام شرعی نظیر مکلف شدن دختر و پسر همین تاریخ معتبر است. سال هجری از سال میلادی ۶۲۲ سال و از سال شمسی ۱۱ روز کمتر است.

«ی»

یائسه: زنی که سنش به حدی رسیده است که عادت ماهیانه نمی شود.

زندگینامه حضرت آیت الله العظمی روحانی (مدظله العالی)

ولادت

حضـرت آیت الله العظمی آقـای سـید محمـد صادق حسـینی روحانی (مـدظله العالی) مردی از تبار مرزبانان دین، فقیه اصولی، برج بلنـد مرجعیت و زعامت حوزه های علمیه، صـدای رسای آزادی و عـدالتخواهی، مجاهـد و مبارزه خسـتگی ناپـذیر در ماه شهادت جد غریبش آقا اباعبدالله الحسین (ع) محرم الحرام سال ۱۳۴۵ ه ق، ۱۳۰۵ ه. ش، تابستان ۱۹۲۶ میلادی در شهر دیرپای علم و تمـدن و انـدیشه و فرهنـگ اسـلامی قم در خانـدانی حسـینی تبار، با پیشـینه ای از علم و تقوی و فضـیلت دیـده به جهان گشود.

والدین

والدشان مرحوم حضـرت آیت الله آقای حاج میرزا محمود روحانی (قدس سـره) از مفاخر روحانیت و حوزه علمیه قم است که در سال ۱۳۰۷ (ه. ق) در قم بدنیا آمد.

در سـال ۱۳۳۰ (ه. ق) وارد نجـف اشـرف شـد تـا از محضـر حضـرات آیـات عظـام آسـید ابـوالحسن اصـفهانی (ره) و میرزای نـائینی(ره) بهره ها برد. مـدتی در مشـهد مقـدس از شاگردان مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسـین طباطبایی قمی (ره) بود. بعـد از آن به حوزه علمیه قم آمدنـد. با تلاش، کوشـش و پایمردیهای ایشان، حضـرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری (ره) به قم آمدنـد و تدریس علوم حوزوی را شـروع کردند. ایشان از شاگردان خاص و مخصوص و مورد عنایت آیت الله حایری بودند.

این عـالم متقی و زاهـدِ متعبـدِ بـا نفوذ، سالیان سال بعـد از فوت پـدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله العظمی آقای آسـید صادق روحانی (ره) در مسجد آقا ضمن اقامه نماز جماعت، پاسخگوی مسائل شرعی و گره گشای مشکلات مردم بودند. از اقدامات ایشان می توان به همکاری با

آیت الله کاشانی در قضیه ملی شدن نفت، مبارزه جدی با رضاخان در مورد کشف حجاب و دین زدایی از مملکت، دعوت و تلاش برای ورود آیت الله العظمی حایری به قم، زمینه سازی برای تدریس ایشان و همکاری، همفکری و یاری جهت تأسیس حوزه علمیه قم و... را نام برد.

این مجتهدِ عابد در ۱۸ شعبان ۱۳۸۱ (ه. ق) بعد از یک بیماری طولانی وفات یافت. با پخش خبر فوت این مرد بزرگ، شهرستان قم متلاطم، بازار، درسها و اداره جات تعطیل گردید. در تشییع جنازه بسیار باشکوه ایشان، علاوه بر حضور تمامی مراجع تقلید، بزرگان و مدرسین حوزه، طلاب، بازاریان، کسبه و اداره جات با افراشتن پرچم عزا به صورت هیأت های سینه زنی و زنجیر زنی شرکت کردند و پس از اقامه نماز میت توسط فرزند برومندشان حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد صادق روحانی (دام ظله)، در مسجد بالای سر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شدند.

والده شان از سادات حسنی و فرزند آیت الله آقای حاج سید احمد طباطبایی قمی(ره) است که ایشان سالیان متمادی در صحن حضرت معصومه (س) اقامه نماز جماعت داشتند.

تحصیلات

حضرت آیت الله دروس پایه ادبیات عرب را در قم نزد پدر بزرگوارشان فرا گرفتند. سپس در سال ۱۳۵۵ (ه ق) در سن ۱۰ سالگی به همراه برادر بزرگترشان برای استفاده از اساتید بزرگ و نام آور حوزه علمیهِ کهنِ نجف اشرف، رنج و مشکلات هجرت از قم به نجف را پذیرا شدند!! به دلیل هوش و استعداد فوق العاده و حیرت برانگیزشان دوره چند ساله دروس «سطح» را در مدت یکسال به اتمام رساندند و

به امتحان و توصیه آیت الله العظمی خویی در سن ۱۱ سالگی وارد درس خارج فقه و اصول شدند. ورود یک نوجوان ۱۱ ساله به درس خارج فقه و اصول، آن هم همدوش طلاب با سابقه و بزرگسال حوزه علمیهِ کهنِ نجف، برای همگان حیرت آور و شوق آفرین بود.

آیت الله زاده میلانی نقل می کند که: «آیت الله العظمی خویی به پدرم آیت الله العظمی میلانی فرمودند: افتخار می کنم به حوزه ای که در آن نوجوان یازده ساله در کنار شاگردان بزرگسال و علمای بزرگ و همراه با آنان «مکاسب» را می خواند و مطالب مکاسب را بهتر از دیگران می فهمد وتحلیل می کند.»

علاقمندان به علوم اسلامی و حوزوی می دانند که کتاب ارزشمند «مکاسب» از تألیفات مرحوم شیخ انصاری است که در حوزه های علمیه تدریس می شود و یکی از کتابهای مهم و سنگین حوزوی است که فهمیدن و درک مطالب آن نیاز به شاگردان با کفایت و پر استعداد دارد.

اساتید

معظم له به دلیل علاقه و پشتکار فراوانشان هر روز در چندین درس مراجع و بزرگان حوزه علمیه که جهان اسلام و عالم تشیع به وجودشان افتخار می کند، شرکت می کردند. عمده اساتید ایشان عبارتند از:

۱ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ کاظم شیرازی (قدس سره)(۱۳۶۷ ۱۲۹۰)

۲ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی (قدس سره)(ت ۱۳۶۱)

۳ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد علی کاظمینی(قدس سره)

۴ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی(قدس سره) (۱۳۶۵ ۱۲۸۴)

۵ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمدرضا

آل یاسین(قدس سره)

۶ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خویی(قدس سره)(۱۴۱۳ ۱۳۱۷)

۷ حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد حسین طباطبایی بروجردی (قدس سره) (۱۳۸۰ ۱۲۹۲)

آیت الله العظمی روحانی از وجود تمای اساتید نام آور خود استفاده نمودند و خود را همیشه مدیون محبتها و الطاف خالصانه آن بزرگواران (رضوان الله تعالی علیهم) می دانند. اما در این میان نقش آیت الله خویی برجسته تر و قابل توجه تر است. پرورش روح اجتهاد و تکوین فقهی و علمی ایشان، مرهون ۱۵ سال شرکت در دروس خصوصی و عمومی آیت الله العظمی خویی می باشد. هوش، پشتکار و استعداد معظم له، ایشان را مورد علاقه و توجه خاص اساتید و مراجع، بخصوص مورد عنایت خاصه آیت الله خویی قرار داده بود. آیت الله العظمی خویی (ره) در آن زمان، به اتفاق رأی اغلب علماء، بزرگان و کارشناسان فقه و اجتهاد ; یک فقیه بی نظیر بودند که در اغلب علوم حوزوی نظیر فقه، اصول، کلام، تفسیر، رجال، فلسفه; مجتهد و صاحب نظر بودند و آثار منتشره ایشان گواه این مدعاست.

در دروس عمومی آیت الله خویی صدها طلبه شرکت می کردند که امتیاز آیت الله العظمی خویی در شناخت و کشف استعدادهای طلاب تیزهوش و بسیار موفق بود و سعی فراوان می کردند تا آن طلبه را زیر نظر گرفته و با ایجاد ارتباط بیشتر با او; بتوانند در تربیت آن طلبه کوشا نقش بیشتری را ایفا کنند.

با ورود آیت الله روحانی در دوران نوجوانی به نجف اشرف و شرکت در دروس آیت الله العظمی خویی; حوزه علمیهِ کهنِ نجف اشرف شاهد حضور

یک نابغه با درک و استعداد شگرفی بود که چهره اش نشان از مقام آیت اللهی می داد.

این نوجوان نابغه باید در دروس سنگین فقه اصول شرکت کند، دروس مختلف را نوشته و آنها را در منزل پاکنویس کند، با دوستان همدوره تحصیلش مباحثه کند و پیش مطالعه برای درس های فردا را هم انجام دهد. این مطالعات سنگین آنهم در غربت و با کمترین امکانات موجود؛ در شبانه روز ۱۶ ساعت وقت ایشان را می گرفت. علاوه بر آن، رسیدگی به کارهای شخصی از قبیل: تهیه مایحتاج زندگی و تحمل فشارهای اقتصادی نیز با خودشان بود. معظم له اغلب دورانی را که در نجف اشرف بودند با وضع بسیار سخت و طاقت فرسای اقتصادی مواجه بودند و اغلب، زندگیشان با قرض گرفتن از مغازه داران محل سپری می شد. و این بزرگترین رمز و سرمایه گذاری برای تحصیل و عشق و علاقه به آموختن دانش علوم اسلامی است.

تدریس

معظم له تدریس دوره های مختلف علوم اسلامی را در همان ایام نوجوانی در صحن حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در نجف اشرف آغاز کردند. تقریر دروس حوزه توسط این نوجوان برای طلاب بزرگسال و میانسال، برای همگان حیرت آور و قابل تقدیر بود.

آیت الله العظمی روحانی پس از مدت کوتاهی که در دروس آیت الله العظمی خویی (ره) شرکت کردند، با تقریر دروس اصول و فقه استاد؛ آنان را برای عده ای از طلاب و علاقمندان به دروس حوزوی، تدریس می کردند. دیری نپائید که چونان خورشیدی در نجف اشرف درخشیدند و به سان درختی پربرگ و بار، برآمدند و در سایه شان خیل

مشتاقان را آرامش می بخشیدند.

به همین دلیل بود که ارتباط آیت الله خویی روز به روز با معظم له بیشتر می شد. با اینکه اغلب آیت الله العظمی خویی در جلسه تدریسشان به کسی اجازه طرح اشکال نمی دادند به آیت الله العظمی روحانی در میان عده ایی از شاگردان می فرمودند: «چرا در مباحثه ها اشکال نمی کنی. من از شما می خواهم اشکال و ایرادهایی که به نظرتان می رسد را مطرح کنید». و این نشان از نبوغ فکری و شایستگی ویژه آیت الله العظمی روحانی دارد.

ارتباط تنگاتنگ استاد و شاگرد تا آنجا ادامه یافت که زیادی از شبهای تعطیلی آن مرجع فقید (ره) به حجره آیت الله العظمی روحانی می آمدند و ساعتهای مدیدی به بحث و بررسی مسائل علوم اسلامی می پرداختند و در انتها معظم له، استاد را تا درب منزلشان همراهی می کردند.

حضرت آیت الله العظمی خویی در سال ۱۳۶۰ (ه. ق) هنگامی که آیت الله العظمی روحانی فقط ۱۵ سال بیشتر نداشتند. طی نامه ای بسیار مهم، عظمت علمی، قدرت و استنباط قوی، هوش و ذکاوت این نابغه بزرگ را تأیید و ستودند (متن کامل نامه که به دست خط مبارک آیت الله العظمی خویی می باشد درسایت اینترنت آیت الله العظمی روحانی و در کتابهای زندگینامه که به زبان عربی و فارسی در لبنان به چاپ رسیده است، موجود است). معظم له به تأیید و مکتوب مهم مراجع و اساتید بزرگوارشان در سن ۱۴ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمدند.

ایشان در اواخر سال ۱۳۲۹ (ه. ش) وارد قم شدند و در اوایل سال ۱۳۳۰ (ه. ش) به

تدریس دروس خارج فقه و اصول در صحن مطهر حضرت معصومه (س) پرداختند. بیش از نیم قرن است که ایشان به تدریس علوم آل محمد (ص) و تربیت هزاران طلبه فاضل و تشنگان دانش ائمه اطهار می پردازند. اغلب شاگردان، پرورش یافتگان و حلقه نشینان منبر تدریسشان; از مدرسین نام آور، فضلا و دانشمندان حوزه و عده ای در مسیر مرجعیت قرار دارند.

ایشان به هنگام تدریس، متین و گویا سخن می گویند. به دلیل وسعت احاطه شان بر موضوعات علمی، از پرداختن به زواید پرهیز می کنند. درس ایشان فشرده ای از آراء و مبانی بزرگان و فقیهان نامی به همراه نظریات خودشان است که با بحث و استدلال، بر رد یا قبول آن مبانی می پردازند. در جلسات تدریسشان به مبارزه با جمود، یکسونگری، احتیاط زدگی، تقلید و پیروی کورکورانه از بزرگان می پردازند، زیرا معتقدند که تقلید و تعصب ناروا و غیر منطقی روی اقوال بزرگان و مبارزه با هر نظر نو، توان علمی را از حوزه می گیرد. از این رو معظم له با حفظ احترام بزرگان و تأکید بر این امر، با نظرات آنها نقادانه برخورد می کنند. نظریات جدید و نو، ابتکار در مبانی، خروج از آراء پیشینیان و ژرف نگری در تدریس ایشان موج می زند.

هر چند ایشان به عنوان یک مرجع و فقیه نو اندیش شهرت دارند اما هیچگاه «حکم الله» را به نام «مصلحت» یا «نواندیشی» زیر پا نمی گذارند. فقیه نواندیشی که هیچگاه به انکار سنت و حذف باورهای دینی نمی پردازد.

تألیفات

معظم له از ابتدای زندگی علمی خویش در راستای نشر معارف اهلبیت و گسترش

دانش اسـلام، هرگز آرام نگرفتند. زمانی بر مسـند تدریس می نشینند و به تربیت و پرورش هزاران دانشمند فاضل و فرزانه می پردازند و زمانی دیگر دست به قلم می شوند و به تألیف کتب ماندگار اسلامی می پردازند.

ایشان به محض ورود به حوزه علمیه قم و احساس نیاز جامعه حوزوی و اسـلامی، همزمان با تـدریس درس خارج فقه و اصول در سـنین جوانی، دست به تألیف دایره المعارف فقه اسلامی می زنند. کتابی ماندگار که بزرگان و اساتید نام آورِ خبره حوزه، مراجع بزرگ تقلید و مدرسین، سر تعظیم و تمجید در برابرش فرو می آورند.

حضـرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) دوبـار کتـاب «فقه الصادق» را همراه خود به جلسه تـدریس شان می برنـد و به عنوان سند از آن نقل قول و به آن استناد می کنند.

حضـرت آیت الله العظمی خویی (ره) طی نامه ایی مرقوم فرمودند که: من کتاب «فقه الصادق» را شخصا برای آیت الله کاشف الغطاء بردم و گفتم: ببیند من چه خدمت بزرگی به عالم اسلام و فقاهت نموده ام و چنین عالم محققی را تربیت کرده ام.

رییس دانشگاه الازهر (مهمترین و عالی ترین مرکز علمی اهل تسنن) نیز طی نامه ای کتاب عظیم «فقه الصادق» را می ستاید.

این کتـاب سالیـان سـال است که یکی از رساترین، معتبرترین و مهمترین منبع تـدریس فقه و اصول تشـیع است. یکی از دلایل مرجعیت و اعملیت ایشان، ناشی از این تألیفات بخصوص کتاب گرانسنگ «فقه الصادق» است.

۱ فقه الصادق(بزبان عربی): دایره المعارف کامل فقه تشیع. این کتاب عظیم و بزرگ که به عنوان یک منبع مرجع شناخته شده است در ۲۶ جلد

بارهادر داخل و خارج کشور به چاپ رسیده است. چاپ جدید آن بزودی در ۴۰ جلد (با ذکر منابع و مصادر) به چاپ خواهد رسید.

از تـألیف کتـاب عظیم «جـواهر الکلام» که شامـل تمـامی ابواب فقه می باشـد نزدیـک به ۲۰۰ سـال می گـذرد و کتـاب «فقه الصـادق» که به اعتقـاد بعضـی از مراجع و بزرگـانِ خبره حوزه، از «جواهر الکلام» رساتر و کامل تر است; اولین و کامل ترین دایره المعـارف تمـام ابواب فقه در دو سـده اخیر است. این کتاب که در سـنین جوانی معظم له به رشـته تحریر درآمـده، مورد عنایت خاصه تمامی مراجع تقلید و بزرگان حوزه های علمیه است. این کتاب در میان علماء عامه (اهل تسـنن) نیز شناخته شده و مورد اسـتناد است. کتـاب «فقه الصادق» در دانشـگاه های معروف غرب (بخش مطالعات اسـلام شناسـی) یکی از منابع مورد قبول و قابل استناد است.

۲ «زبـده الاـصول»(بزبان عربی): دوره کامل علم اصول فقه که به صورت بحث اسـتدلالی ارائه گردیـده است. این کتاب در ۶ جلد می باشد.

۳ «منهـاج الفقاهه»(بزبان عربی): در ۶ جلد می باشد که حاشـیه ایی است بر «مکاسب» شـیخ انصاری (ره) که به شـیوه ایی نو و ابتکاری تمامی موارد ارائه شده را بحث و بررسی کرده اند.

۴ «المسائل المسـتحدثه»(بزبان عربی): حضرت آیت الله مبتکر مسائل مستحدثه و ارائه مسائل جدید با ذکر مسایل فقهی، روایی هسـتند. این کتـاب که بارهـا وبارها در خارج و داخل کشور به چاپ رسـیده است شامل ارائه مسائل جدیـد، نو و مورد ابتلای جامعه با ذکر دلایل و مستندات فقهی، روایی و قرآنی می باشد.

۵ تعلیق بر «منهاج الصالحین» در ۲

جلد (بزبان عربی)

۶ تعلیق بر «عروه الوثقی» در ۲ جلد(بزبان عربی)

۷ تعلیق بر «وسیله النجاه» (بزبان عربی)

۸ رساله در لباس مشکوک (بزبان عربی)

۹ رساله در قاعده لاضرر (بزبان عربی)

۱۰ الجبر و الاختیار (بزبان عربی)

۱۱ رساله در قرعه (بزبان عربی)

۱۲ مناسک الحج (بزبان عربی)

۱۳ المسائل المنتخبه (بزبان عربی)

۱۴ رساله در «فروع العلم الاجمالی» (بزبان عربی)

۱۵ الاجتهاد و التقلید (بزبان عربی)

۱۶ القواعد الثلاثه (بزبان عربی)

۱۷ اللقاء الخاص (بزبان عربی) مربوط به «سایت یا حسین»

۱۸ رساله «توضیح المسائل» (بزبان فارسی و اردو)

۱۹ تحقیقی در مورد جبر و اختیار (بزبان فارسی)

۲۰ «نظام حکومت در اسلام» (بزبان فارسی و ترکی و اردو)

۲۱ مناسک حج (بزبان فارسی)

۲۲ منتخب احکام (بزبان فارسی)

۲۳ «استفتائات قوه قضائیه و مؤسسه حقوقی وکلای بین الملل» (بزبان فارسی)

۲۴ احکام فقهی مسائل روز (بزبان فارسی)

۲۵ استفتائات (پرسش و پاسخ های مسائل شرعی) (بزبان فارسی): که تاکنون در ۲ جلد به صورت سؤال و جواب ارائه شده است.

۲۶ «الف سؤال و جواب» (بزبان عربی): شامل استفتائات و پاسخ های مسائل شرعی می باشد که در ۶ جلد تهیه شده است. هرجلد شامل ۱۰۰۰ سؤال و جواب است.

مرجعیت

بعد از تشریف فرمایی ایشان از حوزه علمیه نجف اشرف و شروع به تدریس درس خارج فقه و اصول و با توجه به نگارش کتاب عظیم «فقه الصادق» بعد از فوت آیت الله العظمی بروجردی (ره) به پیشنهاد علماء، فضلاء و مدرسین نام آور، رساله عملیه ایشان منتشر شد. طبق آنچه در کتابخانه ملی ایران موجود است، اولین چاپ رساله توضیح المسائل ایشان مربوط به سال ۱۳۴۰ (ه. ش) می باشد.

معظم له اولین مرجع تقلید صاحب رساله در خاندان بزرگ «روحانی»

است و مهمترین دلیل معروفیت بین المللی این خاندان، مربوط به شخصیت و موقعیت جهانی حضرت آیت الله العظمی سید صادق روحانی (مدظله العالی) می باشد و مقلدین حضرتش در سراسر دنیا پخش می باشد.

بعضی از ویژگی ها سیاست و حیات سیاسی

ایشان دین را از سیاست جدا نمی دانند، روح سیاست را در پیکره دیانت می بینند. به همین دلیل، ضرورت مبارزه با حُکام جائر در هر زمان، لزوم مبارزه با استعمار، استکبار و صهیونیسم؛ شرکت و اظهار نظر در تمامی مسائل سیاسی جهان اسلام، تلاش برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی، فقر زدایی، زدودن خرافات از چهره تشیع و... از همین تفکر نشأت می گیرد. در نتیجه در هیچ مقطع از زمان، کناره گیری از صحنه سیاست و تکالیف اجتماعی را جایز نمی دانند.

معظم له در دوران رژیم ستمشاهی پهلوی از رهبران کلیدی مبارزات مردمی بودند. زمانی که ناز و نعمت حکومت خیلی ها را به عجز و تسلیم وادار کرده بود، زمانی که خیلی از مقدس نمایان مبارزه را عقیم می دانستند، ناامید شده و به تسلیم کشیده شدند؛ مبارزات، تلاش ها و پایمردیهای این رهبر بزرگ ملی و مذهبی بود که دل به ایستادگی و پایداری سپردن، از دولت وقت نهراسیدن، به میدان کارزار و مبارزه برآمدن و دیگران را به جهاد فراخواندن؛ کاری بود کارستان! ایشان تلاششان حق گویی، حق گرایی، حق مداری و بر موضع حق پای فشردن است.

این طراح بزرگ انقلاب تفکر مبارزه و قهر ستیزی و سرنگونی حکومت وقت را در سرلوحه برنامه های خود قرار دادند و رهبری مبارزات را برای آشتی ناپذیری با دولت و برقراری حکومت اسلامی را بزرگترین وظیفه در

این «مملکت شیعه» و از مصادیق خدمتگزاری به آستان ملکوتی صاحب الزمان (عج) می دانستند. به همین جهت بود که با همه سختی ها، رنج ها، سنگ اندازی ها، تبعیدها، زندانی شدنها; پرچم حق مداری را بر زمین ننهادند. ایشان بر بلندای «فاستقم کما امرت» ایستادند تا این نهال را به باور بنشانند (که نشاندند) تا از آن هزاران میوه برآید (که برآمد) که شیرینی آن برکام ملت بزرگ ایران بنشیند(که نشست). و این یکی از بزرگترین دستاوردهای رهبری این مرزبان بزرگ دین است.

از آنجا که این مرد بزرگ متاع دنیا را با همه وسعتش به سُخره گرفته و به پَشیزی نمی خرد و تنها چشم بر آخرت دوخته است و همچون مولای مظلومش علی (ع) دنیا را سه طلاقه کرده است; هیچگاه برای بدست آوردن پست و مقام تلاش نکرد و هرگز با حق ستیزان از در آشتی درنیامد!

هر چند تاریخ نویسان تحریف گر و قلم بدستان مغرض و معاند، تلاش داشته و دارند تا از نقش بزرگ و انکار ناپذیر این رهبر مذهبی و ملی در مبارزات مردمی با رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب; به سادگی بگذرند و در تلاشند تا در عرض ایشان، جمعی دیگر را در رهبری و هدایت انقلاب چهره کنند و اندوهمندانه باید اعتراف کرد تا حدودی نیز این تلاش های مذبوحانه جواب داده است و گروهی معاند با جعل سند که بعدها به شکست خفت بار خود اعتراف کردند ناکام مانده و می مانند که همیشه ماه پشت ابرها باقی نمی ماند!؟

اعلامیه های پرشور، سخنرانی های داغ و مبارزانه، پرونده های تابناک موجود ساواک، تبعیدهای

سخت و طاقت فرسا به زابل، یزد، میگون، تهران، زندان انفرادیِ طاق سوزِ کمیته شاه، حصرهای خانگی، ممنوع الملاقات، ممنوع التدریس، ممنوع الخروج بودن، زندانی شدن یاران، شاگردان و مریدان معظم له، و... خود گواه صادق این مدعاست.

احترام به مراجع

یکی از ویژگی های معظم له، حفظ و احترام مراجع تقلید است. با آن که در دیدگاهها و سلایق، ناسازگاری هایی با بعضی از مراجع داشته و دارند، اما هیچگاه زبان به دشنام، بدگویی یا تخریب موقعیت آنها نگشوده اند. بارها اتفاق افتاده است که یک مرجع یا فردی که در مسیر مرجعیت است به هر دلیل موجه یا غیر موجه مورد شماتت یا دشنام قرار گرفته، ایشان به دلیل همان احترامی که برای مقام مقدس مرجعیت نه شخص قائل هستند، سکوت را جایز نشمارده و به دفاع از کیان مرجعیت و علوم دینی پرداخته اند. حتی اگر مقام خودشان مورد هجوم قرار گیرد. ایشان معتقدند که اگر دیانت، عزت و حرمت مراجع را نداشته باشیم; کج اندیشان، بددهنان و معاندین را به میدان عرض اندام و ضربه زدن به کیان و نظام مرجعیت فرا خوانده ایم. در این راه دیدید و دیدیم که چه ها کردند!؟

اندرزها و سفارشات

حضرت آیت الله العظمی روحانی به شاگردان، مقلدان و مریدان بی شمارشان در سراسر دنیا اندرزهایی نه فقط با زبان که با رفتار و عمل خود، آموزانده اند. که:

یادمان داده اند که «حق و باطل» را با افراد و بزرگان نشناسیم!

اندرزمان داده اند که تفاوتی بر «مدح و ذم» دیگران قائل نشویم!

ایشان با زندگی شگرف خویش بی اعتنایی بدنیا را به ما آموزش داده اند و یادمان داده اند که می توان «ساده زیست» و «اسیر تجملات دنیا» نشد!

معظم له درس فروتنی و تواضع را با عمل خویش یادمان داده اند !

نهیبمان زده اند که نکند «حوادث در شما اثر کند» و فرازونشیب روزگار شماها

را از راه بازدارد!

از معظم له آموخته ایم که هیچ کاری در روی زمین به عظمت «هدایت و انسان سازی» نیست!

«دریا صفتی» و «بزرگی روح» را از رفتار و منش بزرگوارانه اش آموخته ایم!

معظم له یادمان داده اند که هرگز به دنیا و مافیهایش چشم ندوزیم تا به هنگام مرگ نگویند: «چشم از جهان فرو بست»!

یادمان داده اند که آخرت و جهان دیگر را چنان آمیخته لحظه لحظه زندگیمان کنیم تا به هنگام مرگ نگویند: «به دار باقی شتافت»!

یاد آورمان شده اند که برای «بقای روح» باید رنج کشید که سختی و رنج و مشقت، صیقل دهنده روحمان است!

زُهد ایشان درزندگی شخصی بهترین آموزشگر ماست!

استقامت و پایداری شگرفش، بیانگر اوج احساس مسؤولیت و پایمردی ایشان است!

نهیبمان زده اند که قدر لحظات زندگی خود را بدانید و پیاممان داده اند که فقط یک بار به این دنیا می آیید و برای زندگی ابدی خود از همین یک بار باید هر آنچه را که می توانید استفاده کنید و ره توشه بردارید!

گذشت و بزرگواری اش یادآور کرامتی است که قرآن و سنت اهل بیت به گوشمان خوانده اند!

اخلاص فراگیر ایشان در تمامی لحظات، جایی برای بروز امیال نفسانی، خودنمایی و خودخواهی، تکبر و فخر فروشی، مدح طلبی و ثناجویی، باقی نمی گذارد!

معظم له اخلاص، بلند همتی، عفو و گذشت، صبر و استقامت، دقت و ریزبینی، خدمت به مردم، آزادی و عدالت خواهی و بالاخره قدرشناسی از اساتید را به ما آموزش داده اند!

اگر چه خود هرگز قدرشناس او نبوده ایم!!؟

حیات مذهبی

ایشان تقید خاصی به خواندن زیارت کامل عاشورا دارند. حدود نیم قرناست که معظم له

هر روز صبح زود به مدت یکساعت و نیم زیارت کامل عاشورا را می خوانند و با یاد آقا اباعبدالله الحسین (ع) روحشان را جلا می دهند.

آنان که به عشق امام زمان (عج) و ارتباط با حضرتش به مسجد جمکرانمشرف می شوند، می دانند که سالهاست هر هفته یک سید نورانی; آرام، آرام و عصا زنان به عشق مولا ـ و تجدید عهد و پیمان، ابراز علاقه و توان بخشی روحی به مسجد جمکران می آید تا گزارش یک هفته خدمتگزاری خود را به مولای و مقتدا خود، ارائه دهد. این سید نورانی جلیل القدر، کسی نیست جز حضرت آیت الله العظمی روحانی. بعد از جمکران، به قصد عرض ادب به ساحت کریمه اهل بیت حضرت معصومه (س) به حرم مشرف می شوند و به هنگام خواندن زیارت، دستها را به حلقه های ضریحش قلاب می کنند و بعد از خواندن نماز زیارت، برای خواندن فاتحه و عرض ادب بر سر مزار پدر بزرگوارشان در مسجد بالای سر حضرت معصومه، حاضر می شوند.

ایشان تقید خاصی به برقراری مراسم عزاداری برای ائمه اطهار بخصوص آقا ابا عبدالله الحسین (ع) دارند. در طول دو ماه محرم وصفر تمام لباسهای ایشان سیاه است، بیت معظم له سیاه پوش می شود. در این ایام هیأت های مذهبی و سینه زنی که از اقصی نقاط ایران به بیت ایشان می آیند، پس از مراسم عزاداری به همراه معظم له و اقامه نماز جماعت، با ایشان مهمان سفره آقا اباعبدالله الحسین خواهند بود. فقط مظلومیت مولایش علی و مقتدایش مهدی (علیهما السلام) و مادر پهلو شکسته اش زهرا (س) است که بر

پهنای چهره شان اشک می نشاند.

در اعیاد مذهبی هم معظم له برای شرکت در شادی دل امام زمان (عج) مجلس جشن و سرور برقرار می کنند و مداحان و عاشقان ائمه اطهار در این مراسم ها شرکت می کنند.

بیت معظم له به دور از هر سازمان یا تشریفاتی اداره می شود، در نتیجه ارتباط مستقیم با ایشان به سهولت امکان پذیر است. ملاقات هر روزه در دفتر ایشان بطور مستقیم با معظم له در یک ساعت مشخص و معین، امکان پذیر است. مخارج بیت زیر نظر مستقیم معظم له است و هر نوع خرج و برجی را مستقیماً نظارت دارند. وجوهات شرعی را شخصاً دریافت می کنند و حساب های بانکی نیز به نام خودشان است. زندگی ساده و بی آلایش ایشان زبانزد عام و خاص است.

گاه گاهی بعضی از افراد و البته به قصد ضربه زدن به بیت ایشان وارد شده اند تا آنچه را که خود می خواهند و می پسندند به کرسی بنشانند. زمانی که معلوم و ثابت شود که این افراد از تقوای لازم برخوردار نیستند، در کمترین زمان ممکن و بدون هیچ رودر بایستی عذر آنها خواسته می شود و از نفوذ آنها جلوگیری بعمل می آید.

از دیگر خصوصیات اخلاقی ایشان; تواضع و فروتنی، ساده زیستی، کمک و یاری به طلاب علوم دینی برای سنت دیرینه حضرت رسول (ص) ازدواج کمک هزینه برای مداوای بیماری طلاب و خانواده های آنها، تهیه لیست چند ده هزار نفری ایتام، بیوه زنان، ضعفا و درماندگان و کمک های ماهانه به آنها. اجازه و شرکت در ساخت صدها مسجد، حسینیه، مدرسه، بیمارستان،

درمانگاه و مراکز عام المنفعه در سراسر ایران و خارج از کشور.

سالهاست معظم له هر ماه به مـدت ۵ روز مرحمتی آقـا امام زمان (عـج) را به دهها هزار طلبه حوزه علمیه مقـدسه قم، پرداخت می کنند. دیگر طلاب علوم دینی در استانها دیگر نیز از این مرحمتی امام زمان (عج) توسط معظم له، استفاده می کنند.

جلد ۵

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی/محمد صادق روحانی

مشخصات نشر : قم: مهر امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری : ج ۵

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۶۴۸۰

اجتهاد و تقلید

نگاهی کوتاه به آثار حضرت آیت الله العظمی روحانی ...۲۵۳

س۱ : در جایی که مرجع تقلیـد، حکم به احتیاط واجب داده انـد و «فالاعلم» ایشان حکم به احتیاط مسـتحب داده انـد; آیا می توان به نظر فالاعلم عمل کرد؟

بلی، چون احتیـاط مستحب در جایی است که مجتهـد فتوی می دهـد، بنابراین در فرض سـئوال می توان به فتوا عمل کرد و به احتیاط واجب عمل نکرد.

س۲ : بنده پس از جسـتجوی فراوان بین حضـرتعالی و یکی دیگر از مراجع بزرگوار، نسـبت به بحث اعلمیت مردد هسـتم. نظر ایشان لزوم تقلیـد از اعلم تشـخیص داده شـده در سن تمییز است و صـرف درک مجتهد، در سن تمییز را کافی می دانند; و از طرفی ایشان در صورتی که وجود اعلم معلوم، ولی معین نباشد و یا اصولا وجود اعلم محتمل باشد و یا حجت شرعیه بر تساوی باشـد، در صورت امکان احتیاط را لازم می داننـد. با توجه به نظر حضـرتعالی در این رابطه وظیفه من چیست و در صورتی که در این مسأله وظیفه احتیاط باشد، چگونه باید احتیاط کنم؟

۱ چنانچه در سن تمییز تشخیص داده اید که شخصی اعلم است، بعد از بلوغ باید از او تقلید کنید.

۲- چنانچه اعلم مردد بین دو یا چند نفر باشد و راهی برای تعیین و ترجیح نباشد، مخیرید بین تقلید از یکی از آنان و

اگر بخواهید احتیاط کنید، باید جمع بین فتاوی آنان در عمل بنمایید.

س۳ : آیا در زمانی که انسان در مورد یک مسأله خاص، با توجه به تحقیقاتی که در آیات و روایات انجام داده است، به قطعیت رسیده است و در آن حکم خاص، به دلایلی احساس می کند که از مرجع اش اعلم است، آیا رجوع ایشان به مرجع، صحیح است یا خیر؟ (به فرض اینکه واقعاً در مورد آن حکم از مرجع اش اعلم باشد)

چنانچه شما درس خوانده اید و به درجه اجتهاد ولو در بعضی از مسائل رسیده اید، باید در آن مسائل رجوع نکنید و اگر مجتهد نیستید، ممکن نیست بتوانید از آیات قرآن و روایات حکمی را به دست بیاورید که فقهاء نفهمیده اند.

س۴ : آیا می توان مرجع تقلید ثابتی نداشت و از مراجع مختلف تقلید نمود.

خیر، نمی شود.

س۵ : مرجع تقلید من آیت الله... می باشد، می توانم به خاطر حکمی مرجع تقلیدم را عوض کنم؟

اگر تقلیدتان از روی موازین شرعیه بوده است، به خاطر یک حکم که خلاف میل شما است، نمی توانید به مرجع دیگر رجوع کنید مگر اعلم بودن دیگری ثابت شود، که در آن صورت عدول جایز، بلکه واجب است.

س۶ : نظر شما درباره عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر چیست و چگونه می شود مقلد شما شوم. آیا مراحل خاصی دارد؟

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر جایز است، بلکه واجب به شرط این که یکی از علماء اهل خبره شهادت به اعلمیت آن مجتهد دیگر بدهند والّا جایز نیست.

س۷ : بنده زمانی که به سن بلوغ رسیدم، در منزلمان رساله آیت الله... وجود

داشت و من هم گفتم که بنـده مقلـد ایشان هسـتم، ولی به خاطر ندارم که از فتوای ایشان اسـتفاده کرده باشم. آیا ایشان مرجع بنده محسوب می شود یا خیر و آیا می توانم مرجع دیگری را انتخاب کنم؟

در مرجع، اعلم علمـاء بـودن شـرط می باشـد و راه فهمیـدن اعلمیت به سؤال از اهـل خـبره است؛ یعنی اهـل خـبره شـهادت به اعلمیت او بدهند. بنابراین، ایشان مرجع شما نیستند و شما در زمره مقلدین ایشان محسوب نمی شوید.

س۸ : در چه مواردی می توان از مجتهدی به مجتهد دیگر عدول کرد؟

چنانچه مجتهدی اعلم از دیگری باشد یا نستجیر بالله بفهمید که مجتهدی که از او تقلید می کنید، عادل نیست.

(ت) س۹ : به نظر شما عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟

عمل به احتیاط در اکثر موارد، بهتر است البته تشخیص آن موارد برای غیرمجتهد مشکل است.

س۱۰ : شخصـی بنابر احتیاط از چنـد مجتهـد تقلیـد می کنـد اگر مجتهدین در حکمی، یک نظر واحد یا در حد واحد نداشـته باشند، شخص مقلد، چگونه باید حکم صحیح تر را با توجه به آنکه همگی حکم ها صحیح می باشد، انتخاب کند؟

از چند مجتهد نمی شود تقلید کرد.

س۱۱ : اگر چند مجتهد در موضوعی، حکم به احتیاط واجب دادند، می توان آن حکم را عمل نکرد؟

به مجتهد دیگر غیر از آنها می توان مراجعه کرد.

س۱۲ : بنده می توانم بدون مشورت از کسی مرجع تقلیدم را انتخاب کنم؟

مرجع تقلیـد بـدون شـهادت اهل خبره و یا شـهادت کسانی که مطلع نیسـتند، جایز نیست، چون شـما بایـد از اعلم تقلید کنید و تشخیص اعلم بدون مراجعه به اهل خبره،

برای شـما ممکـن نیست، مگر آن که مجتهـدی در بین مردم به اعلم بـودن معروف باشـد، بنحـوی که شـما اطمینـان پیـدا کنید خلاصه آنکه میزان، اطمینان وجدانی یا شرعی شما است به اعلمیت و عدالت او.

س۱۳ : دادن رساله توسط فردی - که اهل خبره و مورد اطمینان و عالم شـناس نیست به یک جوان تازه به سن تکلیف رسـیده که بدون تحقیق و بدون اینکه در مورد اعلمیت آن مرجع به یقین رسیده باشد، صحیح است و آیا تقلید او صحیح است؟

خیر، صـحیح نیست. تقلیـد از کسـی صـحیح است که یا اهل خبره عادل، شـهادت به اعلمیت او بدهـد; یا انسان از شـهرت بین متدینین به اعلمیت او اطمینان پیداکند. مجرد دادن رساله، آن هم توسط غیر اهل خبره، سبب جواز تقلید نمی شود.

س۱۴ : همه مراجع یکی از شـروط تقلیـد را، تقلیـد از مرجع اعلم می داننـد، در کنار این مسأله مشاهده می شود، ده ها مجتهد صاحب فتوی شـده انـد; به طوری که شایـد تشـخیص اعلم و غیر اعلم بر اهل علم نیز مشـکل است، چه برسد به عامه مردم. از طرف دیگر هر روز شاهـد حملات همه جانبه و گوناگون دشـمنان اسـلام - خصوصاً اهل بیت(علیهم السـلام) به مکتب تشـیع هستیم و یکی از راه های مقابله با این مسأله وحدت و یکپارچگی قول و فعل مراجع و شیعیان است; به طوری که اگر برای هر مسـأله ای یـک رأی و نظربـود، نفوذ کلاـم و قـدرت اجرایی آن به مراتب بیشـتر از چنـدین قول می بود. آیـا در جهت تقویت مکتب تشیع و برای مقابله با دشمنان بهتر این

نبود که مراجع جامع الشـرایط از میان خود، کسی را که واجد کلیه شرایط لازم وکافی است، به عنوان تنها مجتهد اعلم انتخاب و به جهان تشـیع معرفی نماینـد و خود نیز در مسائلی که حادث می شود، از او تبعیت نماینـد؟ حسن این کار این است که همه مراجع، اعلم بین خود را میشناسـند. مانند اینکه اگر یک کلاس همه دانش آموزان، شاگرد اول را بشناسند برای حل مشکلات درسـی خود به او رجوع می کننـد. تصور این است که این مسأله درمورد مراجع صاحب صـلاحیت نیز صـدق کنـد و آنها هم اعلم بین خود را می شناسند و در مورد انتخاب و معرفی وی تنها باید اتفاق نظر داشته باشند.

به هر حـال تصور این است که قـدرت جهان تشیع و مرجعیت شـیعه با وجود یک حکم و فتوی که مورد تأییـد همه مراجع نیز می باشـد، بیش از پیش افزایش می یابـد و مؤمنین نیز نقطه اتکای محکمی پیدا می کنند. خواهشـمند است، نظرات خود را در خصوص این مطلب بیان فرمایید.

اولاـ در مسائـل سیاسـی و اجتماعی میان مراجع اختلافی نیست و اگر در موضوع خاصـی مجتهـدی حکم دهـد (نه فتوی) برای دیگران متابعت

لازم است.

و ثانیاً اختلاف میان مراجع ناشـی از کیفیت استفاده از ادله شرعیه است و بر هیچ مجتهدی جایز نیست برخلاف آنچه می فهمد فتوی دهـد، بلکه از امتیازات تشـیع آن است که راه اسـتنباط باز است و در مسائل جدیدی که در عالم پیدا می شود می توانند فتوی بدهند. در آخر توضیح المسائل مسائل جدیدی نوشته شده است که می توانید استفاده کنید.

س۱۵ : الف: اگر کسی از

مجتهـدی تقلید نکند و نسبت به تقلید بی تفاوت باشد و نماز و روزه و سایر احکام را انجام داده باشد. آیا او گناه کار است و آیا عبادات او قبول است؟

ب: اگر شخصـی بدون تقلید و اجازه از مرجعی اقدام به پرداخت خمس به مستمندان نماید; آیا این کار او پذیرفته است؟ لطفا به طور مشروح حکم چنین افرادی را بیان فرمایید.

الف: عمل انسان بایـد یا از روی اجتهاد باشد، یا احتیاط، یا تقلید. قهراً اگر به یکی از سه طریق نباشد، عمل او باطل است، البته در مسائـل اختلافی و چنانچه مـدتی بـدون تقلیـد و اجتهاد و رعایت احتیاط عمل نمود، بعـداً ملاحظه کرد که عملش موافق با فتوای مجتهد اعلم بوده است یا در همان زمان عمل فهمید که بر طبق فتوای اوست، عمل صحیح است و اشکال ندارد.

ب: و اما در مورد خمس دادن که نیمی از آن «سـهم سادات» است، بدون اجازه مجتهد اشکال ندارد و اما نصف دیگر آن که «سـهم مبـارک امـام(علیه السـلام)» است، بایـد بـا اجازه مجتهـد باشـد، و به نظر ما، اجازه بعـدی هم کفایت می کنـد; البته در صورتی که در موردی مصرف شده باشد که موافق فتوای مرجع او می باشد و الا کافی نیست.

س۱۶ : منظور از فتوای «جایز نیست» چیست و آیا معنای آن این است که اگر آن فعل را انجام دهیم، مرتکب گناه شده ایم، یا اینکه بهتر است آن فعل را انجام ندهیم؟

بله، جایز نیست به معنای حرام است و ارتکاب آن گناه است، می باشد.

س۱۷ : حضرتعالی در مسأله شماره ۱۷۳۲ توضیح المسائل (چاپ ۱۵، تابستان ۷۹) بیان

فرمودید که اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که تقلید او را نمی کند، باید به حکم او عمل نماید، ولی کسی که می داند حاکم شرع اشتباه کرده، نمی تواند به حکم او عمل نماید. حال اگر من مقلد حضرتعالی باشم آیا باید از حاکم شرع تبعیت نمایم؟ اصولاـ می توان حاکم شرع را در این خصوص صاحب صلاحیت دانست؟ اگر طبق این مسأله بخواهم از حاکم شرع تبعیت کنم، از کجا یقین حاصل نمایم که وی اشتباه نکرده است؟ خلاصه مطلب اینکه در این مساله تصور این است که تناقضی در تقلید از مجتهد جامع الشرایط و غیره دیده می شود. لطفا راهنمایی فرمایید.

حکم غیر از فتوی است، فتوی در احکام کلیه شرعیه است، اما حکم در موضوعات خارجیه، مانند ثبوت هلال. در فتوی باید از اعلم تقلید نمود و در حکم حاکم باید مجتهد باشد ولو غیر اعلم باشد. و مراد از مجتهد جامع الشرایط مجتهد عادل است. بنابراین تناقضی وجود ندارد.

س۱۸ : من در پی شناخت مرجع اعلم می باشم، اگر ممکن است نظر خود را با ذکر دلیل برای من بفرمایید.

کسی که تقلید اعلم را لازم می داند و رساله می نویسد، لابد خودش را اعلم می داند، ولی از او نپرسید که چه کسی اعلم است.

س۱۹ : آیا مکلف شیوه رسیدن به احکام اسلام را باید خود انتخاب کند، یا باید به روشی که در رساله های عملیه آمده (در تمامی احکام یا تقلید یا احتیاط) عمل کند (البته به فرض اینکه مجتهد نباشد)؟ شاید مکلف به این نتیجه برسد که درست نیست فقط

از یک مجتهد تقلید کند، بلکه بهتر است مجموع آرا را بررسی کند و سپس اگر به نتیجه مشخصی رسید، به آن عمل کند؛ در غیر این صورت خودش نیز در منابع موجود تحقیق کند و پاسخ درست را بیابد. مثلاً من در موردی خاص با تحقیق در متون فقهی و منابع استخراج احکام به نتیجه ای خلاف نظر مجتهدین می رسم. آیا در این مورد خاص مجازم به نتیجه تحقیق خودم عمل کنم؟ به طور کلی این نظر که مکلف تقلید کردنش هم بر اساس تقلید از مجتهدی باشد، چندان با عقل سازگاری ندارد، بلکه باید بر اساس اجتهاد شخصی نحوه رسیدن به احکام اسلام را بیابد (یعنی مثلا خودش با ادله شخصی به این نتیجه برسد که باید در تمامی احکام از مجتهد اعلم تقلید کند، نه اینکه چون در تمام رساله ها آمده باید تقلید کند).

رجوع به مجتهد از اموری است که همه عقلاء عالم آن را قبول دارند. آیا به فکر شخص شما خطور می کند که چنانچه مریض شوید یا مریضی دارید که حال او وخیم است، به دکتر مراجعه نکنید؟! خلاصه احکام شرعیه از جانب خدای تعالی بر پیغمبر(صلی الله علیه وآله) نازل و بهوسیله ائمه اطهار(علیهم السلام) بیان شده است. با توجه به موانعی که در راه رسیدن آن احکام به ما پیدا شده، استفاده از احکام احتیاج به یک سلسله علوم و تتبع دارد، تا بتوان حکمی را استخراج نمود. به خصوص روایات متعدده وارد شده است که «دین الله لایصاب بالعقول و ان السنته اذا قیست محق الدین». به هر حال مکلف در عمل به احکام

و کسب سعادت اخروی سه راه دارد: اجتهاد که کار بسیار مشکلی است تقلید و احتیاط.

س۲۰ : همان گونه که در بحث تقلید همه مراجع اعلام کرده اند، رجوع به اعلم واجب است در این رابطه چند سؤال داشتم:

۱. چرا خود مراجع حاضر، با شناختی که از هم دارند، یکی را به عنوان اعلم معرفی نمی کنند؟

چون امر اعلمیت از امور حسیه نیست و حدسی است و با این همه مسائل فقهیه اختلاف در این امر زیاد پیدا می شود.

۲. در اطراف هر مرجعی افراد صالح و شایسته ای پیدا می شوند، که شهادت می دهند مرجع مورد نظر آنها اعلم است. در این صورت اعلم چگونه مشخص می شود؟

میزان، شهادت اهل علم و فقاهت است و شاهد باید عادل و ثقه هم باشد، تا شهادتش قبول شود.

۳. چرا بعضی از مراجع همدیگر را قبول ندارند؟

چون علومشان نظری است نه حسی، قهراً اختلاف نظر پیدا می شود.

۴. رهبر واجب الاطاعه است یا مرجع؟ (در صورت بروز اختلاف در حکم یا فتوا).

در امور غیرشرعیه هیچ کدام، و اما در احکام شرعیه چون تقلید اعلم لازم است، پس فتوای مرجع اعلم مقدم و لازم الاجراء است.

۵. فرق مجتهد با مرجع چیست؟

مرجع باید اعلم باشد و مجتهد بودن برای مرجعیت کافی نیست.

س۲۱ : چرا شما زنان را برای مرجع تقلید بودن توانا نمی بینید؟ در حالی که بسیاری از زنان در عصر ائمه دارای اجازه مرجعیت بودند؟

زنان در زمان ائمه(علیهم السلام) راوی بودندو قطعاً مرجع نبودند چون زمان معصومین(علیهم السلام) مرجع خود معصوم است وکسی دیگر نیست. اما جایز نبودن مرجعیت بواسطه روایاتی است که

در باب قضاوت و جاهای دیگر آمده است.

س۲۲ : نظر حضرتعالی در مورد ولی فقیه چیست؟ آیا ولی فقیه همان مرجع تقلید است؟

ولایت معانی متعدده دارد و هیچ کدام آنها مختص به مرجع تقلید نیست. بعضی معانی ولایت مختص به معصوم است و کس دیگری دارای آن نیست و آنچه برای مجتهدین ثابت است، اختصاص به شخص ندارد بلکه همه آنان دارای آن می باشند، مگر حکومت و رهبری.

س۲۳ : بطور کلی فردی که می خواهد تقلید و یا احتیاط نماید، در احکام مربوط به تقلید یا احتیاط (به طور مثال در احکام مربوط به شناختن اعلم یا در مسأله تقلید از اعلم یا در شیوه احتیاط) چگونه باید عمل کند؟

در شناخت اعلم، به اهل خبره رجوع کنید. احتیاط معنایش این است که عمل را باتمام محتملات آن به جا آورد. اما در تقلید از اعلم به بناء عقلاء رجوع کنید. مثلا اگر از شما سؤال شود در صورتی که یکی از نزدیکان شما که خیلی به او علاقه دارید - بیماری خطرناکی گرفته است و برای مداوای او دو پزشک هستند که یکی از دیگری ماهرتر است، برای مداوای مریضتان به کدام یک مراجعه می کنید؟ قهراً ارتکاز به ماهرتر، همین ارتکاز دلیل لزوم تقلید از اعلم است.

س۲۴ : آیا اینجانب می توانم مرجع تقلید خود را عوض کنم؟

اگر تقلیدتان صحیح بوده و بر طبق موازین شرعیه انجام شده است و بعد بفهمید که دیگری اعلم است یا نستجیر بالله آن مرجع اولی عادل نیست، باید عدول کنید و اگر تقلیدتان صحیح نبوده، باید از اهل خبره سئوال کنید و با نظر آنها مرجع

خود را تعیین کنید. به هر حال با میل شما نیست که هر وقت اراده کردید، مرجع را عوض کنید.

س۲۵ : دلیل اینکه مشهور شده باید از یک مرجع، تقلید کرد و انسان نمی تواند مثلا از چند مرجع تقلید نماید چیست؟

بحثی علمی است که در این مختصر نمی گنجد، ولی حرفی است منطقی و صحیح که بدون رعایت آن اعمال صحیح نیست.

س۲۶ : با توجه به اینکه ارتباط مستقیم با بعضی از مراجع، بسیار سخت و حتی امکان ناپذیر است و مسائل شرعی را به طور مستقیم نمی توانیم از آیات عظام دریافت کنیم و حتی ورود به سایت آنها مشکل است، می خواستم بدانم که مرجع خود را چگونه می توان تغییر داد؛ تا راحت تر مسائل و مشکلاتمان را در میان بگذاریم؟

در موقع اختیار مرجع، باید با قول اهل خبره تشخیص داده باشید که این مرجع از همه مراجع دیگر بالاتر و اعلم و عادل است. در غیر این صورت به دیگری می توانید رجوع کنید. همچنین اگر ابتدا با توجه به موازین شرعی از مجتهدی تقلید نموده اید، ولی حال اهل خبره کسی دیگر را اعلم معرفی می کنند، باید عدول به او نمایید.

س۲۷ : بنده مقلد.... می باشم. آیا از لحاظ شرعی صحیح و ممکن است که بنده مرجع خود را از ایشان به شما تغییر دهم؟ به علت اینکه ایشان اذن پدر برای عقد موقت باکره را لازم و شما لازم ندانسته اید. اگر امکان دارد، با چه شرایطی ممکن است؟ آیا بر من لازم است از خود ایشان هم سوال کنم یا خیر؟ در چه صورتی می توانم

فقط در این مورد از شما و در بقیه موارد از ایشان تقلید کنم؟ (با توجه به اینکه ایشان اذن پدر را لازم دانسته اند، نه احتیاط).

در دو صورت می توانید از تقلید مرجعی به مرجع دیگر رجوع کنید: ۱. تقلید از آن مرجع طبق موازین شرعیه نباشد و اعلمیت او را تشخیص نداده باشید. ۲. با شهادت اهل خبره مرجع دومی را اعلم بدانید در غیر این دو صورت رجوع جایز نیست، مگر آنکه آن مرجع اول، فتوای به احتیاط لزومی دهد و دومی فتوای به جواز بدهد.

س۲۸ : اگر کاری را مرجع تقلید من، حرام بداند و همچنین تعدادی از مراجع دیگر، آن را حرام و تعدادی آن را حرام نمی دانند. آیا من می توانم از احتیاط واجب استفاده کنم واز مرجع تقلید دیگری که آن را حرام نکرده پیروی کنم؟

اگر تقلید شما براساس موازین شرعیه بوده؛ یعنی به شهادت اهل خبره عادل که اعلمیت او ثابت شده است و آن مرجع فتوی به حرمت داده است، نمی توانید رجوع به دیگری بنمایید، و اگر فتوی نداده است احتیاط لزومی نموده است درخصوص آن مسأله می توانید به مجتهد دیگری رجوع کنید.

س۲۹ : در بین علما و جوامع اسلامی مرسوم است که از زنان مجتهده تقلید نمی شود و از سویی قول مشهور علما و آنچه در دستورات دینی آمده در مرحله اول وجوب کسب علم بر مسلمین است، به نحوی که به درجه ای از علم برسند، تاخود احکام دینی را به دست آورند؛ و در صورت عدم توانایی در استنتاجات دینی، واجب است از مجتهد اعلم تقلید کنند.

و قید «مرد

اعلم» متفق القول نیست. با توجه به شرط اعلمیت برای مرجعیت تقلید.

خواهشمند است به سوالات ذیل پاسخ دهید:

۱. آیا از نظر شما رجلیت (مرد بودن) از شروط مرجعیت است؟ مبنای محکم فقهی و قرآنی آن چیست؟

به چند جهت مرد بودن مرجع تقلید شرط است:

۱. برای اصل جواز تقلید از زنان مجتهده باید دلیل اقامه کرد; وگرنه مقتضی اصل، عدم جواز است و آیات کریمه نهی از آن نموده. (به سوره مائده آیه ۵; و سوره بقره آیه ۱۷۰ رجوع نمایید) و در خصوص تقلید در احکام شرعیه، آیاتی دلالت بر جواز آن از مرد می کند، مانند: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون و فلو لا نفر من کل فرقه طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون».

۲. در عده ای از روایات تقلید از مرد، جایز دانسته شده است، مانند اخباری که مشتمل است بر رجوع به اشخاص معین، مانند «یونس بن عبد الرحمن، زکریا بن آدم، یونس مولی آل یقطین، عمری و پسرش». و ارجاع به روات احادیث. (وسائل الشیعه) باب «من ابواب صفات القاضی» حدیث ۳۵ – ۳۳ – ۲۷ – ۹ – ۴ – و اخباری که صریحاً امر به افتاء مردها شده است; مثل قوله(علیه السلام)لابان بن تغلب «اجلس فی مسجد (مسجد المدینه) و افت الناس فانی احب ان یری فی شیعتی مثلک»، و قوله(علیه السلام)لمعاذ بن مسلم; بعد قوله انی افتی الناس العارفین بمودتکم بما جاء عنکم (اصنع کذا فانی کذا اصنع) و اخباری که از فتوای به مثل قیاس و استحسان نهی می کند. این گونه اخبار بر جواز تقلید از مرد دلالت

دارد و در زن روایتی نیست.

۳. روایاتی که درآن حکم به ارجاع به مرد داده شـده است، مانند دو خبر معتبر ابی خدیجه. در یکی این عبارت است: «اجعلوا بینکم رجلا قد عرف حلالنا و حرامنا» و در دیگری فرموده است: «ولکن انظروا الی رجل منکم یعلم شیئا من قضایانا».

۴. روایـاتی که نهی از تصـدی زنـان برای حکم کردن میـان مردم شـده است مثل خبر عبـدالرحمن بن کثیر از امام صادق(علیه السـلام)، «قال فی رساله امیرالمؤمنین(علیه السـلام)الی الحسن(علیه السـلام) لا تملک المرئه من الامر ما یجاوز نفسها فان ذلک انعم لحالهـا و ارجی لبالهـا و ادوم لجمالهـا فان المرئه ریحانه و لیست بقهرمانه». (مسـتدرک الوسائل، باب ۲ «من ابواب صفات القاضی»، حدیث ۱)

و خبر ابن عباس از نبی اکرم(صـلی الله علیه وآله)، «لو خلقت حواء من کله لجاز القضاء فی النساء کما جاز فی الرجال». (همان مدرک سابق) این روایت به دلیل اولویت بر عدم جواز تقلید از زن دلالت دارد.

و ما روی عن النبی(صلی الله علیه وآله)، «لا یفلح قوم ولتهم امرئه». (وسائل باب ۲ من ابواب صفات القاضی حدیث ۱)

۵. روایات زیادی که باید به کتب حدیث، مانند: وسائل، مستدرک، ابواب مقدمات نکاح و ابواب عقد نکاح مراجعه فرمایید.

۲. در صورت اعلمیت خانمی در میان علمای اسـلامی آیا عقلانی و شـرعی است از مردی که کمتر از آن خانم مجتهـده اعلم، دانایی دارد و کمتر از وی حکم خدا را می داند تقلید شود؟ دلیل شرعی و عقلی آن چیست؟

اگر اصل جواز تقلید، مورد عدم قبول شارع باشد که از جواب سؤال قبل ظاهر می شود، موردی برای این سؤال نیست.

۳. به چه

دلیـل جنسـیت از نظر برخی، ملاـک مرجعیت است و در برخی احکـام شـرعیه مشترک، مثل شـهادت و دیات، ملاک و محور واقع شده است؟

دلیل عـدم جواز تقلیـد از زن، در جواب سؤال اول به آن اشاره شد. و اما در شـهادت و دیات، ادله خاصه وارد شده که ما همه آنها را در کتاب «فقه الصادق» بیان نموده ایم.

س ۳۰ : اعلمیت حضـرتعالی از طریق شـهادت عدلین از اهل خبره، برای حقیر محرز گردیده است؛ حال از حضرتعالی به عنوان یکی از اهـل خـبره (که خـبره بودنتـان در حـد اعلی است) نه به عنوان مرجع تقلیـد سوال می کنم که: اعلم درنظر حضـرتعالی کیست، تا در احتیاطات وجوبی شما به ایشان رجوع کنم؟ لطفاً نام ببرید.

این سوال را مکرراً از بنده پرسـیده اند و عده ای به طریقی دیگر سوال نموده اند و آن اینکه بعد از شـما، ما از چه کسـی تقلید کنیم؟ و چون مجرد اعلمیت کافی نیست، نه تنها عدالت هم شـرط است بلکه مرتبه عالیه عدالت در مرجع نیز شرط می باشد و تشـخیص آن احتیـاج به ارتباطـات دارد؛ به علاـوه مجرد اهـل خبره بودن، کـافی نیست. چون مراتب علمی افراد با نوشـته ها و بحث های مجلسی فهمیده می شود. بنابراین در تعیین اعلم بعد از خودم، معذورم.

س ۳۱ : آیا مرجع تقلید، می تواند دیگران را از تقلید خود محروم کند؟ به عنوان مثال بگوید: چون عقاید شـما را نمی پسـندم، پس در فقه هم از من تقلید نکن و تقلید شما پذیرفته نیست.

خیر، چنین حقی ندارد و اگر بگوید گفته او بی اثر است.

س ۳۲ : می خواستم بدانم علت اینکه

مراجع - با اینکه در یک کشور زندگی می کنند - نظریات مختلفی، در مورد یک موضوع خاص دارند، چیست؟ آیا اظهار برخی از این نظریه ها به دلایل حکومتی یا برای نفی یک حزب نیست؟ وظیفه ما چیست؟

اختلاف بین فقها، مانند اختلاف بین عالمان فنون دیگر، (حتی طب) است; چون فتوا متوقف بر مراجعه به ادله است، که مختلف است، از این رو گفته اند که اگر اختلاف در فتوی باشد باید از یک مجتهد تقلید کرد. و اگر اختلاف نباشد و همه یک فتوی داشته باشند، تقلید از افراد مختلف

منعی ندارد.

س۳۳ : می خواستم بدانم که آیا وقتی یک مرجع تقلید، نظر خود را در مورد حکم ثانوی اظهار می کند، آیا شخص مسلمان در صورتی که از لحاظ فکری وعقلی مجاب نشده باشد، می تواند، علت نهی یا عدم نهی آن حکم را بپرسد یا خیر؟

حکم ثانوی دو قسم است: یک قسم حکمی است که بواسطه انطباق عنوان ثانوی است، مانند اکل نجس در صورت اضطرار یا اکراه، که این قسم مانند بقیه احکام است و با فکر و عقل غیرمجتهد فهمیده نمی شود. قسم دوم حکمی است که بواسطه امور دنیوی - سیاسی یا غیرسیاسی - گفته می شود و در این احکام اعمال نظر مقلد خوب است و اشکال ندارد.

س۳۴ : با توجه به اینکه در این زمان، تعدد مراجع وجود دارد و هر کسی شخصی را اعلم می داند و حقیر با تحقیق زیاد هنوز به نتیجه قطعی نرسیده ام، چگونه می توان مرجع اعلم را تشخیص داد و چگونه می توان مطمئن شد که این مرجع احکامش را

از چشمه زلال حضرت مهدی(علیه السلام) می گیرد؟

تشخیص اعلم با شهادت اهل خبره معلوم می شود و اگر اهل خبره اختلاف داشتند، شما هر کدام را خواستید می توانید اختیار کنید. حضرت مهدی(علیه السلام)می فرمایند: «من کان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدینه مخالفا علی هواه مطیعا لامرالله فللعوام ان یقلدوه».

س۳۵ : نظر حضرتعالی در مورد علمای اخباری که منبع صدور فتاوای خود را تنها قرآن و احادیث صحیح و قطعی قرار داده اند، چیست؟ آیا شما قائل به این هستید که برای صدور فتوا، اجماع و عقل نیز دخیل است؟ اگر ممکن است دلایل خود را در قبول یا رد این موضوع بیان بفرمایید.

اولاـ اخباریهائی که عقیده آنها درست است، نگفته اند منبع استخراج احکام خصوص قرآن و احادیث قطعیه است. شما به کتاب «حدائق» مراجعه کنید، صاحب «الحدائق» به اخبار غیرقطعیه چقدر استدلال می نماید.

ثانیا ما هر حکم عقلی ای را مدرک قرار نمی دهیم. و دربسیاری از روایات معتبره آمده است که «دین الله لایصاب بالعقول».

س۳۶ : شخصی از مرجعی تقلید می کند، اما می خواهد در بعضی از احکام از مرجع دیگری تقلید کند; آیا ممکن است؟

چنانچه تقلیدش از روی ملاک شرعی بوده است، رجوع به دیگری به هیچ وجه جایز نیست، مگر در موردی که مرجع اش در حکم خاصی احتیاط لزومی نموده باشد.

س۳۷ : برای کسی مثل من که با امکانات محدود در شهرستان است چه راهی برای احراز اعلمیت مجتهدی وجود دارد؟ چون بنده سخت برای انتخاب مرجع تقلیدم بر سر دوراهی قرار گرفته ام.

شما با تلفن یا فاکس از اهل خبره سئوال کنید و مرجع خود را

تعیین کنید. این کاری بسیار آسان است و می توانید به کسی که اطمینان دارید وکالت بدهید که اواز اهل خبره سئوال کند.

س۳۸ : اینجانب از مرجع دیگری تقلید می نمایم; حال اگر در بعضی از استفتائات شما تقلید نمایم، اشکال ندارد؟

در مسائلی که مرجع تان فتوی بخلاف فتوای من بدهد، جایز نیست. البته مشروط به آنکه تقلید از آن مرجع از روی موازین شرعیه باشد و اگر فتوی نمی دهد، بلکه احتیاط می کند، می توانید در آن مسائل از من تقلید نمایید.

س۳۹ : ۱. اگر مرجع تقلید کسی فوت کند می توان از مرجع تقلید دیگر تقلید کرد؟

۲. اگر مرجع تقلید خود را تغییر دهم و بعد از مدتی اگر بخواهم دوباره به همان اولی باز گردم، آیا درست است؟

۱. مرجع تقلید اگر فوت شود، باید به مرجع تقلید دیگری رجوع نمود و باید برای مقلد بواسطه مراجعه به اهل الخبره، ثابت شود که آن دومی از بقیه علماء اعلم است.

۲. عدول از مرجع و برگشتن دوباره به اولی به اختیار شما نیست و شما حق چنین کاری را ندارید.

س۴۰ : آیادر بعضی امور می شود از چند مجتهد تقلید کرد، مثلا در بحث ازدواج با زانی از یک مرجع ودر بحث ازدواج با دختر باکره از مرجع دیگر. ایا این کار اشکال شرعی دارد؟

چون اعلمیت مرجع شرط است، از چند مجتهد نمی شود تقلید نمود. مگر آنکه مراجع در مقامات علمیه مساوی باشند خصوصاً یکی از آنها در یک مسأله اعلم باشد و دیگری در مسأله دیگری، که در این صورت تبعیض در تقلید جایز است.

س۴۱ : احتیاط واجب چیست و ترک

آن چه حکمی دارد، و اگر صیغه غیردائم را بدون اذن پدر بخوانیم، صیغه صحیح است یا نه؟

احتیاط واجب یعنی مجتهد از ادله، حکم این مورد را نتواند به دست بیاورد، در این موقع مقلد یا باید به مجتهد دیگری مراجعه کند یا آنکه به احتیاط عمل کند. ظاهراً مسأله مورد نظر شما، صیغه غیر دائم است که مرجع تان احتیاط نموده که اذن پدر شرط است. اگر همین است شما در این مورد می توانید به بنده رجوع کنید که اذن پدر را شرط نمی دانم و عقد بدون اذن پدر را صحیح می دانم.

س۴۲ : در مسائلی که مرجع تقلید احتیاط واجب در ترک، بیان فرموده اند، چگونه می توان به مرجع دیگری رجوع نمود. آیا صرفاً اطلاع از فتوای مرجع جدید و عمل به آن کافیست؟

چنانچه فتوای مرجع جدید را بدانید و با استناد به آن عمل نمایید، کافیست.

طهارت

س۴۳ : کسی که به گناهی مشغول بوده و به تبع آن گناه، بیشتر اوقات از لحاظ بدنی نجس بوده و چیزهایی مثل فرش ها و رختخواب های منزل را نجس نموده است، حال متوجه اشتباه کار خود شده و به درگاه خدای عزوجل توبه نموده است. افرادی که به منزل ایشان رفت و آمد می کنند و از نجس بودن منزل آنها اطلاعی ندارند، حکم طهارت منزل و وسایل شان چیست؟ اگر نجس نیست آیا برای خود شخص خاطی هم اینگونه است و او به راحتی می تواند به منزل بستگان رفت و آمد نماید و منزل بستگان برای او نجس نمی باشد. (لطفاً تا حد امکان واضح جواب دهید و مرا

از آشفتگی و تسلسلی که گریبان گیرم شده است نجات دهید).

توضیح علمی را شاید شما نتوانید متوجه شوید. ولی وظیفه عملی شما چنین است منزل و وسایل آنها نجس نیست و به طریق اولی شما با رفتن به منزل بستگان نجس نمی شوید، از این جهت راحت باشید.

س۴۴ : چند روزی است که از مجرای ادرار مایعی خارج می شود؛ البته اکثرا بعد از ادرار. اما با اینکه استبراء را خوب انجام می دهم، باز هم مایعی خارج می شود که البته حکم منی را (سه شرط آن) ندارد و بدنم آن حالات منی را ندارد. مایع هم گاهی روشن وگاهی سفید گلی است. حال این مایع اگر در بین نماز در مجرای من بیاید، اگردست به آن بزنم کمی خارج می شود - به اندازه دو سه نخود- نمی دانم نجس است یا نه؟ نمازم چه حکمی دارد؟اگر ندانم بین نماز بیرون آمده یا بعد از آن چه باید بکنم؟

چنان چه استبراء نموده باشید آن مایع که بعد از استبراء خارج می شود پاک است و نماز را هم باطل نمی کند؛ چه بعد از نماز بیرون بیاید چه قبل از نماز وچه در وسط نماز.

س۴۵ : آیا در شستن لباس های نجس با آب کر و جاری، فشردن هم لازم است و یا اینکه پس از برطرف شدن نجاست عین نجاست، آب آن را فرا بگیرد کافی است؟

تکان دادن لباس در زیر آب کر و جاری کافی است و فشردن لازم نیست.

س۴۶ : بنده روی یک پتو چندین بار جنب شده بودم؛ یعنی زمانی که جنب می شدم رطوبتی از شلوارم به این

پتو می رسید، حال که می خواهم این پتو را بشویم آیا با یک بار آب ریختن (آب جاری) پاک می شود یا خیر; یعنی بدون نیاز به اینکه بخواهم چیزی مانند برس به آن بکشم. خواهشمند است دراین زمینه مقداری توضیح دهید.

هر چیزی که نجس شود اگر عین آن نجاست - ولو خیلی ضعیف باشد - در آن محل باشد، اول باید به هر وسیله ممکن آن را از بین برد و بعد با ریختن یکبار آب جاری روی آن پاک می شود و بهتر است فشار داده شود تا آب در آن پتو خارج شود.

س۴۷ : بفرمایید آب کُر، تقریبا چند لیتر می شود; چون اکثر رساله ها وزن آن را معین کرده اند.

کُر از حیث وزن تقریباً ۳۷۷ کیلوگرم است، و از حیث ظرف که راحت ترین راه شناخت کر بودن است آن است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه وجب است، بریزند آن ظرف را پر کند و به عبارت دیگر مساحت آن بیست و هفت وجب باشد.

س۴۸ : با توجه به اینکه از نحوه شستشو لباس و اتو زدن آن توسط مغازه های خشکشویی اطلاعی ندارم، آیا می توانم لباس های خود را جهت شستن و اتو زدن به آنها بدهم؟ و نماز خواندن با لباس هایی که با این کیفیت شسته می شوند جایز است؟

در صورتی که مسلمان باشد و بگوید پاک است، هیچ اشکالی ندارد و

پاک است.

س۴۹ : آیا لباس هایی که آثار جنابت در آنها وجود دارد، باید جدا از لباس های دیگر شسته شود؟

جدا شستن لازم نیست، ولی

اگر مخلوط بشود، بایـد در آب کشـیدن جـدا باشد; مگر آنکه یقین داشـته باشد که آثار جنابت از بین رفته است - که در آن صورت، در آب کشیدن جدا نمودن لازم نیست.

س۵۰ : اگر لباس هایی که آثار جنابت در آنها است، با سایر لباس های دیگر در لباسـشویی شسته شوند و (چون بارها دیده ام که پس از شستن هیچ گونه آثار نجاست در آن لباس و لباس های دیگر مشاهده نمی شود)، آیا باید آنها را جدا شست؟

میزان علم خود انسـان است که آثـار نجاست از بین رفته و چنانچه لباسـشو بگویـد بعـد از نبودن اثر نجاست، آب کشـیدم همه محکوم به طهارت است.

س۵۱ : در بـدنم جوشـی بود که به خاطر خاراندن شـروع به خون ریزی کرد که محل را آب کشـیدم. لباسم را در آورده و به گوشه اتاق گذاشـتم. بعـد از اینکه به خانه برگشـتم، متوجه خونی شدم و با توجه به اینکه لباس خیس بوده و آن را روی فرش گذاشته ام، باید چه کرد؟

شما هر محلی را که خونی است و یا رطوبت ملاقات کرده آب بکشـید و بقیه جاهائی که لباس یا بدن متنجس- که عین خون در آن نیست- با آن ملاقات کرده آب نکشید.

س۵۲ : طریقه صـحیح اسـتبرا چگونه است و آیا اینکه می گوینـد سه بار باید سـرفه کرد درست است یا خیر؟ همچنین شـرایط آب هـائی که قبـل از بول و یا بعـد از بول و قبل از منی از انسان خارج می شود چیست؟ آیا اگر در انسان حالتی به وجود آمد که شرایط خروج منی را داشت، ولی شک کرد

که آیا آبی از ایشان خارج شده است یا خیر، غسل لازم است؟

کیفیت استبراء اختلافی نیست و در تمام رساله های عملیه به یک نحو نوشته شده است، به آنجا مراجعه نمایید. غیر از منی و بول آنچه از انسان خارج می شود اعم از مذی و وذی و ودی همه اش محکوم به طهارت است و در مورد شک علامت هایی ذکر شده است که در رساله ذکر شده است. انسان ولو حالت شهوانی داشته باشد و شک کند که منی خارج شده است یا نه بر او غسل واجب نیست.

س۵۳ : آیا خانم ها در خواب جنب می شوند، به چه صورتی؟

بر حسب روایات خانم ها در خواب جنب می شوند و علامت آن هم خروج منی بعد از خواب دیدن است، مانند آقایان.

س۵۴ : تعریف نجس چیست و چه ویژگی است که بر سگ (به عنوان حیوان) کافر (به عنوان انسان) شراب (به عنوان خوراکی) خون و... نجاست دلالت می کند؟

نجاست را بعضی از امور واقعیه که کشف عنه الشارع می دانند و می فرمایند آن مقوله کیف است و خباثتی است قائم به جسم و به نظر ما حکم وضعی است که شارع مقدس جعل فرموده و کافر اهل کتاب به نظر ما پاک است و اما سگ با آن همه کشفیات که گفته شده در لعاب دهان آن میکروبی است که بدون مالیدن خاک از بین نمی رود مع ذلک نجاست آن حکم وضعی اعتباری است نه امر واقعی.

س۵۵ : آبی که بعد از استبراء می آید، اگر بول باشد پاک است؟ در این صورت چگونه پاک می شود و

اگر این اتفاق همیشه بعد از استبراء بیفتد چه حکمی دارد.

اگر بول باشد و بدانید بول است یقیناً نجس است، ولی اگر نمی دانید بول است یا مذی -که پاک است-، شارع مقدس حکم به پاک بودن آن نموده است، و اگر مردد بین بول و منی باشد نجس است.

س۵۶ : روی قسمتی از زمین پارکینگ آپارتمان محل سکونت، فاضلاب چکه می کند. افراد و ماشین از آن محل عبور می کنند و طبعاً خاک آن محل با جاهای دیگر مخلوط می شود. و قاعدتا از این خاک به روی پله ها هم می رسد. آیا باید از تمام خاکی که در پارکینگ و روی پله ها وجود دارد اجتناب کرده و آن را نجس بدانیم.

کسی که ملاقات با عین نجاست نموده نجس است، ولی چون شبهه محصوره است و احتمال می دهید که آن چه با دست یا لباس شما تماس پیدا می کند، پاک باشد منجس نیست و موجب نجاست نمی شود.

س۵۷ : آیا عرق انسان جنب، نجس است؟

خیر، پاک است.

س۵۸ : علت علمی یا فقهی نجس بودن سگ چیست، آیا از نظر نجاست با خوک فرق دارد؟

دلیل فقهی بر نجاست سگ و خوک روایات معتبره است که عمده احکام شرعیه از آن روایات مستفاد است.

و چون ظرف متنجس به ولوغ کلب – سگ – باید سه مرتبه شسته شود و ظرف متنجس به ولوغ خنزیر – خوک – هفت مرتبه، بنابر این فرق است بین سگ و خوک و خوک نجس تر است.

و سگ و خوک برّی نجسند، اما سگ و خوک دریایی پاک اند.

س۵۹ : آبی که از پسر یا دختر

در هنگام شهوت خارج می شود، چه حکمی دارد؟ در هنگام ارضا شدن چطور؟

منی باشد نجس است و غسل هم واجب می شود و اگر مذی باشد که ظاهرا مورد سؤال شما آن است، پاک است و باعث وضوء و غسل نمی شود.

س۶۰ : ۱. اگر آب قلیل به خون بسته (منعقد شده) برسد، نجس می شود؟ (به عنوان مثال در صورت زخمی باشد که خون روی آن بسته شده باشد) آیا با وضوء گرفتن صورت نجس می شود؟

۲. اگر انسان پای خود را بشوید وبا همان کفش خیس روی زمین نجس راه برود آیا پای او نجس می شود یا فقط کف کفش نجس می شود؟

۱. چنانچه خون منعقد و بسته باشد، با رسیدن آب قلیل به آن نجس می شود، ولی اگر سله باشد جزئی از بدن به این صورت در آمده باشد که امری است شایع، خودش پاک است و آب هم نجس نمی شود.

۲. کف کفش فقط نجس می شود.

س۶۱ : اگر چیزی که قابل آب کشیدن نیست نجس شود (البته عین نجاست روی آن نیست) مانند موبایل یا تلفن، چگونه می توان آن را پاک کرد؟

راهی برای پاک شدن آن نیست، ولی مساله ای هست و آن اینکه اگر کسی بگوید متنجس منجس نیست نجاست موبایل یا تلفن اثری ندارد، و اگر دست خیس هم به آنها بزنید دستتان نجس نمی شود.

س۶۲ : منظور از متنجس سوم و این که نجس کننده نمی باشد چیست؟

شما اگر دستتان نجس به عین نجاست شود، دست متنجس اول است و اگر دست با لباس با رطوبت ملاقات کند، لباس متنجس دوم است و

اگر لباس در بدنتان عرق کند بدن متنجس سوم است، البته اینها متوقف است بر اینکه متنجس منجس باشد.

س۶۳ : اگر پای کسی که از حرام جنب شده در کفش عرق کند و کفش آغشته به عرق پای او شود و آن شخص غسل کرده و پاك شود و بخواهد از آن کفش دوباره استفاده کند با علم به اینکه پایش دوباره در آن کفش عرق خواهد کرد، چه باید بکند. آیا باید کفش را آب بکشد یا لازم نیست؟

آب کشیدن پا لازم نیست.

س۶۴ : در رساله آمده که منی حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، آیا منی انسان نیز نجس است؟ آیا ترشحات زن برای زنان حکم منی دارد؟ آیا ترشحات زن نجس است؟ اگر مرد یا زنی ترشحات همسر خود را خواسته یا نا خواسته بخورد، چه حکمی دارد؟ اگر منی وارد دهان شد و شخص دهان خود را سه بار آب کشید آیا پاك می شود؟

منی انسان نجس است و اما ترشحات غیر منی نجس نیست و پاك است، ولی خوردن آنها حرام است و اگر منی وارد دهان شد، و بیرون ریخته شد آب کشیدن دهان لازم نیست.

س۶۵ : از من (دختر) بعضی مواقع ترشح یا لکه خارج می شود، می خواستم بدانم آیا اشکال دارد برای نماز و روزه یا خیر؟

خیر اشکال ندارد.

س۶۶ : اگر انسان وقتی از خواب بیدار شد، رطوبتی از او خارج شده باشد که می داند این رطوبت بر اثر شهوت و خواب تحریك آمیز و به صورت جهنده نبوده است، تکلیف چیست، آیااو جنب است؟

خیر، جنب نیست.

س۶۷ : اگر جواب سوال قبل خیر باشد،

شخص مورد نظر با توجه به کمبود وقت، می تواند در این صورت نماز بخواند؟

وقتی که جنب نیست، آن آب هم نجس نیست، مگر آنکه استبراء از بول نکرده باشد. بهر حال این شخص محکوم به حدث اصغر است اگر وقت وضوء گرفتن ندارد تیمم کند و نماز بخواند.

وضوء

س۶۸ : اگر شخصی برای حالت دادن به موهای خود روغن بزند، آیا می تواند با آن وضوء گرفته و نماز بخواند؟

چنان چه روغن خفیف باشد و مانع از رسیدن آب به مو یا پوست سر نباشد، اشکال ندارد.

س۶۹ : موقع شستن دستان راست و چپ در هنگام وضوء آیا باید وسط انگشتان خود را جدا جدا با دست دیگر خود شست و یا می توان بجای عمل ذکر شده روی پنج انگشت را با دست دیگر فقط تر نمود؟

باید تمام دست حتی وسط انگشتان را با دست دیگر یا با ریختن آب و یا با ارتماس در آب شستشو داد.

س۷۰ : آیا برای مسح پا می توان از تری دست (از مچ تا آرنج) استفاده کرد با آنکه دست به اندازه کافی تر است؟

خیر نمی شود.

س۷۱ : بنده هنگام وضوء گرفتن در دل قصد وضوی نماز مستحبی را داشتم، ولی هنگام وضوء گرفتن بر دهان لفظ نماز واجب را به کار بردم، حال من باید کدامیک از این نمازها (واجب یامستحبی) را بخوانم؟

نمازها همه صحیح است و با آن وضوء طاهر می شوید و آنچه مشروط به طهارت است را می توانید انجام دهید.

س۷۲ : بعضی عزیزان بدون شستن پا وضوء می گیرند و مسح می کشند; در حالی که پای آنها عرق کرده و بدبو

می باشد و مساجد را هم آلوده می کنند و دلیلشان هم این است که روی پای تر نمی شود مسح کشید.

روی پای تر نمی شود مسح کشید.

بوی عرق هم مانع از صحت وضوء نمی شود.

س۷۳ : اگر موهای پُری داشته باشیم، برای مسح سر چه باید بکنیم. می دانیم امامان ما هم اکثرا پر مو بودند؟

موی را صاف کنید و روی آن مسح کنید.

س۷۴ : خانم بنده (برایم) همیشه آرایش می کند و مداد می کشد او برای گرفتن وضوء مجبور است روزی سه بار مدادها را با سختی از چشمش پاک کند و همیشه چشمش قرمز می شود. آیا مداد چشم، مانعی برای وضوء است؟ اگر این طور است، امامان ما که سرمه می زدند، چگونه وضوء می گرفتند؟(با توجه به اینکه سرمه بسیار چرب است)، ریمل روی چشم و موهای چشم چطور؟ آیا مانع است؟ آیا در وضوء باید موهای چشم خیس شود؟

آنچه لازم است رسیدن آب به بشره یا به موی ابرو و چشم است و بیشتر لازم نیست و این یک امر عرفی است و جنبه حکم شرعی ندارد.

س۷۵ : من همیشه سعی می کنم وضوء داشته باشم و معمولا هنگام اذان از قبل وضوء دارم و با این وضوء نماز خوانده ام، آیا نمازهای من درست است یا خیر و اگر اشکال داشته باشد باید چه کنم؟

نمازها درست است و عملتان – که دائما وضوء دارید – بسیار کار خوبی است و در شرع زیاد برآن فضیلت ذکر شده است.

س۷۶ : کسی که در وضوء کثیرالشک است، شک کند که عضوی را شسته یا نه و احتمال هم بدهد

که شسته و طرف دیگر از شیطان است وظیفه اش چیست؟ اگر کثیرالشک نباشد چطور؟

کثیرالشک اعتناء به شک نکند و بنا بگذارد برشستن آن عضو و غیر کثیرالشک اگر در اثناء وضوء شک کند باید به آن شک اعتنا کند و بنا بگذارد بر نشستن و آن را بشوید و اگر بعد از فراغ از وضوء شک کند، به آن شک اعتناء نکند و بنا بگذارد بر شستن و وضوء او صحیح است.

س۷۷ : موقع وضوء در مسح پاها آیا باید ناخن های پا را بچینیم و زیر ناخن ها آب برسانیم یا نه؟ و آیا باید برای رعایت مقدمه علمیه، مقداری فراتر از کعبین و فروتر از سر انگشتان هم مسح شوند، همانند مسح در تیمم؟

ناخن پا اگر زیادتر از متعارف بلند باشد، باید چیده شود و چون دقیقا نمی توان اطمینان به اینکه آنچه واجب است مسح شده است، برای اطمینان باید مقداری فراتر و فروتر مسح نمود.

س۷۸ : مسح سر با فرق کج برای خانم هایی که موهای بلند دارند صحیح است یا خیر؟

مسح سر خانم ها به مقداری که روی مو آن محلی که در فرق سر روییده جایز است و لازم نیست به فرق باشد و بر فرق هم جایز است – و لازم نیست مستقیم باشد و کج هم باشد جایز است.

س۷۹ : اخیراً روش هایی در برخی اماکن انجام می شود که برای خانم ها ابرو یا خط دور چشم و لب و... می کشند و ظاهراً برخی مواد مخصوص را طوری استفاده می کنند که اثر این خطوط به طور دائمی در چهره می ماند و در

اصطلاح فن خود به آن«تاتو» می گویند. آیا در این حالت با توجه به اینکه باید موانع رسیدن آب به پوست را رفع نمود، وضوء گرفتن و غسل کردن درست است و آیا این مسأله مانع رسیدن آب می باشد؟

سؤال شما به این نحوه صحیح نیست زیرا اگر مانع رسیدن آب به بدن باشد وضوء و غسل باطل است وگرنه صحیح است. پس سؤال از این است که آیا این خطوط مانع است یا نه؟ که این سؤال را باید از اهلش پرسید خلاصه اگر رنگ است مانع نیست و اگر جسمیت دارد مانع است.

س۸۰: می خواستم تمامی جزئیات مسح سر در مردان را بدانم; مثلا آیا مردان می توانند از کنار سر مسح کنند و آیا آب مسح باید حتماً به مخ سر برسد یا فقط روی مو کافی است و آیا سری که ژل مو خورده است، مسح بر آن صحیح است؟ لازم به توضیح است که ژل مو چرب نیست، ولی ممکن است یک یا دوثانیه بعد از مسح آب به مو برسد، آیا وضوء در این حالت صحیح است؟

مسح سر باید در یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است باشد و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کنید کافی است. لازم نیست مسح سر برپوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است

مسح موی سر که ژل مو خورده است، چنانچه مانع بین دست و مو نباشد اشکال ندارد و اگر مانع باشد صحیح نیست.

س۸۱: جنابعالی در مورد مسح سر در فرمایشاتتان اشاره به (چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است)

کرده بودید، اگر امکان دارد توضیح بیشتری بدهید در مورد ژل مو هم بنده گفتم که چرب نیست، ولی پس از یک ثانیه آب به مو می رسد آیا اشکال دارد یا نه؟

یک قسمت از چهار قسمت سر که آن یک قسمت مقابل پیشانی است جای مسح می باشد; یعنی اگر سر که مدور است چهار قسمت بکنیم، آن مقدار که مقابل پیشانی است که تقریبا یک چهارم سر می باشد جای مسح است. و اما ژل مو، آنچه من می فهمم از کلام شما این است که در موقع مسح آب به مو نمی رسد، اگر چنین است وضوء صحیح نیست و باید به بشره سر مسح نمود.

س۸۲ : استفاده لاک ناخن برای انگشتان پا (به غیر از شصت پا) در وضوء اشکالی دارد؟

اشکال ندارد، ولی باید مسح روی شصت پا باشد.

س۸۳ : آیا تکرار مسح پا اشکال دارد؟

چنانچه مسح اول صحیح باشد، دومی لغو است و اگر مسح اول کامل نباشد و بخواهد دوباره مسح کند باید پا را خشک و بعد مسح نماید. در صورت اول بعضی گفته اند حرام است، ولی به نظر من حرام نیست.

س۸۴ : اگر بر روی موی سر، آب قند ریخته باشد و خشک شده باشد، آیا بر روی این مو می شود مسح کرد؟

چنانچه آب قند خشک شده و مانع از رسیدن دست به مو و رسیدن آب به مو باشد، مسح مو صحیح نیست وگرنه اشکال ندارد، البته به شرط آنکه آب مسح با ملاقات با آب قند مضاف نشود.

س۸۵ : برای خانم ها استفاده ریمل (که روی مژه می زنند) در وضوء ایرادی دارد;

یعنی باید پاک کنند و وضوء بگیرند؟

چنانچه جسمیت دارد و مانع از رسیدن آب به مژه است، باید پاک کنند و گرنه لازم نیست.

س۸۶: آیا در مسح سر ژل و کتیرا و موادی از این قبیل مانع رسیدن آب می شوند؟

این حکم شرعی نیست (که من فتوی بدهم) و موضوع خارجی است، از عرف سؤال کنید.

س۸۷: ژل کتیرا که مخلوطی از آب و گیاه کتیرا است، اگر موها را ژل کتیرا و نه ژل دیگری زده باشیم، آیا مسح سر ما درست است یا باید موهایمان را بشوئیم بعد وضوء بگیریم؟

چنانچه پوست سر بدون مانع است می توانید موها را کنار بزنید و مسح نمایید و اگر ژل روی آن را هم پوشانده است اگر آن ژل جسمیت دارد و مانع از رسیدن آب به خود مو یا پوست سر است صحیح نیست.

س۸۸: جدیداً دستگاه وضوگیر اتوماتیک که ساخت استرالیا هست به بازار آمده که در یکی از شهرهای آلمان من آن را دیدم; این دستگاه که با آب جاری و لوله کشی می باشد، قسمت بالایی آن جای صورت شستن است و در وسط آن قسمتی که دست را در آن می کنیم و می شوید و همینطور در پائین جایی که پا را در آن می کنیم و می شوید، آیا وضوء با این دستگاه درست است؟

در اعضا، یعنی شستن صورت و دست ها اشکال ندارد، ولی چون باید مسح با دست شود شستن با دستگاه صحیح نیست.

س۸۹: برای گرفتن وضو، کدامیک از انگشتان پا نباید لاک داشته باشند؟

اگر یکی از انگشتان بی لاک باشد، همان را مسح کنید

وضوء صحیح است ولو چهار تای دیگر لاک داشته باشد.

س۹۰ : برای مسح کشیدن پا، اگر شصت پا و دو ناخن کنار آن لاک داشته باشد، آیا می شود مسح را از انگشت کوچک کشید؟

بله صحیح است

س۹۱ : اگر ناخن های پا لاک داشته باشند (ولی یکی از انگشتان مثلا انگشت کوچک لاک نداشته باشد) وضوء و مسح پا صحیح است و می توان با آن نماز خواند؟

بله، صحیح است و می توانید با آن نماز بخوانید به شرط آنکه مسح پا را روی انگشتی که لاک ندارد انجام دهید.

س۹۲ : آیا در هنگام مسح پا، لازم است آب به تمامی محل مسح برسد؟ (به عنوان مثال، بیخ ناخن ها)

خیر لازم نیست همین مقدار که ظاهر است آن هم از سر یکی از انگشت ها تا مفصل مسح کنید، کافی است و پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است.

س۹۳ : با توجه به آیه وضوء «فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق»، کلمه (الی) به چه معنا است؟ آیا اهل سنت کلمه «الی» را، به سوی معنی می کنند و به خاطر آن دست ها را از کف دست به طرف آرنج می شویند؟ سنت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) چگونه بوده است؟

سنت پیغمبر(صلی الله علیه وآله) در وضوء که نقل شده است همه دال است بر اینکه پیغمبر از مرفق تا انگشتان را می شستند.

و اما کلمه «الی» برای بیان کیفیت غسل نیست، بلکه برای بیان مغسول ذکر شده است; چون ید استعمال در کل و جزء می شود و در آیه کلمه «الی» برای این آورده شده است که «ید» از کتف

تا اصابع است، همه آن واجب نیست شسته شود، بلکه واجب شسته شدن از مرفق تا اصابع است.

س۹۴ : با توجه به اینکه در مورد وضو، رسیدن آب به تمام پوست عضو مورد نظر، لازم است، چرا داشتن لاک روی ناخن یا ریمل روی مژه باعث نادرستی وضوء می شود؟

چون رسیدن آب به ناخن و ابرو و مژه هم لازم است. مانند بقیه اعضای وضوء.

س۹۵ : اگر زنی به دستش حنائی بمالد که آن حنا یک اثر مخصوصی دارد و اثرش این است که یک اثری از خود بجا می گذارد که مانع از رسیدن آب به پوست دست می باشد و در حال اختیار هم می مالد، حال در موقع نماز اگر بمالد حکم وضوء و نمازش چیست؟ در خارج از وقت نماز اگر بمالد با اینکه می داند که تا دو سه روز آن اثر خاص باقی خواهد ماند و باعث نگرفتن وضوء می شود، حکم وضوء و نمازش چیست؟

حنا از اموری است که در زمان شارع مقدس متداول بوده و به آن اشکالی نشده است، این کاشف از این است که مانع از رسیدن آب به بدن نیست.

س۹۶ : بعضی خانم ها در حالی که لاک ناخن دارند نماز می خوانند؛ با توجه به اینکه لاک ناخن مانعی روی ناخن هاست، وضوء اشکال دارد، اما این عده معتقدند که ناخن، جزء گوشت بدن نیست و اگر آب به آن نرسد وضوء صحیح است، آیا چنین عقیده ای درست است؟ در ضمن با لاک ناخن، غسل صحیح است یا نه؟

ناخن جزء بدن است؛ یعنی در وضوء و غسل باید شسته شود و چنانچه

لاک مانع رسیدن آب باشد وضوء و غسل باطل است.

س۹۷ : حکم وضوگیرنـده ای که هنگام وضوء گرفتن مسـح سـر را وقتی انجام داده، و بعـد از آن چند قدم (۴ الی ۸) حرکت کند و بعد عمل مسح پا را انجام بدهد چیست؟

این مقدار فاصله منافی با موالاه معتبر در وضوء نیست وضوء صحیح است.

س۹۸ : درمسـح پـا، آیـا پـا را می توان بالاـ آورد و وضوء گرفت یـا بر روی میزی به ارتفـاع زانو گـذاشت و مسـح پـا راانجام داد(باتوجه به سالم بودن شخص)؟

بله، اشکال ندارد.

س۹۹ : بعد از بول و شسـتن کامل آلت و پاک کردن آن (استبرا)، همیشه و یا اکثر موارد رطوبتی (شاید به صورت قطره قطره) خـارج می شود که نمی دانم بول هست یا چیز دیگری، اگر من بعـد از بول وضوء بگیرم و رطوبت خارج شود، آیا وضوی من درست است؟

چناچه استبراء بکنید و ندانید آبی که از شما خارج می شود بول است، وضوئی که گرفته اید اشکال ندارد و صحیح است.

غسل

س۱۰۰ : در موقع غسـل کردن بسـیار وسواس دارم و هر بخش را چنـدین بار بایـد شسـتشو بـدهم و بعضـی اوقات به طور مثال سمت چپ بـدن را غسـل می دهم و شـک می کنم که دست راسـتم را درست شسـته ام یـا نه؟ و دوباره برمی گردم و از آنجا غسـل را تکرار می کنم وگاهی ۳۰ دقیقه طول می کشـد که غسـل را انجـام دهم که با این کار آب زیادی اسـراف می شود و خودم هم از این وسواس بسیار ناراحت هستم. لطفاً مرا در این مورد راهنمایی بفرمایید.

وظیفه شما این

است که به این وسوسه ها اعتناء نکنید و اگر ادامه پیدا کند بدتر می شوید و ممکن است به حالت جنون برسد. اگر غسل پیغمبر(صلی الله علیه) را در کتاب ها مطالعه کنید که با یک کاسه خودشان با همسرشان غسل می کردند قطعاً ترک می کنید، بلکه در شرع گفته شده است که کثیر الشک به شک خود اعتناء نکند و عمل را با همان شک تمام کند تا چه رسد به وسواسی.

س۱۰۱ : اگر فردی جنب شده باشد و با نیت غسل کردن استحمام کند، اما فراموش کرده و از حمام خارج شود، چه حکمی جهت اقامه نماز دارد؟ آیا حتما بایستی عمل غسل را انجام دهد؟

چنان چه می داند غسل کردن را فراموش کرده، حتما باید غسل نماید.

س۱۰۲ : من در مدتی از زندگی ام دچار وسواس گردیدم که با مداوا مقدار قابل توجهی از آن مرتفع گردید، اما مقداری از آن باقی مانده است. به طوری که غسل من نیم ساعت به طول می انجامد و آب فراوانی اسراف می شود. می خواستم بدانم آسان ترین غسل به چه شکلی است که در کمترین زمان ممکن انجام شود؟ آیا در غسل ترتیبی باید هنگام شستن بدن تمام بدن را لمس کرد یا اتصال آب دوش به آب منطقه در حال غسل کافی است؟ لطفاً راهنمایی فرمایید.

در غسل لمس بدن شرط نیست، فقط رسیدن آب به بدن کافی است و با دوش غسل صحیح است و خیال می کنم ۲ دقیقه بیشتر وقت لازم ندارد. به این وسوسه ها اعتنا نکنیدکه زندگی تان فلج می شود. تصمیم عاقلانه مردانه شرعی بگیریدکه

می توانید در ظرف چند روز راحت شوید.

س۱۰۳ : اگر خانمی به واسطه بیماری های زنانه مجبور باشد تا برای استفاده از داروهای سطحی روزانه شیئی طبی را در واژن خود برده و به واسطه آن دارو را استفاده کند، حکمش پیرامون غسل چیست؟

غسل لازم نیست، مگر اینکه با به کار بردن آن تحریک بشود و منی خارج شود در این صورت غسل واجب می شود.

س۱۰۴ : اگر بر کسی غسل جنابت واجب شد، چه وقتی باید آن را انجام دهد؟ مثلا صبح جنب شده همان هنگام غسل کند و تا نماز ظهر اگر کاری که وضوء را باطل می کند، انجام داده باشد، آیا باید برای نماز ظهر غسل کند؟ این سوال برای من اینگونه پیش آمده که در رساله نوشته شده وقتی مطمئن شدی وقت نماز شده غسل را انجام بده؛ حال ما که صبح غسل کردیم و موقع نماز ظهر وضوء ساختیم نماز خواندیم چه حکمی پیدا می کند. آیا حتما باید جنب باشیم تاوقت اذان بعد غسل کنیم؟

غسل جنابت از همان حالات اولیه که متوجه به جنابت شده اید مستحب است و اگرانجام دادید که تمام است وگرنه تا وقت وجوب نماز که رسید واجب می شود؛ و بهر تقدیر هر وقت غسل کردید، اگر تا قبل از نماز چیزی که وضوء را باطل می کند انجام ندادید، وضوء و غسل هیچ کدام لازم نیست و با همان غسل نماز بخوانید.

س۱۰۵ : در غسل آیا می توان در شستن قسمت راست بدن، اول پا را شست بعد سایر قسمت های دیگر بدن را شست؟

بلی. در غسل ترتیبی، ترتیب – که از

بالا به پائین شسته شود – لازم نیست.

س۱۰۶ : اینجانب صبح زود در خانه یکی از اقوام جنب شده ام، اما به دلیل نداشتن حوله و لباس زیر و... غسل را به خانه موکول; کردم آیا این کار گناه است و آیا اصلا می توانم نماز بخوانم یا اینکه به مسجد بروم و اینکه غسلم را به شب موکول کنم، درست است؟

شما اگر تمکن از غسل کردن نداشته باشید، باید تیمم کنید و نماز بخوانید وهر وقت در هر کجا تمکن پیدا کردید غسل کنید و بدون غسل به مسجد نروید.

س۱۰۷ : آیا می توان با بدن تر غسل جنابت کرد; یعنی کسی که در زیر دوش جنب شده باشد، با بدن خیس غسل کند؟

بلی، می توان با بدن خیس غسل جنابت کرد.

س۱۰۸ : اگر زن بهواسطه ملاعبه همسر، از نظر جنسی ارضا شود بی آنکه دخولی صورت گرفته باشد، آیا غسل بر او واجب شده است؟ و بطور کلی تفاوت میان منی مرد با آبی که از زن به هنگام ملاعبه از دهانه فرج او خارج می شود چیست؟ آیا راهی برای شناخت منی در زن وجود دارد؟

آبی که از زن با شهوت و سستی بدن، خارج شود محکوم به منی بودن است و غسل واجب می شود، بلکه سستی هم لازم نیست، همین که با شهوت بیرون آید حکم منی دارد.

س۱۰۹ : آیا کسی که از حرام جنب شده، علاوه بر غسل جنابت برای ادای نماز وضوء هم لازم است بگیرد؟

خیر لازم نیست و با همان غسل نماز بخواند، صحیح است.

س۱۱۰ : آیا در استخرهایی که کلر به آب اضافه می کنند، می

توان غسل ارتماسی بجا آورد؟ در ضمن در غسل ارتماسی آیا رو به قبله بودن شرط است؟

کلر موجب مضاف شدن آب نیست; بنابراین غسل کردن جایز است و در غسل ارتماسی رو به قبله بودن شرط نیست.

س۱۱۱ : غسل های مستحب تا چه موقع اعتبار دارند، مثلا اگر کسی در صبح جمعه غسل جمعه بجا آورد این غسل تا چه موقع پا برجا است، آیا با حدث اصغر و اکبر باطل می شود؟

در بعضی روایات وارد شده است که غسل در صبح تا غروب و در اوایل شب تا صبح کافی است.

س۱۱۲ : آیا برای یک غسل می توان چند نیت کرد، هم نیت غسل واجب هم نیت غسل مستحبی؟

بله می توان نیت چند غسل نمود و اگر هم نیت یکی از اغسال حتی مستحبی نماید، غسل های دیگر حتی غسل واجب هم ساقط می شود و از آن هم کفایت می کند.

س۱۱۳ : آیا وقوع حدث - مثل خروج باد - از انسان در حین غسل، موجب بطلان غسل و تکرار آن می شود یا می توان به آن ادامه داد؟

موجب بطلان غسل نمی شود، ولی باید برای نماز و غیر آن بعد از تمامیت غسل وضوء بگیرد.

س۱۱۴ : اگر انسان چند بار در روزهای مختلف غسل جنابت بر او واجب شود و او در مکانی باشد که اگر بخواهد مرتب غسل کند دچار مشکل شده و برایش حرف درست می کنند، آیا می توان بعضی اوقات تیمم بدل از غسل کرد و نماز خواند و مثلا دو روز بعد غسل هم انجام دهد تا برایش مشکلی ایجاد نشود (برای حفظ آبرو)؟

چنان چه غسل

موجب ضرر یا مشقت بشود، می توان تیمم نمود.

س۱۱۵ : اگر کسی در یادگیری انجام غسل صحیح سهل انگاری کند و بعد از مدتی یاد بگیرد، نسبت به غسل های واجب قبلی که اشتباه انجام داده چه وظیفه ای دارد؟

همه باطل است و معامله باطل با آن باید بنماید.

س۱۱۶ : اینکه گفته شده در غسل نباید ذره ای از بدن باقی بماند که به آن آب نرسیده باشد، برای من یقین کردن مشکل است و ناچارم از طریق دوش حمام آب زیادی روی خودم بریزم و هرگز با دو سه لیتر آب فکر نمی کنم که بتوان آب را از طریق دوش به تمام بدن رساند. لطفا بفرمایید آیا من حکم وسواس را دارم؟ و معمولا غسل از طریق دوش با فشار معمولی چند دقیقه طول می کشد؟

از این سؤال معلوم می شود که شما وسواسی شده اید و اگر ترتیب اثر بدهید بدتر می شوید; بنابراین وظیفه شما این است که به این احتمالات اعتناء نکنید و ببینید متعارف مردم چه نحو عمل می کنند و شما هم به آن نحو عمل کنید.

س۱۱۷ : اینجانب دارای یک همسر دائمی و یک همسر موقت هستم لطفا بفرمایید آیا مواقعی که من با همسر موقتم ارتباط برقرار می کنم، می توانم تیمم بدل از غسل کنم یا خیر با توجه به این نکته که اگر غسل کنم احتمال فهمیدن همسر دیگر وجود دارد و احتمال اختلاف و دعوا هست در صورت امکان چنین کاری آیا غسل را باید بعداً انجام دهم، یا تیمم کافی است؟ و آیا نمازهایم همه صحیح است؟

تیمم بدل از غسل نمی توانید

انجام دهیـد و احتمال اختلاف مجوز ترک غسل نیست و به هر تقدیر تیمم کافی نیست و تاخیر غسل هم جایز نیست. نمازهای با آن تیمم، باطل است.

س۱۱۸ : من جـوانی ۲۳ سـاله هسـتم و هر روز و یـا هر چنـد روز یـک بـار منی (نمی دانم که منی است یا نه چون آب غلیظی است) بدون شهوت واختیار از آلتم می ریزد و غسل می کنم وگاهی اوقات اتفاق می افتد که تا غسل می کنم و هنوز از حمام بیرون نشـدم، دوباره همین اتفاق می افتـد، و چون نمازم را سـر وقت می خوانم، نمی دانم باید چکار کنم، آیا آن لباس کثیف است و باید آن را عوض کنم و با آن نماز نخوانم؟ خواهش می کنم جواب من را بدهید.

منی بـدون شـهوت از شـخص سالم خارج نمی شود، شـما اولا به دکتر مراجعه کنید اگر دکتر به شـما گفت سالم هستید، پس شرعاً جنب نیستید و نباید غسل بکنید، بلکه باید وضوء بگیرید و نماز بخوانید.

س۱۱۹ : لطفاً بفرماییـد در موقع ادرار (بول) که مایعات غلیظی از انسان خارج می شود که شبیه منی است و غلیظ تر است و با ادرار خارج می شود یا بـدون آن نیز بعـد از اتمام بول کردن خارج می شود و در بسـیاری از اوقات با جهش خارج نمی شود، چه حکمی دارد، آیا منی است و لازم است غسل کند؟ لطفاً این مسایل جنب شدن را مفصلا تشریح نمایید.

به دو چیز انسان جنب می شود: اول جماع، دوم بیرون آمدن منی. اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول

یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن بدن سست شده آن رطوبت، حکم منی دارد وگرنه حکم منی ندارد، ولی در مریض لازم نیست آن آب با جستن بیرون آمده باشد، بلکه با شهوت بیرون آید در حکم منی است.

س۱۲۰ : دختر بچه ای که تا بحال نمی دانسته غسل حیض برای نماز و روزه واجب است و حالا متوجه شده حکم نماز و روزه هایی که تا به حال بجا آورده چیست؟

چنانچه بعد از پاک شدن، هیچ غسلی حتی مستحبی انجام نداده نمازهای بعد از حائض شدن- از اول تا به حال- را باید قضاء کند، ولی اگر غسل دیگری انجام داده، همان غسل کافی است و می توانسته با آن غسل نماز بخواند.

س۱۲۱ : اینجانب در مورد انجام غسل واجب دچار شبهه ای شده ام; من تا مدتی پیش غسل را به این طریق انجام می دادم که ابتدا سر و گردن و بعد طرف راست و بعد از آن مجددا سر وگردن و بعد طرف چپ را می شستم. حال سؤال من این است، آیا شستن مجدد سر و گردن قبل از شستن سمت چپ به این نیت که لازم است باعث بطلان غسل می شود؟ آیا همه نمازهای من (بیش از ۱۵ سال نماز)باطل است؟

شستن مجدد سر و گردن قبل از شستن سمت چپ عمل زیادی بوده، ولی موجب بطلان غسل نمی شود. تمام غسل هایتان درست بوده و نمازها هم از این جهت اشکال نداشته.

س۱۲۲ : آیا اگر زنی در حال حیض جنب شود یا در حال جنابت حایض شود، باید تا

پاک شدن جنب بماند یا اینکه قبل از پاک شدن می تواند غسل جنابت کند؟

می تواند قبل از پاک شدن غسل جنابت کند.

س۱۲۳ : آیا عرق بدن کسی که جنب شده نجس است و اگر به لباس بچسبد بعد از غسل ایرادی دارد، که آن لباس را دوباره بپوشد؟

خیر نجس نیست و پوشیدن لباس عرقدار بعد از غسل هیچ ایرادی ندارد.

س۱۲۴ : کسی که مثلا در یک شب سه بار منی از بدنش خارج شده وقتی به حمام می رود، باید سه بار غسل کند یا یک بار کافی است؟

یک بار غسل کافی است.

س۱۲۵ : با چه غسلی می شود نماز خواند؟ یعنی چه غسلی به جای وضوء هم قبول می شود؟ لطفاً نام ببرید.

با تمام غسل های واجب و مستحب می شود نماز خواند و فقط با غسل استحاضه بدون وضوء نمی توان نماز خواند.

س۱۲۶ : آیا در صورتی که در اثر تحریک - به خاطر شنیدن حرفی یا دیدن عکسی و صحنه ای بدون تحریک با دست و کارهای دیگر - رطوبتی از شخص خارج شود، شخص جنب می شود و غسل بر او واجب خواهد شد یا نه؟

در صورتی که آن رطوبت منی باشد و علامت آن هم این است که رطوبت با شهوت و جستن بیرون آید و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شود، شخص جنب می شود و غسل واجب وگرنه غسل واجب نیست.

س۱۲۷ : چه موقع خانم ها باید غسل نمایند (مواردی که در نزدیکی غسل بر خانم ها واجب می شود)؟ ترشّح خانم ها چه حکمی دارد؟ در حالت عادی پاک است یا نجس است؟ رنگ

عادی ترشح خانم ها چگونه است؟ چه ترشحی از خانم ها باعث می شود که جنب شود؟

غسل جنابت بر خانم ها در دو مورد واجب است: نخست دخول حشـفه در قبل یا دبر دوم خروج منی. علامت منی در خانم ها به این است که آب با شهوت بیرون آید.

س۱۲۸ : شـرایط و نوع آب هایی که از مرد خارج می شود چگونه است و گاهی اوقات در ابتدای شهوت آبی خارج می شود که نمی دانم منی است یا خیر و نیز سستی خروج منی را هم ندارد، آیا با این شرایط غسل لازم است یا خیر؟

از این آب تعبیر می کنند به (مذی) و آن سبب غسل نیست و وضوء را هم باطل نمی کند.

س۱۲۹ : اگر در خواب جنب شده باشم، آیا می توانم نماز بخوانم

جنب تا غسل نکند – و اگر از غسل تمکن نداشته باشد – تا تیمم نکند، نمی تواند نماز بخواند.

س۱۳۰ : اگر شخصی هنگام سحر جنب شده باشد و از پدر و مادرش خجالت بکشد و شرم کند که در سحر غسل انجام دهد، و وقت اذان صبح فرا برسد در چنین وضعیتی حکم این شخص چیست؟

اگر به گونه ای باشد که برای او مشقت داشته باشد، باید تیمم کند.

س۱۳۱ : اگر خانمی غسل جنابت کنـد و با اینکه قبل از غسل بول کرده، بعـد از غسل باقیمانـده منی از او خارج شود، آیا باید دوباره غسل کند؟

چنانچه منی خودش باشد – که بعید است – باید دوباره غسل کند، و اگر منی مرد باشد، غسل کردن لازم نیست.

س۱۳۲ : اگر شخصی بر اثر نگاه به نامحرم

یا صحبت با نامحرم آبی از او خارج شود که نداند منی است یا خیر، آیا باید غسل جنابت کند؟

چنانچه نداند منی است و علامت منی ندارد، غسل واجب نیست.

س۱۳۳ : در غسل، هنگام شستن طرف راست یا چپ، آیا باید گردن هم شسته شود (شکی نیست که موقع شستن سر، گردن هم باید شسته شود)؟

خیر واجب نیست، ولی دو مطلب راتذکر می دهم: یکی آن که فقها گفته اند بهتر است (نه لازم) که نصف گردن با هر طرف شسته شود. دیگر آنکه فقها فرموده اند برای آنکه یقین کنید که طرف راست بدن شسته شده، مقداری از گردن با شستن دو طرف شسته شود.

س۱۳۴ : آیا با غسل مستحب نیز نماز خواندن جایز است؟

با هرغسل واجب یا مستحب می شود نماز خواند.

س۱۳۵ : اگر کسی وضوء گرفت و بعد مرتکب عمل استمنا شد - که سبب می شود وضویش باطل شود - آیا بعد از انجام غسل جنابت، برای نماز خواندن باید دوباره وضوء بگیرد یا با همان غسل جنابت می تواند نماز بخواند؟

با همان غسل می تواند نماز بخواند.

س۱۳۶ : بعضی شب ها خواب های محرک می بینم و در خواب احساس خوبی به من دست می دهد. و حس می کنم که به مرحله ارضاء رسیدم، اما نمی دانم که خواب بود یا واقعاً ارضاء شدم، فقط می دانم که دل درد خفیفی گرفتم، آیا باید غسل کنم؟

اگر منی خارج شود، غسل واجب است وگرنه واجب نیست.

س۱۳۷ : در روایات آمده که اگر هنگام وضوء بسم الله گفته شود، مانند غسل کردن تمام بدن پاک می شود. اگر ما جنب شدیم(با

توجه به این حدیث) آیا باید غسل جنابت کنیم؟اگر امکان غسل نبود چه باید کرد؟

پاک شدن معانی متعددی دارد وگرنه کسی که وضوء می گیرد و بدنش پاک است چه معنی دارد که با وضوء تمام بدن پاک می شود! بهر حال برای جنب، غیر از غسل راه دیگری نیست، مگر برای غسل کردن مشکل خاصی باشد که تیمم بدل از غسل باید انجام دهد.

س۱۳۸ : اگر در هنگام غسل کردن، ادرار از بدن خارج شود، غسل باطل می شود؟ (مثلا در هنگام شستن سمت راست بدن هستیم که این اتفاق می افتد)

غسل باطل نمی شود، ولی با آن نماز نخوانید؛ یعنی برای نماز باید وضوء گرفت.

س۱۳۹ : من شنیده ام که آبی که قبل از منی از بدن خارج می شود، مشکلی برای غسل کردن ندارد؛ منظورم این هست که اگر از انسان منی خارج نشود، ولی آبی که قبل از خارج شدن منی می آید از بدن خارج شود نیازی به غسل نیست؛ حکمش چیست؟

آنچه شنیده اید درست است.

س۱۴۰ : پسری در کودکی- نعوذبالله- لواط شده، و نمی دانسته که باید غسل جنابت انجام می داده؛ آیا پس از بلوغ که غسل های جنابت متعددی کرده است، غسل از او ساقط شده است یا بایستی برای آن، غسل جداگانه کند؟ اگر پاسخ مثبت است حکم نماز و روزهای انجام شده چیست؟

یک غسل بعد از بلوغ سبب رفع جنابت می شود، نماز و روزه بعد از آن هم صحیح است.

س۱۴۱ : جنب شدن در ماه مبارک رمضان بعد از اذان صبح و غسل پس از بیدار شدن چه حکمی دارد؟

جنب شدن اختیاری جایز نیست

و مفطر صوم است و جنب شدن با احتلام مفطر نیست و غسل کردن بهر تقدیر جایز است.

س۱۴۲ : آیا بعد از هر غسل می توان نمازهای روزانه را خواند. (مثل غسل جنابت)

بله می توان نماز خواند.

تیمم

س۱۴۳ : آیا تیممی که به دلیل کمبود وقت و ترس از قضا شدن نماز، به جای غسل انجام می گیرد، جایگزین وضوء نیز می شود و آیا برای نمازهای بعدی اعتبار دارد یا باید برای نمازهای بعدی غسل کند؟

برای همان نماز جایگزین وضوء می شود، ولی برای نمازهای بعدی اعتبار ندارد.

س۱۴۴ : آیا در تیمم بعد از آنکه دست را برصورت کشیده ایم، باید دوباره دست را بر زمین نهاد؟

لازم نیست، ولی در تیمم بدل از غسل بهتر است دوباره به زمین زده و پشت دست ها را مسح نماید.

احکام نماز

س۱۴۵ : اگر در نماز سهواً به جای ذکر سجده، ذکر رکوع گفته شود یا برعکس چه باید کرد؟

اشکالی ندارد.

س۱۴۶ : با عنایت به اینکه حضرتعالی در کتاب گرانسنگ فقه الصادق، نماز جمعه و عیدین را در زمان غیبت حرام دانسته اید و همچنین با توجه به اینکه حقیر در کسوت روحانیت هستم و با توجه به کوچکی منطقه محل سکونت حقیر و معروفیت در منطقه مذکوره، عدم شرکت اینجانب در نمازهای مذکور، سبب تشویش اذهان طلاب مبتدی و مقلدین سایر مراجع شده و موجب وارد آمدن اتهامات به حقیر شده است؛ آیا اجازه می دهید بدون اینکه قصد شرکت در نماز جمعه را داشته باشم، در صفوف نماز جمعه شرکت نمایم؟

من نماز جمعه را در زمان غیبت حرام ذاتی نمی دانم، بلکه آن را مجزی نمی دانم. شما بقصد رجاء نه امر قطعی در نماز شرکت کنید و نماز ظهر را هم بخوانید، همان کاری که بعضی ائمه جمعه انجام می دهند.

س۱۴۷ : لطفاً صحیح ترین روش خواندن نماز شب را بیان فرمایید.

اگر کسی آمادگی خواندن کامل آن را نداشته باشد، آیا روش مختصری نیز در خواندن نماز وجود دارد؟

نماز شب مجموعاً یازده رکعت است که هشت رکعت آن نماز شب و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر است. اگر کسی آمادگی نداشته باشد، به سه رکعت آخر یعنی شفع و وتر اکتفا کند.

س۱۴۸ : آیا در قنوت خانم ها را نیز می توان دعا کرد؟

چون استحباب دعا برای دیگری در قنوت نماز وتر فقط در یک روایت است که به چهل مؤمن دعا مستحب است و آن روایت به دو نحو نقل شده در یکی چهل مردآمده است و در دیگری چهل نفر; از این رو اکتفاء به چهل مرد بهتر است.

س۱۴۹ : از چه وقت و تا کی می توان نماز شب خواند؟

از نصف شب تا طلوع فجر می توان نماز شب خواند و بر جوانان در صورت مشکل بودن نماز در آن وقت و سایر معذورین اجازه داده شده است از بعد از نماز عشاء شروع کنند.

س۱۵۰ : در صورت امکان میزان فضیلت نماز شب را بیان فرمایید.

فضیلت نماز شب آن قدر زیاد است که موجب تحیر انسان می شود. از امام صادق(علیه السلام) روایت شده نماز شب فخر مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت است. امام(علیه السلام)در روایت دیگری می فرماید: شرف مؤمن نماز آخر شب است.

پیغمبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید: شریف امت من نماز شب خوانانند.

پیغمبر(صلی الله علیه وآله) به ابی ذر وصیت فرمود: کسی که نماز شب بخواند و بعد از آن بمیرد، بهشت بر او واجب است.

پیغمبر(صلی الله علیه وآله) خطاب به حضرت امیر(علیه

السـلام) سه دفعه فرمود: «عليكَ لصـلاه الليل». آثار دنيوى هم بر آن زياد ذكر شـده است كه در روايات نقل شده آثارى مانند زيادى رزق، بهاء صورت و حسن خلق آمده است.

س۱۵۱ : آيا قبل از تسبيحات اربعه مى توان «بسم الله الرحمن الرحيم» گفت؟ اگر نمى شود چرا؟

اگر به قصد جزئيت نماز باشد جايز نيست، چون شارع نفرموده است واگر به قصد قرائت آيه اى از قرآن باشد جايز است.

س۱۵۲ : اگر هنگام نماز خواندن از بينى خون خارج شود، چه بايد كرد؟ آيا بايد نماز را شكست يا ادامه داد؟

اگر خون مختصـر باشـد، يعنى به مقدار يك درهم يا كمتر بايد به نماز ادامه دهد و نماز صـحيح است و اگر زياد است و قابل كنترل نيست، بايد نماز را شكست و ادامه نماز جايز نيست.

س۱۵۳ : ۱: آيا نمازى كه در يك ركعت آن، هنگام يكى از سجده ها انسان نخواسته دو بار پشت سرهم در لحظه كنده شدن سر از مهر، پيشـانيش به مهر برخورد نمايـد بـا آنكه درآن برخورد آنى سـر بـا مهر، هيـچ ذكرى گفته نشـده است، صـحيح مى باشد؟

۲: اگر نماز باطل باشد حكم نمازگزار درآن موقع چگونه مى باشد؟

۱: نماز صـحيح است و برخورد سـر به مهر ولو سـجده دوم حساب مى شود، ولى زيادى غيرعمـدى است و موجب بطلان نماز نيست و از اجزاء نماز محسوب مى شود.

۲: از جواب مساله قبل اين حكم معلوم مى شود.

س۱۵۴ : حكم نمازگزارى كه لباسى بجز لباس نجس - با توجه به كمبود وقت- نداشته باشد چيست؟

نماز را بايد عارياً بخواند.

س۱۵۵ : آيا خواندن دو ركعت نماز جمعه، كفايت

چهار رکعت نماز ظهر را می کند؟

من در زمان غیبت احتیاط می نمایم، اگر کسی نماز جمعه خواند، نماز ظهر را احتیاطاً بخواند.

س۱۵۶ : حکم کسی که غیرعمد در رکعت اول، قنوت خوانده است چیست؟

مستحب است در رکعت دوم خوانده شود; البته در نماز جماعت اگر در رکعت اول تبعاً قنوت بخواند، در رکعت دوم دیگر مستحب نیست، ولی در مورد سؤال به نظر من در رکعت دوم مستحب است خوانده شود.

س۱۵۷ : در هنگام نماز خواندن متوجه می شویم زخم انگشتمان سربازکرده است و مقدار بسیار کمی خون اطراف زخم بوجودآمده است، دراین صورت حکم نمازگزار چیست؟

نماز صحیح است.

س۱۵۸ : ۱: حکم نمازگزاری که در رکعت دوم بعداز تشهد (نمازهای سه و چهار رکعتی) ذکر سلام را بگوید چیست؟

۲: اگر در وسط ذکر سلام بفهمد و به یاد بیاورد حکم چیست؟

۱: عمداً سلام بگوید نماز باطل است و اگر سهواً، بگوید نماز را تمام کند و سجده سهو برای زیادی سلام سهوی انجام دهد.
۲: همان جا سلام را قطع کند و نماز را ادامه دهد بعداً دو سجده سهو احتیاطاً انجام دهد.

س۱۵۹ : آخر وقت نماز عشاء چه وقتی(ساعتی) قضا می شود؟

آخروقت نماز عشاء نصف شب است و شب را باید از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد، نه تا اول آفتاب. بنابراین تقریبا یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی آخر وقت عشاء است.

س۱۶۰ : ۱: آیا می توان یکبار ذکر تسبیحات اربعه را بجای سه بار گفت؟

۲: آیا می توان یک بار ذکر سبحان الله در رکوع و سجده را به جای سه بار گفت؟

۱. بله، یکبار

گفتن تسبیحات اربعه در رکعت سه و چهار کافی است.

۲. باید سه بار بگوید، ولی در حال ناچاری یک بار کافی است.

س۱۶۱ : هنگام سجده تماس بینی با زمین، برای نماز مشکل بوجود می آورد یا خیر؟

اگر تماس بینی با چیزی که سجده بر آن صحیح است واجب نباشد از مستحبات می باشد و بدون اشکال.

س۱۶۲ : در هنگام خواندن نماز، طفلی مهر را بر می دارد، پیشانی را هنگام سجده باید روی انگشتان قرار داد یا بر روی فرش؟

باسجده بر انگشت یا فرش اگر وقت ضیق نباشد، نماز باطل است و اگر وقت ضیق است و چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، اول باید به پیراهن سجده کند، مرتبه دوم روی کف دست، مرتبه سوم معادن.

س۱۶۳ : در چه مواقعی نماز به طور کلی از گردن انسان ساقط می شود; یعنی باید چه شرایطی به وجود بیاید، تا نماز فرد از گردن او ساقط گردد؟

در حال جنون و اغماء و در حال حیض.

س۱۶۴ : بهترین تعقیب مشترک نمازها چیست (اگر شرایطی باشد که فقط امکان خواندن یک تعقیب وجود دارد)؟

تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها، از همه تعقیبات بهتر است.

س۱۶۵ : فضیلت خواندن تعقیبات بیشتر است یا نوافل یومیه؟

جمع بین آنها بهتر است و در تعقیبات تسبیح حضرت زهراء سلام الله علیها، از همه نوافل افضل است.

س۱۶۶ : آیا مرد بر روی فرش ابریشم یا زیرانداز چرمی می تواند نماز بخواند؟

بله، می تواند بر روی آن زیر انداز نماز بخواند.

س۱۶۷ : در چه صورتی انسان می تواند نماز خود را نشسته بخواند؟ آیا افرادی که کمر درد یا پا درد دارند می

توانند برای جلوگیری از بدتر شدن حال خود، از ایستادن یا سجده کردن خودداری کنند؟ لطفا با توجه به راحت بودن این کار در نزد مردم، حدود آن را که مجوز آن می شود بیان فرمایید.

تا انسان می تواند باید ایستاده نماز بخواند و نباید بنشیند. درد کمر و پا مجوز نشستن نماز خواندن نیست، مگر آنکه درد به حدی زیاد باشد که قابل تحمل نباشد.

س۱۶۸ : من تابه حال در قنوت دعا به زبان خودم (ترکی) می خواندم، با توجه به نظر شما نماز من اشکال دارد; حال تکلیف نمازهایی که خوانده ام چیست؟

نمازهایی که خوانده اید صحیح است و قضاء لازم نیست.

س۱۶۹ : من در کار کارگری مشغول هستم و برای کسی کار می کنم که مخالف نماز خواندن می باشد و نماز خواندن را در ساختمان نو پایش، شوم و موجب بدبیاری می داند، حال این امکان وجود دارد که من بدون توجه به راضی بودن یا نبودن او نمازم را در ساختمان او بخوانم یا نه؟ اگر «نه» پس تکلیف من چیست؟ چون در غیراین صورت من باید تا عصر منتظر بمانم تا از کار فارغ شوم.

نماز را به هیچ عنوان نمی شود ترک کرد، اول وقت نخواندن اشکال ندارد. شما عصر که از کار فارغ می شوید، قبل از غروب آفتاب، نماز ظهر و عصر را بخوانید و چنانچه راضی نباشد که در ساختمان او نماز بخوانید نماز صحیح نیست. و اگر بتوانید راضیش کنید که هم نمازتان صحیح است و هم جلوی منکر را گرفته اید که خود کار بزرگی است.

س۱۷۰ : مختصرترین راه نماز وتر که شب خوانده

می شود چیست؟

قنوت نماز وتر که یک رکعت آخر نماز شب است با یک دعای مختصر قنوت و هفتاد مرتبه استغفرالله و اتوب الیه و هفت مرتبه «هذا مقام العائذ بک من النار» می توانید امتثال کنید و بقیه ادعیه و اذکار از اجزاء مستحبه است.

س۱۷۱ : در اتاقی (محلی) که زنا شده می شود نماز خواند؟ اگر نماز بخوانیم درست است؟ (با وجود این که بدانیم در آنجا قبلا زنا شده)

نماز صحیح است.

س۱۷۲ : کسی که برای جواب دادن به تلفن، نماز خود را قطع کند آیا مرتکب گناه شده است؟ (حتی اگر تلفن مهمی باشد)

چنانچه تلفن مهمی باشد و با جواب ندادن محذوری مترتب می شود، قطع نماز گناه نیست.

س۱۷۳ : فضائل نماز و طریقه قرائت و تلفظ آن را بیان فرمایید.

روایات مشتمل بر فضائل نماز آن قدر زیاد است که در این مختصر نمی گنجد. نماز یکی از پنج رکن اسلام است و در روایات، معصومین(علیه السلام)فرموده اند بعد از ولایت افضل اعمال است یا در روایات دیگر بعد از معرفت بیان شده است; اما طریقه قرائت باید به لسان عربی صحیح خوانده شود.

س۱۷۴ : با توجه به اینکه سنت نبی اکرم(صلی الله علیه وآله) و ائمه هدی(علیهم السلام)، اقامه نمازهای واجب در ۵ نوبت بوده است، چرا در حال حاضر نمازها در سه نوبت اقامه می شود و اذان نیز در سه نوبت رسماً پخش می شود; در حالی که اهل سنت این گونه عمل نمی کنند؟ اگر انسان خود نمازهایش را در ۵ نوبت اقامه کند چگونه است؟

پنج نوبت یا سه نوبت ملاک نیست، آنچه در روایات ملاک است دو

امر است نخست: آنکه وقت فضیلت و اجزاء ملاـک است و دوم خوانـدن نـافله. از این رو در حال سـفر و روز جمعه جمع بین ظهر و عصـر; یعنی در یـک نوبت خوانـدن افضـل از تفریق است یکی ازاصـحاب امـام صادق(علیه السـلام) منتظر دخول وقت فضـیلت برای خوانـدن نمـاز عصـر بود. حضـرت فرمود تعیین آن وقت برای نافله است تو که نافله خوانـده ای منتظر نمان; بهتر است در خواندن نماز عصـر عجله بکنی. پس چون عامه مردم در نماز ظهر و عصر نافله نمی خوانند، در دو نوبت خواندن بهتر نیست، بلکه در یـک نـوبت بهـتر است و هم چنین نمـاز مغرب و عشـاء. خـود پیغمـبر(صـلی الله علیه وآله) و ائمه اطهـار(علیهم السلام)، مکرر نماز جمع خوانده اند.

س۱۷۵ : اگر نمـازگزار در زمـان شـروع نمـاز، در تکبیره الاـحرام شـک کنـد که تکبیر را درست گفته یـا نه و دوباره تکبیر را بگوید، نماز او صحیح است؟

اگر هنگـام گفتن تکبیره الاـحرام شـک کنـد، درست گفته قهراً آن تکبیر باطل است و دوباره بایـد بگویـد و احتیاطاً می تواند یک کلمه بگوید تا نماز او باطل شود. اگر بعد از گفتن تکبیره الاحرام شک کند، به مقتضـی قاعده فراغ، حکم به صـحت می شود و تکبیر دوم موجب بطلان نماز می شود.

س۱۷۶ : اگر کسـی در تعـداد رکعات نماز صـبح یا مغرب مرتب شک کند، آیا نمازش باطل است یا کثیرالشک محسوب می شود؟

کثیرالشک محسوب می شود و باید به شک خود اعتنا نکند و نمازش صحیح است.

س۱۷۷ : کسی که در هر نماز یا هر دو نماز یکبار شک کند که سجده ای را انجام

نداده وظیفه او چیست. آیا باید اعتنا کند یا کثیرالشک است و از شکش بگذرد؟

باید بگذرد و سجده را انجام ندهد.

س۱۷۸ : اینجانب در مواقع زیادی در تعداد رکعات نماز شک می کنم، و با تلاش زیادی هم که کردم باز نمی توانم نحوه برخورد با شکیات در تعداد رکعات را کامل یاد بگیرم و فراموش می کنم. اگر در هنگام شک به نحوی ادامه دهم که بعد از نماز معلوم شود اشتباه بوده، آیا نماز صحیح است یا اعاده لازم است؟ (مثلا بنارا بر ۳ باید بگذارم اشتباهاً بر ۴ بگذارم)

چنانچه شما کثیرالشک هستید که ظاهر سؤال این است اعتناء به شک نکنید و بنا بر صحت نماز بگذارید، بدون مراعات وظیفه تعیین شده بر شک و چنانچه کثیر الشک نباشید به آن گونه که نوشته اید، اگر عمل کنید نماز باطل است باید اعاده نمایید.

س۱۷۹ : اگر در هنگام شک هیچ راه حلی به ذهنم نیاید و به نتیجه ای نرسم، چه کاری باید انجام دهم؟

باید تأمل کنید و فکر کنید که راه صحیحی پیدا شود و به آن عمل کنید و اگر پیدا نشد و شک مستقر شد، صبر کنید تا صورت نماز از بین برود و نماز باطل شود. بعید نیست باطل کردن نماز هم جایز باشد.

س۱۸۰ : اگر کسی متوجه شود که پدرش همه اموال خود را از طریق مشروع به دست نیاورده و خانه ای که در آن زندگی می کنند و سایر اموال دچار مشکل است، آیا می تواند در آن خانه نماز بخواند؟

چون یقین ندارد که خانه را به ازاء پول حرام خریده باشد، نماز خواندن در

آن خانه اشکال ندارد.

س۱۸۱ : اگر در نماز در حال قرائت سوره، مثلاـ سوره دهر... در اثناء سوره (بعد از نصف سوره یا قبل از آن)، آیه ای را فراموش کند در فرضی که قرآنی در نزد او باشد یا در دسترس او نباشد، وظیفه اش چیست؟

در هر دو صورت می تواند به سوره ای دیگر عدول کند. خصوصاً تا قبل از ثلثین سوره را بخواند صحیح است.

س۱۸۲ : اگر در اذان اشتباها «قد قامت الصلاه» گفت و (مثلا) آخر اذان متوجه شد، آیا لازم است برگردد از «حی علی خیر العمل» شروع کند یا نیازی نیست؟

لازم نیست و صحیح است.

س۱۸۳ : اگر برای رکوع دوم نماز آیات، آیه دوم سوره را فراموش کنیم و برای آنکه به ذهن خطور کند، آیه اول را که برای رکوع اول خوانده ایم تکرار کنیم و آیه دوم را هم بخوانیم و به رکوع دوم برویم، آیا نماز صحیح است؟

به قصد قرآن بودن اشکال ندارد.

س۱۸۴ : آیا اگر در نماز روی قرآن یا کتاب دعا یا کاغذ یادداشت مختصری بنویسیم، آیا منافی نماز است؟ در نافله چطور؟ کتابت مبطل صلاه هست یا نه؟

مختصر نوشتن اشکال ندارد، فعل کثیر مبطل است.

س۱۸۵ : با توجه به اینکه مواضع سجده هفت قسمت می باشد، چرا در مکتب تشیع تنها بر گذاشتن پیشانی بر خاک (مهر) تأکید شده است.

چون شارع مقدس چنین فرموده و حکمت احکام را نمی دانیم.

س۱۸۶ : اگر در هنگام نماز، مثلا به ذهن بیاید که اگر ۳ بار تسبیحات اربعه بگویم به جای ۱ بار فلان حاجتم روا می شود و گرنه نمی شود و مثل این وسوسه

ها، آیا برخلاف عادتم ۳ بار بخوانم در نماز موجب بطلان نماز است؟ یعنی از قربت الی الله خارج است. از این قبیل حالات زیاد برایم رخ می دهد، لطفاً راهنمایی بفرمایید.

خیر موجب بطلان نیست، به این گونه حالات اعتناء نکنید که ممکن است منجر به وسوسه شود.

س۱۸۷ : بعد از سجدتین جلسه استراحت لازم است یا خیر؟ اگر جلسه استراحت سهواً ترک شود و نمازگزار در حال قیام متوجه شود، چگونه آن را باید تدارک نماید؟

لزوم معلوم نیست، بلکه استحباب آن قوی است واگر فراموش شود و در حال قیام متوجه شود، می تواند بنشیند و تدارک کند ولی لازم نیست.

س۱۸۸ : وقت فضیلت نماز عصر چیست؟

کسی که نوافل ظهر و عصر را بخواند و نماز فریضه ظهر را هم بخواند، بعد از خواندن هشت رکعت نافله عصر وقت فضیلت نماز عصر شروع می شود و کسی که نافله نخواند، وقت فضیلت نماز عصر از موقعی که سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود، به دو وجب برسد تا به چهار وجب برسد.

س۱۸۹ : اگر مأموم به خطبه نماز جمعه نرسد، آیا واجب است نماز ظهر را پس از نماز جمعه بخواند یا اگر خطبه را گوش دهد، ولی درک نکند، حکم چیست؟

به فتوای من در زمان غیبت کسانی که در نماز جمعه حاضر می شوند، نماز ظهر را بنا به احتیاط لزومی باید بخوانند.

س۱۹۰ : اگر پیش شخص عادلی برویم و او قرائت نمازمان را صحیح بداند هیچ شکی نباید بکنیم؟

او را چنانچه اهل تشخیص می دانید، هیچ شک نکنید.

س۱۹۱ : آیا نماز آخر وقت معصیت دارد؟

معصیت ندارد.

س۱۹۲ : استفتاء حضرتعالی

در مورد خواندن نمازهای زیارت و نمازهای مستحبی به سمت ائمه به طوری که مرجع شریفشان قبله قرار گیرد با توجه به این روایت که می فرمایند: «نحن الصلاه فی کتاب الله عزوجل، ونحن الصلاهو... ونحن کعبه الله ونحن قبله الله و...» چیست؟

نماز خواندن رو به قبر امام(علیه السلام) جایز نیست، مگر در مواردی که استقبال قبله از شرطیت ساقط شده باشد، مانند نماز مستحبی که در حال راه رفتن خوانده شود یا مورد دوران الامر بین چهار جانب جنوب، شمال، شرق و مغرب که در این مورد چون نماز به یک طرف خواندن کافی است و در غیر این موارد جایز نیست. این دو روایت ربطی به استقبال در نماز ندارد.

س۱۹۳ : اگر شخصی نتواند نماز ایستاده بخواند و بر روی صندلی باشد، هنگام سجده می تواند با دست مهر را بر پیشانی بگذارد یا اینکه باید جایگاه مهر ثابت باشد؟

در صورت امکان باید به سجده برود و مهر را در زمین گذاشته و پیشانی را به مهر بگذارد. و اگر تمکن ندارد با سر تکان دادن، و اشاره نمودن بدل از سجده راانجام دهد و مهر به پیشانی گذاشتن لازم نیست، ولی بهتر است.

س۱۹۴ : نمازگزاری که در رکعت سوم تشهد و سلام را بگوید و در حین گفتن ذکر سلام متوجه شود که رکعت چهارم را نخوانده است، حکم او چیست؟ اگر بعد از اتمام ذکر سلام سریعاً بفهمد رکعت چهارم را نخوانده است، آیا باید نماز را دوباره بخواند؟

در هر دو مورد باید بایستد و رکعت چهارم را بخواند و بهتر است برای تشهد و سلام زیادی سجده سهو به جا

آورد. نماز باطل نمی شود و لازم نیست دوباره بخواند.

س۱۹۵ : من به علت بیماری، مجبور هستم عمل جراحی انجام دهم و مدت ۲ ماه در بیمارستان بستری شوم. قصد دارم نمازهایم را در روی تخت که شاید رو به قبله هم نباشد و بدون طهارت و وضوء به جا آورم، آیا بعد از اینکه بتوانم حرکت کنم، باید تمام نمازهایی که در شرایط بیماری خوانده ام اعاده کنم و یا اینکه اعاده لازم نیست؟

چنانچه تخت را رو به قبله بگذارید، اگرچه نماز را خوابیده بخوانید و اگر وضوء نتوانستید بگیرید تیمم کنید نماز بخوانید اعاده لازم نیست و نمازتان صحیح است.

س۱۹۶ : تحت الحنك یعنی چه و در چه جاها و اعمالی تحت الحنك مستحب است؟

الحنك یعنی زیر چانه انسان، التحنك، یعنی آویزان کردن مقداری از عمامه را زیر چانه و در نماز کسی که عمامه دارد، مستحب است از عمامه مقداری زیر چانه آویزان کند.

س۱۹۷ : آیا برای انجام نمازهای واجب به مجرد شروع اذان از صدا و سیما، می توان اقامه نماز کرد یا باید مقداری صبر کرد؟ و این صبر کردن چه مقداراست؟

باید اطمینان به داخل شدن وقت نماز بکنید. من خودم مقداری صبر می کنم، بعد از تمام شدن اذان نماز می خوانم، ولی اذان شخصی که مورد اطمینان است با شروع او به اذان می توان نماز خواند.

س۱۹۸ : مأموم در کدامیک از موارد زیر می تواند تکبیره الاحرام بگوید و وارد نماز شود:

الف: در قنوت امام، ب: در فاصله بین اتمام سوره و وارد رکوع شدن امام.

در هر سه مورد می تواند به نماز وارد شود و به

امام جماعت اقتداء کند.

س۱۹۹ : منظور از قیـام متصل به رکوع چیست؟ آیا پس از اتمام سوره و قبل از خم شـدن برای رکوع یک لحظه صبر کردن و ایستادن کافی است؟

منظور آن است که از حـال قیـام به رکوع رود، نه آن که بنشـیند و رکوع از حالت جلوس بنمایـد; و لحظه ایسـتادن قبل از خم شدن کافی است.

س۲۰۰ : اگر طلبکار در اثناء نماز به مـدیون رجوع و مطالبه طلب خود را بکنـد و مدیون بدون بهم زدن نماز، نتواند دین خود را ادا کنـد، آیا واجب است نماز را بشـکند و دین را پرداخت کند؟ در صورتی که نماز خود را تمام کند، آیا صـحیح است یا نیاز به اعاده دارد؟ چنین حکمی درباره اجیر نیز جاری است؟

اگر دین مؤجل باشـد که یقیناً شکسـتن نماز جایز نیست و اگر مدت دین تمام شده است و بدون بهم زدن نماز نمی تواند اداء دین کند، شکستن نماز واجب است و همین حکم درباره اجیر نیز جاری است.

س۲۰۱ : آیا اجیر با وسعت وقت می تواند در مدت اجاره، بدون اذن مستأجر نماز واجب را بجا آورد؟

چنانچه مدت اجاره تمام شده است و رضایت مالک را احراز نکرده است، بدون اذن مؤجر نمی تواند نماز بجا آورد.

س۲۰۲ : در مورد مسـتخدمین دولتی که در قبال دریافت مزد وظیفه ای را بعهـده می گیرنـد; هرگاه نماز خواندن آنها موجب معطلی مراجعین شود، آیا جایز است در وقت کار با تعطیل کردن کار نماز واجب یا اعمال مستحبی دیگری بجا آورند؟

در صورتی که بر خلاف عملی که به عهده گرفته است باشد نماز و اعمال مستحبی

را نمی تواند بجا آورد و چنانچه برخلاف نباشد، هیچ کدام اشکال ندارد.

س۲۰۳ : اگر کسی بعد از نماز ظهر، لکه ای در روی زیر شلوار خود ببیند، ولی نداند که کی جنب شده، آیا نمازهای روزهای قبل خود را باید قضاء کند یا خیر؟

اگر بداند که آن لکه منی است و بعد از خروج آن هم غسل نکرده است، باید برای نمازهای بعد غسل کند و نمازهائی که یقین دارد که با جنابت خوانده را قضا نماید; اما آن نمازهائی که احتمال می دهد بعد از جنابت خوانده، لازم نیست قضا کند.

س۲۰۴ : حکم شما در مورد جهت قبله و اوقات شرعی در فضا چیست؟

چون قبله خصوص کعبه نیست، بلکه من تخوم الارض الی عنان السماء قبله است; بنابراین اگر شخص تمکن از قبله دارد به قبله نماز بخواند و اگر تمکن ندارد، به هر طرف نمازش را بخواند درست است.

اما از حیث وقت چنانچه هیچ راهی بر تشخیص وقت ندارد، بهترین راه این است که نمازهای یومیه را در هر ۲۴ ساعت با فاصله بین آنها انجام دهد و اگر بتواند با تماس با زمین، محلی مانند ایران یا عراق را اختیار کند، نمازها را بر تطبیق آن اوقات انجام دهد.

س۲۰۵ : بنده نمازم را چون به عربی می خوانم، مفهوم واقعی نماز را درک نمی کنم، آیا می شود نماز را به فارسی خواند؟ اگر جواب منفی است چرا؟

نمی شود نماز را به فارسی خواند. در عبارات باید همانگونه که دستور داده شده عمل شود، مثلا نماز مغرب ۳ رکعت است، شما اگر ۴ رکعت بخوانید باطل است.

س۲۰۶ : در نماز پس

از رکوع، آیا هنگام گفتن «الله اکبر» حتماً بدن باید راست باشد یا در حین پایین رفتن برای سجده هم می توان «الله اکبر» را گفت؟

در وقت تکبیر گفتن بدن باید راست باشد.

س۲۰۷ : معلمی سر کلاس درس، قرآن می خواند به آیه سجده واجب می رسد، آیا در همانجا می تواند روی میزسجدهواجب انجام دهد (با آنکه هفت اعضای سجده به زمین نمی رسد)؟

در سجده باید محل سجود بلندتر از زمین به مقدار زاید بر چهار انگشت نباشد. پس سجده بر میز کافی نیست و بنابراحتیاط باید اعضاء هفتگانه هم در حال سجده واجب روی زمین گذاشته شود.

س۲۰۸ : با توجه به اینکه طول روز در زمستان بسیار کوتاه است، (در حدود ۲ تا ۳ ساعت) و در تابستان خیلی طولانی در (حدود ۲۲ ساعت)، حکم زمان نماز و افق چگونه است؟

تقدیر به ساعت نیست، بلکه بطلوع فجر و زوال خورشید و غروب خورشید است که مشخص و معلوم است.

س۲۰۹ : چنانچه فردی گوشت حیوان حرام گوشتی (مثلاً خوک) را با اطلاع از حرام بودن بخورد، چه حکمی دارد و نماز او چه می شود؟

خوردن آن حرام ولی حکم خاصی ندارد. نماز هم با رعایت اجزاء و شرائط صحیح است و خوردن آن موجب بطلان نماز نمی شود.

س۲۱۰ : چرا قبل از تسبیحات اربعه «بسم الله...» گفته نمی شود؟ آیا پیامبر و امامان - سلام الله علیهم - تسبیحات اربعه را در نماز می خواندند؟ زیرا من در یک حدیث که از علمای اهل سنت از پیامبر صلوات الله علیه نقل شده بود خواندم که نماز بدون سوره حمد صحیح نیست؟

تسبیحات اربعه

ذکر است و «بسم الله الرحمن الرحیم» از آیات قرآنیه است و در اول سوره قرآن خوانده می شود و پیامبر(صلی الله علیه وآله)و ائمه هـدی(علیهم السـلام) در رکعت سوم و چهارم نماز تسبیحات اربعه می خواندند و آنچه نقل می کنند که نماز بدون سوره حمد صحیح نیست، مربوط به رکعت اول و دوم است.

س۲۱۱ : معنی دقیق «علی ولی الله» چیست؟

امـام علی(علیه السـلام) از طرف خـدای تعالی بر ولایت مطلقه انتخاب شـده و فی ...ĘΘŞ...الواثیق عن صـادق «اهل البیت(علیه السـلام)فی تفسیر آیه انما ولیکم الله یعنی اولی بکم ای احق بکم و باموركم من انفسکم و اموالکم الله و رسوله و علی و اولاده الائمه الی یوم القیامه».

س۲۱۲ : آیا معصومین نماز ظهر و عصر را با هم می خواندند; زیرا به استنباط من امام حسین سلام الله علیه در میدان جنگ هنگام یادآوری یکی از یارانش به وقت نماز ۴ رکعت نماز خواند؟

خود پیغمبر چندین مرتبه نماز ظهر و عصر را با هم خوانده و فرمودند من بدون هیچ محذوری این ۲ نماز را با هم می خوانم تا مردم اعتراض نکنند به کسانی که جمع بین ۲ نماز می کنند.

س۲۱۳ : من به علت درد کمر(دیسـک کمر) و پیشـگیری از آن و همچنین درد زانـو، در خـانه نمـاز را به صـورت نشسـته می خوانم ولی در بیرون از خـانه مثلا در مسـجد یا جاهای دیگر نماز را ایسـتاده می خوانم. چون دکتر به من گفته که اصـلا نباید خم یا راست شوی و دو زانو بنشینی یا تا جایی که امکان دارد این کار را انجام ندهی. به نظر

شما نماز من درست است؟

با گفتن دکتر اشکال ندارد، ولی اگر نماز را همیشه در مسجد بخوانید بهتر و موافق احتیاط است.

س۲۱۴ : آیا حرف زدن و یا آب خوردن بین رکعت های نماز شب نماز را باطل می کند (مثلا بعد از دو رکعت اول کسی حرف بزند یا آب بخورد و بعد ادامه دهد)؟

بین نمازها بعد از سلام و قبل از تکبیر، برای نماز دوم حرف زدن و چیز خوردن، هیچ اشکال ندارد.

س۲۱۵ : نماز وحشت چگونه خوانده می شود و آیا واجب است؟

نماز وحشت واجب نیست. نماز وحشت دو رکعت است که در رکعت اول بعد از حمد آیه الکرسی تا «هم فیها خالدون» و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «انا انزلنا» ده مرتبه خوانده شود و بعد از نماز بگوید «اللهم صلی علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابهاالی قبر فلان» اسم میت را ببرد.

س۲۱۶ : اگر کسی نماز جمعه نرود از چه ساعتی می تواند نماز ظهر را بخواند؟

از همان اول ظهر، نماز ظهر را می توان خواند.

نماز جماعت

س۲۱۷ : با توجه به سختی اطمینان از شرایط یک امام جماعت، آیا با اعتماد کم به امام جماعت نماز خواندن بهتر است یا فرادا خواندن؟ (معمولا شناخت لازم به سختی به دست می آید)

اگر امام را عادل بدانید، شکی نیست که جماعت بهتر است و اگر امام را عادل نمی دانید، نمی توانید جماعت بخوانید.

س۲۱۸ : اگر کسی در هنگام نماز جماعت به رکعت دوم برسد و در رکعت سوم نماز جماعت که رکعت دوم خودش می شود، شروع به خواندن سوره توحید کند و در این حالت

پیش نماز می خواهد از رکوع بلند شود; با توجه به اهمیت نماز جماعت، چه باید کرد؟

سوره را قطع کند و به رکوع برسد و نمازش صحیح است.

س۲۱۹ : با توجه به سئوال قبل حکم کسی که در این حال سوره را قطع کرده است چیست؟

حکم زائدی ندارد، چون هم نماز و هم جماعتش صحیح است.

س۲۲۰ : شخصی در رکعت دوم نماز جماعت، هنگام خواندن حمد و سوره، به صف نمازگزاران ملحق می شود، آیا این شخص می تواند در رکعت اول خود با نمازگزاران دیگر قنوت بخواند؟

بله، جایز است.

س۲۲۱ : با فرض صحیح بودن نماز (در سوال قبل) آیا شخص مورد نظر می تواند در رکعت دوم خود با توجه به بودن وقت انجام قنوت، برای بار دوم در نماز قنوت بخواند؟

جایز نیست.

س۲۲۲ : اگر در نماز جماعت، اتصال صف بوسیله اینجانب باشد و وضوی من در اثنای نماز باطل شد، آیا نماز صفی که بواسطه من متصل شده باطل می شود و باید به آنها اعلام کرد؟

اعلام لازم نیست و نماز آنها صحیح است اگر چه در اصل متصل نباشند.

س۲۲۳ : آیا امام جماعت حمد و سوره نماز جماعت را می تواند در نمازهای ظهر و عصر جهراً بخواند؟ آیا کسی قائل به این امر می باشد؟

خیر نمی تواند، مگر نماز ظهر روز جمعه آن هم اختصاص به امام جماعت ندارد.

س۲۲۴ : حکم شخصی که در میان نماز جماعت، وضویش باطل می شود چیست؟

باید نماز را ترک کند. نماز بی وضوء نماز نیست.

س۲۲۵ : در صف جماعت شخصی در کنار ما بدون داشتن وضوء و فقط برای خودنمایی به نمازآمده است، آیا نمازی

که ما در کنار این شخص می خوانیم، صحیح می باشد؟ (با علم به اینکه این شخص وضوء ندارد)

اگر فاصله او مضر به اتصال شما نیست، مثلا شما متصل به جماعت از طریق صف جلو یا صف طرف دیگر هستید، صحیح است واشکال ندارد.

س۲۲۶ : در نماز جماعت، اگر کسی سهواً زودتر از امام از رکوع یا سجده برخیزد، ولی عمدی نباشد نمازش چه حکمی دارد، آیا معصیتی مرتکب شده است؟

نمازش صحیح است، و مرتکب خلاف وظیفه شرعیه نشده است.

س۲۲۷ : حکم نمازگزاری که در نماز جماعت عمداً زودتر از امام جماعت سر از سجده بر می دارد (یا از رکوع قیام می نماید) چیست؟

جایز نیست، ولی جماعت به هم نمی خورد.

س۲۲۸ : خواندن نماز فرادی مقارن با نماز جماعت، بدون عذر و دلیل و در صورتی که توهین به امام جماعت شود چه حکمی دارد؟

توهین به هیچ مؤمنی جایز نیست و نمازی که توهین به امام عادلی باشد باطل است و غیرجایز، البته با خصوصیات هر موردی شرط عدم جواز این است که اهانت احراز بشود وگرنه اشکال ندارد.

س۲۲۹ : هرگاه مأموم یک یا دو رکعت دیرتر به جماعت برسد، آیا موقع تجافی خواندن تشهد با امام واجب است یا مستحب؟ در رکعت آخر امام چطور و آیا موقع سلام امام، مأموم می تواند ساکت باشد یا باید مشغول ذکر شود؟

موقع تجافی خواندن تشهد مستحب است و در رکعت آخر امام هم به همین نحو است; یعنی مستحب است تشهد را بخواند، ولی سلام را نباید بگوید بلکه احتیاط مقتضی است بعد از تشهد و قبل از سلام برخیزد و نماز را به قصد

فرادا تمام کند.

س۲۳۰ : خواهشمند است نظر خود را در مورد امام جماعت بودن خانم ها - شبیه کاری که در یکی از مساجد امریکا صورت گرفت - بیان فرمایید؟ در صورت امکان مواردی را که خانم ها در اسلام از عهده دار شدن آن منع شده اند بیان فرمایید؟

امام جماعت شدن خانم ها برای آقایان جایز نیست و برای خانم ها جایز است، ولی مکروه است; یعنی ثواب آن زیاد نیست. دلیل آن هم روایات است.

س۲۳۱ : خواندن نماز فرادی همزمان و مصادف با نماز جماعت چه حکمی دارد؟

چنانچه موجب نسبت فسق به امام جماعت نباشد اشکال ندارد.

س۲۳۲ : ما دانشجویان دانشگاه...، با وجود ریاست محترم دانشگاه و علما و اساتید و معممین دانشجوی دکترا، در بیشتر نمازها مجبور هستیم به امامت یک شخص غیرمعمم نماز بخوانیم و ایشان مدعی است که از طرف ریاست دانشگاه امام راتب مسجد می باشد; این در حالی است که بسیاری مواقع اساتید ما که روحانی هستند و بعضا استاد فقه و دارای درجه اجتهاد نیز می باشند، مجبور هستند پشت سر ایشان نماز بخوانند به نظر حضرتعالی حکم این نماز چیست؟

در نماز جماعت با تمام اهتمامی که شارع مقدس به آن داده و فضائلی که ذکر شده است شرایط خاصی غیر از عدالت و صحت نماز از حیث قرائت و لباس و مکان ندارد و چنانچه عالم باشد ثواب آن زیادتر است; اما داشتن عمامه شرط نیست.

س۲۳۳ : با توجه به اینکه برای امامت نماز، دارا بودن شرایطی لازم می باشد، آیا می توان در هر صف جماعتی به امام حاضر اقتدا نمود؟ در واقع در بعضی

اماکن دیـده می شود که افراد بدون اینکه نام امام جماعت را بدانند و یا حتی او را ببینند، تنها به صـرف اینکه از فضـیلت نماز جماعت بهره ببرند به او اقتدا می نمایند. آیا چنین عملی درست است؟ نظر حضـرتعالی در خصوص نظریه فقهی بلاد کبیره که اخیراً مطرح می شود، چیست؟

امام جماعت بایـد عادل باشـد و جاهائی که مردم به امامی اقتـداء می کنند مختلف است در بعضـی از اماکن با اقتدای جمعیتی انسان اطمینان پیـدا می کنـد که اینها تفحص کرده و عـدالت امام را تشـخیص داده اند در آن اماکن می توان اقتداء نمود. بلاد کبیره به آن معنی که حـال معروف است حکم خاصـی نسـبت به نماز نـدارد و آنچه در کلمات فقهاء قـدیم عنوان شـده است، معنای دیگری دارد; به هر حال شهر بزرگ حکم خاصی ندارد.

س۲۳۴ : ۱: در مسجدی امام جماعت آن که حدود ۳۵ سال به صورت منظم و هر سه وقت اقامه جماعت می کرده اند به عللی مسـجد را به حالت اعتراض ترک می کنـد. پس از مـدتی اشخاصـی بدون کسب اجازه از ایشان اقدام به برگزاری جماعت در این مسجد می کنند. بفرمایید آیا نماز جماعت و اقتدا به این آقایان در این مسجد صحیح است یا نه؟

۲: آیا نماز فرادا در این مسجد اشکال دارد؟

۳: بر فرض اینکه شخص یا نهاد ثالثی این آقایان را منصوب کرده باشند، اقامه جماعت در این مسجد چه حکمی دارد؟

۴: کسـانی که از موضوع اطلاع ندارنـد و نمازشـان را به این آقایـان اقتـدا می کننـد، نمازشان چه حکمی دارد؟ کسانی که از موضوع اطلاع داشته و

دانسته و نمازشان را به این آقایان اقتدا می کنند، نمازشان چه حکمی دارد؟

۱: امام راتب به امامت مسجد حق پیدا می کند ولی حقی است غیرلزومی. بنابراین اقتداء به کسی که غیر امام راتب است و بدون اذن او اقامه جماعت می نماید، اشکال ندارد.

۲: مانند سایر مساجداست.

۳: صحیح است.

۴: هر دو دسته نمازهاشان صحیح است.

س۲۳۵ : آیا اقتدا به امام جماعتی که در قرائت ایراد دارد جایز است؟ آیا امام جماعتی که پول بابت برپایی نماز جماعت از مسجد می گیرد، عدالتش صحیح می باشد؟

مراد از ایراد اگر غلط خواندن است، اقتداء نکنید و اگر مراد غیر آن است اشکال ندارد.

اجرت گرفتن برای امام جماعت شدن جایز نیست؛ ولی پولی که برای مسجد و جماعت و امام و غیر آنها قرار داده شده است؛ چه وقف چه خیرات دیگر، گرفتن آن اشکال ندارد

س۲۳۶ : اگر مأموم در قرائت رکعت اول اقتدا کند و به علت جمعیت زیاد جماعت یا به علل دیگر، به رکوع رفتن امام را متوجه نشود و موقعی متوجه می شود که امام به سجده رفته در این حال رکوع را انجام داده و خود را به سجده اول یا دوم امام می رساند؛ آیا در این صورت نماز وی باطل است؟ اگر به سجده دوم امام هم نرسد و در تشهد به امام رسید، چه صورت دارد؟

اگر در قبل از قرائت یا اثناء قرائت، داخل جماعت شده است، نماز و جماعتش صحیح است و رکوع و سجود بنماید یک رکعت حساب می شود و اگر بعد از قرائت داخل شده باشد و درک رکوع نکند، آن رکوع برای رکعت

حساب نمی شود، بلکه می تواند با امام رکعت را شروع کند یعنی بایستد تا امام داخل رکعت بعد بشود یا متابعت در سجدتین بنماید ولکن از نماز او محسوب نمی شود.

و اگر سجدتین را درک نکند و یا سجده دوم را متابعت امام ننماید، باید بایستد تا امام رکعت بعد را شروع کند.

س۲۳۷ : آیا برگزاری نماز جماعت به طور همزمان در اداراتی که مسجد در کنار آنها موجود است، موجب بی احترامی به مسجد است؟

چون این عمل رایج شده، بی احترامی به مسجد نیست، اگر در ادارات نماز جماعت منعقد نشود، عده ای نماز نمی خوانند یا فرادی می خوانند یا در آخر وقت و همه اینها مذموم است به نظر من کار خوبی است.

نماز قضاء

س۲۳۸ : برای خواندن نمازهایی که نخوانده ام، می توان، مثلا صد بار نماز صبح را خواند یا باید هفده رکعت نمازها را پشت سرهم خواند؟

ترتیب در نماز قضا معتبر نیست و می توانید صد بار نماز صبح بخوانید.

س۲۳۹ : بنده مدتی نمازهای مغرب و عشایم را خارج از نیمه شب شرعی و با نیت ادا می خواندم (فکر می کردم در این ساعت نماز ادا می باشد)، حالا که فهمیدم ادا نبوده و قضا بوده، چه باید بکنم؟

کاری لازم نیست چون در تطبیق خطا کرده اید; این گونه اشتباه نماز را باطل نمی کند.

س۲۴۰ : شخصی فوت کرده است و مقداری نماز و روزه بر ذمه اش بوده است، فرزندان او بعد از مرگ او قبول کرده اند که نماز و روزه او را انجام بدهند. آیا با این قبول فرزندان، ذمه میت بری می شود و

عذابی از این بابت متوجه او نخواهد بود و آیا ذمه فرزندانی که متعهد شده اند مشغول به نماز و روزه میت می شود؟

تا انجام ندهند ذمه میت بری نمی شود. پسر بزرگ مکلف است انجام دهد و بقیه اگر اجیر شده باشند، ذمه شان مشغول می شود و گرنه به مجرد وعده، ذمه شان مشغول نمی شود.

س۲۴۱ : آیا خواندن نماز عشاء در ساعت ۱۲: ۰۰ شب قبول است یا باید همان وقت به نیت قضاء خواند؟

یازده ساعت و ربع بعد از ظهر، نماز عشاء قضاء می شود.

س۲۴۲ : دانشجویی که تا چندی پیش با فرض اینکه از مرجع اعلم تقلید می کند، مقلد مجتهدی بوده است و طبق نظر ایشان نمازهای خود را در ایامی که در محل تحصیل اقامت داشته است، حدود ۲ یا ۳ روز در هفته در طی ترم تحصیلی، طی ۴ سال گذشته تمام می خوانده و روزه های خود را هم می گرفته است اکنون به حضرتعالی رجوع نموده است. اولا بعد از این وظیفه او چیست و ثانیاً آیا نمازها و روزه های قبلی خود را باید قضا کند یا خیر؟

تا به حال نمازها و روزه هایتان درست بوده، بعداً نیز به همان گونه عمل نمایید.

س۲۴۳ : بعضی افراد بر اثر بی توجهی، نماز خود را آخر وقت می خوانند، مثلا نماز ظهر و عصر هر دو را چند دقیقه به غروب می خوانند. آیا نماز ظهر قضاء می شود؟ وقت قضای نماز مغرب چه وقتی است؟

تا ساعتی که ۸ دقیقه به غروب خورشید باقی است، نماز ظهر قضاء نمی شود; ولی کسانی که بر اثر بی

توجهی نماز را آخر وقت می خوانند، مشمول فرمایش امام صادق علیه صلوات الله که در آخرین وصیت خود فرمودند «شفاعت ما شامل حال مستخفین به نماز نمی شود» خواهند بود و نماز اول وقت خواندن را اگر مردم بدانند که چه ثوابی بر آن مترتب می شود، ممکن نیست تأخیر بیندازند.

س۲۴۴ : آیا لازم است نمازهای قضا، مثل نماز مغرب موقعی که در وقت ظهر خوانده می شود با صدای بلند باشد همچنین بفرمایید که آیا می شود نمازهای نافله ظهر و صبح و... را بجا نیاورد، ولی نماز ۱۱ رکعتی شب را خواند؟ وقت نمازهای نافله را در این زمان حال به ساعت بفرمایید، نه با شاخص و همچنین آیا نماز عصر و عشا را می توان دو یا سه ساعت بعد از نمازهای ظهر و مغرب خواند و بهترین وقت کی می باشد، تا شخص بتواند نمازهای نافله و یا نمازهای قضایش را نیز بجا آورد و زیاد معذب نشود؟

۱. نماز مغرب در هر وقت خوانده شود، باید حمد سوره را بلند بخواند.

۲. نماز شب مرتبط با نوافل دیگر نیست و نماز شب را می توان خواند و نمازهای نافله دیگر را نخواند.

۳. وقت نافله شب از نصف شب است (ساعت یازده و ربع) بعد از ظهر تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود. مسافر و کسی که برای او خواندن نافله شب سخت است می تواند آن را در اول شب بجا آورد

۴. نماز عصر و عشاء را می توان دو یا سه ساعت بعد از نماز ظهر و مغرب خواند.

س۲۴۵ : بعضی افراد در خواندن نماز

صبح در وقت آن سهل انگاری کرده و می گویند توانایی بیدار شدن از خواب را ندارند و بعداً قضا را می خوانند، آیا این افراد هم تارک الصلاه محسوب می شوند؟ آیا قضای نماز صبح را باید به محض بیدار شدن از خواب خواند یا هر وقت دیگری باشد فرقی ندارد.

واجب است بر چنین شخصی کسی را اجیر کند او را از خواب بیدار کند؛ به هرحال اگر بیدار نشد و قضا شد، قضا وجوب فوری ندارد و در تأخیر مانعی نیست.

س۲۴۶ : اگر شخصی نماز قضا داشته باشد، آیا در زمان حیاتش می تواند شخصی را اجیر کند، تا نمازهای قضای او را بخواند؟

خیر، نمی تواند.

س۲۴۷ : من یک جوان ۲۴ ساله هستم که از سن بلوغ، به مدت ۸ سال نماز نخوانده ام؛ حالا برای بجا آوردن نماز قضا باید چه کار کنم؟

در رساله یکی از مراجع تقلید خواندم که نماز قضای پدر و مادر بر پسر بزرگتر واجب است، آیا شما این را تأیید می کنید؟

شما شروع کنید به تدریج هر وقت آمادگی دارید و کار لازمی ندارید، نماز بخوانید (قضاء) مثلا اول نمازهای صبح و بعد نمازهای ظهر و بعد عشاء.

نمازهای قضای پدر و مادر بر پسر بزرگتر واجب است و چون نمازهای قضای خودتان را باید بخوانید، برای نمازهای قضای پدر و مادرتان اجیر بگیرید تا او بخواند.

س۲۴۸ : نماز عشا در چه لحظه ای قضا می شود؟

آخر وقت نماز عشاء، نصف شب است و شب را باید از اول غروب خورشید تا اذان حساب کرد، نه تا اول آفتاب. بنابراین تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از

ظهر شرعی، آخر وقت نماز عشاء است.

س۲۴۹ : سوال من در رابطه با بلند خواندن نماز قضای صبح یا مغرب است. پیامبراکرم(صلی الله علیه وآله)فرموده اند: آنطور که من نماز می خوانم شما هم بخوانید اول که پیامبراکرم(صلی الله علیه وآله) نماز قضا نداشتند که ما اقتدا به روش ایشان کنیم. دوم اینکه برای جهر خواندن نماز مثلاـ نماز صبح دلیلی و شرایطی بوده که آن شرایط در وقت ظهر اگر نماز را قضا بخوانیم نیست و قاعدتاً باید شرایط نماز ظهر بر نماز قضای صبح هم صادق باشد. پس چه دلیلی برای جهر نماز قضای صبح در هنگام ظهر وجود دارد؟

روایات دلالت دارد بر اینکه حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء باید خوانده شود و برای نمازهای ظهر و عصر اخفات و در قضا روایاتی به این مضمون است «اقض مافات کما فات»; یعنی همان گونه که نماز اداء می خوانید نماز قضا را به همان نحو بخوانید.

س۲۵۰ : در سفری یک روزه به مشهد، موقع نماز عشا فراموش کردم که نمازم را باید شکسته بخوانم و کامل خواندم و بعد از بازگشت به تهران یادم آمد که نماز را کامل خوانده ام، حال تکلیف من چیست؟

چون بعد از وقت متذکر شده اید، قضا واجب نیست.

س۲۵۱ : کسی که قبل از تمام شدن وقت نافله ظهر و بعد از نماز ظهر بخواهد نافله ظهر بخواند، باید ادا بخواند یا قضا؟

باید اداء بخواند، چون در وقت خودش می خواند و قضا خارج از وقت است.

نماز مسافر

س۲۵۲ : حکم مسافری که نمی داند چه مقدار از نمازهایش قضا شده است چیست؟

واجب است به

مقـدار متیقن قضـاء کنـد، مثلا نمی دانـد یک روز نمازش قضاء شـده است یا دو روز، آنچه واجب است قضاء یک روز است، ولی بهتر است نماز دو روز را قضاء کند.

س۲۵۳ : دائم السـفر به چه کسـی گفته می شود و تکلیفش در مورد نماز و روزه چیست؟ آیا شخصـی که شرایط زیر را داشته باشد دائم السفر به او اطلاق می گردد یا خیر؟ و تکلیفش در ارتباط با نماز و روزه چیست؟

کارم به نحوی است که جهت خـدمت رسانی برنامه ریزی شـده از طرف مسـئولین کارم در شـهر محل سـکونت یا اطراف آن (بیش از ۲۴ کیلومتر)، به ماموریت در شهرستان هایی غیر از محل سکونت خود می روم، در این خصوص برنامه منظمی وجود نـدارد و بسته به کارهای ارجاعی به محل کارم، ممکن است تغییر کنـد، ولی بهر حال می توان گفت مدت زیادی از سال در خارج از شهر محل سکونت یا در مأموریت هستم.

کسانی که شـغلشان سـفر است،ماننـد راننده نمازشان را با شـرایطی که در رساله های عملیه مذکور است، باید تمام بخوانند و روزه هم بگیرنـد; و همچنین کسـی که کارش سـفر نیست، بلکه محل کارش در بلاد دیگر غیر از وطن او است، چنانچه مکرر بشود گویا شما کارتان این چنین است، باید نماز تمام بخواند و روزه بگیرد.

س۲۵۴ : اگر کسـی به شهر دیگری نقل مکان کند و می داند که مثلا ۳ سال آنجا خواهد بود، ولی قصد اقامت نکند و بگوید که من مرتب اینجا نیستم و مسافرت طولانی می روم و نمازم شکسته است; آیاحرفش صحیح است؟آیا در این مواقع راهی

برای شکسته خواندن هست؟

بله، صحیح است. اگر بخواهد نماز تمام بخواند، باید قصد اقامه ده روز بکند.

س۲۵۵ : کسی که مدت بیش از ده سال در قم بوده و قصد توطن کرده، ولی الان حدود ۲۰ سال است که به مسقط الراس خود عودت نموده و تقریباً اعراض عملی از قم کرده، ولی اینکه صد در صد به قم برنگردد معلوم نیست؛ حال اگر برای زیارت به قم برود، نمازش قصر است یا تمام و اگر امام جماعت نماز جمع بخواند به هر دو نماز قصر و اتمام او می توان اقتدا کرد؟

اعراض تقریباً موجب نمی شود که حکم مسافر پیدا کند، چنانچه قطعاً اعراض نموده؛ یعنی تصمیم دارد که برای زندگی به قم نیاید، حکم مسافر در قم را دارد.

س۲۵۶ : دانشجوئی که ۵ سال برای تحصیل به شهر دیگری می رود و آخر هفته ها بر می گردد وظیفه او نسبت به نماز و روزه چیست؟

در شهر خود تمام می خواند و همچنین در شهر محل تحصیل. س۲۵۷ : راننده ای که نمازش در سفرها تمام است، و تصادفاً در سفری برای تهیه لوازم یدکی ماشین با وسیله دیگری، مثلا قطار سفر می کند - در فرضی که راننده اداره ای باشد و از طرف اداره برای تهیه وسائل مأمور شود و در فرضی که مستقل و برای خود کار کند حکم چیست؟

چون این گونه سفرها مربوط به شغل شخصی است، نماز را باید تمام بخواند.

س۲۵۸ : کسی که وطنش اهواز بوده و به اصفهان نقل مکان کرده و قصد توطن در آنجا را دارد، ولی هنوز چند روزی از نقل مکان

او نگذشته که برای بردن بعضی وسائل یا انجام بعضی کارها به اهواز رفته است؛ در این چند روز که در اهواز است با آنکه هنوز استقرارش در اصفهان تثبیت نشده و اعراضش از اهواز تحقق کامل نیافته - حکم نماز و روزه او چیست؟ وهم چنین به اصفهان که می رود و هنوز شش ماه از سکونتش نگذشته، آیا باید قصد اقامت ده روز داشته باشد و اگر کمتر از ۱۰ روز بماند و سفرها و رفت و آمدهائی بین اصفهان و سایر بلاد داشته باشد، آیا نمازش در اصفهان قصر است یا همان قصد توطن به تنهائی کافی است؟

در صورتی که اعراض نکرده است، حکم وطن دارد و صرف اینکه وطن دیگری دارد موجب نمی شود که حکم مسافر پیدا کند. در اصفهان چون قصد توطن دارد، حکم وطن دارد و ماندن شش ماه شرط نیست.

س۲۵۹ : حکم نماز مسافری که تا فرصت برای نماز هست، به وطن باز می گردد چیست و آیا می تواند نماز را در راه شکسته بخواند یا باید وقتی رسید کامل آن را بخواند؟

می تواند تا به منزل نرسیده و در بین راه است، نماز را شکسته بخواند و می تواند بشرط بقاء وقت صبر کند تا به وطن برسد و تمام بخواند.

س۲۶۰ : آیا در مدینه و حج عمره نماز شکسته است؟

در مدینه می توانید نماز تمام بخوانید و می توانید شکسته بخوانید.

س۲۶۱ : در حال حاضر به دلیل کار به کشور سوریه مسافرت کردم و قرار است ۳ ماه در آنجا باشم؛ ازاین رو به محض رسیدن به آنجا قصد ۱۰ روزه

کردم و نماز را کامل خواندم، ولی قبل از ده روز مسافرت رفتم و از حد خارج شدم، حال تکلیف نمازهای قبل و بعد من چیست؟

چنانچه مراد از حد خارج، حد ترخص است نمازهای قبل شما و بعد، همه باید تمام باشد و آنهائی که تمام خوانده اید صحیح است.

اگر مراد از حد سفر موجب قصر؛ یعنی از هشت فرسخ تجاوز کرده اید، نمازهائی که تمام خوانده صحیح است و نمازهائی را که بعد می خوانید تا قصد اقامه ۱۰ روز در محل معینی نکرده اید، باید شکسته بخوانید.

س۲۶۲ : برای امدادگران داوطلبی که به صورت پارهوقت، با جمعیت هلال احمر همکاری دارند و در طول هر ماه بین دو تا هشت روز در پایگاه های امداد و نجات جاده ای که بیش از ۲۵ کیلومتر با شهر فاصله دارد، کشیک می باشند، وضعیت نماز و روزه آنها در ماه مبارك رمضان چه حکمی دارد؟ وضعیت نماز این امدادگران در طول سال به چه نحوی می باشد؟

اینها شغلشان در سفر است، نمازشان را باید تمام بخوانند و روزه هم باید بگیرند.

س۲۶۳ : شخصی سبزوار و مشهد وطن او می باشد، ولی او در طول هفته تقریباً هر روز برای کار به بینالود سفر می کند و شب باز می گردد. اولا: در بینالود (محل کار) نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟ ثانیاً: اگر این شخص برای دیدن همسر خود در تهران تقریباً ماهی یکبار و هر بار دو سه روز به تهران بیاید، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟ آیا وقتی به تهران هم می آید حکم کثیرالسفر را دارد یا

نه؟ ثالثاً: اگر این شخص برای تفریح به شهرهای دیگر سفر کند، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

در مورد اول چنانچه بینالود به مقدار مسافت شرعی ۸ فرسخ از وطن دور نباشد، نماز او تمام است و روزه هم باید بگیرد و در مورد دوم و سوم مسافر است و نماز را در آن محل شکسته باید بخواند و روزه هم نگیرد.

س۲۶۴ : آیا دانشجویی که در هفته ۲ یا۳ روز در شهر دانشگاهش است، دایم السفر حساب شده و باید نماز و روزه اش را درست بگیرد.

بلی باید نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

س۲۶۵ : اگر کسی که در تهران زندگی می کند، قصد کند به آن سوی تهران برود، در صورتی که شاید مسیرش بیش از ۲۵ کیلومتر باشد، آیا باید نماز را قضا کند؟ یا مثلا ما در اسلامشهر زندگی می کنیم که شاید تا تهران ۲۰۱۵ کیلومتر فاصله داشته باشیم و جزء استان تهران و توابع تهرانیم; اگر بخواهیم برویم به تجریش، تکلیف نماز و روزه ما چیست؟ سؤال بعدی من اینکه تعریف بلاد کبیره به طور کامل چیست و آیا تهران جزء بلاد کبیره است؟

در بلاد کبیره اشتباه شده است، خیال کرده اند آنچه در کلمات قدماء ذکر شده است مراد وسعت و بزرگی بلد است در حالی که مراد محل مرکب از چند ده کوچک که فاصله بین ده با ده دیگر یک کیلومتر یا بیشتر است; شهر بزرگ حکمش با شهر کوچک یکی است; یعنی اگر صد فرسخ هم در شهر طی کنید، نماز تمام است و قصر معنی ندارد و باید در ثبوت قصر

از اول تمام شدن عمارات شـهر تا محل مورد نظر مسافت موجب قصـر باشد وگرنه نماز تمام است و استان ملاک نیست، بلکه خود شهر ملاک است.

س۲۶۶ : من دانشـجو هسـتم و در شهرسـتان فیروزکوه مشغول به تحصیل هستم (هفته ای دو روز کلاس دارم)، وضعیت نماز و روزه من چگونه است آیا من مسافر محسوب می شوم؟

چنانچه مـدت تحصـیل خیلی کم باشـد و اهل مکان دیگری باشـید، قهراً در فیروز کوه اگر قصد اقامت ده روز نکنید مسافرید، ولی مسافری هستید که شغلتان در سفر است این گونه مسافر باید روزه بگیرد و نماز را تمام بخواند.

س۲۶۷ : من متولد تهران هستم و از ۴ سالگی در اصفهان زندگی می کنم؛ نماز من در تهران شکسته است؟

چناچه بنا دارید تا آخر عمر برای زندگی به تهران نیایید و به عبارت دیگر اعراض از ماندن در تهران نموده اید، در تهران نماز شکسته بخوانید وگرنه تمام.

احکام روزه

س۲۶۸ : حکم شخصی که بدون دلیل روزه مستحبی خودراباطل می کند، چیست؟

حکم خاصی ندارد، عملی است جایز.

س۲۶۹ : آیا زمان افطار کردن روزه، مغرب (غروب آفتاب) است یا اذان مغرب؟

غروب آفتاب، ولی احتیاط افطار نکردن تا مغرب است.

س۲۷۰ : مقـدار کفاره روزه چقـدر است؟ آیا حتما بایـد به شـصت نفر داده شود؟ اگر خانواده فقیری، نه برای رفع گرسـنگی، بلکه برای (مثلا) شفای بیمار به این مبلغ احتیاج داشته باشند، نمی توان مقدار کفاره را به آنها داد؟

کفـاره افطار غیرجایز، برای هر روزاطعام شـصت مسـکین است که به هر کـدام یک چارک گنـدم یا جو یا برنـج بدهـد و می تواند نان بدهد، ولی مختصری زیادتر(مثلا یک کیلو)

بدهد بهتر است. و پول دادن کافی نیست.

س۲۷۱ : نظر حضرتعالی درباره رویت ماه، با چشم مسلح و وسایل جدید چیست، آیا کافی است؟ خواهشمند است با توجه به مهم بودن موضوع در صورت امکان دلیل فتوای خود را نیز بیان فرمایید.

رؤیت هلال با چشم مسلح و وسایل جدید، کافی نیست، چون خطاب در روایات «صم للرؤیه و افطر للرؤیه» است و در صدر اسلام عامه مردم مورد خطاب بوده اند که در آن وقت حتی در زمان ما از این عبارت، دیدن با چشم عادی فهمیده می شود. مؤید آن روایتی از امام(علیه السلام) است که می فرماید: رؤیتی میزان است که اگر یک نفر ببیند، برای حداقل پنجاه نفر دیگر رؤیت ممکن باشد.

س۲۷۲ : آیا استفاده از عطرهای تند، باعث بطلان روزه می شود؟

خیر، موجب بطلان نمی شود.

س۲۷۳ : چهار روزی که در سال از بقیه روزها متفاوتند و بر روزه داری در آن روزها تاکید شده است، کدام هستند؟ البته می دانم که یکی از این روزها، روز ۲۵ ذیقعده روز دحوالارض است. لطفا مابقی را معرفی فرمایید.

چهار روز عبارت است از: ۲۷ رجب، ۱۷ ربیع الاول، ۲۵ ذی القعده و ۱۸ ذی الحجه.

س۲۷۴ : اگر ممکن است بفرمایید اول اذان (مثلا بعد از اینکه الله اکبر تمام شد) می شود افطار کرد یا نه؟

بنده بعد از تمام شدن اذان و گذشتن دو سه دقیقه، افطار می کنم، چون گاهی مؤذن زود اذان شروع می کند.

س۲۷۵ : روزه نذری که قضا شده، آیا کفاره دارد؟

بلی، کفاره دارد. کفاره آن مانند کفاره افطار ماه رمضان می توان به اطعام شصت مسکین، اکتفاء نمود

و هر روز معادل دویست تومان که جمعاً دوازده هزار تومان می شود که می تواند نان خریده وبه شصت فقیر بدهید.

س۲۷۶ : آیا در ماه رمضان روزه دار می تواند کرم بزند؟

بلی، مانعی ندارد.

س۲۷۷ : اگر زن بارداری در دوران بارداری نتوانست روزه اش را بگیرد و برای آن سال کفاره روزه را پرداخت نماید، ولی قضای روزه آن سال را برای ۶ سال بعد از آن را گرفته باشد چگونه باید عمل نماید؟

غیر از کفاره، قضاء روزه آن سال را باید بگیرد، ولی اگر تا ماه رمضان بعد قدرت نداشت قضاء آن سال را بگیرد، ولو به تدریج به این صورت که هر یک هفته، یک روز روزه بگیرد، قضاء ساقط می شود.

س۲۷۸ : اگر کسی از ابتدا روزه های قضاء شده اش را نگرفته باشد. آیا باید برای روزه های سالهای قبل، هر سال کفاره بدهد، یا فقط یکبار کافی است؟ حکم کفاره روزه قضاء شده در این مورد چگونه است؟

یک کفاره کافی است، وکفاره روزه قرض همان یک مدطعام است.

س۲۷۹ : مدت روز (طلوع تا غروب خورشید) در کشورهای بالای نیم کره شمالی، گاهی اوقات تا ۲۰ ساعت می رسد. مسلماً گرسنگی تا این مدت بسیار زیان آور است. حکم روزه در چنین شرایطی چیست؟

چنانچه قدرت تحمل گرسنگی را ولو با استراحت دارید روزه را بگیرید وگرنه اگر مسافرت بجای دیگری که روزها کوتاهتر باشد، برایتان ممکن است، چنین کنید و درآنجا روزه بگیرید.

س۲۸۰ : عمه من بیماری فشار خون دارد و ۳ بار در روز باید دارو مصرف کند و می خواهد بداند برای روزه اش باید چه کار کند؟

در

صورت مراجعه به دکتر و اجازه ندادن تغییر اوقات مصرف قرص (مثلا در شب مصرف کند) و اگر علاجشان منحصر به همین کیفیت باشد، افطار کند و روزه نگیرد، خصوصا اگر پیر زن باشد.

س۲۸۱ : آیا زدن مسواک در موقعی که روزه هستیم اشکال دارد؟

مسواک زدن سبب بطلان روزه نمی شود، به شرط اینکه آب و دوای خارج، داخل معده نشود.

س۲۸۲ : آیا وقتی به کوه می رویم، می توانیم روزه بگیریم، صبح برویم و عصر برگردیم.

چنانچه از چهار فرسخ کمتر باشد، می توانید روزه بگیرید.

س۲۸۳ : آیا استفاده از اسپری های خوشبو کننده دهان، برای رفع بوی بد دهان، به دلیل نخوردن و نیاشامیدن در ماه مبارک رمضان، روزه را باطل میکند؟

چنانچه از حلق چیزی وارد معده نشود، مبطل روزه نیست.

س۲۸۴ : آیا از نظر معظم له در رؤیت هلال ماه رمضان اتحاد افق شرط است؟ و آیا اگر هلال ماه توسط معظم له دیده شود، روی سایت شما، اطلاع داده می شود؟

به نظر ما رؤیت هلال اگر درشهری ثابت شود، برای مردم شهرهای دیگر نیز ثابت می شود؛ چه دور و چه نزدیک، درافق متحد باشد یا نه، البته درصورتی که درشب مشترک باشند ولو به این که اول شب یکی آخر شب دیگری باشد. واگر هلال ماه به نظر ما ثابت شود، روی سایت اطلاع داده می شود.

س۲۸۵ : اگر دکتر از روزه منع کند و بیمار روزه بگیرد و مشکلی نداشته باشد، وظیفه چیست؟

چنان چه مریض بداند که بعد از روزه و وسط روزه مشکلی پیدا نمی کند روزه اش صحیح است.

س۲۸۶ : آیا قرقره کردن آب در گلو، روزه را

باطل می کند؟

خیر، باطل نمی کند به شرط اینکه آب پایین نرود

س۲۸۷ : آیا زنی که ۳ ماه حامله شده، می تواند روزه بگیرد؟

چنان چه برای بچه ضرر نداشته باشد، می تواند روزه بگیرد.

س۲۸۸ : اگر جوانی که در خارج از کشور زندگی می کند به مشروبات الکلی اعتیاد داشته باشد، آیا می تواند نماز و روزه را انجام دهد.

بلی، با رعایت شرایط نماز و روزه می تواند انجام دهد.

س۲۸۹ : به دلیل سرما خوردگی شدید، گلویم چرک کرده و احساس خون در انتهای گلویم می کنم، آیا روزه بر من واجب است؟

چنان چه دکتر بگوید روزه مضر است، وقدرت بر اینکه خون وچرک گلو وارد معده نشود، ندارید روزه واجب نیست وباید بعداً قضای آن را به جا آورید وگرنه روزه واجب است وباید مانع ورود چرک وخون به معده شوید.

س۲۹۰ : من در شرکتی کار می کنم که هنگام ظهر در ماه مبارک مدیران آن اقدام به روزه خواری می کنند. از جهتی برای ادامه زندگی محتاج به این کار هستم. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

کار شما اشکال ندارد.

س۲۹۱ : اینجانب درباره مسئله روزه سوالی برایم پیش آمده که درصدد شدم، فتوای معظم له را در این باره جویا شوم. بسیاری از پزشکان بر این عقیده هستند که روزه گرفتن بدون خوردن سحری برای دستگاه گوارشی آسیب های شدیدی به دنبال دارد، با توجه به اینکه در دین مبین اسلام در ورای هر حکمی، حکمتی نهفته است، و در احکام عبادی، همواره سلامت جسم و روح مورد نظر می باشند، آیا می توان چنین استنباط کرد که اگر شخصی - به هر دلیل- موقع

سحر خواب ماند و از خوردن سحری غافل شد، می تواند آن روز را روزه نگرفته و بعداً قضا نماید؟

با این خصوصیات که نوشته اید - که روزه ضرر مختصری دارد - خیر، نمی توانید روزه نگیرید.

س۲۹۲ : اگر خانم روزه دار، مقداری از موهایش توسط نامحرم دیده شود، روزه اش باطل است؟

خیر، باطل نیست.

س۲۹۳ : آیا رنگ کردن مو وقتی که روزه هستیم، روزه را باطل می کند؟

خیر، باطل نمی کند.

س۲۹۴ : اگر امکان دارد حکم پرداخت فطریه را برای افراد بفرمایید. اگر کسی در شب عید فطر مهمان ما باشد، آیا فطریه همه مهمانان را باید بپردازیم؟ و اگر کسی در شب عید فطر، فوت نماید و افراد زیادی مهمان خانه فرد فوت شده باشند، آیا فطریه برعهده میزبان است یا اینکه هر کس باید فطریه افرادی را بدهد که نان خور او هستند؟

اگر میهمان قبل از غروب بیاید، فطریه به عهده صاحب خانه است و اگر صاحب خانه بعد از خوردن غذا، فوت کند فطریه مهمان باز به عهده صاحب خانه است، اگر مهمان ولو دعوت شده باشد، بعد از مغرب بیاید، فطریه به عهده خودش است.

س۲۹۵ : در صورتی که مرد کفاره روزه خود را پرداخت نمی کند، آیا زن مجاز است بدون اجازه همسر از مال خود مرد، کفاره روزه او را پرداخت نماید؟

خیر، مجاز نیست، و نیز اگر زن بخواهد از مال خودش تبرعاً کفاره مرد را بدهد، جایز نیست; بلی بعد از مردن مرد کفاره او را از مال خودش باید داد.

س۲۹۶ : در مواردی که بر سر عید بودن یا نبودن عید سعید فطر، بین مراجع و

علما اختلاف به وجود آید، تکلیف ما چیست؟ شاید پاسخ بدهید که از مرجع تقلید خود تقلید نمایید، بلی این درست، اما مگر می شود یک روز هم عید باشد و هم نباشد؟ می دانیم که روزه در عید فطر حرام است، پس تکلیف آن گروه از افرادی که روزه گرفتند چیست؟ در ضمن مگر شهادت یک یا چند مرجع تقلید مبنی بر رؤیت هلال ماه، می تواند سند محکمی برای عید بودن باشد؟ خواهشمند است، نظر خود را بیان نموده و تکلیف ما را مشخص نمایید.

ثبوت عید مربوط به تقلید نیست. اگر از طریق متعارف اطمینان به رؤیت هلال پیدا کردید یا دو نفر شاهد عادل، شهادت دادند به دیدن ماه (با چشم عادی) آن روز را عید بگیرید و اگر خودتان راهی نداشتید، چنانچه یک مجتهد عادل ولو غیرمرجع حکم کند به عید بودن، بایدآن روز را عید گرفت.

مبطلات روزه

س۲۹۷ : اگر شخص روزه دار در ماه رمضان استمناء کند، آیا کفاره جمع بر او واجب می شود یا قضا وکفاره؟

استمناء اگر با دست زنش یا با ملاعبه با او باشد بر او کفاره جمع واجب نیست و اگر با دست خودش باشد، کفاره جمع واجب می شود.

س۲۹۸ : کسی که قصد دارد روزه مستحبی بگیرد، اگر عمدا تا اذان صبح جنب بماند، آیا روزه اش صحیح است؟

بلی، صحیح است. بقاء بر جنابت تا صبح موجب باطل شدن روزه مستحبی، بلکه روزه واجب غیرمعین (غیر از قضاء ماه رمضان) نمی شود; هر چند از روی عمد باشد.

س۲۹۹ : اگر کسی عمداً، عملی را انجام دهد که روزه اش باطل شود، نحوه جبران آن

از بابت پرداخت کفاره و قضای آن چگونه است؟

قضاءآوردن آن عمل بعد از ماه رمضان است. اما کفاره آن چنانچه روزه ماه رمضان باشد و با فعل حلال روزه را باطل کرده است، بین عتق (که فعلا مورد ندارد) و شصت روز روزه پیاپی و اطعام شصت فقیرمخیر است و اگر با حرام باشد، مانند مال غصبی خوردن یا نوشیدن شراب یا نزدیکی با زن (به صورت حرام)، کفاره جمع واجب می شود.

س۳۰۰ : اینجانب به هنگام روزه، به تصاویری نگاه کردم که کمی شهوت انگیز بود، من هم با علم به اینکه استمناء روزه را باطل می کند، و چون حدس زدم که ممکن است انزال پیش آید، سعی نمودم تا با سرد کردن بیضه ها و آلت توسط آب یخ، از انزال جلوگیری کنم، اما خود این عمل باعث انزال شد، آیا روزه من باطل است؟

چون با خصوصیاتی که نوشته اید، عمدا استمناء نموده اید، روزه باطل است و قضاء لازم، کفاره هم باید بدهید.

س۳۰۱ : اگر در روز ماه رمضان، انسان مطلب شهوت انگیزی را بخواند و بعد از مدتی احساس کند که رطوبتی بی اختیار از او خارج شده است و بعد از بررسی اثر رطوبت را در حد یک یا دو قطره بر لباس خود مشاهده کند؛ آیا این رطوبت حکم منی را دارد و باید غسل کند؟ آیا روزه او باطل است؟ در صورت بطلان روزه، آیا کفاره بر ذمه اوست و اگر پاسخ مثبت است به چه ترتیب؟

اولا تا وقتی که به خروج منی که علائمی دارد یقین نکردید، نه غسل واجب است نه روزه باطل می شود

و ثانیاً اگر قصد خروج منی نباشد، خروج منی موجب بطلان صوم نیست وکفاره هم ندارد.

س۳۰۲ : اگر روزه دار در ماه مبارک رمضان به صورت ارادی محتلم شود; یعنی با همسرخود باشد، ولی قصد ارضاء شدن را نداشته و به طور ناخواسته محتلم شده باشد (البته هیچ دخولی نشده باشد) آیا روزه این شخص باطل است یا خیر؟ و به فرمایید در این رابطه حکم چیست؟

احتلام ناخواسته موجب افطار نمی شود و روزه صحیح است.

س۳۰۳ : بنده در حالی که روزه بودم، مرتکب گناه شدم و با یک زن که خود او با من تماس گرفت، رابطه گناه داشتم. و تا به حال با هیچ زنی رابطه نداشتم و پشیمانم و توبه کردم. در آن روز غذا نخوردم لطفاً به من بگویید، حکم توبه و روزه من چیست؟.

چنان چه رابطه شما با دخول انجام گرفته، هم روزه شما باطل است و هم باید روزه را قضا کنید و کفاره بدهید ان شاءالله بعد از توبه حقیقی، خدای متعال شما را ببخشد.

س۳۰۴ : برای اینکه روزه باطل شود و کفاره نداشته باشد، چه باید کرد؟

روزه دار اگر بخواهد روزه را باطل کند و فقط قضاء داشته باشد، باید سفر برود قبل از ظهر که در این صورت روزه باطل می شود و کفاره ندارد.

س۳۰۵ : ۱. اگر زن و شوهری که در عقد یکدیگر می باشند; در حال روزه مرد به اوج لذت جنسی برسد به گونه ای که منی خارج شود، روزه آن چه حکمی دارد؟

۲. آیا بعد از ارضاء شدن که هر دو طرف مجبورند غسل کنند با همان غسل می توانند نماز

بخوانند.

۱. استمناعی که موجب خروج منی شود از مبطلات روزه است; یعنی روزه را باطل می کند و زن اگر مجبور باشد از روی اختیار از او منی خارج نشود، روزه او باطل نیست.

۲. بعد از غسل کردن با همان غسل می توانند نماز بخوانند.

س۳۰۶ : اگر در زمان صحبت با جنس مخالف، نعوظ ایجادشود و بعد از آن نعوظ کاهش یابد و بعد از گذشت چند ساعت، بعد از قضای حاجت(ادرار) کمی منی خارج شود، روزه باطل می شود.

خیر، باطل نمی شود.

س۳۰۷ : جنب شدن در ماه مبارک رمضان، بعد از اذان صبح و انجام غسل پس از بیدار شدن، برای روزه گرفتن چه حکمی دارد؟

جنب شدن به صورت اختیاری جایز نیست و مفطر صوم است و جنب شدن با احتلام مفطر نیست و غسل کردن در هر صورت جایز است.

س۳۰۸ : اگر روزه دار عمداً قی کند، کفارهواجب است یا فقط همان یک روز را باید روزه بگیرد؟

کفاره واجب است.

س۳۰۹ : اگر کسی بعد از نماز صبح در ماه مبارک رمضان بخوابد و جنب شود، تکلیف روزه او چیست؟

جنابت با احتلام، به روزه ضرر نمی زند.

س۳۱۰ : کسی که روزه دارد، اگر منی از بدن او خارج شود، آیا روزه او باطل می شود یا اگر غسل کند می تواند نماز بخواند و روزه او باطل نمی شود؟

چنان چه منی با احتلام خارج شود، روزه باطل نمی شود و با غسل می تواند نماز بخواند. و اگر با جماع یا ملاعبه یا استمنا در روز باشد، روزه باطل می شود. و قضاء و کفاره واجب می شود.

س۳۱۱ : اگر زن و شوهری در

روز ماه رمضان نزدیکی کنند، حکم آن - با توجه به جهل به این موضوع - چه می باشد؟

اگر معتقد باشند که نزدیکی در روز ماه رمضان اشکال ندارد روزه آنها باطل نمی شود ولی اگر احتمال دادند و یقین نداشته باشند عمل را انجام دادند، روزه باطل می شود.

س۳۱۲ : آیا کشیدن سیگار روزه را باطل می کند؟

اجتناب از کشیدن سیگار در حال روزه امری است که سیره مسلمین و مراعات احتیاط لزومی، دلالت بر آن می کند.

روزه مسافر

س۳۱۳ : اگر شخص روزه دار (روزه ماه رمضان و یا غیر آن) اول صبح از تهران به قم حرکت کند و تا پیش از ظهر شرعی به تهران بازگردد، آیا باید روزه خود را افطار کند یا روزه او صحیح است؟

چنانچه چیزی نخورد و در سفر قصد روزه نکند و قبل از ظهر به تهران برسد، روزه او صحیح است و نباید در تهران افطار کند.

س۳۱۴ : آیا می توان در مسافرت روزه مستحب و یا قضا بجا آورد؟

خیر، روزه در سفر جایز نیست، مگر دو مورد; یکی مکه و دیگری نذرکردن روزه در سفر.

س۳۱۵ : من ساکن «میانه» هستم و دانشگاهم در شهرستان «شبستر» است، اگر تا اذان ظهر در شبستر بمانم و بعد به شهر دیگری مانند تبریز بروم و افطار را آنجا نموده، شب نیز در آنجا بمانم، آیا روزه من صحیح می باشد.

بلی، روزه شما صحیح است.

س۳۱۶ : همسر من فعلا در شهر دیگری ساکن است، ایشان شهر و زادگاه من را به عنوان شهر خود برگزیده است و قصد سفر به این شهر را دارد که اقامتش در آن شهر

کمتر از ۱۰ روز می باشد، آیا می تواند روزه بگیرد یا خیر؟

بلی. می تواند چون آنجا وطن دوم او است.

س۳۱۷ : اگر کسی برای کار مجبور باشد سه روز هفته، بیرون از شهر خود باشد، حکم روزه و نماز شخص چیست؟ مورد دیگر اگر گرفتن روزه به کیفیت کار شخص لطمه بزند (مثلا در هنگام تدریس نتواند حق مطلب را بیان کند)، حکم روزه و نماز شخص چیست؟

اگر زمان آن خیلی کوتاه نباشد، حداقل دو ساعت باشد و بیرون شهر هم به حد مسافت باشد، این شخص در آنجا هم باید روزه بگیرد و نمازش را تمام بخواند.

س۳۱۸ : پدرم برای انجام کاری از شهر خارج می شدند، به این صورت که با اذان صبح بیرون می رفتند و بعد از مغرب بر می گشتند; آیا روزه ایشان صحیح بوده است؟

اگر خارج شهر بحد مسافت بوده روزه ایشان درست نبوده است و اگر کمتر بوده روزه شان صحیح بوده است.

خمس و زکات

س۳۱۹ : اگر پولی که به عنوان قرض گرفته شده، به سر سال خمسی برسد، آیا باید خمس آن داده شود؟

خیر، خمس آن واجب نیست.

س۳۲۰ : آیا مالِ قرضی جزء فائده محسوب نمی شود که- می فرمایید- خمس ندارد؟! و اگر خمس ندارد یا فائده نیست یا از مستثنیات است، راجع به آن چه نظری دارید؟

مال قرضی فایده نیست، چون در مقابل، عوض آن در ذمه قرض گیرنده است.

س۳۲۱ : اگر انسان به چیزی نیاز دارد و آن را از درآمد تهیه کند و بعد نیازش برطرف شود، آیا خمس به آن تعلق می گیرد؟

بله، تعلق می گیرد.

س۳۲۲ : به علت نیاز وسایلی خریده

ام، ولی با اینکه بیش از یک سال از خرید آنها می گذرد، هیچ استفاده ای نکرده ام، آیا خمس به آنها تعلق می گیرد؟

چنان چه عرفاً از لوازم زندگی محسوب شود، ولی اتفاقاً مورد استفاده قرار نگرفته باشد، خمس تعلق نمی گیرد.

س۳۲۳ : خانواده دختر قادر به خرید یک مرتبه جهیزیه نیست، اگر از درآمد کسب به تدریج وسایلی به این جهت تهیه کند، آیا مشمول خمس می شود؟

خیر، مشمول خمس نمی شود.

س۳۲۴ : آیا وسایلی که پسران قبل از سال عروسی برای ازدواج تهیه می کنند، مثل جهیزیه است و خمس ندارد؟

خمس به آنها تعلق می گیرد در صورتی که بدون پس انداز پول امکان ازدواج داشته باشند.

س۳۲۵ : آیا به پولی که انسان برای ازدواج پس انداز کرده، خمس تعلق می گیرد؟

بلی خمس تعلق می گیرد.

س۳۲۶ : آیا به طلا و زیور آلات زنانه - که زن از درآمد شخصی تهیه کرده و خود را با آن زینت می کند - بعد از فروختن، خمس تعلق می گیرد؟

چون بعد از فروختن از زینت و مؤنه خارج شده، خمس تعلق می گیرد.

س۳۲۷ : آیا به پاداشی که بعد از بازنشستگی به کارمندان می دهند، خمس تعلق می گیرد؟

بلی، تعلق می گیرد.

س۳۲۸ : کسی که شیعه است; و خمس نمی دهد، اگر مالی که خمسش را نداده به من هدیه کند، آیا باید خمس آن را بدهم؟

خیر، چون وقتی هدیه می دهد، خمس آن در ذمه اش باقی می ماند و به کسی که به او هدیه داده منتقل نمی شود.

س۳۲۹ : چرا در اسلام خمس را باید به سادات داد؟ آیا این کار،

نوعی امتیاز محسوب نمی شود؟

هیچ گونه امتیازی نیست چون زکاه را نباید به آنها داد بلکه باید به غیر سادات داده شود.

س۳۳۰ : آیا تغییر زمان سال خمسی، جایز است؟

جلو انداختن مانعی ندارد.

س۳۳۱ : کسی که درآمد کسب دارد; ولی تا به حال خمس نمی داده و اکنون می خواهد خودش محاسبه کند و خمس اموالش را بپردازد، باید چگونه عمل کند؟

باید تخمین زده شود که در سال های گذشته چه مقدار خمس به ذمه او منتقل شده است و با یک مجتهد یا وکیل او مصالحه نماید.

س۳۳۲ : پدرم از دنیا رفته است; در حالی که می دانم خمس اموالش را نداده، تکلیف من چیست؟

تکلیف شما این است که اول خمس آن اموال را بدهید وبعد اموال باقی مانده را میان ورثه تقسیم کنید.

س۳۳۳ : آیا پدری که سید است، می تواند از خمس، مخارج تحصیل فرزندانش را بپردازد؟

بله، می تواند از سهم سادات و با اذن حاکم شرع از سهم امام مخارج تحصیل فرزندانش راپپردازد.

س۳۳۴ : سال مالی بنده به پایان رسیده است و بنده پول خود را برای خرید خانه در بانکی گذاشته ام، که بنابه دلایلی معادل همان پول (۳۰۰۰۰۰۰۰ریال) را از برادر خود قرض کرده ام وبا آن سهام خریده ام و به میزان ۵۰ درصد افزایش سرمایه داشته است. موجودی پول خودم هم در بانک تغییری نکرده است (سهام مذکور را درآغاز سال دوم مالی خودم خریده ام)

الف. آیا به پول بنده که برای خرید خانه در بانک است خمس تعلق می گیرد؟

ب. آیا درپایین سال مالی دوم خودم به سهام من اگر قیمت آن کاهش پیدا

کند، خمس تعلق می گیرد؟

پولی که سهام خریده اید، چون به ازاء آن در بانک موجودی دارید خمس تعلق می گیرد وپس انداز برای خرید خانه موجب عدم تعلق خمس نمی شود وبا افزایش سرمایه هر دو خمس دارند.

س۳۳۵ : درشرکت ما درآخرسال، پاداشی بنام پاداش مدیریت می دهند، آیا به این پاداش خمس تعلق می گیرد؟

بلی، تعلق می گیرد.

س۳۳۶ : آیا به عیدی که به کارمندان دولت داده می شود خمس تعلق می گیرد؟

بله، تعلق می گیرد البته اگر زاید بر مؤنه باشد.

س۳۳۷ : برادرم دو سال پیش برای بنده پیراهنی به ارزش ۶۰۰۰۰۰ ریال خریده است و به بنده سوغات (هدیه) داده است. اما من به دلایلی بسیارکم ازآن استفاده می نمایم آیا به این پیراهن در سر سال مالی بنده خمس تعلق می گیرد؟

خیر، تعلق نمی گیرد.

س۳۳۸ : آیا به کتاب هایی که بنده درگذشته خریده ام وهرچند وقت یک بارمقداری از هر کتاب را مطالعه می نمایم خمس تعلق می گیرد؟

چون کتاب ها مورد استفاده قرار می گیرد، خمس به آن ها تعلق نمی گیرد.

س۳۳۹ : آیا به تمبرها یا سکه هایی که برای کلکسیون شخصی، جمع آوری می شود، خمس تعلق می گیرد؟

بله، تعلق می گیرد.

س۳۴۰ : کسی مالش مخلوط به حرام است و منفعت کسب هم دارد و می خواهد مقداری از اموالش را رأس المال تجارت قرار دهد؛ حال اگر بخواهد در آن واحد خمس همه را بدهد، آیا باید سه بار خمس اموالش رامحاسبه کند؟یکبار به خاطر اینکه مالش مخلوط به حرام بوده؛ دوم منفعت کسب داشته وسوم از منفعت کسب، می خواهد رأس المال قرار دهد.

اول

خمس مال مخلوط به حرام را بدهد و بعد اگر زاید بر مخارج سال بود، خمس منفعت کسب رابدهد و دیگر خمسی واجب نیست.

س۳۴۱ : کسی که برای آذوقه منزل، (مثلا) چندین کیسه برنج تهیه می کند، در صورتی که سال بگذرد و از برخی کیسه ها استفاده نکند، آیا خمس آنها بر او واجب است؟ در مورد پارچه های دوخته نشده و کتاب های تقریبا بلااستفاده چطور؟

کیسه های برنج را باید حساب نمایید و اما کتاب ها و لباس دوخته نشده، چنانچه زیاد نباشد لازم نیست حساب شود.

س۳۴۲ : کسی که دیگری تمام خرجش را می دهد، اگر پولی به او ببخشند یا کار کند، باید خمس آن را بدهد یا نه؟

اگر پولش را در حساب قرض الحسنه بگذارد - به نیت اینکه سرمایه از ما کار از بانک - چه حکمی دارد؟

بلی باید خمس پول بخشیده شده به او و درآمد کار آن را بدهد، چنان چه در وسط سال خرج نکند و اما پس انداز پول درحساب قرض الحسنه به هر نیتی باشد جایز است.

س۳۴۳ : اینجانب تمام مخارجم را پدرم می دهد. در طی سالها مقادیری پول به من بخشیده اند، ولی من تا به حال خمس آن را نمی دادم; حالا چگونه سال تعیین کنم و خمس بدهم؟ (تا چند سال آینده نیز پدرم مخارجم را می دهد و شاغل نخواهم بود)

همین الان حساب کنید وخمس آن را بپردازید و همان روز، اول سال خمسی شما خواهد بود، تا یک سال بگذرد و اگر پولتان زیاد شد، آن زیادی خمس دارد وگرنه اصل مال تا ابد خمس ندارد.

س۳۴۴ : آیا

پولی که قرض می دهیم یا در حساب قرض الحسنه بانک می گذاریم، خمس دارد؟

چنانچه زیادی از مصارف سالانه باشد، خمس دارد.

س۳۴۵ : حکم هدیه ای که از کافر دریافت می شود چیست؟ در صورت مباح بودن آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

خود هدیه از کافر مباح است ودرصورت زیادی از مخارج سال خمس به آن تعلق می گیرد.

س۳۴۶ : بنده سال قبل مبلغی مثلا ۱۰۰۰ تومان در بانک داشته ام که در پایان سال مالی، ۲۰۰ تومان آن را به عنوان خمس پرداخت نمودم و باقیمانده پول من ۸۰۰ تومان شد. امسال در پایان سال مالی ۱۵۰۰ تومان در بانک دارم. آیا باید خمس - ۱۵۰۰ تومان یعنی ۳۰۰ تومان - را بدهم یا خمس ۷۰۰ تومان اضافه شده را یا خمس ۵۰۰ تومان را که ما به التفاوت ۱۰۰۰ تومان پارسال و ۱۵۰۰ تومان امسال می باشد؟

باید خمس (۷۰۰) تومان را بدهید و مال خمس داده شده هرچه بماند، خمس ندارد.

س۳۴۷ : آیا کسی که کارمند است و در ماه حقوقی دریافت می کند و پس انداز کمی هم دارد، باید زکات پرداخت کند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، مبنای محاسبه آن چگونه است؟

زکاه واجب نیست، ولی بعد از گذشتن یک سال خمس آن مال - یعنی یک پنجم آن - را باید بدهد.

س۳۴۸ : جوانانی که ازدواج ننموده اند و می خواهند تشکیل خانواده دهند، آیا جهت فراهم کردن مقدمات این امر، (مثل مسکن و مهریه و...) می توانند پس انداز کنند یا باید خمس آنها را بپردازند (که در این صورت برایشان معضل و کارشان کمی سخت می شود)

چنان چه

بدون ذخیره پول، نتوانند ازدواج نمایند یا مشقت داشته باشد، خمس واجب نیست، ولی درمورد مسکن ومهریه چون سکونت در خانه اجاره ای هیچ محذوری ندارد و مهریه نقد لازم نیست، پول پس انداز برای آنها خمس دارد.

س۳۴۹ : اگر برای گرفتن مغازه یا زمین، مبلغی جمع کرده شود، آیا خمس دارد؟

چنانچه زاید برمخارج سال باشد، خمس تعلق می گیرد.

س۳۵۰ : به پول و سکه ای که در هنگام تولد به طفل صغیر می دهند و پدر و مادرش در آن هیچ دخل و تصرفی نمی کنند، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

چنان چه پدر خمس آنها را بدهد مانعی ندارد، ولی اگر نداد، بعد از بلوغ خودش باید بپردازد.

س۳۵۱ : یک سیدی می شناسم محتاج و کسی نیست که خرجی اش را بدهد و خیلی پیر است، آیا اجازه می دهید که سهم امام را به او بدهم؟

تا مقدار ثلث بدهید.

س۳۵۲ : به سکه هایی که هنگام ازدواج داده اند و یک سال گذشته است، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

بله، چنانچه زاید بر مخارج سال باشد خمس تعلق می گیرد.

س۳۵۳ : سر سال محاسبه خمس ما ۱۵ مهر می باشد; مثلا سال گذشته ۹۰۰۰۰۰۰ تومان درآمد داشتیم، ولی این پول هنوز به دست ما نرسیده تا هزینه ها و ما یحتاج خودمان را برداشته و خمس باقیمانده را محاسبه کنیم. ما در حال حاضر و زمانی که بخشی یا تمام طلبمان به دستمان برسد، در رابطه با خمس مال خود چه کنیم؟

شما وظیفه دارید سر سال حساب موجودی زائد بر مخارج سال گذشته را بنمایید و با مجتهد دستگردان کنید آنچه تمکن دارید

بپردازیـد، زاید بر آن را مجتهد مهلت می دهد که وقتی ممکن بود بپردازید. و بر حسب روایات اگر خمس بدهید، مالتان زیاد می شود و به تجربه ثابت شده.

س۳۵۴ : اینجانب در پایان سال مالی گذشـته به طور فرض ۱۰۰۰ تومان در حساب بانکی خود داشتم که تصمیم داشتم خمس آن یعنی مبلـغ ۲۰۰ تومـان آن را پرداخت نمـایم. در این فاصـله مشـکلی برایم پیش آمـد که مجبور شـدم بخش اعظم حسـاب بـانکی خود را برداشـته و خرج نمـایم؛ در واقع پول خمس نـداده را خرج کردم. در حال حاضـر- بحمـدلله - در حساب بانکی مبلغ سابق و حتی بیشتر از آن موجود است، آیا اگر بـدهی خمس خود را از این مبلغ جدید جمع شده، که در واقع درآمدهای امسال من بوده است بـدهم، اشـکالی نـدارد و ثانیاً با توجه به این که سال مالی اینجانب آخر اسـفند ماه است، آیا بایـد بـدهی خمس خود را - که مربوط به سال قبل است تا تاریـخ آخر اسـفند امسال - بـدهم؟ آیا اگر به این امر موفق نشوم، به بـدهی ام خمس تعلق می گیرد؟

خمس آن مبلغ را که در پایان سال گذشـته داشتید مدیونید و هر چه زودتر- اگر امکان داشـته باشد - باید بپردازید ولو قبل از اسفند و آنچه- بیشتر- در بانک موجودی دارید آخر اسفند امسال، خمس آن زیادی را باید بپردازید.

س۳۵۵ : پدرم سید ومعیل، است می توانم همه خمسم را به او بدهم یا خیر؟

چنان چه پدر فقیر باشد برای خرج خودش نمی توانید به او خمس بدهید، چون واجب النفقه است؛ ولی برای خرج عیال و نان خوران

او می توانید از نصف خمس که سهم سادات است به او بدهید.

س۳۵۶ : درحکومت اسلامی، دادن خمس مهمتر است یا مالیات؟

خمس مهم تر است.

س۳۵۷ : دادن خمس و مالیات - با هم - در حکومت اسلامی اجحاف به مسلمانان و بالاخص شیعیان نیست؟

گویا - فعلاً - اگر کسی به یکی از مراجع خمس بدهد و بر حکومت ثابت شود که خمس داده از مالیات کم می کنند، بنابراین اشکال مرتفع است.

س۳۵۸ : حکم کسی که خمس مالش را نمی پردازد چیست؟ آیا مال او حرام محسوب می شود؟ آیا می توان در خانه او - که مطمئن هستیم با مالی که خمس نداده تهیه کرده - نماز خواند؟

بلی، می توانید نماز بخوانید و از غذاهای او استفاده کنید هرچند معتقد به خمس نباشد.

س۳۵۹ : آیا به پولی که به منظور خرید خانه یا ماشین یا ازدواج یا چیز دیگر، پس انداز می شود، خمس تعلق می گیرد؟

به پولی که برای خرید خانه یا ماشین سواری، پس انداز می شود، خمس تعلق می گیرد و اما ازدواج اگر تمکن از ازدواج بدون پس انداز ندارد، و ترک ازدواج هم مشقت دارد خمس تعلق نمی گیرد وگرنه به آن خمس تعلق می گیرد.

س۳۶۰ : اگر پدر شخصی سرمایه ای به عنوان هبه یا غیر آن بدهد، آیا سر سال خمسی بر اصل سرمایه خمس تعلق می گیرد، بر سود آن چطور؟

به هر دو خمس تعلق می گیرد، با تحفظ و با رعایت شرایط.

س۳۶۱ : ۱. آیا کسی که از کودکی دفترچه پس انداز داشته و والدین او در طول سال های متمادی برای او پول پس

انـداز نموده اند به طوری که پس از اینکه به سن تکلیف رسـیده است، مبلغی جمع شده است، باید خمس این مال را پرداخت نماید. ۲. اصولا پرداخت خمس برای افراد کارمند چگونه است؟

۳. اگر کسـی بخواهـد مبلغی را خمس دهـد و توانایی پرداخت آن را به صورت یکجا نداشـته باشـد و به مجتهد یا نماینده وی دسترسـی نداشـته باشد تا مبلغ مورد نظر را دسـتگردان نماید، آیا می تواند بعضـی اوقات مبلغی را که می تواند کنار بگذارد تا پس از مدتی مبلغ مورد نظر جمع شده را یکجا پرداخت نماید؟

۴. با توجه به مصارف خمس – که در رساله مشـخص است – آیا خود شـخص می تواند، مبلغ خمس خود را به محل مصـرف در صورت موجود بودن برساند؟

۱. باید پرداخت نماید.

۲. فرقی بین کارمند و غیر او نیست.

۳. با اجازه از مجتهد اشکال ندارد.

۴. نصف خمس سهم سادات است، بدون مراجعه به کسی می تواند به مصرف برساند ولی در نصف دیگر باید از یک مجتهد یا وکیل او اجازه گرفت.

س۳۶۲ : آیا پولی که در نتیجه قرعه کشی به دست می آید، خمس دارد؟

حکم سایر فوائد و منفعت های تجارت را دارد و در صورت زیادی از مخارج سال خمس دارد. والله العالم.

س۳۶۳ : خمس آیا جزء عبادت است یا معاملات؟

بهتر است سـئوال را این گونه مطرح کرد: خمس از عبـادات است یـا توصـلیات؟ عبـادات تکالیفی است که در امتثال آنها بایـد قصد قربت نمود و در توصلیات قصد قربت معتبر نیست و خمس از توصلیات است.

س۳۶۴ : اگر بر شخصی حج واجب شود و زکات و خمس بدهکار نباشد و

در آن سال نرود و بعد از چند سال تصمیم بگیرد که برود، اما زکات و خمس بدهکار باشد، آیا واجب است پول خمس و زکات را اول بدهد یا می تواند حج (واجب) برود و بعد خمس و زکات را بدهد؟

چنان چه می تواند هم حج برود و هم خمس و زکات بدهد، باید به هر دو عمل کند و گرنه اگر خمس و زکات در ذمه باشد، حج مقدم است و احتمال تخییر هم نیست و اگر در عین مال باشد، خمس و زکات مقدم بر حج است.

س۳۶۵ : اگر بر شخصی حج واجب شود و زکات و خمس هم بدهکار باشد و پول هردو را داشته باشد و در آن سال نرود و بعد از چند سال تصمیم بگیرد که برود، اما پول حج را فقط داشته باشد، آیا می تواند حج (واجب)برود و بعد خمس و زکات بدهد؟

باید خمس و زکات بدهد و اگربا عمل به یکی قدرت بر دیگری ندارد، مخیر است بین دادن زکات و خمس و بین رفتن به حج.

س۳۶۶ : اگر بر شخصی حج واجب شود و نمی داند - یا مطمئن نیست - که آیا زکات و خمس بدهکار است، و اگر بفهمد که بدهکار است آیا می تواند حج برود و بعد خمس و زکات بدهد، و اگر بدهکار بود و بعد از حج فهمید یا نفهمید آیا حجش حج واجب است؟

در جمیع صور، حج صحیح است.

س۳۶۷ : اگر بر شخصی حج واجب شود و زکات و خمس هم بدهکار باشد، اما پول هیچ کدام را نداشته باشد و کسی پول فقط حج را به

او هدیه کند (یعنی شرط هدیه حجه الاسلام رفتن باشد)، آیا می تواند بپذیرد و حج برود و آیا حجش حجه الاسلام است؟

باید بپذیرد و حجش حجه الاسلام است.

س۳۶۸ : اگر چیزی که انسان یکبار خمس آن را داده است، مثل زمین یا منزل یا ماشین و سکه و...بر اثر تورم و... گران بشود، آیا مقدار مبلغی که گران شده است، مشمول خمس می شود؟

چنان چه از مخارج باشد، مانند منزل مسکونی، مشمول خمس نمی شود وگرنه مشمول است.

س۳۶۹ : آیا چیزی که اصل آن مشمول خمس نمی شود، مثل ارث، اگر قیمت آن زیاد شود، زیادی مشمول خمس می شود؟

بله، مشمول خمس می شود.

س۳۷۰ : آیا چیزهایی که از شان انسان بیشتر است مثل خریدن چند اتومبیل یا زمین و انسان آن را تهیه کند، مشمول خمس می شود؟

بله، مشمول خمس می شود.

س۳۷۱ : مخارج سالیانه یعنی چه؟

آن مقدار مالی که در طول یک سال، برای مخارج زندگی انسان از قبیل خوراکی ها و پوشیدنی ها و... لازم است را مخارج سالیانه می گویند.

س۳۷۲ : اگر بطور مثال من در حساب بانکی خود ۱۰۰ تومان داشته باشم و بخواهم خمس آن - یعنی ۲۰ تومان - را پرداخت کنم باید این مبلغ را حتماً از همان حساب بانکی برداشت کنم یا می توانم از محل دیگری هم بدهم. یعنی اگر مثلا ۲۰ تومان از جایی به من رسید می توانم آن را به عنوان خمس پرداخت کنم دیگر به حساب بانکی خود دست نزنم؟

لازم نیست از همان حساب بانکی برداشت نمایید، بلکه از هر محل دیگری باشدکافی است.

س۳۷۳ : نظر مبارک حضرتعالی در خصوص اختصاص

دادن بخشی از مبلغ خمس به امر بازسازی اماکن و عتبات عالیات در عراق به ویژه حرم سامراء چیست؟ آیا مراکز و شماره حساب های بانکی ای که از طرف دولت برای این امر مشخص و اعلام شده است، معتبر می باشند و می توان پول را به حساب آنها واریز نمود؟ اگر پاسخ مثبت است، بنده در صورتی که امسال مبلغ ۲۶۰ هزار تومان باید خمس بدهم چه میزان از این مبلغ را اجازه می فرمایید که به این امر اختصاص یابد؟

چنان چه مطمئن باشید که صرف بازسازی می شود، بسیار عمل خوبی است، الان در نزد من مبالغی جمع شده است و در صددم نزد کسی که مطمئنم به مصرف بازسازی می رسد بفرستم. اما آنچه از طرف دولت اعلام شده است، شما اگر خودتان اطمینان دارید، بپردازید و شما می توانید تا نصف خمس خود را به آن محل اختصاص دهید و اما نصف دیگر که سهم سادات فقیر است، در غیر فقراء سادات نمی توان صرف نمود.

س۳۷۴ : خانمی که شوهرش هیچ گونه خرجی نمی دهد و بچه هایش به او مبلغی داده اند که این خانم مبلغ را به کسی داده که با آن تجارت کنند وهر ماه مبلغی را به عنوان سود می گیرد و با آن پول وسایل شخصی و... را تهیه می کند، حالا می خواهد بداند چکار کند، همیشه احساس گناه می کند، ولی مجبور است. از شما عاجزانه کمک و راهنمایی می خواهد که چگونه از دست این گناه خلاص شود و مالش را پاک نماید.

چنان چه چیزی از پولی که کسب کرده و در

ضمن یک سال خرج زندگی نموده، زیاد آمد خمس آن زیادی لازم است و اما آن مقدار که خرج کرده، خمس ندارد.

س۳۷۵ : اگر کسی مالش را به گونه ای خرج کند که آخر سال مالی، چیزی اضافه نیاید، باید خمس بدهد؟ (مثلا سفر خارج رود که ضرورتی ندارد)

خیر لازم نیست خمس بدهد; به شرطی که خرج عقلائی باشد نه سفهی.

س۳۷۶ : خمس شامل چه افرادی و با چه شرایطی لازم می باشد و چگونه باید انجام گیرد و به چه کسانی تعلق می گیرد و به چه کسانی باید مراجعه کنیم؟

کسی که کاسبی دارد یا زراعت می کند و حقوق می گیرد، چنان چه یک سال از اولین استفاده او بگذرد و در این مدت خانه تهیه کند و مخارج سال خود و خانواده اش را بدهد و چیزی زیاد بیاید، یک پنجم آن را باید به عنوان خمس بدهد، البته نصف خمس که سهم امام است، به مرجعتان بدهید بهتر است.

س۳۷۷ : در کدام سوره و آیه آمده که باید خمس داد و در کجا آمده صیغه جایز است؟

آیه خمس در سوره انفال آیه ۴۱ است. آیه متعه صیغه در سوره نساء آیه ۲۴.

س۳۷۸ : ۱. شهریه طلاب به نظر معظم له خمس دارد یا خیر؟

۲. هدایایی که به طلاب می دهند و ما مطمئن هستیم که از وجوهات تهیه شده آیا خمس دارند یا خیر؟

۳. آیا شما این اجازه را به عموم طلبه ها می دهید که مقداری از خمسی که والدین طلاب می پردازند، قسمتی را برای تهیه کتاب یا مخارج دیگری که مربوط به تحصیل است استفاده کنند؟

۴.

همین فرض در مورد خمسی که خود طلاب می پردازند، نیز شما اجازه می دهید یا خیر؟

۱. شهریه طلاب در حکم منفعت کسب است و چنان چه سال بگذرد و زیادی از مخارج بود، خمس دارد.

۲. هدایایی که به طلاب داده می شود ولو وجوهات باشد حکم منفعت کسب را دارد.

۳. بله، مجاز است.

۴. در سهم مبارک امام اجازه مجتهد لازم است و من اجازه می دهم.

س۳۷۹ : خمس و زکات به کسی که نان آور خانواده است و شوهر و بچه سید هستند، تعلق می گیرد؟

خانمی که نان آور است، برای مخارج زندگی می تواند به شوهرش خمس بدهد، ولی اگر نان آور مرد باشد نمی شود برای مخارج به زنش و بچه خمس بدهد.

س۳۸۰ : من حدود سه سال است که مشغول کار هستم آیا پولی را که برای خرج عروسی جمع کرده ام خمس دارد یا نه؟

بله، خمس دارد.

س۳۸۱ : شخصی مدعی است که عقیده به دادن حقوق شرعی سهم امام(علیه السلام) به روحانی و مرجع ندارد، و مصرانه مایل است خودش آن را در مواردی که مطابق شرع می داند ویقین دارد، مورد رضایت امام زمان (عج) می باشد، مصرف نماید; آیا شما اجازه می دهید آن را خودش به مصرف شرعی بحسب تشخیص خودش برساند؟

بله، مجاز است; به شرط آنکه به همان مصرفی که مرجعش مصرف می داند، صرف نماید.

حج

س۳۸۲ : من مردی ۳۴ ساله هستم و از من خواسته شده، برای دایی مرحومم، حج نیابتی به جا آورم، من در حال حاضر توانایی ثبت نام به مکه و رفتن به حج را دارم، ولی به دلیل

اینکه مهریه همسرم را تاکنون به طور کامل پرداخت نکرده ام، (حدود ۱۵ میلیون تومان دیگر) هنوز اقدام به این عمل ننموده ام; آیا من می توانم به نیابت ازآن مرحوم حج را به جا آورم؟

بجا آوردن حج به نیابت آن مرحوم هیچ اشکال ندارد، مورد اشکال، حج واجب بر خود انسان است.

س۳۸۳ : اگر جوان مجردی پولی داشته باشد و می تواند با آن ازدواج کند یا حج واجب انجام دهد، اولویت با کدام است; یعنی اگر این پول را صرف ازدواج کند، دیگر نمی تواند به حج واجب برود و اگر این پول را صرف حج واجب کند، دیگر نمی تواند ازدواج کند; بنابراین وظیفه این جوان مجرد چیست؟

اگر شرائط دیگر وجوب حج محقق باشد و جوان هم راه دیگر برای رفع حاجت ازدواج مانند(صیغه موقت) داشته باشد یا قدرت بر صبر داشته باشد و در مشقت نیفتد، باید به حج برود و گرنه خرج ازدواج نماید.

س۳۸۴ : تشرف هر ساله به عمره و حج استحبابی اولویت دارد یا قضای حاجت و کمک به مؤمن; مانند خرید جهیزیه یا دادن هزینه ازدواج یا خرید یخچال یا لوازم ضروری برای همسایه یا نیازمندانی که قادر به تهیه آنها نیستند؟ در خصوص کسانی که چند سال یکبار یا برای سال اول مشرف می شوند چگونه است؟ همچنین در خصوص کسی که هر ساله به حج تمتع مشرف می شود؟ لطفا اگر سند روائی دال بر اولویت وجود دارد، ذکرنمایید.

در صورت امکان جمع بین هر دو بنمایید وگرنه قضاء حاجت مقدم است. بله، کسی که سال اولی که مشرف می شود، بعید نیست حج مقدم باشد; البته

اینها در مورد غیر حج واجب است و اما حج واجب قطعاً مقدم است.

س۳۸۵ : در تلبیه گفتن، آیا لبیک آخر (پنجمی) گفته می شود یا خیر؟

لبیک آخری چهارمی است.

س۳۸۶ : اگر در هنگام حج در بعضی مسایل مشکلی داشتیم و ندانیم تکلیف چیست، آیا می توانیم به مجتهد دیگری رجوع کنیم، در صورت رجوع شما چه کسی را معرفی می کنید؟

تبعیض در تقلید، خلاف احتیاط است و چنانچه چنین مسأله ای پیش آمد، احتیاط کنید یا به وسیله تلفن یا فاکس و یا اینترنت از مرجعتان سئوال کنید.

س۳۸۷ : در رمی جمرات، در سنگ زدن به شیطان طبقه اول با طبقه دوم تفاوتی وجود دارد؟

بله، اکتفاء به رمی طبقه دوم خلاف احتیاط است.

س۳۸۸ : ماکه در جحفه احرام می بندیم، آیا می توانیم در تهران غسل احرام انجام دهیم؟

البته غسل احرام واجب نیست و مستحب است؛ و چنان چه در تهران غسل کنید و همان روز به جحفه برسید و در جحفه غسل نکنید، اشکالی ندارد و اگر نرسیدید در آن روز مستحب است دو مرتبه غسل کنید.

س۳۸۹ : با توجه به اینکه در جامعه، افرادی نیازمند هزینه تحصیل یا هزینه ازدواج یا مایحتاج ضروری زندگی هستند، آیا بهتر است بنده که چند بار به عمره مشرف شده ام، دوباره به عمره مشرف شوم یا هزینه آن را صرف امور ذکر شده بنمایم؟ آیا فرقی بین همسایه بودن فرد نیازمند یا رحم بودن یا غیرآنها وجود دارد؟

اگر جمع ممکن است به هر دو عمل شود وگرنه رفع حوائج مسلمان خصوصاً همسایه و رحم مقدم است.

س۳۹۰ : در اصابت سنگ حاجیان به جمرات، آیا باید

به خود ستون ها بخورد؟

بله، باید به ستون ها بخورد؛ یعنی انداختن در محل نزدیک به جمرات کافی نیست.

قضاوت

س۳۹۱ : اگر پسر بچه ای در بدو سن تکلیف در یک عمل مطایبه ای و غیرمقصود و بدون هیچ غرضی و در یک نزاع غیرجدی دقیقاً مشابه دعوای دو کودک که بر سر یک چیز بسیار ساده دعوا می کنند و بدین صورت که ابتدا مقتول که تقریباً ۱۸ ساله است، یک شيء فلزی (متر فلزی که با آن پارچه را متر می کنند) را به سمت متهم پرتاب کند و متهم به قتل نیز- طبق شناسنامه ۱۶ ساله - متقابلا همان شيء را به سمت او از فاصله ۴ الی ۵ متری پرتاب می کند که به صورت اتفاقی به بنا گوش او اصابت می نماید و وی فوت می کند. در حالی که نه قصد و غرضی مبنی بر قتل در میان باشد و نه اینکه از آلت و ابزاری استفاده شده باشد، که آلت قتاله باشد و نه اینکه از چنین کسی با چنین سنی که دوست صمیمی مقتول نیز می باشد، چنین امری اصلا و تحت هیچ شرایطی چنین امری قابل تصور نمی باشد. در حالی که این دو باهم رابطه خویشاوندی سببی دارند. و برادر مقتول داماد خانواده متهم به قتل نیز می باشد. خواهشمند است نظرتان را در خصوص عمدی یا شبه عمدی یا غیرعمدی بودن این امر بیان فرمایید.

این کشته شدن نه عمدی است، نه شبه عمد، بلکه خطای محض است و دیه قتل خطائی معلوم است و خلاف شرع هم نکرده است.

س۳۹۲ : اگر حکم اختلاف مالی

در دادگاه یا نزد ریش سفیدان، منوط به نظر کارشناس دادگستری در امور مالی شود و اختلاف بر سر دادن پول به دیگری است. اگر ما به کارشناس پول بدهیم تا قیمت کمتری یا بیشتری از واقعیت بر روی مال یا جنس بگذارد تا سود کنیم و طرف دیگر متضرر شود و کارشناس قبول کند؛آیا کار ما گناه است و رشوه؟ آیا کار کارشناس هم خلاف است و پولش حرام؟ آیا راهی برای توجیه شرعی این کار هست؟ آیا در این موضوع فرقی بین اینکه طرف مقابل پولدار هست یا نه هست؟

کاری خلاف است و خیانت محسوب می شود و پول برای گیرنده هم حلال نیست و راهی برای توجیه شرعی آن به نظر نمی رسد، مگر آنکه به طرف بگویید که من اطمینان به نظر این کارشناس ندارم و ممکن است قیمت این جنس بیشتر باشد، ولی من بیش از این مقدار حاضر به معامله نیستم، در این صورت معامله هم صحیح هم لازم است و پولی هم که به کارشناس می پردازید هبه کنید؛ یعنی ببخشید و یا راضی باشید به تصرف او در این مال که در این دو صورت مال هم حلال می شود.

س۳۹۳ : آیا یک قاضی بعد از رسیدن به مقام قضاوت، مادامی که بر اساس علم خود و بدون تحت تاثیر دیگران حکم کند، مصونیت شرعی در پیشگاه خدا دارد؟ (منظور این است که اگر قاضی اشتباهاً حکم به اعدام شخصی داد و یا با حکم غلط کسی را چند سال زندانی کرد و عمر او و آبرویش را از بین برد و البته کسی هم تا آخر

متوجه نشود که قاضی اشتباه کرده است در اینجا قاضی مصونیت شرعی دارد) آیا خداوند متعال در این قبیل موارد برای فرد بی گناه درجاتی را در نظر می گیرد؟

در چنین مواردی چنانچه بر قاضی اشتباه خودش ثابت شود واجب است اعلام اشتباه کند و نسبت به خسارت مادی حتی آنچه در مقابل اعدام باید بدهد که دیه قتل خطئی است، باید از بیت المال پرداخت شود.

س۳۹۴ : شبه ای که برای یکی از دوستان بنده پیش آمده یک مسأله فقهی و کلامی است که به راستی حکم کشتن کافر چیست؟ و آیا شارع مقدس دستور به حمله و کشتن کافران را می دهد؟ با توجه به آیه ۲۹ سوره توبه که در آن دستور مقاتله با اهل کتاب داده شده است تا اینکه به خواری جزیه بپردازند; آیا این منافاتی با اخلاق و اصول انسانی ندارد، حتی منافات با آیات دیگر قرآن که می فرماید اگر با شما مشرکین جنگیدند، بجنگید یا آیاتی که به کافران می فرماید دین شما برای شما و دین ما برای ما. همچنین آیا امام علی(علیه السلام)موافق حمله عمر به ایران بوده و موضع ائمه در این مورد چه بوده؟ آیا کشتن یک زرتشتی مجاز است یا نه؟ آیا با کشتن یک کافر باید مسلمان قاتل، قصاص شود؟

کشتن کافر به عنوان کافر جایز نیست، بلکه در صورتی که جهاد باشد، واجب می باشد.

س۳۹۵ : در آیه ۲۳ از سوره شریفه انفال آمده است که بدترین چهارپایان(جنبندگان) نزد خداوند کسانی هستند که نه می شنوند، نه می بینند و نه تفکر می کنند، حال آیا داور یا داورانی که بدون

بررسی محتویات پرونده و لوایح موجود و یا حتی از روی خصومت شخصی، مبادرت به صدور رأی می نمایند، مشمول آیه فوق می باشند؟ و با این افراد چه برخوردی باید داشت؟

این افراد چه مشمول آن آیه کریمه باشند یا نباشند، عملشان خلاف شرع و خداوند جزای سختی برای آنها در نظر دارد و این دنیا در صورت بسط ید مجتهد و ثابت شدن این کار قبیح تعزیر قرار داده است.

س۳۹۶ : در مورد آیه شریفه: «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم»، آیا معنی آیه این است که چنانچه فردی یکی از اعضای خانواده ما را به عمد کشت، برای قصاص ما می توانیم فردی از اعضای خانواده او را بکشیم یا فقط فرد قاتل باید قصاص شود؟ و آیا در این مسأله قیدی وجود دارد یا نه؟

معنی آن آیه کریمه این است: اگر شخصی اعتدا کرد به شخصی، فقط شخص معتدی به می تواند به همان شخص همان مقدار اعتدا نماید. بنابراین مورد سئوال هیچ ربطی به آیه کریمه ندارد.

س۳۹۷ : شرایط تحقق زنای به عنف چیست؟ مردی با وعده های گوناگون دختران دانشجو را اغفال نموده و پس از مدتی ارتباطات غیر از زنا نهایتاً با برخی از آنان زنا نموده است و در دفاع از خود گفته است خود دختران هم تمایل داشته اند. آیا این شیوه ها زنای به عنف است؟

خیر این زنای به عنف نیست، چون در حین عمل دختر با میل و اختیار خود تسلیم این عمل شده است. چنانچه در حین عمل تمکن از جلوگیری نداشته باشد و بدون رضای او عمل محقق شده باشد

زنای به عنف است.

دیه سقط جنین

س۳۹۸ : رأی حضرتعالی درباره دیه سقط جنین نامشروع چیست؟ مبلغ آن چقدر است و به چه کسی باید داده شود؟

چنانچه نطفه باشد «۱۶ درهم» و اگر علقه باشد «۳۲ درهم» و اگر مضغه باشد «۴۸ درهم» و اگر استخوان پیدا کرده باشد «۶۴ درهم» و اگر گوشت روییده و تام الخلقه شد «۸۰ درهم» و اگر روح دمیده و پسر است «۸۰۰ درهم» و اگر دختر باشد «۴۰۰ درهم». هر درهم یک مثقال نقره شرعی است که نصف مثقال صیرفی و یک چهلم آن می باشد و به پدر و مادر و اقرباء آنها داده نمی شود، بلکه مال امام است.

س۳۹۹ : آیا سقط جنین (حدوداً ۴۰ روزه) حرام است و در این صورت دیه آن چقدر است؟

بلی حرام است و دیه آن تا نطفه است و در حد ۴۰ روز است، ۲۰ دینار و هر دینار یک مثقال طلا است.

نذر

س۴۰۰ : بنده مسئول هیئت عزاداری سید و سالار شهیدان امام حسین(علیه السلام) می باشم. چندی قبل تعدادی صندوق به طور امانت نزد عده ای از افراد گذاشته شد، تا نذورات خود را داخل آن بیندازند، ولی احتمال این نیز می رود که عده ای هم نذورات و هم صدقات خود را داخل آن بیندازند. با طرح این مسأله، خواستم از جنابعالی بپرسم که آیا می توان این پول ها را صرف مخارج هیئت، شامل خرید تجهیزات و دادن شام و... کرد؟ اگر می شود آن مقدار از پول ها که با هم مخلوط شده اند را چگونه جدا سازیم و در مجموع چه کاری باید کرد؟

چنانچه آن افراد را می شناسید از آنها

سؤال کنید که با این پول ها چه کنیم. اگر نمی شناسید و مصرف آنها را نمی دانید، من اجازه می دهم که در عزاداری امام(علیه السلام) مصرف نمایید. و اگر مصرف را می دانید در آن صرف نمایید.

س۴۰۱ : دادن نذر به سادات و قبول آن از طرف سادات چگونه است؟

شما اگر سید نیستید نمی توانید از طرف سادات قبول کنید.

س۴۰۲ : اگر من نذری کنم و فراموش کنم که آن نذر چه بوده و در چه تاریخی باید انجام می شده است، چه باید کرد؟

به حداقل محتملات که به آن اطمینان دارید، در راه خیر و عبادت در هر وقت که خواستید صرف نمایید.

س۴۰۳ : حقیر نذر کردم که اگر دانشگاه آزاد قبول شوم پای تخته سیاه بنویسم «بی حجاب منتظر نگاه دیگران» الحمدلله قبول هم شدم. اگر این کار باعث دشمن تراشی شود و در صورتی که یادم نیست که قول داده ام یا نذر کرده ام و نمی دانم صیغه نذر را خوانده ام یا نه؟ وفای به این عهد بر من واجب است؟

خیر، واجب نیست.

س۴۰۴ : بنده نذر کرده بودم به مدت ۱۰ ماه یک دهم حقوق خود را صدقه بدهم، ولی بنا به مشکلاتی این کار را انجام نداده ام به جای این کار در هر ماه مقدار کمتری پول (از یک دهم حقوق) را صدقه می دهم. آیا بنده در نذر خودم تخلف کرده ام؟ واگر تخلف در نذر کرده ام چه مقدار باید کفاره بپردازم؟

بله، نسبت به مقدار کمتر از یک دهم تخلف کرده اید و باید آن مقدار را صدقه بدهید و به جهت تخلف نذر

کفاره هم بدهید.

س۴۰۵ : من جهت تهذیب نفس با خودم سوگندی یاد کردم، تا مدت زمان معینی برخی کارها را انجام ندهم و چندین غذای خاص که بسیار مورد علاقه ام بود نخورم، ولی متأسفانه مدتی نتوانستم به آن سوگندم که فقط میان من و پروردگارم بود وفا کنم; حال که هنوز مدت معینی از زمان سوگندم مانده تصمیم گرفتم به عهدم وفادار بمانم. برای آن عهدشکنی ام باید توبه کنم یا کفاره دهم؟

برای عهد شکنی که معصیت و گناه است، باید توبه کنید و کفاره بدهید، به این نحو - یا شصت فقیر را سیر کنید یا دو ماه روزه بگیرید یا یک بنده آزاد کنید - که آخری ظاهراً فعلا مورد ندارد.

س۴۰۶ : شخصی نمی دانسته که برای نذر واجب است صیغه خوانده شود و فقط نیت کرده; آیا بعد از رفع حاجت باید به نذر خود عمل کند

من صیغه خواندن در نذر را لازم نمی دانم، بنابراین باید به نیت نذر خود عمل کند.

س۴۰۷ : من نذر کردم که سه روز پشت سر هم روزه بگیرم و در دلم گفتم از فلان روز تا فلان روز می گیرم، ولی نتوانستم روزه بگیرم حکمش چیست؟ وآیا در نذر کردن حتماً باید نام خدا را ببرم (به عنوان صیغه نذر) یا مثلا بگویم نذر امام رضا می کنم، نذرم صحیح است؟

در نذر تلفظ لازم نیست، ولی باید در نیت چنین نیت کنید; یعنی بناء قلبی داشته باشید که برای خدا این عمل را انجام می دهید. فعل قلبی کفایت می کند، البته گفتن لفظ بهتر است.

س۴۰۸ : ۱: اگر کسی نذری کند و آن

را با تأخیر زیاد انجام دهد، گناه دارد یا هر وقتی باشد اشکال ندارد؟

۲: اگر کسی نذرش را فراموش کند که به چه صورتی بوده و فقط (مثلا) یادش بیاید که پولی نذر کرده، ولی جزئیاتش را به هیچ وجه بیاد نیاورد وظیفه اش چیست؟

۳: آیا برای کلیه امور حلال می توان نذر کرد؟

۱: تأخیر در انجام، چنانچه نذر مطلق باشد و مقید به زمان خاصی نباشد اشکال ندارد.

۲: اگر مصرف را فراموش کرده می تواند در مطلق وجوه خیر صرف کند.

۳: و اگر هیچ گونه مصرفی را تعیین نکرده باشد و برای کلیه امور حلال نذر کرده باشد نذرش باطل است.

س۴۰۹ : اینجانب در مسافرت به یکی از شهرهای ایران مبلغی را برای امامزاده ای نذر کردم و امکان سفرم به آنجا فعلا نیست؛ چون ۷۰۰ کیلومتر فاصله دارد در این حالت چگونه نذر خود رااداا کنم؟ (امکان دادن آن به مسافرها هم نیست).

اگر نذر مطلق کرده اید، می توانید آن وجه را بدهید که برای آن امام زاده قرآن بخوانند و یا زیارت امام رضا(علیه السلام) به نیابت او یا حج و... انجام دهند. و اگر نذر کرده اید که صرف در تعمیر مقبره آن امام زاده یا تشکیل مجلس در جوار او بنماید و مسافرت به آنجا ممکن نیست یا مشقت زیاد دارد و به این زودی ها هم تمکن پیدا نمی شود، در امور خیریه ای صرف کنید که ثوابش عائد آن امامزاده بشود.

س۴۱۰ : آیا مصداق نذر را می توان تغییر داد؟ (مثلا نذر کنیم برای موضوعی یک گوسفند بدهیم و بعد از قطعیت نذر به جای گوسفند پول بدهیم.

یا مثلا یک سکه طلا بدهیم. آیا چنین تبدیلی صحیح است)؟ اگر یک گوسفند را بدون قید و خصوصیتی نذر کنیم و در نظرمان باشد که گوسفند صد هزار تومان است; حال آنکه گوسفند ارزان تر هم می باشد و ما مطلع نبودیم، چگونه باید نذر را ادا کنیم؟

به آنچه نذر کرده اید عمل کنید و تبدیل آن به چیز دیگر جایز نیست گرچه قیمت آن زیادتر باشد. چنانچه درحین نذر کردن مقید به اینکه صد هزار تومان باشد ننموده اید، و فقط خیال می کردید قیمت این مقدار است; گوسفند ارزان تهیه کنید عمل به نذر کرده اید و لازم نیست قیمت صد هزار تومان را مراعات کنید.

س۴۱۱ : من ۲۰ سال پیش نذری برای پسرم کردم که در روز تولد حضرت امام رضا(علیه السلام)غذا بپزم و پخش کنم. فقط زبانی گفتم و معلوم نکردم چقدر و چه چیز را نذر کنم تا به حال این نذر انجام شده است. حالا آیا می توانم معادل آن وجه نقدی که در توانم هست را به مستحق بپردازم یا مواد خشک نپخته بخرم و پخش کنم و یا باید حتماً غذایی پخته شود گرچه به اندازه دو نفر باشد.

همان گونه که نذر کرده اید عمل کنید. در صورتی که نذر شرعی بوده است باید عمل کنید و دادن پول نقد و یا مواد خشک نپخته مجزی نیست.

قسم

س۴۱۲ : من قسم خورده ام که مشروب نخورم; اگر به عهد خود وفا نکنم حکم آن چیست؟ (قسم به قرآن خداوند)

اولا شما را نصیحت می کنم که مشروب نخورید، زیرا معصیتی بسیار بزرگ است و عواقب بد دنیوی

و اخروی زیادی دارد. و ثانیاً در صورتی که قسم به خداوند خورده اید چنانچه عمل نکنید، باید فقیر را اطعام کنید یا به ده فقیر لباس بدهید.

س۴۱۳ : به من کاری پیشنهاد شد. من هم چون از کار اطلاعاتی نداشتم و برای رهایی از پیشنهاد کننده، قسم خوردم وارد کار نشوم. حالا بعد از مدتی با اطلاعات کاملی که از این کار بعد دست آوردم، فهمیدم که این کار زندگی من را تغییر می دهد و می خواهم وارد آن کار شوم. مسأله قسم خوردنم چه می شود؟

قسم به غیر اسم الله منعقد نمی شود و مخالفت با آن کفاره ندارد. و اگر با کلمه الله باشد، نباید مخالفت نمود واگر مخالفت شود کفاره لازم است.

س۴۱۴ : اگر شخصی جهت اثبات موضوعی، با علم و اطلاع بر دروغ بودن آن به جان کسی قسم بخورد، مثلا به جان پدرش، مادرش و برادرش یا به جان شخص دیگری، و پس از مدتی حقیقت را برای شخصی که برایش قسم دروغ خورده بگوید، حکمش چیست و برای جبران قسم های دروغی که خورده باید چه بکند؟

این قسم ها کفاره ندارد.

میت و ارث

س۴۱۵ : چندی قبل، شخصی از دنیا رفت و افراد در تشییع او شرکت کردند. زمانی که می خواستند پیکر میت را داخل ماشین بگذارند، یکی از نزدیکان میت زیر تابوت را گرفت و با اذکار مقدس یا حسین(علیه السلام) یا زهرا(علیها السلام)، چندین مرتبه تابوت حامل میت را بالا و پایین برد و حاضران نیز این اذکار را تکرار نمودند و سپس میت را داخل ماشین قرار دادند. بعد از چندی برخی اقوام به نامبرده

گفتند، انجام این عمل درست نبوده است و موجبات اذیت و آزار میت شده است و دلیل آورده بودند که در روایت آمده است: «بدن کسی که تازه از دنیا رفته است، آسیب دیده و خرد می باشد و تا زمانی که دفن نشود و مورد سؤال و جواب قرار نگیرد، بدن راحت نیست». لطفاً نظر خود را در این خصوص بیان فرمایید.

این گونه حرکات و اذکار مطمئناً موجب آزار و اذیت میت نخواهد شد و بسیار عمل خوبی است و میت هم از این عمل فایده می برد.

س۴۱۶ : بنده امسال با خرج خودم سالگرد پدرم را گرفتم، و قیم شخص دیگری است; آیا ثواب این مجلس و فاتحه ها به روح پدرم می رسد؟ (بنده ۲۰ سال دارم).

ثواب به ایشان می رسد و خوشحال می شود که پسری مانند شما دارد و در فکر او است، تا می توانید برای او کار خیر انجام دهید.

اگر مادرتان زنده است به او خدمت کنید که آن مرحوم هم خوشحال می شود، قطع نظر از ثوابی که مترتب است.

س۴۱۷ : اگر شخصی بدون وصیت بمیرد و ورثه او نابالغ باشند، آیا جایز است از مال میت برای او خرج شود؟ و همین طور آیا جایز است، در آن خانه غذا خورده شود؟

اگر بالغین از ورثه، از سهم خودشان که با ارث به آنها می رسد، با اجازه حاکم شرع خرج کنند جایز است و همچنین اگر مصلحت صغیر و غیربالغ در آن باشد، جایز است وگرنه جایز نیست. اما غذا خوردن در آن خانه، در صورتی که مبلغی به عنوان اجرت در سهم بچه در نظر

بگیرید یا صلاح صغیر در آن باشد جایز است، به شرط مراجعه به حاکم شرع و اجازه از او.

س۴۱۸ : خانمی در خواب مادر مرحومش را دیده است، می گوید: در عالم خواب دو آقای بلند قد، با صورت های بسیار جدی و با لباس مشکی در مقابل مادرم ایستاده بودند (ظاهراً از بابت بدهی مادرم آنجا بودند)؛ مادرم از هر جای خانه اش، تکه کوچک طلا- پیدا می کرد و به آن دو مرد می داد، ولی آنها می گفتند که این مقدار کافی نیست. تا اینکه تمامی طلاهایش را می دهد و همه وسایل خانه (حتی لحاف و تشک) را به آن دو مرد می دهد؛ اما آن دو نفر می گویند که اینها کم هستند. این خانم می گوید در عالم خواب من در کنار مادرم بودم و سه تکه طلا داشتم که آنها را درجیبم پنهان کردم و به مادرم ندادم و مادرم را می دیدم که خیلی پریشان است و دنبال چیز با ارزشی برای پرداختن بدهی می گردد. آن سه تکه طلایی که داشتم عبارت بودند از:

۱. انگشتری از مادرم به ارث رسیده است و الان آن را دارم.

۲. گردنبندی که مال پسر بچه ام بود و مادرم در زمان حیات، پسرم را به پارک برد و گردنبند دزدیده شد.

۳. انگشتری که تا حالا مانند آن ندیدم.

حال این خانم می پرسد که مادرم چه گرفتاری دارد و من برای بر طرف شدن گرفتاری ایشان باید چه کار کنم؟

آیا برای عمل به پاسخ شما، حتماً باید شما مرجع تقلید من باشید؟

من دو خواهر و یک برادر دارم، پس ار مرگ

مادرم، یک ششم مالش را خرج مخارج ایشان کردیم. هر کدام از دخترها یک ششم و برادرم دو ششم ارث بردند. خواهرم از سهم خودش برای مادرم نماز قضا گرفت. در حال حاضر از نظر مالی در مضیقه هستم. باید چه کار کنم؟

به قدر امکان، دیون مادرتان را اعم از مادی و معنوی، مانند قضاء نماز و روزه انجام دهید، معلوم می شود گرفتار است. اگر مدیون است، دین او را اداء کنید، اگر صاحبش را نمی شناسید رد مظالم بدهید.

س۴۱۹ : پدری دارم حدوداً ۵۴ سال دارد. - الحمدلله - از لحاظ بدنی هم در صحت کامل به سر می برند، اما متأسفانه اهل نماز و روزه و سایر مسائل فقهی نیست و به خیلی از مسائل بدگمان و بدبین است سوال نخست من این است: من که پسر بزرگ خانواده هستم، آیا بعد از ایشان فرایضی که از ایشان قضا شده و می شود، به عهده اینجانب است؟ و با در نظر داشتن این مطلب که تذکر دادن به ایشان موجب رنجش ایشان می شود، اگر در این گونه مواقع، به خاطر تذکر در امورات دینی بگوید اگر تذکر بدهی، عاقت می کنم، آیا تکلیف از من ساقط می شود؟

سوال دوم: پدر بزرگی داشتم که به رحمت خدا رفت، یکی از آشنایان از جسد ایشان چندین عکس گرفته است، نگاه کردن به این عکس ها چه حکمی دارد؟

تذکر دادن به انجام فرائض نماز و روزه، نه اینکه بد نیست، بلکه از واجبات شما است و گفتن اینکه عاقت می کنم، هیچ اثری ندارد، تا می توانید سعی کنید که ایشان را وادار به

انجام وظائف شرعی بنمایید.

چنانچه نماز نخوانند، بعد از مردن به عهده شما است باید بخوانید.

نگاه کردن به عکس های جسدشان، هیچ اشکالی ندارد، البته به عورت میت نباید نگاه کنید.

س۴۲۰ : من مردی ۴۸ ساله هستم که مرحوم پدرم پس از طلاق مادرم در ۴۰ سالگی با خانمی ازدواج کردند و مادر خوانده من به دلیل ناراحتی زنانه بچه دار نشد و اکنون ۸۳ ساله و بیمار می باشد، آیا نامبرده که فامیل درجه یک ندارد و همه فوت کرده اند و یک مشت بچه برادر و بچه خواهر دارد، پس از فوتش من می توانم در اموالش ادعایی داشته باشم؟

خیر نمی توانید.

س۴۲۱ : در یک قبرستان یازده عدد قبر وجود دارد و قرار است در آنها یازده مرده دفن شود، پس از غسل و دفن کردن، موقع حسابرسی، مرده شور می گوید که من ده نفر را غسل دادم; در حالی که در قبرها یازده نفر دفن شده است. سوال این است که تکلیف آن یک نفر که بدون غسل دفن شده است چیست؟ و چگونه می توان در بین آن یازده نفر که دفن شده اند، آن یک نفر را پیدا کرد و غسل داد؟

چنانچه محذوری نداشته باشد، باید همه را یک مرتبه غسل دهد وگرنه غسل ساقط است و چنانچه ممکن است بعضی را غسل دهد، باید غسل دهد.

س۴۲۲ : میتی را غسل دادند و کفن نمودند و داخل قبر قرار دادند; کسی که مشغول امور تلقین واعمال دیگرشد، مقدار بسیار کمی خون در روی لب میت دید، به گونه ای که به جایی سرایت نمی نمود. شخص مربوطه کار خود را

تمام نمود و قبر را پوشاندنـد، بعـداً نزدیکان میت را احضار کردنـد که از بالای قبر آثار خون را در کفن میت مشاهده کردند; البته این مطلب را با شک و تردید ابراز می داشـتند و می گفتند که مطمئن نیسـتند و شاید هم اشتباه کرده باشند; این در حالی است که شخصـی که داخل قبر شده کاملا مطمئن باشد، آیا باید مقدار کمی خون که روی لب میت بود را پاک می کردند و چون شخصـی که داخل قبر شده بود نسبت به این مسأله بی توجهی کرده است، آیا گناه کرده و در صورت ارتکاب معصیت، چگونه باید جبران کند؟ در خصوص ادعای توأم با شک و تردید نزدیکان میت نظر مبارک چیست؟

اگر به بـدن میت نجاستی برسـد، بایـد تطهیر شود حتی بعد از دفن، به شـرط آنکه بعد از گذاشـتن در قبر و دفن تطهیر موجب هتک یا مشقت نباشد و اگر شک در نجاست باشد، تطهیر لازم نیست. بنابراین نزدیکان میت وظیفه نداشته و ندارند و شخصی که داخل قبر رفته، اگر یقین به نجاست داشته در آن وقت موظف بوده آب بکشد و فعلا اگر او هم شک نموده یا آب کشیدن مشقت داشته باشد، تکلیف ندارد.

و خداوند تعالی غفار است، در صورت توبه، او را می بخشد اگر گناه کرده باشد.

س۴۲۳ : اگر پس از اینکه میتی را در قبر نهادنـد و روی صورت او مقداری آب که مخلوط آب زمزم، آب علقمه و آب فرات است، به جهت تبرک بریزند (در حد یک لیوان) به گونه ای که حنوط پیشانی پاک شود، آیا این عمل درست است و

اگر درست نمی باشد، در صورتی که اقدام کننده جهل به مساله داشته است نظر مبارک چیست؟

خود آب ریختن جایز است، ولی لازم است پس از پاک شدن حنوط، دو مرتبه عمل حنوط را انجام دهند و اگر قبر میت را پس از پاک شدن حنوط بپوشانند، تا موقعی که نبش قبر اهانت به میت نباشد، باید نبش نموده و عمل تحنیط را انجام دهند.

س۴۲۴ : اگر فرضاً مادر من از دنیا رفته باشد و من برای او قرآن بخوانم، ثواب بیشتری به او می رسد یا اینکه وقتی قرآن می خوانم، ثواب آن را به روح چند نفر هدیه نمایم; یعنی آیا در حالت دوم، ثواب بین آن چند نفر تقسیم می شود یا به همه به یک میزان می رسد؟

بین علماء اختلاف است و منشأ آن اختلاف روایات است; بعضی معتقدند که به هر کدام از آنها، چند ثواب کامل قرآن داده می شود و بعضی می گویند، توزیع می شود. من خودم در اعمال، چون عقیده ام توزیع است جداگانه می خوانم، مثل قرآنی که سحرها می خوانم. در این ماه یک قرآن بیشتر نخواندم و آن را هم به روح دو نفر یکی ملکه نبوت خدیجه کبری و دیگری ملکه ولایت نرجس خاتون، هدیه نموده و ثوابی که از این عمل به من می رسد به روح پدر و مادرم هدیه نمودم.

س۴۲۵ : با توجه به اینکه نماز لیله الدفن نمازی است که به جای خیرات، در شب اول قبر میتی خوانده می شود، آیا می توان این نماز را یک خیرات همیشگی در نظر گرفت و هر شب آن را

به جا آورده و ثواب آن را به روح آن میت هدیه نمود؟

در یک شب به عنوان نماز کلی مانعی ندارد، ولی به عنوان نماز خاص با کیفیت مخصوص جایز نیست.

س۴۲۶ : اگر کسی متوجه شود که پدرش همه اموال خود را از طریق مشروع به دست نیاورده و خانه ای که در آن زندگی می کنند و سایر اموال دچار مشکل است، وظیفه فرزند در مقابل اموالی که از پدرش به ارث برده چیست؟ آیا احترام و اطاعت از چنین پدری لازم است؟

اول باید دیون پدر را اداء نماید، بعد در آن اموال تصرف کند، مرتبه اول نهی از منکر، عدم احترام و عدم اطاعت است.

س۴۲۷ : مرحوم پدرم در سال ۸۳ فوت شد و مقدار ۶۰۰۰ متر زمین که ۲۰۰۰ متر آن باغ است، سهم این جانب شده است. حال سؤالم این است، ثلث پدرم را کی و چگونه بدهم. آیا می توانم درطول زندگیم به تدریج بپردازم یا باید زمین را هرمقدار که خریدند بفروشم و حق ایشان را بدهم؟ پول ثلث میت صرف چه کاری بشود که برای میت مؤثرتر باشد؟

پدرتان اگر وصیت نکرده اند که ثلث صرف خودشان بشود، شما تکلیفی ندارید و اگر وصیت کرده اند، لابد نوشته اند یا گفته اند که کجا و در چه راهی مصرف شود; اگر وصیت کرده اند که ثلث صرف خودم شود و مصرف را تعیین نکرده اند در مطلق کارهای خیر، از قبیل اطعام به فقراء، خرج عزاداری امام حسین(علیه السلام) و اداء دین مضطرین و امثال اینها بنمایید.

س۴۲۸ : حدود سی و شش سال از فوت پدر بزرگ اینجانب می

گذرد. محل دفن ایشان دیگر وضعیت مناسبی ندارد; بطوری که مورد ناراحتی خانواده شده است. آیا امکان جابجایی این قبر هست و چه شرایطی دارد؟

چنانچه می توانید نبش قبر کرده و میت را انتقال دهید; به گونه ای که اهانت به مرده نباشد اشکال ندارد.

س۴۲۹ : آیا پسر و دختر از مادر به یک اندازه ارث می برند؟ اگر نه به چه اندازه؟

اگر وارث یک پسر و یک دختر باشند، مال را سه قسمت کرده دو قسمت را پسر و یک قسمت را دختر می برد.

س۴۳۰ : اگر یکی از وراث غیرمسلمان، در بیماری منتهی به فوت مورث خود مسلمان شود، آیا موجب محروم شدن سایر وراث از ارث می شود؟

اگر یکی از ورثه، قبل از موت مورث مسلمان شود، حکم همان وضعیتی را دارد که مورث بمیرد و یک وارث مسلمان دارد و بقیه کافرند; بنابراین مانع از ارث Ơ…Şjدیگران می شود.

س۴۳۱ : شخصی یک قطعه باغ انگور خود را به مدت صد سال، وقف خاص برای روضه خوانی حضرت سید الشهداء می کند; صد سال منقضی شده و جده مادری یکی از فرزندان آن مرحوم بوده; این شخص(جده مادری) دو دختر و دو پسر داشته، حال سهم الارث فرزندان به چه صورت بین آنان تقسیم می گردد؟

این وقف، وقف منقطع الاخر بوده و به مجرد فوت واقف، آن محل مسلوب المنفعه، منتقل به ورثه او و کسانی که در آن وقت ارث می برند می شود واگر آنها هم مرده اند هر کدام به مقدار حصه شان به ورثه آنها می رسد.

س۴۳۲ : در میراث زوجه گفته می شود که از قیمت اعیان

و اشـجار ارث می برد. اگر بواسـطه مرور زمان یا در اثر حوادث قهری از قبیل طوفان و زلزله اعیان و اشجار تلف شود و چیزی از آن باقی نمانـد، آیا سایر ورثه می توانند در عرصه - بدون در نظر گرفتن حق زوجه - تصـرف نمایند؟ اگر ورثه از پرداخت حق زوجه نسبت به اعیانی امتناع کنند، آیا زوجه می تواند با فروش ملک، حق خود را استیفا کند؟

تصـرف ورثه در عرصه و اعیان مطلقاً جایز است، چون ظاهر ادله این است که نامفهوم پس به مجرد موت، قیمت اعیان به ورثه منتقل می شود. بنابراین تصرف ورثه در عرصه بدون در نظر گرفتن حق زوجه درست است

و زوجه نمی تواند با فروش ملک حق خود را استیفاء کند.

بله مسأله دیگری پیدا می شود و آن حق تقاص است که ما قائلیم و شرایطی دارد که در محلش ذکر شده است.

س۴۳۳ : اگر متوفی وصیت کرده باشد که جزئی از اموالش را به شخص معینی بدهند، آیا عمل به آن واجب است؟

اگر عنوان هبه بر چنین وصـیتی منطبق باشد، آیا قبض در صـحت آن شرط است؟ موهوب له می تواند از ماترک متوفی، بدون اذن یا موافقت ورثه، مال مورد وصیت را قبض نماید؟

چنانچه کمتر از ثلث ماترک اوست عمل به آن واجب است و قبض درصحت آن شرط نیست; ولی موصی له نمی تواند بدون رضایت ورثه، مال مورد وصیت را قبض کند، چون مال مشاع است.

س۴۳۴ : پدری دارای ۳ فرزند می باشد، یک پسر و دو دختر. بعد از مرگ پدر، یکی از دخترها و چند سال بعد هم پسر این

خانواده فوت می کننـد و از این خانواده فقط یک دختر باقی می مانـد. باید به این نکته هم اشاره شود که در حال حاضـر تمام دارایی های این پـدر چند فقره زمین می باشد که در اختیار فرزندان پسـر این خانواده است. حال که دختر خانواده درخواسـت ارث خود را از برادر زاده ها می کنـد، آنها می گوینـد شـما سـهمی نداریـد و بایـد در زمانی که پـدر ما زنـده بود، تقاضا می کردی و الان به شـما و فرزندان آن یکی دختر هم چیزی تعلق نمی گیرد. حال سوال من این است، آیا گذشت زمان باعث می شود که فقط به پسر و فرزندان آن ارث برسد و به بقیه فرزندان دختر ارثی نرسد. لطفاً توضیح دهید.

چنانچه پدر در زمان خود چیزی به کسـی نداده و وصـیت هم نکرده، اموال او ۲ قسـمت می شود نصف آن برای پسر و نصف دیگر ۲ قسمت می شود که بین دو دختر تقسیم می شود.

عزاداری و اعیاد

س۴۳۵ : وظیفه مـا در مراسم هـای مـداحی، که اشـعاری خوانـده می شود و علمـاء خوانـدن آن را جـایز نمی داننـد یـا سـبک خواننده ها می خوانند یا دروغ هایی در قالب مصیبت به ائمه(علیهم السلام)نسبت می دهند(روضه دروغ می خوانند) چیست؟ آیا ترک این گونه مجالس واجب است؟

چنـانچه مرجع تقلیـدتان فتوی می دهـد، به حرمت آن، ترک آن قبیـل مجـالس از بـاب نهی از منکر واجب است; مگر آن که تالی فاسدی مترتب برترک آن بشود ویا بدانید نهی از منکر شما اثری در جلوگیری ندارد.

س۴۳۶ : در راست و دروغ بودن روضه ها، آیا باید یک مطلب در کتب

متعدد موثق، آمده باشد یا اینکه بودن در یک کتاب موثق کافی است واگر در کتاب موثقی مطلبی به صورت غیرمشهور آمده باشد، آیا خواندن آن به عنوان روضه و مصیبت جایز است؟

در هر سه مورد خواندن روضه جایز است.

س۴۳۷ : آیا این کلام صحیح می باشد «حقوق شخصی که در تاسوعا و عاشورای حسینی به سرکار می آید حرام می باشد» و درکل کارکردن در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی چه حکمی دارد؟

حقوق حرام نیست، ولی برای شعائر حسینی کار نکردن بهتر است و کار کردن در روز تاسوعا و عاشورا حرام نیست.

س۴۳۸ : آیا شرکت کردن در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی بهتر است یاخواندن زیارت عاشورا و کتاب در مورد مصیبت سالار شهیدان در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی؟(بغیر از حضوردر نماز جماعت)

هیچ تنافی بین این اعمال نمی باشد و همه اش خوب است.

س۴۳۹ : آیا حضور در مراسم نوحه خوانی برای امام حسین(علیه السلام) که کلماتی به کارمی رود که در شأن امام حسین نمی باشد و در این مراسم اشخاص پیراهن های خود را در می آورند و به خود سیلی و مشت می زنند جایز می باشد؟

آنچه به حسب عرف عقلاء و شارع عنوان عزاداری امام حسین(علیه الاف التحیه و الثناء) باشد خوب است و باید در عزاداری شرکت نمود و جلوی حرف های غیرمناسب را باید گرفت.

س۴۴۰ : در حسینیه ها و مساجد بیشتر مناطق- به خصوص روستاها- مراسم شبیه خوانی (شبیه خوانی: نمایش وقایع حادثه کربلا است که به صورت سنتی در یک مکان ثابت یا در حال حرکت در مسیرهای عزاداران حسینی انجام می

شود) به اعتبار اینکه از سنتهای قدیمی است، برگزار می شود که گاهی اثر مثبتی در نفوس مردم دارد، این مراسم چه حکمی دارند؟

در صورتی که بعضی از اعمال موجب اهانت به اهل بیت(علیهم السلام)نباشد، کاری است عقلانی و شرعی و بسیار خوب است.

س۴۴۱ : در بعضی از مساجد در ایام عزاداری از عَلَم های متعددی استفاده می شود (چوب یا آهن بزرگی است که به صورت افقی بر روی کتف انسان در جلوی هیئت ها و دسته های عزاداری حسینی به عنوان نوعی شعار حمل می شود و بالای آن صفحه های فنری قابل انعطافی وجود دارد که مزیّن به پَر و جواهرات و مجسمه و غیرآنهاست.) که دارای تزئینات زیاد و گرانبهایی است و گاهی موجب سؤال متدینین، از اصل فلسفه آنها می گردد که در برنامه های تبلیغی خلل ایجاد می کند و حتّی با اهداف مقدس مسجد تعارض دارد، حکم شرعی در این رابطه چیست؟

این اعمال فی نفسها جایز است و به عنوان شعائر حسینیه راجح هم می شود.

س۴۴۲ : اگر شخصی عَلَمی را برای عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) نذر کرده باشد، آیا جایز است مسئولین حسینیه از قبول آن خودداری کنند؟

نذر صحیح است و لازم العمل و نباید قبول نکنند، مگر آنکه احتیاج به آن نباشد، در این صورت می توانند، قبول کنند و بفروشند و پول آن را در کارهای مربوط به مسجد مصرف بنمایند.

س۴۴۳ : اگر بعضی واجبات از مکلّف به علت شرکت در مجالس عزاداری، فوت شود، مثلاـ نماز صبح قضا شود، آیا بهتر است بعد از این در این مجالس شرکت نکند یا اینکه عدم شرکت

او باعث دوری از اهل بیت (علیه السلام)می شود؟

مگر شرکت در این مجالس سبب می شود که انسان قادر نباشد نماز بخواند، این حرفها وسوسه شیطانی است و نباید اعتناء نمود.

س۴۴۴ : در بعضی از هیئت های مذهبی مصیبت هایی خوانده می شود که مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است و هنگامی که از خواننده مصیبت درباره منبع مطالب سؤال می شود، پاسخ می دهند که اهل بیت(علیهم السلام)اینگونه به ما فهمانده اند و یا ما را راهنمایی کرده اند و واقعه کربلا فقط در مقاتل نیست و منبع آن هم فقط گفته های علما نمی باشد، بلکه گاهی بعضی امور برای مدّاح یا خطیب حسینی از راه الهام و مکاشفه مکشوف می شود، سؤال من این است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

نه تنها صحیح نیست، بلکه خلاف شرع هم هست. حتماً باید از اینگونه حرف ها جلوگیری نمود و عزاداری که بقاء دین مرهون آن است با این گونه حرف ها منافات دارد.

س۴۴۵ : صدای قرائت قرآن در مجالس حسینی بسیار بلند پخش می شود، به طوری که صدای آن از بیرون شهر هم شنیده می شود و این امر منجر به سلب آسایش همسایگان شده است و مسئولین و سخنرانان حسینیه اصرار به ادامه آن دارند، این عمل چه حکمی دارد؟

در مواردی که موجب اذیت مؤمنین بشود، باید جلوگیری نمود.

س۴۴۶ : نظر شریف حضرتعالی نسبت به ادامه حرکت دسته های عزاداری در شب های محرم تا نصف شب، همراه

با استفاده از طبل و نی چیست؟

خصوص نی را نمی دانم، ولی بقیه هیچ اشکالی ندارد و خوب است.

س۴۴۷ : استفاده از آلات موسیقی مانند اُرگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آنها در مراسم عزاداری چه حکمی دارد؟

حرام است و جایز نیست.

س۴۴۸ : باقیمانده اموالی که به عنوان هزینه های مراسم عاشورای امام حسین(علیه السلام)جمع آوری می شود، در چه موردی باید خرج شود؟

چنان چه می شود نگه داشته و برای مراسم بعد استفاده شود نگه دارند و اگر ممکن نیست می توانند در موارد خیر دیگری صرف نمایند.

س۴۴۹ : آیا جایز است در ایام محرم از افراد خیّر اموالی را جمع آوری کرد و با تقسیم آنها به سهم های مختلف، قسمتی را به قاری قرآن و مرثیه خوان و سخنران داد و باقیمانده را برای برگزاری مجالس مصرف کرد؟

چنان چه تعیین مصرف خاصی در وقت پول دادن ننموده اند در موارد یاد شده می شود صرف نمود.

س۴۵۰ : آیا جایز است زنان با حفظ حجاب و پوشیدن لباس خاصی که بدن آنان را بپوشاند، در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی شرکت کنند؟

در صورت حفظ حجاب و نگاه نکردن به بدن مرد نا محرم اشکال ندارد.

س۴۵۱ : آیا مرثیه خوانی زن در مجالس عزاداری، با علم به اینکه مردان نامحرم صدای او را می شوند، جایز است؟

چنان چه صدای آنها مهیج شهوت جوانان نباشد، اشکال ندارد.

س۴۵۲ : همان گونه که مستحضرید پنج روز اول ماه ربیع الاول با ایام سقیفه و غصب خلافت حضرت علی(علیه السلام) و وقایع شوم دیگری که سر منشاء حوادث تلخی چون

عاشورا می باشد، مصادف است نظر حضرتعالی در خصوص حفظ حرمت این چند روز، مانند ایام عزا چه می باشد؟ نظر شما در خصوص اینکه اگر در مکانی که به مناسبت ایام محرم و صفر سیاه پوش شده است، حرمت این ایام نیز حفظ شود و در این چند روز نیز همچنان سیاه پوش باقی بماند چیست؟

روز اول ربیع – قطع نظر از آنچه نوشته اید – احتمالاـ روز شهادت امام عسگری(علیه السلام) است، سیاه پوش بودن بسیار خوب است و ظاهراً عمل می شود.

و چون مصائب اشاره شده، منحصر به چند روز اول نیست از این رو میان ایام محرم وصفر و این ایام سیاه پوشی ها جمع می شود.

ولی نظر من این است که تا روز هشتم که احتمالا شهادت امام عسگری(علیه السلام)است و می گویند روز اول روز سم دادن به حضرت بوده و روز هشتم، روز شهادت آن حضرت است، سیاه پوشی باقی باشد، البته در صورتی که همه این عمل را انجام دهند، نه یک نفر که اهانت به حضرت است و اما بعد از هشتم مسلماً باید جمع کرد.

س۴۵۳ : آیا خواندن مصیبت، مثلا روایت اهل بیت به صورت خودمانی و به قصد اشک ریختن ایرادی دارد؟

چنانچه مصیبت مجعول نباشد; یعنی در کتب تاریخ و روایات ذکر شده باشد، اشکال ندارد، بلکه خوب هم هست.

س۴۵۴ : نظر شما درباره استفاده از موسیقی های شادی آفرین در مجلس عروسی (با توجه به این که در تاریخ آمده پیامبر(صلی الله علیه وآله) دستور داده در عروسی حضرت فاطمه(علیها السلام)شادی کنند مثلا دف بزنند)، چیست؟ اکر مشکل دارد اسلام در چنین جشن

هایی چه چیز جایگزین ارائه کرده، تا هم حرام نباشد و هم مردم شاد باشند؟

خصوص غناء در شب زفاف برای زنها به قید آن که آلات دیگر مانند دف و... نباشد و مردان هم در آنجا شرکت نکنند، جایز است. موسیقی و دف زدن مطلقاً حرام است.

س۴۵۵ : نظر جنابعالی در رابطه با روی آتش راه رفتن به عنوان عزاداری برای سیدالشهداء(علیه السلام)، در روز عاشورا چیست؟

با فرض این که با جملاتی که می گویند و روی آتش می روند و آتش آنها را نمی سوزاند، جای هیچ تأمل و تردیدی نیست که کاری است خوب و موجب تقویت عقاید مردم به مذهب و تشیع می شود، بنابراین من معتقدم کار خوبی است.

س۴۵۶ : آیا پدر و مادر می توانند فرزند را از رفتن به مراسم عزاداری منع کرده یا به او بگویند (مثلا) خیلی نباید در این مراسم شرکت کنی؟

چنان چه پدر و مادر از رفتن به آن مراسم اذیت بشوند و رفتن او برای یاد گرفتن مسائل دینی نباشد، باید اطاعت نماید.

س۴۵۷ : آیا امر و نهی پدر و مادر در مورد امری غیر از واجبات و محرمات باعث ایجاد حکم ثانوی می شود؟

در مواردی که اطاعت واجب باشد، قهراً این حکم مترتب بر عنوان ثانوی است.

س۴۵۸ : نظر حضرتعالی در مورد مراسم تعزیه و شبیه سازی امام حسین(علیه السلام) و حضرت زینب و... آن هم توسط افراد معمولی چیست؟

کار خوبی است، فقط باید رعایت کنند که به جملات غیرشرعی و توهین آمیز توهین به آن بزرگواران نشود.

س۴۵۹ : آیا ایستادن خانم ها و تماشا کردن عزاداری آقایان که گاهی لخت هم می

شوند و اکثراً جوان هستند، اشکال دارد؟

نگاه کردن خانم ها به بدن لخت آقایان جایز نیست، ولی بر مرد واجب نیست که خود را بپوشاند.

س۴۶۰ : خواهشمند است بفرمایید که آیا به عزاداری ها و مرثیه خوانی هایی که با موسیقی همراه است، می توان گوش کرد؟

خیر، گوش کردن به موسیقی مطلقاً حرام است.

س۴۶۱ : آیا زیبا بودن صدای یک مداح به نحوی که انسان از شنیدن مداحی او لذت ببرد اشکال دارد؟

لذت بردن که با موسیقی و غنا باشد، جایز نیست، ولی بدون آنها هیچ اشکالی ندارد.

س۴۶۲ : در خصوص دو ماه عزاداری اهل بیت(علیهم السلام) در ماه های محرم و صفر نکته قابل توجه چنین است که با توجه به مستندات تاریخی مصیبت از روز هفتم محرم شروع می شود و تا اربعین ادامه می یابد، ولی عملا مشاهده می شود از اول محرم عزاداری شروع می شود و اوج آن روز عاشورا است و تمام می شود; این درحالی است که بخش اعظم مصائب از عصر عاشورا شروع می شود. همچنین در آخر ماه صفر درست پس از رحلت حضرت رسول(صلی الله علیه وآله) وقایع حزن انگیزی چون سقیفه و غصب خلافت و به آتش کشیدن منزل وحی و... به وقوع پیوست که اگر آن وقایع نبود، اصلا عاشورا به وجود نمی آمد، در واقع ۵ روز اول ماه ربیع الاول بدترین مصیبت ها رخ داد که سر منشا مصائب بعدی بود، ولی عملا دیده می شود با پایان ماه صفر، هیچ گونه اقامه عزا و حتی یادآوری از این مصائب نمی شود; آیا مناسب نیست جهت اصلاح این امر ابتدا

مراجع معظم و سایر آحاد پیشقدم شوند. خواهشمند است نظرات راهگشای خود را در این زمینه بفرمایید.

شروع به عزاداری از اول محرم به دستور ائمه اطهار(علیهم صلوات الله الملک العلام) می باشد و در دهه اول ربیع چنین دستوری نداده اند. ولی به واسطه اموری که اشاره کردید و ایام شهادت امام عسگری(علیه السلام) خوب است تا هشتم ربیع مراسم عزاداری باقی باشد ولی بعد از غروب هشتم حتماً تمام مراسم عزاداری جمع شود.

س۴۶۳ : صحن مسجدی که طبق وقف نامه الی الابد باید به عنوان صحن (حیاط) باقی بماند، آیا جایز است از صحن به نفع مسجد مغازه بسازند و اجاره و یا سر قفلی آن را به دیگری واگذار کنند؟

«الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها»; یعنی باید به وقف به همان گونه که وقف شده است عمل شود و تخلف جایز نیست. بنابراین، در مورد سؤال مغازه ساختن جایز نیست.

س۴۶۴ : دو سؤال را که متفرع بر جواب آن حضرت است مطرح می نمایم: الف از صحن مذکور قسمتی را به مسجد الحاق و قسمت دیگر آن را چند مغازه ساخته و سرقفلی آن را به دیگری واگذار نموده و وجه آن را در همان مسجد هزینه کرده اند و بنا بر جواب حضرتعالی، تغییر عنوان صحن به مسجد و یا به مغازه برخلاف نظر واقف و معاملات مذکور خلاف شرع و باطل است; در این صورت آیا حاکم شرع جامع الشرایط می تواند با اجازه بعدی خود، اعمال خلاف شرع مزبور را تصحیح و امضاء کند یا تغییرات مذکور باید طبق نظر واقف دوباره به حالت اولی بر گردد؟

ب: واقف مسجد فوق

الـذکر برابر وقف نامه پنـج مغازه وقف کرده و موارد مصـرف عائدات آنها را سه قسـمت کرده; یک قسـمت آن را به مخارج مسـجد و یک قسـمت آن را به امام جماعت همان مسـجد و یک قسمت دیگر آن را به عتبات عالیات مختص کرده است و در حال حاضـر مغازه های مزبور در مسـیر خیابان واقع و از بین رفته است که شـهرداری در عوض آنها یک مغازه داده، ولی یکی از متصـدیان مسـجد فـوق الـذکرهمان مغـازه را هم فروخته و وجه آن را در همـان مسـجد مصـرف کرده است و بنـا بر جواب حضـرتعالی عمـل این متصـدی بر خلاـف نظر واقف و خلاف شـرع است در این صورت آیا متصـدی مـذکور ضامن است که عوض آن مغازه را خریداری نماید یا خیر؟

موقوفات غیر از مسـجد اگر به آن غرضـی که وقف شده است استفاده نشود، تبدیل آن و فروختن آن جایز است. بنابراین، اگر صحن مسـجد به عنوان مسـجد بودن ولی غیر سـقف باشد که آن مقدار که جزء مسـجد شده است، بی اشـکال است اگرچه به عنوان مسـجد بودن نباشـد و غرضـی که آن را وقف کرده اند فعلا مورد نداشـته باشد و تمام آن تصـرفات جایز است و اما آن مقـداری که جزء مسـجد نشـده است، چون خراب کردن و به حالت اولیه برگردانـدن موجب مشـقت و ضـرر اجتماع می شود اسـتناداً به حـدیث شـریف «لاضـرر» من اجازه می دهم به همین نحو باقی بماند و اما آن عملی که متصدی مسـجد راجع به آن مغازه نموده است به نظر من اشکال ندارد.

س۴۶۵ : در مراسمی

که به نام اهل بیت خصوصاً ابی عبدالله(علیهم السلام) اقامه می شود، آیا لخت شدن و سینه زدن اشکال دارد؟

خیر، اشکال ندارد. چنان چه نامحرم به بدن شما نگاه کند بر او نگاه کردن حرام است و بر شما اشکال ندارد.

س۴۶۶ : آیا استفاده از سبک های خواننده ها چه خواننده های غربی و چه داخل کشور برای مداحی اهل بیت(علیهم السلام)جایز است؟

سبک ها چنان چه توأم با موسیقی و غناء باشد، جایز نیست وگرنه هیچ اشکال ندارد.

س۴۶۷ : در بعضی مجالس مولودی خوانی اهل بیت(علیهم السلام)، از دف استفاده می کنند و معتقدند که دف زدن، نوعی دق الباب درب خانه اهل بیت است، نظر جنابعالی در مورد دف زدن در چنین مجالسی چیست؟و شرکت کردن و نشستن در چنین مجالسی چه حکمی دارد؟

دف زدن حرام است و دق الباب خانه اهل بیت(علیهم السلام) نیست و نشستن در چنین مجالسی جایز نیست.

کف زدن

س۴۶۸ : کف زدن در مراسم ائمه(علیهم السلام) که در مساجد، حرم ائمه ((علیهم السلام))، حسینیه ها و حرم امامزاده ها برگزار می شود چه حکمی دارد؟

کف زدن اگر توأم با کارها و آوازهای غیرجایز نباشد، هیچ اشکال ندارد و توأم با مداحی بودن هم اشکال ندارد.

س۴۶۹ : در بعضی مناطق، زنان مراسمی را به اسم سفره حضرت ابوالفضل(علیه السلام) و برنامه هایی به عنوان جشن عروسی حضرت فاطمه(علیها السلام)برگزار می کنند و در آن شعرهای عروسی خوانده و کف می زنند و سپس شروع به رقص می کنند، انجام این امور چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد.

س۴۷۰ : کف زدن در مجالس جشن اهل بیت در غیر مساجد، چه حکمی دارد؟

جایز

است و اشکال ندارد.

س۴۷۱ : کف زدن در مراسم ائمه(علیهم السلام) چه حکمی دارد؟

کف زدن در مراسم ائمه(علیهم السلام) که در مساجد، حرم ائمه(علیهم السلام)، حسینیه ها و حرم امام زاده ها برگزار می شود، چه حکمی دارد؟

کف زدن، اگر توأم با کارها و آوازهای غیر مجاز نباشد، هیچ اشکال ندارد و همراه با مداحی هم اشکال ندارد.

س۴۷۲ : شادی کردن و کف زدن در مجالس تولد اهل بیت(علیهم السلام) چه حکمی دارد؟

عملی خوب و جایز است; به شرطی که توأم با کارهای غیرشرعی دیگر از قبیل موسیقی و... نباشد.

معاملات

س۴۷۳ : دریافت حق الزحمه بازاریابی، بابت تلاش و معرفی مشتری جدید به شرکت کارگشا و یا هر شرکت دیگری که این کارها را انجام می دهد، حلال است یا حرام؟ آیا معامله و مشارکت و دخالت و انجام دادن کارهای این شرکت ها و سود بردن و پور سانت گرفتن از این بازاریابی ها، تحت کدام عنوان از معاملات اسلامی قرار می گیرد؟

حلال است و این کارها ممکن است به عنوان جعاله و یا شرط ضمن عقد باشد; بهر تقدیر از لحاظ شرعی هیچ اشکالی ندارد، بلکه اگر عناوین معاملات متداوله بر آنها صدق نکند، حلال و مشروع است.

س۴۷۴ : بازاریابی شبکه ای، به صورتی که با ورود شما به این کار، با مبلغ ۵۵۰۰۰ تومان به شما یک کارت جهت تخفیف از مراکز خرید برای یکسال داده می شود که علاوه بر این شما در یک طرح درآمدزایی وارد می شوید و می توانید این کار را با معرفی افراد دیگر و از بازاریابی آن درآمد کسب کنید و همچنین به شما امکان

خرید از یک مجموعه محصولات صنایع دستی ایرانی هم می دهد که با این کار بازار تولید این قبیل اجناس هم رونق گرفته است.

کسب مشروعی است و اشکال ندارد.

س۴۷۵ : همانگونه که مستحضرید، جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون جهانی حق مؤلف (کپی رایت)، نپیوسته است. از این رو، از نظر قانون کشوری، وظیفه ای جهت رعایت حق مولف کتاب های خارجی در ایران وجود ندارد. بر این اساس حدود ۹۹ درصد کتاب های خارجی موجود در بازار، بدون مجوز نویسنده خارجی ترجمه شده و با مجوز وزارت ارشاد به بازار ارائه شده است. از نظر شرعی استفاده از این کتاب ها چه حکمی دارد؟

چون من به حق تألیف قائلم و آن مستلزم ثبوت حق ترجمه بر مؤلف است. از این رو کار متصدی بر ترجمه و نشر آن حق از قیمت ساقط می شود، بنابراین استفاده از آن کتاب ها جایز است.

س۴۷۶ : دانلود و استفاده از کتاب های الکترونیکی فنی، مهندسی خارجی موجود در اینترنت و احیاناً ترجمه آنها، بدون کسب مجوز از نویسنده خارجی چه حکمی دارد؟ (توضیح اینکه این نوع کتاب های ضروری فنی و مهندسی، جهت دانشجویان تنها از طریق اینترنت قابل دسترسی است).

همان حکم مسأله سابق را دارد.

س۴۷۷ : با توجه به نظر برخی مراجع تقلید، مبنی بر جایز نبودن استفاده از کتاب های الکترونیکی خارجی، بدون مجوز نویسنده خارجی، مگر در صورت کافر حربی بودن، آیا انتشار کتاب در کشوری که با ایران متخاصم است، مانند آمریکا و اسرائیل، دلیل بر کافر بودن نویسنده و حلال بودن استفاده از کتاب می شود؟

خیر، دلیل بر حلال بودن نیست.

س۴۷۸ : اینجانب

در کارخانه ای مشغول به کارهای برق می باشم و جدای از آن در بیرون به ساخت تابلوهای برق وخدماتی در زمینه برق مشغولم; حال چند سؤال از محضر شما دارم که انشاءا... مرا در این زمینه راهنمایی بفرمایید.

اول: قیمت کارهای من، از قبیل ساخت تابلو یا خدمات را چه کسی تعیین می کند؟ من که مجری هستم یا فرد متقاضی یا هر دوی ما یا عرف جامعه؟

دوم: اگر عرف می باشد و در عرف هم قیمت مشخصی (به دلیل متنوع بودن و تخصصی بودن کار و...)نبود، تکلیف چیست؟

سوم: کلا در خرید و فروش هر چیزی به غیر از این کار چه کسی قیمت را مشخص می کند.

چهارم: سؤال دیگرم را با یک مثال می گویم; من برای شخصی (مثلاـ علی) تابلوهایی می سازم با قیمت فرضی ۲۰۰۰۰۰ تومان (برای اجناس به کار رفته و دستمزد) که در این قیمت از قبل به توافق رسیده ایم و هر دو راضی هستیم هر چند ممکن است با قیمت عرف بازار فرق داشته باشد. حال این شخص(علی) فرد دیگری را به من معرفی کردند که برای ایشان تابلوهایی تقریباً با همان مشخصات بسازم و علی با من قرار کردند که از این فرد برای هر تابلو ۲۵۰۰۰۰ یا ۲۶۰۰۰۰ تومان دریافت کنم که ۵۰۰۰۰ یا ۶۰۰۰۰ تومان اضافی را به علی بدهم. سؤال این است که آیا این اضافه حساب کردن، با توجه به اینکه من در قیمت ۲۵۰۰۰۰ تومان با نفر معرفی شده به توافق رسیده ام و ایشان هم این مبلغ را داده اند و در کارهای بعد هم باز به من رجوع کرده اند.

چه صورتی دارد، گرفتن آن درست است یا نه، دادن آن به علی چه؟ اصلا می شود قیمت یک کار یا یک جنس را بین دو مشتری فرق گذاشت؟

تعیین قیمت با دو طرف معامله است و تنهایی کافی نیست و به عرف هم مربوط نیست. در صورت معرفی فرد دیگر، طرف معامله آن شخص سوم است و پنجاه هزار تومان مال خود شما است، ولی آن واسطه، حق پیدا می کند و باید با هم توافق کنید.

س۴۷۹ : بنده در سال ۱۳۶۹ اقدام به خرید زمینی نموده که با انقضاء چندین سال، مبیع مستحق الغیر در آمده است. به طوری که استحضار کامل دارید، خصیصه ام والا غیرمنقول دارای ارزش افزوده در خور و چشم گیری است که هر لحظه با گذشت زمان ارزش اراضی رو به افزایش است. با در نظر گرفتن زمان معامله، ثمن پرداختی به میزان فاحشی تغییر یافته است که مستقیماً در آن زمان، با فروش یک دستگاه آپارتمان نوساز، کارسازی می شده است؛ حال با مراجعت به فروشنده وی مدعی است که صرف مبلغ پرداختی را به این جانب مسترد نماید؛ در حالی که گذشت چندین سال و افزایش بهای مال غیرمنقول، ضرر قابل توجه به این جانب متصور گردیده. سوال از حضرتعالی این است که افزایش قیمت اموال غیرمنقول که مستحق الغیر درآمدن مبیع متوجه این جانب گردیده است. مشمول غرامت است مندرج در متن ماده ۳۹۱ قانون مدنی که برگرفته از متون فقهی است می باشد یا خیر؟

ترقی قیمت زمین چون مال شما نبوده است مشمول دلیل غرامت نیست، ولی مسأله دیگری در این موارد است و آن

اینکه آن مقدار پولی که در آن موقع داده اید و فروشنده زمین، از شما ظلماً و غصباً گرفته است و در این مدت نزد او مانده است، در آن موقع حساب کنید چند مثقال طلا می دادند، حال باید قیمت آن چند مثقال طلا را به شما بدهند و چون این مساله هم پر پیچ است، از این رو مصالحه کنید که حلال و طیب قطعی باشد.

س ۴۸۰ : در عقد بیع هر گاه ثمن شخصی باشد، مثلاـ منزل مسکونی به عنوان ثمن معامله زمینی قرار داده شود ولی مبیع مستحق للغیر در آید، آیا مشتری می تواند عین ثمن را مسترد کند؟ اگر بایع مالکیت ثمن شخصی را به دیگری منتقل کرده باشد، آیا معامله نسبت به آن، به هم می خورد. آیا مشتری می تواند ثمن را از شخص منتقل الیه مطالبه کند؟

در صورت بطلان معامله ثمن را (زمین)- مورد سؤال مال مشتری - می توانید پس بگیرید و اگر منتقل به غیر شده است، مشتری مخیر است بین آنکه آن معامله را امضاء کند - ثمن آن زمین را از مشتری ثانی بگیرد- و بین آنکه امضاء نکند و خود زمین را پس بگیرد.

س ۴۸۱ : فردی اعلام می کند که کلاهش را در خانه اش گم کرده است و حاضر است به یابنده صد هزار تومان مژدگانی، بدهد. البته برای استفاده از این مژدگانی هر داوطلب باید دو هزار تومان ورودی پرداخت کند. فرد مذکور با تبلیغات مردمان بسیاری را قانع می کند که یافتن یک کلاه در خانه کار مشکلی نیست و با دریافت حق عضویت نامشان را ثبت می کند.

روز موعود فرا می رسد. همه برای یافتن کلاه تلاش می کنند و یکی موفق می شود. صاحب خانه از دویست هزارتومان، صد هزار تومان مژدگانی به یابنده می دهد. آیا بقیه پول برای او حلال است؟

در معاملات شرعیه میزان داعی و غرض نیست، بلکه میزان انشاء است. هبه به هر داعی باشد، امضاء شده است، حتی اگر داعی باطل باشد. تمسک به عامل حرمت با فقه شیعه سازگار نیست واکل مال به باطل در صورتی است که بدون رضایت انجام گیرد. اگر با علم به این که ممکن است ضرر بکند، با رضایت معامله کند صحیح است و هیچ اشکال ندارد.

س۴۸۲ : اگر مشتری از طرف شخص دیگری ملک را بخرد، ولی هنگام عقد به بایع نگوید که معامله را برای دیگری می کند، اگر معامله مورد اجازه آن شخص واقع نشود، آیا نسبت به مباشر; یعنی فضول نافذ است یا خیر؟

خیر، نافذ نیست.

س۴۸۳ : با سلام من کار تایپ صفحه ای۱۸۰ تومان، از دوستم می گیرم و این کار را بین دیگران به قیمت پایین تر می دهم، (مثلا۱۵۰ تومان) آیا این کار حلال است یا خیر؟

اشکال ندارد، مگر آنکه دوست شما شرط کند که باید خودتان تایپ را انجام دهید که این شرط بعید است، بنابراین حلال و بی اشکال است.

س۴۸۴ : مستأجری آپارتمانی را برای ۱۲ یا ۱۸ ماه از موجر اجاره می کند و تنها موجر برای ۱۲ ماه از او بابت اجاره بها ۶ چک می گیرد. پس از گذشت حدود سه ماه، موجر به مستأجر اعلام می نماید، محل اجاره را خودم به علت بیماری همسر نیاز دارم

و بیش تر از ۱۲ ماه به فکر اقامت در محل اجاره نباشید و موجر با تشدید بیماری همسر خود، حدود دو ماه قبل از اتمام ۱۲ ماه، به مستأجر اعلام تخلیه در موعد ۱۲ ماه می نماید و به مستأجر و بنگاه اعلام می کند. با این حال، برای موجر محرز می شود که مستأجر در اتمام ۱۲ ماه، مورد اجاره را تخلیه و تحویل می دهد; لیکن متأسفانه بعد از اتمام ۱۲ ماه، مستأجر دلایلی می آورد و حاضر به تخلیه مورد اجاره می باشد. به نظر من حرکت مستأجر غصب مال او می باشد و به مستأجر اعلام غصبی بودن اقامت خود و خانواده اش را در محل مورد اجاره می کند. خواهشمند است حکم شرع مقدس را در این مورد اعلام فرمایید.

در مدتی که آپارتمان اجاره شده است و مستأجر تأخیر در اداء مال الاجاره ننموده است، موجر حق ندارد مستأجر را بیرون کند و رضایت و عدم رضایت او هیچ اثری ندارد; ولی اگر مستأجر تأخیر در اداء مال الاجاره بنماید، موجر حق فسخ دارد و در صورت فسخ رضایت او شرط است و با عدم رضایت اقامت مستأجر در آن خانه، غصب و حرام است; و اما بعد از انقضاء مدت اجاره، چنانچه در حین اجاره، مالك حق سرقفلی را به او واگذار کرده است، با پول یا بدون آن باز موجر نمی تواند مستأجر را به زور بیرون کند، ولی چنانچه سرقفلی را موجر به مستأجر نداده است، مستأجر حق ندارد بدون رضایت موجر در خانه بماند و ماندنش حکم غصب دارد.

س۴۸۵ : لطفا حکم خرید و فروش

چک را بیان کنید؟

فروختن چک چنانچه چک محل دارد; یعنی صاحب چک مقابل آن در بانک پول دارد اشکال ندارد. و چنانچه محل نداشته باشد جایز نیست.

س۴۸۶ : آیا فروش کامپیوتر جایز است، چون ممکن است بعضی از افراد

استفاده غیرشرعی از آن بکنند؟

بله، جایز است.

س۴۸۷ : ما در فروش خود، به فراخور حال مشتری به او قیمت می دهیم; مثلا همکار باشد یا مصرف کننده یا آشنا باشد یا غریبه، تلفنی خرید کند یا حضوری جنس بخرد; به نظر شما این کار ما از لحاظ فقهی و اخلاقی اشکال دارد؟

البته انصاف در معامله خوب است، ولی به این مقدار که نوشته اید، شرعاً اشکال ندارد.

س۴۸۸ : اگر کسی متوجه شود که پدرش همه اموال خود را از طریق مشروع به دست نیاورده و خانه ای که در آن زندگی می کنند و سایر اموال، دچار مشکل است; آیا می تواند از آن مال برای امور خود و تجارت استفاده کند (با توجه به اینکه راه درآمدی ندارد)؟

در صورت عدم یقین به داخل بودن مال حرام در آن پولی که در تحت اختیار او است، استفاده از آن پول اشکال ندارد.

س۴۸۹ : اگر کارفرما هزینه آموزش کارگر را بپردازد، بازده بیشتری که در پی می آید، آیا از آن کارفرما است; یعنی کارفرما چون هزینه آموزش کارگر را پرداخت کرده، آیا مالک دانش و مهارت کارگر می شود؟

ملکیت احتیاج به سبب دارد. سبب تحقق دانش و مهارت درس خواندن است. پرداخت هزینه از مقدمات اعدادیه است و نمی تواند سبب ملکیت باشد، مانند آنکه کسی راه محلی که مباحات اصلیه در آنجا است را نشان دهد

و شخصی با صرف مبلغی پول شخص دیگری را به آنجا برساند و در آن محل شخص ثانی با حیازت مباحی را تملک کند، آیا می شود گفت که مالک کسی که حیازت کرده نیست، بلکه آن کسی که راه را نشان داده است می باشد.

س۴۹۰ : اگر بنگاهی کارگری را آموزش دهد و کارگر به بنگاه دیگر انتقال یابد و آموزش های قبلی که هزینه آنرا بنگاه اول پرداخت کرده، موجب افزایش بازدهی و بهرهوری کارگر در بنگاه دوم شود، آیا بنگاه اول نوعی حق (چونان حق سرقفلی) می یابد که باید از بنگاه دوم و یا از خود کارگر دریافت دارد (با فرض اینکه کارگر مزد بیشتری را به خاطر آموزش های بنگاه اول دریافت می دارد)؟

از آنچه در مسأله قبل بیان شد، معلوم می شود که هیچ حقی بنگاه اول ندارد; مگر آنکه پرداخت هزینه در ضمن عقدی باشد و در ضمن آن عقد شرط کند که اگر در بنگاه دیگر برود; آنچه به ازاء دانش به او می دهند مقداری از آن را به بنگاه اولی بپردازد، در این صورت حق پیدا می کند.

س۴۹۱ : آیا قراردادها باید بر اساس عدالت تدوین گردند؟

قراردادها باید بر طبق یکی از معاملات عقلائیه باشد که شارع مقدس هم آن را با (اوفوا بالعقود) امضاء نموده است.

س۴۹۲ : آیا مالکیت ماشین آلات عظیم چند میلیاردی می تواند در اختیار یک فرد باشد; یعنی آیا نظام صحیح اقتصادی امکان انباشت ثروت های بسیار عظیم را به یک فرد می دهد؟

اگر از راه مشروع چند میلیارد پیدا شده باشد و آن ماشین اگر در اختیار یک فرد

باشـد و به نظام صـحیح اقتصادی ضـرر نرسانـد می تواند در اختیار یک فرد باشد، ولی عمده رعایت این دو امر است، بلکه در مالکیت یک فرد بر مال کم ارزش تر، چنانچه موجب ضـرر جامعه اسـلامی باشد، حاکم می تواند دخالت کند و آن را تعدیل کند; کما اینکه پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله)، راجع به آن درخت خرما عمل نمودند.

س۴۹۳ : آیا بورس بازی زمین و خریـد و فروش آن، به گونه ای که فروشـنده هیـچ ارزش افزوده ای در زمین ایجاد نمی کند، بلکه با ترفنـدهای مختلف زمین را با سود بسـیار گزاف انتقال می دهد و نتیجه آن تورم و سوق ثروت های چشـمگیر به بخش واسطه گر است و بسیاری از استعدادها را به جای تولید مولد به این بخش می کشاند، جایز است؟

در صورتی که برای اقتصاد مملکت و نظام اجتماعی مضر باشد، حاکم شرع حق دارد با هر تقدیر ممکن تعدیل کند.

س۴۹۴ : اگر سوبسـیدها و یـارانه هـا، جهت کمـک اقتصادی به قشـر مستضـعف باشـد، آیا برای اغنیا جایز است که علی رغم توانمندی مالی، از یارانه ها برخوردار شوند; به خصوص اگر یارانه ها برای قشر ضعیف کفایت نکند؟

خیر، جایز نیست; مثلا حقوق شرعیه مانند زکات، خمس و کفارات مال فقیر است و جایز نیست اغنیاء از این ها استفاده کنند; بلکه اگر وضعیت به نحوی باشد که فقراء در مضیقه مالی شدید قرار گیرند، بر اغنیاء واجب است حتی از اموال شخصی غیر از وجوه شرعیه برای زندگی آنان بپردازند.

س۴۹۵ : اگر کسی زمینی را احیا کند، آیا مالک زمین می شود یا نوعی اختصاص و

اولویت ایجاد می شود؟

مالک می شود.

س۴۹۶ : اگر احیاکننده زمین موات، سالها از کشت و زرع زمین صرف نظر نماید، آیا به صرف احیاء اولیه، مالکیت زمین برای تمامی نسل ها در اختیار خاندان او باقی می ماند و یا مالکیت (و یا اختصاص)، مادام الاحیاء است; به خصوص اگر جامعه به آن زمین نیازمند باشد، آیا می توان وی را مجبور به احیاء و یا اجاره نمود؟

اگر زمین احیاء شده یا خریده شده دو سال رها شده و هیچگونه احیائی در آن نشود و معطل باشد و شخصی برود آن را احیا کند مالک می شود و از ملک اولی خارج می گردد. جمعی از فقهاء فتوی داده اند با تعطیل دو سال اگر چه کسی احیاء نکند، از ملک او خارج می شود.

س۴۹۷ : اگر کسی معادن استخراج شده را مهمل گذارد و جامعه اسلامی به آن نیاز داشته باشد، آیا می توان حق استخراج و احیاء را به دیگری واگذار نمود؟

اولا حاکم شرع آن را اجبار می کند به استخراج و احیاء و اگر نکرد، مجبور به نقل به غیر به عوض می کند واگر قبول نکرد، حاکم به عنوان ولایت این عمل را انجام می دهد.

س۴۹۸ : اگر مالک کارخانه ماشین آلات را مهمل رها کند و یا کارآیی لازم برای اداره آن و تولید کالاهای مورد نیاز جامعه را از دست دهد، آیا جامعه حقی نسبت به اداره کارخانه و انتقال آن به یک مدیریت کارا پیدا می کند؟

خیر، به مجرد اهمال حقی بر جامعه ثابت نمی شود; بله چنانچه رها کردن موجب اختلال نظام اجتماعی بشود و جامعه متضرر

بشود، حاکم با رعایت شرایط دخالت می نماید و با رعایت حال مالك و اجتماع مسأله را حل می نماید.

س۴۹۹ : با توجه به اینکه نظام ناسالم اقتصادی منجر به ثروت های بادآورده گزاف می شود، آیا می توان برای برخی مالکیت ها محدودیت هایی قائل شد؟

با رعایت موازین شرعیه، مانند حرمت ربا و مانند آن که حاکم اسلامی موظف به اجراء آن است، جلوگیری بشود و مالکیت محدود شود، کار خوب و لازمی است و بدون رعایت موازین شرعی جایز نیست، و تشخیص آن هم با مجتهدین است.

س۵۰۰ : آیا خرید و فروش دلار، ماشین، موبایل، طلا، ارز که با سودهای بسیار همراه است و تورم زایی دارد، اگر با هیچ خدمت و منفعت و ارزش افزوده ای برای جامعه همراه نباشد و تنها باعث ترغیب مردم به سرمایه گذاری در واسطه گری های پرسود و دوری جستن از فعالیت های تولیدی ضروری می گردد، جایز است؟ ولو بلغ ما بلغ؟

مادامی که موجب فلج شدن اقتصاد مملکت اسلامی نشود جایز نیست، ولی در صورت فلج شدن، حاکم اسلامی با رعایت قوانین شرع باید جلوگیری کند.

س۵۰۱ : اگر رقابت شرکت های تولیدی وافزایش کیفیت، تنوع، کاهش قیمت کالا و کاهش هزینه در برخی بنگاه ها، منجر به ورشکستگی بنگاه های ضعیف تر شود، اسلام در این باره چه تدبیری می اندیشد؟ آیا محو رقیبان از صحنه را جایز می شمارد و یا نوعی همیاری و یا حمایت از بنگاه های ضعیف را ارائه می دهد؟

اسلام اهمیت زیادی به معاونت و کمک به ضعفاء و رفع گرفتاری و فقر جامعه داده، تا حدی که در روایات

است: «من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»; ولی به شخصی که می تواند کار کند و محتاج نباشد اجازه نداده است از سهم فقراء داده شود و باز به ترقی مملکت و مسلمین نیز اهمیت می دهد و می فرماید: (وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّه). بنابراین هم به تولید اهمیت می دهد، هم به کمک به ضعفاء و باید جمع بین آنها نمود.

س۵۰۲ : مالکیت صنایع بزرگ و توسعه فن آوری و جایگزین دستگاه های کوچک و بزرگ به جای کارگر، روزبروز نیاز صنایع به کارگر را کاهش می دهد و به بیکاری کارگران می انجامد، آیا اسلام راهکاری ارائه می دهد؟

در این مورد باید حکومت برای کارگر کار تهیه کند و چنانچه او برای کار حاضر باشد، ولی کار نباشد یا ضعیف شود و نتواند کار کند، از بیت المال سهم به او تخصیص داده تا به زندگی شرافتمندانه ادامه دهد، همانگونه که در صدر اسلام عمل می شد.

س۵۰۳ : آیا نظام اجاره کار و دستمزد ساعتی، از نظر اسلام مطلوب است و یا نظام مشارکتی (همچون مساقات، مضاربه، مزارعه و...) که کارگر را در سود عادلانه شریک می سازد؟

همه اش خوب است و«الکاسب حبیب الله» همه را شامل می شود.

س۵۰۴ : آیا ابتکار و نوآوری فنی، می تواند به قیمت های گزاف فروخته شود؟

با رضایت طرفین معامله اشکال ندارد.

س۵۰۵ : آیا کارخانه ها می توانند از انتقال علوم و فنون خود به جامعه و شرکت های دیگر بخل ورزند؟

در روایات از چنین بخلی مذمت شده است و سخاوت در بذل علم را از بهترین عبادات شمرده است، و

لکن به نحو مطلق نمی شود حکم به عدم جواز نمود.

س۵۰۶ : آیا مهندسین کارخانه می توانند از ارائه دانش خود به نیروی کارگر خودداری نموده و آنها را در جهل نگاه دارند و مانع ارتقاء علمی کارگران شوند؟

جواب این سؤال از جواب سؤال قبل ظاهر می شود.

س۵۰۷ : آیا آیه (وَ لا یَحْسَبَنَّ الَّذِینَ یَبْخَلُونَ بِما آتاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَیْراً لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَیُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا بِهِ یَوْمَ الْقِیامَهِ)، شامل بخل در انتقال علوم و فنون و نوآوری های فنی نیز می شود؟

آیه کریمه مربوط به بخل در بذل مال واجب، مانند زکات است و شامل بخل در بذل علم نیست. به خصوص با قرینهء ذیل آیه کریمه (وَ لِلّهِ مِیراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ...).

س۵۰۸ : آیا قراردادهای مشارکتی، مانند مضاربه، مزارعه، مساقات و... امضایی هستند یا تأسیسی؟

همه امضائی است. نهایت شارع مقدس شرایط و قیودی را اضافه فرموده است، مانند بقیه امضائیات.

س۵۰۹ : آیا قراردادهای اضطراری کارگر که در آن کارگر برای تأمین معاش و کسب اشتغال مجبور به پذیرش قرارداد است اگر با سوء استفاده کارفرما همراه باشد، آیا هیچ ضمانی برعهده کارفرما نمی آورد که به نوعی کارگر را استثمار می کند؟

خلاف اخلاق شرعی است، ولی ضمانی نمی آورد، در صورتی که در اول با رضایت طرفین قرارداد بسته شده باشد.

س۵۱۰ : آیا صرف افزایش تقاضای یک کالا، این حق را به عرضه کننده می دهد که قیمت آن کالا را افزایش دهد؟

بله. چنین حقی دارد در صورتی که ظلم به جامعه نباشد.

س۵۱۱ : آیا صرف افزایش نیروی کار این حق را به کارفرما می دهد که مزد

کمتری بپردازد یا باید حق عادلانه کارگر رابراساس بازدهی و بهره وری او پرداخت نماید؟

چنانچه استخدام به مزد عادلانه شده است خیر; ولی اگر به مقدار معینی استخدام بکند که آن مقدار عادلانه نباشد کارگر قبول کند و رضایت بدهد، آنچه قرار داده اند باید بدهد و لازم نیست زیادتر بدهد، البته زیادتر دادن بسیار خوب است.

س۵۱۲ : حکم حضرتعالی در مورد چک، سودهای بانکی، جوایز بانکی و بورس با توجه به بانکداری اسلامی چیست؟

پولی که در بانک می گذارید و سود می دهند، آن سود جایز و همه اش حلال است و اشکال ندارد و بانک های ممالک کفر به طریق اولی سودش حلال است.

س۵۱۳ : آیا در موارد خاص اجازه کپی برداری از کتاب ها و... را دارا می باشیم (مواردی مثل نیاز فوری به کتابی داشتن و در دسترس نبودن آن کتاب برای خرید و یا استفاده)؟

مجازید.

س۵۱۴ : در خیلی از مراکز کشور، مثل دانشگاه ها و... بر روی کامپیوترها انواع مختلف نرم افزارهای خارجی نصب است که قیمت اصلی انگلیسی آن به گفته دوستان چندین دلار می باشد و در داخل این نرم افزارها به راحتی کپی برداری شده و با قیمت ارزان به فروش می رسد. وظیفه ما در برخورد با این موارد چیست؟ آیا نباید از این نرم افزارها مثل Wordو یا Windows که در این کامپیوترها است استفاده بکنیم؟ در صورت نیاز به این امکانات آیا اجازه خرید این خدمات و نرم افزارها را از بازار به صورت ارزان تر و کپی شده اصلی را داریم؟

بعد از آنکه کپی برداری شده است و از قیمت اولی افتاده است،

فعلا به قیمت ارزان خریدن اشکال ندارد.

س۵۱۵ : اینجانب مغازه ای دارم که از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۸۲ به شخصی کرایه داده ام. قرارداد هر سال یکبار تمدید می شد. حال که برای تخلیه اقدام کرده ام مستأجر تخلیه نمی کند و به دادگاه نیز شکایت کرده ام و دادگاه نظر داده که باید بر طبق نظر کارشناس به مستأجر حق کسب پیشه بپردازم. سؤال من این است که آیا این حق کسب پیشه که به مستأجر باید بپردازم از طرف مستأجر، حلال است یا حرام. یعنی پولی که مستأجر از بنده می گیرد حلال است یا حرام. لازم به ذکر است که مغازه سرقفلی ندارد.

با سر قفلی حلال است و بدون آن حرام؛ مگر دهنده هبه کند و راضی باشد.

س۵۱۶ : احتراماً بفرمایید نظر جنابعالی در خصوص اینکه شخصی جهت بازار گرمی، مقداری چربی گوسفند را داخل منقل آتش بیندازد که بواسطه دود آن مشتریان از وی خرید نمایند چیست؟

اشکال ندارد.

س۵۱۷ : آیا وامهایی که برای اموری خاص به مردم اعطا می شود، مثل وام فرش یا منزل یا اشتغال و... را می شود در غیر مورد آن استفاده کرد؟

چون این گونه وام ها مشروط به صرف در مورد خاص است، صرف آن در غیر آن مورد جایز نیست.

بله اگر شرط ضمن عقد نباشد اشکال ندارد.

س۵۱۸ : ۱. حضرتعالی درباره حق تألیف فرموده اید که تکثیر نسخه با چاپ و غیره جایز نیست، ولی مطالعه و گوش کردن جایز است. نظر شما درباره شخصی که یک عدد سی دی فیلم یا نرم افزار مادر و اصل را خریده است و صاحبان تألیف این

آثـار، کپی و تکثیر آن را ممنوع اعلام کرده انـد چیست؟ آیـا می توانـد یـک عـدد از آن سـی دی فیلم و یـا نرم افزار را برای خودش و چنـد تا نیز برای دوسـتان کپی بکند و بدون دریافت پول به آنها بدهد، تا خودش و دوسـتانش آن را مطالعه بکنند و گوش بدهند و از آن استفاده بکنند؟

۲. شخصـی بـا اسـتفاده از منـابع موجود در سایتهـای اینترنتی یـک کتاب نوشـته است. آیا بـدون رضایت صاحبان آثار (مقاله، عکس، کتاب و...) می تواند این کتاب را تکثیر و به چاپ برساند؟ اگر اشـکال شـرعی دارد، بهترین روش شـرعی در تألیف و گردآوری مطـالب یـک کتاب از اینترنت چیست (قابل ذکر است، آثاری که در اینترنت مشاهـده می شود، قابل چاپ و انتشار می باشد)

۳. آیا حیوان نجس العین مانند سگ به حرم مطهر امامان معصوم (علیهم السلام)پناهنده می شود یا نه؟

۴. آیـا نمـاز معصوم (علیهم السـلام) به قضـا می رود یـا نه؟ می گوینـد در لیله التعرس نماز به قضا رفته و لیله التعرس چه شبی است؟

۱. شخصـی که ممنوع نموده، منع را مختص به دریافت پول نکرده است. بنابر این کپی کردن برای دوستان جایز نیست، مگر با اجازه صاحب تألیف

۲. عین آن چه در سایت است را نمی توان تکثیر نمود، ولی تألیف کتابی با اسـتفاده از مطالب آن اشـکال ندارد; به شـرط آن که مطلب آن کتاب را به خودش نسبت ندهد که دروغ باشد.

۳. مانعی ندارد، ولی در خارج واقع شده یا نه نمی دانم.

۴. التعریس نزول المسافر آخر اللیل للنوم و الاستراحه من قولهم عرس القوم اذا نزلوا آخر اللیل

للاستراحه (مجمع البحرین ۱:۳۶۰) و اما نماز معصوم به قضاء می رود یا نه، روایت معتبری را شهید(ره) نقل فرموده است. امام باقر(علیه السلام)چنین فرموده است: «ان رسول الله(صلی الله علیه وآله)عرس فی بعض اسفاره و قال من یکلؤنا - ای یحفظنا - فقال بلال انا فنام بلال و ناموا حتی طلعت الشمس فقال یا بلال ما ارقدک فقال یا رسول الله اخذ بنفسی الذی اخذ بانفاسکم الحدیث».

س۵۱۹ : آقای (ش) از تاریخ ۲۰/۹/۸۳ در شرکتی مشغول به کار می شوند. پس از گذشت مدتی قرارداد کتبی بین طرفین از تاریخ ۱/۵/۸۴ لغایت ۳۰/۸/۸۴ منعقد می گردد. قرارداد کتبی دیگری نیز از تاریخ ۱/۹/۸۴ لغایت ۲۹/۱۲/۸۴ منعقد می شود. بر روی کارت شناسایی(پرسنلی) که شرکت به شخص مذکور می دهد، تاریخ اعتبار آن ۳۱/۶/۸۵ می باشد و مدیر عامل شرکت نیز ذیل کارت را امضاء نموده است. حال اگر فرض شود قرارداد کتبی دیگری بین طرفین موجود نمی باشد; آیا با وجود چنین کارتی که مورد قبول آقای «ش»، می باشد عقد(قرارداد) واقع شده است یا خیر(چنین عملی ایجاب و قبول است یا خیر)؟ و آیا می توان گفت مدت قرارداد آقای «ش» با شرکت تا تاریخ ۳۱/۶/۸۵ می باشد یا خیر؟

ایجاب و قبول متوقف است بر قصد و اعتبار نفسانی و انشاء آن با قول یا فعل. مجرد کتابت بدون قصد کافی نیست، ولی با قصد معامله که خیال می کنم به حسب عادت این گونه باشد کافی است.

س۵۲۰ : نظر جنابعالی در رابطه با مسأله اجاره به شرط تملیک چه می باشد؟ آیا در فقه چنین مسأله ای وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت

است منابع آن را ذکر بفرمایید؟

به این عنوان در جایی ندیدم، ولی مسأله اشکال ندارد به این نحو که اجاره داده شود ملکی و در ضمن اجاره شرط شود تملیک العین بعد از تمام شدن اجاره.

س۵۲۱ : اگر شخصی به عنوان مثال مبلغ ۶ میلیون تومان را در بانکی سرمایه گذاری کند و بانک پس از مدتی مبلغ ۱۸ میلیون تومان به او وام جعاله یا وام مسکن دهد. آیا ما می توانیم با پرداخت مثلا ۴ میلیون تومان به آن شخص اول، امتیاز وام او را از آن خود کنیم و وام را برای خود مصرف کنیم. آیا چنین معامله ای جایز است؟

ظاهراً اشکال ندارد.

س۵۲۲ : حکم فروش سگ شکاری به فرد برای شکار چه می باشد؟

فروش سگ شکاری; یعنی سگ صید جایز است، اگرچه خریدار برای شکار نخواهد.

س۵۲۳ : زید ملکی را به فرزندش هبه می کند، مشروط به اینکه آن را نفروشد. اولا- این شرط تا چه زمانی معتبر است آیا دامنگیر ورثه موهوب له هم می شود; یعنی آنها نیز نسل بعد از نسل حق فروش آن را ندارند؟

اگر شرط کند حق فروش نداشته باشد شرطی فاسد است، چون خلاف کتاب وسنت است و اگر شرط کند که عملا نفروشد اولا اگر خود او بفروشد معامله اش صحیح است، فقط خلاف شرع تکلیفی انجام داده است.

و ثانیاً ظاهر آن است مراد شخص موهوب است.

ثانیاً اگر موهوب له با تخلف از مفاد شرط مالکیت عین موهوبه را به دیگری منتقل کند، آیا تصحیح چنین معامله ای نیاز به تنفیذ مشروط له دارد یا اینکه او فقط خیار تخلف شرط دارد و در

صورت عدم اعمال خیار معامله دوم نافذ می گردد؟

از آنچه در قسمت اول سؤال نوشتم مشخص است.

ثالثاً آیا واهب می تواند بدون اعمال خیار معامله دوم را بدلیل اینکه بدون اجازه او صورت گرفته بهم بزند؟

خیر، نمی تواند.

س۵۲۴ : اینجانب عضو هیئت علمی دانشگاه میباشم. از جمله فعالیتهای هر استاد دانشگاه، انجام طرحهای پژوهشی است که ابتدا یک طرح پژوهشی توسط مجری طرح نگاشته میشود و روش کار، مواد مصرفی و غیرمصرفی با هزینه مربوطه و هزینه پرسنلی (مجری، مشاورین و همکاران طرح) برآورد میشود. پس از تصویب طرح در شورای گروه، شورای دانشکده و شورای دانشگاه، نهایتاً این طرح به دو نفر اهل خبره در موضوع (با هویت مخفی برای مجری و بصورت محرمانه) ارجاع میشود تا هم از لحاظ علمی و هم برآورد هزینه، طرح را ارزیابی کنند. تا پس از تأیید آنها، دانشگاه با مجری قرارداد بسته، به صورت فازی و مرحله ای هزینه لازم را در اختیار مجری قرار دهد.

در پایان هر فاز، مجری گزارشی از روند کار و نتایج ارائه می دهد. این گزارشات نیز مورد داوری اهل خبره و فن قرار گرفته و پس از تأیید، هزینه پیش پرداخت فاز بعد، پرداخت میشود. در هر طرح پژوهشی، باید لیست تمام مواد مورد نیاز طرح با هزینه ذکر شود. و معمولا بدلیل ترس از اینکه احتمالا کار به صورت پیش بینی شده پیش نرود و هزینه بیشتری مصرف شود، معمولا هزینه مواد مصرفی را اندکی بالاتر از مقدار لازم نوشته میشود. که همین نیز به نظر داور محترم می رسد و توسط داور بررسی میشود. یا اینکه بدلیل کاهش بهای

چند مورد از اقلام، کل هزینه طرح پائین تر از هزینه برآوردشده طرح است. عده ای می گویند که طرح پژوهشی نیز یک کار پیمانی و اجرایی (هر چند در قالب علمی) است و حتی در صورت اینکه کل هزینه مصرفی کمتر از مقدار پیش بینی شده باشد، مجری میتواند کل هزینه پیش بینی شده را از صاحب کار (دانشگاه) بگیرد. عین کارگر ساختمان که به صورت کنترات کار می کند، ولی عده ای می گویند، بنا به قاعده امانت، مابقی پول (تفاوت هزینه واقعی وهزینه برآورد شده) باید به دانشگاه مسترد شود (گو اینکه تا بحال این کار سابقه نداشته است). حکم شرع مقدس در این مورد چیست؟ آیا تأیید داور زبده و اهل فن، مجری را بریء الذمه می کند؟

چنانچه احتمال اینکه هزینه بیشتری مصرف نوعیت داشته باشد و مقامات دانشگاه هم می دانند، چنین احتمالی هست و داور هم تایید می کند عملا در صورتی که کل هزینه کمتر از طرح باشد، مجری می تواند کل هزینه پیش بینی شده را از صاحب کار بگیرد. بنابراین عمل شما نوشتن مقداری زیادتر خلاف امانت نیست، چون در ضمن اجیر شدن برای این کار شرط ضمنی می شود که مقداری زیادتر نوشتن اشکالی ندارد. و لازم نیست زیادی را به دانشگاه برگردانید.

س۵۲۵ : بنده سایتی راه اندازی کرده ام که در آن انواع موسیقی از قبیل سنتی، کلاسیک، پاپ و بدون کلام را در آن به فروش می رسانم. با توجه به این که این سی دی ها صوتی می باشند و به نظر اینجانب باعث شادی دل انسان می شوند، آیا پولی که

از این راه به دست می آورم حلال است؟

موسیقی حرام است و درآمد حاصل از آن نیز حرام است.

خیارات

س۵۲۶ : در بیع که منافع ملک متعلق به مشتری است، آیا می تواند شرط کند که به مدتی بیش از زمان خیار ملک را اجاره دهد؟

بله، می تواند، چون مالک بودن منافع، متوقف برمضی زمان خیار نیست و در اجاره هم شرط نیست ملک منفعت متزلزل نباشد. نهایت اگر فسخ کرد باقی ماندن اجاره متوقف است بر اجازه بایع که خیار متعلق به او است و اگر خیار متعلق به مشتری باشد; ظاهراً اجاره پیش از زمان خیار مانع از فسخ است.

س۵۲۷ : هر گاه در عقد بیع، بایع برای مدت معینی خیار فسخ معامله داشته باشد، آیا مشتری می تواند برای مدت طولانی پیش از زمان انقضاء مدت خیار، ملک را اجاره دهد؟

می تواند، ولی اگر بایع فسخ کرد، بقاء اجاره متوقف بر امضاء او است و عوض آن مدت هم مال او است.

س۵۲۸ : در بیع شرط بایع می تواند ظرف مدت معینی با استرداد ثمن، ملکیت مبیع را به خود برگرداند; اگر بایع در اثناء مدت ادعای غبن نماید، آیا می تواند با اعمال خیار غبن، مالکیت مبیع را به خود برگرداند بدون اینکه طرف موعد ثمن را برگرداند؟

بله، می تواند، «لعدم التنافی بین الخیارین».

س۵۲۹ : در دعوی غبن گفته اند که مغبون نمی تواند ما به التفاوت قیمت را مطالبه کند بلکه فقط حق بهم زدن معامله را دارد. اگر موجر یا مستأجر بعد از انقضاء مدت اجاره یا انجام عمل مورد اجاره ادعاء غبن کند، آیا می تواند تفاوت اجره

المثل و اجره المسمی را مطالبه کند؟

چون تمام شدن مدت اجاره یا انجام عمل را مانند تلف عوضین مسقط خیار نمی دانیم. و گرفتن ما به التفاوت خارجاً با فسخ اجاره از این حیث فرق نمی کند از این رو اثری مترتب نمی شود که ما به التفاوت را مطالبه کند یا نه کما لایخفی.

قرض

س ۵۳۰ : آیا پولی که قرض گرفته شده مال قرض دهنده است یا عوض آن را قرض گیرنده بدهکار به اوست؟

مال قرض گیرنده می شود و عوض آن در ذمه قرض گیرنده برای قرض دهنده است.

س ۵۳۱ : همکار و دوستی دارم که پدر وی ۲۹ سال قبل فوت کرده و فردی اکنون به وی مراجعه کرده و می گوید که حدود ۳۷ سال پیش مبلغ ۷۰ ریال به پدرت قرض داده ام، ولی نه دوستم و نه هیچ یک از بستگان خبر از این موضوع نداشتند; حال ایشان برای طلب قرضش یک مقایسه انجام داده و می گوید در آن زمان با این مبلغ می توانسته یک حب آب تلمبه خریداری کند و حالا ـ برای راضی شدن، همان یک حب تلمبه را می خواهد. لازم به ذکر می باشد که در آن زمان چاه آب، قیمت زیادی نداشت، ولی هم اکنون که بازار پسته پر رونق می باشد. بیش از تورم جامعه قیمت بالا رفته است.

بدون شاهد و نوشته دین ثابت نمی شود و شما مدیون نیستید; مگر آنکه یقین کنید که این دین بوده و بعد هم خود آن مرحوم نپرداخته است.

و در این فرض شما باید قبل از تقسیم ما ترک بین ورثه، آن را بپردازید و حساب

کنید که درآن زمان چه مقدار طلا می دادند به ازاء ۷۰ ریال، قیمت فعلی آن مقدار طلا را بدهید آن هم با مصالحه.

س۵۳۲ : در بعضی قراردادهای اجاره امروزه متعارف است که ملکی کمتر از مبلغ اجاره بهای متعارف اجاره داده می شود و در عوض مستأجر مبلغی را به عنوان قرض الحسنه به موجر می دهد. اگر بعد از انقضاء مدت موجر از بازپرداخت دین امتناع کند یا اینکه مستأجر با وجود مطالبه موجر، از تخلیه ملک خودداری نماید، آیا اجره المثل به نرخ متعارف بر عهده مستأجر قرار می گیرد یا اینکه با ملاحظه شرط قرض مبلغ اجاره بها معین می شود؟

ظاهراً فرق است بین دو فرض سؤال; زیرا اگر موجر از بازپرداخت دین امتناع نماید اجره المثل همان است که قرار داده است و اگر مستأجر تخلیه نمی کند و موجر دین را می پردازد، باید اجره المثل را به نرخ متعارف بپردازد.

ربا

س۵۳۳ : آیا رشوه فقط در قضاوت مصداق پیدا می کند؟ اگر مثلاـ در اداره ای، برای انجام سریع تر کار، به کسی پولی پرداخت شود بی آنکه حق کسی ضایع شود، آیا حکم رشوه دارد؟ آیا برای رهایی از دست مأمور راهنمایی و رانندگی که به ناحق یا به حق، ما را جریمه می کند، می توان پولی داد تا از دست او رهایی یافت. آیا دادن این پول حکم رشوه دارد؟

رشوه مختص به پولی است که انسان به قاضی شرع بدهد که به نفع او حکم بکند - و آن حرام است و در غیر این صورت، از جمله مواردی که ذکر کرده اید; حرام نیست

و برگیرنده هم حلال است.

س۵۳۴ : وام گرفتن از بانک های دولتی، با کارمزد ۱۶٪چه حکمی دارد؟

با تصریح به اینکه ربا نیست و به عنوان کار مزد مجانی داده شود، حلال است و اشکال ندارد.

س۵۳۵ : آیا سپرده گذاری در بانک های دولتی و گرفتن سود بانکی از آنها مشکل شرعی دارد یا خیر؟

خیر، اشکال شرعی ندارد و حلال است.

س۵۳۶ : آیا پولی که بنده در بانک می گذارم و پس از آن، سودی به آن تعلق می گیرد، با توجه به آنکه بنده قدرت کار با پول خود را ندارم حلال است یا حرام؟ آیاکسب درآمد از طریق خرید و فروش سهام و یا افزایش سهام که در بردارنده سود است، حلال است یانه؟

در هر دو مورد سود حلال است.

س۵۳۷ : من جوانی ۲۳ ساله هستم که مدتی در انجمن صنفی شرکت های حمل و نقل کار می کردم و در یک معدن مسئولیت نمایندگی ۴۰ شرکت حمل و نقل را برعهده داشتم; بدین صورت که این شرکت ها به نوبت بارنامه های خود را برای من ارسال و بعد از چند روز من پول و ته چک بارنامه ها را به آنها بر می گرداندم. شرکت های حمل و نقل هر کدام یک محدوده کاری دارند; یعنی شرکت های حمل و نقل یزدی، نمی توانند بار مخصوص شهر مهریز یزد را حمل و نقل نمایند یا شرکت های حمل و نقل اردکان،توانند بار مخصوص یزد را بار نمایند، چون از نظر قانون یک محدوده مشخص شده است. در این معدنی که من کار می کردم، یک شرکت به نام امید ترابر رباط بودکه

یزدی ها به زور و پارتی این بار را گرفته و فقط مقداری از این بار را به این شرکت برای حمل و نقل می دادند (شرکت های حمل و نقل جهت باری که کامیون ها می دهند، تا حمل کنند حدود ۱۰ درصد از کرایه ای که برای راننده در بارنامه جهت دریافت زده می شود را به عنوان کمیسیون می گیرند). بعد از مدتی من و چند نفر دیگر، بدون خبردار شدن کسی (مثلا شرکت های یزدی)، در لابه لای باری که برای شرکت های دیگر بار می کردیم، مقداری از این بار را برای این شرکت که گفتم محدوده کاری آن است بار می کردیم و از کمیسیون پرداختی به این شرکت، مقداری پول دریافت می کردیم. حالا سوال من از شما این است که این پولی که ما برای خودمان گرفته ایم حرام است یا حلال؟

چنانچه شرکت محقق شده و همه موظف به عمل برطبق اعمال تعیین شده از شرکت می باشند و حقوقی هم که تعیین کرده اند، برای شما به ازاء اعمال تعیین شده باشد و شما تخلف کرده اید، پس حق گرفتن آن پول را نداشته اید، مگر آنکه آن کسی که پول به شما می دهد، بگوید من به شرکت کار ندارم و خودم این وجه را به شما می پردازم که در این صورت پول برای شما حلال است. به شرط آنکه از حقوق شرکت کسر نشود.

س۵۳۸ : خواهشمند است نظرات معظم له، درباره گرفتن سود از بانک و دادن بهره وام به بانک را بیان فرمایید؟

من در رساله توضیح المسائل مفصل نوشته ام، اجمالا ربا

مختص به قرض است; یعنی (وام) و خرید و فروش در موارد خاصه در بقیه معاملات ربا نیست، بنابراین وامی که به دولت می دهید; یعنی پول در بانک می گذارید و بهره می گیرید از چند راه جایز است:

۱. پول را به عنوان سپرده بگذارید نه وام، و اجازه تصرف بدهید، و در سپرده شرط کنید که اگر تلف شد، عوض آن را بانک بدهد و شرط کنید که در عوض این سپرده مقداری بهره داده شود.

۲. پول را به عنوان اباحه به بانک بدهید. راه های دیگری هم هست. اما وامی که بانک می دهد، چنانچه به عنوان وام (قرض باشد)، بهره آن حرام است و اگر به عنوان مضاربه باشد حلال است.

س۵۳۹ : سؤالی در مورد گرفتن وام از بانک ها، داشتم. مرسوم است که افراد با مراجعه به بانک ها درخواست وام، مثلا ماشین یا وام مسکن می کنند و بعد از طی مسیر قانونی، با تهیه فاکتور قلابی ضمن اینکه وام را از بانک می گیرند، هیچ ماشین و مسکنی هم نمی خرند. (البته معمولا این پول ها، برای حل سایر مشکلات زندگی پر خرج امروزه مصرف می شود) آیا گرفتن وام از این طریق صحیح است یا باید در همان عنوان خرج شود؟

اگر در ضمن عقد وام شرط بکنند که باید ماشین خریده شود یا مسکن تهیه کنند تخلف شرط جایز نیست و گرنه مانعی ندارد و به هر تقدیر، در آن وام می توان تصرف کرد. والله العالم.

س۵۴۰ : آیا شیعیان می توانند از هم سود بگیرند؟

مراد از سود اگر ربا است، جایز نیست و اگر سود معامله

است جایز است.

س۵۴۱ : مقدار درصد سود شرعی روی اجناس چقدر است؟

هر مقداری که طرفین راضی باشند.

س۵۴۲ : اخیراً در منطقه علوی اهواز افرادی پیدا شده اند که یا سود کلان معاملاتی به شکل بیع سلم انجام می دهند; مثلا دو میلیون کمتر از قیمت معمولی ماشین، پول می گیرند که بعد از مدت کوتاهی ماشین صفر کیلومتر تحویل دهند. و هنگام معامله می گویند فرض کن پولت را به دریا انداخته ای (یعنی حق اعتراضی نداری) فقط یک کاغذ معمولی به عنوان رسید تحویل طرف می دهند، و تا به حال خوش حساب بوده اند و سر موعد اجناس را تحویل داده اند و در موعد مقرر هم می گویند خود جنس را می خواهی یا پولش را و بعضاً مشتری مبیع را تحویل نگرفته دوباره به او به مبلغ دو ملیون گران تر می فروشد آیا این گونه معاملات شرعی وصحیح است؟

به نظر من صحیح است، چون هیچ وجهی بر عدم شرعی بودن نمی بینم.

س۵۴۳ : مستدعی است نظرتان را بدون هیچ گونه ملاحظه ای در مورد عملیات بانکی جمهوری اسلامی ایران بفرمایید. لطفاً به طور صریح بفرمایید در کدامیک از عقوداسلامی آن گونه که در جریان وام دهی و بازپرداخت

وام ها در بانک ها اجرا می شود. یکی از طرفین عقدنامه فقط در سود شریک است (بانک) و طرف دیگر در سود یا ضرر(مشتری).

عملیات بانکی جمهوری اسلامی احکام خاصی ندارد. وامی که بانک می دهد، اگر به عنوان قرض باشد و شرط زیادی بکند ربا و حرام است. و اگر به عنوان مضاربه باشد و پول در دست پول گیرنده تلف شود(اتلاف)،

ضرر متوجه بانک است نه مشتری; مگر آنکه در حین معامله شرط کنند که گیرنده پول باید تدارک ضرر بنماید و در سود هم تابع قرارداد هنگام عقد است. ثلث یا ربع یا نصف و... و همین احکام به ترتیب بر مضاربه ای که پول دهنده شخص است و گیرنده بانک اجرا می شود. به هرحال منع خصوصی عملیات بانکی جهوری اسلامی ندارد.

س۵۴۴ : گرفتن ربا از غیرمسلمان چه حکمی دارد؟ اگر احتمال نزدیک به یقین داشته باشیم که سود حاصله راغیر مسلمان از راه کلاهبرداری به دست آورده باشد، آن وقت حکم چیست؟

گرفتن ربا از غیرمسلمان جایز است و اشکال ندارد، مگر بداند که آنچه می دهد، عین پولی است که با نیرنگ از کسی گرفته است.

س۵۴۵ : برای خرید خودرو به صورت اقساطی، فروشنده مبلغی را به عنوان پیش از شخص گرفته و در قرارداد فیمابین قید می کند که مثلا ۳ میلیون تومان را خریدار، جهت خرید خودرو می پردازد و مابقی قیمت خودرو را فروشنده به صورت وام، مثلا ۱۹ درصد پس از تحویل خودرو از خریدار دریافت کند; حال می خواستم بدانم این معامله ربا است یا خیر؟

شما چنانچه خودرو را بخرید; به این صورت که ۳ میلیون را نقد و مابقی را پس از تحویل خودرو که آن ۱۹درصد را جزء قیمت خودرو قرار دهید نه سود وام که درحقیقت ثمن خودرو مرکب از نقد و نسیه باشد اشکالی ندارد.

س۵۴۶ : من حدود ۱۰ سال است که پس از مدتها شاگردی، موفق به راه اندازی مغازه ای شده ام و ۸ سالی است که ازدواج کرده ام. از آنجا

که با توجه به تعالیم خانوادگی به کسب و کار حلال اعتقاد بسیار دارم، در تمام مدت کاسبی ام اجناس خریداری شده را اعم از آنکه بعد از خرید گران یا ارزان شده باشند، با حد اکثر ۱۰ درصد سود نسبت به قیمت خرید به مردم فروخته ام و هنوز مغازه و خانه ام اجاره ایست و فقط توانسته ام از عهده مخارج روزانه برآیم. پس ازسالها توانستم پولی پس انداز کنم تا بتوانم مرکبی دست و پا کنم. اما می بینم بزرگترین کارخانه خودرو سازی جمهوری اسلامی ایران ماشینی را که برایش طبق اظهارات خودشان و مطالبی که در رسانه های عمومی گفته می شود، ۵ تا حداکثر ۶ میلیون تومان تمام شده به قیمت ۱۱ میلیون به مصرف کننده می فروشند و عملاـ با جلوگیری از واردات خودروهای ارزان قیمت، امکان دیگری نیز برای مردم وجود ندارد و انحصار در اختیار آنهاست. در مقابل همین ماشین ۱۱ میلیونی به هم کیشان اهل تسنن سوریه و کشورهای افریقا، به قیمت ۶ میلیون تومان صادر می شود. سؤال من از شما این است که آیا کشیدن ۱۰۰ درصد سود روی قیمت تمام شده خودرو و متحمل کردن آن بر مردمی مانند من که تمام پس اندازم پس از سالها کسب حلال، به اندازه قیمت یک ماشین نیست، در شرایطی که مردم مجبورند از این کارخانه ها خرید کنند. آیا سود حلالی برای دولت اسلامی و کارخانه آن است؟ و اگر به نظر شما این سود مجاز و حلال است، آیا من نیز می توانم از این پس سود اجناس خود را بر این اساس محاسبه

و به مردم بفروشم؟

راجع به شخص شما البته انصاف بسیار خوب است، ولی شرعاً با رضایت مشتری بدون تدلیس و اغراء اشکال ندارد، مثلا سود قیمت تمام شده را یا نگویید یا واقعیتش را بگویید در این صورت معامله صحیح است.

س۵۴۷ : حساب های سپرده کوتاه مدت و بلند مدت بانکها که ماهیانه درصدی مشخص و از قبل تعیین شده، به سپرده گذار می دهند چه حکمی دارد؟ و در این حکم بین بانکهای خصوصی و دولتی فرقی وجود دارد؟

چون پولی که در بانک گذاشته می شود قرض نیست، بلکه ودیعه است، بنابراین اگر چه تعیین سود و شرط بشود اشکال ندارد، چون ربا نیست.

س۵۴۸ : وام هایی که بانک ها وصندوق های قرض الحسنه می دهند که باید مقداری و درصدی اضافه تر به آن موسسه پرداخت شود اشکال دارد؟

چون شرط در ضمن وام نیست و به عنوان کار مزد داده می شود اشکال ندارد.

س۵۴۹ : ۱. آیا سودی که بانک به مبالغ سپرده می دهد حلال است; حال آنکه همین سود در قبل از انقلاب حرام بود؟ آیا سودی که به خاطر پرداخت وام به مشتری از او اخذ می شود حلال است; حال آنکه بانک به این کار شراکت می گوید، ولی فقط در سود کار شریک است و در صورت زیان کار، بانک مبلغی را که ابتدا طی کرده است دریافت می کند; یعنی این طی کردن مصداق ربا نیست؟

ربا مختص به قرض است، و اگر پول به عنوان ودیعه و سپرده در بانک گذاشته شود و یا به عنوان اباحه به عوض و یا به عنوان فروش پول نقد به

نسیه و شرط زیادی شود، ربا نیست و حلال است و قبل از انقلاب و بعد از آن حکم شرعی فرق نکرده است. شما به توضیح المسائل ما نگاه کنید به تفصیل بیان شده است.

س۵۵۰ : در امر خرید و فروش کالا منظور از گرانفروشی چیست؟ و تا چه حد می توان روی یک کالا سود کشید(درصد) که مال حرام نشود؟

حد معینی ندارد و منوط بر رضایت طرفین است و در بعضی موارد هم شارع مقدس خیار غبن قرار داده است که در رساله های علمیه مذکور است.

س۵۵۱ : آیا فروختن مالی به صورت نسیه و دریافت وجه توافقی بیشتر در آینده اشکال دارد؟

خیر، اشکال ندارد.

?عقاید

س۵۵۲ : می خواهیم از جنابعالی درباره مسأله ای که در بین گروهی از مسلمانان مورد بحث می باشد سؤالی کنیم و آن مسأله تحریف قرآن کریم است و آیا در قرآن کریم تحریفی شده؟ و پاسخ قائلین به تحریف چیست؟

تحریف معانی مختلفی دارد: معنای اول: انتقال دادن شیء از جایگاهش و تغییر دادن و تبدیل کردن آن به چیز دیگری. در بین مسلمانان در مورد واقع شدن چنین تحریفی در قرآن اختلافی نیست بدین ترتیب که هر کس که قرآن را بدور از حقیقت خود قرآن و بر اساس رأی و نظر شخصی اش تغییر نماید پس قرآن را تحریف نموده است. کاری که اهل بدعت و مذاهب انحرافی با تأویل آیات قرآن بر اساس رأی و نظر شخصی خود انجام می دهند از این قبیل است.

معنای دوم: اضافه یا کم کردن کلمه ای با حفظ همان قرآن نازل شده و تحریف به این معنا در صدر اسلام اتفاق

افتاده است ولی در زمان عثمان متوقف گردید و قرآن منحصر شد به آنچه که تواتر آن از پیامبر(صلی الله علیه وآله) ثابت شد.
معنای سوم: تحریف از طریق اضافه یا کم کردن در آیه ای یا سوره ای با حفظ همان قرآن نازل شده که رفتار پیامبر آنگونه قرائت را تأیید کرده باشد؛ که شیعه، تحریف به این معنا را نفی می کند و گروهی از علمای اهل سنت بر این اعتقادند که چنین تحریفی به وقوع پیوسته است و به عنوان مثال قائلند به اینکه بسم الله الرحمن الرحیم جزء قرآن نمی باشد.

معنای چهارم: تحریف از طریق اضافه کردن و اینکه قرآنی که در دست ماست بعضی از اجزاء آن جزء کلام نازل شده نمی باشد؛ و چنین تحریفی به اجماع تمام مسلمانان باطل است.

معنای پنجم: تحریف از طریق کم کردن به این معنا که قرآنی که در دست ماست همه آن قرآن نازل شده نمی باشد و پاره ای از آن مفقود گردیده است. تحریف به این معنا مورد اختلاف است و گروهی آن را پذیرفتند و گروهی آن را رد نموده اند. و اما علمای شیعه: اکثر آنها فرموده اند که اتفاق علما شیعه بر عدم وقوع تحریف به این معنا در قرآن می باشد.

به سخن رئیس محدثین شیخ صدوق دقت نمایید که عدم تحریف در قرآن را جزء اعتقادات مذهب امامیه به شمار آورده است و شیخ طوسی خودشان و علم الهدی همین را نقل نموده و مفسر مشهور طبرسی و فیض کاشانی و استاد بزرگوار سید خوئی و بزرگان دیگر نیز چنین اعتقادی دارند و دلایل بسیاری برای آن

آورده اند که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. آیه کریمه: (إنا نحن نزلنا الذکر و إنا له لحافظون) حجر آیه ۹

۲. (وإنه لکتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید) فصلت آیه ۴۱.

۳. حدیث ثقلین که پیامبر(صلی الله علیه وآله) پس از خودش برای امت به یادگار گذاشت و فرمود که این دو جدایی ناپذیرند تـا اینکه بر سـر حوض کوثر به نزد من آینـد و به امتش دسـتور داد به آن دو تمسک جوینـد که آن دو کتاب قرآن و عترت و اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه وآله) می باشند.

این روایات از طریق شیعه و اهل سـنت متواتر می باشد و پرواضح است قائل شدن به تحریف مستلزم قول به عدم حجیت ظاهر قرآن می باشد علاوه بر این سفارش اهل بیت به تمسک به ظاهر قرآن را نیز می بایست اضافه نمود بنابراین چاره ای نیست جز اعتقاد به عدم تحریف قرآن.

۴. ملاحظه چگـونگی جمع آوری قرآن و حفـظ آن توسـط حـافظین و جمـع آورنـدگان و نویسـندگان به خصوص حضـرت علی(علیه السـلام) به اینصورت که هر آیه ای که نازل می گشت پیامبر گرامی(صـلی الله علیه وآله) به نویسـندگان دسـتور می فرمود آن آیه را در جایگـاه مخصوص به خودش درج نماینـد و همین مسأله سـبب می شود که ما به عـدم تحریف قرآن یقین پیـدا کنیم. و اما روایات ضـعیفی که تحریف در قرآن را می رساند، راوی اکثر آنها احمد بن محمد السیاری که علمای رجال بر انحراف مذهب او اتفاق نظر دارند; و علی بن احمد الکوفی که علمای رجال

قائلنـد به دروغگویی و انحراف مـذهبش. و اما بحث درباره باقی دلایل قائلین به تحریف احتیاج به زمان بیشتری دارد و بهترین سخن را اسـتاد بزرگوار سـید خوئی فرموده اند: موضوع تحریف قرآن موضوعی خرافه و بر اساس وهم و خیال می باشد و تنها کسـی که عقلش ضعیف است به آن قائل می باشد یا کسی که درباره این موضوع حق تأمل را به جا نیاورده یا کسی که عشق میورزد به چنین مطلبی قائـل باشـد که عشق، انسـان را کور و کر می نمایـد. ولیکن انسـان عاقل و با انصاف و متفکر در خرافه بودن و بطلان چنین مطلبی شک نمی کند.

س۵۵۳ : تفسیر این حدیث چست؟

اگر تو نبودی ما فلک ها را نمی آفریدیم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدیم و اگر فاطمه نبود همگی شما را نمی آفریدم.

سخنـان همگی علمـای خـاصه و بسـیاری از علمـای عـامه مالامال است از اینکه اصل ماده بـدن حضـرت صـدیقه طاهره فاطمه زهرا(علیهـا السـلام) از جنس مـاده این عـالم نیست بلکه از بهشت و از برترین درخت هـا و میـوه هـایش می باشـد. و امـا روح متناسب با این بدن که خداوند برای فاطمه(علیها السلام) برگزیده از اسرار خداوند متعال است که ما توانایی فهم آن را نداریم و فقط می توانیم بوسیله روایات بفهمیم که روحش از نور عظمت پروردگار آفریده شده است.

امام صادق(علیه السـلام) از جدش رسول خدا(صـلی الله علیه وآله) روایت کرده در کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق ص ۳۹۶ که پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله)فرمود: قبل از اینکه زمین و آسمان خلق شوند نور فاطمه خلق شده بود. گروهی از

مردم گفتند: ای پیامبر خدا! پس فاطمه انسان نیست؟ پیامبر(صلی الله علیه وآله)فرمود: فاطمه حوریه ای به صورت انسان است و فرمود: خداوند عزوجل او را از نورش آفرید قبل از اینکه آدم(علیه السلام) را بیافریند زمانیکه ارواح... تا آخر حدیث; و به این ترتیب حدیث قدسی روایت شده در بسیاری از کتب اخبار: (لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما) روشن می گردد; همینطور ظاهر می گردد که چرا زمانیکه فاطمه(علیها السلام) داخل بهشت می شود، انبیاء(علیه السلام)از آدم(علیه السلام)گرفته تا دیگر انبیاء به زیارت حضرتش مشرف می شوند و حتی رسول خدا به زیارت او می آیند و همچنین روشن می گردد که چرا پیامبر پس از اتمام حشر همه مردمان و حسابرسی آنان، اولین کسی می باشد که به سوی بهشت رهسپار می شود و جلوتر از ایشان قافله ای حرکت می کند که قافله فاطمه سلام الله علیها می باشد.

پیام مرجع عالیقدر و مجاهد آیت الله العظمی روحانی به مناسبت سالروز شهادت صدیقه زهرا(علیها السلام):

درود و سلام بر صدیقه شهیده، سلام بر محسن شهیدش، سلام بر دنده های (پهلوی) شکسته اش سلام بر پهلوی مجروحش، سلام بر چشمان خون آلودش، سلام بر سینه خون چکانش. یاد و خاطره شهادت آن سیده لطف پروردگار (ارواح عالمیان فدای خاک کفن آن بزرگوار) تکرار می شود و درد غم نیز بر آستانه اش تکرار می گردد. سایه بان عرش از زنگار این فاجعه به لرزه می افتد و ملائکه از سنگینی این مصیبت به اندوه می افتند، از شدت درد این غم، قلب صاحب الامر(عج) پاره پاره

گشته است؛ شهادت صدیقه زهرا واقعه ای است که خداوند اراده کرده جدا کننده عادلانه حق و باطل باشد به نحویکه مرتدان، آشکارا به دشمنی پرداختند و برای تضییع حق و سرپوش نهادن روی آن همدستی نمودند. شهادت زهرای شهیده با همه جوانبی که یک فاجعه می تواند شامل آن باشد از جمله آتش زدن خانه و شکستن پهلویش و کشتن جنینش و تازیانه زدن به پهلویش و سیلی زدن به چشمش و میان در و دیوار فشردن بدنش و زخمی نمودن سینه اش و هتک حجابش – همه و همه فریاد رعد آسایی است که همدستی غاصبان را در تمام مکان ها و زمانها آشکار می کند و در یک جمله می توان گفت: (شهادت حضرت زهرا نور ولایت مداری و شرارت دشمنی را می نمایاند.) پس هر کس راه را گم کرده و نمی داند حق کدام است حقی که با تبعیت حقیقی و با دفاع از ولایت امیرمؤمنان (درود بر او باد) و دور نمودن او از دسترسی غاصبان منجر به شهادت حضرت زهرای اطهر گردید. و از این رهگذر: ما همه مسلمانان عالم را به مطالعه فاجعه های زهرای مظلومه در کتاب های خودشان فرا می خوانیم تا با میزان سنگینی حادثه و بزرگی مصیبت آشنایی پیدا کنند و آنچنان که شایسته است به اسباب و دلایل وقوع آن پی ببرند تا به آنچه از حق بر آنها پوشانده شده برسند همچنان که به فرزندان زهرا(علیها السلام) و شیعیان آن حضرت سفارش و تأکید می کنیم به زنده نمودن این حادثه بزرگ و مصیبت سنگین کمر همت گمارند زیرااین رویداد

جداکننـــده و حـد فاصـل جریـان تشـیع از دیگر جریانهـامی باشـد و مبـالغه نکرده ایـم اگر بگـوییم علـت مانـدگاری امـامت امیرمؤمنان(علیه السلام)و عترت معصومین(علیهم السلام)همین رویداد می باشد.

ولیکـن ای فرزنـدان زهرا: بر حـذر باشـید از تلاـش و کنجکـاوی بیش از حـد و تشـکیک در ایـن رویـداد زیرا تلاـش بسیار خطرناکی است به این دلیل که اگر از آن چشم پوشی نموده و به آن گوش فرا داده شود تأثیر بی نهایت خطرناکی بر مهمترین حـادثه که از جمله حوادث جوهری در تاریـخ اسـلام به شـمار می رود می گـذارد که از پایه با تعیین مرجعیت دینی و خلافت الهی و امـامت ربوبی پس از وفـات سـید پیـامبران و خـاتم رسولاـن(صـلی الله علیه وآله)مرتبط می باشـد. و در پایان: گرمترین تسلیت ها را به ساحت ولی الله الاعظم (جانها به فدای خاك پای او باد) تقدیم می نماییم و از خداوند متعال خواستاریم که ما را از خونخواهان جـده اش صـدیقه شـهیده در رکاب و در زیر پرچم حضـرتش قرار دهـد و ما از خـداییم و به سوی او باز می گردیم.

س۵۵۴ : آیا شـهادت دادن به عصمت حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) به صفت «عصمت الله الکبری و حجه الله علی الحجج» در اذان و اقامه جایز است، اگر جایز است باید به چه نیتی باشد؟

داعی بر ایـن امر چـه چیزی اسـت!؟ شـما بعـد از نمـاز، تسبیـح آن حضـرت - کـه آن قـدر ثـواب دارد کـه امـام معصـوم(علیه السـلام)می فرمایـد: تسبیـح حضـرت زهرا(علیهـا السـلام)، از هزار رکعـت نمـاز مسـتحبی در نزد من محبـوب تر است - را بجا آورید.

س۵۵۵ : می خواستم بدانم که گوینده جملات زیر

(از نظر اسلام و کفر و ارتداد)، چه حکمی دارد؟

۱. «شعله های آتش سوزانش، از کرانه های وجود زبانه می کشد و انسان را واله و شیدا می گرداند; این گونه است که حضرت حق باری تعالی می فرماید: من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی و من احبنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و فمن قتلته فعلی دیته فمن علی دیته فانا دیته». برای این حدیث، سندی به این شرح ذکر شده است: «قره العیون، ص ۳۶۶; الحقائق، مصباح الانظار، ص ۳۶۹; خلاصه المنهاج، ج۶; کلمات مکنونه، ص ۸۰، سطر اول.»

۲. حضرت زهرا(علیها السلام) ام الله بودند.

۳. ای که عالم همه ایجاد به فرمان تو شد، هستی کون و مکان خلق زامکان تو شد، مادرت ام ابیهاست; نه بل ام خداست، چون که ثاراللهی و خون تو برهان تو شد«(شعر در مورد امام حسین (علیه السلام) است).

این جملات و اشعار اگر مراد ظاهر آنها باشد، موجب کفر است; ولی اگر ظاهر مراد نباشد و تأویلاتی برای آن می کنند که موجب کفر نشود; چون موجب گمراهی بعضی از عوام الناس می شود، جرم شدیدی مترتب بر آنها می شود (خداوند همه اینها را هدایت کند).

س۵۵۶ : به تازگی حدیث شریف کساء، زیر سوال رفته و حتی بعضی از آقایان این حدیث را از مفاتیح الجنان حذف کرده اند. لطفاً نظر خود را بفرمایید؟

اصل حدیث کساء از مسلمات است و کسی را که مطلع باشد، سراغ ندارم که حدیث شریف را زیر سؤال برده باشد. اگرکسانی حدیث کساء را از مفاتیح حذف کرده اند به علت این است

که خود محدث قمی آن را در مفاتیح نیاورده بود و بعد اضافه شده است، و شاید بعضی جملات نیز به حدیث افزوده شده باشد.

س۵۵۷ : چرا اصولا در اسلام، زن باید تابع مرد باشد؟

زن مطلقاً تابع مرد نیست، بلکه آنچه در آیه کریمه در جهات عامه اجتماعیه، مانند حکومت، قضاوت و امثال آن، بیان شده است، چون زن عاطفی است و مبتنی بر رقت و لطافت است و این گونه امور متفرع بر شدت، قوت، طاقت بر شدائد و تحت تاثیر قرار نگرفتن احساسات است؛ از این رو در این امور زن نمی تواند متصدی این امور شود و اما اموری که مربوط به زندگی فردی است، مرد هیچ گونه امتیازی ندارد.

س۵۵۸ : چرا در دنیای امروز که زن ومرد، دو شادوش هم در سازندگی یک زندگی سهیم هستند، اما حق طلاق و تصمیم گیری هایی از این دست با مرد است و چرا اسلام این حق را برای مردان لحاظ کرده است؟

اولا اسلام اجاز داده که در هنگام ازدواج شرط کنند که در اموری مثل طلاق - بدون مراجعه به مرد - زن وکیل باشد. ثانیاً زن چون لطیف تر و عاطفی تر است زودتر، گول می خورد وموجب مختل شدن زندگی می شود؛ لذا مقداری سخت تر قرار داده اند. ثالثاً شرع در مواردی که مرد ظلم به زن بنماید به زن اجازه داده که خودش را طلاق دهد.

س۵۵۹ : چرا اگر (مثلا) زن بخواهد منزل پدرش برود، باید از شوهر اجازه بگیرد؛ یعنی چرا به طور کلی اختیار زن با مرد است؟ چرا اگر زنی در حادثه ای کشته شود، دیه

او نصف مرد است; آیا ارزش جان یک زن از مرد کمتر است و چرا همین مسأله در مورد ارث وجود دارد؟

مرد باید مخارج زندگی خود و خانواده اش را بپردازد، حتی اگر زن بگوید من غذای آماده می خواهم و خودم تهیه نمی کنم، مرد باید غذای او را بدهد. اما مسأله دیه ;حقیقت انسان به نفس ناطقه و روح اوست، در آنچه مربوط به آن است فرقی بین زن و مرد نیست. در قرآن می فرماید: ما شما را دو نوع آفریدیم، برای اختلاف در فضیلت نیست، بلکه بزرگوارتر از شما همان است که تقوای او زیادتر است و مسأله دیه مربوط به جسم است.

س۵۶۰ : روایات «یملاالله الارض قسطا وعدلا» و اینکه امام(علیه السلام) با دشمنان می جنگد و این نشان دهنده وجود ظالمین در زمان ظهور است; علاوه بر اینکه امام(علیه السلام) به دست «زنی» کشته می شوند; این گونه مطالب چگونه با عدالت مطلقه خداوند سازگار است؟

البته به مجرد این که ظهور محقق بشود لا یملا الارض قسطا و عدلا بل بعد الحرب و الجهاد و نابودی دشمنان است.

و ملا الارض لاینافی مع و جود افراد غیرمسلم.

س۵۶۱ : شغل من پاسخ به سوالات شنوندگان برون مرزی است. از شما می خواهم در رد «تکتف» اهل سنت، دلایل متقن و احادیث از پیامبر(صلی الله علیه وآله) مبنی بر تکتف نکردن آن حضرت در نماز، برایم بفرستید.

اولا ـ تکتف در زمان پیغمبر(صلی الله علیه وآله) نبود در زمان خلافت عمر، اسیران مجوس را که آوردند، به نحو تکتف ایستادند; عمر خوشش آمد و گفت ما هم در مقابل خدای تعالی به این نحو

عمل می کنیم و لذا روایاتی که وارد شده است بر عدم جواز تکتف از ائمه طاهرین (علیهم السلام)است.

ثانیاً اگر عملی را خدای تعالی بوسیله انبیاء آن را جزء عبادت قرار نداده باشد، مانند همین تکتف، و کسی آن را جزء قرار دهد، اصطلاحاً آن را تشریع می گویند; یعنی داخل کردن چیزی در دین درحالی که جزء دین نیست (ادخال ما لیس من الدین فی الدین). که از محرمات است و لذا فقهاء فتوا داده اند اگر کسی تکتف در نماز بکند که آن را از اجزاء نماز بداند حرام است.

س۵۶۲ : چرا اقلیتهای مذهبی نمی توانند وارد مساجد ما بشوند یا دست دادن با آنها چه اشکالی دارد؟ مسیحیان مگر خدا را قبول ندارند و پیامبرشان صاحب کتاب نیست؟ مگر اصحاب پیامبر اسلام جهت حفظ جانشان به پادشاه حبشه که یک مسیحی بود، پناهنده نشدند؟ چرا پیامبر اسلام در زمان حیاتشان این موضوع که مسیحیان نجس می باشند را روشن نکردند؟ ما یک ارمنی همکار داریم که فقط نماز نمی خواند، اما تمام کارهایش از ما مسلمانان درست تر است; نه غیبت می کند و نه تهمت می زند. هم خدا را قبول دارد، هم پیامبرشان صاحب کتاب است. پس چرا ما مسلمانان حتی از دست دادن به آنها هم منع شده ایم؟

به فتوای من اهل کتاب; یعنی مسیحیان، یهودیان و مجوس، پاکند و نجس نیستند و مصافحه با آنها هم جایز است و می توانند وارد مسجد شوند. اشکالات شما بی مورد است.

س۵۶۳ : در جلسه ای مذهبی اعلام شد که در زیارت عاشورا در قسمت «تابعاً له علی ذلک»، مربوط به

همه افرادی که گناه می کنند است چه مسلمان و چه غیره و مواظب باشید که این دعا گریبان گیر شما نشود.

می خواستم بدانم واقعاً چنین حرفی درست است و آیا این نفرین شامل دوست دار شیعه که گناهی از او سر زده می شود؟

خیر مراد از تابع بر معصیت کار نیست، بلکه منظور کسانی هستند که تابع آن اول ظالم که غصب خلافت نموده است می باشد.

س۵۶۴ : در بعضی مجالس اهل بیت گفته می شود که کسی که در جوار حرم سیدالشهدا یا امیرالمومنین یا امام رضا مدفون است، سوال نکیر و منکر یا فشار قبر ندارد; آیا چنین چیزی ممکن است؟

سؤال نکیر و منکر برای همه هست.

س۵۶۵ : آیا امکان دارد کسی سکرات موت یا فشار قبر یا سوال نکیر و منکر نداشته باشد؟

سکرات و فشار قبر ممکن است، ولی سؤال نکیر و منکر امکان ندارد.

س۵۶۶ : آیا در استمداد و صدا زدن ائمه(علیه السلام)، بالا آوردن دست ها به شکلی که در استعانت از خداوند و دعا صورت می گیرد، جایز است؟

بلی جایز است.

س۵۶۷ : آیا در قرآن آیه ای مبنی بر اینکه پس از بچه دار شدن اوضاع اقتصادی خانواده بهتر می شود وجود دارد و اگر وجود دارد، چرا در مورد من و همسرم که اولین فرزندم تا چند ماه آینده متولد می شود، مصداق پیدا نکرده، بلکه در آمد سابقمان هم کمتر شده است.

آیه در سوره نور است و مربوط به ازدواج است (ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله)، البته آیه دیگری هم هست; به هرحال این امور از قبیل مقتضیات است که شرایطیو موانعی دارد (بحث

مفصلی است که در اینجا نمی گنجد).

س۵۶۸ : لطفا فقط دستورات صریح قرآن راجع به حجاب زن را با ذکر نام سوره و شماره آیه بفرمایید.

جواب: سوره نور، آیه ۳۲. سوره احزاب، آیه ۵۹.

روایات متواتره نیز برآن دلالت دارد.

س۵۶۹ : آیا این که می گویند این خواست خداست، درست است؟ مثلا انسان چیزی را می خواهد و خیلی برایش عزیز است ولی از دست می دهد.

خیر، درست نیست.

س۵۷۰ : نظر حضرتعالی درباره مطالب کتبی مثل حلیه المتقین چیست، آیا همه آنها درست است (بعضی مطالب آن به طنز شبیه تر است)، آیا رد کردن بعضی از این مطالب گناه دارد؟

رد کردن با دلیل شرعی و با اعتقاد به عدم صحت، هیچ اشکالی ندارد و گناه نیست.

س۵۷۱ : آیا تمام ادعیه وارده در مفاتیح صحیح است؟

چنانچه از امام(علیه السلام) نقل کند، صحیح است.

س۵۷۲ : بهترین نحوه دعا و طلب حاجات چیست، آیا عربی دعا کردن فضیلت دارد؟

دعاهای عربی که از حضرات معصومین(علیهم السلام) وارد شده است بهتر است و فضیلت دارد و غیر آنها عربی و غیرعربی فرقی ندارد.

س۵۷۳ : خواهشمند است مفهوم فقهی اضطرار را که باعث می شود در بعضی اوقات از اجرای احکام خودداری کرد، بیان فرمایید و آیا هر کسی می تواند اضطرار را تشخیص دهد؟ حدود آن را تفصیلا بیان فرمایید. آیا اضطرار، نماز، حجاب و این قبیل واجبات را هم شامل می شود؟

اضطرار عبارت است از مجبور شدن به انجام کاری یا ترک کاری که مخالفت آن موجب ضرر شود یا سبب مشقّتی که تحمل آن مشکل باشد گردد، مثلا مبتلا به مرض سختی بشود که داروی آن مرحمی است،

که اگر آن دارو را نخورد برای همیشه فلج می شود یا موجب درد غیرقابل تحملی برای مدت مدیدی می شود; در این صورت آن کار حرام جایز می شود البته شراب خوردن استثناء شده است که آن هم بحث مفصلی دارد.

س۵۷۴ : آیا گناه یا گناه نبودن یک کار به نیت آن است یا به ظاهر آن، مثلا وقتی یک خانم زمین خورده و نیاز به کمک دارد و شما دستش را می گیرید تا کمکش کنید بلند شود و نیت شما کمک کردن است آیا با گرفتن دستش مرتکب گناه می شوید؟

خیر گناه با نیت نیست. در بعضی موارد نیت سبب انطباق عنوان خاصی بر فعل حرامی می گردد که موجب می شود آن فعل جایز شود، مثلا کتک زدن به بچه یتیمی که حرام است، در بعضی موارد که به قصد و نیت (تأدیب) باشد، چون عنوان تادیب منطبق می شود، ضرب یتیم جایز می شود.

س۵۷۵ : چه کارهایی در طول روز و زندگی انجام دهیم تا به خدا نزدیک شده و معنویت کسب کنیم؟ در ضمن دچار افراط و تفریط در امور مذهبی نشویم؟ در صورت امکان یک برنامه ای که برای افراد معمولی و متوسط از لحاظ مذهبی، قابل اجراست، بطور جداگانه بیان فرمایید.

عمل به وظائف شرعیه، نماز اول وقت، دستگیری از مستمندان، قضاء حاجت مسلمانان و امر به معروف و نهی از منکر، قهراً اگر عمل کنید، خداوند تعالی توفیق به کارهای خیر دیگر به شما عنایت خواهد نمود.

س۵۷۶ : قبول نکردن حرف دیگران، به گمان این که دروغ است و بعد معلوم شود که درست بوده گناه است

و دیگر اینکه اگر در مورد مسائل مختلف، اساس را بر خلاف کار بودن افراد قرار دهیم، گناه است؟

خیر، گناه نیست; ولی در مسائل مختلف اساس را بر صحت اعمال دیگران بگذارید، مثلا اگر کسی از دور به شما حرفی می زند که نمی دانید فحش می دهد یا سلام، بگویید انشاالله سلام می کند و فحش نمی دهد و ترتیب اثر ولو قلباً بر فحش دادن نکنید.

س۵۷۷ : شرایط توبه چیست؟

پشیمان شدن از گناهی که مرتکب شده اید و تصمیم جدی که چنین عملی را دیگر انجام ندهید و اگر حق کسی را از بین برده اید، تلافی کنید و بعد از همه اینها استغفار نمایید.

س۵۷۸ : آیا با توبه از گناهان انجام داده، نسبت به آنها عقوبت اخروی شویم یا فقط تخفیف داده می شود؟

برحسب وعده الهی چنانچه توبه حقیقی باشد، عقوبت اخروی دیگر نیست (التائب من الذنب کمن لا ذنب له).

س۵۷۹ : اگر شخص گناهی را مرتکب شود و در دنیا مجازات شود، آیا برای آن گناه در آخرت هم مجازات می شود و آیا در تخفیف مجازات اخروی موثر است؟

مجازات دنیوی، تأثیر در مجازات اخروی ندارد.

س۵۸۰ : آیاافرادی که دزدی یاقتل یا زنا یا لواط کرده اند، هم در صورت توبه بخشیده می شوند و اصلا این طور افراد، توبه برایشان فایده ای دارد (بعضی اعم از زن یا مرد سالها روابط نامشروع باافراد مختلف دارند و با بالا رفتن سن احساس تنبه می کنند، آیا توبه فایده دارد؟)

بلی، چنانچه توبه حقیقی با شرایطش تحقق پیدا کند، خداوند ارحم الراحمین است.

س۵۸۱ : لطفا تفسیر آیه زیر را بیان فرمایید: «ما کنت

تدری ما الکتاب و لا الایمان»

آیه قبل از این آیه شریفه به سه نحو دلالت بر مفاد آیه دارد:

۱. بدون واسطه ۲. در خواب ۳. بـدون توسط ملکی از ملائکه مانند جبرائیل. و روایات زیادی دلالت دارد بر اینکه عدم علم به سه قسم نسبت به پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله)تحقق داشته است. بعد از آن می فرماید. «و کذلک اوحینا الیک روحا من امرنا ما کنت تدری و لا الایمان»; معنی آیه به حسب ظاهر این است که قبل از وحی روح که مراد آن سه قسم است، در نزد شما- یعنی پیغمبر(صلی الله علیه وآله)- کتاب مشتمل بر معارف و شرایع نبود و شما متلبس به آنچه بعد از وحی از التزام اعتقادی وعملی به مضمون کتاب متلبس شدی نبودی. البته این معنی با مؤمن به خدای تعالی وموحد و عامل به عمل صالح بودن پیغمبر قبل از آن منافاتی ندارد; چون آیه کریمه نفی علم به تفاصیل آنچه در کتاب است نموده و آن ملازم نفی علم اجمالی و التزام اجمالی به ایمان به خدا و خضوع برای حق نیست. بنابراین آنچه بعضی می گویند که حضرت - نستجیر بالله - قبل از وحی و بعثت مؤمن نبود، بوسیله این آیه جواب داده می شود، کما اینکه آنچه دسته دیگر در مقابل آنها که می گویند که پیغمبر قبل از وحی و بعد از وحی فرقی نکرده است، تمام نیست.

س۵۸۲ : در گوشه و کنار ایران، امامزاده های بسیاری است، آیا همه آنها واقعاً مورد تأیید هستند و همه آنها ارزش زیارت دارند؟آیا ملاک خاصی در ایجاد امامزاده ها بوده است؟ آیا

بی تفاوت گذشتن از کنار امامزاده های غیرمشهور اشکال دارد؟

خیر، همه اینها مورد تأیید نیستند و زیارت نرفتن هیچ محذوری ندارد.

س۵۸۳ : نظر شما در مورد زیارت حضرت معصومه و حضرت عبد العظیم چیست، آیا زیارت آنها مثل معصومین است؟

زیارت این دو بزرگوار روایت دارد و فضیلت زیادی برای آن ذکر شده است.

س۵۸۴ : نظر شما در مورد مسجد جمکران چیست، آیا واقعا فضیلت زیادی دارد؟

من معتقدم که حضرت ولی(عصر ارواحنا فداه) دستور ساختن آن مسجد و خواندن نماز در آنجا را داده اند و بزرگان از علماء هم معتقد بوده و کراماتی را دیده اند از هر کجا هستید، مسافرت به آن مکان بنمایید که بسیار خوب است.

س۵۸۵ : نظر شما در مورد چاهی که در جمکران هست و داخل آن نامه می اندازند چیست؟

جایز است و هر کاری که واسطه ارتباط با امام عصر- ارواحنافداه - است عملی پسندیده است و مسجد جمکران به دستور خود آن حضرت ساخته شده است و اعمال آنجا را آن حضرت دستور داده است و در قرون گذشته علماء بزرگ هم چنین عقیده داشته اند و در مواقع گرفتاری مشرف به آن مسجد می شدند.

س۵۸۶ : بهترین نحوه زیارت امامان چیست و چه چیزهایی را بخوانیم بهتر است؟

هر زیارتی با هر کیفیت که ائمه اطهار(علیهم السلام) دستور داده اند خوب است و در بین آنها زیارت جامعه کبیره، زیارت امین الله و زیارت عاشوراء نسبت به حضرت سیدالشهداء

- صلوات الله علیه - فضیلت زیادتر دارد.

س۵۸۷ : آیا انکار اهمیت جمکران یا انکار ارزش زیارت امامان گناه است یا فقط غفلت و نادانی محسوب می شود؟ بعضی افراد

برای زیارت امامان معصوم ارزش قائل نیستند و آن را رد می کنند.

این افراد از تبلیغات سوء وهابیت منفعل شده اند; به هر حال اگر می گویند مثلا جمکران واقعیت ندارد و خوابی است که دیده شده و ارزش زیارت امامان را ائمه نفرموده اند، باید مراجعه کنند به اهل خ…ŞЉЪتا بر آنها اثبات کنند و اگر می گویند با آنکه امامان فرموده اند، من قبول ندارم; نستجیربالله این طرز فکر منجر به... می شود، شما وظیفه دارید از باب نهی از منکر و ارشاد جاهل، آنها را در حد قدرت هدایت کنید.

س۵۸۸ : نظر جنابعالی در مورد اهل حق چیست؟ (با توجه به اینکه در هر فرقه ای تندرو نیز پیدا می شود)

باز تکرار می کنم این فرقه بسیار شعب دارد و اختلاف بین مرام هایشان زیاد است، نمی توانم تحت عنوان حکم چیزی بنویسم.

س۵۸۹ : رمز اتحاد و نصرت شیعیان جهان همواره در اقتدار و درایت مرجعیت شیعه بوده است، دفتر تاریخ روزگاری را در یاد دارد که فتاوای میرزای شیرازی، ابوالحسن نجفی اصفهانی، آخوند خراسانی آیت الله بروجردی و... جهان تشیع را به تحرک وا می داشت; اگر مرجعیت در نجف بود می توانست تهران و ایران را به جوش و خروش آورد و اگر در قم بود، عراق و لبنان را به تحرک وا می داشت، ولی اکنون به قدری تعداد مراجع زیاد شده است که متأسفانه مرجعیت حتی حالت کشوری خود را نیز از دست داده و به صورت قومی، قبیله ای و شهری در آمده است; آیا چنین مرجعیت پراکنده و پاره پاره و متعددی می تواند جهان تشیع

را - که در اصل محصور در مرزها نیست - به سر منزل مقصود برساند و از میان امواج فتنه ها و بلا عبور دهد؟ علاوه بر اینکه مرجعیت شیعه، از دید ما نیابت عام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برعهده دارد. آیا امام زمان به این تعداد زیاد نایب دارد؟ گفته می شود که بیش از صد رساله در بازار موجود است و بیش از بیست مرجع معروف و دارای مقلد زیاد وجود دارد. علاوه بر این اختلاف مراجع باعث گریز جوانان شده است، مثلا مسأله شطرنج و پاسور را در نظر بگیرید، برای سه شکل آن فتوا دیده اند، بعضی هر دو را حرام کرده اند، بعضی اولی را حلال و دومی را حرام و بعضی بالعکس عمل کرده اند و احتمالاـ بعضی نیز هر دو را حلال کرده باشند. پس به جوان امروزی حق بدهیم که با دیدن این وضعیت، مرجعیت را کنار گذاشته و به نظر شخصی خود عمل کند.

با توجه به چند نکته جواب سئوال ها روشن می شود:

۱. در موضوعاتی مانند رؤیت هلال و باب قضاوت، اگر یکی از مجتهدین حکم بکند به ثبوت هلال یا مثلا آنکه فلان مال متعلق به یکی از دو طرف نزاع است و امثال این امور، بر مجتهدین دیگر هم واجب است متابعت و مخالفت جایز نیست. مسائل سیاسی و حکومت اسلامی از این قبیل است؛ لذا در زمان مرحوم آیت الله کاشانی و دکتر مصدق با بعضی امور، بزرگترین مرجع وقت - مرحوم آیت الله بروجردی - مخالف بودند، ولی یک کلمه حرفی نزدند، بلکه تعریف مرحوم آیت الله

کاشانی را هم می نمودند.

۲. اختلاف مراجع در فتوی، هیچ تالی فاسدی ندارد; چون مسلمانان نباید تابع همه باشند، بلکه باید از یکی از آنها تقلید نمایند. مانند اختلاف اطباء در معالجات و آن شخص مرجع هم باید اعلم باشد.

۳. در زمان مرحوم آیت الله شیرازی و آیت الله اصفهانی و... مراجع متعدد بودند.

۴. بلی عده ای نااهل هم خود را داخل مراجع نموده اند، ولی ما می بینیم که مردم متدین با تحقیق و تفحص دنبال حق و حقیقت می روند و شواهدی دارم که صلاح نمی دانم متذکر شوم.

س۵۹۰ : فکر کردن توسط قلب در سینه; (أَلا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُواْ مِنْهُ أَلا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُور) ; «آگاه باش! که اینان صورت بر می گردانند تا راز سینه خویش پنهان دارند، حال آنکه بدان هنگام که جامه های خود در سر می کشند، خدا آشکار و نهانشان را می داند; زیرا او به راز دلها آگاه است».

(هَاأَنتُمْ أُوْلاء تُحِبُّونَهُمْ وَلاَ يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُواْ آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْاْ عَضُّواْ عَلَيْكُمُ الأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُواْ بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُور) ; «آگاه باشید! که شما آنان را دوست می دارید و حال آنکه آنها شما را، دوست ندارند. شما به همه این کتاب ایمان آورده اید، چون شما را ببینند گویند: ما هم ایمان آورده ایم و چون خلوت کنند، از غایت کینه ای که به شما دارند، سر انگشت خویش به دندان گزند. بگو: در کینه خویش بمیرید، هر آینه خدا از سینه های شما آگاه است».

اعراب در آن دوران،

از اینکه فکر کردن در مغز اتفاق می افتد اطلاعی نداشتند و فکر می کردند انسان توسط قلبش فکر می کند، درحالی که می دانیم قلب انسان، جز ماهیچه ای که خون را همچون تلمبه ای به حرکت در می آورد نیست. در سرتاسر قرآن، هرگز از کلمه مغز خبری نیست، همواره هرجا از فکر کردن و تدبیر کردن صحبت می شود، از سینه و قلب انسان سخن گفته می شود

این قضیه حتی در نهج البلاغه نیز دیده می شود:

«به رگهای درونی انسان، پاره گوشتی آویخته که شگرف ترین اعضای درونی اوست و آن قلب است که چیزهایی از حکمت و چیزهایی متفاوت با آن در او وجود دارد; البته این بدان معنی نیست که اعراب آن دوران نمی دانستند که انسان چیزی به نام مغز دارد و می دانستند که مغز وجود دارد، امادانستند که انسان با مغز خود تفکر می کند، و این نیز از موارد اشکال برانگیز قرآن است که محل تفکر را قلب انسان می داند».

از آیه شریفه سوره هود، آنچه من می فهمم، غیر از آن است که شما بیان فرمودید. چون«ثنا» به معنی «عطف» است. استخفا طلب خفاء است و همچنین استشفاء طلب شفا است. پس مراد از (يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا)عقب بردن صدور و سینه ها و سرها را بزیرانداختن، تا اینکه آیات قرآن را نشنوند می باشد و چون استعمال کنائی از بلاغت کلام است و قرآن مشتمل بر آن است، این جمله کنایه است از این که اینها در مواقع خواندن قرآن خود را از پیغمبر و حاضرین پنهان می نمودند تا اینکه حجت برای آنها

تمام نشود. بعضـی گفته اند مراد از استغشاء ثیاب، استغشاء در خانه هاشان است، وقتی که می خوابند که این حالت خفی ترین حـالت است. خلاصه معنای آیه این است که آنان هنگام قرائت قرآن خود را مخفی می نماینـد، در حالی که خداونـد عالم به اسرار است. خیال می کنم با این معنا، معنای آیه سوره آل عمران نیز معلوم می شود.

س۵۹۱ : تبـدیل مردم به بوزینه؛ (وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَواْ مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُواْ قِرَدَةً خَاسِئِينَ؛ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالاً لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ) ؛ «و شناخته اید آن گروه را که در آن روز شنبه، از حد خود تجاوز کردند، پس به آنها خطاب کردیـم: بوزینگـانی خـوار و خـاموش گردیـد؛ و آنهـا را عـبرت معاصـران و آینـدگان و انـدرزی برای پرهیزگـاران گردانیدیم».

این از اشکالات وارده به قرآن است. ملتی به دلیل اینکه در روز شنبه، از حـد خود تجاوز کرده انـد، به بوزینه تبدیل شده اند کـه در آن جـانوران به یکـدیگر تبـدیل می شونـد. روز شـنبه برای یهـود روز مقدسـی است و به یکـدیگر در این روز«شابـات شالوم» (تقریباً به معنی شنبه به خیر) می گوینـد؛ یعنی حتی به نوعی دیگر در این روز به یکدیگر درود می فرستند، وخداوند در اینجا بندگان را می ترساند که اگر نافرمانی کنید، شما نیز مانند آنها بوزینه خواهید شد. رفتار خداوند با انسان بسیار توهین آمیز و تحقیر کننـده است، یـا حرف مرا گـوش کن یـا بوزینه ای خوار و خـاموشت خواهم کرد. خداونـد نیز سـعی می کنـد با انسان های خردمند، این گونه با تهدید ارتباط برقرار کند

و آنها را به اطاعت وا دارد.

این اشکال شما جزئی از اشکال کلی است که در کلمات بزرگان دین مانند شیخ الرئیس، محقق طوبی، علامه حلی، محقق اصفهانی و... عنوان شده وحاصل آن اشکال این است که خداوند تعالی گناه کاران را به عقوبات-اخروی که به مراتب از عقوبات دنیوی شدیدتر است یا به عقوبات دنیوی عقاب می کند؟ که جواب هایی بیان شده است از جمله اینکه خداوند عالم است به اینکه حفظ نظام لازم و آن ممکن نیست، مگر با قرار دادن تکالیف، و قراردادن تکلیف، بدون تخویف و وعید موثر نیست و بعد از تخویف اگر تصدیق نکند، با حکمت الهیه تنافی دارد; یعنی- نستجیر بالله- خدا دروغ گفته است، و مانند اینکه استحقاق عقاب بر مخالفت تکالیف شرعیه، خروج از رسم عبودیت است و آن ظلم است و ظالم مستحق عقاب است و این بحث نیز طویل الذیل و در شرح اشارات، ج۳، ص ۳۲۸ و شرح تجرید و... از کتب کلامیه مذکور است و ما هم در رساله جبر و اختیار بحث نموده ایم.

س۵۹۲ : زیستن در شکم ماهی; (وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ; فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ;فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنْ الْمُدْحَضِينَ; إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ; فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنْ الْمُسَبِّحِينَ; لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ; فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ) ; «و یونس از پیامبران بود; ماهی ببلعیدش و او در خور سرزنش بود; قرعه زدند و او در قرعه مغلوب شد; چون به آن کشتی پر از مردم گریخت، پس اگر نه از تسبیح گویان می بود، تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند، پس او را که

بیمار بود به خشکی افکندیم».

از آرواره های ماهی و نهنگ و اسید معده ماهی و تمامی مسائل که بگذریم، معلوم نیست حضرت یونس در این مدت، چگونه زیر آب تنفس می کرده است.

قصه یونس مقداری در سوره انبیاء و مقداری در سوره «ن والقلم» و مقداری در سوره یونس، ذکر شده است، ولی تمام قضیه چون مورد حاجت نبوده ذکر نشده است. روایات وارده از فریقین شیعه و سنی نیز به همین نحو است که در قرآن بعد از کنار هم گذاشتن آیات به یکدیگر داستان فهمیده می شود. قصه یونس(علیه السلام) درکتب اهل الکتاب هم مذکور است و اشکال شما به آنها هم بر می گردد.

خلاصه شبهه بر امثال شما که ظاهراً دانشمندید، در زنده ماندن است؟ و با توجه به قدرت الهیه، خیال نمی کردم بر شما شبهه ایجاد شود، البته این امر برخلاف موازین طبیعت است، ولی خداوند در بعضی موارد اگر مصلحت نظام اجتماعی بشر اقتضاء کند، برخلاف موازین طبیعت عمل می کنند.

س۵۹۳ : آیا کفار مکلف به فروع هستند; مستدلا پاسخ دهید؟

کفار مکلف به فروع می باشند. دلیل آن قطع نظر از اجماع فقها اطلاق ادله احکام از آیات کریمه قرآن و روایات زیادی، مانند (أَقِيمُوا الصَّلاةَ)و (لِلّهِ عَلَى النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا)و... مقید به اسلام نشده است. علاوه برآن بعضی آیات در تکلیف کفار به فروع صریح است، مانند قوله تعالی (وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لا يُؤْتُونَ الزَّكاةَ)، و (قالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ)، (فَلا صَدَّقَ وَ لا صَلّى)چنانچه تفصیل بخواهید به جلد ۹، فقه الصادق - دوره ۲۶ جلدی - ص ۱۹۸، مراجعه نمایید.

س۵۹۴ : آیا

شهدای جنگ تحمیلی مشمول آیاتی که در مورد شهدا در قرآن آمده می شوند؟

چنانچه جنگ به امر یک مجتهد عادل باشد، بلی، وگرنه نمی شود.

س۵۹۵ : پسری ۲۶ ساله و شیعه و دارای مدرک فوق لیسانس می باشم. ابهامی که برایم پیش آمده، خواهشمندم که من را راهنمایی فرمایید. موضوع نگرش اسلام به دختران و زنان است. من ضمن مطالعه قرآن، این سؤال برایم پیش آمد که هر جا صحبت از بهشت و پاداش آخرت می شود، به مواردی از قبیل باغ، میوه، نور، سلامتی، دوستی و دختران باکره اشاره می شود و در جایی هم که صحبت از نعمت های بهشتی شده، از دختران دوشیزه که به هیچ کس دیگری غیر از همسر خود عشق نمیورزند اشاره شده است. آیا دختران جز نعمت های بهشتیند و به عنوان ابزاری برای تشویق مورد استفاده قرار گرفته اند یا غیر از این است؟ پاداش اختصاصی که خداوند برای زنان ارائه کند چیست؟(مثل مورد دختر باکره که خدا به مردان وعده داده است.) البته لازم به ذکر است که من قصد ازدواج با یکی از افرادی که مورد علاقه ام است را دارم و وقتی موضوع خواستگاری را مطرح کردم و بعد از گفتگو متوجه شدم که او هم همان ابهام من را دارد و به من گفت که تا زمانی که ابهامش برطرف نشود، حاضر نیست اعمالی مانند نماز، روزه و... را به جا آورد و از من خواسته که قانع اش کنم. حال خواهشمندم که در صورت امکان هر گونه کمکی از قبیل معرفی منابعی برای مطالعه در این زمینه، می توانید به من ارائه

کنید.

خانم ها در بهشت متنعم می باشند، اولین ذکر بهشت قضیه حضرت آدم است که در آنجا آدم و حواء با هم بودند و در روز قیامت، کسانی که بهشت می رونـد، قبل از همه آن ها فاطمه زهراء وارد می شود و بعد از ایشان پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و انبیاء روایات زیادی وارد شده که خانم ها به بهشت می روند و با شوهری که در دنیا داشتند آمیزش می کنند.

حور العین و غلمان هر دو در قرآن است. مرحوم میرزای قمی در جامع الشتات، در جواب اینکه هر گاه کسی در دنیا زنی را بخواهد وبه خواسته اش نرسدوکسی دیگری با او ازدواج کند، و هر سه نفر به بهشت بروند، زن را به کدام شوهر می دهند؟ می فرماید این قدر باید دانست که در بهشت غم ودرد و اندوه نمی باشد، حق تعالی همه را خوشنود می کند و از بعضی اخبار ظاهر می شود هر کدام خوش اخلاق ترند به او داده می شود، در جای دیگر، می فرماید هر یکی از اهل بهشت چندان مملکت وسعت دارد که کمترین آنها کسی است که مملکت او به قدر تمام دنیا باشد. خلاصه هرچه بخواهد - چه مرد و چه زن به او داده می شود. پاداش خانم ها هم آن است که در قرآن می فرماید: (فِيها ما تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ)و این جمله برای همه است.

س۵۹۶ : احتراماً بیان فرمایید که دلیل عصمت چهارده معصوم و انبیا چه بوده است؟ عصمت به صورت اجباری و بدون اختیار یا کار خاصی به آنها اعطا شده است، آیا

این موضوع با عدل الهی در تضاد نیست؟

عصمت سه قسم است:

۱. عصمت از خطاء در تلقی وحی.

۲. عصمت از خطاء در تبیلغ و رسالت.

۳. عصمت از معصیت که آن عبارت است از: وجود امری در انسان معصوم که او را از وقوع در خطاء یا معصیت حفظ می کند، البته به نحو اقتضاء، نه علیت تامه، تا اجباری باشد. تفصیل این مطلب محتاج به بحث مفصلی است که نظیر آن را ما در رساله جبر اختیار نوشته ایم.

س۵۹۷ : علائم ظهور امام زمان را برای اینجانب تشریح نمایید.

علائم ظهور زیاد است؛ خروج سفیانی، قتل حسنی، کسوف شمس در نیمه ماه رمضان، خسوف ماه بر خلاف عادت طبیعی در آخر آن، قتل نفس زکیه در کوفه و ۷۰ نفر از مردان صالح، خراب کردن دیوار مسجد کوفه، خروج یمانی، ظهور مغربی در مصر، طلوع ستاره ای که روشنی آن، مانند روشنی ماه است و... که در کتب حدیث ذکر شده است.

س۵۹۸ : با توجه به آیه شریفه (لا ـ إِكْراهَ فِي الدِّينِ)، چرا یک فرد مسلمان زاده، اگر قبل از بلوغ با تحقیق و نه تقلید، دین دیگری را انتخاب کرد مرتد است و بعد از بلوغ باید کشته شود؟ آیا این مطلب با آیه شریفه مذکور منافاتی ندارد؟

معانی متعددی برای آیه شریفه شده است و بحث مفصلی است. یکی از آن معانی را نقل می کنم و آن این که مراد آن است، اکراه در چیزی که دین است نیست، چون دین عبارت از اعتقاد قلبی است و آن قابل اکراه نیست و اکراه بر اظهار شهادتین دین نیست.

س۵۹۹ : در اسلام در مورد دیه و

شهادت دادن زنان و قصاص مردی که زنش را می کشد و ارث و بسیاری موارد دیگر، بین این دو تفاوت هست. خواهشمند است بفرمایید که آیا این موارد تعبدی است و در منابع فقهی دلیلی برای آن ذکر نشده و یا دلیل خاصی در روایات برای این تفاوت ها بیان شده؛ در صورت امکان و بودن استدلالات، دلایل این گونه فرق ها بین زن و مرد را بیان فرمایید.

ما مسلمانان معتقدیم که پیغمبر اسلام (صلوات الله علیه)، از طرف خدای تعالی در تمام اجتماعیات و اخلاقیات و سیاست و اقتصاد و غیر اینها، مقرراتی آورده و ما باید به آنها عمل کنیم و آن مقررات در قرآن و روایات بیان شده. آن چه شما سؤال کردید، در قرآن و روایات ذکر شده است و اگر کسی بگوید اینها مدرک ندارد یا بی سواد است یا بی دین.

س۶۰۰ : خداوند در قرآن بارها به بندگان وعده بهشت داده است و در وصف پاداش بهشت همواره حور و پری و زن های زیبا که دست هیچ مردی به آنها نرسیده است و... را متذکر می شود که همه آنها برای مردهاست. آیا خداوند در قرآن پاداشی را برای زن ها یاد کرده است اگر نه چرا؟ پس زن ها پاداشی در عوض اعمال نیکشان ندارند؟ اگر دارند منبع از قرآن ذکر فرمایید.

اولا ـ (یَطُوفُ عَلَیْهِمْ وِلْدانٌ مُخَلَّدُونَ)موجود است و ثانیا حورالعین به حسب معنی مختص به زن نیست مرد هم ممکن است حورالعین باشد و ثالثا (فِیها ما تَشْتَهِیهِ الْأَنْفُسُ)دال است بر اینکه بهشتی ها هرچه بخواهند مهیا است به علاوه آیات قرآنی تنها کافی برای بیان

نیست، بلکه با ضمیمه کردن روایات به مطالب بیشتری می رسیم.

س۶۰۱ : چرا خداوند متعال در قرآن هیچگاه مستقیماً با زنان صحبت نکرده و همواره مسایل را خطاب به مردان مطرح می کند؟

خطاب به زنان در قرآن زیاد است؛ (قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یَغْضُضْنَ)، (یا نِساءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ) و امثال این آیات زیاد است، اما در خطاب به هر دو طائفه ()«یا ایها المؤمنون» یا (أَقِیمُوا الصَّلاةَ) و... از قواعد زبان عربی این است که در مقام بیان دو عنوان تثنیه یا جمع را با استعمال یکی از آنها ذکر می کنند، مانند شمسین؛ یعنی شمس و قمر. بنابراین هیچ گونه بی اعتنائی به زن نیست.

س۶۰۲ : آیا این که تشریعات بر اساس تکوینیات است، مستندی دارد؟

این تعبیر قدری گنگ است؛ بهتر است که گفته شود احکام الله تابع مصالح و مفاسد در متعلقات است، البته آن مصالح و مفاسدی که حقیقتش را خدا می داند وگاهی آن مصالح ومفاسد علت تشریع است و گاهی حکمت.

س۶۰۳ : با یکی از دوستانم بحث می کردم، ایشان گفت چطور ما می گوییم قرآن کریم تحریف نشده، ولی تورات وانجیل تحریف شده است! من تا جایی که عقلم می رسید گفتم چون این آخرین دین خداست و کلام خداست. ایشان گفت، مگر آنها کلام خدا نبودند؟ چرا خداوند جلوی تحریف آنها را نگرفت؟ لطفا راهنمایی فرمایید.

خداوند در این دنیا بنا دارد که در امور طبیعی تصرف بر خلاف موازین طبیعی ننماید و فرمود (فَلَوْ شاءَ لَهَداکُمْ أَجْمَعِینَ)، ازاین رو معصوم(علیه السلام)می فرماید: «ابی الله ان یجری الامور الا باسبابها» آنچه من در ذهنم هست آنکه اولین نسخه

انجیل بعد از هفتاد سال، بعد از مسیح، آن هم به دست یک یهودی نوشته شد و اما قرآن هر آیه ای که نازل می شد کاتبان وحی – که زیاد هم بودند – آن را می نوشتند.

س۶۰۴ : خواهشمند است دلیل این حکم الهی که چرا نماز انسان در سفر شکسته و روزه باید افطار شود را بفرمایید. در واقع با توجه به پیشرفت تکنولوژی که انجام مسافرت را آسان نموده است، ضرورت این حکم چیست؟ آیا این حکم به طور صریح در قرآن کریم نیز ذکر شده است، درکدام سوره و آیه؟

اگر این باب باز شود اشکالات زیادی وجود دارد، مثلاـ چرا نماز مغرب سه رکعت است اساساً در کجای قرآن نوشته شده است که نماز مغرب سه رکعت است یا بقیه عبادات. روایات معتبره بر این حکم دلالت دارند در قرآن هم به سوره نساء، آیه ۱۰۲، مراجعه نمایید.

س۶۰۵ : با توجه به این اعتقاد که زیارت عاشورا حدیث قدسی است و باتوجه به لعن ها و برائت های این زیارت و همچنین آیه (إِنَّ الَّذِینَ یُؤْذُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللّهُ فِی الدُّنْیا وَ الاْخِرَهِ) و همچنین دعای قنوت امیرالمومنین(علیه السلام) و بسیاری موارد دیگر، اجازه ما برای تبلیغ دعای ضمنی قریش، تا چه حد است؟ و بیان فرمایید حضرتعالی پیرامون مجالس لعن، شرح مناجات مذکور و... چه عقیده ای دارید؟

زیارت عاشوراء سندش قوی و بسیار عالی است، ولی در صورتی که چه زیارت عاشورا و چه دعای ضمنی قریش و... عنوان ثانوی برآنها منطبق نشود، و چنانچه در جایی باشد که موجب تفرقه بین مسلمین بشود و مخالف تقیه باشد،

نبایـد خوانـده شود. قال الله تعالی (وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ)، (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا) و روایات متواتری از معصومین(علیهم السلام) هم بر این مطلب دلالت دارند.

س۶۰۶ : آیـا حجـاب زن شامـل موی سـر او می شود؟ در قرآن به مقنعه اشـاره شـده که افرادی در دانشـگاه در بحثی بیان می داشتند که چه معلوم مقنعه ای که قرآن در نظر داشته، موی سر را هم می پوشاند.

در قرآن به مقنعه اشاره شـده است، آیه حجاب، در سوره نور آیه ۳۲ چنین است (وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّ ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلى جُيُوبِهِنَّ وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّ لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبائِهِنَّ...)علاوه برآن در قرآن احکـام به طریق اجمال بیان شـده و تفصـیل آنها را باید به مقتضای حدیث ثقلین «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی و لن یفترقا حتی یرد علی الحوض» که مورد اتفاق شیعه واهل سنت است، باید به اخبار اهل بیت(علیهم السلام)رجوع نمود، مثلا اینکه نماز مغرب ۳ رکعت است، از کجای قرآن می توانیـد اسـتفاده کنیـد؟ اکثر احکام از این قبیل است و شـما اگر به روایات رجوع کنید، ملاحظه خواهید نمود که روایات صریح است درلزوم پوشاندن موی سر.

س۶۰۷ : چرا اختیـار زن در مسـائلیماننـد خارج شـدن از منزل یا رفتن به دیـدار خانواده خود یا مسائلی از این قبیل موارد، در دست همسر ایشان می باشد؟

دلیل آن روایاتی است که از ائمه معصومین(علیهم السـلام) رسـیده و در کتاب وسائل الشیعه ذکر شده است و ما هم در کتاب فقه الصادق مفصلا بحث کرده ایم.

س۶۰۸ : با توجه به

روایت «مثل عَلیِ فیکم کمثل الکعبه أنا الکعبه»

بفرمایید حج وهابی ها و سنی ها چه حکمی دارد؟ و استفتاء و نظر جنابعالی پیرامون این مسأله چه می باشد؟

روایتی که نقل کردید ربطی به سوال ندارد - معنی آن روایت در روایات دیگر بیان شده است فرموده اند مثل امام مثل کعبه است یؤتی ولایاتی یعنی باید رفت به سراغ او و او نمی آید به سراغ شما - و اما حج سنی ها نمی دانم چه جهت آن را سؤال می نمایید تا جواب دهم.

س ۶۰۹: نظر شما پیرامون مسأله ولایت فقیه و محدوده اختیارات آن چیست؟ و چه جایگاهی در ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام) دارد؟

ولایت معانی متعدده دارد از جمله ۱. ولایت تکوینیه; یعنی قدرت تصرف در عالم کون به غیر طریق عادی که معجزات انبیاء از آن باب است. ۲. وجوب اطاعت در امور عادی که پیغمبر(صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین(علیهم السلام) دارای آن بودند، ۳. اولی به تصرف در اموال افراد از خودشان که معصومین دارای آن بودند، این مراتب را فقیه ندارد. ۴. ولایت به معنی اختیار تصرف در امور حسبیه که آن را هر مجتهدی دارد. ۵. تشکیل حکومت و اختیاراتی که در تمام ممالك رسم است و حاکم دارای آن است. این مقام متعلق به رهبر است. ۶. قضاوت که آن هم بر هر مجتهدی ثابت است.

س۶۱۰ : برای اینکه عبادات برای ما تکراری نشود و دلزدگی ایجاد نشود، چه باید بکنیم؟

تکرار عبادات ثواب زیادتر دارد و برای زیادی شوق به عبادات، نیت خالص نمودن، لقمه حلال خوردن و معاصی را ترک کردن مؤثر است.

س۶۱۱ : برای قویتر شدن

ایمان - با توجه به اینکه امروزه محیطها و زمینه های گناه زیاد است - چه باید بکنیم؟

توجه به اینکه لذتی که مدت آن کم است در مقابل آن عواقبی که ممکن است درعالم برزخ و بعد از آن داشته باشد و مختصری تفکر در ترک گناه خیلی مؤثر است.

س۶۱۲ : اگر به انسانی توجهات غیبی شود و شاید تا حد زیادی این اتفاقات نشانه داشتن احترام و ارزش در نزد پروردگار باشد، آیا بهتر است این توجهات غیبی را پنهان کند و به کسی نگوید و یا به دیگران گفته، تا شاید به این وسیله افرادی را تحت تأثیر قرار دهد. اینکه گفته می شود بعضی از مراجع و علماء چنین توجهاتی به آنها شده یا می شود; چرا برای عموم بر زبان نمی آورند، تا شاید افرادی تحت تاثیر قرار گیرند؟ آیات و روایات در این مورد به ما چه می گویند؟ آیا از ما می خواهند که پنهان کاری کنیم و یا نه آنها را بر زبان آورده و فاش کنیم؟

اگر منظور از توجهات غیبی زیارت ولی عصر(ارواحنا فداه) است که در این ایام عده ای ادعای رؤیت می کنند، آن امر نباید گفته شود. روایات معتبری داریم که هر کس در زمان غیبت ادعای رؤیت نمود او را تکذیب کنید. و اگر منظور غیر این موضوع باشد، چنان چه گفته شود عده ای موقعیت را مغتنم شمرده و با ادعای دروغ موجب وهن حقایق مسلمه می شوند.

س۶۱۳ : استخاره چیست و در چه مواردی باید استخاره گرفت؟ چه کسی می تواند استخاره را بگیرد و باید دارای چه شرایطی باشد؟ تا

چه حدی می توان به استخاره خود، اطمینان کرد و چگونه می توان برداشت صحیح را از مطالب قرآن فهمید؟ نظرتان در مورد کتابچه های استخاره ای که در هر صفحهء قرآن در مورد ازدواج، معامله و.. برداشت خود را نوشته اند چیست؟ تا چه حد می توان به آنها اطمینان داشت؟

استخاره در امری که خیر، صلاح، فساد و ضرر آن معلوم نیست و با مشورت معلوم نباشد، مشروعیت دارد و کتاب هائی در این مورد نوشته شده و نشر کرده اند- که بعضی عربی است - خوب است. من به استخاره معتقدم و بدون استخاره هیچ کار مهمی را- که واجب نباشد- انجام نمی دهم، ولی کتابی که شما اشاره کرده اید ندیده ام تا قضاوت کنم.

س۶۱۴ : چه کنم که در زندگی امید به ظهور در دلم سرد نشود و چگونه بفهمم که امام زمان(عج) از اعمالم راضی است و اشتباهات من را نادیده گرفته است.

شما اگر دقت کنید که امام زمان(علیه السلام)اگر ظهور بنماید، دنیا پر از عدل، صفا، صمیمیت و آبادی می شود، ممکن نیست ظهور آن بزرگوار در دلتان سرد شود و اگر بخواهید بفهمید که از شما راضی است، توبه از گذشته نموده و تصمیم بگیرید که بعد از این بر خلاف دستورات شرع عمل ننمایید.

س۶۱۵ : اگر در ذهنم تصمیم قطعی بگیرم که زمانی اگر برخی شرایط و عوامل خاص فراهم شود، من به طور قطعی و صد در صد مرتکب فلان گناه و معصیت می شوم; با این فرض، خداوند برای من گناهی می نویسد؟ تازمانی که از محدوده فکر تجاوز نکرده و به مرحله عمل نرسیده،

گناهی برای انسان نوشته نمی شود. آیا این جواب صحیح است؟

جوابی که آن روحانی داده اند بسیار متین و صحیح است و روایاتی از ائمه معصومین(علیهم السلام) هم بر همین مطلب دلالت دارند.

س۶۱۶ : روایات و احادیث فراوانی درباره فضیلت صلوات بر محمد و آل محمد(صلی الله علیه وآله)و نیز فضیلت و ثواب لعن بردشمنانشان شنیده و خوانده ایم; ولی نمی دانم گفتن «اللهم العن الجبت والطاغوت» فضیلت بیشتری دارد یا گفتن «اللهم صل علی محمد وآل محمد». برخی از مردم لعن را برصلوات ترجیح می دهند وثواب و فضیلت آن را بیشتر می دانند و گروهی نیز صلوات را با فضیلت تر می شمارند. لطفا نظر مبارکتان را در این خصوص بفرمایید

روایات مختلف است، هر دو خوب است و جمع بین این دو بهتر است.

س۶۱۷ : آیا می توان چنین گفت که هدف از نماز خواندن، عبادت و بندگی خداوند و رسیدن به قرب الهی است. حال اگر کسی فوت کرد و مثلا ۱۰ سال نماز قضا داشت، در عالم برزخ دچار عذاب است. اینکه گفته می شود در صورتی که نماز قضای میت به جای آورده شود، از عذاب او کاسته می شود، چگونه قابل بیان است؟ با توجه به آنکه می دانیم نمازی را که ما برای میت می خوانیم، نه باعث رسیدن به قرب الهی برای میت می شود و نه فایده ای برای خداوند دارد. بنابراین چه چیز باعث می شود تا عذاب او کمتر شود؟ آیا در قیامت هم این عذاب کمتر میشود یا فقط این بحث برای برزخ است؟

۱. عبادات ما حتی در حال حیات، هیچ فایده ای

برای خدای تعالی ندارد.

۲. ترتب عذاب بر ترک واجب یا اتیان محرمات، تابع جعل شارع است و ربطی به قرب الی الله و عدم آن ندارد.

۳. دفع عذاب از میت نیز با جعل الهی است، خداوند فرموده است، اگر کسی نماز قضاء داشت در عالم برزخ، مادامی که نماز قضاء او را کسی نخواند معذب است و چنانچه خوانده شود، مانند قرضی که به کسی مدیون است داده شود، عذاب کم یا به کلی رفع می شود و بنده مطیع باید تابع فرمایشات حضرات معصومین(علیهم السلام) باشد.

س۶۱۸ : اگر کسی بخواهد برای میت اجیر بگیرد، تا نماز و روزه قضا را به جای آورد. در صورتی که اجیر پول را بگیرد و قبول کند که به جای آورد، اما بالفرض به جا نیاورد و ما هم ندانستیم که او بجای نیاورده است، آیا باز هم عذاب میت برداشته می شود یا خیر؟ بعضی از روحانیون می گویند عذاب از میت برداشته می شود و اجیر که نماز نخوانده گناه کرده است. بعضی هم می گویند علاوه بر آنکه فردی که اجیر شده گناه می کند، عذاب هم از میت، تا قضا را بجای نیاورد، برداشته نمی شود.

در خصوص حج روایت وارد شده است که با اجیر کردن شخصی از میت حج او تبدیل به حج در ذمه نائب می شود؛ اما در نماز و روزه چنین دلیلی نداریم، بنابر این در نماز و روزه، حرف دسته دوم بر حسب ادله صحیح است.

س۶۱۹ : در کتاب «داروخانه معنوی»، نوشته رضا مجاهد در صفحه ۹۹ چنین آمده است: امیرالمومنین(علیه السلام) فرمود: شنیدم از رسول خدا(صلی الله علیه

وآله) هر کس ترک کند نماز را از روی جهالت و نداند چقدر باید قضا کند، شب دوشنبه ۵۰ رکعت نماز بخواند با حمد و سوره، و روزه بگیرد روز دوشنبه را و ظهر دوشنبه نیز ۵۰ رکعت (۲۵ نماز دو رکعتی) با حمد و سوره بخواند و بعد از فراغت صد مرتبه استغفار کند این عمل مطابق با ۱۰۰ سال نماز قضا شده به حساب می آید. اما اگر بداند چقدر قضا دارد باید همه آن را بجای آورد.

می خواستم بدانم آیا واقعاً این مطلب صحیح است؟ مثلا من که نمی دانم چند سال نماز قضا دارم و حدس میزنم بین ۵ تا ۶ سال باشد، باید در حدود ۵ یا ۶ سال قضا بخوانم یا می توانم طبق روایت فوق عمل کنم؟ اگر مطلب فوق صحت دارد، آیا می توان برای میت هم این کار را، به جای خواندن تمام نمازهای قضایش (که نمی دانیم دقیقاً چقدر است)، انجام داد یا خیر؟

عمل به روایت فوق که نه سند صحیحی دارد و نه دلالت واضح، برای شما جایز نیست. شما باید به فقهاء رجوع کنید. همه فقهاء اسلام می گویند این عمل مسقط قضاء شخص زنده ومیت نیست.

س ۶۲۰ : منظور از آیات ۱الی ۶ سوره مجادله چیست؟

سوره مجادله، متضمن مطالب متعددی از حکم و آداب است، مقداری از آیات آن در حکم ظهار است که شش آیه اول آن سوره است و ظهار در نزد عرب جاهلی از اقسام طلاق بوده، مرد به زن خود اگر می گفته «انت منی کظهر امی»، زن از او جدا و حرام ابدی می شده است، در بقیه

مطلب آن سوره به تفاسیر مراجعه فرمایید.

س۶۲۱ : آیا کسی می تواند ادعا کند که ایمانش به خدا و روز جزا و اصول دین را داراست و احتیاجی به «واسطه» ندارد؟ منظور از واسطه، مسجد، کعبه، امام، امامزاده، خواندن نماز و روزه و... است.

کلامی است غیرمنطقی و غیرعقلایی، چون ارتباط با خدا، بدون واسطه پیغمبر(صلی الله علیه وآله)غیرممکن است.

س۶۲۲ : در روایت آمده است: عمر «حی علی خیرالعمل» را از اذان حذف کرده است و بدین سبب بدعت در اذان به وجود آورده است. حال ما که در اذان «اشهد ان علیا ولی الله» را ذکر می کنیم، بدعت حساب نمی شود؟

عمر، حی علی خیر العمل، را حذف نمود با تصریح به اینکه روایتی دال بر آن نیست، بلکه به واسطه اینکه مردم از جهاد سست می شوند، چون نماز بهترین عمل است و مجزی از جهاد است; ولی شیعه روایت از امام صادق نقل می کنند که هر وقت شهادتین گفتند، شهادت به ولایت و امیرالمؤمنین بودن حضرت علی(صلوات الله علیه) بدهید. بعلاوه روایت مفصلی دال بر مطلوبیت این جمله در اذان و اقامه وجود دارد.

س۶۲۳ : مدتی است که سوالی برایم مطرح شده می خواستم بدانم که اگر کسی به ولایت فقیه به این شکل که در کشور عزیزمان است، اصلا اعتقادی نداشته باشد، مسلمان و شیعه باقی می ماند یا خیر؟

ولایت از مسائل اختلافیه است که نه از اصول دین است، نه از اصول مذهب و نه از ضروریات. و مخالف نه خارج از مذهب است نه خارج از دین.

س۶۲۴ : آیا روز قیامت همان روزی است که امام زمان ظهور می

کند؟ (لطفاً برایم کامل توضیح دهید).

خیر، روز قیامت بعد از ظهور امام زمان(ارواحنا فداه) است که ایشان وقتی ظهور کنند، دنیا پر از صفا، صمیمیت، امنیت، رفاه و آسایش می شود. بعد از مدتها که بگذرد آن وقت قیامت خواهد شد.

س۶۲۵ : نظر حضرتعالی در مورد فلسفه چیست، آیا حضرتعالی فلسفه را به عنوان یک علم الهی یا علم بشری قبول دارید، آیا به نظر شما این علم می تواند ما را به خدا برساند یا برعکس می باشد؟

علم فلسفه علم بشری و دارای مطالب دقیقه علمیه است و بزرگان این علم، مانند فیض کاشانی در آخر عمر خودشان رساله ای در ردّ بعضی از مطالب این علم نوشته اند و از آنها تبری جسته اند، مرحوم آیت الله آملی کتابی دارد در ذیل یکی از مطالب فلسفی بعد از اینکه، به صورت مفصل تحقیق کرده در حاشیه نوشته است که من خدا را شاهد می گیرم که به این مطالب عقیده ندارم و عقیده من همان است که از طریق ائمه بیان شده و هکذا بقیه از بزرگان فلاسفه متدین.

س۶۲۶ : پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)فرموده اند: امت من در آینده به بیش از هفتاد فرقه تقسیم می شود که جز یکی همه در آتشند. همچنین در خطابه غدیر فرموده اند: کسی که از علی(علیه السلام) و فرزندان او تا روز قیامت پیروی نکند در جهنم جاودانه است. خود مولا علی(علیه السلام)فرموده اند: جز شیعیان من همه گمراه اند. با توجه به احادیث مذکور آیا همه اهل تسنن و شیعیان غیر اثنا عشری، مغضوب خداوند و و اعمالشان حبط و نابود است؟

باید توجه داشته

باشیم که همه این طوائف ۲ قسم اند: جاهل مقصر و جاهل قاصر. تمام این عقوبات متعلق به دسته اول است و دسته دوم عقاب ندادند و تفصیل محتاج بوقت بیشتر است و درعلم کلام مستوفی بحث شده است.

س۶۲۷ : آیا این ادعا درست است که بعضی امام زمان(علیه السلام) در خواب یا بیداری می بینند، آیا می توان امام (علیه السلام) را در این زمان دید؟

ادعای رؤیت، در خواب ممکن است، ولی روایات معتبره دلالت دارد براینکه هرکس ادعا کند من امام را در بیداری دیده ام او را تکذیب کنید. من نمی گویم دیدن امام ممکن نیست، بلکه مراد این است که کسی که امام را ببیند و بگوید. پس هر کس که ادعا کند دورغ می گوید، ولی بسیاری از علماء بزرگ و غیر علما قطعاً آن حضرت را دیده اند.

س۶۲۸ : آیا اراده و اختیار انسان در مقدراتی که شب قدر برای او تقدیر می شود، تأثیر و دخالتی دارد؟ به طور مثال آیا تلاش و کوشش انسان موجب تغییر در کم یا کیف روزی مقدر او می شود یا خیر؟

چون در دنیا خدای تعالی بنا ندارد که امور بر خلاف موازین طبیعت انجام گیرد، مسلماً کوشش شما اثر دارد.

س۶۲۹ : روایت حضرت فاطمه(علیها السلام) که فرموده برای زن بهتر است که هیچ مرد نامحرمی او را نبیند و او مرد نا محرمی را نبیند، چه قدر اعتبار دارد؟

بله چنین روایتی معتبر است، ولی دقت کنید که فرموده است بهتر است و نه لازم است.

س۶۳۰ : می خواهم تهذیب نفس کنم، من را در مورد اینکه چه کتاب هایی را بخوانم

و هر کار دیگر که مربوط به آن می شود راهنمایی کنید.

عامل دعا، تقوی و عدم ارتکاب محرمات، بجا آوردن واجبات، خدمت به مردم و دستگیری از مستمندان به قدر وسیع موجب تهذیب نفس است و زیارت عاشورا تأثیر عجیبی در این امور دارد، همچنین خدمت به پدر و مادر.

مسائل متفرقه

س۶۳۱ : من عضو شرکت گلدکوئست شده ام و حالا می بینم که بسیاری از مراجع آن را حرام دانسته اند. مرجع تقلید من آقای... می باشد و می فرمایند که کار این شرکت شبه قمار است و حرام می باشد. آیا در این مورد می توانم از شما تقلید کنم؟

شبه قمار حرام نیست. چنانچه از کسی که تقلید می کنید، اهل خبره او را اعلم علماء اسلام می دانند، رجوع بغیر او جایز نیست و اگر بی منطق و دلیل، تقلید کرده اید، می توانید به دیگری عدول کنید.

س۶۳۲ : آیا نوشیدن آبجو بدون الکل، گناه و حرام است؟

آبجو که به حد اسکار نرسیده است حلال است و هیچ اشکال ندارد.

س۶۳۳ : حکم استفاده از عطریات و پیراهن های چرمی که از کشورهای غیراسلامی می آید با توجه به نداشتن اطلاعات درمورد ذبح حیوان و جنسی که در ساخت عطریات به کار می رود چیست؟

عطریات پاک است و اشکال ندارد. و اما پیراهن های چرمی که از کشورهای غیراسلامی تهیه می شود; چنانچه فروشنده مسلمان است محکوم به طهارت است و اگر مسلمان نیست، چنانچه بدانید از حیوان غیر ذبح شرعی شده گرفته شده است، نجس و نماز با آن باطل است; اما اگر احتمال می دهید که از پوست تهیه شده از کشور

اسلامی باشد، نماز در آن باطل است، ولی پاک است.

س۶۳۴ : آیا از منظر اسلام، کارهای فکری و مدیریتی و اجرایی چون تدریس، وکالت، سفارت، مدیریت شرکت ها و... می تواند آنقدر با ارزش تر از کارهای یدی، چون کار در مزرعه و کارخانه و معادن و... باشد که پاداش یک ساعت کار فکری ده ها برابر پاداش یک ساعت کار یدی باشد؟

قطعاً چنین است، چون مالیت امری اعتباری از اعتباریات عقلائیه است و اعتبار بر شیئی که مورد رغبت و میل افراد باشد، یا نظام اجتماع متوقف بر آن باشد و چون منافع و آثار اموری که از کارهای فکری و مدیریتی و اجرائی خیلی زیادتر از کارهای یدی است قهراً مالیت آن افزایش دارد و شارع مقدس هم امضاء نموده است.

س۶۳۵ : روایاتی که از امام صادق(علیه السلام) درآمد مشروع را به ۳۰ هزار درهم محدود می نماید، از نظر حقوقی در جامعه فعلی چگونه قابل به کارگیری و تدوین قانونی است؟

در روایات منتسب به ائمه اطهار- علیهم صلوات الله - باید اولا رعایت صحت سند بشود، بعد معارضات ملاحظه شود و بعد با قرآن مخالف نباشد و قیود دیگر و تمام این کارها به عهده مجتهدین است.

س۶۳۶ : آیا می توان علوم و فنون را در انحصار درآورد؟

چنانچه از اموری باشد که مردم در زندگی محتاج به آن باشند و از او هم تقاضای آن فن را بنمایند، با این حال بخل در بیان بکند، قطعا خلاف شرع است. امام صادق(علیه السلام) می فرماید «ایما مؤمن منع مؤمنا شیئا مما یحتاج الیه و هو یقدر علیه... اقامه الله یوم القیامه مسودا وجهه

مزرقه عيناه مغلوله يداه الى عنقه فيقال هذا الخائن... ثم يؤمربه الى النار».

س۶۳۷ : آیا استخاره هایی که خود انسان انجام می دهد قابل استناد هستند؟

استخاره برای فهمیدن حکم شرعی بی اساس است و قابل استناد نیست، استخاره فقط در کاری که خیر و شر عرفی چیزی معلوم نباشد و از طریق استشاره چیزی فهمیده نشود مورد قبول می باشد.

س۶۳۸ : مواد غذایی که برای مصرف از کشورهای غربی به کشورهای اسلامی فرستاده می شود مانند شیرینی، کنسرو ماهی و گوشت گاو آیا استفاده از آن حرام است یا خیر؟

مواد غذایی غیر از کنسرو ماهی و کنسرو گوشت که از کشورهای غیر اسلامی آورده می شود حلال است، و اما کنسرو ماهی اگر از دست مسلمان گرفته شود حلال است، و نیز اگر احراز شود که ماهی از آب گرفته شده است و در خارج از آب مرده است حلال است و اما کنسرو گوشت بره و گاو و غیر این دو که خوردنشان حلال است اگر از دست مسلمان گرفته شود حلال است وإلّا حلال نیست.

س۶۳۹ : بسیاری از برنامه های کامپیوتری توسط افراد بیگانه ساخته می شوند و سازندگان این برنامه ها در قبال دریافت مبلغ قابل توجهی برنامه های خود را به خریدار می فروشند. در کشور ما امکان دسترسی به فروشنده و خریدن نسخه اصلی وجود ندارد و به همین دلیل بسیاری از مردم مشغول به تکثیر این برنامه ها و ارائه به صورت مجانی یا در قبال مبلغی ناچیز می باشند. از آنجا که استفاده از برخی از این برنامه های کامپیوتری از نیازهای یک جوان امروزی است و نیز

دسترسی به نسخه های اصلی ممکن نیست آیا جنابعالی استفاده از نسخه های تکثیر شده را مجاز می دانید.

استفاده از نسخه های تکثیر شده که یک فرد مسلمان تکثیر نموده بی اشکال است.

س ۶۴۰ : برای برخی از افراد «آوازهای مطرب» هیچ تأثیری ندارد چه صدایی باشد یا نباشد فرقی ندارد! شنیدن چنین آوازی برای این گونه افراد، چه حکمی دارد؟

برای این گونه افراد هم شنیدن آواز مطرب حرام است.

نگاهی کوتاه به آثار حضرت آیت الله العظمی روحانی (مدظله العالی)

حضرت آیت الله العظمی سید محمدصادق حسینی روحانی در پنجم محرم سال ۱۳۴۵ / ۱۳۰۵ ش در شهر قم به دنیا آمد. ایشان پس از گذراندن دوران سطح، درس خارج فقه و اصول را در نجف نزد اساتیدی چون آیات: شیخ کاظم شیرازی، شیخ محمد حسین اصفهانی، شیخ محمدعلی کاظمی، سید ابوالحسن اصفهانی، و سید ابوالقاسم خویی فرا گرفتند. تحصیل وی در درس آیت الله خویی، که از یازده سالگی آغاز شده بود، پانزده سال به درازا کشید و پس از آن در سال ۱۳۲۹ ش به قم بازگشت و به تدریس علوم دینی مشغول شد. در کنار تدریس، به تألیف آثار فقهی و دینی نیز پرداختند که برخی از مهم ترین آنها عبارت است از:

۱- فقه الصادق (به زبان عربی): این کتاب بزرگ که به عنوان یک منبع مرجع شناخته شده است در ۲۶ جلد بارها در داخل و خارج کشور به چاپ رسیده است. چاپ جدید آن به زودی در ۴۱ جلد (با ذکر منابع و مصادر) به چاپ خواهد رسید.

از تألیف کتاب عظیم جواهرالکلام که شامل تمامی ابواب فقه می باشد نزدیک به ۲۰۰ سال می گذرد و کتاب فقه الصادق اولین و

کامل ترین دایره المعارف تمام ابواب فقه در دو سده اخیر است. این کتاب که در سنین جوانی معظم له به رشته تحریر درآمده، مورد عنایت خاصه تمامی مراجع تقلید و بزرگان حوزه های علمیه است. این کتاب در میان علماء عامه نیز شناخته شده و مورد استناد است. کتاب «فقه الصادق» در دانشگاه های معروف غرب (بخش مطالعات اسلام شناسی) یکی از منابع مورد قبول و قابل استناد است.

۲- زبده الاصول (به زبان عربی): دوره کامل علم اصول فقه که به صورت بحث استدلالی ارائه گردیده است. این کتاب در ۶ جلد می باشد.

۳- منهاج الفقاهه (به زبان عربی): در ۶ جلد می باشد که حاشیه ای است بر «مکاسب» شیخ انصاری ۴ که به شیوه ای نو و ابتکاری تمامی موارد ارائه شده را بحث و بررسی کرده اند.

۴- المسائل المستحدثه (به زبان عربی): حضرت آیت الله مبتکر مسائل مستحدثه و ارائه مسائل جدید با ذکر مسائل فقهی، روایی هستند. این کتاب شامل ارائه مسائل جدید، نو و مورد ابتلای جامعه با ذکر دلایل و مستندات فقهی، روایی و قرآنی می باشد.

۵- تعلیق بر منهاج الصالحین در ۳ جلد (به زبان عربی)

۶- تعلیق بر عروه الوثقی در ۲ جلد (به زبان عربی)

۷- تعلیق بر وسیله النجاه (به زبان عربی)

۸- رساله در لباس مشکوک (به زبان عربی)

۹- رساله در قاعده لاضرر (به زبان عربی)

۱۰- الجبر و الاختیار (به زبان عربی)

۱۱- رساله در قرعه (به زبان عربی)

۱۲- مناسک الحج (به زبان عربی)

۱۳- المسائل المنتخبه (به زبان عربی)

۱۴- رساله در فروع العلم الاجمالی (به زبان عربی)

۱۵- الاجتهاد و التقلید (به زبان عربی)

۱۶- القواعد الثلاثه (به زبان

عربی)

۱۷- اللقاء الخاص (به زبان عربی)

۱۸- رساله توضیح المسائل (به زبان فارسی و اردو)

۱۹- تحقیقی در مورد جبر و اختیار (به زبان فارسی)

۲۰- نظام حکومت در اسلام (به زبان فارسی و ترکی و اردو)

۲۱- مناسک حج (به زبان فارسی)

۲۲- منتخب احکام (به زبان فارسی)

۲۳- استفتائات قوه قضائیه و مؤسسه حقوقیوکلای بین الملل(به زبان فارسی)

۲۴-احکام فقهی مسائل روز(به زبان فارسی)

۲۵- استفتائات (پرسش و پاسخ های مسائل شرعی) (به زبان فارسی): که تاکنون در ۴ جلد به صورت سئوال و جواب ارائه شده است.

۲۶- الف سئوال و جواب (به زبان عربی): شامل استفتائات و پاسخ های مسائل شرعی می باشد که در ۶ جلد تهیه شده است. هر جلد شامل ۱۰۰۰ سئوال و جواب است.

لازم به ذکر است ایشان رساله خود را پس از فوت آیت الله بروجردی در فروردین سال ۴۱، منتشر کردند.

جلد ۶

مشخصات کتاب

روحانی، محمدصادق، ۱۳۰۵

استفتائات: پرسش و پاسخ مسائل شرعی / از حضرت آیت الله العظمی سید محمدصادق روحانی. قم: مهر امیرالمؤمنین(علیه السلام)، ۱۳۸۸

ج.

۳۰۰۰۰ریال: (ج. ۶) ۵-۰۸۳-۱۵۹-۹۶۴-۹۷۸ :ISBN

فهرست نویسی براساس جلد ششم.

۱. فقه جعفری قرن ۱۴ پرسش ها و پاسخ ها. ۲. فقه جعفری رساله عملیه. ۳. فتواهای شیعه قرن ۱۴. الف. عنوان.

۵ الف ۹ ر / ۹ / ۱۸۳ BP ۳۴۲۲/۲۹۷

از مجموعه استفتائات حضرت آیه الله العظمی سید محمد صادق روحانی

جلد ۶

ناشر: ... انتشارات مهر امیر المؤمنین(علیه السلام)

چاپخانه: ... شریعت

نوبت و سال چاپ: ... اول - ۱۳۸۸

شمارگان: ... ۱۰۰۰

قیمت: ... ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۵-۰۸۳-۱۵۹-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش: قم، خیابان صفائیه کوچه شماره ۲۸ پلاک ۱۴۹

تلفن۷۷۴۶۵۴۶-۰۲۵۱ تلفکس ۷۸۳۸۰۵۳ همراه ۰۹۱۲۲۷۵۲۰۲۹

استفتائات ج ۶

فهرست مندرجات

اجتهاد و تقلید

س۱ : علما فرموده اند برای پرداخت رد مظالم اجازه مجتهد جامع شرائط کافی است، آیا هر مجتهد جامع شرائط کافی است یا باید به نظر پرداخت کننده اعلم باشد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، رجوع به اعلم لازم نیست; اجازه هر مجتهدی کافی است.

س۲ : اگر بعد از فوت مرجعی شک کنیم که اعلمیت او نسبت به مرجع زنده باقی است یا خیر، آیا استصحاب اعلمیت میت جاری می باشد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

استصحاب جاری می شود; ولی اثری ندارد و تقلید از میت جائز نیست.

س ۳ : آیا می توان در زمان تقلید از مرجع زنده در صورت تشخیص این که اعلم شخص دیگری است، از مرجع اول برگشت و از مرجع و مجتهد جدید تقلید نمود یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

با تشخیص اعلمیت دیگری باید از مرجع اول عدول کرد; چون تقلید اعلم، حدوثاً و بقائاً، واجب است.

س ۴ : آیا از مرجعی که ولایت فقیه را قبول ندارد، می توان تقلید کرد؟

باسمه جلت اسمائه

ولایت معانی متعدده دارد; اگر کسی آن معنای عالی را قبول ندارد که خیال نمی کنم در علماء شیعه کسی پیدا شود که ثبوت آن مرتبه را برای کسی غیر امام زمان ارواحنا فداه قائل بشود، بلی تقلید از او جائز است.

س ۵ : در مسائلی که حضرتعالی احتیاط واجب نموده اید، تکلیف چیست و به چه کسی رجوع کنیم نظر مبارک حضرتعالی چیست؟

باسمه

جلت اسمائه

در موارد احتیاط واجب یا باید به احتیاط عمل نمود، یا به اعلم علماء

عادل بعد از مرجع; و تشخیص او هم مانند مرجع، با تشخیص اهل خبره است.

س ۶ : اگر کسی به ما پول داد و گفت به فلان مرجع برسان و من می دانم که او اعلم نیست، آیا می توانم به اعلم برسانم؟

باسمه جلت اسمائه

اگر به عنوان آن که او اعلم است گفته است به او بـده، می توانیـد در صورت این که دیگری اعلم است به او بدهید; و الاّ اگر به نظر او خصوصیتی است که در دیگری نیست، نمی توانید بدهید.

س ۷ : آیا قانون حکومت اسلامی (حاکم شرع)، بر فتوای مجتهد، ارجح است؟

باسمه جلت اسمائه

قـانون حکومت اسـلامی معنی نـدارد که بـا فتوای مراجع تقلیـد و مجتهـدین تنافی داشـته باشـد; چون قانونی که از مجلس می گـذرد، بایـد ملاحظه شود در صورتی که مخالف شـرع باشـد، قانونیت نـدارد; و در روایات متعدده معصوم علیهم السـلام می فرماید: لا طاعه لمخلوق فی معصـیه الخالق، به هر حال، بدون اشـکال، در حکومت اسلامی هر حکمی خلاف حکم شرع جعل شود، لازم الاتباع نیست; حتی اگر قانون باشد.

س ۸ : شخصی مقلد مرجعی است که نماز خواندن با غسل مستحبی (مانند غسل جمعه) را جائز می داند. در وسط نماز متوجه می شود که مرجعش یک ساعت قبل از اذان فوت کرده بود و یقین دارد مرجعی که در حال حاضـر باید از او تقلید کند، نماز با غسل مستحبی را جائز نمی داند. تکلیفش چیست؟ آیا نمازش باطل است یا ادامه دهد؟

باسمه جلت اسمائه

ادامه دادن لازم نیست; بلکه اگر هم

ادامه دهد، باید آن نماز را پس از وضو گرفتن اعاده کند.

(ت) س ۹ : افرادی هستند که از هیچ کس تقلید نمی کنند (مرجع تقلید ندارند)؛ آیا اعمالشان از قبیل: نماز، روزه و... صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه بر طبق فتوای مجتهدی که باید از او تقلید کند باشد، صحیح است.

س ۱۰ : در انتخاب مرجع تقلید که یکی از راه های آن شیاع مفید علم است،

آیا منظور معروفیت در بین مردم است؟ و آیا می شود در این زمان از آن

پیروی کرد؟

باسمه جلت اسمائه

از هر کجا علم پیدا شود حجت است.

س ۱۱ : منظور از (فالاحوط لم یکن اقوی) و همچنین (الاحوط الاقوی) احتیاط واجب است یا فتوا؟

باسمه جلت اسمائه

به فتوا نزدیک تر است؛ به هر تقدیر، نمی شود رجوع به غیر نمود.

س ۱۲ : شخصی از مجتهدی تقلید می کرده و اکنون بدون رجوع به خبره یا دلیل، با مشاهدات خود احتمال می دهد مجتهد دیگر اعلم است، آیا می تواند با همین احتمال رجوع کند؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه تقلید از مجتهد از روی موازین شرعیه بوده، یعنی با شهادت اهل خبره به اعلمیت او از همه علماء، یقین پیدا کرده است و خود آن مقلد هم اهل خبره نیست و احتمال اعلمیت مجتهد ثانی از غیر از موازین شرعیه باشد و اطمینان هم به اعلمیت دومی ندارد، نمی تواند رجوع کند.

س ۱۳ : در مورد این که آیا مرجع تقلید می تواند زن باشد یا نمی تواند، تحقیقی بین نظریات فقها نموده ام، به فتاوای زیر دست یافته ام: ۱. مرد بودن شرط است ۲. مرد بودن شرط نیست ۳. بنابر

احتیاط واجب باید مرد باشد ۴. قول به تفصیل: یعنی در مسائل مربوط به زنان (مانند حیض، نفاس و...) اولی آن است که مرجع تقلیدشان زن باشد.

الف) خواهشمند است نظر خود را بفرمائید؟ ب) چنان چه دلیل خاصی رسیده است، اشاره بفرمایید.

باسمه جلت اسمائه

مرد بودن لازم است. دلیل آن این است که در مقامات نازله از مرجعیت مانند امام جماعت بودن و قضاوت نمودن، دلیل دال است بر عدم تصدی آن دو برای زنان; یعنی امام جماعت شدن زن برای مردان، و قضاوت بر آنان جائز نیست; به طریق اولی، مرجعیت نیز نباید به زن داده شود. و به علاوه، در روایات تصریح به مرد بودن شده است که حسنه ابی خدیجه، و مقبوله ابن طلحه از آن هاست.

س ۱۴ : در مسائل حکومتی و غیر حکومتی منظور از «حاکم شرع» چه کسی است؟

باسمه جلت اسمائه

حاکم شرع، مجتهد مطلق عادل است.

س ۱۵ : شخصی از مجتهدی (مثلا به نام زید) تقلید می کند و او را اعلم می داند. آیا جائز است از شخصیت و اعلمیت او برای دیگران صحبت کند و نظرات فقهی او را برای مردم بیان کند تا مردم را نسبت به او و نظراتش آشنا کند; از باب این که در شناساندن او به مردم احساس مسؤولیت و وظیفه می کند؟ ناگفته نماند کسی را اجبار و تحمیل نمی کند که از او تقلید نمایند; بلکه اگر هم نظرات فقهی او را بیان می کند، تذکر می دهد که این نظر، نظر زید است و اگر شما به این نتیجه نرسیدید که او اعلم است، باید از مجتهدی تقلید کنید که

او را اعلم می دانید.

باسمه جلت اسمائه

نه تنها جائز است بلکه حسن است; و در بعضی موارد مانند آن که شخصی او را اهل خبره بداند و از او سؤال کند، واجب است که بیان کند.

س ۱۶ : منظور از «اهل علم» در مسأله ۳ رساله توضیح المسائل چه کسی و یا چه کسانی هستند؟ (روحانی، طلبه، استاد دانشگاه و...)

باسمه جلت اسمائه

مراد فقیه است که معلومات فقهیه اش به حدی است که می تواند با دیدن نوشته ها یا صحبت های علمی، مقامات علمیه را تشخیص بدهد.

س ۱۷ : در چه صورتی شخص خبره حق دارد شهادت به اعلمیت یک مرجع تقلید بدهد؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت اطمینان، مانند سایر موارد شهادت.

س ۱۸ : اگر در مسئله فقهی نظر مرجع تقلید عوض شود، آیا از طرف مرجع تقلید اطلاع رسانی لازم است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، اطلاع دادن لازم است.

طهارت

س ۱۹ : حدیث وارد «الارض تطهر بعضها بعضاً» مراد چیست؟

باسمه جلت اسمائه

معانی متعدد ذکر شده است; به نظر، آن چه وحید بهبهانی(ره) فرموده بهتر است; و آن این که مراد از بعض دوم مبهم است; و مفاد آن این است که زمین بعضی اشیاء را پاک می کند.

س ۲۰ : آیا عصیر تمری (خرما) هنگامی که غلیان کند، حرام و نجس می شود; در حالی که از خرما هم شراب درست می کنند; چنان چه روایت در کافی آمده است؟

باسمه جلت اسمائه

عصیر خرما اگر مسکر شود، خوردن آن حرام است و نجس است; و اما با غلیان و جوش آمدن، نه نجس می شود نه حرام.

س ۲۱ : آیا ترشحات غساله طهارت در توالت چه با آب

قلیل مثل آفتابه باشد یا آب کر که از لوله است، باید شسته شود؟

باسمه جلت اسمائه

ترشحات غساله استنجاء اگر آب کر باشد، پاک است; و اگر با آب قلیل باشد، منجس نیست، ولی نجس است.

س ۲۲ : اگر چیز نجس را که باید دو بار بشوید، یک بار بشوید ولی مقدار آبی که یک بار می شوید بیشتر از مقدار آبی است که دو بار می شوید، آیا آن چیز پاک می شود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، پاک نمی شود.

س ۲۳ : چرا اگر آفتاب بر دیوار نجس بتابد، آن طرف آن پاک نمی شود اما اگر بر زمین بتابد، باطن زمین هم پاک می شود؟

باسمه جلت اسمائه

باطن زمین بواسطه تابیدن آفتاب به ظاهر آن با تحقق شرائط طاهر شدن پاک می شود; ولی پاک شدن آن طرف دیوار به تابیدن خورشید به این طرف، محل اشکال است. وجه فرق این است که باطن راهی به جز تابیدن به ظاهر ندارد، به خلاف دو طرف دیوار.

س ۲۴ : اگر مسلمانی مرتد به یکی از ادیان مسیحی یا یهودی شود، آیا باز هم حکم به طهارت او می شود یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

چون من یهودی و مسیحی را پاک می دانم، متدین شدن مرتد به یکی از آن دو را نیز موجب نجاست نمی دانم.

س ۲۵ : اگر انگوری را حبه نموده و در یک ظرف قرار بدهند مقداری آب و شکر به آن اضافه نمایند و به وسیله آتش بجوشانند به قصد این که مرباجات درست کنند، آیا آن را باید بجوشانند تا ثلث شود و یا احتیاج به ثلث شدن ندارد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه آب انگور

بیرون نیاید با جوشیدن نه حرام می شود نه نجس; و اگر بیرون بیاید و در آب و شکر مستحیل شود، حلال است و پاک; و اگر مستحیل نشود، باید بجوشانند تا ذهاب ثلث بشود; و مادامی که ثلث نشود حرام است; ولی ظاهراً مستحیل می شود.

س ۲۶ : بچه شیرخواری که شیر خشک یا پاستوریزه می خورد، اگر ادرارش روی فرش بریزد، آیا با یک مرتبه ریختن آب قلیل پاک می شود یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

بول شیرخواری که غذای او شیر مادر نیست بلکه شیر خشک یا پاستوریزه می خورد، حکم بول بزرگسالان را دارد; با یک مرتبه ریختن آب قلیل پاک نمی شود.

س ۲۷ : آیا با برف یا یخ می شود استنجاء کرد یا وضوء گرفت؟

باسمه جلت اسمائه

صدق غَسل به آب نمی کند، مجزی نیست.

س ۲۸ : مسح اسم پیامبران بدون طهارت چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت عدم اهانت اشکالی ندارد.

س ۲۹ : اگر موکت نجس را روی بندی آویزان کنیم و آب را بدون فشار روی آن بگیریم و آب به خودی خود جدا شود بدون این که فشار دهیم، آیا موکت پاک می شود؟ و آیا آبی که بعد از قطع آب کر می چکد، نجس است؟

باسمه جلت اسمائه

مجرد استیلاء آب بر موکت و جدا شدن آن موجب طهارت است، فشار لازم نیست.

س ۳۰ : شخصی که پیشانی او نجس است و امکان آب کشیدن نیست و وظیفه او تیمم است، آیا روی همان نجاست تیمم کند یا پارچه ای بگذارد و روی آن را مسح کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، روی همان نجس تیمم کند.

س ۳۱ : در مسأله

۱۴۶ رساله فرموده ایـد که اگر یکی از مهمان ها در بین غـذا خوردن بفهمـد غذا نجس است، لازم نیست به دیگران خبر دهد. آیا خود آن مهمان می توانـد از همان غـذا بخورد; چون در صورت نخوردن، امر مشـکوک می شود و بقیه علت نخوردن غذا را از او می پرسند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، خود او نمی تواند از آن غذا بخورد و مشکوک شدن دیگران یا فهمیدن آنان حرام نیست تا سبب جواز خوردن او بشود.

وضو

س ۳۲ : آیا استفاده از ژل های موی سر در کشیدن مسح اشکال دارد، با این توضیح که در تماس با آب حل می شود؟

باسمه جلت اسمائه

اگر مانع از رسیدن رطوبت دست به سر نباشد و آب دست هم مضاف نشود، اشکال ندارد.

س ۳۳ : آیا راه رفتن در وضو میان شستن دست ها و مسح سر اشکال دارد؟ هم چنین میان مسح سر و مسح پاها؟

باسمه جلت اسمائه

راه رفتن در وسط وضو هیچ اشکالی ندارد.

س ۳۴ : چندین سال به این صورت وضو می گرفتم: بعد از شستن صورت

و دست راست و چپ، دوباره دست راست را کامل می شسـتم و بعد دست چپ را کامل می شسـتم و بعد مسح سر و پا را می کشیدم، آیا چنین وضویی باطل

بوده است؟

باسمه جلت اسمائه

بزرگان از فقها در این وضو از ناحیه اسـتلزام مسح با آب جدید اشـکال کرده اند و من هم تبعیت نموده ام. بنابراین، این وضـو باطل است.

س ۳۵ : اگر انگشـت دوم کـه کنـار انگشت کوچـک قرار دارد را به مـوازات کعـبین مسـح بکشـیم، به طـوری که روی خـود برآمدگی تر نشود، چنین

مسحی صحیح است یا این که تر شدن برآمدگی پا موضوعیت دارد؟

باسمه جلت اسمائه

تر شدن برآمدگی روی پا موضوعیت ندارد.

س ۳۶ : اگر خانمی مسح پا را بر روی جوراب نازک شیشه ای بکشد که پا تر می شود، آیا کفایت می کند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، کفایت نمی کند.

س ۳۷ : خانمی که بعضی از ناخن های او حدود یک سانتیمتر بلند است، آیا هنگام تیمم واجب است سر انگشتان که زیر ناخن است را مسح کند؟

باسمه جلت اسمائه

واجب نیست.

(ابهام در ج) س ۳۸ : آیا تیمم بر گچ، سیمان، موزائیک، کاشی و آجر صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

سجده بر گچ و آهک پخته و آن چه اصلش از زمین است و از معادن نیست، مثل سنگ عقیق، جائز است.

س ۳۹ : نوعی ناخن مصنوعی آمده است که مثل ناخن طبیعی بعد از کاشتن رشد می کند، آیا با چنین ناخنی وضو اشکال دارد یا خیر؟ این وضو جبیره می شود یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

رشد ناخن اگر به واسطه آن است که جزء بدن انسان می شود، با وضو چنین ناخنی اشکال ندارد.

س ۴۰ : در وضو شستن دست و صورت سه مرتبه و بیش از آن حرام است، آیا مبطل وضو نیز هست؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، وضو باطل می شود؛ چون مسح با آب خارج از مأموربه باطل است.

س ۴۱ : مسح فرق سر را باید از فرق وسط سر کشید یا از میان سر هم می شود انجام داد، چون من دیده ام که بعضی ها از

میان سر مسح می کشند؟

باسمه جلت اسمائه

مسح سر را از وسط هم می توانید بکشید، لازم نیست از فرق

سر باشد.

س ۴۲ : شخصی طبق وظیفه خود وضو یا غسل جبیره ای انجام داده است، آیا بعد از برداشتن جبیره، باید وضو و غسل را اعاده کند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نباید وضو و غسل را اعاده کند; چون وضو جبیره رافع حدث است نه قبیح.

س ۴۳ : آیا در وضو مسح دو پا با هم جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، جائز است.

س ۴۴ : تیمم بر سنگ خیس جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بنا بر احتیاط لزومی تیمم بر سنگ خیس جائز نیست.

س ۴۵ : در مسح کردن پا اگر از روی شصت نکشد بلکه از روی انگشتان دیگر بکشد، آیا لازم است روی برآمدگی بیاید یا خیر، اگر موازی هم باشد کافی است؟

باسمه جلت اسمائه

موازی هم باشد، کافی است; ولی باید تا مفصل مسح کند.

س ۴۶ : کسی وضو گرفته دست چپ را کامل شسته، بعد هر دو دست کاملا با آب خارجی مخلوط می شود، اگر دست ها را خشک کند و از آب صورت آب بگیرد، می تواند مسح کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می تواند مسح کند.

س ۴۷ : کسی که دست ندارد چگونه تیمم می کند؟ (طریقه تیمم کردن).

باسمه جلت اسمائه

ج: کسی که هر دو دست او قطع شده است، بنا بر احتیاط لازم، باید جمع کند بین زدن دو زراع به زمین و مسح پیشانی به آن دو; و بین نائب گرفتن و با دست نائب مسح پیشانی نمودن و بین مسح پیشانی به زمین.

غسل

س ۴۸ : یقین داریم شخصی خمس نمی دهد، آیا می شود با آب حمام او غسل کرد؟ آیا می شود به ذمه بگیریم و غسل انجام دهیم و

بعد خودمان خمس آن را پرداخت کنیم؟

باسمه جلت اسمائه

غسل با آب حمام او اشکال ندارد; به ذمه گرفتن هم لازم نیست و تأثیر هم ندارد.

س ۴۹ : آیا بین ارتماس در آب حوض با آبی که از شیر بزرگی می آید، فرق است؟

باسمه جلت اسمائه

ارتماس بر رفتن زیر شیر بزرگ آب صدق نمی کند و قهراً فرق دارند.

س ۵۰ : اگر شخصی بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته، چنان چه از طرف چپ باشد، آیا شستن همان مقدار کفایت می کند؟ اگر شخص مذکور بعد از حدث و یا بعد از یک روز بفهمد مقداری از طرف چپ را نشسته و به سبب چیزی جرم دار آب نرسیده، آیا همان مقدار که مانده است را بشوید کفایت می کند یا دوباره غسل کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، همان مقدار که از طرف چپ باقیمانده بشوید به قصد غسل کافی است. بعد از حدث اصغر، و یا بعد از یک روز اگر بفهمد مقداری از طرف چپ شسته نشده است، همان مقدار را اگر بشوید برای صحت غسل کافی است; ولی برای نماز و سایر امور مربوط به طهارت باید وضو بگیرد.

س ۵۱ : در استحاضه کثیره که زن باید برای دو نماز یک غسل کند;

الف) اگر به هر دلیلی بخواهد نماز دوم را اعاده کند، آیا اعاده غسل لازم است؟

باسمه جلت اسمائه

لازم نیست.

ب) اگر مثلا در نماز مغرب شرط مبطل پیش آمد که باید نماز را رها کند و دوباره بخواند، مثل شک بین دو و سه، آیا برای اعاده نماز مغرب و یا خواندن نماز عشاء اعاده غسل لازم است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، لازم

نیست. اکتفاء به همان غسل برای نماز مغرب و عشاء می شود.

س ۵۲ : افرادی که به اعتقـاد پزشـک و اطرافیان، دچار بیماری وسواسـی هسـتند و برای انجام اعمالی چون غسل، و یا طهارت اعضا، مدت ها زیر دوش آب هسـتند و این اعمال باعث تشدید بیماری آنان شده است؛ و چه بسا در دراز مدت، انواع بیماری را بگیرنـد؛ آیـا این افراد می تواننـد به جـای غسـل در اول وقت تیمم نموده و عبـاداتی چون نماز، روزه و یا دخول مساجـد را انجام دهند؟ آیا تکرار غسل و یا طولانی شدن مدت در زیر دوش مجوز تبدیل غسل به تیمم می شود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، طولانی شدن مدت زیر دوش مجوز تبدیل غسل به تیمم نمی شود.

س ۵۳ : شخصـی در هنگام غسل کردن به این صورت غسل می کرده: اول سـر را می شسـته، بعد سمت راست گردن با سمت راست بدن و سـپس سـمت چپ گردن با سمت چپ بدن؛ با توجه به این که هنگامی که سر را می شسته، خود به خود آب به گردن می رسیده است ولی نیّت غسل دادن گردن را نداشته، آیا چنین غسلی صحیح بوده است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، صحیح نبوده است.

س ۵۴ : خانمی با آب سرد نمی تواند غسل کند؛ و بعد از پاک شدن از خون حیض به خاطر حساس بودن بدنش به آب گرم و ولرم، که اگر غسل کند، دوباره خون می بیند (آب برای او ضرر بدنی ندارد) آیا می تواند با تیمم نماز بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، باید غسل کند و خونی که دوباره می بیند، نه حیض است نه استحاضه؛

نظیر خون قرح و جرح است.

س ۵۵ : آیا در غسل هم مثل وضو جریان آب بر روی پوست شرط است؟ یا این که اگر دستمال را تر کنیم به گونه ای که فقط پوست بدن تر شود، برای غسل کفایت می کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، در غسل جریان آب بر روی پوست لازم است.

س ۵۶ : اگر بعضی از اعضای وضو یا غسل را گچ گرفته باشیم، ولی می توان روی آن دست تر کشید; در عین حال می خواهیم پارچه ای یا پلاستیکی روی آن بکشیم و روی آن را مسح کنیم، آیا این کار جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، کشیدن پارچه یا پلاستیک و مسح کردن روی آن جائز است.

س ۵۷ : زنی که غسل واجب به عهده اش است و در خانه امکان غسل ندارد، شوهر هم راضی نیست (اجازه نمی دهد) برای غسل بیرون برود، آیا می تواند بدون رضایت شوهر بیرون برود و غسل کند یا باید تیمم کند و نماز بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

باید تیمم کند و نماز بخواند.

س ۵۸ : شخصی می داند که به نیت غسل شروع به غسل کرده است، ولی بعد از این که از حمام خارج می شود، شک می کند آیا غسل را به اتمام رسانده است یا خیر؟ (با فرض عدم وسواسی بودن این شخص) آیا قاعده فراغ اینجا جاری می شود؟

باسمه جلت اسمائه

قاعده فراغ در این مورد جاری است.

غسل میت

س ۵۹ : کسی که در اثر تصادف با ماشین سرش از بین رفته است اما دست دارد، آیا می شود او را تیمم داد; و اگر یک دست باشد آیا می شود او

را تیمم داد یا خیر; چون بقیه بدنش خُرد شده است؟ اگر چنان چه بعد از چند روز، از استخوان هایش پیدا شد، می شود استخوان هایش را غسل داد، قبرش را نبش کرد و پهلوی بدنش دفن کرد؟

باسمه جلت اسمائه

با نبودن پیشانی تیمم معنی ندارد; ولی اگر بقیه بدن یا معظم آن باشد، باید غسل داده شود.

س ۶۰ : میتی که در اثر آتش سوزی فقط استخوان های سینه او مانده است، اگر بخواهیم او را غسل بدهیم بعضی از استخوان های سینه شکسته می شود، آیا در این فرض غسل دادن واجب است و آیا به عهده شخص غسل دهنده دیه می آید یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

اگر غسل جبیره امکان داشته باشد، باید غسل جبیره بدهد.

س ۶۱ : در صورتی که امکان نداشته باشد میت را به صورت معمول غسل داد، آیا غسل جبیره ای برای میت جایز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، غسل جبیره جائز و لازم است.

س ۶۲ : اگر میت را با نبودن آب یا عذر، تیمم بدل از غسل کردند و شخص حی او را مس کند، بعد از سرد شدن، آیا غسل مس میّت دارد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، غسل مس میّت ندارد.

س ۶۳ : آیا با کمک دستگاه و به صورت اتوماتیک، می توان میت را غسل داد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

اگر بقاءاً تحت اختیار غاسل است مانعی ندارد.

س ۶۴ : شخصی میّت را نیمه کاره غسل می دهد، شخص دوم بقیه غسل را انجام می دهد; ولی شخص اول هنوز دستش تر است، میّت را برمی دارد و کفن می کند; آیا در این صورت اشکال دارد یا

نه؟ آیا باید میت را دوباره غسل داد و یا فقط بدن را باید آب کشید؟

باسمه جلت اسمائه

دوباره غسل دادن لازم نیست; ولی دست نفر اول که با رطوبت به بدن میت قبل از غسل دادن زده است و آب نکشیده نجس است. اگر با دست تر که از بدن میت است دو مرتبه بعد از تمام شدن غسل به آن بزنند، باید بدن میت را آب کشید; و اگر دست خشک شده و به بدن میت زده است، آب کشیدن لازم نیست.

س ۶۵ : اگر میت را از روی لباس غسل بدهد و غسل دهنده مطمئن است که به بشره میت مس نشده است، آیا بعد از این که غسل داد، غسل مس میت برای غسل دهنده واجب می شود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر; غسل مس میت لازم نیست.

غسل جنابت

س ۶۶ : کسی که جنب شده است و هنگام سحر بیدار می شود و وقت برای غسل کردن ندارد، از طرفی دیگر با علم به این که در مجرا منی باقی مانده، اگر بخواهد بول کند وقت می گذرد و برای تیمم دیگر وقت ندارد، لذا با تیمم وارد صبح می شود و بعد از اذان بول می کند و منی نیز خارج می شود; حکم نماز و روزه او چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

بول بعد از صبح با علم به خروج منی به روزه و نماز ضرر نمی زند.

س ۶۷ : شخصی غسل جنابت در ذمه داشت و با نیت صددرصد غسل جنابت وارد حمام شده ولکن عندالغسل نیت جنابت از ذهنش محو شده، نیت غسل زیارت امام رضا(ع) را کرده، چون قصد تشرف حرم هم

داشت، آیا غسل زیارت با این کیفیت، غسل جنابت را بر می دارد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

بله غسل مستحبی رافع جنابت می باشد.

س ۶۸ : آیا یک غسل جنابت برای چند بار جنب شدن کافی است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، یک غسل کافی است.

حیض و نفاس

س ۶۹ : خانم مضطربه ای که پنج روز اول خون دیدنش تمام صفات را دارد ولی شش روز بعدی تنها قرمزست و دیگر نشانه ها را ندارد، تکلیفش برای تعیین استحاضه چیست؟

باسمه جلت اسمائه

پنج روز اول حیض، شش روز بعد استحاضه است.

س ۷۰ : در تحفظ، گذاشتن پنبه در دهانه رحم کافی است یا حتماً باید در مجرا قرار داده شود؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً گذاشتن پنبه در دهانه رحم کافی است.

س ۷۱ : خانمی حائض که هفت روز خون دیده است و هشتم و نهم لکه های قهوه ای می دیده که قاعدتاً باید حیض باشد، ولی به خاطر جهل (قصوری) به مسئله روز هفتم غسل می کرده است و بعد از آن نماز و روزه را انجام می داده است، آیا با توجه به این که تعمد در بقای بر حیض نداشته بود، می توان گفت روز دهم به بعد روزه ایشان صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

غسل روز هفتم باطل بوده; و چنان چه روز دهم غسل حیض دوباره انجام داده باشد، صحیح است.

س ۷۲ : خانمی که در مسجد معتکف شده است لکه های خونی می بیند و ایام عادت او نیز نمی باشد، اما از پاکی آخر او ده روز گذشته است، آیا بر او واجب است از مسجد خارج شود یا این که از شرایط حیض استمرار سه روز است

می تواند در مسجد بماند تا یقین کند؟ (جواب سؤال را در دو فرض اعتکاف نذری و مستحبی بیان فرمایید)

باسمه جلت اسمائه

خونی که زن بعد از گذشتن ده روز پاکی می بیند، چنان چه صفات حیض دارد محکوم به حیض است ولو سه روز نگذشته باشد ولی اگر تا سه روز ادامه پیدا نکرد، احکام استحاضه بر آن مترتب می شود.

س ۷۳ : خانم مضطربه ای که پنج روز خون قرمز و هفت روز قهوه ای می بیند، تکلیف او برای تعیین استحاضه چیست؟

باسمه جلت اسمائه

چنین مضطربه ای باید رجوع به عادت اقوامش بنماید، چنان چه در ایام عادت اتفاق دارند یا اقلا علم به مخالفت ندارد، ایام عادت بستگان را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

س ۷۴ : خانمی که می خواهد عادت پیدا کند، در روز اول ماه ساعت ۷ صبح حیض می شود و در روز اول ماه دیگر، بعد از ظهر حیض می شود، آیا چنین خانمی صاحب عادت وقتیه می شود یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می شود; اما میزان ساعت واحد دو دفعه نیست; بلکه روز میزان است.

س ۷۵ : خانم برای مستحاضه ای اختیارش به این صورت بوده که از نوار بهداشتی استفاده می کرده و پنبه را داخل دهانه رحم نمی گذاشته، لذا شک دارد که استحاضه او از چه نوع بوده است و مدتی به این حال نماز خوانده است، وظیفه او چیست؟

باسمه جلت اسمائه

اگر نمی داند آن چه از وظائف مستحاضه برای شرط صحت نماز است، انجام داده یا نه، باید آن نمازها را قضا کند.

س ۷۶ : خانمی که وقت عادت او مشخص نیست

و عـدد عادتش ده روز است، سه روز اول اتصال دارد و روز چهارم به بعد صـفات غالبی حیض پیدا می کند و خون او سـیزده روز طول کشیده، سه روز اول را استحاضه قرار دهد یا سه روز آخر را؟

باسمه جلت اسمائه

سه روز آخر را باید استحاضه قرار دهد.

س ۷۷ : خانمی سوم ماه خون می بیند تا هشتم ماه و بعد از بیست روز دوباره هفت روز خون می بیند و بعد دوباره بیست روز پـاک می باشـد و هفت روز دیگر خون می بینـد، یعنی مـدت پاکی به هم نمی خورد، آیا این خانم را می توان صاحب عادت وقتیه به شمار آورد؟

باسمه جلت اسمائه

این خانم، هم صاحب عادت عددیه است و هم صاحب عادت وقتیه.

س ۷۸ : خانمی مستحاضه کثیره است، در سـحر خود را پاک می بیند و برای نماز شب غسل می کند و پاکی او ادامه پیدا می کند، آیا واجب است برای نماز صبح غسل کند؟

باسمه جلت اسمائه

غسل برای نماز صبح در این صورت لازم نیست.

س ۷۹ : زنی صـاحب عـادت وقتیه است، اگر ترشـح خونی زرد رنـگ و کـدر می بینـد و شک در خون بودنش دارد، آیا می تواند خود را حائض بداند؟

باسمه جلت اسمائه

در ایام عادت خون زرد هم مانند خون قرمز علامت حیض است.

س ۸۰ : خانمی چهار روز خون حیض دیده است، بعد از چهار روز به مدت دو روز لکه های سـفید که قطعاً خون نیست دیده است و بعد از دو روز به مدت دو روز دیگر لکه های زرد رنگ می بیند که شک در خون بودن آن

دارد. آیا به خاطر این که سابقاً لکه های سفید دیده است، استصحاب طهارت لکه های زرد رنگ می شود یا خیر؟ (و بقیه آن پاک است) یا این که بنا بر قاعده امکان بنا را بر حیض بگذارد؟ آیا این خون حیض محسوب می شود یا استحاضه یا غیر این مورد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر لکه های زرد رنگ قبل از ده روز ببیند همان گونه که سؤال شده تمام آن هشت روز همه اش محکوم به حیض بودن است، حتی آن دو روز که لکه های سفید دیده است.

س ۸۱ : اگر خانمی بعد از شصت سالگی خون ببیند که تمام شرایط حیض را دارد آیا برای ازدواج نیاز به عده دارد؟ آیا این خون حیض محسوب می شود، یا استحاضه و یا غیر این مورد؟

باسمه جلت اسمائه

خون بعد از شصت سالگی حیض نیست و برای ازدواج هم نیازی به عده نیست، چون عده ندارد.

س ۸۲ : آیا زن در حال حیض می تواند غسل مستحبی یا به نذر انجام بدهد؟

باسمه جلت اسمائه

زن در حال حیض تمام غسل های واجب و مستحب را می تواند انجام دهد و آثار آن ها هم مترتب می شود؛ فقط حدث حیض با غسل مرتفع نمی شود مادامی که حیض باقی است.

س ۸۳ : س.آیا حیض از موانع احصان است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، از موانع احصان نیست.

س ۸۴ : زنی که برای پیشگیری از حیض قرص خورده، حکم لکه های خونی که در ایام عادت می بیند چیست؟

باسمه جلت اسمائه

احکام حیض را دارد.

س ۸۵ : در ترشحات زرد رنگی که یقین به عدم خون وجود دارد (وقتی در ادامه عادت

یا پاکی پس از عادت در ظرف ده روز دیده می شود) چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خون استحاضه به حسب غالب زرد رنگ است بنابراین زرد بودن ترشحات نه تنها مانع جریان احکام استحاضه نیست بلکه مؤید آن است.

س ۸۶ : خانم صاحب عادت عددیه ای که در این ماه با لکه بینی های منقطع مواجه گشته و بعد از سه روز خون را با شرایط تحقق حیض (استمرار و توالی) تا ده روز بعد دیده، آیا حکم تجاوز از عشره بر موضوع منطبق است؟ با فرض این که عدد این خانم شش روز بوده است؟

باسمه جلت اسمائه

سه روز اول حیض نبوده است، ده روز بعد حیض است.

س ۸۷ : لکه ها و ترشحاتی که خانم در ابتدای ماه می بیند و شک دارد خون است یا فضلات دیگر، چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

این خانم حکمش حکم غیر حائض و غیر مستحاضه است.

س ۸۸ : زنی حامله است به بچه ای سه ماهه که در شکم مرده است و نمی شود او را کورتاژ کرد و پزشکان گفته اند باید با حال طبیعی خارج شود اما جفت بچه را (آن چه محل اتصال بچه به رحم مادر است برای تغذیه) را قطعه قطعه کرده اند و خارج نموده اند خونی که همراه آن خارج می شود چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

حکم آن حکم خونی است که مردد است بین حیض و جراحت; چنان چه از سمت چپ خارج شود، حیض است; و الا حیض نیست.

س ۸۹ : زنی حائض، شب پاک شده و حمام رفته، در روز ماه رمضان در حال روزه شک دارد آیا

غسل انجام داده است یا خیر؟ حکم نماز و روزه او چیست؟

باسمه جلت اسمائه

نماز و روزه او صحیح است بنا به قاعده الفراغ; ولی برای اعمال بعد باید غسل کند.

س ۹۰ : فتوای مشهور درباره حائض آن است که استمرار دم در ثلاثه ایام شرط تحقق حیض است مگر فترات یسیره که به وحدت عرفی ضرر نرساند و متعارف بین نساء یا بعض نساء هست حسب تعبیر عروه الوثقی مقصود از فترات یسیره چه مقدار است؟ آیا شامل یک ساعت یا بیش تر می شود یا نه؟ لطفاً تحدید زمانی فترات یسیره را بیان فرمائید.

باسمه جلت اسمائه

بلی شامل یک ساعت در هر روز یا مختصری بیش تر می شود.

س ۹۱ : اگر شک کردیم که فتره مزبوره مضر به وحدت و استمرار دم هست یا نه، وظیفه زن چیست؟

باسمه جلت اسمائه

وظیفه زن به حکم استحباب عمل به وظائف حائض است.

س ۹۲ : آیا برای خانم حائض دائم الوضو بودن مستحب است؟

باسمه جلت اسمائه

دلیلی بر این حکم نیست; چون آن چه روایات دلالت می کند بر آن استحباب وضوء الصلاه عند وقت کل صلاه است; و زائد بر این دلیلی نیست.

احکام نماز

س ۹۳ : دانشجویی که در هفته یک یا دو بار مسافت شرعی را طی می کند، مثلا پنج روز در شهری برای تحصیل سکونت دارد و دو روز آخر هفته را به شهر خود باز می گردد، آیا حکم دائم السفر را دارد؟

باسمه جلت اسمائه

نسبت به این گونه افراد من احتیاط لزومی می کنم;در این مسأله می توانند به غیر رجوع کنند.

س ۹۴ : شخصی مسجدی را بنا کرد و تنها کاشی

کـاری باقی بود. مردم، آن مسـجد را مـدت بیش از بیست سال در اختیار داشـته و امام جماعتی را در این بیست سال برای ایام رمضان، محرم و صفر قرار داده و اقامه نماز جماعت داشته اند. بانی مسجد جهت یک سری تعمیرات و کاشی کاری مسجد را گرفته و همه تعمیرات را انجام داده است و ایام محرم مردم جمع شده در این ایام، ده روز عاشورا عزاداری کرده اند، ولی بانی مسـجد ورود بعضـی از مؤمنین را منع می کنـد که فلاـن و فلان حق ورود به مسـجد را نـدارد و هزینه عزاداری به عهـده مردم است; و در این زمینه، بانی مسـجد قدمی برنمی دارد; آیا مردم می توانند در این مسـجد نماز بخوانند و روحانی دعوت کنند؟ آیا روحانی بـدون اجازه بانی مسـجد می توانـد اقامه نماز کند که مدت دو سال است ایام ماه رمضان و محرم مسـجد خالی از روحـانی و مردم می شود و امسـال هم بـاز بـانی کلیـد مسـجد را گرفته و حضور مردم را محـدود کرده است. حکم این مسـأله چیست؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهر سؤال این است که در موقع وقف مسـجد، شـرطی نکرده است; بنابراین، حال نه حق دارد جلوی خواندن نماز مردم را در این

مسجد بگیرد، و نه بگوید روحانی بیاید یا جماعت منعقد بکنند.

خلاصه، در آن چه سؤال کرده اید، همه آن ها بدون اجازه بانی

جائز است.

س ۹۵ : آیا محل تحصیل وطن محسوب می شود؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که چند سالی بنا داشته باشند برای ادامه زندگی در آنجا بمانند، بلی، در حکم وطن است.

س ۹۶ : گذاشتن موی مصنوعی

که از جنس ابریشم خالص است برای مرد چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اشکالی ندارد چون لباس از حریر برای مرد جائز نیست و نماز در آن باطل است، مطلق استعمال آن حرام نیست.

س ۹۷ : اگر الفاظ نماز میّت را سهواً یا عمداً غلط بخواند، آیا باید آن را تکرار کند؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه مسمای دعای صحیح باشد، کافی است; ولو بقیه را غلط بخواند.

س ۹۸ : مسجدی که فقط جمعه ها در آن نماز جمعه اقامه می شود، آیا حکم مسجد جامع پیدا می کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، حکم مسجد جامع را دارد.

س ۹۹ : آیا با توجه به اضطرار و عدم ظرفیت مساجد شهر می توان در مصلای شهر که محل اقامه نماز جمعه است، اعتکاف را برگزار نمود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی شود.

س ۱۰۰ : آیا گفتن «علیّاً ولی الله» در اذان و تشهد واجب است؟

باسمه جلت اسمائه

در این که گفتن «أشهد أن علیاً امیرالمؤمنین و ولی الله» در اذان و اقامه مأموربه است، جای شبهه نیست و نیز از شعائر تشیع است; و اگر کسی حکم به وجوب بنماید، من اعتراضی به او ندارم; ولی این که خودم صریحاً فتوا به وجوب بدهم، هنوز دلیل محکمی بر آن پیدا نکرده ام.

س ۱۰۱ : این که در ثلاثه بعد از سلام نماز، سر را به سمت راست و چپ برمی گردانند، آیا مستند روایی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، روایات مختلفه دارد; برای مأموم بهتر است یک سلام به طرف راست و یک سلام به طرف چپ و بر امام و منفرد بهتر

است یک سلام به طرف راست و روایات مختلفه دیگری هم هست.

به هر تقدیر، باید انحراف به نحوی باشد که منافی با استقبال معتبر در نماز نباشد.

س ۱۰۲ : شخصی در مسافرت است و نماز مغرب و عشاء خود را در مسافرت نمی خواند. در فرض عمداً و سهواً اگر ساعت یک بعد از نیمه شب به منزل برسد، نماز عشاء را کامل بخواند یا شکسته؟

باسمه جلت اسمائه

در فرض عمد باید به عنوان قضاء شکسته بخواند; و در صورت سهو و معذور بودن، باید به عنوان اداء تمام بخواند.

س ۱۰۳ : خانه ای را سال گذشته به اجاره باطل، اجاره کردیم; مثلا فقط قرض الحسنه داده ایم بدون هیچ اجاره ای. حالا بعد از یک سال فهمیده ایم که این اجاره باطل بوده است; حکم نمازهایی که آن جا خوانده شده چیست؟

باسمه جلت اسمائه

اگر صاحب خانه راضی بوده است به نمازهائی که در آن خانه می خوانید، همان رضایت برای صحت نمازها کافی است.

س ۱۰۴ : آیا نمازگزار در حال نماز می تواند تلفن یا موبایل را خاموش کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می تواند; این گونه افعال به نماز لطمه نمی زند.

س ۱۰۵ : بنده یقین دارم دائم السفر نیستم و نمازم قصر(شکسته) است; چون شرط دائم السفر این است که در خانه نماند و همیشه در سفر باشد. اما من هر هفته یک مرتبه برای تبلیغ به شش فرسخی مسافرت می رفتم و شب را در آن جا می ماندم و صبح همان شب بر می گشتم; نمازم را نیز همیشه قصر می خواندم. حدود یک سال همین طور بودم و برای تبلیغ مسافرت می کردم. آیا نماز بنده قصر بوده یا باید تمام می خواندم؟

باسمه

جلت اسمائه

البته دائم السفر میزان صلاه تمام نیست; میزان، «شغله السفر أو شغله فی السفر» است و این دو عنوان هیچ کدام بر شما صدق نمی کند. بنابراین، همان گونه که قصر می خواندید، باید قصر بخوانید نه تمام.

س ۱۰۶ : مردی فوت می کند و فرزندی ندارد ولی خانمش به پسری حامله است، آیا بعد از به دنیا آمدن، باید قضای نمازهای پدر را بجا آورد یا به عهده او نمی باشد؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً به عهده او می باشد; چون اولی به میراث او است.

س ۱۰۷ : در مورد نماز ظهر جمعه مستحب است حمد و سوره را بلند بخوانند. آیا این استحباب در مورد قضای نماز ظهر جمعه هم وارد شده است؟

باسمه جلت اسمائه

به حکم «إقضِ مافات کما فات»، بلی بلند خواندن مستحب است.

س ۱۰۸ : اگر کسی به امام جمعه به نیت نماز جمعه اقتدا کند، بعد متوجه شود نماز عصر می خواند، آیا می تواند نیت را از جمعه به ظهر برگرداند؟

باسمه جلت اسمائه

می تواند آن را باطل کند و نماز خود را بخواند; چون به آن نماز به هر حال نمی تواند اکتفا کند.

س ۱۰۹ : کسی که جهت یک ماه نماز استیجاری اجیر می شود، چند روز نماز بخواند؟ (با توجه به این که ۶ ماه اوّل سال شمسی ۳۱ روز، ۵ ماه دوم ۳۰ روز و ماه آخر ۲۹ روز است.)

باسمه جلت اسمائه

میزان ماه قمری است و احتیاط نسبی زود خواندن است.

س ۱۱۰ : کسی در نماز شک بین سه و چهار کرده و وظیفه او یک رکعت نماز احتیاط است; اگر اصل نماز را اعاده کند، آیا

کفایت می کند؟

باسمه جلت اسمائه

تا مادامی که جائز است یک رکعت احتیاط را بخواند، وظیفه او مبدل شده است؛ خواندن اصل نماز مجدداً صحیح نیست؛ چون امر ندارد.

س ۱۱۱ : زنی خانه دار می باشم که می خواهم نماز مستحبی بخوانم، آیا می توانم در حین راه رفتن و انجام کارهای خانه نماز بخوانم یا این که چون خانه است و مستقر می باشم، باید رو به قبله باشد؟ آیا بعد از وضو گرفتن تا آمدن به سر سجاده می توانم مشغول نماز مستحبی شوم؟

باسمه جلت اسمائه

در حال استقرار، رعایت استقبال بشود؛ و در حال راه رفتن استقبال لازم نیست.

س ۱۱۲ : در اماکن عمومی مثل پارک ها، کوهستان و... در صورت عدم دسترسی به روحانی، اقتدا به غیر روحانی در صورتی که واجد شرائط امام جماعت باشد، چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

به عنوان اولی هیچ اشکالی ندارد و صحیح است.

س ۱۱۳ : شخصی معلول است و قادر به ایستادن نیست؛ در مورد نماز احتیاط که شخص قادر مخیر بین ایستادن و نشستن است، وظیفه او چیست، آیا او هم مخیر بین یک رکعت و دو رکعت است؛ یا متعین است دو رکعت بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

یک رکعت کافی است.

س ۱۱۴ : اگر در سجده متوجه شویم حائلی (مثل چادر یا کلاه و...) بین پیشانی و مهر واقع شده است و امکان کشیدن آن وجود نداشته باشد و فقط با بلند کردن سر می توانیم سجده اصلی را انجام دهیم، آیا اعاده سجده و نماز واجب است؟

باسمه جلت اسمائه

اعاده سجده لازم است و اعاده نماز لازم نیست.

س ۱۱۵ : در هنگام نماز زنگ درب خانه زده

می شود و شخص نمازگزار در فاصله دو سه قدمی اف اف (درب بازکن) قرار دارد، آیا جائز است قرائت را قطع کند و درب را باز کند و به جای خود برگردد و نمازش را ادامه دهد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی جائز است و نماز باطل نمی شود.

س ۱۱۶ : کسی که در رکعت دوم امام اقتدا می کند و بعد از سجدتین به حالت تجافی می نشیند، آیا واجب است تشهد یا ذکری بگوید؟

باسمه جلت اسمائه

احوط اختیار تشهد است.

س ۱۱۷ : اگر کسی بین دو و چهار شک کرد، بعد در دو رکعت احتیاط، شک او منقلب به سه و چهار شد، آیا این جا یک رکعت احتیاط بخواند یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

عمل به وظیفه ای که نسبت به شک دوم دارد، واجب است.

س ۱۱۸ : دیده شده است که بعضی از مؤمنین در نماز مستحبی بعضی واجبات را رعایت نمی کنند، مثلا در سجده سر را به مقدار ده سانتیمتر بلند می کنند و دوباره سجده دوم را انجام می دهند آیا چنین نماز مستحبی صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، صحیح نیست.

س ۱۱۹ : اگر شخصی مرتبه دوم تسبیحات اربعه را به قصد ورود بگوید و نمی خواهد تسبیح سوم را بگوید، آیا اشکال دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خالی از اشکال نیست.

س ۱۲۰ : در هنگام خواندن قنوت نماز شک می کنیم که این قضای نماز صبح است یا قضای عصر، وظیفه چیست؟

باسمه جلت اسمائه

نمی تواند که به عنوان صبح یا عصر تمام کند; و نمی تواند اگر تا حال به نیت دیگری است عدول کند به آن چه فعلا قصد می کند; به هر حال، ظاهراً

می تواند نماز را باطل کند.

س ۱۲۱ : اگر شخص در مکان های تخییر نصف بدن او داخل آن مکان و نصف دیگر خارج باشد، نماز را شکسته یا تمام بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

باید شکسته بخواند; تمام خواندن کافی نیست.

س ۱۲۲ : در عصر ما می دانید پرچم های عزاداری عکس های امام حسین(ع) و ابوالفضل و یا تنها دست های قلم شده ای از ابوالفضل را در مساجد نصب می کنند، آیا نماز خواندن در این مساجد درست است یا باید از مسجد خارج کنند؟

باسمه جلت اسمائه

نماز خواندن در آن مساجد صحیح است.

س ۱۲۳ : اگر کسی بعد از نماز عصر بفهمد نماز ظهرش باطل بوده است، آیا یک نماز چهار رکعتی به نیت ما فی الذمه کفایت می کند یا خواندن نماز ظهر کافی است؟

باسمه جلت اسمائه

یک نماز چهار رکعتی به نیت ما فی الذمه کافی است; بلکه مقتضای احتیاط همین است. روایت صحیحه دلالت دارد بر این که می تواند آن را که خوانده است، ظهر قرار دهد و نماز را به نیت عصر بخواند; ولی چون اصحاب عمل به آن نکرده اند، خلاف احتیاط است.

س ۱۲۴ : اگر کسی وسط نماز خلط سینه را به دهان بیاورد و عمداً فرو دهد، آیا موجب بطلان نمازش می شود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، فرو دادن خلط سینه موجب بطلان نماز نمی شود.

س ۱۲۵ : مستحب است بعد از پایان حمد، مأمومین الحمدلله بگویند، اگر وقتی امام بسم الله را گفت مأمومین متوجه پایان حمد می شوند، باز هم استحباب گفتن الحمدلله باقی است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، جائز است.

س ۱۲۶ : شخصی به هنگام نماز در حالت

ایستاده دچار خروج باد می شود که باید احکام مسلوس را عمل کند; ولی اگر نشسته نماز بخواند دچار این مشکل نمی شود; آیا می تواند نشسته نماز بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، باید نشسته بخواند.

س ۱۲۷ : در صلوات بعد از تشهد آیا گفتن «وعجل فرجهم» صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

در تشهد نماز اگر به قصد جزئیت گفته شود، جائز نیست; و اگر به قصد دعا باشد، جائز است.

س ۱۲۸ : آیا واجب است در شهرهای مدینه و مکه نماز را با برادران سنی بدون در نظر گرفتن ثواب آن به جماعت خواند، فقط ملاک اسلام باشد نه چیز دیگر؟

باسمه جلت اسمائه

واجب نیست و مستحب است; و لکن باید خودتان به صورت فرادا نماز را اعاده کنید و اکتفاء به آن نماز جماعت نکنید.

س ۱۲۹ : اگر نمازگزاری در نماز، دچار یکی از شک های صحیح شد، نماز را قطع کرد و از اول شروع به نماز کرد، آیا گناه کرده و آیا نماز او صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

نماز صحیح است; ولی به قطع نماز گناه نموده است.

س ۱۳۰ : اگر مکلّف قبل از رکوع رکعت دوم، شک کند حمد و سوره را نخوانده یا قنوت را نگفته است، آیا باید دوباره بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

چون شک در قرائت حمد و سوره دارد، باید آن ها را بخواند به واسطه آن که شک در محل است.

س ۱۳۱ : آیا اذکار مستحبه در نماز را می توان به زبان غیر عربی گفت؟

باسمه جلت اسمائه

خیر نمی شود.

س ۱۳۲ : آیا از یک رکعت احتیاط، می توان عدول کرد و نماز تمام را احتیاطاً اعاده کند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر نمی

شود؛ و اگر نماز را بشکند و تمام نماز را اعاده کند، خلاف شرع است.

س ۱۳۳ : اگر شخصی به گمان این که طی مسافت کرده، نماز را شکسته خواند؛ بعد معلوم شد که طی مسافت نشده است، آیا باید اعاده کند چه در وقت یا خارج وقت؟

باسمه جلت اسمائه

باید نماز را چه در وقت و چه در خارج وقت اعاده کند.

س ۱۳۴ : نماز خواندن برای کسی که روحانی نیست، با عبا و عمامه چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

فی نفسه اشکال ندارد.

س ۱۳۵ : کسانی که شغلشان هم در سفر و هم در حضر است، تکلیف نمازشان چیست؟ اگر چنان چه در سفر باید نمازشان را تمام بخوانند، تکلیف اشخاص مذکور در بین راه چیست؟

باسمه جلت اسمائه

در سفر نماز تمام است؛ و در بین راه هم چون سفر شغلی است، باید نمازش را تمام بخواند.

س ۱۳۶ : اگر کسی چند سال در ملک غصبی سکونت کند املاکی که زمین شهری از مردم گرفته و به دیگران می فروشد و بعد از چند سال از صاحب زمین حلیّت بگیرد، عبادات چند ساله وی اعم از نماز و روزه چه صورتی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

روزه اشکالی ندارد و نماز، اگر احراز رضایت آن وقت مالك بنماید صحیح است؛ و الا باید قضاء کند و رضایتِ بعد، موجب تصحیح نماز نیست.

س ۱۳۷ : اگر کسی غفلتاً با این که هنوز سوره را تمام نکرده به رکوع رفت و در رکوع سوره را تمام کرد، آیا نمازش صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، نماز باطل نمی شود.

س ۱۳۸ : کسی که قبول می کند (اجیر می شود) نماز کسی

را که از دنیا رفته بخواند، با چه شرایطی باید آن را بخواند؟ مثلا اقامه بگوید یا نه، برای هر نماز نیّت را تکرار کند و اگر اقامه را فراموش کرد، آن نماز را تکرار کند؟

باسمه جلت اسمائه

نمازی که اجیر می خواند مثل همان نمازی است که خود انسان می خواند، فراموش کردن اقامه موجب اعاده نماز نمی شود.

س ۱۳۹ : شخصی خانه جدیدی می خرد. در ابتدای امر برای یافتن قبله، از یکی از همسایه ها جهت قبله را می پرسد و به آن جهت سال ها نماز می خواند، اما بعدها با گذاشتن قبله نما، اطمینان پیدا می کند جهتی را که به طرف آن سال ها نماز می خوانده اشتباه بوده است; با توجه به این که این فرد از راه های معتبرِ مذکور در رساله برای یافتن قبله در ابتدای امر استفاده نکرده، آیا باید نمازهایی را که در این سال ها خوانده است اعاده نماید؟

باسمه جلت اسمائه

چون اطمینان پیدا کرده بوده است، چنان چه نمازها ما بین شرق و مغرب بوده است، نمازها همه صحیح است; قضا و اعاده لازم نیست.

س ۱۴۰ : با توجه به این که برای فرد نمازگزاری که سال ها در یک خانه ساکن است فرصت هایی پیش می آید تا بتواند با سؤال از بعضی از میهمان های اهل فن یا با خریدن یک قبله نمای ارزان قیمت، جهت صحیح قبله را به دست آورد; آیا چنین فردی می تواند به گمانی که از راه های غیر اطمینان بخش حاصل می شود، سال ها اعتماد نماید؟ تکلیف را در این گونه موارد به روشنی مشخص

فرمایید.

باسمه جلت اسمائه

ظن و گمان به قبله حجت است; در صورتی که امکان از تحصیل اطمینان نداشته باشد و الا حجت نیست. بنابراین، اگر از راه اطمینان بخش که بعداً تفحص کرده و قبله را تشخیص داده، معلوم بشود که رو به قبله بوده، نمازها صحیح است; و اگر منحرف بوده است، باید اعاده و قضا نماید.

س ۱۴۱ : در مسأله اوقات نماز، دو وقت در ابتدای شب و دو وقتِ دیگر در انتهای شب مطرح شده است: الف. غروب آفتاب (استتار قرص خورشید) ب. اذان مغرب (از بین رفتن حُمره مشرقیه یا گذشتن این سرخی از بالای سر) ج. اذان صبح د. طلوع آفتاب با توجه به این که پایان وقت نماز مغرب و عشا، نیمه شب است; اکنون پرسش مورد نظر این است که در خصوص تعیین نیمه شب و محاسبه پایان وقت نماز مغرب و عشا، شب را باید از چه زمان تا چه زمانی حساب نمود؟

باسمه جلت اسمائه

ج ۱. ابتدای شب که آخر وقت ظهرین و اول وقت عشائین است به حسب ادله، استتار قرص است نه ذهاب حمره; ولی چنان چه در شروع به نماز مغرب رعایت احتیاط نموده، تا ذهاب حمره نشده است شروع نشود.

۲. نیمه شب را از غروب شمس تا طلوع فجر صادق باید حساب نمود. بنابراین، تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی، آخر وقت نماز مغرب و عشاء است.

س ۱۴۲ : بعضی از تقویم ها، غروب آفتاب را حدود بیست دقیقه قبل از مغرب نوشته اند، آیا در این زمان می تواند نماز بخواند یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

خلاف احتیاط است.

س ۱۴۳

: هرگاه کسی پس از خواندن چهار رکعت نماز شب صدای اذان به گوش او رسید، آیا می شود بقیه نافله شب را به نیت ادا بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، به نیت اداء و البته سریع بخواند.

س ۱۴۴ : با توجه به این که قیام متصل به رکوع رکن است، آیا بعد از تمام شدن حمد و سوره باید کمی مکث کنیم و بعد به رکوع برویم و یا این که نه، لازم نیست و می شود بلافاصله به رکوع رفت؟

باسمه جلت اسمائه

نباید بعد از قرائت کمی مکث کند و از قیام به رکوع رود، یعنی لازم نیست.

س ۱۴۵ : آیا در نماز، واجب است حمد و سوره را بر حسب قرائت قرآن متداول بخوانیم و یا سایر قرائت ها نیز صحیح است؟ مثلاـ به جای «مالک یوم الدین» بگوییم: «مَلک یوم الدین»، به جای صراط بگوییم: سراط و به جای کُفُواً (کُفُوَنْ) بگوییم: (کُفُأَنْ).

باسمه جلت اسمائه

ملک یوم الدین گفتن جائز است ولی مالک یوم الدین ارجح است; کما این که سراط گفتن جائز است ولی ارجح با صاد است و در کفواً، کفئون گفتن جائز است، ارجح گفتن با واو، و ضم فاء است.

س ۱۴۶ : شکستن نماز مستحبی بدون هیچ دلیلی چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

حرام نیست.

س ۱۴۷ : اگر نمازگزار در رکعت آخر نماز ظهر، نیّت عصر کرد و فراموش کرد، آیا می تواند نیّت را عدول به ظهر کند و نماز را تمام کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می تواند.

س ۱۴۸ : اگر زنی به خیال این که عادت ماهیانه او، در عدد به هم خورده چند روز نماز و روزه نگرفت، آیا قضا

و کفاره دارد؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که به حسب موازین شرعیه که بعد بفهمد در آن ایام حائض نبوده، قضای نماز و روزه لازم است.

س ۱۴۹ : اگر علم اجمالی پیدا کرد که قنوت خوانده و رکوع رفته و یا این که بدون رکوع به سجود رفته و فقط قنوت انجام داده، نمازش چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

اسم این حالت علم اجمالی نیست، این شک است در حال سجود که رکوع را انجام داده یا نه; شک بعد از تجاوز از محل است و مورد قاعده تجاوز می باشد; و نماز صحیح است.

س ۱۵۰ : شخصی به عنوان وطن دوم روستایی را در نزدیک شهر به فاصله ۳۰ کیلومتر انتخاب می کند و در روز یک بار به شهر می آید و در همان روز برمی گردد، نماز ایشان در شهر چه گونه است؟

باسمه جلت اسمائه

نماز او در شهر و در راه تمام است; یعنی باید تمام بخواند. چون هم شهر وطن اوست و هم دِه، و موجب قصر و شکسته هم محقق نشده است; بلی، چنان چه از شهر اعراض نموده و بنای زندگی آن جا را ندارد، قهراً عنوان کثیرالسفر بر او صدق می کند و من چون احتیاط می کنم که کثیرالسفر باید قصر بخواند یا تمام، می توانند به کسی دیگر رجوع کنند.

س ۱۵۱ : آیا پس لرزه نیاز به نماز آیات دارد؟

باسمه جلت اسمائه

هر زمین لرزه مستقلی نماز آیات دارد، اسمش پس لرزه باشد یا زلزله.

س ۱۵۲ : تکبیرات ثلاثه همراه با بلند کردن دست بعد از سلام نماز، آیا اختصاص به نمازهای یومیه دارد یا مطلق نمازها (اعم از واجب

و مستحب) را شامل می شود؟

باسمه جلت اسمائه

اختصاص به نمازهای یومیه ندارد.

س ۱۵۳ : اگر چه بر زن ها نماز جمعه واجب نیست، ولی اگر بخواهند در نماز جمعه شرکت کنند، نیت نماز جمعه را وجوب ببندند یا استحباب؟ در صورت وجوب، احتیاطاً یا لزوماً؟ و در صورت لزوماً، کفایت از ظهرشان می شود یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

نماز جمعه برای مردها هم واجب نیست و مجزی از نماز ظهر نیست; بر زن ها به طریق اولی چنین است.

س ۱۵۴ : آیا می شود به امام جماعتی که با وضوی جبیره ای نماز می خواند، اقتدا کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می توان اقتدا نمود.

س ۱۵۵ : طبق نظر حضرت عالی تحت الحنک انداختن در نماز استحباب دارد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

عمامه با تحنک در نماز مستحب است.

س ۱۵۶ : اگر کسی به قصد عام مسافرت تا ۱۵ کیلومتری وطن خود رفته است که در این صورت نماز کامل است، اما قبل از خواندن نماز تصمیم می گیرد ۵۰ کیلومتر دیگر برود، آیا نماز این شخص در فاصله ۱۵ کیلومتری کامل است یا شکسته؟

باسمه جلت اسمائه

باید تمام خوانده شود.

س ۱۵۷ : در سجده آیا واجب است کل دست زمین باشد حتی انگشتان یا این که فقط کف دست (بدون انگشت) کفایت می کند؟

باسمه جلت اسمائه

باید کف دست به تمامه به زمین گذاشته شود.

س ۱۵۸ : خانمی می داند که بعضـی از قسـمت های چادرش پاره است و موهای او پیدا می شود ولی هنگام نماز خواندن این مطلب را فراموش می کند و مشغول نماز می شود و بعد از نماز متوجه می شود، حکم نمازهایی که خوانده،

چیست؟

باسمه جلت اسمائه

نمازهایی که خوانده، صحیح است.

س ۱۵۹ : مشغول نماز عشاء شدیم یادمان آمد که نماز غفیله را نخوانده ایم، آیا می توان نماز عشاء را قبل از رکعت سوم به نماز قضای یقینی دو رکعتی تبدیل کنیم (یا نماز مستحبی) و بعد از آن نماز غفیله را بخوانیم و بعد مشغول نماز عشاءشویم؟

باسمه جلت اسمائه

به نماز قضاء می شود عدول نمود؛ ولی به نافله خیر، نمی شود.

س ۱۶۰ : اگر انسان در قنوت نماز چند تا صلوات بگوید، آیا نمازش صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر به قصد ذکر مطلق صلوات بفرستد، نمازش صحیح است. و اگر به قصد جزئیت نماز باشد، نمازش باطل است.

س ۱۶۱ : کسی که هفته ای یک روز برای صله رحم از قم به تهران می رود، حکم نماز او در تهران و بین راه چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

نماز او در تهران و بین راه شکسته است.

س ۱۶۲ : معلمی می خواهد در فاصله ۲۵ کیلومتری و ۵۰ کیلومتری به تدریس اشتغال داشته باشد، آیا وقتی به سفر ۲۵ کیلومتری می رود که سفر اول او حساب می شود، می تواند در سفر به ۵۰ کیلومتری که فردای آن روز صورت می گیرد، نماز را تمام بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، در سفر دوم نماز را باید تمام بخواند.

س ۱۶۳ : شخصی قصد اقامت کرد بعد از دو روز مردد شد، به روایت «إذا ایقنت العشره فأقم واتمّ»، آیا این جا استصحاب استقبالی به علم تعبدی می شود جاری کرد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه یک نماز چهار رکعتی تمام خوانده با قطع به عدم بقاء عشره ایام فضلاً از تردید، باید نماز تمام

بخواند.

س ۱۶۴ : کسی که چند ساعت قبل از نماز به قصد آن نماز وضو گرفته است، آیا نمازهای خوانده شده قضا دارد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

چون وضوء مستحب نفسی است و قصد نماز مضر نیست، پس صحیح است و نمازهای خوانده شده قضا ندارد.

س ۱۶۵ : بچه ای که نماز خود را صحیح می خواند ولی هنوز به بلوغ نرسیده، آیا می تواند برای نماز میت اجیر شود؟

باسمه جلت اسمائه

نماز غیر بالغ بر میت مجزی نیست؛ بنابراین، اجیر هم نمی تواند بشود.

س ۱۶۶ : آیا امامت برای نماز عید فطر در دو مکان طبق نظر حضرت عالی جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

در زمان غیبت مشروعیت جماعت محل اشکال است؛ در دو مکان قطعاً مشروع نیست.

س ۱۶۷ : نماز خواندن با صلیب چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

نماز خواندن با صلیب فی نفسه باطل نیست.

س ۱۶۸ : آیا جانباز قطع عضو می تواند نماز قضای پدر را بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

اگر تمکن دارد که اجیر بگیرد، باید اجیر بگیرد؛ وگرنه خودش می تواند بخواند.

س ۱۶۹ : منزل مسکونی ورثه ای می باشد و همسر مرحوم در آن ملک فعلا سکونت دارد؛ در بین ورثه یکی از فرزندان وضع مالی خوبی ندارد، لذا همسر مرحوم اختیاراً می خواهد یک طبقه از ملک فوق را رهن داده و مبلغ آن را به این فرزند بدهد. آیا می توان بدون اجازه ورثه که یکی از وراث راضی نباشد این کار را انجام داد. در ملک ورثه ای بدون اجازه وراث حتی اگر یک نفر هم راضی نباشد، آیا می توان نماز خواند؟

باسمه جلت اسمائه

ج: تصرف در مال مشترک بدون رضایت همه

شرکا جائز نیست; قهراً نماز هم اشکال دارد.

نماز جماعت

س ۱۷۰ : در دوران امر بین این که نمازگزار، نماز با توجه مفرد می خواند یا نماز بی توجه با جماعت، کدام یک ترجیح دارد؟

باسمه جلت اسمائه

نماز جماعت را باید مقدم نمود; این که اگر فرادا بخوانی با توجه می خوانی و با جماعت بی توجه وسوسه شیطانی است.

س ۱۷۱ : آیا می شود به امام جماعتی که نماز قضای حتمی میتی را تبرعاً می خواند، اقتدا کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می شود اقتدا نمود.

س ۱۷۲ : اگر مأموم در سلام آخر نماز جماعت برسد، آیا می تواند اقتدا کند و به ثواب جماعت برسد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی تواند اما در تشهد می تواند اقتداء کند.

س ۱۷۳ : مشغول نماز ادایی هستیم که متوجه شدیم نماز جماعت برپا شده است، آیا می توان این نماز را به نماز شب قضا شده برگردانیم و بعد آن را شکسته و به جماعت ملحق شویم؟

باسمه جلت اسمائه

عدول از نماز ادایی انفرادی به نماز مستحبی و شکستن برای درک جماعت، مطلقا جائز است.

س ۱۷۴ : آیا می توان به امام جماعتی که در حال نماز جماعت زیاد اشتباه می کند اقتدا کرد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه هنگامی که اشتباه می کند به وظیفه شرعیه خود عمل می نماید، نماز امام صحیح و اقتدا به او هم جائز است.

س ۱۷۵ : در نماز جماعت وقتی به رکوع رفتیم و به حالت قیام برگشتیم، متوجه شدیم که امام در حال خواندن نماز آیات است; اگر نماز را به صورت فرادی ادامه دهیم، آیا صحیح می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، نماز صحیح است;

چون چیزی که موجب بطلان نماز باشد، انجام نگرفته است.

س ۱۷۶ : آیا نماز دایره ای که الآن به صورت جماعت در مسجد الحرام برپا می شود، صحیح است که بعضی از مأمومین جلو یا مقابل امام جماعت می شوند، و آیا در زمان معصوم بوده یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

جماعت به استداره حول کعبه صحیح و بهترین دلیل آن این است که سیره مسلمین در عهد ائمه معصومین علیهم السلام بر آن بوده، بدون انکار احدی; و میزان در تقدم به لحاظ کعبه است.

س ۱۷۷ : مسجدی که امام جماعت راتب دارد، در صورتی که مشکلی عارض شود و امام جماعت حتی در یک وعده نتواند حضور پیدا کند; در فرضی که روحانی دیگری در مسجد نباشد و حتی به طلبه ای هم دسترسی نباشد برای درک ثواب جماعت، آیا نمازگزاران می توانند شخصی از مؤمنین عادل را که مقبول ایشان است و شرائط عمومی امام جماعت را واجد است، جهت امامت مقدم کرده و به او اقتدا کنند؟

باسمه جلت اسمائه

در امام جماعت لباس روحانیت پوشیدن شرط نیست; چنان چه عنوان ثانوی (فعالیت برای اضمحلال روحانیت) نباشد، هیچ اشکالی در اقتدای شخص مورد سئوال نیست.

س ۱۷۸ : اگر در نماز جماعت فاصله لازم از بین برود یا فاصله لازم اصلا از اول نماز وجود نداشته باشد و بعد از تمام شدن آن متوجه شود یا متوجه نشود، حکم نماز جماعت چه می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

خود نماز صحیح است به عنوان فُرادا نه جماعت.

س ۱۷۹ : آیا خواندن نماز ظهر روز جمعه با صدای بلند برای فردی که نمازش را فُرادا بخواند یا برای امام در

نماز جماعت، واجب یا مستحب است؟

باسمه جلت اسمائه

مستحب است.

س ۱۸۰ : نماز امام جماعت (اجتهاداً یا تقلیداً) صحیح است ولی از نظر مأموم (اجتهاداً یا تقلیداً) نماز امام صحیح نیست. آیا مأموم می تواند به چنین امامی اقتدا کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می تواند اقتدا کند و آن چه مأموم لازم می داند و امام لازم نمی داند، آن را بخواند; مثلا امام سوره را در دو رکعت اول لازم نمی داند و مأموم لازم می داند، امام سوره نمی خواند، مأموم بخواند جماعت صحیح است.

س ۱۸۱ : آیا پول دادن به امام جماعت برای اقامه جماعت جائز است؟ و هم چنین برای مبلّغ و واعظ؟

باسمه جلت اسمائه

دادن پول به امام جماعت به ازای جماعت جائز نیست، ولی پول دادن به مُبَلِّغ و واعظ جائز است.

س ۱۸۲ : نماز امام جماعت صحیح نیست، البته بنا به نظر مرجع تقلید خودش، ولی از نظر مأموم بنا به نظر مرجع تقلید خودش، نماز امام جماعت صحیح است؟ الف) آیا مأموم می تواند اقتدا کند؟ ب) آیا فرقی می کند که امام التفات به نظر مرجع تقلید خود دارد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که امام التفات به نظر مرجع تقلید خود دارد، قهراً نماز او صحیح نیست و نمی شود اقتدا به او نمود; و در صورتی که التفات ندارد و اعتقاد به صحت نماز خود دارد، می شود به او اقتدا نمود.

س ۱۸۳ : اگر مأموم در حال قرائت امام شک کرد که آیا اقتدا کرده یا نه، آیا قاعده تجاوز جاری است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، اگر در آن حالت خود را در حال اقتدا می بیند، نسبت

به اجزاء سابقه شک وارد شده و قاعده تجاوز جاری است.

س ۱۸۴ : این جانب از روحانیون حوزه علمیه هستم و دست چپ من در اثر انفجار نارنجک ناقص شده به صورتی که یک چهارم از کف دستم به همراه چهار انگشتم از بین رفته، بنابراین سه چهارم از کف دست به همراه یک انگشتم باقی مانده; با این احوال، آیا می توانم به عنوان امام جماعت، نماز جماعت بخوانم؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می توانید نماز جماعت بخوانید و امام باشید.

س ۱۸۵ : امام جماعت در رکعت سوم متوجه می شود وضوی او باطل است، آیا باید نماز را رها کند; یا می تواند به صورت نمایشی جماعت را ادامه دهد؟

باسمه جلت اسمائه

باید نماز را رها کند.

س ۱۸۶ : آیا می شود به امام جماعتی که به دیوار یا عصا تکیه داده است اقتدا کرد؟

باسمه جلت اسمائه

مورد سئوال لابد کسی است که وظیفه اش تکیه به دیوار یا عصا است; بلی، می شود به او اقتدا نمود.

س ۱۸۷ : کسی که زلزله آمده نماز آیات را خوانده ولی حالا ـ می خواهد امام جماعت شود برای کسانی که نماز آیات نخوانده اند، آیا می تواند امام شود یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

اعاده نماز آیات جماعت بر کسی که فرادا خوانده مشروعیت ندارد.

س ۱۸۸ : در امام جماعت آیا عدالت شرط است یا فسق مانع است؟ در جواز اقتدا، آیا غیر معلوم الفسق بودن کافی است؟

باسمه جلت اسمائه

عدالت شرط است; ولی کاشف و طریق عدالتِ امام، حسن ظاهر است; و عدالت به شیاع مفید اطمینان و شهادت عادل ثابت می شود، بلکه شهادت ثقه هم کافی است.

نماز قضاء

: اگر مریض یک رکعت از نماز را در وقت خواند و مابقی وقت نماز بیهوش بود، آیا قضا دارد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، قضاء دارد و قاعده «من ادرک» مختص به وقت است نه تمام نماز.

س ۱۹۰ : مردی فوت کرده و دارای دو پسر می باشد، پسر بزرگ مجنون است و یقین داریم خوب نمی شود که نمازهای قضای پدر را بخواند، آیا نمازهای قضا به عهده پسر بعدی می باشد یا نمازها ساقط می شود؟

باسمه جلت اسمائه

اولی این است که از دوش پسر دوم ساقط است; و باید از اموال خودش اجیر بگیرند و او بخواند.

س ۱۹۱ : آیا قضای نمازهای پدری که از روی سهل انگاری غلط می خوانده، به عهده پسر بزرگ تر است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، به عهده پسر بزرگ تر است.

س ۱۹۲ : شما فرموده اید اگر انسان در مسافرت شک کند که سفرش هشت فرسخ هست یا نه، باید نماز را تمام بخواند; بفرمایید که اگر بعداً معلوم شود که سفرش چهار فرسخ بوده، آیا در این صورت نماز را به طور قصر قضا کند؟

باسمه جلت اسمائه

باید قصراً قضا نماید.

س ۱۹۳ : اگر انسان به قصد چهار فرسخ مسافرت کند و در سر چهارفرسخ پنج روز بماند، نمازش را در آن مدت پنج روز تمام بخواند و یا قصر؟

باسمه جلت اسمائه

چون بنای بر برگشتن دارد، باید نماز را شکسته بخواند.

س ۱۹۴ : آیا می توان نماز شب هایی که چند سال قبل قضا شده را قضا کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می تواند.

س ۱۹۵ : اگر پدری در اواخر عمر نمازها را می خواند، در اثر فراموشی، بعضی

از کلمات نماز را جا می گذارد و حتی به طرف غیر قبله نماز می خواند، مشخص نیست چند رکعت نماز می خواند، اما به هر حال، نماز می خواند; آیا قضای این نمازهای پدر که شاید از ۱۵ سال بیشتر باشد، بر فرزند بزرگ واجب است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر فراموشی به حدی است که تکلیف از او ساقط نمی شود، به مقداری که یقین دارند، اشتباه خوانده قضا واجب است و زیادتر واجب نیست; ولی خوب است همه را قضا نمایند.

س ۱۹۶ : اگر پدر عمداً نماز نخواند و روزه نگیرد، آیا بعد از مرگ وی قضای نماز روزه چنین شخصی بر پسر بزرگ واجب است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی واجب است.

س ۱۹۷ : اگر کسی در اثر سکته مغزی حافظه اش کم شود و نتواند نماز بخواند چون فکرش را نمی تواند متمرکز کند، آیا قضای نمازهای وی بر وراث واجب است؟

باسمه جلت اسمائه

قضای این نمازها بر خودش هم واجب نیست چه رسد به ورثه.

س ۱۹۸ : اگر ولی میّت چند نفر بودند، آیا قضای روزه و نماز بر هر دو می باشد، مانند این که دو پسر بزرگ دو قلو باشند؟ آیا قضای نذر و غیره هم واجب می باشد؟ در حال شک نمی دانند آیا قضا دارد یا نه، اصل عدم جاری می شود یا احتیاط کنند؟

باسمه جلت اسمائه

۱ در صورت تعدد ولی، قضای نماز و روزه بین آن ها توزیع می شود.

۲ قضای نذر واجب هم واجب است.

۳ در صورت شک، قضا واجب نیست.

س ۱۹۹ : پسری شیعه و پدرش سنی است، آیا نمازهای قضای او به عهده پسر است؟

باسمه جلت

اسمائه

نمازهای قضای پدر سنی به عهده پسر شیعه است; ولی پسر باید نماز را بر حسب تکلیف خودش یعنی بر طبق مذهب شیعه بخواند.

س ۲۰۰ : اگر قرص خورشید پنهان شد، کسی بین پنهان شدن و اذان مغرب، نماز عصر را به نیت ادا خواند، آیا کفایت از نماز واجب می کند؟

باسمه جلت اسمائه

من چون آخر وقت ظهرین را غروب خورشید می دانم، پس نماز در وقت مذکور قضا بوده است.

?نماز مسافر

س ۲۰۱ : طلبه ای که ۷،۸ سال به قم آمده و البته قصد اقامت دائم نداشته و از باب وطن حکمی نماز را کامل می خوانده، چند سال است که از قم خارج شده و قصد دارد چند سال دیگر به قم مراجعه کند ولی الآن نیز گاهی اوقات برای بعضی کارها به قم می آید (گرفتن شهریه، امور اداری) آیا نماز ایشان کامل است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، کامل است.

س ۲۰۲ : آیا امام جمعه مسافر، می تواند نماز جمعه بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

ج.خیر

س ۲۰۳ : وطن من تهران می باشد و محل اقامت من خوابگاهی است که وسط بیابان است. از آن جا هر روز کمتر از مسافت شرعی را برای تحصیل طی می کنم; آیا این خوابگاه در حکم وطن من است یا خیر؟ (حکم نماز در خوابگاه و محل تحصیل و در بین راه چگونه است)؟

باسمه جلت اسمائه

آن خوابگاه هم حکم وطن دارد; و نماز در خوابگاه و محل تحصیل و بین راه، همه را باید تمام بخواند.

س ۲۰۴ : محل کار کسی در پانزده کیلومتری شهر خودش می باشد که نماز او کامل است، حال اگر تصمیم دارد

بعـد از اتمام کار از محل کار به مسافتی برود که به اضافه مسافت قبلی مسافت شـرعی می شود، آیا نماز او در چنین روزی در محل کار شکسته است یا کامل؟

باسمه جلت اسمائه

باید شکسته بخواند.

س ۲۰۵ : کسی که به مدت ۳۰ روز مرتب بین وطن و مسافت شرعی مسافرت کند، نمازش کامل است یا شکسته؟

باسمه جلت اسمائه

به این مقدار، شخص، شغله السفر أو فی السفر نمی شود; باید نماز را شکسته بخواند.

س ۲۰۶ : کارمند نیروی انتظامی می باشم، یک ماه در وطن می مانم و مدت ۱۵ روز به محل کار می روم که بیشتر از مسافت شرعی است و البته قصـد ده روز نمی توانم بکنم; زیرا، در حال مأموریت هسـتم و نمی دانم که در این مدت چند مأموریت به من محول می شود، وظیفه نماز و روزه من در حال اقامت و مأموریت چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

وظیفه شما در حال اقامت و مأموریت تمام خواندن نماز است، نه شکسته خواندن.

س ۲۰۷ : دانشـجویی که محل تحصیلش شهر دیگری است و در هفت روز هفته تنها ۳ یا ۴ روز در آن جا اقامت دارد، نماز و روزه هایش چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

آن دانشجو کثیرالسفر است; نماز را باید تمام بخواند و روزه را هم باید بگیرد.

س ۲۰۸ : اگر خـانمی مسـافرت کرده و قصـد مانـدن ده روز یـا بیش تر کنـد، اما بیش تر آن روزها ایام عادت وی بوده و سـه چهار روز آخر پاک شود، آیا در آن سه چهار روز آخر باید نماز را تمام بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، باید تمام بخواند.

س ۲۰۹ : اگر

کسی برای شرکت در عروسی که در آن عروسی سازنده و نوازنده و دیگر معصیت ها هست، مسافرت کند; آیا سفر وی سفر معصیت محسوب شده و در آن سفر باید نمازش را تمام بخواند؟

باسمه جلت اسمائه

اگر سفر می کند به قصد شرکت در عروسی که می داند مجلس معصیت است، باید نماز را تمام بخواند; و اگر مقصد فقط شرکت در مجلس است و هیچ گونه قصدی نسبت به معاصی ندارد، باید شکسته نماز بخواند.

س ۲۱۰ : برای کثیرالسفر شدن در شغل چند ماه مداومت در سفر لازم است؟ در تحقق کثرت سفر در «من شغله السفر» رفت و آمد چند ماه در سال، چند روز در ماه و چند روز در هفته لازم است؟

باسمه جلت اسمائه

کثرت سفر شرط تمام خواندن نیست; «شغله السفر أو شغله فی السفر» کافی است و این دو عنوان صادق است بر کسی که تصمیم گرفته به عنوان شغل مدتی قابل توجه در سفر باشد و چند سفر هم انجام داده باشد; بلکه شروع در سفر هم در صدق این دو عنوان کافی است.

س ۲۱۱ : حکم نماز و روزه کسانی که مدتی به عنوان کار از وطن خود به شهرهای مختلف و حتی به کشورهای مختلف سفر می کنند به مدت چند ماه و یا چند سال، چه طور است؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که برای کار در سفر به شهرهای دیگر می روند و مدت آن هم اقلا یکی دو سال است، نماز را تمام بخوانند و روزه هم بگیرند.

س ۲۱۲ : آیا مسافر شغله فی السفر که به طرف محل کار می رود و بعدازظهر می رسد،

در بین راه نماز و روزه اش تمام است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، در مسیر راه به طرف محل شغل نماز تمام، و روزه او صحیح است.

س ۲۱۳ : کسی که بعضی از خصوصیات احکام نماز مسافر را نداند و جهلا بالحکم أو الموضوع، نماز را تمام بخواند، اگر در وقت بفهمد باید اعاده کند و اگر بعد از وقت بفهمد مشهور فرموده اند قضا ندارد. نظر حضرتعالی چیست؟

باسمه جلت اسمائه

به نظر من قضا هم دارد.

س ۲۱۴ : مسافری که به محل اقامت ده روزه می رود، وقتی به حد ترخص رسید، اگر بخواهد نماز بخواند در کتاب عروه و بعض رساله های عملیه نوشته است: تا به منزل نرسیده، احتیاطاً نماز خود را جمع بخواند، مقصود از منزل چیست؟ آیا ورود به شهر مراد است یا محل سکونت؟

باسمه جلت اسمائه

مراد شهر است.

س ۲۱۵ : آیا در تمام خواندن نماز، توطن شرط است یا سفر مانع از اتمام است؟

باسمه جلت اسمائه

در چند مورد نماز تمام خوانده می شود; یکی در وطن، یعنی مسقط الرأس; و دیگری در جایی که برای زندگی اختیار شده است; سوم در جایی که قصد اقامت ده روز نموده باشد; و بعضی موارد دیگر.

س ۲۱۶ : معیار کثرت سفر، عرفی است یا شرعی؟ و آیا کثرت از موضوعات است و تشخیص آن به دست عرف است یا از احکام، و تشخیص آن به دست فقیه است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر کثرت سفر موضوع باشد، مانند سایر موضوعات، معیار نظر عرف است; مگر آن که شارع نظری داشته باشد که در این موضوع نظری ندارد.

س ۲۱۷ : حصول کثرت سفر به چه چیز محقق می

شود؟ چند سفر در ماه در چند مدت از سال؟

باسمه جلت اسمائه

اقوال فقها از سه سفر در ماه به مدت دو یا سه ماه گفته اند تا ده روز در ماه به مدت یک یا دو سال و بینها متوسطات. جواب این سؤال از مطالب گذشته ظاهر می شود.

س ۲۱۸ : کسی دارای دو شغل معلمی و تجارت است که برای شغل معلمی بین قم و تهران رفت و آمد می کند و برای شغل دیگر بین قم و شیراز رفت و آمد می کند، الآن مدت یک ماه است برای شغل دوم (تجارت) به شیراز نرفته است، الآن که می رود، آیا نمازش کامل است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه ده روز در قم مانده است، در سفر اول نماز او شکسته است و اگر ده روز نمانده، نماز کامل است.

س ۲۱۹ : شخصی به طور مرتب از کودکی سالی چهار ماه در شهری می مانده (وطن اتخاذی) و قصد داشته تا آخر عمر این کار را ادامه دهد، ولی اکنون فقط سالی دو، سه هفته آن جا رفت آمد دارد، اگر کم تر از ده روز بماند، آیا نماز او کامل است یا شکسته؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه بعد از اتخاذ وطن که با چهار ماه در سال محقق شده

است، از زندگی در آن محل اعراض کرده است، نماز او اگر کم تر از ده

روز بماند، شکسته است; و اگر اعراض نکرده یا مردد است، نماز

کامل است.

س ۲۲۰ : مسافری که قصد اقامه عشره کرده و تصمیم دارد دو ساعت به غروب روز دهم برگردد، آیا نماز و روزه او تمام است یا

شکسته؟

باسمه جلت اسمائه

اگر از اول می داند که روز دهم دو ساعت به غروب بر می گردد، نماز او شکسته است و روزه نباید بگیرد.

س ۲۲۱ : اگر مسافر در اقامه عشره تابع دیگری است و متبوع قصد عشره کامله تا غروب روز دهم را کرده است، ولی تابع به خیال این که عشره ایام تا بعدازظهر روز دهم محقق می شود و همان مقدار را قصد کرده است و از قصد متبوع که تا غروب قصد کرده، خبر نداشته است؛ معذلک استقلال در ماندن هم ندارد. آیا قصد عشره از تابع در فرض مزبور محقق شده یا نه، و نماز و روزه اش تمام است یا شکسته؟ حکم نماز و روزه ای که تماماً انجام داده چیست؟

باسمه جلت اسمائه

اقامه محقق نمی شود نماز شکسته باید قضا کند.

س ۲۲۲ : شخصی که وطن او اهواز است به مدت دو هفته برای کار به عسلویه می رود و مدت یک هفته برای تحصیل به شیراز می رود، بعد به عسلویه بر می گردد؛ نماز و روزه او در شیراز چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

نماز تمام است.

س ۲۲۳ : کسی که وطنش قم است به مدت دو ماه به کرج رفته و هر روز مسافت ۱۸ کیلومتر را بیرون می رود و بر می گردد، بعد از دو ماه می خواهد به قم برگردد؛ حکم نماز او در کرج چیست؟

باسمه جلت اسمائه

در کرج مسافر است.

س ۲۲۴ : بنده ساکن بندر عباس هستم، اما شغل من در زیر دریایی می باشد که دو هفته در بندر عباس هستم و دو هفته کامل در زیر

دریا در حال انجام وظیفه:

الف. نماز من در شهر بندر عباس تمام است یا قصر؟

باسمه جلت اسمائه

در بندر عباس تمام است; چون محل زندگی شما است.

ب. در حال انجام مأموریت چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

در حال انجام مأموریت، چه دور از محل سکونت به مقدار مسافت شرعی باشید، چه نباشید، نماز تمام است.

ج. در صورتی که ناخدای زیردریایی باشم، نماز قصر است یا تمام؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت ناخدا بودن نماز تمام است.

د. در صورتی که مأمور به کاری غیر از ناخدایی باشم؟ (مثلا برای شناسایی مناطق و غیره)

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که مأمور به کاری غیر از ناخدایی باشید، نماز تمام

است; چون اگرچه شغله السفر صدق نمی کند، ولی شغله فی السفر

صدق می کند.

ه. در صورتی که شب ها برای استراحت به پایگاه اسکله برگردم، نماز چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

نماز تمام است.

و. در صورتی که اصلاً پایگاهی نباشد و کل دو هفته را در حال رفتن و انجام کار باشم؟

باسمه جلت اسمائه

نماز تمام است.

ز. آیا این کار از باب شغله فی السفر یا شغله السفر می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

بعضی صور شغله السفر، و بعضی دیگر شغله فی السفر است.

ط. در صورتی که محل کار متغیر باشد یک سال بندر عباس سال بعد مثلاً قشم باشم، چه؟

باسمه جلت اسمائه

تغییر محل کار، در صورتی که نمازتان را در محل کار بخوانید، باعث تغییر در نماز نمی شود; یعنی نماز تمام است.

. در صورتی که محل کار متغیر است، حکم نماز خانواده چه می شود؟ (بیشتر از پنج سال در شهری نمی توانم بمانم.)

باسمه جلت اسمائه

بر خانواده، نه شغله السفر و نه شغله فی السفر

صدق نمی کند; آن ها حکم مسافر عادی دارند.

س ۲۲۵ : نماز کسی که سفرهای متعدد غیر شغلی به نیات متعدد انجام دهد، چه حکمی دارد؟ توضیح این که من اهل تهرانم; این هفته به نیت صله رحم به اصفهان می روم، هفته دوم به نیت تجارت و کار به شیراز می روم، هفته سوم برای زیارت به قم می روم و غیره; آیا نماز شکسته است کامل؟

باسمه جلت اسمائه

چنین شخصی در سفر باید شکسته نماز بخواند.

احکام روزه

س ۲۲۶ : اگر کسی غفلت کرد و مفطری را انجام داد بعد متوجه شد که روزه است، آیا حکم نسیان را دارد؟

باسمه جلت اسمائه

روزه اش صحیح است.

س ۲۲۷ : علما فرموده اند اگر کسی اعتکاف را نذر کرده و روز سوم حیض شده باشد، باید اعتکاف را قضا کند. حال، اگر روزه را نذر کرده باشد و روز سوم حیض شود، آیا قضای روزه کفایت می کند یا باید اعتکاف را قضا کند؟

باسمه جلت اسمائه

باید اعتکاف را قضا کند.

س ۲۲۸ : تحقیقات به عمل آمده نشانگر آن است که در عرض های زیاد شمالی و جنوبی کره زمین، گاه طول ماه قمری (از رؤیت هلال تا رؤیت هلال بعدی) کمتر از ۲۹ روز یا بیشتر از ۳۰ روز می گردد. به عبارت دیگر، وجود ماه هایی با طول (مثلا) ۲۸ و ۳۱ روز در این گونه مناطق، مسلّم است. با توجه به مطلب فوق، آیا در این مسأله باید از ضابطه تحدید شهور به ۲۹ یا ۳۰ روز تبعیت کرد، یا از «صم للرّؤیه و أفطر للرّؤیه»؟

باسمه جلت اسمائه

باید از صم للرؤیه و افطر للرؤیه تبعیت نمود.

س

۲۲۹ : اگر کسی احتمال ضرر صوم داشت و بعد شک کرد، آیا استصحاب احتمال ضرر جاری است یا نه، باید فحص کند؟

باسمه جلت اسمائه

شک در بقای احتمال مساوق است با شک در مضرت صوم، احتیاج به استصحاب نیست; بلکه استصحاب مورد ندارد.

س ۲۳۰ : اگر روزه دار بعد از بیدار شدن رطوبتی را در لباس دید و شک داشت که منی است یا نه; آلت خود را فشار داد، منی در آمد و معلوم شد جنب شده است، آیا حکم استمناء را دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خروج منی با فشار و خرطات استمناء مبطل روزه نیست.

س ۲۳۱ : اگر کسی در قضای روزه ماه رمضان بعد از ظهر افطار کند، و جهل به حرمت افطار در بعد از ظهر روزه قضا دارد، آیا کفاره ده نفر سیر کردن بر او واجب است؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که جاهل قاصر باشد، واجب نیست; و اگر جاهل مقصر است، واجب است.

س ۲۳۲ : شخصی ۲۰ سال قبل در ایام تابستان کار سنگین و زیان آور می کرده، مثل کوره پز خانه آجری و روزه گرفتن برایش مشکل ساز بوده، توان و قدرت بدنی نداشته روزه بگیرد و در ضمن صاحب کار مانع بوده و تهدید به اخراج می کرده است، شخص مذکور روزه اش را خورده، آیا ابطال روزه، و خوردن روزه عمدی محسوب می شود یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

اگر روزه گرفتن بر او ضرری یا حرجی بوده، افطار او شرعی بوده و کفاره آن روزه ها کفاره غیر عمدی است; و اگر ضرری و حرجی نبوده، کفاره آن ها عمدی است. در هر دو صورت، غیر از کفاره

دادن بایـد قضای آن روزه ها را که افطار کرده، انجام دهد. کفاره عمدی برای هر روز اطعام شـصت فقیر است که می توان به دادن نان اکتفا نمود.

س ۲۳۳ : آیا برای تشخیص سحر، اکتفاء به ساعت کفایت می کند یا احتیاج به نگاه به افق می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

میزان اطمینان به وقت است; ساعت و نگاه کردن به افق به عنوان کاشف است.

س ۲۳۴ : آیا تبـدیل نیت روزه در امور زیر اشـکال دارد: الف) تبـدیل نیت روزه نذر مطلق، به نیت روزه قضا; ب) تبدیل نیت روزه مستحبی به قضا; ج) تبدیل نیت روزه واجب به مستحب؟

باسمه جلت اسمائه

عدول از نیتی به نیت دیگر در روزه جائز نیست; ولی در بعضـی موارد که تا ظهر مثلا وقت نیت است، اگر نیت روزه مستحبی کرده است می توانـد از آن دست بکشـد; و چون وقت نیت دومی تا ظهر است، نیت آن را بکند. این عدول نیست; ولی روزه دومی صحیح است.

س ۲۳۵ : کسی که می خواهد روزه قضا بگیرد، اگر در تنگی وقت تیمم کند و وارد صبح شود روزه او صحیح است یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

بلی صحیح است.

س ۲۳۶ : خانمی در ماه رمضان به خاطر عذر شـرعی هفت روز روزه را خورده بعد از ماه رمضان بلافاصـله از دوم شوال بیمار بوده تا ماه رمضان آینده; آیا قضای این روزه بعد از ماه رمضان سال آینده به او واجب است یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

خیر واجب نیست.

س ۲۳۷ : فردی دارای جنون ادواری است، همیشه در بین روز حالت جنون به او دست می دهد و لایعقل می شود

و بـدن خود را گـاز می گیرد و خون جـاری می شود و می خورد، آیا ادامه روزه بر ایشان واجب است یا خیر؟ اگر ادامه پیـدا کند تا ماه رمضان بعدی قضا ساقط است یا باید بگیرد؟

باسمه جلت اسمائه

روزه واجب نیست و در صورت ادامه تا رمضان بعد قضا هم واجب نیست.

س ۲۳۸ : اگر طبق مبـانی بعضـی مراجع تقلیـد که می فرماینـد روزه استیجاری را نمی توان بعـدازظهر افطار کرد، کسـی افطار کند; آیا کفاره دارد یا خیر؟ اگر کفاره دارد، چقدر است؟

باسمه جلت اسمائه

کفاره ندارد.

س ۲۳۹ : اگر کسی روزه قضا دارد، می تواند نذر کند که در سفر روزه بگیرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می تواند چنین نذری بکند و واجب است به آن عمل کند.

س ۲۴۰ : مردی کفاره عمـدی روزه به عهده اش آمده بود که باید ۳۱ روز را پشت سر هم روزه بگیرد، اگر این شخص بمیرد می توان خانمی را اجیر کرد تا بتواند این روزه را بگیرد در حالی که قطعاً در بین این روزها حیض می بیند، آیا این اجیر شدن صحیح است؟ آیا می شود ۳۱ روز را بین دو نفر تقسیم کرد یا باید حتماً یک نفر انجام دهد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر خانم را نمی شود اجیر کرد و لازم نیست اجیر یک نفر باشد.

س ۲۴۱ : اگر پسـر بزرگ تر هنگام فوت پـدر از گرفتن روزه های پـدر عاجز باشـد به گونه ای که تا آخر توان گرفتن قضای آن ها را ندارد، آیا واجب است از مال خودش فردی را اجیر کند تا قضای روزه های پدر را به جا آورد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی

واجب است از مال خودش اجیر کند که قضای روزه های پدر را به جا آورد.

س ۲۴۲ : اگر قتل در ماه های حرام یا در منطقه حرام صورت پذیرد، آیا روزه ای که به عنوان کفاره گرفته می شود نیز باید در ماه های حرام باشد؟

باسمه جلت اسمائه

در قتل در ماه های حرام روزه ای که به عنوان کفاره گرفته می شود، باید

در ماه های حرام باشد; و اما کفاره در منطقه حرام، این حکم

ثابت نیست.

س ۲۴۳ : هرگاه قاتل و مقتول هر دو کافر ذمی باشند، آیا بر عهده قاتل، کفاره قتل ثابت می شود؟ در صورت مثبت بودن جواب، نظر به این که یکی از مصادیق کفاره، صوم شهرین متتابعین است و از سوی دیگر یکی از شرائط صحت صوم، اسلام است، جمع بین آن دو (مکلف نمودن وی به روزه و شرط صحت صوم) به چه صورت می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

اشکالی که کرده اید در مورد لزوم القضاء علی الکفار نموده اند، جواب این است که شرط صحت صوم اسلام است و اسلام بر کافر اختیاری است

س ۲۴۴ : این جانب به مرض قند مبتلا هستم; در روزه ماه مبارک رمضان طبق دستور پزشک داروها را می شود قبل از سحر و بعد از افطار استفاده کرد، لکن به این سفارش می کنند که تا قبل از ظهر یا در طول روز دو لیوان آب مصرف شود، آیا می توان در چنین صورتی روزه دار بود یا خیر؟ در معنا می شود این موقعیت دیابت را با کثیرالعطش مطابق نمود، همان طور که می توان به اندازه رفع خطر

آب مصرف کرد، آیا بنا بر دستور پزشک حاذق متدین دو لیوان آب مصرف نمود و روزه دار بود؟

باسمه جلت اسمائه

شخص مورد سئوال نمی تواند روزه بگیرد و آبی که دکتر دستور داده باید بخورد; اگر حالش خوب شد و بیماریش تا ماه رمضان بعد برطرف شد قضا واجب می شود; و مقتضای احتیاط استحبابی آن است که چیز دیگری غیر از آن مقدار آبی که دکتر دستور داده نخورد و برای هر روز که افطار می کند، یک مُد طعام صدقه بدهد.

س ۲۴۵ : شخص روزه دار برای چشیدن غذا مقداری آب در دهان گذاشت که مضمضه کند، قهراً فرو رفت; آیا افطار عمدی شده یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

در خصوص داخل کردن آب در دهان و فرو رفتن در جوف، به صورت قهری، قضا لازم است; اما کفاره لازم ندارد.

س ۲۴۶ : اگر شخص از چشم یا دماغ یا زیر گلو آب بخورد، مفطر روزه است یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

میزان صدق اکل و شرب و دخول در معده است; در آن صورت مفطر است.

س ۲۴۷ : اگر مکلف بعضی از ماه رمضان را عمداً روزه نگرفت و تا ماه رمضان بعدی هم قضا نکرد، آیا کفاره جمع دارد یا تأخیر؟

باسمه جلت اسمائه

چون کفاره جمع ممکن نیست، واجب نیست.

س ۲۴۸ : آیا در قضای ماه رمضان ترتیب در روزها لازم است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، ترتیب لازم نیست.

س ۲۴۹ : اگر زن می داند یا احتمال می دهد در ماه رمضان حیض می شود، روزه را بگیرد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

اگر بداند، روزه واجب نیست; و اگر احتمال دهد، واجب است.

س ۲۵۰ : اگر کافر قبل از

زوال مسلمان شد، آیا واجب است بقیه روز را امساک کند یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

امساک بقیه روز واجب نیست.

س ۲۵۱ : اگر روزه دار غفلت کرد و چیزی خورد، آیا حکم ناسی را دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، میزان عدم تعمد است.

س ۲۵۲ : اگر روزه دار اخباری از پیامبر اکرم(ص) نقل کرد و دروغ بود، با این که قصد او بیان خبر صادق است آیا روزه او باطل است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، باطل نیست.

س ۲۵۳ : اگر کسی فراموش کرد که روزه است و چیزی خورد، سپس یکی به او گفت روزه تو باطل شد و او دوباره خورد، آیا افطار عمدی است؟

باسمه جلت اسمائه

خوردن دومی عمدی بوده است و روزه باطل شده است.

س ۲۵۴ : آیا اگر روزه دار برای تقیه از ظالم، قبل از غروب افطار کرد، روزه اش باطل می شود؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، باطل می شود; مگر آن که افطار کند به چیزی که نزد عامه مضطر نیست و نزد ما مضطر است; در چنین موردی روزه باطل نمی شود.

س ۲۵۵ : آیا جائز است شخص روزه دار در روز حجامت کند با این که می داند موجب ضعف شدید می شود؟ در صورتی که طبیب لازم می داند حجامت در روز باشد، چطور؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، روزه باطل نمی شود.

س ۲۵۶ : زیـد مقلـد مجتهـدی است که می گوید فطره میهمان که اول غروب وارد می شود و خارج می شود، به عهده میزبان است; ولی میزبان مقلـد کسـی است که می گویـد این مقـدار کافی نیست برای صدق «عیال» و فطره او به عهده خود او است. آیا فطره میهمان ساقط می شود

با فرض این که میزبان نیز با استناد به فتوای مجتهد، فطره نمی دهد؟

باسمه جلت اسمائه

میزبان لازم نیست بپردازد.

س ۲۵۷ : اگر برای بعضی به بیّنه یا شهرت غلبه ظن معتبر حاصل شد که ماه شب عید فطر یا قربان ثابت شد، ولی احتمال ضعیف می دهد که عید نباشد، آن روز را روزه می گیرد و بعد به سفر می روند; نیّت روزه با این غلبه آیا جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، جائز نیست.

س ۲۵۸ : زنی جاهل قاصر، نسیاناً در ماه رمضان چیزی خورد، بعد شخصی جاهل به او گفت روزه تو باطل شد زن دوباره چیزی را خورد، آیا قضا و کفاره دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، قضا و کفاره دارد.

س ۲۵۹ : اگر کسی معتقد به این است که روزه ضرر ندارد و انکشف الخلاف; آیا روزه اش صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

در صحت صوم اشکال است; احوط قضاء است.

س ۲۶۰ : آیا امساک قبل از فجر به چند دقیقه از باب مقدمه علمیه لازم است یا مستحب؟

باسمه جلت اسمائه

امساک قبل از فجر واجب نیست.

س ۲۶۱ : با استناد به روایت «یحلّ لهم یا یسع لهم الإفطار» که از شیخ و شیخه (پیرمرد و پیرزن) وجوب برداشته شد، آیا جواز روزه هست؟

باسمه جلت اسمائه

سقوط صوم از شیخ و شیخه در صورتی که صوم حرجی باشد به نحو رخصت است نه عزیمت; بنابراین، روزه گرفتن جائز

است.

س ۲۶۲ : اگر کسی در ماه رمضان از حرام روزه اش را خورد مثل زنا و امثال آن، بعضی می فرمایند باید کفاره جمع گرفته شود; ۶۰ روز روزه و ۶۰ مسکین طعام دادن، اما «بنده» وجود ندارد،

باید چکار کند؟

باسمه جلت اسمائه

چون بنده موجود نیست، می شود به یکی از آن دو; یعنی روزه و اطعام اکتفا نمود.

س ۲۶۳ : کسی که روزه رمضان را خورده است، در قضایش اگر بعد از ظهر افطار کند، آیا کفاره دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، کفاره دارد; و کفاره آن اطعام ده مسکین و برای هر مسکین یک مُد طعام است.

س ۲۶۴ : اگر اجیر بر مؤجر شرط کند که نفقه اش را بدهد، آیا زکات فطره اجیر شب عید فطر بر مؤجر است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، بر خودش است; چون عیال او حساب نمی شود.

س ۲۶۵ : با توجه به مسائل «زکات فطره» در رساله لطفاً بفرمایید منظور از «نان خور» چیست؟ آیا به مجرد صرف یک افطاری در شب عید فطر توسط مهمان، عنوان عیلولت، نان خور بودن و تحت تکفل بودن بر مهمان صدق می کند؟

باسمه جلت اسمائه

انسان باید فطره کسانی که در غروب شب عید فطر نان خور او حساب می شوند، بدهد; و هم چنین مهمانی که در شب عید فطر قبل از غروب شب عید وارد شده و شام در آن جا می خورد.

س ۲۶۶ : بچه نابالغی که حدود ۱۲ سال سن دارد، در یک شهر دیگر کار می کند و از دستمزد خودش تمامی مخارج خود را تأمین می کند، آیا فطریه چنین بچه ای به عهده پدر است؟

باسمه جلت اسمائه

نه بر پدر فطریه او واجب است و نه بر خودش.

س ۲۶۷ : اگر زنی به طلاق رجعی از شوهرش جدا شود و به حکم دادگاه شوهر این زن نفقه در دوران طلاق را پرداخت کرده است و از همدیگر

جدا زندگی می کنند، آیا زکات فطره این زن به عهده شوهرش است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، شوهرش باید فطریه او را بدهد.

س ۲۶۸ : آیا زکات فطره را با وجود مستحق در شهر خود می توان به شهر دیگر منتقل کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می توان منتقل نمود.

س ۲۶۹ : آیا می شود زکات فطره در ماه رمضان را به قرض به فقیر داد و روز عید او را ابراء کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می شود.

س ۲۷۰ : اگر کسی در ماه رمضان ادعا کند مریض هستم، الف: آیا می شود به او غذا یا آب داد؟

باسمه جلت اسمائه

مانعی ندارد.

ب: آیا جاهل قاصر غیر ملتفت و جاهل قاصر ملتفت و جاهل مقصر در حکم مزبور یکسانند یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

بلی یکسانند.

ج: و حکم روزه جاهل مذکور چیست؟

باسمه جلت اسمائه

حکم روزه، حکم نماز است.

س ۲۷۱ : الف: خانمی که وظیفه او در روزه ماه مبارك رمضان غسل استحاضه بوده است و عمداً تا تنگی وقت تأخیر می اندازد، به این امید که در تنگی وقت تیمم کند ولی در تنگی وقت تیمم را فراموش می کند، حکم روزه او چیست؟

باسمه جلت اسمائه

غسل روزه شرط صحت صوم است، اگر آن را ترک کند، روزه اش باطل است.

س ۲۷۲ : ب: اگر غسل برای او ضرر داشته باشد و وظیفه او تیمم بدل از غسل باشد، در این صورت اگر تیمم را فراموش کند، حکم روزه او چیست؟

باسمه جلت اسمائه

روزه اش صحیح نیست.

س ۲۷۳ : خانمی که شب جنب می شود و به خاطر این که وسواس در غسل دارد عمداً می خوابد تا در تنگی وقت تیمم کند; اتفاقاً بعد

از اذان صبح بیدار می شود، آیا روزه آن روز صحیح است؟ یا این که علاوه بر قضا، کفاره هم دارد؟

باسمه جلت اسمائه

در صوم رمضان اگر عمداً بخوابد و بنای بر عدم غسل داشته باشد، روزه او باطل است; خصوصاً که تیمم هم ننماید; و قضا لازم است و کفاره هم دارد.

س ۲۷۴ : در احکام روزه توضیح المسائل آمده است: اگر کسی بدون اجرت بچه را شیر بدهد، لازم است مادر روزه بگیرد، آیا تفحص برای پیدا کردن کسی که بدون اجرت شیر بدهد، لازم است؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً تفحص لازم نیست.

س ۲۷۵ : قطره ای که به چشم می ریزند اما مزه آن در حلق حس می شود، آیا استفاده از آن برای روزه دار اشکال دارد و یا خارج کردن آب دهان کفایت می کند؟

باسمه جلت اسمائه

با خارج کردن آب دهان کفایت می کند; ولی مکروه است چنین قطره ای به چشم ریخته شود.

س ۲۷۶ : سرمه ای که خانم به چشم می کشد اگر سیاهی آن در گلو وجود داشته باشد آیا برای روزه مشکل ندارد؟ آیا با یقین به این که که به حلق می رسد، خانم می تواند سرمه بکشد؟

باسمه جلت اسمائه

حکم این مسأله، حکم مسأله سابق است.

س ۲۷۷ : زنی که در ماه رمضان حامله بوده و تا ماه رمضان بعدی به خاطر شیر دادن از گرفتن روزه قضا معذور بوده، آیا کفاره هم باید پرداخت کند یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

وجوب کفاره بعید است ولی موافق احتیاط است.

س ۲۷۸ : خانمی بعد از استفاده از کرم واژینال، در سحر ماه مبارک رمضان خون زیادی می بیند که مردد بین

خون زخم و خون استحاضه است، لذا غسل انجام نمی دهد تا بعد از اذان ظهر؛ حکم نماز و روزه او چیست؟

باسمه جلت اسمائه

روزه او صحیح است و نماز هم صحیح است؛ و برای بعد هم غسل لازم نیست.

س ۲۷۹ : در سن ۹ و ۱۰ سالگی به دلیل بیماری از من روزه هایی قضا شده، الآن نمی دانم آیا بیماری تا ماه رمضان بعدی استمرار داشته است که روزه های گذشته قضا نداشته باشد یا کوتاهی کرده ام که قضا داشته باشد؛ وظیفه ام چیست؟

باسمه جلت اسمائه

چون وجوب قضا ثابت نیست، مقتضی اصل عدم وجوب است.

س ۲۸۰ : اگر در ماه رمضان در اتاق خود حدیث دروغ یا ضعیف السند نقل می کند و روایت می کند در کتاب که تألیف کند که بعد از ماه رمضان منتشر شود، آیا مفطر است یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، مفطر نیست.

س ۲۸۱ : آیا ریختن قطره به چشم یا گوش در ماه رمضان که مزه آن به حلق می رسد جاوز است؟

باسمه جلت اسمائه

جائز است به شرط آن که از حلق بیرون ریخته شود و داخل معده نشود؛ ولی مکروه است.

س ۲۸۲ : کسی که میگرن و سردرد دارد و اگر روزه بگیرد مقداری بیشتر می شود، آیا می تواند افطار کند؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه تحمل مقدار زیادی درد موجب مشقت باشد، بلی می تواند افطار کند.

س ۲۸۳ : اگر شخص در قضای ماه رمضان روزه را نگرفت، و دوباره عذر آمد، آیا کفاره فدیه دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، کفاره تأخیر دارد.

س ۲۸۴ : کسی که در روزه قضای ماه مبارك رمضان یا استیجاری یا نذر معین و

غیر معین بدون تحقیق این که صبح شده یا نه، سحری خورده و بعد فهمیده که صبح شده بود، حکم آن روزه چیست؟

باسمه جلت اسمائه

کسی که اعتقاد به بقای شب ندارد و سحری می خورد بعد می فهمد که صبح شده بوده، روزه آن روز، روزه صحیحی نیست و قضای آن لازم است؛ و اگر مراعات نموده باشد و اعتقاد به بقای شب داشته، روزه او صحیح است؛ ولو بعد بفهمد صبح شده بوده.

س ۲۸۵ : کسی که کفاره روزه بدهکار است و قصد دارد اطعام کند، آیا با کنار گذاشتن پول کفاره می تواند روزه مستحبی بگیرد؟

باسمه جلت اسمائه

بدون کنار گذاشتن پول کفاره هم می تواند روزه مستحبی بگیرد؛ چون روزه ای که به عنوان کفاره واجب است، واجب تخییری است. به علاوه اگر تعیینی هم باشد، باز روزه مستحبی صحیح است.

س ۲۸۶ : آیا می توانیم کفاره روزه را به قیمت ۷۵۰ گرم نان دولتی بدهیم؟

باسمه جلت اسمائه

خیر باید عین نان یا گندم... باشد؛ و از حیث وزن هم قدری بیشتر باشد.

س ۲۸۷ : در رساله توضیح المسائل نوشته است: «اگر روزه دار مسواک را از دهان بیرون آورد یا نخ را با آب دهان تر کند به دهانش ببرد و رطوبت آن را فرو ببرد روزه اش باطل می شود: مگر این که رطوبت مسواک در آب دهان به طوری از بین برود که رطوبت خارج...»

اولا: معنای از بین رفتن رطوبت مسواک در آب دهان چیست؛ آیا مراد این است که آب دهان خشک شود یا چیز دیگر؟

باسمه جلت اسمائه

مراد استهلاک رطوبت مسواک در آب دهان است.

س ۲۸۸ : ثانیاً: آیا حکم

مزبور مخصوص به رطوبت مسواک به آب دهان است یا شامل رطوبت دیگر هم می شود؟

باسمه جلت اسمائه

شامل رطوبت دیگر هم می شود.

س ۲۸۹ : اگر شخص در ماه رمضان استمناء کرده و نمی دانست که غسل دارد و روزه را باطل می کند، و فقط می دانست که استمناء کار خلاف است، آیا نماز و روزه را باید اعاده کند، چه جاهل قاصر یا مقصر باشد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر جاهل قاصر باشد، یعنی معتقد باشد به این که استمناء مفطر نیست، بطلان روزه بعید است.

مبطلات روزه

س ۲۹۰ : درصورتی که مکلف در یکی از مفطرات روزه علم به آن ندارد، اگر قصد افطار آن را کرد، روزه را باطل می کند؟

باسمه جلت اسمائه

قصد افطار منافی قصد صوم است؛ قهراً روزه باطل می شود.

س ۲۹۱ : کسی که آندوسکوپی کرده و بینی او زخم شده و خون به گلو می رود و بی اختیار فرو می رود، آیا روزه او باطل است؟

باسمه جلت اسمائه

خون بدون اختیار آن هم اگر از توی دهان فرو برود، روزه را باطل نمی کند.

س ۲۹۲ : عادت خانمی همیشه ۱۰ روزه است که ساعت ۸ صبح روز یازدهم ۱۰ روز او کامل می شود سحر روز دهم خود را پاک می بیند؛ لذا با غسل وارد صبح می شود و ساعت ۱۰ صبح دوباره خون می بیند، آیا این خون تجاوز عن العشره را دارد؟ بنابراین، روزه او باطل است یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

خون مذکور حیض نیست و استحاضه است؛ و در صورت غسل استحاضه، اگر متوسطه یا کثیره باشد، روزه صحیح است.

روزه مسافر

س ۲۹۳ : در مورد دانشجویان که در شهری برای تحصیل سه روز می مانند و بعد به وطن می روند و یا اینکه پنج روز در آن

شهر هستند سپس به وطن برمی گردند و این عمل چهار سال پیاپی تکرار می شود، در مورد صلاه و صوم آن ها دستور فرمایید.

باسمه جلت اسمائه

در کثیر السفر من در قصر و تمام صلاه و صوم افطار احتیاط می نمایم؛ هنوز نتوانستم فتوا به یک طرف بدهم و لذا امر بفرمایید به مؤمنین که در این مسأله به دیگری رجوع بنمایند.

س ۲۹۴ : شخصی

در ماه مبارك رمضان مسافر بود، بعد از اذان ظهر به وطن خود می رسد با توجه به این که در سفر افطار نکرده است، آیا می تواند روزه بگیرد؟ (با این توضیح که چون وقت باقی بود نماز ظهر و عصر را در بین راه نخواند، بلکه بعد از رسیدن به وطن نماز را کامل خوانده است).

باسمه جلت اسمائه

خیر، بعد از اذان ظهر اگر برسد، نمی تواند روزه بگیرد.

س ۲۹۵ : شخصی هر روز به بیش از مسافت شرعی سفر می کند، با این توضیح که همیشه بعد از اذان صبح از وطن خود حرکت می کند و قبل از اذان ظهر، به آن شهر می رسد; حکم نماز و روزه ی این شخص را بیان کنید.

باسمه جلت اسمائه

نماز تمام است و روزه هم باید بگیرد; البته اگر در سفر چیزی نخورده باشد.

س ۲۹۶ : مسافری که به وطن برمی گردد، برای صحت روزه اش اگر به حد ترخص برسد، کافی است یا باید به وطن برسد؟

باسمه جلت اسمائه

به حد ترخص برسد، کافی است.

س ۲۹۷ : کسی که از وطن خود رفته و در جایی ۳۰ یا ۴۰ سال زندگی کرده، وقتی به وطن خود برگردد، آیا نماز و روزه ی او تمام است؟ با فرض این که او را دیگر الآن عرفاً اهل آن شهر نمی گویند؟

باسمه جلت اسمائه

مادامی که اعراض نکرده است، بلی تمام است.

س ۲۹۸ : مسافری که قصد ماندن ده روز کرده و خیال می کرده قصد اقامه عشره تا بعد از ظهر روز دهم در اکمال عشره ایام کفایت می کند و محقق می شود، سپس متوجه شد که

اکمال عشره به غروب روز دهم است، آیا قصد اقامه عشره درباره او صدق می کند یا نه؟ حکم نماز و روزه اش چیست؟

باسمه جلت اسمائه

در این مورد نماز شکسته است و روزه نباید بگیرد.

رؤیت هلال

س ۲۹۹ : چنان چه برای مرجع تقلید ثابت شود که رؤیت هلال شده و عید فطر است و همین که از او سؤال شود بفرماید اول ماه برای من ثابت شده ولی حکم نکند، مقلد او به محض سؤال و اطلاع آیا می تواند افطار کند؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه موجب اطمینان شود، یا کاشف باشد از آن که از شهادت عدلین، یا تطویق ثابت شده است، بلی مقلد او می تواند افطار کند.

س ۳۰۰ : آیا خروج ماه از محاق بر ثبوت آن کافی است یا باید رؤیت هم بشود؟

باسمه جلت اسمائه

میزان رؤیت هلال است.

س ۳۰۱ : مسلم است که هر چه انسان در ارتفاع بالاتری از سطح زمین قرار گیرد، افق مرئی و ظاهریِ او در فاصله دورتری از وی قرار می گیرد; به طوری که به عنوان مثال اگر چشم ناظر در فاصله دو متری از سطح زمین قرار داشته باشد، افق در فاصله حدود ۵ کیلومتریِ او واقع می شود و اگر در ارتفاع ۵۶۷۰ متری (قله دماوند) از سطح زمین قرار گیرد، افق مرئی در فاصله ۲۶۹ کیلومتریِ ناظر قرار خواهد داشت و به همین ترتیب اگر انسان در ارتفاع ۸۸۵۰ متری (قله اورست در کشور نپال) از سطح زمین قرار گیرد، افق او در فاصله ۳۳۶ کیلومتری خواهد بود. و اما اگر به وسیله هواپیما در فاصله ۱۲ کیلومتریِ از سطح زمین قرار گیرد،

افقِ او هم در فاصله ۳۹۱ کیلومتری قرار خواهدگرفت و قادر خواهد بود تا افق چندین شهر را هم که در فاصله دوری از او قرار دارنـد، ببینـد. ضـمن آن که در رؤیت با هواپیما بر خلاف وضـعیت مشابه در روی زمین، افق بسـیار پاک و شـفاف می باشد و زمینه منـاسب تری را برای رؤیت هلال هـای ضـعیف فراهم می سـازد. اکنون با عنایت به آن چه عرض شـد، بفرماییـد در این صـورت حکم رؤیت هلال در منـاطق بسـیار مرتفـع چگونه است و آیـا رؤیت هلال از طریق هواپیمـا را مجزی می دانیـد؟ در صورت کافی دانستن رؤیت از طریق هواپیما، آیا می توان حداکثر ارتفاع هواپیما برای مجزی بودن رؤیت را به اندازه بلندترین نقطه مرتفع زمین تعیین کرد، یا آن که در حکم این مسأله محدودیتی برای بالا رفتن هواپیما وجود ندارد؟

باسمه جلت اسمائه

رؤیتی که حجت است بر صوم و افطار، رؤیت متعارف است; و به این گونه که نوشته شده است، رؤیت کافی نیست.

س ۳۰۲ : اگر پس از طلوع خورشـید و قبـل از زوال، هلال دیـده شود، آیا این رؤیتِ قبل از زوال، اثبات کننـده اول ماه بودن همان روز خواهد بود؟

باسمه جلت اسمائه

به دیدن هلال قبل از زوال، اول ماه بودنِ همان روز ثابت می شود.

س ۳۰۳ : در برخی موارد هلال هـای نـازک اول مـاه در زمـان غروب خورشـید، ارتفاع بسـیار کمی از افق دارنـد و جوّ غلیظ نزدیـک سـطح زمین عملا ـ مـانع عبـور نـور ضـعیف هلال می شود و دیـدن آن را حـتی بـا ابزار نجومی (دوربین دوچشـمی و تلسکوپ) هم غیرممکن می سازد; اما هنگامی که

این گونه هلال ها هنوز به افق نزدیک نشده اند، می توان آن ها را رؤیت نمود. با توجه به مطلب فوق، اگر هلال بعد از ظهر دیده شود، ولی در لحظه غروب خورشید به دلیل ارتفاع کم هلال، قابل رؤیت نباشد; آیا این رؤیتِ قبل از غروب خورشید اثبات کننده اول ماه بودن روز بعد خواهدبود، یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

روایات بخصوصی دال است بر این که رؤیت هلال بعد از زوال مانند دیدن قبل از غروب خورشید است و دلیل است بر این که آن روز آخر ماه قبل و فردای آن، اول ماه بعد است.

س ۳۰۴ : آیا هلال با رؤیت رصدی و چشم مسلح مجزی است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر مجزی نیست.

خمس و زکات

س ۳۰۵ : کشاورزی مقدار ۸۰۰ کیلو گندم و ۸۰۰ کیلو جو برداشت نموده که هر کدام به تنهایی به حد نصاب نمی رسد، با توجه به این که هر کدام به حد نصاب نمی رسد بلکه ترکیب هر دو به حد نصاب می رسد، آیا زکات واجب است؟

باسمه جلت اسمائه

شرط تعلق زکات، رسیدن هر کدام از اجناس به حد نصاب است; پس، در مورد سؤال زکات واجب نیست.

س ۳۰۶ : کسانی که قنات مشترکی برای آبیاری مزرعه شان دارند، اگر قنات مذکور نیاز به مخارجی از قبیل تمیز کردن چاه و تعمیرکار داشته باشد، آیا مخارج مذکور را می شود از مخارج سالیانه حساب کرد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر از مؤونه حساب نمی شود; چون مؤونه زندگی نیست; مؤونه کسب است.

س ۳۰۷ : کسی که محتاط است و در مسائل شرعی به احتیاط عمل می کند، خمس مالش را به چه کسی بدهد؟

باسمه

جلت اسمائه

به هر مجتهدی می تواند بدهد که سهم امام علیه السلام را در مواردی که همه مراجع قابل مصرف می دانند، مصرف کند.

س ۳۰۸ : پدر این جانب ۷۸ سال داشته و بازنشسته است، و در ساخت منزل مقداری مقروض گردیده، چنان چه من از بدهی مانده ایشان مبلغی را بپردازم، آیا می توانم در پایان سال از حساب سهم امام کسر نمایم یا خیر؟ اگر ماهیانه کمک نمایم چطور؟

باسمه جلت اسمائه

خیر نمی توانید; زیرا، اگر بر ایشان فقیر صدق بکند واجب النفقه شما هستند; و اگر صدق نکند، سهم امام(ع) نمی شود به ایشان بدهید.

س ۳۰۹ : مادر این جانب مسن است و به عنوان کمک هزینه به ایشان ماهیانه مبلغی پرداخت می نمایم، آیا جمع آن را در پایان سال می شود از حساب سال کسر نمود؟

باسمه جلت اسمائه

به همان جهت که در سؤال قبل ذکر شد، نمی توانید کمک هزینه ایشان را از سهم حساب کنید.

س ۳۱۰ : خانمی را که دارای دو فرزند بی سرپرست می باشد، به عنوان عقد موقت صیغه نمودم، آیا مخارجی که صرف کمک به آن خانواده می شود از سهم امام می توان کسر کرد; با علم به این که مستحق هستند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، جائز است; نهایت مخارج اعیانی نباشد; و من به شما اجازه می دهم.

س ۳۱۱ : اگر با عین پول خمس داده مغازه ای خریده ام و قصد از خرید مغازه تجارت نبوده است، حالا بعد از چند سال به قیمت گران تر بفروشم، اگر این پول را تا آخر سال خمسی نگه دارم، آیا به مازاد آن خمس تعلق می

گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

به مازاد خمس تعلق می گیرد.

س ۳۱۲: بدهی های شخصی که در سال آینده ی خمسی باید پرداخت شود را می توان در پایان سال کسر کرد یا باید در همان سال خودش کسر نمود؟

باسمه جلت اسمائه

بدهی به واسطه خرید مؤونه امسال است می توان در پایان سال کسر نمود، والا نمی شود؛ باید در همان سال خودش کسر نمود.

س ۳۱۳: در منزلی که مستقر می باشم شش دانگ به نام مادر این جانب بود، ایشان سه دانگ آن را به این جانب بخشید و به نام من کرد، این سه دانگ که به نام این جانب و بخشش مادرم می باشد، خمس دارد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه در آن جا سکونت می نمایید، خمس ندارد؛ والا خمس دارد.

س ۳۱۴: پولی را به قصد هدیه به کسی پرداخته ایم ولی او خیال کرده که به قصد قرض بوده است و بعد از سال خمسی به ما برگردانده است؛ الف) آیا مجاز به گرفتن این پول می باشیم؟

باسمه جلت اسمائه

بلی مجازید؛ چون هبه محقق نشده است. هبه از عقود است و بدون قبول محقق نمی شود.

س ۳۱۵: ب) آیا خمس آن باید فوراً پرداخت شود؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، خمس آن را باید فوراً پرداخت.

س ۳۱۶: شخص کشاورزی که به او زکات تعلق گرفته است در صورتی که بدهکار باشد و بخواهد زکات مال را بدهد به عسر و حرج می افتد. الف) آیا می تواند در صورت عسر و حرج از زکات مال خود برای بدهکاری مصرف کند یا خیر؟ ب) آیا می تواند زکات را به

فقیر دهد به شرط این که فقیر زکات را به صاحب مال هبه کند؟

باسمه جلت اسمائه

از زکات خود نمی تواند برای بدهکاری مصرف کند، ولی می تواند به فقیر بدهد و شرط کند فقیر به صاحب مال هبه کند.

س ۳۱۷ : اگر فقرا زیاد بودند و زکات کم بود، آیا می شود به هر کدام کمتر از صاع داد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می شود.

س ۳۱۸ : اگر بعضی چیزها در بازار، قیمت ندارند ولی جنبه دارویی دارد، مانند پوست میوه جات و مانند آن، آیا سرِ سال، خمس این ها را باید داد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، لازم نیست.

س ۳۱۹ : شخصی فوت کرده است و خمس سرمایه را (زمین کشاورزی) نداده است؛ زیرا، اگر خمس آن را می داد مکفی به شئونات زندگی نبوده، بعد سرمایه را فروخته است و شش ماه بعد فوت می کند؛ آیا این پولی که به ورثه می رسد، در صورتی که سال خمسی متوفی به او برخورد کرد، خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، خمس دارد.

س ۳۲۰ : آیا دو نفر که خود بدهکار و فقیر هستند و در عین حال زکات بر آن ها واجب شده است، می توانند زکات خود را به یکدیگر بدهند؟ (به این صورت که شرط دادن زکات هر یک به دیگری گرفتن زکات از طرف مقابل باشد)

باسمه جلت اسمائه

بلی می توانند با همان شرط ذکر شده زکات خود را به دیگری بدهند.

س ۳۲۱ : چیزی که برای مؤونه خریده، بعد معلوم شد از مؤونه نیست و قیمت خرید و قیمت فعلی فرق دارد، کدام یک را حساب کند تا خمس آن را بدهد؟

باسمه جلت اسمائه

قيمت

فعلی را باید حساب کند.

س ۳۲۲ : نظر به اینکه مراجعات مقلدین حضرتعالی نسبت به محاسبه وجوهات شرعیه در طول سال و خصوصاً ایام عمره و حج وجود دارد، مستدعی است جهت تسهیل در امر محاسبه خمس بفرمایید:

الف) سؤالات لازمه نسبت به گروه های شغلی (کارمند کاسب طلبه و...) چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

گروه های مختلف هرگاه از تجارت یا کسب های دیگر، مالی به دست آورند اگر چه مانند نماز و روزه میتی را بجا آورند و از اجرت آن مالی تهیه کنند، چنان چه از مخارج سال خود و عیالاتشان زیاد می آید، باید خمس آن ها را بدهند; و هم چنین اگر چیزی به کسی ببخشند، باید خمس آن را بدهد; اگر از مخارج سالش زیاد بیاید.

س ۳۲۳ : ب) مواردی که خمس به آن ها تعلق نمی گیرد، چیست؟

باسمه جلت اسمائه

اگر ارثی به کسی بدهند که گمان ارث بردن از او را ندارد، خمس ندارد; مگر آن که بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده خمس آن را نداده است. در این صورت، باید خمس آن را بدهد.

س ۳۲۴ : ج) آیا منظور از گذشتن سال بر اموال منقول و غیر منقول فرا رسیدن سال خمسی است، یا گذشت ۱۲ ماه بر این اموال که به صورت جداگانه برای هر مورد باید مورد محاسبه قرار گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

مجموع از منافع که در سال به او می رسد، یک سال می تواند برای مجموع قرار دهد که حکم مالی که یک روز قبل از سال به او می رسد با مالی که در اول سال رسیده است

یکی است. مصارف سال را کم نموده، خمس بدهد.

س ۳۲۵ : د) آیا پولی که از طریق رهن دادن خانه و یا وامی که گرفته ایم و آن ها را بـدهکار هستیم به دست می آید، خمس دارد؟ آیـا پولی را که برای رهن گرفتن خـانه در دست صـاحب خانه داریم، متعلق خمس واقع می شود؟ پولی را که به کسـی قرض داده ایم، چه؟

باسمه جلت اسمائه

غیر از پولی که به کسی قرض داده اید، بقیه اقسامی که قبل از آن ذکر شده است، در هیچ کدام خمس تعلق نمی گیرد.

س ۳۲۶ : ه) آیا به هدیه و جایزه اگر از مخارج سال زیاد بیاید، خمس تعلق می گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

خمس به آن تعلق می گیرد.

س ۳۲۷ : و) آیا خمس سرمایه کار را باید پرداخت؟

باسمه جلت اسمائه

خمس آن را باید بدهد.

س ۳۲۸ : در صورتی که شـخص بخواهد خمس سـرمایه کار را بدهد نمی تواند با بقیه آن کار کند؛ آیا در این فرض بایستی خمس را پرداخت کند؟

باسمه جلت اسمائه

در خصوص این صورت خمس لازم نیست.

س ۳۲۹ : آیا جهیزیه دختر (اگر نمی تواند یک دفعه تهیه کند) خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خمس به آن تعلق نمی گیرد.

س ۳۳۰ : آیا پول جهیزیه دختر خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر نمی تواند یک دفعه تهیه کند، خمس ندارد; والا خمس به آن تعلق می گیرد.

س ۳۳۱ : آیا پس انداز جهت ازدواج خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خمس به آن تعلق می گیرد.

س ۳۳۲ : پول پس انداز شده جهت مسکن، آیا خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خمس لازم است بدهد.

س ۳۳۳ : آیا

پولی که بابت رهن خانه داده است، خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خمس ندارد.

س ۳۳۴ : وسائل منزل که مورد نیاز نیستند، اگر از پول خمس نداده در بین سال خریداری شده باشند، آیا خمس دارند؟

باسمه جلت اسمائه

خمس آن را باید بدهد.

س ۳۳۵ : آیا به مهریه زن خمس تعلق می گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

خمس دارد.

س ۳۳۶ : آیا باقیمانده آذوقه سال متعلق خمس است؟

باسمه جلت اسمائه

باید خمس آن داده شود.

س ۳۳۷ : آیا به پولی که قرض گرفته و سر سال در دست اوست و هنوز بدهکار است، خمس تعلق می گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

خمس ندارد.

س ۳۳۸ : افزایش قیمت اموال غیر سرمایه ای هنگام فروش مانند ارث و مالی که خمس را داده است، آیا متعلق خمس است؟

باسمه جلت اسمائه

خمس زیادی را باید بدهد.

س ۳۳۹ : آیا حقوق بازنشستگی (بعد از یک سال) متعلق خمس است؟

باسمه جلت اسمائه

خمس دارد.

س ۳۴۰ : در صورتی که میت بدهی خمسی داشته باشد، آیا به ارث خمس تعلق می گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

باید اول خمس از ماترک او داده شود، بعد بین ورثه تقسیم شود.

س ۳۴۱ : آیا فیش حج (بعد از یک سال) خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

باید خمس آن را بدهد.

س ۳۴۲ : آیا کفن و قبر (بعد از یک سال) خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خمس آن ها هم لازم است داده شود.

س ۳۴۳ : گاه در بازار به خاطر وضع اقتصادی موجود یک جنس تا چندین برابر قیمت پیدا می کند و ما یقین داریم این افزایش کاذب می باشد و بعد از مدتی به حالت عادی بر می گردد. در اثنای افزایش، سال خمسی فرا می رسد.

الف)

این جنس اگر جزء رأس المال ما باشد، آیا خمس زیادی واجب است؟

باسمه جلت اسمائه

بله، خمس زیادی واجب است.

س ۳۴۴ : ب) سال گذشته صد کیلو برنج برای مصرف خریده و خمس آن را داده ایم و شبیه مسئله بالا برای برنج به وجود آمد و عین آن موجود است، خمس آن را داده ایم; آیا افزایش قیمت آن خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، خمس دارد.

س ۳۴۵ : ج) در فرض فروش چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

باید خمس زیادی را بدهید.

س ۳۴۶ : اگر کارمندی از حقوق خود ماهانه یا سالانه مقداری کم کند و بعد به صورت قرض بدهد، آیا این مقدار که سال بر او گذشته خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، خمس ندارد.

س ۳۴۷ : اگر کسی دو منزل یا بیش تر دارد، ولی در سال از همه آن ها استفاده می کند، آیا زیاده بر یکی خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، خمس در هیچ کدام لازم نیست.

س ۳۴۸ : وقتی مؤونه از مؤونه بودن خارج شود، آیا خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، خمس دارد.

س ۳۴۹ : اگر آموزش و پرورش به کارمندانش وام داده و وام مذکور را در مدت سی ماه از حقوق آنان کم کند; اولاً: آیا بر

وام مـذکور خمس تعلق می گیرد؟ ثانیاً: اگر خمس تعلق نمی گیرد، در صورتی که شـخص خمس وام مـذکور را داده باشـد، آیا می تواند از خمسی که بعداً به وی تعلق می گیرد، خمس مذکور را کم کند؟

باسمه جلت اسمائه

به وام خمس تعلق نمی گیرد; و اجازه می دهم خمسی که داده بعداً حساب کند.

س ۳۵۰: اگر کسی با پولی که خمس آن

را داده است سکه خریده و نگهداری کند، چون پول ممکن است خرج شود ولی سکه را برای امرار معاش یا تهیه جهیزیه دخترش نگهداری می کند، آیا به سکه مذکور که خمس پول آن داده شده، دوباره خمس تعلق می گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

ابداً به هیچ چیزی که یک مرتبه خمس آن داده شده است، خمس تعلق نمی گیرد.

س ۳۵۱ : اگر در اثر تصادف به بچه ای دیه برسد و پدر بچه مقداری از آن دیه را صرف مخارج بیمارستان بچه نموده و بقیه را در مخارج زندگی خرج کند، در مقابل پدر می خواهد به اندازه پول دیه بچه که صرف مخارج زندگی کرده، مقداری ملک به نام بچه کند، آیا به ملک مذکور که به نام بچه انتقال یافته است، خمس تعلق می گیرد؟ ضمن آن که ملک مذکور از خانه مسکونی پدر است؛ زیرا، پدر فقط یک باب خانه مسکونی دارد و به خاطر رسیدگی به بیمارستان و کارهای دادگاهی پسر چند ماه از کار خود بیکار شده است، آیا می تواند حق خود را از همان دیه بردارد؟

باسمه جلت اسمائه

به آن مال خمس تعلق می گیرد و پدر هم می تواند معادل مخارجی که برای آن بچه کرده است، از دیه بپردازد.

س ۳۵۲ : آیا سهم امام علیه السلام، یا سهم سادات، یا زکات و صدقات که شخص می گیرد، بعد از سال هر چه اضافه آمد، باید خمس آن ها را بدهد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، باید بدهد.

س ۳۵۳ :در صورتی که کسی واجد یک یا چند مورد از موارد متعلق زکات باشد که به حد نصاب رسیده است، آیا

می تواند پول شیء مذکور را به عنوان زکات به قیمت روز بپردازد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می تواند.

س ۳۵۴ : اگر کسی چند سال خمس ندهد و پولی را که جمع کرده خانه مسکونی بخرد، یا با کسی اشتراکاً خانه مسکونی بخرد، آیا به پول مذکور که خانه خریده، خمس تعلق می گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، چون خمس قبل از خرید خانه تعلق گرفته است، و با خرید خانه ساقط نمی شود.

س ۳۵۵ : اگر طلبه، دوره جواهر یا بحار یا غیره را خرید ولی وقت خواندن آن را نداشت و در شأن او بود و سر سال خمس رسید، آیا خمس آن ها را بدهد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

لازم نیست خمس بدهد.

س ۳۵۶ : اگر مالی یا حقوق یا طلبی برای شخص اختصاص داده شده و هنوز قبض نکرده باشد و سر سال خمس رسید، آیا خمس آن ها را بدهد؟

باسمه جلت اسمائه

چون متعلق خمس ما یملك است و در این موارد شخص مالك است، خمس تعلق می گیرد.

س ۳۵۷ : اگر سال خمسی شخص رسیده، و حقوقی برای او هست و هنوز قبض نکرده است، آیا خمس آن ها را باید بدهد با این که هنوز داخل ملك او نشده است؟

باسمه جلت اسمائه

در حقوقی که در ذمه دیگران است، بلی باید خمس بدهد؛ اما در غیر آن، خیر.

س ۳۵۸ : آیا مصرف زکات برای امور ذیل جائز است؟ الف) برای ازدواج پسر؛ ب) برای جهیزیه دختر؛ ج) تشکیل صندوق قرض الحسنه؛ د) خرج دانشگاه اعم از خرید کتب و ثبت نام و شهریه و...؟

باسمه جلت اسمائه

در تمام این چهار مورد صرف زکات جائز است.

س ۳۵۹

: آیا می شود در زکات مال، گوسفند را کشت و بین فقرا تقسیم کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می شود.

س ۳۶۰ : سیم کارت های تالیا که با واریز کردن پول شارژ می شود و هر مقدار که مصرف شود از کارت کم می شود، سر سال خمسی مبلغی باقی مانده است، آیا به این مبلغ خمس تعلق می گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، تعلق می گیرد.

س ۳۶۱ : آیا عین خمس اگر قیمت آن بالا رود، صدق تعلق زیاده می شود لکن وجوب خمس بعد از فروختن آن است؟

باسمه جلت اسمائه

صدق زیادی مال می کند و باید خمس آن را بدهد، ولو نفروشد.

س ۳۶۲ : طبق نظر حضرت عالی آیا کارت آب، کوپن، کارت سوخت که قابلیت خرید و فروش دارد، خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، خمس دارد; چون مالیت دارد و یبذل بازائه المال.

س ۳۶۳ : سوغاتی برای کسی آوردیم، سال خمسی رسیده و هنوز به او تحویل نداده ایم، آیا باید خمس آن پرداخت شود؟

باسمه جلت اسمائه

مادامی که تحویل نداده اید مال شما است; بنابراین، خمس آن را باید پرداخت کنید.

س ۳۶۴ : شهریه ای که بعضی از علما و ائمه جمعه می دهند که از وجوهات شرعیه نیست، آیا خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی مانند بقیه فائده ها خمس دارد.

س ۳۶۵ : شخصی ملکی را به ده هزار تومان اجاره می کند و تخم و سائر مخارج را خودش می پردازد، آیا موقع پرداخت زکات وجه اجاره را کسر نماید و زکات مابقی را بدهد; و یا کسر نکرده، زکات آن را بپردازد؟

باسمه جلت اسمائه

اجرت زمین که پرداخته، نمی تواند از حاصل کم کند; در ملاحظه

نصاب بلی بعد از ملاحظه نصاب زکات آن مقدار را لازم نیست بدهد یعنی در وقت اخراج حساب می شود بالنسبه نه در وقت تعلق.

س ۳۶۶ : اگر در بین سال خمسی، منزل را بفروشد و قیمت ها بالاتر رود؛ دوباره خانه ای را بخرد و باز بفروشد و سه باره خانه می خرد مطابق شأن خود ولی با قیمت بالاتر، آیا این اضافات خمس دارد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه این ها همه در ضمن سال باشد، یعنی سال از آن زیادی نگذرد، خیر خمس واجب نیست؛ والا اگر تا بعد از رسیدن سر سال خانه نخریده باشد، بلی خمس به زیاده تعلق می گیرد؛ بلکه اگر خمس اصل پول خانه را نداده است، در این فرض به آن هم خمس تعلق می گیرد.

حج

س ۳۶۷ : اگر کسی مصدود از حج تمتع شد تا غروب عرفات، بعد آزاد شد و حج افراد انجام داد، آیا از حج تمتع مجزی است؟ و اگر این شخص اجیر بود، آیا اجاره او باطل می شود و اجره المثل دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، مجزی است؛ چون وقوف اضطراری را درک می کند.

س ۳۶۸ : کسی که چند میلیون تومان مالیات بدهکار است و مقداری برای ثبت نام حج دارد، اما اگر برای حج ثبت نام کند، نمی تواند مالیات را پرداخت کند، آیا چنین شخصی مستطیع است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر مستطیع نیست.

س ۳۶۹ : اگر رمی جمرات از پایین برای شخص حرجی بود و نائب نبود آیا رمی از طبقه بالا مجزی است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، مجزی است.

س ۳۷۰ : تحقق احرام حاج، به تلبیه و لباس و احرام

است، یا فقط به این است که لباس احرام را بپوشد؟

باسمه جلت اسمائه

در بیان حقیقت احرام شش قول ذکر شده است و مختار این است که حقیقت احرام عبارت است از: التزام و بناء نفسانی بر ترک محرمات; و شارع مقدس قیود و حدودی بر آن قرار داده و فرموده است بعد از تحقق احرام، مُحرِم از آن خارج نمی شود مگر به «مُحِل».

س ۳۷۱ : اگر حج کسی به دلیلی فاسد بوده است، با فرض آن که امکان رفتن حج در سال آینده برای خود او نیست، آیا واجب است نائب بگیرد; یا می تواند در سه سال دیگر شخصاً آن را بجا بیاورد؟

باسمه جلت اسمائه

واجب است در سال آینده نائب بگیرد.

س ۳۷۲ : آیا به کسانی که به «عمره» مشرف می شوند، می توان عنوان «حاج» اطلاق کرد؟

باسمه جلت اسمائه

تا حال می گفتم نمی شود; ولی اخیراً یک روایت دیدم که در آن فرموده اند: می شود; ولو سند روایت صحیح نیست; ولی امر غیر لزومی است; شاید قاعده تسامح در ادله سنن آن را بگیرد; با این حال، اگر به او «حاج» نگویند بهتر است.

س ۳۷۳ : اکنون رایج شده کسانی را که برای رفتن به حج ثبت نام کرده اند، افرادی که سنشان بیش تر است، نوبت آن ها را به خاطر پیر بودن ایشان به جلو می اندازند، آیا این امر از نظر شرعی جائز است چون به جای نوبت دیگران به مکه می رود؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، اشکال ندارد.

س ۳۷۴ : کسانی که با پرداخت پول بیش تر از پول ثبت نام حج بدون نوبت به حج می

رونـد و احتمال دارد که به جای دیگری برونـد یا جای چنـد نفر را خالی نگه دارنـد تا اگر کسـی با پول زیاد بخواهد ثبت نام کند او را به حج اعزام نمایند حج چنین افرادی چه صورتی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

حج آنان هیچ اشکالی ندارد; اگر اشکالی باشد، در دادن نوبت است که آن هم اشکال ندارد.

س ۳۷۵ : اگر دو نفر نیابت از حج تمتع میّتی کنند، یکی عمره را انجام دهد و دیگری حج را; آیا مجزی است؟

باسمه جلت اسمائه

در حج واجب، خیر; مجزی نیست.

س ۳۷۶ : اگر کسی بدون زاد و راحله به حج رفت و سال دیگر مستطیع شد، آیا دوباره باید به حج برود؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، باید به حج برود.

س ۳۷۷ : اگر شخصـی نیابت از دیگری برای حج داشـته باشد و خودش مستطیع نیست، آیا می تواند با عذر در قرائت صحیح، نیابت کند؟

باسمه جلت اسمائه

در غیر اجزاء و شـرائط حـج هر عملی که برای خود نائب صـحیح است، مجزی است از منوب عنه; بنابراین، در حج کسـی که عذر در قرائت صحیح دارد، حج خودش به دستوری که گفته شده، صحیح است و مجزی از منوب عنه.

س ۳۷۸ : اگر شخصـی خود مسـتطیع شود و در سال تشـرف که مسـتطیع شده، وصـیت شده باشد او در آن سال نیابت از میتی داشته باشد، تکلیف چیست؟

باسمه جلت اسمائه

چون وجوب حـج نیابی به واسـطه وصـیت و قبول آن، فعلی شـده است; و با وجوب آن، تمکن از اتیان حج اسـتطاعتی ندارد; بنابراین، استطاعت منتفی می شود و باید به وصیت عمل کند.

س ۳۷۹ : اگر کسی خود مستطیع

شد و بعد با فیش میت حج انجام دهد، تکلیف نسبت به میت و ورثه چیست؟ (توضیح این که فیش چون متعلق به میت است و از طرفی خود مستطیع است اگر استفاده از آن می کند، حق میت و ورثه ظاهراً از بین می رود).

باسمه جلت اسمائه

باید قیمت فیش را بپردازد; به مقداری که اگر نائب پیدا شد، با آن پول بتواند همان سال حج به جا آورد.

س ۳۸۰ : آیا دخول مکه با هواپیما و خارج شدن بدون احرام جائز است یا نه؟ اگر احرام لازم است، چطور از احرام درآید؟

باسمه جلت اسمائه

افراد مریض و خدمه هواپیما و امثال آنان می توانند بدون احرام وارد شوند، به همان صورت خارج شوند.

س ۳۸۱ : اگر طواف یا سعی صفا و مروه و رمی جمرات از طبقه بالاتر انجام شود، جائز است؟ و اگر چاره نبود، چه باید کرد؟

باسمه جلت اسمائه

رمی جمرات از طبقه بالا جائز است; اما طواف و سعی، جائز نیست.

قضاوت

س ۳۸۲ : با توجه به آیه شریفه «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» بفرمایید: الف) اگر در مهد کودک موهای پسری را عمداً و بدون ضرورت و اذن پدرش کوتاه کرده باشند و این کوتاهی در حدی نباشد که موجب نقص گردد، آیا قصاص دارد؟

باسمه جلت اسمائه

دیه و قصاص در موردی است که موجب نقص شود و دیه داشته باشد; و در مورد سؤال، نه دیه ثابت می شود نه قصاص. آیه کریمه هم آن را نمی گیرد; چون اعتداء نیست.

س ۳۸۳ : اگر انسان نمی تواند حق خود را از مدیون پول دار بگیرد، مانند زن نفقه

خود را، یا مهریه و یا دین و موارد دیگر، آیا می تواند تقاص کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، تقاص جائز است.

س ۳۸۴ : اگر سیدی فحش یا اهانت به معصوم(ع) کرد، آیا کشتن او واجب می شود یا نه؟ اگر محذوری نبود؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت سبّ بلی، قتل جائز است; به شرط عدم ترتب محذوری بر آن.

س ۳۸۵ : با عنایت به دو روایت معتبر ابوبصیر و ابی نصر بزنطی که در مورد فرار قاتل است، بفرمایید: آیا شرط تبدیل قصاص به دیه در موارد فرار قاتل، صرف فرار و عدم دسترسی به اوست یا طبق روایت بزنطی، فوت قاتل نیز شرط است (فلم یقدر علیه حتی مات)؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهر خبر بزنطی مورد موت قاتل است; ولکن خبر ابی بصیر شامل جمیع موارد تعذر دسترسی به او است; خصوصاً با تعلیل خبر به جمله دال بر اینکه خون مسلم هدر نمی رود.

س ۳۸۶ : اگر دو نفر همدیگر را قذف کردند، آیا تهاتر و تساقط صورت می پذیرد، یا هر دو حد دارند؟ در روایت دارد «فی الرجلین قذف أحدهما الآخر».

باسمه جلت اسمائه

روایات، مختلف; و عبارات آن ها مضطرب است. من بعید نمی دانم که اگر یکی اول قذف کرد و سب نمود، دومی به همان مقدار سب نمود گناهی انجام نداده باشد; لآیه الاعتداء بالمثل.

س ۳۸۷ : چنان چه کسی حقی از دیگری ضایع کند و شخص در مراجعه به قاضی، موفق نشود حقانیت خود را ثابت کند یا حقوق خویش را به طور کامل استیفا نماید (اعم از این که قاضی خلاف قانون حکم کند یا مدعی نتواند دلایل و شواهد کافی ارائه کند).

آیا کسی که مورد ظلم واقع شده، می تواند شخصاً مقابله به مثل نماید؟ مثلا اگر چرخ ماشینش را پنچر کرده بودند، او نیز چرخ ماشین خاطی را پنجر کند؟ یا اگر با ایجاد سر و صدا از او سلب آسایش نمود، او نیز در زمان دیگری از این شخص با ایجاد سر و صدا سلب آسایش نماید؟

باسمه جلت اسمائه

به حکم «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» می تواند مقابله به مثل کند.

س ۳۸۸ : در صورت فقر عاقله آیا دیه از جانب جانی تأدیه می شود یا بیت المال؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت فقر عاقله دیه باید از جانب جانی تأدیه شود.

س ۳۸۹ : آیا قاعده «کل ما کان فی الانسان اثنان ففیهما الدیه و فی احدهما نصف

الدیه و ما کان فیه واحد ففیه الدیه» که متخذ از روایات از جمله روایت

هشام بن سالم و عبدالله بن سنان می باشد، را به صورت مطلق می پذیرید؟ و یا تنها در مواردی مانند دست، چشم، گوش و... که منصوص است، آن را جاری می دانید؟

باسمه جلت اسمائه

قاعده کلیه است.

س ۳۹۰ : در صورتی که قاعده را مطلقا جاری می دانید، بفرمایید: الف آیا قاعده مزبور مختص به اعضا است یا در منافع نیز (چشایی لامسه احساس عطش و...) مطلقاً آن را جاری می دانید؟

باسمه جلت اسمائه

در منافع روایات خاصه هست که به تفصیل بیان شده است، احتیاج به خصوص این قاعده نیست.

س ۳۹۱ : ب آیا قاعده مزبور مختص اعضای ظاهری است یا شامل اعضای داخلی بدن مانند کلیه و کبد نیز می شود؟

باسمه جلت اسمائه

عموم قاعده

شامل اعضای داخلی بدن هم می شود; کما این که اطلاق آن شامل اعضایی که مقدر شرعی هم ندارد، می شود.

س ۳۹۲ : آیا موضوع دو روایت مزبور را می توان به قتل شبه عمد و خطای محضی که با بینه ثابت شده است، سرایت داد; یا این که دو روایت مزبور بیانگر حکم خاصی هستند که باید به مورد آن (قتل عمد) بسنده کرد؟ آیا حکم مزبور در دو روایت فوق قابل تسری به جنایت کم تر از قتل (اعم از عمد و غیر عمد) نیز می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، قابل تسری است; لاولویه و عموم التعلیل.

س ۳۹۳ : اگر پزشکی به اشتباه دارویی را تجویز نماید و پرستار نیز، بر اساس نسخه ای که پزشک پیچیده، دارو را به بیمار بخوراند، و بیمار در اثر خوردن دارو بمیرد، آیا پزشک که سبب تلف بوده، ضامن است; یا پرستار که مباشر تلف بوده است؟ در صورتی که پزشک ضامن باشد، دلیل آن را بفرمائید؟

باسمه جلت اسمائه

پرستار یقیناً ضامن نیست; اما پزشک اگر از مریض یا ولی او برائت گرفته باشد، او هم ضامن نیست; والا او ضامن است. این تفصیل به واسطه روایات است. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روایت معتبری است که فرموده است (من تطیب أو تبیطر فلیأخذ من ولیه وإلا فهو ضامن) س ۳۹۴ : در ورزش های خشن مانند بوکس، قبل از ورزش رضایت نامه می گیرند که در صورت وارد شدن خسارت، دیه بدهکار نباشد، آیا این کفایت می کند؟

باسمه جلت اسمائه

کفایت می کند; ولی این گونه ورزش ها که موجب صدمه زدن به بدن است، مشروع نیست.

س

۳۹۵ : در برخی متون فقهی این فرع مطرح شده است که اگر سیل، سنگ،

چوب و مانند آن را در معبر قرار دهد و شخصی آن را از جایی که سیل آورده به جای دیگری منتقل کند و عابری در اثر برخورد با این سنگ که جابه جا شده است صدمه ببیند، چه کسی ضامن است؟ با عنایت به فرع فوق مستدعی است بفرمایید:

الف پاره آجری از کامیونی ناشناس به جاده می افتد و زید آن را از وسط جاده به کنار جاده انتقال می دهد و عابری در اثر برخورد با این مانع صدمه می بیند، با توجه به محسن بودن جا به جا کننده پاره آجر، چه کسی ضامن دیه مصدوم است؟

باسمه جلت اسمائه

هیچ کس ضامن نیست.

س ۳۹۶ : ب در فرض فوق، در صورتی هم که راننده کامیونی که آجر او به جاده افتاده است معلوم باشد، آیا می توان راننده را ضامن دانست؟

باسمه جلت اسمائه

خیر نمی شود.

س ۳۹۷ : ج در فرضی که نه راننده مشخص باشد و نه جا به جا کننده آجر، آیا می توان به استناد قاعده «لا یبطل» دیه عابر مصدوم یا مقتول را از بیت المال پرداخت و آیا اصولا قاعده «لا یبطل» چنین مواردی را شامل می شود؟

باسمه جلت اسمائه

ابداً شامل نیست.

س ۳۹۸ : هرگاه قاتل پس از ارتکاب قتل متواری گردد و طبق قرائن و شواهد، امکان دسترسی به او نباشد، و قاضی طبق روایت ابوبصیر و ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی، قصاص را تبدیل به دیه نماید، بفرمایید:

الف آیا ولی دم می تواند از گرفتن دیه امتناع

نماید و هم چنان منتظر بماند تا روزی قاتل دستگیر شود، یا آن که قصاص به طور قهری به دیه تبدیل می شود؟

باسمه جلت اسمائه

قاتلی که بعد از قتل فرار کرده است و به حسب ظاهر امکان دسترسی به او نیست، حکم الله به دیه مبدل می شود; اگر مال دارد، از مال خودش برداشته می شود، وگرنه از اقرب فالاقرب. و اگر از اقرب نشود گرفته شود «اداه الامام(ع)» و ظاهر این روایت و روایت حریز مبدل شدن قصاص به دیه است و قصاص مرتفع است.

س ۳۹۹ : ب هر گاه ولی دم که ناامید از دستگیری قاتل است، دیه را بگیرد; ولی بعداً قاتل (که به ظاهر دسترسی به او ممکن نبوده) دستگیر گردد، آیا می تواند دیه را برگرداند و مطالبه قصاص نماید؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه ولی دم دیه گرفت، بعداً نمی تواند ادعای قصاص نماید.

س ۴۰۰ : ج در فرض فوق (بند ب) اگر ولی دم قادر به برگرداندن دیه نباشد، ولی اصرار بر قصاص قاتل داشته باشد، آیا می تواند ابتدا قصاص را اجرا نموده و بعداً دیه را در مهلت دو سه ساله برگرداند؟

باسمه جلت اسمائه

به طریق اولی در صورتی که نمی تواند دیه را برگرداند، وجهی بر جواز قصاص نیست.

س ۴۰۱ : د در صورتی که دیه را اقربای قاتل پرداخته باشند، آیا بعد از دستگیری یا تسلیم شدن قاتل، می توانند دیه را مطالبه کنند؟ اگر پاسخ مثبت است، از چه کسی حق مطالبه دارند، از اولیای دم یا از قاتل؟

باسمه جلت اسمائه

از اولیای دم نمی توانند مطالبه کنند و از قاتل اگر مال

دارد، می تواننـد دیه را مطالبه کنند; چون حکم اولی پرداخت دیه است از مال خودش; و اگر ندارد، نمی توانند آن را مطالبه نمایند.

س ۴۰۲ : در مسأله اجتماع اسباب، میان فقهای گرانقدر امامیه نظراتی به شرح ذیل، مشهود است: ۱ ضمان سبب مقدم در تأثیر (این قول به مشـهور نسـبت داده شـده است); ۲ ضـمان سبب اقوی; ۳ ضـمان سـبب مقدم در وجود; ۴ ضـمان سبب مؤخر در وجود; ۵ ضمان هر دو سبب.

مسـتدعی است بفرمایید، در صورت اسـتناد حادثه ای به دو یا چند سـبب، آیا تمامی اسـباب ضامن اند و یا یکی از آن ها؟ در صورتی که تمامی اسبابی که حادثه به آن ها مستند است، ضامن باشند، آیا بالسویه ضامن اند و یا هر یک به میزان تأثیر خود؟ به عنوان مثال: هرگاه مسئول خرید قطعات یک شرکت خودروسازی، در هنگام خرید، مسامحه و سهل انگاری کرده و قطعات غیر اسـتاندارد تهیه نماید; مسـئول بازرسـی خدمات نیز بی دقتی کرده و به غیر استاندارد بودن قطعات توجهی نکند; و مسئول قرار دادن قطعـات نیز علی رغم وظیفه ای که در چـک کردن قطعـات دارد، آن ها را جاسازی نموده و سـرانجام به دلیل نقص قطعه مزبور اتومبیلی واژگون شده و راننده و سرنشینان فوت نمایند، چه کسی ضامن است؟

باسمه جلت اسمائه

چون در موضوع ضـمان سـبب و مباشـر ذکر نشده است و تمام موضوع اسـتناد به قاتل است، بنابراین، اگر حادثه مستند به چند سبب باشد، قهراً همه آن ها ضامن هستند; تقدم و تأخر تأثیر ندارد، بلکه ضمان بر همه تقسیط می شود.

س ۴۰۳ : هر گاه شخصی،

صبی ممیز یـا غیر ممیزی را امر، یا اکراه، یا مجبور به قتل نمایـد، آیا کفاره قتل بر عهـده آمر، مکرِه یا مجبور کننـده است یا بر صبی یا بر هیچ کدام؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت های ذکر شـده، کفاره بر آمر واجب است؛ اگر مأمور صبی غیرممیز باشـد یا مجبور شـده باشـد. و در بقیه صور، بر آمر کفاره نیست؛ چون قتل مستند به او نیست و بر مأمور هم نیست؛ لحدیث الرفع.

س ۴۰۴ : شکسـتگی مهره های گردن که منجر به کج شدن گردن نشده و در بلع غذا نیز مشـکلی به وجود نیاورد، دیه دارد یا ارش؟

باسمه جلت اسمائه

در روایات دیه شکستگی گردن مقید شده به (صعر)؛ بدون کج شدن، ذکر دیه نیست؛ لذا، ارش ثابت است.

س ۴۰۵ : شکستگی مهره های ستون فقرات، در صورتی که موجب خمیدگی پشت، از بین رفتن قدرت مشی و جلوس نشده و عارضه جدی دیگری در پی نداشته باشد، موجب دیه است یا ارش؟

باسمه جلت اسمائه

موجب ارش است.

س ۴۰۶ : هرگاه شخصـی مرتکب یک قتل عمدی و یک قتل شبه عمد شده باشد، کیفیت اجرای حکم قصاص و وضعیت دیه چگونه خواهد بود؟ آیا تا زمان پرداخت دیه قتل شـبه عمد یعنی تا دو سال باید صبر کرد تا قاتل دیه را بپردازد و پس از آن او را قصاص کرد، یا این که در مورد مزبور دیه حال شده و قاتل فوراً باید دیه را بپردازد؟ در صورت اخیر، اگر قاتل بالفعل مالی نداشته باشد ولی تا مواعد پرداخت دیه (پایان سال اول و دوم) متمکن از پرداخت دیه خواهد شد، بفرمایید

حق اولیای دم اول که خواهان قصاص اند، مقدم است یا حق اولیای دم دوم که دیه را مطالبه می کنند؟

باسمه جلت اسمائه

وجهی بر تأخیر قصاص نیست; چنان چه اولیای دم مقتول از روی عمد بخواهند قصاص کنند، می توانند; متعلق قتل شبه عمد نیز اموال قاتل است; پس، تعارض و تزاحمی نیست. اولیای دم شبه عمد از ورثه قاتل دیه را می گیرند. به هر تقدیر، تأخیر قصاص وجهی ندارد.

س ۴۰۷ : هرگاه شخصی اقدام به ریختن نفت و سوزاندن دیگری نماید و شخص ثالثی که با سوزاننده تبانی کرده است، در را به روی مجنی علیه بسته و مانع فرار و نجات او گردد، در صورتی که هر دو قصد قتل داشته باشند، چه کسی ضامن است؟

باسمه جلت اسمائه

کسی که اقدام به ریختن نفت نموده، ضامن است; چون او سبب است و ایجاد مقتضی نموده است. و آن کسی که در را بسته و جلوی تحقق مانع را گرفته، فعل مستند به او نیست.

س ۴۰۸ : هرگاه دو نفر به قصد قتل و با تبانی یکدیگر، یکی جراحتی بر دیگری وارد سازد و دومی، مجنی علیه را به استفاده از داروی مضری راهنمایی نماید و مجنی علیه در اثر جراحت وارده و اثرات دارو بمیرد، چه کسی ضامن است؟

باسمه جلت اسمائه

ضامن کسی است که جراحت را وارد کرده است.

س ۴۰۹ : هرگاه مأمور لوله کشی گاز، کار خود را به درستی انجام ندهد و مأمور کنترل و بازبینی نیز نظارت دقیقی انجام ندهد و صاحب خانه نیز به نحو غیر محتاطانه ای از گاز شهری استفاده کرده و در اثر انفجار گاز فوت

شود، در صورتی که کـار هر یـک از لوله کش، مـأمور کنترل و مجنی علیه درست انجـام می شـد، این حادثه اتفاق نمی افتاد، چه کسی ضامن دیه است؟

باسمه جلت اسمائه

چون تلف به هر سه مستند است، هر کدام از این سه نفر به اندازه یک سوم ضامن اند.

س ۴۱۰ : هرگاه سه نفر با هم نقشه قتل شخصـی را بریزنـد و او را به دریا ببرند، نفر اول او را از قایق به دریا بیندازند، نفر دوم قایق را از دسترس مجنی علیه خارج سازد و نفر سوم نیز گشت ساحلی را از منطقه دور کنـد تا مجنی علیه را نجات ندهنـد، در صورتی که صـرف به دریا انداختن به دلیل آشنایی مجنی علیه با فنون شنا، موجب مستقل مرگ نباشد، بلکه ماندن طولانی در دریا و خستگی از شنا، منجر به پایان استقامت و مرگ او گردد، بفرمایید چه شخصی ضامن است؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً در این مورد، هر سه نفر سبب اند; و یک سوم مستند به هر کدام است.

س ۴۱۱ : آیا قتل عمدی، همان گونه که با مباشرت محقق می شود، با تسبیب نیز تحقق می یابد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، موارد اقوائیه سبب از مباشر چنین است.

س ۴۱۲ : کسـی که وظیفه اش نجات جان اشـخاص یا دفع خطر از جان و مال دیگران است (ماننـد مأمورین آتش نشانی) اگر در حین انجام وظیفه موجب خسارت جانی یا مالی به شخصـی که در معرض خطر واقع شده گردد، و این صدمه از آسـیبی که شخص در معرض آن بوده شدیدتر باشد، آیا این عمل موجب ضمان است؟ در صورت مثبت بودن

پاسخ، ضمان بر عهده چه کسی است، شخص مأمور یا بیت المال؟ در فرض مزبور، اگر عمل شخص (مأمور آتش نشانی) موجب آسیب به شخص دیگری گردد، آیا موجب ضمان است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه کسی ضامن است، شخص مأمور یا بیت المال؟

باسمه جلت اسمائه

آن چه از روایات وارده در طبابت و در مورد خطای قاضی در حکم که موجب اتلاف مال و غیر آن وارد شده است، استفاده می شود آن است که اگر کسی به افراد ذکر شده در سؤال مراجعه نمود و آن ها هم برای انجام وظیفه آمدند و انجام وظیفه نمودند، ولی خطا موجب خسارت می شود، آن ها یقیناً ضامن نیستند و ضمان بیت المال در مورد اول وجهی ندارد؛ ولی در مورد دوم که موجب خسارت به شخص دیگری گردد، ضمان بیت المال قوی است؛ والله العالم.

س ۴۱۳ : آیا در شهادت به جرائم موجب حد مانند لواط، قذف و سرقت، دیدن (مثل سرقت و لواط) و یا دیدن و شنیدن (مثل قذف) شرط است، یا مجرد علم حاصل از تواتر یا سماع و امثال آن کافی بوده، و چنین شهادتی معتبر است؟

باسمه جلت اسمائه

در شهادت به جرمی که موجب رجم است، گفته اند: دیدن، اضافه بر علم معتبر است؛ (و آن به نظر ما تمام نیست؛ مجرد علم کافی است). ولی اگر هم معتبر باشد، در جرمی که موجب رجم نیست و موجب حد است، قطعاً دیدن معتبر نیست و علم کافی است.

س ۴۱۴ : آیا همان گونه که شاهد در زنا باید صریحاً چگونگی زنا را شهادت دهد که مثلا «کالمیل فی المکحله» بوده

است، بفرمایید: الف) آیا در لواط نیز شاهد باید به همان نحو جزئیات را بیان کند؟ ب) آیا در تفخیذ و مساحقه نیز باید جزئیات را بیان کند؟

باسمه جلت اسمائه

مشاهده در شهادت به زنای موجب جلد هم معتبر نیست چه رسد به شهادت لواط، تفخیذ و مساحقه. خلاصه، مجرد علم کافی است.

س ۴۱۵ : مردی زن خود را که حامله است قذف نموده و زن را وادار به سقط جنین کرده است. تعداد کفاره، دیه، و حد این مرد را بیان فرمایید.

باسمه جلت اسمائه

اگر قذف محقق شود و مرد به زن بگوید تو زانیه هستی و شرائط حد

تمام بشود و دو نفر عادل شهادت بدهند، ۸۰ تازیانه به مرد زده می شود; اما سقط جنین، اگر زن را مجبور کند به سقط و زن اختیاری نداشته باشد، حد سقط بر مرد جاری می شود.

س ۴۱۶ : آیا ادعای مرد (در سؤال بالا) احتیاج به اثبات طریق شرعی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، بدون طریق شرعی حد جاری نمی شود.

س ۴۱۷ : آیا دیگران با تکیه به ادعای شوهر می توانند چنین نسبتی را به زن بدهند یا خیر; و اگر نسبت دهند، حد آن چیست؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، کسی نمی تواند به گفته شوهر نسبت زنا بدهد و اگر نسبت دهد، حد قذف بر او جاری خواهد شد.

س ۴۱۸ : اگر کسی اقدام به قتل عمدیِ دیگری کند و مجنی علیه حین ایراد جنایت، محقون الدم باشد و قتل با فاصله زمانی محقق شود و مجنی علیه قبل از مرگ، مهدور الدم شود، مثلا قبل از مرگش فرزند جانی را عمداً به قتل برساند، آیا در

این صورت، جانی،

قصاص نفس می شود؟ به عبارت دیگر، آیا شرط

محقون الدم بودن مجنی علیه نسبت به جانی برای قصاص، حین ایراد جنایت معتبر است یا حین تحقق قتل، و یا حین ایراد جنایت و حین تحقق قتل با هم؟

باسمه جلت اسمائه

آن چه از روایات استفاده می شود، مانند روایات وارده «فیمن قتله الحد أوالقصاص و فی المحارب و المهاجم»، میزان هر دو است.

س ۴۱۹ : اگر مسلمانی اقدام به قتل عمدی دیگری کند و مجنی علیه حین جنایت مسلمان باشد لیکن قبل از مرگ مرتد شود، آیا جانی مسلمان برای مرگ چنین مرتدی قصاص نفس می شود؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، قصاص می شود; چون ارتداد متأخر معقول نیست در حکمِ قتلِ قبل تأثیر کند; حین القتل محکوم شد به جواز قصاص با ارتداد حکم تغییر نمی کند.

س ۴۲۰ : اگر برای اصل انجام عمل توسط پزشک اخذ برائت شده ولی برای این بخش از عمل اخذ برائت نشده و از ناحیه قطع این بخش از بدن خسارتی به بیمار وارد آید، آیا پزشک ضامن است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، ضامن نیست.

س ۴۲۱ : اخذ برائت هایی که در این زمان معمول است در بیمارستان ها قبل از عمل، بیمار یا ولی او برگه برائت را امضا می کنند که گاه از مفاد آن نیز بی اطلاع هستند، آیا رافع ضمان است؟

باسمه جلت اسمائه

مقتضای ظاهر حال، رفع ضمان است.

س ۴۲۲ : در قسامه اعضا، در صورتی که مدعی زن باشد، آیا می تواند جزء کسانی باشد که قسم می خورند؟

باسمه جلت اسمائه

دلیل خاصی نیست ولی مقتضی عموم علت (إنما هی احتیاط للناس لاتقیال الفاسق) مدعی می تواند جزء قسم

خورندگان باشد.

س ۴۲۳ : در صورت مثبت بودن پاسخ سؤال فوق، بفرمایید: چنانچه به تعداد لازم سوگند خورنده نباشد، آیا مدعی زن خودش می تواند قسم ها را تکرار کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی خودش می تواند قسم ها را تکرار کند.

س ۴۲۴ : بنا بر آن که شش سوگند در قسامه اعضا برای اثبات جنایت موجب دیه کامل کافی باشد چنان که مشهور این است بفرمایید: در صورتی که با یک ضربه، منافع متعددی از بین رفته باشد، یک قسامه شش تایی کافی است یا به تعداد منافع، باید قسامه اقامه گردد؟

باسمه جلت اسمائه

یک قسامه شش نفری کافی است.

س ۴۲۵ : آیا در قسامه اعضا نیز تحقق لوث را چنان که نظر مشهور است شرط می دانید؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، در قسامه اعضا لوث معتبر است.

س ۴۲۶ : هرگاه یک مسلمان تبعه کشورهای دیگر در ایران به قتل رسیده باشد و قاتل نیز ناشناس باشد، آیا دولت ایران موظف به پرداخت دیه مقتول است؟

باسمه جلت اسمائه

در این مورد دیه از بیت المال باید پرداخت شود.

س ۴۲۷ : هرگاه کافر مستأمن یا معاهدی که به عنوان تاجر یا جهانگرد به ایران آمده است به قتل برسد، می توان دیه او را از بیت المال پرداخت نمود؟ در صورتی که کشورهای متبوع آن ها نسبت به اتباع ایرانی چنین امتیازی قائل شده باشند، چطور؟

باسمه جلت اسمائه

کافر اگر اهل کتاب است (دیه هشتصد درهم است) از بیت المال پرداخت می شود; و اگر اهل کتاب نیست، دیه ندارد.

س ۴۲۸ : آیا ارتجاعی و ابتدایی بودن در توهین شرط است یا خیر؟ بدین معنی که اگر دو

نفر به یکدیگر توهین کنند، فرد اول که ابتدائاً دیگری را مورد توهین قرار داده مجرم است و تعزیر می شود. آیا نفر دوم که در پاسخ به فرد اول او را مورد توهین قرار داده نیز مجرم و قابل تعزیر است؟

باسمه جلت اسمائه

نفر اول که توهین نموده، به نص آیه کریمه و عقل و روایات مجرم است و تعزیر می شود. اما نفر دوم، اگر به مقدار اهانت اولی اهانت نموده، به حکم آیه اعتداء مجرم نیست و تعزیر هم ندارد; ولی اگر زیادتر اهانت کند، نسبت به آن زیادی مجرم است و تعزیر هم دارد.

س ۴۲۹ : با توجه به این که مجازات مدعی نبوت قتل است، بفرمایید: مجازات مدعی امامت چیست؟ الف) آیا مجازات وی نیز قتل است؟ ب) آیا مجازات مرتد را دارد؟ ج) آیا مجازات وی تعزیر است؟در این فرض، آیا مجازات او شلاق به کم تر از میزان حد است یا حاکم شرع می تواند مجازات های دیگری چون حبس را انتخاب کند؟

باسمه جلت اسمائه

مدعی امامت چون نافی امامت امام وقت است، قتلش در صورت امن از; و مجازاتش، مجازات مرتد است; و چنان چه قتلش ممکن نباشد و یا قاتل مأمون از ضرر نباشد، باید تعزیر شود; و حاکم مجازات او را هر چه صلاح بداند، می تواند عمل نماید.

س ۴۳۰ : آیا قطع عضو یا ایجاد جراحتی که لازمه طبابت باشد (مثل شکافتن قفسه سینه برای جراحی قلب یا پاره نمودن بخشی از شکم جهت عمل آپاندیس) موجب ضمان است؟ و در این مورد، آیا اخذ برائت از بیمار یا ولی او لازم است؟ و در

این زمینه، آیا اخذ برائت تأثیری در ضمان دارد؟

باسمه جلت اسمائه

طبیب ضـامن نیست; در صورتی که قطع عضو لاـزمه طبـابت باشـد و مریض یـا ولی او اذن در طبابت داده باشـد که لازمه آن اذن، برائت از ضمان است.

س ۴۳۱ : در صورتی که قطع عضو یا ایجاد جراحت بر اثر اشتباهی باشـد که پزشک معالج مرتکب شده، وضـعیت ضـمان در صورت قصور و تقصیر پزشک چگونه خواهد بود؟ و در دو صورت قصور و تقصیر، آیا اخذ برائت رافع ضمان خواهد بود؟

باسمه جلت اسمائه

قطع عضو مریض بر اثر اشتباه طبیب عن قصور أو تقصیر، اگر برائت گرفته باشد، طبیب ضامن نیست; والا ضامن است.

س ۴۳۲ : پزشـکی که تخصـص کافی در زمینه عمل جراحی خاصـی ندارد و در عین حال اقدام به این امر می ورزد و بیمار یا ولی او نیز بـا علم به این موضوع به وی مراجعه نموده و برگه برائت را نیز امضـا می کننـد، آیا این امر تأثیری در رفع ضـمان از پزشک دارد؟

باسمه جلت اسمائه

به مقتضای قاعده و روایت خاصه، با اخذ برائت طبیب مطلقا ضامن نیست.

س ۴۳۳ : گاه عمل جراحی بر عضوی مسـتلزم برداشتن قطعه ای از دیگر اعضای بدن بیمار است، مانند این که آسیبی به دست یـا پـای بیمـار وارد شـده که ترمیم آن مسـتلزم این است که قطعه ای گوشت یـا اسـتخوان و یـا رگ از دیگر اعضای بـدن وی برداشـته شـده و به آن جا پیونـد زده شود; آیا اخـذ برائت برای این بخش از عمل نیز لازم است یا اخـذ برائت برای اصل عمل کافی است؟

باسمه جلت اسمائه

اخذ برائت برای

اصل کافی است.

س ۴۳۴ : هرگاه صاحب کارخانه ای (مثلا لاستیک سازی)، تعدادی کارگر را استخدام نماید و کارگرها در اثر آلودگی به مواد سرطان زایی که در مواد اولیه وجود داشته، به سرطان مبتلا گردند، آیا مسئول کارخانه در فروض ذیل ضامن خسارات وارده (ارش) می باشد:

الف) هرگاه مسئول کارخانه از سرطان زا بودن مواد اولیه مطلع بود; لیکن بر این مسأله سرپوش گذاشته است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه کارگر چنین احتمالی نمی داده و بر حسب متعارف در چنین مواردی مسئول هم باشد که بیان کند، بلی، مسئول، ضامن ارش است.

س ۴۳۵ : ب) مسئول کارخانه، خود نیز از سرطان زا بودن مواد اطلاع نداشته و اطلاع داشتن او، متوقع منه نیز نبوده است؟

باسمه جلت اسمائه

مسئول، ضامن نیست.

س ۴۳۶ : ج) مسئول کارخانه از سرطان زا بودن مواد اطلاع نداشته لیکن این عدم اطلاع در اثر مسامحه و سهل انگاری او بوده، به گونه ای که اگر مسئول دقیق و وظیفه شناسی بود، می توانست از موضوع مطلع شود؟

باسمه جلت اسمائه

مسئول، ضامن نیست.

س ۴۳۷ : هرگاه شخصی به مدت یک سال برای دیگری کار کند (مثلا راننده او باشد یا برای او بنایی کند یا با گاری برای او مصالح ساختمانی حمل نماید) آیا می تواند پس از یک سال به سبب کمر درد، درد مچ و... از صاحب کار مطالبه ارش و خسارت نماید؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی تواند از صاحب کار مطالبه خسارت کند.

س ۴۳۸ : در صورتی که یکی از شرایط قصاص، مهدور الدم نبودن مقتول باشد و قتل مهدورالدم (نظیر زانی محصن یا لائط) قصاص نداشته باشد، بفرمایید چنان چه کسی

به قصـد قتل مهدورالـدمی را زده باشد ولی اتفاقاً جنایت منجر به قتل نشود و مهدورالدم درخواست قصاص عضو داشـته باشد، آیا قصاص عضو جاری است؟

باسمه جلت اسمائه

یکی از شرائط قصاص، مهدور الدم نبودن است بالنسبه إلی القاتل; و اما اگر بر قاتل جائز نباشد قتل مگر با اذن حاکم، بنابراین مـورد سؤال این است که بر کسـی که قتـل او جـائز نیست اگر قطع عضـو او را نمود، آیـا قصـاص عضو جـاری است، در این صورت، مقتضای اطلاق ادله قصاص عضو دال بر ثبوت قصاص است.

س ۴۳۹ : در صورتی که قتـل مهدورالـدم قصاص نداشـته باشـد، آیا قطع عمـدی عضو مهدورالـدم به قصـد جنایت بر عضو او قصاص دارد؟

باسمه جلت اسمائه

قصاص ندارد; چون مهدور الدم است; ولی دیه دارد.

س ۴۴۰ : آیا جنایت بر عضو ساب النبی قصاص دارد؟ (در مواردی که جانی قصد قتل ساب النبی را ندارد و فقط قصد جنایت بر عضو او را دارد)

باسمه جلت اسمائه

انسـحاب حکم به جنـایت بر عضو از حکم به مهـدور بودن دم سـاب النبی(ص) دلیـل لاـزم دارد ولو علاـمه فرموده و مقتضای اطلاق دلیل قصاص عضو به ثبوت قصاص در این مورد است.

س ۴۴۱ : بـا توجه به مقتضـیات زمان و مکان، تغییر طبایع حتی در بلاد اسـلامی و پیـدا شـدن ابزارهای کیفری مناسب و مورد قبول جامعه در سـطح داخلی و خارجی که اهـداف حـدود و قصاص را تأمین می کند، آیا مجازات های منصوص در حدود و قصاص قابل تغییر است؟ به عبارت دیگر، آیا این مجازات های منصوص موضوعیت دارند یا طریقیت؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، قابل تغییر نیست; چون به مقتضای ادله قطعیه

تمام مجعولات شرعیه تا آخر به همان گونه باقی خواهد ماند.

س ۴۴۲ : اگر شخصی وارد خانه دیگری شود و به عنف به همسر، دختر و پسر او تجاوز (زنا و لواط) کند، و در حین تجاوز، یکی از آنان را نیز قذف کند و سپس قبل از اقامه بیّنه توبه کند، حکم چنین متجاوزی چیست؟

باسمه جلت اسمائه

اگر توبه حقیقی باشد و آدم صالحی شده باشد، اقامه حد بر او نمی شود؛ به شرط عدم ثبوت به اقرار قبل از توبه؛ که در این صورت، امام بین اقامه حد و عفو مخیر است.

س ۴۴۳ : آیا زنای به عنف و لواط به عنف فقط حق الله است یا از آن جهت که بزهکار آبروی دیگری را به زور هتک کرده و هتک آن اشدّ از هتک به قذف است، علاوه بر داشتن جنبه حق اللهی دارای جنبه حق الناسی نیز می باشد؛ و بنابراین، آیا می توان گفت حدود بر سه قسم است؛

الف حدودی که فقط حق الله است؛ مانند حد لواط و زنای به رضایت طرفین که بدون توبه، علی ایّ حال حد آن جاری است و با توبه قبل از اقامه بیّنه نیز حد آن ساقط است.

ب حدودی که فقط حق الناس است یا جنبه حق الناسی آن در شریعت غلبه داده شده است؛ مانند حد قذف یا حد ممسک و رائی که اجرا و عدم اجرای آن دایر مدار درخواست و گذشت بزه دیده است؛ و توبه و عدم توبه در ثبوت و سقوط آن نقشی ندارد.

ج حدودی که هم حق الله و هم حق الناس است؛ و این

دو حق در عرض هم برای این حدود ثابت است; مانند حد زنای به عنف و حد لواط به عنف; و لذا، عدم اجرای آن منوط به توبه قبل از اقامه بیّنه به اضافه گذشت بزه دیده است و در غیر این صورت (= عدم توبه یا عدم گذشت بزه دیده) این حدود جاری است؟

باسمه جلت اسمائه

فرق بین حق الله و حق الناس در حدود به این است که در حق الناس امام و نائبش اجرای حد نمی نمایند، مادامی که صاحب حق مطالبه اجراء ننماید; و در حق الله اجرای حد متوقف بر مطالبه کسی نیست.

س ۴۴۴ : یک نفر با موتورسیکلت به کسی زده و فرار کرده است; شخص مصدوم به مدت سه تا چهار ساعت زنده بوده، ولی وقتی او را به بیمارستان می رسانند فوت می کند; آیا این قتل محسوب می شود یا خیر؟ بر فرض، چه نوع قتلی است; عمد یا شبه عمد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، قتل محسوب می شود; ولی قتل غیر عمد; مگر آن که با قصد قتل زده باشد که در این صورت، قتل عمد است.

س ۴۴۵ : آیا در تصرفات قیم یا ولی بچه در اموال صغیر، مصلحت شرط است یا عدم مفسده هم کافی است؟

باسمه جلت اسمائه

عدم مفسده کافی است.

س ۴۴۶ : اگر زندان بان قاتل را آزاد کند و برود و دسترسی به او نتوان یافت، آیا ضامن دیه مقتول برای ورثه می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

زندان بان خلاف کرده است، ولی ضامن دیه نمی شود; چون مباشر اقوی از سبب است.

س ۴۴۷ : آیا جنون در امور مدنی و کیفری کارکرد یکسانی داشته و

از نظر تأثیر تفاوتی با یکدیگر ندارند و یا تأثیر جنون در امور کیفری و حقوق (مدنی) با یکدیگر متفاوت است؟ توضیح این که: بر اساس ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی، جنون در حال ارتکاب جرم (مثل قتل یا زنا) به هر درجه که باشد، رافع مسئولیت کیفری است. حال، در امور مدنی، مثل نکاح یا معاملات نیز تأثیر آن به همین گونه است و به هر درجه ای که باشد، موجب فسخ نکاح یا بطلان معامله می شود؟

باسمه جلت اسمائه

جنون در قتل موجب رفع مسئولیت از خود او هست اما دیه بر عاقله ثابت می شود؛ و اگر عاقله نپردازد، از اموال خود او داده می شود؛ و اگر مالی نداشته باشد، از بیت المال داده می شود؛ و اما در زنا جماعت قائل شدند به اجرای حد بر مجنون، ولی به نظر ما حد ساقط از او است. و در معاملات غیر از نکاح، جنون اگر عارض شود، تأثیر در بقای صحت و لزوم معامله ندارد؛ و اما در نکاح، محل خلاف و به نظر ما، خیار فسخ نکاح بر زن ثابت است.

س ۴۴۸ : آیا مراتب جنون تأثیری در فسخ نکاح دارد؟ مثلاـ اگر شخصی یک ساعت در روز یا چند ساعت در هفته یا ماه مجنون شود، حق فسخ برای طرف مقابل ثابت است؟

باسمه جلت اسمائه

جنون ادواری موجب حق فسخ است؛ و اما جنون موقت، خیر؛ موجب نیست.

س ۴۴۹ : آیا اقرار کننده به قتل عمد در دو فرض زیر تعزیر می شود:

الف در فرضی که بر اساس اقرار و قرائن و شواهد برای قاضی علم به تحقق قتل عمد

توسط مُقِر حاصل شود; و لیکن ولی دم نسبت به اقرار کننده ادعایی نداشته باشد؟

ب در فرضی که بر اساس اقرار برای قاضی علم به تحقق قتل توسط مُقِر حاصل نشود و صرف احتمال باشد؟ آیا قاضی در موردی که ولی دم نسبت به مُقِر هیچ ادعایی نداشته باشد، حق تعزیر مقر به قتل عمد را دارد؟ آیا در این دو مورد، قاضی بر اساس روایت حسین بن خالد «و إذا كان للناس فهو للناس» حق تعزیر ندارد; یا به

جهت جنبه عمومی جرم یا فعل حرام او، چنان چه در روایت آمده است، تعزیر می شود؟

باسمه جلت اسمائه

در هر دو فرض تعزیر می شود; چون تعزیر به واسطه فعل حرام است نه به واسطه قتل عمد; و مقتضای روایت ذکر شده و روایات دیگرِ نظیر آن و فتاوی فقها آن است که اجرای حد در حق الناس متوقف است بر مطالبه من له الحق; و در مورد محل کلام، حد قتل عمد جاری نمی شود; مگر بعد از مطالبه من له الحق و تعزیر حق الله است که در موارد مخالفه حکم الله ثابت می شود مطلقا.

س ۴۵۰ : هرگاه مقتول پس از اصابت ضربه کشنده عمدی و قبل از خروج روح از بدنش به سمت قاتل که در حال فرار بوده شلیک کند و در نتیجه، قاتل کشته شود;آیا مجنی علیه اول مرتکب قتل عمد موجب قصاص شده است و لذا حتی با علم و قطع به این که مجنی علیه اول تا یک هفته دیگر قطعاً در اثر جنایت اول کشته می شود، محکوم به قصاص نفس می شود و قبل از

مرگش قصاص اجرا می شود؟ آیا کار مجنی علیه اول با توجه به مرگ او تا یک هفته دیگر نسبت به جانی اول قصاص محسوب می شود; و لذا، باید صبر کرد. پس، اگر تا یک هفته دیگر بمیرد، قصاص محقق شده است; ولی اگر اتفاقاً کشته نشد، مجنی علیه اول محکوم به قصاص نفس یا دیه می شود؟ و در این صورت حکم جنایت اول چه می شود؟

باسمه جلت اسمائه

مضروبی که قبل از کشته شدن با شلیک قاتل خود را می کشد، قتل عمد نموده و باید قصاص شود; ولی قاتل تکلیف به قصاص ندارد. چون قصاص شده است; بنابراین، تکلیف مبدل به دیه می شود و کار مجنی علیه اول نسبت به جانی اول قصاص محسوب نمی شود; چون تکلیف به قصاص نداشته است; قبل از مردن و بعد از آن، قدرت نداشته است.

س ۴۵۱ : اگر مرد، همسر صغیره خود را در حال زنا با مردی ببیند، آیا حق کشتن همسر خود را دارد؟

اگر مرد، همسر خود را در حال زنا با صغیری ببیند، آیا حق کشتن زانی را دارد؟

اگر مرد، همسر دیوانه خود را در حال زنا با مردی ببیند، آیا حق کشتن همسر خود را دارد؟

اگر مرد، همسر خود را در حال زنا با مردی دیوانه ببیند، آیا حق کشتن زانی را دارد؟

باسمه جلت اسمائه

در چهار مورد سؤال حق کشتن ندارد; دلیل دال بر جواز قتل زانی به زن انسان اطلاق ندارد که شامل این موارد بشود.

س ۴۵۲ : هرگاه زنی چهار بار اقرار کند که با مردی زنا کرده، ولی هیچ اطلاعاتی در خصوص این مرد ندهد و معلوم

نباشد آیا چنین مردی وجود خارجی دارد یا نه، آیا این اقرار نافذ است؟

باسمه جلت اسمائه

در اقرار مثبت حد شرط نشده است که زانی معلوم باشد; بنابراین، اقرار زن نافذ است.

س ۴۵۳ : هرگـاه چهـار مرد عـادل شـهادت دهنـد که فلانـ زن به مردی زنـا داده ولی آن مرد متواری شـده و دادگـاه قادر به شناسایی مرد نباشد، آیا این شهادت نافذ است و جرم را ثابت می کند؟

باسمه جلت اسمائه

چنـان چه چهار مرد عادل شـهادت دهنـد که زن معین به مردی زنا داده ولی آن مرد متواری است، جرم ثابت می شود; و باید حد جاری شود.

س ۴۵۴ : آیاگفتن این الفاظ موجب ارتداد می شود; (البته با فرض عاقل بودن و حالت طبیعی داشتن):

الف) شخصی گفته اگر دستم به خدا برسد او را آتش می زنم؟

باسمه جلت اسمائه

چنین شخصی معلوم می شود خدا را جسم و قابل انعدام می داند، موحد نیست; مرتد است.

س ۴۵۵ : ب) شخصـی در موقع شـنیدن این حـدیث پیـامبر(ص) که بـا زنان مشورت کنیـد و مخالفت کنیـد گفته نسـتجیر بالله پیامبر(ص) بی عقل است.

باسمه جلت اسمائه

آن جمله معنایش این است که: نمی دانم نبی است یا آن که می دانم نبی نیست; او هم مرتد است.

س ۴۵۶ : ج) شخصی قرآن را پاره کرده و در دستشویی ریخته بود.

باسمه جلت اسمائه

ریختن قرآن در دستشویی، اهانت به کلام الله و التزاماً اهانت به خدا است; او هم مرتد است.

س ۴۵۷ : اگر کسـی به یکی از ائمه(ع) العیاذ بالله ناسـزا بگوید، آیا در صورت اثبات، حکم ارتداد بر او بار می شود یا این که فقط حکم قتل او

ثابت می شود؟

باسمه جلت اسمائه

مقتضی روایات وارده در شتم علی(ع) آن است که او جائز القتل است; در صورت امن از ضرر. و ائمه علیهم السلام حکم واحد دارند.

س ۴۵۸ : مردی فوت کرده، و پدر او زنده است، و دارای بچه صغیری می باشد; آیا حضانت بچه به مادر می رسد یا به پدربزرگ؟

باسمه جلت اسمائه

در مورد سؤال، حضانت به مادر می رسد نه پدربزرگ.

س ۴۵۹ : در صورتی که در جنین روح دمیده نشده باشد، آیا سقط آن در موارد زیر جائز است:

الف) بقای جنین موجب مرگ مادر و جنین باشد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، سقط جنین در چنین وضعی جائز است.

س ۴۶۰ : ب) بقای جنین موجب مرگ مادر باشد؟

باسمه جلت اسمائه

حکم فرض اول را دارد.

س ۴۶۱ : ج) بقای جنین خطر جانی برای مادر داشته باشد یا خوف ضرر قابل توجهی برای مادر وجود داشته باشد؟

باسمه جلت اسمائه

مانند دو فرض اول و دوم جائز است.

س ۴۶۲ : د) جنین به تشخیص قطعی پزشکان مورد وثوق، ناقص الخلقه باشد; به گونه ای که نگهداری او برای پدر و مادر موجب عسر و حرج باشد؟

باسمه جلت اسمائه

عسر و حرج نافی حکم است نه مثبت; سقط، در این مورد جائز نیست.

س ۴۶۳ : ه) به تشخیص کارشناسان مورد وثوق جنین مرده به دنیا خواهد آمد و یا بلافاصله بعد از تولد خواهد مرد؟

باسمه جلت اسمائه

در چنین موردی، وجهی بر جواز از بین بردن انسان ذی روح نداریم. به علاوه تا نمرده است، احتمال دسترسی به حفظ حیات بچه هست، و چون در نفوس اصاله الاحتیاط مرجع است نه اصاله البرائه، به مقتضای اصاله الاحتیاط سقط جنین

جائز نیست.

س ۴۶۴ : چنان چه روح در جنین دمیده شده باشد، آیا در فروض پیش گفته، سقط جنین جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

در سه فرض اول جائز است، اما در دو فرض اخیر جائز نیست.

س ۴۶۵ : در صورت جواز سقط جنین در تمام یا برخی از فروض فوق، آیا دیه ثابت است؟ و بر فرض ثبوت، دیه بر پزشک مباشر است یا مادر و یا پدر و مادر؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، در فرض اذن شارع به اسقاط، دیه ندارد.

س ۴۶۶ : هرگاه در برخی از صورت های پیشین، سقط جائز باشد، آیا اجازه پدر نیز شرط است؟ چنان چه پدر حضور نداشته یا وفات نموده باشد، حکم مسأله چیست؟

باسمه جلت اسمائه

وجهی بر اشتراط اذن پدر نمی بینم.

س ۴۶۷ : در صورتی که مادر مبتلا به بیمار خاصی باشد، چنان چه اقدام به درمان وی ملازمه با آسیب دیدن جنین یا سقط وی داشته باشد، آیا اسقاط جایز است؟

باسمه جلت اسمائه

تحمل ضرر برای عدم اضرار به غیر، وجهی ندارد.

س ۴۶۸ : ولوج روح در چه زمانی صورت می گیرد و علامت آن چیست؟ (این مسأله از حیث پزشکی نیز جواب قطعی و تعیین ندارد)

باسمه جلت اسمائه

در چند روایت آمده است در جنین (فإذا کمل أربعه أشهر بعث الله ملکین خلاقین)

س ۴۶۹ : چنان چه نگهداری جنین موجب عسر و حرج مادر یا اطرافیان باشد و حضرت عالی که سقط را قبل از ولوج روح در چنین فرضی جایز می دانید، آیا معیار عسر و حرج نوعی است یا شخصی؟

باسمه جلت اسمائه

قطعاً شخصی است.

س ۴۷۰ : آیا در موارد جواز و عدم جواز سقط، تفاوتی

بین جنین به وجود آمده از رابطه مشروع و جنین ناشی از زنا (اعم از زنای با محارم و اجنبی) وجود دارد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

به حسب ادله فرقی نیست.

س ۴۷۱ : بر اساس نظر مشهور فقها هرگاه سارق قبل از شکایت مسروق منه، مال مسروقه را تحت ید مالك قرار دهد و به وی برگرداند حد سرقت ساقط می شود، آیا در سرقت های تعزیری، اختلاس، کلاهبرداری و امثال آن نیز این حکم جاری است و تعزیر منتفی می شود یا این که حکم مختص سرقت حدّی است؟

باسمه جلت اسمائه

در قطع دست روایات خاصه دلالت بر سقوط حد دارد; اما دلیلی بر سقوط تعزیر نیست و مقتضای عمومات ثبوت آن است.

س ۴۷۲ : در صورتی که فردی با خنثای مشکله ارتباط جنسی در حد دخول داشته باشد یا دو نفر که خنثای مشکله هستند با یکدیگر مرتکب رابطه جنسی منجر به دخول شوند، اولا آیا علم اجمالی به تحقق زنا، تفخیذ یا مساحقه ممکن است یا خیر؟ (به این معنی که ممکن است در برخی از فروض، عمل یا زنا، یا تفخیذ و یا مساحقه باشد) بر فرض آن که علم اجمالی به یکی از این عناوین حدی محقق شود، آیا دادگاه می تواند به جامع این حدود یعنی صد ضربه شلاق حکم کند؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که خنثای مشکله است، شك است در زنا; و حدود با شبهه برداشته می شوند; و قدر متیقن، حد تفخیذ است.

س ۴۷۳ : در خصوص مجتمعان تحت ازار واحد که در روایت و متون فقهی به مجازات شلاق تعزیری تا ۹۹ ضربه حکم شده است آیا اطلاق

این کلام منصرف به جایی است که اجتماع از روی شهوت باشد یا حتی اگر از روی شهوت هم نباشد، صرف اجتماع تحت ازار واحد مجردین یا مجردتین، موجب تعزیر تا ۹۹ ضربه است؟

باسمه جلت اسمائه

به علت تقیید در روایات به عدم رحمیت و ضرورت، استفاده می شود: میزان، ریبه و اتهام است، نه مطلق اجتماع.

س ۴۷۴ : اگر حد رجم با علم قاضی ثابت شده باشد و مرجوم از حفیره فرار کند، آیا برگردانده می شود یا رها می شود؟

باسمه جلت اسمائه

برگردانده نمی شود.

س ۴۷۵ : آیا در فروض ذیل قصاص تبدیل به دیه می شود:

الف) هرگاه قاتل پس از تسلیم خود به اولیای دم، به مرگ طبیعی از دنیا برود.

ب) هرگاه قاتل توسط شخص دیگری غیر از اولیای دم به قتل برسد.

ج) هرگاه قاتل با خودکشی و مانند آن، به سوء فعل خود، زمینه قصاص را از بین برده و خود را معدوم نماید.

د) آیا در فروض فوق فرقی بین قتل و جنایت کمتر از قتل وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

مقتضای دو روایت معتبر وارد در مورد فرار قاتل در صورت تعذر قصاص، این است که اگر قاتل مال دارد، از مال خودش دیه گرفته می شود; و اگر مال ندارد، از اقرباء; و الا از بیت المال داده می شود. قاتل غیر اولیاء دم اولیاء او می توانند قصاص کنند یا دیه بگیرند و اولیای مقتول اولی باید دیه از مال خود او بپردازند; و اگر مال ندارد، از اموال الاقرب فالاقرب که مراد همان عاقله است، بپردازند.

س ۴۷۶ : گاهی خلبان هواپیما، راننده اتوبوس، لکوموتیوران و... به دلیل نقص وسیله نقلیه و

مانند آن خود را در وضعیتی می بیند که ناچار است برای حفظ جان مسافران، عملی انجام دهد که خود این عمل موجب تلف یـا صـدمه بـدنی به افراد داخل یا خارج از وسـیله نقلیه می گردد. به عنوان مثال: هرگاه در اثر نقص فنی ایجاد شـده در وسـیله نقلیه، ترمز اتوبوسی از کار بیفتد و راننده مجبور باشد برای جلوگیری از سقوط به دره و برای نجات جان ۳۵ مسافر، اتوبوس را به کوه یـا کامیون روبرویی بکوبـد، با فرض این که تنها راه دفع خطر از مسافران انجام عمل مزبور باشـد، و صـدمات ناشـی از انجام عمل مزبور به مراتب کم تر از عدم انجام آن باشد، مستدعی است بفرمایید:

۱ آیا خلبان یا راننده ضامن دیه افراد آسیب دیده اعم از افراد داخل یا خارج وسیله نقلیه می باشد؟

۲ در صورتی که خلبان و راننده، مسئولیتی نداشته باشند، آیا از بیت المال می توان دیه مصدومین را پرداخت؟

۳ آیـا در فرض فـوق، بین صـورتی که قرار گرفتن در وضـعیت اضـطراری ناشـی از قصور و تقصـیر خلبـان یـا راننـده باشـد، با صورتی که وضعیت اضطراری به صورت کاملا اتفاقی به وجود آمده باشد (مثل این که علی رغم کنترل کامل وسیله نقلیه قبل از حرکت، ناگهان، در حین حرکت وسیله دچار نقص فنی شود) فرقی وجود دارد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

چون کسانی که با هواپیما و یا اتوبوس سفر می کنند و معامله با راننده دارند، مشروط است به شرط ضمنی که اگر پیشامد غیر مترقبه پیش آید، راننده ضامن نیست; و از طرف دیگر، خون مسلمان هدر نمی رود; بنابراین، اگر

راننـده هیچ تقصـیری ندارد و خون مسـلم هم نباید هدر برود، راننده ضامن نیست و دیه افراد تلف شده باید از بیت المال داده شود؛ و اگر راننده مقصر باشد، راننده ضامن است.

س ۴۷۷ : در صورتی که هنگـام اجرای حکم اعـدام در زنـا، محکوم علیه منکر جرم ارتکـابی شود (انکـار بعـد از اقرار)، لکن قاضی علم به کذب انکار وی داشته باشد، آیا حد قتل ساقط است؟

باسمه جلت اسمائه

روایـات داله بر سـقوط رجم به انکار بعـد از اقرار مطلق است؛ و اعم از علم حاکم به کـذب انکار وی می باشـد؛ و دلیل جواز عمل حاکم به علم خود نیز چنین است. و الحدود تدرأ بالشبهات، مقتضی سقوط رجم است.

س ۴۷۸ : اگر نزد وَدَعی، دو نفر، یکی دو گوسـفند یـا دو اَمـه و یکی دیگر یـک گوسـفند یـا یـک اَمـه بگذارنـد و یکی از گوسفندان یا اِمآء بدون تفریط گم شود، تقسیم و برگرداندن ودیعه به چه صورتی است؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که گوسـفندها معلوم باشـد، حکم معلوم است؛ و در صورت عـدم معلومیت، یکی از دو گوسـفند که معلوم اسـت مال چه کسی است، و آن دیگری که موجود است، به نحو تساوی بین آن دو نفر ودیعه گذار مشترک است.

س ۴۷۹ : اگر دو نفر دعوا کردنـد و یکی از دو طرف، لال و عاقل بود، مسـئول همان جا دو نفر را می گیرد و تحویل مأمورین می دهـد چون همدیگر را زخمی کرده بودند، لال با اشاره گفت: اگر مرا زندانی کنید، خودکشـی می کنم؛ مسئول مطلب را به قاضی در نامه ای نوشت ولی آن ها دو نفر را

زندانی کردند و لال در زندان خودکشی می کند; چه کسی ضامن دیه او می باشد، یا این که دیه ندارد؟

باسمه جلت اسمائه

کسی مسئول نیست.

س ۴۸۰ : منظور از «حکم حکومتی» چیست؟ لطفاً توضیح دهید. (آیا در اسلام چیزی به نام حکم حکومتی وجود دارد؟)

باسمه جلت اسمائه

مراد از حکم حکومتی، حکم به امری است که شرعاً واجب نیست; ولی صلاح امت اسلام متوقف بر آن امر است. حاکم شرع می تواند حکم کند.

س ۴۸۱ : آیا ارش هم مانند دیه زن وقتی که از ثلث بالا رفته، تنصیف می شود؟

باسمه جلت اسمائه

ارش همان دیه است که مقدار آن تعیین نشده است; و در بعضی روایات هم از ارش تعبیر به دیه شده است.

س ۴۸۲ : اگر خانمی جنین خود را که تمام خلقت بوده سقط کند، ولی نمی داند جنین پسر بوده یا دختر، چگونه دیه اش را بپردازد؟

باسمه جلت اسمائه

باید نصف دیه پسر، و نصف دیه دختر را بپردازد; مثلا چنان چه اگر پسر باشد باید صد دینار بدهد، و اگر دختر باشد باید پنجاه دینار; حال، اگر معلوم نیست، باید هفتاد و پنج دینار بپردازد.

س ۴۸۳ : آیا اقرار سفیه علی نفسه موجب قطع است؟

باسمه جلت اسمائه

اقرار سفیه مشمول اقرار العقلاء علی انفسهم نیست و موجب قطع نمی شود; و از آیه کریمه هم که فرموده: (و ان انتم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم) نیز این مطلب استفاده می شود.

س ۴۸۴ : آیا اجازه قضاوت برای زنان می فرمایید یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

زن حق قضاوت ندارد.

س ۴۸۵ : تخلف از قید (جهت شغل کتاب فروشی) آیا موجب خیار فسخ مالك موجر هست

یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

اگر اجاره، تملیک جمیع منافع باشد و شرط شود در غیر کتاب فروشی استفاده نشود، تخلف شرط موجب خیار است؛ و اگر تملیک منفعت خاصه باشد، استفاده دیگر موجب ضمان است.

س ۴۸۶ : اگر تغییر شغل در معامله مزبور توسط شاگرد مستأجر انجام شود، آیا تخلف شرط صدق می کند و موجر حق فسخ پیدا می کند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، موجر حق فسخ ندارد.

س ۴۸۷ : ذکر جمله (جهت شغل کتاب فروشی) در قرارداد، آیا حمل بر شرط ضمن عقد می شود و تخلف از آن غیر جائز است و یا حمل بر داعی می شود و تخلف از آن جائز است؟ با توجه به این که شروط جداگانه ذکر شده است و به علت فوت موجر امکان توضیح نیست.

باسمه جلت اسمائه

شروط اگر جداگانه ذکر شده باشد، یعنی ضمن عقد اجاره نباشد، شروط ابتدایی بوده، لازم الوفاء نیست و به عقد ارتباط ندارد؛ (و اما جهت شغل کتاب فروشی) اگر تصریح به این قید شده باشد، تملیک خصوص این منفعت است و در غیر آن جائز نیست.

س ۴۸۸ : زید به بکر حمله می کند و بکر از خود دفاع می کند، عمرو که بی اطلاع از واقع امر است، از روی خیرخواهی و به قصد وساطت و جدا کردن آن ها از یکدیگر در میان آن ها می رود و در این حین؛ ضربه مشتی به صورت عمرو خورده و کبود می شود؛ حکم دیه ضربه وارده را در دو صورت ذیل بیان فرمائید؛

الف زننده ضربه بکر باشد که در حال دفاع بوده.

ب زننده ضربه نامشخص است (علم اجمالی وجود

دارد که ضارب زید یا بکر است).

باسمه جلت اسمائه

الف) بکر ضارب است ولی عمداً نیست; دیه بر عاقله است; اگر ندهند یا نتوانند بدهند، بکر باید بدهد.

ب) نصف دیه بر عاقله بکر است، و نصف آن بر عاقله زید; و اگر ندهند، بر خود بکر و زید لازم است هر کدام نصف دیه را بدهند.

س ۴۸۹ : چنان چه جانی قصد قتل نداشته باشد و ضربه ای هم که وارد نموده است نوعاً کشنده نباشد، ولی اتفاقاً منجر به قتل شود، آیا جانی علاوه بر دیه قتل نفس به قصاص جنایت بر عضو نیز محکوم می گردد، یا از موارد تداخل است؟

باسمه جلت اسمائه

مسلما از موارد تداخل است.

س ۴۹۰ : هرگاه دو نفر ضربات متعدد با فاصله بر مجنی علیه وارد کنند، مثلا یکی امروز دست او را قطع کند و دیگری فردا پای او را قطع کند و روز سوم مجنی علیه بر اثر سرایت هر دو ضربه فوت کند، آیا هر دو قاتل هستند و از موارد شرکت در قتل است یا فقط نفر دوم قاتل است؟

باسمه جلت اسمائه

هر دو قاتل اند; و از موارد شرکت در قتل است.

س ۴۹۱ : ۱ در مواردی که شخصی اقدام به قتل محقون الدمی نموده، ولی بر اثر عواملی که خارج از اختیار او بوده است، قتل واقع نشده است; آیا می توان او را به جهت شروع در قتل تعزیر نمود؟

۲ در موارد شروع به جنایت بر عضو چطور؟ آیا می توان او را تعزیر نمود؟

باسمه جلت اسمائه

در هر دو مورد سؤال چون شخص مقدم به جنایت، کار محرمی انجام نداده است،

فقط متجری می باشد; و تجری اگر چه قبیح است ولی فعل متجری به حرام نمی شود، و تعزیر برای فعل حرامی است که در شرع مقدس حدی برای آن ذکر نشده است; پس، تعزیر وجهی ندارد.

س ۴۹۲ : ۱ هرگاه شخصی به صورت غیر عمد، ضربه ای به دیگری وارد سازد، (مثلا مشتش به صورت دیگری بخورد) چنان چه ضربه بر روی بدن مضروب، اثری به جای نگذاشته باشد (ضربه نه موجب تورم شده است و نه تغییر رنگ پوست و نه عوارض و آثار دیگر) آیا ضارب باید ارش بپردازد؟ اگر جواب مثبت باشد، در این گونه موارد ارش چگونه تعیین می شود؟

۲ هرگاه شخصی عمداً به دیگری ضربه ای بزند، لیکن ضربه هیچ گونه اثر ظاهری و عوارضی را بر بدن مضروب نگذارد، مسئولیت ضارب چیست؟

الف فقط تعزیر;

ب فقط ارش;

ج هم تعزیر و هم ارش.

۳ چنان چه ارش در موارد مزبور ثابت باشد، با توجه به عدم ورود نقص و عدم وجود اثری از جنایت، چگونه باید ارش را تعیین کرد؟

باسمه جلت اسمائه

ج ۱) ارش واجب نیست، تعزیر هم ندارد; چون غیر اختیاری است.

ج ۲) در مورد دوم، اگر چیزی واجب باشد که معلوم نیست آن چیز تعزیر است; نه مورد دیه است و نه ارش.

س ۴۹۳ : اگر دزدی مرتکب سرقت حدی شده باشد، و در دادگاه محکوم به قطع دست شود و کسی بدون اذن قاضی دست او را از همان محل حد سرقت یا کم تر قطع کند، آیا محکوم به قصاص می شود یا به جهت مهدور بودن این قسمت از دستش، جانی قصاص نمی شود

و به دیه و تعزیر یا فقط به تعزیر محکوم می شود؟

باسمه جلت اسمائه

غیر تعزیر چیزی ثابت نمی شود.

س ۴۹۴ : در همین فرض، اگر جانی دست دزد را بیش تر از حد سرقت قطع کرده باشد، حکم آن چیست؟ آیا جانی فقط نسبت به مقدار زائد قصاص می شود یا نسبت به مجموع، قصاص جاری است؟ و آیا در صورت عدم امکان اجرای قصاص در مقدار زائد، قصاص به دیه تبدیل می شود؟ و در صورت جریان قصاص در مجموع، آیا باید دزد دیه دست را به مقداری که باید در حد سرقت از او قطع می شد، به جانی پرداخت کند؟

باسمه جلت اسمائه

نسبت به مجموع، قصاص مورد شرعی ندارد؛ نسبت به مقدار زائد، قصاص خصوص مقدار زائد ممکن نیست؛ پس، نسبت به مقدار زائد دیه لازم است؛ و آن هم نه دیه دست، بلکه دیه مقدار زائد را باید بپردازد.

س ۴۹۵ : ولی دم ادعا نموده است که زید به تنهایی قاتل است ولکن لوث بر اشتراک زید با دو نفر دیگر در انجام قتل وجود دارد و قسم خورندگان نیز بر مشارکت هر سه نفر در انجام قتل قسامه را جاری نموده اند:

الف) در صورتی که ولی دم تنها در خواست قصاص زید را داشته باشد، آیا ولی دم باید فاضل سهم دیه زید از جنایت را بپردازد یا پرداخت آن بر عهده دو شریک دیگر است؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که ولی دم بینه بر مدعی خود ندارد، ادعایش بی اثر است؛ مرجع فقط قسامه است.

س ۴۹۶ : ب) آیا ولی دم علاه بر درخواست قصاص زید، حق درخواست قصاص دو نفر

دیگر یا اخذ دیه از آن ها را دارد؟

باسمه جلت اسمائه

ولی دم اگر بینه بر مدعای خود ندارد، درخواست قصاص بی اثر است.

س ۴۹۷ : هرگاه زید در کوچه یا خیابان برای گرفتن مال بکر به سوی او هجوم آورد و بکر نیز مهاجم را به قتل برساند، حکم مسأله را از جهت قصاص و دیه، در دو مورد ذیل بیان فرمایید;

الف بکر می توانست تنها با فریاد کشیدن بر روی زید یا زدن یک سیلی به او، مهاجم را فراری دهد; لیکن به دلیل شتابزدگی به جای دور کردن مهاجم با فریاد یا زدن سیلی، او را به قتل رساند؟

ب بکر می توانست تنها با فریاد کشیدن بر روی زید یا زدن یک سیلی به او، مهاجم را از خود دور کند، لیکن عمداً و با توجه کامل به این مسأله که مهاجم با یک سیلی متواری خواهد شد، مهاجم را به قتل برساند؟

باسمه جلت اسمائه

در هر دو صورت، قتل عمدی است; و دفاع از گرفتن مال، مجوز قتل نیست.

س ۴۹۸ : الف هر گاه شخصی به سوی شخص یا حیوانی تیراندازی کند، در حالی که توجه دارد شخص محقون الدم دیگری در معرض اصابت تیر او قرار دارد (احتمال می دهد تیرش به خطا رفته و به شخصی اصابت کند) در صورت اصابت تیر به شخص دیگر و به قتل رسیدن او، قتل از چه نوعی است؟

ب هرگاه شخصی به سوی حیوانی یا شخصی تیراندازی کند، در حالی که شخص ثالثی در معرض اصابت تیر باشد، و شلیک کننده به دلیل سهل انگاری متوجه این امر نباشد و تیر

او به شخص ثالث اصابت کند، قتل از چه نوعی است؟

ج راننده ای که مقررات رانندگی را رعایت نمی کند و در حالی که سرعت غیر مجاز یا سبقت غیر مجاز داشته یا در حال عبور از چراغ قرمز بوده، با توجه به این که این گونه عدم رعایت مقررات، دیگران را در معرض جنایت قرار می دهد. بفرمایید در صورت تصادف و وقوع قتل، جنایت عمد است یا غیر عمد؟

باسمه جلت اسمائه

الف قتل عمدی است نسبت به محقون الدم و کافی است در صدق عمد احتمال اصابت، چون احتمال مورد لزوم احتیاط است.

ب قتل شبه عمد است.

ج ظاهراً قتل عمدی است; چون به حسب عادت احتمال تصادف می دهد.

س ۴۹۹ : در قتل غیر عمد ناشی از تصادفات، محکوم علیه پس از انقضای مهلت پرداخت (در سال) معسر است و حتی توان پرداخت دیه به صورت اقساط را ندارد، تکلیف چیست؟ آیا بیت المال از باب هدر نرفتن خون مسلمان ضامن است؟

باسمه جلت اسمائه

در پاره ای از روایات این جمله آمده است که: (إن لم یکن له مال فمن بیت المال) (یعنی اگر شخص مال نداشته باشد دیه از بیت المال پرداخت می شود)

س ۵۰۰ : ۱ هرگاه قاضی به عمد و به جهت غرضورزی با متهم، حکم قصاص نفس یا عضو یا رجم و امثال آن را صادر و حکم صادره اجرا شود، قاضی مزبور چه مسئولیتی دارد؟

۲ هرگاه قاضی در اثر تقصیر و کوتاهی یا بی توجهی و عدم رعایت مقررات دادرسی، احکام مورد اشاره را صادر کند، قاضی مسئول است یا بیت المال؟ در صورتی

که مصلحت اقتضا کند، آیا می توان بیت المال را مسئول پرداخت دانست؟

۳ در صورتی که قاضی در صدور احکام مزبور مرتکب تقصیر شود، آیا می توان دیه را به نیابت از قاضی بیت المال پرداخت نموده و آنگاه به تدریج از حقوق قاضی کسر نموده و به بیت المال برگرداند؟

۴ در صورت خطای قاضی در صدور حکم (خطای محض) آیا قاضی مسئول است، یا بیت المال و یا عاقله؟

باسمه جلت اسمائه

ج ۱: چنان چه کسی که اجرای حکم نموده، نمی دانسته قاضی مقصر است، حاکم ضامن و مسئول است.

ج ۲: قاضی مسئول است نه بیت المال.

ج ۳: چنان چه بر گرفتن دیه از خود قاضی محذوری مترتب می شود، به این گونه که نوشته اید، راه منحصر به آن است.

ج ۴: در صورت خطا در صدور حکم، دیه از بیت المال داده می شود.

س ۵۰۱ : با عنایت به این که در حال حاضر تفاوت شدیدی بین گونه های دیه (اصناف دیه) مانند قیمت ۱۰۰۰ گوسفند با قیمت ده هزار درهم وجود دارد، آیا باز هم جانی مخیر است هر یک از گونه های ششگانه (صد شتر، دویست گاو،...) را انتخاب نماید؟ یا آن که تخییر میان گونه ها، انصراف به حالتی دارد که تعادل نسبی بین قیمت ها وجود داشته باشد؟ به عبارت دیگر، آیا در پرداخت دیه، خودِ گونه ها موضوعیت دارند هرچند که ارزش آن ها کاملا تنزل پیدا کرده باشد، یا ارزش مالی گونه ها موضوعیت دارد؟

باسمه جلت اسمائه

دیه قتل عمد، در صورت اختیار عدم قصاص است؛ بنابراین، مخصوص است به اختیار ورثه مجنی علیه که کدام را

اختیـار کننـد; علاوه بر این که یکی از شـش امر، هزار دینار است و دیگری هزار درهم، که این دو، هم وزنشان معلوم است و هم قیمتشان.

س ۵۰۲ : شخصـی به قصد رسـیدن به ثواب و کمک به دیگران، دست پیرمردی را می گیرد که او را از جوی آبی عبور دهد، ولی بـدون آن که تفریطی از سوی کمک کننـده صورت گرفته باشد، تصادفاً انگشت پیرمرد در می رود. با فرض این که اگر شخص مزبور به پیرمرد کمک هم نمی کرد، خود او به سـختی قادر به عبور از جوی آب بود، آیا کمک کننـده ضامن دیه در رفتگی انگشت است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه خود پیرمرد گفته است که به من کمک کن و در رفتن انگشت هم مسـتند به این شخص نباشد، او ضامن دیه نیست; و اگر مستند به او باشد، ضامن است.

س ۵۰۳ : بـا عنـایت به این که مخارجی را که مجنی علیه برای درمان آثار و عوارض جنایت، هزینه می کنـد، گاه فراتر از دیه مقدر است، بفرمائید:

الف) آیا به حکم قاعده لاضرر، تسبیب و... می توان هزینه های درمانی مازاد بر دیه مقدر را از جانی گرفت؟

باسمه جلت اسمائه

قاعده لاضرر نافی حکم است نه مثبت.

س ۵۰۴ : ج) در صورت مشـروعیت دریـافت هزینه های زائـد بر دیه، آیا مجنی علیه به جهت زمانی که از کار محروم شـده و وقتی که صرف درمان خود کرده است می تواند مطالبه خسارت کند؟

باسمه جلت اسمائه

(با این توجیه که مبلغ پرداختی به عنوان دیه مقدر و نیز هزینه های زائد بر درمان که جانی به مجنی علیه پرداخته تنها

وضعیت را به حال پیش از جنایت برگردانده، اما درد و تبعی را که مجنی علیه متحمل شده و زمان هایی را که از دست داده است، هنوز جبران ننموده است که باید جبران شود) زائد بر مقدر چیزی نمی تواند بگیرد.

س ۵۰۵ : د) بر فرض عدم مشروعیت دریافت خسارت های زائد بر دیه، آیا قاضی در مواردی که ارش متعین است، می تواند علاوه بر ملاحظه شدت صدمه و آسیب وارده، هزینه های درمانی و زمان های تلف شده از مجنی علیه را در مقدار ارش لحاظ کند؟

باسمه جلت اسمائه

ارش زیادتر از اصل دیه مقدر نمی شود; و به عبارت دیگر، ضمان در مورد اتلاف است; و عدم النفع موجب ضمان نیست.

س ۵۰۶ : اگر کسی به بچه ای صغیر ضربه ای وارد کند (به صورت عمداً یا سهواً) که باعث سرخی یا کبودی بدن او شود;

الف: اگر از پدر بچه حلالیت بطلبد، موجب اسقاط دیه می شود یا خیر؟

ب) آیا پدر حق بخشش دارد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

حلالیت طلبیدن موجب اسقاط دیه نمی شود، و پدر حق بخشش ندارد;مگر در موردی که صلاح صغیر در آن باشد; مانند اموال دیگر صغیر.

س ۵۰۷ : مستدعی است بفرمائید:

الف) مجازات یا مسئولیت قاتل شخص مرتد در موارد ذیل چیست:

۱ مسلمانی، عمداً مرتدی را به قتل برساند؟

۲ مرتدی، مرتد دیگر را عمداً به قتل برساند؟

۳ کافر ذمی، مرتدی را به قتل برساند؟

۴ در موارد فوق، چنان چه قتل غیر عمد باشد، قاتل چه مسئولیتی دارد؟ آیا دیه ای برای مرتد ثابت است؟ در فرض ثبوت، مقدار آن را بیان فرمائید؟

ب) آیا در

صور فوق، فرقی بین اقسام مرتد و زن یا مرد بودن مرتد وجود دارد؟

ج ۱: چنان چه مسلمان معتاد به قتل کافر نباشد که ظاهراً مورد سؤال است و کافر هم مهدورالدم نباشد، قصاص مورد ندارد؛ یعنی مسلمان را نمی کشند؛ بلکه او تعزیر می شود به مقداری که حاکم شرع صلاح بداند و دیه ذمی هم از او گرفته نمی شود.

و چنانچه مرتد فطری باشد که مهدور الدم است، تعزیر هم ندارد.

ج ۲: اگر مرتدی مرتد دیگر را عمداً به قتل برساند، اگر هر دو ملی باشند، قصاص می شود، و اگر مقتول، مرتد فطری باشد، چیزی بر او نیست.

ج ۳: از جواب قبل جواب این سؤال ظاهر می شود.

ج ۴: در قتل کافر غیر ذمی دیه نیست.

س ۵۰۸ : انسان پس از تولد به تدریج دندان هایی در می آورد که به آنها دندان های شیری گفته می شود، این دندان ها در غالب موارد (۹۹ درصد) در سن کودکی می افتد و به جای آن دندان اصلی (دائمی) که در زیر دندان های شیری قرار گرفته، می روید. در برخی افراد در زیر دندان های شیری، دندان دائمی وجود ندارد، لذا دندان های شیری تا مدت طولانی تری در دهان باقی می ماند و در صورت افتادن، دیگر به جای آن دندانی نمی روید. با عنایت به این مقدمه، مستدعی است بفرمائید:

الف) هرگاه در اثر جنایتی دندان شیری کنده شده و به دندان دائمی زیر آن که در لثه قرار دارد نیز صدمه برسد، به نحوی که دندان دائمی پس از رویش کج و معیوب باشد، آیا علاوه بر دیه یا ارش

دندان شیری، ارشی نیز بابت رویش معیوب دندان دائمی می توان مطالبه کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی. مسلماً چیزی ثابت است; یا دیه پنجاه دینار یا حکومت.

س ۵۰۹ : ب) هرگـاه در اثر جنایتی دنـدان شـیری کنـده شود، و هـم در اثر جنایت مزبور بـا ایـن کـه دنـدان دائمی زیر دنƠ......شیری (در لثه) وجود داشـته دیگر نرویـد، آیا علاوه بر دیه یا ارش دنـدان شـیری، دیه دندان دائمی نیز که عدم رویش آن مستند به جنـایت است، بایـد پرداخت شود یـا خیر؟ به عبـارت دیگر، آیـا موضوع سؤال دو جنـایت است (جنـایت اول که مباشرتاً دندان شیری را ساقط کرده و جنایت دیگر که سبب عدم رویش دندان دائمی شده) که دو دیه دارد یا یک جنایت؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً یک جنایت بیش تر نیست; و همان دیه نروییدن دندان است.

س ۵۱۰ : در خسارات مازاد بر دیه در صورتی که جانی قادر بر پرداخت آن نباشد، آیا بیت المال مسئولیتی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بیت المال هیچ مسئولیتی ندارد.

س ۵۱۱ : هر گـاه راننـده اول در حین راننـدگی بیهوش شـده و یـا دچار سکته شود و وسـیله نقلیه او به سـمت دیگر جاده که وسایـل نقلیه از جهت مخـالف در آن تردد دارنـد، منحرف شـده و به وسـیله نقلیه ای که بـا سـرعت غیر مجاز در حال حرکت است، برخـورد نمایـد، ضـمان دیه متوجه چه شخصـی است؟ (فرض آن است که راننـده وسـیله نقلیه ای که سـرعت غیر مجـاز داشـته در شرایطی که به صورت ناگهانی و در اثر انحراف وسیله نقلیه اول به وجود آمده است، قادر به کنترل وسیله نقلیه خود و اجتناب از تصادف نبوده).

باسمه

جلت اسمائه

هیچ کدام ضامن نیستند; چون در فرض سؤال تصادف منتسب به هیچ کدام نیست; هر دو حین تصادف بی اختیار بوده اند.

س ۵۱۲ : هر گاه شخصی در ملک خود که کودکان همسایه گاه برای بازی بدون اذن مالک به آن جا می روند، به قصد سقوط کودکان در چاه و صدمه زدن به آن ها چاهی حفر نماید، مستدعی است بفرمائید; آیا مالک ضامن است یا ضمان او به دلیل روایاتی که حفر کننده در ملک را ضامن نمی داند، منتفی است؟

باسمه جلت اسمائه

مقتضای اطلاق آن ادله عدم ضمان حافر چاه است.

س ۵۱۳ : تصادف با وسیله نقلیه در دو صورت ذیل از مصادیق تسبیب است یا مباشرت:

الف) دو وسیله نقلیه با هم برخورد کنند و سرنشینان یکی از آن ها کشته شود؟

ب) وسیله نقلیه به شخصی برخورد کرده و او را هلاک نماید؟

باسمه جلت اسمائه

الف: چنانچه هیچ کدام از راننده ها تقصیری نداشته باشند، قتل خطایی مستند به هر دو است. هر کدام باید عاقله اش یا خودش نصف دیه را بپردازد.

ب: در صورت عدم تقصیر قتلی خطایی است.

س ۵۱۴ : دو نفر مشاجره لفظی می کنند، یکی از آن ها عصبانی شده و در حالت خشم و عصبانیت با کلنگی که در دست دارد، به سر دیگری زده و او را به قتل می رساند، نوع قتل را مرقوم فرمایید.

باسمه جلت اسمائه

قتل عمدی است.

س ۵۱۵ : کودکان برای بازی سنگی را در کوچه به عنوان دروازه فوتبال قرار داده و پس از بازی، آن را در همان حالت رها کرده و می روند، زید که ملکش در کنار کوچه

بوده و دیوار و حصاری نـدارد، چاهی را در کنار سنگ و در ملک خودش حفر می کنـد به قصد این که نابینا یا عابر خاصـی که معمولاً از آن جا می گـذرد، به سنگ برخورد کرده و در چاهی که در ملک اوست سقوط کنـد، یا مالک با توجه به این که اگر در ملـک خود چـاه بکنـد، احتمـال برخورد نابینا یا عابر با سنگ و سقوط او در چاه زیاد است، اقـدام به حفر چاه می نمایـد، حـال مستدعی است بفرمائیـد با توجه به این که عمل کودکان مصـداق اضـرار به طریق و عمل مالک مصـداق «الناس مسلطون علی أموالهم»می باشد، ضامن دیه نابینا یا عابر چه کسی است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه چاه در ملک در معرض سقوط می باشد دیه نابینا و عابر در صورت ثبوت بر حافر چاه است; بلکه در بعضـی موارد قصاص ثابت می شود; به هر تقدیر، بر عمل کودکان چیزی مترتب نمی شود.

س ۵۱۶ : ۱ شخص «الف» به قصد این که با پریدن بر روی شخص «ب» وی را به قتل برساند به پشت بام می رود، لیکن قبل از این که اقـدام به پریدن نماید، بدون اختیار او، طوفان یا زلزله غیر مترقبه ای وی را به پایین و بر روی شـخص «ب» پرت کرده و موجب قتل شخص «ب» می شود; مستدعی است بفرمایید آیا جنایت عمد است، یا شبه عمد، یا خطا و یا تلف محض؟

۲ هرگـاه شـخص «الف» بـا علم به این که اگر در مکـان خاصـی قرار گیرد، طوفانی که در حال وزش است او را به پایین پرت کرده

و موجب قتل شخص «ب» می گردد، به مکان مزبور رفته و در اثر وزش طوفان و سقوط به پایین، شخص «ب» را هلاک نماید، جنایت از چه نوعی است؟

باسمه جلت اسمائه

در فرض اول تلف محض است.

و در فرض دوم، جنایت عمدی است; چون الإمتناع بالاختیار لا ینافی الإختیار.

س ۵۱۷ : هر گاه در اثر جنایتی، مقداری از گویایی شخص از بین برود، مانند این که قادر به ادای ۱۰ حرف نباشد، مستدعی است بفرمائید

الف آیا دیه زوال حروف با توجه به حروف معجم عربی تعیین می شود یا همان گونه که برخی فقهای فرموده اند، بر اساس حروف لغت مجنی علیه؟ (حروف زبانی که مجنی علیه به آن تکلم می کند، گاه ۳۲ حرف است (فارسی زبانان) و گاه ۲۶ حرف (انگلیسی زبانان) و گاه غیر آن)

ب در صورتی که معیار حروف معجم عربی باشد، تعداد حروف مزبور ۲۸ حرف است یا ۲۹ حرف؟

ج در صورتی که معیار، حروف لغت مجنی علیه باشد، در مواردی که مجنی علیه به چند زبان (فارسی، ترکی و عربی) تکلم می کند، معیار، حروف کدام یک از این لغات است؟

باسمه جلت اسمائه

در روایات تصریح شده است به ۲۸ حرف و آن هم با قطع زبان از بین می رود، و قطع دندان ها حکم دیگری دارد. و اگر تمام زبان قطع شود، دیه آن، دیه کشتن است; و اگر نصف آن قطع شود و به جهت قطع آن مقداری از حروف از بین برود، چنان چه آن مقدار نصف حروف باشد باید نصف دیه کشتن داده شود; ولی اگر دو ثلث حروف از بین برود،

نسبت به زائد از نصف باید مصالحه بشود.

س ۵۱۸ : آیا همان گونه که در قتل مباشری در صورت عدم شناسایی قاتل، دیه مقتول از بیت المال پرداخت می شود، در قتل تسبیبی نیز این گونه است; به عنوان مثال، اگر شخص ناشناسی پوست موزی در خیابان انداخته و شخصی در اثر گذاشتن پا روی پوست و لغزیدن و به زمین خوردن بمیرد، آیا بیت المال ضامن دیه است؟

باسمه جلت اسمائه

دلیلی بر بودن دیه در این مورد نیست تا از بیت المال داده شود.

س ۵۱۹ : در دعوایی که بین دو نفر صورت گرفته یکی از آن ها که دارای بیماری قلبی می باشد، بعد از دعوا روی زمین می افتد و فوت می کند; طرف مقابل خبر از بیماری متوفی ندارد; الف) این چه نوع قتلی است؟ ب) دیه به عهده کیست؟

باسمه جلت اسمائه

قتل مزبور عمدی نیست و اگر قتلی باشد، خطایی است; و مستند به یک نفر نیست; به هر دو منتسب است. دیه اگر ثابت شود، بر عاقله است; آن هم بر طرف دیگر نصف دیه است; و چنان چه احتمال عقلانی داده شود که دعوا سبب فوت نشده باشد، دادن دیه واجب نیست.

س ۵۲۰ : صبی در اسلام و طهارت وارث تابع اشرف ابوین است; اگر در حال صبی بودن اشرف بمیرد، باز هم همان احکام را دارد یا نه؟ اگر بعد از بلوغ مرتد شد، حکم عنوان ارتداد دارد; چون عنوان مسلمان دارد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه اشرف در حال صباوت بمیرد، صبی باقی است بر تبعیت او; کما این که اگر بعد از بلوغ مرتد شود، حکم ارتداد

دارد.

س ۵۲۱ : مشهور فقهای امامیه در بحث اجتماع سبب و مباشر معتقدند که در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است مگر آن که سبب اقوی باشد; در مقابل، برخی دیگر از فقها مانند صاحب ریاض، صاحب مدارک، صاحب العناوین، مرحوم خویی، مرحوم رشتی، مرحوم سبزواری و... ضمان سبب و مباشر را در صورت استناد تلف به هر دو محتمل دانسته و یا به آن حکم نموده اند. با عنایت به این که «سبب» و «مباشر» در نصوص شرعی وارد نشده است و از سوی دیگر با تتبع در آرای فقها روشن می گردد که معیار ضمان استناد عرفی و انتساب تلف است، آیا می توان گفت: هرگاه تلف تنها به مباشر مستند باشد، مباشر ضامن و اگر تلف فقط به سبب مستند باشد، ضامن و اگر هم به مباشر و هم به سبب مستند باشد، هر دو ضامن اند و در صورت شک در انتساب نیز مباشر ضامن است؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت تساوی مباشر و سبب در قوه و صورت اقوائیت مباشر، دعوی اجماع شده است بر این که «إذا اجتمع المباشر والسبب فالضمان علی المباشر»; و آن چه در بعضی موارد مانند «من حفر بئراً فی غیر ملکه و دفع الآخر ثالثاً فیها و سقط و مات کان الضمان علی الحافر و إن کان الحافر جاهلاً»، با این اجماع نیست. بنابراین، به نظر ما مجمع علیه صحیح است.

?حدود، قصاص و دیات

س ۵۲۲ : اگر کسی اقدام به قتل عمدی دیگری کند و مجنی علیه را به گونه ای رها کند و برود که نجات او ممکن نیست و اگر چه فعلا

«کالمیت» نیست لیکن قطعاً تا فردا خواهد مرد، و ولی مجنی علیه به دنبال جانی رفته و وی را قبل از مرگ مجنی علیه به قتل می رساند و پس از آن مجنی علیه می میرد، آیا در این صورت، ولی مذکور مستحق قصاص نفس است، یا محکوم به پرداخت دیه می شود، یا هیچ کدام و فقط تعزیر می شود؟ چنان چه ولی دم مذکور مستحق قصاص یا محکوم به پرداخت دیه باشد، خون مقتول اول چه می شود؟ آیا هدر است، یا دیه اش از اموال جانی و در صورت فقر او از عاقله یا بیت المال پرداخت می شود؟

باسمه جلت اسمائه

قتل جانی قبل از مردن مجنی علیه جائز نیست; فالولی قتل من لا یجوز قتله فعلیه القود.

س ۵۲۳ : آیا در توبه مُسقِط حد، ندامت و پشیمانی و عزم بر عدم تکرار جرم کافی است; یا علاوه بر آن، در صورتی این ندامت و پشیمانی موجب سقوط حد است که قربةً إلی الله و به عبارت دیگر، توبةً إلی الله باشد؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهر روایات داله بر سقوط حد شارب خمر و... در صورتی که هنوز هیچ کس نمی داند و او توبه می کند، توبه حقیقی است نه صوری.

س ۵۲۴ : آیا توبه مرتد فطری مطلقاً پذیرفته نیست، یا قبل از ثبوت ارتداد نزد حاکم پذیرفته می شود و بعد از ثبوت عند الحاکم پذیرفته نمی شود؟ و در هر یک از فروض سه گانه آیا حد قتل ساقط می شود؟

باسمه جلت اسمائه

مرتد فطری به مجرد ارتداد حد قتل برایش ثابت می شود و اموالش منتقل به ورثه می شود. و

زوجه اش از همان حین ارتداد از او جدا می شود با عده وفات. و اگر اسلام آورد و مسلمان شد و توبه نمود، اسلامش قبول می شود و بدنش پاک می شود و توبه اش باطناً قبول می شود و موجب داخل شدن به بهشت می شود؛ و بعداً اگر کسب مال نمود، مالک آن چه به دست آورده می شود و با عقد جدید می تواند رجوع به زنش بنماید؛ و مع ذلک کله، حد قتل ساقط نمی شود و اموالی که منتقل به ورثه شده است، به او بر نمی گردد، و زنش هم بدون عقد جدید به او بر نمی گردد؛ و روایات عدم قبول توبه مرتد فطری ناظر به این دو سه حکم است.

س ۵۲۵ : هرگاه شخص مدافع نسبت به مهاجم رعایت الأسهل فالاسهل را ننماید و مآلا مهاجم را به قتل برساند، آیا مدافع به لحاظ عدم رعایت الأسهل فالاسهل قصاص می شود یا می بایست به اولیای مهاجم دیه بپردازد و یا خون وی هدراست؟

باسمه جلت اسمائه

وجهی بر سقوط قصاص نیست.

س ۵۲۶ : در اجرای حدّ سرقت نسبت به قطع انگشتان، آیا سارق می تواند قبل از اجرا، انگشتان خود را بی حس کند تا درد و الم را احساس نکند؟ و نیز آیا می تواند آن را بعد از قطع پیوند بزند؟ و در قصاص عضو هم آیا می تواند پیوند بزند؟

باسمه جلت اسمائه

بی حس کردن انگشت اشکال ندارد؛ کما این که پیوند زدن هم جائز است.

س ۵۲۷ : آیا برای اجرای حد اعدام برای مجازات زنای با عنف مثلا، زمان خاصی قائل اید و نیز

برای قصاص نفس چطور؟

باسمه جلت اسمائه

در روایات فرموده اند: در شدت گرما و سرما، و در اراضی کفار، و در ملتجیء به حرم اجرای حد نکنند; و ظاهراً قصاص هم همین گونه است; مگر در مورد اول.

س ۵۲۸ : ضربی واقع شده است که موجب جراحت و تغییر رنگ نگردیده است; و به عبارت دیگر، هیچ گونه آثاری از خود بجا نگذاشته است; چه مجازاتی برای ضارب می توان در نظر گرفت.

باسمه جلت اسمائه

در روایات بر چنین ضربی مجازات خاصی ذکر نشده است.

س ۵۲۹ : آیا شهادت فرزند علیه پدر صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

شهادت فرزند علیه پدر قبول نمی شود; ولی به نفع پدر صحیح و قبول است.

س ۵۳۰ : شخصی که در محکمه حاکم شده ولی در راه احقاق حقش خسارات و هزینه هایی را متحمل شده، آیا می تواند آن ها را از محکوم (که سبب این خسارات شده) بگیرد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی تواند.

س ۵۳۱ : هرگاه لوث علیه چند نفر معین محقق شده باشد، به عنوان مثال یک نفر عادل شهادت می دهد که من دیدم یک شخص نامعین از این چهار نفر معین، زید را به قتل رساند، در صورتی که برای قاضی ظن به قاتل بودن یک نفر نامعین از میان آن چهار نفر به وجود آید، در دو صورت ذیل حکم مسأله را بیان فرمایید;

الف) اولیای دم، مدعی اند قاتل شخص معینی از آن چهار نفر است؟

ب) اولیای دم، تنها مدعی اند یکی (یکی نامعین) از آن چهار نفر قاتل است؟

باسمه جلت اسمائه

چون میزان در ثبوت لوث برای حاکم به صدق مدعی حصول ظن است نوعاً، بنابراین،

اگر اولیای دم مـدعی باشـند که یک نفر غیر معین از این چهار نفر قاتل است، تردیـدی نیست که لوث ثابت می شود که یکی از این چهـار نفر قاتل است و چون معلوم نیست، قسامه متوجه هر چهار نفر می شود و دیه ثابت می شود بر هر چهار نفر؛ پس، هر کدام ربع دیه را باید بپردازند. و اگر اولیای دم مدعی هستند که یکی معین قاتل است، چنان چه قاضی به همان عقیده خود بـاقی باشـد، ادعـای اولیـا بی اثر است میزان ظن قاضـی است، پس قسـامه متوجه همـان چهـار نفر است و دیه هم آن چهار نفر بـالسویه بایـد بپردازنـد؛ و در این فرض، اگر اولیـا ادعـای اطمینـان می کننـد که قاتل یک نفر معین است، نمی تواننـد آن سـه قسمت از دیه را که آن سه نفر می پردازند، بگیرند؛ و قاعده آن سه قسمت متعلق به امام است. و الله العالم.

س ۵۳۲ : بـا التفـات به دیـد گاه فقهـا، عـاقله ضامن پرداخت دیه از سوی صـغار می باشـد؛ در صورتی که صـغیر به پـدر خود جرحی وارد نمایـد و پـدر شـکایت کند، در مواردی که شاکی خود ضامن پرداخت دیه می باشد، تکلیف چیست؟ شایان ذکر است عاقله در فرض سؤال منحصـر به شـخص مجروح (پدر) می باشد و نیز در صورت عدم انحصار عاقله به پدر، حکم مسـئله را بیان فرمائید.

باسمه جلت اسمائه

چون ثبوت دیه بر عاقله حکم تکلیفی محض است و دیه در ذمه جانی ثابت است، بنابراین، دیه در ذمه صغیر ثابت است و ولی می تواند از اموال او بردارد.

س ۵۳۳ : ۲ چنان چه

پدر از اموال فرزند سرقت نماید، حد سرقت منتفی است، اما آیا تعزیر دارد؟

باسمه جلت اسمائه

از مقتضی روایات در این مورد چیزی فهمیده نمی شود; ولی عموم ما دل علی التعزیر، برای هر عمل مخالف شرعی تعزیر می شود چنین استدلال شده است و لکن به نظر من تعزیر هم نمی شود به واسطه یک روایت.

س ۵۳۴ : ۳ در زنای مستوجب رجم که با علم قاضی ثابت شد، چه کسی باید زدن سنگ را آغاز نماید؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت اقرار، امام اول کسی است که رجم را آغاز می کند; و در صورت ثبوت به بینه، همان بینه اول کسی است که رجم می کند، بعد امام. و اما در صورت ثبوت جرم با علم قاضی، اگر حکم رجم باشد، امام اول کسی است که رجم می کند.

س ۵۳۵ : ۱ در مواردی که شخصی اقدام به قتل محقون الدمی نموده ولی بر اثر عواملی که خارج از اختیار او بوده قتل واقع نشده است، آیا می توان او را به جهت شروع در قتل تعزیر نمود؟

۲ در موارد شروع به جنایت بر عضو، چطور; آیا می توان او را تعزیر نمود؟

باسمه جلت اسمائه

در هر دو مورد سؤال چون شخص مقدم به جنایت کار محرمی انجام نداده است، فقط متجری می باشد; و تجری اگر چه قبیح است، ولی فعل متجری به حرام نمی شود. و تعزیر برای فعل حرامی است که در شرع مقدس حدی برای آن ذکر نشده است، پس تعزیر وجهی ندارد.

س ۵۳۶ : قتلی اتفاق افتاده است و قاتل ادعا می کند که در زمان ارتکاب قتل

نابالغ بوده است و قصاص منتفی است، ولی شواهد و قرائن نشانگر آن است که در حال قتل بالغ بوده است، لطفاً بفرمایید؛

الف) آیا خصوصیات قاتل نظیر بالغ و عاقل بودن او در زمان قتل در مواردی که لوث و قرائن بر وجود آن ها دلالت دارد، با قسامه قابل اثبات است؟

ب) آیا خصوصیات مقتول مثل مجنون یا عاقل بون او یا مرتد بودن او در زمان قتل با وجود لوث بر این خصوصیات، با قسامه قابل اثبات است؟

ج) آیا ادعای اکراه بر قتل و جنایت از طرف جانی یا ادعای عدم اکراه از طرف ولی دم با وجود لوث بر تحقق اکراه یا نفی آن، از طریق قسامه قابل اثبات است؟

باسمه جلت اسمائه

۱ در صورت ادعای طفل که حین وقوع قتل بالغ نبوده اگر ممکن است با ملاحظه تحقق انبات، حکم به بلوغ می شود؛ و اگر ممکن نیست یا طفل ادعا کند با دواء نبات شعر محقق شده است، قول طفل قطع نظر از استصحاب حجت است؛ از باب قبول دعوای چیزی که لا ـ یعلم إلا ـ من قبل المدعی، بنابراین، نوبت به قسامه نمی رسد؛ و علی فرض قسامه، اول قسامه حق مدعی است قسامه او مقدم است؛ و اگر قسامه نداشت یا امتناع کردند از قسم، خود مدعی قسم می خورد و موافقین او اگر کسی را موافق داشت؛ والا خود او قسم می خورد و تکرار می کند تا حد نصاب؛ و اگر قسم نخورد، قسامه متوجه منکر می شود.

۲ در آن صورت و در صورت سوم مورد قسامه هست.

س ۵۳۷ : در صورتی که دندان لق شده قابل درمان

باشد و قصاص به همان اندازه ممکن باشد، آیا قصاص جاری می شود؟

باسمه جلت اسمائه

مقتضی عموم ادله قصاص مثل آیه کریمه (السن بالسن) ثبوت قصاص است.

س ۵۳۸ : در صورتی که دندان لق شده در حکم دندان فاسد باشد و باید توسط پزشک کنده شود، آیا قصاص جاری است؟ و در فرض جریان قصاص، آیا برای قصاص آن، دندان جانی به همان صورت لق می گردد یا کنده می شود؟

باسمه جلت اسمائه

مماثلت در قصاص معتبر است، و این عنوان موجب آن است که دندان جانی به همان صورت لق گردد؛ و با عدم امکان، دیه واجب می شود.

س ۵۳۹ : با عنایت به این که: هرگاه شخصی که چشم های او صحیح است، چشم سالم اعور (یک چشم) را در آورد، اعور علاوه بر قصاص یک چشم جانی می تواند نصف دیه را نیز دریافت کند، و می تواند دیه کامل را بگیرد: (این حکم مختص به موردی است که اعوریت به جنایت جانی نباشد؛ والا فقط قصاص می تواند بکند.)

الف: اگر چشم سالم اعور را کور کند ولی آن را قلع نکند، آیا باز هم همین حکم جاری است؟

باسمه جلت اسمائه

قصاص بلی و دیه خیر.

س ۵۴۰ : ب: اگر جانی نیمی از بینایی چشم سالم اعور را از بین ببرد و قصاص آن ممکن باشد، آیا علاوه بر قصاص باید نصف دیه آن را بپردازد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، دادن نصف دیه لازم نیست.

س ۵۴۱ : ج: اگر جانی نیمی از بینایی چشم سالم اعور را از بین ببرد و قابل قصاص نباشد، مقدار دیه آن چقدر است؟

باسمه جلت اسمائه

نصف دیه آن را باید بپردازد.

س

۵۴۲ : د: به طور کلی آیا قصاص در قسمتی از منفعت بینایی در فرض امکان قصاص جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، جائز است.

س ۵۴۳ : اگر ولی بچه ای به خاطر تربیت کردن فرزند، او را طوری بزند که موجب دیه بشود (قرمز یا کبود شود) آیا دیه به عهده ولی است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، به عهده ولی است.

س ۵۴۴ : هرگاه ولی دم قبل از این که روح از بدن مقتول خارج شود، به سمت قاتل که در حال فرار بوده شلیک کند و در نتیجه، اول قاتل کشته و ساعتی بعد روح از بدن مقتول خارج شود، آیا ولی دم مرتکب قتل عمدی شده که موجب قصاص است؟

باسمه جلت اسمائه

حق قصاص از جانی بعد از مردن مجنی علیه ثابت می شود، به مقتضای آیه کریمه و روایات؛ بنابراین، اگر ولی دم قبل از موت جانی او را بکشد ولی جانی حق اقتصاص از قاتل را دارد؛ و در این فرض، اگر ولی شلیک کند به قاتل و قبل از مرگ قاتل مجنی علیه اول بمیرد، باز ولی دم محکوم به قصاص است؛ چون قتل منتسب به او قبل از استحقاق بوده است.

س ۵۴۵ : آیا شرعاً حبس ابد از مجازات های تعزیری محسوب می شود و حاکم شرع می تواند در برخی از جرایم تعزیری مرتکب را به حبس ابد محکوم کند؟

باسمه جلت اسمائه

در مورد کسی که دیگری را به قتل شخص ثالثی امر می کند و مأمور مجبور است در عمل، آمر محکوم می شود به حبس ابد. بنابراین، می توان گفت که در مجازات های تعزیری با نظر حاکم شرع حبس ابد

از آن مجازات ها محسوب شود.

دیه سقط جنین

س ۵۴۶ : اگر به خاطر اضطرار شرعی بچه را سقط کنیم، آیا دیه به عهده ما می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، دیه لازم نیست.

س ۵۴۷ : در مواردی پزشکان به صورت قطع، نظر می دهند که جنین مثلا به علت نداشتن جمجمه یا... زنده متولد نخواهد شد. در فرض مزبور، آیا سقط جنین در دو فرض ذیل جائز است یا خیر؟ و در صورت جواز، آیا رضایت زوج نیز لازم است؟

الف ادامه حمل موجب عسر و حرج مادر است؟

باسمه جلت اسمائه

در این فرض، سقط جائز است.

س ۵۴۸ : ب ادامه حمل هرچند مشکلاتی را برای مادر در پی دارد، اما وضعیت به مرحله عسر و حرج نرسیده است؟

باسمه جلت اسمائه

به مقتضای قاعده چون آن چه سقط می شود حیاتی ندارد، سقط جائز است.

س ۵۴۹ : در صورت مثبت بون جواب (جواز) آیا از باب دفاع می توان ضمان را (دیه جنین) منتفی دانست؟ آیا ضمان عاقله تکلیفی است یا وضعی؟

باسمه جلت اسمائه

ضمان عاقله تکلیفی است.

س ۵۵۰ : در دوران بین وجود مادر و حمل او در رحم که روح دارد، به واسطه لاحرج و لا ضرر اسقاط جنین برای مادر جائز است; اما آیا بر پدر دیه ای هست؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه ضرر به حدی است که اسقاط جائز شود، باز دیه لازم است; ولی کسی که متصدی اسقاط است، ارث نمی برد.

س ۵۵۱ : اگر زنی عمداً یا شبه عمد سقط جنین کرد و به شوهر خود، در زمان حیات او دیه را نداد، آیا دیه را به وارث یا خیرات برای او بدهد؟

باسمه

جلت اسمائه

در مواردی که دیه مال شخص خاصی است، باید به ورثه داده شود.

س ۵۵۲ : «عقب افتادگی جنین» یعنی اختلال کامل یا نسبی در ساختار یا عملکرد دستگاه عصبی جنین به هر علتی که نهایتاً منجر به تولد نوزاد زنده نشود، و در صورت تولد با فاصله کوتاهی بمیرد، یا دچار اختلال ذهنی یا جسمی باشد به نحوی که موجب حرج مادر گردد، آیا ملاک تشخیص عرف پزشکی و تأیید متخصصین ذی ربط است.

باسمه جلت اسمائه

عقب افتادگی جنین به امور ذکر شده صحیح است، ولی جواز سقط جنین بدون صورت تزاحم دلیل ندارد و بلاوجه است.

س ۵۵۳ : «ناقص الخلقه بودن جنین» عبارت است از عدم تشکیل و یا اختلال در تشکیل یا تکامل یک یا چند عضو بدن به هر علت به طوری که جنین زنده متولد نشود، و در صورت تولد، با فاصله کوتاهی بمیرد یا معلول جسمی یا ذهنی باشد به صورتی که موجب حرج مادر گردد، اعم از آن که این معلولیت با اختلال ظاهری همراه باشد یا نباشد. آیا ملاک تشخیص عرف پزشکی و تأیید متخصصین ذی ربط است.

باسمه جلت اسمائه

از آن چه در امر سابق بیان شد، حکم این امر هم ظاهر می شود.

نذر و قسم

س ۵۵۴ : قسم به خداوند متعال یا خدا شاهد و وکیل بر سخن دروغ خود بگیرد، آیا موجب افطار روزه دار می شود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، موجب افطار روزه نیست.

س ۵۵۵ : اگر در نذر مانع بود آن روز را روزه بگیرد، یا قدرت بر آن نداشت یا چیز منذور پیدا نشد، آیا قضا و کفاره دارد، یا کشف از بطلان نذر می شود؟

باسمه

جلت اسمائه

قضا و کفاره واجب نیست; ولی مستحب است یک یا دو مد طعام کفاره بدهد. تخییر به اعتبار تعدد مرتبه استحباب است.

س ۵۵۶ : اگر کسی نذر زیارت امام حسین علیه السلام کند و از آن طرف کار مهمی با پول داشت، کدام یک مقدم است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه کار مهم هم واجب باشد، مزاحم بین وجوبین می شود; اگر اهم ثابت نشود، مخیر است به هر کدام عمل کند، و اگر به حد وجوب نرسد، نذر مقدم است.

س ۵۵۷ : تعداد زیادی از اهالی بدون خواندن صیغه شرعی نذر، طبق معمول گفته اند که اگر مثلا فلان حاجت من برآورده شود، در راه حضرت ابوالفضل علیه السلام، و یا روز طشت گذاری، جلوی دسته جات عزاداران حضرت سیدالشهداء علیه السلام یک قربانی می کشم و یا روز عاشورا، فلان مبلغ را خرج می کنم; آیا این شخص با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، می توانند مبالغ آن نذرها را برای کمک به ساختن مسجد حضرت ابوالفضل علیه السلام، خود مصالح ساختمانی بخرند و یا برای خرید مصالح، به متصدیان امر تحویل دهند یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

مبالغ آن نذرها را در غیر موارد تعیین شده بر آن ها جائز نیست صرف در ساختن مسجد نمود.

س ۵۵۸ : اگر کسی به تدریج صدقه جمع کند، آیا می تواند موقع نیاز پول درشت صدقه ها را پول خرد کند یا موقع پرداخت صدقه پول خردهای صدقه را با پول درشت عوض کرده و پول درشت را صدقه بدهد؟

باسمه جلت اسمائه

اشکالی ندارد.

س ۵۵۹ : اگر کسی نذر روزه غیر معین کرده: الف) آیا قبل از ظهر می

تواند باطل کند؟ ب) آیا بعدازظهر می تواند باطل کند؟

باسمه جلت اسمائه

باطل کردن روزه غیر واجب تا غروب جائز است.

س ۵۶۰ : در کتاب عروه در بحث نیت الصوم مسئله ۲۴ آمده است: «لایجوز العدول من صوم إلی صوم واجباً کاناً أو...»

حال، اگر کسی روزه نذری غیر معین گرفته باشد و بعد نیت قطع می کند در نتیجه روزه نذر او باطل می شود، حال قبل از ظهر نیت روزه قضایی می کند: آیا این مسئله یکی از مصادیق مسئله ۲۴ است؟

باسمه جلت اسمائه

این عدول نیست; بلکه، از موارد نیت روزه قبل از اذان ظهراست.

س ۵۶۱ : علما فرموده اند: اگر کسی نذر کند که در حال سفر روزه بگیرد، این نذر صحیح می باشد. حال، اگر این مطلب را به وسیله صیغه عهد بر خود واجب کند، حکم نذر را دارد؟

باسمه جلت اسمائه

دلیل مختص به نذر است.

س ۵۶۲ : آیا این کلمه (جملات) صیغه نذر می باشد یا خیر; الف) خدایا نذر می کنم که اگر حاجتم برآورده شد، یک روز روزه بگیرم; ب) برای رضای خدا اگر حاجتم برآورده شد، یک روز روزه بگیرم.

باسمه جلت اسمائه

به فتوای من در تحقق نذر و وجوب عمل به آن همان نیت کافی است; یعنی همین مضمون صیغه نذر را انشاء قلبی کند، یعنی اعتبار نفسانی که در هر معامله قبل از انشاء لفظی می شود در انعقاد نذر کافی است.

س ۵۶۳ : نذر کرده است که اگر مثلا وسیله نقلیه من پیدا شد، او را به فلان فقیر (صدقه، هدیه و...) بدهیم; قبل از پیدا شدن وسیله، فقیر فوت می کند; با وسیله پیدا شده چه

کنیم؟

باسمه جلت اسمائه

در وجوب عمل به نذر تمکن حین العمل معتبر است، در مورد سؤال حین العمل تمکن ندارد، نذر منحل است.

س ۵۶۴ : شخصی چند ماهی است که عمل خاصی را انجام می دهد (مثلا هر روز صبح یک جزء قرآن می خواند) ولی الآن شک می کند که اصلا آیا صیغه نذر را خوانده است یا خیر، عادت او چنین بوده که گاهی بعضی از امور را با صیغه نذر به خود واجب می کرده است، تکلیف چیست؟

باسمه جلت اسمائه

مقتضای اصاله البرائه، و استصحاب عدم النذر، به عدم وجوب است.

س ۵۶۵ : شخصی نذر کرده پنجاه هزار تومان از حقوق خود را در مورد خاصی (مثل خرج حسینیه، دادن به ایتام، جلسه، دعا و...) مصرف کند، اما بعد از به دست آمدن پول، شک می کند اصلا مورد نذر چه بوده، وظیفه او چیست؟ در مورد نذر وظیفه او چیست؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً حکم این نذر حکم آن است که نذر کند مبلغ معینی در عمل نیکی که اطاعت خداوند است صرف کند. بنابراین، صرف در هر عمل خوبی که مقرب الی الله تعالی می باشد جائز است.

س ۵۶۶ : در جاهایی که پول های موجود در ضریح امام زادگان یا امامان علیهم السلام را دولت آن جا می برد و مصرف حرم و زوار نمی شود، ولی متولی این حرم ها مستقل هستند و پول مصرف آن جا می کند، اگر کسی نذر کرد که پول را در ضریح بیندازد، آیا به متولی بدهد یا در ضریح بریزد؟

باسمه جلت اسمائه

در عمل به نذر باید همان گونه که نذر شده عمل شود; و صورت

دیگر، ولو کار بهتری باشد، مجزی نیست.

س ۵۶۷ : نـذر کرده اسـت اگر حـاجتم برآورده شـد، مبلغی را بـه شخصـی به اعتقـاد این که فقیر است پرداخت کنـد؛ بعـد از برآوردن حاجت، متوجه می شود که اصلا آن شخص فقیر نیست؛ حال، وظیفه این شخص چیست؟

باسمه جلت اسمائه

اعتقاد به فقر نذر را مقید نمی کند. بنابراین، باید مبلغ را به او بدهد.

س ۵۶۸ : کسـی نـذر کرده است که به مـدت ۴۰ شب سـوره ای خـاص از قرآن را بخوانـد ولی دو شب را فراموش می کنـد، وظیفه او در دو صورت زیر چیست؟

الف) اگر شب ۴۱ و ۴۲ را جبران کند، کفایت می کند یا خیر؟

ب) در صورتی که پس از چند روز فاصله از پایان ۴۰ روز بخواهد جبران نماید، آیا کفایت می کند یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

اگر نذرِ خواندن چهل شب پیاپی باشد، کفایت نمی کند؛ والا باید بخواند و حکم صورت دوم نیز همین گونه است.

(ت) س ۵۶۹ : شخصـی که با رعایت همه شرایط نذر می کند مثلا ۴۰ روزی پی در پی کاری را انجام دهـد، اگر یک روز به خاطر فراموشی انجام ندهد، وظیفه او در موارد زیر چیست؟

الف) اگر نذر او ۴۰ روز معین باشد؟

باسمه جلت اسمائه

در روایت است کل من عجز من نذر نذره فکفارته کفاره یمین

(ت) س ۵۷۰ : ب) اگر چهل روز به صورت مطلق نذر کرده باشد؟

باسمه جلت اسمائه

باید مرتبه بعد چهل روز پی در پی آن عمل را بجا آورد.

(ت) س ۵۷۱ : آیا نذر کردن به این که نماز واجب یا روزه واجب را ترک نکند، صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، صحیح

است; وجوب مؤکد می شود.

س ۵۷۲ : اگر کسی نذر کرد هر جمعه روزه بگیرد و روز نیمه شعبان روزه بگیرد و اتفاقاً مصادف در یک روز شد، آیا به تداخل اسباب کفایت از هر دو نذر می کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، کفایت می کند.

س ۵۷۳ : عهد در شرائط آن آیا به یمین ملحق است یا به نذر؟ مثلا عهد بدون اذن پدر آیا منعقد می شود یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

اذن پدر شرط صحت عهد نیست; و پدر نمی تواند آن را حل و فسخ کند.

س ۵۷۴ : اگر کسی صیغه نذری را روی کاغذ بنویسد بدون این که آن را تلفظ کند، آیا نذر واجب می شود؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه قصد انشاء دارد، بلی.

میّت،ارث و وقف

س ۵۷۵ : با عنایت به این که پدر پیش از فوت فرزند از مادر وکالتنامه ای تام تحصیل نموده است لکن از سهم الارثی که بعداً به او می رسد در وکالت نامه قید نشده، آیا می تواند سهم الارثی را که بعداً و مؤخر بر تاریخ وکالت به مادر رسیده با همان وکالتنامه سابق که فروش سهم الارث در آن قید نشده به دیگری انتقال دهد؟ نتیجه چنین انتقالی چیست؟ آیا نافذ است یا باطل؟

باسمه جلت اسمائه

اختیارات مادر در اموالی است که در آن تاریخ مال فرزند بوده و اما مالی که مترقب نبوده و بعد به فرزند رسیده، مادر هیچ گونه حقی به آن ندارد; و اگر انتقال دهد، منتقل نمی شود، نافذ نیست و باطل است.

س ۵۷۶ : هرگاه مقتول دارای سه فرزند و پدر باشد، چنان چه پدر مقتول فوت نماید و این پدر برادر

داشته باشد، آیا این برادر از قصاص و یا دیه حسب مورد ارث می برد؟

باسمه جلت اسمائه

دیه مانند اموال دیگر مقتول است; فقط منتسبین به مادر ارث نمی برند.

س ۵۷۷ : محلی که برای امری دیگر مانند حمام، قبرستان، مدرسه علوم دینی وقف گردیده بود و هم اکنون از متولی و یا واقف آن اثری نمانده و موقوفه متروک مانده است و تعدادی از خیرین آن محل را تصرف و به مسجد تبدیل نموده اند و مردم بدون اطلاع و تحقیق در آن جا نماز می خوانند، از نظر شارع مقدس چه وجهی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

فروش و تبدیل این گونه موقوفات جائز است; ولی باید با اجازه حاکم شرع باشد.

س ۵۷۸ : محلی برای مسجد بودن وقف گردیده است، آیا متولی شرعی و یا مردم نمازخوان در آن مسجد می توانند در آن موقوفه چای خانه یا دستشویی برای خود مسجد احداث کنند؟

باسمه جلت اسمائه

در طبقه تحتانی مسجد جائز است.

س ۵۷۹ : آیا در سؤال قبلی مردم خیّر برای ایجاد محل درآمد به خود مسجد می توانند در قسمتی از مسجد مغازه احداث نمایند و آن را اجاره دهند و اجاره را صرف مخارج مسجد نمایند؟

باسمه جلت اسمائه

در طبقه پایین یا بالا که ضرر به نماز خوانان نداشته باشد، جائز است.

س ۵۸۰ : اگر شخص در حال حیات خود بگوید این دو قبری که دارم به مستحق مؤمن بدهید و قراردادم و راضی نیستم به فامیل ورثه من بدهید، آیا وصیت است یا هبه؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً مراد وصیت است; والا می گفت می دهم نه بدهید.

س ۵۸۱ : شوهر زنی فوت کرده است، از اموال

باقی مانده از شوهر چاه آبی است که قابل استفاده می باشد; آیا این زن از قیمت چاه، موتور، کارهای انجام شده از قبیل ساختمان سنگ چین و آب آن سهم ارث خود را می برد یا خیر؟ (منظور از آب، آب موجود در چاه نیست بلکه قیمتی است که برای این چاه با این آب در نظر می گیرند)

باسمه جلت اسمائه

زن فقط از زمین نهر و قنات و چاه عیناً محروم است عیناً، و قیمت و میزان آبی که بعد از موت خارج می شود، ارث نمی برد چون تابع زمین است. و اما آبی که در چاه قبل از مردن موجود است، از آن آب ارث می برد.

س ۵۸۲ : شخصی از دنیا رفته و ماترک این شخص یا کفایت از خمس او می کند و یا کفایت از دیون می کند، مثلا صد هزار تومان ماترک میت است، که صد هزار تومان خمس بدهکار است و صد هزار تومان دیون دیگر دارد. وظیفه ایشان چیست؟ کدام مقدم است؟

باسمه جلت اسمائه

ماترک میت تقسیم می شود به دو قسم: به دائن در فرض سؤال نصف و برای خمس نصف دیگر تعلق می گیرد.

س ۵۸۳ : زمینی است وقف خاص و دارای متولی خاص از حدود صد سال پیش در اختیار زارعین قرار داشته که موظف بودند هر ساله مبلغی به عنوان مال الاجاره در اختیار متولی قرار دهند تا در مورد وقف که هزینه حسینیه قریه خاصی است، صرف گردد. لکن متأسفانه زارعین بدون توجه به مسئله وقف و مخالفت متولی خاص اقدام به بیع و شراء و هبه و وصیت و ثلث آن

نموده تا جایی که با مبالغ کذائی زمین مذکور را مورد بیع و شراء قرار داده! حال با توجه به مطالب یاد شده و با توجه به این که ایادی لاحقه نیز کالسابقین متعهد به پرداخت مال الاجاره و صرف آن در مورد وقف ولو به مقدار کم می باشند، آیا این گونه تصرفات مالکانه جائز است؟ و آیا اخذ ثمن برای بایع جائز خواهد بود؟ و آیا ید لاحقه با عدم رضایت متولی حق تصرف در زمین مذکور را خواهد داشت؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه زمینی که وقف شده است، به همان گونه که وقف شده، قابل استفاده است، بیع آن جائز نبوده است و اخذ ثمن جائز نیست; و اگر قابل استفاده نبوده، بیع جائز است و اخذ ثمن بی اشکال است. س ۵۸۴ : خانمی که شوهرش فوت کرده است آیا در زمان عده وفات باید زینت هایی که در بدن دارد و قبل از فوت شوهر در بدن است (مثل النگو و غیره) را اخراج کند یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

آن چه زینت شمرده شود، نهی از تزیین به آن شده است.

س ۵۸۵ : حد و حدود حداد زن شوهر مرده در چه مواردی می باشد و مقدار ضرورت در چه مواردی می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

حداد ترک زینت است در لباس و بدن، و خروج او از خانه مکروه است مگر برای قضای حاجت یا عمل مستحبی یا ادای حقی.

س ۵۸۶ : اگر وصی میت در مال موصی به (وصیت شده) خیانت کند، آیا وصایت او باطل است و چنان چه خسارت و یا ضرر و زیانی از ناحیه وصی میت متوجه مال

موصی به شده باشد، آیا وصی میت ضامن است؟

باسمه جلت اسمائه

وصایت وصی در صورت خیانت و تعدی و تفریط باطل می شود; و حتی در صورت باقی بودن وصایت، وی ضامن است.

س ۵۸۷ : آیا شخص جنب و یا زنی که در ایام عادت است، می تواند میّت را غسل دهد، کفن کند، نماز بخواند و او را دفن کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می تواند، طهارت نه در غسل دادن، نه کفن کردن و نه در نماز میت شرط نیست.

س ۵۸۸ : پدری فوت کرده، نماز و روزه قضا دارد که به عهده فرزند

بزرگ می باشد; اما پسر بزرگ موفق به خواندن نشده و از دنیا رفته

است، آیا پول نماز و روزه پدر مثل دیون خود پسر بزرگ از اموال

او کم می شود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر کم نمی شود; بلکه از اموال خود میت اجیر گرفته می شود.

س ۵۸۹ : آیا جائز است که در آشپزخانه حسینیه، برای مراسم خانه های خدمه، مردم متفرقه که روضه خوانی دارند، عروسی دارند و یا مجلسی دارند، پخت شود؟ با علم به این که در وقف نامه از این کار منع شده است؟

باسمه جلت اسمائه

با منع در وقف نامه، عدم جواز ظاهر است.

س ۵۹۰ : آیا جائز است که ابزار حسینیه، فرش، صندلی، میز، و دیگر وسایل آشپزخانه برای استفاده های عمومی به خارج از حسینیه برده شود؟ با علم به این که در وقف نامه از این کار منع شده است؟

باسمه جلت اسمائه

با منبع در وقف نامه خارج کردن ابزار حسینیه جائز نیست.

س ۵۹۱ : در صورتی که راجع به ملک واحد سه وقف نامه در یک

زمان و در عین حال با سیاق متفاوت و مفاد متناقض از هم تنسیق یافته باشد، تکلیف شرعی در چنین مواردی چه خواهد بود؟

باسمه جلت اسمائه

در وقف نامه های متعدد و متناقض، اگر نتوانند تشخیص بدهند کدام واقفیت، دارد همه از اعتبار ساقط می باشد. در تعیین تکلیف، به حاکم شرع رجوع بنمایید.

س ۵۹۲ : مرحوم پدرم در چند دهه قبل و در هنگام حیات و از روی عصبانیت طی ورقه ای که از من گرفتند، مرا مقر به محرومیت از ارث بعد از خویش نمود، با توجه به این که به جز یک باب عمارت مسکونی ماترک دیگری نداشته بعداً هم پشیمان از کرده خود شده و پس از گذشت چند دهه وصیت نامه ای تحریر کرده و مرا نیز جزو سایر ورثه محسوب و ابطال دستخط چند سال پیش و صدرالبیان را در همان وصیت نامه تأیید و اعلام کرده و حتی مرا به عنوان وصی خود به سایر ورثه معرفی کرده است، راجع به عمارت فوق برای تجدید بنا و ساختن یک طبقه مسکونی روی آن حتی وکالت نامه ای رسمی محضری به من داد تا پیگیر امورات و تشریفات قانونی و ساخت و ساز شوم که با اجازه ایشان و با خرج خودم یک طبقه روی عمارت احداث نمودم. از اداره ثبت هم اسناد رسمی به نام خودم دریافت کردم و تراضی ایشان در مورد ساخت مسکونی فوق التوصیف نیز وکالت نامه ای بوده که به من داده است. حالیه و بعد از گذشت چندین سال و با اطلاع ورثه و شهود ذیل وصیت نامه عادی مرحوم پدرم، ورثه منکر

ابطال دستخط چند دهه پیش شده و می گویند شما از ارث محروم هستی و حتی طبقه ای که هم ساخته و هزینه آن را تادیه کرده ام، جزو ماترک پدری می دانند. با توجه به تنظیم ورقه جدید و اقرار موصی (مورث) دستخط قبلی را باطل کرده است، آیا ورثه حق این را دارد که موضوع را نادیده بگیرند و هم مالکیت مرا در طبقه فوقانی سلب نمایند و هم از ارث محروم کنند؟ و آیا می توانند بدون جلب رضایت حقیر مبادرت به تقسیم ترکه و فروش نمایند؟ و آیا شرع انور اسلام چنین اجازه ای به نامبردگان می دهد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه ورثه منکر وصیت نامه دوم نیستند و می گویند وصیت دومی را بی اثر می دانیم، حرفشان خلاف شرع است. شما از ارث محروم نیستید و طبقه ای که ساخته اید و هزینه آن را از مال خودتان داده اید نه از مال میت، جزو ماترک نیست و متعلق به شما است و حق نادیده گرفتن توصیه پدر ندارند و نمی توانند بدون جلب رضایت شما مبادرت به تقسیم ترکه و فروش آن بنمایند; ولی اگر مدعی می باشند که وصیت دوم پدر ننموده و شما جعل کرده اید، شما باید وجود وصیت نامه دوم را اثبات کنید و بدون اثبات آن با شهادت شهود یا اگر بنای بر قسم شود، قسم بخورید، حکم الله عوض می شود و حق با آنان است.

س ۵۹۳ : شخصی از دنیا رفته و پدر و مادرش هم فوت کرده اند و زن و بچه هم ندارد فقط دو خواهر پدری و مادری دارد،

آیا به دو خواهر دیگر و یک برادر این میت که از پـدر یکی و از مادر جـدا هسـتند (یعنی دو خواهر و یک برادر پـدری) ارث تعلق می گیرد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

با وجود برادر و یا خواهر پـدر و مادری، برادر و خواهر پدری ارث نمی برند؛ پس در مورد سؤال همه مال متعلق به دو خواهر پدری و مادری است و مادری بالسویه تقسیم می کنند.

س ۵۹۴ : احتراماً معروض بر این که یک نفر شخصی در حال حیات با عقل سالم و با مزاج و تن سالم همه اموال اعم از منقول و غیر منقول باغ و یونجه و ساختمان و غیره را به یک نفر هبه نموده و بخشـیده، آیا وراث این شـخص مرحوم حق دارند و می تواننـد اموال موهوب و بخشـیده شده را به شـخص مشارالیه ندهند و منع کنند؟ اگر وراث ندهند و مخالفت نمایند، آیا مدیون هستند یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

هبه اگرچه از عقود جایزه است ولی با موت الواهب لازم می شود؛ خلاصه در مورد سؤال اگر هبه را ورثه قبول داشـته باشـند، هیچ گونه حقی در اموال آن متوفی ندارند و اگر اموال او را بردارند و تصرف کنند، مدیون اند.

س ۵۹۵ : اگر زمینی به صورت معاطاتی برای مسـجد وقف شـده است و قبل از این که در آن نماز خوانـده شود، از قصد خود برگردد و بخواهد زمین دیگری به جای آن بدهد، آیا جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

چون وقف معاطاتی صحیح و لازم است و «ماکان لله فلا رجعه فیه»، تبدیل آن زمین به زمین دیگر جائز نیست.

س ۵۹۶ : شخصی

وصیت کرده یک سوم اموال او در راه خدا مصرف شود، حال در صورتی که فرزندان با گرفتن سهم الارث، باز هم فقیر می مانند; آیا می توان از این (ثلث) به آن ها کمک کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می توان از آن ثلث به آن ها کمک کرد.

س ۵۹۷ : پدری چون مسائل وصیت را نمی داند ولی فرزندش طبق موازین شرعی مقداری از زمین زراعی او را جهت ادای نماز و روزه قضا او نوشته و از پدر که سواد ندارد، انگشت گرفته و او را هم آگاه کرده است; آیا این وصیت نامه درست است و فرزندان دیگر می توانند اعتراض کنند و بگویند این وصیت را قبول نداریم؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، وصیت نامه درست است.

س ۵۹۸ : مردی زمینی را به نام همسرش کرده و فوت نموده است و خود زن نمی داند زمین هدیه به او بوده است یا فقط صرفاً سند را به نام او زده است، آیا این ملک به ارث می رسد یا از اموال این زن می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

مقتضای استصحاب بقاء در ملک میت تا حین موت است; بنابراین، این ملک به ارث می رسد.

س ۵۹۹ : آیا میت می تواند وصیت کند که یک سوم اموال من را ده سال دیگر به فلان شخص بدهید؟

باسمه جلت اسمائه

وصیت مفروض در سؤال صحیح است.

س ۶۰۰ : ب) حال اگر در این مدت، این یک سوم نماءاتی داشته باشد، متعلق به کیست؟

باسمه جلت اسمائه

نماءات در این مدت متعلق مال خود میت است; و نباید به ورثه داده شود. بلکه در مطلق وجوه برّ مصرف می شود.

س ۶۰۱

: در هنگـام غسل دادن میتی جایی از بـدن او شکسـته شـد، دیه ای که به این عضو تعلق می گیرد; الف) آیا جزء ماترک میت حساب می شود یا صرف خود میت می گردد؟

باسمه جلت اسمائه

دیه جنایت وارد بر میت در مطلق وجوه بِرّ باید مصرف شود.

س ۶۰۲ : ب) آیـا با این پول می توان دیون میت را پرداخت کرد (با توجه به این که دیون میت بایـد از اصل ماترک پرداخت گردد)؟

ج) اگر بدانیم ورثه دیون او را پرداخت نمی کنند آیا می توانیم از دیه پرداخت کنیم؟

د) اگر بدانیم هیچ ماترکی ندارد، آیا در این صورت می توان دیون او را پرداخت کنیم؟

باسمه جلت اسمائه

در هر سه صورت می توان دیون میت را از آن پول پرداخت نمود.

س ۶۰۳ : پدری فوت کرده و ماترک او خانه اش می باشد، وصیت او این بوده که یک سوم خانه را برای من خرج کنید، و از طرفی دیگر وصیت کرده که تا مادرتان زنده است در خانه بماند، وظیفه ورثه چیست؟

باسمه جلت اسمائه

قیمت یک سوم خانه به قید این که تا مادر زنده است در خانه بماند و یا ثمن ثلث مشاع آن خانه را به همان قید صرف آن چه وصـیت کرده بنماینـد و مادر بمانـد در خانه و به عبارت دیگر، قیمت یک ثلث خانه مسـلوب المنفعه تا مادر زنـده است، خرج کنند.

س ۶۰۴ : اگر کتابی به ارث به او رسید یا خرید و بر آن نوشته وقف شخصی یا عمومی یکجا بود، آیا ید یا وقف مقدم است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر نوشته بر آن باشد، ید علامت ملکیت

نیست; ولی وقفیت هم ثابت نمی شود; چراکه احتمال دارد توسط غیر مسئول نوشته شده باشد.

س ۶۰۵ : مرحوم پـدر این حقیر طی یـک برگ وصـیت نـامه عـادی عمویم را وصـی مطلق خود قرار داده و این چنین وصـیت نموده که ثلث اموالم را جهت نماز و روزه عمر بنده بپردازند و پس از آن، خود وصـی هر نوع صلاح بداند به آن عمل نماید، اما بعد از فوت پدرم عمویم بدون هیچ گونه عذری از عمل کردن به آن وصـیت نامه خودداری کرده و سـپس این حقیر (پسر ارشـد متوفی) که در آن زمان ۲۴ ساله بوده ام به ناچار وصـیت پـدر را بر عهـده گرفته و تا کنون حدود ۲۵ سال نماز و روزه عمر ۴۵ ساله وی را انجام داده و اجرت آن را پرداخت نموده ام که با توجه به عرایض فوق الذکرچند سؤال مطرح است:

۱. آیا از نظر شرعی عمل نکردن عمویم به وصیت نامه مذکور خلاف بوده است یا خیر؟

۲. آیا از نظر شـرعی این حقیر (پسر ارشد متوفی) اجازه عمل کردن به وصیت نامه پدرم را داشته، و اگر داشته ایم، آیا در حال حاضر مکلف به عمل کردن آن به طور کامل هستم یا خیر؟

۳. آیا از نظر شـرعی این حقیر اجازه دارم که قبل از انجام تمامی نماز و روزه عمر متوفی، اجازه بهای ثلث اراضی دیمی متعلق به متوفی و یا قیمت آن را جهت بازسازی مقبره متوفی، امور خیریه و یا زکات، خمس، حج و مظالم احتیاطی (از طرف متوفی) بپردازم یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

۱. عمویتان با خیانت به معنی عدم عمل به وصیت

از وصایت معزول می شود.

۲. شما به عنوان پسر بزرگ وظیفه بدون اذن حاکم نداشته اید ولی من به عنوان حاکم شرع شما را وصی قرار می دهم و اعمال گذشته را امضا نموده و بعد از این هم اجازه می دهم عمل به وصیت بنمایید.

۳. شما مجازید بعد از انجام تمامی صوم و صلاه عمر متوفی با استجار افراد متعدد، صرف در امور خیریه بنمایید; ولو بازسازی مقبره، اگر صلاح بدانید.

س ۶۰۶ : ۱. چه می فرمایید در این مسئله شرعیه که زید در وصیت نامه نوشته است چندی که خودم زنده ام ورثه در مال و عمارت من حق نداشته و ندارند. باز نوشته عمارت مال پسرم عزیز می باشد; دخترانم هیچ گونه حق در عمارت نداشته و ندارند. بعد از وفات زید هیچ یک از دختران عمارت و درخواست مال نکرده اند حالا پسر زید به نام عزیز هم مرده است یک پسر ۵ ساله مانده است. فعلا بعضی از دختران زید حق خود را از عمارت و مال می خواهند، آیا با آن وصیت زید، دختران در عمارت حق دارند که به وصیت زید عمل نکنند یا خیر؟

۲. اگر حق داشته باشند، می توانند در حال حاضر تقسیم نمایند یا آن که باید نوه زید که از پسرش باقی مانده است، به بلوغ برسد؟

باسمه جلت اسمائه

۱. اگر آن چه در وصیت نامه نوشته است به این مضمون است که در حال حیات زید آن عمارت را به پسرش داده است، فعلا ورثه هیچ حقی به آن عمارت ندارند و متعلق به صغیر است; و اگر مضمون آن نوشته این است که

این خانه بعد از من منتقل به پسرم بشود، چنان چه این عمارت نسبت به جمیع ماترک یک سوم یا کم تر است، باز ورثه حقی ندارنـد و خانه و عمارت مال صغیر است، و اگر زیادتر از یک سوم است به مقدار یک سوم باز ورثه حق ندارند و زائد بر آن را اگر ورثه امضا نکنند و نکرده باشند، می توانند تقاضای حق خود را بنمایند.

۲. و در صورتی که حقی به عمارت داشته باشند، می تواننـد در حال صغر نوه زیـد درخواست حق خود را بنماینـد، و لازم نیست صبر کنند تا آن نوه بالغ شود.

س ۶۰۷ : اگر قبل از نزدیکی، یکی از زوجین بمیرند، آیا دیگری ارث می برد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، در ارث بردن دخول شرط نیست.

س ۶۰۸ : نوشتن سوره یا آیات قرآنی یا ادعیه روی کفن با این که بدن میّت در قبر متلاشی می شود چه صورت دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اشکال ندارد.

س ۶۰۹ : اگر میّت را بعـد از مدتی به مشاهد مشرفه یا قبرستان دیگری انتقال دهند، آیا از میّت مذکور دوباره سؤال و جواب خواهد شد؟

باسمه جلت اسمائه

حکم مختص به شب اول و اعمال آن شب است و بعد از انتقال به مشاهد مشرفه مترتب نمی شود.

س ۶۱۰ : اگر کسی وصیت کند که ده رأس گوسفند به شخصی از ثلث مالش بدهند و قبل از تقسیم اموال میّت، گوسفندهای میّت همه بچه بیاورند، آیا گوسفندان مذکور را باید با بچه هایش تحویل بدهند؟

باسمه جلت اسمائه

در آن وقتی که بچه دار می شوند، گوسفندها مال خودش بوده است و بچه ها مال او می

شود.

س ۶۱۱ : اگر اجیر قضـای نمازهای میّت را که می خوانـد مثلا به ترتیب، اول، قضای نمازهای صـبح را بخوانـد و بعـد از تمام قضـای نمازهـای صـبح، قضای نمازهای ظهر را بخوانـد و بعـد از اتمام، قضای نمازهای عصـر را بخوانـد و بعـد از اتمام قضای نمازهای عصر، قضای نمازهای مغرب و عشا را بخواند، آیا چنین عملی درست است؟ و اگر درست نیست، کسی که به واسطه ندانستن مسئله به طریق مذکور قضای نمازهای میت را خوانده است، چه باید بکند؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه رعایت ترتیب بین ظهر و عصـر، و مغرب و عشاء، هر روز بنمایـد اشـکال ندارد، و الا باید خصوص نمازهای عشاء، و عصر را، دو مرتبه بخواند.

س ۶۱۲ : اگر کسـی خانه مسـکونی خود را جزء ثلث قرار دهـد و بعـد از مدتی از کار بیفتد و بعد از مدتی دیگر حواس پرتی پیدا کند و نتواند وصـیت را تغییر بدهد و خانه مسـکونی وی قابل تقسیم نباشد، آیا می توانند بعد از مرگ وی خانه را فروخته و ثلث آن را جـدا کرده و بقیه را بین وراث تقسـیم کنند، کلاًّ اموال مشارالیه خانه مسـکونی و مقداری اثاث البیت و مبلغی کم پول باشد؟

باسمه جلت اسمائه

خانه را بفروشند، مقداری از آن پول که به حد یک سوم می شود، متعلق به میت است; و دو ثلث دیگر بین ورثه تقسیم شود.

س ۶۱۳ : اگر میّت زن مسـلمان بود و یک فرزند کافر داشت و بعد از تقسـیم مال، فرزند مسـلمان شد، آیا سـهمی از مال به او می رسد یا باقی را به امام علیه السلام که وارث

من لا وارث له است، می دهند؟

باسمه جلت اسمائه

اگر بعد از تقسیم مسلمان شد، به فرزند چیزی داده نمی شود; بلی، اگر وارث مرده، یک نفر باشد آن هم کافر، اگر بعد از موت مسلمان بشود، ارث می برد.

س ۶۱۴ : اگر ارث به انسان برسد و می داند میّت، خمس نمی داده اگر آن را بدل کند، خمس برداشته می شود؟

باسمه جلت اسمائه

اموال میت باید بعد از ادای دیون که از جمله آن ها خمس است، تقسیم شود; ولی به عین مال خمس تعلق نمی گیرد.

س ۶۱۵ : موقوفه ای است که بیش تر منافع آن برای مجالس روضه خوانی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام منظور شده است، محل مسکونی نیز داشته که واقف برای متولی هر عصر و اولاد ذکور متولی حق سکنی در آن را مقرر کرده است. در زمان ما آن موقوفه به محل تجاری مبدل گردیده است. سؤال این است که آیا وراث واقف از منافع این ملک به عنوان حق سکنی یا هر عنوان دیگر سهمی دارند یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

در هر عصری متولی و اولاد ذکور او حق سکنی دارند; مشروط به این که منافعی منظور نموده (ظاهر مراد اجاره) است; و بقیه وراث هیچ گونه حقی ندارند.

س ۶۱۶ : شخصی فوت شده و دارای دو همسر بوده است و فرزند از او به عمل نیامده، یکی از زن هایش در زمان حیاتش فوت شده و یکی از آن ها باقی مانده و حیات دارد; ورثه مرد متوفی منحصر است به یک پسر دایی و یک دختر دایی که هر دو از پدر و مادر یکی هستند

و هم چنین یک پسر خاله و عیالی که در زمان حیات مرد فوت نموده، دارای ورثه می باشد. لطفاً بفرمایید سهم الارث وراث چگونه است؟ آیا زوجه ایشان که حیات دارد از باغ و زمین ارث می برند یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

زوجه از زمین باغ و زمین ابنیه، و زمین بایر ارث نمی برد و از ابنیه و اشجار از قیمت آن ها ارث می برد؛ و چون میت اولاد ندارد، زن از بقیه ماترک یک چهارم ارث می برد، و زنی که در زمان حیات شوهر مرده است، ارث نمی برد. و اما پسر خاله و پسردایی و دختر دایی به طور مساوی بقیه اموال را تقسیم می نمایند.

س ۶۱۷ : آیا ارث و دین میّت، کلی در معین یا مشاع می باشد و ثمره دو قول چیست؟

باسمه جلت اسمائه

دین میت لازم نیست از عین مال میت داده شود، بلکه از قیمت آن داده می شود؛ لذا، به نحو مشاع نیست. و تصرف ورثه در مال موروث به مقدار حقشان جائز است؛ و اما ارث آن به نحو اشاعه و اشتراک است و تصرف هر کدام در حصه خودشان جائز نیست؛ مگر با اجازه بقیه ورثه.

س ۶۱۸ : اگر مردی مرتد شود و بعد از ارتداد اموال او را طبق احکام ارث تقسیم کنند؛ و بعد از تقسیم ارث، دوباره مسلمان شود، آیا اموال او عودت داده می شود؟

باسمه جلت اسمائه

اموال او عودت داده نمی شود؛ ولی بعداً اگر مالی را کسب کرد، مالک می شود.

س ۶۱۹ : کسی که زمینی وقف اولاد را خریده، خانه ساخته، هر ده سال اجاره به وارث

زمین می داد. پس از چند سال، منزل را به کسی دیگر فروخته و نگفته است که زمین وقف اولاد است و باید اجاره داده شود; مشتری هم نمی دانسته که زمین وقف اولاد است و باید اجاره داده شود. آیا در این صورت بر فروشنده واجب است که به خریدار خبر بدهد زمین وقف اولاد و استجاره است یا خیر؟ در این صورت که مشتری نمی داند، آیا معامله مشتری صحیح است یا باطل؟ نماز خواندن مشتری در آن منزل صحیح است یا باطل؟ حکم را معین فرمایید.

باسمه جلت اسمائه

مشتری معامله ای که کرده، صحیح است; و نمازهایش در آن جا صحیح است. نهایت اختیار فسخ معامله را دارد; و اگر فسخ نکرد، باید اجاره زمین وقفی را بپردازد.

س ۶۲۰ : میت وصیت یک سوم اموال کرده که در کار معین خرج شود، وارثان یک سوم اموال را جدا کرده اند، خانه ای از اموال را به یکی از وارثان داده اند (دو میلیون و پانصد هزار ریال) که پول را صرف یک سوم کنند، بعد از چند روز که هنوز خرج نکرده اند، خانه گران شد. بعضی وارثان اعتراض دارند بعد از گذشت ایام هنوز هم خرج نکرده، آیا معامله صحیح است یا خیر؟ آیا آن وارث می تواند معامله را فسخ نکند؟

باسمه جلت اسمائه

میزان یک سوم اموال بعد از موت است; و معین شدن یک سوم از اشاعه در همه اموال با تعیین همه وراث محقق می شود. و در مورد سؤال با موافقت همه وراث یک سوم معین شده است. گرانی خانه بعد از یقین، موجب بطلان معامله نمی شود.

س ۶۲۱

: در مورد موقوفات غصبی که سال ها قبل با تصرف عدوانی غاصب به فروش رفته و هم اکنون متصرفین نفرات دهم و یا یازدهم از خریداران هستند، تصرف فعلی متصرفین از نظر شرعی چه گونه است؟

باسمه جلت اسمائه

تصرف آن ها غیر شرعی است.

س ۶۲۲ : اظهار بی اطلاعی متصرفین از موقوفه بودن و غصبی بودن املاک و مغازه ها چه تأثیر شرعی در معامله آن ها دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اثرش آن است که کار خلاف شرع انجام نداده اند و در آن عمل معذور بودند، ولی معاملات آن ها باطل بوده است.

س ۶۲۳ : نبودن متولی منصوص و یا نشناختن متولی توسط متصرفین در موقوفات، و از طرفی فقدان وقف نامه شرعی در مورد سؤالات فوق برای متصرفین فعلی چه حکمی خواهد داشت؟ (توضیح این که فقط در افواه عمومی گفته می شود این محل موقوفه بوده است)

باسمه جلت اسمائه

چنان چه وقف بودن ثابت نباشد، وقف بودن به مقتضی حمل فعل مسلم بر صحت، تمام معاملات آن ها صحیح است و آن املاک متعلق به آنان است.

س ۶۲۴ : آیا متولی موقوفه می تواند در متن وقف نامه تغییراتی به نفع و مصلحت موقوفه انجام دهد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها، قابل تغییر نیست.

س ۶۲۵ : آیا متولی موقوفه جهت حفظ موقوفه می تواند اصلاحاتی را که متولیان قبل انجام داده بودند به نفع موقوفه تغییر دهد یا خیر؟ (توضیح این که بدون آن تغییرات عملا امکان نفوذ متولی در آن موقوفه میسر نمی باشد.)

باسمه جلت اسمائه

چنان چه آن اصلاحات صحیح بوده، تغییر این هم صحیح است.

س ۶۲۶ : این

جانب در ساخت و تعمیر مسجد کوشش داشته ملکی را نیز وقف نموده به امام حسین علیه السلام که در آن مسجد روضه برای سیدالشهداء علیه السلام اقامه بشود. اکنون مسجد متروکه و اطراف مسجد از سکنه خالی شده و نمی شود در آن اجتماع کرد. هر چه سعی و کوشش نمودم مردم را در آن مسجد جمع کرده درآمد موقوفه را در آن خرج کنم، نشد و اکنون امکان اجتماع در آن مسجد نیست؛ آیا می شود آن مبلغ درآمد موقوفه را در مساجد دیگر و یا در مسجد روستای محروم دیگر خرج کنم؟ تکلیف شرعی چیست؟

باسمه جلت اسمائه

مجازید در مسجد محل یا مسجد محروم دیگر خرج کنید؛ و اولی این است که در مسجد محل اگر احتیاج دارد، صرف نمایید.

س ۶۲۷ : در سال ۱۳۵۷ مرحومه اقدام به انشاء وصیت نامه در حضور روحانی محل می نماید و در وصیت نامه به پسر بزرگ خود اعلام می دارد که مبلغ شش هزار تومان بدهی دارد و وصی نیز تمامی مراحل وصیت نامه را انجام داده است. حال با توجه به این که وصی فوت نموده و کل ماترک مرحومه فقط یک قطعه زمین مزروعی می باشد و ثلث نیز جدا گردیده است. فرزندان وصی که از جمله آنان این جانب هستم و خواهان طلب خود و هزینه های خرج شده برای مرحومه می باشیم؛ و با توجه به این که وصی نیز فوت نموده و در خصوص ثلث کسی را معرفی ننموده، آیا ثلث مرحومه برای ما اصل مال می شود یا ثلث باقی می ماند؟ و اگر ثلث باقی می ماند، چه

کسی مسئولیت این ثلث را باید عهده دار باشد؟ چرا که پسر دوم مرحوم خواستار گرفتن ثلث زمین بوده و خواستار تقسیم ثلث بین وراث می باشد و هم چنین نحوه محاسبه بدهی مرحوم چگونه می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

ثلث اموال با مردن وصی باید خرج مصارفی که تعیین نموده بشود و تقسیم ثلث بین وراث جائز نیست; و اگر مقداری زیادتر از مصارف تعیین شده مانده باشد، باید با اذن حاکم شرع خرج خیرات برای خود آن مرحوم بشود.

عزاداری و اعیاد

س ۶۲۸ : آیا جائز است برنج حسینیه را برای مراسم اربعین حسینی و یا مراسم دیگر، به خارج از حسینیه برده و در جای دیگر، آن را پخت کنند؟

باسمه جلت اسمائه

مصرف در جای دیگر و برای جمعیت دیگر جائز نیست; ولی پخت در جای دیگر و صرف در حسینیه و یا برای جمعیت حسینیه جائز است.

س ۶۲۹ : آیا جائز است که برنج خارجی موجود حسینیه با برنج دیگر معاوضه، و در حسینیه پخت شود؟

باسمه جلت اسمائه

معاوضه برنج خارجی با برنج دیگر و صرف در حسینیه جائز است.

س ۶۳۰ : آیا جائز است خدمه به نام حسینیه، از چند نفر پول جمع کنند و برنجی را برای حسینیه با آن پول بخرند و در حسینیه برای مراسم اعیاد و وفیات ائمه اطهار(ع) پخت کنند، بعد، درخواست به همان مقدار برنج خارجی از حسینیه را بنمایند و آن برنج را گرفته، به خیریه و فقرا بدهند؟

باسمه جلت اسمائه

آن پول جمع شده که با آن برنج خریدند و صرف در حسینیه شده است، چیزی به ازای آن حق ندارند و درخواست مذکور بی مورد است و نمی

شود از برنج حسینیه به آن ها داد.

س ۶۳۱ : آیا کسی از خدمه و دست اندرکاران حسینیه می تواند بدون اذن متولی، امنا حسینیه و هیئت مدیره که از نظر شرع و قانون رسمی هستند، در حسینیه فعالیتی، دخالتی و یا عملی انجام دهد، از نظر شرع مأذون است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر شرعاً مأذون نیستند.

س ۶۳۲ : آیا کسی از خدمه و یا دست اندرکاران حسینیه می تواند تحت عنوانی به نام حسینیه (تحت عنوان، آشپزخانه، خدمه حسینیه، خیمه حسینیه، برق حسینیه، چراغ و لاله حسینیه و غیره) پول جمع آوری کند و متولیان و امنا و هیئت مدیره مخالف باشند؟ با توجه به این که همه هزینه های مناسبت ها را حسینیه با فاکتور رسمی می پردازد و اعلام کرده که هر نوع پولی را فقط باید دفتر حسینیه تحویل بگیرد و برابر پول تحویل گرفته شده، رسید و مهر رسمی حسینیه داده شود؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه پول جمع شده را تحویل دفتر حسینیه بدهند، اشکال ندارد; و اما خودشان بخواهند مصرف کنند، جائز نیست.

س ۶۳۳ : آیا جائز است اگر متبرعی برای یک روز خاص در حسینیه درخواست کرد که برایش پخت کنند، آن را در روز دیگری پخت نمایند و یا اضافه پخت آن را در روز دیگر پخت کنند، بدون این که متبرع اطلاع داشته باشد؟ یا این که برای یک پخت، دو بار پول بگیرند و پول دوم را هزینه پخت دیگری در حسینیه نمایند!؟

باسمه جلت اسمائه

در هر سه مورد سؤال، جواب منفی است و آن عدم جواز است.

س ۶۳۴ : به نظر حضرت عالی در میلاد ائمه اطهار علیهم

السـلام مراسم جشن و سـرور بايـد چگونه باشـد تـا هم حق آن بزرگواران سـلام الله عليهم ادا شود و هم بى احـترامى به آن ها نشود؟

باسمه جلت اسمائه

«شيعتنا خلقوا من فاضـل طينتنا يفرحون لفرحنا و يحزنون لحزننا»، پس اصل اظهار فرح به نحو متعارف حتى با كف زدن خوب است; اما اگر توأم با موسيقى و غنا، و اختلاط زن و مرد به نحو رقص جمعيتى باشد، حرام است.

س ۶۳۵ : در بعضـى از مجالس عزادارى، مردم برهنه شده و سـينه مى زنند و ظاهراً بعضى از آقايان مراجع عظام (حفظهم الله و ابقاهم) بر جواز اين عمل فتوا داده اند، سؤالاتى در اين زمينه مطرح است:

الف. نفس اين عمل آيا مجوز شرعى و تكيه گاه روايى دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خود عمل چون يكى از مصاديق عزادارى است، حسن است; و قطع نظر از آن فى نفسه هم جائز است.

س ۶۳۶ : ب. در صـورتى كه در بعضـى از مجـالس به عينه ديـده مى شـود بعضـى از افراد از اين فرصت سوء اسـتفاده كرده و اعمال منافى عفت و لااقل منافى شخصيت عزاداران (نگاه با لذت) انجام مى دهند، آيا جواز برهنه شدن هم چنان باقى است؟

باسمه جلت اسمائه

عمل آن افراد حرام است; ولى موجب حرمت اين عمل نمى شود. مثلا كسـى اگر در اثناء نماز به زن نامحرم نگاه كند، كارى است خلاف شرع; ولى نماز صحيح است.

س ۶۳۷ : ج. آيا مجرد احتمال مفسـده در برهنه شدن، دليل بر عدم جواز آن مى باشد يا انسان بايد طبق موازين شـرعى به اين امر يقين پيدا كند؟

باسمه جلت اسمائه

برهنه شدن خودش مفسده پيدا نمى كند،

توأم با مفسده می شود. به هر تقدیر، آن امر توأم حرام است، نه برهنه شدن; به علاوه مجرد احتمال، اثر ندارد.

س ۶۳۸ : وسایلی از پول عزاداران هیئتی خریداری می شود، اگر یک یا چند نفر از اعضای هیئت به استفاده آن وسایل در جاهای دیگر راضی نباشند، آیا می توان از آن وسایل در جای دیگر استفاده کرد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه صاحبان پول در وقت پول دادن مقید کنند که در جای دیگر از آن چیزهایی که از این پول خریداری می شود استفاده نکنند، جائز نیست.

س ۶۳۹ : با توجه به این که افرادی که پول می دهند قصد هدیه به همان هیئت را دارند گرچه صیغه وقف جاری نمی کنند ولی از قول و فعل آن ها فهمیده می شود که منظورشان استفاده در هیئت است. در این صورت، می توان در جاهای دیگر اعم از مساجد و غیره استفاده کرد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی توانند چون صیغه وقف لازم نیست; وقف معاطاتی نیز همین حکم را دارد.

معاملات

س ۶۴۰ : آیا نانوا که نان سوخته یا خمیر به دیگران می دهد و نان سفارشی به آشنایان یا دوستان خود می دهد با همان قیمت، جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

مشتری مجبور نیست نان سوخته را قبول کند. بنابراین، خودش قبول می کند و نانوا خلاف شرعی انجام نمی دهد.

س ۶۴۱ : شخصی معامله ای به شرح ذیل انجام داده است:

به مصالحه شرعیه لازمه منتقل نمود فلانی یک جعبه کبریت المشهود فی المجلس به آقای فلانی در حالی که تمام اقاریر شرعیه شان نافذ و ممضی بود به مبلغ سی هزار تومان; به شرط

آن که بایع مبلغ یک ملیون تومان به صورت قرض الحسنه در اختیار مشتری از تاریخ عقد این قرارداد به مدت یک ماه قرار دهد. صیغه مصالحه جاری و واقع گردید و قبض و اقباض صورت گرفت و مشتری مبلغ یک میلیون تومان قرض الحسنه را دریافت نمود و متعهد شد که در پایان مدت، مبلغ مذکور را بدون عذر و بهانه به بایع عودت نماید.

حال سؤال این است که آیا این معامله از نظر حضرت عالی صحیح است؟ و در فرض عدم صحت معامله، آیا این شخص مرتکب ربا شده است؟

باسمه جلت اسمائه

معامله واقع شده به نحو مذکور هیچ ربطی به ربا ندارد و صحیح است.

س ۶۴۲ : آیا در بیع، مضطر و مکره فرق دارد؟ و کدام یک صحیح نیست؟

باسمه جلت اسمائه

بلی فرق دارد; بیع مضطر صحیح است، ولی بیع مکره صحیح نیست.

س ۶۴۳ : مسأله ای تحت عنون «تفویت فرصت» نزد حقوق دانان اسلامی و غیر اسلامی مطرح شده و مورد پژوهش این جانب است، به این ترتیب که: هر گاه شخصی فرصت کسب منفعت یا دفع ضرر را از دیگری عمداً یا بر اثر تقصیر فوت نماید; مثلا:

۱ هر گاه نامه رسان در رسانیدن دعوتنامه مصاحبه و یا آزمون برای انتخاب شغلی به دعوت شده تقصیر کند. در نتیجه شخص مدعو، فرصت مصاحبه یا آزمون و احتمالا انتخاب شدن برای آن شغل را از دست بدهد;

۲ هر گاه صاحب اسب مسابقه را از شرکت در مسابقه اسب دوانی باز دارند یا بر اثر تقصیر مسبب نرسیدن او به مسابقه شوند. در نتیجه از فرصت شرکت در مسابقه و احتمالا بردن

جایزه مالی محروم شود،

۳ هر گاه عمداً یا بر اثر تقصیر باعث شوند که دانش آموزی از شرکت در کنکور محروم شود. در نتیجه فرصت شرکت در کنکور و احتمالا قبول شدن و مثلا پزشک یا مهندس شدن را از دست بدهد،

۴ هر گاه بر اثر تقصیر راننده ای، طبیبی یا مال داری کشته شود و نامزد او احتمالا فرصت ازدواج و برخورداری های مادی و معنوی را از دست بدهد؛ حکم به چه شکل می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر احتمال به دست آوردن منفعت، مبتنی بر امارات و قراین، قوی و معقول باشد یا بسیار ضعیف باشد، به ترتیب برخی از حقوق دانان حکم به ضمان و عدم ضمان کرده اند؛ ولی هرگاه مسأله چنان باشد که به یقین یا نزدیک به یقین، نتوان گفت که برای آن شغل انتخاب می شده یا نمی شده و یا در مسابقه برنده می شده یا نمی شده است و به همین ترتیب در سایر مثال ها؛ به عبارتی نتوان به هیچ یک از دو طرف مسأله حکم کرد، در این صورت برخی از حقوق دانان اسلامی و غیر اسلامی نفس از دست دادن فرصت کسب منفعت یا دفع ضرر را صرف نظر از این که یقیناً منتهی به کسب مالی یا دفع ضرر می شده است یا خیر، ضرر دانسته و معتقد شده اند باید خسارت به تناسب میزان و درجه احتمال و شانس شخص برای رسیدن به آن منفعت یا دفع ضرر داده شود به طور مثال: اگر شانس برنده شدن آن اسب در مسابقه ۳۰ درصد بوده است، ۳۰ درصد از ارزش جایزه

ای که در صورت برنده شدن نصیب او می شد، باید به عنوان خسارت پرداخت شود.

س ۶۴۴ : آیا ربا بین مسلم و کفاری که ذمی نیستند و حربی هم نمی باشند، جائز است؟ مثل کفار کشورهای برزیل و غیره؟

باسمه جلت اسمائه

بلی جائز است.

س ۶۴۵ : به بنگاه برای معرفی منزل اجاره ای مراجعه کردیم، آدرس را گرفته و بعد از معرفی منزل را پسندیدم. حالا با صاحب خانه توافق کرده ایم در منزل قرارداد را بنویسیم. آیا شرعاً وظیفه داریم به بنگاه مراجعه کنیم و قرارداد بنویسیم؟ آیا چیزی مدیون بنگاه دار هستیم؟

باسمه جلت اسمائه

آدرس گرفتن سبب لزوم نوشتن قرارداد در بنگاه نمی شود و ضمان را هم سبب نمی شود.

س ۶۴۶ : شخصی مال غصبی را به مغازه دار فروخته، نمی دانسته که خوردن مال غصبی حرام است و نگفته که این مال غصبی است و خریدار هم نمی دانسته که این مال غصبی است، و آن را خریده است، فروشنده هم نگفته که این مال غصبی را به شما فروختم؛ فروشنده مدیون پول خریدار هست یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، فروشنده نسبت به پولی که از خریدار گرفته، ضامن است. نهایتاً خریدار هم بعد از توجه نسبت به مالی که خریده، نسبت به مالک آن ضامن است؛ البته حکم تعاقب ایادی را دارد که در صورت پرداخت، می تواند از فروشنده بگیرد.

س ۶۴۷ : وامی که بانک ها به سند ازدواج می دهند و موقع دریافت اقساط زیادی می گیرند، چه صورت دارد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه زیادی شرط در وام باشد، ربا و حرام است؛ اما اگر به عنوان دیگر مانند کارمزد

یا هبه باشد، اشکال ندارد.

س ۶۴۸ : این جانب مبلغی از شخصی قرض گرفتم، الآن شک دارم که قرضم را پرداخت کردم یا نه; ولی طرف مقابل یقین دارد و می گوید نکرده ای; تکلیف چیست؟

باسمه جلت اسمائه

باید بپردازید.

س ۶۴۹ : پشت قرآن و یا کتب ادعیه، قیمت فروش درج می شود، حکم آن چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

اشکال ندارد; چون بیع مصحف به نظر من حرام نیست ولی مکروه است; آن هم در خصوص بیع; والا نقل به عنوان غیر بیع مکروه هم نیست.

س ۶۵۰ : در چند سال قبل شخصی زمینی را به شخص دیگری می فروشد; شخصی ثالث متعهد می شود که در صورت کشف و بروز فساد ثمن مأخوذ وسیله فروشنده را به خریدار رد نماید. آیا چنان چه ثالث عین ثمن را به خریدار تأدیه نموده باشد، شرعاً فقط مستحق دریافت وجه تأدیه شده خواهد بود یا آن که استحقاق دریافت خسارت و زیان دیرکِرد را نیز خواهد داشت؟ به عبارت دیگر، آیا پرداخت کننده وجه بایست علاوه بر اخذ وجه پرداختی، دیرکرد وجه را نیز از فروشنده دریافت کند؟

باسمه جلت اسمائه

هیچ وجهی برای ضمان دیرکرد نیست. بنابراین، زائد بر ثمن چیزی لازم نیست پرداخت شود.

س ۶۵۱ : آیا بلیط بخت آزمایی را که به عناوین مختلف خرید و فروش می کنند جایز است؟

باسمه جلت اسمائه

در هر نوع بلیط بخت آزمایی، گرفتن پول خلاف شرع است.

س ۶۵۲ : در هبه به ذی رحم، اگر واهب چیزی را شرط کند و متّهب آن شرط را عمل نکند، آیا واهب می تواند رجوع کرده و عین موهوبه، یا مثل و یا قیمت آن

را استرداد نماید؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت بقای عین موهوبه، واهب می تواند رجوع کند.

س ۶۵۳ : در بحث وکالت فرموده اند حق الوکاله باید معلوم باشد. اگر من کسی را

وکیل کنم که معامله ای برایم انجام دهد و حق الوکاله را ده درصد از سود

حاصله (که نمی دانم چقدر است) قرار دهیم، آیا این مقدار از جهالت ضرر

دارد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

اگر هم جهالت ضرر داشته باشد، این مقدار جهالت ضرر ندارد.

س ۶۵۴ : زید مبلغی را به بانک سپرده، و بانک هرچند وقت یک بار به زید وام

می دهد و زید این وام را به بانک یا به کسی دیگر به مبلغ بالاتر می فروشد، آیا

جایز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، جائز است.

س ۶۵۵ : در تلویزیون اعلام می شود در صورتی که نتیجه مسابقه (فوتبال و...) را پیش بینی کنید و صحیح باشد، به قید قرعه به شما جایزه ای اهدا می کنیم. تصرف در این جایزه اشکال دارد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که ملزم نباشد حتی بعد از قرعه به دادن جایزه، گرفتن آن اشکال ندارد والا شبه قمار است و جائز نیست.

س ۶۵۶ : در هبه مشروطه، هرگاه قبل از تحقق شرط، یکی از طرفین از دنیا برود، آیا هبه لازم گردیده و استرداد عین موهوبه، یا مثل و یا قیمت آن جایز نیست؟

باسمه جلت اسمائه

موت واهب یا متهب قبل از تحقق شرط موجب لزوم هبه می شود.

س ۶۵۷ : نظر شما راجع به ثبت نام حج عمره واجب و مفرده که بانک ها انجام می دهند و سپس در موقع رفتن سود آن را حساب می کنند، چگونه است؟ با سود

پول آن ها باید چه کرد؟

باسمه جلت اسمائه

سودی که بانک می دهد، حلال و بی اشکال است.

س ۶۵۸ : نظر شما راجع به سپرده های کوتاه مدت یا بلند مدت در بانک ها که سود آن را ماهیانه محاسبه می نمایند، چیست؟

باسمه جلت اسمائه

حلال است; تفصیل را در آخر توضیح المسائل نوشته ام، ملاحظه بفرمایید.

س ۶۵۹ : وام هایی که بانک می دهد و در طول پنج سال یعنی به این صورت که نقد خرید خودرو را می دهد و به صورت اقساط از ما می گیرد و زیادتر می گیرد و برای گذران زندگی چاره ای نداریم و بالاخره باید وام بگیریم، چه نظر می دهید؟

باسمه جلت اسمائه

شما با پول بانک برای بانک ماشین را بخرید و از طرف بانک به خودتان بفروشید که اقساط مقداری زیادتر بخرید; به مأمور بانک هم بگویید چنین کاری می کنم.

س ۶۶۰ : وکیل این جانبه به وکالت از این جانبه معامله فروش آپارتمان انجام داده است، شخص خریدار شرط جاری صیغه را پرداخت کامل بیع به مبلغ ۵ میلیون تومان قبول کرده که حدود ۲۵ درصد کل ثمن معامله بوده است و از مبلغ ۵ میلیون تومان سه میلیون نقد خریدار داده دو میلیون تومان باقیمانده را چک داده که یک ماه بعد وصول شود، آن هم در بانک مربوطه برگشت خورده. خریدار که صاحب امضای چک است از پرداخت کامل بیع خودداری می نماید. در ضمن شرط تحویل آپارتمان ۸۰ درصد ثمن معامله می باشد که از سوی خریدار پرداخت نشده است. بیست درصد باقیمانده را خریدار قبول کرده که در دفتر اسناد رسمی هنگام

امضای انتقال سند خریدار بایستی پرداخت کند تا آپارتمان به نام او گردد. نظر به این که شرط انجام معامله و جاری شدن صیغه پرداخت کامل ۵ میلیون تومان بود، با توجه به آن که بیع اولیه دارای عیب شده و از طرف خریدار عیب آن رفع نگردیده، فروشنده معطل مانده، آیا فروشنده حق دارد معامله را برهم بزند و ابطال آن را بخواهد؟

باسمه جلت اسمائه

فروشنده خیار تأخیر دفع ثمن دارد و می تواند معامله بهم بزند.

س ۶۶۱ : معامله ای بین دو نفر صورت گرفته شده و خریدار به جای این که مبلغ را به فروشنده پرداخت نماید، بدون اجازه فروشنده به فرزند وی به صورت نیمه کامل پرداخت نموده و رضایت فروشنده را نیز در نظر نگرفته و بعد از مدتی هم به همین دلیل که فروشنده رضایت نداشته، معامله با رضایت طرفین در حضور شهود اقاله گردیده است. لطفاً نظر مبارکتان را مرقوم فرمایید.

باسمه جلت اسمائه

معامله مذکوره جهاتی دارد که فروشنده می تواند معامله را فسخ کند; ولی با اقاله طرفین قضیه حل شده است و پولی که خریدار به فرزند فروشنده داده، مربوط به فروشنده نیست. از خود فرزند مطالبه کند و به آن چیزی که مورد معامله بوده خریدار هیچ حقی ندارد.

س ۶۶۲ : مغازه جزء مستثنیات دین هست یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، جزء مستثنیات دین نیست.

س ۶۶۳ : پیمانکاری سیمان دولتی گرفته تا آن را مصرف کند، ولی کار را به دیگری واگذار کرده و سیمان را آزاد فروخته است; این عمل آیا علاوه بر حرمت تکلیفی، حرمت وضعی هم دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی دارد.

س ۶۶۴ : در

نانوایی کار می کنم، صاحب مغازه مجبورم می کند که از چانه نان کم بگذارم، این جانب به اماکن دولتی خبر داده ام، اما هیچ اقدامی نکرده اند (مجبورم برای تأمین معاش کار کنم) آیا حقوق من اشکال دارد یا خیر؟ آیا واجب است کار را رها کنم یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

حقوق شما اشکال ندارد و لازم نیست کار را رها کنید.

س ۶۶۵ : آیا می شود سند خانه را به شخصی اجاره داد تا به رهن بانک بگذارد (مدت یک سال) و ماهانه مبلغی بگیرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می شود; اشکال ندارد.

س ۶۶۶ : شخصی لیسانس دارد، با پول، مدرک فوق لیسانس خریده و وارد کار شده است و حقوق می گیرد، آیا دریافت این حقوق اشکال دارد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه در استخدام و دریافت حقوق، داشتن فوق لیسانس معتبر است، گرفتن حقوق اشکال دارد; ولی اگر استخدام و گرفتن حقوق معامله خاصی است و شرط ضمن العقد این است که فوق لیسانس داشته باشد، حقوق گرفتن شخص مذکور اشکال ندارد.

س ۶۶۷ : لقطه در کشور کفر آیا حکم لقطه در کشور اسلامی را دارد؟

باسمه جلت اسمائه

لقطه در کشور کفر غیر حربی حکم لقطه در کشور اسلامی دارد.

س ۶۶۸ : مستدعی است با عنایت به وضعیت باشگاه های بیلیارد که محل تجمع اراذل و اوباش و اغفال نوجوانان می باشد، نظر خود را اولاـ در خصوص حکم بازی بیلیارد مبنی بر قمار بودن و یا ورزشی بدون آن بیان نموده و ثانیاً حکم حضور در چنین باشگاه ها و ثالثاً حکم اکتساب روزی از چنین راه هایی را مرقوم فرمایید؟

باسمه جلت اسمائه

بازی بیلیارد

اگر با برد و باخت باشد، قمار است; والا قمار نیست و ورزش است. حضور در باشگاه فی نفسه اشکال ندارد. اکتساب روزی از تجمع قماربازان جائز نیست; ولی اکتساب از راه بازی بیلیارد بدون برد و باخت حلال است و اشکال ندارد.

س ۶۶۹ : هرگاه متعاملین مقرر نموده باشند هر یک از متعاملین در صورتی که معامله را فسخ نماید، باید پنج میلیون خسارت به طرف مقابل بپردازد; الف: اولا آیا شرط مزبور صحیح است؟ ب: بر فرض صحت شرط، با عنایت به این که مهلتی برای آن مقرر نشده است، آیا متعاملین تا ۱۰-۱۵ سال بعد هم می توانند معامله را به هم بزنند؟ (با عنایت به این نکته که تفاوت قیمت ۱۵ سال قبل و الآن بسیار زیاد است) ج: در صورتی که یکی از متعاملین در مبیع تصرفاتی نموده باشد، مثلا در زمین خریداری شده منزلی ساخته باشد و این ساخت و ساز در مرائی و منظر فروشنده بوده، آیا می توان این امر را به منزله اسقاط عملی حق فسخ مزبور تلقی نمود؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهر سؤال این است که شرط خیار بر متعاملین است بعوض، این شرط ظاهراً صحیح است البته اگر مدت شرط معلوم باشد، و در صورت عدم تعیین مدت شرط، خیار باطل است و عقد هم بر حسب فتاوی فقهاء باطل می شود به واسطه غرری بودن بیع; و بر فرض صحت بیع و شرط، تصرفات ذکر شده ظاهراً اسقاط عملی حق فسخ است.

س ۶۷۰ : کتابی توسط ناشر چاپ می شود، که در آن غلط املایی و یا صفحاتی سفید و یا ناقصی در فرم ها

وجود دارد، آیا ناشر مجاز است آن کتاب ها را نشر دهد و بفروشد؟

باسمه جلت اسمائه

مجاز بودن ناشر منوط به رضایت مؤلف است.

س ۶۷۱ : بعضی مواقع، کتاب چند سال در انبار می ماند تا به فروش رسد، آیا ناشر می تواند قیمت پشت جلد آن ها را تغییر دهد و به قیمت روز بفروشد؟ و هم چنین آیا کتاب ناشر دیگری را می توان با تغییر قیمت پشت جلد آن فروخت؟

باسمه جلت اسمائه

اگر کتاب متعلق به ناشر است، بلی می تواند؛ و اگر متعلق به دیگری است، باید از او سؤال شود.

ب: کتب ناشر دیگر را نیز اگر مجاز است در نشر آن کتب بلاقید، بلی می تواند؛ اما اگر مقید است، باید رعایت قید را هم بکند.

س ۶۷۲ : از چاپ کتابی توسط وزارت ارشاد اسلامی جلوگیری شده، خسارت و هزینه های کتاب به عهده مؤلف است یا ناشر و یا وزارت ارشاد اسلامی؟

باسمه جلت اسمائه

اگر وزارت ارشاد اعلام نموده است که به واسطه صلاح مجتمع یا صلاح مملکت من نمی گذارم هر کدام نشر شود مع ذلک کتابی را چاپ نموده اند و وزارت بر حسب موازین قانونی جلو گرفته است، وزارت ارشاد ضامن نیست؛ و ناشر نیز اگر فقط اجیر است در نشر، او هم ضامن نیست.

س ۶۷۳ : شخصی به عنوان مؤلف، کتابی را به ناشری برای چاپ می سپارد، پس از چاپ معلوم می شود، مؤلف کتاب شخص دیگری است، تکلیف کتاب، حق تألیف و هزینه های انجام شده با کیست؟

باسمه جلت اسمائه

اگر مؤلف کتاب قبول کرد این عمل را و این معامله فضولی را اجازه داد، کتاب، حق

التأليف، هزينه با او است; والا كسى كه مؤلف نيست و خود را مؤلف كتاب معرفى كرده، غاصب است و الغاصب يؤخذ بأشد الأحوال.

س ۶۷۴ : مؤلفى، كتابى مشابه كتاب قبلى خود تأليف مى كنـد و به ناشـر ديگر مى دهد، ناشـر كتاب اول آيا حق جلوگيرى از نشر كتاب مشابه را دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر مؤلف حق نشر را به ناشر اول داده است، بلى ناشر اول مى تواند جلوگيرى از نشر ديگرى بنمايد; ولى اگر فقط اجازه نشر داده نه حق النشر، نمى تواند جلوگيرى كند.

س ۶۷۵ : پس از چاپ كتاب معلوم مى شود در يكى از مراحل فنى چاپ كتاب، اشكالاتى در متن كتاب پديد آمده، خسارت به عهده ناشر است يا عوامل فنى (مثل ليتوگرافى، چاپ خانه و...)؟

باسمه جلت اسمائه

اين مسأله مانند مسأله تعاقب ايدى است، مؤلف مى تواند از هر كدام خسارت بگيرد ولى استقرار ضمان با عوامل فنى است.

س ۶۷۶ : ناشـرى كتابى را چنـد سال است چاپ نمى كند، آيا مؤلف مجاز است كتاب را به ناشـر ديگرى واگذار كند؟ و آيا اگر ناشرى چاپ كتابى را معطل نمايد، مؤلف مى تواند از او خسارت بگيرد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر حق نشـر را به او داده است مشروطاً به چاپ كردن در زمان معين، با تخلف شرط حق النشر را پس مى گيرد و مى تواند به ناشر ديگرى واگذار كند; ولى اگرناشر معطل كند، وجهى براى گرفتن خسارت نمى دانم.

س ۶۷۷ : آيا ناشر يك كتاب، حق واگذارى آن كتاب مؤلف را به ناشر ديگرى دارد؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتى كه حق النشر را مطلقاً به كسى واگذار كرده است،

بلی می تواند او به ناشر دیگری بدهد.

س ۶۷۸ : آیا می توان کاغذ تعاونی را که برای چاپ یک کتاب گرفته شده در بازار فروخت و بعداً کاغذ آزاد خریداری شود و آن کتاب چاپ گردد؟ و هم چنین آیا با کاغذ تعاونی ای که به کتاب خاصی تعلق گرفته است، می توان کتاب دیگری چاپ نمود؟

باسمه جلت اسمائه

در هر دو مورد سؤال، جواب مثبت است.

س ۶۷۹ : آیا مؤلفی که فقط برای یک چاپ کتابش را به ناشری واگذار کرده، برای واگذاری چاپ دوم کتاب به ناشر دیگر، باید فیلم و زینگ کتاب را از ناشر اول خریداری کند؟

باسمه جلت اسمائه

اگر مخارج چاپ با ناشر باشد، بلی باید فیلم و زینگ را از ناشر بخرد; ولی ناشر خودش نمی تواند از آن فیلم و زینگ استفاده کند مگر به فروش به ناشر دیگری که مؤلف اجازه نشر به او داده است.

س ۶۸۰ : ناشری کتابی را با هزینه مؤلف و برای مؤلف چاپ می کند و بعدها مالیات و یا هزینه ای بر آن کتاب تعلق می گیرد، آیا هزینه را باید ناشر پرداخت کند یا مؤلف؟

باسمه جلت اسمائه

مالیات و یا هزینه اضافی با ناشر است; ولی مالیات و هزینه کتاب با مؤلف است.

س ۶۸۱ : هزینه هایی که ناشر برای بهبود کیفیت کتاب انجام می دهد، مثل ویراستاری و... آیا می تواند از مؤلف دریافت کند؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه مؤلف در آن امور اجازه دهد، بلی می تواند از او مطالبه کند; والا نمی تواند.

س ۶۸۲ : تغییر قطع یک کتاب و یا مقدار تیراژ، تأثیری در فسخ قرارداد کتاب دارد یا

نه و آیا مؤلف می تواند ادعای خسارت نماید؟

باسمه جلت اسمائه

این امر مربوط است به قرارداد بین مؤلف و ناشر; مانند کاغذ کتاب، کیفیت چاپ و.... .

س ۶۸۳ : به طور کلی، حق (دائمی و موقت) تـألیف، ترجمه، نوشـته و یـا چـاپ کتـاب در اسـلام چگونه است؟ و آیا این حق مشمول مرور زمان می شود؟

باسمه جلت اسمائه

حق نشـر و چاپ کتاب مانند ملکیت است; اگر مالك اسـقاط حق بکند یا بگوید هر کسـی مجاز است در چاپ، قضـیه روشن است; والاـ اگر بمیرد آن حـق منتقـل به ورثه می شود مـادامی که ورثه محـدود است; و اگر ورثه از حـد گـذشت، به نظر من عقلاء ثبوت حق را به ورثه نمی دهند بلکه حق ساقط می شود.

س ۶۸۴ : آیا می توان کتابی را که زیر چاپ است به صورت نسیه و چکی فروخت؟

باسمه جلت اسمائه

با تعیین عدد صـفحات و خصوصـیات دخیله در قیمت، بله; والا بیع از ناحیه جهالت خالی از اشکال نیست، ولی مصالحه آن و نقل به غیربیع اشکال ندارد.

س ۶۸۵ : کتـاب هایی که در چاپ های جدیـد آن، مرتب اضافات دارد و تغییر می کنـد (مثل فرهنگ های زبان و...)، آیا می توان چـاپ هـای قبلی آن را که هنوز در انبـار مانـده است، فروخت؟ هم چنین فروش کتـاب هایی که مطالب آن کلا متروك شده و قابل استفاده نیست، چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

الف: بله; اگر تذکر داده شود.

ب: کتابی که مطالب آن به کلی متروك شده باشد و مالیت داشته باشد، اشکال ندارد.

س ۶۸۶ : آیا جائز است مؤلفان و مترجمان و صاحبان آثار هنری مبلغی

را در برابر زحماتشان و یا به عنوان حق التألیف در مقابل تلاش و وقت و مالی که برای انجام آن کار صرف کرده اند، تقاضا نمایند؟

باسمه جلت اسمائه

ثبوت حق التألیف متوقف بر این امور بوده، و در گرفتن حق التألیف این کارها هم دخالت دارد.

س ۶۸۷ : اگر مؤلف یا مترجم یا هنرمند در برابر چاپ اول اثر خود مبلغی را دریافت کند و در عین حال برای خود حقی را نسبت به چاپ های بعدی شرط کند، آیا می تواند در چاپ های بعدی حق خود را از ناشر مطالبه نماید؟ دریافت این مبلغ چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

همان گونه که به واسطه حق التألیف از چاپ اول پول می گیرد، به همان جهت از چاپ دوم هم می تواند بگیرد.

س ۶۸۸ : اگر مصنف و مؤلف در اجازه چاپ اول چیزی در مورد چاپ های بعدی ذکر نکرده باشند، آیا جائز است ناشر بدون کسب اجازه مجدد و پرداخت مبلغی به آنان مبادرت به تجدید چاپ نماید؟

باسمه جلت اسمائه

چون جواز نشر از آثار حق تألیف است که مؤلف به ناشر می دهد و ظاهراً اجازه نشر همان مرتبه اول است، بنابراین تجدید چاپ بدون اجازه مؤلف جائز نیست.

س ۶۸۹ : در صورتی که مصنف به علت سفر یا فوت و مانند آن غایب شود، درباره تجدید چاپ از چه کسی باید کسب اجازه شود و چه کسی باید پول را دریافت کند؟ و آیا ناشر موظف است که ورثه او را پیدا کند تا حق تألیف کتاب را به آن ها پرداخت کند؟

باسمه جلت اسمائه

حق تألیف از حقوقی است که

(ماترکه المیت من مال او حق فلوارثه) شامل آن هست، بنابراین باید مراجعه به ورثه شود.

س ۶۹۰ : مال (مجهول المالک) به چه مالی می گویند؟ و مضاربه در فقه شیعه به چه معناست؟

باسمه جلت اسمائه

مال مجهول المالک مالی است که مالک غیر خود شخص است ولی شناخته نشده است و دسترسی به او نیست. مضاربه عبارت است از این که انسان مالی را به غیر بدهد که آن شخص با آن معامله تجارت و کاسبی کند به این شرط که استفاده و ربحی که عائد می شود، بین آن دو به نصف یا ثلث و یا کم تر تقسیم شود.

س ۶۹۱ : آیا استفاده بهایی ها از عقود اسلامی مانند فروش اقساطی و مضاربه و امثال این عقود که مشتریان بانک ها استفاده می نمایند، جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، جائز نیست.

س ۶۹۲ : در بیمه که از عقود است باید طرفین از شرائط آگاه باشند. اگر شخصی یا سازمانی بدون اطلاع آن شخص، ایشان را بیمه کند در حالی که از بعضی از شرائط اطلاع پیدا نمی کند، آیا چنین بیمه ای صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

بیمه اگر چه از عقود است، ولی جهل أحد الطرفین به بعضی شروط، موجب بطلان اصل معامله نمی شود.

س ۶۹۳ : شرکت دادن بهایی ها در قرعه کشی حساب های قرض الحسنه بانک ها و به طور کل افتتاح حساب های مختلف مانند قرض الحسنه و کوتاه مدت و بلند مدت برای آنان چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

جائز نیست.

س ۶۹۴ : هرگاه شخصی به قصاص نفس محکوم شده باشد، آیا می تواند اعضای بدن خود را

(مانند کلیه و...) بفروشد، البته به گونه ای که به حیات او صدمه نزند؟

باسمه جلت اسمائه

شخص محکوم به قصاص نفس می توانـد اعضای بـدن خود را به دیگری با عوض و بـدون آن منتقل کنـد; ولی در خصوص بیع اشکال دارد اما به عنوان مصالحه، یا هبه و امثال این ها اشکال ندارد.

س ۶۹۵ : چنان چه مقتول نیز فاقد کلیه و... بوده چطور؟

باسمه جلت اسمائه

فرقی در این حکم بین موارد نیست.

س ۶۹۶ : طبق آیه شـریفه «ولا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» اکل مال غیر بدون اذن صاحب مال جائز نبوده وشرعاً حرام است. به عبـارت دیگر، سـلب سـلطه و تصـرف مالـک از اموال و املاک متصـرفه وی جائز نبوده مگر با رضایت مالک و تأدیه قیمت عادله، حال چنان چه ملکی موروثی که دارای مالکین متعـدد باشد بدون طوع و رضای قلبی (رضایت فعلی و یا قولی) بعض از مالکین از طریق حراج به ثالثی انتقال یابد، تصرف منتقل إلیه در ملک مورد انتقال شرعاً محکوم به صحت است یا بطلان؟

باسمه جلت اسمائه

فروش مـال غیر اعم از مال مشترک و مال مختص بـدون رضایت مالک آن جائز نیست و باطل است; و چنان چه فروخته شود، خریـدار نمی توانـد در آن مال تصرف کند. بلی، اگر مالک معامله را امضا کند، صـحیح می شود کما این که اگر رضایت به تصـرف خریدار داشته باشد، تصرف او جائز است. بنابراین، در ملک مذکور در سؤال، معامله باطل است و تصرف خریدار در آن مال حرام است.

س ۶۹۷ : مالکی مغازه خود را با گرفتن سرقفلی به مستأجر اجاره می دهد، حال مدت اجاره پایان پذیرفته

و مستأجر مغازه را تخلیه کرده است و قصد دارد سرقفلی آن را به دیگران بفروشد; مالک ملک مغازه جهت کسب و کار به مغازه مذکور نیاز دارد. آیا مالک ملک مغازه جهت خرید سرقفلی در بین خریداران دارای حق اولویتی هست یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، وجهی بر حق اولویت مالک نیست.

س ۶۹۸ : اسناد مالکیت، مدارک شناسایی، اوراق بهادار، چک، سفته، عکس های شخصی، یادگاری های خانوادگی، دست نوشته های شخصی که فقط برای مالک آن ارزشمند می باشند و امثال آن ها:

الف) آیا مال محسوب می شوند؟

ب) آیا موضوع سرقت قرار می گیرند؟

ج) بر فرض مثبت بودن جواب بند ب، آیا سرقت تعزیری است و یا با وجود شرایط می تواند سرقت حدی باشد؟

باسمه جلت اسمائه

مالیت یک موجود حقیقی خارجی نیست، بلکه امر اعتباری است; و آن هم دو قسم است: یک قسم تعبیر می شود از آن به مالیت ذاتیه و آن عبارت است از چیزی که درآن منفعت عائده به انسان است و احتیاج به آن هست،به حسب فطرت از خوراکی و لباس و امثال آن دو; و قسم دیگر آن چیزی است که عقلا به واسطه احتیاج، اعتبار مالیت بر آن می نمایند; مانند اسکناس. بنابراین، مورد سؤال مال نیست و موضوع سرقت قرار نمی گیرد; ولی تعزیر بر سرقت آن ها ثابت است; چون حقی است که متعلق به آن امور و آن سرقت شده است.

س ۶۹۹ : شخصی اقدام به فروش ملکی به دیگری نموده و ثمن معامله را طی نه فقره چک دریافت نموده است و در ضمن مبایعه نامه ذکر شده است (چنان چه هر کدام

از نه فقره چک ذکر شده در مبایعه نامه در موعد مقرر پرداخت نشود معامله فسخ و خریدار باید ۲۰٪ از کل معامله را به فروشنده به عنوان ضرر و زیان پرداخت نماید) اولین چک به مبلغ یکصد میلیون تومان در تاریخ ۱۵/۱۲/۸۶ بوده و خریدار در ساعت اولیه مبلغ نه میلیون و پانصد هزار تومان در حساب داشته اما در ساعت های بعد مبلغ را تا یکصد و سی و دو میلیون تومان افزایش داده اما فروشنده در همان ساعت اولیه افتتاح بانک اقدام به برگشت چک نموده است و به همین استناد فسخ معامله را اعلام داشته است. حال اعلام بفرمایید آیا منظور از موعد رأس ساعت ۳۰/۷ دقیقه می باشد و خریدار مکلف بوده موجودی را تکمیل نماید یا منظور پایان وقت اداری و یا پایان روز شرعی می باشد؟ آیا صرفاً پرداخت باید از طریق بانک انجام شود و یا دستی و مراجعه حضوری نیز کفایت می کند در حالی که خریدار در دیگر حساب های خود موجودی کافی داشته است؟ آیا در این خصوص ضرر و زیان صدق می کند؟ آیا فروشنده شرعاً حق فسخ دارد؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهر موعد مقرر عرفی تا پایان روز شرعی می باشد و پرداخت تقیید نشده است که از طریق بانک باشد ولو ظاهر چنین باشد؛ چون به حسب ارتکاز این گونه تعبیر طریقت دارد به این که در موعد مقرر این مبلغ پرداخت شود. بنابراین، اگر در مورد سؤال خریدار تا آخر روز موعد مقرر اعلام نموده است که این مبلغ حاضر است، فروشنده حق خیار فسخ ندارد.

س ۷۰۰ : هیأت در صندوق قرض

الحسنه وام بدون بهره به عموم عاشقان اهل بیت(ع) و اهالی محترم ارائه می دهد و در قبال این وام ها مبلغی به عنوان مخارج صندوق از وام گیرنده دریافت می کند; آیا این وجه از نظر شرعی اشکال دارد; (برای هر ۱۰۰۰،۰۰۰ میلیون ریال، ۱۰۰۰۰ ریال به عنوان خرج صندوق دریافت می نمایند)

باسمه جلت اسمائه

چنان چه به عنوان سود وام نباشد و به عنوان مخارج صندوق باشد، اشکال ندارد.

س ۷۰۱ : شخصی اقدام به پیش خرید یک دستگاه آپارتمان نیمه ساخته نموده

و در زمان انعقاد قرارداد ۵۰ درصد ساختمان ساخته شده بود و بلافاصله بخشی

از ثمن معامله را پرداخت نموده است و بین فروشنده و خریدار بیع نامه

تنظیم گردید و در این معامله کلیه اختیارات از طرفین ساقط گردیده و طرفین

نسبت به تحویل به موقع آپارتمان و ثمن معامله کوتاهی و قصور می کنند و یک

سال از تاریخ تنظیم بیع نامه گذشت که جمله زیر با توافق طرفین به

بیع نامه اضافه و الحاق گردید (چنان چه هر یک از چک های فوق الذکر)

(اشاره به دو فقره چک های مشخص و معین) در موعد مقرر پاس نشود، فروشنده حق فسخ را به طور یک جانبه دارد و این شرط که بعد از یک سال به

قولنامه اضافه می شود در ضمن عقد خارجه لازمی نبوده و برای آن هم مدتی تعیین نگردیده است. آیا این شرط که بعد از یک سال به قولنامه

اضافه گردیده است بدون این که ضمن عقد خارج لازم باشد و بدون

این که مدتی داشته باشد، صحیح و نافذ و معتبر و لازم الوفاء و لازم

الرعایه است؟

باسمه جلت اسمائه

شرط ابتدایی که

ضمن عقد نباشد، صحیح و لازم الوفاء نیست; و نافذ و معتبر و لازم الرعایه نمی باشد.

س ۷۰۲: دو نفر شریک هستند که با یک فروشنده خارجی معامله می کنند و به علت عدم همکاری فروشنده خارجی کار متوقف می شود. یکی از شریکین سهم دیگری را می خورد و دوباره کار را شروع می کند و با گذشت حدود یک سال با بحث و دعوا و دادگاه مبلغی را بابت گارانتی اجناس گذشته از فروشنده خارجی می گیرد، آیا شریک اولی که سهم خود را فروخته است، در این مبلغ که حاصل زحمت شریک سابق اوست، سهمی دارد یا ندارد؟

باسمه جلت اسمائه

فروشنده سهم خود در آن مبلغ که مربوط به قبل از فروش سهم است، شریک است.

س ۷۰۳: یکی از شرایط استخدام مرکزی این است که حداقل چهار سال درس خارج فقه خوانده باشد، فردی با آوردن مدرک تقلبی مشغول به کار می شود; الف) اگر مرکز مربوطه بعد از این که مقداری حقوق به او داده، آیا می تواند آن مبلغ را به خاطر تخلف شرط پس بگیرد؟ ب) اگر هنوز حقوقی به او نداده است و متوجه خلاف شرط شود، آیا می تواند از دادن اجرت امتناع ورزد؟

باسمه جلت اسمائه

آوردن مدرک تقلبی خلاف شرع است. استخدام اگر به عنوان خاص باشد، استخدام هم صحیح نیست و اگر شخص استخدام شود، مشروطاً به این که چهار سال درس خارج رفته باشد، استخدام صحیح است; ولی به واسطه تخلف شرط و فسخ، استخدام از بین می رود; و در صورت عدم تحقق استخدام، استحقاق حقوق تعیین شده را ندارد. پس گرفتن آن

چه داده شده است نیز صحیح است.

س ۷۰۴ : اگر به خاطر دست کاری ترازو، وزن جنسی زیادتر نشان داده بشود و معامله انجام شود، آیا فروشنده مقدار زیادی را که می گیرد مالک می شود؟

باسمه جلت اسمائه

ابداً مالک نمی شود و زیادی را که گرفته است، مدیون است.

س ۷۰۵ : اگر بایع جنس را به مشتری بدهد لکن ظرفی یا پاکتی که باید محکم باشد نبود و به مجرد گرفتن مشتری، آن پاکت یا ظرف پاره می شود و مقداری یا همه آن جنس تلف می شود، آیا بایع ضامن است؟

باسمه جلت اسمائه

چون تلف بعد از قبض نیست، بلی بایع ضامن است.

س ۷۰۶ : ۱ شرکت ما با توجه به عدم نقدینگی، میلگرد مورد نیاز خود را به صورت مدت دار خرید می نماید و در این بین، فروشنده میلگرد علاوه بر سود عرف خود، سود بازاری مابه التفاوت نقد و مدت دار جنس را هم که مبلغ زیادی است نصیب خود می کند و بنده قصد دارم با توجه به روابط خود، شرکت و فروشنده میلگرد، از این موقعیت استفاده کرده و پول نقد شخصی خود را وارد این کار کنم و میلگرد را نقدی از آن فروشنده خریده و مدت دار به شرکت بفروشم و سود فروش مدت دار را البته با درصد کم تری نصیب خود کنم; و از طرفی چون بنده فاکتور برای ارائه به شرکت ندارم، از فروشنده میلگرد که جنس را به من نقدی داده فاکتور مدت دار به مبلغ بیش تری گرفته و به شرکت بدهم و این با همکاری مدیران شرکت میسر است. سؤال این

است که اولا این کار صحیح است؟ ثانیاً وقتی من از فاکتور فروشنده قبلی استفاده می کنم، ممکن است در بررسی های اداره دارایی از شرکت مالیات درآمد بیش تری برای فروشنده قبلی که عملا جنس را نقدی فروخته و فاکتور مدت دار برای حصول سود من صادر کرده است منظور شود، آیا صحیح است؟ ثالثاً اگر خود فروشنده هم خبر نداشته باشد و من با همکاری شرکت این کار را بکنم و از فاکتور فروشنده استفاده کنم، چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

هر سه کار شما شرعی است ولی اگر برای فروشنده مالیات بیش تری منظور شود، شما آن را بپردازید، ظاهراً هیچ اشکالی ندارد.

س ۷۰۷ : بنده این اختیار را دارم که با نظر خود مبالغی را به عنوان مساعده و یا وام برای حل مشکلات سایر کارکنان به آن ها پرداخت کنم که در مدت معینی مکلف به بازپرداخت خواهند بود. سؤال این است که آیا خود من می توانم برای حل مشکلات یا نیازهای روزمره وجوهی از صندوق شرکت را که در اختیار دارم برداشت شخصی کرده و در مدت معینی به صورت اقساط به شرکت برگردانم یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهر این گونه اختیارات اختصاص به غیر ندارد و بر خود شما هم جائز است استفاده کنید.

س ۷۰۸ : بنده به تبع مسئولیتم در شرکت حقوق ثابت به علاوه اضافه کاری ثابتی مانند سایر مدیران شرکت دریافت می کنم؛ سایر مدیران تقریباً هرگز خارج از وقت اداری خود را درگیر کارهای شرکت نمی کنند ولی بنده با توجه به احساس مسئولیت و کار بیش تری که دارم بیشتر ساعات غیر اداری و بعد

از این که سایرین به منزل خود می روند به انجام امور شرکت پرداخته و در شرکت می مانم. حال سؤال این است که اگر در این ساعاتی که من علاوه بر وظیفه قانونی و فقط به حسب احساس مسئولیت اضافه کار می کنم گاهاً به مقدار کمی از امکانات شرکت استفاده شخصی کنم، مثلا استفاده شخصی از تلفن، کاغذ، خودکار، کامپیوتر، آب، برق و کولر و یا در این ساعات در محیط شرکت درس بخوانم، در حالی که به حساب خودم من بیش تر از این استفاده های شخصی که می برم برای شرکت کار انجام داده و به قول معروف ۲۴ ساعته در خدمت رفع امور شرکت می باشم؛ آیا صحیح است و یا این که اشکال شرعی دارد؟ (این در شرایطی است که مثلا اگر من بخواهم در منزل درس بخوانم دیگر نمی توانم بسیاری از امور شرکت را انجام داده و بعضی کارها انجام نخواهد شد.)

باسمه جلت اسمائه

استفاده های ذکر شده به عنوان عوض کارهای اضافی یقیناً مورد رضایت شرکت است و هیچ اشکالی ندارد.

س ۷۰۹ : اگر مقاله ای را بدهیم تا ظرف مدت معینی ترجمه کند ولی بعد از اتمام مدت، فقط نصف آن را ترجمه کرده است، آیا ما ضامن اجرت المثل هستیم یا این که می توانیم هیچ اجرتی به او ندهیم؟

باسمه جلت اسمائه

نمی توانید هیچ اجرتی نپردازید؛ ولی می توانید نصف اجره المسمی را بدهید؛ هم چنین می توانید معامله را فسخ کنید و اجره المثل آن نصف را بدهید.

س ۷۱۰ : من سرپرست خانواده ای هستم که حق بیمه همه آن ها را می پردازم.

حال با توجه به این مطلب، آیا می توانم از دفترچه یکی از بچه هایم برای دیگری استفاده کنم؟ اگر این کار را کردم، آیا ضامن می باشم؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی توانید; و اگر چنین کردید، ضامن می باشید.

س ۷۱۱ : اجرت ترمیمی بکارت برای پزشک حلال است؟ «با توجه به این که بکارت بعضی ازدخترها به علت اشتباه از بین می رود و حفظ آبروی آن ها موکول به این ترمیم است»؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، ترمیم بکارت حلال است.

س ۷۱۲ : اگر کسی در مسابقه ای تقلب کرده و جایزه ای برنده شده، آیا مالک این جایزه می شود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، مالک نمی شود.

س ۷۱۳ : اگر ماشین کسی غصب شود و در این مدت فوایدی را که غاصب به دست می آورد بیش از اجرت المثل مدت تصرف ماشین باشد، آیا این زیادی متعلق به مالک اصلی است یا غاصب؟

باسمه جلت اسمائه

زیادی متعلق به مالک اصلی است; به عبارت دیگر، تمام فواید را باید به مالک اصلی بدهد.

س ۷۱۴ : با توجه به این که دولت آرد را برای تهیه نان ارزان در اختیار نانوایی ها قرار می دهد;

الف) فروش مختصر آرد (چند کیلو) توسط نانوایی ها چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

فروش مختصر آرد که لازمه شغل نانوایی است، بی اشکال است.

س ۷۱۵ : ب) بعضی از نانوایان برخلاف مقررات کیسه های آرد را به مردم یا شیرینی فروشان می فروشند، آیا چنین معامله ای علاوه بر حرمت تکلیفی حرمت وضعی نیز دارد؟

باسمه جلت اسمائه

چون ظاهر معامله دولت در اختیار قرار دادن آرد به نانوایی ها، بیع مشروط است، تخلف شرط تکلیفا

جائز نیست; ولی موجب بطلان بیع نیست. مگر آن که دولت قید کند که در صورت تخلف شرط معامله را فسخ کند که در این صورت، حرمت وضعی هم دارد.

س ۷۱۶ : خانمی بیمار بوده با مراجعه به پزشک و بعد از مداوا با گرفتن تخفیف ۲۵ درصدی مبلغ ۷۵ هزار تومان پرداخت می کند که در واقع هزینه های او صد هزار تومان بوده است، آیا این خانم می تواند با مراجعه به بیمه مبلغ صد هزار تومان را دریافت کند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی تواند صد هزار تومان از اداره بیمه دریافت کند.

س ۷۱۷ : ما در هندوستان زندگی می کنیم، و بعضی از هندوها برای بت خانه ها جواهراتی را هدیه می آورند متولی بت خانه این جواهرات را می فروشد تا پول آن را خرج بت خانه کند، اگر ما این جواهرات را بخریم، اعانت بر اثم می شود و آیا این معامله حرمت وضعی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خرید آن جواهرات اشکال ندارد، و بلکه جائز است یا چون صاحبان آن ها از آن ها اعراض کرده اند.

س ۷۱۸ : با عنایت به این که در ماده ۳۴۸ قانون مدنی ایران آمده است: «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است، باطل است» بیان فرمایید: آیا منع قانونی موجب می شود مبیع همانند مواردی که شرعاً خرید و فروش آن حرام و باطل است (مثل بیع میته، خمر و آلات قمار) در این گونه موارد نیز حرام و باطل باشد یا منع قانونی صرفاً حرمت تکلیفی می آورد; اما در صحت معامله تأثیری ندارد و یا موارد مختلف است و در

برخی موارد، معامله صحیح، و در برخی موارد باطل و در برخی موارد غیر نافذ بوده و محتاج به اجازه است؟ به طور مثال: قانون، بیع سلاح و مهمات یا مواد مخدر یا فروش سیگار به افراد زیر هجده سال را ممنوع نموده؛ حال اگر علی رغم منع قانونی، معامله ای صورت پذیرد چه حکمی دارد؟ یا فروش اموال عمومی و دولتی تحت شرایطی و توسط دولت مجاز است، اما افراد دیگر نمی توانند اقدام به خرید و فروش کنند. حال، اگر شخصی بی اعتنا به این منع قانونی، مثلا اقدام به فروش بخشی از یک پارک به شخص دیگر جهت احداث شهرک بازی نماید و دولت نیز پس از فروش، بیع مزبور را اجازه دهد آیا اجازه دولت در این مورد مؤثر است و بیع را نافذ می کند یا تأثیری نداشته و بیع باطل است؟ و به طور کلی ملاک صحت و بطلان در این گونه موارد چیست؟

باسمه جلت اسمائه

اشیایی که به حسب قانون مملکتی ممنوع المعامله می شوند، دو قسم اند: یک قسم ملک شخصی است؛ و آن قسم اگر حرام هم باشد، معامله باطل نیست. قسم دوم ملک متعلق به مجتمع است؛ در آن قسم، معامله افراد بدون اذن حاکم باطل است.

س ۷۱۹ : با عنایت به این که مشهور فقهای امامیه «کثر الله امثالهم» یکی از شرائط عوضین را مالیت و داشتن منفعت عقلایی دانسته اند، بیان فرمایید: اولا آیا مالیت از شرایط عوضین می باشد یا نه؟ و ثانیاً: در منفعت عقلایی و مالیت، آیا اغراض نوعی ملاک است یا اغراض شخصی؛ مثلا آیا خرید و فروش نامه های

زن و شوهر در زمان نامزدی که برای آن ها اهمیت بسیار دارد و یا آلبوم عکس خانوادگی که برای آن خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است، صحیح است یا چون منفعت عقلایی غالب ندارد، باطل است؟

باسمه جلت اسمائه

الف: شرط صحت بیع مالیت عقلایی است; نه هر معامله مشروط است به آن،

ب: مالیت معتبره نوعی نیست، بلکه میزان غرض شخصی است.

س ۷۲۰ : آیا پس از انقضای اجاره، بر مستأجر لازم است عین مستأجره را بازگرداند یا تنها در صورت مطالبه مؤجر موظف به بازگرداندن آن است؟

باسمه جلت اسمائه

پس از انقضای مدت اجاره لازم است مستأجر عین مستأجره را تحت اختیار موجر قرار دهد.

س ۷۲۱ : اگر زمان اجاره منقضی شود و مستأجر عین مستأجره را در تصرف خود نگهدارد، بفرمایید: الف) آیا در صورتی که مستأجر استیفای منفعت کند، ضامن اجرت المثل است یا اجرت المسمایی که در عقد سابق بوده است؟

باسمه جلت اسمائه

ضامن اجره المثل است.

س ۷۲۲ : ب) اگر پس از انقضای زمان اجاره مستأجر استیفای منفعت نکند، ولی عین مستأجره را بدون اذن مالک در دست خود نگاه دارد و منافع تلف شود، آیا مستأجر ضامن است یا نه و در فرض ضمان، ضامن چه چیزی است؟

باسمه جلت اسمائه

مستأجر ضامن است به اجره المثل.

س ۷۲۳ : هرگاه شخص ثالث مزاحم اجر گردد به طوری که اجیر نتواند عمل مورد اجاره را انجام دهد، مثلا نتواند لباس را خیاطت کند، بفرمایید: الف) چنان چه این مزاحمت قبل از قبض عین مورد عمل توسط اجیر باشد، آیا هر یک از اجیر و مستأجر حق فسخ دارند؟

باسمه جلت اسمائه

مستأجر و اجیر حق

فسخ دارند.

س ۷۲۴ : ب) در صورتی که مزاحمت بعد از قبض باشد، هر کدام از اجیر و مستأجر حق فسخ دارند یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، حق فسخ ندارند.

س ۷۲۵ : هرگاه خانه ای را به مبلغ ماهیانه یکصد هزار تومان اجاره دهند و شخصی ضامن اجاره بها شود، ولی بر اثر بطلان عقد، به جای اجاره بها اجرت المثل لازم گردد و اجرت المثل یکصد و پنجاه هزار تومان باشد، آیا ضامن مسئول پرداخت اجرت المثل است یا ضمانت او مختص به اجرت المسمی است؟ آیا نسبت به ما به التفاوت آن ها ضمانتی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه ضامن، اجاره منزل را ضمانت نموده باید اجره المثل بپردازد;

و اگر ضمان متعلق به اجره المسمی بوده، دادن ما به التفاوت

لازم نیست.

س ۷۲۶ : شخصی ضامن مزد اجیر شده است، در صوت فساد عقد اجاره بفرمایید: الف) آیا در چنین مواردی ضمانت صحیح است یا خیر؟ ب) بنابر فرض صحت ضمانت، آیا شخص مزبور، ضامن اجرت المسمی است یا اجرت المثل، یا تنها تا مقدار اجرت المسمی ضامن است و بیش تر از آن را ضامن نیست؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت فساد عقد، اجیر بی مزد نمی شود تا ضامن نباشد و ضمانت صحیح است و همان تفصیل در جواب سؤال قبل در این مورد نیز جاری است.

س ۷۲۷ : آیا ضمانت نسبت به بازگرداندن عین مستأجره به موجر بعد از تمام شدن مدت اجاره صحیح است؟ و در صورت صحت، آیا ضمان اصطلاحی است یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

این گونه ضمانت تعلیق در ضمان نیست تا ادعای اجماع بر بطلان آن بشود به واسطه تعلیق در

ضمان; بلکه تعهد عین مستأجره است فعلا و اثر آن تعهد فعلی است بر رد عین مستأجره بعد از تمام شدن مدت اجاره.

س ۷۲۸ : در هبه جایزه اگر واهب به موهوب له برگردد و عین موهوبه را (مانند عمامه یا عبا از او بردارد) بخواهد ولی گرفتن آن موجب رفتن آبروی موهوب له می شود، آیا واهب حق دارد؟ یا این که صبر کند تا تهیه مانند آن و عین او را بدهد؟

باسمه جلت اسمائه

وجهی بر سقوط حق فسخ واهب نمی دانم.

س ۷۲۹ : در موارد تعدی و تفریط چنان چه عین مستأجره به واسطه حادثه ای قهری مثل سیل و زلزله در دست مستأجر تلف شود، ولی تلف مربوط به افراط و تفریط او نباشد، آیا مستأجر ضامن است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه مستأجر کوتاهی در حفظ عین مستأجره نموده باشد، بلی ضامن است ولو تلف به او مستند نشود; و اگر مستأجر آن را حفظ نموده باشد و به واسطه حادثه قهری تلف شود، او ضامن نیست.

س ۷۳۰ : هرگاه مستأجر افراط و تفریط نمود و سپس از کار خود پشیمان شده و افراط و تفریط را ترک نمود و پس از آن عین مستأجره تلف شد، آیا مستأجر ضامن است; مثلا ماشینی که اجاره نموده بود را بدون قفل کردن ترک نمود و سپس پشیمان شد و بعد از ساعتی بازگشته و آن را قفل نمود و رفت و بعد از بازگشت دید ماشین سرقت شده، آیا مستأجر به خاطر افراط و تفریط سابق ضامن است و ید او از امانی بودن خارج شده است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، در چنین موردی ضامن نیست;

چون پس از قفل کردن ماشین مثلا ید او امانی می گردد; و به عبارت دیگر، خارج شدن از امانی بودن بعد از برگشتن موجب ضمان نیست.

س ۷۳۱ : با توجه به این که اجاره مال مشاع جائز است، لیکن تسلیم آن به مستأجر متوقف بر اذن شریک است، بفرمایید; چنان چه یکی از دو شریک سهم خود را به نفر سومی اجاره دهد، چنان چه شریک او نسبت به تسلیم آن به مستأجر اذن ندهد، وظیفه چیست؟

باسمه جلت اسمائه

وظیفه رجوع به حاکم شرع است که او الزام کند همان گونه که در تصرف احد الشریکین مع عدم اجازه الاخر عمل می شود، چنان چه مستأجر نمی دانست مال مشاع است بعد از اجازه فهمید خیاری مانند خیار به تبعّض صفقه دارد.

س ۷۳۲ : در موارد عدم قدرت بر تسلیم عین مستأجره آیا اجاره آن با ضمیمه قابل تصحیح است، نظیر بیع عبد آبق یا حیوان فراری با ضمیمه؟

باسمه جلت اسمائه

اقوی آن است که اجاره نظیر بیع در این حکم نیست و معامله اجاره باطل است.

س ۷۳۳ : با توجه به این که به مجرد عقد اجاره هر یک از دو طرف مالک منافع و مالک اجاره بها می شوند، و با توجه به این که به مجرد موت تمام دیون حال می شوند، بفرمایید مستأجری که خانه ای را به مدت یک سال اجاره نموده و پس از دو ماه وفات می کند، آیا اجاره بهای ماه هایی که هنوز انتفاع نبرده است، حال می گردد یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

اجاره سبب ثبوت اجرت است در ذمه مستأجر; پس از فوت از ماترک او

مانند سایر دیون باید ادا شود که مقتضای موثقه ابراهیم بن محمد الهمدانی نیز به نظر ما چنین است.

س ۷۳۴ : هرگاه عین مستأجره به واسطه حادثه قهری مثل سیل خراب شود، یا تعمیر آن بر موجر لازم است و مستأجر می تواند اجبار موجر را بر تعمیر آن مطالبه کند؟

باسمه جلت اسمائه

مستأجر نمی تواند موجر را بر تعمیر اجبار نماید.

س ۷۳۵ : در رابطه با اجاره به نحو کلی بفرمایید:

الف) در موارد تلف شدن فردی از افراد کلی که موجر به مستأجر تحویل داده، فقها رضوان الله تعالی علیهم فرموده اند، مستأجر خیار فسخ ندارد و تنها می تواند فرد دیگری از افراد کلی را مطالبه کند، هرگاه مستأجر از فردی از افراد کلی که موجر به او داده و قسمتی از آن تلف شده انتفاع ببرد و اجرت المثل آن کم تر از اجرت المسمی باشد، مثلا ماشین پیکانی به نحو کلی اجاره نموده و فردی که تحویل گرفته است صندلی های عقب آن خراب است و مستأجر بر اثر جهل به خرابی، از آن استفاده نموده است و اجرت المثل چنین ماشینی در هفته ده هزار تومان و اجرت المسمای آن، بیست هزار تومان باشد، آیا مستأجر می تواند عقد را فسخ کند و اجرت المثل را بپردازد یا با استفاده از خیار «تبعض صفقه» تقلیل نسبی اجاره بها را مطالبه کند؟

باسمه جلت اسمائه

اجاره به نحو کلی بر فرض صحت اجاره محل الاجاره یک فرد است و بعد از تطبیق بر یک فرد که آن فرد تنها مورد اجاره واقع شده است گرفتن فرد دیگر به چه عنوان است و آن فرد

اگر با حادثه قهری تلف شود اجاره باطل می شود; و اگر بعضی ازآن تلف شود، بالنسبه آن بعض فسخ می شود و باطل است و نسبت به بقیه، اجاره صحیح و خیاری نظیر خیار تبعض الصفقه دارد.

س ۷۳۶ : ب) چنان چه فردی که موجر تحویل داده، معیوب باشد و مستأجر از فرد معیوب انتفاع برده باشد و اجاره بها برای فرد معیوب کم تر باشد، آیا مستأجر حق فسخ یا تقلیل نسبی اجاره بها را دارد؟

ج) در اجاره اشخاص هرگاه اجیر بر عمل به نحو کلی اجیر شده باشد و عمل را معیوب انجام دهد و فرصت و امکان تصحیح و تبدیل آن نباشد، چنان چه مستأجر از این فرد معیوب منتفع شود و اجرت المثل آن از اجرت المسمی کم تر باشد، آیا مستأجر حق فسخ عقد و پرداخت اجرت المثل را دارد، یا حکم دیگری دارد؟

باسمه جلت اسمائه

مستأجر حق فسخ دارد و بر فرض امضاء، حق تقلیل نسبی اجاره بها را دارد و از آن چه ذکر شد، جواب «ج» ظاهر می شود.

س ۷۳۷ : آیا منفعت می تواند مبیع واقع شود؟

باسمه جلت اسمائه

مبیع باید از اعیان باشد و منفعت نمی تواند مبیع واقع شود.

س ۷۳۸ : در صورتی که وسیله توزین یا اندازه گیری و امثال آن در کشور یا شهری متعارف بود و مقدار آن نیز بر اساس متعارف آن شهر معلوم باشد ولی مشتری یا بایع از مقدار آن بی اطلاع باشند، آیا صرف متعارف بودن و معین بودن مقدار آن کفایت می کند یا لازم است بایع یا مشتری یا هر دو از آن مطلع باشند؟ مثلا

من در اصـفهان شش کیلوگرم است و بایع یا مشتری که اهل قم است و من در آن شهر سه کیلو است، می خواهند در اصفهان معامله کنند.

باسمه جلت اسمائه

صرف معین بودن واقعی کـافی نیست; بایـد بـایع و مشتری هر دو مطلع از مقـدار آن باشـند; اطلاـع به گونه متعارف نزد مردم عادی.

س ۷۳۹ : آیـا عقود و ایقاعـات ماننـد بیع، نکـاح و طلاق به وسـیله تلفن یا اینترنت یا نامه و امثال آن واقع می شود یا نه؟ و در صورت وقوع، محل وقوع آن در عقودی ماننـد بیع کجاست; بلـد بایع یا مشتری؟ وضـعیت خیار مجلس و افتراق آن ها چگونه خواهد بود؟

باسمه جلت اسمائه

بلی واقع می شود; و میزان بلد مشتری است. و اما خیار مجلس، ظاهراً مورد ندارد.

س ۷۴۰ : در صورتی که بایع و مشتری یا یکی از آن ها در وقت عقد بیع از قیمت بازار خبر نداشته باشند و بگویند فروختیم به هر قیمتی که در بازار (قیمت سوقیه) هست و نام بازار معینی را ذکر کنند، آیا بیع صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، صحیح است; چون از غرر خارج می شود; به علاوه قیمت هم معین است.

خیارات و اجارات

س ۷۴۱ : آیا آوردن جنسی غیر از کتاب برای فروش در مدتی کوتاه مثل یک ماه با توجه به دائمی نبودن آن و نداشتن پروانه کسب صـنفی برای شـغل جدیـد، تغییر شـغل کتاب فروشـی حساب می شود؟ آیا صـرف فروش جنسـی دیگر ولو موقتاً، صدق تغییر شغل می کند و تخلف شرط حساب شده و موجب خیار فسخ است؟

باسمه جلت اسمائه

تغییر شغل نیست; ولی اجاره آن یک ماه را

مستأجر باید بپردازد.

س ۷۴۲ : با انقضای مدت اجاره (سه سال اول) به اقتضای پرداخت سرقفلی (که حق تجدید اجاره با مستأجر است) اجاره مجدد به صورت معاطاه بوده و مالک مال الاجاره را دریافت می کرده است، بدون ذکر قید (شغل کتاب فروشی) و با توجه به این که مقوم صحت شرط، ذکر آن در متن عقد است نه صرف قصد، آیا قید یاد شده در عقد اول، وجوب وفا در اجاره های بعدی دارد و تخلف از آن، موجب خیار فسخ است؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهر این است که آن گونه که در سه سال اول مورد اجاره بوده است، همان گونه باشد و آن تملیك منفعت خاصه است.

روابط و ازدواج

س ۷۴۳ : با توجه به این که سن بلوغ در دختران نُه سال تمام قمری و برای پسران پانزده سال تمام قمری بود، آیا در حال حاضر این سنین تغییری یافته اند و سن سیزده سال برای دختران صحیح است؟ و چرا رقصیدن حرام است؟

باسمه جلت اسمائه

۱. سن بلوغ دختران تمام شدن نُه سال است و حکم خدا تغییر نکرده است و نخواهد تغییر کرد.

۲. رقص زن برای زنان جائز است کما این که رقص مرد برای مردان جائز است; و نیز رقص زن و شوهر برای یکدیگر جائز است. بلی رقص مرد برای زنان غیر همسر، و رقص زن برای مردان غیر شوهر جائز نیست. س ۷۴۴ : با توجه به این که بعضی از دختران بر اثر جهل و نادانی و فریب خوردن، پرده بکارت را از دست داده اند و اگر این موضوع فاش شود، باعث آبروریزی برای خود و خانواده

می شود، به طوری که دیگر امید برای ازدواج او نیست، آیا در چنین موردی ترمیم بکارت جایز است؟ (با توجه به این مطلب که پیدا کردن مصادیق حرجی یک مسئله عرفی می باشد و عرف، ترمیم را از مصادیق حرج می داند).

باسمه جلت اسمائه

بلی، جائز است.

س ۷۴۵ : نظر شما درباره این که یک فرد مؤنث با لمس کردن بدن خود، خود را ارگاسم کند، چیست؟ آیت الله... معتقد است که مشکلی ندارد. نظر شما چیست؟

باسمه جلت اسمائه

به فتوای من و بقیه فقها عملی مُحرم است.

س ۷۴۶ : اگر کسی دو زن داشته باشد آیا برادر یک زن با دختر زن دیگر که از همان مرد است، می تواند ازدواج کند؟ و هم چنین اولاد یکی از آن دو زن به پدر و مادر زن دیگر محرم هستند یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

برادرِ زن می تواند با دختر زن دیگر ازدواج کند; ولو از همان مرد باشد. و اولاد یکی از دو زن به پدر و مادر زن دیگر محرم نیستند.

س ۷۴۷ : آیا با دختران کم سن مسلمان که در اثر زنا پرده بکارتشان ازاله شده مثلا بین ۱۵ تا ۲۵ ساله که زن شده اند، می توان ازدواج موقت نمود؟ (بدون اذن پدر)

باسمه جلت اسمائه

بلی، می توان بدون اذن پدر ازدواج نمود.

س ۷۴۸ : آیا می توان با دختران مسلمان که از سن ازدواج آن ها گذشته بدون اذن پدر و جد پدری محاکم شرع ازدواج نمود؟ در صورت اجازه دادن، سن ازدواج از چند سالگی می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

سن ازدواج از تمام شدن سال نهم است; ولی اگر دختر بالغ

باشد اما رشیده نباشد، یعنی صلاح و فساد را تشخیص نمی دهد، اذن پدر در ازدواج او لازم است; و اگر رشیده باشد، بدون اذن پدر عقد صحیح است.

س ۷۴۹ : فردی سالیان طولانی که صیغه عقد را وکالتاً از طرف دختر و پسر جاری کرده است به جای این که بگوید «أنکحتُ موکلتی لِمُوکِلی»، می گفته است «أنکحتُ موکلتی لموکلك» حکم این ازدواج چیست؟

باسمه جلت اسمائه

ازدواج صحیح است.

س ۷۵۰ : آیا زن می تواند مطالبه مهر بعد از دخول نماید با این که عرفاً مطالبه نمی کنند؟

باسمه جلت اسمائه

قبل از دخول هم می تواند مطالبه کند مگر آن که شرط شده باشد ولو شرطی ضمنی به عدم مطالبه.

س ۷۵۱ : زوجه ای به زوج خود نوشته ای ارائه و از او می خواهد ذیل آن را امضا کند زوج پس از حصول اطلاع از متن و مفاد نوشته ذیل آن را امضا می کند. مضمون نوشته آن بوده که زوجه از زوج خواسته است به وی تفویض وکالت نماید که بدون نیاز به حضور زوج، خود را مطلقه نماید لازم به ذکر است که زوجه نیز مهر و نفقه و ایام عده را در حق زوج بذل نموده است. مورد سؤال آن است که:

۱. اگر چند روز بعد از امضا وکالت نامه، زوج به زوجه اظهار نماید که از روی عصبانیت به شما وکالت دادم یا بگوید از فعل خود پشیمان شده ام آیا بیان این گونه الفاظ موجب سقوط و بی اعتباری و زوال وکالت خواهد شد یا آن که وکالت به قوت شرعی خود باقی بوده و زوجه می تواند هر وقت

بخواهد به استناد همین وکالت نامه خود را مطلقه نماید.

۲. اگر زوجه ادعا نماید که شوهرش به وی تفویض وکالت نموده که خود را مطلقه نماید، آیا قولش در این خصوص حجت شرعی است یا آن که اثبات صحت ادعایش منوط به فحص و تحقیق است؟

باسمه جلت اسمائه

ادعای زوج که از روی عصبانیت وکالت داده است، بدون دلیل قبول نیست. کما این که ادعای زوجه که زوجش به او وکالت داده که خود را مطلقه نماید بدون دلیل مسموع نیست.

س ۷۵۲ : زن و شوهری از هم بستری خود فیلم گرفته اند; آیا می توانند این فیلم را دوباره با هم ببینند؟ (به قصد لذت بردن)؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می توانند به قصد لذت بردن ببینند.

س ۷۵۳ : آیا مرد می تواند به قصد لذت جنسی و بدون قصد استمناء به عکس برهنه زن خود نگاه کند یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، مرد می تواند به قصد لذت جنسی و حتی به قصد استمناء به عکس برهنه زن خود نگاه کند.

س ۷۵۴ : خانمی که عقد کرده است و هنوز در منزل پدر است و نفقه اش را پدر می دهد برای خروج از منزل اذن شوهر شرط است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، شرط نیست.

س ۷۵۵ : در مراسم های عقدخوانی که در محل دفتر خانه ازدواج و یا در منازل انجام می یابد، زوجه و تعدادی از خانم های همراه زوجین حجاب کامل اسلامی را رعایت نکرده و در مجلس عقدخوانی بدحجاب و توأم با آرایش حاضر می شوند هم چنین در آن مجلس چند نفر از مردان همراه زوجین نیز حاضر شده و در نتیجه

مجلس مختلط بوده و ممکن است چنین مجلسی با نگاه آلوده برخی از مردان به زنان، تبدیل به مجلس گناه شود؛ بنابراین، آیا حضور این جانب به عنوان سردفتر رسمی ازدواج در چنین مجالسی برای اجرای صیغه عقد جایز است؟

باسمه جلت اسمائه

رفتن در چنین مجالسی بدون آن که قبل یا بعد از آن تذکری دهید، مخالف دستور نهی از منکر است. بنابراین، شما قبل از تشکیل مجلس شرط کنید که من مشروط به رعایت حجاب شرعی حاضرم در مراسم عقدخوانی شرکت کنم.

س ۷۵۶ : میان آشنایان ما مردی است که دو همسر دارد و همسر اول وی نازا است و همسر دوم وی صاحب دختری شد، بعد از رسیدن به سن بلوغ، دختر همسر دوم ازدواج نموده، راه محرم شدن داماد همسر دوم برای همسر اول مرد آشنا چیست؟ به عبارت دیگر، آیا راه حل محرم شدن وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر همسر اول مادر دارد و او شوهر ندارد، او صیغه داماد همسر دوم بشود همسر اول به او محرم می شود.

س ۷۵۷ : زنی بدون اجازه ی شوهر از خانه قهر کرده و بچه هایش را هم برداشته و از روستا به شهر آمده و اکنون هم حاضر نیست به خانه خود برگردد و اصرار دارد شوهرش بیاید و در شهر زندگی کند و شوهر هم می خواهد در روستای خود زندگی کند، آیا در چنین شرایطی زن حق هم خوابی، کسوه، و نفقه دارد یاخیر؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، زن حقوق ذکر شده را ندارد.

س ۷۵۸ : دختری خواستگاری دارد از خانواده مذهبی و پایبند به امور دینی. دختر تمایل به اجابت دارد ولی پدر

دختر به دلیل غیرموجه جواب منفی می دهد و دخترش را تهدید می کند که اگر تن به این ازدواج بدهد دیگر هیچ رابطه ای با پدر و مادر خود نباید داشته باشد. در چنین شرایطی، اگر دختر گوش به حرف پدر ندهد آیا عاق بر پدر می شود یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

اگر بدون اجازه پدر عقد کند، عقد صحیح است و عاق پدر نمی شود; ولی خوب است سعی کند رضایت پدر را به دست آورد.

س ۷۵۹ : دختر رشیده ای خواستگار دارد، آیا پدر می تواند بدون نظرخواهی از دختر با تمسک به استخاره رد یا قبول نماید؟

باسمه جلت اسمائه

دختر رشیده در امر ازدواج مستقل است و اجازه پدر شرط صحت عقد ازدواج او نیست و بدون اذن دختر، پدر نمی تواند تصمیم ازدواج و یا عدم آن بگیرد.

س ۷۶۰ : اگر زنی در عدّه بود و نمی دانست و او را عقد کردند و بعد فهمید، آیا حرمت ابدی دارد یا نه؟ اگر مردی علم اجمالی داشت در بین چند تا زن که یکی در عده است و یکی را عقد کرد، آیا عقد او صحیح یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

عقد در عده اگر همراه دخول باشد یا آن که یکی از زن و مرد عالم باشند موجب حرمت ابدی می شود; والا موجب حرمت ابدی نیست; و در مورد علم اجمالی به در عده بودن یکی از چند زن عقد بر یکی از آنان هم باطل است.

س ۷۶۱ : در حال حاضر عده ای از زنان که یائسه نیستند با به کار بردن مانع از حمل، صیغه چند نفر می

شوند و عده نمی گیرند، آیا جایز است؟

باسمه جلت اسمائه

بر آن ها عده گرفتن لازم است.

س ۷۶۲ : آیا ازدواج موقت با دختران اهل کتاب «یهودی، مسیحی، زرتشتی» بدون اذن پدر در داخل کشور و خارج از کشور مجاز می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، جائز است. اذن پدر در ازدواج دختر بالغه رشیده شرط صحت ازدواج نیست.

س ۷۶۳ : آیا ازدواج زن شیعی اثنی عشری با بقیه فرق اسلامی اعم از سنی و شیعه را صحیح و جایز می دانید؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، زن شیعی ازدواجش با بقیه فرق اسلامی صحیح است.

س ۷۶۴ : ازدواج زن های شیعی غیر امامی مثل زیدیه، با فرق اسلامی چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

حکم زن شیعی غیر امامی مانند حکم زن شیعی امامی است.

س ۷۶۵ : بر فرض صحت، نکاح و طلاق این موارد تابع کدام مذهب می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

تابع مذهب زوج، سنی مذهب است.

س ۷۶۶ : آیا ازدواج متعه با دختران و زنان ادیان ساختگی مانند: بودا، کمونیست ها، بهایی ها، ناصبی ها و مسلمانانی که از دین خارج شده اند و یهودی و مسیحی شده اند، بدون اذن پدر یا جد پدری و حاکم شرع جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

ازدواج با غیر اهل کتاب (یهودی مسیحی مجوس) جائز نیست مطلقاً، با اذن پدر و بدون اذن او فرق نمی کند.

س ۷۶۷ : آیا باید صیغه عقد موقت به زبان عربی گفته شود یا رضایت دوطرف کفایت می کند؟

باسمه جلت اسمائه

رضایت کفایت نمی کند.

س ۷۶۸: آیا صیغه متعه را می توان به هر زبان (فارسی، انگلیسی، عربی، ترکیه ای و ژاپنی) ترجمه کرد و خواند؟

باسمه جلت

اسمائه

در صورت امکان به عربی خواندن و یا وکیلی را ولو با تلفن وکیل کنند که صیغه بخواند، خواندن به غیر عربی کافی نیست.

س ۷۶۹ : آیا عاقد باید در حین صیغه (متعه) خواندن روز و ساعت و مقدار مهریه را در ذهن خودش بگذراند؟

باسمه جلت اسمائه

قبل از خواندن صیغه متعه بایدمقدار مهریه و مدت عقد را تعیین کنند و در ذهن گذراندن کافی نیست.

س ۷۷۰ : مردی که به زن خود ظلم می کند و کسی خبر ندارد، آیا از باب آیه شریفه لا یحب الله الجهر... می توان این مطلب را به دیگران اطلاع داد؟

باسمه جلت اسمائه

خود زن می تواند اطلاع دهد و دیگران هم از باب جلوگیری از منکر جائز است اطلاع دهند.

س ۷۷۱ : زنی به خاطر بچه دار نشدن از شوهر طلاق می گیرد و بعد از انقضای عده به عقد موقت برادر شوهرش در می آید و به واسطه تلقیح، نطفه این مرد به رحم زن منتقل می شود، آیا این زن برای ازدواج با شوهر اول باید عده نگه دارد؟ بر فرض داشتن عده، آیا انتهای حمل پایان عده است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر برادرشوهر اول بعد از عقد دخول نکرده است، بر ازدواج با شوهر اول لازم نیست عده نگه دارد؛ (انما العده من الماء) بعد از دخول است.

س ۷۷۲ : دختر خانمی عقد کرده است و مخارج او را داماد می پردازد در صورتی که پدر مخالف باشد آیا می تواند بدون اذن ایشان از منزل خارج شود؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می تواند؛ اگر مراد از ایشان پدر باشد و اگر مراد داماد باشد، خیر نمی تواند.

س ۷۷۳ :

آیا مخارج جزیی درمان همسر جزء نفقه حساب می شود یا خیر؟ (مثل پر کردن دندان، عصب کشی، جراحی و غیره)

باسمه جلت اسمائه

بلی، مخارج درمان همسر مطلقاً جزء نفقه واجبه است.

س ۷۷۴ : آیا مخارج جزیی زن مثل خرید لوازم آرایش جزء نفقه حساب می شود؟

باسمه جلت اسمائه

مخارج لوازم آرایش متعارفه جزء نفقه لازمه بر شوهر است.

س ۷۷۵ : آیا ازدواج کردن با (غیرمسلمان و اهل کتاب) حتی با خواندن خطبه عقد حرام است؟ و حتی اگر خطبه خوانده شود، این ازدواج و رابطه زناشویی زنا به حساب می آید؟ آیا زرتشتی ها و مجوسی ها هم اهل کتاب اند؟

باسمه جلت اسمائه

ازدواج با اهل کتاب، یهود و نصاری و مجوس جائز است; و با کافر غیر کتابی جائز نیست. و با آن هایی که جائز است، باید صیغه عقد خوانده شود; وگرنه آمیزش جنسی، زنا و حرام است.

س ۷۷۶ : همسری اطاعت شوهر نمی کند و تمکین نمی کند و شوهر مضطر می شود. آیا شوهر می تواند خودش از طریق دیگری مثل استمناء، منی را خارج کند؟ اگر چنین کاری کرد، چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

با دست یا بدن همسر استمناء جائز است; ولی با دست خودش حرام است.

س ۷۷۷ : آیا احکام لواط بر فاعل و مفعول بر بالغین و غیر بالغ و مختار و مجبور جاری است یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

احکام لواط بر فاعل و مفعول مختص به بالغین و مختارین است; فاعل و مفعول غیر بالغ ممیز تعزیر می شوند و غیرمختار تعزیر هم ندارد.

س ۷۷۸ : اگر کسی دو تا زن دارد یکی کبیره و دیگری صغیره، زن کبیره، صغیره

را شـیر بدهـد این زن دوم از زنیّت می افتد و دومی کذلک و اگر بگوییم دومی هم از زنیت نمی افتد، ترجیح بلامرّجح است، آیا این زن صغیره دختر حکم ربیبه را دارد؟

باسمه جلت اسمائه

سؤال در صورتی است که کبیره از شـیر شوهر مشترک، شـیر به صغیره بدهد. در این صورت، هر دو زن بر آن شوهر حرام می شوند و نکاح هر دو فاسد می شود; و اگر کبیره از شـیر متعلق به شوهر سابقش شـیر به صـغیره بدهد، چنان چه دخول به کبیره شـده است، هر دو بر او حرام می شونـد و نکاح هر دو فاسد می شود; و اگر دخول به کبیره نشده است، هیچ کدام برای شوهر حرام ابدی نمی شوند; ولی نکاح احدهما باطل می شود به نحو تخییر.

س ۷۷۹ : سوزاک از بیماری های مسری مقاربتی محسوب می شود. آیا در این گونه موارد حق فسخ وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

به نظر ما خیار فسخ ثابت است به واسطه شرط ضمن عقد نکاح.

س ۷۸۰ : عیوب و بیماری هایی که نسـبت به فرزنـدی که از آنان متولـد می شود مسـری است و موجب ناقص الخلقه شدن یا ابتلای فرزنـد به امراض لاعلاج و یا صـعب العلاجی می شود که موجب عسـر و حرج فرزنـد و والدین او می شود و یا موجب مرگ فرزند در رحم یا پس از مدت زمانی اندک بعد از تولد می شود، آیا در چنین مواردی حق فسخ وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، ثابت نیست.

س ۷۸۱ : آیا حق فسخ نکاح به واسطه عیوب، اختصاص به اطلاع آن قبل از دخول است یا

پس از آن نیز حق فسخ وجود دارد؟ و آیا از این جهت تفاوتی بین انواع عیوب وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

به حسب اطلاق ادله فرقی بین عیوب نیست و در همه آن موارد خیار فسخ ثابت است.

س ۷۸۲ : آیا علت حق فسخ در عیوب برص و جذام، مسری بودن آن هاست؟ و در صورتی که سرایت در مورد آن ها وجود نداشته باشد، آیا باز هم حق فسخ وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

سرایت علت منصوصه نیست تا تخصیص زده شود به صورت عدم سرایت; بلکه حکمت تشریع است والحکمه لا تخصص.

س ۷۸۳ : بر اساس اظهارات پزشکان، در حال حاضر می توان بیماری جذام را چند سال قبل از آن که علائم آن آشکار شود، از طریق آزمایش خون تشخیص داد. پرسش این است که اگر هنگام عقد، وجود بیماری و علائم قطعی آن به وسیله آزمایش خون مشخص شود، آیا حق فسخ وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

هر عنوانی که در موضوع حکمی گرفته شود، فعلیت حکم منوط به فعلیت آن عنوان است. بنابراین، قبل از تحقق جذام و برص فعلیت خیار فسخ غیر ممکن است; لعدم فعلیه موضوعه.

س ۷۸۴ : همان گونه که مستحضرید افضا به نظر مشهور فقها، یکی شدن مجرای بول (ادرار) و حیض است و جمعی از فقها یکی شدن مجرای حیض و غائط (مدفوع) را بر آن افزوده اند و برخی نیز یکی شدن هر سه مجرا را افضا محسوب داشته اند. پزشکان نیز معتقدند چون پارگی و از بین رفتن و یکی شدن، مربوط به پرده ها و جدارهای داخلی دستگاه می باشد، یکی شدن هر سه مجرا نیز

ممکن است. با عنایت به توضیحات فوق، آیا در تمامی انواع افضا، حق فسخ وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

مقتضای اطلاق ادله ثبوت حکم است در تمام موارد افضا; و انصراف فردی مانند یکی شدن هر سه مجرا که اگر ممکن باشد، فرد نادری است، موجب تقیید اطلاق نمی شود; ولکن اهل فن می گویند یکی شدن هر سه مجرا با وطی ممکن نیست; زیرا، راه حیض وسط راه بول و راه غائط است و بین آن ها پرده قوی عریضی است که به واسطه وطی پاره نمی شود. به هر حال، افضا به ما له من المصادیق موجب ثبوت خیار است.

س ۷۸۵ : طبق اظهارات پزشکان مطلع و متخصص، افضا گاه منشأ مادرزادی دارد و گاه بر اثر حوادث و یا دخول و آمیزش و تجاوز تحقق می پذیرد. آیا در تمامی موارد آن حق فسخ ثابت است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، حق فسخ بر افضا با وطی مترتب شده است ; و غیر آن را شامل نیست.

س ۷۸۶ : با عنایت به این که برخی روایات عرج و لنگی زن را موجب فسخ نکاح شمرده اند، بفرمایید: آیا مقصود، آن قسم از لنگی است که موجب زمین گیری کامل شود یا اگر لنگی آشکار باشد هرچند به حد زمین گیری هم نرسد، موجب فسخ است؟ و یا اصولاً هر نوعی از آن که در عرف، لنگی محسوب شود، موجب فسخ نکاح است؟

باسمه جلت اسمائه

اقوال فقها مختلف است، اما مختارما این است که لنگی و عرج مطلقاً موجب خیار است و موجب جواز فسخ است; همان گونه که اکثر متقدمین قائل به آن شده اند. ولی

اگر از آن موارد لنگی غیر بیّن استثنا شود، بهتر است.

س ۷۸۷ : در صورتی که مقدار برص کم باشد و آن هم در اعضای ظاهری بدن که موجب انزجار و تنفر می شود، نباشد، آیا باز هم حق فسخ ثابت است؟

باسمه جلت اسمائه

صحیح حلبی که عمده مدرک ثبوت حق فسخ است، در برص اطلاق دارد; لذا، در مورد سؤال حق فسخ ثابت است.

س ۷۸۸ : نابینایی باید در چه حدی باشد که از موجبات فسخ به حساب آید و آیا شامل کم بینایی شدید هم می شود؟ در صورتی که با عینک، تنها شبحی را می بیند آیا نابینایی موجب فسخ محسوب می شود؟ چنان چه با عینک به اندازه ای که بتواند زندگی را اداره کند، می بیند اما بدون عینک نمی تواند، آیا موجب فسخ نکاح است؟

باسمه جلت اسمائه

مقتضای روایات آن است که نابینایی مطلق یعنی با عینک یا بدون آن موجب جواز فسخ نکاح است و ظاهراً شبه دیدن، دیدن نیست.

س ۷۸۹ : آیا قرن موضوعیت دارد یا هر عیبی که مانع از نزدیکی و مقاربت است (مانند عفل، رتق، اشکالات ساختمانی مادرزادی مجرای تناسلی و افتادگی رحم) موجب حق فسخ است؟

باسمه جلت اسمائه

در روایات تصریح شده است به این که عفل موجب حق فسخ است; و اما امور دیگری که مانع از نزدیکی و مقاربت است به عموم از علت در روایات ملحق می شود به قرن; و از آن دسته، رتق است.

س ۷۹۰ : در صورتی که یکی از عیوب موجب حق فسخ وجود داشته باشد ولی قبل از عقد و یا بعد از عقد و قبل از

مقاربت و دخول به طور کامل درمان شود، آیا حق فسخ وجود دارد؟ اگر به شکل ناقص درمان شود، چطور؟

باسمه جلت اسمائه

العله تعمم و تخصص; مقتضای مفهوم علت در این موارد، عیب موجب حق فسخ نمی شود.

س ۷۹۱ : با عنایت به این که ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی هزینه درمان را جزو نفقه محسوب داشته است، بیان فرمایید: در صورتی که عیوب موجب فسخ نکاح قابل درمان باشد و زن بخواهد عیوب خود را درمان کند، آیا هزینه درمان آن در دو صورت متعارف بودن و غیر متعارف بودن هزینه، بر عهده مرد است؟ یا با توجه به حق فسخ داشتن مرد، تکلیفی بر عهده ندارد؟ و آیا موردی که درمان به سهولت و در زمان کوتاه انجام شود با موردی که به دشواری و در درازمدت انجام شود، حکم واحدی دارند؟

باسمه جلت اسمائه

اگر فسخ نکند و امضا کند و حق فسخ ساقط شود، هزینه درمان را باید بپردازد; وگرنه لازم نیست.

س ۷۹۲ : در مورد عیوب جدید یا غیر منصوص در کدام یک از موارد زیر حق فسخ نکاح وجود دارد: الف عیوبی که نه از طریق مقاربت به طرف مقابل سرایت کند و نه از طرق دیگر و خطری را متوجه فرزندانی که از آنان متولد می شوند نیز نمی سازد، اما بیماری و عیب مزبور به گونه ای است که به واسطه نیاز به پرستاری زیاد یا تنفر و امثال آن ادامه زندگی را برای طرف مقابل دشوار ساخته و موجب عسر و حرج می گردد؟

باسمه جلت اسمائه

در این موارد حق فسخ ثابت نیست.

س ۷۹۳ : زنی سه فرزند صغیر

دارد; یکی از آن ها دندان درد شدید دارد ولی شوهر این زن (پدر بچه ها) حاضـر به دادن مخارج درمان فرزندش نیست، آیا مادر بـدون اجازه شوهرش می توانـد از عیـدی هایی که برای فرزنـدش جمع شـده، هزینه درمان را بپردازد؟ و آیا می تواند از جیب شوهر مبلغی برای معالجه بردارد؟

باسمه جلت اسمائه

از عیدی های فرزند می تواند برای مداوا بردارد، ولی از اموال شوهرش نمی تواند بردارد.

س ۷۹۴ : اگر بین زن و شوهر اختلاف باشـد که آیـا عقـد به صورت موقت بوده است یا دائم، زن مـدعی عقـد موقت است و شوهر مدعی عقد دائم است و دلیلی بر قول هیچ کدام نیست; ادعای کدام مقدم است؟

باسمه جلت اسمائه

مرد مـدعی زوجیت است بعـد از مضـی وقـت و زن منکر اسـت، از طرفی زن مـدعی است ذکر اجـل شـده و مرد منکر است، بنابراین ظاهراً باب تداعی است نه مدعی منکر.

س ۷۹۵ : آیا زن می تواند بعد از عقد مهریه خود را ببخشد مشروط به این که مرد تمکین جنسی نداشته باشد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می تواند با شرط گذاشتن ببخشد.

س ۷۹۶ : مردی در حالی که جاهل به حکم و موضوع بوده است با زنی که در عده ایام ازدواج بوده است، ازدواج می کند; و این زن نیز جاهـل به حکم حرمت ازدواج بـوده است و وطی به شـبهه صـورت گرفته است; آیـا پسـر این مرد به این زن محرم است؟

باسمه جلت اسمائه

پسر این مرد به آن زن محرم نیست.

س ۷۹۷ : پدری در دوران نامزدی دخترش به داماد اذن می دهد که دخترش را به شرط عدم

دخول به عقد موقت درآورد ولی بعد از خواندن عقد، پسر با دختر هم بستر می شود; اگر در این عمل دختر راضی باشد، آیا مهر المسمی تبدیل به مهر المثل می شود یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، تبدیل به مهر المثل نمی شود.

س ۷۹۸ : دختری با پسری بدون اذن پدر عقد موقت می کنند و بکارت از بین می رود، آیا دختر مهرالمثل را طلب دارد یا مهر المسمی را؟

باسمه جلت اسمائه

اگر در حین عقد موقت شرط عدم ازاله بکارت نکرده اند، بیش از مهر المسمی چیزی را طلب ندارد.

س ۷۹۹ : هدایایی که در زمان نامزدی به دختر و پسر داده می شود، آیا از نوع هبه مشروطه است (به صورت شرط ضمنی) به طوری که اگر نامزدی بهم بخورد و ازدواج انجام نشود، به علت محقق نشدن شرط ضمنی، واهب می تواند عین موهوبه یا مثل و یا قیمت آن را پس بگیرد؟

باسمه جلت اسمائه

شرط ضمنی آن است که در وقت عقد مذکور طرفین در خاطرشان آن امر می باشد مانند تساوی در مالیت و شامل مورد نیست; و هبه ذکر شده اگر از رحم است، لازم است; و الا جائز است و بدون شرط هم قابل برگشت است.

س ۸۰۰ : آیا ادخال بعض حشفه در زن اجنبی شوهردار، موجب غسل و حرمت ابدی می شود و رجم دارد؟ آیا فرقی بین دُبُر و قُبُل هست؟

باسمه جلت اسمائه

ادخال بعض حشفه در ترتب آثار اعم از غسل و حد و رجم و حرمت ابدی کافی نیست; و فرقی بین قُبُل و دُبُر نیست.

س ۸۰۱ : آیا شیربها که در ازدواج، پدر یا

مادر دختر می گیرند آیا بعد از ازدواج زوج می تواند برگرداند یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه شرط ضمن عقد شده باشد، یا به معامله لازمه منتقل شده باشد،خیر نمی تواند; و هم چنین اگر تلف شده باشد، ولی اگر هبه بوده و عین آن باقی است، می تواند برگرداند.

س ۸۰۲: اگر زن با قرائنی یا به اظهار، بداند که شوهرش کافر شده بعد از ازدواج کافر یا مرتد گردیده ولی مردم علی الظاهر او را مسلمان می دانند، آیا عقد باطل می شود و عدّه وفات یا طلاق بگیرد؟

باسمه جلت اسمائه

میزان کفر است نه دانستن مردم; و در مورد سؤال، اگر ارتداد قبل از دخول باشد، عقد منفسخ می شود و عده ندارد; و اگر بعد از دخول باشد، انفساخ عقد متوقف است بر انقضای عده. اگر از ارتداد رجوع کرد و مسلمان شد، عقد به هم نمی خورد; و الا به جدایی از اول امر یعنی ارتداد حکم می شود.

(ت) س ۸۰۳: اگر کسی زنش بمیرد و زن دیگر اختیار کند و از زن اول یک دختر داشته باشد آیا برادر زن دوم می تواند با دختر زن اول ازدواج کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می تواند چون به یکدیگر محرم نیستند.

س ۸۰۴: مراد از «نفقه» در باب مسائل خانوادگی چیست؟

باسمه جلت اسمائه

نفقه زن که بر شوهر واجب است، عبارت است از آن چه زن در زندگی به آن احتیاج دارد; مانند خوراک مناسب حال او، و خانه مناسب، و فرش و رخت خواب و بقیه لوازم زندگی; حتی اسباب زینت و درمان و دکتر، و...

س ۸۰۵: آیا نفقه دختر خانمی

که فعلا در منزل پدرش زندگی می کند، بر شوهر واجب است یا پدر؟

باسمه جلت اسمائه

حق نفقه خانمی که در منزل پدر زندگی می کند به حسب ارتکاز عرفی در آن مدت از شوهر ساقط است.

س ۸۰۶: آیا اقدامات زوج در ایام عقد، از قبیل تهیه مایحتاج زوجه، از باب وظیفه شرعی زوج است یا به جهت تعمیق روابط وایجاد الفت و مودتِ بیش تر، بهتر است که ادامه داشته باشد؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً به حسب متعارف جزء وظیفه شرعی نیست.

س ۸۰۷: پدر بزرگ این جانب (پدر پدرم) سه زن داشت; از زن اول دو پسر که یکی از آن ها پدر بنده می باشد و از زن دوم دو پسر و چهار دختر و از زن سوم یک پسر. پس از چندی زن دوم را طلاق می دهد و زن دوم پس از طلاق ازدواج مجددی می نمایند که حاصل آن دو دختر می باشد و دختر چهارم این زن از شوهر اولش نیز تا هفت سالگی در منزل شوهر دوم زندگی کرده، با عنایت به این مسأله آیا این دو دختر نسبت به پدر این جانب که از زن اول است به عنوان خواهر محرم می باشند که در نتیجه این جانب نیز که فرزندی از پسر زن اول می باشم، آیا نسبت به بنده هم محرم می شوند و عمه های این جانب محسوب می گردند؟ زیرا، این جانب در هر ماه یک بار به منزل ایشان می روم و ایشان نیز بنده را فرزند برادر خود قلمداد می نمایند و با عنایت به محبتی که نسبت به بنده دارند سر

و صورت این جانب را می بوسند و از نظر حجاب کامل هم اندکی مسامحه می کنند. این جانب را نسبت به این موضوع از حکم خداوند متعال آگاه فرمائید.

باسمه جلت اسمائه

آن دو دختر به پدر شما نامحرمند، و به شما هم نامحرمند و بوسیدن آن ها شما جائز نیست و باید رعایت حجاب کامل هم بنمایند; و اما روایات که دال بر جواز تزویج است، خود دلیل بر نامحرم بودن است; و در بعضی صور دلالت بر کراهت تزویج دارد نه حرمت. و جمله از آنها هم ضعیف و یا مجهول است.

س ۸۰۸: آیا ازدواج زن شیعه با مخالف مذهب، حرام یا مکروه است؟

باسمه جلت اسمائه

حرام نیست.

س ۸۰۹: حدود اطاعت زوجه از زوج در مسأله خروج از منزل را بفرمایید.

باسمه جلت اسمائه

خروج زن از منزل بدون اجازه زوج جائز نیست.

س ۸۱۰: آیا دختر عقد کرده ای که هنوز در خانه پدر زندگی می کند و پسر درخواست هم بستری از او دارد با توجه به این که هنوز مهر و نفقه پرداخت نشده، آیا اجابت لازم است؟

باسمه جلت اسمائه

وجوب تمکین متوقف بر زوجیت است; فقط نهایت امر این است که اگر مرد عمل به وظیفه نکرد و نفقه نداد، زن حق دارد تمکین نکند.

س ۸۱۱: پدر و پدربزرگ دختری در ازدواج وی با پسری اختلاف دارند; پدر راضی به ازدواج هست و پدر بزرگ راضی نیست; قول کدام یک مقدم است؟

باسمه جلت اسمائه

چنانچه دختر بالغه رشیده است، اذن هیچ کدام شرط نیست و منع هر کدام بی اثر است.

س ۸۱۲: علما فرموده اند زنا با شوهردار موجب حرمت ابدی

می شود. اگر شخصی زن شوهرداری را لمس کند و دخول صورت نگیرد ولیکن منی داخل فرج ریخته شود، آیا باز هم حرمت ابدی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

به نظر ما زنا با شوهردار موجب حرمت ابدی نمی شود مطلقا.

س ۸۱۳ : اگر زنی ازدواج کند و از پشت به او دخول شود به اندازه ختنه گاه و طلاق بگیرد، آیا برای ازدواج بعدی اذن پدر شرط است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، اذن پدر شرط نیست.

س ۸۱۴ : دختر خانمی دارای مریضی تشنج است و البته به وسیله دارو مقداری بهبودی پیدا کرده است، ولی احتمال برگشت تشنج وجود دارد، آیا برای ازدواج لازم است به داماد این بیماری را اطلاع دهد؟

باسمه جلت اسمائه

اطلاع ندادن تدلیس است; ولی هر تدلیسی موجب خیار نیست.

س ۸۱۵ : اگر در جایی چنین رسم است که اگر زوج زن خود را به هر سببی طلاق دهد، زن ثیبه را دیگر نمی گیرند و زن در حرج می افتد; آیا لاحرج و لاضرر او را می گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی گیرد.

س ۸۱۶ : هرگاه زنی که با رضایت شوهر، لوله رحم خود را بسته است، مجدداً بخواهد آن را بردارد، در دو صورت ذیل، آیا رضایت شوهر برای باز کردن لوله رحم لازم است یا خیر؟ الف) باز کردن لوله رحم به جهت ضرورت های پزشکی بوده و جنبه درمانی داشته باشد.

باسمه جلت اسمائه

رضایت شوهر لازم نیست.

س ۸۱۷ : ب) باز کردن لوله رحم برای تولید نسل و یا هر جهت دیگری غیر از ضرورت های پزشکی باشد.

باسمه جلت اسمائه

وجهی برای اشتراط رضایت زوج نمی دانم; اصل عدم اشتراط است.

س ۸۱۸: در مواردی

پرده بکارت به دلیل ویژگی خاصی که دارد، مانع عمل مجامعت می شود و زوج قادر به ازاله بکارت نمی شود و یا ازاله طبیعی آن موجب تحمل درد شدید از ناحیه زن می باشد، آیا در چنین مواردی زن می تواند از طریق امکانات پزشکی، مانع مزبور را مرتفع سازد؟ در صورت جواز آیا رضایت شوهر لازم است؟ در صورت لزوم رضایت، اگر زن بی رضایت شوهر از طریق پزشکی اقدام نماید و پزشک نیز از عدم رضایت شوهر مطلع باشد، چه مسئولیتی متوجه پزشک و زن خواهد بود؟

باسمه جلت اسمائه

شوهر نسبت به بکارت حقی دارد; و لذا، اگر عقد با شرط بکارت محقق شده باشد و تخلف شرط بشود، تفاوت مهر باکره و غیر باکره را زن باید بپردازد. بنابراین، رضایت او لازم است. و پزشک اگر ضمانی متوجه او بشود، چون به امر زن بوده، او باید بپردازد.

س ۸۱۹ : طلاقی که حاکم از ناحیه عسر و حرج زن می دهد، آیا از مصادیق طلاق بائن است یا رجعی؟

باسمه جلت اسمائه

من طلاق حاکم را از ناحیه عسر و حرج صحیح نمی دانم; ولی بر فرض صحت، طلاق بائن است.

س ۸۲۰ : در صورتی که در عقد منقطع شرط نفقه شده باشد، آیا می توان زوج را در صورت امتناع از پرداخت تعزیر کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می توان تعزیر نمود; چون با شرط نفقه دادن واجب می شود و بر مخالفت با واجب، تعزیر جائز می شود.

س ۸۲۱ : اگر مردی دارای عیبی باشد، شرعاً باید هنگام ازدواج و عقد آن را به زن اعلام کند؟

باسمه جلت اسمائه

اعلام عیب لازم نیست; ولی چند

عیب است که برای زن موجب خیار فسخ است.

س ۸۲۲: در صورتی که زن درآمد کافی داشته باشد، آیا شوهر می تواند از پرداخت نفقه به همسر خود امتناع ورزد؟

باسمه جلت اسمائه

ابداً، نفقه زن واجب است؛ ولو زن متمول و مرد فقیر باشد.

س ۸۲۳: آیا اگر زوجه از وطی در دبر امتناع ورزد، ناشزه تلقی می شود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، زن اگر امتناع از وطی در دبر بنماید، ناشزه نیست؛ چون جواز وطی در دبر مشروط به رضایت است؛ والا جائز نیست.

س ۸۲۴: خانمی در ایام عده ازدواج اول با مرد دیگری ازدواج می کند (هر دو جاهل به حکم و موضوع حرمت از ازدواج در ایام عده بوده اند) و این خانم در همین ایام عده با مردی زنا می کند، آیا مرد زناکار بعد از این که این خانم عده وطی به شبهه برای شوهر دوم نگه دارد، می تواند با دوم یا زانی ازدواج کند؟

باسمه جلت اسمائه

ازدواج دوم که در عده واقع شده است، چنان چه دخول واقع شده باشد، حرام مؤبد است؛ و ازدواج با شوهر دوم باطل است. و اما زنا موجب حرمت ابدی نیست؛ بعد از تمام شدن عده، عقد زانی با زانیه صحیح است.

س ۸۲۵: آیا زن می تواند بدون اطلاع شوهر از قرص جلوگیری (ضد بارداری) استفاده نماید؟

باسمه جلت اسمائه

بدون اطلاع شوهر می تواند استفاده کند؛ ولی با نهی او نمی تواند.

س ۸۲۶: زنی ازدواج نمی کند و از راه حرام و گناه عمل نامشروع انجام می دهد و موجب آبروریزی خانواده خود شده، آیا به واسطه قاعده لاحرج می شود او را

اجبار به ازدواج حلال کرد؟

باسمه جلت اسمائه

به عنوان نهی از منکر می شود اجبار نمود; و احتیاج به لاضرر هم نیست.

س ۸۲۷ : الف: اگر منی در رحم زن بریزد بدون دخول، آیا زن عده دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، ریختن منی در رحم موجب عده است.

س ۸۲۸ : ب: اگر منی در دبر زن بریزد بدون دخول، آیا زن عده دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، ریختن منی در دبُر موجب غسل نیست; ولی دخول در دبر موجب عده است.

س ۸۲۹ : آیا زن می تواند، ضمن عقد شرعی (ازدواج) شرط کند که من بتوانم بدون اجازه شوهر از خانه بیرون بروم; البته نه در حدی که منافات با حق شوهر داشته باشد، آیا چنین شرطی صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر شرطِ حکم کند یعنی جواز خارج شدن بدون اجازه شوهر، شرط صحیح نیست; و اگر شرطِ فعل کند به این نحو که شوهر اجازه بدهد و زن بدون استجازه خارج شود، شرط صحیح است.

س ۸۳۰ : آیا مُحل می تواند با زن محرمه خود جماع کند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی تواند; و اگر جماع نمود، کفاره بر زوجه واجب می شود و کفاره ذبح یک شتر است و پول آن را هم زوج باید بدهد.

س ۸۳۱ : خواستگاری در عده زن (عده طلاق بائن، رجعی، عده وفات و عده عقد موقت) چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خواستگاری در عده بائن جائز است; و در رجعی، جائز نیست.

س ۸۳۲ : مردی در برابر خواسته همسر که خواستار کار کردن در بیرون از منزل است می گوید به این شرط که تمام حقوقت را به من بدهی، اجازه می دهم; آیا چنین شرطی

صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر شرط فعل باشد، صحیح است؛ ولی اگر شرط کند حقوقت مال من باشد، صحیح نیست؛ چون خلاف کتاب و سنت است.

س ۸۳۳ : مردی قدرت هم بستری دارد؛ ولی قدرت بارور کردن ندارد، آیا باید به زن بگوید؟

باسمه جلت اسمائه

لازم نیست.

س ۸۳۴ : دختری عقد کرده است و قبل از عروسی به خاطر تصادف شوهر جدا می شوند؛ مبلغی شیربها داماد به پدر خانم برای تهیه جهیزیه داده، حالا ـ اگر جهیزیه تهیه نکرده اند، باید پول را برگردانند؟ اگر جهیزیه تهیه شده بود، چطور؟ صاحب پول کیست؟

باسمه جلت اسمائه

شیربها که داماد می دهد برای کمک به جهیزیه به حسب ظاهر مال خود داماد است و باید به داماد برگردانند.

س ۸۳۵ : زن و شوهری که بعد از ازدواج به خاطر عدم تفاهم از یکدیگر جدا زندگی می کنند و مرد برای همسرش مسکن تهیه نکرده و زن و مرد هر کدام در خانه والدین خود هستند و مرد هم نفقه نمی دهد، آیا زن برای خروج از منزل باید اجازه بگیرد یا لازم نیست؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، اجازه گرفتن لازم نیست.

س ۸۳۶ : زنی در ذیل عقد موقت شرط نفقه کرده و مرد قبول کرده است، ولی الآن نمی دهد.

الف) آیا زن می تواند تمکین نکند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می تواند.

س ۸۳۷ : ب) آیا می تواند خودش از اموال شوهر تقاص کند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر نمی تواند.

س ۸۳۸: ج) آیا این شرط تکلیفی است و یا این که واقعاً مرد، مدیون زن است؟

باسمه جلت اسمائه

وجوب عمل به شرط حکم تکلیفی است نه وضعی; بنابراین، مرد مدیون نیست; و لذا، تقاص هم

نمی تواند بنماید.

س ۸۳۹ : آیا کفاراتی که بر عهده زن می آید، بر شوهر واجب است آن ها را بدهد و جزء نفقات است؟

باسمه جلت اسمائه

کفارات، جزء نفقات نیست.

س ۸۴۰ : زن و مردی که با طلاق از همدیگر جدا شده اند، آیا می توانند بعد از تمام شدن عده به عکس های قبل از طلاق (اعم از: عریان، بی حجاب، با حجاب و غیره) نگاه کنند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی توانند نگاه کنند؛ چون فعلاً اجنبی هستند.

عقد موقت

س ۸۴۱ : در عقد موقت که زن تقاضا دارد بقیه مدت بخشیده شود، آیا کلمات زیر کفایت از بخشیدن بقیه مدت می کند: الف) فسخ شد فسخ شد. ب) دیگر بین ما چیزی نیست. ج) برو در پناه خدا گذاشتم. د) بین من و شما چیزی نیست.

باسمه جلت اسمائه

اگر به قصد بخشیدن مدت باشد، کافی است؛ به شرط آن که این الفاظ عرفاً کاشف از بخشیدن باشد که کاشف هست.

س ۸۴۲ : آیا ذکر اَجَل مجهول در متعه مانند مرّه یا مرّتین موجب بطلان عقد است یا عقد صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

موجب بطلان عقد است.

س ۸۴۳ : خانمی صیغه موقت بوده، مدت تمام شده است؛ یک خون دیده، ۵ ماه دیگر خونی ندیده است، وظیفه او برای ازدواج مجدد چیست؟

باسمه جلت اسمائه

این خانم عده اش چهل و پنج روز است.

(ت) س ۸۴۴ : آیا باید با کسی که قبلا رابطه داشته، برای زمان عده صبر کنم؟ اگر او بگوید عده اش گذشته است، آیا باید

حرفش را قبول کنم؟

باسمه جلت اسمائه

زن زناکار عده ندارد; صبر کردن لازم نیست. زنی که عده دارد، مثلًا ازدواج موقت با

کسی نموده، اگر بگوید عده ام تمام شده است، حرفش را باید قبول نمود.

س ۸۴۵ : اگر مرد مسلمانی با زن مسیحی ازدواج موقت کند و حاصل این ازدواج دختری باشد که مسلمان است بعد از مدتی این زن با مردی مسیحی ازدواج می کند و دخول نیز صورت می گیرد، آیا این دختر مسلمان از باب ربیبه بر این مرد دوم (شوهر مادر) محرم است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، محرم می باشد.

س ۸۴۶ : زن و مرد در مورد مدت صیغه موقت اختلاف دارند، مثلا زن می گوید آخر اسفند تمام می شود و مرد می گوید تا ۱۵ فروردین ادامه دارد; این جا قول کدام مقدم است؟

باسمه جلت اسمائه

در مورد سؤال مرد مدعی است و زن منکر، قول زن موافق اصل است.

س ۸۴۷ : فردی با زنی ازدواج موقت نموده و بعد از انقضای مدت و در زمان عده او را به عقد دائم خود در می آورد و قبل از دخول وی را مطلقه می نماید. آیا در این طلاق، زن، حکم مطلقه غیر مدخوله را از حیث عده، رجوع و مانند آن دارد یا حکم طلاق زن مدخول بها را دارد؟ حکم عده، حق رجوع، نفقه و سایر آثار این طلاق را بیان فرمایید.

باسمه جلت اسمائه

در این فرض از حیث طلاق از ازدواج دوم عده ندارد; ولی عده انقضای مدت ازدواج اول اگر ایام عده منقضی نشده باشد، باقی است; چون ازدواج دوم با عده عقد اول تنافی ندارد. زیرا، آن عده بر غیر زوج است و شامل او نیست; ولی بعد از طلاق، نه رجوع جائز است، نه نفقه واجب. بلی،

می تواند برای مرتبه سوم با آن زن ازدواج نماید.

(ت) س ۸۴۸ : اگر زنی را که صیغه موقت بود به عقد دائم درآورد، و عقد موقت را فسخ نکرد، آیا این عقد درست است یا باید فسخ نماید؟

باسمه جلت اسمائه

بدون فسخ هم عقد دائم ولو من حین العقد صحیح است; البته فسخ کردن بهتر است.

س ۸۴۹ : متأسفانه با توجه به این که در جامعه امروزی در ایران و سایر کشورها، زنان فاحشه زیادی وجود دارد که در مقابل دریافت پول، حاضر به انجام عمل جنسی می باشند و به خاطر فقر فرهنگی و دینی، اعتقاد و التزامی به مسأله متعه ندارند و چه بسا آن را به استهزا می گیرند; لذا چند مسأله پیرامون این موضوع مطرح می گردد: آیا متعه نمودن چنین افرادی جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

جائز است; چنان چه توبه کند، هیچ اشکالی ندارد; و اگر توبه نکند، مکروه است.

س ۸۵۰ : در صورت جواز متعه، آیا ثوابی که در روایات برای متعه آمده، شامل متعه نمودن چنین افرادی هم می شود یا این که فقط صرفاً جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

ثواب مطلقاً متوقف بر عمل با قصد قربت است و بدون آن هیچ عملی ثواب ندارد. در صورت قصد قربت به متعه هم ثواب دارد.

س ۸۵۱ : آیا برای اجرای صیغه حتماً باید او را از مهر و مدت مطلع ساخت و از وی وکالت گرفته و در حضور او صیغه را خواند یا این که بدون اخذ وکالت و در غیاب او هم می توان صیغه را جاری کرد؟ (با توجه به این که یقیناً او راضی است و تنها

هدف او رسیدن به پول است و چنین اظهار می دارند که برای یک بار رابطه برقرار کردن فلان مبلغ) و آیا مدت را مثلا یک بار رابطه قرار دادن جائز است یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

برای اجرای صیغه باید از مهر و مدت مطلع شود، و وکالت در اجرای صیغه بدهد; مجرد رضایت کافی نیست. البته حضور او هم لازم نیست. و تعیین یک بار رابطه داشتن بدون تعیین مدت کافی نیست. با تعیین مدت که قهراً شرط ضمن العقد است، اشکال ندارد.

س ۸۵۲ : با توجه به این که آن ها هیچ گونه توجه و اعتقادی به مسأله عده ندارند (و یقیناً مجدداً با شخص دیگری رابطه برقرار می نمایند) پس از پایان مدت آیا باز هم ملزم به عده نگه داشتن می باشند یا این که شخص دیگری هم می تواند آن ها را صیغه نماید؟

باسمه جلت اسمائه

اعتقاد نداشتن او موجب عدم صحت نیست; و عده هم دارد.

س ۸۵۳ : در صورتی که احتمال دروغ گفتن آن ها وجود داشته باشد، آیا سؤال کردن در خصوص شوهر و حیض لازم است؟ و آیا به قول آن ها در مورد شوهر نداشتن و حیض نبودن می توان اعتماد کرد؟

باسمه جلت اسمائه

قول او در مورد این که حائض نیست و عده ندارد; در صورت علم به کذب حجت نیست; ولی اگر علم نداشته باشد، قولش حجت است.

س ۸۵۴ : مقصود از مشهوره (که برخی فرموده اند بنابر احتیاط متعه زانیه مشهوره جائز نیست) چیست؟

باسمه جلت اسمائه

مشهوره به زنا عبارت از زنی است که مکرر مرتکب زنا شده است; و هر کس هم پیشنهاد کرده از

حیث زنا بودن امتناع نکند.

س ۸۵۵: در عقد موقت (متعه) اگر مرد زن را به گونه ای فریب دهد که اگر این کار را نمی کرد، قطعاً زن راضی به عقد موقت نمی شد، مثلا به زن نگفته باشد که همسر دیگری دارد، آیا جائز است زن هر وقت که پی به این فریب برد، از مرد جدا شود؟ یا این امر نیاز به اذن مرد دارد؟ یا زن باید برای جدا شدن حتماً از مجتهد اجازه بگیرد؟

باسمه جلت اسمائه

تخلف داعی به عقد ضرر نمی زند; و زن نمی تواند به شخصه یا او با اجازه مجتهد از مرد جدا شود. بلی، اگر ضمن عقد شرط کنند که اگر مرد زن دیگری دارد، اختیار جدا شدن با زن باشد; در این صورت، بدون اجازه مرد و بدون اجازه مجتهد زن می تواند جدا شود.

س ۸۵۶: در مسأله قبل اگر عدم رضایت زن به متعه شدن قطعی نباشد و فقط احتمال بسیار زیاد دهند که اگر مرد واقعیت را می گفت، زن راضی نمی شد، آیا باز هم احکام فوق بر آن مترتب است؟

باسمه جلت اسمائه

حکم فوق که بیان کردم، بلی جاری است.

س ۸۵۷: خانمی عقد موقت مردی بوده، بدون هیچ هم بستری بعد از گذشت ۱۱ سال که ازدواج کرده و فرزند دارد حالا شک می کند که آیا عقد دوم بعد از گذشت و تمام شدن عقد اول بوده یا هنوز عقد اول تمام نشده بود؟ وظیفه چیست؟

باسمه جلت اسمائه

عقد دوم محکوم به صحت است.

س ۸۵۸: آیا زن در متعه می تواند شرط کند که حق هبه مدت در دست

من باشد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر شرط کند که حق هبه مدت با من باشد، شرط مخالف کتاب و سنت است و جائز نیست; ولی اگر شرط کند من از طرف تو در هبه وکیل باشم، صحیح است.

طلاق

س ۸۵۹ : اگر مردی زنش را طلاق داد، زن می گوید دخول نشد ولی مرد خلاف آن را می گوید; قول کدام مقدم است و یا دعوا به عکس باشد؟ و بر فرض این که زن متهم باشد، مسأله چه صورت دارد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه خلوت بین آن دو به نحوی که خالی از موانع دخول بوده است یا بکارت از بین رفته و مرد ادعا می کند که بکارت به جماع از بین رفته، در این دو صورت، قول مرد مقدم است.

س ۸۶۰ : در عده طلاق خلع و مبارات آیا می توان با خواهر زن ازدواج کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می توان ازدواج نمود; بلااشکال است.

س ۸۶۱ : اگر هنگام طلاق مبارات اشتباهاً صیغه خلع خوانده شود، حکم چیست؟

باسمه جلت اسمائه

طلاق صحیح است و حکم طلاق مباراه را دارد.

س ۸۶۲ : زن در طلاق رجعی با رجوع مرد می تواند قبول نکند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی تواند.

س ۸۶۳ : اگر شخصی همسر خود را سه طلاقه نموده، در حین عده آیا زن می تواند رجوع به بذل نماید؟ اگر زن رجوع به بذل نمود، آیا مرد هم می تواند رجوع کند؟

باسمه جلت اسمائه

زن نمی تواند رجوع به بذل کند; چون مرد نمی تواند رجوع کند; و بین جواز رجوع زن و جواز رجوع مرد تلازم است.

س ۸۶۴ : خانم مطلقه به طلاق خلعی، با رجوع شوهرش موافقت

کرده و مدت زیادی عمل زناشویی انجام داده اند، ولی زوجه رجوع به بذل نکرده است، آیا بدون رجوع زوجه به بذل عقد پابرجا می باشد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

بدون رجوع زوجه به بذل، رجوع شوهر ولو با موافقت زوجه، اثر ندارد و عقد پابرجا نیست.

س ۸۶۵ : مردی که چندین ماه یا چند سال در زندان بوده یا زن در اثر اختلاف خانوادگی خانه مرد را ترک کرده و در این مدت زیاد نزدیکی صورت نگیرد، اگر چنین مردی زن را طلاق دهد یا زن خودش از مرد طلاق بگیرد، آیا باز هم واجب است زن عده طلاق نگه دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، لازم است عده نگاه دارد.

س ۸۶۶ : آیا تحمل شهادت در طلاق، و شخص شاهد می داند که عادل نیست جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

وجهی بر عدم جواز نمی دانم.

س ۸۶۷ : اگر پس از طلاق، یقین پیدا شود شهودی که در وقت طلاق عادل دانسته شده بوده اند، عادل نبوده اند، آیا طلاق صحیح است یا باطل؟

باسمه جلت اسمائه

طلاق باطل است.

س ۸۶۸ : اگر وکیل طلاق، پس از طلاق دادن و اعلام انجام و صحت آن، به زن و شوهر بگوید طلاق باطل بوده است، آیا این زن و شوهر می توانند به قول اخیر او ترتیب اثر بدهند؟

باسمه جلت اسمائه

قول وکیل حجت است; باید به قول او ترتیب اثر بدهند; مگر آن که احتمال بدهند دروغ می گوید.

س ۸۶۹ : اگر موکل اطمینان داشته باشد که شهود طلاق وکیل که وکیل آن ها را عادل می دانسته، عادل نبوده اند، آیا این طلاق برای موکل صحیح است یا باطل؟

باسمه جلت

اسمائه

طلاق باطل است.

س ۸۷۰ : آیا کمی یا زیادی مدت فاصله بین کشف خلاف در طلاق از زمان اجرای طلاق فرقی در بطلان طلاق دارد؟

باسمه جلت اسمائه

فرق بین طولانی بودن مدت و کوتاه بودن آن نیست.

س ۸۷۱ : اگر شوهر توجه داشته و زن نمی دانسته است که طلاق سوم است، آیا آثار طلاق سوم را دارد یا تحریم ازدواج مجدد در صورت توجه و عدم علم به سومین طلاق بودن است؟

باسمه جلت اسمائه

طلاق موجب حرمت است ولو زن نداند که طلاق سوم است.

س ۸۷۲ : وکیل طرفین بعد از بذل، آیا از جانب شوهر قبول کردن آن بذل برای صحت طلاق، شرط است یا همان وکالت کفایت می کند؟

باسمه جلت اسمائه

همان وکالت کفایت می کند.

س ۸۷۳ : اگر مردی زنش را طلاق بائن بدهد، آیا می تواند در زمان عده، خواهر زن را عقد کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می تواند خواهرزن را عقد کند.

س ۸۷۴ : اگر دختر قبل از بلوغ وطی شود، آیا بعد از طلاق، و یا مردن شوهر عده دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر طلاق قبل از بلوغ باشد، عده طلاق ندارد; و اگر بعد از بلوغ باشد، عده دارد. و عده وفات باید نگه دارد; ولو قبل از بلوغ شوهر فوت کند.

مهریه

س ۸۷۵ : مهریه خانمی ۳۰۰ سکه بوده است، این حدیث را که اگر مردی مهریه زنش را ندهد مثل این است که با او زنا می کند، شنیده است; لذا، برای آن که شوهر مشمول این حدیث نشود، مهریه را می بخشد در حالی که قلباً راضی نبوده است، آیا زن با این که قلباً راضی نبوده است، می تواند

مهریه را طلب کند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی تواند مهریه را طلب کند.

س ۸۷۶: اگر زن ادعا کند من دخول نشده ام و مرد می گوید دخول کردم و بعد از معاینه دکتر معلوم شد بکارت باقی است، آیا شوهر او بعد از طلاق زن، مهر کامل بر عهده دارد یا نصف می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

زن نصف مهر را می برد.

س ۸۷۷: زن بیوه ای با لفظ فارسی و در خارج از محضر رسمی، خود را (برای مدت چهار ماه) به عقد موقت مردی درآورده و حدود یک هفته بعد (پس از آمیزش جنسی) شوهرش را رها کرده، در حالی که یکی از اهداف آن زن و مرد از این عقد موقت این بوده که در صورت امکان در آینده به طور دائم با هم ازدواج کنند که هدایایی نیز به همین منظور توسط آن مرد به آن زن و پدر، مادر و خواهرش تحویل گردیده که آن هدایا وسایلی از قبیل: وجه نقد، عطر، لباس و پارچه های چادری و پیراهنی زنانه، انگشتر عقیق، پلاک و زنجیر نقره ای (گلوبند) زنانه، شلوار مردانه و شیرینی جات بوده است.

اکنون با توجه به عرایض فوق الذکر خواهشمند است بفرمائید:

۱ آیا پرداخت تمام مهریه آن زن (مبلغ دویست هزار تومان) بر آن مرد واجب است؟

۲ آیا آن مرد حق مطالبه عین و یا قیمت هدایایی که برای وصلت منظور (ازدواج دائم) به آن زن و پدر، مادر و خواهرش داده است را دارد؟

۳ آیا رها کردن شوهر آن هم قبل از تمام شدن مدت ازدواج (موقت) که توسط آن زن انجام گرفته و باعث از

بین رفتن حق شوهر گردیده، گناه محسوب می شود؟

باسمه جلت اسمائه

مهریه به نسبت مدت تخلف زن کم می شود، مثلا اگر ۱۰۹ مدت را زن تخلف کرده است ۱۰۹ مهریه را استحقاق ندارد. و اما هدایایی که مرد داده است آن چه به خود زن داده است، نمی تواند پس بگیرد; و آن چه به پدر و مادر و خواهرش تحویل داده، آن چه از آن ها باقی است را زوج می تواند پس بگیرد; و آن چه از بین رفته است، ضامن نیستند.

س ۸۷۸ : آیا مهر زن در مقابل بضع چنان چه در روایت آمده، و اگر هنوز دخول نکرده شوهر طلاق بدهد یا بمیرد، نصف یا تمام المهر را باید بدهد و حال این که هیچ تصرفی نشده است؟

باسمه جلت اسمائه

روایات دال است بر لزوم نصف مهر و جای حرف نیست.

س ۸۷۹ : اگر بعد از دخول زوج با زن خود، معلوم شد عیب در او می باشد، و زن فسخ عقد کرد، کدام یک از مهر المسمی یا مهر المثل را باید بپردازد؟ و اگر دخول نکرد و زن فسخ کرد، آیا باید نصف مهر را بپردازد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر فسخ قبل از دخول باشد، مهر ندارد; مگر در صورت عنین بودن زوج که نصف مهر ثابت است; و اگر بعد از دخول باشد، نصف مهر المسمی را باید بدهد.

موسیقی و فیلم

س ۸۸۰ : آیا گوش دادن به موسیقی که مطرب نیست و مخصوص مجالس لهو هم نمی باشد و صرف آواز و موسیقی با دستگاه های متعارف آن است، اشکال دارد؟ درآمدی که از طریق کپی و اجاره این گونه کاست ها

و سی دی ها به دست می آید چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

موسیقی غیرمطرب نداریم; همه انواع موسیقی حرام است. و درآمد اجاره آن ها حرام است.

س ۸۸۱ : اخیراً در برخی فیلم ها و سریال های تاریخی و دینی، صورت و گردن بازیگران زن مسلمان با آرایش و زیورآلات به تصویر در می آید. هم چنین بعضاً برای نمایش موی بازیگران زن مسلمان، از موی مصنوعی استفاده می گردد که با موی طبیعی هیچ تفاوت ظاهری ندارد. به عنوان مثال در سریال «یوسف پیامبر(ع)» متأسفانه به جای نمایش قسمت هایی از زندگی این پیامبر بزرگ الهی، بیش تر از تصاویر چهره آراسته، مو، گردن و زیورآلات بازیگران زن استفاده شده است. الف) آیا دیدن این سریال ها مجزی است؟ ب) آیا ساختن، پخش و منتسب کردن این فیلم ها به دین مبین اسلام و تعلیمات قرآن کریم جایز است؟

باسمه جلت اسمائه

پخش چنین فیلم هایی با دین اسلام و تعالیم قرآن کریم مخالف است و اهانت به حضرت یوسف علیه السلام نیز می باشد; و دیدن آن فیلم ها که با موی سر پخش می شود، نگاه کردن به آن ها حرام است و آن هایی که با موی مصنوعی است ولو نگاه کردن به آن حرام نباشد، ولی اشاعه منکر است و به این عنوان حرام است.

س ۸۸۲ : آیا در اسلام چیزی به نام موسیقی اسلامی وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

موسیقی اسلامی نداریم; یعنی نواختن هر نوع موسیقی حرام است; به خصوص با آلات لهو و لعب.

س ۸۸۳ : گوش دادن به موسیقی های موجود در بازار چگونه است بدون این که اثر منفی

در شخص ایجاد کند؟

باسمه جلت اسمائه

گوش دادن به موسیقی حرام است.

س ۸۸۴ : پولی که از ویدئوکلوپ عائد شخص می شود (فقط محصولاتی که وزارت ارشاد تأیید می کند) حلال است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی حلال است.

س ۸۸۵ : آیا تهیه فیلم های خارجی که مناظر تحریک آمیز و مهیج شهوت آن حذف شده و به اصطلاح سانسور شده است و اصل داستان فیلم برگزیده شده و توجه بیننده تماماً به اصل داستان فیلم بوده و غالباً توجهی به شخصیت های فیلم و یا موسیقی متن و مناظر سطحی و عمومی آن ندارد، اشکال دارد؟

باسمه جلت اسمائه

هیچ اشکال ندارد.

س ۸۸۶ : این جانب مقلد مرجعی هستم که حضور در مجالس رقص و هم چنین رقص زن برای زن را جائز نمی داند، با توجه به این که همسر این جانب مقلد مرجعی است که رقص را حرام نمی داند، آیا شرعاً مجازم که به او اجازه ی رفتن به مجالس رقص را بدهم؟

باسمه جلت اسمائه

بلی مجازید; زیرا، مجلس، مجلس معصیت نیست.

س ۸۸۷ : آیا کاربرد موسیقی برای درمان و توانبخشی اختلالات جسمی و روانی از نظر شرعی جایز است؟

باسمه جلت اسمائه

استفاده از موسیقی مُحرَّم برای درمان اختلالات جسمی و روانی در صورت انحصار درمان بر این استفاده جائز است; و الا جائز نیست.

س ۸۸۸ : اشتغال به موسیقی درمانی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر موسیقی تنها راه منحصر درمان باشد، اشتغال جائز است; و الاّ خیر.

س ۸۸۹ : کف زدن در مراسم عروسی چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

کف زدن جائز است مطلقاً.

س ۸۹۰ : عده ای معتقدند وقتی به بعضی آهنگ ها

هم که مشکوک است توجه می کنند از دنیا بی زار شده به یاد ذات مقدس الهی می افتند، آیا این مجوز استماع است؟

باسمه جلت اسمائه

گوش دادن موسیقی حرام است مطلقاً.

س ۸۹۱ : محدوده و ضابطه لهو و طرب را تعریف کنید؟

باسمه جلت اسمائه

لهو عبارت است از اشتغال نفس به لذائذ شهویه بدون قصد غایت، و ربطی به فعل ندارد; بلکه آن از افعال نفس است و طرب فعل خارجی است.

س ۸۹۲ : لطفاً حکم رقصیدن مرد برای مرد و زن برای زن را بیان کنید.

باسمه جلت اسمائه

جائز است.

عقاید

س ۸۹۳ : آیا این درست است که در زمان زندگی یکی از امامان ما زیارت کربلا توسط خلیفه عباسی زمان ممنوع شده بود؟ و مردم مجبور بودند فرزندانشان را به خاطر زیارت کربلا قربانی کنند؟ اگر صحیح است، آیا ممکن است مرجع معتبری که در این مورد گفته باشد، معرفی نمایید؟ و هم چنین نظر و عکس العمل امام در آن زمان در مورد این قربانی ها چه بوده است؟

باسمه جلت اسمائه

قربانی کردن فرزند برای زیارت امام حسین سلام الله علیه در هیچ جا نیست و هیچ مرجعی اجازه نداده است. بلی، روایات متعددی دلالت دارد بر این که در راه زیارت امام هر گونه ضرر بدنی متوجه بشود، نباید ترک شود; دلیلش نیز واضح است و آن این که بقای اسلام به قیام امام حسین بود; و بقای آن به شعائر حسینی است.

س ۸۹۴ : آیا دوازده امام فقط بر انسان ها حجت هستند یا بر جنیان هم حجت هستند؟ بر فرشتگان چطور؟

باسمه جلت اسمائه

پیغمبر اسلام(صلی الله علیه وآله) از طرف خدا برای

جمیع خلائق مبعوث شد و آیات کریمه اعم از سوره جن و غیر آن و روایات متواتره دال بر آن است. می توانید بعد از قرآن به کافی رجوع کنید و ائمه علیهم السلام به مقتضی «حجه من قبل علی جمیع من کان الرسول نبیا له» نیز بر جمیع مخلوقات حجت هستند.

س ۸۹۵ : آیا درست است که پیامبر و دوازده امام انسان هایی عادی مثل ما بودند؟ خون آن ها هم مثل خون ما نجس است؟ و آیا آن ها هم به غسل کردن برای طاهر شدن بعد از جنابت نیاز داشتند؟ آیا آن ها هم مثل ما نجس به دنیا آمده اند؟ آیا بدن مرده ی آن ها هم مثل ما نجس است؟ آیا پس از دست زدن به بدن مرده ی آن ها هم باید غسل مس میت انجام داد؟ آیا این درست است که هر کسی می تواند به مقام پیامبر و امام علی(علیه السلام) برسد; البته با تلاش خالصانه و با معرفت و...؟ آیا محمد(صلی الله علیه وآله)علم قرآن را قبل از وحی از طرف جبرئیل داشتند؟

باسمه جلت اسمائه

پیغمبر(صلی الله علیه وآله) بر حسب روایات، همان عقلی است که اولین مخلوق الهی است; همان گونه که خود پیغمبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: «اول ما خلق الله نوری و فی روایت اخری روحی.» و در این موضوع روایات زیادی وارد شده است و فاطمه زهراء(علیها السلام) بر حسب روایات وارده از شیعه و سنی اصل ماده بدنش از ماده این عالم نیست; بلکه از بهشت از اعلی درختان و میوه های بهشت بوده است; و اما روح فاطمه(علیها السلام) متناسب با

این بـدن از اسـراری است که مـا نمی توانیم بفهمیم. فقـط در روایـات است که روح آن حضـرت از نور عظمت الله است. امام صـادق(علیه السـلام) روایت نقـل فرمـوده است (أنه قـال رسـول الله(صـلی الله علیه وآله)خلق نور فـاطمه قبـل أن یخلق الأـرض والسـماء، فقـال بعض النـاس یـا رسول الله فلیست هی إنسـیه؟ فقـال فاطمه حوراء إنسـیه. قال: خلقها الله عزوجل من نوره قبل أن یخلق آدم إذ کانت الأرواح الحدیث) و انوار ائمه اطهار(علیها السلام) از همین انوار منشعب شده است.

س ۸۹۶ : آیا لوح محفوظ، کتابی مادی و قابل تغییر نیست یا امری معنوی و قابل تغییر و تبدیل است؟

باسمه جلت اسمائه

خداوند تعالی عالم به جمیع اشیا بوده، و تمام امور متعلق علم ازلی الهی است; ولی علم خدا دو نحو است: علم موقوف که از آن تعبیر می شود به لوح محو و اثبـات; و علم حتمی که از آن تعبیر می شود به ام الکتاب و علم مخزون عنـد الله تعالی و لوح محفوظ; پس لوح محفوظ همان علم الهی است.

س ۸۹۷ : ازدواج حضـرت سـکینه با مصعب بن زبیر صحت دارد یا یکی از تهمت های ابوالفرج عامی است که بعضی از شیعه ها هم از او تبعیت کرده اند؟

باسمه جلت اسمائه

در کتب متعـدد ازدواج با مصـعب ذکر شـده است. فقها هم در مسأله ازدواج شـیعه با سـنی اسـتدلال به وجوهی نموده اند، که یکی هم ازدواج حضرت سکینه با مصعب است.

س ۸۹۸ : آیا لعن های زیارت عاشورا در اصل بوده یا بعداً به آن اضافه شده است؟

باسمه جلت اسمائه

در اصل بوده و زیارت عاشورا با همه خصوصیاتش، سند

معتبر دارد.

س ۸۹۹ : آیا پیروان فرقه ضاله بهائیت کافرند؟ و اگر هستند، از چه نوع آن می باشند؟ و آیا از مصادیق نجس العین هستند؟

باسمه جلت اسمائه

فرقه بهائیت از کفارند و کافر غیرکتابی می باشند; و از مصادیق نجس العین هستند.

س ۹۰۰ : «أشهد أن علیاً ولی الله» اولین بار در تاریخ به وسیله چه کسی در اذان و اقامه گفته شد؟

باسمه جلت اسمائه

بعد از غدیر خم که حضرت منصوب به خلافت شدند، در بین اصحاب شیوع پیدا کرد. آن چه در ذهن من است، اول کسی که این جمله را بعد از شهادتین گفته است، حضرت سلمان است; و خود پیغمبر(صلی الله علیه وآله) امضا فرمودند. عمر هم که در همان غدیر خم گفت «بخ بخ لک یا علی(علیه السلام)أصبحت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنه»; روایات از ائمه(علیها السلام)متعدد است.

س ۹۰۱ : با توجه به نکات ذیل، آیا نهی از تفکر و تعقل در ذات پروردگار متعال نهی مولوی است؟

الف) وعده آتش و عذاب بر تفکر در ذات خداوند متعال; «عن أمیرالمؤمنین(علیه السلام): اتقوا أن تمثّلوا بالرّب الذی لا مثل له أو تشبّهوه من خلقه أو تلقوا علیه الأوهام أو تعملوا فیه الفکر و تضربوا له الأمثال أوتنعتوه بنعوت المخلوقین فإنّ لمن فعل ذلک ناراً».

باسمه جلت اسمائه

همه این نواهی ارشاد است به عدم تمکن و منحرف شدن از طریق مستقیم، و واقع نشدن در منجلاب کفر زندقه.

س ۹۰۲ : ب) کفر و الحاد; «عن أمیرالمؤمنین(علیه السلام): من تفکر فی ذات الله الأحد»; و «عن أمیرالمؤمنین(علیه السلام): من تفکر فی ذات الله تزندق»; و «عن الصادق(ع): من نظر فی الله کیف

هو هلک.»

ج) تحریم; «عن امیرالمؤمنین(علیه السلام): محرم علی بوارع ثاقبات الفطن تحدیده و علی عوامق ناقبات الفکر تکییفه و علی غوائص سابحات الفطر تصویره.»

د) احادیثی که در باب توقیفی بودن اسم های الله تعالی آمده، و علت آن هم مخفی بودن کنه ذات باری تعالی معرفی شده است مثل; «عن موسی بن جعفر(علیه السلام): ان الله أعلی و أجل و أعظم من أن یبلغ کنه صفته فصفوه بما وصف به نفسه و کفّوا عما سوی ذلک.»

باسمه جلت اسمائه

این روایات ربطی به توقیفیت اسماء الله تعالی ندارد.

س ۹۰۳ : همان طور که در اصول مقرر است، نهی مولوی در مسأله ای منافاتی را اینکه آن مورد نهی از مستقلات عقلیه باشد و عقل هم استقلالا حکم به قبح آن نماید ندارد; مانند ظلم که از آن عقلا و شرعاً نهی شده است و این که ظلم شرعاً مورد نهی است با این که عقلا هم نهی شده باشد، منافات ندارد. (مگر موارد استثنا مثل وجوب امتثال که مستلزم دور و تسلسل است) حال نهی از تفکر در ذات خداوند متعال نیز چنین است; یعنی نهی مولوی باشد هرچند عقل مستقلا می فهمد که تفکر در ذات پروردگار صحیح نیست؟

باسمه جلت اسمائه

به یک معنی نهی ارشادی است به عدم تمکن از توصیف خدا به غیر آن چه خود او ذکر نموده است; و ممکن است حکم مولوی باشد به جهت اثر آن تفکر; و نهی مولوی بودن به واسطه انحراف از طریق مستقیم ربودن مانند و این معنی لازمه حکم اولی است.

س ۹۰۴ : نهی از تفکر در ذات پروردگار متعال چه نهی ارشادی باشد و چه

نهی مولوی، آیا ویژه کسانی است که در مباحث عمیق عقلی مهارت کافی ندارنـد یا شامل تمام افراد بشـر و عموم مردم اسـت حتی دانشمندان؟

باسمه جلت اسمائه

شامل همه است; چون هیچ کس تمکن ندارد; حتی آن هایی که مهارت کافی دارند.

س ۹۰۵ : آیا اسماء الله تبارک و تعالی توقیفی است یا خیر، چرا؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، توقیفی نیست; دلیل آن اصالت عـدم است. مدعی توقیفیت باید دلیل اقامه کند بل الآیات الکریمه مانند: «الله لا إله إلا هو له الأسـماء الحسـنی ولله الأسـماء الحسـنی فادعوه بها» و غیر این آیات دال است بر این که اسـماء حسنی در معنایش محدود به حدی نیست; می شود خدا را خواند به هر اسم حسـنی و در قرآن ۱۲۷ اسم به خدا اطلاق شده است. دلیلی که ذکر شده است بر توقیفیت اسماء الحسنی یکی آیه «ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها وذروالذین یلحدون فی اسمائه» مبنا بر این که لام، لام عهد است; و مراد بالحاد تعدی بغیر ماورد من اسـمائه از طریق سمع، و دیگری آن است که شیعه و سنی مستفیضاً نقل کرده اند «إن لله تسعه و تسعین اسماً; مائه إلا واحداً من احصاها دخل الجنه» و اشکال هر دو دلیل ظاهر است و اما روایات مشتمل بر نهی عن توصیف الله بمالایصف به نفسه فاجنبیه عن المسأله.

س ۹۰۶ : در دعای امام حسـین(علیه السلام) در قبرستان آمده است: «اللهم رب هذه الأرواح الفانیه و الأجساد البالیه الخ» با این که روح بقا دارد، چطور حضرت فرمود فنا دارد؟

باسمه جلت اسمائه

هیچ موجودی سوی الله بقا ندارد.

س ۹۰۷ : آیا سخن امام حسین(علیه

السـلام) درباره ی اصـحابشان که فرمود: «أما بعد فإنّی لا أعلم أصحاباً أوفی ولا خیراً من أصحابی الخ» دلیل بر افضلیت آنان بر سلمان و ابوذر و عمار و مقداد و مالك اشتر می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

هیچ محذوری ندارد کسانی که امام زمان ارواحنا فداء در مقابل قبرشان این جملات را فرموده افضل از آن چند نفر باشند.

س ۹۰۸ : کلمه «منـافق» در آیات و روایات که دروغگو منافق است، آیا نفاق در عمل، یا اعتقاد و عمل و یا در اعتقاد فقط می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

منافق در عرف قرآن کسـی است که اظهار ایمان می کنـد و باطن او کافر است. و در روایات پیغمبر خـدا(صـلی الله علیه وآله) می فرمایـد: «أربع من کن فیه فهو منـافق» این گونه روایـات در مقـام بیـان این است که افراد متصف به صـفات خاصـی مـانند کذب، ایمان باطنی حقیقی ندارند.

س ۹۰۹ : اگر روح از خداونـد است چنان چه در آیه ۲۸ سوره فجر (فإذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجـدین) چرا در عالم قبر و برزخ و قیامت عذاب می بیند و محال است خداوند روح خود را عذاب کند؟

باسمه جلت اسمائه

مراد از روح، روح خدا نیست; مراد همان است که در آیات مانند سوره قدر «تنزل الملائکه والروح فیها بإذن ربهم» است و در آیه کریمه اضافه تشریفیه است.

س ۹۱۰ : حضرت زینب کبرا به عقیله بنی هاشم معروف است; یعنی به غیر از معصوم، از مردان و زنان بنی هاشم اعقل است؟

باسمه جلت اسمائه

در این که شخصیت حضرت زینب(علیها السلام) بعد از چهارده معصوم(علیها السلام) از همه بالاتر است، تردیدی

نیست; و خدماتی که به دین اسلام کرده است، غیر از آن بزرگوار کسی نظیر او نیست; عالمه غیر معلمه است. به قول مرحوم علامه مامقانی (ره) اگر کسی بگوید معصوم است، اقلاً در زمان تحمل امانت امامت نمی شود رد نمود.

س ۹۱۱ : در روایت است «ملعون من القی کله علی الناس» یا «ملعون من ضارّ مؤمناً او مکر به» یا «ملعون من سبّ أباه ملعون من سب امه» و موارد دیگر در لعن با کلمه «من» که افاده عموم وارد شامل لعن بر مؤمن ظالم یا این اعمال را دارد، می شود یا نه؟

باسمه جلت اسمائه

بلی شامل می شود.

س ۹۱۲ : آیا مراجع و فقها در زمان غیبت، نائبان امام زمان(عج) می باشند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی مراجع و مجتهدین حافظ دین و صائن لنفسه مخالف لهواه چنین هستند; امام زمان ارواحنا فداه فرموده: «حجتی علیکم و أنا حجه الله والراد علیهم راد علینا وهو علی حد الشرک بالله».

س ۹۱۳ : آیا می توان ائمه معصومین(علیها السلام) را قطب عالم دانست؟ و نیز این تعبیر که آن ها همه امور جهان هستی را در اختیار دارند، صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، آن ها ولایت تکوینیه دارند; یعنی عالم طبیعت ایجاداً و اعداماً تحت اختیار آنان است; البته در طول اراده خدای تعالی که هر آنی که افاضه نکند، محو می شود.

س ۹۱۴ : فرمایش پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله): «حبّ علی حسنه لایضرّ معها سیئه» با روایاتی که مرحوم صدوق نقل می کند که بعضی از شیعیان ۳۰۰ یا ۲۰۰ هزار یا کم تر در جهنم می روند، و آیه: «فمن یعمل مثقال ذره خیراً

یره و من یعمل مثقال ذره شراً یره» چگونه قابل جمع است؟ وجه جمع را بیان فرمایید.

باسمه جلت اسمائه

روایات حب امام علی(علیه السلام) کثیره والجمع بینها به این گونه است که با حب علی هیچ اثر سیئه در آخرت دوام ندارد و هیچ سیئه اثر حب علی(علیه السلام) را از بین نمی برد.

س ۹۱۵ : اگر کسی عاشق دختر مسیحی یا یهودی شد و برای این که دختر را بگیرد، ظاهراً مسیحی یا یهودی شد و بعد مسلمان شد، آیا مرتد فطری شمرده می شود؟

باسمه جلت اسمائه

مرتد نمی شود; چون اظهار مسیحی شدن نموده، نه آن که مسیحی شده است واقعاً.

س ۹۱۶ : آیا جهاد برای دفع کفار از تسلط بر جان مسلمین و هتک ناموس آن ها و برای دفاع از جمعی از مسلمین که با کفار در حال جنگ هستند، بر زنان هم واجب است؟

باسمه جلت اسمائه

جهاد ده قسم دارد; آن چه از زنان مرفوع است، خصوص جهادی است که ابتدا مسلمانان برای دعوت به اسلام می نمایند; و اما جهاد برای حفظ بیضه اسلام، دفاع کفار از تسلط بر بقای مسلمین و هتک عرض آنان و امثال اینها از زنان مرفوع نیست. و آن موردی که وجوب جهاد از زن مرفوع است، خصوص قتال است; و اما امور دیگر از قبیل مداوای مجروحین مرفوع نیست.

س ۹۱۷ : آیا کتب ضاله از عقاید حقه اثناعشری امین را می توان به او برنگرداند؟

باسمه جلت اسمائه

نمی تواند چون مطالب و نوشته ها گمراه کننده است; ولی کاغذ و جلد و بقیه خصوصیات گمراه کننده نیست. به علاوه مطالب هم برای استفاده در مقام رد و

پاسخگویی به درد می خورد.

س ۹۱۸ : آیا دعاهایی را که سند مرسل یا صحیح ندارد، می شود به قصد رجا خواند؟

باسمه جلت اسمائه

می توانید بنابر تسامح در ادله سنن به قصد استحباب نفسی بخوانید.

س ۹۱۹ : از آن جایی که بعضی اهل علم، وجود حضرت رقیه(علیها السلام) را منکر شده اند و یا با ایجاد شبهه و تردید نسبت به انتساب حرم موجود در کشور سوریه به نام حضرت رقیه(علیها السلام) موجبات دلسردی ارادتمندان آن حضرت را فراهم کرده اند و از طرفی اقبال و توجه عامه مردم و توسل و نذر و اظهار نیاز به آن حضرت و حرم مطهر بسیار زیاد و قابل توجه است، صحت وجود دختری با مشخصاتی که ارباب مقاتل در مورد کیفیت شهادت آن بزرگوار نقل کرده اند (در خرابه شام) چیست؟

باسمه جلت اسمائه

مرحوم آقای حائری به طور جزم از مرحوم آقای شعرانی نقل می فرماید حضرت رقیه و جماعتی از اهل البیت در همان محل قبر منتسب به حضرت رقیه دفن شده اند; و مرحوم امین نیز دفن در آن محل را نقل می کند و بعد از صدها سال که قبر خراب شده بود، جنازه دختر صغیره صحیح و سالم از آن بیرون آورده شده است و دو مرتبه دفن کردند و کراماتی که از آن قبر دیده و شنیده شده است، مؤید صحت نقل است.

س ۹۲۰ : از نظر اسلام، آیا سحر و جادو وجود دارد و آیا قدرت تأثیر بر زندگی دیگران را دارد؟ انجام سحر و جادو تا چه قدر می تواند بر زندگی خانوادگی و روابط داخلی خانواده تأثیر بگذارد؟ در صورت

وجود تأثیر، دستور شریعت مقدس اسلام در مقابله و خنثی کردن اثر آن چیست؟ (منظور این است که آیا با انجام سحر می توان روابط صمیمانه و عاطفی خانواده را تحت تأثیر قرار داد).

باسمه جلت اسمائه

به یک معنی سحر حقیقت دارد، و به یک معنی ندارد; چون سحر عبارت است از صرف شیء عن وجهه بر سبیل خدعه و قلب آن از جنس و حقیقت آن در ظاهر. پس، سحر امری است که واقعیت ندارد و مجرد تصرفات خیالیه است; و ربما یترتب بر آن امر واقعی، مانند جنون و موت. و در قرآن در سوره بقره می فرماید: «فیقلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه». سحر اقسامی دارد و بعضی اقسام، از محرمات اکیده است; مانند سحری که موجب ضرر به غیر باشد; مالی یا جانی یا اهانت به کسی که اهانت به او حرام است، و یا موجب تأثیر در روابط صمیمانه و عاطفی خانواده باشد. و اما دفع سحر، جائز است به سحر دفع سحر نمود; و لذا، در فقه بابی است که (تعلم سحر برای دفع سحر جائز است).

س ۹۲۱ : آیا آیات الأحکام محکم اند یا متشابه؟

باسمه جلت اسمائه

محکم هستند; لذا، در بسیاری موارد به اطلاق آیه تمسک می نمایند.

س ۹۲۲ : با توجه به آیه ۸۲ سوره نمل، بهترین تفسیری که برای «دابّه الأرض» ذکر شده چیست؟ این که گفته می شود منظور امام علی(علیه السلام) و به نقلی حضرت مهدی(علیه السلام)است، صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

در تفسیر قمی از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است و تفسیر به امام علی(علیه السلام)نموده و نقل کرده که پیغمبر(صلی الله

علیه وآله) خطاب به حضرت علی(علیه السلام) نموده و فرموده است «یا علی! إذا کان آخر الزمان أخرجک الله فی أحسن صوره و معک مسیح»، و روایات در این باب زیاد است و مختلف و من نتوانستم تاکنون یک قول را انتخاب کنم.

س ۹۲۳ : آیا پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) قدرت بر کتابت و خواندن داشت؟ با این که امی بودند؟ و آیه می فرماید: «ما کنت تتلوا الکتاب من قبل و لا تخطّه بیمینک اذن لارتاب المبطلون»; و از آن طرف، هنگام رحلت حضرت فرمود: «آتونی بقلم و دواه اکتب لکم ان لا تضلّوا بعدی ابدأ الخ»; وجه جمع بین دو دلیل را بفرمایید؟

باسمه جلت اسمائه

مسلماً قدرت داشتند و امی بودن معنایش این است نزد معلم نرفته اند; و مراد از آیه، آن است که پیغمبر(صلی الله علیه وآله) قبل از نبوت قدرت بر کتابت از راه تعلم و به مکتب رفتن نداشتند و اما بعد از نبوت، قطعاً خداوند به Ə…Ş̣ʾ…جبرائیل ایشان را تعلیم نموده است.

س ۹۲۴ : آیا انکار ضروری دین چه با زبان، یا با عمل، یا بی اعتنایی و تمسخر، موجب کفر می شود؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه می داند ضروری است و پیغمبر(صلی الله علیه وآله) فرموده و مع ذلک می گوید لساناً یا عملا قبول ندارم، بلی کافر است.

س ۹۲۵ : آیا حضرت عالی «ظنّی الدّلاله» بودن قرآن را قبول دارید؟

باسمه جلت اسمائه

در قرآن محکمات هست، متشابهات هم هست; محکمات به طور نص است و به طور ظاهر که قطعی نیست; و لذا، با روایت تقیید زده می شود.

س ۹۲۶ : در روایتی از حضرت امام صادق(علیه السلام)

نقل شده که ایشان فرموده اند همین که قائم(علیه السلام) بپا خیزد، امری جدید می آورد، همان گونه که پیامبر(صلی الله علیه وآله) در آغاز ظهور اسلام امری جدید آورد، با توجه به این که ما مجتهدین را به عنوان کسانی می شناسیم که در هر دوره زمانی دین را از تحریف حفظ می کنند و برای دستیابی به احکام درست و صحیح به آن ها مراجعه می کنیم، تفسیر صحیح این حدیث را بیان کنید؟

باسمه جلت اسمائه

همان گونه که از اول ظهور اسلام تا سال ها بعد به تدریج احکام الهی بیان می شد، یک سلسله احکام هم بیان نشده است و در زمان ظهور امام ارواحنا فداه بیان می شود; و فقها در احکام بیان شده مرجع اند.

س ۹۲۷ : حاکمیت در اسلام آیا شورایی است یا فردی؟

باسمه جلت اسمائه

حاکمیت در اسلام نیست; آن چه هست، عبارت است از این که اگر مجتمع نظمی نداشته باشد، هرج و مرج لازم می آید; و باید سرپرستی برای اداره مؤسسات برای مملکت از قوه قضائیه و غیره این ها تعیین شود; آن سرپرست فرد باشد یا شورا، فرق ندارد.

س ۹۲۸ : روایاتی دلالت دارند بر این که اسم مبارک قائم آل محمد(صلی الله علیه وآله) را بر زبان نیاوریم، آیا این روایات شامل زمان ما نیز می شوند؟ و اگر نه، آیا اسم آقا را بردن بهتر است یا تخاطب ایشان با القاب خاصه ایشان؟

باسمه جلت اسمائه

با دقت در آن روایات، آن چه میرزای قمی فرموده به نظر من صحیح است; و نوشته اند که آن روایات مخصوص به زمان خاصی بوده است; و فعلا

در این زمان آن محذورها موجود نیست; ولی من خودم به واسطه آن که احتمال شمول زمان ما را دارد، لذا مقیدم اسم نبرم.

س ۹۲۹ : آیا شرکت و مکث در مجلس معصیت فی نفسه و فی ذاته حرام است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، چون خروج شخص اولین مرتبه از نهی از منکر است.

س ۹۳۰ : بدعت در دین به چه معناست؟

باسمه جلت اسمائه

بدعت در دین عبارت است از ادخال ما علم انه لیس من الدین فی الدین.

س ۹۳۱ : بعضی می گویند در صدر اسلام و زمان اهل بیت(علیها السلام)، ایام فاطمیه، ایام مسلمیه و ایام معصومیه و... نبوده است و الآن بدعت می باشد; حضرت عالی نظرتان را بفرمایید؟

باسمه جلت اسمائه

صحیح است که وجود خارجی نداشته، ولی حرام نبوده است; و جائز بوده است. حال ما هم به عنوان جواز عمل می کنیم نه به عنوان واجب.

س ۹۳۲ : در کتاب نفیس «القطره» روایاتی وجود دارد که امام صادق(علیه السلام) در مستحبات نماز بعد از ذکر توحید و نبوت در تشهد، ذکر «أشهد أنّ علیاً ولی الله» یا «أشهد أنّ علیّاً أمیرالمؤمنین» را ذکر می کرده اند و به عنوان مستحب انسان می تواند در تشهد بگوید; نظر شما چیست؟ روایت در ص ۵۷۹ جلد اول و از قول شیخ طبرسی و در فقه مجلسی ص ۲۹ ذکر شده و تشهد ذکر شده از ابوبصیر (از امام صادق(علیه السلام)) می باشد.

باسمه جلت اسمائه

در اذان و اقامه ذکر «أشهد أن علیاً ولی الله» از مستحبات اکیده است و چون از شعائر مذهب شده است، احتیاط در عدم ترک آن است; ولی گفتن آن در تشهد

خلاف احتیاط است.

س ۹۳۳ : اصرار بر گناه صغیره که موجب کبیره شدن گناه می گردد، چه موقع محقق می شود؟ و منظور اصرار بر یک نوع گناه صغیره است یا چند نوع گناه صغیره مختلف کنار هم را هم شامل می شود؟

باسمه جلت اسمائه

گناه صغیره نداریم، کل ذنب کبیر; و بر فرض ثبوت گناه صغیره، اصرار

بر آن عبارت است از این که انسان گناه بکند و پشیمان نشود و

توبه ننماید.

س ۹۳۴ : آیا ناصبی به هر که مخالف با اهل بیت(علیها السلام) باشد، گفته می شود یا خصوص ساب و بدعت گذار به هر نحوی باشد؟

باسمه جلت اسمائه

مطلق ناصبی کافر نیست و نجس نیست; بلکه منظور ناصب اهل البیت(علیها السلام)است که ظاهراً فعلا وجود ندارد و قبلاً هم کم بوده اند.

س ۹۳۵ : در زیارت عاشورا «اللهم اللعن أول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له» آیا شامل شیعه مخالف اهل بیت(علیها السلام) در عمل یا بدعت گذار در دین می شود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر نمی شود.

مسائل جدید

س ۹۳۶ : اگر طلا را برای مردان بسازند مانند گردنبند یا انگشتر و غیره، آیا خرید و فروش و نگه داشتن آن جایز؟

باسمه جلت اسمائه

خرید و فروش و نگه داشتن آن حرام نیست.

س ۹۳۷ : آیا زن می تواند در مقابل مجنون مطلق که هیچ قوه شعور و تمیز ندارد موهای خود را باز بگذارد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر قوه شهویه دارد، خیر نمی تواند.

س ۹۳۸ : من و همسرم مسلمانان معتقدی هستیم اما مواردی در سایت های شیعه مطالعه کردیم از مراجع معتبر و معروفی که بسیار رویمان تأثیر گذاشت. سؤالم در مورد

مردی است که می خواست عمل جراحی انجام دهد و تبدیل به زن شود. این مرد ۱۰۰٪ مرد است و هیچ گونه ایرادی در اعضای بدن او و ارگان های مردانه او وجود ندارد، اما در ذهن خود فکر می کند زن است و هیچ راهی برای خوب شدن او وجود ندارد و فقط می تواند مثل یک زن زندگی کند و اگر به او اجازه داده نشود که عمل کند خود را می کشد. خواندم که او می تواند عمل کند. آیا درست است؟ من پزشک هستم و از نظر پزشکی می دانم که این شخص مرد است و تحت هر عمل جراحی مرد باقی می ماند چرا که تمام سلول های او مردانه است و نمی تواند عوض شود و این که او عمل کند و تبدیل به زن شود و بتواند با یک مرد ازدواج کند، آیا از نظر خدا مجاز است؟ آیا هم جنس بازی محسوب نمی شود؟ اگر او تبدیل به زن شود، پس در این صورت می تواند دیگر زنان را بدون حجاب ببیند؟

باسمه جلت اسمائه

شما می دانید که غیر از مرد و زن، صنف سومی داریم به نام خنثی و این صنف سه دسته هستند: یک دسته علامت مرد بودن دارند و یک دسته، علامت زن بودن; این دو دسته بر حسب روایات ملحق می باشند به مرد و زن رسمی، دسته سوم هیچ علامتی که بشود ملحقشان نمود به مرد یا زن، ندارند. از این دسته تعبیر می شود به خنثی مشکل. از این دسته می شود که با جراحی می شود ملحق به زن گردند; در

آن ها گفته شده جائز است; و اما دو دسته اول و دوم سؤال این است که اگر پزشکی به جایی برسد که بتواند با جراحی مرد را زن یا زن را مرد کند آیا جائز است، چنین عملی جواب داده شده است; اشکال شما وارد نیست.

س ۹۳۹ : در انتخابات (خصوصاً انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراها) در تعدادی از حوزه های انتخابیه تمامی کاندیداهایی که از لحاظ شرایط قانونی مورد تأیید مراجع قانونی شناخته می شوند ممکن است با توجه به شناختی که از آن ها وجود دارد، شایستگی واقعی و شرعی لازم را برای تصدی سمت خطیر نمایندگی نداشته باشند; در این صورت: آیا می بایست از باب مفاد آیه شریفه «إن الله یأمرکم أن تؤدوا الأمانات إلی أهلها» از رأی دادن به همه این نوع از کاندیداها خودداری نموده و یا این که از باب قواعد عقلی «الأهم فالأهم» و «دفع أفسد به فاسد» اقدام به رأی دادن به افرادی نمود که نسبت به سایر کاندیداها سالم تر است (اگرچه صلاحیت شرعی را نداشته باشند)

باسمه جلت اسمائه

رعایت قاعده دفع افسد به فاسد متعین است.

س ۹۴۰ : آیا تلقیح تخمک زن به زنی که نازا است، برای بچه دار شدن او جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، جائز است.

س ۹۴۱ : با توجه به مطالبی که ذیلا می آید بفرمایید; آیا حضرت عالی در مورد تلقیح مصنوعی با نطفه اجنبی از فتوای به عدم جواز عدول کرده اید؟

«در استفتائات، ج ۱، ص ۴۲۰، فرموده اید:... اما اگر نطفه مرد اجنبی را به زن شوهردار و یا بی شوهر تزریق کنند خالی از اشکال نیست

و احتیاط واجب در ترک آن است، بلکه بعید نیست که حرام باشد. و در ص ۳۳۲ از همین جلد در جواب سؤال ۱۳۴۱ فرموده اید: زن شوهردار و غیر شوهردار اگر اجنبی باشد فرقی ندارد، و هر (دو) مورد حسب ادله جائز است و...

و در المسائل المستحدثه، ص ۱۰، فرموده ایـد: «فالأظهر عدم جواز التلقیح بنطفه رجل أجنبی». هم چنین در ج ۴، ص ۱۶۵، در جواب سؤال ۳۹۰ فرموده اید: «چنان چه این عمل انجام شود، بچه حرام زاده نیست و ملحق به پدر می شود، و مادر او هم خاله زوج است نه زوجه، ولی تکلیفاً خلاف احتیاط است»

باسمه جلت اسمائه

در تلقیـح بـا نطفه اجنبی سه مورد بحث است: ۱) لحوق بچه به صـاحب نطفه ۲) جواز تکلیفی تلقیـح به حسب ادله شـرعیه و روایات و عـدم جواز آن ۳) عـدم جواز به واسـطه اصاله الاحتیاط در فروج که در موارد شک در حرمت بر خلاف سایر موارد که اصـاله البرائه جاری است. آیا اصاله الاحتیاط جاری است یا در آن مورد اصاله البرائه جاری است ما در مورد اول گفته ایم و نوشته ایم که تلقیح مثل زنا نیست، بچه ملحق به صاحب نطفه است; و در مورد دوم نوشته ایم که روایاتی که استدلال به آن ها نموده اند بر عدم جواز و آیه کریمه هیچ کدام دلالت بر عدم جواز نمی کند; و در مورد سوم نوشـته ایم که مقتضای اصاله الاحتیـاط در فروج که اتفـاق فقها بر آن است و بعضـی روایات هم بر آن دلالت دارد، عـدم جواز است و از این فتاوی عـدول نکرده ام.

س ۹۴۲

: آیا کالبـد شـکافی جهت بیرون آوردن مال غیر از بدن انسان (اعم از زنده و مرده) جایز است؟ مثلا شخصـی قلب مصـنوعی، پلاتین و امثال آن را به عنوان عاریه به شخصـی می دهد و شـرط می کند که پس از مدتی یا پس از وفات آن شـخص، شـیء مورد عاریه برگردانده شود. و یا شخصـی، شـیء قیمتی شـخص دیگری را بلعیده و برای بازگرداندن آن نیاز به کالبدشکافی و جراحی است، آیا کالبدشکافی در این موارد جائز است؟ و آیا تفاوتی میان قبل از دفن و بعد از دفن وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

کالبدشکافی برای بیرون آوردن آن چه در سؤال است، جائز است و فرقی بین قبل از دفن و بعد آن نیست.

س ۹۴۳ : در قراردادهای بیمه هر شخصـی در درمان یا غیره، شرط شده خود شخص استفاده کند و اگر به دیگری بدهد، جایز نمی دانند و تخلف است; اگر کسی محتاج و فقیر بود و بیمه نداشت، آیا می تواند از دفترچه بیمه دیگری استفاده کند؟

باسمه جلت اسمائه

بدون اجازه مؤسسه بیمه، خیر نمی تواند استفاده کند.

س ۹۴۴ : اهـدای یک واحد خون و جداسازی اجزای مختلف آن در سازمان انتقال خون می تواند جان چندین نفر را از مرگ حتمی نجات دهد که در نتیجه عملی خداپسندانه است. در سال ۱۳۸۳ یک و نیم میلیون واحد کیسه خون اهدا شده که توسط آن «یک میلیون و ششـصد هزار» نفر یعنی روزی «چهار هزار و سـیصد» نفر با این فرآورده مـداوا شـده انـد. به عبارت دیگر، با توجه به این که تا کنون هیچ دارویی نتوانسته جایگزین خون و فرآورده های

آن شود، در صورتی که کسی خون اهدا نکند و یا اهدای خون تعطیل شود، در هر روز به طور میانگین «چهارهزار و سیصد» نفر در اثر بیماری هایی که با درمان به فرآورده های خونی نیاز دارند تلف شده و می میرند، هم اکنون در کشور در سال حدود «یک میلیون و هشتصدهزار» واحد خون نیاز است که حدود «یک میلیون و چهارصد هزار» آن از طرف مؤمنین اهدا می شود و حدود «چهارصد هزار» واحد خون کمبود داریم که کمبود را از خارج باید وارد کنیم، با توجه به این که خون وارداتی ممکن است آلوده باشد و فرد دریافت کننده را دچار بیماری های خطرناک چون «ایدز و هپاتیت» کند، (چنان چه در سال های گذشته این اتفاق افتاده است) آیا حضرتعالی اهدای خون را بر مؤمنین به نحو وجوب کفایی واجب می دانید تا کشور از این جهت مستقل و وابسته به اجانب نباشد، و نفی سبیل شده و بیماران نیازمند به خون از مرگ حتمی نجات پیدا کنند؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه اطمینان به سلامت خون های خارج از کشور ندارید، و احتیاج به خون برای حفظ جان جمعی مان دارید، برای مؤمنین واجب کفایی است که خون بدهند; در صورتی که خود خون دهنده متضرر نشود، و شما هم پول آن خون را اگر بخواهند بدهید.

س ۹۴۵ : در بعضی از کشتارگاه های بعضی از شهرستان ها مرسوم است قبل از کشتن و ذبح حیوان، آن را با شوک الکتریکی که به گوش های حیوان می گذارند و یا به پیشانی آن می زنند شوک دهند; در اثر این شوک،

حیوان تقریباً یک ربع بی حس و بی حرکت می شود و هیچ حرکتی حتی از گوش و چشم حیوان دیده و حس نمی شود. در این حال، حیوان را ذبح نموده و بعد از کشتن بعد از یک ربع تقریباً به حرکت می افتد ولی در حین کشتن بی حرکت و بی حس است:

۱. آیا این حیوان مذکّی است و خوردن گوشت آن حلال است؟

۲. آیا اگر در این حال، سر او را از بدن جدا کنند، باز حلال و مذکی است؟ (یعنی سر آن علاوه بر خودش)

۳. خون این حیوان در اثر شوک الکتریکی به طور معمول و متعارف از بدن او خارج نمی شود، آیا در این صورت گوشت آن حلال و پاک است؟

باسمه جلت اسمائه

با علم به حیات حیوان ولو این که در وقت ذبح حرکت نکند و خون معتدل خارج نشود، با ذبح شرعی حلال می شود; و جدا شدن سر حیوان هم موجب حرمت حیوان و خود سر نمی شود.

س ۹۴۶ : بازی کامپیوتری با پاسور و شطرنج چه گونه است؟

باسمه جلت اسمائه

بازی با شطرنج به هر نحو باشد، حرام است.

س ۹۴۷ : نظر مبارک در مورد بستن کروات چیست؟

باسمه جلت اسمائه

بستن کروات جائز است.

س ۹۴۸ : اگر متخصصان و کارشناسان محیط زیست اعلام کردند که تولید و استفاده از محصولات کشاورزی مثل سبزی و حبوبات و میوه و... در زمین های جنگی به جهت عدم پاکسازی صحیح زباله های جنگی، موجب بروز بیماری ها می گردد، آیا خرید و فروش و استفاده از این محصولات جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت خبر دادن اهل خبره، نه استفاده جائز

است و نه خرید و فروش.

س ۹۴۹ : اگر زن و شوهری بچه دار نشوند و مشکل از طرف زن باشد، یعنی زن تخمک نداشته باشد، آیا می شود تخمک زن اجنبی را گرفت و با نطفه آن مرد جنین درست کرد؟ آیا جنین را می شود با عمل جراحی لاپراسکپی وارد رحم همسر آن مرد کرد؟ درحالی که گرفتن نطفه مرد توسط خود او در بیمارستان انجام می شود و راه بچه دار شدن هم به وسیله عمل جراحی امکان پذیر است و دکتر هم بدون قصد تلذذ این کار را می کند؟

باسمه جلت اسمائه

از هیچ جهت اشکال ندارد; مگر از جهت حکم تکلیفی نظر دکتر به صورت زن و لمس آن با دست که آن حرام است.

س ۹۵۰ : اگر مکلف شک کرد در حکمی مانند این که تخمک زن به زنی که بچه دار نمی شود بدهد یا ندهد؟ با این که نسل از آن درست می شود; آیا اصاله الحلّ جاری است و دادن جایز است؟

باسمه جلت اسمائه

خود او نمی تواند اصالت الحل را جاری کند.

س ۹۵۱ : نشستن بر سر سفره ای که در آن جا شراب یا غیبت مؤمنی و یا قماربازی یا باقی محرّمات باشد، آیا نسبت به همه محرّمات نشستن حرام است یا تفصیل دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اولین مرتبه نهی از منکر اظهار کراهت از فعل منکر است که در مورد سؤال، فعل منکر نشستن سر سفره است.

س ۹۵۲ : آیا استفاده از مدارک دیگران مانند دفترچه بیمه درمانی، گذرنامه، کارت شناسایی و غیره با رضایت کامل طرف مقابل جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

جائز نیست.

س ۹۵۳ : آیا با

تجویز دکتر برای شفای مریضی، استفاده از شراب مجاز است؟

باسمه جلت اسمائه

در روایات از خوردن شراب حتی با تجویز طبیب نهی شده است; و دلالت دارد بر این که شفا در خوردن شراب نیست.

س ۹۵۴ : خرید و فروش دخانیات جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی جائز است.

س ۹۵۵ : آیا اشتغال زنان در اداره هایی که محل مراجعه مردان است جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه شغل زن به نحوی نباشد که با مردان تماس زیاد داشته باشد و یا زن مسن باشد و رعایت حجاب هم نماید، مانعی ندارد.

س ۹۵۶ : بازی کردن با بازی هایی که در آن ها تاس به کار می رود (مانند منچ) چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بازی با منچ بدون بُرد و باخت جائز است; و با برد و باخت قمار است و حرام.

س ۹۵۷ : نمایش فیلم سینمایی و تئاتر در مساجد برای نوجوانان چه وجهی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

فیلم مذهبی اشکال ندارد.

س ۹۵۸ : اگر کسی آمپول بزند و جای آن کبود شود، آیا موجب ضمان دیه می شود؟

باسمه جلت اسمائه

اگر آمپول زن قبل از عمل برائت گرفته باشد ولو تحت عنوان کلی، خیر ضامن نیست.

س ۹۵۹ : اگر تاکسی و ماشین های عمومی که قانوناً مجاز به فروش بنزین خود نمی باشند، خلاف قانون عمل کنند; این کار حرمت وضعی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

حرمت تکلیفی دارد; چون مخالفت با شرط است، ولی حرمت وضعی ندارد.

س ۹۶۰ : طبق قـانون فعلی جمهوری اسـلامی ایران، هرگونه ازدواج و طلاـق بایـد در دفاتر مربوطه ثبت شود. دفاتر ازدواج نیز تنها به شرطی ازدواج را ثبت می کنند که یکی از آزمایشگاه های وزارت

بهداشت، دو مطلب را تأیید نماید. یکی مبنی بر این که انجام ازدواج از نظر پزشکی اشکال ندارد که این امر با آزمایش خون طرفین انجام می شود. و تأیید دیگر این که داماد به مواد مخدر اعتیاد ندارد که این تأیید دوم با آزمایش ادرار انجام می شود. اما از آن جا که به خاطر مسائل مختلف اجتماعی صداقت در جامعه رنگ باخته و نیز تعداد معتادان به مواد مخدر علی رغم تلاش دلسوزانه مسؤولین روز به روز در حال افزایش است، مسؤولین امر احتمال می دهند که هنگام آزمایش ادرار احدی از افراد معتاد که آزمایش می دهند، به جای ادرار خود (که نشانگر اعتیاد شخص خواهد بود) ادرار دیگری رادر ظرف نمونه بریزند و تحویل دهند و به این ترتیب اعتیاد خود را مخفی کنند. لذا برای جلوگیری از این امر، شخص مورد آزمایش را مجبور می کنند در جلوی مأمور آزمایشگاه ادرار کند که این مستلزم رؤیت عورت مرد مورد آزمایش توسط مرد مأمور است. آیا برای یک مسلمان جایز است در این آزمایش شرکت کند و عورت خود را در معرض دید دیگری قرار دهد؟ لازم به ذکر است که ازدواج شخص موقوف به این آزمایش نمی باشد و شخص می تواند بدون ثبت، ازدواج خود را طبق قوانین فقهی و شرعی انجام دهد و تنها ثبت ازدواج نیاز به این آزمایش دارد. هم چنین تنها «لزوم ثبت ازدواج» جزء قوانین مصوب می باشد و این نحوه آزمایش گرفتن قانون نیست، بلکه تنها دستورالعملی است از جانب مسؤولین تا نتایج آزمایش ها معتبرتر باشد.

باسمه جلت اسمائه

بدون اضطرار و ضرر، و

یا تزاحم با تکلیف اهم محرم الهی حلال نمی شود.

س ۹۶۱ : آیا برای مأمور آزمایشگاه جائز است که چنین شغلی را بپذیرد و هر روز به عورت تعداد کثیری از مسلمانان نگاه کند؟

باسمه جلت اسمائه

با فرض عدم سقوط حرمت نظر، خیر، پذیرفتن آن شغل جائز نیست. س ۹۶۲ : اگر عورت شخصی را که آزمایش ادرار می دهد به جای این که مستقیماً نگاه کنند، در آینه نگاه کنند، یا فیلم برداری کنند و فیلم آن را در صفحه نمایش نگاه کنند یا عکس برداری کنند و عکس آن را نگاه کنند، آیا احکام شماره ۱ و ۲ در هیچ یک از حالات سه گانه فوق تفاوتی می کند؟

باسمه جلت اسمائه

در دو حالت اول و دوم تفاوت بیّنی نمی کند؛ ولی در حالت سوم نگاه کردن مطلقا خصوص در این عمل جائز است.

س ۹۶۳ : آیا تلقیح مرد اجنبی به زن اجنبیه اولاً جائز است؟ اگر فرزندی متولد شد، از این مرد و زن ارث می برد و محرم می شود؟

باسمه جلت اسمائه

ج ۱ تلقیح مرد اجنبی به اجنبیه جائز نیست.

ج ۲ ولی اگر تلقیح محقق شد، فرزندی که از این دو متولد می شود از این مرد و زن ارث می برد و محرم هم می باشد. خلاصه فرزند آن دو است.

س ۹۶۴ : هر گاه زنی بخواهد بینی خود را به جهت زیبایی نه ضرورت پزشکی و جنبه های درمانی، عمل جراحی نماید؛ ولی شوهر مخالف عمل مزبور بوده و شکل فعلی بینی زن را مطلوب خود بداند، آیا رضایت زوج برای عمل جراحی بینی شرط است؟ در صورت شرط

بودن، مسئولیت زوجه و پزشک را بیان فرمایید؟

۲ هر گاه مردی بخواهد با اقدامات پزشکی (وازکتومی) قدرت تولید نسل خود را به صورت موقت یا دائم از بین ببرد، آیا رضایت زوجه لازم است؟ در صورت لزوم و اقدام شوهر بدون اذن زوجه، چه مسئولیتی متوجه وی و پزشک معالج خواهد بود؟

باسمه جلت اسمائه

ج ۱ ایرادی ندارد که رضایت زوج را مطلوب بدانیم در این موارد; اما به نحو وجوبی نیست و پزشک و زوجه مسئولیتی ندارند.

ج ۲ خیر، رضایت زوجه لازم نیست; ولی خود از بین بردن دائم محل ظلام است.

س ۹۶۵ : آیا بزرگی و کوچکی عضو تأثیری در شمول قاعده مزبور دارد، به عنوان مثال آیا قاعده مزبور نسبت به غده آپاندیس و مانند آن نیز جاری است؟

باسمه جلت اسمائه

بزرگی و کوچکی تأثیر در شمول قاعده ندارد.

س ۹۶۶ : اگر شخص تازه مرده بود و شخص مریضی هست که برای ادامه حیات خود، به قلب یا کلیه احتیاج دارد; آیا از باب مهم و اهم، می شود برای نجات یک انسان، کلیه یا قلب او را درآورد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی جائز است.

س ۹۶۷ : اگر تأسیس کارخانجات صنعتی مثل (پتروشیمی و...) توسط دولت و یا بخش خصوصی به دلیل عدم رعایت استانداردهای زیست محیطی موجب بروز بیماری و عارضه گردد، چه کسی مسئول است؟

باسمه جلت اسمائه

حکومت اسلامی موظف است به کنترل اموری که مربوط به مجتمع است و اگر کسی به مجتمع ضرر بزند، مانند آن کسی که به فرد ضرر بزند، مسئول و مؤاخذ است; ولکن در مورد اول، یعنی ضرر به مجتمع مسئول اصلی حکومت است.

س ۹۶۸ :

اگر فعالیت بخش خصوصی موجب ایجاد عارضه و آسیب زیست محیطی باشد و این فعالیت از طرفی نیز به دولت به دلیل کوتاهی در کنترل و نظارت قابل انتساب باشد، آیا از نظر شرعی مسئولیت به صورت تضامنی و یا به صورت جداگانه قابل طرح و پی گیری است؟

باسمه جلت اسمائه

مسئولیت اولیه را بخش خصوصی دارد و تدارک باید بنماید و مسئول اصلی دولت است؛ یعنی او باید مانند حفظ مملکت از هجوم کفار و مخالفین دفاع از مجتمع بنماید و آن بخش خصوصی را به تدارک الزام کند.

مسائل متفرقه

س ۹۶۹ : شخصی مبلغ پولی را به عنوان امانت به کسی داد، تا آن را نگه بدارد، امانت دار هم آن پول را به اجازه صاحبش به دفترچه خودش که در بانکی داشته می گذارد، صاحبان بانک هم برای اعطای جوائز به این دفترچه ها که پولی داشته و مدتی در بانک مانده باشد، قرعه کشی می کنند، حالا در قرعه کشی جائزه به اسم صاحب این دفترچه درآمده، جائزه مال کیست؛ مال صاحب دفترچه است، یا مال صاحب پول است و یا بین این ها مشترک است؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهر این است که جائزه به واسطه پولی است که در بانک گذاشته می شود و دفترچه علامت است و کاشف؛ ولی اگر صاحب دفترچه هم پولی در آن بانک داشته است، بین آن دو مصالحه بنمایند به مقدار پولی که دارند، یا به هر نحو توافق کنند.

س ۹۷۰ : چرا صدای خانم ها را مرد نامحرم بشنود گناه دارد، ولی صدای مرد نامحرم را خانم ها بشنوند گناه ندارد؟

باسمه جلت اسمائه

شنیدن صدای خانم ها حرام

نیست; حضرت زهرا(علیها السلام) در حضور جمعیت خطبه خواند; حضرت زینب(علیها السلام) در کوفه و شام خطبه مفصل خواند.

س ۹۷۱ : در روایت از امام صادق(علیه السلام) آمده است: «یا حفص یغفر للجاهل سبعون ذنباً قبل أن یغفر للعالم ذنب واحد» آیا جاهل قاصر و مقصر، هر دو را شامل می شود؟

باسمه جلت اسمائه

جاهل مقصر، به اجماع علما در حکم عالم است.

س ۹۷۲ : بعضی زنان ده یا روستاها عمامه می پوشند، آیا این تشبه به رجال و حرام است؟

باسمه جلت اسمائه

دلیل بر حرمت این گونه تشبه به رجال نداریم.

س ۹۷۳ : اگر گرگ بعضی از رگ های گوسفندی را قطع کند یا آهنی بر او افتد و بعضی را قطع کند و هنوز زنده بود، آیا با بریدن رگ های دیگر، گوسفند حلال می شود؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه مری قطع شده باشد، با بریدن رگ های دیگر به طریق ذبح شرعی گوسفند حلال می شود; و اگر رگ های دیگر قطع شده باشد، خیر; حلال نمی شود.

س ۹۷۴ : آیا سیگار کشیدن در مجامع عمومی یا فضاهای بسته، موجب تضییع حق دیگران می شود و حرمت شرعی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

سیگار کشیدن مادامی که عنوان محرمی بر آن مترتب نشود، این گونه امور موجب تضییع حق و غیره نیست و حرام نمی شود.

س ۹۷۵ : اگر کشیدن سیگار در منزل موجب اذیت اعضای خانواده شود، چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

فی نفسه حرام نیست.

س ۹۷۶ : مسجد روستایی مسجد جامع محسوب می شود; لیکن فقط در ایام تبلیغ نماز در آن برپا می شود، آیا اعتکاف در چنین مسجدی صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، صحیح است.

س

۹۷۷ : مسجدی که فقط جمعه ها در آن نماز جمعه اقامه می شود، آیا حکم مسجد جامع پیدا می کند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، حکم مسجد جامع را دارد.

س ۹۷۸ : در خانه مستأجری داریم که لوله آب داخل دیوار ترکیده و به خانه همسایه ها ضرر زده است بدون کوتاهی مستأجر، آیا خسارت همسایه به عهده صاحب خانه است، یا مستأجر و یا هر دو؟ (در حالی که هر دو کوتاهی نکرده اند)

باسمه جلت اسمائه

به عهده مستأجر نیست.

س ۹۷۹ : روز عید غدیر صیغه اخوت وارد شده است، آیا دو تا زن نیز می توانند این صیغه را بین خود جاری کنند؟

باسمه جلت اسمائه

آن چه مورد روایت است، اخوت دو مرد است.

س ۹۸۰ : من هر روز ترجمه زیارت عاشورا را به اردو می خوانم چرا که عربی نمی دانم. آیا خواندن زیارت به زبان دیگر درست است؟ آیا همان ثواب را دارد؟ آیا خواندن دعای علقمه بعد از زیارت عاشورا ضروری است؟

باسمه جلت اسمائه

ترجمه زیارت عاشورا زیارت عاشورا نیست و ثواب زیارت عاشورا را ندارد.

س ۹۸۱ : مدتی است در بازار مسلمین گوشت های منجمد عرضه می کنند که آن ها را از بلاد غیراسلامی وارد کرده اند و تذکیه و ذبح شرعی آن ها ثابت نیست و پاره ای از روزنامه ها می نویسند که ذبح آن ها به طور شرعی و طبق موازین اسلامی است. حکم شرعی درباره این قبیل گوشت ها را بیان فرمایید.

باسمه جلت اسمائه

گوشت هایی که از بلاد غیراسلامی وارد می شود و اماره ای بر تذکیه شرعی آن ها نباشد، طبق دستور قرآن مجید و سنت

نبی اکرم(صلی الله علیه وآله) و اخبار واصله از اهل بیت عصمت و طهارت(علیها السلام)خوردن آن ها حرام و اصولا حرمت گوشت در مسائل عملیه بیان شده است و نوشته روزنامه ها درباره تذکیه آن ها فاقد اعتبار است.

س ۹۸۲ : آیا نفس و مال پیروان بهائیت محترم است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر علیه اسلام و مسلمین قیام نکنند، بلی; نفس و مالشان مهدور نیست.

س ۹۸۳ : نظر مبارک را درباره بهائی زاده ها نسبت به حقوق شهروندی در کشور ایران و دیگر ممالک اسلامی مرقوم فرمایید.

باسمه جلت اسمائه

تا ممیز نشده اند، تابع پدرند و بعد از تمیز، حکم بقیه بهائی ها را دارند.

س ۹۸۴ : ناشرانی که فقط بعضی از جزءهای قرآن مثل جزء سی و یا جزء اول را چاپ می کنند، حکم آن چیست؟ هم چنین آیا می توان فقط ترجمه قرآن را به صورت کتابی مستقل چاپ نمود؟

باسمه جلت اسمائه

نشر بعضی از اجزای قرآن اشکال ندارد; اما ترجمه اگر تفسیر به رأی نشود، نشر آن هم جائز است.

س ۹۸۵ : در چاپ کتاب آیا می توان در مطالب آن دخل و تصرف نمود و یا بعضی از مطالب آن را حذف کرد؟

باسمه جلت اسمائه

دخل و تصرف با اجازه مؤلف جائز است; ولی اشکال در نشر آن است به نام مؤلف که کذب عملی است; و هم چنین حذف بعضی مطالب، و هر دو اشکال با تذکر مرتفع می شود.

س ۹۸۶ : مبادله کتاب (پشت جلد به پشت جلد) که بین ناشران رایج است آیا صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

فی نفسه اشکال ندارد، اگر مستلزم تزویر نشود.

س ۹۸۷ : اگر موقع فروش کتاب، تاریخ چاپ

آن را در شناسنامه کتاب تغییر دهیم، اشکال دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اشکال ندارد غیر از کذب کتبی و معامله آن هم صحیح است; ولی اگر تغییر تاریخ چاپ در قیمت فرق کند، خریدار خیار فسخ دارد.

س ۹۸۸ : چاپ کتاب عکس و نقاشی چه حکمی دارد؟ هم چنین چاپ کتاب هایی که حاوی تصاویر زنان و دختران می باشد; چه علمی و چه غیر علمی آن، چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه موجب فساد نگردد (که بعید است موجب شود)، اشکال ندارد.

س ۹۸۹ : کتابی فروش بسیار زیادی دارد، آیا مؤلفان و یا ناشران دیگر می توانند کتابی هم نام آن چاپ کنند؟

باسمه جلت اسمائه

اشکالش فقط تدلیس است; و این گونه تدلیس دلیل بر حرمت آن نیست.

س ۹۹۰ : تجدید چاپ کتاب ها و مقاله هایی که از خارج وارد شده و یا در داخل جمهوری اسلامی چاپ می شوند، بدون اجازه ناشران آن ها چه حکمی دارد؟ و آیا این شامل تمام کتاب است یا می توان بخشی از آن را منتشر نمود؟

باسمه جلت اسمائه

اگر نوشته نشده که حق چاپ و نشر مختص به ناشر خاصی است، چاپ آن ها اشکال ندارد.

س ۹۹۱ : آیا چاپ کتاب بدون اجازه مؤلف آن و با وجود عبارت «حقوق چاپ برای مؤلف محفوظ است»، جایز است؟ هم چنین چاپ کتاب هایی که مؤلف آن ها ناشناخته است، چه حکمی دارد؟ و در چه مواردی ناشر می تواند حق تألیف کتاب را به مؤلف پرداخت نکند؟

باسمه جلت اسمائه

چاپ کتاب با وجود عبارت ذکر شده، بدون اجازه مؤلف جائز نیست.

س ۹۹۲ : بعضی از اشخاص به مغازه هایی

که فتوکپی و زیراکس از اوراق و کتاب ها می گیرند، مراجعه کرده و درخواست تصویربرداری از آن ها را می نمایند و صاحب مغازه که از مؤمنین است تشخیص می دهد که کتاب یا اوراق و یا مجله فوق برای همه مؤمنین سودمند می باشد. آیا جائز است بدون اجازه صاحب کتاب از آن ها تصویربرداری کند و آیا اگر بداند که صاحب کتاب راضی به این کار نیست، در حکم، تفاوتی به وجود می آید؟

باسمه جلت اسمائه

امور ذکر شده از لوازم نشر کتاب است که جائز شده است مانند فروش هر جلدی به دیگری یا امانت دادن به او است; بنابراین، همه آن امور جائز است.

س ۹۹۳ : اخیراً مطلع گشته ایم که وهابی ها هم شروع به ترویج فرقه خود نموده اند،

آیا همان حکمی که برای بهایی ها جاری است، می توان به وهابی ها هم

تعمیم داد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، فرق این دو دسته زیاد است; راجع به وهابی ها و سایر مسلمین تقیه مداراتیه است.

س ۹۹۴ : آیا غیبت شخص ریش تراش که گناه آشکار انجام می دهد، جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

جائز است.

س ۹۹۵ : جوانی از دنیا رفته و مقداری پول و دیگر اموال از وی به جا مانده است و والدین وی می خواهند آن را در یکی از راه های خیر و مستحبی صرف کنند; به نظر حضرت عالی بهتر است وجوه به جا مانده در چه موردی صرف شود تا خیر بیشتری به میت برسد؟

باسمه جلت اسمائه

بهترین وجوه صرف در مراکز بهداشتی و صرف در چاپ مطالب مذهبی و مساجد و حسینیه ها است.

س ۹۹۶ : خونی

که با فشار دادن از جگر گوسفند می آید، آیا خوردن آن جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی خوردن آن جائز است.

س ۹۹۷ : آیا می توان تلقین میّت را به هر زبانی گفت، در صورتی که مسلمان است و زبان عربی بلد نیست؟

باسمه جلت اسمائه

بعضی از فقها فتوا داده اند به جواز تلقین به زبان غیر عربی و من هم بعید نمی دانم؛ ولی بهتر است به همان لسان عربی باشد.

س ۹۹۸ : آیا عمه، خاله، دایی و یا عموی مادر بر انسان محرم هستند؟

باسمه جلت اسمائه

عمه و خاله پدر و عمه و خاله پدر پدر و عمه و خاله مادر و عمه و خاله مادر مادر هرچه بالا روند به انسان محرم اند.

س ۹۹۹ : آیا عزم بر معصیت، گناه است؟ و آیا عزم بر گناه کردن مکرر، اصرار بر معصیت است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نیت معصیت گناه نیست؛ مادامی که مرتکب فعلی نشود.

س ۱۰۰۰ : درباره مکتب و فرقه شیخیه، به این که اولا آیا علی رغم حکم به طهارت آن ها، از غُلات محسوب می شوند؟ ثانیاً موضع روحانیون و نیز توده مردم در برابر تبلیغ و نشر و ترویج و یا شرکت در جلسات آن ها چگونه باید باشد؟

باسمه جلت اسمائه

هر مسلکی غیر منطبق با روایات وارده از حضرات معصومین(علیها السلام) باشد، باطل است؛ خصوصاً اگر مشتمل بر جملات غُلوآمیز باشد که ائمه(علیه السلام) در مقابل مطالب غلوآمیز حساس بودند؛ بنابراین، باید در مقابل تبلیغ و نشر و ترویج آن مسلک، نهی از منکر نمود. و مع ذلک، آن ها محکوم به طهارت اند.

س ۱۰۰۱ : مقداری پول برای نماز و روزه استیجاری

به کسی داده اند تا به دفتر مرجع تقلید پرداخت کند و لیکن او تصادف کرده و از دنیا رفته، ورثه نیز مقدار نماز و روزه و مبلغ پول و صاحب پول دهنده را نمی شناسند، وظیفه چیست؟

باسمه جلت اسمائه

به مقدار متیقن، از ماترک میت برای نماز و روزه برداشته می شود و نسبت به زائد، چون محتمل است برای نماز و روزه باشد و محتمل است مال ورثه باشد، باید مصالحه به نصف کنند.

س ۱۰۰۲ : اگر کسی از طریق غیر قانونی بر سؤالات کنکور دست یابد و در کنکور قبول شود، استفاده از مزایا دانشگاه چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

استفاده از مزایای دانشگاه مانعی ندارد.

س ۱۰۰۳ : مالی مجهول المالک بوده که با اجازه حاکم شرع به فقیر صدقه داده شده، آیا بعد از این که صاحبش پیدا شد، واجب است که ما به ازای آن را به صاحب اصلی برگرداند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، باید ما بازای آن را به صاحب اصلی برگرداند؛ اگر او راضی به صدقه نشود.

س ۱۰۰۴ : عکس هایی از من (نیمه برهنه) در آلبوم یکی از بستگانم موجود است و هرچه به او می گویم اعتنایی نمی کند. الف) اگر یقین داشته باشم که این عکس ها را نامحرم می بیند، جایز است بدون اطلاع وی آن ها را از بین ببرم؟ ب) اگر احتمال بدهم، حکم آن چیست؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت یقین به این که نامحرم آن را می بیند، به عنوان جلوگیری از تحقق منکر، جائز است؛ و اما در صورت شک، دلیلی بر جواز نمی بینم.

س ۱۰۰۵ : اگر کسی در شهری متجاهر به فسقی باشد،

آیا می شود فسق او را در شهر دیگری بیان کرد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می شود فسق او را در شهر دیگر یا به افراد غیر مطلع دیگر بیان نمود; چون «من تجاهر بالفسق لاحرمه له».

س ۱۰۰۶ : اگر از یک نفر از جمعی که حدود بیست نفر هستند، غیبتی صورت بگیرد (غیبت در شبهه محصوره) آیا حرام است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، غیبت نیست و حرام نیست; اگر عدد زیاد باشد.

س ۱۰۰۷ : اگر کسی به شخصی ظلم کرده است و کسی اطلاع ندارد، آیا جائز است که اسم ظالم را به دیگران بگوییم؟ آیا این غیبت محسوب می شود؟

باسمه جلت اسمائه

اگر ظالم علناً ظلم کرده است، می توان اسم ظالم را به دیگران گفت; وگرنه خود مظلوم می تواند بگوید; و غیر او نمی تواند بگوید.

س ۱۰۰۸ : اگر کسی دارای عیبی باشد و به خواستگاری دختری رفته است آیا می توانیم عیب داماد را به اطلاع خانواده عروس برسانیم (مثلا شخصی معتاد به مواد مخدر است) در حالی که آن خانواده از ما مشورت نخواسته اند؟

باسمه جلت اسمائه

در صورت مشورت جائز است; و با عدم مشورت، محل اشکال است. و راه حل آن است که به آن خانواده بگویید با من مشورت کنید و بعد از مشورت آنان، عیب را بگویید; و این مورد بدون اشکال است.

س ۱۰۰۹ : آیا به طور کلی توریه جائز است یا مخصوص به موارد خاص می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

توریه مطلقاً جائز است.

س ۱۰۱۰ : آیا خرید و فروش بدن و اعضای انسان جهت کالبدشکافی جایز است؟ حکم قضیه را در مورد انسان مرده و زنده بیان فرمایید؟

باسمه جلت

اسمائه

خصوص خرید و فروش منع شده است; ولی پول گرفتن به عنوان صلح جایز است.

س ۱۰۱۱ : در موارد جواز کالبدشکافی، حکم کالبدشکافی جنس مخالف چیست؟ آیا مرد می توانـد بدن زن و زن بدن مرد را کالبدشکافی کند؟

باسمه جلت اسمائه

کالبدشکافی جنس مخالف در صورت عدم انحصار جائز نیست; و در فرض انحصار و نبودن کالبد شکاف جنس موافق، جائز است.

س ۱۰۱۲ : نگاه کردن به عورت میت هنگام کالبدشکافی چه حکمی دارد؟ و آیا اصولا کالبدشکافی عورت جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

نگاه کردن به عورت میت هنگام کالبدشکافی اگر کالبد شکافی متوقف بر آن نباشد، جائز نیست; والا جائز است.

س ۱۰۱۳ : در مواردی که کالبدشکافی جائز است آیا دیه ساقط است؟

باسمه جلت اسمائه

در موارد جواز کالبدشکافی دیه ساقط است.

س ۱۰۱۴ : آیا وصیت به کالبدشکافی و یا اذن اولیای میت موجب جواز و مُسقِط دیه می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

در مورد عـدم جواز کالبدشـکافی فی نفسه از حیث آن که میت مثل زنده محترم است، وصـیت یا اذن اولیاء موجب جواز نمی شود; و در مورد جواز، احتیاج به اذن آن ها نیست.

س ۱۰۱۵ : پزشـکان متخصص، جنون را به معنای اختلالات روانی که موجب می شود شخص، صحیح را از ناصحیح تشخیص ندهـد، تعریف و آن را به سه قسم اطباقی، ادواری و موقت یا آنی تقسـیمی کنند. به عقیده آنان مجنون اطباقی کسـی است که به صورت دائمی و در تمامی اوقات جنون دارد. و مجنون ادواری کسـی است که به صورت متناوب گرفتار جنون می شود; به این معنا که برای یک دوره زمانی مثلا یک هفته یا یک ماه دچار حالت

جنون می شود و در دوره زمانی دیگر، دارای حالت افاقه است. و مجنون آنی به کسی اطلاق می شود که برای یک بار و به مدت کوتاه چند ساعته به وی حالت جنون دست می دهد. آیا مفهوم جنون از دیدگاه فقهی نیز منطبق بر دیدگاهی است که پزشکان متخصص ارائه می نمایند یا دیدگاه متفاوتی وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً آن چه پزشکان در معنای جنون گفته اند با آن چه در روایات است موافق است; چون در روایات است تعریف جنون به عدم معرفت اوقات نماز و مفهوم عرفی آن هم همین معنا است. نهایت یک نزاع دیگری است که جنون دو قسم یا سه قسم است اطلاقی ادواری و ظاهراً فرق نیست بین آن که این حالت از غلبه مرض بر عقل پیدا شده است و موجب فساد عقل گردیده است در همه ازمنه یا در بعضی اوقات، یا آن که این حالت معلول ضعف عقل است فی نفسه من دون حدوث مرض و در احکام فقهیه، جماعتی بین این دو فرق گذاشته اند; ولی مشهور عدم فرق است.

س ۱۰۱۶ : آن چه در مورد استحباب خضاب آمده است، آیا شامل رنگ های شیمیایی امروزی هم می شود؟

باسمه جلت اسمائه

در خضاب چند چیز ذکر است: حناء، وسمه، کتم و اشیاء دیگر و علتی ذکر شده است که مقتضای آن علت، شامل رنگ های شیمیایی می شود.، بنابراین استحباب آن ها را نیز شامل می شود.

س ۱۰۱۷ : همان طور که لباس شهرت حرام است، آیا آرایش ریش و موی سر به طوری که انگشت نما شود نیز همین حکم را دارد؟

باسمه

جلت اسمائه

دلیل بر حرمت هر لباس شهرتی نداریم. به هر حال، آرایش ریش و موی سر به نحوی که انگشت نما شود، همین حکم لباس شهرت را دارد; ولی هیچ کدام حرام نیست.

س ۱۰۱۸ : آیا اهل کتاب را می توان به مسجد راه داد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر نباید راه داد.

س ۱۰۱۹ : در جایی که نائب باید وضو بدهد، آیا نائب می تواند بچه ممیز باشد؟

باسمه جلت اسمائه

چون عمل غیر بالغ غیرشرعی است و بلکه تمرینی است، نمی شود بچه نائب باشد.

س ۱۰۲۰ : در کشوری کار می کنم، صاحب مغازه راضی نیست در مغازه نماز بخوانم تا آخر وقت نماز نیز مشغول کار هستم و امکان ندارد در پیاده رو و غیره نماز بخوانم، آیا می توانم بدون رضایت صاحب مغازه در همان مکان نماز بخوانم؟

باسمه جلت اسمائه

بدون رضایت صاحب مغازه در همان مکان جائز نیست; مگر آن که برای کار کردن در آن مغازه مجبور باشید که در چنین فرضی باید در آن جا نماز بخوانید.

س ۱۰۲۱ : مردی مقداری کوپن پیدا کرده و اجناس آن را گرفته به منزل آورده و زن را مجبور به استفاده از آن می کند، استفاده از آن برای زن و فرزندان چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر صاحب کوپن را نمی شناسد، استفاده از آن کوپن جائز است و اشکال ندارد; چون کوپن مذکور لقطه است.

س ۱۰۲۲ : آیا می توان از پول زکات در کشور چین مثلا- پلی بسازیم تا تألیف قلوب پیش آید؟ آیا ساختن پل و جاده در کشورهای غیر مسلمان می تواند مصداق مصرف سهم مؤلفه قلوبهم از زکات شود یا این امر مخصوص

کفار مرزهای اسلامی است؟

باسمه جلت اسمائه

سهم مؤلفه قلوبهم را نمی شود به کفار داد; بلکه آن سهم متعلق به مسلمانان ضعیف العقیده ای است که داخل در اسلام شده اند و اسلام در قلوب آن ها ثابت نشده است و خوف این است به حال کفر برگردند و تألیف قلوب آن ها برای ثبات در اسلام است.

س ۱۰۲۳ : مدتی از آب لوله کشی خانه برای وضو و غسل استفاده کرده ام و پول آن را نیز به خاطر دست کاری کردن کنتور نپرداخته ام; آیا وضو و غسل های گذشته من باطل است؟

باسمه جلت اسمائه

وضو و غسل های گذشته باطل است.

س ۱۰۲۴ : اگر کسی در صف نانوایی باشد، دیگران به او بگویند برای ما هم نان بگیر، بدون ایستادن در صف، این جا چه حکمی دارد؟ اگر کسی بگوید در صف نوبت من باشد تا برگردم; می رود و بعد از مدتی بر می گردد; چه حکمی دارد؟ اگر کسی به نانوایی بگوید برای من نان بگذار چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

تمام موارد ذکر شده اشکال ندارد.

س ۱۰۲۵ : حکم شرعی افراد کافری که علیه مسلمانان و کشورهای اسلامی در مسائل نظامی و غیر نظامی اقدام به جاسوسی می کنند، چیست؟

باسمه جلت اسمائه

با آن ها برخورد می شود به نحو برخورد با کافر در حال حرب و قتلش جائز می شود.

س ۱۰۲۶ : با عنایت به روایت شریفه «انّ النبی(صلی الله علیه وآله) نهی أن یلقی السم فی بلاد المشرکین» که در متون مختلف فقهی جهت حرمت استفاده از سم علیه بلاد مشرکین مورد استناد قرار گرفته است ،آیا در خصوص تسلیحات

کشتار جمعی مانند بمب های هسته ای و شیمیایی و میکروبی هم همین حکم می تواند جاری باشد؟

باسمه جلت اسمائه

بما ذکرناه جواز استفاده از همه اموری که فتح متوقف بر آن ها باشد ظاهر می شود; و به واسطه، در جنگ مسلمین با اسرائیل از من استفتا شد; من همه این امور را در صورت توقف فتح بر آن ها اجازه داده ام.

س ۱۰۲۷ : اگر دو کشور مسلمان با هم جنگ کنند و یکی از سربازان این دو کشور جنایات زیادی را متحمل گشته، آیا بعد از جنگ و در زمان صلح کمک به این شخص جایز است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر توبه نموده باشد، جائز است.

س ۱۰۲۸ : زن از زن دیگر تا چه مقدار بدن خود را باید بپوشاند; چه مهیج باشد و چه نباشد؟

باسمه جلت اسمائه

بدون تهیج قوه شهویه فقط عورتین پوشانده شود; با تهیج، هر مقدار که موجب تهیج می شود، لازم است پوشانده شود.

س ۱۰۲۹ : آیا در اسلام چیزی به نام دروغ مصلحتی وجود دارد؟ شرایط استفاده آن چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

دروغ مصلحتی داریم; مانند دروغی که سبب شود یک مسلمان بی جهت کشته نشود.

س ۱۰۳۰ : کسانی که به مرض سرطان مبتلا هستند، دکتر برای آرام شدن درد آنان آمپول هایی که حاوی مواد مخدر هستند، تجویز می کند; و این امر اضطراری است.از نظر شرعی چه صورت دارد؟

باسمه جلت اسمائه

جائز است و هیچ اشکال ندارد.

س ۱۰۳۱ : خواندن قرآن در حالت خوابیده و هم چنین صلوات فرستادن چه صورت دارد؟

باسمه جلت اسمائه

هیچ اشکال ندارد; ذکر الله و صلوات و قرآن خواندن در هر حالتی پسندیده است.

س ١٠٣٢ :

اگر کسی پدر و مادرش زنده باشند، آیا در حال حیات آن ها می تواند قرآن ختم کند تا ذخیره بعد از مرگشان باشد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می تواند کما این که می تواند در حال حیات به خود آن ها هدیه بکند.

س ۱۰۳۳ : اگر کسی برای گرفتن پروانه کسب، استشهاد محلی بگیرد و آن پروانه هم برای گرفتن وام می باشد و یکی از امضا کنندگان که می داند فرد پروانه را برای گرفتن وام از بانک می خواهد آن را امضا کند؛ آیا گناهی متوجه امضا کننده می شود؟

باسمه جلت اسمائه

امضاجائز است؛ و برای امضا کننده اشکال شرعی ندارد.

س ۱۰۳۴ : آیا نبش قبر مسلمانان و غیر مسلمانان جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

نبش قبر مسلمان حرام است؛ مگر در چند مورد: ۱ میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نباشد که در آن جا بماند؛ ۲ کفن میت یا چیز دیگری که با میت دفن شده، غصبی باشد؛ ۳ میت بی غسل و یا بی کفن دفن شده باشد یا معلوم شود غسلش باطل بوده است؛ ۴ برای ثابت شدن حقی بخواهند بدن میت را ببینند؛ ۵ میت در جایی دفن شده باشد که بی احترامی به او است؛ مانند قبرستان کفار یا جایی که کثافت و خاکروبه می ریزند دفن شود؛ و چند مورد دیگر.

س ۱۰۳۵ : آیا زن شیرده در صورتی که متبرع یا امکان استیجاری برای او باشد، لازم است فرزند شیرخوارش را استیجار یا به متبرع دهد و خود روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد یا این امر لازم نیست؟ و «علی الذین یطیقونه» آیا با

وجود متبرع و استیجار صادق است؟

باسمه جلت اسمائه

مقتضی احتیاط لزومی در صورت وجود متبرع با امکان استیجار این است که افطار نکند.

س ۱۰۳۶ : فرمایش امام صادق(علیه السلام) «لیس من شیعتنا من لم یصل صلاه اللیل» مراد چیست؟

باسمه جلت اسمائه

کسی که اصلا نماز شب نخواند با این همه تأکیدات معصومین(علیها السلام) معلوم می شود از شیعیان درجه یک نیست.

س ۱۰۳۷ : آیا ایمان شرط صحت روزه و اعمال عبادیات می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

ایمان شرط قبول است; و شرط صحت نیست.

س ۱۰۳۸ : برخی از مردم به منظور جلوگیری از پر شدن چاه منزل خویش، لوله ای به بیرون منزل وصل می نمایند، آیا از نظر فقهی اشکالی دارد؟ اگر موجب اذیت دیگران شود، چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه آن محل، محل عامی است و مختص به طائفه خاصی یا شخص معینی نباشد، مانند اماکن عمومی و خیابان ها، و موجب اذیت دیگران شود، جائز نیست; و الا ناراحتی های مختصر موجب حرمت نیست.

س ۱۰۳۹ : آیا نگاه کردن شوهر به کلاه گیس همسرش که از موی زن های نامحرم درست شده، جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

جائز است; خصوصاً اگر از موی زن کافر باشد.

س ۱۰۴۰ : بازی های ورزشی غیر از شطرنج اگر بُرد و باخت صوری (بدون پول) در میان باشد، چه صورت دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اشکال ندارد.

س ۱۰۴۱ : این که در تعقیب نماز، هنگام قرائت «آیه الکرسی» دست ها را روی چشم می گذارند، آیا وجه شرعی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، روایتی است دال بر این که این عمل بعد از نماز در وقت دعاء و تعقیب موجب تقویت نور چشم می شود; ولی

در خصوص آیه الکرسی نمی دانم روایتی هست یا نه.

س ۱۰۴۲ : آیا پول صدقات مستحبی را می توان سرمایه صندوق قرض الحسنه قرار داد؟ و آیا می توان با آن پول ها کتب مذهبی خرید و در بین مردم، اعم از غنی و فقیر توزیع نمود؟

باسمه جلت اسمائه

صدقات مستحبه مانند زکات مال التجاره بلی، و صدقه که برای دفع بلا به فقیر داده می شود و در ذهن صدقه دهنده چنین است، خیر نمی شود در آن دو مورد مصرف نمود. صدقه که به عنوان کمک به امور خیریه داده می شود، در حکم شق اول است.

س ۱۰۴۳ : اگر پدر برای دختر خود طلا بخرد آیا جزء جهیزیه او حساب می شود با این که هنوز خواستگار نیامده است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، جزء جهیزیه می باشد.

س ۱۰۴۴ : اختلاف ساعت ایران با سایر کشورهای جهان حداقل نیم ساعت و حداکثر تا ۵/۱۳ (سیزده و نیم) ساعت است. تا چند ساعت بین کشورها اختلاف ساعت باشد می گوییم قریب الأفق و متحد الأفق اند؟

باسمه جلت اسمائه

میزان تقارن شب است، ولو به مقدار نیم ساعت باشد.

س ۱۰۴۵ : سخنرانی زن ها در حضور مردان نامحرم چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که مهیج قوای شهوانی جوان ها نباشد، اشکال ندارد.

س ۱۰۴۶ : خوردن گوشت زرافه چه گونه است؟

باسمه جلت اسمائه

خوردن گوشت زرافه حلال است.

س ۱۰۴۷ : در مورد شطرنج که در حال حاضر به صورت آلت قمار نمی باشد و تبدیل به بازی فکری شده، نظر شما چیست؟

باسمه جلت اسمائه

بازی با شطرنج بدون بُرد و باخت از محرمات اکیده است.

س ۱۰۴۸ : تراشیدن بعض ریش در

حکم تمام است؟

باسمه جلت اسمائه

تراشیدن بعض ریش هم حرام است.

س ۱۰۴۹ : در دانشگاه ها که دانشجویان ناچار از مراوده با جنس مخالف و مباحثات علمیه و نگاه به اجنبی یا اجنبیه هستند، حدود را معین کنید.

باسمه جلت اسمائه

نگاه به زن نامحرم به غیر صورت حرام، و به صورت نگاه کردن بدون ریبه، و بدون زینت، و بدون هیچ قوه شهویه جائز، و الا حرام است.

س ۱۰۵۰ : آیا بر مسلمانان واجب است که در مورد طهارت و نحوه ذبح گوشتی که می خورند، تحقیق نمایند؟ این تحقیق تا چه حد لازم است؟

باسمه جلت اسمائه

هیچ گونه تحقیق لازم نیست; همین قدر که مسلمانی متصدی کاری باشد گوشت هم محکوم به طهارت و هم محکوم به حلیت است.

س ۱۰۵۱ : صرف این که گوشت از بازار مسلمین تهیه می شود، باعث طهارت گوشت می شود; با علم به این که این گوشت ها توسط غیر مسلمان ها تهیه و به بازار عرضه شده است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه احتمال داده شود که مسلمان واسطه این جهت را رعایت کرده است آن گوشت محکوم به حلیت و طهارت است، و اگر بدانند رعایت نکرده است، حلال نیست; و چنان چه احتمال بدهند که این حیوان متذکی شده، حلال است; ولو حلال نیست و اگر بدانند تزکیه نشده است، نجس و حرام است.

س ۱۰۵۲ : در کشتارگاه ها کارگران مسلمان فعالیت می نمایند و معتقد به تذکیه و ذبح اسلامی حیوانات هستند، اما اماکن تسمیه برای هزار حیوان ذبح شونده را ندارند، در این مورد نظر شارع مقدس چیست؟ آیا یک بسمله گفتن برای هزار حیوان ذبح شونده کافی

است چیست؟ (توضیح این که بقیه موارد شرعی ذبح از قبیل استقبال قبله مراعات می گردد.)

باسمه جلت اسمائه

بلی، یک بسمله برای چند گوسفند کافی است; ولی با رعایت این که گوینده بسمله هر چند گوسفند که ذبح می شود، تکرار بسمله بنماید که خیلی فاصله بین بسمله و ذبح نباشد.

س ۱۰۵۳ : اگر در شکم ماهی، ماهی دیگری باشد، خوردن آن چه صورت دارد؟

باسمه جلت اسمائه

در صورتی که در آب نمرده باشد و در حال زنده بودن از آب خارج شده باشد حلال است; و هم چنین اگر شک داشته باشد که در حال خارج شدن از آب زنده بوده یا مرده است.

س ۱۰۵۴ : حکم خروج معتکفین برای امور مستحبی از جمله وضو، غسل و مسواک زدن چیست؟

باسمه جلت اسمائه

خروج برای امور مستحبی جائز نیست; مگر برای تشییع وجماعت درمکه.

س ۱۰۵۵ : محلی را از ابتدا به عنوان مسجد در منطقه گازی عسلویه ساخته اند لکن برای آن که مورد دخالت اوقاف واقع نشود، اسم مسجد بر آن نگذاشته اند، ولی همه مراسمات از نماز و تبلیغ و جشن در آن برگزار می گردد. اکنون به علت آن که محل دیگری برای حضور خانم های معذور در آن جا نیست، آیا خانم ها می توانند در آن جا توقف نمایند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی توانند.

س ۱۰۵۶ : آیا مداحی یک خانم که احتمال می رود صدای آن را نامحرم بشنود، جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی جائز است.

س ۱۰۵۷ : آیا نگاه کردن بدون شهوت به صورت اجنبیه جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی جائز است.

س ۱۰۵۸ : اگر مسئولیتی قانونی، ناشی از چاپ یک کتاب ایجاد شود، این

مسئولیت بر عهده ناشر است یا مؤلف؟

باسمه جلت اسمائه

اگر مؤلف دستور چاپ داده باشد و ناشر فقط واسطه باشد، مسئولیت قانونی بر عهده مؤلف است; و اگر ناشر اجازه از مؤلف به واسطه حق التألیف می گیرد، و بقیه امور را خود متصدی می شود، مسئولیت به عهده او است.

س ۱۰۵۹ : چاپ کتاب در موضوعات و مسائل مختلف چگونه است و آیا محدودیتی دارد؟ هم چنین حکم چاپ کتاب های شبهه برانگیز، چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

لابد مورد سؤال محدودیت شرعی است; در مورد سؤال بلی، محدودیتی هست از قبیل اهانت به کسی که جائز نیست اهانت به او، نسبت دروغ دادن به افراد و سایر اموری که گفتن و نوشتن آن ها جائز نیست، نشر آن امور جائز نیست.

س ۱۰۶۰ : از مغازه ای لباسی را خریدیم و به منزل آوردیم، بعد از پوشیدن متوجه شدیم که از بدن ما بزرگ تر است; به خاطر دوری راه به یک مغازه دیگر مراجعه کردیم و به دروغ وانمود کردیم که لباس را از مغازه شما خریده ایم و در قبال دادن لباس بزرگ تر سایز کوچک تر را الآن دیگر صاحب مغازه را پیدا نمی کنیم; حالا بعد از چند سال پشیمان شدیم:

الف: آیا نمازهایی که با آن لباس خوانده شده، باطل است؟

ب: آیا می شود گفت که چون در مقابل لباس گرفته شده لباس داده ایم، لذا چیزی به صاحب مغازه بدهکار نباشیم؟

باسمه جلت اسمائه

دروغی که گفته اید، حرام است بلااشکال; ولی اگر این دروغ سبب شود که معامله بین آن دو لباس بنمائید، اگر معامله انجام شده باشد، تصرفات در این لباس جائز

بوده و نمازهایتان صحیح است.

س ۱۰۶۱ : آیا دست دادن مرد اجنبی با زن اجنبیه شرعاً جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بدون ساتر خیر جائز نیست.

س ۱۰۶۲ : آیا بیت المال موارد مصرف مضبوطی دارد، یا در هر موردی که حاکم مسلمین مصلحت بداند (مصالح مسلمانان) می تواند آن را هزینه نماید؟

باسمه جلت اسمائه

آن چه از روایات وارده در مسأله «الامام ولی من لا ولی له» مستفاد است بیت مال المسلمین و مال الامام یکی است; بنابراین، مراد از بیت المال منافع و عایدات انفال، خمس، زکاه و آن چه مصلحت مسلمین در آن است می باشد و مالیات ها را هم شامل می باشد; و مال امام(علیه السلام) در زمان غیبت به نائب او داده می شود و یا با اذن او به مصرفش رسانده می شود; و هر قسم، مصارف خاصی دارد که نائب امام رعایت آن ها را می نماید.

س ۱۰۶۳ : نامگذاری ایامی به مناسبت شهادت ائمه و اولاد طاهرینشان(صلی الله علیه وآله) به نام ایشان چگونه است؟

باسمه جلت اسمائه

اشکال ندارد.

س ۱۰۶۴ : آیا در سفر «من شغله السفر» یا «السفر شغله» باید سفر به هیچ شکل معصیت نداشته باشد مثلا اگر دختری برای درس در دانشگاه برود و در کلاس مختلط با جوانان می باشد که منجر به تحریک شهوت دیگران می شود، آیا سفر او معصیت است؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، معصیت نیست.

س ۱۰۶۵ : حدود اطاعت از والدین در موردی که آنان با ایجاد مزاحمت و موارد تهمت و افترا و عدم توجه به فرزند باعث به وجود آمدن ناراحتی های جسمی و روحی برای فرزند می گردند، چیست؟

باسمه جلت اسمائه

اطاعت والدین

واجب است خصوصاً در صورتی که عدم اطاعت موجب ناراحتی آنان بشود، ولی این که اجازه آنان در هر کاری لازم باشد، ثابت نیست; و در موردی که ذکر فرمودید، اطاعت آنان لازم نیست.

س ۱۰۶۶ : دفن زباله های جنگی در زمین و دریا که باعث آلودگی محیط زیست و شیوع بیماری در میان مردم و نسل های آینده می گردد، چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

مسلماً حرام و غیر جائز است. در روایات متعدد از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و غیره وارد شده است به این مضمون که کسی که به یک مسلمان ضرر بزند از ما نیست و ما هم از او نیستیم.

س ۱۰۶۷ : امروزه جهت پرورش مرغ و جوجه و گوشتی شدن طیور از آمپول هایی استفاده می شود که به نظر برخی از متخصصان موجب تولید سرطان و یا بروز برخی بیماری ها می گردد، این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ آیا تولید و پرورش و استفاده از آن جائز است؟ خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

تولیدی که با نظر متخصص موجب بیماری است، استفاده از آن و خرید و فروش آن حرام است.

س ۱۰۶۸ : امروزه برای تولید برخی از کنسروها و کمپوت ها و محصولات دیگر از مواد شیمیایی استفاده می گردد که احیاناً موجب بروز بیماری و آلودگی و مسمومیت می شود، این کار از نظر فقهی چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه موجب مسمومیت و آلودگی جماعتی از مسلمانان بشود، تولید آن ها حرام است.

س ۱۰۶۹ : با توجه به حق مردم در استفاده از منابع طبیعی (دریا، جنگل، رودخانه، سبزه

زارهـا و...) آیا اشـخاص حقیقی یا حقوقی می تواننـد مانع از اسـتفاده عموم گردنـد و یا اسـتفاده از منابع طبیعی را منبعی برای کسب درآمد خویش قرار دهند؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه اشـخاص حقیقی و یا حقوقی برای مصلحت مجتمع چنین کاری بکنند، حق دارند و اشکال ندارد; و اگر برای درآمد شخصی خویش باشد، حق ندارند.

س ۱۰۷۰ : حقوق مردم در اسـتفاده از جنگـل و دشت و رودخـانه و آبشـار و ساحـل دریـا و... با چه معیار فقهی مشـخص می گردد؟

باسمه جلت اسمائه

اسـتفاده از اموری که ملـك شـخص و یـا اشـخاص حقوقی و حقیقی نیسـت، به مقتضـای اصـاله الحل جائز است و در موارد به خصوصماننـد احیـاء زمین موات و یـا مـال وقف و امثال آن ها روایاتی است دال بر جواز،ماننـد «مَن أحیی أرضاً فهی له»، یا «الوقف لمن سبق».

س ۱۰۷۱ : دولت تا چه انـدازه می تواند از حقوق مردم در اسـتفاده از منابع طبیعی به ویژه دریا و جنگل و دشت و صـحرا و... جلوگیری نماید؟

باسمه جلت اسمائه

به مقداری که به مجتمع مضر باشد.

س ۱۰۷۲ : اگر نعوذ بالله سیدی زنا کند و بچه ای متولد شود، آیا این ولدالزنا ملحق به سادات است و می شود به او خمس داد یا این که به سادات ملحق نیست و به او زکات تعلق می گیرد؟

باسمه جلت اسمائه

ولدالزنا فقط در ارث حکم ولد ندارد; و در احکام دیگر با اولاد دیگر فرق ندارد.

س ۱۰۷۳ : اگر شـخص، مضـطر به خوردن مـال غیر یـا میته باشـد و صـاحب مال راضـی نیست، آیا میته بخورد یا از او به زور بگیرد

و بخورد و ضامن مال او می باشد؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً مخیر است.

س ۱۰۷۴ : نظر به استقبال کم نظیر اقشار مختلف و آثار و برکات معنوی و تربیتی اعتکاف و ظرفیت محدود مساجد، آیا می توان به حکم ضرورت در دیگر مساجد چون مسجد محل، بازار و دانشگاه ها اعتکاف را برگزار نمود؟

باسمه جلت اسمائه

خیر نمی شود ولی در شهرهای بزرگ مسجد جامع به آن معنی که بیان متعدد است اختصاص به یک مسجد ندارد.

س ۱۰۷۵ : اگر منطقه ای دارای مسجد نباشد آیا امکان برگزاری اعتکاف در مکان های دیگری چون حسینیه، زینبیه و یا مهدیه وجود دارد؟

باسمه جلت اسمائه

خیر این امکان وجود ندارد.

س ۱۰۷۶ : آیا خواندن زیارت «امین الله» برای هر امام معصوم غیر از حضرت امام زمان(عج) در هر زمان و مکان به قصد ورود یا رجاء مستحب می باشد یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

به قصد ورود جائز است چون روایتی دال بر آن است و به واسطه قاعده تسامح در ادله سنن حکم به استحباب می شود.

س ۱۰۷۷ : آیا خواندن دعای «اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن» و زیارت «آل یاسین» در هر زمان و مکان به قصد ورود یا رجاء مستحب است یا خیر؟

باسمه جلت اسمائه

خواندن دعای (اللهم...) مستحب است مطلقاً.

س ۱۰۷۸ : طشت زدن، همراه با کف زدن و شعر خواندن در عروسی در صورتی که تحریک کننده و مفسده انگیز نباشد، چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

معلوم نیست حرام باشد.

س ۱۰۷۹ : کوتاه کردن زن موی خود را به طوری که شبیه مرد شود و یا بلند گذاشتن مو برای مرد به طوری که شبیه زن

شود، حکمش چیست؟

باسمه جلت اسمائه

اشکال ندارد; چون تشبه مرد به زن که جائز نیست غیر از این موارد است.

س ۱۰۸۰ : مؤسسه ای در طول شش سال فعالیت خود مصمم بوده تا از قرآن آموزان شهریه ای دریافت نکند و به لطف الهی در این امر موفق بوده است. این در حالی است که برنامه ریزان آموزشی این مؤسسه معتقدند برای متعهد کردن قران آموزان به شرایط مؤسسه و شرکت منظم در کلاس های درسی، لازم است تا وجهی از آنان دریافت شود، با توجه به این مقدمات در رابطه با اخذ اجرت مع شرط و بلا شرط برای تعلیم قرآن نظرتان چیست؟

باسمه جلت اسمائه

اخذ اجرت بر تعلیم قرآن مطلقاً جائز است و حتی کراهت هم که بعضی گفته اند، ندارد; و تعیین اجرت هم اشکال ندارد.

س ۱۰۸۱ : آیا رعایت حجاب و پوشانیدن بدن در اعمال عبادی غیر از نماز همانند تلاوت قرآن و دعا، فضیلتی برای زن محسوب می شود؟

باسمه جلت اسمائه

رعایت حجاب و پوشاندن تمام بدن برای زنان در این موارد دلیلی ندارد; ولی برای مرد و زن در حال نماز روایات متعددی دلالت می کند بر استحباب لباس زیاد پوشیدن، و علتی در آن ها نیست که بتوانیم بگوییم در حال قرائت قرآن و دعا، پوشیدن لباس متعدد مطلوب است.

س ۱۰۸۲ : اگر کسی مدیون است و دین خود را نمی دهد، آیا می توان از سهم الارث به او رسیده، تقاص کرد؟

باسمه جلت اسمائه

در موارد جواز تقاص مورد معینی تعیین نشده است; بنابراین، در مورد سؤال می توان تقاص نمود.

س ۱۰۸۳ : مرسوم است که در روز عید

فطر و عیـد قربـان بعضـی مساجـد و محلات برای اقـامه نماز عیـد فطر و قربان جهت اعلام، اذان می گوینـد، اذان گفتن با این توجیه که ما به قصد اعلام می گوییم که مردم برای نماز عید فطر و قربان حضور یابند و بدانند که نماز عید اقامه می شود و به قصـد ورود در شـرع نمی گوییم. آیـا وجه شـرعی دارد و جائز است؟ برای نماز میّت چه طور؟ (با این قصـد که مؤمنین اطلاع پیدا کنند و تعداد بیش تری در تشییع جنازه و نماز میّت شرکت کنند.)

باسمه جلت اسمائه

با این حرف ها اذان مشروع نمی شود; به نحو دیگر اعلام کنند.

س ۱۰۸۴ : آیا اجرت دادن به اجیر، در انجام واجب کفایی جائز است؟

باسمه جلت اسمائه

بلی جائز است.

س ۱۰۸۵ : اگر چنـد نفر اعتراف دارنـد که این شـیء نزد عمرو مال زید است و خود عمرو هم اعتراف دارد، آیا اعتراف مانند اقرار است و نفوذ دارد؟

باسمه جلت اسمائه

قول عمرو به عنوان ذو الید حجت است.

س ۱۰۸۶ : اگر کسـی با کم ترین ناراحتی که می بینـد یا حاجت او روا نمی شود فحش به خداوند یا معصومین(علیها السـلام) می دهد یا کفر می گوید، آیا از اسلام خارج شده است؟

باسمه جلت اسمائه

تـا کفر نگویـد از اسـلام خارج نمی شود; ولی گناه کبیره مرتکب شـده است و اگر کفر گفت، چنان چه می فهمـد و از روی اختیار می گوید، کافر است; و الا کافر نیست.

س ۱۰۸۷ : آیا خوردن ذبیحه اهل کتاب حلال است؟

باسمه جلت اسمائه

خوردن ذبیحه اهل کتاب حلال است به شرط آن که علم به بسم الله گفتن وقت

ذبح داشته باشید; و الا حلال نیست.

س ۱۰۸۸ : آیا در شب های شهادت ائمه اطهار(علیها السلام) مخصوصاً در ایام ماه محرم و صفر می توان صیغه عقد ازدواج را بدون مجلس و شیرینی خوری خواند؟

باسمه جلت اسمائه

شرعاً جائز است.

س ۱۰۸۹ : در کشوری کار می کردم و بی کار شدم. طبق قوانین آن جا به من گفتند اگر به مدت دو ماه از کشور خارج نشوی فلان مبلغ را بابت بی کاری به شما می دهیم، حالا اگر من خلاف این شرط عمل کرده ام و مدت یک ماه به ایران آمده ام و برگشته ام آیا از باب استنقاذ مال کفار مجاز به گرفتن پول هستم؟ آیا مال آن ها محترم است؟

باسمه جلت اسمائه

مال کفار در غیر حال جهاد محترم است; شما در مورد سؤال حق ندارید آن پول را بگیرید.

س ۱۰۹۰ : آیا فروختن تمساح و سگ و خوک به کفار که خوردن آن را حلال می دانند، اشکال دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر منفعت محلله ندارند، فروختن به هیچ کس جائز نیست; و اگر منفعت محلله دیگر دارند، فروختن آن به کفار که خوردن آن ها را حلال می دانند، اشکال ندارد; چون اعانه بر اثم حرام نیست.

س ۱۰۹۱ : اگر غسال خانه در قبرستانی خراب و متروکه شد، آیا می شود چیز دیگری احداث کرد؟

باسمه جلت اسمائه

اگر قبرستان وقف است می شود آن را فروخت و کسی که می خرد آن را معامله ملک مطلق با آن می کند و اگر وقف نیست، قهراً از مباحات است و احداث چیز دیگر در آن مانعی ندارد.

س ۱۰۹۲ : ۱. فتوای حضرت عالی در

خصوص «تراشیدن ریش با تیغ» چیست؟

۲. آیا می توان به خاطر مصلحت برتری مانند تبلیغ شارع مقدس و دین مبین اسلام در میان جوانان و نزدیکی به آن ها (به عنوان مثال برای یک معلم دینی) ریش را با تیغ تراشید؟

باسمه جلت اسمائه

۱. حرمت تراشیدن ریش از مسلمات است.

۲. با این گونه عناوین نمی شود از حکم مسلم دست کشید.

س ۱۰۹۳ : زمینی جهت احداث درمانگاه خیریه به هیأت خیریه ای اهدا شده; آیا می توان از بودجه خیریه که مردم به عنوان های مختلف مثل: کمک به بیماران، فقرا، جهیزیه و غیره مساعدت نموده اند، برای احداث ساختمان در آن زمین استفاده نمود؟

باسمه جلت اسمائه

بلی می شود برای احداث ساختمان در آن زمین استفاده نمود.

س ۱۰۹۴ : شخصی که آرایشگاه زنانه دارد و خانمی را آرایش می کند، آن خانم با وضع خاص در اجتماع رفت و آمد می نماید، با توجه به این مطلب، پولی که آرایشگر دریافت می نماید، چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

پولی که برای آرایش می گیرد، حلال است.

س ۱۰۹۵ : آیا استفاده از حمام برای غسل کردن جزء نفقه اولاد به حساب می آید؟

توضیح: پدری به فرزندش می گوید من راضی نیستم در منزل من غسل انجام دهید، اگر انجام دهد، آیا چنین غسلی باطل است؟

باسمه جلت اسمائه

چنان چه رفتن حمام لازم نباشد، بلی باطل است; والا باطل نیست.

س ۱۰۹۶ : در تانکری تعدادی ماهی زنده است اگر شیر فلکه باز شود و ماهی ها زمین ریخته شوند و بمیرند، آیا حکم صید دارد یا خیر؟ آیا مصرف آن اشکال ندارد؟

باسمه جلت اسمائه

زکات ماهی اخذ آن خارج آب است

و در مورد سؤال چون اخذ نشده است، حلال نیست.

س ۱۰۹۷ : اگر شخص در زمین غصبی باشد و آیه سجده دار بشنود، وظیفه او چیست؟

باسمه جلت اسمائه

باید فوراً بیرون برود و سجده کند.

س ۱۰۹۸ : در فلس دار بودن ماهی، ملاک دیدن با چشم عادی است یا با دستگاه هم صحیح است؟

باسمه جلت اسمائه

با دستگاه هم صحیح است.

س ۱۰۹۹ : استفاده از برق مسجد و نظائر آن در مورد ضبط سخنرانی ها، فیلم برداری و شارژ تلفن همراه شخصی چه حکمی دارد؟

باسمه جلت اسمائه

اشکال ندارد.

س ۱۱۰۰ : اگر کسی هدیه به دیگری داد که برسانیم و من می دانم اگر به او برسانم مصرف گناه و معصیت می کند، آیا جائز است آن را به او بدهم؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، جائز است.

س ۱۱۰۱ : خانواده ای فقیر است، آیا می تواند زکات خود را برای خرج تحصیل دانشگاه فرزندان خود صرف کنند؟

باسمه جلت اسمائه

بلی، می توانند خرج تحصیل فرزندان را از زکات بدهند.

س ۱۱۰۲ : اگر کسی یا همسایه ای مردم آزار است (با وسیله ای مانند صدای موتور یا ماشین یا غیره) و نصیحت و امر و نهی در او اثر نکرد، آیا می توان وسیله را خراب کرد تا دیگر نتواند اذیت کند؟

باسمه جلت اسمائه

خیر، نمی شود وسیله را خراب کرد; و به هر تقدیر، ضمان آن بر فرض خراب کردن ثابت است.

س ۱۱۰۳ : آیا هنگام نقل مال دوست به عنوان احسان برای او، وقتی که به دلیلی دولت آن را بگیرد، انسان ضامن آن مال است؟

باسمه جلت اسمائه

اگر نقل با دستور او باشد، شخص ضامن نیست; والا ضامن است.

س ۱۱۰۴

: اگر کسی اجیر قرآن خواندن شود، می تواند از آخر شروع کند؟

باسمه جلت اسمائه

ظاهراً اجیر قرآن خوانـدن همان نحو متعارف است که از اول بخوانـد; بنابراین، نمی توانـد از آخر شـروع کند. بلی، اگر چنین ظاهری نباشد، از آخر خواندن اشکال ندارد.

معانی واژه ها، لغات و اصطلاحات

«آ»

آلات لهو: ابزار و لوازم سرگرمیهای شیطانی و خوشگذرانی های نامشروع. مانند: لوازم موسیقی، عود، دَف، تار و...

اِبراء: بری کردن; بری کردن ذمه; رفع مسؤولیت

ابن السبیل: مسافری که در سفر; پول، وسیله زندگی و خرجی راه نداشته درمانده باشد.

اتقی: با تقواتر

اجاره: قراردادی که بر اساس آن منافع مال یا کار یا وسیله یک طرف قرارداد، در برابر مدت و قیمت معین به طرف دیگر قرار داد، واگذار می شود.

اجانب: بیگانگان، جمع اجنبی= بیگانه

اُجرت: مزد، قیمت

اجرت المثل: مزد همانند; اگر فردی بدون تعیین قیمت و قرار داد، کاری را انجام دهد و برای گرفتن دست مزد با طرف مقابل اختلاف پیـدا کنـد، بایـد بدین طریق عمل کنند که: اگر همین کار را فرد دیگری مشابه همین فرد انجام می داد چقدر مزد می گرفت؟ پاسخ هر چقدر که شد، مزد همان است.

اجرت المُسمّی: مزد و قیمتی که در عقد اجاره مشخص و معین شده است.

اجیر: کسی که طبق قرارداد در برابر کار معینی که انجام می دهد، مزد می گیرد.

اِحبال: باردار کردن; آبستن کردن

احتلام: خارج شدن منی از انسان در حالت خواب، نشانه بلوغ.

احتیاط: کارهایی که موجب می شود انسان اطمینان حاصل کنـد که به وظیفه اش عمل کرده است و کارش به واقعیت نزدیک

است.

احتیاط لازم: احتیاطی که مجتهد، لزوم رعایت آن را از طریق دلایل عقلی یافته باشد.

احتیاط مستحب: همیشه همراه

با فتواست و مقلد می تواند به فتوا، یا احتیاط، به دلخواه خود عمل کند. در این مسائل نمی تواند به مجتهد دیگر رجوع کند.

احتیاط واجب: همراه با فتوا نمی باشد و مکلف باید به همان احتیاط عمل کند و یا به فتوای مجتهد دیگری نیز می تواند مراجعه کند.

احتیاط را ترک نکند: در این مورد اگر مکلف احتیاط را رعایت کند، بهتر است.

احراز: بدست آوردن; فراهم کردن; دریافتن.

اِحصار: بازداشتن، مکلفی که برای انجام مراسم حج به مکه رفته و قبل از رسیدن به موقفین (شهر مکه، عرفات، مشعر) و پس از پوشیدن لباس احرام، بر اثر بیماری نتواند اعمال عمره یا حج را انجام دهد. این شخص از حج بازداشته شده و محصور است.

اَحفاد: نبیره ها، جمع حافد و حفد = نبیره

احکام: مقررات شرع، آراء، فرمانها، جمع حکم.

احمر: قرمز، سرخ رنگ، جمع حمر، احامر

احوط: به احتیاط نزدیک تر، شامل تر.

احیاء زمین: زمین مرده را زنده کردن; اگر کسی با کشتکار، زراعت یا ساختمان و غیره، زمینی که مورد استفاده کسی نیست و سکنه ای در آن قرار ندارد را قابل استفاده و بهره برداری کند، در واقع زمین مرده را احیاء یا زنده کرده است.

اَخ: برادر، اخ الزوجه: برادر زن

اُخت: خواهر

اَخته: خواجه

اخفاء: مخفی کردن، پنهان کردن.

اخفات: آرام و آهسته قرائت کردن، نمازهای اخفاتی: نمازهای ظهر و عصر که حمد و سوره در آنها آهسته خوانده می شود.

اخوت: برادری.

اداء: اعمال شرعی که در وقت خودش انجام شود.

ادعیه مأثوره: دعاهایی که از رسول اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) نقل شده است.

ادغام: داخل نمودن، در تجوید باعث تشدید و مشدد شدن آن حرف می شود.

ادلّه: دلیل ها، حجت

ها; جمع دلیل.

اذن: اجازه.

ارباح مکاسب: منافع کسب و کار; هر نوع درآمدی که از طریق کار بدست آید.

ارتماس: فرو رفتن به آب (غسل)، فرو کردن در آب (وضو).

اِرتداد: از اسلام برگشتن

اَرش: دیه; تفاوت صحیح و سالم با ناقص و معیوب. این تفاوت شامل بدن، مال یا کالای کسی می شود.

ارکان نماز: رکن ها و پایه های نماز، مانند: قیام، نیت، تکبیره الاحرام(الله اکبر)، رکوع، و دو سجده.

ازاله بکارت: از بین بردن دوشیزگی.

استبراء: طلب پاکی; کاری که برای اطمینان به پاکی چیزی از آلودگی و نجاست، انجام می دهند. که شامل: ۱ استبراء از بول: کسی که ادرار کرده است، به قصد اطمینان از نماندن ادرار در مجرا.

۲ استبرار از منی: ادرار کردن پس از بیرون آمدن منی به قصد اطمینان از اینکه ذرات منی در مجرا باقی نمانده است.

۳ استبراء حیوان نجاستخوار: بازداشتن حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده است تا وقتی که به خوراک طبیعی خود عادت کند.

استحاضه: خون دیدگی زنان به غیر از خون حیض و نفاس. استحاضه به سه صورت استحاضه کثیره (خون زیاد) استحاضه متوسطه(خون متوسط، بینابین) و استحاضه قلیله (خون کم) قرار دارد.

استرجاع: گفتن «انا الله و انا الیه راجعون».

اِستعاذه: پناه بردن. در اصطلاح گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»

استعلام: آگاهی خواستن; پرسش کردن از چیزی.

استفتاء: طلب و درخواست فتوا کردن; پرسیدن فتوا; سوال از مجتهد درباره حکم شرعی مسائل.

استطاعت: توانستن; قدرت انجام حج را از نظر بدن، مال و راه داشتن.

استمناء: جلق زدن; انجام عملی با خود که باعث بیرون آمدن منی شود.

استیجار: اجاره کردن.

استیفاء: بدست آوردن.

استیلاء: تسلط; چیرگی; پیروزی.

اشکال دارد: عملی که مکلف جهت تکلیف

انجام می دهد و آن عمل قابل قبول شارع نیست.

اصول دین: یعنی توحید نبوت معاد.

اصول مذهب: امامت و عدالت.

اضطرار: ناچاری.

اظهر: ظاهرتر; روشن تر; فتواست. مقلد باید طبق آن عمل کند.

اعاده: از سر گرفتن; دوباره انجام دادن کار.

اعدل: عادل تر.

اعلان: آگاه ساختن.

اعلم: عالم تر.

افضاء: باز شدن; یکی شدن مجرای ادرار و حیض یا مجاری حیض و غائط یا هر سه مجاری.

اقتدا کردن: پیروی کردن; تقلید کردن از امام جماعت; نمازگزاردن پشت سر پیشنماز.

اقرب این است: فتوا این است مگر این که ضمن کلام قرینه ای بر عدم فتوا باشد.

اقوی این است: نظر قوی بر این است; فتوای صریح و مشخص که باید مقلد به آن عمل کند.

الزام کردن: اجبار کردن; مجبور کردن.

اِمْساك: امتناع کردن; خود را از انجام کاری بازداشتن.

اموال محترمه: اموالی که از نظر اسلامی و شرعی محترم و دارای احترام باشد.

امور حِسبیّه: کارهایی شرعی از جمله رسیدگی به امور یتیمان، دریافت و خرج خمس و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و غیره به اجازه مجتهد عادل و یا نماینده ایشان.

اُناث و ذُکور: زنان و مردان.

انتقال: جابجایی; جابه جایی چیزی نجس به طوری که دیگر شیء اول به حساب نیاید; مثل انتقال خون انسان به بدن پشه.

انزال: بیرون ریختن منی.

اَنسب: حکمی که متناسب با اصول و قواعد شیعه باشد.

اودج اربعه: شاهرگ های چهارگانه حیوانات.

اورع: پرهیزکارتر

اوجه: وجه تر؛ با قدرت تر؛ وجیه تر.

اولی: بهتر؛ سزاوارتر.

اولوالعزم: بردبار؛ صبور؛ به اعتقاد شیعه تعداد پیامبران اولوالعزم پنج نفر: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد (علی نبینا علیهم الصلاه و السلام). اینان پیامبرانی هستند که دارای دین و آیین جدید و کتاب آسمانی بوده اند.

اهل ذمه: غیر مسلمانی که پیرو یکی از پیامبران صاحب کتاب است; مثل: یهودی ومسیحی.

ایجاب: فرض کردن; واقع ساختن; در صیغه عقد یعنی قبول کردن.

ایماء: اشاره

«ب»

باقیات صالحات: هر عمل نیک; خوب و شایسته که ثواب آن باقی بماند.

باکِره: دوشیزه

بالغ: رسیده; دختر یا پسری که به سن بلوغ رسیده باشد.

باه: نیروی جنسی

بدل: جانشین; عوض; هرچه به جای دیگری واقع شود.

بدعت: نوآوری; در احکام الهی و شرعی طبق میل و سلیقه خود عمل کردن.

بدل از غسل: به جای غسل; در جایی که شخص موظف به غسل کردن است اما به آب دسترسی ندارد یا آب برایش ضرر دارد، می تواند به نیت غسل، تیمم انجام دهد.

بدل از وضو: به جای وضو; در جایی که شخص موظف به وضو گرفتن است اما به آب دسترسی ندارد و یا آب برایش مضر است، می تواند به نیت وضو، تیمم انجام دهد.

برائت ذمّه: در موارد شک، شخص باید آن عمل را بطوری انجام دهد که یقین پیدا کند تکلیف شرعی خود را انجام داده است.

برات: سندی که به موجب آن شخصی از دیگری می خواهد تا پول معینی را در وقت معینی به شخص یا اشخاصی بپردازد.

بَرَص: پیسی; بیماری پوستی که با کم رنگ شدن نواحی محدود و پررنگ تر شدن نواحی مجاور مشخص می شود.

بُزاق: آب دهان

بَشَره: روی پوست آدمی

بکارت: دوشیزگی; ازاله بکارت: دوشیزگی دختر را برداشتن.

بعید است: دور از ذهن است.

بعید نیست: فتوا این است; مگر این که قرینه ای در کلام بر خلاف آن باشد.

بلوغ: رسیدن به سن تکلیف; پیدا شدن علائم سه گانه در انسان که موجب بالغ شدن می شود.

بول: ادرار

بهائِم: حیوانات چهارپا; جمع

بهیمه = حیوان چهارپا

بُهتان: دروغ بستن; دروغی را به کسی نسبت دادن; از گناهان کبیره

بیض: جمع ابیض. ایام البیض: سیزده; چهارده و پانزدهم هر ماه را گویند.

بیع: خرید و فروش; معامله.

بیگاری: کار اجباری بدون مزد.

بین رکن و مقام: مکانی مقدس در مسجد الحرام بین حجر الاسود و مقام حضرت ابراهیم(س).

«ت»

بین الطلوعین: فاصله زمانی بین طلوع فجر و طلوع خورشید.

تأني: آهستگی; به آهستگی و آرامی کاری را انجام دادن; درنگ کردن.

تجافی: نیم خیز نشستن; زمانی که ماموم به رکعت اول امام جماعت نرسیده باشد، هنگام تشهد خواندن امام جماعت، به حالت نیم خیز می نشیند.

تَحْتُ الحنك: زیر چانه; آن قسمت از عمامه را که زیر چانه و روی گلو قرار می دهند.

تحیّت: سلام کردن; درود و سلام و دعا و نیایش; نماز تحیّت مسجد: نماز مستحبی که به هنگام ورود به مسجد، به عنوان احترام و ادب به مسجد خوانده شود. این نماز دو رکعت است.

تخّلی: خالی شدن; ادرار و مدفوع کردن.

تَخْییر: اختیار داشتن; فرد را در انتخاب آزاد گذاشتن; مثلا شخص مسافر; مخیر است که نمازش را در ۴ مکان بطور کامل یا شکسته بخواند، مسجد الحرام، مسجد النبی (مسجد پیغمبر); مسجد کوفه; حرم امام حسین(ع).

تدلیس: پنهان کردن عیب کالا نزد مشتری.

تذکیه: ذبح شرعی حیوانات حلال گوشت.

ترتیبی: مرتب و منظم. غسل ترتیبی: غسلی که به ترتیب ابتدا سر، بعد قسمت راست و بعد قسمت چپ بدن شسته شود.

ترخُّص: آسان گرفتن; حدترخص: مسافتی که مسافر اگر از آن بگذرد، نماز را باید شکسته بخواند و روزه اش را افطار کند.

تسبیحات اربعه: ذکر ۴ گانه «سبحان الله و الحمد الله و لا اله الا الله

و الله اکبر»

تسبیح حضرت زهرا(س): از مستحبات بسیار با فضیلت نماز، گفتن ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد الله و ۳۳ مرتبه سبحان الله و یک مرتبه لا اله الا الله

تستّر: خود را پوشاندن.

تسمیه: نام بردن؛ نام خدا را هنگام ذبح بر زبان جاری ساختن.

تشریح: کالبد شکافی.

تطهیر: پاک کردن؛ چیزی را با آب شستن، تمیز و پاکیزه کردن

تعزیر: زدن شخص به قصد جلوگیری در انجام کارهای غیر شرعی و واجبات الهی به قصد ادب شدن دیگران و خودش و جلوگیری از ادامه آن

تعقیب: دنبال کردن؛ تعقیبات نماز: بعد از نماز به ذکر دعا، قرآن و نمازهای نافله مشغول شدن.

تفریط: تقصیر کردن؛ کوتاهی کردن.

تقاص: قصاص کردن؛ طلب خود را از مدیون منکر گرفتن؛ برداشتن.

تقلید: پیروی کردن از فتاوای مجتهد و عمل کردن به دستورات وی.

تکبیره الاحرام: در شروع نماز «الله اکبر» گفتن؛ که با گفتن آن شخص وارد نماز می شود و تمام کارهایی که، منافی با نماز است بر او حرام می شود. تکبیره الاحرام از ارکان نماز است و اشتباه در آن، نماز را باطل می کند.

تَکفّل: سرپرستی.

تلبیه: اجابت کردن؛ لبیک گفتن در مناسک حج. واجب است در آغاز حج و عمره گفتن «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک».

تَلذّذ: لذت بردن.

تلقیح: باردار نمودن؛ تلقیح مصنوعی: نطفه مرد را به وسیله ای مانند سرنگ به رحم زن رساندن.

تمکّن: توانایی مالی؛ دارایی.

تمکین: فرمانبرداری; اطاعت کردن.

تیمم بـدل از غسل مس میت: در وقتی که غسل دادن میت ممکن نباشـد و یا آبی برای غسل دادن نباشـد، تیمم میت جایگزین غسل می شود.

تیمم جبیره ایی: اگر بر عضوی که می خواهد تیمم کند، باند یا

گچ یا جبیره باشد، به نیت تیمم دست را روی آن می کشد.

توديه: پنهان کردن; مخفی کردن حقیقت. اگر کسی به نوعی حرف بزند که نه دروغ باشد و نه راست، این نوعی مخفی کردن و پنهان کردن است که توديه نام دارد.

توکیل: وکیل قرار دادن; نماینده کردن.

تولیت: ولی و سرپرست قرار دادن; متولی کردن.

تهلیل: گفتن «لا اله الا الله»

«ث»

ثلثان: دو سوم; اگر دو سوم آب انگور بجوشد و تبخیر شود، آب انگور موجود پاک می شود.

ثمن: بها; قیمت; ارزش

«ج»

جاعل: فردی که قرارداد جعاله را منعقد می کند.

جاهل به مسأله: ناآشنا به مسأله; کسی که مسائل شرعی را نمی داند.

جاهل قاصر: جاهلی که در جهلش مقصر نیست; کسی که مسائل شرعی را نمی داند و مقصر هم نیست، چون در شرایطی است که امکان دسترسی به احکام الهی برایش وجود ندارد و یا اصلا خود را جاهل نمی داند.

جاهل مقصر: جاهلی که در جهلش مقصر است; کسی که امکان آموختن مسائل و احکام الهی را داشته است ولی عمداً در فراگیری آن کوتاهی کرده است.

جبیره: مرهم; پارچه; باند یا پوششی که زخم یا شکستگی را با آن می بندند.

جبین: یک قسمت از پیشانی از دو طرف ابروها.

جُرح، جروح: زخم; جراحت.

جعاله: قرادادی شرعی که طی آن کسی اعلام می کند اگر هر کس برای او کار معینی را انجام دهد، پاداش و مزد مشخص به او می پردازد، مثلا اگر فردی اعلام کند که هر کس گمشده مرا پیدا کند، فلان مبلغ به او مژدگانی می دهم. فرد قرار گذار را «جاعل» عمل کننده به آن را «عامل» و مبلغ تعیین شده را «جُعل» می نامند.

جّلال: حیوان حلال گوشتی که به خوردن نجاسات انسان عادت کرده است.

جِلد: پوست.

جماع: آمیزش جنسی; مقاربت.

جنابت: جُنُب شدن

جُنُب: کسی که بدلیل خروج منی یا آمیزش جنسی، غسل بر او واجب شده باشد.

جنون: دیوانگی; صفت کسی که فاقد تشخیص نفع و ضرر، بدی و خوبی است و در روانپزشکی به کسی می گویند که با واقعیت قطع رابطه می کند

و دارای توهم و هذیان است.

جنین: موجود مهره داری که هنوز رشد کافی برای زندگی در بیرون از رحم را پیدا نکرده، اما دارای ساختار بدنی و اندامها می باشد.

جهر: با صدای بلند چیزی را خواندن; بلند کردن آواز; نمازهای جهری: به نمازهای صبح و مغرب و عشا گفته می شود که بر مردان واجب است حمد و سوره این نمازها را بلند بخوانند.

«ح»

حائض: زنی که در حال عادت ماهیانه باشد.

حاکم شرع: مجتهدی که بر اساس موازین شرعی دارای فتوا باشد.

حَبوَه: بخشش; در اصطلاح فقهی به اموال ویژه پدر گفته می شود که بعد از مرگش به بزرگترین پسرش می رسد، مانند قرآن، انگشتر، شمشیر.

حِرز: دعایی که برای پیشگیری از آفت و حوادث یا بیماری بر روی کاغذ می نویسند و همیشه همراه خود دارند.

حَدَث اصغر: هر کاری که باعث وضو شود و آنها عبارتند از: ادرار مدفوع باد شکم خواب کامل امور زایل کننده عقل استحاضه هر آنچه موجب غسل شود.

حَدَث اکبر: هر کاری که باعث غسل شود مانند: آمیزش جنسی و احتلام.

حدّ ترخُّص: حدّ و مقدار مسافتی که در آن صدای مؤذن شنیده نشود و دیوارهای محل اقامت (شهر یا روستا) دیده نشود.

حرام: ممنوع; هر عملی که از نظر شرعی ترکش لازم باشد که انجام آن باعث عذاب الهی می گردد.

حَرَج: مشقت; دشواری; سختی.

حُرمت: حرام بودن.

حَشفه: سرآلت تناسلی مرد.

حِصّه: سهم

حِضانت: سرپرستی

حَضَر: وطن; محل زندگی; محل حضور

حنوط: دارویی خوش بو که به بدن میت می زنند، یعنی پس از غسل میت، باید پیشانی، کف دستها، سر زانوها، سر انگشتان بزرگ پارا کافور مالید.

حیض: عادت ماهیانه زنان; قاعدگی

«خ»

خالی از قوّت نیست: فتوا این است، معتبر است; مگر اینکه در ضمن کلام، قرینه ای بر ضد این معنی بیان شود.

خالی از وجه نیست: فتوا این است; بی مورد نیست، مگر اینکه در ضمن کلام، قرینه ای بر ضد آن معنی بیان شود.

خُبره: کارشناس; متخصص.

خَبیث: زشت; پلید.

خُسوف: ماه گرفتگی; زمانی که زمین بین ماه و خورشید قرار می گیرد.

خضاب: رنگ کردن; رنگ کردن

موی سر، ریش، دستوپا

خمر: شراب؛ می؛ باده

خمس: یک پنجم؛ بیست درصد خالص درآمد سالیانه که باید به مرجع تقلید پرداخت شود.

خوف: ترس؛ بیم؛ واهمه؛ هراس.

خون جهنده: اگر رگ حیوانی را ببرند، خون با جستن بیرون می آید.

خیار: انتخاب بهتر؛ اختیار بهم زدن معامله، که در مورد طرفین معامله یا یکی از آنها می توانند معامله را باطل کنند.

«د»

دائمه: زنی که با عقد دائم به همسری مردی درآمده باشد.

دایه: زنی که فرزند دیگری را شیر دهد.

دُبُر: پشت؛ مقعد.

دعوی: دادخواهی

دُمل: زخم

دینار: هر دنیار یک مثقال شرعی است که هر مثقال، ۱۸ نخود است. چهار مثقال شرعی سه مثقال معمولی است.

دیه: مالی که در مقابل خون مسلمان یا نقص بدنی او پرداخت شود.

«ذ»

ذبح شرعی: کشتن حیوانات حلال گوشت طبق ضوابط شرعی

ذمّه: تعهد به انجام عملی یا ادای چیزی؛ عهده

ذُرّیّه: فرزندان؛ نسل

ذمّی: کافران اهل کتاب مانند یهود و نصارا که در مقابل تعهد شان نسبت به رعایت قوانین اسلامی از حمایت و امنیت نظام و حکومت اسلامی برخوردار می شوند و در کشورهای اسلامی زندگی می کنند.

«ر»

ربح: منفعتی که از راه تجارت بدست آید.

رجاء: امید; ضد یأس

رجس: پلیدی; زشتی

رجعت: بازگشت; رجوع

رَجم: سنگسار; سنگ زدن

رَد مظالم: چیزهایی که به عهده و گردن انسان است ولی صاحب آن معلوم نیست و یا در دسترس نیست، مانند این که انسان یقین دارد در مال یا اموال کسی غیر مجاز تصرف کرده و از این استفاده ضرری به آن شخص خورده است، حال برای این که یقین پیدا کند که برائت ذمه پیدا کرده است، باید مقدار معینی را از طرف صاحب آن مال یا اموال، به عنوان رد مظالم به مجتهد جامع الشرایط پرداخت نماید تا آن مجتهد آن را در جایی که شارع مشخص کرده است بپردازد.

رضاعی: همشیر; پسر و دختری که از یک زن شیر خورده باشند که با شرایطی نسبت به هم برادر و خواهر رضاعی می شوند و مَحرم ابدی هستند.

رکن: پایه; اساس

ریبه: شک; شبهه; تردید

«ز»

زائد بر مؤونه: زیادی از مخارج; اضافه بر هزینه زندگی

زانی: مرد زناکار

زانیه: زن زناکار

زکات: پاکی از آلودگی; خارج کردن قسمتی از چیزی جهت پاکیزه کردن آن. مقدار معینی از اموال خاص انسان در صورت رسیدن به حد مشخص که باید در موارد معینی مصرف شود. زکات به نُه (۹) چیز تعلق می گیرد.

زکات فطره: حدود ۳ کیلوگرم گندم، جو، ذرت و غیره یا قیمت آنها که در عید فطر باید به فقرا داده شود و یا در مصارف دیگر زکات صرف گردد.

زهار: پایین شکم، موی زهار: موی اطراف شرمگاه

زهدان: رحم; جای بچه در شکم مادر

«س»

سائل: کسی که مالی را طلب کند; گدا; محتاج

سبیل الله: راه خدا; هر کار خوبی که برای خدا انجام دهند.

سجده: بر زمین گذاشتن پیشانی، کف دستها، سر زانوها، سر دو انگشت پاها، برای عبادت یا اظهار فروتنی; یکی از ارکان نماز

سجده تلاوت: سجده ای که به واسطه قرائت یا شنیدن آیات سجده دار قرآن باید انجام داد. تعداد آیات سجده دار قرآن ۱۵ تاست. ۴ مورد آنها سجده واجب و ۱۱ مورد آنها سجده مستحب است. سجده های واجب قرآن(سجده، ۱۵ فصلت، ۳۷ نجم، ۶۲ علق، ۱۹)

سجده های مستحب قرآن(اعراف، ۲۰۶ رعد، ۱۵ نمل، ۴۹ اسراء، ۱۰۷ مریم، ۵۸ حج ۱۸ و ۷۷ فرقان، ۶۰ نحل، ۲۵ ص، ۲۴ انشقاق، ۲۱)

سجده سهو: سجده ای که نمازگزار در برابر اشتباهاتی که در حین نماز از او سر زده است، به جای کمی می آورد.

سرگین: مدفوع حیوانات

سفیه: بی عقل; دیوانه; کسی که قدرت نگهداری مال خویش را ندارد

و سرمایه اش را در کارهای بیهوده خرج می کند و یا به کارهای غیر عقلانی دست می زند.

سقط شده: افتاده; جنین نارس، ناقص یا مرده که قبل از موعد تولد از رحم زن خارج شده است.

سوره عزائم: سوره هایی که در آنها آیه ای قرار دارد که موجب سجده واجب می شود، که عبارتند از سوره های «فصلت» «نجم» «سجده» «علق»

سنت: سیره; روش

«ش»

شارب: سبیل

شاخص: چوب یا وسیله ای که برای تعیین ظهر شرعی در زمین نصب کنند.

شُرب: نوشیدن; آشامیدن

شفق: سرخی مغرب پس از غروب آفتاب

شارع: بنیانگذار شریعت اسلامی; خداوند، پیامبر اکرم(ص)

شیر کامل: روشی است برای مَحرم شدن نوزادی که متعلق به زن و شوهر نیست; بدین طریق که نوزادی که ۲ سالش تمام نشده ۱۵ مرتبه شیر سیر بخورد و یا یک شبانه روز فقط شیر آن زن را بخورد و در این بین شیر کس دیگر یا غذای دیگر نخورد.

شیربها: پول یا مالی که داماد (یا کسانش) در هنگام ازدواج به خانواده عروس می دهند.

«ص»

صائم: روزه دار

صاع: پیمانه ای به گنجایش حدود ۳ کیلوگرم; پیمانه ای که در کفارات و فطره بکار می رود.

صباوات: کودکی; طفولیت; از ۳ تا ۵ سالگی کودک

صَبّی: کودک; کودک شیرخوار; جمع آن صبیان

صداق: مَهر

صرف برات: نقد کردن برات; در زمانی که برات به صورت مدت دار تنظیم می شود و طلبکار از بدهکار میخواهد طلبش را زودتر از وقت تعیین شده بدهد با شرط اینکه مقداری از مبلغ برات را کم کند. به «برات» نیز مراجعه شود.

صحیح: در اصطلاح حدیث، حدیثی صحیح است که ناقلان آن همگی بالغ و امامی مذهب باشند مراجعه سلسله سند به معصوم برسد.

صغیر: خردسال; کوچک; سنی که موظف به انجام تکالیف شرعی نیست یا سنی که هنوز به سن قانونی نرسیده است.

صلح: حق دست کشیدن مدعی یاصاحب حق از حق خود و واگذاشتن آن به دیگری در عوض چیزی یا بدون آن.

صوم: روزه داشتن

صِهر: داماد

«ض»

ضعف مفرط: ضعف شدید: ناتوانی و سستی شدید

ضِماد: دارو زخم; مرهم زخم

ضِمان: به عهده گرفتن; متعهد شدن; عهده دار گشتن

«ط»

طبخ: پختن

طفل مُمیز: بچه ای که خوب و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد.

طلاق: گسستن پیمان زناشویی; رهایی

طلاق بائن: طلاقی است که بعد از آن مرد حق رجوع به همسرش را ندارد مگر این که وی را مجدداً عقد نماید.

طلاق خُلع: طلاقی است که زن علاقه و تمایلی به شوهرش ندارد، مهر یا مال دیگری (غیر از مَهر) را به مرد می دهد تا طلاق گیرد.

طلاق رجعی: طلاقی است که مرد می تواند در عده طلاق به همسرش رجوع کند.

طلاق مُبارات: طلاقی است که زن و مرد هیچ تمایلی و علاقه ای به هم ندارند و زن مقداری مال به مرد می دهد تا طلاق صورت پذیرد.

طواف: گرد چیزی گشتن; دور زدن; و در شرع عبارت است از ۷ دور طبق شرایط خاص دور کعبه چرخیدن.

طواف نساء: آخرین طواف حج و عمره مفرده که ترک آن باعث حرام بودن همبستری طواف کننده با همسرش می شود.

طوق: گردن بند; آنچه به گردن بیاویزند.

طُمأنینه: آرامش

طهارت: پاکی; نظافت; حالتی است که در نتیجه وضو، غسل، تیمم و تیمم بدل از غسل و وضو در انسان حاصل می شود.

طهارت ظاهری: تا انسان علم و یقین به نجاست چیزی نداشته باشد، آن شیء طاهر و پاک است.

«ظ»

ظاهر این است: فتوا این است، مگر این که در کلام قرینه ای برای قصد دیگری باشد.

ظِلّ: سایه

ظُهر: نیمروز; ظهر شرعی وقتی است که سایه شاخص به کمترین حد آن برسد یا محو شود که ساعت آن با توجه به فصول مختلف و افق های گوناگون، فرق دارد.

«ع»

عاجز: درمانده; ناتوان

عادت ماهانه: حیض; قاعدگی

عادل: کسی که دارای عدالت باشد; کسی که کارهای خوب و شرعی را انجام دهد و از کارهای غیر شرعی اجتناب کند.

عاریه: استفاده موقت از مال کسی بدون پرداخت سود.

عاصی: نافرمان; کسی که نسبت به احکام الهی نافرمان باشد.

عاق: نافرمان; آزار دهنده مادر و پدر

عاطل: بیهوده; بیکاره

عاقد: عهد کننده; اجراء کننده صیغه در معامله.

عایدات: درآمد.

عَبث: بیهوده

عُدول: برگشتن; رجوع کردن; بازگشتن

عُدول مجتهد: برگشتن رأی و نظر مجتهد از فتوای قبلی، در جایی که به مدرک و دلیلی جدید دسترسی پیدا می کند.

عِدّه: دوران ممنوعیت زن از ازدواج، پس از طلاق یا ترک شوهرش

عذر شرعی: بهانه شرعی; توجیه شرعی

عُرف: فرهنگ عموم مردم; عادت

عَرق جُنُب از حرام: عرقی که پس از آمیزش نامشروع یا استمناء از بدن خارج شود.

عَزل: کنار گذاشـتن. بیرون ریختن منی مرد خارج از رحم زن برای جلوگیری از حاملگی. برکنار کردن وکیل یا مأمور خود از کار.

عُسرت: سختی; تنگدستی.

عقیقه: قربانی کردن حیواناتی نظیر گوسفند، گاو یا شتر برای نوزاد تازه متولد شده با شرایط خاص.

علقه: صورتی که جنین در رحم زن به صورت آویزان شده یا جایگزین شده یا خون بسته باشد.

عُقود: قراردادهای دو طرفه

عمّال: کارگزاران

عمداً: از روی قصد; کاری را با علم و آگاهی انجام دادن

عمل به احتیاط: کسی که تکالیف شرعی خود را به گونه ای انجام دهد که

یقین پیدا کند از نظر شرعی تکالیفش را انجام داده است، عمل به احتیاط کرده است.

عِنّین: مردی که قادر به آمیزش جنسی نباشد.

عین نجس: آن چیز که به خودی خود نجس باشد، بدون اینکه به واسطه تماس با چیز دیگری نجس شده باشد; مثل خون، مردار

«غ»

غائط: مدفوع

غرض عقلانی: هدف عقلانی; هدفی که از نظر عقلا قابل قبول باشد.

غُساله: آبی که پس از شستن چیزی با فشار یا خود به خود از آن می چکد و جدا می شود.

غُسل: شستشو; شستن تمام بدن با کیفیت مخصوص.

غسل ارتماسی: به نیت غسل، یک مرتبه در آب فرو رفتن

غسل ترتیبی: به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست، بعد طرف چپ را شستن.

غسل واجب: غسلی که انجام دادن آن الزامی می باشد و آنها عبارتند از: ۱ غسل جنابت ۲ غسل حیض ۳ غسل نفاس ۴ غسل استحاضه ۵ غسل مس میت ۶ غسل میت ۷ غسلی که بواسطه قسم یا نذر واجب شده باشد.

غسل مستحب: غسلی که در ایام خاص یا عبادات یا زیارات یا شب های خاص می توان انجام داد; مثل غسل زیارت، غسل جمعه، غسل توبه.

غسل جبیره: غسلی که اگر در اندام انسان جبیره باشد صورت می گیرد و باید به صورت غسل ترتیبی باشد.

غِش: تقلب; خیانت; تردید.

غِش در معامله: اگر کسی جنس مرغوب را با جنس نامرغوب مخلوط کند و بدون اطلاع مشتری، آنها را به او بفروشد.

«ف»

فتوا: رأی و نظر فقیه در مسائل شرعی

فجر: روشنی آخر شب

فجر اول و دوم: نزدیک اذان صبح از طرف شرق سپیده ایی (روشنایی) به طرف بالا حرکت می کند که آن را «فجر اول» می نامند. زمانی که این سپیده یا روشنایی پخش شد، «فجر دوم» است و اول نماز صبح.

فجر صادق: منظور فجر دوم است.

فجر کاذب: منظور فجر اول است.

فُرادا: تنهایی و جدا; نماز فرادا یعنی نمازی که شخص به تنهایی بخواند نه با جماعت

فرایض: واجبات; جمع

فریضه.

فَرْج: عورت انسان; شرمگاه.

فرض: امر الزامی; امری که انجام دادن آن واجب است.

فضله: مدفوع حیوانات.

فطره: زکاتی که پس از پایان ماه مبارک رمضان بر هر مسلمان واجد شرایط، واجب است.

فطریه: زکات فطره.

فُقّاع: آبجو.

فقیر: محتاج; کسی که نیازمند تأمین مخارج سال خود و خانواده اش باشد و قادر نباشد مایحتاج روزانه خود را تأمین کند.

«ق»

قاصر: کسی که در مورد کاری کوتاهی کرده است.

قُبُل: جلو; پیش; کنایه از اندام تناسلی انسان.

قتل نفس محترمه: کشتن کسی که خونش از نظر شرعی محترم است و نباید کشته شود.

قتل شبه عمد: کشتن غیر عمد یا کشتن خطایی، اشتباهی که باید در مقابل کفاره و دیه بدهد.

قذف: نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری.

قرائت: خواندن; مراد خواندن حمد و سوره در نماز می باشد.

قُروح: دُمَلها; زخمها; زخمهای چرکین; جمع قُرح

قریب: نزدیک

قسم: سوگند; قسم شرعی; قسمی است که به یکی از اسامی خداوند بیان شود مانند بالله، والله، تالله .

قَصر: کوتاه کردن.

نماز قَصر: نماز کوتاه شده; نماز مسافر.

قصد اقامه: تصمیم مسافر به ماندن ده روز یا بیشتر در یک محل.

قصد انشاء: تصمیم به ایجاد یک امر اعتباری مانند خرید و فروش همراه با ادای کلمات مربوط .

قصد رجاء: تصمیم فرد برای انجام کاری به امید قبول در درگاه الهی.

قصد قربت: تصمیم فرد برای انجام کاری برای نزدیک شدن به مقام رضا و قرب الهی.

قصد ورود: تصمیم فرد برای انجام کاری یا ذکری که در شریعت وارد شده.

قضاء: به جا آوردن عملی که وقت آن گذشته است، مانند قضاء روزه یا نماز.

قَفا: پشت سر و گردن

قُعود: نشستن

قلیل: کم; اندک

قَوّاد: رابط زنا

قوی: محکم; در مورد احکام یعنی فتوا .

قیام: ایستادن; اقامه نماز.

قیام متصل

به رکوع: قیام و ایستادنی که نمازگزار بعد از رکوع باید انجام دهد و از ارکان نماز است.

قی: استفراغ

قَیّم: سرپرست; حامی; کفیل; کسی که بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع مسؤولیت امور یتیم را به عهده می گیرد.

«ک»

کافر: کسی که اعتقادی به توحید و نبوت ندارد.

کافر حربی: کافری که با مسلمانان در حال جنگ باشد

کافر ذمّی: اهل کتاب که در کشورهای اسلامی با شرایط مخصوص در پناه حکومت، زندگی می کنند.

کافور: ماده ای سفید رنگ و خوش بو که بدن میت می مالند.

کبیره: گناه بزرگ

کتاب: در اصطلاح فقه مقصود «قرآن» است

کبیسه: هر ۴ سال یکبار یک روز به سال اضافه می شود، که آن سال را سال کبیسه می گویند; سالی که در آن اسفندماه ۳۰ روز باشد.

کتمان شهادت: پنهان کردن گواهی; از گناهان کبیره

کثیرالشک: کسی که زیاد شک می کند.

کراهت: کاری که ترک آن بهتر از انجام آن است هر چند برای انجام آن منعی نباشد. کراهت در امور عبادی به معنای کمی ثواب است.

کفاره: کاری که انسان برای محو و جبران گناهش انجام می دهد.

کفالت: ضمانت; به عهده گرفتن

کفایت: کافی بودن

کفیل: ضامن; عهده دار

کما فی السابق: قبلا; مثل قبل

«ل»

لازم: واجب؛ اگر مجتهد دلیل الزامی بودن امری را از آیات و روایات استفاده کند به طوری که بتواند آن را به شارع نسبت دهد، تعبیر به «واجب» می کند و اگر الزامی بودن آن را به طریق دیگری از قبیل ادله عقلیه استفاده کند به طوری که استفاده آن به شارع ممکن نباشد، تعبیر به «لازم» می کند این تفاوت در «احتیاط لازم» و «احتیاط واجب» نیز وجود دارد. در نتیجه در مقام عمل برای مقلد تفاوتی بین لازم و واجب نیست.

لاف زدن: به دروغ خود ستایی کردن.

لَحَد: گور؛ شکافی در گور که جای سر مرده است.

لِحیَه: ریش

لِعان: قَسمی که باعث باطل شدن ازدواج می شود. بدین صورت که مرد،

به زن خود نسبت زنا بدهد و در نزد حاکم ۴ بـار قسم بخورد و زن نیز ۴ بار قسم بخورد و این ادعا را رد کنـد، حـد زنا و حد قذف از آنها ساقط می شود و برای همیشه بر یکدیگر حرام خواهند شد.

لغو: بیهوده; بی فایده; سخن باطل

لقاح: کاری که با اتحاد دوگانه نر و ماده انجام می شود و یاخته یگانه ایی به وجود می آید; جفت گیری

لقطه: مالی که گم شده و صاحب آن معلوم نیست مانند: مالی که در خیابان پیدا شود.

لَهو: بازی; سرگرمی

لوث: پلیدی; آلودگی

لیله الـدفن: شب دفن میت; اولین شبی که میت را در قبر می گذارنـد، یکی از مسـتحبات این شب، خواندن نماز وحشت (نماز لیله الدفن) برای میت است.

«م»

مأثور: نقل شده

ماترک: آنچه از متوفی باقی بماند.

مأذون: اذان داده شده; اجازه داده شده

مال الاجاره: مالی که مستأجر در مقابل اجاره می پردازد.

مال المصالحه: مالی که در مورد صلح قرار گرفته است.

مالیّت شرعی: مالی که از نظر شرع، مقدس و قابل قبول باشد.

مـالیّت عرفی: چیزهـایی که از نظر عرف مردم (عمـوم مردم) مـال محسوب می شود، هر چنـد که از نظر اسـلام مـالیّت نداشـته باشد، مثل شراب و خوک

ماههای حرام: چهار ماه قمری یعنی ماههای رجب، ذیقعـده، ذیحجه، محرم که جنگ در این ماهها حرام است. اگر قتل در این ماهها صورت گیرد ثلث دیه به دیه اضافه خواهد شد.

ماههای شمسی: دوازده ماهی که از فروردین شروع و در اسفند پایان می یابد.

ماههـای قمری: دوازده مـاهی که از محرم شـروع و در ذیحجه پایـان می یابـد. به ماههای قمری، «ماههای هلالی» نیز گفته می

شود.

مأموم: پیرو، کسی

که در نماز به امام جماعت اقتدا کند.

مؤونه: مخارج یا هزینه

مُباح: هر کاری که از نظر شرعی نه پسنده است و نه ناپسند.

مبتدئه: زنی که برای اولین بار عادت شود.

مُبطل: باطل کننده عبادت; جمع آن مبطلات است

متابعت: پیروی کردن

متأذی: آزار دیده; اذیت شده

متعه: زنی که با عقد موقت به همسری مردی در آمده باشد.

مُتمکِنّ: کسی که توانایی دارد.

مُتنجِّس: هر چیزی که ذاتاً پاک است ولی در اثر برخورد مستقیم و غیر مستقیم با شی نجس، آلوده شده باشد.

متولی: سرپرست

مُثله: بریدن گوش یا بینی یا لب کسی

مجتهد: کوشا; کسی در فهم و بدست آوردن احکام الهی به درجه اجتهاد رسیده و دارای قدرت علمی مناسبی است که می تواند احکام الهی و شرعی را از روی کتاب (قرآن) و سنت (روش) رسول الله(ص) و ائمه اطهار(ع) استباط کند.

مجتهد جامع الشرایط: مجتهدی که شرایط مرجعیت تقلید را دارا باشد

مجهولُ المالک: مالی که معلوم نیست متعلق به چه کسی است. مانند مالی که در ماشین یا مسافرخانه پیدا می شود.

مُجزی است: کافی است.

محتضر: کسی که در حال جان کندن است.

مُحتلم: کسی که در حال خواب، منی از او خارج شده باشد.

مُحْدث: فاقد طهارت; بدون طهارت.

مَحذور: مانع; آنچه از آن پرهیز گشته است.

مَحرم: فامیل های نزدیک; کسانی که ازدواج با آنها حرام ابدی است.

مُحرم: کسی که در حال احرام حج یا عمره باشد.

مُحَرم: چیزی که حرام است; اولین ماه از سال قمری.

محظور: ممنوع; قدغن

محل اشکال است: اشکال دارد; قبول صحت و تمامیت آن مشکل است. مقلد در این مورد می تواند به مجتهد دیگری رجوع کند.

محل تأمل است: باید احتیاط کرد. مقلد در این مورد می تواند به مجتهد

دیگری رجوع کند.

مُخمس: مالی که خمس آن داده شده است.

مُخیّر است: فتواست. مقلد باید یکی از دو طرف را انتخاب کند. اختیار داده شده.

مُدّ: پیمانه ایی که گنجایش سه ربع کیلو معادل ۸۸۳/۶۹۴ گرم است

مَذْموم: ناپسند; نکوهیده

مَذی: رطوبتی که پس از مُلاعبه از انسان خارج شود.

مرتد: از دین برگشته; از دین خارج شده; مسلمانی که منکر خدا و رسول الله(ص) یا حکمی از احکام ضروری اسلام شده که این انکار به انکار خدا و رسولش می انجامد.

مرتد فطری: کسی که از پدر یا مادر مسلمان متولد شده و خودش مسلمان بوده و بعد از دین خارج شده باشد، توبه مرتد فطری قابل قبول نیست.

مرتد ملی: کسی که از پدر یا مادر غیر مسلمان متولد شده و کافر بوده بعد مسلمان شود و دوباره کافر گردد. توبه مرتد ملی قابل قبول است.

مرقوم: نوشته شده

مُردار: حیوانی که خود به خود مرده باشد و یا بدون شرایط لازم کشته شده باشد.

مزارعه: قراردای که بین مالک زمین و کشاورز منعقد می شود که براساس آن مالک درصدی از محصول کشاورزی را صاحب می شود.

مَس: لمس کردن

مُساحقه: تماس و مالیدن اندام تناسلی یک زن به اندام تناسلی زن دیگر برای کسب لذت جنسی.

مساقات: قراردادی که بین صاحب باغ و باغبان منعقد می شود و بر اساس آن باغبان در برابر آبیاری و نگهداری از درختان، حق استفاده از مقدار معینی از میوه باغ را بدست می آورد.

مس میت: لمس کردن انسان مرده; دست مالیدن به انسان مرده.

مُستحاضه: زنی که در حال استحاضه باشد.

مستحب: مطلوب; پسندیده; هر کاری که انجام آن موجب ثواب است اما ترک آن عِقاب و مجازات ندارد.

مستطیع:

توانا; کسی که امکانات و شرایط سفر حج را داشته باشد.

مستلزم: آنچه که چیز دیگری را لازم دارد، چیزی که لازمه چیز دیگری باشد.

مستمع: شنونده; گوش دهنده.

مستهلک: نابود شده; از میان رفته; نیست شده.

مسح: دست کشیدن بر چیزی; دست کشیدن بر فرق سر و روی پاها با رطوبت باقیمانده از شستشوی صورت و دستها در وضو.

مُسکرات: چیزهای مست کننده.

مسکین: بیچاره; مفلوک; کسی که از فقیر هم محتاج تر باشد.

مشروط: شرط شده.

مشقّت: رنج; دشواری; سختی.

مُصافحه: دست دادن با یکدیگر.

مصالحه(صلح): سازش; آشتی; توافق طرفین; اصطلاح فقهی آن این است که انسان با دیگران توافق کند که مقداری از مال یا سود خود را به طرف مقابل ببخشد یا از طلب، یا حق خود بگذرد.

مُضاربه: معامله ای که در آن یکی مالی را به دیگری بدهد تا با آن تجارت یا کسب و کار کند و سود بر اساس قرار قبلی میانشان تقسیم شود.

مُضطر: ناچار; ناگزیر.

مضطربه: زنی که عادت ماهیانه اش بی نظم است.

مُضْغه: تکه گوشتی شبیه اسفنج که مقدمه غضروف و استخوان شدن باشد; از مراحل جنین .

مضمضه: چرخاندن آب در دهان.

مضیقه: تنگدستی; سختی; دشواری; تنگنا.

مطلقاً: به طور کلی; ابداً بدون هیچ قید و شرطی.

مطَلَقّه: زن طلاق داده شده.

مُطَهَّرات: پاک کننده ها .

مظالم: ستمها; جمع مظلمه: دادخواهی.

مُعانقه: دست به گردن یکدیگر درآوردن; یکدیگر را در آغوش کشیدن.

مُعَوِّذَتَین: دو پناهگاه; دو سوره آخر قرآن یعنی سوره های «فلق» (قل اعوذ برب الفلق) و «الناس»(قل اعوذ برب الناس). خواندن این دو سوره باعث نگهداری فرد از هر گزندی خواهد شد.

معهود: معمول و متداول; شناخته شده; آنچه بطور ضمنی مورد قبول باشد.

مُفطِرات: چیزهایی که روزه را باطل می کند

مانند خوردن، آشامیدن، سربه زیر آب فرو بردن و...

مُفلس: تهیدست; بی پول; بویژه کسی که بعداً بی چیز و تهیدست شود.

مقاربت: آمیزش جنسی; نزدیکی کردن.

مُقارن: همراه; نزدیک

مُقَلِّد: تقلید کننده; پیروی کننده

مُقَلَّد: کسی که از او تقلید می کنند; مجتهدی که در احکام شرعی صاحب رأی و فتوی است.

مکروه: ناپسند; نامطلوب; آنچه انجام آن حرام نیست ولی ترکش بهتر است

مُکَلَّف: انسان بالغ و عاقل که به سن تکلیف رسیده باشد.

ملاعبه: بازی کردن; معاشقه کردن.

ممیز: بچه ای که خوب و بد را تشخیص می دهد.

مَندوب: مستحب

منذور لَه: کسی که به سود او نذر شده است.

منسوخ: نسخ شده; از بین رفته.

منوط: وابسته; معلق.

موازین شرعیه: معیارهای شرعیه.

مواضع هفتگانه: هفت عضوی که هنگام سجده روی زمین قرار می گیرد، شامل: پیشانی، کف دست ها، سر زانوها، سر انگشتان بزرگ پاها .

موافق احتیاط: فتوایی که به احتیاط نزدیکتر است.

موالات: پشت سر هم; پیاپی انجام دادن.

موثق: مورد اعتماد

موجر: اجاره دهنده

منسوخ: از بین رفته; نسخ شده

مورد اشکال است: محل اشکال است; صحیح نیست; در این مورد می توان به مجتهد دیگری رجوع کرد.

موکِّل: وکیل کننده

میْتِه: مردار

«ن»

نائم: خواب; خفته

نادم: پشیمان

ناسیه: زنی که وقت عادت ماهیانه خود را فراموش کرده باشد

نافله: نماز مستحبی

نجس: ناپاک; پلید

نساء: زنان

نصاب: حد مشخص; مقدار معین

نصاب زکات: مقدار مشخصی که برای هر یک از موارد وجوب زکات در نظر گرفته شده است.

نفاس: خونی که بعد از زایمان از رحم زن خارج می شود

نفساء: زنی که خون نفاس ببیند; زن در حال نفاس

نفس محترمه: کسی که کشتن و آزار او حرام باشد.

نکاح: ازدواج کردن; زناشویی

نماز آیات: دو رکعت نماز مخصوص که در مواردی نظیر زلزله، کسوف (خورشید گرفتگی) و خسوف(ماه

گرفتگی) واجب است خوانده شود.

نماز احتیاط: نماز یک رکعتی یا دو رکعتی (بنا بر شکی که در مورد رکعات می کند) بدون سوره و قنوت که برای جبران شک در تعداد رکعات خوانده می شود.

نماز اخفاتی: مقصود نمازهایی است که مردان باید حمد و سوره را آهسته بخوانند یعنی نمازهای ظهر و عصر

نماز استسقاء: نمازی با آدابی مخصوص که برای طلب باران در بیرون از شهر خوانده می شود.

نماز تراویح: نمازی که اهل سنت در ماه رمضان خواندن آن را مستحب می دانند، این نماز را شیعه قبول ندارد.

نماز جعفر: نمازی است که حضرت رسول(ص) به جعفر بن ابیطالب هنگام بازگشت وی از حبشه به او تعلیم دادند. این نماز بسیار با فضیلت است که برای برآورده شدن حاجات بسیار معتبر است. نماز جعفر طیار دو نماز دو رکعتی با کیفیت خاص است.

نماز جماعت: نماز واجبی که دو نفر یا بیشتر با امامت یکی از آنها (به شرط عدالت) بجای می آورند.

نماز جمعه: دو رکعت نماز مخصوص که در زوال جمعه به جای نماز ظهر و بطور جماعت برگزار می شود و نباید تعداد آنها کمتر از ۵ نفر باشد.

نماز حاجت: نمازی مخصوص که جهت برآورده شدن حاجات و حل مشکلات خوانده می شود.

نماز خوف: نمازهای واجب یومیه انسان در حال جنگ که با کیفیت مخصوص و به طور مختصر خوانده می شود.

نماز شب: نافله شب; نمازی است مستحبی در ۸ رکعت به صورت ۴ نماز دو رکعتی که در ثلث آخر شب خوانده می شود.

نماز شب اول قبر: نماز وحشت; نماز لیله الدفن; دو رکعت نماز مستحبی برای رفع وحشت میت در اولین شب

دفن میت به نامش خوانده می شود.

نماز شَفع: دو رکعت نماز مستحبی که پس از هشت رکعت نماز شب، پیش از نماز وَتر خوانده می شود.

نماز طواف: دو رکعت نماز که در مراسم حج و عمره پس از انجام طواف، پشت مقام ابراهیم خوانده می شود.

نماز طواف نساء: دو رکعت نماز که پس از طواف نساء پشت مقام ابراهیم خوانده می شود.

نماز عید: دو رکعت نماز مخصوص که در روز عید فطر(اول ماه شوال) و عید قربان (دهم ذیحجه) به جماعت خوانده می شود.

نماز غدیر: نمازی مخصوص در دو رکعت که هیجدهم ذیحجه خوانده می شود.

نماز غفیله: دو رکعت نماز مخصوص مستحبی که پس از نماز مغرب تا وقتی سرخی مغرب از بین نرفته خوانده می شود.

نماز قصر: نماز کوتاه؛ نماز مسافر؛ نمازهای چهار رکعتی که باید در سفر بصورت دو رکعتی خوانده شود.

نماز لیله الدفن: به «نماز شب اول قبر» مراجعه شود.

نماز مسافر: «به نماز قصر» مراجعه شود.

نماز مستحب: هر نمازی که خواندن آن کاری است پسندیده اما واجب نیست.

نماز میّت: نمازی مخصوص با ۵ تکبیر که باید بر جنازه مسلمان خوانده شود، داشتن وضو در آن شرط نیست.

نماز واجب: نمازهایی که خواندن آنها برای هر مکلفی واجب و لازم است. این نمازها عبارتند از: نمازهای یومیه، نماز آیات، نماز میت، نماز طواف، نماز قضای پدر و مادر برای فرزند پسر ارشد، نمازی که انسان با قسم، نذر و عهد برای خود واجب کرده است.

نماز وَتر: یک رکعت نماز مخصوص که پس از نماز شَفع خوانده می شود و آخرین رکعت از ۱۱ رکعت نماز شب است

نماز وحشت: به «نماز شب اول قبر» قبل

مراجعه شود

نماز وُسطی: نماز ظهر

نماز یومیه: نماز روزانه; نمازهای واجب که در هر شبانه روز باید خوانده شود که مجموعاً ۱۷ رکعت است.

نماز نوافل یومیه: نمازهای مستحبی روزانه که هر شبانه روز خوانده می شود، مجموعاً ۳۴ رکعت است و در روز جمعه ۳۸ رکعت، یعنی دو رکعت نافله صبح; هشت رکعت نافله ظهر; هشت رکعت نافله عصر; چهار رکعت نافله مغرب; دو رکعت نافله عشاء(که چون نشسته خوانده می شود، یک رکعت به حساب می آید); یازده رکعت نافله شب. در روز جمعه، ۴ رکعت به نافله های ظهر و عصر اضافه می شود.

نیت: قصد; تصمیم به انجام عمل دینی و شرعی با هدف تقرب و نزدیکی به خداوند.

«و»

واجب: لازم; حتمی; هر کاری که انجام آن از نظر شرعی الزامی است.

واجب عینی: واجبی که بر تمامی مکلفین واجب است و انجام آن توسط شخص یا اشخاصی از دیگران ساقط نمی شود، مانند نماز و روزه.

واجب کفایی: واجبی که اگر به حد کافی کسانی نسبت به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می شود، مانند غسل میت که بر همه واجب است زمینه غسل میت را فراهم کنند، اما اگر کسی یا عده ای به آن اقدام کردند، از دیگران ساقط است.

وارث: کسی که ارث می برد; جمع آن ورثه.

واقف: وقف کننده.

وثیقه: سپرده; گرویی.

وجه: دلیل: عنوان; صورت.

ودی: رطوبتی که گاهی پس از خروج ادرار مشاهده می شود.

ودیعه: امانت; مالی که نزد کسی بگذارند تا آن را حفظ کند.

وَذی: رطوبتی که گاهی پس از خروج منی مشاهده می شود.

وصل به سکون: حرکت آخر کلمه ای را انداختن و بدون وقف آن را به کلمه

بعدی چسباندن.

وصی: کسی که مسؤولیت انجام وصیتی را به عهده داشته باشد.

وصیت: سفارش; توصیه هایی که انسان برای انجام کارهای بعد از مرگش به دیگری می کند.

وضو جبیره: اگر در اندام محل وضو، جبیره باشد، باید وضو جبیره گرفت بدین طریق که اگر مثلا بر روی دست یا پای انسان گچ گرفتگی یا باند زخم باشد باید دست تر را روی آن کشید و یا اگر زخم می باشد، باید پارچه ای تمیز را روی آن قرار داد و دست تر را روی آن کشید.

وطن: جایی که انسان برای زندگی و اقامت اختیار می کند.

وطی: عمل جنسی انجام دادن.

وقف: عقد یا قراردادی که بر پایه آن کسی; واگذاری، فروش یا تملک ملک یا مالی را ممنوع کند تا منافع آن به مصرف معینی برسد.

وکیل: نماینده، کسی که از طرف شخص اختیار انجام کارهای او را داشته باشد.

ولایت: سرپرستی; اختیار داشتن.

ولیّ: کسی که بر اساس دستور شارع مقدس سرپرست دیگری باشد، مانند پدر یا پدر بزرگ

وَیل: وای

«ه»

هِبه: انعام; بخشش

هتک: بی احترامی; بی حرمتی.

هجری: منسوب به هجرت حضرت رسول(ص) از مکه به مدینه. سال هجری از «مُحرم» شروع می شود و به «ذیحجه» ختم می گردد که معادل ۳۵۴ روز می باشد. در احکام شرعی نظیر مکلف شدن دختر و پسر همین تاریخ معتبر است. سال هجری از سال میلادی ۶۲۲ سال و از سال شمسی ۱۱ روز کمتر است.

«ی»

یائسه: زنی که سنش به حدی رسیده است که عادت ماهیانه نمی شود

زندگینامه حضرت آیت الله العظمی روحانی (مدظله العالی)

ولادت

حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد صادق حسینی روحانی (مدظله العالی) مردی از تبار مرزبانان دین، فقیه اصولی، برج بلند مرجعیت و زعامت حوزه های علمیه، صدای رسای آزادی و عدالتخواهی، مجاهد و مبارزه خستگی ناپذیر در ماه شهادت جد غریبش آقا اباعبدالله الحسین(ع) محرم الحرام سال ۱۳۴۵ ه ق، ۱۳۰۵ ه. ش، تابستان ۱۹۲۶ میلادی در شهر دیرپای علم و تمدن و اندیشه و فرهنگ اسلامی قم در خاندانی حسینی تبار، با پیشینه ای از علم و تقوی و فضیلت دیده به جهان گشود.

والدین

والدشان مرحوم حضرت آیت الله آقای حاج میرزا محمود روحانی (قدس سره) از مفاخر روحانیت و حوزه علمیه قم است که در سال ۱۳۰۷ (ه. ق) در قم بدنیا آمد.

در سال ۱۳۳۰ (ه. ق) وارد نجف اشرف شد تا از محضر حضرات آیات عظام آسید ابوالحسن اصفهانی (ره) و میرزای نائینی(ره) بهره ها برد. مدتی در مشهد مقدس از شاگردان مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی (ره) بود. بعد از آن به حوزه علمیه قم آمدند. با تلاش، کوشش و پایمردیهای ایشان، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری (ره) به قم آمدند و تدریس علوم حوزوی را شروع کردند. ایشان از شاگردان خاص و مخصوص و مورد عنایت آیت الله حایری بودند.

این عالم متقی و زاهدِ متعبدِ با نفوذ، سالیان سال بعد از فوت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله العظمی آقای آسید صادق روحانی (ره) در مسجد آقا ضمن اقامه نماز جماعت، پاسخگوی مسائل شرعی و گره گشای مشکلات مردم بودند. از اقدامات ایشان می توان به همکاری با آیت

الله کاشانی در قضیه ملی شدن نفت، مبارزه جدی با رضاخان در مورد کشف حجاب و دین زدایی از مملکت، دعوت و تلاش برای ورود آیت الله العظمی حایری به قم، زمینه سازی برای تـدریس ایشان و همکاری، همفکری و یاری جهت تأسـیس حوزه علمیه قم و... را نام برد.

این مجتهـدِ عابـد در ۱۸ شـعبان ۱۳۸۱ (ه. ق) بعـد از یـک بیمـاری طولانـی وفـات یـافت. بـا پخش خـبر فوت این مرد بزرگ، شهرسـتان قم متلاطم، بازار، درسـها و اداره جات تعطیل گردید. در تشـییع جنازه بسـیار باشـکوه ایشان، علاوه بر حضور تمامی مراجع تقلید، بزرگان و مدرسـین حوزه، طلاب، بازاریان، کسـبه و اداره جات با افراشـتن پرچم عزا به صورت هیأت های سـینه زنی و زنجیر زنی شـرکت کردند و پس از اقامه نماز میت توسط فرزند برومندشان حضـرت آیت الله العظمی آقای سـید محمد صادق روحانی (دام ظله)، در مسجد بالای سر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شدند.

والده شان از سادات حسنی و فرزند آیت الله آقای حاج سید احمد طباطبایی قمی(ره) است که ایشان سالیان متمادی در صحن حضرت معصومه(س) اقامه نماز جماعت داشتند.

تحصیلات

حضـرت آیت الله دروس پایه ادبیات عرب را در قم نزد پـدر بزرگوارشان فرا گرفتنـد. سـپس در سال ۱۳۵۵ (ه ق) در سـن ۱۰ سالگی به همراه برادر بزرگترشان برای اسـتفاده از اساتیـد بزرگ و نام آور حوزه علمیهِ کهنِ نجف اشـرف، رنـج و مشـکلات هجرت از قم به نجف را پذیرا شدند!! به دلیل هوش و اسـتعداد فوق العاده و حیرت برانگیزشان دوره چند ساله دروس «سـطح» را در مدت یکسال به اتمام رساندند و به امتحان و

توصیه آیت الله العظمی خویی در سن ۱۱ سالگی وارد درس خارج فقه و اصول شدند. ورود یک نوجوان ۱۱ ساله به درس خارج فقه و اصول، آن هم همدوش طلاب با سابقه و بزرگسال حوزه علمیهِ کهنِ نجف، برای همگان حیرت آور و شوق آفرین بود.

آیت الله زاده میلانی نقل می کند که: «آیت الله العظمی خویی به پدرم آیت الله العظمی میلانی فرمودند: افتخار می کنم به حوزه ای که در آن نوجوان یازده ساله در کنار شاگردان بزرگسال و علمای بزرگ و همراه با آنان «مکاسب» را می خواند و مطالب مکاسب را بهتر از دیگران می فهمد وتحلیل می کند.»

علاقمندان به علوم اسلامی و حوزوی می دانند که کتاب ارزشمند «مکاسب» از تألیفات مرحوم شیخ انصاری است که در حوزه های علمیه تدریس می شود و یکی از کتابهای مهم و سنگین حوزوی است که فهمیدن و درک مطالب آن نیاز به شاگردان با کفایت و پر استعداد دارد.

اساتید

معظم له به دلیل علاقه و پشتکار فراوانشان هر روز در چندین درس مراجع و بزرگان حوزه علمیه که جهان اسلام و عالم تشیع به وجودشان افتخار می کند، شرکت می کردند. عمده اساتید ایشان عبارتند از:

۱ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خویی(قدس سره) (۱۴۱۳ ۱۳۱۷)

۲ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی(قدس سره) (۱۳۶۵ ۱۲۸۴)

۳ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی (قدس سره)(ت ۱۳۶۱)

۴ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد علی کاظمینی(قدس سره)

۵ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ کاظم شیرازی (قدس سره)

(۱۲۹۰ ۱۳۶۷)

۶ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمدرضا آل یاسین(قدس سره)

۷ حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد حسین طباطبایی بروجردی (قدس سره) (۱۳۸۰ ۱۲۹۲)

آیت الله العظمی روحانی از وجود تمامی اساتید نام آور خود استفاده نمودند و خود را همیشه مدیون محبتها و الطاف خالصانه آن بزرگواران (رضوان الله تعالی علیهم) می دانند. اما در این میان نقش آیت الله خویی برجسته تر و قابل توجه تر است. پرورش روح اجتهاد و تکوین فقهی و علمی ایشان، مرهون ۱۵ سال شرکت در دروس خصوصی و عمومی آیت الله العظمی خویی می باشد. هوش، پشتکار و استعداد معظم له، ایشان را مورد علاقه و توجه خاص اساتید و مراجع، بخصوص مورد عنایت خاصه آیت الله خویی قرار داده بود. آیت الله العظمی خویی (ره) در آن زمان، به اتفاق رأی اغلب علماء، بزرگان و کارشناسان فقه و اجتهاد ; یک فقیه بی نظیر بودند که در اغلب علوم حوزوی نظیر فقه، اصول، کلام، تفسیر، رجال، فلسفه; مجتهد و صاحب نظر بودند و آثار منتشره ایشان گواه این مدعاست.

در دروس عمومی آیت الله خویی صدها طلبه شرکت می کردند که امتیاز آیت الله العظمی خویی در شناخت و کشف استعدادهای طلاب تیزهوش و بسیار موفق بود و سعی فراوان می کردند تا آن طلبه را زیر نظر گرفته و با ایجاد ارتباط بیشتر با او; بتوانند در تربیت آن طلبه کوشا نقش بیشتری را ایفا کنند.

با ورود آیت الله روحانی در دوران نوجوانی به نجف اشرف و شرکت در دروس آیت الله العظمی خویی; حوزه علمیهِ کهنِ نجف اشرف شاهد حضور یک

نابغه با درک و استعداد شگرفی بود که چهره اش نشان از مقام آیت اللهی می داد.

این نوجوان نابغه باید در دروس سنگین فقه اصول شرکت کند، دروس مختلف را نوشته و آنها را در منزل پاکنویس کند، با دوستان همدوره تحصیلش مباحثه کند و پیش مطالعه برای درس های فردا را هم انجام دهد. این مطالعات سنگین آنهم در غربت و با کمترین امکانات موجود؛ در شبانه روز ۱۶ ساعت وقت ایشان را می گرفت. علاوه بر آن، رسیدگی به کارهای شخصی از قبیل: تهیه مایحتاج زندگی و تحمل فشارهای اقتصادی نیز با خودشان بود. معظم له اغلب دورانی را که در نجف اشرف بودند با وضع بسیار سخت و طاقت فرسای اقتصادی مواجه بودند و اغلب، زندگیشان با قرض گرفتن از مغازه داران محل سپری می شد. و این بزرگترین رمز و سرمایه گذاری برای تحصیل و عشق و علاقه به آموختن دانش علوم اسلامی است.

تدریس

معظم له تدریس دوره های مختلف علوم اسلامی را در همان ایام نوجوانی در صحن حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) در نجف اشرف آغاز کردند. تقریر دروس حوزه توسط این نوجوان برای طلاب بزرگسال و میانسال، برای همگان حیرت آور و قابل تقدیر بود.

آیت الله العظمی روحانی پس از مدت کوتاهی که در دروس آیت الله العظمی خویی (ره) شرکت کردند، با تقریر دروس اصول و فقه استاد؛ آنان را برای عده ای از طلاب و علاقمندان به دروس حوزوی، تدریس می کردند. دیری نپائید که چونان خورشیدی در نجف اشرف درخشیدند و به سان درختی پربرگ و بار، برآمدند و در سایه شان خیل مشتاقان را

آرامش می بخشیدند.

به همین دلیل بود که ارتباط آیت الله خویی روز به روز با معظم له بیشتر می شد. با اینکه اغلب آیت الله العظمی خویی در جلسه تدریسشان به کسی اجازه طرح اشکال نمی دادند به آیت الله العظمی روحانی در میان عده ایی از شاگردان می فرمودند: «چرا در مباحثه ها اشکال نمی کنی. من از شما می خواهم اشکال و ایرادهایی که به نظرتان می رسد را مطرح کنید». و این نشان از نبوغ فکری و شایستگی ویژه آیت الله العظمی روحانی دارد.

ارتباط تنگاتنگ استاد و شاگرد تا آنجا ادامه یافت که زیادی از شبهای تعطیلی آن مرجع فقید (ره) به حجره آیت الله العظمی روحانی می آمدند و ساعتهای مدیدی به بحث و بررسی مسائل علوم اسلامی می پرداختند و در انتها معظم له، استاد را تا درب منزلشان همراهی می کردند.

حضرت آیت الله العظمی خویی در سال ۱۳۶۰ (ه. ق) هنگامی که آیت الله العظمی روحانی فقط ۱۵ سال بیشتر نداشتند. طی نامه ای بسیار مهم، عظمت علمی، قدرت و استنباط قوی، هوش و ذکاوت این نابغه بزرگ را تأیید و ستودند (متن کامل نامه که به دست خط مبارک آیت الله العظمی خویی می باشد درسایت اینترنت آیت الله العظمی روحانی و در کتابهای زندگینامه که به زبان عربی و فارسی در لبنان به چاپ رسیده است، موجود است). معظم له به تأیید و مکتوب مهم مراجع و اساتید بزرگوارشان در سن ۱۴ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمدند.

ایشان در اواخر سال ۱۳۲۹ (ه. ش) وارد قم شدند و در اوایل سال ۱۳۳۰ (ه. ش) به تدریس دروس

خارج فقه و اصول در صحن مطهر حضرت معصومه(س) پرداختند. بیش از نیم قرن است که ایشان به تدریس علوم آل محمد(ص) و تربیت هزاران طلبه فاضل و تشنگان دانش ائمه اطهار می پردازند. اغلب شاگردان، پرورش یافتگان و حلقه نشینان منبر تدریسشان؛ از مدرسین نام آور، فضلا و دانشمندان حوزه و عده ای در مسیر مرجعیت قرار دارند.

ایشان به هنگام تدریس، متین و گویا سخن می گویند. به دلیل وسعت احاطه شان بر موضوعات علمی، از پرداختن به زواید پرهیز می کنند. درس ایشان فشرده ای از آراء و مبانی بزرگان و فقیهان نامی به همراه نظریات خودشان است که با بحث و استدلال، بر رد یا قبول آن مبانی می پردازند. در جلسات تدریسشان به مبارزه با جمود، یکسونگری، احتیاط زدگی، تقلید و پیروی کورکورانه از بزرگان می پردازند، زیرا معتقدند که تقلید و تعصب ناروا و غیر منطقی روی اقوال بزرگان و مبارزه با هر نظر نو، توان علمی را از حوزه می گیرد. از این رو معظم له با حفظ احترام بزرگان و تأکید بر این امر، با نظرات آنها نقادانه برخورد می کنند. نظریات جدید و نو، ابتکار در مبانی، خروج از آراء پیشینیان و ژرف نگری در تدریس ایشان موج می زند.

هر چند ایشان به عنوان یک مرجع و فقیه نو اندیش شهرت دارند اما هیچگاه «حکم الله» را به نام «مصلحت» یا «نواندیشی» زیر پا نمی گذارند. فقیه نواندیشی که هیچگاه به انکار سنت و حذف باورهای دینی نمی پردازد.

تألیفات

معظم له از ابتدای زندگی علمی خویش در راستای نشر معارف اهلبیت و گسترش دانش اسلام، هرگز آرام

نگرفتند. زمانی بر مسند تدریس می نشینند و به تربیت و پرورش هزاران دانشمند فاضل و فرزانه می پردازند و زمانی دیگر دست به قلم می شوند و به تألیف کتب ماندگار اسلامی می پردازند.

ایشان به محض ورود به حوزه علمیه قم و احساس نیاز جامعه حوزوی و اسلامی، همزمان با تدریس درس خارج فقه و اصول در سنین جوانی، دست به تألیف دایره المعارف فقه اسلامی می زنند. کتابی ماندگار که بزرگان و اساتید نام آورِ خبره حوزه، مراجع بزرگ تقلید و مدرسین، سر تعظیم و تمجید در برابرش فرو می آورند.

حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) دوبار کتاب «فقه الصادق» را همراه خود به جلسه تدریس شان می برند و به عنوان سند از آن نقل قول و به آن استناد می کنند.

حضرت آیت الله العظمی خویی (ره) طی نامه ایی مرقوم فرمودند که: من کتاب «فقه الصادق» را شخصا برای آیت الله کاشف الغطاء بردم و گفتم: ببیند من چه خدمت بزرگی به عالم اسلام و فقاهت نموده ام و چنین عالم محققی را تربیت کرده ام.

رییس دانشگاه الازهر (مهمترین و عالی ترین مرکز علمی اهل تسنن) نیز طی نامه ای کتاب عظیم «فقه الصادق» را می ستاید.

این کتاب سالیان سال است که یکی از رساترین، معتبرترین و مهمترین منبع تدریس فقه و اصول تشیع است. یکی از دلایل مرجعیت و اعملیت ایشان، ناشی از این تألیفات بخصوص کتاب گرانسنگ «فقه الصادق» است.

۱ فقه الصادق(بزبان عربی): دایره المعارف کامل فقه تشیع. این کتاب عظیم و بزرگ که به عنوان یک منبع مرجع شناخته شده است که در ۲۶ جلد بارهادر داخل و

خارج کشور به چاپ رسیده است. چاپ جدید آن نیز در ۴۱ جلد (با ذکر منابع و مصادر) به چاپ رسیده است.

از تألیف کتاب عظیم «جواهر الکلام» که شامل تمامی ابواب فقه می باشد نزدیک به ۲۰۰ سال می گذرد و کتاب «فقه الصادق» که به اعتقاد بعضی از مراجع و بزرگانِ خبره حوزه، از «جواهر الکلام» رساتر و کامل تر است; اولین و کامل ترین دایره المعارف تمام ابواب فقه در دو سده اخیر است. این کتاب که در سنین جوانی معظم له به رشته تحریر درآمده، مورد عنایت خاصه تمامی مراجع تقلید و بزرگان حوزه های علمیه است. این کتاب در میان علماء عامه (اهل تسنن) نیز شناخته شده و مورد استناد است. کتاب «فقه الصادق» در دانشگاه های معروف غرب (بخش مطالعات اسلام شناسی) یکی از منابع مورد قبول و قابل استناد است.

۲ «زبده الاصول»(به زبان عربی): دوره کامل علم اصول فقه که به صورت بحث استدلالی ارائه گردیده است. این کتاب در ۶ جلد می باشد.

۳ «منهاج الفقاهه»(به زبان عربی): در ۶ جلد می باشد که حاشیه ایی است بر «مکاسب» شیخ انصاری (ره) که به شیوه ایی نو و ابتکاری تمامی موارد ارائه شده را بحث و بررسی کرده اند.

۴ «المسائل المستحدثه»(به زبان عربی): حضرت آیت الله مبتکر مسائل مستحدثه و ارائه مسائل جدید با ذکر مسایل فقهی، روایی هستند. این کتاب که بارها وبارها در خارج و داخل کشور به چاپ رسیده است شامل ارائه مسائل جدید، نو و مورد ابتلای جامعه با ذکر دلایل و مستندات فقهی، روایی و قرآنی می باشد.

۵ تعلیق بر «منهاج الصالحین» در ۳

جلد (به زبان عربی)

۶ تعلیق بر «عروه الوثقی» در ۲ جلد(به زبان عربی)

۷ تعلیق بر «وسیله النجاه» (به زبان عربی)

۸ رساله در لباس مشکوک (به زبان عربی)

۹ رساله در قاعده لاضرر (به زبان عربی)

۱۰ الجبر و الاختیار (به زبان عربی)

۱۱ رساله در قرعه (به زبان عربی)

۱۲ مناسک الحج (به زبان عربی)

۱۳ المسائل المنتخبه (به زبان عربی)

۱۴ رساله در «فروع العلم الاجمالی» (به زبان عربی)

۱۵ الاجتهاد و التقلید (به زبان عربی)

۱۶ القواعد الثلاثه (به زبان عربی)

۱۷ اللقاء الخاص (به زبان عربی) مربوط به «سایت یا حسین»

۱۸ «شرح مناسک الحج و العمره» (به زبان عربی)

۱۹ «توضیح المسائل» (به زبان فارسی و اردو)

۲۰ تحقیقی در مورد جبر و اختیار (به زبان فارسی)

۲۱ «نظام حکومت در اسلام» (به زبان فارسی و ترکی و اردو)

۲۲ مناسک حج (به زبان فارسی)

۲۳ منتخب احکام (به زبان فارسی)

۲۴ «استفتائات قوه قضائیه و مؤسسه حقوقی وکلای بین الملل» (به زبان فارسی)

۲۵ احکام فقهی مسائل روز (به زبان فارسی)

۲۶ استفتائات (پرسش و پاسخ های مسائل شرعی) (به زبان فارسی): که تاکنون در ۵ جلد به صورت سؤال و جواب چاپ شده است و به زودی ۲ جلد دیگر آن منتشر می شود.

۲۷ مجموع استفتائات عربی که به زودی در ۶ جلد منتشر می شود.

۲۸ السیده الزهراء بین الفضائل والظلامات (عربی)

۲۹ فضائل و مصائب حضرت زهرا(س) (فارسی)

مرجعیت

بعد از تشریف فرمایی ایشان از حوزه علمیه نجف اشرف و شروع به تدریس درس خارج فقه و اصول و با توجه به نگارش کتاب عظیم «فقه الصادق» بعد از فوت آیت الله العظمی بروجردی (ره) به پیشنهاد علماء، فضلاء و مدرسین نام آور، رساله عملیه ایشان منتشر

شد. طبق آنچه در کتابخانه ملی ایران موجود است، اولین چاپ رساله توضیح المسائل ایشان مربوط به سال ۱۳۴۰ (ه. ش) می باشد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹